



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

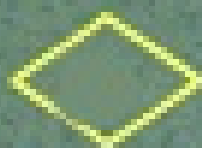


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَنْزَلَ هَذِهِ السُّورَةَ
وَجَعَلَ فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

آزموده‌ها

کلی

دفتر آزمون‌های آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آزموده ها

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲	آزموده ها
۲۲	مشخصات کتاب
۲۲	جلد ۱
۲۲	اشاره
۲۳	مقدمه
۲۴	توضیح
۲۶	آزموده ها انتظارات از روحانی کاروان
۲۶	فصل اول: جایگاه روحانی کاروان
۲۶	اشاره
۳۹	با زائران در نخستین جلسه
۳۹	فصل دوم: روان شناسی زائر
۳۹	اشاره
۴۲	آموزش مناسک و احکام
۷۱	ده مسئله ضروری درباره عمره مفرده
۸۶	شرح وظایف روحانیان کاروانهای عمره
۱۱۱	مساجد و اماکن تاریخی مکه و مدینه
۱۴۹	زیارت، اسرار و معارف
۱۶۹	زیارت
۱۸۶	مکه
۱۸۷	حرم
۱۹۱	کعبه
۱۹۹	طواف
۲۰۹	حجرالاسود
۲۱۲	صفا و مروه
۲۱۵	جلد ۲
۲۱۵	اشاره
۲۱۶	مقدمه
۲۱۸	شرح وظائف روحانیون
۲۲۶	آشنایی با پاسخ برخی شبهات
۲۵۵	نکاتی از مناسک حج و نماز در فقه تطبیقی
۲۸۵	چند استفتاء
۲۹۰	جلد ۳
۲۹۰	اشاره
۲۹۱	آشنایی با این شماره
۲۹۱	اشاره
۲۹۴	الف. توصیه های معاونت امور روحانیون
۲۹۵	ب. مسائل آموزشی و احکام

۲۹۶	ج. اسرار و معارف حج
۲۹۷	د. آشنایی با تاریخ و اماکن
۲۹۹	هـ. مسائل اخلاقی و تربیتی
۳۰۰	و. مسائل سیاسی و اجتماعی
۳۰۰	پیش بینی های لازم
۳۰۲	مدیریت در بحران
۳۰۳	به سوی مسجدالحرام
۳۰۴	چه کنیم زائران قبل از نماز عشا حرمین را ترک نکنند؟
۳۰۶	نماز در مطاف
۳۰۷	جدول فاصله بین اذان و اقامه نمازهای یومیه
۳۱۰	احرام لذت و آرامش در عبادت
۳۱۰	ویژگی های روحانی تأثیرگذار
۳۱۳	با جوانان کاروان
۳۱۳	اشاره
۳۱۸	جوانی گلبرگ پاکی
۳۲۰	جوان و روحیه تعاون و همگرایی
۳۲۱	جوان و جوانمردی در سفر
۳۲۳	جوان و برهیز از واگرایی
۳۲۴	جوان و التوهای پایدار
۳۲۶	جوانان و توصیه پیامبر (صلی الله علیه وآله)
۳۳۵	این بَدْحَتِیْنِ وَنَحْنُ اِلٰی اَیْنِ دَاهِیْنِ؟
۳۴۰	مقدمه
۳۴۱	تاریخ چیست؟
۳۴۳	گذری بر تاریخ حرمین شریفین با توجه به قرأت دوم
۳۴۳	احد
۳۴۳	جوانی که غسیل الملائکه شد
۳۴۶	شهادت کار عاشقان است
۳۴۹	مسجد ذو قیلتین
۳۵۱	مسجد ضرار
۳۵۲	ابوعامر راهب را بهتر بشناسیم
۳۵۴	مکه مکرمه
۳۵۴	هاجر مادر اسماعیل
۳۵۶	سمیه اولین بانوی شهید
۳۵۸	ام المؤمنین خدیجه
۳۵۹	سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر
۳۶۱	ازدواج مبارک
۳۶۲	نقش حضرت خدیجه در اسلام
۳۶۵	هجرت
۳۶۵	زیارت

۳۶۵	قرآن کریم در باره نزاع مردم بعد از مرگ ظاهری
۳۶۶	خداوند متعال رسول خویش را از حضور در کنار قبر منافقین نهی می کند و می فرماید:
۳۶۷	احترام پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دوران حیات و پس از مرگ
۳۶۹	زیارت قبر رسول خدا
۳۷۰	زیارت احساس قرب و تجدید عهد است
۳۷۴	الوسيله الى الله
۳۸۰	قرآن ذکر است
۳۸۶	کرامت
۳۸۹	سعه صدر و بی اعتباری دنیا
۳۹۰	مکه ام القری
۳۹۱	کعبه
۳۹۳	کعبه صدف است
۳۹۵	آدم اولین حج گزار
۳۹۶	احرام
۳۹۷	طواف
۴۰۰	مقام ابراهیم
۴۰۰	حجر الأسود
۴۰۵	تقصیر
۴۰۵	ادب وداع بیت
۴۰۷	جلد ۴
۴۰۷	اشاره
۴۰۸	مقدمه
۴۱۰	آزموده ها و وظایف روحانیون کاروان های حج
۴۱۰	اشاره
۴۱۱	چند آزموده در ایران
۴۱۲	در مدینه
۴۱۳	در میقات
۴۱۴	در مکه مکرمه
۴۱۴	بانوان زائر، نیازها و تمهیدات
۴۱۴	اشاره
۴۱۴	الف: جلسه ویژه بانوان در ایران
۴۱۴	چند نکته ضروری بیان می شود، مانند:
۴۱۵	ب: در مدینه
۴۱۷	ج در مکه مکرمه
۴۱۸	وظایف روحانی کاروان
۴۱۸	کارهایی که انجام آن برای خواهران معینه ممنوع است
۴۱۹	ارزیابی عملکرد روحانیون
۴۲۳	نگرشی بر چند مسئله اعتقادی و فقهی
۴۲۳	اشاره

- ۴۲۴ توقیفی بودن عبادات - - - - -
- ۴۲۴ مشروعیت نماز تراویح در ترازوی قرآن و سنت S نماز تراویح نزد اکثر علمای اهل سنت در شیهای ماه رمضان است. احمد بن حنبل، ثوری، ابوحنیفه و شافعی این نماز را بیست رکعت و مالک آن را سی و شش رکعت می دانند این قلامه، مفتی: ۱/ ۷۹۷- ۵۷۹۹ S ۴۲۵
- ۴۲۵ پیدایش نماز تراویح - - - - -
- ۴۲۷ اعتقاد امامیه درباره نماز تراویح - - - - -
- ۴۲۸ نماز تراویح در روایات اهل بیت - - - - -
- ۴۲۸ موضع صحیحین در برابر نماز تراویح - - - - -
- ۴۲۹ تحقیقی در حدیث صحیحین - - - - -
- ۴۳۰ اختصاص تشریح به خداوند - - - - -
- ۴۳۱ تلاشی برای فرار از ننگ بدعت - - - - -
- ۴۳۴ زیارت اهل قبور - - - - -
- ۴۳۴ اشاره - - - - -
- ۴۳۴ الف: عبرت گرفتن و موعظه کردن - - - - -
- ۴۳۵ ب: یادآوری آخرت و ترک دنیا - - - - -
- ۴۳۶ ج: رشد حس دینی و عواطف شریف انسانی - - - - -
- ۴۳۶ دلیل قرآنی بر مشروعیت زیارت قبور - - - - -
- ۴۳۷ دلیل مشروعیت زیارت قبور به استناد روایات - - - - -
- ۴۳۷ اشاره - - - - -
- ۴۳۷ دسته اول - - - - -
- ۴۳۹ دسته دوم - - - - -
- ۴۴۰ دلیل تاریخی - - - - -
- ۴۴۱ زیارت قبر حضرت رسول - - - - -
- ۴۴۳ سفر برای زیارت قبر پیغمبر - - - - -
- ۴۴۸ رجعت - - - - -
- ۴۴۸ معنای رجعت - - - - -
- ۴۴۹ مرتبه اعتقاد به رجعت - - - - -
- ۴۵۰ ادله اثبات رجعت - - - - -
- ۴۵۰ اثبات رجعت و اقامه دلیل بر آن دارای سه مرحله است: - - - - -
- ۴۵۰ الف) مرحله اثبات امکان رجعت و محال نبودن آن. - - - - -
- ۴۵۳ ج) مرحله اثبات وقوع رجعت در آینده میان جامعه اسلامی. - - - - -
- ۴۵۵ روایات رجعت - - - - -
- ۴۵۶ شبهاتی درباره رجعت - - - - -
- ۴۵۹ نگرش شیعه و سنی به صلوات بر محمد و آل محمد - - - - -
- ۴۶۱ خاندان پیغمبر - - - - -
- ۴۶۲ نگرش فقهی به صلوات - - - - -
- ۴۶۳ چه وقت صلوات واجب می شود؟ - - - - -
- ۴۶۸ تقیه در نظر عامه - - - - -
- ۴۶۹ تقیه در نظر امامیه - - - - -
- ۴۷۱ چرا فقط شیعه به تقیه مشهور شده است؟ - - - - -

۴۷۳	تقیه از مسلمان
۴۷۶	مصحف امام علی
۴۷۷	مصحف (قرآن) امام علی
۴۸۰	ویژگیهای مصحف (قرآن) امام علی
۴۸۱	آیا امام علی مصحف خود را بر مردم عرضه کرد؟
۴۸۳	مصونیت قرآن از تحریف
۴۸۳	اشاره
۴۸۶	۱. روایات ارجاع به قرآن
۴۸۷	۲. موضوع عرض روایات به قرآن
۴۸۸	۳. حدیث تقلین
۴۸۸	احادیث مومم تحریف از عامه و خاصه
۴۹۴	سجده بر خاک
۴۹۴	و تربت امام حسین
۴۹۴	اشاره
۴۹۸	روایات سجده بر غیر زمین بدون داشتن هیچگونه عذری
۴۹۹	روایات سجده بر غیر زمین به خاطر داشتن عذر
۵۰۱	برتر بودن سجده بر خاک
۵۰۲	سجده بر تربت حسینی
۵۰۳	علت اهتمام شیعیان بر سجده کردن بر مهر حسینی
۵۰۳	اشاره
۵۰۳	اصل اول:
۵۰۳	اشاره
۵۰۷	غلو و غالیان
۵۰۸	غلو از دیدگاه دو مکتب
۵۰۹	فرض اول و دوم
۵۰۹	اشاره
۵۰۹	۱. اعتقاد به الوهیت برخی از اشخاص:
۵۰۹	۲. اعتقاد به پیامبری برخی از اشخاص:
۵۱۰	۳. ساقط کردن بعضی از تکالیف شرعی که صوفیه به آن اعتقاد دارند:
۵۱۳	فرض سوم
۵۱۹	توسل
۵۱۹	اشاره
۵۲۱	مجاز بودن توسل در قرآن کریم
۵۲۲	انواع توسلانی که قرآن بیان می کند
۵۲۴	توسل در روایات
۵۲۵	توسل در سیره مسلمانان
۵۲۸	جلد ۵
۵۲۸	اشاره

- ۵۳۰ آزموده های اسرار و معارف حج
- ۵۳۱ اهمیت بیان اسرار
- ۵۳۳ ** توصیه ها
- ۵۳۵ بایدهای مناسک و تازه های فتاوا
- ۵۳۹ یادآوری چند مسئله فقهی
- ۵۴۰ سؤال:
- ۵۴۰ جواب:
- ۵۴۲ سؤال از حضرت امام خمینی (قدس سره):
- ۵۴۲ سؤال از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)
- ۵۴۳ کیفیت نماز در هواپیما
- ۵۴۶ برخی از موارد قابل توجه در بیان احکام فقهی
- ۵۵۱ نکاتی از آرموده های روحانیون
- ۵۵۱ جلسات پیش از سفر
- ۵۵۲ آمادگی برای سفر
- ۵۵۲ آموزش مناسک
- ۵۵۲ اسرار و معارف حج
- ۵۵۳ حسابرسی اموال
- ۵۵۳ وصیت
- ۵۵۳ خداحافظی و حلاوت طلبیدن:
- ۵۵۳ وسایل فرهنگی مورد نیاز در سفر:
- ۵۵۵ در سفر
- ۵۵۵ در فرودگاه مقصد
- ۵۵۵ مدینه قبل:
- ۵۵۷ همراهی زائران
- ۵۵۸ مدینه بعد:
- ۵۵۸ حرکت به سوی میقات مکه:
- ۵۵۹ در مسجد شجره
- ۵۵۹ در مکه:
- ۵۶۰ یادآوری
- ۵۶۱ برنامه سخنرانی و آموزش مناسک در مکه مکرمه
- ۵۶۱ زمان و مکان:
- ۵۶۱ محتوا:
- ۵۶۱ زیارت اماکن
- ۵۶۲ ۶. عصر روز عرفه:
- ۵۶۳ ۷. شب عید قربان:
- ۵۶۳ ۸. روز عید:
- ۵۶۳ ۹. شنبها و روزهای یازدهم و دوازدهم
- ۵۶۵ پیش نیاز گفتوگو با برادران

۵۶۵	الف. توصیه های ضروری
۵۶۶	ب. محورهای مطالعاتی
۵۶۹	نقش روحانی کاروان
۵۷۰	انتظار زائران از روحانی کاروان
۵۷۰	اشاره
۵۷۰	۱. برخورد همراه با محبت
۵۷۰	۲. تواضع و فروتنی
۵۷۱	۳. عزت نفس
۵۷۱	۴. احترام گذاردن به افراد
۵۷۱	۵. برخورد عادلانه با زائران
۵۷۲	۶. توجه به افراد آسیب پذیر و خادمان کاروان
۵۷۲	۷. حضور به موقع در جلسات
۵۷۲	۸. سعه صدر
۵۷۳	۹. توجیه اماکن در حرمین شریفین
۵۷۳	۱۰. مطالب مستند
۵۷۳	۱۱. حفظ حرمت و قداست لباس
۵۷۳	۱۲. داشتن طرح جامع
۵۷۴	۱۳. رسیدگی قرائت و حساب سال
۵۷۴	۱۴. اعلام برنامه جلسات به گونه مکتوب
۵۷۴	۱۵. همراهی با زائران
۵۷۵	۱۶. بیان مطالب متنوع و جذاب
۵۷۵	۱۷. سازماندهی کاروان
۵۷۵	۱۸. رفت و آمد با زائران
۵۷۶	۱۹. توجیه در گروههای کوچک
۵۷۶	۲۰. ایجاد رقابت و نشاط
۵۷۶	۲۱. سامان بخشی کار احرام
۵۷۶	۲۲. اصلاح رفتاری زائران
۵۷۷	روان شناسی زائر
۵۷۷	اشاره
۵۷۸	۱. شناسایی نخستین
۵۷۸	۲. بررسی نیازهای عقیدتی و فقهی زائران
۵۷۸	۳. برنامه ریزی برای رفع نیازها
۵۷۸	۴. جلسه های ویژه برای گردهمایی های مختلف
۵۷۸	۵. روحانی زائر
۵۷۹	۶. ارتباط با افراد منتقد
۵۷۹	۷. ملاک برنامه ریزی
۵۷۹	با زائران در نخستین جلسه
۵۷۹	اشاره

۵۷۹	
۵۸۰	ب. مطالب مورد بحث
۵۸۱	جلد ۶
۵۸۱	اشاره
۵۸۲	پیشگفتار
۵۸۳	بخش اول: نکات فقهی عمره و حج
۵۹۸	بخش دوم: احکام کلی در حج
۶۰۱	بخش سوم: راهنمای فقهی اجرائی عمره و حج پیش از سفر
۶۰۱	اشاره
۶۰۲	حکم خمس پول ثبت نام
۶۱۰	در مدینه منوره
۶۱۵	از میقات تا حرم
۶۲۱	اعمال عمره تمتع
۶۲۵	استفتاء طواف معذورین
۶۳۱	اعمال حج
۶۴۲	استفتاء رمی جمرات توسعه یافته
۶۴۵	استفتاء
۶۴۸	جلد ۷
۶۴۸	اشاره
۶۴۹	مقدمه
۶۵۳	بخش اول: مبانی و اصول تبلیغ
۶۵۳	تبلیغ
۶۵۴	ضرورت و اهمیت تبلیغ
۶۵۵	اهداف تبلیغ دین
۶۵۸	ارکان تبلیغ
۶۵۸	الف- پیام و اهمیت آن
۶۵۸	اشاره
۶۵۸	ویژگیهای پیام
۶۶۲	ب- پیام گزار
۶۶۲	اشاره
۶۶۳	ویژگیها
۶۶۳	اشاره
۶۶۶	چگونه شرح صدر یابیم؟
۶۶۸	چگونه یک پیام گزار غنیف باشیم:
۶۷۰	چگونه یک پیامگزار مردمی باشیم:
۶۷۱	ج- پیام گیرنده
۶۷۱	شیوه های تبلیغ
۶۷۲	گونه شناسی شیوه
۶۷۴	بخش دوم: رهنمودهای تبلیغی به مبلغان- حضرت امام (ره) - رهبر معظم انقلاب اسلامی

۶۷۴	اشاره
۶۷۴	رهتمودهای حضرت امام خمینی ره به روحانیون کاروانها
۶۷۹	رهتمودهای مقام معظم رهبری به روحانیون کاروانها
۶۸۱	توصیه های معاونت امور روحانیون
۶۸۳	بخش سوم: تجربه ها و توصیه ها
۶۸۳	اشاره
۶۸۳	توصیه به مسئولین
۶۸۸	توصیه به مدیران
۶۹۰	توصیه به رابطین
۶۹۰	عوامل موفقیت روحانی، معین و معینه
۶۹۷	توصیه های مربوط به جلسات قبل از سفر
۶۹۷	مسائل کلی
۶۹۸	در بیان احکام و مناسک
۷۰۱	نماز جمعه، جماعت و تحیت
۷۰۲	توصیه ها
۷۰۵	بخش چهارم: نگاهی گذرا به ابعاد عبادی و سیاسی حج
۷۰۵	معارف حج
۷۰۵	بعد عبادی
۷۰۹	بعد سیاسی حج
۷۱۲	بخش پنجم: در حرمین شریفین
۷۱۲	مسجدالحرام
۷۱۳	شناساندن قسمتهای مختلف مسجدالحرام
۷۱۳	الف- ارکان
۷۱۵	ب- نکات دیگری که روحانیون باید مدنظر داشته باشند:
۷۱۶	ج- توصیه به پرهیز از موارد ذیل در مسجدالحرام
۷۱۷	مسجد التبی
۷۱۸	شناساندن اماکن موجود در مسجدالتبی
۷۱۹	توصیه ها
۷۲۱	بقیع
۷۲۱	توصیه ها
۷۲۳	بخش ششم: ویاز هم تجربه و توصیه
۷۲۳	زائران
۷۲۳	توصیه های کلی
۷۲۵	زائران جوان و تحصیلکرده ها
۷۲۶	توصیه ها
۷۲۷	بانوان زائر
۷۳۱	اوقات فراغت زائران
۷۳۴	آداب دعا
۷۳۵	توصیه هایی پیرامون اعمال

۷۳۶	احرام
۷۳۶	طواف
۷۳۸	نماز طواف
۷۳۹	سعی صفا و مروه
۷۳۹	تقصیر
۷۴۰	توصیه های کلی در ایام تشریق
۷۴۲	عرفات
۷۴۳	مشعر
۷۴۷	قربانی
۷۴۸	اعمال مکه
۷۴۹	بخش هفتم: در انتظار دیداری دوباره
۷۴۹	وداع
۷۴۹	الف- مسجدالحرام
۷۵۰	ب- مسجدالنبی
۷۵۰	ج- یقیع
۷۵۱	ره آورد سفر حج
۷۵۳	فهرست منابع
۷۵۵	جلد ۸
۷۵۵	اشاره
۷۵۶	مقدمه
۷۶۲	تعریف تبلیغ
۷۶۲	شاخص های تبلیغ دینی
۷۶۴	پیام گزار دینی (مبلّغ)
۷۶۴	پیام گیرنده
۷۶۴	پیام
۷۶۶	رویکرد پیامبرانه در تبلیغ
۷۶۶	بیان راهکارها
۷۶۶	۱- استفاده از زمان و مکان مناسب
۷۶۸	۲- حلم و بردباری
۷۷۱	۳- جنگ روانی در سیره تبلیغی پیامبر
۷۷۳	۴- تبلیغ الگویی
۷۷۴	۵- احترام به مردم
۷۷۵	۶- تبلیغ عملی
۷۷۷	۷- تبلیغ تدریجی
۷۷۹	۸- عفو و گذشت
۷۸۰	۹- در نظر گرفتن ظرفیت فکری مخاطبان
۷۸۳	۱۰- جهانشمولی تبلیغ
۷۸۵	۱۱- مردمی بودن
۷۸۶	۱۲ شرح صدر

۷۸۷ آثار و نشانه های شرح صدر
۷۸۷ ۱۳- تبشیر و انذار
۷۹۰ ۱۴ سازش ناپذیری در اصول
۷۹۱ ۱۵ تألیف قلوب و ایجاد وحدت
۷۹۲ نتیجه گیری
۷۹۴ سیمای حج در قرآن
۷۹۴ مرکز عبادت
۷۹۴ کعبه مرکز پایداری و قیام
۷۹۴ خانه ای پاکیزه برای طواف
۷۹۵ فراخوانی به حج
۷۹۵ بهره گیری از منافع حج
۷۹۵ بیزاری از مشرکان
۷۹۷ نماز طواف
۷۹۷ قربانی
۷۹۷ وقوف
۷۹۹ تقصیر
۷۹۹ محرمات
۸۰۰ سعی
۸۰۱ تمامیت حج
۸۰۲ حج و نیت صادق
۸۰۲ حج و عمره، بازار آخرت
۸۰۲ تأثیرات حج
۸۰۳ خرج در راه حج
۸۰۳ حج، آرامش بخش دلها
۸۰۳ توجه به زیارت خانه
۸۰۳ زائر حج، مهمان خدا
۸۰۳ محرومیت از حج
۸۰۳ حج، برطرف کننده فقر
۸۰۳ حج و زیارت معصومین
۸۰۵ حج و دوستی اهل بیت
۸۰۵ سعی، محل خضوع متکبران
۸۰۵ حج و خصلتهای نیکو
۸۰۵ حق حج بر گردن حاجی
۸۰۵ علت حج
۸۰۶ قبولی حج
۸۰۷ حج در نگاه امام صادق (ع)
۸۰۹ تجربه ها و توصیه ها
۸۰۹ توصیه به مسؤولان

۸۱۰	اشاره
۸۱۱	الف- در داخل کشور
۸۱۴	ب- خارج از کشور
۸۱۹	الف- در داخل کشور
۸۲۴	ب- در خارج از کشور
۸۳۲	توصیه به معینه های کاروان
۸۳۲	الف- در داخل کشور
۸۳۴	ب- در خارج از کشور
۸۳۸	الف- در داخل کشور
۸۳۸	ب- در خارج از کشور
۸۴۰	توصیه های موضوعی
۸۴۰	میقات و احرام
۸۴۲	طواف
۸۴۲	نماز طواف
۸۴۳	سعی
۸۴۴	تقصیر
۸۴۴	عرفات
۸۴۴	مشعر
۸۴۵	رمی جمرات
۸۴۶	منی
۸۴۸	قربانی
۸۴۸	معذورین از اعمال
۸۴۸	توصیه به زائران «ویژه ایام تشریق»
۸۵۱	حرمین شریفین و اماکن نزدیک آنها
۸۵۱	مدینه
۸۵۲	مکه
۸۵۴	بقیع
۸۵۶	فهرست منابع
۸۵۸	جلد ۹
۸۵۸	اشاره
۸۶۳	مقدمه
۸۶۸	فصل اول کلیات
۸۶۸	اشاره
۸۶۹	عوامل موفقیت روحانیون از نگاه روحانیون
۸۷۲	فصل دوم در ایران
۸۷۲	اشاره
۸۷۳	شناسایی زائران
۸۷۳	همکاری و همکاری زائران و کمک به ضعفا
۸۷۴	اجرای طرح احسان

۸۷۴	
۸۷۵	مقدمات فقهی حج در ایران
۸۷۵	۱. تصحیح نماز
۸۷۵	۲. یادآوری حساب سال
۸۷۵	۳. بیان کیفیت وصیتنامه
۸۷۶	۴. استحباب کوتاه نکردن موی سر و صورت
۸۷۶	۵. پیش نیازهای احرام
۸۷۷	۶. تذکر نکاتی درباره نیابت
۸۷۷	۷. کیفیت نماز در فرودگاه و هواپیما
۸۷۸	۸. بیان کیفیت نماز در مکه و مدینه
۸۷۸	۹. بیان ثواب نماز در مسجدین شریفین
۸۷۸	۱۰. بیان فضیلت شرکت در نماز جماعت اهل سنت
۸۷۹	۱۱. بیان کیفیت نماز خواندن اهل سنت
۸۸۱	۱۲. نکات قابل ذکر در مورد نماز با اهل سنت
۸۸۲	۱۳. حکم سجده در مکه و مدینه
۸۸۲	۱۴. نحوه بیان مناسک و احکام حج در جلسات ایران
۸۸۴	۱۵. ارجاع احتیاط واجب به فالاعلم
۸۸۶	فصل سوم در مدینه
۸۹۱	فصل چهارم در میقات
۸۹۴	فصل پنجم در حرم
۸۹۴	اشاره
۸۹۷	بیان نکاتی در اولین جلسه مکه
۸۹۸	کارهای حرام بین احرام عمره تمتع و احرام حج تمتع
۹۰۰	فصل ششم اعمال حج
۹۰۰	اشاره
۹۰۶	رمی جمرات و بیتوته در منا
۹۰۹	فصل هفتم دیگر موارد
۹۰۹	اشاره
۹۱۲	نمازی پرفضیلت در ماه ذی قعدة
۹۱۳	نماز اول هر ماه
۹۱۳	نماز ده شب اول ذی حجه
۹۱۳	حریم و حرمت خانواده حج
۹۱۵	جلد ۱۰
۹۱۵	مقدمه
۹۳۱	فصل اول مروری بر توصیه ها و دستورالعمل های مصوب
۹۳۱	اشاره
۹۳۲	کلیات
۹۳۳	توصیه های آموزشی
۹۴۰	توصیه های اخلاقی و تربیتی

۹۴۲	
۹۴۳	پیشبینیهای لازم
۹۴۵	مدیریت در بحران
۹۴۷	شرح وظایف معینهای کاروان حج
۹۶۲	فصل دوم روحانی موفق، از نگاه روحانیون
۹۶۲	اشاره
۹۶۳	عوامل موفقیت روحانیون از نگاه روحانیون
۹۶۹	فصل سوم در ایران
۹۶۹	اشاره
۹۷۰	شناسایی زائران
۹۷۲	همیاری و همکاری زائران و کمک به ضعفا
۹۷۳	اجرای طرح احسان
۹۷۴	کیفیت اداره جلسات
۹۷۵	مقدمات فقهی حج در ایران
۹۷۵	۱. تصحیح نماز
۹۷۶	۲. یادآوری حساب سال
۹۷۶	۳. بیان کیفیت وصیتنامه
۹۷۷	۴. استحباب کوتاه نکردن موی سر و صورت
۹۷۸	۵. پیش نیازهای احرام
۹۷۹	۶. تذکر نکاتی درباره نیابت
۹۸۰	۷. کیفیت نماز در فرودگاه و هواپیما
۹۸۱	۸. بیان کیفیت نماز در مکه و مدینه
۹۸۱	۹. بیان ثواب نماز در مسجدین شریفین
۹۸۳	۱۰. بیان فضیلت شرکت در نماز جماعت اهل سنت
۹۸۴	۱۱. بیان کیفیت نماز خواندن اهل سنت
۹۸۸	۱۲. نکات قابل ذکر در مورد نماز با اهل سنت
۹۹۰	۱۳. حکم سجده در مکه و مدینه
۹۹۱	۱۴. نحوه بیان مناسک و احکام حج در جلسات ایران
۹۹۸	۱۵. ارجاع احتیاط واجب به فالاعلم
۹۹۹	فصل چهارم در مدینه
۱۰۰۷	فصل پنجم در میقات
۱۰۱۳	فصل ششم در حرم
۱۰۱۳	اشاره
۱۰۲۱	بیان نکاتی در اولین جلسه مکه
۱۰۲۳	کارهای حرام بین احرام عمره تمتع و احرام حج تمتع
۱۰۲۴	فصل هفتم اعمال حج
۱۰۲۴	اشاره
۱۰۳۸	رمی جمرات و بیتوته در منا
۱۰۴۳	فصل هشتم دیگر موارد

۱۰۴۳	اشاره
۱۰۵۰	نمازی پرفضیلت در ماه ذی قعدة
۱۰۵۱	نماز اول هر ماه
۱۰۵۲	نماز ده شب اول ذی حجه
۱۰۵۲	نماز جعفر طیار
۱۰۵۳	حریم و حرمت خانواده حج
۱۰۵۴	جلد ۱۱
۱۰۵۴	اشاره
۱۰۶۰	پیش درآمد
۱۰۶۳	فصل اول: اقتراح: اسرار حج و عبادات
۱۰۶۳	اشاره
۱۰۶۴	مقدمه
۱۰۶۹	سؤال اول: اسرار و فلسفه عبادات
۱۱۰۵	سؤال دوم: حج و توجه به ولایت
۱۱۱۰	سؤال سوم: حرکت، شعور و شهود در عرفات و مشعر
۱۱۱۲	سؤال چهارم: اسرار و فلسفه حج یا تعبد و تسلیم
۱۱۱۶	سؤال پنجم: روحانیون و اسرار حج
۱۱۱۶	اشاره
۱۱۲۱	فصل دوم: آسان ترین شیوه محاسبه خمس
۱۱۲۱	اشاره
۱۱۲۲	اهمیت وجوب تخمیس اموال
۱۱۲۶	چند مسئله
۱۱۲۸	لیست اموال
۱۱۲۸	اشاره
۱۱۳۰	۱. ارب
۱۱۳۴	۲. هدیه و بخشش
۱۱۳۶	۳. سرمایه
۱۱۳۸	۴. درآمد پس اندازشده
۱۱۴۰	۵. درآمد مصرف شده
۱۱۴۲	۶. قرض و وام مصرف شده
۱۱۴۴	۷. قرض و وام پس اندازشده
۱۱۴۴	۸. قرض و طلب
۱۱۴۶	۹. مهریه
۱۱۴۷	۱۰. دیه
۱۱۴۷	۱۱. وجوه شرعی (خمس، زکات، صدقات)
۱۱۴۹	۱۲. حقوق بازنشستگی
۱۱۵۰	۱۳. حق بیمه
۱۱۵۱	۱۴. مال حلال مخلوط به حرام
۱۱۵۴	خمس سپرده های حج و عمره

۱۱۵۶	مظالم و حکم آن
۱۱۵۹	اشاره
۱۱۵۹	مظالم در لغت
۱۱۵۹	مظالم در اصطلاح فقها
۱۱۶۰	حکم فقهی مظالم
۱۱۶۲	جلد ۱۲
۱۱۶۲	مشخصات کتاب
۱۱۶۳	اشاره
۱۱۷۲	مقدمه
۱۱۷۳	پیش درآمد
۱۱۷۴	مستند، صحبت کردن
۱۱۷۸	اماکن زیارتی مستند
۱۱۷۸	اشاره
۱۱۷۹	۱. مقام امام امیرالمؤمنین (ع) و صافی صفا
۱۱۸۱	۲. وادی السلام
۱۱۸۱	۳. مقام منبر امام زمان (ع)
۱۱۸۳	۴. مقام امام زین العابدین (ع)
۱۱۸۳	۵. مسجد حنّانه
۱۱۸۵	۶. نبی یونس (مقام یونس پیامبر (ع))
۱۱۸۵	۷. قبور سبعة (مشهد بنی الحسن علیهم السلام)
۱۱۸۷	۸. قاسم بن موسی الکاظم علیهما السلام
۱۱۸۷	۹. زید بن علی بن الحسین علیهم السلام
۱۱۸۹	۱۰ و ۱۱. نبی ایوب و ذی الکفل
۱۱۸۹	۱۲. مدائن
۱۱۸۹	۱۳. نواب اربعه امام زمان (عج)
۱۱۹۱	اماکن زیارتی غیرمستند
۱۱۹۱	اشاره
۱۱۹۱	۱. خانه امام علی (ع)
۱۱۹۲	۲. میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی (ع))
۱۱۹۲	۳. عتبه حرم ها
۱۱۹۴	۴. باغ امام صادق (ع)
۱۱۹۴	۵. مقام شیر فضّه
۱۱۹۶	۶. مقام احتجاج
۱۱۹۶	۷. نهر علقمه
۱۱۹۸	۸. خیمه حضرت قاسم
۱۱۹۸	۹. مقام مشکا مقام کشتی
۱۱۹۹	۱۰، ۱۱ و ۱۲. مقام علی اکبر (ع)، مقام علی اصغر (ع)، کفا العتاس (ع)
۱۲۰۲	۱۳. اعمال خرافی در بین الحرمین

۱۲۰۴	اعمال مسجدین سهله و کوفه
۱۲۰۶	اشاره
۱۲۰۶	نکات لازم در اجرای مراسم مسجدین
۱۲۱۱	تجربیات سفر و راهکارهای عملی
۱۲۱۱	الف) هماهنگی با مدیر کاروان
۱۲۱۱	ب) حفظ حرمت مدیر
۱۲۱۲	ج) برنامه ریزی برای طول سفر
۱۲۱۲	د) استفاده از اوقات فراغت زائر
۱۲۱۲	ه) تأکید بر وضوی دائم
۱۲۱۲	و) در دسترس بودن
۱۲۱۴	ز) حضور نمازهای جماعت
۱۲۱۴	ح) پرهیز از بر بایی دو مجلس در یک فضا
۱۲۱۶	ط) حدّ اکثر استفاده از انعطاف پذیری زائر
۱۲۱۶	ی) اصلاح حمد و سوره ها
۱۲۱۸	ک) دقّت در مرتبه خوانی
۱۲۲۰	ل) دقّت در صحیح خواندن متون دعاها و زیارات
۱۲۲۰	م) پرهیز از اجرای برنامه درون حرم ها
۱۲۲۰	یادآوری چند نکته
۱۲۲۰	اشاره
۱۲۲۰	الف) اخلاص
۱۲۲۲	ب) سعه صدر
۱۲۲۲	ج) تواضع
۱۲۲۲	د) نرمخویی و مهربانی
۱۲۲۲	ه) خوش رویی و شادابی
۱۲۲۴	و) حفظ شأن و جایگاه مبلغ دینی
۱۲۲۴	نوع نگاه به زائر
۱۲۲۷	کروکی اماکن زیارتی
۱۲۳۴	درباره مرکز

آزموده ها

مشخصات کتاب

نام کتاب: آزموده ها

نویسنده: معاونت امور روحانیون

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

ناشر: نشر مشعر

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

آزموده ها (۱) - ویژه بانوان معینه، پیش در آمدی بر شرح وظایف و مأموریت معینه های کاروانهای حج

مقدمه

را از ملال خودگرایی و تب جانکاه گناه و خستگی دوری از یاد خدا نجات بخشد و به بهشت خداجویی و تقوا و یاد خدا رهنمون سازد.

امور روحانیون نمایندگی ولی فقه در حج و زیارت، که وظیفه خدمتگزاری روحانیان محترم کاروانها را در جذب، آموزش و اعزام بر عهده دارد، این نوشته را به عنوان یادآوری آموخته ها و آزموده های عزیزان روحانی در عمره ۷۹ فراهم آورده و انتظار آن دارد که با پیشنهادها و انتقادهای این طرح را پربارتر و بارورتر سازد.

شایسته است در این جا، از همکاری دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در عربستان و حجج اسلام آقایان فلاح زاده، مقدادی و رضوانی، که در پدید آمدن این نوشتار ما را یاری رسانیده اند، تشکر می نمایم.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

امور روحانیون

حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج و زیارت

توضیح

دانش بشری بیش از هر چیز وامدار آزموده های انسانهای پرتلاش تاریخ است؛ آزموده هایی که رشد و بالندگی در همه شاخه های دانش انسانی را برمی تابد و همواره مورد توجه و گرامیداشت اسلام و فرهیختگان مسلمان بوده است.

در هدایت و راهبری کاروانهای زیارتی حج و عمره، مربیان زائران در بهینه سازی خدمات فرهنگی و عرفانی، روشهایی گوناگون را در شرایطی متفاوت تجربه کرده اند و این تجربه ها را خود آزموده و اندوخته اند و این در حالی است که مربیان امروز همچنان باید برای کسب آزموده های همکاران دیروز، خود بیازمایند و گاهی با شکست نیز روبه رو شوند.

دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در عربستان، از عمره سال ۷۸ بر آن شد تا تجربه ها و آزموده های موفق روحانیان کاروانها را گرد آورد و در اختیار همگان بگذارد تا بدین وسیله، زمینه بهره برداری بیشتر را فراهم کند. آنچه پیش روی دارید،

حاصل آزموده های روحانیان عمره سال ۷۸ است. به امید آن که با بهره مندی از تجربه های موفق شما برادران عزیز، کیفیت این حرکت روی به بهبود و شکوفایی و بالندگی نهد.

شایسته تذکر است، آزموده ها در شرایط و زمان و مکان ویژه خود با توفیق روبه رو خواهند شد و از این رو، برای استفاده از این آزموده ها، می باید شرایط و روحیات زائران خود را بازشناسید و مواردی را که مفید می دانید به کار گیرید. پیشاپیش، کسانی را که در بهینه بخشی این حرکت، با پیشنهادها و انتقادهای خود ما را یاری می کنند، سپاس می گوئیم.

دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری

در عربستان

آزموده ها انتظارات از روحانی کاروان

فصل اول: جایگاه روحانی کاروان

اشاره

سفر زیارتی حج و عمره و عتبات، سرشار از معنویت، عرفان و تقرب به خداوند است و بیشتر زائران، که سالها در انتظار چنین سفری بوده اند، آماده بهره گیری از آنند و روحانی کاروان، شمع پر فروغ و هدایتگر کاروانیان به سوی اهداف بلند سفر و واسطه این فیض است.

در سفر حج، که به فرموده حضرت امام خمینی (قدس سرهم) «سفر الی الله» است، روحانی وظیفه راهبری و توجیه معنوی زائران و ایجاد پیوند استوار و پیوسته زائران با خدا را به عهده دارد. هنگامی که در مکه با آن دسته از زائران ایرانی روبه رو می شویم که بی کاروان و روحانی بدان مکان مقدس مشرف شده اند و بدون احرام به حرم پای می نهند و یا احرام و اعمال را برابر با فتوای اهل سنت انجام می دهند و یا کسانی که سابقه تشرف

دارند و بدون نظارت روحانی، اعمال را باطل انجام می دهند و متحیر در عمل خود باقی می مانند، به ضرورت وجود روحانی در کاروان و جایگاه او بهتر و بیشتر پی می بریم. از این رو زائران، خود، طالب حضور در کاروانی هستند که از روحانی موفق سود جوید و آنان بتوانند اعمال و مناسک خویش را به گونه صحیح به انجام رسانند. روحانی هم جان آدمی را صیقل می دهد و هم زمینه های صحیح ارتباط با جانان را فراهم می سازد و راههای حفظ این ارتباط را نشان می دهد. او طیب دواوری است که در تمام مراحل سفر در خدمت زائر و کاروان است. همه افراد روحانی وظیفه دارند که این جایگاه بلند و نعمت بزرگ خداوندی را پاس دارند که موجب شده است همسفران بدانان ارج نهند و مصداق سخن امام علی (علیه السلام) شوند که فرمود: «مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ». (۱)

انتظارها از روحانی کاروان

روحانی کاروان خود را خدمتگزار زائر می داند و زائران هر یک به قدر معرفت خویش از روحانی انتظارهایی دارند، ولی باید توجه داشت که وظیفه روحانی خدمت به زائران برای انجام صحیح اعمال است و امور اجرایی کاروان بر عهده او

۱- ۱. کافی الدین علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۶۲۹.

نیست. در زیر کوشیده ایم مهمترین وظایف روحانیان کاروان را باز نماییم و به اختصار از آن سخن گوئیم.

۱- برخورد همراه با محبت

سفر، خود، با مشکلات و جداییها و اشتغالات فکری رو به روست و سفر زیارتی حج یا عمره به دلیل اعمال و مناسک خاص خود، برای برخی کسان دل نگرانیهایی به همراه می آورد و زائران در این سفر به مسئولان کاروان (مدیر و روحانی) اعتماد و تکیه دارند. از این رو، چون روحانی، مربی و معلم زائران به حساب می آید، سزاوار است با محبت و مهربانی و رأفت خویش، آنان را دلگرم کند که این، خو از اخلاق پیامبر گرمی و اهل بیت پاک او (علیهم السلام) است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُوَكِّدُ الْمَوَدَّةَ». (۱)

۲- تواضع و فروتنی

چون زائران احساس کنند که روحانی کاروان یکی از آنان است، راه حل مشکلات اعمال گذشته خود را از او می پرسند و خواستار راهنمایی و همراهی اش برای آینده خویش می گردند. بدیهی است که با وجود روحیه خودبرتربینی در فرد

۱- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۴۴۰۰.

روحانی، این ارتباط و همراهی پدید نمی آید. خداوند به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمان می دهد که (وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) [\(۱\)](#) و این نشان از تأثیر کارساز فروتنی در توفیق مبلغان و آموزگاران دینی و آسمانی است و نیز در حدیث است که «التَّوَّاضُّعُ يَرْفَعُ الْوَضِيعَ». [\(۲\)](#)

۳- عزت نفس

زائران کاروان، خواهان کسب فیض و راهنمایی از روحانی خویشند و این جز از گذر عزت نفس فرد روحانی به دست نمی آید. اگر زائران از روحانی عزت نفس نبینند، به مواعظ و راهنماییهایش با شک و تردید می نگرند. عزت نفس در وجود مقدس پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله) در حد کمال بود؛ چنان که خداوند از مکنون قلب آن پیامبر بزرگ آسمانی (صلی الله علیه وآله) وحی کرد که (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ). [\(۳\)](#)

۴- احترام گزاردن به افراد

برخورد همراه با محبت در جذب افراد کافی نیست، بلکه باید شخصیت افراد را نیز ارج نهاد و این هنگامی عملی می شود

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۵.

۲- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۸۵۳.

۳- سوره فرقان، آیه ۵۷.

که روحانی، زائر را میهمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خداوند بدانند و با قطع نظر از دیگر ویژگی های زائران، به آنان احترام بگذارند تا آنان، خود را دارای جایگاهی ویژه نزد روحانی بدانند و بیشتر به او تمایل یابند که «مَنْ حَسَنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ» (۱).

۵- برخورد عادلانه با زائران

گاه در جمع کاروان افرادی هستند که بنا بر دلایلی به فرد روحانی نزدیک ترند، ولی به هر حال، برخورد روحانی با زائران باید عادلانه باشد و در رسیدگی به امور افراد حق کسی از میان نرود. زائران باید احساس کنند که روحانی به گونه عادلانه بدانان خدمت می کند و بدین سان، ژرفانه بدو بگرایند که «مَنْ عَدَلَ تَمَكَّنَ» (۲).

۶- توجه به افراد آسیب پذیر و خادمان کاروان

در هر گروهی، افراد بیمار و گرفتار و ضعیف هست.

روحانی ضمن دلجویی از چنین کسانی باید در کلیه برنامه ریزیهایش آنان را در نظر گیرد و از میان افراد داوطلب، به نوبت، کسانی را برای یاری آنان معرفی کند و روزانه یک نوبت

۱- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۵۲۹

۲- همان، کلمه ۷۲۸۳.

به خادمان کاروان سرکشی و از زحماتشان قدردانی کند.

۷- حضور به موقع در جلسات

نظم و انضباط در سفر برای هماهنگی سازی زائران در مراحل مختلف سفر دارای سهمی ویژه است و رعایت نظم در زمان تشکیل جلسات و مباحث، عاملی مؤثر در سامان بخشی برنامه هاست و زائران می توانند برای دیگر اوقات خود برنامه ریزی کنند. در این میان، حضور به موقع روحانی در جلسه و آغاز و انجام جلسه در زمان مقرر، نشان از احترام گزاردن به وقت زائران و برنامه اعلام شده است.

۸- سعه صدر

از ویژگی های ضروری مرتبی و مدیر، سعه صدر و تحمل دیگران است. مرتبی شایسته به نتیجه عمل و فعالیت خود می اندیشد و مشکلات زودگذر و بی ارزش را فراموش می کند. از این رو، می کوشد با درک مشکلات افراد، همچون طبیعی دلسوز به درمان آنان پردازد. بدیهی است که در یک گروه صد نفره

یا بیشتر، تواناییها و حساسیتها و نقاط ضعف افراد مختلف است و روحانی باید نقش تربیتی خود را به خوبی و با شکیبایی انجام دهد. امام علی (علیه السلام) می فرماید «آله الریاسه سعه

الصدر، (۱) بسیار روشن است که سعه صدر در امور دینی و تربیتی اثری ژرف و شگرف دارد.

۹- آگاه ساختن زائران

بسیاری از اماکن و مشاعر و زیارتگاه های مکه و مدینه، مورد توجه زائرانند، ولی بسیاری از زائران، شماری دیگر از زیارتگاهها- مانند منطقه بدر، غدیر خم و ربنده- را نمی شناسند و یا زیارت نمی کنند. لازم است روحانی کاروان، زائران را از ارج و تقدس آنها آگاه سازد، هرچند حضور در آنها برایشان مقدور نباشد.

۱۰- مطالب مستند

روحانیان و به ویژه کسانی که چند بار به حج تشرّف یافته اند، نباید در بیان مطالب به محفوظات خود اعتماد کنند، بلکه باید با مراجعه به منابع معتبر، مطالب را مستند نقل کنند تا در شنوندگان تأثیری ژرف بگذارد. این امر در کاروانهای دانشجویی و مشابه آن، که عموماً به منابع نیز مراجعه می کنند، اهمیتی بیشتر دارد.

عوامل موفقیت روحانی کاروان

۱۱- حفظ حرمت و قداست لباس

گاهی روحانی کاروان در حال احرام یا هنگام سخن گفتن، از آراستگی لباس خویش غافل می ماند و ناخواسته بر کیفیت کار خویش آسیب می رساند. باید توجه داشت که حفظ وقار و آراستگی ظاهری در همه حالات، پسندیده و مطلوب است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «السکینه عنوان العقل». (۱)

عوامل موفقیت روحانی کاروان

عوامل موثر در موفقیت روحانی کاروان بسی پر شمارند و البته پدید آوردن همه آنها بر عهده و نیز در توان تو نیست و دیگر کسان نیز می باید در فراهم آوردن آنها بکوشند. در این جا تنها به عواملی که پدید آوردنشان از وظایف روحانی کاروان است، اشاره می کنیم.

۱- اصلاح قرائت و حساب سال

برای انجام این وظیفه، روحانیان از شیوه هایی گوناگون بهره می گیرند. از موفقترین راههای تجربه شده، معرفی زائران به روحانیان مساجد محل به وسیله نامه روحانی کاروان، حاوی

درخواست او برای بررسی قرائت و تسویه حساب سال زائر است. در این شیوه، ضمن این که از توان روحانی مساجد استفاده می شود، زائران با روحانی مسجد محل مرتبط می گردند و بدین سان، شماری بسیار از آنان به برنامه های مساجد، جذب می شوند. روحانی کاروان نیز به امر اصلاح قرائت و حساب سال زائرانی که امکان معرفی آنان نیست، می پردازد.

۲- اعلام برنامه جلسات به گونه مکتوب

هنگامی که زائران در آستانه تشرّف و تهیه نیازهای سفر خویش هستند، باید زمان تشکیل جلسات به صورت روشن به آگاهی آنان برسد و برنامه های مدینه و مکه و نیز زمان تشکیل جلسات مدینه و مکه و

بین الحرمین، پیش از سفر و در ایران به صورت مکتوب در اختیارشان قرار گیرد تا با ملاحظه آن، دیگر کارهای خود را به زمانی دیگر واگذارند.

۳- همراهی با زائران

اگر روحانی در طول مسیر (از فرودگاه گرفته تا مدینه و مکه و زیارت دوره) در اتوبوسهای آنان سوار گردد و با آنان همصحبت شود، مخاطبانی بیشتر خواهد داشت و با کسانی که کمتر در جلسات شرکت می کنند نیز می تواند سخن گوید. در

هوایماهای کوچک، که تنها گنجایش یک کاروان را دارند، روحانی بیشتر می تواند از فرصت استفاده کند.

۴- بیان مطالب متنوع و جذاب

برای برگزاری جلساتی با نشاط و مفید، لازم است وقت سخنرانی در موضوعات لازم، بر اساس اهمیت آنها تقسیم شود. برخی از این موضوعات عبارتند از: تذکرات مناسک و احکام، تاریخ حرمین، اسرار و معارف و اخلاق. در پایان لازم است حدود ۱۰ دقیقه را برای پاسخ به پرسشها در نظر گیرند. در بیان مطالب تاریخی این نکته دارای اهمیت است که در یک جلسه مطلب به پایان نرسد و داستان به صورت نیمه تمام به جلسه بعد واگذار شود. مدت جلسه در حرمین برای عموم، نیم ساعت است، ولی روحانی باید اعلام کند که برای پاسخ دادن به پرسش زائران همواره و در همه حال، آماده است.

۵- سازماندهی کاروان

روحانی کاروان پس از شناسایی زائران، باید به سازماندهی آنان بپردازد. همچنین مسئولان کاروان می باید افرادی را که سابقه تشرّف دارند و از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و داوطلب کمک به دیگران هستند، به عنوان سرگروه معرفی

کنند و از زائران بخواهند که به صورت دلخواه با یکی از این افراد همراه شوند. بدین سان، با تشکیل گروه های چند نفره، روحانی کاروان می تواند در برخی موارد از طریق سرگروه برای ایجاد رابطه اقدام کند. این امر، بر سرعت عمل کاروان در انجام مناسک و بازدیدها می افزاید.

۶- رفت و آمد با زائران

در سفرهایی که مردان در طبقه ای جدای از زنان استقرار می یابند، روحانی با اعلام قبلی و یا هنگام نهار و شام در اتاقهای زائران حضور می یابد و غذا را در کنار آنان میل می کند. این کار، ضمن پدید آوردن ارتباط عاطفی میان زائر و روحانی و اطلاع از وضعیت آنان، زمینه توجیه و شیوه آن را برای روحانی مشخص می کند. به جاست که روحانی از زائران نیز دعوت کند که به اتاق او بیایند.

۷- در حرمین با گروههای کوچک

برای آشنا ساختن زائران با قسمتهای مختلف مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) و مسجد الحرام، شایسته است زائران را به گروه های ۱۰ نفره تقسیم کنند و روحانی کاروان قبل از نمازها آنان را همراهی نموده، آگاهیهای لازم را در این دو مسجد بدانان منتقل سازد.

۸- رقابت و نشاط

برای جلوگیری از احساس خستگی و نیز حفظ نشاط زائران، شایسته است که روحانی کاروان، میان زائران رقابتی سالم پدید آورد و با برگزاری مسابقه هایی در موضوعاتی چون احکام و مناسک و ... کاروان را به تکاپو اندازد.

۹- آخرین مُحرم

هنگام احرام برای بسیاری نگرانی و دلشوره پدید می آید. مناسب است روحانی، با آرامش تمام، در حالی که لباس مقدّس روحانیت در بر دارد، زائران را از احرام آگاه سازد و برای محرم شدن بدانان یاری رساند و آن گاه خود محرم شود. این کار موجب می شود که زائران به دلیل مشخص بودن روحانی کاروان، آسانتر و سریعتر او را بازشناسند و بدو رجوع کنند.

با زائران در نخستین جلسه

فصل دوم: روان شناسی زائر

اشاره

گام نخست در انجام مأموریت به گونه مطلوب، بازشناختن مخاطبان است تا بتوان برابر نیازهای آنان برنامه ریزی کرد.

۱- شناسایی نخستین

روحانی کاروان در این مرحله، اطلاعات اولیه زائران را از مدیر کاروان برمی گیرد (مانند شمار زنان و مردان، شمار خانواده ها، شغل زائران، تحصیلات، قومیتها، حساسیتها و ارتباطات به ویژه در استانهای کوچک) و از سلامتی زائران و افراد آسیب پذیر آگاه می شود.

۲- بررسی نیازهای عقیدتی و فقهی زائران

این مرحله عبارت است از تهیه پرسشنامه هایی ویژه برای

شناسایی مرجع تقلید، سابقه تشرّف، حساب سال، نیابت، سابقه مطالعاتی در مسائل حج و اسرار آن و کتابهای مطالعه شده. پس از آن که زائران پرسشنامه ها را پر می کنند، روحانی کاروان اطلاعات به دست آمده را به گونه ای منظم گرد می آورد.

۳- برنامه ریزی برای رفع نیازها

در این مرحله، روحانی با شناسایی نخستین و اطلاعات تکمیلی، برای رفع نیازهای فرهنگی زائران برنامه ریزی می کنند و در غنی سازی اطلاعات و سامان دادن به وظایف زائران در انجام مناسک می کوشد.

۴- جلسه های ویژه

گاه در کاروان کسانی یافت می شوند که با دیگران دگرگونند؛ یعنی از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و یا در این زمینه بسیار ناتوانند. مناسب است روحانی کاروان برای کم سوادان، جلسه های ویژه ای برگزار کند و در جبران نیاز آنان بکوشد و نیز از افراد توانا برای راهنمایی دیگر زائران سود جوید.

۵- روحانی زائر

اگر در جمع زائران کاروان، فردی روحانی یافت شود،

شایسته است ضمن ایجاد ارتباط با وی، از او خواسته شود که در جمع زائران سخن گوید و در صورت امکان، محل سکونتش در اتاق روحانی کاروان پیش بینی شود.

۶- ارتباط با افراد منتقد

روحانی کاروان می باید به سرعت افراد آسیب پذیر و معترض و منتقد کاروان را بازشناسد و ضمن برقرار ساختن ارتباطی دوستانه به مطالبشان گوش فرادهد و با برنامه ریزی درست، به انتقاداتشان پاسخ گوید.

۷- ملاک برنامه ریزی

در همه برنامه ریزیها می باید بر میانه روی ارج نهاده شود و از افراط و تفریط خودداری گردد.

با زائران در نخستین جلسه

نخستین جلسه برای روحانی کاروان و زائران بسیار مهم است به ویژه اگر سابقه آشنایی نداشته باشند. روحانی کاروان در این جلسه همراه با اطلاعات به دست آمده و نیز با برنامه حساب شده حضور می یابد.

آموزش مناسک و احکام

الف- چگونگی برخورد با زائران

۱- روحانی کاروان، نخست باید خود را معرفی کند و از این که خداوند توفیق همسفری با این گروه را نصیبش کرده است، او را سپاس گوید و متذکر شود که در طول سفر به صورت شبانه روزی در خدمت زائران است.

۲- در معارفه باید برخورد، صادقانه و بی پیرایه باشد و بر شخصیت زائران ارج نهاده شود و روحانی کاروان در صورت امکان هنگام ورود با آقایان دست دهد و احوالپرسی کند.

۳- برخورد اول باید کاملاً عاطفی و همراه با تفاهم باشد. از برخورد مغرورانه باید پرهیز کرد و روحانی کاروان نباید بر خود بیالد که چند بار به حج تشرّف یافته و یا زائران بدو نیازمندند.

۴- روحانی کاروان باید قول دهد که در حدّ توان خویش زائران را خدمت می گذارد نه بیشتر، تا در هنگام عمل، زائران احساس نکنند که میان گفتار و کردار او فاصله ای زیاد است.

ب- مطالب مورد بحث

۱- شایسته است از بهره های معنوی سفر و این که سفر الی الله است و باید در این سفر در پی تحوّل و دگرگونی باشیم سخن

به

۲- دعوت به محبت و همکاری با یکدیگر به ویژه با افراد نیازمند و ناتوان در طول سفر، بسیار پسندیده است.

۳- همچنین می باید اهداف و آداب سفر زیارتی حج یا عمره بیان شود.

۴- از خاطرات افرادی که در سفرهای پیش دگرگون شده اند، می توان به گونه ای شایسته و به عنوان الگو سود جست.

۵- لازم است هر گونه تذکر که باید به اطلاع زائران برسد، در این جلسه و پس از آن به تدریج مطرح شود.

آموزش مناسک و احکام

۱- قرائت و تبلیغ در همه جلسه ها

اگر همسفران افرادی کم سواد هستند، مناسب است پس از خطبه ای کوتاه و سخنرانی، یک بار حمد و سوره و ذکر تلبیه قرائت شود. این کار موجب آشنایی بیشتر زائران با حمد و سوره و تلبیه صحیح خواهد شد.

۲- وسایل کمک آموزشی

امروزه ثابت شده است که آموزش به صورت سمعی-بصری، فرایند یادگیری را سریعتر و ژرفتر می کند. از این رو،

باید سعی شود برای آموزش از تابلو (تخته و گچ) و ماکت کعبه و سعی صفا و مروه استفاده شود. می توان از یک ماژیک وایت برد سود جست و در هر جایی کلاس را تشکیل داد.

۳- پرهیز از بیان اختلاف فتواها

زائر باید در طول سفر از آرامش روحی و روانی کامل برخوردار باشد. از این رو، بیان موارد اختلاف فتواها در جلسه های عمومی، موجب تحیر زائران می گردد. به جاست به زائرانی که فتوای مرجع تقلیدشان دارای اختلافی فاحش با فتوای نقل شده است، جداگانه تذکر داده شود که فتوای مرجع تقلید شما در این مورد به فلان صورت است.

۴- آموزش با پرسش و پاسخ

برخی زائران از اهمیت مسائل و احکام آگاه نیستند و آنها را ساده و روشن می انگارند. مناسب است روحانی کاروان در هنگام سخنرانی و بیان احکام، پس از طرح مسئله ای، حکم آن را از زائران بپرسد. زائران حتماً با اختلاف پاسخ می دهند. در این جا روحانی هم حکم مسئله را به صورت صحیح بیان می کند و هم زائران را از اهمیت مسائل و احکام آگاه می سازد.

۵- احکامی که زائران بدان دچارند

معمولاً- زائران در سفر با احکام حساب سال و خمس، طهارت، نماز، نماز میت و ... روبه رو هستند که لازم است روحانی کاروان مشکلات آنان را در این موضوعات فرو بشکافد.

۶- اصلاح قرائت

برای تصحیح قرائت و تلبیه، افزون بر این که باید از افرادی که سازماندهی شده اند و نیز از ائمه جماعات یاری گرفته شود، می باید سعی شود که عین کلمه ای که غلط خوانده می شود بازشناخته گردد و صحیح آن به صورت مکتوب در اختیار زائر قرار گیرد تا با تمرین اصلاح نماید.

۷- احرام کودکان

در صورتی که در کاروان، کودکی غیر ممیز (نابالغ) یافت شود و والدینش بخواهند او را مُحرم کنند، بهتر است پس از انجام اعمال عمره خود، از تنعیم او را محرم کنند، نه از مسجد شجره یا جحفه، تا با فراغت بال بتوانند به اعمالش برسند.

در مهمانی پیامبر رحمت و ائمه معصومین بقیع (علیهم السلام)

۸- همه جا با مناسک

برای آسان ساختن دسترسی به فتاوی مراجع عظام تقلید، مناسب است مسائل اختلافی هر بخش از مناسک و اعمال را روی صفحه ای مقوایی یادداشت نمایند تا در صورت نیاز در مراحل احرام، طواف، نماز طواف و ... به آن مراجعه کنند.

۹- آموزش به زبان ساده

شایسته است احکام و مناسک را به زبان ساده بیان کنند و از کلمات ناآشنای علمی و فقهی بپرهیزند و توجه زائران را به انجام اعمال با نیت خالص جلب نمایند.

به سوی قبله گاه

۱- با نگاه بدرقه کنندگان

در آستانه حرکت به سوی مکه، به جاست زائران در حسینیه ای گرد آیند تا واپسین خداحافظی ها و بدرقه ها انجام گیرد و حقوق متقابل زائران و بدرقه کنندگان توضیح داده شود. این کار در شهرهای کوچک اثری بسیار ارزنده در پی دارد.

۲- نشاط در مسیر

سفر همواره با جداییها و مشکلات همراه است. روحانی کاروان می تواند در میان راه عربستان با تذکرات لازم و راهنماییها و بیان داستانهای کوتاه و موقعیتهای میان راه و نکات تاریخی، نشاط و شادابی زائران را برانگیزد.

در میهمانی پیامبر رحمت

و امامان معصوم بقیع (علیهم السلام)

در مدت حضور در شهر پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) می باید برنامه ای را که پیشتر در ایران به اطلاع زائران رسانیده اند، به گونه ای استوار عملی سازند تا آموزش مناسک و تقویت بُعد معنوی فراهم آید و غایبان جلسه را بازشناسند و آنان را با محبت به حضور در جلسه ها دعوت کنند. نباید فراموش کرد که شهر مدینه و تاریخچه شگفت آور آن و انتظارت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) از زائران، مطالبی آموزنده اند و سزاوار است که به بیان آیند.

۱- سوغات مدینه یا پای منبر پیامبر و بزرگان معصوم (علیهم السلام)

با توجه به فضای معنوی مدینه و روحیه ای که معمولا

زائران در آن جا به خود می گیرند، به جاست هر روز روحانی کاروان سخنی از معصومین (علیهم السلام) مدفون در مدینه را برای آنان بازگوید؛ سخنی که نیاز واقعی زائران را نیز برآورده کند و این بهترین سوغات مدینه است. می توان برای این کار، پیش از سفر و در ایران برنامه ریزی کرد و روایات مناسب را برگزید.

فوق برنامه های معنویت زا

۲- نخستین تشرّف

زمان تشرّف به حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و قبرستان بقیع از پیش اعلام می شود و روحانی کاروان در نخستین تشرّف همراه با زائران در حرم پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) بقیع حضور می یابد. این امر از تفرق و پراکندگی زائران خواهد کاست و چگونگی و زمان حضور زائر را مشخص می سازد.

۳- جایگاه والای پیامبر (صلی الله علیه وآله)

بایسته است هنگام حضور در مسجد النبی، روحانی کاروان از جایگاه والای آن جا و منزلت آن پیامبر بزرگ آسمانی (صلی الله علیه وآله) در پیشگاه باری تعالی و مقام شفاعت و اخلاق آن حضرت و این که همگان به محضر پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) بار یافته اند، سخن گوید.

۴- در کنار بقیع

زائران در زمان برگزاری نمازهای پنج‌گانه به هیچ روی نباید در پیش بقیع تجمع کنند. در بررسی‌های انجام شده مشخص گردیده است که خطاها و اشتباه‌های زائران به دلیل عدم توجه آنان در مسائل مختلف بوده است.

۵- عرض ارادت به اهل بیت عصمت (علیهم السلام)

از خواندن روضه‌های بی‌مدرک و اغراق‌آمیز در داخل و جلوی بقیع، که با جایگاه با عظمت اهل‌البیت (علیهم السلام) ناسازگارند، باید جداً جلوگیری شود.

۶- بانوان در رواق بقیع

برای استفاده شایسته بانوان از زیارت معصومین (علیهم السلام) و آشنایی آنان با بقیع، می‌توان از راهروی شمالی بقیع سود جست تا هم زیارت رو به قبله باشد و هم شناسایی قبور بقیع به نیکی انجام گیرد.

فوق برنامه‌های معنویت‌زا

زائران حرمین در پی کسب معنویت و از میان بردن معاصی

خودند. از این رو، بیان موضوعات معنویت را موجب توجه بیشتر به اهداف سفر و خودسازی می شود.

۱- سحرخیزی و دعا و استغفار

برخی زائران به بیدار شدن در سحرگاهان خوی نگرفته اند. به جاست با هماهنگی آنان، هر روز هنگام سحر، افراد علاقه مند را برای شرکت در نماز صبح از خواب بیدار کنیم.

۲- ختم قرآن گروهی

قرائت قرآن به صورت گروهی در حرمین اثری مطلوب و معنوی برای زائران و قاریان در پی دارد.

۳- طواف

شایسته است هنگامی که مطاف خلوت است به نیابت از نیکان و به ویژه معصومین (علیهم السلام) و شهیدان و امام راحل - رضوان الله علیه - طواف مستحبی انجام گیرد و در صورت امکان، زائران به شمار ایام سال طواف کنند.

۴- خودسازی

با توجه به فضای معنوی حرمین و این که زائران در آن جا از

مشغله های دنیوی به دورند، بستری شایسته برای تقویت عوامل مراقبه بر خویش در آن جا فراهم است که از این فرصت می باید به گونه ای درخور استفاده شود.

۵- الگوهای مدینه

ذکر جایگاه و منزلت و خُلق و خوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و شاگردان آنان و چگونگی خودسازی و کسب رضایت بزرگان معصوم (علیهم السلام) بهره ای ارزشمند برای زائران در پی خواهد داشت.

۶- قبا و اُحد

شایسته است روحانی کاروان همراه با زائران علاقه مند و توانا، در وقت مناسب (در صورت امکان به گونه پیاده) برای زیارت شهیدان اُحد و نماز در مسجد قبا حرکت کند.

۷- نیایش و ادعیه

سفر حج فرصتی است ارزشمند برای آشناسازی زائران با برخی ادعیه، که در طول سال قرائت می شود؛ مانند دعای عهد و مناجات خمسه عشر. شایسته است هیچ گاه از ادعیه ماثوره در حرمین غفلت نشود.

برنامه ویژه خواهران

۸- هنگام احرام

هنگام احرام، زائر از قربت روحی خاصی برخوردار است و در آن حال آمادگی پذیرش بسیاری از امور، مانند توبه و معاهده با خدا را داراست. مناسب است برنامه ای ویژه با توجه به نوع روحیه زائر برای این مرحله از حج در نظر گرفته شود.

برنامه ویژه خواهران

بانوان، که نیمی از کاروانها را تشکیل می دهند، در سالهای اخیر علاقه مندی خود را با شرکت گسترده در جلسه های دینی نشان داده اند. بنابراین، سزاوار است برای آنان جلسه هایی جداگانه برگزار شود.

۱- آموزش احکام ویژه

فرد روحانی، محرم اسرار زائران است و از طرفی باید زائران، به ویژه بانوان را به احکام و مناسک خود آشنا کند احکام و مناسک اختصاصی بانوان به ویژه احکام معذورین و اخلاقیات ویژه بانوان می باید در این جلسه ها به بحث گذاشته شود.

۲- احرام بانوان

لازم است برای اطمینان از صحّت احرام بانوان، نخست آنان با نظارت روحانی کاروان در محاذی مسجد شجره (در صحن مسجد) محرم شوند و کسانی که مقلّد مراجعی هستند که باید حتماً در داخل مسجد محرم شوند، می باید پس از ورود به مسجد محرم شوند.

۳- همکاری بانوان

شایسته است روحانی کاروان از بین بانوانی که نسبتاً با مسائل دینی آشنایند، چند نفر را برای کمک به افراد ناتوان در ادای تلبیه و قرائت برگزیند و افراد ناتوان را به آنان بسپارد.

۴- تمهیدات ویژه

در جلسه هایی که در ایران برگزار می شوند، می باید به بانوان تذکر داده شود که اجازه نذر از شوهران خود داشته باشند تا در صورت لزوم با نذر از مدینه محرم شوند.

۵- تکرار تلبیه

بانوان در هنگام برگزاری نماز جماعت مغرب و عشا در

مسجد شجره، نباید تلبیه را تکرار کنند، بلکه لازم است سکوت را رعایت نمایند و در زمانی دیگر تلبیه را تمرین و تکرار کنند.

با احرام به سوی حرم

زیارت دوره مدینه

زائران در زیارت دوره مدینه، مساجد قبا، سبعة ذوقبلتین، احد و ... را زیارت می کنند. مناسب است روحانی کاروان به صورت برنامه ای، زائران را به مساجد حاشیه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و مسجد بلال، مسجد ابوذر، مسجد مباحله، مسجد جمعه، مسجد الدرع، مسجد المستراح و فضیخ ببرد و تاریخچه و نکات آموزنده آنها را برای زائران علاقه مند بیان کند و زائران را آگاه سازد که حتی المقدور نماز تحیت بخوانند.

۱- موضوعها و زیارت دوره

در هر یک از مراحل زیارت دوره، با پیش بینی، می توان از مسائل مورد نیاز زائران در موضوعات اخلاقی، سیاسی، اعتقادی و تاریخی سخن گفت و به زائران بهره لازم را رساند.

۲- اماکن در قرآن

درباره بسیاری از اماکن مورد بازدید زائران، آیاتی از قرآن

نازل شده است. اگر روحانی کاروان موارد آیات نازل را از روی قرآن برای زائران بخواند و توضیح دهد، دلپذیرتر خواهد بود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) فرموده است: «مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَ اللَّهِ حُجَّتَهُ هُدِيَ إِلَى التِّي هِيَ أَفْوَمٌ». (۱)

۳- زمان حضور در مساجد حاشیه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)

برای بازدید از مساجد حاشیه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و خواندن نماز تحیت، می توان از فرصت بین نماز مغرب و عشا استفاده کرد که مساجد باز باشند.

۴- بهترین زمان برای زیارت دوره

انتخاب زمان بازدید در زیارت دوره تا حدودی بسیار در اختیار کاروان است. اگر کاروانهای صبح، هنگام طلوع آفتاب حرکت کنند و کاروانهای بعد از ظهر، ابتدا از مسجد قبا آغاز کنند، در فصل گرما، با گرما روبه رو نخواند شد.

با احرام به سوی حرم

تأثیر آموخته های زائران در جلسه های ایران و مدینه، هنگام احرام و ورود به حرم و اعمال نمودار می گردد. بسیاری از

زائران در طول عمر، تنها یک بار به حج مشرف می شوند. از این رو، مناسب است تلاش بایسته انجام

با عرشیان در مطاف

۱- بازگشت به سوی خدا

باید هنگام احرام به زائر تذکر داد که احرام و رفتن به سوی حرم، نمادی از حشر و نشر قیامت و بازگشت به سوی خداست.

۲- وحدت در تلبیه

شایسته است زائران کاملاً از اهمیت تلبیه آگاه گردند و خود، با حال معنوی تلبیه گویند، ولی اگر تلبیه را در خاطر ندارند، مناسب آن است که روحانی کاروان به صورت شمرده و کلمه کلمه تلبیه را بر زبان آورد و زائران به صورت هماهنگ پاسخ دهند.

۳- معنای تلبیه

بیشتر زائران معنای تلبیه را نمی دانند و از این رو، هنگام تکرار آن احساس معنوی پیدا نمی کنند. تجربه نشان داده است که اگر در همه جلسه ها، تلبیه همراه با ترجمه اش برای

زائران بازگفته شود، مفید و مؤثر است.

۴- تلبیه در تعقیب نماز عشا

سزاوار است در صورت امکان، پس از نماز عشا، زائران به صورت جماعت، یک بار و هماهنگ تلبیه را بازگویند.

۵- نظارت بر احرام و تلبیه

در مسجد شجره باید بررسی شود که آیا همه زائران تلبیه را گفته اند یا نه. به ویژه افرادی که باید تلبیه را بدانان تلقین کرد، بدین کار نیازمندترند.

با عرشیان در مطاف

مطاف محبوبترین نقطه ای است که زائر در طول سفر حج یا عمره برای انجام دستور الهی در آن جا حضور می یابد و نتیجه آموزشها و آموخته ها در این نقطه پدیدار می شود و در همین جایگاه است که زائران با حالت روحی خاصی رو به رو می گردند و گاهی آموخته ها را فراموش می کنند. در واقع، هنر روحانی کاروان آن است که با مقدماتی که پیش می بیند، زائر را با آرامش وارد مطاف کند.

۱- پیش از ورود به مسجد الحرام

روحانی ابتدا از وضعیت شستشوی مسجد الحرام و امکان طواف اطلاع به دست می آورد و زائران را در خارج از مسجد برای ورود به مسجد و مسائل مربوط به آن توجیه می کند و تذکرات- از جمله محل گمشدگان و آرامش در اعمال- را یادآوری می نماید.

۲- نخستین نگاه

زائران هنگام ورود به مسجد، ادعیه مربوطه و سلام به حضرت ابراهیم (علیه السلام) را بر زبان می آورند و سپس سجده شکر به جای آورده، حاجتهای خود را از خداوند می خواهند.

۳- نگرستن به طواف کنندگان

برای آشنایی بیشتر زائران با چگونگی طواف، باید از آنان بخواهیم که چند دقیقه در ایوان مقابل رکن یمانی و حجر الاسود باز ایستد و طواف دیگر زائران را بنگرند. باید تبت طواف را به صورت بسیار ساده به آنان بیاموزیم تا در مطاف بدون توقف و یا مزاحمت برای دیگران طواف کنند.

۴- وقت طواف

انتخاب وقت طواف در انجام آسان این عمل واجب و تلاقی نیافتنش با هنگام نماز جماعت بسیار مؤثر است. در شبهای کوتاه تابستان، انجام عمل پس از نماز صبح مناسبتر است. البته لازم است به برادران و خواهران برای رعایت شرایط و واجبات تذکراتی ارائه داد.

۵- زائران جوان

در شبهای کوتاه تابستان، کاروانهای یکدست جوان، می توانند هنگام ورود به هتل پیش از تحویل گرفتن اتاقها به مسجدالحرام مشرف شوند و اعمال را انجام دهند و برای وضو گرفتن از وضو خانه مسجدالحرام سود جویند.

۶- خروج از مطاف

خروج یکباره کاروانها از مطاف مزاحمتی بسیار برای دیگر طواف کنندگان پدید می آورد. از این رو، مناسب است روحانی کاروان، زائران را از حدود مستجار و رکن یمانی به تدریج به سوی راست هدایت کند تا هنگامی که مقابل حجرالاسود می رسند، به راحتی از مطاف خارج شوند. (توجه به فتاوی)

مراجع نیز بایسته است).

زیارت دوره مکه

۷- اعمال روحانی کاروان

گاه رسیدگی به اعمال زائران، وقتی بسیار می خواهد و دقتی بیشتر می طلبد؛ مانند زائرانی که اهل مناطق محرومند. در چنین حالتی، شایسته است روحانی کاروان اعمال خود را همزمان با زائران انجام ندهد، بلکه بر اعمال آنان نظارت کند و اعمال خود را در وقتی دیگر انجام دهد.

۸- دعای اشواط

زائر در ادعیه اشواط، افزون بر ادعیه مأثور می تواند در شوط او ذکر «استغفرالله» را بر زبان آورد و در شوط دوم «سبحان الله» و در شوط سوم «الحمد لله» و در شوط چهارم «لا اله الا الله» و در شوط پنجم

«الله اکبر» (تسبیحات اربع) و در شوط ششم صلوات و در شوط هفتم برای خود و ملتسمین دعا حاجت بخواند و دعا بخواند و از تکرار نام امامان (علیهم السلام) در مطاف خودداری کند؛ زیرا نام بردن از این بزرگان پاک نهاد (علیهم السلام) پی آمدهایی زیانبار در پی دارد و موجب برانگیخته شدن خشم مخالفان می گردد و چه بسا برای شیعه و بزرگان معصوم (علیهم السلام) توهین و بی احترامی به همراه آورد.

۹- نیایش در سعی

در «سعی» می توان از دعای «جوشن» یا «مجیر» سود جست. شایسته است روحانی کاروان، زائران را از معنای قسمتی که تکرار می شود، آگاه سازد.

زیارت دوره مکه

برای زیارت دوره مکه، بیشتر کاروانها، قبرستان ابوطالب، منی، مشعر، عرفات، جبل الثور و جبل النور را باز می بینند یا زیارت می کنند، ولی از بسیاری اماکن مهم دیگر بازدید نمی کنند؛ اماکنی مانند مسجد البیعه در منی مسجد جن، مسجد الرایه، مسجد حمزه سیدالشهداء، مولد النبی (صلی الله علیه و آله)، شهدای فح و ... سزاوار است روحانی کاروان در سخنرانی خویش از این اماکن نیز سخن گوید و همراه با علاقه مندان از آنها دیدن نماید. بهتر است منطقه شهدای فح را به صورت غیر گروهی زیارت کنیم.

۱- اماکن درون مسجدالحرام

برای این که اماکن درون مسجدالحرام را به زائران معرفی کنیم، بهتر است به طبقه فوقانی و یا به نزدیکی همان آثار رویم

و بدین کار همّت گماریم.

۲- قبرستان ابوطالب

بایسته است درباره شخصیت های مدفون در قبرستان ابوطالب، به ویژه «امّ المؤمنین» حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت ابوطالب (علیه السلام) توضیحات شایسته به دست داده شود تا زائران با شناختی بهتر زیارت کنند.

زمان این توضیحات، هنگام شب، پیش از زیارت است؛ زیرا اگر هوا گرم باشد، در روز مناسب نیست زائر را معطل کرد.

دستاوردهای سفر

۳- شهیدان جمعه خونین

سزاوار است در قبرستان ابوطالب از شهیدان انقلاب اسلامی و جمعه خونین یاد شود و فاتحه ای به روح ارجمندشان هدیه گردد.

۴- عارفانه در عرفات

در عرفات می باید حداکثر چهار سطر از دعای عرفه با انتخاب روحانی کاروان و نیاز زائران شرح و توضیح داده شود. باید از توسلات طولانی و دعای توسل و زیارت عاشورا پرهیز کرد و از حرکت امام حسین (علیه السلام) و اهداف بزرگ آن امام همام و

حسینی زیستن و حسینی رفتن به گونه ای مختصر و مفید سخن گفت.

۵- زیارت مشاعر

در حج تمتع، عموم زائران، شبانه به عرفات و مشعر می رود و از آن جا خارج می شوند. زائران، سرزمین منی را به دلیل ازدحام جمعیت نمی توانند به گونه شایسته بازدید کنند. کاروانهایی که پس از انجام اعمال در مکه فرصتی کافی دارند، مناسب است زائران علاقه مند خویش را با هزینه خود آنان یک بار به دیدن این اماکن ببرند؛ مانند آنچه در عمره انجام می شود و در هر مورد توضیحات لازم را برای آنان بیان کنند.

دستاوردهای سفر

سفر زیارتی خانه خدا، اگر به گونه ای شایسته انجام گیرد و پیام الهی اش در جان زائران بنشیند، می تواند زائران را برای یک عمر بیمه کند و این توفیقی است بزرگ که خداوند به زائران خویش عطا می کند.

۱- درمان بیماریهای روحی

روحانی کاروان، که در حقیقت مربی زائران است، در مدت

حضور در کاروان باید بیماریهای روحی زائران را بازشناسد و به درمانشان بپردازد و فرصتها را برای انجام این وظیفه الهی غنیمت شمارد.

۲- توجه به نیازهای روز

جامعه امروز ایران اسلامی، جوان است و از این رو، مناسب است روابط و وظایف متقابل والدین و فرزندان از نظرگاه اسلامی برای زائران به بیان آید. بهره جستن از آنچه در جلد ۱۵ کتاب وسائل در این باره آمده است، بسیار کارساز و مشکل گشا خواهد بود.

۳- سپاسگزاری از خداوند

سپاسگزاری در هر نعمتی باید با نعمت سازگار و متناسب باشد. زائران باید بر شکرگزاری خداوند، از آن روی که آنان را به خانه خویش دعوت کرده است، بیفزایند و روحیه بندگی و نیایشگری و سپاسگزاری را در خویش توانمند سازند و در حفظ آن بکوشند.

۴- واپسین ودعا

شایسته است روحانی کاروان هنگامی که حاجیان، اعمال

حج را با موفقیت به پایان رسانیده اند و اینک می خواهند به وطن خویش بازگردند، با یکایک آنان وداع کند و در فرودگاه جده و ایران با حاجیان و به ویژه با آقایان خداحافظی کند و برای زدودن کدورتها و بخشودن قصورها عذرخواهی نماید.

۵- پاسداری از دستاوردهای سفر

زائران خانه خدا، پس از آن که به سرزمینهای خویش باز می گردند، باید بکوشند که دستاوردهای این سفر ارزشمند الهی را از کف ندهند و همواره از رهاوردهای شکوهمندش بهره مند مانند. چه خوب است، حاجیان، سالانه در روزی گرد یکدیگر درآیند و به مناسبت سالگرد تشریف، از آن روزهای عرفانی سخن گویند و یکدیگر را به پاسداری از دستاوردهای سفر الهی حج سفارش کنند.

ده مسئله ضروری درباره عمره مفرده

آشنایی با احکام و مناسک عمره و حج از شرایط اصلی و اساسی روحانی کاروان و راهنمای زائران بیت الله الحرام است، ولی از آن جا که در سالهای اخیر به دلیل تعدد مراجع معظّم تقلید و تفاوت فتاوا در بسیاری از مسائل، شناخت تمام موارد اختلافی و حضور ذهن نسبت به آنها کاری دشوار است، ضروری می نمود که در این مبحث، ده مسئله از مسائلی که جزو مهمترین مسائل اختلافی و ضروری عمره به شمار می آیند، همراه با فتاوی مراجع تقلید مذکور آیند تا دستیابی به وظیفه زائران برای روحانیان معظّم آسان گردد.

بسیاری از روحانیان گرامی بر این گونه مسائل تسلطی شایسته دارند، یا مناسک محشای عمره و حج را در سفر به همراه خویش دارند، ولی بهره جستن از نوشته حاضر، از تباه شدن وقت زیاد برای جستوجو در منابع مفصل جلوگیری

می کند و رسیدن به مطلوب را آسان می سازد.

بقا بر تقلید

* آیت الله خامنه ای: بقا در تقلید میّت جایز است حتی در مسائلی که عمل نکرده است.

* آیت الله فاضل: در صورت تساوی، بقا جایز و عدول به زنده محل اشکال است و اگر یکی از آنها اعلم است، تقلید از او لازم است، و بین مسائلی که عمل کرده و عمل نکرده تفاوتی نیست.

* آیت الله تبریزی: در مسائلی که یاد گرفته و فراموش نکرده است، بقا لازم است و در مسائلی که یاد نگرفته است، رجوع به مجتهد زنده لازم است.

* آیت الله صافی: مجتهد زنده اعلم است ظ رجوع به حیّ واجب است.

مجتهد مرده اعلم است ظ بقا بر تقلید او، احتیاط واجب است.

هر دو مساوی هستند ظ بقا جایز است.

* آیت الله بهجت: در مسائلی که تقلید و عمل کرده است:

میّت اعلم است ظ بقا واجب است.

زنده بعداً اعلم شده است ظ در تمام مسائل باید به او

عدول کند.

با هم مساوی هستند ظ بقا جایز است.

* آیت الله سیستانی: میّت اعلم است ظ بقا واجب است.

زنده اعلم است ظ رجوع به زنده واجب است.

صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد کافی است.

* آیت الله وحید: میّت اعلم بوده است ظ تا زمانی که اعلمیّت مجتهد زنده ثابت نشود، بقا واجب است، چه در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد و چه فتوای او را یاد گرفته یا نگرفته باشد.

مجتهد زنده اعلم است ظ واجب است به حی رجوع کند.

(۱)

[۲۰۲] احرام در مسجد شجره

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، فاضل، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب داخل مسجد محرم شوند.

* آیت الله خامنه ای و آیت الله بهجت: باید داخل مسجد شوند. (آیت الله بهجت) و احتیاطاً احرام از

مسجد قدیمی باشد، و با فحص از اهل اطلاع، توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب

می شود و در صورت عدم امکان دخول به مسجد قدیمی، از محاذی آن جا محرم شوند.

* آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

* آیات عظام خویی، تبریزی و وحید: در بیرون مسجد به گونه ای که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد، محرم شوند، کافی است، هر چند احتیاط مستحب آن است که داخل مسجد محرم شوند.

* آیات الله مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می کند، هر چند از داخل مسجد مستحب است.

* آیت الله زنجانی: ۱- احتیاط واجب آن است که نماز و نیت احرام در مسجدی که در منطقه ذوالحلیفه واقع است و به آن مسجد شجره می گویند، انجام شود. ۲- محرم می بایست تلبیه را در منطقه ذوالحلیفه بگوید و لازم نیست در خصوص مسجد باشد، هر چند مطابق احتیاط استجابی است. (مناسک نوین، ص ۶۰)

[۲۰۳ و ۲۰۴] وظیفه زن حائض برای احرام

در مسجد شجره

* امام خمینی: اگر می‌تواند، باید در حال عبور از مسجد محرم شود و اگر نمی‌تواند، در حال عبور محرم شود و اگر نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در جحفه یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

* آیت الله اراکی: احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود.

* آیات عظام گلپایگانی، فاضل و صافی: اگر نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد.

* آیات عظام سیستانی، خوبی و وحید: می‌تواند بیرون مسجد محرم شود.

* آیت الله مکارم: هر کس می‌تواند، در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.

* آیت الله بهجت: اگر نمی‌تواند وارد مسجد شود، در خارج مسجد، محاذی آن محرم شود، بنابر احتیاط و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می‌کند.

با توجه به مسئله قبل و در وضعیت کنونی، که بانوان را به قسمت قدیمی مسجد راه نمی دهند، برای بانوان چند راه وجود دارد:

- در این احتیاط به فتوای دیگری رجوع کنند.

- از مدینه محرم شوند.

- به احتیاط عمل کنند.

* آیت الله خامنه ای: اگر نمی تواند در حال عبور از داخل مسجد محرم شود، واجب است از جحفه یا محاذی آن محرم شود.

* آیت الله زنجانی: حائض می تواند در خارج از مسجد نیت نموده، تلبیه بگوید و می تواند در حال مرور از مسجد شجره نیت کرده، تلبیه بگوید، بلکه این کار مطابق احتیاط استحبابی است. (مناسک نوین، ص ۶۰)

(۳)

[۴۴۴] سوار شدن بر خودروی مسقف در شب

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت و صافی: جایز است.

* آیت الله خویی: اگر سرما و گرما و باران و باد نباشد، به گونه ای که وجود و عدم سایبان، یکسان باشد، اشکال ندارد.

* آیت الله سیستانی: اگر باران نباشد، اشکال ندارد، ولی اگر

باران باشد، کفاره دارد و بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط، در حرمت استظلال فرقی میان شب و روز نیست.

* آیت الله خامنه ای: در شبهای بارانی و سرد، بنابر احتیاط واجب، جایز نیست، مگر آن که حرجی باشد.

* آیت الله مکارم: در شبهای سرد و بارانی باید کفاره بدهد.

* آیت الله وحید: احتیاط واجب ترک تظلیل در شب است. (همان، ص ۹۰)

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان)

(۴)

[۴۳۸ و ۵۰۸ و ۵۲۰] زیر سایه رفتن در شهر مکه

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، مکارم، فاضل، خامنه ای و صافی: جایز است.

* آیت الله خویی: بنابر احتیاط واجب، تا پیش از رسیدن به مکه قدیم، نباید استظلال کند.

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان)

* آیت الله تبریزی و آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است برای

حوائج غیر خانه و مانند آن.

(۵)

[۵۰۹] احرام از تنعیم

و سوار شدن بر خودروی مسقف تا مسجد الحرام

* آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، اراکی، خامنه ای، مکارم، فاضل و صافی: مانع ندارد.

* آیت الله خویی: بنا بر احتیاط واجب، تا پیش از رسیدن به مکه قدیم نباید استظلال کند.

* آیات عظام تبریزی، سیستانی، و بهجت: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان، ص ۹۱)

(۶)

[۵۹۲ و ۵۹۵] طواف در محدوده مقام ابراهیم و کعبه

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، فاضل، زنجانی، بهجت و صافی: لازم است در همین محدوده طواف کنند در همه اطراف.

(آیت الله اراکی): بنا بر احتیاط واجب، در طرف حجر اسماعیل نیز، این محدوده از دیوار کعبه محاسبه می شود. (آیت الله

فاضل و آیت الله زنجانی): در طرف حجر

اسماعیل این فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

* آیات عظام خویی، گلپایگانی، صافی، مکارم، سیستانی، خامنه ای و وحید: لازم نیست هر چند احتیاط مستحب است که در این محدوده طواف کند.

* آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط واجب، باید در همین محدوده طواف کند، ولی در موارد ازدحام، طواف در خارج این محدوده نیز کافی است.

(۷)

[۷۸۹] وظیفه کسی که نمازش صحیح نیست

در نماز طواف

* آیت الله امام خمینی و آیت الله فاضل: خود بخواند کافی است و اگر ممکن است کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اکتفا کند، لیکن اکتفا به نماز جماعت نکند.

* آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی: خود بخواند و به جماعت نیز بخواند، و اگر نایب نیز بگیرد، بهتر و مطابق با احتیاط است.

* آیت الله وحید و آیت الله اراکی: خود بخواند و احتیاط آن است که در صورت امکان به جماعت بخواند و نایب نیز گیرد.

* آیت الله مکارم: خود بخواند و جماعت و نایب گرفتن لزومی ندارد.

* آیت الله خویی و آیت الله تبریزی: احتیاط آن است که خود بخواند و آن را به جماعت بخواند و نایب نیز بگیرد.

* آیت الله سیستانی: اگر مقدار زیادی از قرائت حمد را بتواند صحیح بخواند، خواندن نماز با این کیفیت کفایت می کند و اگر نتواند، احتیاط این است که همان مقدار و مقدار دیگری از آیات قرآن را به گونه صحیح بخواند و گرنه تسبیح بگوید.

* آیت الله بهجت: اگر ممکن است، نماز را به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان با جماعت، عمل به وظیفه یومیه کافی است.

* آیت الله خامنه ای: خود بخواند و بنا بر احتیاط، نایب نیز بگیرد.

* آیت الله زنجانی: بر هر شکل می تواند هر چند با تلقین کسی دیگر، نماز را بخواند.

(۸)

[۱۷۳ و ۱۸۶] فاصله دو عمره

* امام خمینی: احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه به

قصده رجا به جای آورده شود.

* آیت الله اراکی: احتیاط آن است که در کمتر از ده روز به قصد رجا آورده شود، ولی اگر عمره به نیابت از دیگری باشد، رعایت فاصله لازم نیست.

* آیت الله گلپایگانی و آیت الله زنجانی: فاصله شرط نیست، بلکه می توان در یک روز چندین عمره مفرده به جای آورد.

* آیات عظام خویی، مکارم، تبریزی، سیستانی، فاضل و صافی: فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می توان یک عمره به جای آورد، ولی انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری، یا دو عمره برای دو نفر متفاوت، جایز است.

* آیت الله خامنه ای: فاصله معینی شرط نیست، ولی بنا بر احتیاط، در هر ماه تنها یک عمره می تواند برای خود به جای آورد، لکن به جای آوردن عمره برای غیر خود، هر نفر، یک عمره جایز است.

* آیت الله بهجت: فاصله معتبر نیست، هر چند افضل در عمره دوم این است که در ماهی دیگر غیر از ماه عمره اول باشد، یا با فاصله ده روز میان دو احرام باشد، بلکه یکی از این دو فاصله احوط است.

* آیت الله وحید: بنا بر احتیاط، دو عمره در یک ماه برای خود

می تواند به جای آورد. البته می تواند عمره دوم را رجائاً به جای آورد، ولی در دو عمره نیابتی، فاصله معتبر نیست. (همان، ص ۲۱۳ و ۲۱۵)

(۹)

[۱۳۱۶] اماکن تخییر

* امام خمینی و آیت الله اراکی: در تمام مسجدالحرام و مسجدالنبی، حتی در قسمت‌های توسعه یافته، مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند و این حکم اختصاص به مسجدین شریفین دارد.

* آیت الله بهجت: در قسمت قدیمی مسجد، مسافر می تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند، هر چند احتیاط مستحب آن است که شکسته بخواند، و در قسمت‌هایی که در آغاز جزو این مساجد نبوده اند، احتیاط واجب آن است که نماز را شکسته بخواند.

* آیات عظام خویی، تبریزی و وحید: این حکم اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد، بلکه در شهر قدیمی مکه و مدینه، مسافر می تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند.

* آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی و سیستانی: در تمام شهر مکه و مدینه، مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.

(۱۰)

[۱۳۱۳ و ۱۳۳۴] شرکت در نماز جماعت اهل سنت و

سجده بر فرش

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، و مکارم: از نماز یومیّه کفایت می‌کند، حتی با سجده بر فرش و اعاده لازم نیست.

* آیت الله گلپایگانی: شرکت در نماز آنان خوب است، ولی با تمکّن، نماز را با شرایط کامل اعاده کند و سجده بر فرش در مورد تقیّه مانع ندارد و در صورت محذور اعاده نماید.

* آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: در صورتی که قرائت نماز را بخواند، هر چند در نماز جهریّه به اخفات باشد، کفایت می‌کند و در نماز جمعه، پس از آن، نماز را بخواند و اگر در این مساجد جایی باشد که بتوان بر چیزی مثل سنگ و موزائیک سجده کرد، که سجده بر آن صحیح است، باید در آن جا نماز بخواند، و اگر چنین موضعی نباشد، نمازی که در آن، بر فرش سجده کرده، مجزی است.

* آیت الله بهجت: خوب است شرکت کنند، و در صورت امکان بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنند، و اکتفا

به غیر آن خلاف است.

* آیت الله فاضل: نماز با آنها کفایت می کند، و اگر چیزی که سجده بر آن جایز است، پیدا نشود و از چیزی مانند حصیر نتواند استفاده کند، سجده بر فرش مانعی ندارد و اعاده لازم نیست.

* آیت الله صافی: شرکت در نماز جماعت اهل سنت، از نماز یومیه کفایت می کند و اعاده آن لازم نیست، گرچه اعاده موافق با احتیاط است و سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد.

شرح وظایف روحانیان کاروانهای عمره

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سرهم) باری دیگر روح حج ابراهیمی در کالبد احکام و مناسک حج و عمره دمیده شد و با هدایتها و رهنمودهای ایشان و مقام معظم رهبری، روحانیان محترم کاروانها، زائران گرامی حرمین شریفین را برای انجام صحیح و با محتوای اعمال حج، راه می نمایند. باشد تا در این فرصت معنوی، میهمانان الهی با توشه ای گران از سرزمین وحی به وطن اسلامی بازگردند و یک عمر خود را بیمه سازند.

شما عزیزان روحانی مورد دعای پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) هستید که بارها از پیشگاه خداوند می خواست: «اللّٰهُمَّ ارحم خلفائی». آن گاه که از مقصود آن حضرت از خلفایشان پرسیدند، فرمود: «آنان که سخن و شیوه مرا تبلیغ می کنند و آن

را به امت من تعلیم می دهند.» (۱)

آشکار است که در حج، آثار و اخبار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مطرح می شود و مورد توجه مسلمانان قرار می گیرد. امام صادق (علیه السلام) به هشام بن حکم می فرماید: «در حج آثار و اخبار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شناخته شود و مورد توجه قرار گرفته، غبار فراموشی از آن زدوده می گردد.» (۲)

۱- امالی صدوق، ص ۱۵۲، ح ۴.

۲- میزان الحکمه نقل از علل الشرایع، روایت ۳۲۶۷.

اکنون که با دعوت الهی به سوی قبله مسلمین رهسپارید، روانهای پاک امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را دریابید و آنان را به روح اعمال و مناسک، فلسفه عبادت، تاریخ اسلام، فداکاریها، ایثار امامان (علیهم السلام) و امت اسلامی در طول تاریخ آشنا تر سازید تا به فرموده حضرت امام رضا (علیه السلام) در دین تفقه یابند و راه امامان (علیهم السلام) را برای مردم سرزمینهای دیگر بازشناسند و شاهد بهره های فراوان معنوی اش باشند. [\(۱\)](#)

مجموعه ای که از این پس می آید، بخشی از وظایف روحانیان کاروانها و تذکرات بایسته ای است که باید به معتمران، پیش از سفر و در طول سفر گوشزد نمود تا همگان از بهره های معنوی این سفر مبارک بهره مند شوند.

۱- همان نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام، روایت ۳۲۷۲.

وظایف روحانیان کاروانهای عمره

- ۱- تشکیل دو جلسه آموزشی پیش از عزیمت، با همکاری مدیران کاروان مدینه قبل و پنج جلسه برای مدینه بعد.
 - ۲- تعلیم مناسک و آداب سفر.
- روحانیان محترم باید در جلسه های پیش از عزیمت، و جلسه هایی که در مدینه تشکیل می شود، معتمران را به تکالیف شرعی خود در این سفر آشنا سازند و مناسک و مسائل مورد نیاز را به آنان تعلیم دهند.
- ۳- تصحیح قرائت، اذکار نماز و تلبیه زائران.
 - ۴- تبیین و تعلیم احکام و مسائل شرعی مورد نیاز معتمران به ویژه آنچه در صحت اعمالشان دخیل است.
 - ۵- همراهی با زائران در اعمال عمره و نظارت بر صحت انجام آن.

۶- تشکیل جلسه های سخنرانی و دعا در محل کاروان و تقویت بعد معنوی سفر و توبه و تعهد با خدا در کنار بیت الله الحرام.

۷- هماهنگی و همکاری کامل با دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری- مدّ ظلّه العالی- و رابطین بعثه در مکه و مدینه.

۸- شرکت در نمازهای جماعت و ترغیب زائران به آن و

تعلیم کیفیت اقامه جماعت در حرمین شریفین.

۹- توجه زائران برای حفظ وحدت و برخورد اسلامی با زائران دیگر کشورها و مأموران عربستان.

۱۰- تلاش برای بالا بردن سطح آگاهیهای دینی و معنوی و برخوردهای اخلاقی و اجتماعی زائران.

۱۱- تکمیل برگه های گزارش عملکرد و ارزیابی گروه و تحویل در پایان سفر.

۱۲- تحویل نذورات و وجوه شرعیه دریافتی به دفتر نمایندگی بعثه در مکه و مدینه.

۱۳- نظارت بر اعمال کتیه زائران و حصول اطمینان از صحت اعمال انجام گرفته.

۱۴- ایجاد روح آرامش در همسفران و رفع نگرانی از افراد مضطرب گروه به ویژه بانوان برای انجام صحیح اعمال.

۱۵- با توجه به مکشوف نبودن خودروها، مسئله استتلال برای زائران به روشنی بیان شود.

۱۶- چون ساعاتی پیش از اذان صبح، صفوف نماز جماعت تشکیل می شود، باید از نماز خواندن بانوان در پشت مقام جلوگیری شود. لازم است روحانیان محترم ضمن جلب توجه بانوان به این موضوع، با ادای نماز طواف واجب در خلف مقام، آنان را به نقطه مناسب تری راهنمایی کنند.

۱۷- حضور در برنامه پاسخگویی به زائران درباره مناسک، در خلف مقام یا در مسعی در وقت مقرر از سوی مسئولان بعثه و ارائه گزارش آن.

۱۸- پیش از پرداختن به طواف، باید از وضعیت شست و شوی اطراف بیت و امکان انجام طواف بدون مواجهه با مشکل کسب اطلاع شود.

۱۹- برای زائران، به ویژه دانشجویان، توضیحات لازم درباره اماکن، تاریخ اسلام و تلاشهای اولیای دین، متناسب با روحیات آنان ارائه شود.

۲۰- روحانیان محترم در این سفر الهی، افزون بر هدایت و راهنمایی حجاج در انجام اعمال، در تقویت بنیه ایمانی آنان بکوشند و زائران عزیز را در انجام هر چه بهتر وظایف دینی و اخلاقی، مربّی و یار و یاور باشند.

۲۱- روحانیان گرامی، در اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها، زائران را همراهی فرمایند تا کسانی که شاید تنها در عمر خود یک بار به این توفیق دست می‌یابند، دچار مشکل و یا احتمالاً بطلان عمل نگردند.

۲۲- اتاق و مکانی مناسب برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان در مکه و مدینه مشخص گردیده، روحانیان کاروان در ساعات معینی در آن جا حاضر شوند تا معتمران به آسانی

بتوانند با آنان تماس گیرند و پرسشهای خود را مطرح نمایند.

۲۳- مبنای بیان مسائل شرعی، فتاوی حضرت امام خمینی (قدس سرهم) است و چنانچه مقلدان مراجع دیگر، از فتوای مرجع خود می پرسند، بدانان پاسخ داده شود.

۲۴- مکه و مدینه، تاریخ مجسم اسلام و مهبط وحی الهی اند و بیشتر وقایع تاریخ صدر اسلام در این دو مکان مقدس روی داده است. به جاست روحانیان محترم، در این اماکن، زائران را همراهی کنند و با رعایت شرایط و با استمداد از آیات و روایات و تاریخ و سیره، بر آگاهیهای دینی و اسلامی زائران بیفزایند.

۲۵- لازم است روحانیان محترم همیشه و همه جا قداست و شئون روحانیت را حفظ فرمایند.

۲۶- از پذیرفتن نیابت غیر تبرّعی در نماز طواف و موارد مشابه آن، اجتناب فرمایند.

۲۷- با تمامی زائران برخورد عاطفی داشته باشند و با شکیبایی و فروتنی با آنان برخورد کنند و از تندخویی و خشم دوری نمایند.

۲۸- از واسطه شدن در گرفتن امضا و تائیدیه برای مدیران و خدمه کاروان خودداری کنند.

۲۹- هنگام تشرّف به مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و مسجد الحرام و شرکت در مراسم مختلف با لباس روحانیت حضور یابند.

۳۰- هنگام صرف غذا، همراه با زائران و کنار آنان باشند.

۳۱- از حضور غیر ضروری در بازار و خرید کالاهای تجملی پرهیز کنند.

۳۲- در هتلهایی که چند نفر روحانی در آن جا سکونت دارند، باید قبل از تشکیل جلسه ها و یا دیدار از اماکن و غیره، با ملاحظه ویژگی های هر یک از آنان، تقسیم کار صورت گیرد و بدین سان با برنامه ریزی صحیح و دقیق، بیشترین استفاده برده شود.

۳۳- برای بهره برداری مفید از زیارت دوره و استفاده از خنکی هوا باید بیدرنگ با روشن شدن هوا حرکت کرد و زائران، در مکه از زیارت حضرت خدیجه و ابوطالب (علیهما السلام) (قبرستان ابوطالب) آغاز نمایند.

۳۴- رعایت اختصار و گویا بودن سخن متناسب با حال زائر، از موضوعات مهم است.

۳۵- حتی الامکان زائران (مرد) را برای زیارت نزدیک از قبرستان ابوطالب افزون بر زیارت دوره شرکت دهند و شایسته است از پشت پنجره ها زیارت نامه قرائت شود.

۳۶- تشکیل هسته های امر به معروف و نهی از منکر می تواند در انجام بهتر وظایف روحانی کاروان مؤثر باشد.

تذکرات لازم و ضروری برای زائران

تذکرات لازم و ضروری برای زائران

۱- پیش از سفر به حساب مالی خود رسیدگی نمایند و نسبت به پرداخت حقوق دیگران اقدام کنند تا حق الناس بر عهده شان نباشد.

۲- با بستگان و آشنایان خداحافظی کنند و حلالیت بطلبند و اگر به عللی قطع رحم کرده اند، صله رحم نمایند.

۳- از همراه بردن اجناس قاچاق و اشیای ممنوعه خودداری نمایند.

۴- مناسک، احکام، فلسفه و اسرار حج را بیاموزند تا با شناخت و آگاهی بیشتر اعمال عمره را انجام دهند و از این سفر بهره ببرند.

۵- هنگام سوار شدن به هواپیما و نیز پیاده شدن، ورود به فرودگاه جده، سوار شدن به وسائط نقلیه، دیدار از اماکن مقدسه، هنگام صرف غذا و ... نظم ترتیب را رعایت کنند و دیگران را بر خود مقدم بدانند و کاری نکنند که در مقابل چشمان زائران غیر ایرانی و اتباع دیگر کشورها، به حیثیت اسلامی و انقلابی ایرانیان آسیبی وارد شود.

۶- همراه با شنیدن صدای روجبخش اذان، حتماً در نماز جماعت مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و یا مسجد الحرام شرکت کنند و از این

فرصت بزرگ معنوی به گونه شایسته بهره جویند.

۷- هنگام نماز از خرید و فروش، ایستادن در کوچه و خیابان و بازار و حرکت بر خلاف مسیر نماز گزاران، به شدت خودداری کنند.

۸- در اماکن مقدّس مکه و مدینه سیگار کشیدن ممنوع است، از این رو، از استعمال دخانیات جداً پرهیز کنند.

۹- از فریاد زدن، ایجاد سر و صدا و انجام اعمال و حرکاتی که زیننده مسلمان ایرانی نیست، خصوصاً در اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه خودداری کنند.

۱۰- از خواندن دعا و زیارت و فرستادن صلوات با صدای بلند و دادن شعار در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) و نیز از کارهایی که موجب انگشت نما شدن است، همچون سجده بر روی چوب، مقوا، کاغذ و سنگ اجتناب کنند.

۱۱- برای احرام کودکان، لازم است اولیای محترم آنان حتماً با روحانی کاروان مشورت کنند.

۱۲- احترام و قداست قرآن کریم را حفظ نموده، در پایگاه وحی با خواندن آیات قرآن دهان را خوشبو و قلوب را صفا بخشند و قرآن‌ها را بر زمین نگذارند.

۱۳- خواهران گرامی از پوشیدن مانتو، چادرهای رنگی و لباسهای احرام نازک، که جلب توجه می کند، به شدت پرهیز

نموده، با رعایت حجاب اسلامی، عزت و صلابت و عظمت زن مسلمان را نشان دهند.

۱۴- در کنار بقیع از خواندن نماز خودداری نموده، نمازهای مستحبی را در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و یا محل مناسب دیگری بخوانند. هنگام خواندن زیارت و مصیبت از بلندگو استفاده نکرده، از سینه زنی و نوحه خوانی، اجتناب فرمایند.

۱۵- برادران محترم از لباسهای زیرین و نامناسب و پیراهنهای بدون آستین در مجامع عمومی و اماکن استفاده ننمایند و با پای فشردن بر آداب و رسوم فرهنگی، اجتماعی و دینی، از خرید اجناس تبلیغی فرهنگ ابتدال خودداری نمایند.

۱۶- برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از این سفر الهی و معنوی، زائران باید بکوشند که شبها زودتر بخوابند و قبل از اذان صبح بیدار شوند و به سوی مسجدالحرام و یا مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) حرکت و به موقع در نماز جماعت شرکت کنند.

۱۷- درهای مسجدالحرام شبانه روز به روی همه زائران باز است. در بهره‌گیری معنوی در مکه کوشش بیشتری نمایند.

۱۸- از همراه بردن قرآنهای مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) و مسجدالحرام و انتقال آن به هتلهای اجتناب کنید.

۱۹- فروش اشیایی همچون پسته، انگشتر، زعفران و ... در

کنار کوچه و خیابان به حیثیت مسلمانان ایرانی آسیب می رساند و باید از این کار اجتناب فرمایند.

۲۰- نظافت را در طول سفر و همه جا مراعات فرمایند.

۲۱- به جای آن که اوقات گرانبهای خود را بازارها بگذرانند، از برکات معنوی این سفر الهی و دینی بیشتر بهره گیرند.

۲۲- در پایان سفر، در صورت تمایل، کتب ادعیه، مفاتیح و دیگر کتابهایی که به همراه دارند، به دفتر بعثه هدیه نمایند تا برای استفاده در اختیار زائران دیگر قرار گیرد.

۲۳- دیدار از اماکن به صورت گروهی صورت می گیرد. از این رو، حتماً ساعات رفت و آمد را دقیقاً مراعات نمایند تا با تأخیر خود موجب آزار دیگران نشود.

۲۴- رفتارها و برخوردهای مشکوک را، بیدرنگ برای پیگیری لازم، به دفتر نمایندگی بعثه اطلاع دهند.

۲۵- هنگام خرید، برای گرفتن تخفیف (به ویژه بانوان) پای فشاری و التماس نکنند و احترام خود را نگاه دارند.

۲۶- هیچ گاه بانوان به تنهایی سوار خودروهای شخصی نشوند و تنهایی به خرید نروند؛ به ویژه در هنگامی که بازار خلوت است.

۲۷- حتی المقدور سوغات معنوی از سفر به همراه داشته

باشند و از مراسم دعا و توصیه های اخلاقی در حریم آثار سمعی و بصری فراهم آورند.

چگونگی زیارت بزرگان معصوم (علیهم السلام)

۲۸- سعی کنند دفتر خاطرات و مشاهدات برای خود تهیه کرده، آنچه را در این سفر معنوی کسب می کنند، یادداشت نمایند تا در آینده برای خود و دیگران سودمند باشد.

۲۹- در جلسه ای آموزشی عمره، حضوری فعال داشته باشند. حتی کسانی نیز که سابقه تشرّف دارند، از این جلسه ها بی نیاز نیستند.

۳۰- در نگهداری اموال و وسایل هتلهای، که به صورت امانت در اختیار آنان است، کوشا باشند تا ضمن نشان دادن شخصیت اسلامی خود، موجب پرداخت خسارت توسط سازمان حج و زیارت نگردند.

۳۱- رعایت مقررات نظام مقدّس جمهوری اسلامی به ویژه برای زائران بیت الله الحرام مورد انتظار است. بنابراین، در شرایط خاص اقتصادی حاضر، از اسراف و خارج کردن ارز و یا پول رایج کشور پرهیز نمایند.

۳۲- اقشار آسیب پذیر کاروان را با حمایت و یاری خود در انجام وظایفشان خرسند کنند.

۳۳- از خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) (به ویژه بانوان) خودداری نمایند.

۳۴- نماز طواف مستحبی را در همه مسجدالحرام می توان خواند. پشت مقام را برای کسانی که نماز طواف واجب انجام می دهند، خالی بگذارند.

۳۵- در صورت ازدحام در مطاف، شایسته است از طواف مستحبی، که مَحَل طواف واجب دیگران است، پرهیزند و اعمال مستحب را با رعایت حال دیگران انجام دهند.

۳۶- در آغاز و پایان اشواط طواف دقت داشته باشند.

۳۷- استلام حجرالاسود کاری مستحب است. بایسته است با رعایت عدم اختلاط بانوان و آقایان، این کار مستحب در کنار خانه خدا به گناه منجر نشود.

۳۸- توفیق شکرگزاری سفر معنوی عمره را با دیدن برخی از برنامه های تلویزیون عربستان و کشورهای دیگر به کفران تبدیل نسازند.

۳۹- برای جلوگیری از سستی و کسالت در انجام اعمال عمره، که هدف اصلی سفر است، پیش از اعمال کاملاً استراحت کنند.

چگونگی زیارت بزرگان معصوم

آزموده ها؛ ج ۱؛ ص ۸۵

۱- هنگام زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) آداب و احترام به مقام و نظارت بر زائران رعایت شود. زیارت هر

قدر از معرفت بیشتری برخوردار باشد، ارزشمندتر است.

رعایت آداب نمازهای جماعت مکه و مدینه

۲- از هرگونه عملی که موجب وهن مذهب شیعه می شود- مانند دست کشیدن یا بوسیدن در و ضریح مطهر، خاک برداشتن از داخل قبرستان بقیع، بند بستن به میله های بقیع و انداختن عریضه یا پول به داخل قبرستان- به شدت دوری شود. در صورتی که زائران عریضه به همراه دارند، در اختیار روحانی کاروان قرار دهند تا از طریق بعثه اقدامات شایسته انجام گیرد.

۳- برای خواندن زیارتنامه سعی شود حتی الامکان به صورت ملایم و در صحن مسجدالنبی (بین الحرمین) و حتماً رو به قبله خوانده شود و مدّاحان محترم مواظب باشند که با صدای بلند مزاحم دیگر گروهها نشوند و از نوحه سرایی به صورت گروهی و سینه زنی خودداری کنند.

۴- از خواندن زیارت عاشورا، دعای ندبه و دعای توسل با صدای بلند پرهیز شود.

۵- هنگام زیارت شهدای احد، به دلیل اختلاط زن و مرد، برای خواندن زیارتنامه، آقایان در جلو و بانوان در پشت سر قرار گیرند و حتی المقدور مدیر مراقب مجموعه کاروان باشد.

رعایت آداب نمازهای جماعت مکه و مدینه

- ۱- در صورت امکان، زائران، نمازهای یومیه خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) و با جماعت به جای آورند. تجافی نکنند و پس از رکوع، با رعایت تبعیت به سجده بروند.
- ۲- در پایان نماز، از حرکت دادن دستان خویش خودداری کرده، فقط سر را به سوی راست و چپ بگردانند.

۳- با توجه به این که در داخل مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) مسافران نیز می توانند نماز خود را تمام بخوانند، از خواندن نماز قصر (دو رکعتی) خودداری فرمایند و در صورتی که در بیرون مسجد یا مساجد دیگر- مانند مسجد قبا- به جماعت اقتدا می کنند، قصد نماز قضا نموده، بعد از نماز یا پیش از آن، نماز قصر خود را به صورت فرادی انجام دهند.

۴- امام مسجدالحرام معمولاً ظهرها زیر بالکن مقابل حجر السود و رکن یمانی و عصرها بین حجر و در و نیز صبح، مغرب و عشا را نزدیک مقام ابراهیم می ایستد. برادران زائر باید بکوشند که پشت سر امام جماعت بایستند.

۵- از گذاردن مهر، یا بادبزن یا حصیر و یا چیزی دیگر برای سجده خودداری شود.

۶- معمولاً امام جماعت، صبحهای جمعه در نماز خویش،

آیه سجده دار می خواند. در این صورت لازم است زائران با تبعیت از جماعت به سجده رفته، سپس مانند دیگر نماز گزاران نماز را ادامه دهند. از این رو زائران صبحهای جمعه پیش از آغاز نماز جماعت صبح می توانند نماز صبح را فرادی بخوانند.

۷- در نمازهای میت، که پس از نمازهای واجب خوانده می شود، شرکت نمایند.

۸- پس از نماز صبح و عصر، نماز نخوانند و به دیگر عبادات مستحبی پردازند.

۹- در منظم نمودن صفوف جماعت بکوشند و از هر گونه ایجاد اختلال در صف نماز گزاران پرهیزند.

۱۰- رو به روی نماز گزاران و کسانی که به صورت فرادی مشغول نمازند، تردد نکنند؛ زیرا فرقه ای از اهل سنت این کار را جایز نمی دانند.

۱۱- در نمازهای جماعت از خواندن قنوت، که مستحب است، خودداری گردد.

مساجد و اماکن تاریخی مکه و مدینه

آنچه در این بخش می‌آید، مباحثی است درباره اماکن مقدّسه مکه مکرمه و مدینه منوره. با توجه به برنامه سفر زیارتی عمره مفرده، که معمولاً از مدینه منوره آغاز می‌شود و به شهر مقدّس مکه مکرمه ختم می‌گردد، نخست مطالب مربوط به مدینه منوره مطرح خواهد شد و آن‌گاه از اماکن مکه مکرمه سخن می‌رود.

۱- مدینه منوره

تاریخ مدینه منوره پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از اهمّیتی ویژه برخوردار گشته است و ابعادی گوناگون به خود گرفته است. موضوعاتی بسیار در این باره شایسته بحث است؛ مانند تاریخ سیاسی مدینه پیش از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پس از

رحلت، جبال مدینه، چاههای مدینه، باغهای مدینه، مقابر مدینه، مساجد مدینه، تاریخ توسعه مسجدالنبی، اماکن مقدسه مسجدالنبی، بقیع، احد، روستاهای مدینه، محلات مدینه، بیابانهای اطراف مدینه، چشمه های مدینه، خانه های اهل بیت (علیهم السلام) در مدینه و اطراف آن، مزارع اهل بیت (علیهم السلام) در مدینه و اطراف آن، نهرهای مدینه، حرّه های مدینه، ساکنان مدینه، راههای مدینه و ...

از آن جا که مدت سفر بسیار محدود است و روحانیون محترم می بایست به امور دینی و مناسک زوّار پردازند و نیز بهره ای از حضور چند روزه خود در مدینه منوره ببرند، در این بخش از نوشتار حاضر، مطالبی به صورت موجز ارائه می شود تا در جلسه های مدینه در اختیار زوّار محترم قرار گیرد.

زیارت دوره

زائران در زیارت دوره به زیارتهای زیر می پردازند:

- احد و قبر حضرت حمزه سیدالشهداء (علیه السلام).

- زیارت مسجد قبا.

- زیارت مسجد قبلتین.

- زیارت منطقه جنگ احزاب و مساجد آن.

این مسجد در منطقه قبا- شش کیلومتری جنوب مسجدالنبی- جای دارد. پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پیش از ورودش به مدینه منوره چند روزی اهالی قبا میزبان آن حضرت بودند.

مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بنا کرده است. خوب است آیه شریفه ۱۰۸ سوره توبه برای زائران شرح و توضیح داده شود. در حدیث است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: (مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ كَانَ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ) (۱)

برای آگاهی افزونتر به کتابهای مربوطه، از جمله اخبار مدینه، نوشته سمهودی رجوع کنید.

اُحُد

کوههای منطقه احد در صدر اسلام نظاره گر رویارویی حق و باطل بوده اند و احد خاطرات شهادت بهترین یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در سینه دارد

غزوه احد در روز شنبه، هفتم ماه شوال سال سوم هجرت

روی داد. جبل الرماه (کوه تیر اندازان) یا جبل عینین، همین کوه کوچک است که مزار حضرت حمزه (علیه السلام) در کنار آن جای دارد و به علت خاکی بودنش فرسایشی افزون تر داشته است و

تاریخ نیز این حقیقت را تأیید می کند. (۱) روحانیون محترم در توضیح جنگ احد به حقیقت فوق اشاره کنند و شایسته است روحانیون کاروان ها همواره وحدت در گفتار را ارج نهند.

برای آگاهی بیشتر به ویژه در موارد ذیل به کتاب مذکور در پاورقی پیشین رجوع کنید:

صحنه جنگ، شهیدان احد، المهراس، قبر حضرت هارون (علیه السلام) برادر حضرت موسی (علیه السلام)، که در رشته کوه احد جای دارد، قبور شهیدان احد، الزبیه (الحفره)، مسجدالفسح و

مسجد قبلتین

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان حدود هفده ماه در مدینه منوره به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند. تغییر قبله در سال دوم هجرت روی داد.

توضیح و شرح درباره آیه شریفه ۱۴۴ سوره بقره می تواند برای زائران بسیار سودمند افتد؛ آن جا که خداوند می فرماید:

۱- المساجد و الأماكن الأثریه ...، ص ۳۱؛ الدر الثمین، ص ۱۷۵؛ تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۳۰.

(قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ...) در این میان، طرح و توضیح دو موضوع زیر شایسته است:

۱- قبیله بنی سلمه و حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه امّ بشر.

۲- انعکاس خبر تحوّل قبله و علل تغییر آن.

موضوع بالا- در مقاله «تحوّل القبلة و مسجدالقبلتین» به گونه ای مستقل در مجله عربی میقات الحج (شماره ۹، صفحه ۹۳) مذکور آمده و مدارک و منابع تاریخی مطالب مطرح شده، در مقاله مورد اشاره درج شده است.

منطقه جنگ احزاب (خندق) و مساجد آن

- در این باره، ذکر، معرفی و توضیح موضوعات زیر شایسته است:

- غزوه خندق در سال پنجم هجری روی داد.

- نقش حضرت امیر (علیه السلام) و سلمان فارسی در این جنگ.

- مسجد فتح و دعاهای ویژه اش.

- مسجد سلمان.

- مسجد علی بن ابی طالب (علیه السلام).

- مسجد حضرت زهرا (علیها السلام).

- مسجد ابوبکر و مسجد عمر.

- کوه سلع.

- کهف بنی حرام. (محل استراحت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در دوران جنگ خندق)

برخی مدارک و منابع تاریخی موضوعات و مطالب بالا عبارتند از: المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۲؛ خلاصه الوفاء بأخبار دار المصطفی؛ الدر الثمین، ص ۲۳۳ ب؛ المساجد و الأماكن الأثریه، ص ۲۴.

مساجد و اماکن مقدّسه مدینه

۱- مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)

مهمترین موضوعاتی که در این باره شایسته ذکرند، عبارتند از: مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و اماکن مقدّسه اش - از جمله خانه حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و خانه حضرت زهرا (علیها السلام) - توسعه - مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) در طول تاریخ، روضه، منبر، ستونها، محراب، اصحاب صفّه، جایگاه نماز پیامبر (صلی الله علیه وآله) در ماههای آغاز هجرت که به سوی بیت المقدّس نماز می گزارد، فضیلت نماز خواندن در مسجد

النبي و (۱)

۲- قبر حضرت عبدالله بن عبدالمطلب

پدر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

در غرب مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله)، مقابل باب اسلام، تا سال ۱۳۵۵ شمسی کوچه و بازار بود. هنگامی که زائر از باب اسلام خارج می شد و پای به بازار می نهاد، در سوی راست بازار، در فاصله ۶۵ متری باب اسلام، مقبره ای بود که مرقد شریف حضرت عبدالله، پدر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، در آن قرار داشت.

این بقعه مبارکه در تاریخ فوق (۱۳۵۵ شمسی) به بهانه توسعه مسجدالنبی و میادین اطراف آن، ویران شد و اینک اثری از آن باقی نیست.

شایسته است روحانیون محترم، زائران را بدین جا راهنمایی کنند و در نزدیکی سومین ستون چراغ برق (ستون سوم پس از باب اسلام و مقابل آن) زیارتنامه آن جناب را همراه با آنان بخوانند، تا یاد آن بزرگوار همیشه زنده بماند.

شکی نیست که پدر و اجداد گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) همگی مؤحد و خداپرست بوده اند، دلایلی چند بر این حقیقت گواهی

۱- تاریخ المدینه المنوره؛ تاریخ معالم المدینه؛ وفاء الوفاء.

می دهند و از آن جمله است دو دلیل زیر:

۱- آیه ۲۱۸ و ۲۱۹ سوره شعراء که می خوانیم: (الَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ* وَ تَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ).

فخر رازی می گوید: به عقیده مفسران منظور از «تقلب و جا به جا شدن در ساجدین» انتقال نطفه پیامبر از صُلب سجده کننده و موحد و خداشناسی است به صُلب خداشناس و موحدی دیگر.

۲- حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که می فرماید: «لَمْ أزلُ أَنْقَلُ مِنْ أَصْيَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ.» اگر اجداد و پدر پیامبر (صلی الله علیه وآله) مشرک می بودند، آن حضرت پاکی آنان

را تأیید نمی کرد؛ زیرا در قرآن مجید آمده است: (أَنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ).

حضرت عبدالله (علیه السلام) هنگام بازگشت به مدینه از سفر تجارت شام، در شهر مدینه بیمار شد و از دنیا رفت. درود خدا بر روان پاکش.

۳- مسجد الجمعة

این مسجد در نزدیکی مسجد قبا جای دارد و در فرعی خیابان قبای نازل، گنبد و مناره اش نمایان است. حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) پس از خروج از محله قبا به سوی مدینه به راه افتاد

و در میان راه به طایفه بنی سالم بن عوف رسید. حضرت (صلی الله علیه وآله) نخستین نماز جمعه را در آن جا اقامه کرد و پس از گذشت زمان آن مسجد با نام مسجد الجمعة مشهور شد.

در سال ۱۴۱۲ هجری مسجد الجمعة را توسعه دادند و به صورتی زیبا تجدید بنا کردند. مسجد الجمعة دارای دو نام دیگر نیز بوده است: مسجد عاتکه و مسجد الوادی. (۱)

۴- مسجد اجابه

این مسجد در شمال شرقی مسجدالنبی، در فاصله ۵۰۰ متری آن جای دارد و در کنار خیابان (شارع) ستین واقع شده است.

مسجد اجابه از دیرباز مسجد بنی معاویه نام داشته است. بنی معاویه از ساکنان مدینه و قبیله اوس هستند، (۲) ولی اکنون به نام مسجد اجابه یا مسجد مباحله مشهور است.

وجه نامگذاری مسجد اجابه: پس از آن که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دو رکعت نماز در این مسجد گزارد و دست به دعا برداشت، خداوند متعال دعای آن حضرت را مستجاب کرد. (۳)

۱- تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۶۸؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- تحقیق النضره، ص ۱۳۹؛ عمده الاخبار، ص ۱۷۶.

۳- المعجم الضغیر، ج ۱، ص ۸.

وجه نامگذاری مسجد مباحله: ماجرای مهم و تاریخی نصارای نجران و پیشنهاد حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مباحله با آنان، در این مسجد روی داده است. (۱)

۵- مسجد غمامه

این مسجد در غرب مسجدالنبی در فاصله دویست متری آن جای دارد و نمازهای یومیه در آن اقامه می شود. نام دیگر این مسجد، مسجدالمصلی است؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) نمازهای عید فطر و عید قربان را در آن منطقه اقامه می کرده است. (۲)

آمدن پاره های ابر و سایه انداختن بر پیکر مقدّس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان در هنگام نماز و ایراد خطبه، علت نامگذاری مسجد به مسجد غمامه است. در روایت آمده است: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) هذا مُشتمطنا و مُصلّا نالفطرننا و أضحانا فلا يضيق و لا ينقص علينا.» (۳)

۶- مشربه امّ ابراهیم

مکان این مشربه در امتداد خیابان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و

۱- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲- الدرّ الثمین، ص ۲۲۷.

۳- تحقیق النصره، ص ۱۴۳.

منطقه عوالی و پس از بیمارستان الزهراء (عليها السلام)، خیابان سمت چپ و نرسیده به بیمارستان مدینه الوطنی، در کنار خیابان است.

مشربه، در اصل، باغ بوده و در مالکیت فردی یهودی به نام مخیریق ابن النضیر قرار داشته است. او وصیت کرد که اگر در جنگ احد کشته شود، باغش از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشد. [\(۱\)](#) این مرد یهودی در جنگ احد به یاری رسول خدا شتافت و در این جنگ کشته شد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره او فرمود: «مخیریق خیر یهود». یعنی مخیریق بهترین مرد یهودی بود.

ماریه قبطیه، همسر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، در این باغ زندگی می کرد و در همان جا حضرت ابراهیم بن رسول الله (صلی الله علیه و آله) را به دنیا آورد و از آن پس مشربه و باغ آن منطقه به مشربه امّ ابراهیم معروف گردید.

صاحب کتاب الدرّ الثمین می گوید: هنگامی که عمر بن عبدالعزیز، والی و حاکم مدینه منوره بود، در همان مکان (خانه ماریه) که محل نماز گزاردن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز بوده است، مسجدی ساخت. [\(۲\)](#)

اکنون در کنار قبرستان، یک چهار دیواری به ارتفاع ۱/۵ متر قرار دارد و محرابی در آن به چشم می آید. دیوار موجود با تیرچه بلوک بنا نهاده شده است. این چهار دیواری همان خانه امّ المؤمنین ماریه قبطیه است.

۱- سیره این هشام، ج ۳، ص ۲۹.

۲- الدرّ الثمین، ص ۱۴۹.

می گویند که قبر حضرت نجمه خاتون، مادر امام رضا (علیه السلام) نیز در این قبرستان است.

۷- مسجد فضیخ

این مسجد در جایی با فاصله ۵۰۰ متری مشربه امّ ابراهیم و در سمت راست خیابان جای دارد.

فضیخ به معنای شراب خرماس است که هنوز رطب نشده است و به معنای عصاره انگور نیز آمده است. [\(۱\)](#) ابن شَبّه درباره وجه نامگذاری مسجد فضیخ می نویسد: جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله) طایفه بنی النضیر را محاصره کرد و خیمه گاه خود را در نزدیکی مسجد فضیخ استوار ساخت. آن حضرت به مدت شش شبانه روز در همین مکان، که اینک مسجد در آن جاست، نماز خواند. هنگامی که خبر تحریم شراب انتشار یافت، شماری از اصحاب مشغول نوشیدن فضیخ بودند. همین که از حرمت شراب با خبر شدند، آن را دور ریختند. بدین روی، آن مکان به مسجد فضیخ نامگذاری شده و شهرت یافته است. [\(۲\)](#)

برخی بر آنند که حادثه ردّالشمس برای حضرت

۱- القاموس المحيط، ص ۳۲۹.

۲- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۶۹.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در همین مسجد فضیخ پیش آمده است، و روایتی نیز در کافی نقل است که بنا بر آن، مسجد ردّ الشمس همان مسجد فضیخ است. [\(۱\)](#)

۸- مسجد سُقیا

این مسجد در جنوب غربی مسجدالنبی، با فاصله ۱۹۰۰ متری واقع شده است. میدان عنبریه و ایستگاه راه آهن مدینه، که فعلاً متروک است، برای همگان نامهایی آشناست. در محوطه ایستگاه راه آهن، که در سالهای اخیر ایستگاه اتوبوس های مدینه بوده و اینک بی استفاده است، مسجدی کوچک، اما بسیار با معنویت نمایان است. این مسجد را مسجد سقیا می نامند و دارای سه گنبد است. گنبد وسطی اندکی بزرگتر از دو گنبد دیگر است.

مسجد در مکانی ساخته شده است که حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) هنگام جنگ بدر، خیمه گاه جنگی خود را در آن برپا کرد و از سپاه اسلام سان دید. [\(۲\)](#)

در همین مکان مقدّس پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از آن چاه سقیا وضو ساخت و نماز خواند و از خدای بزرگ درخواست که به

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۶۲.

۲- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۷۲.

نعمتهای مدینه برکت عطا فرماید. (۱)

۹- مسجد الشیخین (البدائع یا المستراح)

این مسجد، که دارای سه نام است، در سوی چپ خیابان سیدالشهداء و در شمال مسجدالنبی جای دارد. فاصله مسجد تا احد حدود ۱۳۰۰ متر است. در کنار مسجد کهن، که مخروبه ای بیش نیست، مسجدی نو و با همان نام بنا نهاده شده است.

علت نامگذاری مسجد به مسجد شیخین: در این مکان مرد و زنی زندگی می کرده اند که عمرشان بیش از صد سال بوده و از زمان کودکی تا پیری در همین منطقه زندگی می کرده اند. این موضوع مورد تعجب اهالی شهر مدینه واقع شد و بدین روی، جای زندگانی آنان را به یاد همانان (شیخین) نامگذاری کردند. (۲)

علت نامگذاری مسجد به مسجد بدائع: سمهودی در این باره می گوید: در زمان گذشته نام جای مسجد، بدائع بوده است. (۳) روایتی نیز بر این حقیقت گواه است که ابن شبه از سعد نقل کرده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي عِنْدَ الْبِدَائِعِ عِنْدَ الشَّيْخِينَ الْعَصْرِ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ وَالصُّبْحَ وَبَاتَ فِيهِ

۱- الدرّ الثمین، ص ۲۳۸.

۲- عمدہ الاخبار، ص ۱۷۶.

۳- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۶۵.

حَتَّى أَصْبِحَ» (۱)

علت نامگذاری مسجد به مسجد مستراح: مردم مدینه این مسجد را به همین نام می شناسند. این واژه در لغت فارسی معنای خوبی ندارد و از این رو، شایسته است روحانیان محترم مسجد را نزد زائران، بدائع، شیخین و یا مسجد استراحتگاه (معنای فارسی اسم مکان مسجد) بخوانند. و بدین ترتیب سبب نامگذاری این مسجد به مسجد مستراح معلوم می شود؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) هنگام رفتن به جنگ احد در این مکان استراحت کرده است. (۲) همچنین در کنار مسجد از

۱- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۷۲.

۲- المساجد و الاماکن الاثریه المجهوله ...، ص ۳۰.

لشکریان اسلام سان دید و تقاضای یهودیان را، که گفته بودند حاضرند به کمک مسلمانان بشتابند، در همین مکان رد کردند و یاری آنان را نپذیرفتند و فرمودند: «لا نستعين بالمشركين على المشركين.» (۱)

۱۰- مقبره حضرت علی بن جعفر (علی غریضی)

در کنار شهر مدینه، در قسمت شمال شرقی، روستایی قرار دارد به نام «عُرَيْض». این روستا محل رفت و آمد و کشاورزی حضرات امامان معصوم (علیهم السلام) و فرزندان ایشان بوده است و اینک در سوی راست شارع المطار (خیابان فرودگاه) واقع شده

۱- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۹.

است. در وسط این روستا مسجدی متروکه و در کنار آن مقبره ای سنگی از دوره عثمانی به جای مانده است. مقبره در چهار دیواری بلندی، بدون منفذ جای گرفته و فقط می توان آن را از روزنه ای نسبتاً کوچک دید. آن جا قبر حضرت علی بن جعفر است. او برادر امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و از اصحاب نیک امام هفتم و امام هشتم و امام نهم (علیهم السلام) و دارای شخصیتی عظیم و از راویان اخبار بوده است. اهالی روستا او را به نام «علی عریضی» می شناسند و سادات آن جا نسب خود را به او می رسانند.

گذشته های نه چندان دور، حکایت از فعال بودن مسجد دارد. در آن زمان درمانگاهی در کنار آن قرار داشته و نیز رفت و آمد زائران قبر حضرت علی بن جعفر (علیه السلام) به منطقه رونقی بخشیده بوده است. ولی تعصب و جهل، این بخش از شهر را از رونق انداخت و بی توجهی و فراموشی را بر آن تحمیل کرد.

مساجد و اماکن مقدسه و تاریخی مکه مکرمه

۱۱- مسجد شجره

در کنار بزرگراه مدینه- مکه و در فاصله چند کیلومتری شهر مدینه، مسجد شجره جای دارد. به منطقه ای که این مسجد در آن واقع شده «ذوالحلیفه» یا «آبار علی» می گویند. آبار جمع بئر

(به معنای چاه) است.

این منطقه چاههای آبی داشته و اینک نیز برخی از آنه،...متعلق به حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده اند، دارای آبی شیرین و گوارایند و اهالی منطقه از آنها استفاده می کنند.

مسجد از قداستی بسیار برخوردار است؛ زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در حجه الوداع در این مکان مُحرم شده است. و درختی که حضرت در زیر آن نماز گزارده و به سوی مکه رهسپار شده است، علت نامگذاری مسجد گشته است. (۱)

مسجد شجره را در ادوار مختلف تجدید بنا کرده و بر مساحتش افزوده اند. مسجد در حال حاضر یکی از زیباترین بناهای مذهبی شهر مدینه پس از مسجد النبی است.

۲- مکه مکرمه

شهر مکه از دیر باز مورد توجه مردم بوده و دو بُعد عبادی و تجاری این شهر باستانی، اهمیت آن را دو چندان کرده است. گزاف نیست اگر بگوییم خداوند متعال دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) را درباره مکه تا ابد و نه در یک برهه خاص استجاب فرمود: (وَ اذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَاَرْزُقْ

اهْلُهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ). (۱)

خانه کعبه از زمان حضرت آدم (علیه السلام) و حتی پیش از او مطاف فرشتگان الهی بوده و در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) تجدید بنا شده است.

در این جا برای ارج نهادن بر اختصار، از موضوعاتی را که شایسته بحث و طرح اند، تنها نام می بریم و آن گاه، برخی اماکن و مساجد تاریخی مکه را معرفی می کنیم:

- مکه و هجرت حضرت ابراهیم (علیه السلام) و هاجر و مجاورت بیت الله الحرام.

- بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم حضرت اسماعیل (علیهم السلام). با استفاده از آیات سوره بقره و روایات امامان معصوم (علیهم السلام) در ذیل آیات شریفه، می توان این موضوع را به خوبی باز نمود.

- قریش.

- ابرهه.

- ظهور اسلام در مکه مکرمه.

- حوادث مهمی که در سیزده سال بعثت اتفاق پیش آمد.

- وضعیت مسجد الحرام در صدر اسلام.

- توسعه مسجد الحرام در سال ۱۷ هجری.

- بنای مجدد کعبه در سال ۶۴ هجری.

- توسعه مسجدالحرام در ادوار مختلف تاریخ.

- ساختمان کعبه.

- پرده کعبه و پیشینه تاریخی اش.

- مقام ابراهیم.

- ارکان کعبه.

- حجرالأسود.

- زمزم.

- حطیم، ملتزم و مستجار.

- صفا و مروه.

- منا، این نام در حقیقت، از سخن جبرئیل (علیه السلام) به آدم (علیه السلام) گرفته شده است که بدو چنین گفت: «آیا آرزوی بهشت داری؟»

- عرفات: در شرق مکه جای دارد و دارای حدود ۱۸ کیلومتر مربع مساحت است. جبل الرحمه نیز در شمال شرقی عرفات است و مسجد نمره در سوی غربی اش.

- مشعرالحرام (مزدلفه) که در شش کیلومتری عرفات واقع شده است.

- غار حرا، غار ثور و کوه ابوقییس.

- محل تولد پیامبر (صلی الله علیه وآله) و محل تولد حضرت زهرا (علیها السلام) (خانه

حضرت خدیجه (علیها السلام)).

- قبرستان ابوطالب و قبرستان شهیدان فح.

- حرم و حدود آن.

- اشراف و حاکمان مکه.

مساجد و اماکن مقدسه مکه

۱- مسجد بلال (محل شق القمر)

بر فراز کوه ابوقیسیس مسجدی زیبا و با معنویت جای داشته که متأسفانه بنای کاخهای آل سعود موجب ویرانی اش گشته اند و اینک اثری از آن باقی نمانده است.

این مسجد به «مسجد بلال» معروف بوده و آن را «مسجد شق القمر» نیز می گفته اند. در سال ۹ بعثت، شب ۱۴ ذی حجه الحرام، معجزه شق القمر (دو نیمه شدن ماه) از حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) صادر گردید و حضرت در همین محل به سجده افتاد و شکر خدای تبارک و تعالی را به جای آورد. (۱)

۲- مسجد جن

این مسجد از مساجد مشهور مکه است که در کنار شارع

۱- راهنمای حرمین شریفین، ج ۱، ص ۲۴۵.

مسجد الحرام، پس از قبرستان ابوطالب و پل حجون جای گرفته است. در وجه نامگذاری این مسجد نوشته اند: نزول آیات مبارکه سوره جن بر وجود مقدس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در همین مکان بوده است.

در طول تاریخ بارها این مسجد تجدید بنا گردیده و هم اکنون (۱۳۷۹) مسجد را ویران کرده و مشغول توسعه و بازسازی آنند. نام دیگر این مسجد، «مسجد الحرس» است. به نقل از رقی، وجه این نام، آن است که صاحب الحرس (فرمانده حفاظت مکه) که در مکه گشت شبانه داشته، به این محل می آمده و در آن جا با آشنایان و افراد خود و دیگر محافظان، از شعب عامر و ثنیه المدینین، دیدار می کرده است. (۱)

ابوالولید ارزقی می گوید: مسجد جن نامی دیگر نیز دارد که آن عبارت از «مسجد البیعه» است؛ زیرا گروه جتیان در این جا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیعت کرده اند. (۲)

۳- مسجد اجابه

در مکه مکرمه مسجدی هست به نام مسجد اجابه که در

۱- اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- همان، ص ۲۰۱.

قرن دوم هجری تاریخ نویسانی چون فاکھی و ازرقی از آن سخن گفته اند، ولی فاکھی از آن با عنوان «مسجد آل قنفذ»
(۱) یاد می کند و ازرقی به طور مطلق از آن سخن می گوید.

۱- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۶۴.

با توجه به معلوم بودن شعب آل قنفذ بدیهی است که مقصود از مسجد آل قنفذ، همان مسجد اجابه است و از قرن سوم به بعد مؤرخان و سفرنامه نویسان از آن مسجد با عنوان «مسجد الاجابه» نام برده اند. (۱) ازرقی می گوید: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در این مسجد نماز گزارده است.

این مسجد، پس از میدان معابده، سوی راست، به سوی مسجدالحرام، نرسیده به تقاطع ریح ذاخر، اول خیابان اجابه جای دارد. شایسته ذکر است مسجدی که در میان میدان معابده قرار دارد و اخیراً بازسازی شده است، مسجد اجابه نیست.

۴- مسجد شجره

در مکه مکرمه نیز مسجدی است با نام شجره، ولی این مسجد، میقات نیست. مسجد، پس از پل حجون و به فاصله صد متر پس از مسجد جن به سوی حرم قرار دارد و در جوار پل

۱- سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۶۴؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۷۲.

سلیمانیه واقع شده است.

در قداست مسجد شجره همین بس که روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کسی را در همین مکان به اسلام دعوت کرد. او گفت: «من ایمان نمی آورم تا آن درخت را بخوانی و درخت به سوی تو بیاید!» حضرت رو به درخت کرد و فرمود: «به اذن خداوند نزد من بیا.» بی درنگ درخت نزد حضرت آمد. (۱)

در این مکان مقدّس پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نماز نیز گزارده است. (۲) مسجد در حال حاضر (۱۳۷۹ شمسی) ویران شده است و دوران بازسازی خود را طی می کند.

۵- مسجد الزّایه

این مسجد در بخش آغازین بازار ابوسفیان، سوی چپ بازار، به طرف حرم، قرار دارد.

۱- اخبار مکه، ارزقی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲- اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۳۴.

منطقه ای که مسجد الزّایه در آن جاست، در قرون نخستین هجرت، «الردم الأعلى» خوانده می شد و در تاریخ آمده است که در صدر اسلام خانه های مکه تا همین منطقه بوده اند. در کنار این مسجد، حوض آبی ساخته اند تا زائران و مجاوران حرم از آن استفاده کنند.

ازرقی می گوید: حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) در این مکان نماز خوانده است. [\(۱\)](#) مسجد در طول تاریخ بازسازی و تعمیرات اساسی شده است که تاریخ آخرین تعمیر، سال ۱۳۹۴ هجری قمری است. [\(۲\)](#)

۶- مسجد تنعیم

مسلمانانی که از مسجد شجره در مدینه منوره یا جحفه در نزدیکی شهر رابغ محرم شده اند و قصد ورود به مکه را دارند، می بایست از منطقه تنعیم، که ادنی الحل و آغاز حرم است، بگذرند. در مرز حلّ و حرم هنوز نشانه های سنگی حرم در کنار مسجد تنعیم به چشم می خورد.

مسجد تنعیم از جمله جاهایی است که مجاوران حرم برای محرم شدن به احرام عمره مفرده، بدان جا می آیند. در سالهای دور، مسجد به مسجد عایشه شهرت داشته است؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عبدالرحمان بن ابی ابکر دستور داد که خواهر خود، عایشه، را بدین جا آورد تا از این محل مُحَرَّم شود. [\(۳\)](#)

مسجد تنعیم در طی قرون گذشته مورد عنایت و توجه سفرنامه نویسان و تاریخ نگاران بوده است و چندین بار ویران و

۱- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۷۱.

۳- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۸.

بازسازی شده است. بازسازی نهایی مسجد تنعیم، در سال ۱۳۹۸ هجری قمری بوده و مساحت آن ۱۲۰۰ متر مربع است.

۷- مسجد خَیْف

در قداست و عظمت این مسجد، که در منا قرار دارد، همین بس که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند؛ چنان که از ابن عباس نقل است: «صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ سَبْعُونَ نَبِيًّا» (۱) مسجد خیف از مساجد مهم اسلام است و در طول تاریخ مورد عنایت خاص و عام بوده است.

گزارش شمار بازسازیها و تعمیرات و توسعه و هجوم سیل و ایجاد سیل بند، عنایت مورخان را نسبت به این مسجد مقدّس آشکار می سازد.

واپسین بازسازی این مسجد باشکوه در سال ۱۳۹۲ هجری قمری صورت گرفته است که مساحتی وسیع در حدود ۲۳۶۶۰ متر را به خود اختصاص داده است. اما دریغا مسجدی که انبیای عظام و امامان معصوم (علیهم السلام) در آن به عبادت می پرداخته اند و با خدای بزرگ راز و نیاز می کرده اند، تنها و تنها در ایام تشریق باز است و متأسفانه در این ایام نیز محل استراحت زائران بی خیمه می گردد و باید تلاش کرد تا جایی پیدا شود و توفیق رفیق گردد

و نمازی و ذکری (ذکر مخصوص مسجد خیف) انجام گیرد. (۱) خیف به محلی گویند که از ویژگی های کوهستانی اش کاسته شده، ولی هنوز به صورت دشت درنیامده است. این منطقه در دامنه کوه صفایح قرار گرفته و مسجد خیف در همین جا ساخته شده است. (۲)

۸- مسجد البیعه

مسجد بیعت در سوی راست کسی است که از جمرات به سوی مکه می رود و به فاصله ۲۰۰ متری پس از جمره عقبه جای دارد.

مسجد تا کنون از ویرانی در امان مانده است، ولی متأسفانه مظلوم و متروک است. چه بسا کسانی سالها و بارها به حج و عمره مشرف شده اند، اما هنوز مسجدی با این عظمت و قداست را یا نمی شناسند و یا می شناسند ولی از جایش بی خبرند و یا توفیق تشرف نیافته اند.

۱- اعمال مخصوصه مسجد خیف در کتب ادعیه مذکور است.

۲- آثار اسلامی و مکه و مدینه، ص ۸۸.

بنای فعلی مسجد بیعت بسیار کهن و داریا کتیبه ای به خط کوفی است. نخستین بنای مسجد را در سال ۱۴۴ هجری قمری بنیان نهاده اند. [\(۱\)](#)

وجه نامگذاری مسجد به مسجد البیعه، آن است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با مسلمانان یثرب، که برای انجام حج به مکه آمده بودند، در این مکان پیمان بست و آنان با حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بیعت کردند و این بیعت با نام «بیعه العقبه» شهرت یافت.

۹- مسجد کبش

حضرت ابراهیم (علیه السلام) گوسفندی را که از جانب خدا فرستاده شده بود تا آن را به جای فرزندش، حضرت اسماعیل (علیه السلام)، ذبح کند، در همین مکان ذبح کرد. بعدها مسجدی به نام مسجد الکبش (۱) در همان جا بنا شد. (۲)

مسجد در فاصله میان جمره اول و جمره وسط قرار داشته است. نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در این مسجد نماز ظهر را به جای آورده و قربانی خود را در کنار همین مسجد ذبح کرده است. نام دیگر این مسجد، «مسجد النحر» است.

۱۰- خانه ارقم بن ابی ارقم

ارقم از نخستین گروندگان به اسلام است. خانه او بر فراز کوه صفا قرار داشت و جایی امن برای مسلمانان محسوب

۱- کبش به معنای قوچ است.

۲- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۷۵.

می شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سال چهارم بعثت همراه یارانش در آن جا به سر می برد و کسانی که قصد مسلمان شدن داشتند، در آن جا به زیارت حضرت می رفتند.

این خانه در تاریخ اسلام دارای اهمیتی بسیار بوده است تا آن جا که به صورت یک مقطع تاریخی درآمده و حوادث دوران مکه با ذکر این نکته که پیش از خانه ارقم رخ داده یا پس از آن، مشخص شده است. (۱)

در این خانه مسجدی بنا شده که بسان کاشانه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) محسوب می گردیده است. آن حضرت هنگامی که از دید مشرکان مخفی بود، اصحابش را در آن جا گرد می آورد و قرآن به آنان می آموخت و آیات الهی را بر آنان تلاوت می فرمود. (۲)

اماکن و مساجد دیگری در مکه مکرمه هست که دارای پیشینه تاریخی اند، ولی نوشته حاضر مجال پرداختن به همه آنها را ندارد. خوانندگان گرامی برای آگاهی بیشتر به کتابهای انتشار یافته «نشر مشعر» بنگرند.

۱- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۹۸.

۲- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۰.

زیارت، اسرار و معارف

مدینه منوره، حریم حرم رسالت و نبوت و خاتمیت و خانه نبوت و امامت و ولایت است و مرکز نبوت انبیای الهی است به گونه ای که گویا همه انبیای الهی را در آن بقعه گرد آورده اند و چون نیکو بنگریم، انسانهای کامل همیشه شاهد و همواره زنده را مشاهده می کنیم؛ زیرا آدمی در مدینه الرسول، در مشهد رسول الهی و امامان پاکی است که در روضه منوره و در بقیع بی بقعه آرمیده اند و شاهد اعمال و رفتار انسانند.

امام علی (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «ان الله تبارک و تعالی طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجته فی ارضه و جعلنا مع القرآن و جعل القرآن معنا لا نفارقه و لا یفارقنا.» (۱)

همچنین می فرماید: «و بینکم عتره نبیکم و هم ازمه الحق و اعلام الدین و ألسنه الصدق فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن

وردوهم ورد الهيم العطاش.» (۱)

خداوند متعال شرط ورود به محضر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) را اذن و دعوت آن حضرت می داند و می فرماید: (يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ أَيْهِ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُنَّ مِنْ بَعْدِهِ إِنْ دَأَبْتُمْ لَكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا). (۲)

بنابراین، بدون اذن و اجازه نتوان وارد حریم و حرم و بیت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) شد. بایستی وجود مبارک آن حضرت رخصت دهد تا آدمی بتواند وارد شود و در کنار سفره ای گسترده، که از طعامهای گوناگون معنوی زینت داده شده است، به میهمانی و ضیافت بنشیند. طعامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مسلمانان را به آن می خواند، طعام جسمانی نیست.

زائر شهر مدینه و مرقد آن پیامبر بزرگ در کنار سفره و طعام معنوی و روحی آن حضرت می نشیند و استفاده می کند و میهمان مدینه نبیستی عمر خویش را در مدینه منوره به

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۲- سوره احزاب.

بیهودگی بگذرانند، بلکه بایستی بکوشد که خوب بشنود و خوب ببیند و سمیع و بصیر باشد. سخنان بیهوده و گذاران وقت به بطالت در جوار نبی اعظم موجب آزار و رنجش آن عزیز خواهد بود. در آن جا، تفاوتی میان حرم و هتل نیست و دیوارها حاجب نیستند و مرز نخواهند بود. اگر دیوار حاجب باشد که نمی توان گفت «اشهد انک تسمع کلامی و تری مقامی و ترد سلامی.» باید چنان بر کردار و رفتار و گفتار خود مراقبت کنیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را آزار ندهیم. کسانی که پیامبر را می رنجانند، از رحمت خاصه پروردگار عالم به دورند، کسی که میهمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است، ممکن نیست از شب زنده داری محروم باشد که پذیرایی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تهجد است.

ضیافت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در احیای لیل و مؤانست با محبوب است: (و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً). کسی که میهمان پیامبر می شود، غذای او نماز شب (۱) و در پایان وصول به مقام محمود است و اگر این گونه میهمان شود، خداوند متعال و فرشتگان قدسی بر او درود و صلوات خواهند داشت: (هو الذی یصیلمی علیکم و ملائکته) و این صلوات محصول میهمانی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است. خداوند می خواهد زائر مدینه را نورانی کند و نشانه صلوات خدا و

فرشتگان، نورانی شدن است و وقتی انسان نورانی شود، به طبیعت تیره نمی نگردد. وقتی زائر به بارگاه اله یا اولیای الهی بار می یابد، هر مشکلی که دارد بایستی برطرف سازد. گفته اند صاحب دل و اهل معرفتی با لباسی چرکین و ژنده به حضور صاحب مقامی بار یافت. به او گفتند: با این کیفیت و حالت لباس به پیشگاه صاحب مقام رفتن عیب است و عار و ننگ. در جواب گفت: «با لباس چرکین نزد صاحب مقام رفتن عیب نیست، بلکه با همان لباس چرکین از حضور صاحب مقام بازگشتن ننگ است؛ چرا که صاحب مقام او را لایق ندانسته و رد کرده و چیزی به او نداده است.»

بایستی زائر در محضر رحمه للعالمین و وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) غفران الهی را طلب کند و همنشینی با آن عزیز و دیگر اولیای الهی را بخواهد. با دست پر از گناه به سوی خدا و ولی خدا رفتن و دست پر از گناه را به طرف خدا دراز کردن ننگ نیست؛ با دست پر از گناه از نزد خداوند متعال و ولی خدا بازگشتن ننگ است. اگر آنان انسان را نپذیرند، آلودگی همواره بر جای خویش می ماند و عار، همیشگی است.

مدینه، شهر پیامبر، یکی از مراکزی است که مسلمانان همه خودی می شوند و نیازی به نماز شکسته نیست. مکه مرکز الوهیت و مدینه مرکز نبوت و مسجد کوفه مرکز ولایت و حریم

و حائر حسینی مرکز شهادت است. در شهر مدینه انوار لا یتناهی الهی منتشر است و نور نبوت و ولایت و امامت جلوه گر است و زائراست که بایستی ظرفیت خویش را بگستراند و هر چه بیشتر از این مرکز نور و وحی الهی روشنایی و نور برگیرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انّ المدینه و مکّه محفوظتان بالملائکة». (۱) باید در محضر نبی و ولی عرضه داشت: (یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضّر و جننا ببضاعه مزجاه فأوف لنا الکیل و تصدّق علینا انّ الله یجزی المتصدّقین). (۲)

باید نخست از جامه عصیان برآیی

با جامه طاعت به کوی دلبر آیی

بشکست اگر پایت در این ره با سرآیی

تا گام بتوانی زدن در کوی جانان

*** رفتی چو در یثرب بر پیغمبر عشق

کردی شهود حسن یکتا دلیر عشق

آن جا زدی ناب ظهور از کوثر عشق

کردی دل از اشراق آن شه عرش رحمان (۳)

مدینه سرزمین وحی و جایگاه فروزش شعله های مقدّس

۱- صحیح بخاری، سنن ترمذی.

۲- سوره یوسف، آیه ۸۸.

۳- دیوان الهی قمشه ای.

هدایت و تجلی جلوه های حق تعالی و تبلور ارزشهای قرآنی است. جای جای سرزمین مدینه خاطره است؛ خاطره هایی شورانگیز و جاودانه و تلخ و شیرین. گام گام این دیار یادآور جوانمردی علی و رشادت زهرا و اخلاص حسن و حسین و رجال نستوه صدر اسلام است؛ آنان که پروانهوار بر گرد شمع وجود رسول گردیدند و در پایان سوختند و فدای اسلام و پیامبر شدند و قرآن را ابدیت بخشیدند.

زائران این دیار قدس باید همه خاطره ها و آموزه ها و حقایق حیاتبخش اسلام را در کام جان خویش بنشانند و از شهد شیرین معارف اسلام بهره مند گردند و با زیارت‌های آگاهانه آرامگاه‌های مَنور آن وادی قدس، پیمان ولایت با نبی و ولی بر بندند و رهرو راه آنان گردند؛ چرا که این سفر، سفر الی الله است. زائران باید بر معرفت خویش بیفزایند و با معرفت، خاتم انبیا و اوصیایش را در مدینه زیارت کنند. فرصتها زود از دست می رود، بایستی این اوقات را مغتنم شمرد که ناگهان چشم باز می کنند و می بینند فرصت تمام و زمان حرکت است، در حالی که هنوز از کنار اسطوانه ابی لبابه و امثال مکان بهره ای معنوی نگرفته اند و توبه نکرده اند و با خدای خود در جوار رسولش راز و نیازی نکرده اند و از صمیم جان «العفو، العفو!» نگفته اند و باید باز گردند و میهمانی به پایان رسیده است.

شیخ طوسی (قدس سرهم) از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که این آیه درباره ابولبابه نازل شده است که یکی از افراد قبیله اوس و از بزرگان و نقبای مدینه و دارای سوابق درخشانی بوده و در جنگ بدر و احد نیز شرکت جسته است؛ زیرا او اشتباه بزرگی مرتکب شد و یهود بنی قریظه را از تصمیم پیامبر درباره آنان باخبر نمود: (۱) و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحاً و آخر سیئاً عسی الله ان يتوب عليهم ان الله غفور رحيم). (۲)

بنابر روایات، مدینه و حرم نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) دارای فضیلتی بسیار شگرف است. روزی مروان بن حکم در مکه خطبه می خواند و فضل و برتری شهر مکه را یادآوری می کرد. رافع بن خدیج، که نزد منبرش نشسته بود، خطاب به مروان گفت: «فضیلت مکه را گفتم و آنچه گفتمی درست است، ولی فضیلت مدینه و آنچه را در باب فضیلت این شهر گفته اند، نشنیده ای. من شهادت می دهم که رسول خدا فرمود و من شنیدم که: مدینه از مکه برتر است.» (۳)

بِسْلامِ آمَدگانِ حرمِ مصطفوی

ادخلوها بسلام از حرم آوا شنوند

۱- تبیان، ج ۵، ص ۲۹۰.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۳- مجمع الزوائد هیشمی، ج ۳، ص ۲۹۸.

النَّبِيُّ النَّبِيُّ آرنند خلائق به زبان

امّتی امّتی از روضه غرّا شوند

از صریر در او چار ملایک به سه بُعد

پنج هنگام دم صور به یکجا شنوند (۱)

مدینه میزبان بزرگترین شخصیت عالم انسانیت و خاتم انبیاست؛ مدینه پایگاه دوم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و محلّ پیدایش امامت صالحان در زمین است.

مدینه شهری است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دعایش کرد و عرضه داشت: «بار خدایا، برکت را بر مدینه نازل گردان» و سپس فرمود: «در تمام اطراف مدینه و داخل مدینه و هر راهی که به مدینه منتهی می شود، فرشتگان خدا مستقرند و از آن حراست و پاسبانی می کنند.» مدینه شهری است که دین را در میان گرفته است.

ای ختم رسل مدینه جسم است و تو جان

نام تو گرفته قاف تا قاف جهان

در لفظ مدینه بس ز اعجاز تو چون

مه شق شده و گرفته دین را به میان

همچنین در حدیث آمده است: «انّ مکّه حرم الله حرّمها

ابراهیم و انّ المدینه حرمی،» (۱) و نیز نقل شده است: «ترابها شفاء من کلّ داء.» (۲)

در هنگام بازگشت از غزوه تبوک، که فضای مدینه منوره غبار آلود شده بود، فرمود: «والذی نفسی بیده انّ فی غبارها شفاءً من کلّ داء.» (۳) اینک که شهر مدینه حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، بایستی زائر سر بر آستان سراسر نور و پر از فرشتگان الهی اش بساید و خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بگوید:

دست ما افتادگان را هم در این وادی بگیر*** ای که مهر از مهر جاء الحق بود بازوی تو

همچنین نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من زارنی حیاً و میتاً کنت له شفیعاً یوم القیامه.» نیز فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی.» (۴)

۱- بحار، ج ۹۹، ص ۳۶۱.

۲- همان.

۳- جامع الاصول ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۳۴.

۴- سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۳۷۸.

زیارت قبور اولیای خدا، گونه ای اظهار محبت به کسانی است که محبت آنان در شریعت مقدّسه لازم و نشانه ایمان است و تجدید عهد و دیدار با ولی نعمتان است که به برکت و یمن این انوار طاهره، آسمان و زمین و رزق و روزی موجودات

برقرار است. (۱)

شهر مدینه دارای افتخاراتی است که گویی در مفاخره با مکه می گوید: خداوند متعال با قدوم بهترین بندگان خود بر سینه ام نشان شرف عنایت فرمود و حاکم را شفای دردها و غبارم را دوی بیماریها قرار داد. از دیر زمان بر هر سرزمینی برتری داشته ام و اقامت در من، سپر بلاست و فضای من چون بهشت مصفاست. مسجد و منبر پیامبر را من دارم و در آن مسجد هر نمازی را به هزار برابر پاداش می دهند. جایگاه رسول جلیل در من است، خانه من از نور حبیب خدا آباد است و قبه الخضراء در من است و در هر صبح و شام، پس از هر نماز صبح و عصر، هفتاد هزار فرشته بر آن قبه و ضریح مقدس فرود می آیند. من رسول خدا را پناه دادم، یاری اش کردم و بر او نیکی روا داشتم و دلم جای او و دامانم آستانش بود و برای او چون مادری مهربانی کردم. همه شهرها با شمشیر فتح شد و من با قرآن، آشکار کننده دین و گسترنده ایمان بودم و الحید، که محبوب رسول خداست، در من است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خدایا عشق مدینه را در دلهایمان بینداز آن سان که مکه را دوست می داریم و بلکه بیشتر.»

ارج والای مدینه از آن روی است که نخستین پایتخت اسلام

و جایگاه دعوت و انتشار این دین مبین در جهان بوده است. مدینه محلّ تشعشع نور درخشنده اسلام در میان بشریت است که خداوند متعال با نور اسلام انسانها را از شرک و گمراهی رهایی بخشید و آنان را به توحید و هدایت رهنمون ساخت.

سلامٌ عليكِ اى نبى مكرم*** مكرم تر از آدم و نسل آدم

سلامٌ عليكِ اى ز آباء علوى*** به صورت مؤخر به معنا مقدم

سلامٌ عليكِ اى ز اسماء حسنى*** جمال تو آئينه اسم اعظم

سلامٌ عليكِ اى به ملك رسالت*** تو را خاتم المرسلين نقش خاتم

اگر فيض نورت نبودى نمودى*** يكي ملت كفر و اسلام با هم

روضه منوره از جوانب مهم و با ارزش مسجد نبوى در مدينه است. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) درباره اش فرمود: «ما بين بيتى و منبرى روضه من رياض الجنه و منبرى على حوضى.» (۱) يكي از عبادات در مسجد نبوى، اعتكاف است و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) جز در اين مسجد در هيچ مسجدى حتى مسجدالحرام به اعتكاف

پرداخت. وجود مبارکش در دهه میانه ماه در آن مسجد معتکف می شد و در همان جا مدفون گردید.

يا خَيْرَ مَنْ دُفِنَتْ بِالْقَاعِ اعْظُمُهُ*** فطابَ مِنْ طَيِّهِنَّ الْقَاعِ وَالْاَكْم

نفسی الفداء لقبر انت ساکنه*** منه العفاف و فيه الجود و الکرّم

آنچه به عنوان روضه مطهره مطرح است، بخشی از مسجدالنبی است که میان منبر و خانه جای دارد. این بخش از مسجدالنبی در نزول رحمت الهی و استجابت دعای مؤمنان و نیل بندگان به سعادت معنوی و اخروی چنان مؤثر است که تصور و فکر ما از درک حقیقت آن عاجز و قاصر است. اگر نماز در مسجدالنبی بهتر از هزار نماز باشد، بی گمان پاداش عبادت و نماز در روضه به مراتب افزونتر خواهد بود، و قبر نبی، در روضه است.

قال النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): «من استطاع ان يموت بالمدينة فليمت بها.»

قال النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): «من زارني بعد وفاتي كان كمن زارني في حياتي و كنت له شهيداً و شافعاً يوم القيامة.»

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «صلوه في مسجدی هذا افضل و خير من الف صلوه فيما سواه من المساجد الا المسجد الحرام.»

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «من زار قبري وجبت له شفاعتي.» (۱)

مستحب است انسان در مدینه منوره، سه روز، روزه بگیرد: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه. همچنین، در مسجد مدینه اعتکاف کند و بسیار نماز بخواند و شب چهارشنبه نزد ستون ابولبابه توبه کند و روز چهارشنبه نزد آن بنشیند و شب پنجشنبه نزد ستونی که پیش ستون ابولبابه است و مقام رسول خداست، بنشیند و آن شب و فردا را همان جا بماند و سپس نزد ستونی آید که پیش مقام پیغمبر (صلى الله عليه وآله) است و شب و روز جمعه را نزد آن حضرت نماز بخواند. در این روزها به چیزی از امور دنیا برای سخن گفتن دهان نگشاید مگر به قدر ضرورت و از مسجد بیرون نرود مگر برای کارهای ضروری و روز جمعه پس از حمد خدا و صلوات بر پیامبر این دعا را بخواند:

«اللهم ما كانت لي اليك من حاجه شرعتُ انا في طلبها و التماسها او لم اشرع سألتكها او لم أسألکها فأنى اتوجه اليك بنبيك نبي الرّحمه في قضاء حوائجى صغيرها و كبيرها.»

نور خدا در تمام هستی و هدایتگر بندگان خدا، وجود مقدس رسول خدا (صلى الله عليه وآله) است. در بیان فضایل آن وجود اقدس سروده اند:

يا سيدي يا رسول الله خذ بيدي *** مالي سواك ولا الوى عى احد
فانت نور الهدى فى كل كائنه *** و انت سر الندى يا خير مُعتمد
وانت حقاً غياث الخلق اجمعهم *** و انت هادى الورى لله ذى مدد
يا من يقوم مقامه الحمد منفرداً *** للواحد الفرد لم يُولد و لم يلد
يا من تفجرت الانهار نابعه *** من اصبعيه فروى الجيش ذا العدد
انى اذا سامنى ضيمٌ يروغنى *** اقول يا سيد السادات يا سدى
كن لى شفيعاً الى الرحمن من زلى *** وامن على بما لا كان فى خلدى
وانظر بعين الرضا لى دائماً ابداً *** واستر بفضلك تقصيرى مدى الامد
واعطف على بعفو منك يشملنى *** فانى عنك يا مولاي لم احد
انى توسلت بالمختار اشرف من رقى السماوات سر الواحد الاحد

رَبِّ الْجَمَالِ تَعَالَى اللَّهُ خَالِقُهُ*** فَمَثَلُهُ فِي جَمِيعِ الْخَلْقِ الْخَلْقِ لَمْ أَجِدْ

خَيْرَ الْخَلَائِقِ أَعْلَى الْمُرْسَلِينَ ذُرِّيَّ*** ذَخِرَ الْإِنَامُ وَهَادِيهِمْ إِلَى الرَّشَدِ

بِهِ التَّجَاؤُتُ لَعَلَّ اللَّهَ يَغْفِرَ لِي*** هَذَا الَّذِي هُوَ فِي ظَنِّي وَمَعْتَمِدِي

فَمَدْحُهُ لَمْ يَزَلْ دَأْبِي مَدَى عَمْرِي*** وَحَبُّهُ عِنْدَ رَبِّ الْعَرْشِ مُسْتَنْدِي

عَلَيْهِ أَزْكَى صَلْوَهُ لَمْ تَزَلْ أِبْدَاءً*** مَعَ السَّلَامِ بِلَا حَاصِرٍ وَلَا عَدَدِ

وَالْأَلِّ وَالصَّحْبِ أَهْلِ الْمَسْجِدِ قَاطِبَهُ*** بَحْرِ السَّمَاكِ وَأَهْلِ الْجُودِ وَالْمَدَدِ

از صفات ذات القدس الهی شکور بودن اوست. شکور است؛ یعنی کوششهای بندگان خود ارج می نهد و پاس می دارد. جایی که خداوند متعال قدردانی می کند، تکلیف ما روشن است؛ ما نیز باید حق متعال و انوار طاهره معصومین را سپاس گوئیم. مناسب است انسان در شهر مدینه شاکر نعمت حضور باشد و نعمت همجواری نبی و اولیا و اوصیایش را شکر بگذارد.

زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اولیای خاص خداوند (علیهم السلام) متعال،

گونه ای رزق مخصوص و معنوی است. در دعای ابو حمزه ثمالی و دعای افتتاح از زیارت معصومین (علیهم السلام) تعبیر به «رزق» شده است. این رزق را خداوند متعال در مقام جبران خدمت و کمک و دعا و عبادت، برای افرادی خاص مقرر می فرماید و اکنون که دانستیم رزق عبارت از رزق معنوی است، فرصت حضور را بایستی بسیار مغتنم شمرد و نعمت ملاقات را بایستی بسیار با ارزش دانست و بهره معنوی گرفت. نباید از عبادت و توبه و دعا و ثنا غافل شویم و سپاس عملی و قولی خالق و رازق و وسایط فیض الهی را از یاد بریم. باید در نهایت تواضع و فروتنی با اولیای الهی سخن گوئیم و آنان را سپاس گزاریم.

زیارت، «حضور الزائر عندالمزور» است. مزور، معصومین می باشند. آن بزرگان از یک سو فرموده اند: «ما منّا الا مقتولٌ او مسمومٌ» و از سوی دیگر قرآن کریم می فرماید: (ولا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربّهم يُرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله و الله واسعٌ علیم). (۱)

قرآن در جایی دیگر می فرماید: (ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء عند ربّهم يُرزقون) (۲) کسی نمی تواند منکر این حقیقت شود که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۴.

شیعه (علیهم السلام) سر سلسله شهیدان اسلام و قرآنند و به شهادت آیه کریمه قرآن زنده اند و نزد خداوند از بهترین روزیهای الهی برخوردارند و زیارت آن بزرگواران، زیارت اموات نیست.

هم فنا را هم بقا را رونقیم

فانی اندر حق و باقی در حقیم

گر به صورت جان به جانان می دهیم

هم به معنی مرده را جان می دهیم

گر به صورت غایب از هر ناظریم

لیک در معنا به هر جا حاضریم (۱)

ارواح جاوید و قدسی پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) آن گاه که از ابدان خود جدا می شوند و به عالم ملکوت پر می کشند و ناسوت را وداع می نمایند، امور عالم ناسوت در نزد آنان هویدا و منکشف است و توانایی تأثیر و تصرف در این جهان را دارند و از حاضران در آرامگاه خویش آگاهند و درخواستشان را می شنوند و آنان را با نسیم الطاف خود می نوازند و فرشتگان الهی صفّ اندر صفّ رازدار حریم حرم آنانند. (۲)

۱- دیوان عمان سامانی.

۲- دیوان نسیم شمال.

خُوران بهشتی زده اندر حرمش صَفِّ

خیل ملک از نور طبقها همه بر کف

شاهان ادب در حرمش گشته مشرف

این جاست که تاج از سر هر تاجور افتاد (۱)

خداوند متعال می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله). (۲) و امام صادق درباره آیه مذکور می فرماید: «آن سبب و وسیله نجات از هلاکت و رسیدن به سعادت در بین شما، ما هستیم.»

زیارت

زیارت، یعنی زائر خود را در پیشگاه مزور قرار دهد و خود را محک بزند.

زیارت، یعنی یاری گرفتن از بزرگان معصوم برای تقرب به خداوند.

زیارت، یعنی واسطه قرار دادن مزور میان خلق و خالق.

زیارت، یعنی پیوند قلبی و ابراز محبت به مزور.

زیارت، یعنی شاهد صدق بر ارادت مأموم به امام خود.

زیارت، دیدار با امام و تجدید بیعت است.

۱- دیوان نسیم شمال.

۲- سوره مائده، آیه ۲۵.

زیارت، کمال خواهی و به دنبال دل رفتن و دست از مادیات کشیدن است.

زیارت، گریختن از ظلمتهای دنیای مادی و به پرتو انوار الهی واصل شدن است.

از آلودگیها ملول شدن و در زلال پاکیهها جان را شست و شو دادن و از نقص خود آگاه شدن و رنج بردن و به سرچشمه کمال آسمانی بازگشتن را نیز از اهداف زیارات پاکان و انبیا و اولیای (علیهم السلام) الهی دانسته اند.

مرحوم میرزا حبیب الله خراسانی سروده است:

سنگ دل را سرمه کن در آسیای موقت

دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس

همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش ربّ

در درون اهل دل جا کن کمال این است و بس

زائر نخست باید توبه کند و درون جان را از گناه و آلودگیها صیقل بخشد تا بتواند از خورشید نبوت و امامت نور برگیرد.
چگونه کسی که آینه نیست، جمال یار می طلبد؛ باید آینه شد.

آینه شو جمال پری طلعتان طلب*** جاروپ زن تو خانه سپس میهمان طلب

تا پاک نشود، نمی تواند چشم به پاکان بیفکند و تا شایسته نباشد، نمی تواند ادعای دوستی با محبت اولیای الهی را سر

دهد. اگر عشق آید، خستگی رخت برمی بندد و اگر محبت در کار آید، ملال متواری می شود و آن که عشق و شوق دارد، به زیارت می رود. مرحوم علامه بزرگوار امینی - قدس سره القدوسی - در کتاب ارزشمند سیرتنا و سنتنا آورده است که اگر مدینه منوره حرم محترم الهی شمرده شده است و در سنت نبوی برای مدینه و خاک و اهل و مدفونین آن سرزمین ارزشهای فراوان بیان شده است، به دلیل همان انتساب به خدا و رسول است و زائر او نیز ارزش می یابد.

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند

و آن که این کار ندانست در انکار بماند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

زیارت، محبت و شناخت می آورد و عامل سازنده و تربیت است و از سوی دیگر، انسان را به زیارت وامی دارد.

برادرانه بیا قسمتی کنیم رقیب

جهان و هر چه در آن است از تو یار از من

چون کسی در مدار عشق قرار گیرد و در قلمرو محبته الله و محبت اولیاء الله گام گذارد، این محبت برای او چاره ساز خواهد بود. وقتی زائر به یاد پیامبر افتد، پیامبر نیز به یاد زائر خواهد بود که فرمود: «ان الله ملائکته سیاحین فی الارض یبلغونی عن امتی

السلام» (۱) همچنین فرمود: «من سلّم علیّ فی شیء من الارض ابْلَغُهُ.» و «من سلّم علیّ القبر سمعته» (۲) مگر می شود کسی شیفته پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد، اما پیامبر به او بی توجهی کند و مگر می شود کسی خدا را یاد کند و خداوند متعال او را یاد نکند. خداوند متعال می فرماید: (فاذکرونی اذکرکم) (۳) این تقابل یاد هم در ذات اقدس باری وهم در ذوات مقدّسه معصومین (علیهم السلام) موجود است و سرانجام وقتی مزور در خاطر زائر حاضر باشد، زائر نیز در خاطر مزور حاضر است.

دل اگر طالب فیض باشد، سالک راه پاکان خواهد شد و خود را به نیکان متصل خواهد ساخت و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام)، نیکان و بندگان مقرب درگاه الهی اند و برای تقرب باید با مقربان انس یافت و خود را در زمره آنان درآورد تا نمی از یم رحمت الهی به زائر برسد و این رهنمود خداوند است در سوره نساء که می فرماید: (ولو أنّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاسغفروالله و استغفر لهم الرسول لوجدواالله تواباً رحیماً). (۴)

آیا وقتی پیراهن حضرت یوسف (علیه السلام) چشم نابینای یعقوب فراق کشیده و هجران دیده را بینا می کند، (۵) مرقد والاترین

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰.

۲- همان، ج ۱.

۳- سوره بقره.

۴- سوره نساء، آیه ۶۴.

۵- سوره یوسف، آیه ۹۶.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نمی تواند چنین معجزه ای و بلکه بالاتر از آن را پدید آورد؟! سرّی که در این جا نهفته است، توجه مزور و انتساب به مزور است. از این رو، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده است: «غبار مدینه شفای جذام است.»

زائر باید با توجه و حضور قلب زیارت کند تا سخن مزور را با گوش جان بشنود. حضور تن و غیبت جان مفید نمی تواند باشد. اگر بدن رو به ضریح و قلب پشت بدان باشد، زیارت محسوب نمی شود و زیارتهای بی روح و بی معنویت است که بی اثر است. قرآن کریم در سوره طه، که ماجرای گوساله

سامری را نقل می کند، می فرماید: سامری از زیور آلات گوساله ای ساخت و او را به صدا درآورد و بنی اسرائیل از تعالیم موسی (علیه السلام) سر باز زدند. پس از آنکه موسی (علیه السلام) از میقات بازگشت، قوم خویش را گمراه یافت. فرمود: «ای سامری، چه کردی که این گوساله مرده زنده شد و به صدا در آمد؟» سامری گفت: «من شنیده بودم که خاک پای ولی خدا اثر دارد. از این رو مشتی خاک از جای پای جبرئیل برگرفتم و بر گوساله پاشیدم تا زنده شد.» (۱) خاک پای فرشته آسمانی چنان مؤثر است که وقتی به صورت انسانی متمثل می شود و بر زمین راه می رود، خاک زیر پایش منشأ حیات در موجود جماد می گردد. اینک چه مانعی در کار است

اگر خاک قبر اولیای الهی و آسمانیان دارای خاصیت احیا و شفا و رفع هر گونه بلا گردد و دل‌های مرده را نیز زنده کند؟! خداوندی که اثر را بر خاک زیر پای اسب جبرئیل بر می‌نهد، بی‌گمان می‌تواند به خاک قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) نیز، که افضل و اشرف از فرشتگان مقرب خداوند، اثری عنایت فرماید.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رحمه للعالمین است و خداوند فرموده است: (يَخْتَصُّ بِرَحْمَةٍ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ). او بالمشفقین رؤوف و رحیم است و مأمور به عطوفت و مهربانی با مؤمنین است (وإذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة انه من عمل منكم سوءاً بجهالة ثم تاب من بعده واصلح فانه غفور رحيم) (۱) برای زائر مدینه چه فرصت بسیار عزیز و چه موقعیت ممتازی است آن گاه که خود را در روضه منوره خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) می‌بیند تا سر به دیوار خانه نبی و ولی بگذارد و دست حاجت به سوی آستان مقدسی دراز کند که هیچ صاحب حاجت و خواهنده ای دست خالی از آن بیرون نمی‌رود. چگونه زائر و سائل را دست خالی باز می‌گردانند کسانی که آسایش دیگران را بر آسایش خویش ترجیح دادند و سه شبانه روزی پی در پی برای افطار خویش، تنها

به آب بسنده نمودند و طعام را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و خود گرسنه ماندند.

ادب حضور در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اقتضا می کند که زائران صدای خویش را بلند نکنند که خداوند متعال در این باره می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم و انتم لا تشعرون ان الذین یغضون اصواتهم عند

رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره و اجر عظیم ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیراً لهم و الله غفورٌ رحیم). (۱)

دل نگهدارید ای بی حاصلان*** در حضور حضرت صاحب‌دلان

پیش اهل تن ادب در ظاهر است*** پیش اهل دل ادب بر باطن است

*** آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی

آمده مجموع در ظلال محمّد

گرت هوای بهشت است و حوض کوثر و طوبی

بیا به سایه ممدود و مستدام محمّد

سریر عزت عقبی جلال امت او یاد

که بود راحت دنیای دون حرام محمد

مدینه، خانه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، محلّ نزول و صعود جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان بوده است و منبع فضایل و خیرات و منشأ الطاف و برکات است.

زائر در زیارت خود باید به خطاهای خویش بنگرد و آنها را در نظر آورد تا زیارتی مفید و ثمر بخش داشته باشد. در زیارت امامان پاک مدفون در بقیع (علیهم السلام) آمده است که زائر عرضه می دارد: «و هذا مقام من اسرف و اخطأ و استکان و اقتر بما جنی و رچی بمقامه الخلاص.»

و در زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: «انّی اتیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی و انّی اتوجه بک الی ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی.» استغفار و توبه از گناهان و امید مغفرت لازم است و بدین سان زیارت، عامل تزکیه و خودسازی و تربیت می شود. انسان زائر با زیارت اولیای خدا اعلام وفاداری می کند و با حضور خود عرضه می دارد که کوششها و رنجهای شما را فراموش نکرده ام و خونهایی را که نثار مکتب کرده اید، سبب شد که من به راه مستقیم الهی درآیم.

زائر، در زیارت، اعلام دوستی و تجدید عهد و تشدید محبت می کند؛ چرا که دستور بزرگان مکتب و مقتدایان آن است که هر کسی را که دوست دارید، به او اظهار کنید و بگویید.

در زیارت اولیای الهی، زائر در برابر انسانهای کامل قرار می گیرد و خود را با آن بزرگواران، که میزان کمالات و فضایل و ارزشهای اخلاق و معنوی اند، می سنجد و مقایسه می کند و احياناً آگاه می شود که دارای کژیهای است که باید خود را از آنها بپیراید و از کوثر وجود آن بزرگان در مسیر اصلاح استمداد کند و روح خود را بشوید و جلا بخشد و از نبی و ولی عذر خواهد که یا رسول الله، من شرمنده ام از این که خود را از امت شما بدانم و این گونه باشم.

بقیع؛ مرتبه مجسم

زائر مدینه تنها میهمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نیست، بلکه میهمان اهل بیت و آل رسول (علیهم السلام) نیز هست. بدون خلع نعلین نباید وارد حرم و حریم امامان در بقیع شد، بلکه پس از اذن دخول بایستی خلع نعلین نموده و آهسته آهسته گام برداشت و در کنار قبور در نهایت ادب و احترام باز ایستاد؛ چرا که پس از قبر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) مقدس ترین و با فضیلت ترین مکانها در مدینه منوره، مزار بقیع، زیارتگاه امامان مظلوم و آن شهیدان شاهد است. این مکان مقدس، محل دفن چهار امام معصوم (علیهم السلام) و همسران و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و جمع کثیری از صحابه و یاران آن حضرت و شماری بسیار از علما و شهدا و بزرگان اسلام است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید: سرزمین بقیع

نخستین مکانی است که در روز قیامت شکافته می شود و مدفونین آن سر از خاک بیرون می آورند و پس از آن زمین مگه و در روز قیامت در صحرای محشر هفتاد هزار نفر از بقیع حاضر می شوند که روی شان مانند شب چهارده می درخشد و بی حساب به بهشت در می آیند.» پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) همواره به بقیع می رفت و حتی در نیمه های شب نیز به زیارت بقیع می شتافت و برای آرمیدگان در آن بقعه مبارکه طلب مغفرت می نمود.

شایسته است زائران شهر مدینه از زیارت بقیع بهره ای ارزشمند بگیرند و برای اهل بقیع طلب مغفرت کنند و در آن قطعه بهشتی خطاب به امامان پاک (علیهم السلام) مضامین والای زیارت سراسر معارف جامعه کبیره را ترنم کنند که به انشاد و انشای امام هادی (علیه السلام) است و با ادب هر چه تمامتر بخوانند و بگویند که ای امامان بقیع:

جهان جسم و شما جان جهانید*** شما هم آشکار و هم نهانید

شما اسرار هستی را امینید*** فروغ آسمان روی زمینید

امیر کشور دلها شماید*** شما آینه های حق نمایید

شما یک نور در چندین روایت*** شما نور حجازید و عراقید

شما در ظاهر و باطن امیرید*** عنایت کرده ما را دست گیرید (۱)

و گویا دعبل خزاعی در قصیده تائیه خود، وضع تأسف بار بقیع را مجسم می نماید و زبان حال شیعیان را به نظم درمی آورد:

مدارسُ آیاتِ خَلَّتْ مِنْ تِلاوَهْ*** وَ مَنْزَلُ وَحیِ مُقَفَّرِ العِرصَاتِ

منازلُ قومِ یهتدی بهداهم*** فُتُوْمَنْ مِنْهُمْ زَلَّه العِشرَاتِ

منازلُ جبریلُ الامینِ یحلُّها*** من الله بالتسلیمِ و البرکاتِ

منازلُ وحیِ الله معدنُ علمه*** سبیلِ رشادِ واضِحِ الطرقاتِ

منازلِ کانتِ للصلوه و للتقی*** و للصومِ و للتطهیرِ و الحسناتِ

دیارُ عفاها جورِ کلِّ مُنابذ*** و لم تعفِ للایامِ و السنواتِ

خانه هایی که محلّ فراگرفتن آیات قرآن کریم بود، تهی گشته اند. خانه هایی که محلّ نزول وحی الهی بود، به بیابان خشک مبدّل شده اند. خانه هایی که مردمان به برکت آنان و صاحبانشان هدایت می یافتند و در اثر عصمت ساکنانشان از هر اشتباه و لغزش در امان می ماندند، ویران گشته اند.

خانه هایی که جبرئیل امین از سوی خداوند با سلام و

برکات بر آنها نازل می شد؛ خانه هایی که محل وحی خداوند و معدن علم و راههای رشد و رشاد آشکار و روشن اند؛ خانه هایی که برای نماز و پرهیزکاری بنیان یافته اند و برای روزه و پاکی و نیل به حسنات استوار گشته اند؛ خانه هایی که دست جفاکار دشمن ویرانشان ساخته است نه گذشت روزگاران.

ویرانشان ساخته است نه گذشت روزگاران

یک لحظه به خود آی و نظر کن که کجایی

با عجز بر این خاک گرانمایه بنه سر

گر آمده ای بر در سلطان به گدایی

دست طلب انداز به دامان وصالش

شاید بررسی از ره لطفش به نوایی

قبور بی سایبان در برابر آفتاب، داغ دل هر شیعه عاشق را تازه می کند و او را وامی دارد که بر غمی کهن و دیرین اشک ریزد و بغض مانده در گلو را در جوار امامان پاک و معصوم رها کند. خاک و سنگ مزار امامان، گویاترین رنجامه نانوشته شیعه است و دل‌های سوخته و پر از محبت ولایتمداران اهل بیت به خاک بوسی چهار امام معصوم (علیهم السلام) می روند. در آن جا اشکها سخن می گویند و حال گویاتر از قال است و چشمهای اشکبار، ترجمان دل‌های داغدار و بی قرار است. بقیع خود مرتبه مجسم است. لازم نیست کسی مرتبه بخواند؛ چشمها و قطرات جاری اشک، همه روضه خوان مجلس و گریه کنان محفل اند. سخنی

نیز که نگویی، اشک جاری است و شبها روشنایی آن وادی بی بقعه از نور امامت و مشعل ولایت است و بقیع آشنایی غریب و همدم غربت در جمع آشنایان است و این دیده های گریان و دلهای سوخته گواه داغ دل و عشق زائران و ناله بر مظلومیت بقیع است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «نحن اهل بیت لا- یقاس بنا احد.» (۱) علی (علیه السلام) در فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) فرمود «لا- یقاس بآل محمد من هذه الامه و لا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابداً هم اساس الدین و عماد الیقین الیهم ینفی الغالی و بهم یلحق التالی و لهم خصائص حق الولایه و فیهم الوصیه و الوراثه.» (۲)

و علی بن موسی الرضا ۷ فرمود: «انّ لكل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعتیه و انّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیہ کان ائمتهم شفائهم یوم القیامه.» (۳) شیعیان با هر یک از امامان معصوم خود (علیهم السلام) عهد و پیمانی دارند که وفای بدان پیمان در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن ذوات مقدسه و نورانی تبلور می یابد. مقام امامت و ولایت تکوینی امامان شیعه (علیهم السلام) به تعبیر و فرموده علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بسان ستارگان آسمان است: «و هو بحیث النجم من ایدی المتناولین.» تا می رسد به «این العقول

آزموده ها؛ ج ۱؛ ص ۱۶۴

۱- بحار، ج ۶۵، ص ۴۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۶۷.

عن هذا» (۱) زائرانی که از شناخت امامت و ولایت محرومند، هرگز میهمان الهی و رسول الله و از ضیافت معنوی آن عزیزان برخوردار نیستند و برای زیارتشان ارج و حرمتی نیست. امام هشتم (علیه السلام) فرمود: «اگر دست شما به ستارگان آسمان می‌رسد، دست و قدرت فکر و عقل شما نیز به کنه مقام امامت و ولایت خواهد رسید.» کنایه از این که اوج مقام امامت به قدری بلند است که دسترسی افکار بدان ممکن نیست.

فساد دل و جمود عین ناشی از دنیاگرایی است و گناه که فرمود: «ما جَفَّتِ الدَّمْعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبَ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذَّنُوبِ.» این قساوت نمی‌گذارد انسان نور امامان (علیهم السلام) را بازبیند و گفتارشان را با گوش جان بشنود. منشأ دنیاگرایی نیز یا نفس اماره و شیطان درونی انسان است و یا ابلیس و شیطان بیرونی. آدمی در جهاد اصغر، دشمن بیرونی را با سلاح گرم از پای در می‌آورد، اما در جهاد اکبر، نفس اماره را با ناله و شیون می‌باید از پای در آورد و راه دل را به سوی کرانه‌های معنویت و شنیدن گفتار گوهرین امامان معصوم (علیهم السلام) باز می‌کند و سلاحش گریه است. کسی که تضرع نکند و توشه‌ای معنوی برنگیرد، در جهاد اکبر پیروز نخواهد شد و بی‌بهره گرفتن از محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) به وطن خویش باز می‌گردد.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در نامه ای به معاویه فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را باز می شمارد؛ نامه ای که بسیار ژرف و ارزشمند است و خود را چنین معرّفی می فرماید: «نحن صنائع ربّنا و النّاس صنائع لنا.» و ابن ابی الحدید درباره این جمله در شرح نهج البلاغه سخن می گوید و آن را چنین نقل می کند: «نحن عبیدالله و النّاس عبید لنا.» آن گاه امام (علیه السلام) می فرماید: «بسیاری در جبهه ها کشته می شوند، ولی کشته ما سیدالشهداء لقب می گیرد. شماری بسیار در معرکه جنگ دستشان جدا می شود، ولی کسی از خاندان ما که دست او از پیکر جدا می شود، به مقام الطیّار فی الجنّه و ذوالجنّاحین بار می یابد.» و سپس می فرماید: «اگر امامت و خلافت بر مبنای قرابت باشد، بنابر آیه شریفه (و اولو الارحام بعضهم اولى ببعض فی کتاب الله) به ما می رسد و اگر بر مبنای اطاعت و پیروی باشد، باز بنابر آیه شریفه (انّ اولى النّاس بابراهیم للذّین التبعوه و هذا التّبی و الذّین آمنوا) به ما

باز می گردد. پس، بنابر آیه اوّل ما به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزدیک هستیم و شما دور و بنابر آیه دوم، ما مطیع و پیرو هستیم و شما عاصی.»

پس ای عزیز، اکنون که دانستی آل رسول (صلی الله علیه و آله) و سایط فیض الهی اند و تو توفیق یافته ای که در جوار آن انوار مقدّس جای گیری، بقیع را بحری ذخّار تصور نما و آنچه از آب رحمت می خواهی، برگیر که همیشه فرصتها دست نمی دهد. دنیای خوب را، که زمینه ساز آخرتی خوبتر باشد، از امامان پاک طلب

کن و آخرت و جنهاللقاء را درخواست نما.

مکه

نامگذاری این بلده طیبه بدین نام از آن روی است که لغت شناسان گفته اند: «أما سمیت بذلك لقله مائها حیث كانوا یمکون الماء فیها ای یستخرجونها.» (۱) حَمَوِی در معجم البلدان گوید: وقتی اعراب جاهلی گمان می کردند که حج آنان باطل شده است، با اینگمان نزد کعبه می آمدند و هنگام طواف فریاد می زدند و دستان خود را بر هم می زدند و بعید نیست که آیه شریفه (و ما کان صلوتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه) (۲) اشارتی به همین موضوع باشد.

مکه مکرمه و کعبه معظّمه از دیرباز نزد جمیع طوایف و مردم حرمت و رتبه ای والا و ارجمند داشته است و نخستین کسی که به زیارت کعبه آمد، آدم ابوالبشر بوده است و پس از او سلسله جلیله انبیا، آن جا را میعادگاه راز و نیاز خود قرار دادند. مکه، امّ القری و مادر مناطق است، منطقه وحی و امن است و همان گونه که مادر، فرزندان خود را تغذیه می کند، مکه نیز امنیت و رسالت را به تمام فرزندان خود و مناطق و دنیا می رساند. گردهمایی خدایپرستان در مکه، که محلّ فروپاشی

۱- لسان العرب.

۲- سوره انفال، آیه ۲۵.

بتهاست، به همه مسلمانان درس بت شکنی می دهد و «ابوذر» ها و «حسین بن علی» ها فریاد و حرکت ظالم کشی خود را از کنار کعبه آغاز کردند و ندا سردادند و در پایان عالم هستی نیز بقیه الله الاعظم قیام خود را از کنار کعبه آغاز خواهد فرمود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «هیچ پیامبری از قوم خود نگریخت مگر آن که به مکه آمد و خداوند متعال را عبادت کرد تا وفات یافت.» همچنین می فرماید: «هر کسی در مکه بمیرد، چنان است که در آسمان سوم مرده باشد.» و نیز می فرماید: «روی زمین هیچ شهری را، جز مکه سراغ ندارم که هر عملی را در آن انجام دهند، یکی را به صد هزار می نویسند.» و نیز نقل است که فرمود: «هیچ شهری را در روی زمین نمی شناسم جز مکه معظمه، که شراب الایبرار یعنی آب زمزم در آن باشد و مصلای اخیار در آن باشد زیر ناودان طلا که نیکان در آن جا نماز می گزارند.»

حرم

واژه های حَرَم و احرام و مُحَرَم از یک ریشه اند. احرام، خودشکنی است. مُحَرِم آن گاه که احرام می بندد، گویی حرم امن خدا را در وجود خود پدید می آورد و منطقه وجود خود را منطقه امن و امان و صلح و آرامش می کند و از آلودگیهای

مادی

و شهوت و غضب، خویشتن را می رهاند و از ویژگیهای حیوانی دور می شود. آن گاه که مُحَرَّم، مخیط را از خود دور می سازد و دو جامه سپید ساده بر تن می کند، این کار او نشان از جدایی از هر گونه وابستگی و پیوستگی مادی دارد و همه نمودارهای امتیاز و فخر و برتری را کنار می اندازد و زیر پا می گذارد و با گفتن «لَبَّيْكَ» در میقات عقد احرام می بندد و همان گونه که با تکبیرها الاحرام در نماز، حَقَّ انحراف از قبله را ندارد و هر کلامی جز کلام حق بر او جایز نیست، در این جا نیز نمی تواند از حق روی برتابد.

«لَبَّيْكَ» یعنی اگر عمری به دیگران لَبَّيْكَ گفته ام، اینک تنها به خداوند متعال لَبَّيْكَ می گویم و لَبَّيْكَ را تکرار می کنم تا در ژرفای جانم لَدَّت بندگی را درک کنم.

ای مُجْرَم مُحْرَم شده در کنج حَرَم *** مُحْرَم که شدی بکوش مَحْرَم گردی

*** ای دل اگر عزم دیار یار داری *** قصد حجاز و کعبه و دیدار داری

شوق شهود حضرت دلدار داری *** اوّل ز دل نقش سوی الله پاک گردان

احرام چون بستی به کوی عشق ایزد*** لئیک گفتی دعوت آن یار سرمد

گشتی چو محو جلوه آن حُسن بی حد*** دیدی درون کعبه دل نور سبحان (۱) مولانا جلال الدین مولوی گوید: در خانه نمایند که خواجه خانه و خداوند بیت نیز شایسته زیارت و دیدن است و البته این کاری است سترگ و همتی مردانه می طلبد و از همین روست که عارفان می گویند: حجّ خانه خلیل، آسان است. امّا حجّ حَرَم جلیل، کار شیرمردان است و لکلّ عمل رجال. (۲)

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «احرم عن کلّ شیء یمنعک من ذکر الله و یحجّبک عن طاعه الله.» و در تفسیر آیه شریفه (لأقعدنّ لهم صراطک المستقیم.) (۳) آورده اند که مراد از «مستقیم» در این آیه شریفه، راه مکه است که شیطان بر آن می نشیند تا مردم را از آن بازدارد.

گرچه در همه زمانها و مکانها می توان به سوی پروردگار به حرکت درآمد و ذات اقدس الهی در همه جا هست: (اینما تولوا فثمّ وجه الله)، (هو معکم اینما کنتم)، ولی نسیم فیض خاصّ الهی و عطر عنایات رحمانی و ربّانی بر اساس حکمت الهی، در

۱- دیوان الهی قمشه ای.

۲- لب و لباب مثنوی.

۳- الدرّ المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۴۲۲.

مقاطع مکانی خاصّ و فصول زمانی ویژه ای وزیدن می گیرد که پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انّ فی ایام دهر کم نفحات الا فتعرّضوا لها.» این گفتار گوهرین، گونه ای هشدار و بیدار باش است که مواظب باشید این عطر و نسیم را از دست ندهید؛ آن را دریابید. توفیق درک میقات برای احرام و کنار گذاردن تعلقات جسمانی و دنیایی از بارقه های آن رحمت و نفعه الهیه است.

مُحرم در میقات آنچه را به مظاهر دنیایی متعلّق است، از خود دور می کند و با احرام هر چه غیر خداست، از خویشتن می راند. او خود را به ربّ و مدبّر خویش نزدیک می نماید و لباس احرام می پوشد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید که در حجّ و نیز در عمره بایستی از میقات مُحرم شوی: «اعلم انّ من تمام الحجّ والعمره ان تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله لا تتجاوزها الا و انت مُحرم.» و ویژگی میقات ذوالحلیفه و مسجد شجره آن است که امام صادق (علیه السلام) درباره اش فرموده است که در شب معراج آن گاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عبور می فرمود و سیر آسمانی داشت، محاذی مسجد شجره که رسید، ندا آمد: «یا محمّد!» پیامبر عرضه داشت: «لَبَّيْكَ!» خداوند فرمود: «الْم يَجِدُكَ يَتِيمًا فَأَوْيْتُ وَ وَجَدْتُكَ ضَالًّا فَهَدَيْتُ؟!» پیامبر فرمود: «انّ الحمد و النعمه لك و الملك لا شريك لك لبَّيْكَ.» از این رو، در زمین نیز وقتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) خواست محرم شود، از محاذی همان نقطه، که در آسمانها لبَّيْكَ گفته بود، تلبیه را به

زبان مبارک برای محرم شدن جاری کرد.

کعبه

گفته اند که وجه تسمیه کعبه را دو وجه است:

۱- چون این خانه، بلند است.

۲- چون خانه خدا به شکل مربع است و در لغت عرب لفظ کعبه بر شکل مربع اطلاق می شود و درباره خانه خدا چون بسیار استعمال شده است، تعیین یافته است. در قرآن کریم این کلمه گاهی تنها و گاهی همراه با «البیت الحرام» آمده است و گاهی بر آن «بیت» و گاهی «مسجدالحرام» اطلاق می شود. اوصاف کعبه در قرآن کریم، حرام و عتیق و معمور و محرم آمده است: (انّ اول بیت وضع للناس للذى ببکّه مبارکاً و هدی للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً) و در حدیث آمده است: «ما خلّق الله بقعه احبّ الیه من الکعبه.» (۱)

کعبه، بیت خداوند است. به ابراهیم (علیه السلام) دستور فرمود با اسماعیل (علیه السلام) بیت او را تطهیر نماید.

کعبه، خانه پدر ماست: (مله أیبکم ابراهیم)

کعبه، خانه امن ماست: (من دخله کان آمناً)

کعبه، خانه آزاد است: (بیت عتیق)

کعبه، خانه مبارک است: (لَلذی بیکه مبارکاً)

کعبه، خانه هر روز ماست؛ زیرا هر روز قبله ماست.

کعبه، یک پرچم است که بایستی در زیرش گرد آییم و سرود توحید سردهیم و هم قیامت را یاد کنیم و هم تاریخ را؛ زیرا مکه جغرافی نیست؛ تاریخ است و زمین نیست، بلکه زمان است.

کعبه پرچم اسلام است. گرچه خداوند متعال می توانست سنگهای کعبه را از سنگهای به ظاهر قیمتی قرار دهد، ولی هر چه ساده تر باشد به صفا نزدیکتر است و پرچم گرچه پارچه ای بیش نیست، ولی یک ارتش نیرومند به آن افتخار می کند و برای برقراری اش جانها فدا می کند. همه مسلمانان در سراسر جهان به عنوان یک ارتش نیرومند، کعبه را پرچم و درفش خود می شمارند. احترام و حرمت کعبه به گونه ای است که روایات اسلامی حفظ و بقای دین را وابسته به محفوظ بودن کعبه می دانند. مادام که کعبه برپا و برجاست، دین خدا نیز پاینده و استوار است.

امام صادق (علیه السلام) درباره کعبه می فرماید: «لا یزال الدین قائماً ما قامت الکعبه» (۱) البته تن به سوی کعبه داشتن را سودی نیست برای کسی که دل به سوی خداوند کعبه ندارد. (۲)

هنگامی که ابراهیم (علیه السلام) کعبه را تعمیر می فرمود و بالا می برد،

۱- همان، ج ۸، ص ۲۰.

۲- همان.

دیوارها که بالا رفت، دستش به آن نمی رسید. اسماعیل (علیه السلام) سنگی آورد تا ابراهیم (علیه السلام) بر آن بایستد و سنگهای دیوار کعبه را کار بگذارد و آن گاه که کار به پایان رسید، سنگ را کنار خانه گذاشت به گونه ای که به خانه چسبیده بود و آن را کنار درِ خانه کعبه قرار داد و مأمور شد که مقام را قبله خود کند. مدت‌ها قبله همان بود و قرآن نیز می فرماید: (واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی) بنابراین، جای مقام، جای فعلی آن نیست و تغییراتی در آن روی داده است. روایاتی از شیعه و سنی نقل شده که در آنها آمده است: «كان المقام مُلصقاً بالبيت.» و مورخان نوشته اند: «هو الذی اخرّ المقام الی موضعه الیوم و كان ملصقاً بالبيت.» خلیفه دوم اهل سنت، مقام را به عقب کشید و در محل کنونی قرار داد، اما مورخان به انگیزه این کار اشاره نکرده اند. امیرمؤمنان (علیه السلام) در خطبه ای یکی از موضوعات تحریف شده را تغییر محل مقام از محلی که در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است، می داند.

کعبه نخستین مکانی است که برای عبادت خداوند در نظر گرفته شده است. امین الاسلام، طبرسی، ذیل آیه شریفه در مجمع البیان نقل می کند که مسلمانان با یهود در مقام تفاخر برآمدند و یهود بر مسلمانان فخر کردند که بیت المقدس با عظمت تر و افضل از کعبه است، چرا که محل هجرت پیامبران الهی (علیهم السلام) است. مسلمانان نیز گفتند که کعبه فضیلت بیشتری دارد و خداوند فرمود: نخستین بیت کعبه است.

مرحوم علامه طباطبائی نیز در تفسیر قیم المیزان می فرماید: نخستین قبله گاه کعبه بوده است؛ چرا که کعبه به دست آدم بنا گردید و توسط ابراهیم خلیل الرحمان (علیه السلام) تجدید بنا و معماری شد: (واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منا) و برای عبادت برگزیده گشت، برخلاف بیت المقدس که توسط سلیمان پیامبر (علیه السلام) چندین قرن پس از ابراهیم (علیه السلام) ساخته شد.

خانه کعبه، مبارک و دارای خیری بسیار است، مایه هدایت خلاق است و در شهر مکه، نشانه هایی آشکار وجود دارد. انسان خائف و گریزان، در این شهر و مسجد الحرام و کنار کعبه، در امان است و با کثرت رمی کنندگان، سنگ ریزه ها از بین نمی رود. پرندگان بر بالای خانه پرواز نمی کنند و بیماران با نوشیدن آب زمزم شفا می یابند و هتک کنندگان بیدرنگ به سزا می رسند و اصحاب فیل در این شهر هلاک شدند؛ چنان که قرآن می فرماید: (الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل الم یجعل کیدهم فی تضلیل فارسل علیهم طیراً ابابیل ترمیهم بحجاره من سجیل بجعلهم کعصف مأكول).

مقام ابراهیم (علیه السلام)، حجر الاسود، حطیم و زمزم و مشاعر و ارکان کعبه، همه و همه آیات ینات حق تعالی هستند. در مسجد الحرام و کنار کعبه، دعا مستجاب است و دستور آمده است که دعا کنیم؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «اکثروا من الصلوه والدعاء فی هذا المسجد.» سیره عملی بزرگان

معصوم (علیهم السلام) بر این بوده است که در حجر اسماعیل دعا می کردند و از این رو دستور است که در حجر اسماعیل دعا بسیار بخوانید. مرحوم علامه مجلسی نقل کرده است که مکانهای مناسب دعا عبارتند از:

۱- زیر ناودان طلا، که در حدیث آمده است «ماء المیزاب یشفی المریض».

۲- مقام ابراهیم.

۳- حجر الاسود.

۴- بین مقام و کعبه.

۵- داخل کعبه.

۶- چاه زمزم.

۷- کوه صفا و مروه.

۸- هنگام دیدن کعبه.

اما صادق (علیه السلام) می فرماید: «الصلوة فی المسجد الحرام تعدل مائة الف صلاة».

توجه به کعبه در حال نماز، پرستش کعبه یا سنگ و گل نیست بر خلاف آنچه ابن ابی العوجاء ملحد می اندیشد، بلکه همه مسلمانان با وجود توجه به کعبه، خدا را می پرستند و به خداوند یکتا می گویند: (ایاک نعبد و ایاک نستعین) و علت این که در نماز به کعبه روی می کنند، این است که کعبه قدیمی ترین معبد و خانه توحید است که به دست پیامبران بزرگ الهی (علیهم السلام)

برای اهل توحید ساخته شده است و هیچ معبدی از نظر سابقه به پای آن نمی رسد. از قرآن کریم برمی آید که خانه کعبه برای مردم ساخته شده است و بنابراین، حریمش نیز به اندازه تمامی مردم است؛ چرا که حریم کعبه، بسان حریم مسجدی نیست که واقف زمین آن را تعیین می کند.

کعبه سرگذشتی طولانی و پر از حوادث را پشت سر گذاشته است. از آن جمله این که مدت‌ها به صورت بتکده درآمد و ثنّین و بت پرستان حجاز بتان خویش را در بالای کعبه و درون آن قرار می دادند و به کلیدداری و تولیتش افتخار می کردند. خداوند به ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) فرمان داد که خانه من را تطهیر کنید و به دیگر انبیا (علیهم السلام) نیز گوشزد فرمود و آنان موظف شدند که کعبه را از لوث بتان پاک کنند تا قبله گاه و مطاف نمازگزاران و زائران الهی باشد.

کعبه بوسه گاه هزاران مجنونی است که در پی لیلای دیدار، رنج بادیه را بر دوش کشیده و بار هجران را تحمل کرده اند تا به طواف رسیده اند. کعبه عرش زمین است و فرش آسمانو زیارتش، فرض الهی بر دوش مؤمنان مستطیع است. هنگام فتح مکه رسول خدا ۳۶۰ بت را، که در اطراف حجر اسماعیل چیده بودند، مشاهده فرمود. هر یک از این بتان در مقابل قبیله پرستنده اش قرار داشت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزدیک آمد و عصای مبارک را بر چشم و شکم بتان گذارد و چند بار فرمود: (جاء الحق و زهق

الباطل انّ الباطل کان زهوقاً) و بتان با صورت بر روی زمین می افتادند.

از ویژگیهای حجر اسماعیل در کنار کعبه این است که روایات درباره اش می گویند: «دُفن فیهِ سبعون نبیاً». هفتاد پیامبر الهی (علیهم السلام) از جمله اسماعیل و مادرش هاجر در آن جا مدفونند.

این که آیه شریفه می فرماید نخستین خانه ای که برای مردمان بنیان نهاده شد، خانه ای است که در مکه است، مقصود آن نیست که خانه و ساختمانی پیش از کعبه نبوده است، بلکه مقصود این است که نخستین خانه ای که به نام خدا و به سود عموم تأسیس شده است، همان است که در مکه معظّمه پایه گذاری شد. تفاوت خانه ای که به نام خداوند متعال است با دیگر خانه ها در این است که در خانه خدا اراده حق حاکم و سود عموم محور است و در دیگر خانه ها اراده شخص حاکم و منافع فرد محور است.

هر خانه ای که به دست آدمی بنیانگذاری شود، به سود فرد یا گروه یا ملتی است و به زیان دیگران. جنگها از همین جا آغاز می شوند که هر دسته ای می خواهد منافع خویش را گسترش دهد و دیگران محدود باشند، اما آدمی در کعبه از خودپرستی به خداپرستی باز می گردد. خانه خدا آن جاست که نام غیر خدا در آن نباشد و از نفوذ و اراده و تصرف خلق بیرون رفته باشد تا همگان آن جا را خانه خود بدانند و با چشم خدا که همه را یکسان می بیند به یکدیگر بنگرند و با رشته رحمت حق با هم

بپیوندند و به نام بندگی خدا، که حقیقت و سرّ ذات انسان است، یکدیگر را بشناسند.

این خانه مبارک، مرکز خیر و برکات است؛ خانه ای است که نام خدا و حق و عدالت از آن به سراسر جهان رسیده و برپا شده است. این خانه هدایتگر عالمین است و مردم گمراه جهان و کاروان بشر را به کمال خود، که شناختن حق و فداکاری برای نجات خلق است، راهنمایی می کند؛ پرچمی است بر بام کره زمین تا کاروان بشر راه را گم نکنند و خود را به زیر سایه امنیت و عدالت خداوند متعال برسانند و در یک کلام، غرض از کعبه نشانی است که راه گم نشود؛ چشم خدایین در آن سرزمین و خانه باز می شود و آیات حق تعالی و صفات الهی، آشکار و روشن، دیده شود.

کعبه محیط امن است و قومیتها و نژادها و رنگ و لباسها را از میان می برد، دست ستمگران را می بندد و همه را به یک حقیقت متوجه می سازد و به یک رنگ درمی آورد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «در پیرامون کعبه قبر سیصد تن از پیامبران است که آنان گرسنگی و درد و رنج کشیدند و صبر کردند تا وفات نمودند.» همچنین می فرماید: «میان رکن یمانی و حجرالاسود روضه ای از ریاض بهشت است و نزدیک رکن یمانی دری از درهای بهشت است و دعا در نزدیکی حجرالاسود مستجاب است. هر کس در حجر اسماعیل یا در برابر کعبه عبادت یا

استغفار بسیار کند، از گناهان پاک می شود؛ چونان که دیگر گرد آن گناه نگردد. نگه به کعبه موجب ثواب و بخشش گناهان گذشته و آینده او خواهد بود. نظر به کعبه عبادت است بی آن که طواف کند و نماز بگذارد و رکوع و سجود به جای آورد.» نیز می فرماید: «مجاورت کعبه سعادت و مفارقت آن شقاوت است. در پیرامون کعبه هفتاد هزار فرشته می گردند که برای طواف کنندگان دعا می کنند و آمرزش می طلبند. طواف کعبه موجب می شود که خداوند متعال اذن شفاعت هفتاد نفر را به طواف کننده دهد.»

طواف

طواف دور خانه خدا، تبلور مقام قرب و وصل عبد و معبود است. طواف همچون نماز است که طواف کننده بایستی مراتب تعظیم و تکریم و بیم و امید و محبت را مراعات نماید. او مانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند، باید خانه کعبه را طواف کند. مقصود از طواف مُحَرَّم بر گرد کعبه تنها

طواف جسم و بدن در پیرامون خانه نیست، بلکه مقصود، طواف قلب با یاد صاحب خانه است. طواف راستین، طواف قلب است و خانه مثال ظاهری در عالم ملک و ناسوت است در ازای بیت معمور در عالم ملکوت. طواف تنها منسکی است که بایستی با طهارت انجام شود. طواف گرد خانه هموزن نماز است و نماز همان

طواف است که به صورت سکون رو به خانه انجام می شود و طواف، همان نماز است که به صورت متحرک بر دور خانه انجام می پذیرد و در یک کلام، طواف، نماز متحرک و نماز، طواف ساکن است.

جذبه و عشق بر دو گونه در اعمال عاشق تجلی دارد: یکی با آرامش و دیگری با جنبش و از خود بیخود شدن. طواف و نماز، باشکوه ترین و ملکوتی ترین حالات انسان است و انسان در هیچ حالتی به این حد از قرب و وصال بهره مند نمی شود. اگر فرموده اند: «الصلوة معراج المؤمن.» در برابرش فرموده اند: «الطواف بالبيت صلوه.» بنابراین، اوج معراج روح را در هر دو مظهر قرب و وصال (یعنی طواف و نماز) بایستی پی جست.

آن گاه که آدم و ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) طواف گزار شدند، جبرائیل (علیه السلام) آنان را کنار حجرالاسود آورد و نخست خود استلام حجر نمود و سپس به آنان گفت که استلام حجر کنند و آن گاه با یکدیگر هفت مرتبه طواف نمودند و در هر دور ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) هر دو به تمام گوشه های کعبه دست کشیدند. فرشتگان به ابراهیم (علیه السلام) سلام گفتند. ابراهیم (علیه السلام) پرسید: «شما در طواف خود چه می گوئید؟» عرض کردند: «پیش از روزگار آدم، سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر می گفتیم. چون به آدم گفتیم، وی فرمود: و لا حول و لا قوة الا بالله را نیز بسیار گوئید.» ابراهیم فرمود: «العلی العظیم را نیز

بر آن بیفزایید و از این پس بگویید: لا- حول و لا- قوه الا بالله العلیّ العظیم.» پس از آن، موسی و شعیب و نوح و سلیمان بن داوود (علیهم السلام) نیز بر گرد خانه طواف می نمودند و هر یک به گونه ای تلبیه می گفتند.

فرشتگان به آدم (علیه السلام) گفتند: «ما هزار سال پیش از شما حج می گزاردیم.» و سپس پیشاپیش آدم (علیه السلام) حرکت کردند تا او هفت دور طواف کند و آن گاه دو رکعت نماز رو به روی کعبه گزارد. هیچ فرشته ای را خداوند متعال به زمین نمی فرستد مگر آن که او را به زیارت کعبه فرمان می دهد. هفتاد و پنج پیامبر (صلی الله علیه و آله) حج گزاردند و همگان طواف کردند. از جعفر بن محمد صادق (علیه السلام) پرسیدند: «آیا پیش از بعثت نبی اکرم اسلام نیز مردم حج می گزاردند؟» حضرت فرمود: «آری و قرآن هم در هنگام بیان ماجرای شعیب و موسی این حقیقت را تصدیق می فرماید که شعیب به موسی فرمود: (انّی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی

حجج فان اتممت عشرّاً فمن عندک و ما ارید ان اشقّ علیک ستجدنی ان شاء الله من الصّالحین قال ذلک بینی و بینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علیّ والله علی ما نقول وکیل). (۱)

از لحظات شیرین که برای زائر هنگام طواف کعبه پدید

می آید، آن است که پس از اعمال، پرده کعبه را بگیرد و خود را به کعبه بچسباند و اشک و آه و ناله و گریه و بدن خود را بیهیمه کند تا به آتش دوزخ نسوزد. اصمعی گوید: نیه شبی علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) را دیدم که اشک فراوانی در تاریکی شب در کنار کعبه چون مروارید از دو چشم مبارکش می ریخت و مناجات می کرد:

يا مَنْ يُجِيبُ دَعَاءَ الْمُضْطَرِّ فِي الظلم

يا كاشف الضرّ و البلوى مع السقم

قد نام وفدك حول البيت قاطبَةً

و أنت وحدك يا قيوم لم تنم

ادعوك ربّ دعاء قد امرت به

فارحم بكائى بحق البيت و الحرام

ان كان عفوك لا يرجوه ذو سرف

فمن وجود على العاصين بالنعمة

زائر خانه خدا در طواف کعبه از حجرالاسود، که به دست راست خداوند متعال تعبیرش کرده اند، چرخیدن و حرکت خود را آغاز می کند و به همان سنگ مبارک طوافش را ختم می کند. او در طواف کعبه از اصحاب یمین است و از راست در راه راست حرکت می کند و به یمین الله باز می گردد تا با دست راست کتاب مرقوم و پرونده عمل خود را بگیرد و در کنار اصحاب یمین مورد طواف کزو بیان قرار گیرد، ولی قلبش در

گردش به دور کعبه و در طواف خانه به سمت کعبه است؛ قلبش نه قالبش، که قلب مؤمن حریم خداست و قبله نما؛ چرا که به قول صائب تبریزی:

دل محال است ز دلدار شود روگردان*** هر طرف قبله بود قبله نما می گردد

کعبه محرّک جانها و قلوب است. زائر و طائف در گردش و متحرّک است، اما بیت، ثابت است. متحرّک به دور محرّک می چرخد تا جایی که عنایات خاصّه صاحب خانه به گردش بیچرخد و صاحب خانه عنایات خود را در پیرامونش به گردش وادارد. خانه ثابت است و مطاف با سکون است تا طائف بگردد و در هر گردش گستره معرفت خود را بگستراند.

پیش از این پروانه می گردید اگر بر گرد شمع

شمع می گردد کنون بر گرد سر پروانه را

گردش پرگار موقوف سکون مرکز است

هر که در دامن کشد پا آسمان پیماتر است

امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «و کُلّ متحرّک محتاج الی من یحرّکه او یتحرّک به فمن ظنّ بالله الظنون هلک.» (۱)

حرکت میان بیت و مقام ابراهیم (علیه السلام) بر مدار هدایت و رحمت حق تعالی است و در خارج مدار، دست آدمی به

یمین الله نیست. پشت مقام نباید رفت که آن جا دیگر خبری نیست؛ دیگر نه ابراهیم و هاجر اسماعیل (علیهم السلام) و نه پایگاه رفرف و براق و نه مولد امام علی و نه چیز دیگر است. آدمی تنها می ماند و پایش بر هیچ جا بند نیست و ارباب متفرق دنیا او رامی برند: (ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار). باید طائف از قالب بیرون رود و به قلب بزند؛ با سر برود تا به سر برسد و اسرار شود و سر السر را بعینه بیابد. در طواف گویند: خود بگرد و خود بچرخ و خود برو و در میان بایست و از ابراهیم خلیل (علیه السلام) پیروی کن. تو، که از ملت ابراهیم هستی، لئیک گوی و همراهش برو که گفته اند بی پیر مرو تو در خرابات، بی پیر به ظلمات مزین همراه پیر برو.

چشم در صنع الهی باز کن لب را ببند

بهتر از خواندن بود دیدن خط استاد را

امام خمینی (قدس سرهم) در شرح دعای سحر آورده است: مگر ممکن است بی کردن نعلین شهوت و غضب از پای نفس و بی ترک هوا و یکباره دل به حضرت مولا بستن، به طور قرب رسید.

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست

احرام طوف کعبه دل بی وضو نیست

*** چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس

که در سراجہ ترکیب تخته بند تنم

ای عزیز! چه بسا در مدّت عمر، همین نوبت توفیقت یار شده است و به زیارت و طواف کعبه رسیده ای و نعمت مجاورت مدینه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مکه معظمه را یافته ای. بکوش که در هنگام فراغت، از طواف و نماز و تلاوت قرآن سود جویی. غفلت تو را نگیرد که شیطان فریبنده است. زمان به سرعت می گذرد و ناگهان بانگ رحیل سر می دهند که قافله در حال بازگشتن است. شیطان همواره آدمی را در عبادت وسوسه می کند که در آینده و سفرهای بعد این کارها را انجام می دهی. او نمی گذارد در جوار کعبه و مطاف و حین طواف، توبه و استغفار کنی، نمی گذارد نماز بخوانی، نمی گذارد قرآن تلاوت کنی و وقتی چشم باز می کنی که همه چیز پایان پذیرفته است. آینده را خدا می داند که آیا موفق شوی یا نه. بگو این جا مکه است، این جا مدینه است، این کعبه بیت الله الحرام است، این خانه، خانه نبی و ولی و وصی و زهرای مرضیه است و اینها همه بازار آخرت است. برای قیامت کبرای خود توشه ای بگیر که فردای قیامت اهل محشر می گویند: ای کاش از پیش ذخیره ای برای خود فرستاده بودیم و فرشتگان الهی در آن روز از سوی ربّ الارباب می گویند:

هین چه آوردید دست آویز را** ارمغان روز رستاخیز را

در مکه و مدینه به زیارت و طواف و نماز و قرائت قرآن،

وقت خود را صرف نما و استغفار در اسحار را پیشه ساز که اولیای الهی (کانوا قلیلا۔ من اللیل ما یهجعون و بالاسحار هم یستغفرون).

شو قلیل النّوم ممّا یهجعون*** باش در اسحار از یستغفرون

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «استکثروا من الطواف فانه اقل شیء ۱ یوجد فی صحائفکم یوم القیامه.» و نیز می فرماید: «ان الله یباهی بالطائفین.»

اعضا و جوارحی که با کعبه و حجرالاسود تماس می یابند و شرافتی ویژه فراهم می آورند، سزاوار نیست دیگر به گناه و خطا آلوده گردند. زبانی که دعوت حضرت حق را لیبیک گفته است، نباید به خواسته های شیطان درون و بیرون لیبیک بگوید. دست و لب و دهانی که با حجرالاسود و ارکان کعبه و مرقد مطهر نبوی و بقیع نورانی تماس یافته اند، دیگر نباید با گناه و ناسزا آشنا شوند.

باید از مرکب گناه پیاده شد و آن گاه سوار بر مرکب راه شد. باید قبل از شست و سوی بدن، جان فرورفته در چاه گناه را تطهیر کرد. تنها کردن چند جامه از تن و جدا شدن از زن و فرزند و دور شدن از وطن کافی نیست؛ ای عزیز! اخلاص لازم است.

امام سجاد (علیه السلام) به یکی از آنان که می خواهد حج بگذارد،

می فرماید: «فحين دخلت الحرم نويت انك حرمت على نفسك كل غيبه تستغيبها المسلم من اهل مله الاسلام». آیا هنگامی که به حرم پای نهادی، نیت کردی که از این پس، خود را از هر گونه غیبت و نسبت ناروا که در غیاب مسمانان بدانان روا داشته ای، دور کنی و هنگامی که به مکه رسیدی نیت کردی که جز خدا در این سفر مقصد و مطلوبی نداشته باشی. اگر هنگام طواف نیت نکرده ای که از شرّ شیطان و حيله هایش و نفس اماره به دور باشی در حقیقت طواف بیت نکرده ای. بایستی هنگام نماز طواف نیت کنی که با این نماز پشت شیطان را بر خاک خواهی زد. اگر طواف و نماز طواف تو چنین نباشد که به مقام قرب حق تعالی برسی، بدان که این طواف و نماز نه ارجی دارد و نه تأثیری.

گرچه پشت پا زدن به هوسهای دل و چشم پوشی از تمتعات و لذت‌های دنیوی و دوری از اخلاق ناپسند و صفات رذیله بسیار مشکل و سخت می نماید، ولی گفته اند:

چه خوش گفت آن مرد دارو فروش

شفا بایدت داروی تلخ نوش

طواف باید همراه با این فراق و مفارقت از رذایل باشد و گام در راه کعبه گذاردن، چنین جداییهایی را می طلبد. باید علاقه های ناروای دنیایی از دل بیرون رود و صفحه قلب از تیرگیهای رذایل اخلاقی پاک گردد و آینه دل تصفیه و صیقلی

شود. هر دم و هر لحظه شیطان مراقب است که ما را بفریبد. باید آگاه و هوشیار باشیم که زائر خانه خدا و مسافر الی الله و مهاجر الی الله هستیم.

حجرالاسود

حجرالاسود چونان پرچمی است که رمز و نشانه شرافت مسلمانان است و استلام حجر ارج نهادن به این پرچم است. دستور داریم بر آن بوسه نهیم. روایات اهل عصمت (علیهم السلام) حجرالاسود را «یمین الله فی ارضه» خوانده اند و برخی دیگر از روایات، آن را «قلب بیت الله الحرام» دانسته اند. گویی قدس و جلال و معنویت و جذبه و شکوه از این نقطه به سراسر بیت می رسد؛ همان گونه که بیت به مسجد و مسجد به مکه و مکه به حرم و حرم به سراسر جهان نور می افشاند. قلب معنویت در حجرالاسود می تپد و رمز وحدت همه بشریت است و نزد حجرالاسود تمام مردم از یک نژاد و یک خاک و یک طبیعت برشمرده می شوند. استلام حجرالاسود در هر شوط از طواف مستحب است و کاری پسندیده است، ولی به هنگام ازدحام جمعیت نباید بر دیگران فشار آورد و به آنان آزار رسانید.

عبدالرحمان بن حجاج می گوید: با سفیان ثوری در حال طواف بودم. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نزد حجرالاسود چه می کرد؟ فرمود: «در هر طواف واجب و

مستحب حجرالاسود را لمس می فرمود.» و نیز نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که سواره طواف می فرمود، چوب دستی خود را به حجرالاسود می کشید و سپس نوک چوب دستی را می بوسید. البته رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که در هر طواف حجرالاسود را لمس می فرمود، راه را برایش باز می کردند، اما اگر پرازدحام باشد، امام صادق (علیه السلام) به عبدالرحمان فرمود: «من ازدحام را دوست ندارم.» و امام کاظم (علیه السلام) درباره طواف رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «ویستلم الحجر فی کلّ طواف من غیر ان اوذی احدًا.»

و فرزدق در شأن امام سجّاد (علیه السلام) می سراید:

یکاد یمسکهُ عرفانُ راحته *** رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم

دست گزاردن بر حجرالاسود گونه ای معاهده و پیمان است با حضرت ابراهیم (علیه السلام) که مانند قهرمان توحید با هر گونه شرک و بت پرستی مبارزه کنیم و از یکتا پرستی منحرف نگردیم و در زندگی خویش از جاده توحید بیرون نرویم. در استلام حجرالاسود، زائر و طائف با قهرمان توحید، ابراهیم (علیه السلام) و با منادی توحید، واپسین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر حفظ توحید بیعت می کند و می گوید امانتی را که بر عهده ام بود، یعنی زیارت خانه خدا، ادا کردم و به پیمان خود وفا کردم تا توبه روز قیامت گواهی دهی که: امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاه.

نقل است که گروهی هنگام استلام حجر می گفتند: «اَنّی

اقبلک و اعلم أنك لا تضر و لا تنفع.» اما بعضی از وابستگان اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ دادند: «والله انه لیضر و ینفع.» ویژگی حجرالاسود این است که همانند مسجد، که روز قیامت شفاعت و شکایت دارد، آن نیز شفاعت و شکایت دارد. از برخی شکایت می کند و به سود برخی دیگر شفاعت می کند. این سنگ بنا بر نقل محدث قمی در سفینه البحار ویژگیهایی دیگر نیز دارد و از آن جمله، نشان بیعت خدا با انسان است و بوسیدن و استلام و اشاره ما، تجدید بیعت با خدای فطرت آفرین است.

هنگامی که ابراهیم خلیل (علیه السلام) حجرالاسود را در کعبه گذارد، نوری از حجرالاسود درخشید که شرق و غرب چپ و راست را روشن ساخت و از همین رو بود که خداوند متعال هر جایی را که نور حجرالاسود بر آن تابیده بود، حرم قرار داد.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «کیف صار الناس یستلمون الحجر و الرکن الیمانی و لا یستلمون الرکنین الآخرین فقال ان الحجر الاسود و الرکن الیمانی عن یمین العرش و اما امرالله ان یستلم ما عن یمین عرشه.» (۱)

از رسول نقل است: «حجرالاسود و مقام ابراهیم فردای قیامت می آیند و با زبان خود گواهی می دهند برای کسانی که آنها را درک کرده اند و استلام نموده اند.» و نیز نقل است که

فرمود: «در روی زمین چیزی از بهشت باقی نمانده است جز حجرالاسود و اگر در روزگار جاهلیت، مشرکان با دستان نجس خود آن را لمس نکرده بودند، هیچ بیماری از آن شفا طلب نمی کرد مگر آن که از کرم الهی شفا می یافت.»

در روایتی دیگر می فرماید: «استلام حجرالاسود و بوسیدن رکن یمانی موجب می شود که گناهان شخص، مانند برگ خشک درختان بر زمین بریزد و هیچ شهری را سراغ ندارم که چنین فضیلتی در آن باشد جز شهر مکه، که کعبه در آن جای دارد.»

سیف تیمار می گوید: به امام صادق عرض کردم که نزد حجرالاسود رفتم؛ ازدحام بود. از شخصی پرسیدم، پاسخ داد: حتماً باید استلام کنی. آیا چنین است؟ فرمود: «خیر، اگر ازدحام نبود، استلام کن و گرنه از همان دور سلامش کن.»

صفا و مروه

کوه صفا را «صفا» نامیده اند؛ زیرا از وصف انبیا، به ویژه آدم (علیه السلام) بهره برد؛ چنان که در قرآن کریم آمده است (انّ الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین). آدم بر کوه صفا در

برابر بیت ایستاد و از «مصطفی» بودن آدم این کوه صفا شد و هر کس که از این کوه صفا، «صفا» بگیرد، مصطفای خداوند متعال خواهد شد.

صفا، یادگار نخستین فریاد اعلام نبوت خاتم الانبیا است.

صفا، یادآور خاطره های هاجر، مادر اسماعیل (علیه السلام) است آن گاه که در طلب آب کاوشگرانه و بی صبرانه سعی می کرد.

صفا، نمایشگر حالت بیم و امید و خوف و رجا و آن همه خاطرات روحانی و ملکوتی و سیر انفسی است. در آن جا، مُحرِم کو به کو دنبال دوست می گردد و بی صبرانه و بی تاب و مضطرب در پی قرب است و در حال حیرت سرگشتگی به سعی خود ادامه می دهد و جزر و مدّ روحی را در کوشش خود برای ادامه راه وصال به نمایش می گذارد؛ چرا که در حدیث است که خداوند متعال هیچ منسکی را به اندازه سعی دوست نمی دارد و این بدان سبب است که همه جباران و گردنکشان در این جا خوار می شوند. (۱)

در سال هفتم هجرت، آن گاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای عمره القضا به مکه آمد، به مشرکان فرمود تا بتان را از صفا و مروه بردارند. چون بتان را برداشتند، آن حضرت سعی صفا و مروه را به جای آورد. پس از طواف، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوباره بتان را نصب کرد. یکی از اصحاب، که سعی را انجام نداده بود، شرفیاب شد و عرضه داشت: «قریش بار دیگر بتان را نصب کرده اند و من نیز هنوز سعی را انجام نداده ام.» آن گاه این آیه شریفه نازل گردید و به دنبال نزول آیه، در حالی که بتان را

در صفا و مروه نهاده بودند، مسلمانان سعی می کردند تا آن گاه که پیامبر حج خویش را به جای آورد و بتان را برداشتند: (انَّ الصَّفا والمروه من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما و من تطوع خيراً فانَّ الله شاكر عليم).

زائر خانه خدا در هنگامه سعی صفا و مروه، حال مادر اسماعیل (علیه السلام) را در جان و روح خود مجسم می کند؛ چرا که آن مادر غریب و تنها، در آن بیابان بی آب و علف بی آن که از رحمت خدا مأیوس شود، هفت بار برای یافتن آب میان دو کوه سعی کرد و سرانجام مشمول لطف الهی شد و به مقصود خویش رسید و با جوشش آب از زیر پای اسماعیل (علیه السلام) هر دو از تشنگی رهایی

یافتند و برای همیشه درس مقاومت و وصول به هدف را از یک سو و درس امیدواری به خداوند متعال در هنگام ناامیدی از اسباب مادی را از سوی دیگر به ما آموختند.

والسلام

{

جلد ۲

اشاره

مقدمه

فریضه مقدس حج و سفر پر بار و معنوی به دو شهر مقدس مکه و مدینه، یکی از بهترین فرصت های طلایی است که خداوند توفیق انجام آن را نصیب روحانی کرده است، در این سفر پر رمز و راز و در انجام این فریضه بزرگ که تبلوری است از همه اعمال و احکام اسلامی، روحانی رسالت خود را در امر تبلیغ و ارشاد تجربه می کند.

متأسفانه در زمانی که ما زندگی می کنیم و در عصر حاکمیت ماشین که ارتباط و تماس بین انسان ها به حداقل رسیده و جمع ها از هم گسسته شده است، شاید کمتر اتفاق افتد که روحانی حداقل ۴ و حداکثر ۶ ماه از سال را با کسانی در ارتباط و همراه باشد که قرار است امر تبلیغ و ارشاد آنان را برای مدتی به عهده داشته باشد و خوشبختانه در این سفر اینچنین است.

از ویژگی های دیگر این سفر این است که کسانی که قرار است در کلاس درس ما و در جلسات تبلیغی ما حضور پیدا کنند، خود داوطلب و مشتاق آیند و به خاطر آمادگی قبلی که شاید سال ها طول کشیده باشد، اکنون برای فهم اسرار و معارف و احکام و مناسک این سفر الهی لحظه شماری می کنند و در انتظارند تا از این خوان پر نعمت خوشه ها برچینند.

در این میدان، مُبَلَّغی موفق تر است که با دست پُر و با احاطه، اطلاع و شناخت از روحیه زائران، و درک نیازهایشان و با در نظر گرفتن آنچه که لازم است در این دوره تبلیغی انجام دهد، کار خود را آغاز نماید.

برادر عزیز! در این جزوه کوتاه روی سخن با شماست. می خواهیم به خواست خدا و با یاری و همدلی شما، امری مقدس را با انگیزه ای رحمانی و از روی صدق و صفا، همراه با نشاط و شور به عنوان وظیفه انجام دهیم.

بدیهی است که در این مسیر، گذشته از این که همه توان خود را به کار می‌گیریم، از دانش و تجربه دیگران هم سود خواهیم جست. فراموش نکنیم که تعدادی از زائرانی که توفیق همراهی آنان را خواهیم داشت، شاید در طول عمرشان تنها یک بار این سفر را تجربه کنند! و بدون شک خاطره این سفر تاریخی برای همیشه در ذهن آنان خواهد ماند و عمری با آن خواهند زیست. چقدر شایسته است اکنون که این توفیق الهی نصیب ما شده آن را قدر بدانیم و تا فرصت‌ها از دست نرفته بکوشیم تا با برنامه ریزی و مطالعه و بررسی آنچه در این سفر نیاز داریم خود را آماده کنیم تا از این امتحان الهی سرافراز بیرون آییم.

در نوشته‌ای که پیش رو دارید و در پنج بخش فراهم آمده سعی داریم به طور مختصر و اشاره‌وار برخی نکات لازم را که می‌تواند در تکمیل کار ارزشمند شما مؤثر باشد یاد آور شویم. مطالب پنج بخش به شرح ذیل است:

۱. شرح وظایف روحانیون کاروان‌های حج

۲. آشنایی با پاسخ شبهات علیه شیعه از کتب عامه

۳. نکاتی از مناسک حج و نماز در فقه تطبیقی

۴. اشاره به پاره‌ای از تفاوت‌های اعمال عبادی مذاهب چهارگانه با ما شیعیان که بیشتر در مسجد الحرام و مسجد النبی مشاهده می‌شود

۵. چند استفتاء

بدیهی است مطالب این شماره، ادامه آزموده‌های شماره ۱ است و انتظار می‌رود روحانیون محترم، هر دو شماره، به ویژه تا صفحه ۹۰ شماره پیشین را ملاحظه نمایند.

در پایان، از زحمات برادران گرامی، حضرات حجج اسلام آقایان: رضوانی، طبسی، فلاح زاده و مقدادی که ما را در تهیه این مجموعه یاری کردند، قدردانی و تشکر می‌کنیم.

امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری

آموزش

شرح وظائف روحانیون

معاونت امور روحانیان بعثه مقام معظم رهبری در راستای وظایف خود و بر حسب تجربیات مفیدی که طی سالیان متمادی از طریق شما عزیزان کسب کرده، برای سهولت بیشتر، استفاده بهتر و برگزاری سفری پُربار و ارزشمند نکاتی را که در انجام صحیح حج مفید و لازم است در محورهای ذیل تقدیم می دارد:

الف: توصیه های معاونت امور روحانیون.

ب: مسائل آموزشی و احکام مناسک.

ج: اسرار و معارف حج.

د: آشنایی با تاریخ و اماکن.

ه-: مسائل اخلاقی و تربیتی.

و: مسائل سیاسی و اجتماعی.

بدون شک توجه به نکات فوق و به کار بستن مواردی که به آنها اشاره خواهد شد، در عملکرد عزیزان روحانی و در ارزیابی گزینش آنان مؤثر خواهد بود.

* الف. توصیه های معاونت امور روحانیون

۱. التزام به سیاست های بعثه مقام معظم رهبری و دستورالعمل های ابلاغی.
۲. رعایت شئون روحانیت در کلیه مراحل سفر.
۳. حضور با لباس روحانیت در مسجدالنبی و مسجدالحرام.
۴. اجتناب از پذیرفتن نیابت غیر تبرعی در نماز طواف و موارد مشابه آن.
۵. خودداری از واسطه شدن در گرفتن امضا و تأییدیه برای مدیران و خدمه کاروان.
۶. پرهیز از مواضع تهمت.
۷. حفظ و تقویت نشاط جسمی و روحی در طول سفر.
۸. انعکاس پیشنهادهای عملی در جهت رشد و بهینه سازی برنامه ها.
۹. شرکت بموقع، در جلسات داخلی و منطقه ای بعثه، همراه با زائران در جلسات عمومی و دعای کمیل و غیره.
۱۰. گزارش بموقع عملکرد و تکمیل فرم های لازم هنگام ورود به کشور عربستان.
۱۱. همکاری با رابطین روحانیون و پاسخ به سؤالات آنان.
۱۲. پرداخت وجوه شرعی و نذورات به بخش مربوطه در بعثه.
۱۳. کوشش در جهت تحکیم اساس اعتقادات زائران.
۱۴. همکاری با مدیر و مطلع ساختن او در جهت پیش بینی نیازهای فرهنگی.
۱۵. پرهیز از اعمال نظر شخصی، تک روی، و مقابله با مدیر و

۱۶. تلاش در کاهش مشکلات کاروان و تنش های زائران.

۱۷. ایجاد جو محبت، دوستی و خیرخواهی در بین اعضای کاروان وزائران.

* ب. مسائل آموزشی و احکام

۱. تشکیل حداقل ده جلسه توجیهی و آموزشی برای زائران قبل از سفر.

۲. برنامه ریزی قبلی برای تقسیم وقت جلسه به بیان: احکام، اسرار و معارف، تاریخ، مسائل اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی.

۳. رعایت اختصار و گویا بودن مطالب و متناسب بودن آن با حال زائران.

۴. طبقه بندی زائران و انتخاب بهترین شیوه آموزشی مناسب برای آنان.

۵. رعایت زمان بندی در جلسات و حضور بموقع در آن.

۶. شرکت در جلسات آموزشی توجیهی بعثه مقام معظم رهبری.

۷. اصلاح قرائت، تلبیه و رسیدگی به حساب سال زائران.

۸. پاسخ صحیح به سؤالات دینی و رسیدگی به امور معنوی زائران.

۹. نظارت، کنترل و حصول اطمینان از انجام اعمال زائران.

۱۰. هماهنگی با روحانیون سایر کاروان های محل استقرار جهت ارائه خدمات.

۱۱. معرفی کتاب های مناسب برای مطالعه به زائران جهت بالابردن سطح علمی آنان.

۱۲. آموزش ساده احکامی که در صحت مناسک لازم و مؤثر است.

۱۳. بیان مسائل شرعی مطابق فتوای مرحوم امام خمینی (ره) و پاسخ به سؤالات زائران برابر فتوای مرجع تقلید خودشان.

۱۴. پرهیز از بیان مسائل نگران کننده و هول آفرین.

۱۵. تشکیل جلسات اختصاصی برای بانوان و توجیه آنان نسبت به احرام از مسجد شجره و مشکلات معذورین، مسئله نذر و موارد دیگر.

۱۶. پرهیز از نقل موارد اختلافی و اقوال غیر مشهور.

۱۷. نظارت و کسب اطمینان از احرام زائران، و همراهی و راهنمایی آنان در طول انجام اعمال واجب.

۱۸. همراهی زائران و راهنمایی و نظارت در انجام عمره مفرده تکراری یک بار با اعلام قبلی.

۱۹. نظارت بر انجام مناسک سالمندان و معذورین در انتخاب راه آسان برای آنان.

۲۰. شناسایی افراد لایق برای تشکیل گروه ارشاد از ایران.

۲۱. برنامه ریزی از ایران برای تکمیل فرم های مراقبت اعمال.

۲۲. با پایان گرفتن اعمال و به سر آمدن سفر و همزمان با ترک شهرهای مدینه و مکه برنامه ریزی برای زیارت و طواف وداع.

* ج. اسرار و معارف حج

از آن جایی که روحانی قبل از انجام سفر و در طول سفر همواره با زائر در ارتباط است و این سفر یکی از بهترین و با اهمیت ترین خاطرات برای او خواهد بود، برای معرفی بهتر و بهره برداری

صحیح تر از این سفر بجاست که از آغاز سفر با برنامه ریزی حساب شده اسرار و معارف حج را در فرصت های مناسب به صورتی زیبا و شیرین به گونه ای بیان کنیم که در اعماق وجود او مؤثر افتد. مهم ترین محورهایی که می توان در مورد آن بحث کرد عبارتند از:

۱. بیان اهمیت حج.

۲. سابقه تاریخی تأسیس خانه کعبه.

۳. داستان زندگی حضرت ابراهیم خلیل.

۴. اشاره ای به توکل و ایثار حضرت هاجر و فرزندش اسماعیل.

۵. اشاره به فلسفه و اسرار طواف، سعی، تقصیر و سایر اعمال.

* د. آشنایی با تاریخ و اماکن

به خاطر استفاده بهتر از اطلاعات تاریخی، توصیه می کنیم عزیزان روحانی قبل از سفر برای این بخش حداقل یک کتاب را مورد مطالعه قرار دهند و در صورت امکان از جاهای لازم آن یادداشتی همراه خود داشته باشند، تا هنگام زیارت اماکن مورد بهره برداری قرار دهند و در مورد سؤالات احتمالی زائران از قبل جواب داشته باشند. به خصوص در مواردی که کمتر مورد توجه قرار می گیرد، مانند شهدای فح، بدر، ربذه، خیبر، غدیر و امثال آنها.

مهم ترین محورهایی که در مورد تاریخ و اماکن توصیه می شود:

۱. معرفی اجمالی شبه جزیره عربستان از نظر جغرافیایی و اطلاعاتی کلی در مورد آثار و اماکن اسلامی مکه و مدینه.

۲. توضیح کامل پیرامون اماکن زیارتی پیش از موعد مقرر زیارت محل های مزبور.

۳. شرکت در آموزش ویژه اماکن و آثار اسلامی در مکه و مدینه.

۴. انتخاب وقت مناسب با توجه به شرایط زائران برای زیارت و دیدار از اماکن تاریخی.

۵. توصیه به نوشتن خاطرات و یادداشت مطالب مهم در طول سفر.

۶. حتی الامکان توجیه و توضیح برای زائران پیرامون اماکن مکه و مدینه از روی نقشه.

۷. معرفی و زیارت قبور بزرگان و اولیای خدا در قبرستان بقیع برای بانوان از راهروهای شمالی بقیع و روبه قبله.

۸. زیارت بزرگان در قبرستان ابوطالب برای آقایان از پشت پنجره ها و در داخل قبرستان.

۹. در منطقه احد به خاطر جلوگیری از ازدحام و استفاده همگان از فضاهای جلوی قبور شهدا، ابتدا در کنار اتوبوس ها توضیح لازم درباره شهدای احد برای زائران داده شود، و خواندن زیارت نامه در جلوی قبرستان.

۱۰. ذکر شهدای فخر و اشاره به بدر، ربنده، خبیر و غدیر در حد امکان و در اوقات مناسب.

۱۱. توجیه بانوان نسبت به اماکن داخل مسجدالنبی (ص) جهت استفاده هنگام تشریف.

۱۲. تشریف دسته جمعی همراه با زائران در هفته اول جهت زیارت و آشنایی با آثار اسلامی به جای مانده از صدر اسلام و شرکت در نمازجماعت.

* ه- مسائل اخلاقی و تربیتی

در سفر حج، بر خلاف عمره، به خاطر کثرت جمعیت، زمان کوتاه انجام اعمال و ناتوان بودن اغلب زائران از یک طرف و از سوی دیگر اعمال طاقت فرسای عرفات، مشعر و منی گاهی شرایطی ایجاد می شود که عموماً به تنش و درگیری در کاروان می انجامد و همه ساله شاهد آن هستیم. این مسئله در بین افراد مُسِن و ناتوان و عصبی بیشتر ملاحظه می شود. روحانی موفق در این موارد با آمادگی قبلی می تواند در برقراری آرامش و رفع مشکلات حرف اول را بزند. در این جا به مهم ترین نکاتی که رعایت آنها می تواند از آغاز سفر زمینه این گونه حرکات منفی را خنثی کند اشاره می کنیم:

۱. حسن معاشرت با زائران در طول سفر.

۲. احترام قائل شدن برای کلیه زائران و عدم تبعیض میان آنان در روابط و برخوردها.

۳. بردباری کردن در برخورد با مشکلات به خصوص هنگام تندی کردن افراد ناتوان و عصبی.

۴. رعایت نظم و انضباط در انجام وظایف.

۵. حضور مرتب در جلسات.

۶. برخورد عاطفی و متواضعانه با زائران.

۷. همراهی با زائران هنگام صرف غذا.

۸. سرکشی به زائران و پاسخگویی به سؤالات ایشان.

۹. ایجاد آرامش در همسفران و رفع نگرانی از آنان.

۱۰. رعایت آداب معاشرت به ویژه هنگام صرف غذا.

۱۱. پرهیز از برخورد تحقیرآمیز با زائران.

۱۲. چشم پوشی از خطاهای زائران و تذکر پنهانی به آنان.

۱۳. سعی در اصلاح ناهنجاری های اخلاقی زائران.

* و. مسائل سیاسی و اجتماعی

۱. معرفی کشور عربستان از نظر اداره سیاسی و حکومت.

۲. اشاره به پیشینه تاریخی آن، موقعیت روحانیون و علما و کیفیت اداره مملکت.

۳. روابط کشور ایران و عربستان و موقعیت کلی کشور عربستان در بین کشورهای اسلامی.

۴. معرفی کوتاهی از مذهب در آن کشور.

۵. پرهیز از بیان مسائل اختلاف برانگیز.

۶. تبیین دیدگاه های امام راحل پیرامون حج ابراهیمی و حرمین شریفین.

۷. تبیین نظرات امام راحل و مقام معظم رهبری درباره وحدت مسلمین جهان.

آشنایی با پاسخ برخی شبهات

* اولین بار چه کسی از زیارت قبر پیامبر جلوگیری کرد؟

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هـ.) از داود بن ابو صالح نقل می کند: روزی مروان حَکَم دید که شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر گذاشته است، با شتاب سوی او آمد. گردن او را گرفته، از جای بلند کرد و گفت: می دانی چه می کنی! منظور وی این بود که چرا به زیارت سنگ و کلوخ آمده ای! زائر که ابو ایوب انصاری- از صحابه پیامبر (ص) بود- گفت: آری خوب می دانم که چه می کنم! من هرگز به زیارت سنگ نیامده ام، بلکه به زیارت پیامبر (ص) آمده ام.

از پیامبر خدا (ص) شنیدم که فرمود:

بر دین خدا اگر متولیان آن اهل بودند، گریه نکنید و اگر ناهلان بر آن حاکم بودند بگریید.

جالب است که این حدیث را حاکم و ذهبی هر دو صحیح می دانند. از این رخداد تاریخی به خوبی روشن می شود که ریشه این تفکر از بنی امیه و به خصوص مروان بن حکم، همان طرد شده رسول خدا (ص) است. (۱)

* آیا دست کشیدن قبر شریف پیامبر (ص) و تبرک جستن به آن و برداشتن از تربت شریف مشروع است؟ و آیا کسانی از صحابه و تابعین - خواه مورد تأیید شیعه باشند یا نباشند - دست به چنین کاری زده اند؟

۱- آری، فاطمه زهرا (س) از تربت قبر پیامبر برداشت و بر چشمانش گذاشت و چند بیت شعر سرود. (۱)

۲- ابو ایوب انصاری صورت خود را روی قبر شریف پیامبر گذاشت. (۲)

۳- بلال حبشی خود را روی قبر شریف پیامبر انداخت و بدن خود را به قبر می مالید فَجَعَلَ يَبْكِي عِنْدَهُ وَ يُمَرِّغُ عَلَيْهِ. (۳)

۴- عبدالله بن عمر دست خود را روی قبر شریف می گذاشت. (۴)

۵- ابن منکدر - تابعی - صورت خود را روی قبر پیامبر می گذاشت و می گفت: هر زمان مشکل و یا فراموشی و لکنت زبان برآیم پیش می آید، از قبر پیامبر طلب شفا و یا کمک می کنم. (۵)

* آیا علمای مذاهب چهارگانه، درباره تبرک جستن یا دست کشیدن به منبر و قبر پیامبر و یا قبور صالحین، نظر مثبت دارند؟

آری، از احمد بن حنبل رئیس مذهب حنبله، و رملی شافعی و محب الدین طبری و ابو الصیف یمانی - یکی از علمای بزرگ مکه - و زرقانی مالکی و عزامی شافعی و دیگران نقل شده است، که تفصیل آن به این شرح است:

۱- ارشاد الساری، ج ۳، ص ۳۵۲

۲- مستدرک حاکم، ع ۵۶۰- وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۴۰۴

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۵۸؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۰۸

۴- شرح الشفاء، ج ۲، ص ۱۹۹

۵- سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۱۳

۱- عبدالله، فرزند احمد بن حنبل می گوید: از پدرم پرسیدم: مسّ منبر رسول الله و تبرّك با مسّ کردن آن، و بوسیدن و یا مسّ و متبرّك شدن به قبر شریف و یا بوسیدن آن به قصد ثواب، چه حکمی دارد؟ پدرم گفت: هیچ اشکالی ندارد. (۱)

۲- رملی شافعی می گوید: تبرّك جستن به قبر پیامبر و یا عالم و یا اولیا جایز است و بوسیدن و استلام آن ایرادی ندارد. (۲)

۳- محب الدین طبری شافعی گوید: بوسیدن قبر و دست گذاشتن روی آن جایز است و سیره و عمل علما و صالحان بر آن است. (۳)

۴- از نظر تاریخی ثابت شده است که مردم از خاک پاک قبر پیامبر (ص) و حضرت حمزه بلکه از کلّ مدینه به عنوان تبرّك برمی داشتند و روایاتی هم وارد شده که تربت مدینه شفای هر دردی است و باعث ایمنی از جذام و صداع است.

از جمله زرکشی می گوید: تربت قبر حمزه از حکم منع برداشتن خاک حرمین، استثنا شده است؛ زیرا اتفاق همگان بر جواز نقل آن برای معالجه صداع است. (۴)

ابو سلمه از پیامبر نقل می کند: غُبَارُ الْمَدِينَةِ يُطْفِئُ الْجَذَامَ.

ابن اثیر جزری از پیامبر نقل کرده:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِي غُبَارِهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

سوگند به کسی که جان من در دست اوست، غبارِ خاکِ مدینه باعث شفای هر دردی است.

۱- الجامع فی العلل و معرفه الرجال، ج ۲، ص ۳۲؛ وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۴۱۴

۲- کنز المطالب، ص ۲۱۹

۳- اسنی المطالب، ج ۱، ص ۳۳۱

۴- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۶۹

سمهودی می نویسد: روش صحابه و دیگران این بود که از خاک قبر پیامبر برمی داشتند (۱).

* نمونه ای بیاورید که اهل سنت به جنازه یا قبر بزرگانشان تبرک جسته باشند.

دو مورد ذیل، نمونه هایی هستند از موارد بسیار که از نظر شما می گذرد:

تبرک به قبر و خاک قبر بخاری.

۱- سُبکی می گوید: مردم سمرقند به قدری از خاک قبر بخاری برداشتند که قبر ظاهر شد به طوری که نمی شد جلوی مردم را گرفت تا این که ضریح ماندی را بر روی قبر گذاشتند. (۲)

تبرک پیروان ابن تیمیه به جنازه او.

۲- ابن کثیر می گوید: تشیع کنندگان دستمال و عمامه های خود را به عنوان تبرک روی جنازه ابن تیمیه انداختند ... و آب غسل او را به عنوان تبرک نوشیدند! (۳)

* آیا استغاثه و طلب حاجت از غیر از خدا جایز است؟

اگر کسی بگوید: ای محمد، حاجت مرا روا کن و منظورش شفاعت و وساطت و دعا برای تعجیل و انجام کار باشد هیچ اشکالی ندارد. آیات فراوانی در قرآن هست که ظاهر آنها صدور فعل از بنده خداست:

۱- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۵۴۴

۲- طبقات الشافعیه، ج ۲، ص ۲۳۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۶۷

۳- البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۱۳۶

... وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْثُوهُمْ (۱)

وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (۲)

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (۳)

با این که بی نیاز کننده، تنها خداوند است، لیکن در این آیات، خداوند - عزّ و جلّ - پیامبر و مؤمنین را نیز رازق و شریک در بی نیاز ساختن مردم دانسته است. علاوه بر این، صحابه به هنگام گرفتاری به قبر پیامبر متوسّل می شدند.

عسقلانی می گوید: در زمان خلافت عمر مردم گرفتار قحطی و خشکسالی شدند، شخصی از اصحاب به قبر پیامبر متوسّل شد و گفت: یا رسول الله اسئتنی لأمّتك فانهم قد هلكوا ... (۴) و شخصیت هایی چون ابن حبان و ابن خزیمه و ابوعلی خلال، شیخ الحنابله در زمان گرفتاری، به قبور اهل بیت پیامبر متوسّل می شدند:

* الف. ابن حبان (متوفای ۳۵۰ هـ -). در کتاب خود الثقات می گوید: بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا (ع) رفتم و در مدتی که در طوس بودم، هر وقت مشکلی بر من عارض می شد، به زیارت قبر آن حضرت می رفتم و از خداوند می خواستم که مشکلم را برطرف کند و الحمد لله مشکلم برطرف می شد و این را مکرر امتحان کردم و نتیجه گرفتم. (۵)

۱- نساء: ۵

۲- توبه: ۷۴

۳- توبه: ۵۹

۴- فتح الباری، ج ۲، ص ۵۵۷

۵- کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۵۶

* ب. محمد بن مؤمل شاگرد ابن خُزیمه که شیخ بخاری و مسلم و به اصطلاح شیخ الاسلام است می گوید: به همراه استادم ابن خزیمه و جمعی از اساتید به زیارت بارگاه قبر علی بن موسی الرضا (ع) در طوس رفتیم، استادم ابن خزیمه چنان در برابر آن بقعه متبرکه تعظیم و تواضع کرد که همگی در شگفت ماندیم. (۱)

* ج. ابو علی خلال، شیخ حنابله، می گوید: هرگاه مشکلی بر من عارض شود، قبر موسی بن جعفر (ع) را زیارت می کنم و به ایشان متوسل می شوم و خداوند مشکل مرا آسان می کند. (۲)

* د. محمد بن ادریس شافعی به قبر ابو حنیفه، و احمد بن حنبل به قبر شافعی متوسل می شد. (۳)

* ه. مسلمانان، به قبر ابو ایوب انصاری متوسل می شدند و برای طلب باران به قبر او پناه می بردند. (۴)

* و. مردم سمرقند برای طلب باران به قبر محمد بن اسماعیل بخاری متوسل شدند. (۵)

نکته مهم این است که بزرگان اهل سنت به صراحت مردم را تشویق به استغاثه و توسل کرده اند.

قسطلانی گوید: سزاوار است که زائر در کنار قبر پیامبر (ص) زیاد دعا و استغاثه کند و متوسل شود و طلب شفاعت و بی تابی کند و

۱- تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹

۲- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰

۳- مناقب ابی حنیفه، ج ۲، ص ۱۹۹ مناقب ابی حنیفه، ج ۲، ص ۱۹۹

۴- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۱۸

۵- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۶۹؛ طبقات الشافعیه، ج ۲، ص ۲۳۴

سزاوار است که خداوند شفاعت پیامبر را در حق او بپذیرد. (۱)

* چه دلیلی بر مشروعیت زیارت قبور داریم؟

در پاسخ این پرسش، از کتاب و سنت می توان بهره جست. روش اصحاب نیز دلیل بر جواز این کار است.

* الف. قرآن کریم: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ ... (۲) یعنی اگر آنان وقتی به خود ستم می کردند، سراغ تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

این آیه بر زیارت پیامبر (ص) در حیات و ممات تشویق می کند؛ چنان که سبکی می گوید: علما از این آیه عمومیت حکم در حیات و وفات پیامبر (ص) را استفاده کرده اند، چون طبق روایات از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: حِیَاتِی خَیْرٌ لَّكُمْ تَحْدِثُونَ وَ نَحْدِثُ لَكُمْ وَ وَفَاتِی خَیْرٌ لَّكُمْ تَعْرِضُ عَلَیْ أَعْمَالِكُمْ ... (۳)

* ب. سنت پیامبر اکرم (ص)

روایات و احادیث بسیاری از رسول خدا (ص) در تشویق به زیارت قبر شریف خود، پس از رحلتش، نقل شده است: مَنْ زَارَ قَبْرِی وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِی. (۴)

* ج. فعل صحابه

إِنَّ عُمَرَ لَمَّا قَدِمَ الْمَدِينَةَ مِنْ فَتُوحِ الشَّامِ كَانَ أَوَّلَ مَا بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ، سَلَّمَ

۱- المواهب اللدنیه، ج ۳، ص ۴۱۷

۲- نساء: ۶۴

۳- طرح الشریب، ص ۲۹۷

۴- السنن

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. (۱)(۱)

إِنَّ ابْنَ عُمَرَ كَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ آتَى قَبْرَ النَّبِيِّ (ص). (۲)(۲)

* حدیث لا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ ... زیارت قبور و قصد زیارت را منع می کند؟

خیر، به دلایلی که در ذیل می آوریم:

* الف. احتمال می رود که مستثنی منه در این حدیث، مکان یا مسجد باشد، ولی قسطلانی در ارشاد الساری (ج ۲، ص ۳۳۲)، تأکید دارد که مراد مسجد است. بنابراین، هیچ دلالتی بر حرمت قصد زیارت مشاهد متبرکه ندارد.

* ب. این حدیث در مورد خودش نیز مورد عمل نیست؛ زیرا اگر مراد این است که قصد کردن هیچ مسجدی جز آن سه مسجد روا نیست، این با عمل پیامبر (ص) که به طور قطع هر شب به مسجد قبا می رفتند، مخالف است.

* ج. بلال حبشی قطعاً به قصد زیارت قبر پیامبر از شام به مدینه آمده است و داستان او معروف است.

* د. علمای فریقین (شیعه و سنی) قصد کردن زیارت پیامبر را راجح دانسته و در برابر ابن تیمیه - یعنی همان کسی که شبیه حرمت زیارت را مطرح کرد - به شدت موضع گرفته اند.

* قسطلانی می گوید:

قول ابن تیمیه حیث منع زیاره قبر النبی (ص) وَهُوَ مِنْ أَبْشَعِ

۱- شفاء السقام، ص ۴۴

۲- وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۴۰

المسائل المنقوله عنه. (۱)(۱) گفتار ابن تیمیه در منع زیارت قبر رسول خدا (ص) از بدترین مسائلی است که از او نقل شده است.

* غزالی می گوید:

كُلُّ مَنْ يَتَبَرَّكَ بِمَشَاهِدَتِهِ (ص) فِي حَيَاتِهِ، يَتَبَرَّكَ بِزِيَارَتِهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَيَجُوزُ شَدَّ الرَّحَالِ لِهَذَا الْغَرَضِ. (۲)(۲)

هرکس پیامبر را در حال حیات می دید و متبرک می شد، بعد از وفات ایشان نیز با زیارت حضرت از ایشان متبرک می شود و کوچ کردن به قصد زیارت پیامبر (ص) نیز جایز است.

* ه- احادیثی از طریق فریقین نقل شده است که تأکید بر زیارت مطلق قبور دارد:

عَنِ النَّبِيِّ (ص): نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرْوُوهَ. (۳)

جمهور اهل سنت، از عبارت فَرْوُوهَ استفاده استجاب کرده اند ولی ابن حزم برداشت وجوب کرده است. (۴)

* آیا جایز است زنان به زیارت قبور بروند، با توجه به آنچه از پیامبر (ص) نقل شده است: لعن الله زائرات القبور؟

پاسخ این پرسش بدین شرح است:

* الف. در روایاتی آمده است که حضرت فاطمه زهرا (س) و یا عایشه به زیارت قبور می رفتند:

۱- ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۲۹

۲- احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۵۸؛ ذهبی در استدلال به این حدیث تأمل دارد. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵

۴- التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۳۸۱

إِنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ عَمِّهَا حَمْزَةَ كُلَّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّي وَتَبْكِي عِنْدَهُ. (۱) فاطمه زهرا، هر جمعه به زیارت قبر عموییش حمزه می رفت و آن جا نماز می خواند و گریه می کرد.

ابن ابی ملیکه می گوید:

رَأَيْتُ عَائِشَةَ تَزُورُ قَبْرَ أَخِيهَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَمَاتَ بِالْحَبَشِيِّ وَفُتِّرَ بِمَكَّةَ. (۲) عایشه به زیارت قبر برادرش عبدالرحمان در مکه می رفت

* ب. این حدیث- لَعَنَ اللَّهُ زَائِرَاتِ الْقُبُورِ- بوسیله حدیث بریده نسخ شده و یا معارض آن است؛ چنان که حاکم نیشابوری و ذهبی به آن تصریح کرده اند.

روایت بریده این است: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ ثُمَّ أَمَرَ بِزِيَارَتِهِ. (۳)

* ج. علمای اهل سنت به استحباب زیارت قبور برای زنان فتوا داده اند:

* ابن عابدین می گوید: هل تستحبُّ زیاره قبره (ص) للنساء؟

الصحيح: نعم بلا كراهه، بشرطها على ما صرح به بعض العلماء، اما على الأصح من مذهبنا و هو قول الكرخي وغيره: من أن الرخصة في زیاره القبور ثابتة للرجال و النساء جميعاً فلا اشكال، و اما على غيره فذلك نقول بالاستحباب، لإطلاق الأصحاب، بل قيل واجبه. (۴)

* د. این حدیث (لَعَنَ اللَّهُ زَائِرَاتِ الْقُبُورِ) سه طریق دارد که هر سه

۱- سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۲؛ مصنف عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲

۲- مصنف عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۰

۳- السنن الکبری ۴: ۱۳۱؛ مستدرک حاکم ۱: ۳۷۴.

۴- رد المختار، ج ۲، ص ۲۶۳؛ المواهب اللدنیه، ج ۳، ص ۴۰۵

ضعیف است. در طریق اول ابن خثیم است و گفته اند که به احادیث او استدلال نمی شود. (۱)

در طریق دوم باذان است که حدیث او هم مورد استناد نیست. (۲)

در طریق سوم عمر بن ابی سلمه است که او را هم ضعیف دانسته اند. (۳)

* آیا نماز خواندن و دعا کردن کنار قبور اولیا و صلحا و یا قبر پیامبر (ص) اشکال دارد؟

در پاسخ این پرسش باید گفت:

* الف. آیه شریفه وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ ... دلالت بر رجحان دعا در کنار قبر پیامبر (ص) دارد، چون تعبیر جَاءُوكَ زمان حیات و زمان رحلت، هر دو را شامل می شود.

* ب. فاطمه زهرا (س) هر هفته - روز جمعه - کنار قبر حضرت حمزه حضور می یافت و در آن جا نماز می خواند و گریه می کرد.

حاکم نیشابوری گوید: راویان این حدیث همگی ثقه هستند. (۴)

* ج. سیره مسلمین بر این بوده است.

* شافعی گفته است: برای رفع مشکلاتم کنار قبر ابو حنیفه می آیم و دو رکعت نماز می خوانم. (۵)

* ابراهیم حربی گوید: قبر معروف الکرخی التریاق المجرّب است. ذهبی در تفسیر این کلمه گفته است: مقصود استجابت دعای گرفتار

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۵۹

۲- تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۶

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۳

۴- مستدرک حاکم ۱: ۳۷۷.

۵- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۳

در کنار قبر معروف کرخی است. (۱)

* جزری می گوید: دعا در کنار قبر شافعی مستجاب است. (۲)

* آیا معنای حدیث: لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ و حدیث: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثَنَ نَهَى از نماز و دعا در کنار قبر پیامبر و سایر قبور نیست؟

در پاسخ این پرسش نیز مانند پرسش های پیشین باید به چند نکته پردازیم:

* الف. افرادی که در سند این حدیث قرار دارند، یا ضعیف هستند و یا مجهول؛ مثلاً عبدالوارث نزد علمای رجال اهل سنت مردود است، چون قدری مسلک بوده است. و ابو صالح مردّد بین ضعاف و ثقات است و عبدالله بن عثمان منکر الحدیث و ابن بهمان شناخته شده نیست. پس حدیث از نظر سند اشکال دارد.

* ب. هیچ دلالتی بر حرمت نماز و دعا در جوار قبور ندارد؛ زیرا اشاره به روایت کنیسه حبشه دارد که به هنگام مرگ فردی از صالحان خود، مسجدی بر روی قبرش بنا می کردند و عکس هایی روی آن می گذاشتند و به سوی آن عکس ها و قبر سجده می کردند و این معنی ارتباطی به خواندن نماز برای خداوند و رو به کعبه در کنار قبور صالحان ندارد.

* قرطبی می گوید:

أَنَّمَا صَوَّرَ أَوَائِلَهُمُ الصُّورَ لِيَتَأَنَسُوا بِهَا وَيَتَذَكَّرُوا أَفْعَالَهُمُ الصَّالِحَةَ فَيَجْتَهِدُونَ كَمَا جْتَهِدُوا وَعِبَادُونَ عِنْدَ قُبُورِهِمْ ثُمَّ خَلَّفَهُمُ قَوْمٌ جَهَلُوا مَرَادَهُمْ وَوَسَّوَسَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ، إِنْ اسْلَفَهُمْ

۱.

۲.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۴۳

۲- الجواهر المضية، ج ۱، ص ۴۶۱

كانوا يعبدون هذه الصور ويعظمونها فحذر النبي عن مثل ذلك. (۱)

* و بیضاوی می گوید:

لَمَّا كَانَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى يَسْجُدُونَ لِقُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ تَعْظِيمًا لَشَأْنِهِمْ وَيَجْعَلُونَهَا قِبْلَةً يَتَوَجَّهُونَ فِي الصَّلَاةِ نَحْوَهَا وَاتَّخَذُوهَا أَوْثَانًا، لِعَنَهُمُ النَّبِيُّ (ص) ... (۲)

* ج. بسیاری از علمای اهل سنت فتوا به جواز نماز خواندن در مقبره ها داده اند؛ از جمله آنها است مالک:

- كان مالک لا يرى بأساً بالصلاة في المقابر و هو اذا صلّى في المقبره كانت القبور بين يديه وخلفه و عن يمينه وشماله.

- و قال مالک لا بأس بالصلاة في المقابر و قال: بلغني إن بعض اصحاب النبي كانوا يصلّون في المقبره. (۳)

* عبدالغنی نابلسی می گوید:

إذا كان موضع القبور مسجداً أو على طريق، أو كان هناك أحد جالس، أو أن قبر ولي من أولياء الله أو عالم من المحققين، تعظيماً لروحه المشرفه، على تراب جسده اعلماً للناس أنه ولي لیتبرکوا به، و يدعو الله عنده فيستجاب لهم، فهو أمر جائز، لا مانع منه. (۴)

* آیا ساختن گنبد، ضریح و مانند آن بر قبور جایز است؟

به چند دلیل جایز است:

۱.

۲.

۳.

۴.

۱- ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۹۷

۲- همان

۳- المدونه الكبرى، ج ۱، ص ۹۰

* الف. دلیلی بر حرمت، جز روایت ابی الهیاج نیست (۱) و این روایت از نظر سند مورد اشکال است؛ زیرا وکیع و حبیب بن ابی ثابت از راویان سند این حدیث هستند و هر دو از نظر اهل سنت مردود می باشند.

* ب. در دلالت حدیث نیز جای بحث و گفت و گوست؛ چون وَلَا قَبْرًا أَلْمَا سَوَّيْتَهُ به معنای تخریب بنای قبور نیست، بلکه به معنای مسطح کردن آن در مقابل تسنیم است.

قسطلانی می گوید:

السنة في القبر تسطيحه، و أنه لا يجوز ترك هذه السنة لمجرد أنها صارت شعاراً للروافض، وأنه لا منافات بين التسطيح و حدیث ابی هیاج؛ لأنه لم يُرد تسويته بالأرض و إنما أراد تسطيحه جمعاً بين الأخبار ... (۲)

* ج. روش مسلمین این بوده که روی قبرها بنا می ساختند.

۱- بنای حجره شریف نبوی.

۲- قبر ابراهیم فرزند پیامبر در خانه محمد بن زید بن علی بود.

۳- بنای مسجد، روی قبر حمزه (ع) در اوایل قرن دوم هجری.

۴- بنای قبر سعد بن معاذ. این قبر در منزل ابن افلح بود و در زمان عمر بن عبدالعزیز بر روی آن گنبد ساختند. (۳)

۵- بنا بر روی قبر باهلی (سال ۲۷۵ هـ). در بصره. (۴)

۶- بنا بر روی قبر امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب (ع) در

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱

۲- ارشاد الساری، ج ۲، ص ۴۶۸

۳- وفاء الوفا، ج ۲، ص ۵۴۵

۴- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۸۵

۷- بنا بر روی قبر سلمان فارسی. (۱)

۸- بنا بر روی قبر ابو عوانه (سال ۳۱۶ هـ-). (۲)

* آیا حدیث: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يَجْصِصَ الْقَبْرَ وَأَنْ يَعْقِدَ عَلَيْهِ وَأَنْ يَبْنِيَ عَلَيْهِ (۳) صریح در منع از ساختن بنا بر قبور نیست؟

تمامی طرق و اسناد این روایات، مورد اشکال است، به ص ۱۸۲ الوهائیه، دعاوی و ردود مراجعه شود.

* آیا روشنایی بر قبور مثل شمع، لایمپ و غیره اشکال شرعی دارد؟

به چند دلیل اشکال ندارد:

* الف. طبق روایات اهل سنت، پیامبر (ص) شبی می خواست وارد قبر و یا قبرستانی شود، دستور داد چراغ روشن کردند. (۴)

* ب. سیره و روش مسلمین بر این بود که بر روی قبور بعضی از صحابه و صلحا چراغ و به اصطلاح قندیل روشن می کردند:

* قندیل بر قبر ابو ایوب انصاری، در قرن چهارم. (۵)

* قندیل بر قبر زبیر بن عوام، در قرن چهارم. (۶)

۱- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۶۳

۲- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۴۱۹

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳

۴- الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۳۷۲

۵- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۵۴

۶- المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۸۳

* قندیل بر بارگاه حضرت موسی بن جعفر (ع)، اوایل قرن پنجم. (۱)

* ج. حدیث لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ از نظر سند مورد اشکال است؛ زیرا راوی آن ابو صالح است که از نظر اهل سنت ضعیف و مردود است و شارحان این حدیث گفته اند: نهی در اینجا ارشادی است نه مولوی؛ چنان که سَئِئِدَى و عزیزى و على ناصف و شیخ حنفی بدان اشاره کرده اند. (۲)

* آیا نذر کردن برای صلحا و مؤمنان زنده و یا مرده جایز است؟

به چند دلیل جایز است:

* الف. احادیثی از کتب اهل سنت دلالت بر جواز دارد:

عَنْ ثَابِتِ بْنِ الضَّحَّاكِ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) إِنَّ رَجُلًا سَأَلَهُ أَنَّهُ نَذَرَ أَنْ يَذْبَحَ بَبْوَانَهُ، فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ فَاخْبَرَهُ، فَقَالَ: هَلْ كَانَ فِيهَا وَثَنٌ مِنْ أَوْثَانِ الْجَاهِلِيَّةِ يُعْبَدُ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: هَلْ كَانَ فِيهَا عِيدٌ مِنْ أَعْيَادِهِمْ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَوْفِ بِنَذْرِكَ، فَإِنَّهُ لَا وِفَاءَ لِنَذْرِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا فِيمَا لَا يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ. (۳)

اگر نذر، طبق روال جاهلیت نباشد؛ یعنی برای بت و اعیاد کفار نباشد، وفای به نذر لازم است.

* ب. عزامی شافعی در تأیید این نذرها می گوید: کسی که در وضع نذر مسلمین تحقیق کند، چنین به دست می آورد که قصدشان از این قربانی ها و نذرها برای مردگان جز صدقه از طرف آنها و اهدای ثواب برای آنان، چیز دیگری نیست، و اجماع از اهل سنت بر این است که

۱- وفيات الاعيان، ج ۵، ص ۳۱۰

۲- شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۱۹۸؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۵؛ التاج، ج ۱، ص ۳۸۱

۳- ابو داود، ج ۳، ص ۲۳۸

صدقه زندگان برای مردگان سودمند است و به آنان می رسد. و احادیث در این زمینه بسیار است. سپس عزامی به این حدیث اشاره می کند:

سعد از پیامبر (ص) پرسید: مادرم در گذشته است و یقین دارم که اگر زنده بود، صدقه ای می داد. آیا اگر من از طرف او صدقه بدهم سودی به حالش خواهد داشت؟ پیامبر فرمود: آری. پرسید: کدامین صدقه سودمندتر است؟ فرمود: الماء. پس سعد چاهی را حفر کرد و آن را صدقه برای مادر خود قرار داد. (۱)

* ج. قبرهایی از مسلمانان بوده و هست که معروف به قبور نذور است و مسلمین برای آنان نذرها می کردند.

* قبر البستی در مراکش * قبر النذور در بغداد

* قیراحمد البدوی. (۲)

* نظر اسلام در مورد جواز و عدم جواز جشن ها و عزاداری ها چیست؟

به یقین جایز است، زیرا:

* الف. اصل در اشیاء، اباحه و جواز است، مگر دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد.

* ب. نص قرآن نیز تشویق به تعظیم شعائر کرده است.

* ج. روش مسلمانان از گذشته تا کنون، بر به پاداشتن مراسم ولادت پیامبر و جشن و سرور بوده، چنان که قسطلانی و دیاربکری

۱- فرقان القرآن، ص ۱۳۳

۲- نیل الابتهاج، ج ۲، ص ۶۲؛ المواهب اللدنیه، ج ۵، ص ۳۴۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۳

بدان اشاره کرده اند. (۱)

* د. روش معمول میان خواص و عوام اهل سنت، اقامه عزا و ماتم برای مردگان بوده، چنان که ذهبی درباره درگذشت جوینی (متوفای ۴۷۸ هـ.) می نویسد:

غَلَقَتِ الْأَسْوَاقُ وَرَثَى بَقَصَائِدٍ وَكَانَ لَهُ نَحْوُ مِنْ أَرْبَعِ مِائَةٍ تَلْمِيذًا، أَقَامُوا حَوْلًا وَوَضَعَتِ الْمَنَادِيلُ عَنِ الرَّؤُوسِ عَامًّا بِحَيْثُ مَا اجْتَرَأَ أَحَدٌ عَلَى سِتْرِ رَأْسِهِ، وَكَانَتِ الطَّلَبَةُ يَطُوفُونَ فِي الْبَلَدِ نَائِحِينَ عَلَيْهِ مَبَالِغِينَ فِي الصِّيَاحِ وَالْجَزَعِ. (۲)

و درباره تشییع جنازه عبدالمؤمن (متوفای ۳۴۶ هـ.) می نویسد:

فَغَشِينَا أَصْوَاتَ طَبُولٍ، مِثْلَ مَا يَكُونُ مِنَ الْعَسَاكِرِ حَتَّى ظَنَّ جَمْعُنَا أَنَّ جَيْشًا قَدْ قَدِمَ. (۳)

و در مورد مرگ ابن جوزی (ت ۵۹۷ هـ.) می نویسد:

وَبَاتُوا عِنْدَ قَبْرِهِ طَوَّلَ شَهْرِ رَمَضَانَ يَخْتَمُونَ الْخَتَمَاتَ بِالشَّمْعِ وَالْقِنَادِيلِ ... وَاصْبَحْنَا يَوْمَ السَّبْتِ عَمَلْنَا الْعَزَاءَ وَتَكَلَّمْتُ فِيهِ وَحَضَرَ خَلْقٌ عَظِيمٌ وَعَمِلْتُ فِيهِ الْمَرَاتِي. (۴)

* آیا ازدواج متعه از متفردات شیعه است؟

خیر، به چند دلیل:

* الف. ابن جریر اموی، که اهل سنت در ثقه بودنش اجماع دارند و همه صحاح سته از او حدیث نقل می کنند، شصت و یا هفتاد و بلکه نود زن متعه داشت.

۱- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۲۳؛ المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۲۷

۲- سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۴۶۸

۳- همان

۴- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۷۹

ذهبی می گوید:

هو أحد الأعلام الثقات .. و هو مجمع علی ثقته مع كونه تزوّج نحواً من سبعین امرأه نكاح متعه كان یری الرخصه فی ذلك و كان فقیه أهل مكه فی زمانه. (۱)

یعنی ابن جریج یکی از عالمان مورد وثوق است و وثاقت او مورد اتفاق اهل سنت است. ضمن این که او هفتاد زن را متعه- نکاح موقت- کرد. نظر او رخصت و جواز نکاح موقت بود. او فقیه اهل مکه در زمان خود بود.

* ب. بزرگان صحابه، چون عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، عمران بن حصین، ابو سعید خدری و امیر مؤمنان علی (ع)، این عمل را جایز می دانستند.

* ج. خود عمر بن خطاب با صراحت می گوید: کانتا علی عهد رسول الله و أنا احْرَمُهما و اعاقب علیهم چنان که قوشچی در شرح تجرید، صفحه ۴۸۴، این جمله را از او آورده و تحلیل کرده است!

* د. در تاریخ طبری (۲) آمده است که این نهی از عمر بوده و عمران بن سواده بر او وارد شده و ناراحتی و اعتراض مردم به عمر درباره منع از متعه و چند خبر دیگر را به آگاهی او رسانده است.

* ه. خود عمر بن خطاب در هیچ موردی اشاره به این معنا ندارد که پیامبر (ص) منع و یا نهی و یا تحریم کرده است، بلکه می گوید: أَنَا احْرَمُهما ...

* و. تنها روایتی - صحیحه ای - که به آن استناد می کنند که پیامبر (ص) متعه را تحریم کرده، همان حدیث سبره است و او اصلاً

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۵۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۶۳۶۰

۲- ج ۲، ص ۵۷۹

معروف و شناخته شده نیست و در هیچ کتاب رجالی- غیر از روایتی که نقل کرده- سخنی از او به میان نیاورده اند.

* چرا شیعه به هنگام نماز، به طور دست بسته نماز نمی خواند؟

شیعه به چند جهت به تکتف از تکفیر عمل نمی کند:

* الف. این عمل نزد خود اهل سنت به عنوان یک امر واجب مطرح نیست بلکه عملی است مستحبی و نزد بعضی دیگر یک عمل مکروه در نمازهای واجب شمرده می شود؛ مثلاً رئیس مذهب مالکی آن را مکروه می داند و از صحابه؛ مانند عبدالله زبیر و از تابعین مانند حسن بصری و ابن سیرین و اتباع تابعین مثل لیث بن سعد و ابراهیم نخعی قائل به ارسال بودند. (۱)

* ب. سنت بودن این عمل و این که پیامبر (ص) در نماز این کار را می کردند، ثابت نیست.

قرطبی می گوید:

اختلف العلماء فی وضع الیدین أحدهما علی الأخری فی الصلاة، فکَرِهَ ذلک مالک فی الفرض وأجازه فی النفل، و رأى قوم أنّ هذا من سنن الصلاة و هم الجمهور، والسبب فی اختلافهم أنّه قد جاءت آثار ثابتة نقلت فیها صفة صلاته علیه الصلاة والسلام، ولم ينقل فیها أنّه کان يضع یده الیمنی علی الیسری وثبت ایضاً أنّ الناس کانوا یؤمرون بذلك. (۲)

* ج. عمده دلیل جمهور، روایت بخاری و مسلم است.

* روایت بخاری:

عن ابی حازم عن سهل بن سعد قال: کان الناس یؤمرون أنّ

۱- دراسات فقهیه فی مسائل خلافیه، ص ۱۴۲

۲- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۳۶

يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعه اليسرى في الصلاة. قال ابو حازم لا أعلمه إلا أن ينمي ذلك الى النبي (۱)

ابو حازم از سهل بن سعد نقل می کند: مردم مأمور می شدند که در نماز دست راست خود را بر ذراع چپ قرار دهند.

ابو حازم می گوید: این مطلب را صحیح نمی دانم، مگر این که امر کننده آن پیامبر (ص) باشد.

* نکته: روشن نیست که چه کسی مردم را به این عمل امر کرده است؟ آیا پیامبر بوده و یا دیگری؟ و چنان که از عینی، شارح بخاری به دست می آید، این روایت مرسل است. (۲) از سیوطی نیز همین معنی استفاده می شود. (۳)

* عن علقمه بن وائل و مولى لهم انهما حدثاه عن ابيه وائل بن حجر أنه رأى النبي (ص) رَفَعَ يَدَيْهِ حين دخل الصلاة ... ثم وضع يده اليمنى على اليسرى (۴)

این روایت هم مرسل است؛ زیرا که اهل سنت روایت علقمه بن وائل از پدرش را مرسل می دانند.

ابن حجر از ابن معین نقل می کند: علقمه بن وائل عن أبيه مرسل. (۵)

* د. اهل بیت از آن نهی کرده و گاهی به عنوان لا- تفعل ذلك التكفير و گاهی به عنوان يفعل ذلك المجوس ... از فعل آن جلوگیری کرده اند و طبق بعضی از نقل ها ریشه آن به اسرای عجم منتهی می شود و خلیفه

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۵

۲- عمده القاری ۵: ۲۷۸.

۳- التوشیح علی الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۴۶۳ و نیل الأوطار، ج ۲، ص ۱۸۷

۴- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰

۵- تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۴۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۹۳- الهامش.

ثانی این عمل را پسندید و دستور داد در نماز آورده شود. (۱)

* صلاه تراویح چیست و چرا اهل سنت بر آن مداومت دارند؟

اصل نوافل شب های ماه رمضان بیست و یا سی رکعت است و تا این جا میان فریقین اختلافی نیست، آنچه مورد اختلاف است، به جماعت خواندن آن است. طبق نقل بخاری از عمر بن خطاب، وی مردم را وادار به جماعت کرد و نام آن را بدعت گذاشت:

فقال عمر: إني أرى لو جمعتم هؤلاء على قاري واحد، لكان أمثل، ثم عزم فجمعهم على أبي بن كعب، ثم خرجت معه ليلة أخرى والناس يصلون بصلاة قارئهم. فقال عمر: نعم البدعة هذه (۲)

قسطلانی می گوید: عمر از آن با تعبیر بدعت یاد کرد؛ چون پیامبر (ص) برای مردم به جماعت خواندن- نماز تراویح- را بیان نکرده بود و در زمان ابوبکر نیز نبوده است. (۳)

و عینی می گوید: عمر تعبیر بدعت کرد؛ چون پیامبر گرامی جماعت را برای اینان تشریح نکرد و در زمان ابوبکر هم نبود. (۴)

قلقشندی می گوید: عمر اولین کسی است که جماعت رمضان را تشریح کرد و آن در سال چهارده هجری بود. (۵)

* آیا بدعت به حسن و غیر حسن تقسیم می شود و منظور خلیفه دوم از نعم البدعه چیست؟

۱- جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۹؛ مصباح الفقاهه، ص ۴۰۲

۲- بخاری، ج ۱، ص ۳۴۲

۳- همان

۴- عمدہ القاری، ج ۱۱، ص ۱۲۶

۵- مؤثر الانافه فی معالم الخلافه، ج ۲، ص ۳۳۷

مسلماً هر بدعتی، ضلال و گمراهی است؛ وَكُلُّ ضَلَالٍ فِي النَّارِ. پس تقسیم بدعت به حسن و غیر حسن را بسیاری از علمای اهل سنت مردود شمرده اند؛ مانند شاطبی و ابن رجب حنبلی. و غامدی از نویسندگان معاصر عربستان در کتاب حقیقه البدعه و احکامه می نویسد:

القول بحسن بعض البدع مناقض للأدلة الشرعية الواردة في ذم عموم البدع. ذلك أن النصوص الدائمة للبدعه والمحذره منها جاءت مطلقه عامه، و على كثرتها لم يرد فيها استثناء البته، و لم يأت فيها ما يقتضى أنّ فيها ما هو حسن مقبول عندالله ... على أنّ القاعدة الكلّيه في ذم البدع لا يمكن أن يخرج عن مقتضاها فرد من الأفراد. (۱)

* احادیثی نقل شده که امیر مؤمنان (ع) نماز تراویح را می خواند و یا برای آن امام جماعت تعیین می کرد و یا این که فرموده است: نَوَّرَ اللهُ قَبْرَهُ كَمَا نَوَّرَ مَسَاجِدَنا این احادیث با بدعت بودن تراویح چگونه جمع می شود؟

ج- در این باره بیهقی چهار یا پنج روایت نقل کرده و خودش سند همه را ضعیف می داند، با تحقیق در روایات، به یک روایت که سند آن صحیح باشد برخورد نکرده ایم.

افزون بر این، ثابت نشده است که خود عمر بن خطاب نیز نماز تراویح را خوانده باشد! عبدالله بن عمر نیز به شدت از آن نهی می کرد. امیر المؤمنین، علی (ع) نیز به هنگام خلافت در کوفه با این عمل مخالفت کرد و مخالف برپایی آن بود.

لَمَّا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِالْكُوفَةِ أَتَاهُ النَّاسُ فَقَالُوا لَهُ اجْعَلْ

لَنَا إِمَامًا يُؤْمِنُ فِي رَمَضَانَ فَقَالَ لَهُمْ: لَا، وَنَهَاهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا فِيهِ فَلَمَّا أَمْسَوْا جَعَلُوا يَقُولُونَ ابْكُوا رَمَضَانَ وَرَمَضَانَاهُ ... (۱)

* آیا هنگام تشریح اذان، الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ جزو اذان بوده یا پس از آن، به اذان افزوده شده است؟

به دلایلی که در ذیل می آید، جزو اذان نبوده است:

* الف. روایت صحیحی که اهل سنت نقل می کنند، روایت محمد بن اسحاق است و در آن، الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ وجود ندارد. (۲)

* ب. سعید بن مسیب با صراحت می گوید: ادخلت هذه الكلمة في صلاة الفجر. (۳)

* ج. امام مالک در موط تصریح می کند که این عبارت به امر عمر بن خطاب به اذان صبح ضمیمه شد:

عن مالك: أنه بلغه أن المؤذن جاء إلى عمر بن الخطاب يؤذنه لصلاة الصبح، فوجدته نائماً فقال: الصلاة خيرٌ من النوم فامرهُ عمرُ أن يجعلها في نداء الصبح. (۴)

* د. شافعی آن را مکروه و در یکی از دو قول آن را بدعت می داند، و شوکانی می گوید:

لو كان لما انكره علي وابن عمر وطاوس. (۵)

* هـ. ابن جریج از عمر بن حفص نقل می کند که سعد، نخستین کسی بود که در خلافت عمر بن خطاب جمله الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ را

۱- سرائر، ج ۳، ص ۶۳۹

۲- نیل الأوطار، ج ۲، ص ۳۷

۳- همان

۴- ج ۱، ص ۷۲

۵- نیل الأوطار، ج ۲، ص ۳۸

* و. ابن حزم می گوید: لا نقول بهذا- الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ- لِأَنَّهُ لَمْ يَأْتِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

* آیا حی علی خیر العمل جزو اذان بوده و کسی از صحابه و تابعین این جمله را در اذان آورده است؟

طبق روایت صحیح از ابن عمر و ابو امامه بن سهل بن حنیف، اینان در اذان خود این جمله را می آوردند. (۲)

بیهقی هم روایتی از امام زین العابدین (ع) نقل می کند که ایشان این جمله را در اذان می آورد و می فرمود: اذان اول این است! (۳)

همچنین حسن بن یحیی بن الجعد و زید بن ارقم و شافعی- در یکی از دو قول خود- این جمله را ذکر می کرد. (۴)

* نظر صحیح در باره رجعت چیست؟

در توضیح رجعت باید گفت:

* الف. مراد از رجعت، بازگشت جمعی از مؤمنان و جمعی از کفار به دنیا در دوران ظهور امام زمان (ع) است و این امر محال نیست و ده ها بلکه صدها روایت بر آن وارد شده است و از اعتقاد به آن مشکلی پیش نمی آید، ولی بعضی از اهل سنت در ردّ و انکار آن پافشاری می کنند.

* ب. رجعت در امت های پیشین، نمونه های بسیار دارد:

۱- مصنف عبدالرزاق، ج ۱، ص ۴۷۴

۲- المحلی، ج ۳، ص ۱۶۰

۳- السنن الکبری، ج ۱، ص ۶۲۴

۴- نیل الأوطار، ج ۲، ص ۳۹، البته این شیوه بحث از دیدگاه اهل سنت است.

۱- رجعت هفتاد نفر از قوم موسی.

۲- رجعت هزاران نفر پس از مرگ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ ... (۱)

۳- رجعت عزیر بعد از صد سال.

۴- رجعت سام بن نوح به دنیا.

۵- رجعت فرزندان ایوب (۲)

۶- رجعت یوشع - الیسع - اشموئیل (۳)

* ج. در اسلام نیز نمونه های زیادی از رجعت وجود داشته است و کسانی، پس از مرگ، به دنیا بازگشتند. ابن ابی الدنیا از علمای عامه (متوفای ۲۰۸ هـ.) در این زمینه کتابی نوشته به نام مَنْ عَاشَ بَعْدَ الْمَوْتِ که در عربستان چاپ شده و شرح حال برخی از کسانی را که بعد از مرگ زنده شده اند، جمع آوردی کرده است. اینک چند نمونه از آن را می آوریم:

۱- رجعت زید بن خارجه.

۲- رجعت جوانی از انصار.

۳- رجعت مردی از مقتولین مسیلمه.

۴- رجعت ابن خراش.

۵- رجعت یکی از بستگان - دائی - ابن ضحاک.

۱- بقره: ۲۴۳

۲- رجوع شود به: الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۱۶؛ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۴۲؛ تفسیر نیشابوری، ص ۴۴؛ الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۱۵۴ تألیف مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا طبسی.

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۸۰؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۱، ص ۱۷۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۱۵۴

۶- رجعت رؤبه دختر بیجان.

۷- رجعت شخصی از بنی جُهنه.

و نمونه های دیگر ...

و نیز حدیثی از پیامبر نقل می کنند که:

لِيَأْتِيَنَّ عَلَيَّ أُمَّتِي مَا أَتَى بَيْنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ. (۱)

بخاری عَنِ النَّبِيِّ (ص):

لتتبعن سنن من كان قبلکم شبراً بشبر و ذراعاً بذراع حتّى لو دخلوا فی جُحر ضب لأتبعتموهم، فقالوا: یا رسول الله، اليهود و النصارى؟ قال: فمن إذن. (۲)

کوتاه سخن این که در این زمینه، از پیشوایان معصوم بیش از پانصد روایت رسیده است، علاوه بر آیات شریفه ای که به رجعت تفسیر شده است. (۳)

مرحوم طباطبایی مفسر بزرگ شیعه درباره رجعت می فرماید: اگر در این زمینه به کاوش پردازیم، بسیاری از آیاتی را می یابی که پیشوایان معصوم آنها را به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور امام (ع) تفسیر کرده اند، و این نیست مگر به لحاظ سنخیتی که میان این سه معنی وجود دارد ولی چون مردم در حقیقت قیامت بحث نکرده و در زمینه کشف هویت و واقعیت این روز عظیم تحقیق وسیعی انجام نداده اند، در معنای این روایات اختلاف نموده و بعضی آنها را رد کرده اند- و حال آن که بیش از پانصد روایت است، و بعضی دیگر آنها را تأویل نموده اند و حال آنکه آنها در کمال ظهور و یا صراحتند. و

۱- ترمذی، ج ۵، ص ۲۶

۲- بخاری، ج ۴، ص ۲۶۴

۳- الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۱۶۱

بعضی دیگر آنها را بدون هر گونه اظهار نظری نقد کرده اند ... (۱)

در این جا مرحوم طباطبایی بحث مفصلی را مطرح می کند که از حوصله این نوشتار خارج است.

۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸

نکاتی از مناسک حج و نماز در فقه تطبیقی

اشاره

از آنجا که روحانیان معظم کاروان‌ها، گاهی با پرسش‌هایی مواجه می‌شوند که از سوی پیروان سایر مذاهب در مورد اعمال حج و عمره مطرح می‌شود، و در برخی از کاروان‌های ایرانی نیز زائرانی از اهل سنت وجود دارند و مسائلی می‌پرسند، آشنایی اجمالی سروران مکرم با مناسک اهل سنت، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است، لذا برای سهولت در امر فراگیری و به منظور کاستن زحمت مراجعه عزیزان به کتب مفصل فقهی و مناسک آن مذاهب، برخی از تفاوت‌های اساسی فقه شیعه در حج و عمره با دو مذهب شافعی و حنفی که بیشتر ایرانیان سنی مذهب پیرو همین دو مذهب‌اند، به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای در این نوشته آمده است که با صرف وقت کم، دسترسی سریع به آنها حاصل می‌شود. امید است مورد استفاده قرار گیرد و ما را از نظرات اصلاحی و تکمیلی خود بهره‌مند فرمایید.

اجمالی از تفاوت های اعمال حج و عمره

در فقه امامی، شافعی و حنفی (۱)

تا پایان این بخش، ستون اول، احکام امامیه و ستون دوم، احکام اهل سنت است.

مکان احرام

* امامی

۱- کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند جده، و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند، اگر جده یا حده محاذی با یکی از میقات هاست از آن جا محرم شوند و الا بروند به میقاتِ دیگر؛ مثل جُحفه و از آن جا محرم شوند.

۱- حاجیانی که مدینه بعد هستند و مستقیماً از فرودگاه جده وارد مکه می شوند، چون هنگام پرواز از میقات عبور می کنند و باید در آن لحظه ها محرم باشند، لازم است در ایران لباس احرام را بپوشند.

*** تلبیه

* امامی

۲- لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ و احتیاط مستحب است پس از آن بگوید: اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

۲- لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ.

آزموده ها؛ ج ۲؛ ص ۴۱

۱- بر گرفته از مناسک حج امام خمینی ره و مناسک مصور حج اهل سنت که توسط آقایان: مولوی اسحق مدنی، ماموستا سید محمد شیخ الاسلامی مولوی حامد و عبدالصمد رامنی و ماموستا محمد امین راستی تهیه شده است.

تکرار و قطع تلبیه

* امامی

۳- از مستحبات تلبیه، تکرار آن است به خصوص در:

- وقت برخاستن از خواب.

- بعد از هر نماز واجب و مستحب.

- وقت رسیدن به سواره.

- هنگام بالا رفتن از تلّ و سرازیر شدن از آن، و ...

- و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند.

* شافعی و حنفی

۳- تکرار تلبیه بعد از بستن احرام، در همه احوال، به خصوص هنگام تغییر زمان و حالات ... سنت است، جز در حال طواف و سعی صفا و مروه. در این دو حال دعای مأثوره از حضرت پیامبر (ص) را بخواند، لازم به توضیح است محرم به حج، تا رمی جمره عقبه که در روز عید انجام می گیرد، تلبیه می کند، ولی معتمر تا وارد مسجد الحرام می شود و شروع به طواف می کند، تلبیه را قطع می نماید.

*** محرمات احرام امامیه

* امامی

۱- پوشیدن چیز دوخته، مثل پیراهن و زیرجامه و قبا و امثال آن.

۲- پوشیدن مرد سر خود را.

۳- پوشاندن زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

۴- استعمال عطریات.

۵- ازاله مو از بدن.

۶- ناخن گرفتن.

۷- جماع کردن با زن و بوسیدن و دست بازی کردن و نگاه به شهوت بلکه هر لذت و تمتعی بردن.

۸- عقد کردن زن از برای خود یا دیگری.

۹- جدال و آن گفتن لا والله و بلی والله است.

۱۰- شکار صحرائی که وحشی باشد.

۱۱- استمنا.

۱۲- سرمه کشیدن.

۱۳- نگاه در آینه.

۱۴- پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد برای مردان.

۱۵- فسوق.

۱۶- روغن مالیدن به بدن.

۱۷- سایه قرار دادن بالای سر، برای مردان.

۱۸- بیرون آوردن خون از بدن.

۱۹- انگشتر به دست کردن برای زینت.

۲۰- پوشیدن زیور برای زینت (برای بانوان).

۲۱- کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند.

۲۲- ناخن گرفتن.

۲۳- کندن دندان.

۲۴- کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

عمل های ممنوع در حالت احرام (اهل سنت)

۱- پوشیدن لباس، پیراهن و شلوار، کلاه، عمامه، کت و لباس زیر برای آقایان، جز کمر بند برای حفظ پول که اشکالی ندارد، بقیه لباس ها ممنوع است.

۲- پوشیدن سرو صورت و پشت پا برای آقایان و پوشیدن صورت برای زنان.

۳- استفاده کردن از عطریات، هر نوع که باشد، صابون و کرم خوشبو و بوییدن گل های خوشبو با قصد و اراده و عمداً، اما چنانچه خود قصدی نداشت و بوی خوشی به مشامش رسید، ایرادی ندارد.

۴- کوتاه کردن و تراشیدن موی بدن از هر جا که باشد.

۵- گرفتن ناخن.

۶- جماع و یا مقدمات آن، مانند بوسه و غیره.

۷- بحث و گفت و گوی جماع در حضور زنان.

۸- جنگ و جدل و برخورد نامناسب با حجاج.

۹- شکار و همکاری با شکارچی.

۱۰- کشتن و گرفتن ملخ و امثال آن.

*** طواف

* امامی

۵- برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید.

* شافعی و حنفی

۵- برای هر شوط طواف بلند کردن دست ها و بوسیدن آنها لازم است. بدین ترتیب جمعاً هفت شوط طواف را هفت مرتبه در هنگام ازدحام از دور دست ها را بلند کند و بوسه دهد.

* امامی

۶- از جمله مستحبات مکه معظمه، طواف کعبه است، در هر شبانه روز ده مرتبه، در اوّل شب سه طواف و در آخر شب سه طواف و پس از دخول صبح دو طواف (بعد از ظهر دو طواف)

* شافعی و حنفی

۶- در تمام اوقات شبانه روز طواف جایز است حتی در اوقاتی که نماز مکروه است، بجز وقت خطبه نماز جمعه و موقع اقامه

نماز جماعت که در این دو وقت طواف مکروه است.

ولی پس از احرام عمره، قبل از طواف و پس از احرام حج قبل از وقوف به عرفات و پس از بازگشت از منی، قبل از طواف زیارت احتیاط آن است که طواف مستحب به جا نیآورد.

* امامی

۷- عبارت شهیدین (قدس سرهما) در لمعه و شرح آن، این چنین است: وسنته (الطواف) الغسل

والرمل - بفتح المیم - وهو الاسراع فی المشی مع تقارب الخطیء، دون الوثوب والعدو ثلاثاً و هی الأولى والمشی أربعاً بقیه الطواف علی قول الشیخ فی المبسوط فی طواف القدم خاصه وإنما یستحب علی القول به للرجل الصحیح، دون المرأه والخنثی والعلیل، بشرط أن لا یؤذی غیره ولا یتأذی به. ۱

* شافعی و حنفی

۷- در طواف عمره و طواف حج، که بعد از آن باید سعی انجام بگیرد، سنت است که مردان در سه شوط اول رمل و در هر هفت شوط اضطباع کنند. البته در وقت نماز سنت آن است که اضطباع نکنند.

رمل، یعنی تکان دادن بازوها و قدم برداشتن همچون پهلوانان.

اضطباع، یعنی حوله احرام را زیر بغل راست عبور دهد و روی شانه چپ بگذارد، اما هنگام خواندن نمازها بغل را بپوشاند.

*** (۱)

نماز طواف

* امامی

۸- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

* شافعی و حنفی

۸- در فقه شافعی نماز طواف جزء سنت های حج و در فقه حنفی از واجبات حج می باشد.

* امامی

۹- واجب است این نماز نزد مقام باید ابراهیم واقع شود و احتیاط واجب آن است که پشت مقام به جا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود. و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه به طوری که

١- شرح لمعه، كتاب الحج: الفصل الرابع، فى اعمال العمرة.

* شافعی و حنفی ۹- نماز طواف دو رکعت است که آن را پشت مقام ابراهیم بخواند و در ایام حج چون ازدحام است و در مقام ابراهیم مشکل است در محاذی آن و یا در جای خلوت تری می تواند نماز طواف را بخواند. و اگر خلوت باشد در مقام ابراهیم بخواند.

*** حلق یا تقصیر

* امامی

۱۱- واجب است بعد از آن که سعی کرد، تقصیر کند، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است.

* شافعی و حنفی

۱۱- در عمره تمتع نیز مخیر است بین حلق و تقصیر.

* اعمال حج

احرام

* امامی

۱۲- وقت احرام حج موسع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد، می تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی تواند عقب بیندازد.

* شافعی و حنفی

۱۲- زمان احرام حج، روز هشتم ذی الحجه تا روز دهم است.

استقرار در منی

* امامی

۱۳- مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به طاعت الهی مشغول باشد. و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته، پس به عرفات روانه شود.

* شافعی و حنفی

۱۳- حجاج پس از احرام به سمت منی حرکت می کنند و سنت است که شب نهم را در منی بگذرانند و نماز ظهر، عصر مغرب و عشا و صبح روز نهم را در چادرها بخوانند. ماندن در منی سنت است. ۱

*** (۱)

وقوف در مشعرالحرام

* امامی

۱۴- احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به سر برد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

۱۵- چون صبح طلوع کرد، نیت وقوف به مشعرالحرام کند تا طلوع آفتاب.

* شافعی و حنفی

۱۴ و ۱۵- این وقوف چهارمین عمل از اعمال حج، وقت آن بعد از غروب آفتاب روز نهم است؛ به گونه ای که حجاج نماز مغرب در عرفات نمی خوانند بلکه پس از غروب از عرفات به سوی مزدلفه حرکت می کنند و در وقت عشا نماز مغرب و عشا را به طریق جمع و قصد ادا می کنند ...

* امامی

۱۶- مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگر چه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که برای رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند.

۱- شیعیان معمولاً عصر هشتم و یا صبح نهم ذی الحجه از مکه مکرمه به سوی عرفات حرکت می کنند و بسیاری از اهل سنت هم صبح روز نهم از مکه مستقیماً وارد عرفات می شوند.

* شافعی و حنفی

۱۶- تأخیر نماز مغرب به وقت عشا و جمع بین نماز مغرب و عشا در فقه شافعی سنت است ولی در فقه حنفی واجب است و لذا اگر شخصی حنفی نماز مغرب را در عرفات یا بین راه و در وقت مغرب بخواند باید آن را در وقت عشا در مزدلفه اعاده نماید.

*** امامی

۱۷- اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر تجاوز نکنند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

* شافعی و حنفی

۱۷- * طبق مذهب حنفی، اگر کسی قبل از طلوع فجر مزدلفه را ترک کند، بر او دم واجب می شود؛ چون وقت وقوف سنت را که قبل از طلوع فجر بوده، عمل کرده اما بعد از طلوع فجر که وقوف واجب است، آن را ترک نموده است.

* در مذهب شافعی، حضور کوتاه در مزدلفه بعد از نصف شب کافی است و اگر در نصف دوم شب در مزدلفه نباشد، با دم جبران می شود (وجوباً یا استحباباً علی اختلاف القول).

رمی جمره عقبه

* امامی

۱۸- وقت انداختن سنگ، از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می تواند به جا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد، احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

* شافعی و حنفی ۱۸- وقت زدن هفت سنگریزه در روز دهم از طلوع خورشید تا زوال آن است.

* اما در فقه حنفی به دلیل ازدحام می توان بعد از زوال تا غروب رمی کرد اما رمی بعد از غروب مکروه است. در فقه شافعی زدن سنگریزه در روز دهم لزوماً قبل از زوال است ولی برای افراد ضعیف و مریض بعد از غروب هم جایز است. * امامی

۱۹- واجب است در انداختن سنگ ها چند امر: ...

سوم آن که انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.

* شافعی و حنفی

۱۹- سنگریزه ها اگر به جمره نخورد ولی نزدیک آن داخل محوطه دیوار شده بیفتد ایرادی ندارد؛ چنانچه خارج از محدوده بیفتد ادا نمی شود، باید آن را اعاده کرد.

قربانی

* امامی

۲۰- باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.

- احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

* شافعی و حنفی

۲۰- پس از رمی جمره عقبه، ذبح گوسفند به عنوان دم شکر، که اصطلاحاً قربانی گفته می شود، واجب و تا سه روز انجام آن جایز است.

* امامی ۲۱* - به احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق. اگر بر خلاف این ترتیب عمل کند، پس اگر از روی غفلت و سهو بوده، اعاده لازم نیست و بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

* شافعی و حنفی

۲۱- در فقه حنفی تا قربانی را انجام نداده، حلق و قصر (که بعضی ناآگاهان انجام می دهند) صحیح نیست و حاجی نمی تواند با انجام آنها از احرام خارج شود اگر از روی جهل به مسئله بوده، اما در فقه شافعی اولاً: ترتیب فوق لازم نیست، ثانیاً: تحلل اول به رمی جمره عقبه و حلق یا قصر قبل از قربانی حاصل می شود.

*** حلق یا تقصیر

* امامی

۲۲- هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند، مگر چند طایفه:

اول- زن ها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند.

دوم- کسی که سال اول حج او باشد که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

* شافعی و حنفی

۲۲- واجب است حاجی از حلق یا تقصیر یکی را انجام دهد.

* امامی

۲۳- احتیاط آن است که حلق یا تقصیر در روز عید باشد، اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق.

* شافعی و حنفی

۲۳* - در فقه حنفی، حلق یا تقصیر پس از قربانی در روز دهم تا دوازدهم انجام گیرد.

* در فقه شافعی حلق مقید به روزهای خاص نیست و قابل تأخیر است.

* امامی ۲۴- محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن، منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر آن جا.

* شافعی و حنفی

۲۴- حلق سر در منی سنت است و در جاهای دیگر محدوده حرم جایز است، ولی خارج از محدوده حرم، طبق مذهب حنفی موجب دم است ولی در فقه شافعی اشکال ندارد.

* امامی

۲۵- زن ها باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.

در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از مو را چیدن، به هر نحو و با هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

* شافعی و حنفی

۲۵- طبق فقه حنفی خواهران به اندازه یک انگشت از یک چهارم موی سر را قصر کنند کافی است و از احرام بیرون آیند و طبق فقه شافعی کوتاه کردن حتی سه مو هم برای زنان مانند مردان کافی است.

طواف زیارت

* امامی

۲۶- جایز است، بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال، و جایز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم، و بعید نیست که جایز باشد تأخیر آن تا آخر ذی الحجّه؛ به این معنی که روز آخر ذی الحجّه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

* شافعی و حنفی

۲۶- بهترین وقت برای ادای این طواف، روز دهم ذی الحجّه است ولی اگر تا پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم نیز انجام گیرد، جایز است.

اگر کسی طواف زیارت را از غروب دوازدهم به تأخیر انداخت، طبق فقه حنفی، یک دم لازم می گردد، اما طبق فقه شافعی دم لازم نیست ولی تأخیر آن بعد از ایام التشریق مکروه است.

*** امامی

۲۷- جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی به جا آورد در حال اختیار.

* شافعی و حنفی

۲۷- سنت است که این طواف بعد از رمی به حلق یا تقصیر و قربانی انجام شود.

طبق مذهب حنفی، پیش از این سه عمل نیز می توان طواف زیارت به جا آورد، ولی در فقه شافعی این رخصت نیست و طواف زیارت حتماً باید بعد از اعمال فوق انجام شود.

*** امامی

۲۸- بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، به تفصیلی که گذشت، حلال می شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.

بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن ... حلال می شود بر او زن نیز.

* شافعی و حنفی

۲۸- بعد از انجام این طواف، از احرام خارج و کلیه محرمات، از جمله مباشرت با همسر که بعد از تحلل اول همچنان باقی بود بر حاجی حلال می گردد.

*** نماز طواف

* امامی

۲۹- اعمالی که در مکه واجب است به جا آورد:

اول طواف حج است که آن را طواف زیارت می گویند.

دوم نماز طواف است.

سوم

* شافعی و حنفی *

۲۹* - طبق مذهب حنفی، بعد از کلیه طواف ها خواندن نماز طواف واجب و بر اساس نظر فقهای مذهب شافعی سنت می باشد.

بیتوته در منی

* امامی

۳۰- واجب است بر حاجی که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند؛ یعنی در آن جا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

* شافعی و حنفی

۳۰- تمام حجاج شب یازدهم و دوازدهم از غروب آفتاب تا اذان صبح را با قصد قربت در منی می گذرانند.

بیتوته در منی در فقه شافعی واجب و در فقه حنفی سنت مؤکد است.

*** رمی جمرات سه گانه

* امامی

۳۱- وقت انداختن سنگ، از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است.

* شافعی و حنفی

۳۱- حاجی شبِ روز یازدهم و دوازدهم را در چادرها بگذرانند و در این دو روز بعد از زوال، وقت رمی جمرات است.

*** طواف وداع

* امامی

۳۲- برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید.

* شافعی و حنفی

۳۲- پس از پایان اعمال روز دوازدهم به مکه بر می گردند و قبل از خروج از مکه انجام طواف وداع واجب است.

خواهرانی که موقع وداع حیض داشته باشند می توانند از جلوی در مسجد وداع کنند و وارد نشوند و از بیرون کفایت می کند.

بی شک یکی از مسائلی که روحانیان معظم کاروان ها باید در جلسات آموزشی خود به زائران عزیز یاد آور شوند و آنان را نسبت به آن مسائل توجیه نمایند، اهمیت شرکت در نماز جماعت و کیفیت نماز با اهل سنت در مکه و مدینه است. از آن جهت که تفاوت های نماز آنان با نماز پیروان مکتب اهل بیت کمتر به صورت یکجا آورده شده، بر آن شدیم تا در این نوشته مختصری از آنها را همراه با روایات و فتاوی در خصوص اهمیت شرکت در نماز جماعت اهل سنت بیاوریم و در این بخش از دست نوشته های برخی از روحانیان محترم کاروان ها بهره جسته ایم که جا دارد از حضرت مستطاب حجه الاسلام جناب آقای علی مدبّر (اسلامی) تشکر کنیم.

* نماز در حجاز

۱- به فتوای امام (ره) و مراجع دیگر در مکه و مدینه، در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. (۱)

۲- تبیین فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و استناد به روایاتی مانند:

الف: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص): صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هُنَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَشْرَةَ آلَافَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ. (۲)

۱- نک-: مناسک محشی، ۱۳۱۵۲

۲- وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۵۳۶

ب: عن الامام الباقر (ع) صلاة في المسجد الحرام أفضل من مائة ألف صلاة في غيره من المساجد. (۱)

۳- بهتراست نماز فرادا را نیز در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) بخوانیم:

سئلته عن الرجل، يصلی فی جماعه فی منزله بمکه أفضل أو وحده فی المسجد الحرام؟ فقال: وحده. (۲)

۴- به فتوای مراجع، نماز با عامه فضیلت و ثواب دارد، حتی اگر نیاز به اعاده داشته باشد. عباراتی مانند:

من صَلَّى معهم فی الصف الأول کمن صَلَّى خلف رسول الله (ص)، (۳)

یا فإنَّ المصلی معهم فی الصف الأول كالشاهر سيفه فی سبیل الله. (۴)

یا روایت بسیار مهم زید شحام از امام صادق (ع) که در وافی، ج ۲، ص ۱۸۲ نقل شده قابل استناد است.

۵- به فتوای امام و مراجع دیگر وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آن جا خارج شوند و باید از جماعت تخلّف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. (۵)

۶- هنگام برگزاری نماز، از تجمع در کنار بقیع یا ایستادن در کنار

۱- ثواب الأعمال، ص ۱۲۷

۲- سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ أَوْ وَحْدَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَقَالَ: وَحْدَهُ، كَافِي، ج ۴، ص ۵۲۷

۳- من لا يحضر: باب الجماعة و وافی: ج ۲، ص ۱۸۲

۴- وافی: ج ۲، ص ۱۸۲

۵- نک-: مناسک محشی، م ۱۳۱۳

خیابان ها و مغازه ها و یا حرکت برخلاف جهت نماز گزارانی که به سوی مسجد می روند، جداً پرهیز کنیم. (۱)

۷- نماز خواندن در کنار بقیع و در داخل آن ممنوع است و نمازهای مستحبی، مانند نماز زیارت را می توانیم در حرم یا هتل بخوانیم. (۲)

۸- نماز تحیت (احترام) مسجد در فقه شافعی و حنبلی (مذهب رایج حجاز) مورد تأکید است. هنگام ورود به مسجد از آن غفلت نکنیم. (۳)

۹- هنگام برگزاری نماز جماعت از نماز فرادا جداً خودداری کنیم. (۴)

۱۰- به محض شنیدن قد قامت الصلاه برخیزیم و در صف جماعت بایستیم. (۵)

۱۱- پیش از نماز صبح دو اذان و یک اقامه گفته می شود. اولین اذان برای نماز شب است و حدود یک ساعت پیش از اذان صبح گفته می شود. اذان دوم نیز برای اعلام طلوع فجر و فرا رسیدن وقت نماز صبح است و بعد از حدود ۲۰ دقیقه. اقامه نیز پیش از شروع نماز گفته می شود. (۶)

۱۲- در همه نمازهای پنجگانه، میان اذان و اقامه چند دقیقه فاصله

۱- آزموده های شماره ۱ بخش تذکرات.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

- است تا نماز گزاران به مسجد برسند. کمترین فاصله بین اذان و اقامه نماز مغرب است که حدود ۵ الی ۷ دقیقه است. (۱)
- ۱۳- اهل سنت اهمیت فراوانی به منظم بودن صف های نماز جماعت می دهند. امام جماعت قبل از گفتن تکبیره الاحرام با جملات زیر نماز گزاران را به تسویه صفوف و منظم ایستادن در صفوف دعوت می کند: سووا صفوفکم، استوو، اتموا الصف الأول فالأول، سدوا الخلل و ... اگر در صف های جلو جای خالی وجود دارد، در صف بعد نایستید. (۲)
- ۱۴- اهل سنت اتصال صفوف را در مکان واحد مانند مسجد النبی (ص) یا مسجد الحرام لازم نمی دانند، ولی شیعیان سعی کنند جایی به نماز بایستند که اتصال برقرار باشد. (۳)
- ۱۵- بلافاصله پس از امام، تکبیرها الاحرام بگویید و وارد نماز شوید. (۴)
- ۱۶- در رفتن به رکوع و سجده و برخاستن از آن حتماً از امام تبعیت کنید و تأخیر محسوس نداشته باشید.
- ۱۷- از تکتف و تأمین (دست بسته نماز خواندن و گفتن آمین پس از حمد) خودداری کنید که به فتوای فقهای شیعه مبطل نماز است. پس از حمد مستحب است الحمد لله رب العالمین بگویید.
- ۱۸- اهل سنت بسم الله الرحمن الرحیم را جزو سوره نمی دانند و در صورتی که آن را قرائت کنند نیز آهسته قرائت می کنند.

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- آزموده های شماره ۱ بخش تذکرات.

۱۹- در نماز به طور معمول قنوت نمی خوانند ولی گاهی پس از رکوع به جا می آورند. توجه داشته باشید در این صورت پیش از امام به سجده نروید.

۲۰- سجده بر فرش بر اساس بسیاری از فتاوی فقها مجزی است. از هنگام ورود به فرودگاه جده تا بازگشت به آن، رعایت کنیم و از گذاشتن مهر یا کاغذ یا دستمال کاغذی خود داری کنیم ولی در جایی که اهل سنت تردد ندارند و نیز در هتل حتماً باید سجده بر چیزی باشد که بر اساس فقه شیعه سجده بر آن صحیح است.

۲۱- اهل سنت جلسه استراحت ندارند و پس از سجده بلافاصله بر می خیزند. شما جلسه استراحت را رعایت کنید ولی زیاد طول ندهید.

۲۲- بسیاری از مراجع نماز با اهل سنت را مجزی می دانند و نیاز به اعاده نیست و به فتوای برخی نیز مشروط به تلاوت اخفاتی حمد و سوره یا حدیث نفس آن است (آیه الله خوئی، تبریزی، سیستانی) و فقط آیه الله گلپایگانی مجزی نمی دانند و باید اعاده شود.

۲۳- در نماز جماعت، مأمومین باید ذکرهای رکوع، سجده، تشهد و تکبیرها و ... را اخفاتی بگویند.

۲۴- اهل سنت در رکعت سوم و چهارم همواره سوره حمد می خوانند ما نیز مخیر بین تسیحات اربعه و سوره حمد هستیم.

۲۵- اهل سنت تجافی ندارند، ما نیز به جهت تبعیت در جماعت آنان، تجافی نمی کنیم و به حال تشهد می نشینیم.

۲۶- پس از نماز، گفتنِ الله اکبر جزو نماز نیست بلکه اولین تعقیب نماز است. هنگام گفتن تکبیرات، دست ها را بالا نیاورید
یا

جملات تکبیر را کمی بلندتر بگویید تا بشنوند و برخی توهّمات آنان زدوده شود.

۲۷- در صورتی که نماز شکسته می خوانید دو نماز خود را با یک نماز اهل سنت اقتدا کنید و بین نماز به گونه ای عمل کنید که شکسته بودن نماز معلوم نشود (پس از تشهد رکعت دوم به سلام آخر اکتفا کنید و بدون برگرداندن رو از قبله بایستید و هنگام رفتن امام به رکوع تکبیره الاحرام نماز دوم را بگویید و به رکوع بروید).

۲۸- نماز خواندن پس از جماعت صبح تا بر آمدن آفتاب و پس از نماز عصر تا هنگام مغرب مورد نهی فقه حنبلی است، حتی المقدور از آن خود داری کنید.

۲۹- حتی المقدور در نماز جماعت عصر و عشاء اهل سنت نیز شرکت کنید.

۳۰- اگر پس از نمازهای واجب، نماز میت برگزار شد، حتی الامکان نماز میت را بخوانید. نماز میت در مذهب حنبلی چهار تکبیر دارد.

۳۱- نماز عصر حدود سه ساعت پس از نماز ظهر، و نماز عشا حدود یک ساعت پس از نماز مغرب برگزار می گردد.

۳۲- در نماز صبح روزهای جمعه امام غالباً پس از حمد آیات سجده دار قرآن را تلاوت می کند، باید هماهنگ با امام بین نماز سجده واجب را رعایت کنید.

۳۳- هنگام اذان و اقامه نمازها و نیز هنگام خطبه های نماز جمعه از گفت و گو با یکدیگر و نماز خواندن و تلاوت قرآن خودداری کنید.

۳۴- از محل سجده نماز گزاران عبور نکنید؛ زیرا برخی از اهل

سنت از این کار منع می کنند.

۳۵- در مسجد الحرام در مسیر طوافِ طواف کنندگان به نماز نایستید.

۳۶- در صورتی که پلیس حرم از نماز خواندن در نزدیک مقام ابراهیم منع کند، حتماً مراعات کنید.

۳۷- نماز طواف مستحبی در همه جای مسجدالحرام صحیح است، از خواندن نماز طواف مستحبی یا سایر نمازها در پشت مقام ابراهیم خودداری کنید و آن جا را برای کسانی که نماز طواف واجب دارند، خالی بگذارید.

۳۸- احکام مربوط به نماز استداره ایی در مسجدالحرام و اختلاف فتاوی مراجع را برای زائران تبیین کنید.

۳۹- محل ایستادن امام جماعت در مسجد الحرام:

صبح، مغرب و عشا: نزدیک مقام ابراهیم.

ظهر: زیر بالکن، مقابل حد فاصل بین رکن یمانی و رکن حَجْر.

عصر: بین حَجْر اسماعیل و درِ کعبه.

در نماز جمعه: نزدیک مقام ابراهیم.

هرگاه صفوف جماعت دور تا دور کعبه تشکیل شده باشد، امام جلو یا پشت مقام ابراهیم (ع) ایستاده، و اگر در صفوف شکاف وجود دارد مقابل شکاف است.

۴۰- حکم نماز قصر و اتمام در مکه و مدینه: مسافر می تواند در چهار مکان نماز را تمام بخواند (تخیر): مسجد النبی (ص)، مسجد الحرام، مسجد کوفه و حائر حسینی (ع).

تبیین اختلاف فتاوا:

* الف. برخی مراجع این تخییر را نمی پذیرند (شبییری زنجانی).

* ب. برخی تخییر را در محدوده مسجد قدیم می پذیرند (بهجت).

* ج. برخی در تمام بخش های مسجد می پذیرند (امام، اراکی).

* د. برخی آن را به محدوده مدینه و مکه قدیم توسعه می دهند (خوئی، تبریزی).

* ه. برخی آن را به همه شهر توسعه می دهند (خامنه ای، مکارم، فاضل لنکرانی، صافی، سیستانی، نوری همدانی، گلپایگانی، صانعی).

* برخی از تفاوت های نماز اهل سنت مکه

ومدینه بایروان مذهب اهل بیت (ع) (۱)

قرائت

* امامیه

۱- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

* اهل سنت

۱- پس از حمد هر مقدار که بتواند قرآن بخواند. (۲)

۱- برگرفته از رساله توضیح المسائل امام خمینی (قدس سره) و رساله تعلیم الصلاه عبدالله بن احمد بن علی الزید، هدیه وزاره الشؤون الاسلامیه و الاوقاف والدعوه و الارشاد بالملکه العربیه السعودیه.

۲- از آن جا که اهل سنت بسم الله را جزو سوره نمی دانند، اگر سوره ای خوانده شود لازم نیست بسم الله نیز خوانده شود.

ذکر رکوع

* امامیه

۲- انسان هر ذکر در رکوع بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** کمتر نباشد.

* اهل سنت

۲- پس از قرائت به رکوع می رود در حالی که می گوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** و دست ها را بر زانو می گذارد و می گوید: **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** و تکرار آن تا سه مرتبه یا بیشتر سنت است.

*** قیام پس از رکوع

* امامیه

۳- مستحب است بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید: **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**

* اهل سنت

۳- اگر نماز گزار منفرد یا امام جماعت است، هنگام برخاستن از رکوع می گوید: **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** و هنگامی که کاملاً ایستاد می گوید: **رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مِلْوَةٌ السَّمَوَاتِ وَمِلْءُ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْوَةٌ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ.**

ولی اگر نماز گزار مأوموم است، هنگام برخاستن از رکوع بگوید: **رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ** و پس از ایستادن آنچه ذکر شد بگوید.

*** ذکر سجده

* امامیه

۴- در سجده هر ذکر بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** را سه مرتبه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

* اهل سنت

۴- در حالی که به سجده می رود بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ و در سجده سه بار یا بیشتر بگوید: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى و هر چه خواست دعا بخواند.

تشهد و سلام

* امامیه

۵- در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند؛ یعنی بگوید: اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ و بعد از آن باید بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ و احوط استجابی آن است که * اهل سنت

۵- التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

اگر نمازی که می خواند دو رکعتی باشد، مثل نماز صبح و نماز جمعه، نشستن را طول دهد و بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، أَنْتَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى

رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ را اضافه نماید یا بگوید: السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

ابْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ اِبْرَاهِيمَ اَنْتَكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

سپس می گوید: اَللّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَ
سپس هر چه بخواهد دعا کند، و در پایان هر نماز رو به طرف راست کند و بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَعْدَ اَزْ اَنْ بَه
طرف چپ رو کند و بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ.

-استفتائاتی که در این بخش آمده، از مجموعه استفتائاتی که در فصلنامه میقات حج به چاپ رسیده، انتخاب شده است.

چند استفتاء

* پوشیدن دمپایی دوخته برای محرم چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد " آیات عظام: صافی، سیستانی، خامنه ای، مکارم، تبریزی "

جایز نیست " آیه الله فاضل لنکرانی "

* استفاده از بند دوخته ساعت مچی در حال احرام چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد " آیات عظام: خامنه ای، سیستانی، مکارم، تبریزی "

جایز نیست " آیه الله فاضل (بنابراحتیاط واجب)، آیت الله صافی "

* اگر در حال طواف نداند چند شوط به جا آورده، وظیفه اش چیست؟

طواف باطل است " آیات عظام "

* انجام یک عمره استحبابی به نیت خود و به نیابت تبرعی دیگران صحیح است یا نه؟

صحیح است " آیات عظام: تبریزی، سیستانی، فاضل، صافی، خامنه ای "

احتیاط آن است که آن را به نیت خود به جا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می خواهد به دیگران هدیه کند " آیه الله
مکارم "

* وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد " آیات عظام: فاضل، سیستانی، مکارم".

احتیاط مستحب ترک آن است " آیت الله صافی، آیت الله تبریزی".

تلبیه باید نزد اهل لسان صحیح باشد " آیت الله خامنه ای".

* گاهی امام جماعت اهل سنت در نماز، سوره سجده را می خواند و نماز گزاران در اثنای قرائت، به سجده می روند و بر می خیزند، تکلیف شیعیان چیست؟

بر فرض وجود تقیّه، تبعیت کنند و نماز صحیح است " آیات عظام: خامنه ای، فاضل، صافی".

در فرض وجود تقیّه، تبعیت کنند و نماز را اعاده کنند " آیت الله بهجت، آیت الله مکارم و آیت الله سیستانی - احتیاطاً نماز را اعاده کنند -".

در فرض استماع، باید ایماء سجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است " آیت الله تبریزی".

* خواب بودن کودک در حال سعی یا خواب رفتن بخشی از آن چه حکمی دارد؟

سعی در حال خواب برای کودک نیز صحیح نیست " آیات عظام: سیستانی، خامنه ای، صافی".

اگر در ابتدای سعی نیت کرده و در اثنا خواب رفته، اشکال ندارد " آیت الله مکارم".

بنابر احتیاط واجب به خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته به نیت اتمام ما نقص من سعیه اعاده کند.

* کسی که در فاصله کمتر از یک ماه که عمره مفرده انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکه دارد آیا می تواند بدون احرام از میقات بگذرد و عمره مفرده ای نیز به جا نیاورد؟

اگر در همان ماه قمری که عمره مفرده انجام داده، به مکه بر می گردد، احرام مجدد لازم نیست " آیات عظام: تبریزی، فاضل، سیستانی، صافی گلپایگانی ".

* آیا نجاست معفو در نماز، در طواف نیز معفو است.

به احتیاط واجب معفو نیست " آیات عظام: سیستانی، فاضل تبریزی، صافی ".

* پوشش دختر بچه در حال طواف چه اندازه است؟

بنابر احتیاط به همان مقداری که برای زنان لازم است " آیات عظام: مکارم شیرازی، سیستانی، تبریزی، خامنه ای ".

همان مقداری که برای زنان لازم است " آیت الله فاضل ".

پوشاندن سر و گردن لازم نیست " آیت الله صافی ".

* آیا هنگام شرکت در نماز جماعت حرمین شریفین اتصال صفوف لازم است یا نه؟

همان طور که آنها نماز را صحیح می دانند کفایت می کند " آیت الله خامنه ای ".

چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستان ها بودند، همان جا اقتدا کنند و صحیح است هر چند اتصال برقرار نباشد، ولی

اختیاراً و با وسعت وقت آن جایی که اتصال برقرار نیست نروند " آیت الله فاضل ".

در مورد بانوان که آنها را گاهی به جایی که اتصال برقرار باشد راه نمی دهند اشکالی ندارد، ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصال صفوف را رعایت کنند لازم است " آیت الله مکارم " .

اقتدا به آنها صوری است و باید قرائت را خودش و لو آهسته بخواند و اگر آهسته هم نمی تواند بخواند حدیث نفس کند " آیت الله تبریزی " .

مراعات آنچه را خود آنها شرط می دانند بنمایند و در هر صورت نماز را اعاده کنند علی الأحوط " آیت الله بهجت " .

به همان نحو که آنها نماز می خوانند، می توانند بخوانند ولی باید قرائتش را آهسته و اگر نمی شود مخفیانه بخواند " آیت الله سیستانی " .

بافرض عدم وجود تقیّه، نماز خود را اعاده نماید " آیت الله صافی " .

* خوردن نعنا و سایر سبزی های خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟

بنابر احتیاط جایز نیست " آیت الله فاضل، آیت الله صافی " .

مانعی ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که آن را نبوید " آیت الله تبریزی " .

جایز است ولی به احتیاط واجب در وقت خوردن، از بوییدن آنها خودداری نماید " آیت الله سیستانی " .

* آوردن خاک و ریگ و سنگ از عرفات و مشعرالحرام، منی، صفا و مروه و منطقه حرم چه حکمی دارد؟

جایز است ولی از مسجد الحرام و مسجد خیف و سایر مساجد جایز نیست " آیت الله تبریزی " .

از صفا و مروه جایز نیست و از غیر آن دو مانعی ندارد " آیت الله

فاضل."

اشکال ندارد "آیت الله سیستانی".

بنابر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود "آیت الله صافی".

* شخصی، کودکی را در بغل گرفته و طواف می دهد، آیا باید شانه چپ کودک نیز به طرف کعبه باشد؟

لازم نیست "آیت الله تبریزی".

بنابر احتیاط لازم است "آیت الله صافی".

لازم است "آیت الله فاضل و آیت الله سیستانی".

* آیا طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف لازم است؟

لازم است "آیت الله صافی، آیت الله فاضل"

لازم نیست "آیت الله سیستانی".

بنابر احتیاط لازم است "آیت الله تبریزی".

جلد ۳

اشاره

آزموده ها (۳) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در عمره

آشنایی با این شماره

اشاره

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): لَمَقَامٍ أَحَدِكُمْ فِي الدُّنْيَا يَتَكَلَّمُ بِحَقِّ يَرِدُ بِهِ بَاطِلًا أَوْ يَنْصُرُ بِهِ حَقًّا أَفْضَلُ مِنْ هِجْرَةِ مَعِي. (۱)

در دوران ما، بانوان و جوانان، بخش مهمی از زائران خانه خدا را تشکیل می دهند و تاکنون در باره مطالب ویژه آنان، کمتر سخن به میان آمده است؛ زیرا عزیزان روحانی، مطالب خود را برای عموم در نظر می گیرند و این دو گروه نیازهای خاص خویش را دارند که باید مورد توجه و دقت قرار گیرد.

به خصوص که جوانان سرمایه های آینده این مرز و بوم هستند و پربارسازی معنویت در وجود آنان، به نوعی بیمه ساختن فردای جامعه اسلامی است.

از سوی دیگر، بانوان نیز مادران با کفایتی هستند که در تربیت صحیح فرزندان، نقش فوق العاده مهمی دارند و جای بسی خوشحالی است که آنان اشتیاق زیادی به آموختن و عمل کردن به دستورات اسلامی و مناسک دارند.

این دو نکته مهم ایجاب می کند که برای کاروان های دانشجویی و یا کاروان هایی که تعداد جوانان در آنها چشمگیر است جلسات ویژه بانوان و جوانان در کاروان ها تشکیل گردد و در حدّ فهم و نیازشان با آنان سخن گفته شود.

عمره نامه، آزموده ها، در این شماره با این نگرش نکاتی را تقدیم مخاطبان خویش کرده است. امید است مورد استفاده برادران قرار گیرد و باتذکرات دقیق خود، این مجموعه را، که جهت عمره تهیه می شود، پربارتر نمایند.

بدیهی است مطالب این شماره، ادامه آزموده ه ی شماره ۱ و ۲ است و انتظار می رود روحانیون محترم، هر ۳ شماره، بهویژه تا صفحه ۹۰ شماره ۱ را کاملاً ملاحظه نمایند.

در پایان، از زحمات برادران گرامی، حضرات حجج اسلام آقایان: مقدادی نواب و رضوانی که ما را در تهیه این مجموعه یاری کردند، قدردانی و تشکر می کنیم.

امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری

آموزش

معاونت امور روحانیان بعثه مقام معظم رهبری در راستای وظایف خود و بر حسب تجربیات مفیدی که طی سالیان متمادی از طریق شما عزیزان کسب کرده، برای سهولت بیشتر، استفاده بهتر و برگزاری سفری پُربار و ارزشمند نکاتی را که در انجام صحیح عمره مفید و لازم است در محورهای ذیل تقدیم می دارد:

الف: توصیه های معاونت امور روحانیون.

ب: مسائل آموزشی و احکام مناسک.

ج: اسرار و معارف حج.

د: آشنایی با تاریخ و اماکن.

ه-: مسائل اخلاقی و تربیتی.

و: مسائل سیاسی و اجتماعی.

بدون شک توجه به نکات فوق و به کار بستن مواردی که به آنها اشاره خواهد شد، در عملکرد عزیزان روحانی و در ارزیابی گزینش آنان مؤثر خواهد بود.

الف. توصیه های معاونت امور روحانیون

۱. التزام به سیاست های بعثه مقام معظم رهبری و دستورالعمل های ابلاغی.
۲. رعایت شئون روحانیت در کلیه مراحل سفر.
۳. حضور با لباس روحانیت در مسجدالنبی و مسجدالحرام.
۴. اجتناب از پذیرفتن نیابت غیر تبرعی در نماز طواف و موارد مشابه آن.
۵. خودداری از واسطه شدن در گرفتن امضا و تاییدیه برای مدیران و خدمه کاروان.
۶. پرهیز از مواضع تهمت.
۷. حفظ و تقویت نشاط جسمی و روحی در طول سفر.
۸. انعکاس پیشنهادهای عملی در جهت رشد و بهینه سازی برنامه ها.
۹. شرکت بموقع، در جلسات بعثه، همراه با زائران در جلسات عمومی و دعای کمیل و غیره.
۱۰. گزارش بموقع عملکرد و تکمیل فرم های لازم هنگام ورود به کشور عربستان.
۱۱. همکاری با رابطین روحانیون و پاسخ به سؤالات آنان.
۱۲. پرداخت وجوه شرعی و نذورات به بخش مربوطه در بعثه.
۱۳. کوشش در جهت تحکیم اساس اعتقادات زائران.

۱۴. همکاری با مدیر و مطلع ساختن او در جهت پیش بینی نیازهای فرهنگی.

۱۵. پرهیز از اعمال نظر شخصی، تک روی، و مقابله با مدیر وزائران.

۱۶. تلاش در کاهش مشکلات کاروان و تنش های زائران.

۱۷. ایجاد جو محبت، دوستی و خیرخواهی در بین اعضای کاروان وزائران.

ب. مسائل آموزشی و احکام

۱. تشکیل حداقل دو جلسه توجیهی و آموزشی برای زائران قبل از سفر.

۲. برنامه ریزی قبلی برای تقسیم وقت جلسه به بیان: احکام، اسرار و معارف، تاریخ، مسائل اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی.

۳. رعایت اختصار و گویا بودن مطالب و متناسب بودن آن با حال زائران.

۴. طبقه بندی زائران و انتخاب بهترین شیوه آموزشی مناسب برای آنان.

۵. رعایت زمان بندی در جلسات و حضور بموقع در آن.

۶. اصلاح قرائت، تلبیه و رسیدگی به حساب سال زائران.

۷. پاسخ صحیح به سؤالات دینی و رسیدگی به امور معنوی زائران.

۸. نظارت، کنترل و حصول اطمینان از انجام اعمال زائران.

۹. هماهنگی با روحانیون سایر کاروان های محل استقرار

جهت ارائه خدمات فرهنگی.

۱۰. معرفی کتاب های مناسب برای مطالعه به زائران جهت بالابردن سطح علمی آنان.

۱۱. آموزش ساده احکامی که در صحت مناسک لازم و مؤثر است.

۱۲. بیان مسائل شرعی مطابق فتوای حضرت امام خمینی (ره) و پاسخ به سؤالات زائران برابر فتوای مرجع تقلید خودشان.

۱۳. پرهیز از بیان مسائل نگران کننده و هول آفرین.

۱۴. تشکیل جلسات اختصاصی برای بانوان و توجیه آنان نسبت به احرام از مسجد شجره و مشکلات معذورین، مسئله نذر و موارد دیگر.

۱۵. پرهیز از نقل موارد اختلافی و اقوال غیر مشهور.

۱۶. نظارت و کسب اطمینان از احرام زائران، و همراهی و راهنمایی آنان در طول انجام اعمال واجب.

۱۷. نظارت بر انجام مناسک سالمندان و معذورین در انتخاب راه آسان برای آنان.

۱۸. با پایان گرفتن اعمال و به سر آمدن سفر و همزمان با ترک شهرهای مدینه و مکه برنامه ریزی برای زیارت و طواف وداع.

ج. اسرار و معارف حج

از آن جایی که روحانی قبل از انجام سفر و در طول سفر همواره با زائر در ارتباط است و این سفر یکی از بهترین و با

اهمیت ترین خاطرات برای او خواهد بود، برای معرفی بهتر و بهره برداری صحیح تر از این سفر بجاست که از آغاز سفر با برنامه ریزی حساب شده اسرار و معارف حج را در فرصت های مناسب به صورتی زیبا و شیرین به گونه ای بیان کنیم که در اعماق وجود او مؤثر افتد. مهم ترین محورهایی که می توان در مورد آن بحث کرد عبارتند از:

۱. بیان اهمیت حج و عمره.

۲. سابقه تاریخی تأسیس خانه کعبه.

۳. داستان زندگی حضرت ابراهیم خلیل.

۴. اشاره ای به توکل و ایثار حضرت هاجر و فرزندش اسماعیل.

۵. اشاره به فلسفه و اسرار مناسک حج و نقش سازنده آن.

د. آشنایی با تاریخ و اماکن

به خاطر استفاده بهتر از اطلاعات تاریخی، توصیه می کنیم عزیزان روحانی قبل از سفر برای این بخش حداقل یک کتاب را مورد مطالعه قرار دهند و در صورت امکان از جاهای لازم آن یادداشتی همراه خود داشته باشند، تا هنگام زیارت اماکن مورد بهره برداری قرار دهند و در مورد سؤالات احتمالی زائران از قبل جواب داشته باشند. به خصوص در مواردی که کمتر مورد توجه قرار می گیرد، مانند شهدای فح، بدر، ربذه، خیبر، غدیر و امثال آنها.

مهم ترین محورهایی که در مورد تاریخ و اماکن توصیه می شود:

۱. معرفی اجمالی شبه جزیره عربستان از نظر جغرافیایی و اطلاعاتی کلی در مورد آثار و اماکن اسلامی مکه و مدینه.
۲. توضیح کامل پیرامون اماکن زیارتی پیش از موعد مقرر زیارت محل های مزبور.
۳. شرکت در آموزش ویژه اماکن و آثار اسلامی در مکه و مدینه.
۴. انتخاب وقت مناسب با توجه به شرایط زائران برای زیارت و دیدار از اماکن تاریخی.
۵. توصیه به نوشتن خاطرات و یادداشت مطالب مهم در طول سفر.
۶. حتی الامکان توجه و توضیح برای زائران پیرامون اماکن مکه و مدینه از روی نقشه.
۷. معرفی و زیارت قبور بزرگان و اولیای خدا در قبرستان بقیع برای بانوان از راهروهای شمالی بقیع و روبه قبله.
۸. زیارت بزرگان در قبرستان ابوطالب برای آقایان از پشت پنجره ها و در داخل قبرستان.
۹. در منطقه احد به خاطر جلوگیری از ازدحام و استفاده همگان از فضاهای جلوی قبور شهدا، ابتدا در کنار اتوبوس ها توضیح لازم درباره شهدای احد برای زائران داده شود، و خواندن زیارت نامه در جلوی قبرستان.
۱۰. ذکر شهدای فخر و اشاره به بدر، ربذه، خیبر و غدیر در حد امکان و در اوقات مناسب.
۱۱. توجه بانوان نسبت به اماکن داخل مسجدالنبی (ص)

جهت استفاده هنگام تشریف.

۱۲. تشریف دسته جمعی همراه با زائران در هفته اول جهت زیارت و آشنایی با آثار اسلامی به جای مانده از صدر اسلام و شرکت در نماز جماعت.

ه- مسائل اخلاقی و تربیتی

در سفر حج، بر خلاف عمره، به خاطر کثرت جمعیت، زمان کوتاه انجام اعمال و ناتوان بودن اغلب زائران از یک طرف و از سوی دیگر اعمال طاقت فرسای عرفات، مشعر و منی گاهی شرایطی ایجاد می شود که عموماً به تنش و درگیری در کاروان می انجامد و همه ساله شاهد آن هستیم. این مسئله در بین افراد مُسِن و ناتوان و عصبی بیشتر ملاحظه می شود. روحانی موفق در این موارد با آمادگی قبلی می تواند در برقراری آرامش و رفع مشکلات حرف اول را بزند. در این جا به مهم ترین نکاتی که رعایت آنها می تواند از آغاز سفر زمینه این گونه حرکات منفی را خنثی کند اشاره می کنیم:

۱. حسن معاشرت با زائران در طول سفر.

۲. احترام قائل شدن برای کلیه زائران و عدم تبعیض میان آنان در روابط و برخوردها.

۳. بردباری کردن در برخورد با مشکلات به خصوص هنگام تندی کردن افراد ناتوان و عصبی.

۴. رعایت نظم و انضباط در انجام وظایف.

۵. حضور مرتب در جلسات.

۶. برخورد عاطفی و متواضعانه با زائران.

۷. همراهی با زائران هنگام صرف غذا.
۸. سرکشی به زائران و پاسخگویی به سؤالات ایشان.
۹. ایجاد آرامش در همسفران و رفع نگرانی از آنان.
۱۰. رعایت آداب معاشرت به ویژه هنگام صرف غذا.
۱۱. پرهیز از برخورد تحقیرآمیز با زائران.
۱۲. چشم پوشی از خطاهای زائران و تذکر پنهانی به آنان.
۱۳. سعی در اصلاح ناهنجاری های اخلاقی زائران.

و. مسائل سیاسی و اجتماعی

۱. معرفی کشور عربستان از نظر اداره سیاسی و حکومت.
۲. اشاره به پیشینه تاریخی آن، موقعیت روحانیون و علما و کیفیت اداره مملکت.
۳. روابط کشور ایران و عربستان و موقعیت کلی کشور عربستان در بین کشورهای اسلامی.
۴. معرفی کوتاهی از مذهب در آن کشور.
۵. پرهیز از بیان مسائل اختلاف برانگیز.
۶. تبیین دیدگاه های امام راحل پیرامون حج ابراهیمی و حرمین شریفین.
۷. تبیین نظرات امام راحل و مقام معظم رهبری درباره وحدت مسلمین جهان.

پیش بینی های لازم

۱. تشکیل جلسات توجیهی کاروان در ایران و توصیه های لازم تا قبل از رسیدن به مدینه، بدیهی است غفلت از بیان

تذکرات مربوط به این مقطع برای زائران به ویژه افرادی که اولین سفر تشریف آنهاست دلهره و اضطراب به همراه دارد.

۲. شناسایی روحی روانی زائران و پیش بینی نیازهای آنان در جهت حسن انجام اعمال و ارتقای معنوی و بهره مندی از اعمال.

۳. سازماندهی زائران در گروه های پانزده نفره و استفاده از افراد تحصیل کرده.

۴. به بانوان توصیه شود از پارچه های نازک جهت لباس احرام و چادر استفاده نکنند و لباس ها گشاد دوخته شود.

۵. بانوان نسبت به دوره عادت ماهانه توجه داشته باشند و پیش بینی لازم را به عمل آورند.

۶. در فرودگاه و هنگام پرواز وضعیت نمازهای زائران و در فرودگاه های عربستان، تذکرات مربوط به نکات لازم در نظر گرفته شود.

۷. نوار کاست و فیلم ویدیویی در اختیار رانندگان مسیرهای جده به مدینه و مدینه به مکه، که از طریق بعثه فراهم شده قرار داده شده است پیگیری شود تا از آنها استفاده گردد.

۸. شناسایی وضعیت تقلیدی زائران و بیان احکام و مناسک به نحوی که با فتوای عموم مراجع سازگار باشد و موارد غیرقابل هماهنگی جداگانه به زائران مربوط تذکر داده شود این امر در مسجد شجره و سایر موارد به نحوی که به حالت معنوی احرام لطمه نزنند به زائران تذکر داده شود.

۹. جهت رفتن به زیارت و بازدید از اماکن اسلامی در شهرهای مکه و مدینه از قبل نسبت به تهیه صورت مورد نیاز، آب و آبمیوه و ... از مدیر کاروان استفسار نمایید.

۱۰. اگر صبح ها بین الحرمین در مدینه تراکم جمعیت باشد با هماهنگی زائران می توان از فاصله بین نماز مغرب و عشا و پس از شام استفاده کرد.

مدیریت در بحران

نفس مسافرت همیشه با مشکلاتی روبه رو بوده است که گذشته از فواید سفر بعضی سختی های آن را طاقت فرسا دانسته اند، به ویژه مسافرت جمعی و در کشورهای دیگری که افراد مجبور هستند وظایف دینی آمیخته با سرنوشتشان را در آن جا رقم زنند. حال اگر در طول چنین سفری مشکلی برای کاروان و یا یکی از همسفران پیش آید، این روحانی و مدیر است که باید با هماهنگی و تدبیر لازم کاروان را هدایت و از نگرانی و دلهره نجات دهند و روحانی باید آمادگی های لازم در این راستا داشته باشد، مثلاً:

۱. پیش بینی آن که اگر در کاروان فردی گم شد و هر چه تحقیق کردند او را پیدا نکردند.
۲. اگر در کاروان برخورد فیزیکی بین اعضای کاروان و یا اتباع سایر کشورها به وجود آمد.
۳. اگر در مسیرهای بین شهری اتوبوس ها دچار حادثه ای شدند و زائران اضطراب پیدا کردند.

۴. اگر اتوبوس ها به موقع نیامدند و یا به موقع به مقصد نرسیدند و یا هتل مطلوب زائران نبود.

۵. اگر برای اعضای کاروان حادثه ای ناگوار رخ داد.

۶. اگر مدیر توانایی اداره کاروان را به هر دلیل از دست داد.

۷. اگر در بین زائران افراد ناتوان از اعمال وجود دارد و هیچ کمک و همراهی ندارند.

و ده ها مورد دیگر که می تواند خود به خود در داخل کاروان روحانی را با بحران روبه رو سازد که اگر روحانی آمادگی قبلی برای هر کدام از این حوادث داشته باشد و راه کار آن را در نظر بگیرد سریع تصمیم گیری شده و همه زائران به راحتی از این سختی ها خواهند گذشت.

آزموده ها ؛ ج ۳ ؛ ص ۱۴

به سوی مسجدالحرام

۱. از انتقال زائرانی که دیر به مکه وارد شده اند به مسجدالحرام از یک ساعت به اذان صبح پرهیز شود و استفاده فرصت از بعد از نماز صبح.

۲. کاروان هایی که امکان انجام نماز طواف خلف مقام را ندارند می توانند برای طواف واجب زائران را توجیه کنند که قصد طواف مستحبی کنند و طواف واجب را پس از نماز صبح انجام دهند. این اقدام از چرت زدن و یا نماز طواف واجب را در محل غیرخلف مقام به جا آوردن جلوگیری می کند و عملاً زائر نسبت به محل نماز طواف واجب و غیرواجب توجیه می شود.

۳. قبل از ورود به مسجدالحرام نسبت به وضو داشتن همه زائران استفسار شود.

۴. در هنگام طواف و یا سعی از قرائت ادعیه با صدای بلند پرهیز شود و از زائران نیز خواسته شود حالت دعا را حفظ کنند از سرگروه ها می توان در حفظ هماهنگی در انجام طواف و سعی و قرائت ادعیه کمک گرفت.

۵. آخرین سؤال های زائران را قبل از ورود به مسجدالحرام با محبت تمام به زائران خانه خدا و میهمانان الهی پاسخ بگویید.

۶. توصیه شود وسایل و کفش های خود را در محل مناسبی که به این امر اختصاص یافته قرار داده و از همراه داشتن کفش ها در مطاف و سعی و در هنگام انجام عبادت پرهیز کرده تا ضمن عدم زحمت برای دیگران فارغ البال به عبادت پردازیم.

۷. حتی المقدور مسائل مبتلا به زائران را از مناسک به صورت فیش در اختیار داشته باشیم تا در صورت لزوم سهل الوصول تر باشد.

چه کنیم زائران قبل از نماز عشا حرمین را ترک نکنند؟

یکی از حرکات غیرقابل توجیه برای اهل سنت بازگشت جمعی زائران ایرانی از مسجدالحرام و مسجد النبی قبل از نماز عشا است چون مسلمانان سایر کشورها از فرصت بین نماز مغرب و عشا جهت شرکت و برگزاری نماز جماعت

عشا استفاده می کنند و این فاصله را با عرض ارادتی در مدینه و طوافی در مکه پر می کنند امّا درست زمان خروجشان با حرکت گروهی و دسته جمعی زائران سایر کشورهای اسلامی به سوی این مسجد روبه رو می شوند.

و با توجه به شناخته شدن زائران ایرانی برای عموم مسلمانان این اقدام هیچ توجیهی ندارد.

روحانیون محترم کاروان ها بیشترین اثر را در جهت حل این عمل وهن آمیز می توانند داشته باشند که از جمله اقداماتشان می تواند.

۱. جلسات داخل هتل ها را (به ویژه هتل هایی که جای مناسبی برای جلسات ندارند) و در فرصت بین نماز مغرب و عشا در طبقه فوقانی مسجدالحرام و در فضای جلوی مسجدالنبی برگزار نمایند.

۲. تبلیغ جهت ثواب ختم قرآن و استفاده از این فرصت جهت تشکیل حوزه های ختم قرآن و مسجدین.

۳. بیان فضیلت نماز جماعت و انجام نماز به جماعت در حرمین شریفین.

۴. نمازهای قضا شده را در این فرصت انجام دهند.

۵. توجیه زائران در این که فرصت بین الصلاتین را جهت خرید انتخاب نکنند.

۶. استفاده از نظر زائران در انتخاب یکی از گزینه ها برای امور فوق.

۷. همکاری و حضور مدیران کاروان در رفت و برگشت

۸. پرداختن به طواف در مکه و زیارت در مدینه هر شب به یاد یکی از کسانی که مورد نظر زائران هستند از معصومین علیه السلام، مراجع عظام تقلید، علما و صلحا، دوستان و بستگان و نزدیکان.

۹. تبیین مسئله شماره ۱۳۱۳ مناسک محشی و بیان نظر مراجع عظام تقلید در این راستا.

نماز در مطاف

جمعی از زائران به گمان این که امام جماعت چسبیده به کعبه نماز را برگزار می کند و یا این که در حال طواف نماز جماعت برگزار گردیده، در محدوده مطاف به نماز جماعت می ایستند که عموماً جز در نماز عصر و در ایام خلوتی شهر مقدس مکه، امام جماعت صبح ها و مغرب و عشا با فاصله چند متر پشت مقام ابراهیم علیه السلام و در نماز ظهر در سکوی مقام حنبلی مقابل دیوار رکن یمانی و حَجْر الاسود به نماز می ایستند و مقدم شدن بر امام در جماعت موجب بطلان نماز می گردد. بنابراین لازم است زائران را نسبت به محل ایستادن امام جماعت و نکات ذیل توجیه کرد:

۱. اگر صف های بسته شده در اطراف خود کعبه به صورت کامل بسته شده است، امام جماعت در نزدیک ترین نقطه به کعبه به نماز ایستاده است ولی اگر در قسمتی از اطراف کعبه کسی به نماز نایستاده امام جماعت در مقابل همان قسمت و

مقداری عقب تر به نماز ایستاده است.

۲. در ماه مبارک رمضان در کلیه مواردی که باران می بارد هم در نمازهای تراویح و هم در نمازهای تهجد امام جماعت در مقام حنبلی به نماز می ایستد.

۳. نماز آیات نیز اگر مربوط به خورشید گرفتگی است در مقام حنبلی برگزار می شود.

۴. زائران توجیه شوند که قبل از نماز جماعت به گونه ای وارد مطاف شوند که اطمینان داشته باشند تا شروع نماز، مطاف را ترک خواهند کرد و نماز جماعت را در خلف امام جماعت و به صورت استداره برگزار می کنند.

۵. فاصله بین اذان و اقامه نماز را برای زائران توجیه و به آنها توصیه نماییم که بین اذان صبح و اقامه آن حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه و بین اذان و اقامه نماز ظهر حدود ۲۰ دقیقه و اذان و اقامه نماز عصر ۱۵ دقیقه و اذان و اقامه نماز مغرب ۷ دقیقه و اذان و اقامه نماز عشا نیز حدود ۷ دقیقه فاصله قرار می دهند.

جدول فاصله بین اذان و اقامه نمازهای یومیه

نماز همدت فاصله نماز صبح

صبح ۳۰ دقیقه تا روشن شدن هوا به طوری که افراد از نزدیک یکدیگر را ببینند

ظهر ۲۵ دقیقه جهت انجام نوافل

عصر ۱۵ دقیقه جهت انجام نوافل

مغرب ۷ دقیقه جهت انجام نوافل

عشا ۷ دقیقه جهت انجام نوافل

لذت و آرامش در عبادت

در گذشته موارد زیادی از زائران به‌ویژه بانوان دیده شده که به علت خوف از عدم انجام اعمال عمره و یا حج گرفتار اضطراب شده‌اند و با ناهنجاری‌های روحی روانی و یا عدم بهره‌مندی از عبادات و آرزوی دیرینه روبه‌رو گشته‌اند. بدیهی است این اضطراب از نوع خوف امام صادق علیه السلام و یا سایر معصومین علیهم السلام هنگام احرام نیست، زیرا معصومین علیه السلام به خاطر ارتباط معنوی و روحی و دانشی که دارند به فلسفه و عمق و ژرفای احرام، طواف و سعی واقفند (انما یخشی الله من عباده العلماء) ولی اضطراب بعضی از زائران در خوف از ناتوانی‌ها و وسوسه شیطانی است تا کام جان زائر را از لذت عبادت محروم سازد. از این رو لازم است روحانیون محرم کاروان‌ها زائران را توجیه کرده و دلهره زدایی نمایند، که:

۱. یادآوری دعوت الهی از آنان و این که مورد توجه صاحب بیت هستند.

۲. توجیه ساده بودن اعمال و توانایی داشتن انجام آن برای همه و در عین حال دقیق بودن که قصد قربت و انجام صحیح آن پذیرفته خواهد شد.

۳. تشکیل جلسات آموزشی هم در ایران و هم در مدینه و شناسایی افراد عصبی و افسرده داخل کاروان و ایجاد پویایی و نشاط در آنان.

۴. افرادی که سابقه تشرف داشته‌اند به صورت تمرینی

مُحَرِّم شوند و به دور ماکت طواف کنند.

۵. نیت های اعمال به صورت ساده و این که هر کاری بدون نیت امکان انجام ندارد و همه افراد هر کاری می کنند از روی نیت است توضیح داده شود و جهت گیری مهم نیست، بلکه قصد قربت را مورد توجه قرار دهند و در صورت امکان نوشته ای از نیت ها در اختیار افراد قرار دهند و از بیان احتیاطهای سخت پرهیز شود.

و احتیاطهای واجب نیز به فتاوا رجوع داده شود.

۶. توجیه این که امکان جبران همه اعمال در صورت باطل بودن وجود دارد ولی افراد سعی کنند اعمال را به صورت صحیح انجام دهند تا نیاز به جبران نباشد.

۷. چک کردن مورد به مورد اعمال، روحیه توانایی را در زائران افزایش می دهد از این حالت نباید غافل شد.

۸. جهت توجیه زائران از قسمت سکوه های اطراف مسجدالحرام و قبل از ورود به طواف، طواف سایر زائران را در صورت امکان ملاحظه کنید.

۹. روحانی با آرامش بخشیدن و پرهیز از بیان های غلط و دشوار و انتخاب زمان مناسب برای انجام طواف و سعی زائران را به مسجدالحرام گسیل دارد.

۱۰. از بیان فتواهای مختلف مراجع عظام در جمع پرهیز کرده حتی المقدور نظری که جامع فتاوا باشد بیان گردد.

۱۱. الفت و اعتمادسازی روحانی در بین زائران و این که روحانی در تمام مراحل انجام اعمال و پس از آن در

خدمت شماسست.

۱۲. همراه بودن با سایر زائران در ایجاد آرامش و صحت اعمال مؤثر است، در صورت عقب افتادن برخی از اعمال بدون دلهره بقیه اعمال را انجام داده خود را به روحانی برسانید و اعمال انجام گرفته را به اطلاع وی برسانید.

احرام لذت و آرامش در عبادت

۱۳. از سپردن افراد مضطرب به افرادی که سابقه تشرف و تدبیر لازم را دارند غفلت نکنیم و حتی المقدور اعمال را پس از سازماندهی کاروان به انجام برسانیم.

۱۴. از انجام اعمال در هنگام خستگی و عدم نشاط زائر و یا تنگی وقت پرهیز شود.

۱۵. برنامه های زیارتی در مکه به صورت کامل و مکتوب در اختیار زائران قرار گیرد.

ویژگی های روحانی تأثیرگذار

در سفر زیارتی عمره و حج زائران انتظاراتی از روحانی دارند که از هیچ فرد دیگر در داخل کاروان ندارند و گاه سال ها دعاگوی روحانی و یا خدای نکرده گرفتار بدگویی او خواهند گردید. بدیهی است اگر روحانی با عملکرد و بی دقتی خویش زمینه بدگویی زائران را فراهم آورد در گناه آن شریک خواهد بود و از طرف دیگر عملکرد مثبت روحانی و قدردانی زائران نوعی حمد و سپاس از خالق هستی است که الحمد کله لله و

روحانی در پاداش الهی بر سنت گذاران نیکی و پاکی سهم خواهد بود. ویژگی هایی که روحانی را تأثیرگذار می کند عبارت است از:

۱. روحانی خود عامل و مصداق کونوا دعاه للناس بغير السنتمکم باشد و مشفقانه و دلسوزانه برخورد کند.
۲. روحانی به مستحب ها به گونه ای که به کار زائران لطمه ای وارد نیابد عمل کند.
۳. انجام اعمال مخلصانه باشد و هیچ نوع چشمداشت زمینی بر انجام این عمل ارزشمند آسمانی نداشته باشد.
۴. پیش بینی و تهیه مطالب مناسب زائران و اخلاقیات سفر در اماکن و مزارات.
۵. پرهیز از اقوال ضعیف و بیان مطالب متقن و محکم با مطالعه و بیان منابع.
۶. بیدار ساختن احساسات زائران نسبت به تربیت خدایسند فرزندان و گرامیداشت یاد پدران و مادران و حقداران.
۷. ایجاد ارتباط صمیمانه با مردم، در عین حفظ متانت و وقار.
۸. از محدودیت های سفر و اعمال عمره و یا حج، به شیوه های تربیتی و اخلاقی آن استفاده کند.
۹. دعاها و زیارتنامه ها را حتی المقدور به صورت کوتاه و کلی، قبل از قرائت ترجمه کند، تا زائران متوجه محتوای دعا و یا زیارتنامه باشند.

۱۰. از دعاهای صحیفه سجادیه با رعایت مناسبت و مناجات علی (علیه السلام) در مسجد کوفه استفاده کند.

۱۱. نسبت به روانشناسی کاروان و شناخت روحیات کاروان اقدام کرده باشد، و وضعیت عمومی و علائم حیاتی کاروان را در طول سفر در اختیار داشته باشد. نسبت به رفع کاستی‌ها و تقویت توانایی‌ها اقدام کند.

۱۲. از سخنرانی‌های متداول و کلیشه‌ای پرهیز کند؛ و در صورتی که کسانی در کاروان نکات جالبی دارند، از آنها بخواهد که یا خود و روحانی نکات جالب آنان را به اطلاع عموم رسانند، و روحانی آن نکات را تکمیل و با بیانی ساده آثار تربیتی آن را استفاده کند.

۱۳. در مدینه از سوژه‌های مدینه، غزوات و فداکاری‌ها و معصومین (علیهم‌السلام) استفاده کند، و در مکه از مطالب توحیدی و پرهیز از شرک در اعمال و مقاومت‌های پیامبر گرامی اسلام و یاران اندکشان و فتح مکه و فداکاری‌های همسر و عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بحث شود.

۱۴. از مشارکت مردم در زمان برگزاری جلسات و محل آن بهره بگیرد.

۱۵. سازماندهی کاروان جهت سامانبخشی به امور عبادی زائران، و استفاده بهینه از افراد توانمند معرفی کاروان.

۱۶. بهره‌گیری از همه فرصت‌ها، حتی مسیرهای بین شهری و بازدید اماکن و تقسیم وقت خود با زائران همه اتوبوس‌ها.

۱۷. در آخر جلسات هر روز، موضوع صحبت دو روز بعد را بیان، و از زائران خواسته شود در جلسه بعد نظراتشان را ارائه دهند.

۱۸. از وسایل کمک آموزشی جهت تصحیح قرائت و توجیه اعمال کمک بگیرد.

۱۹. بیدار کردن افراد هنگام سحرها، جهت حضور در مسجدالنبی (ص) و مسجدالحرام.

۲۰. تهیه و اهدای جوایز در مسابقات داخل کاروان.

۲۱. بیان بایدها و نبایدهای عربستان، و توجیه کامل زائرنسبت به روحیات، عبادات مسائل اجتماعی اقتصادی در عربستان.

۲۲. روحانی فعالیت های تبلیغی خود را در طول سال، جهت انجام سفر تبلیغی عمره و یا حجی موفق، برنامه ریزی کند. در این راستا می تواند از مباحثات سه نفره ای با سایر روحانیون کاروان ها و به صورت ماهانه نسبت به مناسک، اسرار تازه های اماکن و ... بهره برد.

۲۳. تکریم افرادی که بر اساس روایات و آیات، لازم است که مورد احترام قرار گیرند، مثل: دانشمندان، ایثارگران و خانواده شهدا ...

با جوانان کاروان

اشاره

روحیه جوانان و جستجوگری آنان ضرورت توجه ویژه به آنان را در مباحث عمومی و اقناعشان نسبت به

پرسش ها و نیازهای فرهنگی شان را به همراه دارد، که نیاز است در مقابل آنان نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. برنامه اردویی ویژه آنان در نظر گرفته شود و جداگانه در مدینه قبا و احد، و در مکه غارهای ثور و حرا و عمره مجدد در نظر گرفته شود.
۲. نسبت به تبیین تاریخ اسلام و وقایع و حوادث صدر اسلام در حرمین شریفین توجه بیشتری شود.
۳. نسبت به آداب تشرف و حرمت حرم و معصومین و معرفت لازم، بحث استدلالی و عاطفی انجام گیرد.
۴. برنامه ویژه پُر کردن اوقات فراغت جوانان مثل: حفظ حدیث، قرآن، ختم قرآن و ... در نظر گرفته شود.
۵. دقت در اعمال و گفتوگوها، و ندادن سوژه به دست افرادی که معمولاً از دید تیزبین آنان چیزی مخفی نمی ماند، و الگو شدن در اعمال برای آنان.
۶. با شخصیت دادن به جوانان، در همکاری های مورد نیاز عموم، جوانان مشارکت داده شوند و ضمن واگذاری مسئولیت به آنها تقدیر و تشکر در همان موقع یا پس از انجام کار در نزد عموم بر روحیه تعاون آنان بیفزایید و عیوب کارشان را در تنهایی به آنها گوشزد نمایید.
۷. وضعیت عمومی جوانان به ویژه در این روزگار، به گونه ای است، که چندان احساس نیاز به روحانی ندارند، و این روحانی است که با اقبال و ایجاد ارتباط و احترام، باید آنان

را جذب نماید تا از روحانی بهره برند.

۸. جوان، پُرشور، احساساتی و در عین حال دارای زمینه شیرخوردن و بدبین شدن می باشد. این وظیفه روحانی است که در تعدیل احساسات، با منطق، تواضع و آرامی، ولی متین و محکم معارف الهی را به وی برساند.

۹. جوانان از امر و نهی گریزان هستند. بجاست روحانی معارف را مستدلاً بیان کند، و اجازه دهد جوانان، خود انتخاب کننده باشند، ولی کمی و یا کاستی اندیشه آنان را برطرف کند؛ و به نحوی با آنان صمیمی شود که جوان، گم شده خود را روحانی ببیند.

۱۰. به صورت غیرمستقیم در لزوم ایجاد ارتباط با جوانان پس از سفر نیز برنامه ریزی شود، و در جمع جوانان کاروان پس از سفر نیز حضور یابید.

۱۱. نظم و انضباط، نظافت، آراستگی و حضور به موقع و با مطالعه در جلسات و پاسخ به سؤالات حاضرین و یا فرضی موجب دلگرمی جوانان و جذب آنها به جلسات خواهد بود.

۱۲. جلسات، کوتاه و متنوع، و با رعایت اقتضای جلسه و حال شوندهگان و نیاز آنان باشد.

۱۳. برخی از جوانان، متهور، جسور و بی اعتنا هستند. روحانی نباید از برخورد نامناسب آنان دلگیر شود، چون به دنبال هدف مقدس اصلاح آنان است، و طیب نباید از بی توجهی های بیمار ناراحت گردد.

۱۴. در صورت امکان اهدای کتاب های مورد نیاز جوانان به آنها در سفر و یا پس از سفر.

شکی نیست که اسلام و مبلغان مسلمان توجه ویژه ای نسبت به قشر جوان و آینده سازان جامعه دارند.

فراگیری و درک جوانان با هیچ گروهی از گروه های جامعه، قابل مقایسه نیست.

امام صادق (علیه السلام) به احول توصیه می کند که:

عَلَيْكُمْ بِالْأَخْدَانِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ. (۱)

حضرت علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. (۲)

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) بر آموزش این دسته تأکید بسیار داشته و در مورد جوانی که از فراگیری و آموختن، سرباز می زد، راه تأدیب پیش می گرفتند. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

اگر جوان شیعه ای را که در مسیر تفقه و یادگیری گام

۱- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶؛ کافی، ج ۸، ص ۹۳

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۸

بر نمی دارد، به حضورم بیاورند، ادب می کنم. (۱)

در این سخن امام باقر (علیه السلام) نکاتی نهفته است:

۱- انتظار حضرت از جوانان شیعه، تنها آموختن نیست، بلکه فهمیدن و با تمام وجود پذیرفتن است که این از کلمه لایتنفقه به دست می آید.

۲- جامعه ای که پیرو امامان است، باید فرهیخته و دارای شناخت باشد تا دارای بصیرت بوده، از مسیر حق - در دوران شبهه - منحرف نگردد و لازمه آن، توجیه و بیدار کردن افراد غافل است و برای غفلت زدایی، تنها راه تأدیب است. تأدیب به معنای عام، که برای بیدارسازی و به راه حق رساندن افراد و مانند امر به معروف است، مراحل مختلفی دارد.

با توجه به روایاتی که پیش تر آوردیم، باید گفت امروزه حضور جوانان در سرزمین وحی، فرصتی است استثنایی برای راهنمایان و مبلغان دین، که خداوند در فضای سراسر معنوی حج و عمره، در اختیار آنان قرار داده است. بنابر این، با اتکال به خداوند، باید نسبت به تأدیب و تخلّق آنان با روش های حسنه اقدام کرد و از این امر غافل نبود، که جوان امروز کاروان، کارگزار و خادم فردای نظام اسلامی است.

جوانی گلبرگ پاکی

اولین گام، فراروی جوان حاضر در سرزمین وحی، نگاه به گذشته عمر و توبه از گناهان است، تا لطافت پاکی و صفای

۱- لو أتیت بشاب من شباب الشیعه لا یتفقّه لأدبته؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۴

روح او پایه محکم و محافظ از توفان های شهوات و مادیات در فردای جامعه گردد.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ. (۱)

همان گونه که خداوند پیکارگران دفاع مقدس را دوست می دارد، جوان پارسا و تائب را نیز دوست دارد و این اولین گام حضور در مآدبه و حرم الهی است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ ... اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْبَسِ كِشْوَةَ الصِّدْقِ وَ الصِّفَا وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ ... (۲)

توبه باید خالص باشد، گرچه پشیمانی از گذشته و گناهان، خود آغاز توبه و چرخش به سوی ولی نعمت است، لیکن توبه کننده، باید تصمیم به ترک گناهان و جبران گذشته نیز داشته باشد که در آیه کریمه فرمود:

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ... (۳)

پیامبر رحمت، خود در هر روز ده ها بار استغفار می کردند.

امام صادق (علیه السلام) از توبه به جبل الهی و وسیله جلب عنایت خداوندی یاد می کند و می فرماید:

۱- کنز العمال، خ ۱۰۱۸۵

۲- مصباح الشریعه، باب ۲۲، حج.

۳- هود: ۳

وَلَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ مُدَاوَمَةِ التَّوْبَةِ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (۱)

توبه و هجرت از زشتی ها، برترین و با ارزش ترین هجرت هاست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

أَشْرَفُ الْهَجْرَةِ أَنْ تَهْجَرَ السَّيِّئَاتِ. (۲)

جوان و روحیه تعاون و همگرایی

در سفر زیارتی عمره و حج، بیش از هر سفر جمعی دیگر، نیاز به روحیه تعاون و همگرایی، که از اصول صفات اخلاقی است، احساس می شود؛ زیرا این سفر، سیاحت نیست، مناسک است. درس است و رسیدن. در این مسیر توان های مختلف و روحیات متفاوت یکجا گرد آمده اند. آنچه این پراکندگی ها را هماهنگ و پرتوان می کند، روحیه تعاون و همگرایی است.

در این میان، از جوان که دارای توانایی جسمی و صفای روحی بالایی است، انتظار می رود که بیش از دیگران در این مدرسه معنوی به افراد آسیب پذیر کاروان توجه داشته باشد و از خداوند توفیق چنین کاری را طلب کند.

امام صادق (علیه السلام) به زائران این سفر معنوی توصیه می کند که:

وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَ رَاحَتِكَ وَ أَصْحَابِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ شَبَابِكَ وَ مَالِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَصِيرُوا لَكَ عَدُوًّا وَ وَبَالَ. (۳)

۱- مصباح الشریعه، باب ۷۹، توبه.

۲- کنز العمال: ح ۶۵.

۳- مصباح الشریعه، باب ۲۲ حج.

چون این سفر، سفرِ الی الله است، باید تکیه گاه انسان خدا و هدف کسب رضایت او باشد. اعتماد به غیر خداوند موجب خسران و ندامت می گردد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ أَعْيَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً وَأَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمِّ وَنَفْسَ كُرْبَةِ الْعَظِيمِ يَوْمَ يَتَشَاغَلُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ. (۱)

حال اگر این مسافر و زائرِ خانه خدا فرد ناتوانی باشد، بر این پاداش افزوده می شود.

باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که خداوند دو پیامبر عظیم الشان خلیل الله و ذبیح الله را مأمور خدمتگزاری و پاکسازی حرم و خانه خود، برای زائران نمود که:

... أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲)

جوان و جوانمردی در سفر

روحیه جوانمردی از هر کسی بهویژه جوانان پسندیده و شایسته است و ابراز این روحیه در سفر، زیباتر است.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) جوانمردی در سفر را نشاط، خوش خلقی، فراوانی توشه و پذیرایی از همراهان و نیز پرهیز از افشای اسرار همسفران می دانند. (۳)

۱- تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۹، ح ۱۵۱۷۶

۲- بقره: ۱۲۵

۳- تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۳، حدیث ۱۵۱۸۴

عموم انسان ها در سفر، نگران بوده و آرامش روحی و روانی درستی ندارند، بهویژه اگر مقصدشان جایی است که پیش تر به آنجا مسافرت نکرده باشند. در چنین سفرهایی، جوانمردی آن است که با نشاط و خوش برخوردی، همسفران را از افکار و اندیشه های دلهره آور به دور سازد و با پذیرایی از توشه خود روحیه صفا و یکرنگی و محبت را حاکم کند و از نقل مشکلات و اسرار آنان پس از سفر، پرهیز کند و نیکویی ها و خوبی های همسفران را باز گوید و از این که توفیق چنین مسافرتی روزی او شده، خداوند را شکر کند و سپاس گوید و مراتب علاقه مندی خود نسبت به آنان را نقل کند (۱) که این امور موجب تحکیم محبت و خاطره های نیکو خواهد بود و از آنچه موجب تحقیر و اذیت همسفران می شود پرهیزد. (۲)

علی (علیه السلام) کسانی را که شیوه برخوردشان به گونه ای است که همسفر خود را مجبور به کنار آمدن با خود می کنند، نمی پسندد، (۳) و محبت و ملامت با افراد آسیب پذیر را موجب نزول رحمت خداوند می داند (۴) و رحمت خداوند محیط بر همه چیز است.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۴

۲- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۶۶

۳- غرر الحکم: ج ۲، ص ۱۳۵.

۴- غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۰

جوان و پرهیز از واگرایی

روح لطیف جوان، در برابر هر نسیمی، واکنشی از خود نشان می دهد و اگر ریشه سرو اندیشه او پایدار نباشد، در برابر هجوم افکار و اندیشه های فرهنگی بیگانه، تاب مقاومت ندارد و این همان نکته مهمی است که امامان بر آن تأکید داشتند و می فرمودند:

بَادِرُوا أَخْدَاتِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ. (۱)

در سرزمین وحی، گاهی نشانه هایی از حرکت تهاجم فرهنگی به چشم می خورد که به دنبال شکار جوانان شیعه هستند و با ایجاد شبهه و تردید در مسائل اعتقادی، می کوشند آنان را از عقیده و باور حقشان دور سازند.

این موارد و نمونه ها، مسئولیت راهبران فرهنگی کاروان را در حفظ تقویت بنیه دینی و اعتقادی جوانان بیشتر می کند. بنابراین، لازم است از این فرصت ها، در کشف نیازهای واقعی جوانان و پاسخگویی به پرسش های آنان استفاده درست و بهینه شود.

یکی از مظاهر واگرایی بعضی از زائران، رفتار و نحوه پوشش در حرمین شریفین است. این مورد، گرچه در حد اهمیت مسائل اعتقادی نیست لیکن می تواند گویای نوعی علاقه مندی و یا پذیرفتن تفکر یا تقلید از سلوک دیگران باشد

و از مسائل بسیار ظریف، نوع برخورد با این گرایش هاست و باید به گونه ای برخورد شود که خود فرد راه صحیح را انتخاب کند و از گرایش به رفتار دیگران فاصله بگیرد.

این در حالی است که رهبران دین پیروان خود را توجیه می کردند که از خود نقطه ضعفی نشان ندهند.

ابو خالد کنانی گوید: در راه، به امام کاظم (علیه السلام) رسیدم در حالی که ماهی در دست داشتم. امام (علیه السلام) فرمود: دور بینداز، خوش ندارم انسان ارزشمندی چیز بی ارزشی را حمل کند. آن گاه فرمود: شما دشمنان زیادی دارید که به دنبال دشمنی هستند. ای شیعیان، هر قدر می توانید در آراستگی خویش بکوشید. (۱)

جوان و الگوهای پایدار

با گام نهادن در سرزمین وحی، خاطره های جوانان رشید و فداکار و از خود گذشته اسلام زنده می شود؛ همانها که در تاریکی های ظلمت جاهلی درخشیدند و جهانی را با روشنایی خویش، منور ساختند. آنان همگی رسوایی بت پرستی را با تمام وجود دیدند و به اسلام گرویدند!

دوران جوانی پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) برای همگان الگوست؛ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... (۲)

۱- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۴

۲- احزاب: ۲۱

نوجوانی و جوانی علی (علیه السلام) و حضور در خدمت پیامبر در پاکی، شهامت، ایثار و ... اسوه است. او در ده سالگی، در غار حرا در خدمت پیامبر شاهد نزول وحی و بعثت آن حضرت بود (۱) و در طول ۱۳ سال مکه، هر روز فداکاری جدیدی را ورق می زد و در ۲۳ سالگی در هجرت پیامبر نقش کلیدی و مؤثر داشت تا پیامبر با جان سالم از مکه به مدینه هجرت کردند و همانند پدری با محبت دختر پیامبر را با احترام به مدینه آورد که پیامبر در قبا وقتی خبر آمدن او را شنید، خوشحال شد. وی را در آغوش گرفت و آن گاه که پاهای مجروح او را دید، قطرات اشک چشمان مبارکش رادر بر گرفت. (۲)

بیست و سه سال از عمر علی (علیه السلام) که در عصر رسالت پیامبر گرامی اسلام بود، همراه با فداکاری های بسیار بود؛ یعنی از ده سالگی تا سیوسه سالگی. این دوران از عمر او - که نوجوانی و جوانی عمر انسان محسوب می شود - سرشار از ایثار، فداکاری، شجاعت، عبودیت و پرستش خداوند در صحنه های مختلف است و تمام رفتار علوی، الگو و اسوه تمام آزاد مردان جهان است بلکه رفتار آن حضرت برای امامان دیگر نیز مورد توجه و اعتنا بوده است.

۱- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

۲- فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۰۵، به نقل از تاریخ کامل، ج ۲، ص ۷۵

مکه و مدینه کانون الگوهای ارزشمند جهان اسلام است و شایسته است روحانی کاروان با رعایت حال جوانان کاروان، درس هایی از زندگی الگوهای صدر اسلام بیان کند.

جوانان و توصیه پیامبر (صلی الله علیه وآله)

در میان سخنان پیامبر گرامی اسلام، توصیه های فراوانی است به جوانان و آینده سازان و ما به جهت اختصار، تنها این حدیث را که سرآمد همه سخنان است - می آوریم:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. (۱)

بدیهی است قلبی که محبت پیامبر و اهل بیت او را در خود جای دهد و زبانی که به کلام خداوند آراسته شود، در بحران های تهاجم فرهنگی و کشاکش جاذبه های فریبنده مکاتب و گرایش های فکری، از صراط مستقیم الهی منحرف نمی گردد و این همان سفارش همیشگی نبی رحمت است که فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ. (۲)

و سرزمین وحی، بهترین کلاس برای آموزش دوستی و حبّ پیامبر و اهل بیت ایثارگر او و کتاب خداوند است.

۱- کنز العمال، خ ۴۵۴۰۹

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۴

از امام صادق روایت شده است: هر کس در مکه قرآن را ختم کند، قبل از مرگ توفیق زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را خواهد یافت. [\(۱\)](#)

در گذشته های نه چندان دور، اقوام مختلفی با زنان برخورد ناشایست و ناعادلانه ای داشته اند. گاهی آنان را شهروند درجه دو و گاهی حتی در ردیف بعضی از حیوانات می شمردند، ولی اسلام عزیز، عزّت و جایگاه زنان را آن گونه که باید تعریف کرد و در جای جای قرآن به این حقیقت اشاره دارد و حتی در مورد اراده الهی در خلقت مریم وقتی مادر او اظهار می دارد: ... رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ ... خطاب می رسد: ... وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ... (۱)

علامه طباطبایی (رحمه الله) می گوید: مشاهده و تجربه، به از یک نوع بودن زن و مرد، در تمام آثار، داوری می کند و اختلاف، در قوّت و ضعف بعضی از آثار مشترک است. بنابراین، کسب کمالات نوعی و معنوی برای آنان یکسان است؛ از جمله ایمان و اطاعت پروردگار.

و بهترین نمونه، آیات قرآن و کلام خداست که:

أَنْتِ لَأَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ (۱)

آنچه از دیدگاه امت های گذشته آمده است، که: عمل بانوان در نزد خدا پذیرفته نیست و یا در یونان او را پلیدی شیطان می دانستند و در روم وی را صاحب نفس مجرد، مانند مرد نمی دانستند و در فرانسه در سال ۵۸۶ میلادی تصویب کردند که زن انسانی فقط در خدمت مرد است و در انگلیس در قرن گذشته، زن را در اجتماع به حساب نمی آوردند و ... (۲) درست در مقابل دیدگاه اسلام است.

بیهقی آورده است که: اسماء بنت یزید انصاری به محضر پیامبر در جمع اصحاب رسید و گفت:

پدر و مادرم به فدایت، من سخنگوی بانوان هستم و همه بانوان نیز چنین عقیده دارند، خداوند تو را برای هدایت مردان و زنان فرستاد، ما به تو و خدایت ایمان آوردیم ولی ما جامعه بانوان، در تنگنا و ناتوانی به سر می بریم، باید در منزل باشیم و پاسخگوی نیازهای جنسی مردان و پرورش دهنده فرزندان آنان، و جامعه مردان بر ما فضیلت و برتری دارند؛ با حضور در نمازهای جمعه و جماعات و عیادت بیماران و تشییع مردگان و انجام چند حج و از همه مهم تر جهاد در راه خدا. اما ما باید از اموال مردان، آن گاه که به حج و یا عمره و یا اردوگاه می روند، حفاظت کنیم و لباس تهیه کرده، فرزندان را تربیت کنیم. ای پیامبر گرامی، آیا ما در پاداش شریک مردان هستیم!؟

در این هنگام، پیامبر با تمام رخ، روی به اصحاب کرد و

۲.

۱- آل عمران: ۱۹۵

۲- المیزان: ج ۲، ص ۲۶۰-۲۷۸.

فرمود: آیا تاکنون درخواستی از امور دینی، به این زیبایی شنیده بودید؟

اصحاب گفتند: ما گمان نمی کردیم که زنی، به این اندازه از رشد فکری برسد!

آن گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رو به وی کرد و فرمود: ای خانم! باز گرد و به بانوان اعلام کن که نیکو شوهرداری شما و کسب رضایت و همراهی در جهت انجام وظایف شوهر، پاداشی همانند پاداش او را دارد.

زن با خوشحالی تهلیل و تکبیر گویان از نزد پیامبر باز گشت. (۱)

علامه طباطبایی (رحمه الله) در تبیین حدیث اسماء بنت یزیدمی نویسد:

با تأمل در این روایت نکاتی چند استفاده می شود:

امکان حضور بانوان به خدمت پیامبر و صحبت با ایشان درباره مسائل دینی و عرضه کردن مشکلاتشان.

شیوه مورد انتظار اسلام از بانوان، اداره خانه و تربیت فرزند است که تأثیر مستقیم در اصلاح جامعه و حاکمیت اخلاق دارد.

اسلام زن را از جهاد بازداشت، همان گونه که از قضاوت و رهبری منع کرد.

اسلام راه کسب فضیلت و عنایات الهی برای بانوان را سد نکرد و از پاداشی که برای مجاهدان راه خدا قرار داد،

همانند آن را برای بانوان نیز در نظر گرفت. (۱)

در هر حال، ظرفیت‌ها متفاوت است و هر یک از زن و مرد نسبت به امری از امور اداره جامعه انسانی، موفق‌تر است و نوع خلقت، صفات و خصلت‌های او با انجام آن شایسته‌تر است.

بانوان و آموزش ۱- بانوان به فراگیری علاقه‌مندترند

در گذشته و حال، بانوان ثابت کرده‌اند که اگر از فراگیری محروم نشوند و زمینه‌های آموزش فراهم شود، در آموختن و فراگیری و تعلیم، گاهی از مردان نیز کوشاترند.

ابی سعید خدری می‌گوید: بانویی خدمت پیامبر رسید و گفت: ای رسول خدا، مردان به راهنمایی‌های شما عمل می‌کنند. روزی رانیز جهت تعلیم معارف الهی برای بانوان قرار دهید. پیامبر دو روز را در دو محل برای آموزش بانوان اختصاص دادند که بانوان اجتماع کردند و پیامبر در جمع آنان حضور یافت و به آنان معارف الهی را آموخت. (۲)

پس باید موانع آموزش و توجیه صحیح، از سر راه زنان با ایمان برداشته شود تا گام انسان کامل، در کسب تعالی، لنگان نگردد و در رسیدن به اهداف خویش ممانعت زنان را پیش رو نداشته باشد، بلکه با شکل‌گیری شخصیت واقعی دینی بانوان

۱- المیزان، ج ۴، ص ۳۷۳ به بعد، با اختصار.

۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۹۷، به نقل از ترغیب، ج ۳، ص ۷۶، و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶۱

با تمام قوا، افق نورانی عبودیت را ببینند.

در روایات اسلامی آمده است که از میان یاران حضرت ولی عصر عَج در برپایی حکومت جهانی آن حضرت، پنجاه نفر زن حضور دارند که در مکه در خدمت آن امام گرد خواهند آمد. (۱)

چه زیباست که روحانیان کاروان، راهنمایی سربازی از سربازان ولی عصر - ارواحنا فداه - را بر عهده گیرند.

۲- انتقال معارف به جامعه

نقش تربیتی بانوان در جامعه، نقش ممتازی است و تأثیر پذیری کودک از مادر، بیش از پدر است و برای همین است که اسلام به نقش مادران در تربیت فرزند، بیش از پدران بها داده است.

بنابراین، توجه به مسائل معنوی بانوان و رشد اخلاق و تقویت اعتقاد و باور آنان، در نحوه سلوک و تربیت فرزندان آنان نیز مؤثر است.

اهمیت این مسئله به قدری است که وقتی پیامبر هنگام موعظه احساس می کردند صدایشان به بانوان حاضر در جلسه نمی رسد، بلافاصله در جمع آنان حاضر می شدند و گفتار خود را تکرار می کردند. (۲)

بانوان با انگیزه، در آموختن و به کار بستن اوامر پیامبر، گاهی به صورت فردی نیز به محضر پیامبر می رسیدند و بی

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳

۲- جهود المرآه، ص ۷۷

آن که حیا مانع آنان شود، مسائل خود را از پیامبر می پرسیدند.

سخن معروف عایشه در مورد زنان انصار: نِعْمَ النِّسَاءُ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ لَمْ يَكُنْ يَمْنَعُهُنَّ الْحَيَاءُ أَنْ يَتَفَقَّهْنَ فِي الدِّينِ (۱) در همین رابطه است.

بانوان، محدودیت ها و ناتوانی ها

خداوند ظرفیت هر یک از زن و مرد را به اندازه و برای انجام امری از امور قرار داده است و عموم بانوان توانایی های مردان را ندارند. زودتر خسته می شوند. کمتر می کوشند و بر خلاف مردان، زور بازو و سرعت در تصمیم گیری ندارند. افزون بر اینها، محدودیت های دیگر- خاص خودشان- نیز دارند که هر یک در سفر مشکلاتی را به همراه دارد:

۱- دلهره در انجام اعمال

بیشتر بانوان، به دلیل گفت و گو با بانوان زائر سال های قبل در کشور، یا سخن از سختی اعمال توسط روحانی، از توفیق انجام صحیح اعمال دلهره دارند و نداشتن آرامش توانایی ها را نیز به ناتوانی تبدیل می کند و مناسک عمره و یا حج را با مشکل روبه رو می سازد و گاه موجب به هم خوردن عادت ماهانه و حیض زودرس می گردد. از این رو، لازم است روحانی در اولین جلسه، بانوان را به اهمیت سفر و توانایی همگان در انجام مناسک و دقت در خلوص نیت متوجه سازد

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۳

و با مطالب آرامش بخش، فروغ امید و نشاط در ادای مناسک را در وجود آنان روشن کند.

۲- دوری از فرزندان

بانوانی که کمتر از کودک خود جدا شده و پیوسته با آنان بوده اند، به ویژه آنان که فرزند کوچک دارند، فکرشان آزاد نیست و همواره در فکر کودک خود هستند و این حالت تأثیر منفی در یادگیری احکام و مناسک عمره و حج دارد. مناسب است روحانی با استفاده از سیره بزرگان دین، این گونه افراد را توجیه کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

الْحُبَّاجُ وَالْعَمَّارُ وَفَدَّ اللَّهُ يُعْطِيهِمْ مَا سَأَلُوا وَ يَسْتَجِيبُ دُعَاءَهُمْ وَ يَخْلُفُ نَفَقَاتِهِمْ. (۱)

۳- خجالت و تهیه سوغاتی

بانوان بیش از مردان گرفتار خجالت و تهیه سوغاتند و آن را در مواردی بر انجام بعضی از اعمال و یا زیارات مقدم می دارند؛ به خصوص اگر با خصلت چشم و همچشمی نیز همراه گردد؛ در حالی که بسیاری از اجناس داخل ایران و عربستان به یک قیمت قابل دستیابی است و تهیه سوغات مورد نظر روایات، به عنوان جزئی از اجزای سفراست و نباید این سفر معنوی را فدای این جزء کوچک کرد که موجب ندامت و پشیمانی خواهد شد.

۱- الحج فی الكتاب و السنه، ص ۲۹۱ به نقل از المستدرک: ج ۲، ص ۸.

۴- گرایش های خرافی

بعضی از بانوان، به دلیل صفای روحی و آگاهی کم مذهبی، آنچه می شنوند بدون بررسی و مطالعه، باور می کنند و گاهی بدون سؤال از روحانی، بدان عمل می کنند. پس لازم است روحانی کاروان تذکر دهد که آنان تنها به گفته ها و راهنمایی های روحانی عمل کنند تا از تکروی و کارهایی که افراد را انگشت نما می کند پرهیز گردد.

۵- ترس از بیماری یا گرما

جمعی از بانوان، به دلیل ترس از پیش آمدن عادت ماهیانه، از قرص استفاده می کنند و چون سابقه استفاده از قرص را ندارند، عوارض به هم خوردن دوره عادت و شک در تشخیص حیض و استحاضه را به دنبال دارد که این نکته باید پیش از سفر به خوبی توضیح داده شود، و یا افرادی به خاطر ترس از گرما و گرمادگی لباس های احرام خود را از پارچه های نازک تهیه می کنند که وقتی عرق می کنند حالت پوشش لباس بسیار کم می شود و گاهی حالت بسیار زننده ای پیش می آید.

این یَذْهَبْنَ وَنَحْنُ الی این ذاهبون؟

در سفر زیارتی حج، به ویژه عمره، رفتار بانوان جهان اسلام برای بسیاری از بانوان ایرانی الگو می شود. زنان ایرانی برای این که از قافله به ظاهر متمدن آنان عقب نمانند و خود نمایی کرده باشند، شیوه رفتاری آنان را انتخاب می کنند و از

رفتار فاطمی و زینبی خویش فاصله می گیرند، دیده شده است که:

- ۱- در صد مورد توجهی، جوراب نمی پوشند و مانند بسیاری از بانوان اهل سنت، با دمپایی و بدون جوراب تردد می کنند.
 - ۲- حجاب خود را رها کرده، در حالی که چادر (گلداز و یا مشکی) به سر دارند خود را حفظ نمی کنند.
 - ۳- جهت حفظ درهم و دینار خود با فروشندگان عرب که گاهی قیمت جنس را بالا می گویند تا التماس بانوان ایرانی را شاهد باشند، چانه می زنند.
 - ۴- در سالن غذا خوری و یا هتل با میهمانداران، مانند محارم برخورد می کنند، گویی سفر رافع مقررات حجاب و گفت و گو و صحبت با نامحرم به قدر ضرورت و یا ممنوعیت گفتن و خندیدن است و همه این محرمات با ورود به کشور عربستان حلال شده است.
 - ۵- ولننگاری بعضی از بانوان، سوهان روح متدینان و آشنایان به روحیات مردم آن سرزمین است، گویی افرادی از خانم ها و یا آقایان احساس می کنند در خانه خود هستند و در آمد و شدها در کوی و برزن مکه و مدینه، آراستگی ظاهری خود را رعایت نمی کنند.
- موارد زیادی دیده شده که بانوان با دمپایی احرام مردانه و پوشش های غیر زیننده در مجامع عمومی ظاهر می شوند و یا آقایان با لباس های غیر متعارف پیژامه و زیرپوش حتی در

مسجدالحرام و مسجدالنبی حضور می یابند.

۶- ترددهای غیر ضروری شبانه، عموم بانوان ایرانی متدین و غیرتمند هستند لیکن در آن سرزمین مانند بسیاری از شهرهای دیگر گناهکارانی هستند که در انتظار به دام انداختن و شکار به ویژه بانوان ایرانی هستند که متأسفانه نمونه ای نیز اتفاق افتاده است.

بنابراین، توجیه بانوان نسبت به وضعیت عربستان و این که پوشش ظاهری بسیاری از زائران فقط به خاطر حضور آنان در حرمین است و در وطن خود سر برهنه و ... هستند که عکس های کارت شناسایی آنان گواه این سخن است و عمل آنان نمی تواند الگو برای زنان با حجاب متدین و با فهم پیروان اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

الگوها در حرمین

محیط وحی، آکنده از الگوهای ارزشمند و بانوان نمونه تاریخ اسلام است. آنان که الگوهای رشید و راه یافته به اسرار محمدی (صلی الله علیه وآله) هستند و سلوک و منش هر کدام چراغی است فرا سوی ره پویان وادی نور.

خدیده کبرا، فاطمه زهرا، عقیده بنی هاشم، فاطمه بنت اسد، ام سلمه، صدیقه، حکیمه، هاجر و ... که زندگی هر یک از آنها الهام بخش بانوان گرامی است و هر یک در شرایط خاص تاریخی خود درخشیدند و طریق حفظ مرام خویش و اثر بخشی به دیگران را رهنمون شدند.

راستی خدیجه، آن بانوی ثروتمند و سرشناس حجاز

در جبین یتیم عبدالله چه دیده بود که دست رد بر سینه تمام خواستگاران سرمایه دار ثروتمند زد و پیشنهاد ازدواج با امین یتیم فقیر امّ القری را داد، آن هم مشروط بر این که مهریه را از مال خدیجه قرار دهند! آیا جز امانتداری محمد در دوره جاهلی، چیز دیگری قلب خدیجه را آرزومند همسری وی نمود؟

انتخاب خدیجه بر خلاف فکر زنان قریش و همفکرانشان در تاریخ، بهترین انتخاب بود. درخشندگی این تفکر را چشم های کور شده به مادیات، نمی توانند ببینند. عظمت این فداکاری و ایثارگری خدیجه امّ المؤمنین در تاریکی های ظلمت جاهلی به گونه ای است که خداوند تنها دامن او را شایسته پرورش نور کوثر می داند و فقط به او فاطمه ای می بخشد که دودمان رسولش را تا انجام هستی حفظ کند.

خدیجه الگوی همه بانوان است در انتخاب برتر ازدواج با پاک ترین فداکاری و ایثار در حاکمیت پاکان و پاکبازی در راه خدا و در یک کلام او نیامد تا از عنوان زوجهارسول برای خویش عنوانی کسب کند بلکه آمد تا با همه هستی و اموال خویش فدای پاک ترین انسان امین روزگار خویش گردد و حتی برای خود کفنی هم کنار نگذاشت و با پیراهن مبارک پیامبر کفن گردید و خداوند به پاس خدماتش او را یکی از

بهترین زنان بهشتی گردانید (۱) و هرگاه پیامبر ایثار و فداکاری های او را به یاد می آورد، آثار حزن در چهره ایشان هویدا می گشت و تا آخرین روزهای عمر، دوستان خدیجه را مورد تفقد و عطای خویش قرار می داد! (۲)

یادآوری: روحانی محترم کاروان با شناخت روحیات بانوان کاروان، در معرفی الگوی مناسب آنان از بانوان صدر اسلام و جنبه های ارزشی و اسوه ای آنان، بهره لازم را ببرند و در جلسات ویژه برای آنان صحبت توجیهی داشته باشند.

۱- بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲ جهت مطالعه بیشتر به بحار الأنوار، ج ۱۶ از ص ۱ تا ۸۱ و اعیان الشیعه، ج ۶ از ص ۳۰۸ تا ۳۱۲ چاپ بیروت مراجعه شود.

این مجموعه، با هدف آشنا کردن زائران گرامی عمره مفرده، با نکات آموزنده تاریخی شکل می گیرد، تا در جلساتی که توسط روحانیان ارجمند برای آموزش زائران تشکیل می شود، مطرح شود و مورد استفاده همگان قرار گیرد.

روشن است که زائران و مخاطبان ما در عمره مفرده، انگیزه بیشتری برای الگوپذیری از قهرمانان صدر اسلام دارند و به خاطر توفیق زیارت مدینه منوره و مکه مکرمه و انجام عمره مفرده، خود را وامدار رسول خدا و حضرت زهرا و ائمه معصوم (علیهم السلام) می دانند. بنابراین، زمینه رشد و تعالی معنوی در زائران عمره به خوبی فراهم است و تنها هنر روحانیون تلاشگر، این سنگربانان به حقّ جبهه نور است که می تواند بهره وافی را از این سفر معنوی نصیب مخاطبان کند و آنان را نه تنها در این سفر، که در طول زندگی هدف دار و با ایمان سازد.

از آن جا که بیشترین مخاطبان ما جوان هستند، بر آن شدیم

تا مطالب و سوژه های تاریخی مناسب با آنان، از اماکن مقدس مدینه منوره و مکه مکرمه - که در طول سفر عمره مورد زیارت و بازدید قرار می گیرد- تهیه کنیم و با ذکر مصادر و منابع، در اختیار روحانیان محترم قرار دهیم تا به یاری پروردگار، نقش خود را در انجام گوشه ای از رسالت مهم و خطیر تبلیغ، ایفا نمایند.

بدیهی است، از کارهای نیک و ارزشمند برای انسان، به ویژه برای جوانان، نگرش کاربردی به تاریخ است، تا آگاهی های توأم با هدف را دریابند و پند گیرند و هدفمند در مسیر پرفراز و نشیب زندگی گام بردارند.

تاریخ چیست؟

برای تعریف و شناخت واژه تاریخ، ناگزیریم نگاهی به آثار دانشمندان علم لغت بیندازیم و ببینیم که آنان، چه تعریفی در این باره دارند. آنان تاریخ را این گونه تعریف کرده اند:

تاریخ، شرح وقایع و سرگذشت پیشینیان است.

بنابراین، باید غرض و هدف از مطالعه و آگاهی از تاریخ را نیز فهمید که: آیا آگاهی های تاریخی، تنها برای اطلاع یافتن از وقایع است، یا در قرائت تاریخ هدف دیگری نیز وجود دارد؟

به نظر می رسد، اگر بگوییم در آشنایی و مطالعه تاریخ، می توان دو نحوه قرائت را دنبال کرد:

الف- کسب اطلاع و آگاهی

ب- پند آموزی و هدف یابی

قرائت دوم به حقیقت و واقع نزدیک تر است؛ یعنی قرائت اول کسب اطلاع و آگاهی، ویژه تاریخ نگاران است و معلمان و دانشجویان رشته تاریخ و ... که هدف این گروه از قرائت تاریخ، خود تاریخ است. در حالی که در قرائت دوم پند آموزی و هدف یابی، تاریخ دارای یک پویایی و سازندگی با ارزش است و به عنوان یک علم هدف دار مطرح می گردد.

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که با قرائت دوم (پندآموزی و هدف یابی) موافق است:

۱- نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ (۱) ما بهترین سرگذشت را بر تو بازگو می کنیم.

۲- لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى ... (۲) حقیقتاً در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است، اینها داستان دروغین نیست.

قرآن کریم پس از آن که نحوه ورود فرعون و پیروانش به آتش دوزخ را بیان می کند، می فرماید:

۳- ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ... (۳) این از اخبار آبادی ها و شهرهاست که ما بر تو باز می گوئیم، بعضی از آنها هنوز پابرجا هستند و بعضی دیگر درو شده اند و از میان رفته اند.

۱- یوسف: ۳

۲- یوسف: ۱۱۱

۳- هود: ۱۰۰

گذری بر تاریخ حرمین شریفین با توجّه به قرائت دوم

در نخستین بخش، به اماکن تاریخی مدینه منوره و در بخش بعد به زیارت مکه مکرمه می پردازیم.

گفتنی است، مطالب این مجموعه، دنباله مطالب تاریخی آزموده‌ها- ۱۳۷۹ است.

احد

جنگ احد عرصه بروز جوانمردی‌ها و فداکاری‌هاست. در این رزمگاه همایشی بس گران و امتحانی سخت و توان فرسا برای مسلمانان صدر اسلام فراهم گردید تا خود را بیازمایند و پایمردی و استقامت خود را در عرصه عمل ارزیابی کنند.

این جنگ در روز شنبه ۱۵ شوال سال سوم هجرت رخ داد و تعداد ۷۰ نفر از مسلمانان در آن به شهادت رسیدند. (۱)

چند تن از شهدای احد به دست سپاه شرک مُثله شدند. در این میان، حضرت حمزه (علیه السلام) نیز به دست هند جگرخوار، همسر ابوسفیان به طور فجیعی مُثله شد.

جوانی که غسل الملائکه شد

یکی از رزمندگان مسلمان که در جنگ احد به شهادت رسید، تازه دامادی است مؤمن، به نام حنظله بن ابی عامر. او در روز جمعه عروسی کرد و در روز شنبه مجالی برای غسل کردن نیافت و به منظور اجرای دستور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)

۱- بحار الانوار، طبع بیروت، ج ۲۰، ص ۱۸.

بی درنگ به احد شتافت و به شهادت رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: فرشتگان را مشاهده کردم که در میان زمین و آسمان، مشغول غسل دادن او بودند. و این چنین حنظله به غسل الملائکه نامور شد. (۱)

حنظله با این که از ضرورت حضور در محل جنگ، آن هم دو روز پیش از آغاز جنگ آگاه بود، اما از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست برای انجام عروسی در مدینه بماند و آن حضرت، طبق آیه شریفه:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲)

به وی اجازه داد تا در مراسم عروسی خودش حاضر شود. (۳)

او شب زفاف را سپری کرد، اما صبحگاه فرصتی برای انجام غسل جنابت نیافت و هنگامی که می خواست از خانه خارج شود، همسرش که دختر عبدالله بن ابی بن سلول بود گفت: ای حنظله، اندکی درنگ کن، حنظله ایستاد و همسر چهار نفر از انصار را به عنوان گواه حاضر کرد و گفت: شما شاهد باشید در شبی که گذشت، حنظله با من آمیزش کرد.

۱- بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۴۷، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۲۲

۲- نور: ۶۲

۳- تفسیر صافی، ص ۳۸۳، جلد رحلی.

هدف همسر حنظله از این کار آن بود که اگر از وی صاحب فرزندی شد، کسی نتواند به دنبالش حرفی نامربوط بزند!

چندی بعد از همسر حنظله پرسیدند: به چه منظور گواهان را حاضر کردی؟ پاسخ داد: در شب عروسی مان در خواب دیدم که درهای آسمان گشوده شد و حنظله بالا رفت و سپس درهای آسمان بسته شد، دانستم که او فردا شهید می شود، از این رو از حضور گواهان استفاده کردم تا اگر از حنظله صاحب فرزندی شدم، مورد تهمت قرار نگیرم.

حنظله پس از تأیید کلام همسر در حضور گواهان، به سوی احد شتافت. جنگ آغاز شده بود. یکباره نظرش به پیشوای کفر و کافران، یعنی ابوسفیان افتاد. به او نزدیک شد و با شمشیر ضربه ای به اسبش زد. اسب او به زمین افتاد و ابوسفیان سرنگون شد و فریاد زد:

وَ صَاحِ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ أَنَا أَبُو سُفْيَانَ وَ هَذَا حَنْظَلَةُ يُرِيدُ قَتْلِي.

قریش را به یاری طلبید و پا به فرار گذاشت و حنظله در پی او روان شد تا ضربه ای بر پیکرش وارد سازد. ناگاه کافری با نیزه ضربه ای هولناک به حنظله زد. حنظله آن شخص مشرک را تعقیب کرد و با ضربه شمشیر به هلاکتش رساند، اما با جراحی که برداشته بود، رمقی در تن نداشت و میان پیکر پاک حضرت حمزه (علیه السلام) و عمرو بن جموح و عبدالله بن حزام و

گروهی از انصار به زمین افتاد و به لقای پروردگار شتافت. (۱)

همسر حنظله پس از پشت سر گذاشتن ماه های حمل، فرزند پسر به دنیا آورد و نام او را عبدالله گذاشت. عبدالله بن حنظله نیز چونان پدرش راه زیبای شهادت را پیمود و در دهه هفتم قرن اول هجری، در واقعه خونین حرّه، در شهر مدینه منوره شربت شهادت نوشید.

شهادت کار عاشقان است

یکی دیگر از شهدای جنگ احد، که به نیکی لیاقت و قابلیت احراز مقام والای شهادت را به خود اختصاص داد، عمرو بن جموح است. او چهار فرزند خود را روانه جهاد در راه خدا کرد، اما خودش چون از ناحیه چشم مشکل داشت، خانواده اش گفتند: باید در خانه بمانی؛ زیرا معذوری و نمی توانی در جنگ شرکت کنی، حضور پسرانت برای تو کافی است.

عمرو بن جموح گفت: عجب! آنان به بهشت روند و من این جا بنشینم؟! هرگز! همسر او که هند نام داشت و دختر عمرو بن حزام بود، می گوید: هنگامی که همسرم عمرو از خانه خارج می شد تا خود را به صحنه نبرد برساند، متوجه شدم چیزی زیر لب زمزمه می کند. گویا چنین می گفت:

اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي إِلَى أَهْلِي.

بار الها! مرا به خانواده ام باز مگردان.

او از خانه بیرون رفت ولی باز هم تعدادی از خویشانش او را از شرکت در جهاد منع کردند، لیکن او گوش نداد تا به خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، قوم من تصمیم دارند مرا از جنگ در کنار تو منع کنند. من امید و درخواست آن دارم تا با همین چشم ناقص وارد بهشت شوم و بهشت را در نوردم.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در جواب او فرمودند: ای عمرو! خدا تو را از شرکت در جهاد معذور کرده است. جهاد بر تو واجب نیست.

عمرو به قدری اصرار ورزید تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خویشان و فرزندان او فرمودند: او را از شرکت در جهاد منع نکنید. شاید خدای تعالی شهادت را نصیب او کند. از این پس کسی مانع کار او نشد. تا سرانجام در جنگ احد به شهادت رسید.

پس از شهادت عمرو، همسرش پیکرا و یکی از فرزندان او نیز پیکر عبدالله بن حزام، برادرش را بر روی شتری قرار داد تا به سوی مدینه حمل کند. همین که خواست از منطقه احد خارج شود و به سوی مدینه رود، شتر از حرکت باز ایستاد، ولی وقتی شتر را به سوی احد بر گرداند، شتر به سرعت به طرف احد حرکت کرد. هند از این واقعه متعجب و شگفت زده شد! چگونه است که شتر به جانب مدینه نمی رود ولی با سرعت به سوی احد بازمی گردد؟!

ناگزیر به طرف احد و به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و آن حضرت را در جریان این رویداد عجیب قرار داد.

حضرت فرمودند: شتر مأمور است و پرسید آیا عمرو بن جموح هنگام آمدن به احد چیزی گفت؟

همسر عمرو بن جموح پاسخ داد: آری، هنگام خروج از خانه رو به قبله ایستاد و گفت:

اللَّهُمَّ لَا تَزِدَّنِي إِلَىٰ أَهْلِي وَأَرْزُقْنِي الشَّهَادَةَ.

خداوندا! مرا به سوی خانواده ام باز مگردان و شهادت را نصیبم فرما! (۱)

در این دو واقعه تاریخی، سوژه های تبلیغی و نیز نکات آموزنده ای وجود دارد که ضروری است برای زائران توضیح داده شود. اینک به مواردی از آنها اشاره می شود:

روحیه اطاعت و پیروی از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جوانان.

فداکاری و ایثار و شهادت طلبی.

معرفت عمیق و عظمت روح زنان صدر اسلام که پیکرخونین همسر، فرزند و برادر خود را با شهادت تمام تحویل می گیرد، تا خود پیکر پاک آنان را به مدینه انتقال دهد.

پدر شهید، از کنار فرزندان شهیدش می گذرد و می کوشد که خود نیز بهره ای از فیض شهادت ببرد.

همسر شهید، فرزند شهید را به گونه ای تربیت می کند که چونان پدرش ایثارگر و شهادت طلب می شود.

شناخت راه و هدفدار بودن و گم نکردن هدف.

مسجد ذو قبلتین

روز دوشنبه، پانزدهم ماه رجب، سال دوم هجرت (۱)، پیامبر (صلی الله علیه وآله) به همراه تنی چند از اصحاب، به منظور تسلیت گویی به امّ بَشْر، مادری که فرزندش را از دست داده بود، در میان قبیله بنی سلمه حضور می یابد.

خانه های این قبیله در قسمت شمال غربی شهر مدینه قرار دارد. این افتخار نصیب امّ بَشْر می شود که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با همراهانش در منزل آن زن به نماز می ایستد. قبله مسلمانان در آن زمان، بیت المقدس بود و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) از زمان بعثت، به مدت پانزده سال (سیزده سال در مکه مکرمه و حدود دو سال در مدینه منوره (۲)) به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند. یهودیان مدینه و اطراف آن به پیامبر و مسلمانان طعنه می زدند و می گفتند: دین شما دین کاملی نیست؛ زیرا قبله شما همان قبله ما یهودیان است!

پیامبر (صلی الله علیه وآله) از گفته آنان آزرده خاطر شد و همواره منتظر امر و دستور الهی بود تا به گونه ای از طعنه های یهودیان رهایی یابد و اسلام، این دین ابدی و جاودان از یک قبله مستقل برخوردار شود.

آری، پانزدهم ماه رجب سال دوم هجرت، پایان انتظار چندین ساله بود؛ هنگامی که رسول الله (صلی الله علیه وآله) و همراهانش در خانه امّ بَشْر مشغول خواندن نماز ظهر بودند، جبرئیل (علیه السلام)

۱- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۶۳

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۸۴

برایشان نازل شد و خبر جا به جایی قبله را برای آن حضرت آورد:

قَدْ نَزَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... (۱) نگرستن تو را به اطراف آسمان مشاهده می کنیم، تو را به جانب قبله ای که می پسندی می گردانیم؛ پس روی به سوی مسجد الحرام کن

پیامبر بی درنگ روی به سمت جنوب برگرداند و نماز گزاران نیز، که تعدادی اندک بودند، دور زدند تا همچنان پشت سر آن حضرت قرار گیرند.

خبر این رویداد مهم، در سراسر مدینه و اطراف آن، به سرعت پخش شد و مسلمانان از آن پس، به سوی قبله جدید- مسجد الحرام- نماز گزارند.

بی تردید این رویداد برای قبیله بنی سلمه، یک افتخار تلقی شد، لذا تعدادی از مردان این قبیله تصمیم گرفتند تا خانه امّ بُشر را از وی بخرند و به پاس بزرگداشت این رویداد مهم، مسجدی به نام مسجد ذو قبلتین بنا کنند.

امّ بُشر وقتی از تصمیم آنان آگاهی یافت، گفت: من خانه ام را نمی فروشم و آن را هدیه می کنم تا شما در محل آن مسجد بسازید.

بدین سان مردم قبیله بنی سلمه، مسجد ذو قبلتین را بنا کردند. (۲) پس از گذشت قرن ها از این رویداد تاریخی و تجدید

۹، ابن نجّار، ص ۱۱۵

۱- بقره: ۱۳۴

۲- أخبار مدینه الرسول

بنای متعدد، هم اکنون مسجد ذو قبلتین با دو گنبد، دو مناره بسیار زیبا و با دو جایگاه ویژه (۱) (محرابی زیبابه سوی مسجد الحرام و جایگاه محراب سابق به طرف بیت المقدس) چشمان بینندگان را به خود خیره می کند و خاطره عطر آگین صدر اسلام را در ذهن بازدید کنندگان زنده می سازد.

مسجد ضرار

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَمَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا.... (۲) و گروهی دیگر از منافقین کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از قبل محارب با خدا و رسولش بوده است (یعنی ابوعامر راهب)، آنها سوگند یاد می کنند که جز نیکی نظری نداشته ایم اما خداوند گواه است که دروغ می گویند. هرگز در آن مسجد نماز اقامه نکن

پس از آن که مسجد قبا رونق یافت، گروهی از منافقان، حسودانه تصمیم گرفتند مسجدی بنا کنند و تحت پوشش ساختن مسجد، به کارهای منافقانه خود ادامه دهند و به عبارت دیگر، مسجد خانه تیمی آنان بشود!

آنان مسجد ضرار را در کنار مسجد قبا بنا کردند و پس از

۱- گفتنی است که در سال ۱۳۸۰ هجری قمری جایگاه محراب پیشین را محو کرده، در جای آن دری قرار دادند.

۲- توبه: ۱۰۷ و ۱۰۸

پایان یافتن ساخت آن، خطاب به پیامبر (صلی الله علیه وآله) گفتند: به مسجد ما بیا و در آن جا نماز بگذار. پیامبر گفت: من آماده سفرم! [\(۱\)](#)

هنگامی که حضرت از تبوک بازگشت، آیه مزبور نازل شد که هرگز در آن مسجد نماز اقامه نکن و ایشان به منافقین پاسخ منفی دادند. ابوعامر راهب- که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) او را ابوعامر فاسق نام نهاد [\(۲\)](#)-وقتی وضع را چنین دید، به منافقین گفت: شما مسجد را بنا کنید، من نزد قیصر روم می روم و به مدینه لشکرکشی می کنم تا محمد و اصحابش را بیرون کنیم.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دو تن از یاران خویش را مأمور کرد تا مسجد را خراب کنند و به آنان گفت: بروید و این مسجد را منهدم کنید و بسوزانید، اهل این مسجد از ستمکارانند. آن دو، مسجد را منهدم کردند و سوزاندند. پس از آن، مردم به دستور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) زمین مسجد ضرار را به محل زباله تبدیل کردند. نقل شده که بعدها از مکان آن مسجد دود مشاهده شده است. [\(۳\)](#)

ابوعامر راهب را بهتر بشناسیم

ابو عامر، عمرو بن صیفی بن مالک بن نعمان، از بزرگان و اشراف قبیله خزرج بوده است. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از مکه به مدینه هجرت کرد، او به سوی مکه رهسپار شد تا از رسول خدا دور باشد، لیکن در سال سوم هجرت به منظور جنگ با

۱- تفسیر صافی، ملا محسن فیض کاشانی، ص ۲۴۰، چاپ رحلی.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۵۷

۳- سمهودی، خلاصه الوفا، باب پنجم، آخر فصل دوم.

آن حضرت، به همراه ۵۰ غلام اوسی خود، به احد آمد. ابو عامر در زمان جاهلیت به ابو عامر راهب مشهور بود؛ زیرا مهارت بسیاری در تورات و انجیل داشت و قبل از طلوع اسلام، مردم مدینه را با صفات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) که در تورات و انجیل آمده بود، آشنا می ساخت، لیکن هنگامی که رسول الله به مدینه آمد، حسادت ابو عامر باعث بیچارگی او شد. او در مخالفت اسلام و پیامبر باند های نفاق تشکیل داد و از هیچ تلاشی در ضربه زدن به اسلام کوتاهی نکرد، تا این که پس از فتح مکه، به روم گریخت و در آن جا نصرانی شد، لیکن منافقین مدینه همچنان منتظر او بودند. ابو عامر سرانجام در منطقه قنسرین شام، در تنهایی و دور از خانواده هلاک گردید.

گفتنی است این ابو عامر، همان پدر حنظله غسیل الملائکه است! (۱) که پدر در جنگ احد در صف کفار و فرزند هم در جنگ احد، در صف مسلمانان جنگیدند؛ آن به هلاکت رسید و این شربت شهادت نوشید و عظمت و سربلندی از آن فرزند شد و کلام خدا: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ و ... بار دیگر تحقق یافت و ابو عامر گرچه پدر شهیدی عزیز بود، اما راه مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیمود و پیروی از هوای نفس و شیطان را برگزید و محروم از فضیلت گردید.

مکه مکرمه

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۱)

هاجر مادر اسماعیل

حضرت هاجر، مادر اسماعیل (علیه السلام)، این زن صبور و با فضیلت، پیش تر کنیز پادشاهی بود. پادشاه روزی ساره همسر ابراهیم (علیه السلام) را دید و وقیحانه دست به سویش دراز کرد. حضرت ابراهیم پادشاه را نفرین نمود و بلافاصله دست پادشاه فلج شد و از کار افتاد! این جا بود که پادشاه فهمید خطای بزرگی مرتکب شده است، لذا از تصمیم خود برگشت و به عنوان پشیمانی از گذشته، کنیزش هاجر را به ساره هدیه کرد. (۲)

پس از چندی، حضرت ابراهیم هاجر را از ساره خریداری کرد و هاجر پس از به دنیا آوردن اسماعیل آزاد شد.

ساره- که اخلاق تند و خوی ناسازگاری داشت (۳) و یکی از برجستگی های شخصیتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) صبر بر سوء خلق ساره بود- بار دیگر ناسازگاری با ابراهیم را آغاز کرد. پس از آن بود که ابراهیم به امر خدای تعالی هاجر- همسر دوم- خود را با پسرش به سوی مکه مکرمه آورد.

هاجر شخصیتی است که در موارد متعددی با امتحان الهی مواجه شد و از تمامی آن امتحانات، سربلند و پیروز به درآمد.

۱- ابراهیم: ۳۵

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۸

۳- سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۵

او دوران تلخ کنیزی را پشت سر گذاشت. آن گاه که همسرش حضرت ابراهیم از طرف خدای تعالی مأمور شد او و فرزندش اسماعیل را به سوی بیت الله الحرام کوچ دهد، بی هیچ اعتراضی پذیرفت و در بیابان خشک و سوزان و بی آب و علف مکه، در کنار کوه های بی رزق و روزی مکه مسکن گزید.

او در این امتحان نیز موفق و پیروز شد.

هنگامی که ابراهیم، هاجر و اسماعیل را ترک می کرد، هاجر به او گفت: ما را به چه کسی می سپاری؟ ابراهیم (علیه السلام) گفت: شما را به صاحب این بنا می سپارم.

حضرت ابراهیم به سوی فلسطین رهسپار گردید. ذخیره آب هاجر تمام شد. در آن نزدیکی ها آبی نبود تا تشنگی خود و کودکش را برطرف کند. برای یافتن آب از کوه صفا به مروه و از مروه به صفا دوید. خداوند تلاش های فراوان این مادر را برای به دست آوردن آب پاسخ داد و سرانجام، به معجزه الهی، آب زمزم از آن سرزمین آب ندیده، پدیدار گشت تا بسان یک معجزه جاودان در طی قرون متمادی باقی بماند و هم اکنون نیز سخاوتمندانه آب آشامیدنی زوار بیت الله الحرام و مسجد نبوی شریف را تأمین می کند.

وقتی ابراهیم مأموریت یافت که عزیز دلش، اسماعیل را قربانی کند، نقش مثبت و صبر زیبایی حضرت هاجر بار دیگر تجلی یافت. او در مقابل وسوسه های شیطان استوار ایستاد و هرگز تسلیم نشد و به قربانی شدن

فرزند دل‌بندش رضایت داد و بدین ترتیب، حماسه بزرگ تاریخ را آفرید!

قبر هاجر و اسماعیل، در کنار کعبه، در حجر اسماعیل وزیر ناودان طلاست و این شاید بدان جهت است که طواف کنندگان کعبه، همواره حماسه بی نظیر او را از یاد نبرند و بدانند که ایثارگری و مقاومت و اطاعت دستورهای خداوند، هرگز به یک برهه از زمان اختصاص ندارد.

سمیه اولین بانوی شهید

تاریخ اسلام حماسه سازان ارجمند و با فضیلتی را در قلب خود جای داده است. از آن رهگذر که دین اسلام، از روزهای نخستین بعثت، مورد هجوم مشرکان و باطل اندیشان بود، ضرورت به صحنه آمدن حماسه آفرینان به وضوح احساس می شد. آری، ریگ های داغ و تفتیده مگه، پوست و گوشت سوخته تازه مسلمانانی را که در زیر شکنجه اید، اید می گفتند به خاطر دارد.

عمار یاسر، که هم شهید است و هم فرزند شهید، آن هم نه فرزند یک شهید که پدر و مادرش، هر دو در زیر فجیع ترین و شرم آورترین شکنجه ها، تنها به جرم مسلمان شدن، به شهادت رسیدند و بدین گونه او و پدر و مادرش خانواده ای

نمونه تشکیل دادند (۱)

سمیه شهادت دردناک همسر مظلومش یاسر را با چشمان ناظر بود. او می دید که یاسر را آن قدر تازیانه زدند تا جان داد و آن گاه نوبت به خودش رسید. سَمِیّه با مقاومت و بردباری از عهده آزمایش بزرگ الهی سرفراز بیرون آمد و عنوان زیبای اولین زن شهید در اسلام برای او رقم خورد.

مشرکین، پس از شهادت یاسر، به سراغ سَمِیّه آمدند. آنان نخست سَمِیّه را تهدید کردند که اگر از اسلام برنگردد و بت پرست نشود، هر یک از پاهایش را به یک شتر خواهند بست و آن دو شتر را در دو جهت مخالف خواهند راند تا او دو شقه شود! اما سَمِیّه شجاع تر از آن بود که با تهدیدهای مشرکان مکه هراسی به خود راه دهد.

آری، زنان مسلمان صدر اسلام، در استواری و شهامت، صحنه های برجسته ای را به نمایش گذاشتند. بی تردید اسوه هایی چون سَمِیّه، خدیجه، فاطمه، زینب و ... برای رهبری و هدایت تمامی زنان جهان کافی اند.

سَمِیّه بنت حباط، مادر عمار، کسی است که برای جلب رضایت خداوند شکنجه های سخت را پذیرفت و اولین شهید زن در اسلام گردید و دشمن خدا، ابوجهل ملعون وی را به شهادت رساند.

درباره عمار یاسر چنین پیشگویی فرموده است: ... تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ يَعْنِي: گروه سرکش و فسادگستر تو را به شهادت می رسانند.

معاویه در جنگ صفین عمار را شهید کرد و همین دلیل محکمی شد تا لشکریان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حقانیت جبهه خود را باور کنند. و این گونه پیشگویی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)

محقق گردید.

مورخان نوشته اند که یک پای او را به شتری و پای دیگرش را به شتری دیگر بستند و آن دو را، در دو سوی مخالف به حرکت در آوردند! آن زن با ایمان دردناک ترین آزار و شکنجه را به جان خرید و سرانجام با شمشیر دو نیمش کردند. (۱)

قَالَ عَمَّارٌ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَلَغَ الْعَذَابُ مِنْ أُمِّي كُلَّ مَبْلَغٍ. فَقَالَ (صلى الله عليه وآله): صَبِرًا يَا أَبَا الْيَقْظَانِ. اللَّهُمَّ لَا تُعَذِّبْ أَحَدًا مِنْ آلِ يَاسِرٍ.

سمیه در سایه شکیبایی، لیاقت شهادت را یافت؛ آن سان که همسر شهیدی چون یاسر شد.

سمیه بانوی نمونه ای بود که درس استقامت، فداکاری، تحمل قهرمانانه دردها و رنج ها و تلاش پیگیر برای به انزوا کشاندن دشمنان را به زنان عصرها و قرن ها آموخت.

سلام خدا بر روح پاکش و نیز شوهر و فرزندانش باد!

ام المؤمنین خدیجه

حضرت خدیجه (علیها السلام) در خانواده ای اصیل و شرافتمند، در مکه مکرمه به دنیا آمد. پدرش خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بن مرّه بن کعب بن لوی بن غالب، و مادرش فاطمه بنت زائده بن الأصم بن فهر بن لوی بن غالب است. هر دو از طایفه قریش و در لوی مشترک و از یک ریشه هستند.

خدیجه (علیها السلام) در زمان جاهلیت به: سَيِّدَةُ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، سَيِّدَةُ قُرَيْشٍ، الطَّاهِرَةُ خوانده می شد.

سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر

(صلی الله علیه وآله)

پاسخ صحیح به این مطلب، کمی مشکل است و نیاز به دقت و تأمل بیشتر دارد. همه مصادر تاریخی و روایات در رابطه با سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دارای اختلاف است. کتب روایی و تاریخی، سن خدیجه را در زمان ازدواج ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۴۰، ۴۵ و ۴۶ سال نوشته اند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: كَانَتْ خَدِيجَةُ يَوْمَ تَزَوَّجَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) ابْنَةَ ثَمَانَ وَ عِشْرِينَ سَنَةً. (۱)

و در مستدرک حاکم از ابن اسحاق نقل شده که حضرت خدیجه (علیها السلام) در سن ۲۸ سالگی با پیامبر (صلی الله علیه وآله) ازدواج کرد. (۲)

نویسنده شهیر، عباس محمود عقاد، در کتاب فاطمه الزهراء و الفاطمیون به روایت ۲۵ و ۲۸ سالگی اعتماد کرده است و می گوید: زن در حجاز و جزیره العرب سریع رشد می کند و همچنین زود پیر می شود، لذا بعد از ۴۰ سالگی زمان ازدواج او نیست و قبل از این سال ها ازدواج می کند.

از این مطلب معلوم می شود روایت ۴۰ سال، که می گوید حضرت خدیجه قبل از پیامبر دوبار ازدواج کرد، زیر سؤال می رود؛ زیرا:

اولاً: حضرت خدیجه یک فرد عادی نبود بلکه دارای شخصیتی اجتماعی بود و ثروتی فراوان داشت.

۱- مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵

۲- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۸۲

ثانیاً: خواستگارهای زیادی داشت، لذا هنگامی که با پیامبر (صلی الله علیه وآله) ازدواج کرد، با غضب و بی مهری زنان قریش روبه رو شد که چرا با یتیم ابوطالب (عبدالله)، ازدواج کرده است؟!

بنابراین، ازدواج شخصیتی معروف مانند خدیجه با افراد گمنامی چون عتیق بن عائذ و زراره (ابو هاله) و آوردن فرزندان برای آنان، نمی تواند قابل قبول باشد؛ چون همه مورخان اتفاق نظر دارند که اشراف و بزرگان قریش از خدیجه خواستگاری کرده اند و او امتناع کرده است. چگونه می شود که او با مردی از بنی تمیم ازدواج کند، در حالی که خواستگاران زیادی در قبیله با عظمت قریش دارد؟!

دانستن این نکته جالب است که حضرت خدیجه (علیها السلام) خواهری به نام هاله داشته است. (۱) او با مردی از بنی مخزوم ازدواج کرده و ثمره آن دختری به نام هاله بوده است. سپس همسر مردی از بنی تمیم شده و پسری به نام هند از او زاده می شود. آن مرد تمیمی زن دیگری نیز داشته که از او هم دارای دو دختر به نام های رقیه و زینب می شود. بعد از این که آن زن و مرد تمیمی وفات می یابند، پسرش هند به قبیله بنی تمیم می پیوندند، پس از مدتی هاله خواهر خدیجه نیز از دنیا می رود و آن دو دختر نزد حضرت خدیجه می مانند. عرب ها گمان می کردند ربیبه حکم دختر را دارد و آن دو (رقیه و زینب) را به پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نسبت دادند، در حالی که آنها

دختران ابوهاله (شوهر خواهر خدیجه) بودند و نه دختران خدیجه. (۱)

با توجه به مطالبی که آوردیم، یادآوری این نکته مهم و ضروری به نظر می رسد که: در مصادر اهل سنت و بعضی از مصادر شیعه که از مصادر اهل سنت رونویسی کرده اند، عثمان بن عفان را ذوالنورین می گویند، چون با دو دختر از دختران پیامبر (صلی الله علیه وآله) ازدواج کرده است، لیکن اگر رقیه و زینب ... دختران ابوهاله باشند، ذوالنورین بودن عثمان ادعای گزافی بیش نیست.

ازدواج مبارک

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با کاروان تجارتی حضرت خدیجه به شام می رود و میسره غلام خدیجه مطالبی عجیب از کرامات و پاکی آن حضرت به خدیجه گزارش می دهد، زمینه این ازدواج مبارک که زیر ساخت فعلیت یافتن کوثر را به دنبال داشت، فراهم می گردد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) تنها از حضرت خدیجه و ماریه قبطیه صاحب فرزند شده است. قاسم و عبدالله از حضرت خدیجه بودند که در کودکی از دنیا رفتند.

ابوالقاسم کنیه رسول خدا بر گرفته از نام قاسم، فرزند اول حضرت است و عبدالله که طیب و طاهر نیز به او گفته می شد و رقیه و زینب- بنا بر قولی- و ام کلثوم، قبل از بعثت زاده شدند.

؛ @@@الاستغاثه، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۹؛ مکارم الاخلاق، ص ۶.

حضرت زهرا (علیها السلام) که بعد از بعثت به دنیا آمد، آخرین فرزند پیامبر است که از خدیجه (علیها السلام) می باشد.

از ماریه قبطیه نیز ابراهیم بن رسول الله در مدینه به دنیا آمد و در همان جا در سنین کودکی از دنیا رفت و آن حضرت را داغدار ساخت.

نقش حضرت خدیجه در اسلام

بی تردید این خانم با فضیلت و تقوا، نقش بسیار مهم و اساسی در نشر و گسترش اسلام داشت. در این مختصر به سه مورد اشاره می کنیم:

۱- ایمان به خدای تعالی و رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و ثروت بسیار او، نقش اساسی در پیشبرد اهداف مقدس رسول الله ایفا کرد. حضرت خدیجه آنچه داشت بی دریغ به پای رسالت ریخت و در این راه، مقصود او تنها جلب رضایت پروردگار و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود. او اولین زن در اسلام است که به این آیین گروید، همان گونه که داماد گرامی اش علی بن ابی طالب اولین مردی بود که در سن ۱۰ سالگی به پیامبر و رسالت او پیوست و ایمان آورد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از وفات خدیجه و بعد از هجرت به مدینه، او را فراموش نکرد بلکه هر از چند گاهی که گوسفند ذبح می کرد؛ برای دوستان خدیجه سهمی می فرستاد و همواره به یاد خدیجه بود، آن سان که خدیجه مورد حسادت عایشه واقع شد و مطالبی گفت که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) غضبناک شد و در شأن و منزلت حضرت خدیجه چنین فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ آمَنْتُ بِى إِذْ كَفَرَ بى النَّاسُ، وَ آوْتْنى إِذْ رَفَضَنِى النَّاسُ، وَ صَدَّقْتَنِى إِذْ كَذَّبَنِى النَّاسُ، وَ رَزَقْتْ مَنى الْوَلَدِ إِذْ حَرَمْتُمُوهُ مَنى ... إِنى لَأَحِبُّ حَبِيبَهُ (۱)

۲- حضرت خدیجه (علیها السلام) مونس رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، در تمامی مشکلات و گرفتاری ها بود. او محرم اسرار و همدمی مهربان، با معرفت و با عظوفت برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود. هرگاه اهل مکه آن حضرت را مورد آزار و اذیت قرار می دادند، خدیجه به او دلداری می داد و با حسن معاشرت و ملاطفت آن حضرت را از غم های مستمر بیرون می آورد.

همان طور که پیش از بعثت، آن هنگام که از قوم و قبیله خود کناره می گرفت و برای عبادت و بندگی خدای تعالی به عزلت پناه می برد و غار حرا جایگاه تنهایی او شده بود و به عبادت می پرداخت، تنها خدیجه (علیها السلام) و گاهی علی (علیه السلام) بودند که تا نزدیکی غار حرا با او همراه بودند و پس از بعثت جز خدیجه و علی بن ابی طالب یوری دیگر نداشت که بتواند مقداری از دلتنگی های حضرت را بزدايد.

آری، محبت ها و فداکاری ها برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، سرانجام نتیجه خود را نشان داد؛ آن گاه که خدای تعالی به خدیجه سلام رسانید:

إِنَّ جِبْرِئِلَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، فَقَالَ: أَقْرَأُ خَدِيجَةَ السَّلَامِ مِنْ رَبِّهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): يَا خَدِيجَةُ، هَذَا جِبْرِئِيلُ يَقْرُئُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ. فَقَالَتْ خَدِيجَةُ: أَللَّهُ

السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جَبْرئِيلَ السَّلَامُ. (۱)

۳- خدیجه مادر فاطمه شد. روشن است که جز او کسی را لیاقت این مقام نبود. او به حق امتیاز و موقعیت والایی کسب کرد؛ زیرا ذریه والاتبار پیامبر از دامن پاک او پدید آمد و انوار قدسی امامت و ولایت که شعاع گسترده آن به ابدیت پیوست، در وجود دختر معصوم حضرت خدیجه؛ یعنی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) خلاصه شد.

چه زیبا و دل انگیز است آن گاه که در زیارت یازده امام معصوم چنین می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ ...

خداوند تعالی، فیض عظیم کوثر را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عنایت نکرد مگر به واسطه حضرت خدیجه (علیها السلام). اگر زنان قریش خدیجه را تنها گذاشتند، فاطمه اش همراهش بود تا در رحم با مادرش سخن بگوید و ملال تنهایی را از پیرامون خدیجه بزدايد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. (۲)

۱- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲- کوثر: ۱-۳

هجرت

آزموده ها؛ ج ۳؛ ص ۷۶

ر کردن به انگیزه زیارت حرم رسول خدا و بیت الله الحرام، هجرت است؛ هجرتی مقدس و معنوی، برای درک مقامات عالی؛
وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (۱)

زیارت

واژه زور در واژه نامه ها، به معنای اعلی الصدر آمده است می گوید: زرت فلاناً ای تلقیته بزوری ای تلقیته بصدری او
قصدت صدره (۲) از این عبارت ارتباط قلبی استفاده می شود؛ یعنی زیارت حضور الزائر عند المزور است.

واژه زیارت گرچه در مصحف شریف با صراحت نیامده است، اما می توان در مضامین آیات شریفه آن را یافت؛ به چند نمونه
از آن می پردازیم:

قرآن کریم در باره نزاع مردم بعد از مرگ ظاهری

۱- نساء: ۱۰۰

۲- لسان العرب ماده زور.

اصحاب کهف می فرماید:

إِذِ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا. (۱)

این که گفتند ما مسجدی بنا می کنیم برای آن بود که مدفن و مرقد اصحاب کهف محلّ زیارت و آمد و شد علاقه مندان شود، چه برای آنان که هم عصر با اصحاب کهف هستند و چه کسانی که در آینده خواهند آمد.

خداوند متعال رسول خویش را از حضور در کنار قبر منافقین نهی می کند و می فرماید:

وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ (۲)

ای پیامبر، بر قبر کسی که در حالت نفاق از دنیا رفته است توقف نکن و ...

مفهوم این کلام الهی آن است که اگر کسی مسلمان بود و از دنیا رفت، به زیارت او بروید و بر سر قبرش حاضر شوید. و معهود میان مردم نیز چنین بوده است.

آلوسی و بیضاوی می نویسند: المُراد لا تقف عند قبره للدفن أو للزيارة. (۳)

۱- کهف: ۲۱

۲- توبه: ۹

۳- آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۶

مؤید دیگر آن که در ذیل آیه شریفه ... وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ ... آمده است: ... إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ، جمله در مقام تعلیل است و مفهوم آن به طور واضح دلالت دارد بر مشروعیت زیارت قبر مسلمان. بنابراین، زیارت قبر پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) که دارای شأن و مقام والای عصمت هستند، به طریق اولی جایز و مطلوب است.

احترام پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دوران حیات و پس از مرگ

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (۱)

در زمان حیات رسول الله، مسلمانان به عنوان تجلیل و تکریم آن حضرت، در محضرش حضور می یافتند و استغفار می کردند و مغفرت و شفاعت می طلبیدند. همین تجلیل و تکریم را پس از وفات و ارتحال رسول خدا نیز انجام می دهند؛ زیرا معتقدند که حیات و ممات آن حضرت یکی است. او همواره زنده و نزد پروردگارش روزی می خورد.

اجلال و تکریم رسول الله پس از مرگ، مانند تکریم او در حال حیات است و اساساً وزان این آیه شریفه استغفار و عمل به آن، در نزد مسلمانان، وزان آیه شریفه سوره حجرات است. در آن جا می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ (۲)

۱- نساء: ۶۴

۲- حجرات: ۲

سیره مسلمانان در عمل به این آیه کریمه، هنگامی که در کنار مرقد پیامبر (صلی الله علیه وآله) حضور می یافتند، در حد و جوب بوده است؛ و حتی آن را بر دیوارهای آن مضجع شریف حک کرده اند.

نکته دیگر این که خداوند متعال در غَضُّ صوت و نند، جمعی را مدح و تمجید نموده و جمعی را مذمت کرده است. و این مدح و ذم، اختصاص به زمان حیات پیامبر ندارد؛ زیرا آن مقام و مرتبت، محصور و محدود به زمان حیات آن بزرگوار نیست.

آیه مدح: إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ . (۱) آیه ذم: إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَمَّا يَعْقِلُونَ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . (۲)

آیه استغفار گرچه در حال حیات رسول خدا نازل شده است، اما اختصاص به زمان حیات او ندارد بلکه رتبه و مرتبه ای است که با مرگش منقطع نمی شود.

مورخان و نویسندگان تمامی مذاهب اسلامی، استغفار در محضر رسول خدا، بعد از رحلت آن حضرت را نیکو شمرده اند و بلکه از آداب زیارت آن بزرگوار دانسته اند و زائر

۱- حجرات: ۲

۲- حجرات: ۳

هم مناسب است بایستد و استغفار کند. (۱)

زیارت قبر رسول خدا

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بارها مسلمانان را سفارش به زیارت قبر مؤمن کرده اند و روایات (۲) بسیاری در این زمینه وجود دارد که مرحوم صدوق در کتاب ثواب الأعمال آورده است.

حال چگونه ممکن است که بگوییم زیارت قبر ولی المؤمنین و ختم رسولان- که مصداق برجسته و نمونه روشن ایمان می باشد- مندوب و مطلوب نیست! پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

من أَرَادَ أَنْ يَزُورَ قَبْرًا فَلْيُزِرْهُ وَلَا يَقُولِ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ الْمَيِّتَ يَتَأَذَى مِمَّا يَتَأَذَى مِنْهُ الْحَيُّ. (۳) هر کس می خواهد قبری را زیارت کند، به هنگام زیارت، در کنار قبر جز خیر نگوید؛ زیرا مرده از حرف های نا مناسب، مانند زنده آزار و رنج می برد.

مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْكُمْ يَسْلَمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أُرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ (۴)

کسی از شما بر من سلام نمی دهد مگر آن که پروردگار متعال آن سلام را بر روح من می رساند تا من نیز پاسخ آن را بدهم.

۱- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۲؛ شفاء السقام، ص ۷۱؛ کافی، ج ۴، ص ...

۲- بحار الأنوار، ج، ص ۱۰۶

۳- الروض النائق فی المواعظ و الدقائق، ص ۲۲؛ علامه امینی، الغدير، ج ۵، ص ۲۴۰

۴- بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۰

زیارت احساس قرب و تجدید عهد است

طبق تجربه ثابت است که انسان در زیارت میت، احساس نزدیکی و قرب به او می کند و تجدید عهد و میثاق می نماید. این تأثیر روحی امری است وجدانی و غیرقابل انکار. بنابراین، سزاوار آن است که انسان همواره این انس و احساس قرب و نزدیکی را با پیامبر و امامان علیهم السلام داشته باشد؛ چرا که حیات آنان با مرگشان تفاوتی ندارد و آن عزیزان دارای مقام والای شهادتند و شهید همیشه زنده و جاودانه است و مرگ در قاموس شهادت راه ندارد. خداوند تعالی فرمود:

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ . (۱)

وَلَمَّا تَحَسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . (۲)

صغرای قضیه را، هم تاریخ شهادت می دهد و هم خودشان فرمودند: ما مِنَّا أَلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ .

کبرای قضیه را هم که قرآن کریم بیان می کند، نتیجه حیات معصومین (علیهم السلام) است.

همان گونه که به هنگام حضور در برابر احیا، به آنان

۱- بقره: ۱۵۴

۲- آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰

سلام می دهیم و عرض ارادت می کنیم، وقتی در مشاهد مشرفه آنان حاضر می شویم، قبل از ورود به مضجع شریفشان اظهار ادب می کنیم و اذن ورود می خواهیم و چنین می گوئیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حَرَمَهُ صَاحِبَ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بَلَدِيذِ مَنَاجَاتِهِمْ.

سخن از غیبت و حضور معصوم است نه موت و حیات آنها. اینان احیاء و زنده هستند و از خداوند متعال بشارت آیندگانی را که حرکت کرده و در مسیر هستند و تا کنون ملحق نشده اند را هم می خواهند و جویای وضعیت همزمان و همفکرانشان هستند.

این بخش از آیه شریفه: ... وَيَسْتَجِيبُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ ... (۱) از قبیل عدم و ملکه است. آنان که از جا حرکت نکرده اند، از گردونه کلام شهیدان و معصومان خارجند، و تنها آنان که حرکت کرده اند، موضوع استبشار هستند؛ جمعی واصل به آنان شده اند و گروهی در مسیر هستند که باز خود قرآن می فرماید:

... فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا

بَدَلُوا تَبْدِيلًا (۱)

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي. (۲) مَنْ زَارَ قَبْرِي حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي. (۳) مَنْ زَارَنِي إِلَى الْمَدِينَةِ كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا وَشَهِيدًا. (۴)

قال علي (عليه السلام):

مَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ فِي جَوَارِهِ. (۵)

عن الامام ابى الحسن الكاظم (عليه السلام) قال:

جاء الامام الصادق يوم عيد الفطر الى قبر النبي فسلم عليه ثم قال: قد فضلنا الناس بسلامنا على رسول الله (صلى الله عليه وآله).

(۶)

در این جا شایسته است به دو مورد از ارتکاز مسلمانان در عدم تفاوت میان حیات و ممات رسول خدا که بدان اتکا و استناد کرده اند و گفته اند پیامبر (صلى الله عليه وآله) پس از وفات، همان پیامبری است که پیش از وفات بود، اشاره کنیم:

۱- علی بن ابی طالب (عليه السلام) قال:

بعد ما دفننا رسول الله (صلى الله عليه وآله) بثلاثة أيام، قدم علينا أعرابي فرمى بنفسه على قبر النبي وحتى من ترابه

۱- احزاب: ۲۳

۲- نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۰۸

۳- مجمع الزوائد، ص ۲۰۴

۴- مسند احمد، ج ۲، ص ۷۴

۵- نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۰۹

۶- تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷

على رأسه وقال: يا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْتَ فسمعنا قولك و وعيت عن الله سبحانه فوعينا عنك وكان في ما أنزل عليك: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهَهُ اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا (۱) وقد ظلمت نفسي و جئتك تستغفر لي، فنودي من القبر: قد غفرلك (۲)

۲- محمد بن حرب الهلالي قال:

دخلت المدينة فأتيت قبر النبي فزرتة وجلست بحذائه فجاء أعرابي فزاره ثم قال: يا خير المرسلين إنَّ الله أنزل عليك كتاباً صادقاً قال فيه: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهَهُ اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا واني جئتك مستغفراً ربك من ذنوبي مستشفعاً فيها بك (۳)، ثم بكى وانشاقول:

ياخير من دفنت بالقاع أعظمه فطاب من طيبهن القاع والأكم

نفسی الفداء لقبر أنت ساكنه فيه العفاف وفيه الجود والكرم احمد بن عبدالعزيز بن محمد المقدسی چند بيتی به این دو بیت اعرابی ضمیمه کرده که آوردن آن، خالی از لطف و لطافت نیست:

۱- نساء: ۶۴

۲- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۹۹

۳- نساء: ۶۴

وفيه شمس التقى والذين قد غرّبت من بعد ما أشرقت من نورها الظلم حاشالوجهك أن يبلى وقد هُديت في الشرق والغرب من أنواره الأمم (۱)

آری، شخصیتی که امت های مسلمان، در شرق و غرب عالم از وجود و نور او هدایت یافته اند، هرگز مندرس و پوسیده نمی شود.

الوسيلة الى الله

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا. (۳)

الوسيلة هي التحقق بحقيقه العبوديه وتوجيه وجه المسكنه والفقير إلى جنابه. (۴)

الوسيلة هي ليست الا توصلا واتصالا معنوياً بما يوصل بين العبد والرب.

ابتغاء الوسيله، هو التماس ما يقرب العبد الى ربه. (۵)

۱- شفاء السقام، ص ۱۵۳

۲- مائده: ۵

۳- اسراء: ۵۷

۴- لسان العرب وَّسَل، معجم مفردات الفاظ القرآن وَّسَل.

۵- لسان العرب وَّسَل.

وذكر الوسيله فى الآيه الاولى بعد التقوى هو من قبيل ذكر الخاص بعد العام، اذ الوسيله أخص من التقوى العامه فى اجتناب المعاصى والعمل بالطاعات.

چند روایت در تفسیر و معنای وسیله:

از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

۱- إياكم اذا أراد أحدكم أن يسأل من ربه شيئاً من حوائج الدنيا والآخرة حتى يبدأ بالثناء على الله عزوجل والمدح له والصلوة على النبي ثم يسأل الله حاجته. (۱)

امام علی (علیه السلام) فرمود:

۲- كل دعاء محجوب حتى يصلّى على محمد وآل محمد. (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

۳- لا يزال الدعاء محجوباً حتى يصلّى علىّ وعلى أهل بيتی. (۳)

مرحوم علامه طباطبایی قدس سره القدوسی در تفسیر المیزان آورده اند که در برخی از روایات، اهل بیت واژه وسیله در آیه کریمه ... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ... (۴) را به امام معصوم تفسیر کرده اند و فرموده اند: آن وسیله ای که در قرآن فرموده است طلب کنید ما هستیم. شاعر صاحب قریحه کریمه و صاحب بصیرت معروف به البوصیری در قصیده

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۵۱

۲- مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۵۰

۳- کفایه الأثر، ص ۲۹

۴- المیزان، ج ۵، ص ۳۳۳

شیرین البرده خود در شأن رسول و آتش و کرم و کرامت و کمالات آنان چنین سروده است:

هو الحبيب الذى ترجى شفاعته لكلّ هول من الاهوال مفتحم دعا الى الله فالمستمسكون به مستمسكون بحبل غير منفصم فاق
النبيين فى خلق وفى خلق ولم يدانوه فى علم ولا كرم وكلّهم من رسول الله ملتمس غرقاً من البحر أورشفاً من الديم فهو الذى تمّ
معناه وصورته ثم اصطفاه حبيباً بارىء التّسم (۱)

بی مناسبت نیست کلام حضرت فاطمه دخت گرامی رسول الله در کنار قبر پدر و گریه آن حضرت را کنار تربت پدر، از زبان
همسرش بیاوریم که در واقع اولین زائر قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) محسوب می شود:

لَمَّا رُمِسَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) جَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَوَقَفَتْ عَلَى قَبْرِهِ وَأَخَذَتْ قَبْضَهُ مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ وَوَضَعَتْهَا عَلَى عَيْنِهَا وَبَكَتْ
وَقَالَتْ:

۱- المجموعه النبھانی، ص ۵۰۴، طبع دارالمعرفه، القصیده للبوصیری متوفی ۶۹۶.

ماذا على من شَمَّ تر به أحمد أن لا يشم على الزمان غواليا

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبَ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْإِيَّامَ صَرْنَ لِيَالِيَا (۱)

تلاوت قرآن

از فضیلت هایی که هر مسلمان در طول زندگی اش می تواند برای خود کسب و آن را به عنوان ذخیره ای معنوی حفظ کند و با خود به عالم باقی ببرد، تلاوت و انس با قرآن کریم است. تلاوت و قرائت قرآن، گاهی به مناسبت زمان، مانند ماه مبارک رمضان و نیز به مناسبت مکان، مانند مکه مکرمه و مسجد الحرام یا مدینه منوره و مسجد نبوی، که مهبط وحی بوده اند، تشدید در فضیلت پیدامی کند.

قرآن یکی از موهبت های بزرگ الهی و نعمت های ارزشمند خداوند بر مسلمانان است. نگاه به خطوط قرآن هم عبادت محسوب می شود. قرآن عدل عترت است. پس نگاه به امام و قرآن و کعبه همه دارای فضیلت و ثواب است، و شایسته است که زائرین عزیز حرمین شریفین، در کسب این فضیلت سعی بلیغ داشته باشند و از این فیض سرشار الهی محروم نشوند و از این اقیانوس بیکران معرفت الهی فیض و فضیلت بگیرند. همان گونه که پیش تر اشاره شد، گاهی زمان شرافت پیدا می کند؛ مانند ماه مبارک رمضان، و گاهی مکان شرافت می یابد؛ مانند مکه و مدینه.

شرافت دو شهر مکه و مدینه به خاطر وجود نورانی رسول خداست؛ لَأُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ* وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) و در زیارت نامه آن حضرت نیز می خوانیم: و عَظَمَتْ به البلاد (۲)، خداوند تعظیم بلاد و البلد الأمين را به خاطر وجود رسول خدا تشریف بخشید.

گاهی فضیلت تلاوت قرآن به خاطر زمان است، مانند آن که امام سجاد (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان می گوید: ... ووقفنی فیہ لقراءه آیاتک ... (۳) و گاهی به خاطر مکان است که فرمودند کسی که در مکه معظمه، از جمعه ای تا جمعه دیگر قرآن ختم کند گویی تا آخر عمر تلاوت قرآن کرده است.

پیامبر فرمود: إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِی أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعْرُضُوا لَهُ (۴)

در ایام عمر خود، لحظه ها و نفعه های بهشتی و رحمانی برای شما رخ می دهد. مواظب باشید که آنها را غنیمت شمارید و از آنها بهره گیرید.

آری حضور در کنار کعبه و حضور در جوار خاتم مرسلین، یک حضور عادی نیست. پس باید آن را غنیمت دانست و جان و روان را صیقل داد و با تلاوت کلام الهی که زلال است و چونان زمزم سرشاری است، زنگارهای دل را که جایگاه شیطان است، شستوشو دهیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: إِنَّ

۱- بلد: ۲- ۱

۲- مفاتیح الجنان.

۳- مفاتیح الجنان، دعای روز دوم ماه مبارک رمضان.

۴- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۷

للقلوب صدءاً كصدء النحاس فاجلوها بالاستغفار وتلاوه القرآن (۱)

تلاوت و انس با قرآن کریم و مصحف شریف ایمان و عقیده و صفای دل قاریان را بیش از پیش مستحکم می کند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

لقاح الايمان تلاوه القرآن (۲)

مثل المؤمن الذي يقرأ القرآن كمثل الأترجة ريحها طيب وطعمها طيب. (۳)

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

ليس شيء أشدّ على الشيطان من القراءة في المصحف نظر. (۴)

علی (علیه السلام) فرمود:

تعلموا القرآن فإنه أحسن الحديث وتفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب واستشفوا بنوره فإنه شفاء الصّيدور وأحسنوا تلاوته فإنه أنفع

القصص. (۵)

علی (علیه السلام) فرمود:

ما جالس هذا القرآن أحد ألاما قام عنه بزيادة أو نقصان، زيادة في هدى أو نقصان في عمى.

قرآن کریم دردهای درونی و ناینایی های باطن را شفا

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۴

۲- غرر الحکم.

۳- شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۰

۴- بحار الانوار ج ۹۲، ص ۱۹۶

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

می دهد. و چه بهتر که انسان این استشفا را در محل نزول آن؛ یعنی حرمین شریفین بخواهد و مؤانست و مجالست خود با قرآن را زیاد کند و از نور قرآن بهره گیرد که بزرگان اهل معرفت گفته اند: المجالسه مؤثره و خداوند متعال فرمود: ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ (۱)

قرائت و تلاوت قرآن سیره مستمره امامان علیهم السلام بوده است، به خصوص در حرمین شریفین و عتبات مقدس. سید جلیل القدر، علامه بزرگوار بحرالعلوم می گوید: وارد حرم علوی در نجف اشرف شدم، دیدم مولایم بقیه الله الاعظم - ارواح من سواه فداه - بالای سر مبارک امیر مؤمنان با صدای ملیح و شیوا، با جذب خاص ملکوتی قرآن تلاوت می کند، من نیز این شعر را ترنم کردم:

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن*** به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن (۲)

قرآن ذکر است

ذکر خدا در همه حال نیکو و پسندیده است و یکی از نام های قرآن نیز ذکر است؛ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ . (۳) و ذکر نام و یاد خدا، باطن انسان را نورانی و مرض های قلبی را شفا می بخشد و ضمیر آدمی را با خالق هستی مأنوس می سازد. علی (علیه السلام) فرمود:

۱- مزمل: ۲۰

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲

۳- حجر: ۹

ذکر الله ینیر البصائر ویؤنس الضمائر (۱)

ذکر الله دواء اعلال النفوس (۲)

أصل صلاح القلب اشتغاله بذكر الله (۳)

آنچه به این ذکر و تلاوت و نظر و قرائت روح و جان می بخشد اخلاص است.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمود: آن گاه که مردم به غیر خدا و کثرت عمل مشغولند و احیاناً بر آن فخر و مباهات می کنند، شما مواظب باشید عملتان خالص و مصفّی باشد. إذا رأیت الناس یشغلون بکثرة العمل فاشتغل بصفوه العمل (۴)

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

لو نظر الناس الى مردود الأعمال من السماء لقالوا ما يقبل الله من أحد عمل (۵)

زائر این سرزمین در اخلاص باید ابراهیم (علیه السلام) را الگوی خود قرار دهد؛ که با اخلاص تمام کعبه را بنا کرد و در حقیقت سنگ اصلی وزیرین کعبه، اخلاص ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بود که کعبه را ابدیت بخشید. اخلاص کیمیایی است کیمیاب که به هر کس ندهندش.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

۱- غرر الحکم.

۲- غرر الحکم.

۳- غرر الحکم.

۴- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۸

۵- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸

أصبح إبراهيم فرأى في لحيته شيباً شعره بيضاء فقال: الحمد لله رب العالمين الذي بلغني هذا المبلغ ولم أعص الله طرفه عين (۱).

اگر نیکو بنگری خواهی دید که در گذر تاریخ کم نبوده اند انسان های مخلص و فرهیخته ای که دل در گرو حق تعالی داشته اند و خداگونه می اندیشیده اند و بر اساس ارزش ها و فضیلت ها و کرامت ها گام بر می داشتند و سویدای دل خویش را با الماس اخلاص سودند و از پرتو اسرار حق صفا یافتند و اکنون در روزگار معاصر نیز شیدایان حق و والهان و شیفتگان معبود حقیقی که دل در یاد حق دارند نیز کم نیستند، اما هر انسانی باید به خود بیندیشد که فردای قیامت عمل دیگری برای ما نیست عمل ما هم برای او نیست (لا تزر وازره وزر آخری). (۲).

باید مثل سوختگانی شد که وقتی کلمه معبود و نام خالق هستی را می شنوند، نه تنها قلبشان می تپد که سراسر وجود آنها به لرزه در می آید. آنان چراغ و ضیای حق را در دل خویش روشن دارند و نمونه اش علی بن الحسین، سیدالساجدین و زین العابدین است که در میقات ذوالحلیفه، در هنگامه پرغوغای تبلیه می لرزد و می گوید:

خوف آن دارم که به من بگویند لائیک و لاسعدیک (۳) اینان شمع یاد خدا را همواره در جان روشن دارند.

۱- بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۸

۲- انعام: ۱۶۴

۳- بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۶

دلسوختگانی هستند که از زلال علم حقیقی حق و چشمه هدایت و نورانیت وحی و هدایت انبیا استفاده کرده و جان خود را سیراب کرده اند و از شراب طهور محبت خدا و نبی و ولیّ چشیده اند و نوشیده اند و اکنون نیز عاشقانه در صحرای عشق، دل به یاد او زنده نگه داشته اند که گام برتر گیرند و عطش روح و روان و نیاز روحی خود را از آن سیراب تر گردانند.

کسی که می خواهد با پاکدلان صبح و مسائی داشته باشد و در مسیر دلِ پاکانِ باطن بین گام بردارد، مناسب است از سرّ و سیر و مسیر آگاهی داشته باشد و از رهبران آن وادی، اسرار مسیر و طی طریق را بیاموزد. رهبران ما همان ذوات مقدسی هستند که کلام و روش و عمل و سکوت و سکون و تقریر آنان، همه نور است و هادیان به نورند.

امام هادی (علیه السلام) فرمود:

کلامکم نور و امرکم رشد و وصیتکم التقوی و فعلکم الخیر و عادتکم الاحسان و سجیتکم الکرّم. (۱)

اسرار را باید از کسانی آموخت که آنان از بشر نیاموخته اند، بلکه از خالق بشر دریافته اند؛ من لدن حکیم علیم بوده است و جویبار علوم آنان نشأت یافته از عالم دیگری است به نام عالم امر و مظهرِ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۲) می باشند و دیگران که بیراهه رفته اند، از

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲- سوره یس آیه ۸۲.

این گونه نعیم ها و نعمت های دلنواز محرومند و روح آنان در اضطراب و خشکیِ جهل و عطش و فقر بی هدایتی می سوزد. راستی راز و رمز احرام و طواف و سعی بین صفا و مروه و هروله، سرّ نماز در مصلاهی عشقِ ابراهیمی و اسماعیلی، مقام ابراهیم، حجر اسماعیل، حجرالأسود و استلام آن و حقیقت رکن یمانی را چه کسی باید بیان کند؟ بدیهی است باید امام معصوم بیان کند که مدار امت است. امیر بیان، علی بن ابی طالب فرمود: *وَأَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى* (۱) امام همواره مدار است و از اسرار عالم با خبر است. ائمه محرم راز و سرّ عفاف ملکوت اند، نه تنها امام ناسوتیان بلکه رهبر ملکوتیان نیز هستند.

اگر آدم ابوالبشر از خاک خلق شده است *إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ* (۲) علی (علیه السلام) ابو تراب است. تبیین اسرار مناسک حج و عمره، در شأن و توان معصومین (علیهم السلام) است. آنانند که باید حقایق نورانی شریعت نبوی را بیان کنند. چون که می دانند قهر و مهر خدا در چیست.

رسول خدا *وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ* . (۳) بود. امامان (علیهم السلام) که خلیفه و جانشین پیامبرند، نیز دارای همین کمال و ویژگی هستند و همه مشکاه واحد و مصباح فاردند و مظهر

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲- آل عمران: ۵۹

۳- نجم: ۳

... اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ... می باشند. همه نور واحد و در توازن واحد هستند، اما ویژگی های آن بزرگان تفاوت می کند و گرنه اگر صلح است یا قیام در برابر طاغوت، اگر خشیت است یا بکاء، اگر عزلت است یا جهاد، همه و همه بر اساس وظیفه الهی است. کجا و چگونه می توان به مقام عصمت علوی یا فاطمی پی برد؟! امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) فرمودند:

الإمامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اِكْتِسَابٍ بِلِ اِخْتِصَاصٍ مِنَ الْمُفَضَّلِ الْوَهَابِ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الإِمَامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ اِخْتِيَارَهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ خَسَّتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصَرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْيَاءُ وَ عَيَّتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ أَقْرَبَتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ وَ كَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يُعْنِي غِنَاهُ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النُّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِينَ (۱)

اگر دست شما به ستارگان دور و بلند آسمان رسید، فکر شما هم می تواند به عمق و ژرفای حقیقت امامت پی برد؛ هیئات، هیئات، آن دست کوتاه و آن فکر علیل و زبان در اوصاف آنان کلیل است! مقام امامت مقام بزرگی است که

انتصاب از جانب خالق است نه انتخاب از جانب خلق. قرآن هم با واژه جَعَلَ تعبیر آورده است. جعل همان انتصاب است؛ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ . (۱)

از لطافت های قرآن کریم این که واژه امامت (مفرد و جمع) دوازده بار در قرآن کریم آمده است. آیا این نکته ایهام به حقیقت امامت و حقانیت مذهب ندارد؟ و آیا می توان گفت که این لطیفه ربّانی امری اتفاقی است؟! خداوند حکیم علیم است و با یک حکمت و جاهت و توجه خاص در قرآن این چنین آورده است. مانند واژه موعظه و لسان که هر دو ۲۵ بار آمده است؛ یعنی از زبان باید فقط موعظه و پند را بهره گرفت. زبان مساوی است باموعظه و موعظه هم مساوی با لسان است. همچنین موت و حیات نیز هر یک ۱۴۵ بار آمده است و دنی و آخرت هر یک ۱۱۵ نوبت آمده است. پس اسراری وجود دارد و سرّ را باید از صاحب سرّ دریافت و بهره گرفت و اینها را شاید بتوان از مظاهر اعجاز نبوی دانست.

کرامت

کرامت و معجزه، هر دو خرق عادت است. امامان (علیهم السلام)، هم اعجاز دارند هم کرامت و مفسّران حقیقی قرآنند، بلکه عدل آن و به بینش دقیق تری خود قرآنند. علی (علیه السلام) در جنگ با

نهروانیان فرمود: چرا دنبال قرآن صامت می روید، قرآن ناطق منم. (۱) بزرگواری آنان اقتضا می کند که در حق ما گرفتاران، و نیازمندان و واماندگان دعا کنند.

مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت*** کند در حق درویشان دعایی

باید محرم شد تا توانست دست به ردای کبریایی آنان زد. جرم و جرم گناه انسان را با خوبان نامحرم می کند. باید گناهان را شست تا اجازه ورود به حرم را یافت و گرنه صِرفِ مُحَرَّم شدن ظاهری کفایت نمی کند. اگر توبه کردی و محرم شدی و به حرم آمدی، محرم خواهی شد؛ آن گاه است که پرده‌ها را کنار می زنند و اسرار را می نمایانند. آنچه مهم است اجازه ورود به حرم حقیقی است تا آن که وقتی وارد حرم شدی سرّ و اسراری را دریابی.

آنان که وارد وادی رحمت و حریم با حرمتِ خدا می شوند، صاحب‌دلانی هستند که سمیع و بصیرند و با نامحرمان می گویند:

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم*** با شما نامحرمان ما خامشیم

باید حجاب‌ها را درید و انانیت‌ها و عجب و اعجاب به نفس را کنار ریخت و از هر چه غیر اوست عاری شد و با فطرت الهی صرف، به وادی اقدس و حرم وارد شد تا محرم سرگردید و از اسرار لذت برد.

چیزی که رنگ و صبغه غیر الهی دارد، قابلیت پرواز به

کوی دوست و دیار محبوب را ندارد. مادامی که خطاب: *اِنَّا قَلَّمْنَا بِاِلٰی الْاَرْضِ* . (۱) گریبانگیر نفس بشری است کی و کجا می تواند رهرو و سالک راه حق باشد.

فطرت بشر اولاً و بالذات جز به کمال مطلق، به هیچ چیز دیگری توجه ندارد، اما همین فطرت اگر آلوده به رنگ های دنیایی و دام های شیطانی و اسارت های ابلیسی گردید، راه کمال بر او بسته می شود، مگر آن که رنگ ها را بزدايد و دام بگسلد و دیواره های اسارت را بشکند تا پرواز کند تا بر دوست و به هوای سر کوشش پرو بالی بزند. تا انانیت ها هست نمی شود.

تا خویشتنی به وصل جانان نرسی*** خود را به ره دوست فنا باید کرد

تا نفس و زمینه پاک نباشد، علم نه تنها کارگر نیست بلکه حجاب اکبر هم می شود. علم آن گاه چراغ راه و نور هدایت است که حق جو باشی و عاشق و دلداده حق. تهذیب نفس، تطهیر قلب و ترکیه جان لازم است تا راهت دهند. باید اشک نیمه شب و التماس و شوق و شعف را بدرقه این راه کرد تا به رشد و رشادت معنوی دست یافت. باید افعال قلوب را شکست و طاهر و مطهر شد تا در جرگه مطهرون در آمد؛ مگر نه آن است که: *فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ* . (۲)

همان گونه که به حقیقت قرآن جز مطهرون نمی رسند،

۱- توبه: ۳۸

۲- واقعه: ۷۹

به حقیقت ولایت و قرآن ناطق نیز جز مطهرون نمی توانند باریابند.

از میان زائران، جوانان به افق ملکوت نزدیک تر و برای وصول به مقامات معنوی موفق ترند؛ زیرا هر روز که از عمر انسان می گذرد، دل‌باختگی به دنیا، سرطان غفلت و قفل شیطانی در وجود انسان محکم تر و پر زنگارتر می شود.

روشن است که یکی از مکرها و کیدهای شیطان تسویف است؛ یعنی همواره به انسان وعده می دهد که بعداً به اصلاح نفس می پردازد و توبه می کنی. و بدین سان، تا زمان پیری انسان را پیش می برد و به گونه ای برنامه ریزی می کند که انسان بدون توبه از دنیا برود؛ چرا که او دشمن قسم خورده انسان است: **قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ . (۱)**

سعه صدر و بی اعتباری دنیا

همه باید از خالق اسرار بخواهیم که ظرفیت وجودیمان را فراخ و سعه صدرمان را افزون نماید. علی (علیه السلام) فرمود:

انَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهُ. (۲) این قلب ها ظرف هایی هستند که بهترین آنها جادارترینشان است.

جوانی هر انسان، بهار ادراک معارف الهی است و گرنه عمر می گذرد و به فرموده امام راحل (قدس سره القدوسی) باید گفت:

از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد*** جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش (۱)

غرورها و امیدهای کاذب شیطانی است که انسان را به وادی حیرت و خسران و حسرت سوق می دهد. انسان ابتدافکر می کند که دنیا حباب است، بعد می بیند آب است و سپس می بیند سراب است، بعد می بیند سراب هم خالی از آب است و هیچ است! لذا برخی از اهل معرفت فرموده اند:

ای هیچ، برای هیچ در هیچ مپیچ، که دنیا همه هیچ اندر هیچ است.

پیچیدن دور دنیا فسانه و فسونی است که موجب افسوس است که تارک حقیقی دنیا علی مرتضی (علیه السلام)، در نهج البلاغه شریف، دنیا را تحقیر کرد. قرآن هم فرمود:

... كَسْرَابٍ بَقِيَعَهُ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا ... (۲)

در این جا مشبه صعیف تر از مشبه به است، لذا قرآن اعمال اهل دنیا را تشبیه به سراب کرد و نفرمود که خود سراب است.

مکّه امّ القری

مکّه را بدان جهت امّ القری خوانده اند که گویا تمام اسرار

۱- دیوان امام خمینی قدس سره

۲- نور: ۳۹

قری وبلاد در آن نهفته است، نه تنها اسرار زمینی که رموز آسمانی نیز در آن مستور است. قرآن هم فرمود: ... لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ... (۱)

کعبه

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کعبه در محاذات بیت المعمور و بیت المعمور در محاذات عرش واقع است (۲) و عرش چون چهار رکن دارد، کعبه نیز مربع ساخته شده است و تسیحات اربعه که اسلام و نظام هستی مبتنی بر آنهاست، راز تربیع عرش است. آنچه که در عالم طبیعت است الگویی است از عالم مثال و عالم مثال الگویی است از عالم مجردات و بالأخره عالم مجردات الگویی است از اسمای حسناى الهی.

کعبه برابر عوالم بالا تنظیم شده است و تنزل عرش پروردگار است و بیت المعمور در آسمان چهارم است. (۳)

مرحوم حکیم میرفندرسکی گوید:

چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی*** صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی (۴)

کسانی که به طور شایسته پیرامون کعبه طواف می کنند، در عالم مثال، به بیت المعمور صعود کرده اند و اگر وظایف آن مرحله را نیز به شایستگی انجام دهند به مقام عرش الهی بار

۱- انعام: ۹۲

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۵۷

۳- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۵۷، باب ۴، ح ۹۶

۴- دیوان میرفندرسکی.

می یابند؛ همان گونه که حارثه بن مالک فرمود: کَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي وَقَدْ وَضِعَ لِلْحِسَابِ (۱)

خداوند متعال با قرار دادن کعبه به عنوان مطاف انسان ها، در واقع خواسته است که انسان ها به فرشتگان عرش الهی اقتدا کنند و حق را زمزمه نمایند.

خداوند متعال در آیات آغازین سوره طور سخن از بیت المعمور و سقف مرفوع دارد؛ وَالطُّورِ* وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ* فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ* وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ* وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ . (۲)

مرحوم امین الاسلام طبرسی (۳) ذیل آیه و البیت المعمور می فرماید: خانه ای است در زیر عرش پروردگار و خداوند متعال آن را بر چهار ستون زبرجد قرار داده و از یاقوت پوشانده است. به فرشتگان فرمود عرش را رها نموده بر پیرامون این خانه طواف کنید و فرشتگان از آن پس گرد آن خانه طواف کردند و در هر شبانه روز هفتاد هزار فرشته در آن خانه می آیند و می روند و دیگر هرگز به آن جا باز نمی گردند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلَى (۴) اساس و بنیان بیت عتیق از طبقه هفتم زمین تا طبقه هفتم آسمان و از روی زمین تا عرش اله است.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴

۲- طور: ۱-۵.

۳- مجمع البیان، جزء ۲۷

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۶، باب ابتداء الکعبه و فضلها.

إِنَّهَا قَبْلَهُ مِنْ مَوْضِعِهَا إِلَى السَّمَاءِ (۱)

قال الله تبارك و تعالی:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. (۲)

آیه شریفه با تأکید شروع می شود و تعبیر وضع در قبال رفع است و از تعبیر وضع استفاده می شود که کعبه تنزل یافته مثال آن چیزی است که در سماء رابع خلق شده است و الا چرا نفرمود: انَّ أَوَّلَ بَيْتٍ بُيِيَ أَوْ جُعِلَ وَ هَكَذَا وَ در علم ادب ثابت شده است که لام در نفع ناس است کعبه برای منفعت مردم است که در جای دیگر فرمود: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ (۳)

کعبه صدف است

کعبه صدفی است که دُرّ ثمین ولایت را در خود جای داد و تلاش برای رسیدن به کعبه در حقیقت تلاش برای وصال به حق و وصول به ولای علی است؛ زیرا علی مولودی است که شیر توحید را از سینه این امام نوشید و او گوهر این صدف است و روشن است که هر گوهری ارزشمندتر از صدف خویش است. به قول عارفی که می گفت: شیخ ما رو به کعبه دارد و من دل در نجف؛ چرا که گوهر این صدف اکنون در

۱- تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۸۳

۲- آل عمران: ۹۶

۳- حج: ۲۸

نجف آرمیده است.

به سوی کعبه رود شیخ و من به سوی نجف*** به حق کعبه که آن جا مراسم حق به طرف

تفاوتی که میان من است و او این است*** که من به سوی گهر رفته او به سوی صدف

امام صادق (علیه السلام) به ابن ابی العوجاء فرمود:

هذا بیت استعبد الله به عبادہ لیختبر طاعتهم فی إتیانہ فَحَثُّهُمْ عَلٰی تعظیمه و زیارتہ جعله محلّ انبیاء للمصلّین له فهو شعبه من

رضوانه و طریق یؤدی إلی غفرانه (۱)

کعبه در صورتی شعبه ای از رضوان خداست که انسان صدف و گوهر هر دو را قبول داشته باشد پذیرفته شده باشند و گرنه بدون گوهر قبل از اسلام هم بود، اما مرکز و جایگاهی برای نصب بت ها بود.

معلوم می شود که خداوند متعال این خانه را خلق فرمود تا خلق را به عبادت وادارد و انسان ها را با این عبادت و طاعت بیازماید. هدف از خلقت این بیت این بود که از علی پذیرایی شود. این خانه آماده شد و مادری به حرم آمد و احساس الم نمود و از فرط حیا دنبال خلوتگه راز می گشت، در بارگاه اله دست به دعا برداشت، خدایا! آبرویم را حفظ کن.

چون لایق شانش بُد زایشگهی غیر از حرم*** آمد ندای ادخلی او را ز حیّ ذوالکرم

یعنی تو غیر از مریمی باز آوزین در گه مَرَم*** خاص تو و فرزند تو ست رکنو مقامو مزدلف

این خانه را باید خدا یک روز معماری کند*** آدم بنایش برنهد نوحش پرستاری کند

وانگه خلیلش با پسر تا سقف حجاری کند*** آن یک در و بامش نهد و آن نقش و گچکاری کند

هریک ز آباء رسول پس خانه سالاری کند*** کامروز اندر خانه اش یک میهمانداری کند (۱)

آری، این همه برای آن است که کعبه یک روز از میهمان خود، علی پذیرایی کند و او را حفظ نماید.

آدم اولین حج گزار

آدم (علیه السلام) نخستین حج گزاری بود که بسان فرشتگان بر دور خانه خدا طواف کرد و پس از او فرزندانش به زیارت این خانه پرداختند (۲)، تا این که در عصر حضرت نوح، در اثر طوفان، جای کعبه پوشیده از آب شد و نوح و همراهانش که ۱۵۰ روز در کشتی بودند، به مکه آمدند. چهل روز پیرامون خانه خدا گشت سپس به سوی کوه جودی آمد و در آن جا مستقر گردید. (۳) جایگاه کعبه تا زمان حضرت ابراهیم از نظرها پنهان بود تا این که خداوند متعال محل آن را به ابراهیم نمایاند و ابراهیم از شام حرکت کرد و جبرئیل او را راهنمایی نمود تا به

۱- دیوان شمس اصطهباناتی.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۰۸

۳- بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۴۰

نشانه های حرم و جایگاه خانه رسیدند و مأموریت یافت به کمک اسماعیل دیوارهای کعبه را بالا برند و بیت عتیق را بنا کنند؛ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ ... (۱) و آن گاه فرمان داد پیرامون آن طواف کنند؛ ... وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ . (۲)

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

أَمَّا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بَوْلَايَتِهِمْ وَيَعْرَضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ (۳)

هدف آدم، ابراهیم و اسماعیل و ... آن بود که کعبه زیارتگاه و مطاف انسان ها گردد و در سایه آن، از درد و رنج یکدیگر آگاه شوند و منافعی هم عاید آنان گردد و رقاء و علو روحی نیز پیدا کنند.

احرام

احرام، به معنای داخل شدن در حرم یا حرام نمودن چیزی برمُحرم است. مُحَرَّم با پوشیدن لباس احرام و نیت و تلبیه بسیاری از محرمات را بر خود حرام می کند؛ و از آن جمله ترك اعمالی است که جنبه حیوانیت دارد. بدیهی است اعمالی که در شأن حیوانات است با تجرّد و موت اختیاری و سیر الی الله منافات دارد. انسان باید ابتدا محرم شود تا بتواند مُحرم

۱- بقره: ۱۲۷

۲- حج: ۲۹

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴

شود و گرنه مُجرم را به حرم راهی نیست، مگر آن که جرم و جرم را بزداید، به قول عارف صمدانی، ملا-محسن فیض کاشانی: از هر چه جز عشق رُحش استغفر الله (۱)

اهل سرّ و رمز و راز و اهل معرفت و شهود آموخته اند و گفته اند:

چو محرم شدی واقف خویش باش*** که مُحرِم به یک نقطه مُجرِم شود

در اثر گناه، نقطه ای سیاه در صفحه سفید قلب و صحیفه عمل انسان ظاهر می شود. هر چه گناه افزون تر گردد نقطه سیاه گستره بیشتری می یابد تا جایی که:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ . (۲)

گرچه وصالش نه به کوشش دهند*** آن قدر ای دل که توانی بکوش

طواف

مناسب است انسان در حال طواف خود را به صورت جست و جوگری درآورد که گویا حقیقتی را گم کرده و در جستوجوی آن است، شاید که در این اشواط و ادوار مکرر آن حقیقت را دریابد و آن حقیقت گم شده همان ذات اقدس اله است.

۱- دیوان فیض کاشانی.

۲- روم: ۱۰

انسان طائف و زائر، میهمان خداست و باید در این سفر بکوشد جایزه میهمانی را دریافت کند که همانا سند برائت و نجات از جهنم می باشد.

سید الساجدین (علیه السلام) در دعای افتتاح از خدا درخواست می کند:

بِرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ فَكُتِبَ لَنَا وَ فِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَ فِي عَذَابِكَ وَ هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَ مِنَ الضَّرِيعِ وَ الزَّقُومِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَ مَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَجْمَعْنَا وَ عَلَيَّ وَ جُوهِنَا (فِي النَّارِ) فَلَا تَكْتَبِنَ (۱)

علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود:

فاذا بلغت الحرم فاغتسل قبل أن تدخل مكة و امش هنيهة فاذا دخلت مكة و نظرت الى البيت فقل: الحمد لله الذي عظمك و كرمك و جعلك مثابه للناس و أمناً و هدى للعالمين، ثم ادخل المسجد حافياً و عليك السكينة و الوقار ثم تطوف بالبيت تبدء بركن الحجر الأسود و قل: أمانتي أديتها و ميثاقي تعاهدته ليشهد لي بالموافاة (۲)

این حدیث شریف پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هم ادب احرام و هم ادب طواف و استلام حجر را یاد آور می شود:

طواف بر گرد بیت الله الحرام، دارای فضیلت بسیار و ارزش والایی است.

مَا مِنْ طَائِفٍ يَطُوفُ بِهَذَا الْبَيْتِ حِينَ تَرُؤُلُ الشَّمْسُ حَاسِراً عَنْ رَأْسِهِ حَافِئاً يُقَارِبُ بَيْنَ خُطَاهُ وَ يَغُضُّ بَصَرَهُ وَ

۱- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۹

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۹

يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ فِي كُلِّ طَوَافٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذِيَ أَحَدًا وَلَا يَقْطَعَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ لِسَانِهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَجْرًا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَأَعْتَقَ عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ ثَمَّنُ كُلُّ رَقَبَةٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَشَفَّعَ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقُضِيَتْ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حَاجَةٍ إِنْ شَاءَ فَعَاجِلُهُ وَإِنْ شَاءَ فَأَجَلُهُ. (۱)

در این حدیث شریف، از مسائل مهم، آن است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: مواظب باشید که در حال طواف به دیگران آزار نرسانید من غیر آن یوژی أحد

نکته دیگر رکن یمانی است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: از لحظه ای که خداوند متعال آسمان ها و زمین ها را آفرید، فرشته ای را موکل کرد که در کنار رکن یمانی برای استجابت دعا آمین بگوید؛ یعنی آن گاه که به رکن یمانی رسیدی توجه به دعا داشته باش.

راوی می گوید از امام صادق شنیدم که فرمود:

إِنَّ مَلَكًا مَوْكَلًا بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ مِنْذُ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ لَيْسَ لَهُ هَجْرٌ إِلَّا التَّأْمِينَ عَلَى دَعَائِكُمْ فَلْيَنْظُرْ عَبْدٌ بِمَا يَدْعُو، فَقُلْتُ لَهُ مَا الْهَجِيرُ فَقَالَ كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ الْعَرَبِ أَيْ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ. (۲)

و مستحب است که بگویی:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۰۶

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۲

مقام ابراهیم

مقام ابراهیم گواه روشنی است بر توحید و آیتی است از آیات الهی و بیینه ای از بینات.

ابراهیم (علیه السلام) در آن جا ایستاد و مردم را به فرمان خداوند که فرمود: **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ . (۱)** به حج فراخواند. بدین سان پای مبارکش در سنگ فرو رفت و اکنون قرن ها می گذرد و همچنان اثر پای آن پیامبر عظیم الشأن در آن سنگ باقی است: **فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۲)** و خداوند دستور داد که: **... وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (۳)** خداوند متعال این اثر را پیوسته حفظ خواهد کرد و این کار بر او دشوار نیست؛ **... وَلَا يُؤَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . (۴)**

حجر الأسود

نقطه آغاز و انجام هر طواف حجر الأسود است که در زاویه کعبه، کنار در بیت الله الحرام قرار گرفته است و این علامت، خود آیتی از آیات بینات الهی است و برای این که

۱- حج: ۲۷

۲- آل عمران: ۹۷

۳- بقره: ۱۲۵

۴- بقره: ۲۵۵

طائف و زائر خانه خدا با خدا پیمان ببندد، مستحب است حجر را استلام کند و این استلام به معنای دست دادن با خدا و میثاق بستن با خالق کعبه است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

الحجر یمین الله فمن شاء صافحه به .

الحجر الأسود یمین الله فی أرضه یصافح بها عباده المؤمنین .

طوفوا بالبیت واستلموا الرکن فأنه یمین الله فی خلقه یصافح بها خلقه مصافحه العبد أو الرّجل یشهد لمن استلمه بالموافاه. (۱)

حجرالاسود دست راست خدا در زمین است که استلام آن، مصافحه با پروردگار محسوب می شود و این بدان جهت است که خداوند متعال برای آن که در دنیای طبیعت و حسّ، محلّ میثاقی داشته باشد، فرمان داد کعبه را ساختند و در رکنی از ارکان آن، سنگ خاصی را به عنوان یمین الله فی أرضه قرار دادند تا کسی که بر حجرالاسود دست می گذارد و استلام می کند با دست راست خدا مصافحه کرده باشد. زائر بدین وسیله متعهد می شود و با خدا پیمان می بندد که دیگر دست به گناه و معصیت نیالاید و با بیگانه دست خیانت ندهد. ذات اقدس پروردگار منزّه از جسم و ماده است. او مجرد محض است و این با زبان مخاطب سخن گفتن، تشبیه معقول به

محسوس است و گرنه او به گونه انسان ها دست ندارد تا راست و چپ داشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

وَ دُخُولِ الْبَيْتِ مُتَّحِقًا لِتَعْظِيمِ صَاحِبِهِ وَ مَعْرِفَةِ جَلَالِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ اسْتِلْمِ الْحَجَرِ رِضَىٰ بِقِسْمَتِهِ وَ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ. (۱)

استلام حجر کن و اظهار رضایت نما از قسمتی که خداوند به تو لطف کرده است و در برابر عزت شکست ناپذیر آن عزیز حقیقی خضوع کن.

دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر*** که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

امام زین العابدین (علیه السلام) خطاب به شبلی فرمود:

صافحت الحجر ووقفت بمقام ابراهیم و صلّیت به رکعتین؟ قال: نعم، فصاح (علیه السلام) صیحه کاد یفارق الدنیا ثم قال آه، آه، من صافح الحجر الأسود فقد صافح الله تبارک و تعالی .

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

فَالرُّكْنُ الْأَسْوَدُ بَابُ الرَّحْمَةِ إِلَى الرُّكْنِ الشَّامِيِّ فَهُوَ بَابُ الْأَنْابَةِ وَ بَابُ الرُّكْنِ الشَّامِيِّ بَابُ التَّوَسُّلِ وَ بَابُ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ بَابُ التَّوْبَةِ وَ هُوَ بَابُ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) وَ شِيعَتِهِمْ إِلَى الْحَجَرِ. (۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۶۳۰

پیامبر (صلی الله علیه وآله):

من فاوضه فأنما يفاوض يد الرحمن.

تفسیر الحدیث هو ان المفاوضه هی المحادثه والمذاکره لکن استعیرت هنا للمصافحه تشبیهاً لها بالبیعه التي یباع الانسان غیره ویتلقى ذلك الغير تلك المبیعه بالقبول فکأنما یتحادثان ویتبادلان القول بالتعهد من طرف والقبول من آخر. (۱)

ابن عباس گوید:

لیس فی الارض من الجنه الا الرکن الاسود والمقام فانهما جوهرتان من جوهر الجنه ولولا ما مسهما من اهل الشرك ما مسهما ذو عاهه الا شفاه الله تبارک وتعالی. (۲)

بی حد و حصر در خانه تو را می کوبم؛ چرا که امین وحی تو و ولی من رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

من قرع باباً ولج ولج من طلب شیئاً وجد. (۳)

خدایا! مبادا رانده در گاه تو گردم.

گفت پیغمبر که چون کوبی دری*** عاقبت زان در برون آید سری

چون کشی هر روز از چاهی تو خاک*** عاقبت اندر رسی در آب پاک

۱- السنن الکبری، حدیث ۴۹۷۵

۲- تاریخ ازرقی، ص ۲۴

۳- منیه المرید، شهید ثانی.

سایه حق بر سر بنده بود*** عاقبت جوینده یابنده بود (۱)

دستور است که در هنگام سعی این نجوا و دعا و مناجات را با ربّ الارباب داشته باشی.

یا من أمر بالعفو.

یا من هو أولى بالعفو.

یا من یحب العفو.

یا من یثبت علی العفو - العفو العفو العفو.

یا جواد یا کریم یا قریب یا بعید اردد علی نعمتک واستعملنی بطاعتک ومرضاتک. (۲)

ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند:

ما من بقعه أحبّ إلی من المسعی لأنه یذل فیہ کل جبار. (۳)

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

جعل السعی بین الصفا والمروه مذله للجبارین. (۴)

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

فاذا سعیت بین الصفا والمروه سبعة أشواط كان لك بذلك عند الله عزوجلّ مثل أجر من حجّ ماشياً من بلاده ومثل أجر من

أعتق سبعین رقبه مؤمنه. (۵)

۱- مشنوی مولوی.

۲- مناسک حج.

۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۱.

۴- همان.

۵- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۴

تقصیر

زائر در پایان سعی میان صفا و مروه، بر فراز کوه می ایستد، تقصیر می کند، مویا ناخن کوتاه می کند؛ یعنی خدایا! آرزوهای نفسانی و خواهش های حیوانی ام را کوتاه و مرا به خودت وصل گردان!

ادب وداع بیت

قلت لأبي عبدالله: فمن أين أودع البيت؟ قال: تأتي المستجار بين الحجر والباب فتودعه من ثم، ثم تخرج فتشرب من زمزم ثم تمضي، فقلت: أصبُّ على رأسي فقال: لا تقرب الصَّب. (۱)

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

فلیکن آخر عهدک بالبيت أن تضع يدک علی الباب وتقول: المسکین علی بابک فتصدق علیه بالجنه. (۲)

امام صادق (علیه السلام) همچنین فرمود:

إذا أردت أن تخرج من مكَّه وتأتى أهلك فودع البيت وطف بالبيت أسبوعاً وان استطعت أن تستلم الحجر الأسود والركن اليماني في كل شوط فافعل والّا فافتح به واختم به فان لم تستطع ذلك فموسّع عليك ثم تأتي المستجار فتصنع عنده كما صنعت يوم قدمت مكَّه وتخیر لنفسك من الدعاء ثم استلم الحجر الأسود ثم الصق بطنك بالبيت تضع يدك على الحجر والأخرى مما

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹۰

۲- همان.

یلی الباب واحمد الله واثن عليه وصلّ علی النبی. (۱)

مناسک حج و عمره مانند دیگر عبادات، انسان ساز است. مناسب است زائر هنگام وداع، حالت بسیار متفاوت نسبت به هنگام ورود به بیت الله الحرام داشته باشد و این تفاوت حال و وضع روحی را احساس کند. بزرگان و اولیای دین چنین بودند. آنان وقتی وارد حرم می شدند، حالتی داشتند که با هنگام وداع و خروج از مسجدالحرام تفاوت اساسی داشت. خداوند ما را نیز مانند آنان و رهرو راهشان قرار دهد!

جلد ۴

اشاره

آزموده ها (۴) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

مقدمه

روند روبه رشد تکامل و فراگیری خدمات نظام جمهوری اسلامی ایران به زائران بیت الله الحرام به ویژه در بخش فرهنگی و معنوی نتیجه بازگوشدن و به کارگیری تجربیات روحانیون کوشا و دلسوز کاروانهاست که هر ساله بر این تجربیات افزوده می شود و زائرانی که تشریفهای مکرر دارند از این رشد و توسعه به خوبی آگاهی دارند. پیش از این طی سه شماره از آزموده ه بخشی از تجربیات بیان شد، اکنون بر آنیم که بخش دیگری را در این شماره متذکر شویم و به همراه آن به مأموریت خاص خواهران معینه کاروانها و ارزیابی عملکرد روحانیون پردازیم.

بخش دیگری که در این شماره به آن پرداخته می شود توضیحی است پیرامون برخی از شبهاتی که در سالهای اخیر از ناحیه بعضی از مأمورین دگراندیشان، زائران ایرانی را هدف گرفته و بدون ملاحظه در کتب و منابع خودشان و اعتقادات واقعی شیعیان سیل افتراء و اتهام را به ارادتمندان اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)

روانه می سازند.

بدیهی است شناخت زمان و نیازهای آن و بهره برداری به موقع با رعایت حساسیتهای آن می تواند موفقیت های خوبی را به دنبال داشته باشد. امروز که همه ما به سوی خانه خدا در حرکت هستیم از حساسترین زمانهای تاریخ معاصر است ستم های رژیم صهیونیستی به امت مسلمان فلسطین و گسترش اشغال کشورهای

اسلامی فلسطین، افغانستان، عراق و ... توسط استکبار جهانی این پیام را به همه ما دارد که باید به دقت تمام ضمن توجیه برادران و خواهران زائر شبه زده در رفع شبهه از اذهان پر از شبهه که گهگاه سراغ ما می آیند در صورت توانایی پردازیم و در رفع شبهه از منابع خودشان بهره ببریم.

در خاتمه ضمن آرزوی موفقیت روحانیون محترم کاروانها در انجام وظیفه و مأموریت واگذار شده و استفاده از تجربیات مفیدی که حاصل تلاش همکارانتان می باشد امید است تجربیات و تذکرات مفید خود را در جهت درج در شماره های بعدی به معاونت امور روحانیون منعکس نمایید.

معاونت امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری

واحد آموزش

آزموده ها و وظایف روحانیون کاروان های حج

اشاره

چند آزموده در ایران

در جلسات ایران و قبل از سفر باید در توجیه و آماده سازی روحی و معنوی زائر برای سفر و تأمین کاستیهای احتمالی کوشش و در این راستا در تبیین مسائل ذیل اقدام شود:

دعوت الهی و استفاده از این فرصت ویژه و طلایی، خودسازی و پرهیز از خلیات مذموم، ادای دیون و حقوق مردم، سعی در کسب رضایت صاحبان حق و کسانی که به آنها ظلم شده و یا آبروی آنها را ریخته ایم، تصمیم در اصلاح نفس خویش در این سفر، آشنا شدن با کلیات مناسک، احکام مورد نیاز از قبیل وضو، غسل، تیمم و نماز، انتظارات اسلام و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) از زائر خانه خدا ... به ویژه سه ت (۱) تصحیح قرائت و تلبیه، (۲) تقلید، (۳) تخمیس مال. در این باره می توان از همکاری امام جماعت محل سکونت زائر کمک گرفت و با معرفی زائران به ائمه جماعت محل سکونتشان، زمینه ارتباط آنان را با مساجد محل بیشتر کرد. (۱)

دومین نکته تقلید: توضیح در امر تقلید، هدف دین از تقلید، تقلیدهای ممدوح و مذموم، آثار تقلید صحیح که همان رجوع به متخصص و از جمله مسائل عقلی است که در تمام دنیا و با تمام تفکرات معمول و مرسوم است بیان شود. حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) مؤسس حوزه علمیه قم در مورد تقلید فرموده بود. گنجی که خداوند در عالم خلقت نهان ساخته،

۱- جهت تصحیح قرائت و تلبیه از نوارهای کاست و مقوای چاپی نشر مشعر می توان استفاده کرد.

راه دسترسی و کشف آن را در شناخت نقشه دقیق و عمل کردن به آن قرار داده که خلاصه می شود در اجتهاد (شناخت نقشه شخصاً) و یا تقلید که از شناخت و تحقیق افراد کارشناس در این حوزه می توان استفاده کرد.

سومین نکته ویژه مسئله تخمیس مال است. در این محور روحانیون زائران را به اصل عبادی بودن و لزوم قصد قربت در پرداخت خمس و تأثیرات معنوی آن در روان فرد و پاک شدن مال توجه دهند و تذکر داده شود که خود زائران نزد مراجع خویش و یا نمایندگانشان بروند و به تطهیر مال خود اقدام کنند.

قابل یادآوری است وظیفه روحانیون محترم کاروانها در بیان احکام و ارائه طریق همانند سایر عبادات است.

آنچه زائران در حرمین شریفین به آن عموماً نیاز پیدا می کنند به ویژه در بعد معنوی مانند مطالعه کتابهای تاریخی، عقیدتی، آشنایی با اماکن، معارف و اسرار و غیره، در ایران تهیه و مقداری که لازم است مطالعه کنند.

در مدینه

نقش روحانی در کاروان نقش هدایتی پیامبران الهی در مقیاس بسیار کوچک آن است که زائران را به پاکي، اخلاص و صفای باطن و به راه خدا راهنمایی می کنند. در این جایگاه، روحانی موفق کسی است که در اخلاق شخصی و قور، متین، قانع، مخلص، خستگی ناپذیر، بی توقع، دلسوز، عامل به توصیه های معنوی و در برخورد اجتماعی متواضع، با محبت، احترام گذار به شخصیت زائران باشد (زائران را میهمانان واقعی خدا بدانند و خود خدمتگزار واقعی آنان باشد) و در انجام رسالت سنگین خویش، خود عامل به معارف باشد و مطالب لازم و ضروری را مقدم بدارد و در سخنرانی، مطالب کوتاه، مستند و رسا را با بیان قابل فهم و پرهیز از اصطلاحات خاص حوزه ارائه دهد و تلاش کند زائران به اخلاص در عمل بیشتر توجه داشته باشند تا به حفظ و تکرار نیتهای طولانی که برای اعمال و مناسک گفته می شود.

مدینه شهر پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام است. همان گونه که به زیارت تربت پاک آنان می رویم، سوغاتی از صحبت‌های کوتاه و سیره اخلاقی آنان برای زائر داشته باشیم. جای جای مدینه خاطرات جانبازیهای پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و اصحاب باوفایشان را در خود نهان دارد. مناسب است علاوه بر زیارت دوره زائران را به زیارت ویژه شهدای احد و بازدید ویژه از مسجد قبا راهنمایی کنند که برابر روایات دو رکعت نماز در آن ثواب عمره را دارد.

در میقات

فرصت حضور در میقات را به سه بخش می توان تقسیم کرد. در بخش اول یادآوری لحظات احرام معصومین (علیهم السلام) و ایجاد زمینه های توبه و انابه. در بخش دوم چند دقیقه به زائران مهلت داده شود که هر کس بین خود و خدای خویش اظهار توبه و استغفار داشته باشد. و در بخش سوم تلقین تلبیه و در نهایت بررسی اینکه همه محرم شده باشند چون به تلبیه جمعی نمی توان اعتماد کرد.

در میان زائران، بعضی از انجام اعمال به صورت صحیح احساس دلهره و ترس دارند. روحانی کاروان در آموزشهای خود باید این اطمینان را به زائران بدهد که: ۱. اعمال ساده است ولی دقیق ۲. همه در انجام صحیح اعمال موفق هستند ۳. شلوغی احتمالی و هر مسئله دیگری نمی تواند مانع از انجام صحیح اعمال شود ۴. تأکید بر این امر که در همه مراحل اعمال، من در خدمت شما هستم و اگر کسی با مشکل روبه رو شد حل خواهیم کرد. ۵. با فرصت دادن به زائران جهت سؤال و پاسخ می توان ضمن تخلیه روانی، اعتماد به نفس زائر را بالا برد تا از شکهای خیالاتی کاسته شود و زائران اعمال مطلوب و دلچسب داشته باشند، چون بسیاری از آنان فقط به همین یک سفر مشرف می شوند. نظر به جمعیت زیاد زائران به ویژه در موسم حج بجاست در ایستگاههای بین راه پیش بینی های لازم از جمله تجدید وضو انجام گیرد.

در مکه مکرمه

انتخاب زمان انجام اعمال بسیار مهم است. به تجربه ثابت شده است که در ابتدای روز، حدود یک ساعت پس از انجام نماز صبح، به دلیل وسعت وقت و شادابی زائر و استراحت کافی و گرم نبودن هوا وقت مناسبی برای انجام اعمال عمره تمتع است. در صورت لزوم می توان با سازماندهی، کاروان را به گروههای کوچک تر تقسیم کرد و با برنامه ریزی و نظارت بر اعمال سرگروههای با سابقه و آشنا زائران را در انجام مناسک یاری داد.

در مکه فرصت بسیار خوبی برای روحانی کاروان است تا با شناختی که از روحیات و نیازهای زائران پیدا کرده برابر نیازهایشان به صورت غیر مستقیم از روایات و آیات بهره برده آنان را در رشد معنوی یاری دهد.

از حضور در مسجد الحرام و قرائت و ختم قرآن گروهی و خواندن دعای مجیر یا نمازهای قضا به ویژه در فاصله بین نماز مغرب و عشا غفلت نکنند.

بانوان زائر، نیازها و تمهیدات

اشاره

بیش از نیمی از زائران کاروانها را بانوان تشکیل می دهند. بعثه مقام معظم رهبری همراه با سیاستهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در زمینه واگذاری بخش فرهنگی حج به بانوان، اقدام به گزینش جمعی از خواهران خدمتگزار نمود که در حدود یک سوم از کاروانهای حج امسال (۸۲) با راهنمایی روحانیون کاروان مشغول انجام وظیفه خواهند شد.

الف: جلسه ویژه بانوان در ایران

چند نکته ضروری بیان می شود، مانند:

۱. توجیه نسبت به تهیه لباس احرام مناسب (بلند، گشاد و ضحیم)، مشورت با پزشک بانوان در نحوه استفاده از قرص یا عدم استفاده، پیش بینی نیازهای شخصی و ویژه، تنظیم برنامه ای با شرایط آب و هوای عربستان در حفظ توانایی جسمی برای اعمال.

۲. تبیین مسائل خاص بانوان و مناسک ویژه آنان و بیان اخلاق و

آداب تشریفشان، راههای حفظ شخصیت زن مسلمان و گروه بندی بانوان در صورت نیاز در اداره روان تر و صحیح برنامه های جلسات و مناسک بانوان، شناسایی فرهیختگان کاروان و استفاده از آنان در برنامه ها.

۳. بانوانی که به تنهایی مشرف می شوند، اجازه شوهر خود را جهت نذر در صورت نیاز به احرام قبل از میقات داشته باشند.

در سایر موارد با آقایان مشترک هستند.

ب: در مدینه

۱. مدینه حرم پیامبر و حریم زهرای مطهر و زینب کبری سلام الله علیهم است و بهترین محل برای شناخت بانوان نمونه صدر اسلام است، آنان که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره جایگاه ارزشمندشان مطالبی بیان داشته اند، همانند ام الائمه و سیده نساء العالمین کوثر پیامبر و حامی ولایت فاطمه زهراء (علیها السلام)، فاطمه بنت اسد و خدمات شایان وی به اسلام و پیامبر، ام البنین همسر علی (علیه السلام)، صفیه عمه پیامبر و حضورش در احد، زینب کبری و جلسه تفسیر قرآن و همگامی با سید الشهداء (علیه السلام)، ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و خدمات وی، و همسر حنظله غسیل الملائکه که دختر عبدالله ابن ابی بود، ولی این عروس یک شبه با درایت تمام فرزند حنظله را برای جبهه اسلام تربیت کرد، و سایر بانوان با شرافتی که در صدر اسلام درخشیدند و در تاریخ الگوی دیگران گردیدند.

۲. مدینه و مکه سرزمین ارزشمند وحی است. بهره گیری از تفسیر آیات قرآن ویژه بانوان، روان آنان را با خاطرات زمان نزول وحی در مکان نزول و محتوای آن آمیخته می سازد. در این راستا از آیات سوره احزاب، سفارشهای قرآن به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آیاتی از سوره نور، آیات مربوط به مسائل خاص بانوان می توان بهره گرفت.

۳. بانوان را در تنظیم برنامه های شبانه روزی در رفتن به حرم و حضور در جلسات، استراحت، مطالعه در تاریخ گذشتگان به ویژه نقش بانوان عصر پیامبر در فراگیر شدن اسلام و حمایتهای فراوان

آنان از همسران سلحشوری که بیشتر ایام را در جبهه های دفاع از اسلام سپری می کردند و وظایف ما در قبال آنان، قرائت قرآن و غیره توصیه کنید.

۴. در رفت و آمد به مسجد النبی و یا مسجد الحرام به ویژه پس از اتمام نمازها وسایل نقلیه با تراکم جمعیت زائر روبه روست، بانوان سعی کنند با تأخیر از مسجدالنبی و مسجدالحرام خارج گردند تا با تراکم روبه رو نشوند و در تراکم توجه به پیران و اموال خویش و رعایت مسائل شرعی در این شرایط داشته باشند.

۵. شور و اشتیاق زیاد به زیارت خانه خدا و دلهره و اضطراب از عدم موفقیت در انجام صحیح اعمال دو عامل ناهنجار زاست. البته هر کدام در حد اعتدال مطلوب است تا دقت در ادای مناسک باشد. فریادهای تکرار تلبیه بانوان در مسجد میقات یا ادعیه در مطاف، مسعی و یا استلام و تقبیل حجر الاسود و غیره زاییده شور و اشتیاق زایدالوصف است و افسردگی، انزوای طلبی، یأس از رحمت الهی، حیض های زودرس، و لک دیدنها و مانند آن نتیجه دلهره و اضطرابهاست. به آنان اطمینان داده شود که اعتدال و دقت در همه موارد موجب صحت اعمال و رضایت الهی است. در تکرار اذکار و تلبیه حتماً رعایت کنند که آن را آهسته بگویند.

۶. جمعی از بانوان لباس احرام آماده از بازار تهیه می کنند. بعضی لباسها بسیار نازکند و اگر محرم عرق کند حالت پوشش آن بسیار کم می شود. بنابراین لازم است در مدینه قبل از حرکت حتماً لباس و ضخامت آن بررسی شود. در این سالها که حج در فصل زمستان برگزار می شود شاید پوشیدن پیراهنی هم رنگ زیر لباس احرام برای بانوان بهتر باشد.

۷. بانوان زائر سراسر جهان اسلام در حرمین شریفین بیش از وطن خودشان مقید به پوشش و حجاب خود هستند. در این بین مواردی نیز دیده می شود که خانمهای زائر از چادرهای رنگی و یا لباس تنگ استفاده می کنند که این حرکت با منش و توصیه های اولیای دین همخوانی ندارد.

ج در مکه مکرمه

۱. تنظیم برنامه و زمان انجام مناسک بانوان و پیش بینی نیازها با توجه به شناختی که در طول سفر پیش آمده است.
۲. نماز طواف واجب را در منتهی الیه صفوف طواف کنندگان و حتی المقذور پشت سر آقایان انجام دهند و از ایستادن جلوی آقایان و یادر صفوف طواف کنندگان پرهیز کنند. نماز طواف مستحبی را همه جا می شود خواند، اختصاص به محل خاصی ندارد.
۳. کسانی که نماز طواف را بین صفوف طواف کنندگان می خوانند، ضمن آنکه در کنار خانه خدا سد معبر می کنند و یا سبب به هم خوردن طواف حاجیان می شوند، در معرض دید و تنه خوردن مرد نامحرم و عدم حضور قلب و آرامش بدن و وهن به مذهب نیز قرار می گیرند.
۴. در مکه مکرمه، سرزمین وحی و توحید، از فداکارهای حضرت خدیجه سلام الله علیها، حضرت هاجر و سمیه و جایگاه آنان در نزد خدای بزرگ و پیامبر گرامی اسلام سخن گفته شود.
۵. بعضی از بانوان در تهیه سوغاتهای مورد نظر خویش با همراهان ناهماهنگی دارند و با تحت فشار قراردادن همراهان موجبات تلخی این سفر را فراهم می کنند. یادآوری این نکته لازم است که تهیه سوغات آن هم در شأن و امور معنوی امری مستحب است ولی برخوردها به ویژه پس از اعمال حج می تواند آثار معنوی حج را تباه کند.
۶. توجیه بانوان به راهکارهای حفظ نورانیت حج و سعی در خودسازی، تا ضمن حفظ دستاوردهای این سفر الی الله، زمینه های علاقه مندی و فرهنگی برای دیگران فراهم گردد.
۷. در صورت امکان، جهت بانوان زائر شهرستانی پس از سفر جلسه گردهمایی توسط مبلغه تشکیل گردد و در حفظ و نگهداری نورانیت حج کوشش شود.
۸. بعضی از بانوان بدحجاب را می توان با واگذاری مسئولیتی به

آنان در کاروان زمینه های جذب و علاقمندی آنان را فراهم نمود.

وظایف روحانی کاروان

کلیه وظایف توجیه، اداره مسائل فرهنگی و نظارت بر حسن انجام مناسک بر عهده روحانی کاروان است. این مسئولیت در کاروانهایی که معین و یا معینه دارد بین روحانی و معین و معینه تقسیم می شود و با هماهنگی و همکاری با روحانی این مسئولیت انجام می گیرد.

وظایف خواهران معینه: وظایف خواهران معینه در جلسه شورای برنامه ریزی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت مورخ ۸۱/۷/۲۹ به شرح ذیل تصویب شده است:

بیان احکام عمومی بانوان،

بیان احکام ویژه بانوان،

بیان مناسک خاص بانوان،

تبیین اخلاق و آداب و معارف برای بانوان،

معرفی اماکن و بیان تاریخ اسلام،

حضور در میقات و همراهی با بانوان و ارشاد آنها نسبت به نیت و محرم شدن،

همراهی با خواهران در مسجد النبی (بخش خواهران)،

آزموده ها؛ ج ۴؛ ص ۱۲

راهی با خواهران در مسجد الحرام،

همراهی بانوان هنگام حرکت از مشعرالحرام و رمی شب دهم،

کنترل اعمال بانوان.

کارهایی که انجام آن برای خواهران معینه ممنوع است

دعا و زیارت و قرآن خواندن با صدای بلند و در مجامع عمومی که مردان حضور دارند، مانند پشت بقیع و در مسجد الحرام، ایستادن در میان بانوان در این گونه اماکن و با صدای بلند سخنرانی کردن.

روحانیت شیعه همیشه با توجیه، توصیه و تذکر که نتیجه سه اصل

مهم هدایت، حمایت و نظارت است در تاریخ درخشیده و رشد کرده است و همیشه روحانیون موفق خود را بر اساتید خویش عرضه می کرده اند تا با ارزیابی آنان، در راه ترمیم کاستیها و افزایش پاکیهایشان یاری کنند. این امر پسندیده در راستای خدمت ارزشمند روحانیون کاروانها به زائران بیت الله الحرام در جهت رشد و بالندگی بیشتر روحانیون در زمینه های ۱. تواناییهای فردی ۲. رسیدگی به زائران ۳. ارزیابی همکاران، در چهارچوب محورهای ذیل توسط رابطین روحانیون انجام می گیرد:

۱. رسیدگی به امور دینی زائران،
۲. آموزش احکام و مناسک حج،
۳. ابتکار و نوآوری و خلاقیت در کار،
۴. معرفی اماکن مکه و مدینه،
۵. همراهی با زائران در مکه و مدینه و مسئولیت پذیری،
۶. مردم داری و حسن معاشرت با زائران و همکاران،
۷. قدرت بیان و سخنوری با در نظر گرفتن زمان و مکان،
۸. التزام عملی به مواضع نظام،
۹. رعایت شئون روحانیت،
۱۰. استفاده صحیح از اوقات فراغت زائران،
۱۱. مدیریت و نظم و انضباط در کار،
۱۲. توانایی جسمی،
۱۳. التزام عملی به سیاستهای بعثه و هماهنگی با مسئولان و حضور به موقع در جلسات،
۱۴. ویژگی خاص (آشنایی با زبان خارجی، سخنور معروف و غیره)
۱۵. نظریه معین / روحانی،

۱۶. نظریه مدیر،

۱۷. میزان موفقیت در جلسات قبل از عزیمت،

۱۸. میزان موفقیت در سازماندهی کمیته فرهنگی و گروه ارشاد،

۱۹. نظریه زائران،

۲۰. نظریه نهایی رابط.

رابطین محترم امور روحانیون با اطلاع از وظایف روحانیون، کاروان و ویژگیهای آن، سطح علمی زائران، پراکندگی شهری زائران کاروان، تواناییهای شخص روحانی و یا معین و معینه در چهارچوب مقررات مربوطه به ارزیابی روحانیون کاروان اقدام می کنند.

نتیجه ارزیابی رابطین (۱) شناسائی کاستیها و برنامه ریزی جهت اصلاح موارد ضعف و کاستی (۲) قدردانی از افراد پرتلاش و فعال (۳) تذکر به افراد کم توجه (۴) صرف نظر از دعوت مجدد افراد ناتوان.

در یک جمع بندی کلی می توان اعلام داشت در حال حاضر با همکاری روحانیون رشد و توسعه علمی و خدمت رسانی معنوی، فرهنگی به زائران مطلوب است، ولی زمینه تکامل همچنان وجود دارد.

نگرشی بر چند مسئله اعتقادی و فقهی

اشاره

نماز تراویح

توقیفی بودن عبادات

در شریعت اسلام واجبات از جمله چیزهایی است که به جای آوردن آن برای انسان مؤمن به خدا و روز قیامت به عنوان یک امر ضروری در جهت رسیدن وی به کمال مطلوب لازم است به نحوی که هر گونه کاستی در ادای آن، رسیدن به مقام شایسته انسانی را در معرض خطر قرار داده و انسان را حتی از نیل به پایین ترین مراتب کمال باز می دارد.

مستحبات نیز اموری هستند که مؤمن مقید به واجبات را بیشتر به کمال و تقرب به خدا می رسانند.

عبادات در اسلام توقیفی است و انسان، حق کم یا زیاد کردن چیزی از آنها را به حسب رأی خود ندارد و این مسئله در میان مسلمانان اجماعی است.

درباره نماز تراویح تحقیق می کنیم که آیا این نماز را شارع حکیم تشریح کرده و حکم و جزئیات آن را توضیح داده یا اینکه در شریعت اسلام چنین چیزی تشریح نشده و انجام آن بدعت است و چون بدعت ریشه ای در کتاب و سنت ندارد، حرام است؟

مشروعیت نماز تراویح در تراوی قرآن و سنت نماز تراویح نزد اکثر علمای اهل سنت در شبهای ماه رمضان است. احمد بن حنبل، ثوری، ابوحنیفه و شافعی این نماز را بیست رکعت و مالک آن را سی و شش رکعت می دانند ابن قدامه، مغنی: ۱/ ۷۹۷-۷۹۹

وقتی قرآن کریم را مطالعه می کنیم، هیچ آیه ای که در آن اثر یا نامی از نماز تراویح باشد نمی یابیم. اگر در قرآن دلیلی برای مشروعیت آن بود، حتماً فقهای مذاهب اربعه به آن تمسک می کردند، ولی هیچ کدام از آنها را نمی بینیم که چنین کاری کرده باشد.

زمانی هم که به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مراجعه می کنیم اثری از نماز تراویح نمی بینیم، بلکه در سیره نبوی فقط تأکید بر شب زنده داری در ماه مبارک رمضان، آن هم به صورت فرادی دیده می شود نه به صورت جماعت. روایات هم-چنان که خواهد آمد- بر این نکته تأکید می کنند که نماز تراویح را نه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آورده و نه در زمان آن حضرت انجام می شده، بلکه حتی در زمان ابوبکر هم نبوده و اصلاً خداوند غیر از نماز باران، ادای هیچ نماز مستحب دیگری را به جماعت جایز نشموده است و نماز جماعت فقط در نمازهای پنج گانه، نماز آیات و نماز میت تشریح شده است.

پیامبر اکرم هم نمازهای مستحب را در شبهای ماه رمضان، بدون جماعت به پامی داشته اند و مردم را هم به شب زنده داری در ماه مبارک رمضان ترغیب می نمودند و مسلمانان نیز طبق آنچه از پیامبر می دیدند عمل می کرده اند.

پیدایش نماز تراویح

در ماه رمضان سال چهاردهم هجری شبی عمر با همراهانش وارد مسجد گردید، نماز گزاران را در حالتی گوناگونی چون قیام، قعود، رکوع، سجود، قرائت و غیره مشاهده کرد. این حالت برایش ناخوشایند آمد و به گمان خود اقدام به اصلاح این وضع نمود و نماز تراویح را برای آنان وضع کرد (۱) و مردم را برای خواندن آن در

۱- تراویح نماز مستحبی است که در شبهای ماه رمضان به جماعت خوانده می شود و چون بعد از هر چهار رکعت استراحت دارند آن را تراویح می نامند. صحیح بخاری کتاب فضل التراویح ح ۲۰۱۰ ... فقال عمر ائی اری لو جمعت هولاء علی قارئ واحد لکان امثل ثم عزم فجمعهم علی ابی ابن کعب ثم خرجت معه ليله اخرى والناس بصلون بصلاه قارئهم قال عمر: نعم البدعه هذه ...

اوایل شبهای ماه رمضان جمع کرد. او این دستور را به شهرها بخشنامه کرد و برای خواند آن در مدینه دو امام جماعت تعیین نمود که یکی برای مردان و دیگری برای زنان نماز بخواند.

بخاری در کتاب تراویح، روایتی صحیح از عبدالرحمان بن عبدالقاری نقل می کند که گفت: در شبی از شبهای ماه رمضان من و عمر به مسجد رفتیم. مردم را پراکنده یافتیم. عمر گفت: اگر این مردم را بر یک قاری متحد می کردیم، مناسب تر بود. پس از این تصمیم، مردم را بر قرائت ابی بن کعب مجتمع کرد. بعد از این واقعه شب دیگری با هم به مسجد رفتیم و دیدیم که مردم با قرائت امام نماز می خوانند. در اینجا عمر گفت: این چه بدعت خوبی است.

محمد بن سعد در شرح حال عمر در جلد سوم طبقات می نویسد: او اولین کسی است که شب زنده داری و نمازهای مستحب ماه رمضان را به صورت نماز تراویح رایج کرد و این امر را به وسیله بخشنامه به تمام شهرهای مملکت اسلامی ابلاغ نمود. این کار در ماه رمضان سال چهاردهم هجری بود. او در مدینه دو قاری (امام جماعت) قرار داد که یکی برای مردان و دیگری برای زنان نماز بخواند.

ابن عبدالبر هم در شرح حال او در استیعاب می نویسد: او همان کسی است که شبهای ماه رمضان را با نماز تراویح نورانی کرد.

سید عبدالحسین شرف الدین در مقام ایراد به آنان که این کار را توجیه می کنند می گوید: گویا اینان - که خداوند از خطاهای آنها و ما درگذرد - این گونه پنداشته اند که او با نماز تراویح خود، کمبود حکمتی را جبران کرده است که خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن غافل بوده اند و خودشان از خداوند در قانونگذاری سزاوارترند.

خدای سبحان مستحبات ماه مبارک رمضان را از قید جماعت آزاد گذاشته تا بندگان با خلوت کردن با خدا تا جایی که حالت روحی و

جسمی آنان اجازه می دهد کم و بیش به عبادت پردازند، چون نماز بنا بر روایت نبوی به هر اندازه خوانده شود نیکوست. اما محدود کردن این عبادت به جماعت، باعث از بین رفتن این فواید می شود.

علاوه بر این اگر آن را مقید به جماعت کنیم، باعث خالی شدن خانه های مردم از برکت و شرافت نماز می شود و فرزندان از مواهب تربیتی ناشی از نماز و علاقه به آن بی نصیب می گردند، چون کودکان به کارهای پدران و مادران و بزرگ ترها به چشم الگو نگاه می کنند و دیدن نماز، اراده آنها را در به جا آوردن آن راسخ تر می کند. ابن مسعود از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسید: در خانه خود نماز بخوانم یا در مسجد کدام یک برتر است؟ فرمودند: آیا نمی بینی که خانه من نزدیک مسجد است، ولی غیر از نمازهای واجب، نماز خواندن در خانه را بیشتر دوست دارم؟.

این روایت را احمد و ابن ماجه و ابن خزیمه در صحیحش روایت کرده اند، چنانکه امام زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی بن المنذر در کتاب الترغیب و الترهیب، باب الترغیب فی الصلوه النافله آن را نقل کرده است (۱).

پرواضح است که شریعت اسلام در فواید اجتماعی نماز اهمال نکرده است، ولی فقط نمازهای واجب را به جماعت اختصاص داده و نمازهای نافله را برای سایر مصالح بشر از آن معاف داشته است و می فرماید: و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که وقتی خدا و پیامبرش امری را مقرر دارند آنان را در کار خود اختیار و چون و چرایی باشد. (۲)

اعتقاد امامیه درباره نماز تراویح

شیعه امامیه با پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) او و به موجب آیه ما انزل الله بها من سلطان (۳) نوافل ماه مبارک رمضان را بدون جماعت برگزار می کنند و به جماعت خواندن آن را بدعت و امری غیر

۱- الترغیب و الترهیب، ج ۱ ص ۲۷۹.

۲- احزاب ۳۳ / ۳۶.

۳- نجم، ۲۳.

مشروع می دانند که بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ایجاد شده است.

شیخ طوسی گفته است: نوافل ماه رمضان فرادی خوانده می شود و جماعت در آن بدعت است.

نماز تراویح در روایات اهل بیت

(علیهم السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) بر این نکته متفق القول هستند که جماعت در نمازهای مستحبی بدعت است، چه نماز تراویح باشد و چه نمازهای دیگر.

در این باره دو دسته روایت وارد شده است: دسته اول روایاتی که بر عدم مشروعیت جماعت در مطلق نمازهای مستحب دلالت دارد، و دسته دوم روایاتی که بر عدم مشروعیت نماز تراویح دلالت دارد. ما در اینجا از هر کدام یک روایت را به عنوان نمونه نقل می کنیم:

۱. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ نماز مستحبی به جماعت خوانده نمی شود. هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است. (۱)

۲. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کوفه آمدند، به امام حسن دستور دادند تا در میان مردم اعلام کند: در ماه رمضان هیچ نماز مستحبی به جماعت در مساجد برگزار نخواهد شد. چون این پیام به مردم رسید فریاد برآوردند: واعمرا واعمرا! هنگامی که امام حسن بازگشتند امیرالمؤمنین از او پرسیدند: این سروصداها چیست؟ عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، مردم فریاد واعمرا سرداده اند، فرمود: برو به آنها بگو نمازشان تراویح را بخوانند. (۲)

موضع صحیحین در برابر نماز تراویح

بخاری روایت کرده است: یحیی بن بکیر از لیث، از ابن شهاب، از عروه، از عایشه برایم نقل کرد که: پیامبر اکرم شبی به مسجد رفت و به نماز نافله ایستاد. عده ای نیز همراه وی به نماز ایستادند. صبح که این خبر را به یکدیگر دادند، عده بیشتری تحریک شده و شب به مسجد آمدند. در شب سوم جمعیت زیادتر شد. در شب چهارم دیگر در مسجد جا نبود. پس از نماز صبح پیامبر رو به مردم کرده

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- تهذیب، ج ۲، ص ۲۲۷.

فرمود: من از حسن نیت شما آگاهم، ولی می ترسم که این کار بر شما واجب شود و از انجام آن عاجز گردید. تا رحلت پیامبر هم کار به همین منوال بود. (۱)

مسلم روایت می کند: روایت کرد برای من یحیی بن یحیی و گفت این حدیث را بر مالک خواندم که او از ابن شهاب، از عروه، از عایشه خبر داد: پیامبر اکرم شبی در مسجد به نماز ایستاد و مردم با او نماز گزار شدند. فردا جمعیت زیادتر شد. در شب سوم یا چهارم نیز مردم جمع شدند؛ ولی پیامبر دیگر نیامدند. صبح روز بعد فرمودند: من کاری که شما کردید دیدم و در این کار مانعی نمی بینم، ولی می ترسم این کار بر شما واجب شود این نیز در رمضان اتفاق افتاد. (۲)

تحقیقی در حدیث صحیحین

در حدیث شیخین اشکالاتی وجود دارد که باید روشن شود.

مشکل اول: معنی این کلام: ... می ترسم که این کار بر شما واجب شود و از انجام آن عاجز گردید چیست؟ آیا معنای آن این است که ملاک تشریح احکام، استقبال یا عدم استقبال عامه از یک عبادت است که اگر به عبادتی مشتاق بودند بر آنها واجب می شود و الا واجب نمی شود؟ ما معتقدیم که ملاک تشریح احکام، مصالح واقعی حکم است، چه مردم استقبال کنند یا نکنند و تشریح خدا، تابع اقبال یا رویگردانی مردم نیست، بلکه پیرو مجموعه ای از مصالح و مفاسد است که خداوند به آنها از دیگران داناتر است.

مشکل دوم: اگر فرض کنیم که صحابه، اهمیت دادن خود به نماز تراویح را با برگزار کردن آن به صورت جماعت نشان داده اند، آیا این می تواند سببی برای وجوب دائمی آن باشد؟ مسجد پیامبر در آن روزگار از نظر فضا محدود بود و گنجایش حدود شش هزار نفر را داشت. در فقه مذاهب اربعه آمده است: مسجد نبوی در آغاز ۳۰*۳۵ متر بوده و بعداً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را وسعت داده و مساحت آن را ۵۰*۵۷ متر کرده است. آیا می توان استقبال این تعداد

۱- صحیح بخاری، کتاب صلاه التراویح، باب فضل من قام رمضان، ج ۱، ص ۲۰۱۲.

۲- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴۱.

مسلمان را کاشف از استقبال همه مسلمانان در همه زمانها تا روز قیامت دانست؟

بعضی از موافقان استدلال دیگری دارند و آن اینکه طبق این روایات، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، عملاً تراویح را انجام داده اند. در پاسخ می‌گوییم: آنچه در این نقل به پیامبر اکرم نسبت داده شده، خواندن این نماز در دو یا حداکثر چهارشب و در آخر شب و حداکثر هشت رکعت است. پس نهایت آنچه در تأسی به پیامبر لازم می‌آید اقتدای به او در همین حد است نه در مقدار و تعداد و شرایطی که ثابت نشده و یا به تعبیر قسطلانی عدمش ثابت شده و از به جا آوردن مازاد، به بدعت تعبیر کرده است به این دلایل:

۱. پیامبر به جماعت خواندن آن را سنت قرار نداده است.

۲. در زمان ابوبکر هم چنین چیزی نبوده است.

۳. اقامه این نماز در سر شب نبوده است.

۴. هر شب نبوده است.

۵. رکعات آن به این تعداد نبوده است. (۱)

مشکل سوم: اگر نظر اهل بیت (علیهم السلام) را که یکی از ثقلین هستند قبول کنیم، اقامه نوافل به جماعت مطلقاً بدعت است، و اگر نظر مسلم و بخاری را بپذیریم، آنچه از سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ثابت شده، همان است که قسطلانی ذکر کرده و بقیه بدعت است؛ یعنی در صورت دوم اصل ذات عمل مشروع است؛ اما این کیفیتی که الآن به آن عمل می‌شود نامشروع است.

با این توضیحات جز این که خلیفه دوم، مردم پراکنده را بر یک امام متحد کرد، دلیلی برای اثبات مشروعیت آن باقی نمی‌ماند.

اختصاص تشریح به خداوند

بزرگان اهل سنت با اینکه به عدم سنت قراردادن پیامبر اعتراف دارند، جواز اقامه آن را به جماعت، به عمل خلیفه مستند می‌کنند. معنای این حرف آن است که خلیفه حق سنت گذاری و تشریح

دارد، و این مطلب به اجماع امت باطل است، زیرا بعد از کامل شدن شریعت با آیه امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم (۱) هیچ انسانی حق دخالت در امر شریعت را ندارد و هر کس چنین اعتقادی داشته باشد نظر او مخالف کتاب و سنت است، خداوند نیز حق قانون گذاری خود را به هیچ کسی واگذار ننموده است و حتی پیامبر هم فقط یک ابلاغ کننده است.

به علامه اگر چنین اجازه ای برای خلیفه وجود داشته، چرا برای سایر صحابه پیامبر که بعضی از آنها چون ابی بن کعب در قرائت قرآن و زید بن ثابت در آشنایی به فروض و علی بن ابی طالب در علم و قضاوت بر او برتری داشتند، چنین حقی وجود نداشته باشد؟ در این صورت امر دین دستخوش هرج و مرج گشته و بازیچه دست غیر معصومان می شد.

شوکانی در این باره می گوید: حق این است که قول صحابه حجت نیست و خدای سبحان برای این امت جز حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبری نفرستاده و ما هم غیر او پیامبری نداریم، صحابه و هر که بعد از آنها بیاید، به یک اندازه مکلف به تبعیت از او و کتاب و سنت هستند. پس هر کس اقامه دین خدا را در غیر این دو بدانند، به چیزی که در دین خدا نیست معتقد شده و دینی را تأیید کرده که از جانب خدا نیامده است. (۲)

تلاش برای فرار از ننگ بدعت

از تمام آنچه گفتیم روشن می شود که صفت بدعت، در نماز تراویح کاملاً استحکام یافته و تعریف بدعت بر آن منطبق شده است، به خصوص با توجه به دو کلام عمر بن خطاب که: رأی من این است که اگر این مردم را بر یک امام جماعت متحد کنم زیباتر خواهد بود و چه خوب بدعتی است این. (۳)

۱- مائده، ۳.

۲- ارشاد العقول، ص ۳۶۱، دارالکتب الاسلامیه.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۲؛ موطأ، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۸، ح ۲۳۴۶۶.

اگر با وجود جمله های: نظر من این است و چه خوب بدعتی نماز تراویح بدعت نباشد پس چه چیزی بدعت است؟

به همین جهت است که احمد و دیگر فقیهان اهل حدیث می گویند: اصل در عبادات، توقیفی بودن است و هیچ عبادتی بدون تشریح الهی مشروع نمی شود. در غیر این صورت تحت اطلاق این آیه شریفه داخل می شویم که: آیا برای آنان شریکانی است که برای آنان احکامی دینی مقرر داشته اند که خداوند آن را اجازه نداده است؟ (۱) (۲)

قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب المغنی درباره نماز تراویح می نویسد: از آنجا که نماز تراویح دعوت به سوی نماز و ترغیب به خواندن قرآن است، چه مانعی از عمل به آن به صورت سنت وجود خواهد داشت. (۳)

در پاسخ قاضی باید گفت: نماز عبادت است و هر عبادتی به قصد قربت نیاز دارد و قصد قربت، جز با وجود امر مولوی از شارع مقدس به وجود نمی آید و هیچ امر شرعی بر اقامه نماز تراویح با این شکل و کیفیت که اکنون اقامه می گردد، وجود ندارد و در این صورت به جا آوردن آن به عنوان عبادت، حرام و بدعتی ناروا در دین است.

از دیگر کسانی که به تلاش برای توجیه کلام عمر برخاسته اند، ابن تیمیه است که بدعت نامیدن تراویح در کلام عمر را به معنای لغوی بدعت حمل کرده است، نه معنی شرعی آن و گفته است: مسلمانان در زمان پیامبر هم نماز تراویح خوانده اند و پیامبر هم با آنان در یک یا دو شب همراه بوده و بعد به علت خاصی آن را ترک کرده است. (۴)

مهم نیست که مراد عمر از بدعت، معنای شرعی یا لغوی بوده، بلکه مهم این است که او با این سخن به افزودن چیزی بر دین که قبل از آن، مسلمانان آن را نمی شناختند اعتراف کرده است.

نماز جماعت، داخل در عبادات است و بندگان به هیچ وجه اجازه دخالت در آن را ندارند، بلکه باید در اجرای آن از دستورات شارع

۱- شوری، ۲۱.

۲- الحلال و الحرام فی الاسلام، ص ۳۶.

۳- این عبارت را شریف مرتضی در کتاب الشافی فی الامامه، ج ۴ ص ۲۱۷ از او نقل می کند.

۴- اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۲۶.

پیروی کنند، به خلاف کارهایی چون روشن کردن چراغ مسجد که از ماهیت عبادت خارج است و انجام آن بدعت نیست.

زیارت اهل قبور

اشاره

زیارت اهل قبور و اهتمام ورزیدن به امور اموات از اموری است که در طول تاریخ مورد اهتمام بشر بوده است. کسی که به دنبال تحقیق در مورد آن باشد، متوجه خواهد شد که زیارت قبور مختص جامعه دینی و مسلمانان نیست، بلکه از اموری است که جوامع مختلف، با آداب و رسوم و عقاید متفاوت، بدان اهتمام میورزند.

اسلام، مسلمانان را به اهمیت زیارت قبور توجه داده و در موارد بسیاری مردم را به آن دعوت نموده است. این مسئله به خاطر تحقق یافتن یک سلسله اهداف تربیتی است که فایده آن متوجه فرد و جامعه انسانی می شود و ما به اختصار برخی از این فواید را بیان می کنیم:

الف: عبرت گرفتن و موعظه کردن

زیارت قبور، وسیله ای برای موعظه کردن و پندپذیری است. اگر زیارت کننده درک کند که عمرش هر قدر هم که طولانی باشد، بازگشت او به سوی فنا و نابودی است، این احساس به خودی خود مانع باقی ماندن او در پستی و فرومایگی است، و لذا در روایتی از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین آمده است: نهی کردم شما را

از زیارت قبور، اما به زیارت قبور بروید؛ براسستی که در آن عبرت است. (۱)

زیارت قبور و عبرت گرفتن از آن، زیارت را تنها به زیارت قبور اولیای الهی و بندگان صالح اختصاص نمی دهد، بلکه همان طور که قرآن کریم ما را راهنمایی نموده به منظور عبرت گرفتن، حتی به دیدار قبور ستمگران و طاغوتها باید رفت، چرا که در دیدار قبور آنها، نهایت عبرت و پندپذیری وجود دارد.

خداوند متعال در مورد فرعون می فرماید: پس امروز پیکرت را نجات می دهیم، تا برای آیندگان عبرت باشی، و به راستی که بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند. (۲)

خداوند خواست پیکر فرعون طغیانگر را خاموش و بی حرکت سازد. بعد از آنکه انواع تواناییها را پیدا کرد و قبیله اش فکر می کردند او نمی میرد.

بنابراین، آیه شریفه بنی اسرائیل و امتهای بعد از آن را به بازدید قبر فرعون دعوت می کند تا سرانجام فرعون را مشاهده کنند و متوجه شوند که امثال فرعون هم به همان سرانجام بازمی گردند.

ب: یادآوری آخرت و ترک دنیا

زیارت قبور، موجب عمیق تر شدن اعتقاد به روز قیامت که اصلی از اصول دین است می گردد. وقتی انسان ایمان بیاورد به این که بعد از مرگش روزی می رسد که در آن روز از اعمال او سؤال می شود و درک کند که عبث آفریده نشده، همین اعتقاد عمیق و ریشه دار موجب می شود تا وقتی قصد انجام کاری را می کند، از فساد و انجام کارهای شرّ دوری کند و به سوی انجام امور خیر که هدف آن اصلاح است برود.

بنابراین زیارت قبور وسیله ای است برای تربیت انسان مسلمان تا اینکه در کارش قصد مفید بودن را داشته باشد؛ همان گونه که باعث محکم شدن اعتقاد به آخرت و جلوگیری از حرص و آز در رسیدن به خواسته های دنیوی و نامشروع نیز می گردد. به این فایده از

۱- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۵، کتاب الجنائز فی زیاره القبور.

۲- یونس، ۹۲.

زیارت قبور در حدیثی که از حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) آمده است، اشاره شده آنجا که فرموده: شما را از زیارت قبور نهی کردم، اما شما به زیارت قبور بروید، چرا که زیارت قبور موجب ترک دنیا و باعث یادآوری آخرت می گردد. (۱)

ج: رشد حس دینی و عواطف شریف انسانی

زیارت قبور موجب رشد احساسات خیرخواهی و فضیلت خواهی در انسان می گردد. در این زمینه در روایت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است که فرمود: شما را از زیارت قبر نهی کردم، اما شما به زیارت قبور بروید، تا موجب افزایش خیر و نیکی در شما گردد. (۲)

دلیل قرآنی بر مشروعیت زیارت قبور

خداوند سبحان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را از نماز خواندن بر جنازه منافقان و ایستادن بر سر قبر آنها نهی کرده آنجا که فرموده است: ولا تصل علی احد منہم مات أبداً ولا تقم علی قبره انہم کفروا باللہ و رسولہ و ماتوا و ہم فاسقون. (۳)

چنانچه سؤال شود که منظور از ولا- تقم علی قبره چیست؟ آیا مراد فقط قیام هنگام دفن منافقان است یا مطلق قیام بر سر قبر آنها اعم از هنگام دفن و غیر آن؟ پاسخ گفته می شود: آیه شریفه از دو جمله تشکیل شده است:

بخش اول: ولا- تصل علی احد منہم مات أبداً و بخش دوم: ولا تقم علی قبره که جمله دوم بر جمله اول عطف شده است. و طبق قاعده نحوی، هر حکمی که برای معطوف علیه باشد، معطوف نیز همان حکم را خواهد داشت، و چون معطوف علیه مقید به قید ابد هست، این امر مستلزم آن است که معطوف نیز همان قید را داشته باشد.

با این بیان، مفهوم آیه شریفه چنین است: هیچ گاه بر سر قبر هیچ یک از

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، باب ۴۷، حدیث ۱۵۷۱، ص ۵۰۱.

۲- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۸۶، کتاب الجنائز.

۳- توبه، ۸۴.

آنها نایست؛ همان گونه که نسبت به نماز بر جنازه آنها نیز چنین است، و لفظ ابد که در بخش دوم آیه شریفه مقدر است، در این حالت مفهوم امکان تکرار این عمل را می‌رساند. مفهوم این سخن آن است که این دو عمل (هم نماز بر جنازه و هم ایستادن بر سر قبر) نسبت به مؤمن جایز است.

بنابراین جایز است زیارت قبر مؤمن و خواندن قرآن برای روح مؤمن حتی بعد از گذشت صدها سال. (۱)

دلیل مشروعیت زیارت قبور به استناد روایات

اشاره

روایاتی که مشوق زیارت قبور و دعا برای اموات یا برای تقرب جستن به خدا از طریق زیارت هستند، دو دسته اند:

دسته اول

۱. روایتی که ابوهریره از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل کرده که آن حضرت فرمود:

نمی‌شود که مردی قبر دوستش را زیارت کند و به او سلام کند و نزد او بنشیند، مگر آنکه صاحب قبر جواب سلام او را بدهد و به او خوش آمد بگوید، تا اینکه از نزد او برخیزد (۲)

۲. روایتی که دیگران از قول ابوهریره از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود:

نمی‌شود مردی از قبری که صاحب آن را در زمان حیاتش می‌شناخته بگذرد و به او سلام کند، مگر آنکه صاحب قبر او را بشناسد و جواب سلام او را بدهد. (۳)

۳. در روایت دیگری نیز از ابوهریره آمده است که:

حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به مقبره ای رفتند و فرمودند: درود بر شما ای گروه مؤمنان، ما هم به خواست خدا به شما خواهیم پیوست. (۴)

۴. از بریده روایت شده که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) وقتی به قبرستان و بر سر قبر مردگان می‌رفتند، آنها را می‌شناختند و می‌فرمودند: درود بر

۱- زیاره القبور علی ضوء الكتاب و السنه، ص ۲۷.

۲- تفسیر البیان، ص ۵۲۰ روایت از شیخ دیلمی؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۵۶، حدیث ۴۲۶۰۱.

۳- تهذیب تاریخ دمشق، ابن عساکر، بیروت، ج ۷، ص ۲۹۲.

٤- السنن الكبرى، بيهقي، ج ٤، ص ١٣١، حديث ٧٢٠٢.

شما ای مؤمنان و مسلمانان اهل قبر، ما هم به خواست خدا به شما خواهیم پیوست، از خداوند برای خودمان و شما عافیت مسئلت می کنیم.. (۱)

۵. روایت پنجم روایتی است که عایشه از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) آورده که آن حضرت فرمود:

پروردگرم به من امر فرمود که به بقیع بیایم و برای اموات طلب آمرزش کنم. گفتم: چگونه بگویم یا رسول الله (صلی الله علیه وآله)؟ حضرت فرمودند: ای مؤمنان و مسلمانان اهل قبور، خداوند بر گذشتگان و آیندگان ما رحم کند، و ما هم ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد. (۲)

دسته دوم

این دسته از روایات، اشاره به استحباب زیارت قبور دارد البته پس از آنکه نخست از آن نهی شده و علت نهی و مقصود شارع مقدس اسلام از بنیان نهادن این عبادت بیان گردیده است.

۱. از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است که فرمود:

شما را از زیارت قبور نهی کردم، اما به زیارت قبور بروید که باعث وارستگی از دنیا و موجب یاد آخرت می گردد. (۳)

۲. حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به زیارت قبر مادر مکرمه خود می رفتند و گریه می کردند و اطرافیان را به گریه می انداختند... سپس می فرمودند: از پروردگرم اجازه گرفتم برای زیارت قبر مادرم، به من اجازه داد، آن گاه فرمود: به زیارت قبور بروید، چرا که زیارت قبور شما را به یاد مرگ می اندازد. (۴)

۳. از عایشه روایت شده که گفت: حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) زیارت قبور را اجازه فرمودند. (۵)

از این دسته روایات استفاده می شود که حضرت رسول به طور موقت نهی می فرمودند از زیارت قبور تا اینکه نهی را برداشتند و

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵، کتاب الجنائز، با اندکی اختلاف؛ سنن ابن ماجه، تحقیق دکتر بشّار، ج ۳، ص ۷۸، کتاب الجنائز، باب ۳۶ حدیث ۱۵۴۷؛ المنتقی من اخبار المصطفی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴، باب ما یقال عند دخول القبر؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۶.

۳- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۴، ابواب الجنائز.

۴- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۵، باب استئذان النبی ربّه عزوجل فی زیاره قبر امّه.

۵- سنن ابی داود، ج ۲، کتاب الجنائز، باب زیاره القبور، حدیث ۱۹۵۵.

زیارت قبور را نیکو شمردند.

یادآوری می شود که علت نهی موقت زیارت قبور به این مسئله برمی گردد که مسلمانان نسبت به زیارت قبور نا آشنا بودند و بر سر قبر اموات خود نوحه سرایی می کردند؛ این کار از ساحت مقدس اسلام به دور بود و هنگامی که اسلام در قلوب آنها استقرار یافت و مردم با شریعت اسلام و احکام اسلامی مأنوس شدند، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نهی از زیارت قبور را به خاطر آثار نیک و نتایج زیبای آن، به امر خدا برداشت. (۱)

دلیل تاریخی

با تتبع و تحقیق در سیره مسلمانان صدر اسلام چه قبل و چه بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین برمی آید که این مسئله در میان آنها وجود داشته است. به نمونه هایی از شواهد تاریخی در این زمینه ذیلًا اشاره می شود:

۱. روزی مروان مردی را دید که صورتش را بر قبری نهاده است. مروان گردن او را گرفت و به او گفت:

آیا می دانی چه کار داری می کنی؟ گفت: آری. رو به او کرد، دید ابوایوب انصاری است لذا گفت: آمدم نزد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، مرا بر سر قبر نیاورد، شنیده ام از آن حضرت که فرمود:

اگر اهل دین متولی امر دین است، برای دین گریه نکنید، اما اگر نا اهل متولی امر دین شد، برای دین گریه کنید. (۲)

۲. حضرت فاطمه زهرا (س) بر سر قبر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و مشتی خاک برداشت و آن را در چشمان خود ریخت و گریست. (۳)

۳. مردی اعرابی بر سر قبر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و خاک قبر آن حضرت را بر سر خود می ریخت و خطاب به آن حضرت می گفت: در قرآنی که بر تو نازل شده آمده است: و لو انهم ذا ظلموا انفسهم جاءوك ... و اکنون من به نفس خود ستم کردم و نزد تو آمدم که برایم

۱- زیارها لقبور فی الكتاب والسنة، ص ۱۲۸.

۲- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۱۵.

۳- کشف الارتیاب، ص ۴۳۶، به نقل از تحف ابن عساکر.

طلب مغفرت کنی. از داخل قبر ندا رسید: خداوند تو را بخشوده است. این ماجرا در محضر حضرت امیر سلام الله علیه بود. (۱)

۴. بلال بر سر قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) آمد و شروع کرد به گریستن در حالی که صورتش را به قبر آن حضرت می کشید، آن گاه رو کرد به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و آنها را در آغوش گرفت و شروع کرد به بوسیدن آنها. (۲)

۵. عایشه روزی به قبرستان آمد، به او گفتم: یا امّ المؤمنین از کجا آمده اید؟ گفت: از سر قبر برادرم عبدالرحمن، به او گفتم مگر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) از زیارت قبور نهی نفرموده است؟ گفت: چرا، اول نهی فرمود، سپس امر به زیارت قبور کرد. (۳)

بنابراین از لابه لای آیات قرآن و احادیث شریف و سیره مسلمین، مشروعیت زیارت قبور به نحو عام و کلی ثابت می شود.

زیارت قبر حضرت رسول

(صلی الله علیه وآله)

آیات قرآنی و احادیث شریف ما را به زیارت قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و درخواست از قبر آن بزرگوار دعوت می کند. علاوه بر اجماع عموم مسلمانان خلف و سلف از زمان حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) تا حال حاضر، احدی نبوده است که منکر زیارت قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بشود، مگر وهابیهها.

اما شهادت قرآن کریم قول خداوند است در آیه ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیم. (۴)

با این آیه، قرآن کریم به گناهکاران امر می کند که نزد حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) حاضر شوند و از او بخواهند تا برای آنها طلب آمرزش کند، برای اینکه دعای حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) در حق آنها مستجاب خواهد بود.

و این آیه اختصاص به حیات پیامبر (صلی الله علیه وآله) و حضور آن حضرت در

۱- وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۲، ص ۱۳۶۱.

۲- اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳- السنن الکبری، بیهقی، ج ۴، ص ۱۳۱، باب ۱۷۰، حدیث ۷۲۰۷.

۴- نساء، ۶۴.

میان مردم ندارد، بلکه، یک حکم عامی است که شامل بعد از زمان حیات حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) نیز می گردد، زیرا قرآن کریم تصریح دارد به زندگی انبیا و اولیای الهی در عالم برزخ که هم می بینند و هم می شنوند.

احادیث و روایات فراوانی هست که صراحت دارد به اینکه ملائکه الهی سلام کسانی را که به خاتم الانبیاء سلام می فرستند، به آن حضرت می رسانند. (۱)

در صحاح آمده است که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسی نیست که بر من سلام بفرستد مگر آنکه خداوند روحم را به من باز می گرداند، تا جواب سلام او را بدهم. (۲)

نیز از آن حضرت (صلی الله علیه وآله) روایت شده که فرموده است: صلوات بر من بفرستید، به راستی هر جا که باشید صلوات شما به من می رسد. (۳)

ابو سعید سمعانی از حضرت امیر سلام الله علیه روایت می کند که یک فرد اعرابی سه روز پس از دفن حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) آمد خودش را روی قبر شریف حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) انداخت و سر خودش را به خاک می کشید و می گفت: گفتم، یا رسول الله سخت را شنیدیم و نسبت به خداوند هر آنچه را که از تو گرفتیم، درک کردیم و در آنچه که بر تو نازل شد: ولو انهم اذ ظلموا انفسهم ... و من به خودم ستم کردم و پیش تو آمدم که نزد پروردگارم برایم طلب آمرزش کنی. (۴)

از آنچه بیان شد می فهمیم که جایز است انسان بر سر قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بعد از وفات آن حضرت بایستد و از او بخواهد که نزد خدا برای او طلب آمرزش کند و با این بیان ثابت می شود که زیارت قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) جایز است، زیرا حقیقت زیارت به معنای حضور یافتن زائر نزد زیارت شونده است.

اما احادیثی که در صحاح آمده واقعاً بسیار است و ما به تعدادی از

۱- نک: زیارها لقبور فی الكتاب و السنه، ص ۱۲۹ و بعد از آن.

۲- سنن ابی داود، ج ۱ ص ۴۷۰، کتاب الحج، باب زیاره القبور.

۳- التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج ۲، ص ۱۸۹.

۴- سمهودی در کتاب وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۶۱۲ و دحلان در کتاب الدرر السنیه، ص ۲۱، آن را ذکر کرده اند.

آنها اشاره می کنیم:

۱. از عبدالله بن عمر نقل شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند، مرا زیارت کرده، و واجب است بر من که از او شفاعت کنم. (۱)

۲. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که به زیارت من بیاید (و هدفی جز زیارت من نداشته باشد)، حق من است که در روز قیامت شفیع او باشم. (۲)

۳. از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: هر کس به زیارت حج برود و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است. (۳)

۴. نیز از آن حضرت (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود:

کسی که به زیارت حج برود و بعد از وفات من، مرا زیارت کند، مانند آن است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد. (۴)

سفر برای زیارت قبر پیغمبر

(صلی الله علیه و آله)

ابن تیمیه و پیروانش (۵) اغراق نموده و به حرمت سفر برای زیارت قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قائل شده و در این مورد به حدیث ابو هریره از رسول اکرم استناد کرده اند که فرموده: آماده سفر نشوید مگر برای سه مسجد: مسجد من (این مسجد) و مسجد الحرام و مسجد الاقصی. (۶)

ابن تیمیه اضافه می کند: این حدیث، حدیث صحیحی است که ائمه مذاهب چهارگانه بر صحت و عمل به آن اتفاق نظر دارند، که هر گاه مردی نذر کند که در مسجدی یا در محلّ شهادتی نماز بخواند، یا در آنجا معتکف شود و به سوی آن مسجد مسافرت کند، عمل کردن به نذر نسبت به غیر از آن مساجد سه گانه بر او واجب

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۹۰. علمای مذاهب اربعه بر طبق این روایت فتوا داده اند. به کتاب وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۲۳۶ مراجعه شود.

۲- شفاء السقام، تقی الدین سبکی، ص ۳-۱۱؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰، سمهودی.

۳- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۲.

۴- همان، ص ۱۳۴۰.

۵- مثل محمد بن عبدالوهاب در رساله دوم از رسائل الهدیه السنیه که حدیث را به چند صورت بیان کرده است.

۶- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، کتاب الحج باب لا تشدّ الرحال، و سنن ابوداود، ج ۱، ص ۴۶۹، کتاب الحج؛ سنن نسایی با

نیست. (۱)

ما در وجود این حدیث در صحاح تردیدی نداریم و در حال حاضر در مقام مناقشه در سند آن هم نیستیم، بلکه مقصود ما همان مفاد حدیث است. باید فرض کنیم که متن حدیث عبارت است از لا تشدّ الرّحال الّا الی ثلاثه مساجد

در جای خود ثابت است که ال از ادات استثناست و حتماً باید مستثنی منه داشته باشد و لازم است مستثنی منه محدود باشد و چون مستثنی منه در کلام موجود نیست، پس به ناچار باید در کلام مقدر باشد.

قبل از اشاره به قراین موجود در دو صورت می توان مستثنی منه را در تقدیر گرفت:

۱. به طرف مسجدی آهنگ سفر نکنید، مگر به مساجد سه گانه ...

۲. به هیچ مکانی آهنگ سفر نکنید، مگر به مساجد سه گانه ...

پس درک این حدیث و آگاه شدن از معنای آن، به یکی از این دو حالت بستگی دارد:

اگر فرض اول را بپذیریم، معنای حدیث عدم سفر به هر مسجدی است بجز مساجد سه گانه، و به معنای عدم جواز سفر به هر مکانی نیست، حتی اگر مسجد نباشد.

پس نهی شامل کسی نمی شود که به قصد زیارت انبیا و ائمه اطهار (ع) و صالحان آهنگ سفر می کند، برای اینکه موضوع بحث همان آهنگ سفر کردن به مساجد است - به استثنای مساجد سه گانه مذکور - و اما آهنگ سفر کردن به قصد زیارت مشاهد مشرفه مشمول نهی نمی شود و داخل در موضوع نیست. این توجیه بنا بر فرض تقدیر اول است.

و اما با فرض تقدیر ثانی، لازمه اش این است که جمیع مسافرت‌های معنوی - بجز سفر به مناطق سه گانه مذکور - حرام باشد، اعم از اینکه سفر به خاطر زیارت مسجد باشد یا زیارت مناطق دیگر و این با مسلمّات دین ناسازگار است، زیرا:

۱- ابن تیمیه فی الردّ علی الاخوانی، ص ۲۷.

اولاً: چنانچه هدف ممنوعیت جمیع سفرهای معنوی باشد، حصر در اینجا صحیح نیست، زیرا انسان در موسم حج برای سفر به عرفات و مشعر و منی آماده سفر نمی شود، پس هر گاه سفرهای دینی، به غیر از مساجد سه گانه حرام باشد، به چه علت برای سفر به این مناطق آهنگ سفر می کند؟

ثانیاً قرآن کریم و حدیث شریف به بعضی از سفرهای دینی اشاره کرده و نسبت به آنها تحریک و تشویق نموده است، مانند سفر به خاطر جهاد و در راه خدا و طلب علم و صله رحم و دیدار از والدین و موارد مشابه. از آن جمله قول خداوند متعال است در آیه شریفه:

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون. (۱)

و به این دلیل محققان و کاوشگران، حدیث مذکور را به صورتی که بدان اشاره شد تفسیر نموده اند.

غزالی در کتاب احیاء العلوم خود گفته است: این سخن بدان معناست که شخص به خاطر عبادت یا حج یا جهاد، آهنگ سفر کند ... و در جمله خود زیارت قبور انبیا (ع) و زیارت قبور صحابه و تابعین و سایر علما و اولیا را آورده است.

هر کس که زیارت او در حیاتش متبرک باشد، بعد از وفات او نیز متبرک خواهد بود و لذا آهنگ سفر کردن به این منظور جایز است. این سخن مانع از پذیرفتن قول رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیست که فرمود: آهنگ سفر نکنید مگر به مساجد سه گانه: مسجد من (این مسجد)، مسجد الحرام و مسجد الاقصی، چون روایت درباره مساجد است و زیارت قبور هم از نظر فضیلت در مرتبه بعد از مساجد قرار دارد و گرنه فرقی بین زیارت قبور انبیا و اولیا در اصل داشتن فضیلت نیست. اگر چه از نظر مرتبه و مقام، تفاوت‌های بسیار بزرگی بر حسب اختلاف مرتبه آنها نزد خداوند وجود دارد. (۲)

از اینجا معلوم می شود که آنچه در روایات مورد نهي قرار گرفته

۱- توبه، ۱۲۲.

۲- احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۲، ص ۲۷۴، کتاب آداب السفر، دارالمعرفه، بیروت؛ الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۲۴.

کوچ کردن به سایر مساجد غیر از مساجد سه گانه است و حدیث به هیچ وجه در صدد نهی از سفر به بقاع متبرّکه که برای زیارت یا اهداف معنوی دیگر است نیست.

از این گذشته، دلالت این روایت حتی از نهی بر سفر به مسجدی غیر از مساجد سه گانه با روایات دیگر منافات دارد و باید به نحوی آن را توجیه کرد.

روایات صاحبان صحاح و سنن دلالت دارد بر اینکه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) سواره و پیاده به مسجد قبا می رفتند و در آنجا دو رکعت نماز می خواندند. (۱)

حال جا دارد که پرسیم: چگونه ممکن است آهنگ سفر کردن و طی مسافتهای طولانی به منظور برگزاری نماز از روی اخلاص در یکی از مساجد خداوند سبحان حرام و منهیّ عنه باشد؟! در حالی که نماز خواندن در مسجد مستحب است؛ پس باید مقدمه امر مستحب نیز مستحب باشد.

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۷ و در همین معنی به صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۶ و سنن نسائی ضمیمه شرح سیوطی، ج ۲، ص ۳۷ مراجعه شود.

رجعت**معنای رجعت**

مراد از رجعت در اعتقاد امامیه این است که خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که در دنیا بودند، دوباره به دنیا بر می گرداند، و اینها بر دو گروه اند: برخی از آنان در زندگی دنیوی ایمانشان خالص بوده و برخی دیگر کافر خالص بوده اند. آن گاه خداوند اهل حق را بر اهل باطل و مظلومان را بر ظالمان پیروز خواهد کرد و این امر در زمان ظهور امام مهدی (عج) واقع خواهد شد و بعد از آن خواهند مرد.

گروهی، در تفسیر دیگری از رجعت گفته اند: مراد از آن بازگشت حق به اصل خویش است و این امر به دست امام مهدی (علیه السلام) تحقق می یابد. این تعریف، زنده کردن مردگان و بازگشت دوباره آنها به دنیا را شامل نمی شود.

دیدگاه اول در میان جمهور امامیه به جهت پیروی کردن آنان از اهل بیت (علیهم السلام) شایع است.

مرتبۀ اعتقاد به رجعت

بدیهی است که عقاید اسلامی دارای اصولی است که همگان آن را قبول دارند و نیز فروعی دارد که گاهی در آن اختلاف ایجاد می شود. رجعت از اصولی نیست که اختلاف در آن روا نباشد. در این باره شیخ محمد حسین کاشف الغطاء می نویسد: اعتقاد به رجعت در مذهب شیعه امری الزامی نمی باشد و انکار آن مضر نیست؛ گرچه اعتقاد به آن نزد شیعیان ضروری است.

تحقق تشیع از جهت وجود و عدم، منوط به آن نیست و رجعت مانند برخی از علامتهای قیامت است؛ مثل: نازل شدن عیسی (علیه السلام) از آسمان، ظهور دجال، و خروج سفیانی ... و از دیگر قضایای رایج میان مسلمانان است که اعتقاد به آنها از شرایط مسلمان بودن نیست. (۱)

رجعت به این معنی، قسمتی از بخشهای تکمیل کننده تفکر مهدویت در اسلام است؛ و بدین جهت این دو در مضمون واحدی مشترک می باشند و آن پیروزی حق و شکست باطل در آخرین نبرد تاریخ میان آن دو است. از آنجایی که نظام دنیا در حال حرکت به سوی حق است، بدین جهت ادیان آسمانی قبل از اسلام، به بازگشت برخی از پیامبران به دنیا معتقد بودند. اگر کسی بین اسلام و ادیان سابق مقایسه کند، به خوبی در می یابد که امتیاز اسلام نسبت به آنها، در برخورداری از اصول قوی و فروع گسترده است؛ چنان که اگر کسی بین مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و دیگر مذاهب اسلامی مقایسه کند، این برتری را در مذهب اهل بیت (علیهم السلام) می یابد، لکن قلمهای مسموم و افکار منحرف، این ویژگی را تبدیل به بدعت، زشتی، شرک و باطل نموده اند و یا این که می خواهند آن را این گونه معرفی کنند.

ایمان به رجعت مکمل و بیانگر اصل تفکر مهدویت است که همه مسلمانان آن را قبول دارند. پس تأکید بر این اصل و ژرف نگری در آن، از طریق تفکری عمیق و مساعدت کتاب و سنت، فضیلتی

۱- اصل الشیعه و اصولها، ص ۳۵، مؤسسه اعلمی، بیروت.

است که شایسته بزرگداشت و احترام است. با همه اینها، رجعت - چنان که سید محسن امین عاملی فرموده - امری است نقلی؛ اگر نقل صحیح باشد اعتقاد به آن لازم است و اگر نقل صحیح نباشد، اعتقاد به آن لازم نیست. (۱)

ادله اثبات رجعت

اثبات رجعت و اقامه دلیل بر آن دارای سه مرحله است:

الف) مرحله اثبات امکان رجعت و محال نبودن آن.

بهترین دلیلی که امکان آن را ثابت می کند، این است که رجعت نوعی از معاد است که هیچ چیز قدرت تخلف از آن را ندارد. با این تفاوت که رجعت، بازگشت دنیوی است که در پایان دنیا برای برخی از مردم - که رهبران ایمان و سران کفر هستند - تحقق می یابد؛ لکن معاد بازگشت اخروی است که همه انسانها را در بر می گیرد.

پس کسی که منکر امکان رجعت است، امکان معاد و نیز معجزه حضرت عیسی (علیه السلام) در زنده کردن مردگان را منکر است هر استدلالی که برای امکان اثبات معاد آورده شود، صلاحیت دارد که برای امکان رجعت نیز دلیل باشد. استواری این مرحله از پژوهش (مرحله عقلی) متکی به ادله معاد است و غنی بودن آن به سبب غنای ادله عقلی می باشد.

ب) در این مرحله اثبات می شود که اعتقاد به رجعت با هیچ یک از ابعاد عقاید اسلامی مخالفت ندارد، زیرا گاهی اوقات امکان دارد عقیده ای ممکن باشد، لکن اعتقاد به آن مخالف و یا موجب تضعیف بُعد خاصی از ابعاد عقیده اسلامی گردد. آیا این شرط (عدم مخالفت با بعدی از ابعاد عقیده اسلامی) در اثبات امکان رجعت وجود دارد؟

باید گفت اعتقاد به رجعت از دو جهت مشتمل بر این اثبات است:

۱. اعتقاد به رجعت، نه تنها با هیچ یک از ابعاد اعتقادات اسلامی

۱- نقض الوشیعه، ص ۳۶۷، مؤسسه اعلمی، بیروت.

مخالف نیست، بلکه موجب ژرف نگری و مؤثر بودن و قوت اصول پنج گانه دین است. رجعت، پدیده ای است که قدرت مطلقه و فراگیر خداوند، و راستی و درستی راه پیامبران، به کرسی نشاندن حق امامت و واقعی بودن معاد را روشن می کند.

۲. اعتقاد به رجعت، دارای مصادیقی میان امتهای و پیامبران گذشته است و قرآن کریم برخی از این مصادیق را با تأکید بیان کرده است. آن چیزی که دلیل روشن بر اعتقاد به رجعت است، نه تنها با اعتقاد اسلامی مخالفت ندارد؛ بلکه از خواستهها و لازمه های آن است؛ به این بیان که قرآن کریم از اموری که با توحید منافات دارد و یا سود و زیانی به آن نمی رساند، سخن نمی گوید، بلکه قرآن کریم به سبب بهره مندی از حکمت - که خود را به آن توصیف نموده - از اموری سخن می راند که موجب تقویت توحید شود. مشاهده می شود که این کتاب مقدس، درباره رجعت به اشاره گذرا نسبت به حصول آن و واقع شدنش در میان امتهای سابق اکتفا نکرده است؛ بلکه آن را با بیانهای مکرر و به طور مؤکد تبیین کرده است. در سوره بقره آمده است: (الم تر إلى الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس ولكن اکثر الناس لا یشکرون). (۱)

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند؟ و آنان هزارها بودند، خداوند به آنها گفت: بمیرید، سپس خدا آنها را زنده کرد؟ خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر او را [به جا نمی آورند].

مفسران - از جمله ابن جریر طبری در تفسیرش - روایاتی را از ابن عباس، وهب بن منبه، مجاهد، سدی و عطا نقل می کند که شأن نزول این آیه درباره گروهی از بنی اسرائیل است که به سبب بیماری طاعون - که در دیارشان بود - از آن فرار کردند و خداوند آنها را میراند. پیامبری به نام حزقیل از میان آنان عبور نمود، و درباره آنها به فکر فرو رفت، در حالی که اجساد آنها فرسوده شده

بود. خداوند به او وحی فرمود: آیا می خواهی ببینی که چگونه آنها را زنده می کنم؟ آن گاه خداوند آنان را زنده نمود. سیوطی نیز مانند این روایت را نقل کرده است. (۱)

و نیز گفتار خداوند را می خوانیم:

(وإذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهره فأخذتكم الصاعقه و أنتم تنظرون* ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون). (۲)

و [نیز به یاد آورید] هنگامی را که گفتید: ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم، پس صاعقه شما را گرفت، در حالی که تماشا می کردید. سپس شما را پس از مرگتان حیات بخشیدیم، شاید شکر [نعمت او را] به جا آورید.

درباره این آیه، مفسران- از جمله طبری- نقل کرده اند که اینها بعد از گفتارشان همگی مردند. موسی (علیه السلام) با اصرار از خداوند درخواست نمود که آنها را زنده کند، خداوند نیز ارواحشان را به آنان برگرداند. (۳)

و نیز خداوند فرموده است:

(أو كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مَاءَهُ عَامٌ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لنجعلك آيةً للناس وَ انظر إلى العظام كيف نُنشزها ثُمَّ نكسوها لحمًا فلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). (۴)

یا مانند کسی که از کنار یک آبادی [ویران شده] عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن به روی سقفها فرو ریخته بود. گفت: چگونه خدا اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ خداوند او را یکصد سال میراند، سپس زنده کرد، و به او گفت: چه قدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز، یا بخشی از یک روز، فرمود: نه بلکه یکصد سال درنگ

۱- تفسیری طبری، ج ۲ ص ۵۸۶-۵۸۸ دارالفکر؛ الدر المنثور، ج ۲ ص ۷۴۱ دارالفکر.

۲- بقره، ۵۵ و ۵۶.

۳- تفسیر طبری، ج ۱ ص ۲۹۰-۲۹۳.

۴- بقره، ۲۵۹.

کردی. نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود هیچ گونه تغییر نیافته است؛ ولی به الاغ خود نگاه کن، برای این که تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم. [اکنون [به استخوانهای [مرکب سواری خود [نگاه کن چگونه برداشته به هم پیوند می دهیم و گوشت بر آن می پوشانیم. هنگامی که بر او آشکار شد، گفت: می دانم خداوند بر هر کاری تواناست.

مفسران- از جمله طبری- روایات زیادی را نقل کرده اند که عزیر یا ارمیا از بیت المقدس عبور نمود، بعد از آنکه بخت النصر آن را خراب کرده بود. برایش سؤال ایجاد شد که خداوند چگونه مرده ها را زنده می کند؟ خداوند قدرت خویش را درباره زنده کردن مردگان به عزیر نشان داد (چنان که آیه آن را بیان کرده است).

در قرآن آیات دیگری وجود دارد که رجعت پس از مرگ را در مورد انسان و حیوان بیان کرده است؛ از جمله آیات ۷۳ و ۲۶۰ سوره بقره و آیاتی که زنده کردن مردگان، به وسیله حضرت عیسی (علیه السلام) را بیان می کند.

از مجموع آیات گذشته و این که قرآن کریم اعتقاد به رجعت را در میان امتهای گذشته مکرراً بیان کرده می یابیم که این کار لغو و بیهوده نیست؛ بلکه قرآن کریم هدفی در ورای آن دارد که در صدد تحقق آن هدف می باشد و آن ژرف نگری در توحید و اعتقاد است.

(ج) مرحله اثبات وقوع رجعت در آینده میان جامعه اسلامی.

در این باره آیات و روایات متعددی وجود دارد که برخی از آنها را نقل می کنیم:

۱. خداوند می فرماید: (وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ امَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ یَکْذِبُ بِآیَاتِنَا فَهَمَّ یُوزَعُونَ) (۱)

[به خاطر آور [روزی را که ما از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند.

این آیه از برانگیخته شدن گروهی از انسانها در آینده سخن

می گوید و این حشر، حشر اخروی نیست؛ زیرا حشر اخروی همگانی است و اختصاص دادن آن به برخی از مردم معنایی ندارد، به خصوص اینکه قرآن کریم در سه آیه بعد روز قیامت را ذکر می کند:

(و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الأرض إلّا من شاءالله و کُلُّ أتوه داخرین) (۱)

[به خاطر آوردن] روزی را که در صور دمیده می شود و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته، و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند.

گفتنی است که نشانه های قیامت در این آیه وجود دارد، و اگر آیه قبل هم درباره قیامت باشد، تکرار این آیه بدون وجه خواهد بود.

۲. خداوند می فرماید:

(کیف تکفرون بالله و کنتم امواتاً فأحیا کم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون) (۲)

چگونه به خداوند کافر می شوید؟ در حالی که شما مردگان بودید، و او شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند، و بار دیگر شما را زنده می کند، سپس به سوی او بازگردانده می شوید.

در این آیه خداوند دو حیات و دو بازگشت را مطرح می کند؛ حیات اول همان زندگی دنیوی است، و حیات دوم (ثم یحییکم) میان حیات اول و بازگشت به سوی خداوند است که این حیات فقط بر رجعت منطبق می باشد.

۳. خداوند می فرماید: (قالوا ربنا امّتنا اثنتین و احييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل) (۳)

آنها می گویند: پروردگارا، ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی، اکنون به گناهان خود معترفیم. آیا راهی برای خارج شدن از [دوزخ] وجود دارد؟

کیفیت استدلال به این آیه، گذشته است.

اینها برخی از آیات قرآن کریم است که بر رجعت دلالت می کند.

۱- نمل، ۸۷.

۲- بقره، ۲۸.

۳- مؤمن، ۱۱.

روایات رجعت

روایات فراوانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیتش درباره اثبات رجعت، از سوی محدثان و مفسران شیعه در کتابهای روایی و تفسیری نقل شده است.

روشن است که ما به همه این روایات استدلال نمی‌کنیم، بلکه به برخی از آنها - که در منابع فریقین ذکر شده است - اکتفا می‌کنیم. بارزترین آنها روایت معروف ابوسعید خدری است. وی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل می‌کند:

تمام سنتهای امتهای قبل را و جب به و جب و ذرع به ذرع پیروی می‌کنید و حتی اگر آنها در سوراخ سوسماری وارد شده باشند، شما از آنها پیروی می‌کنید. عرض کردیم ای پیامبر خدا، مراد یهودیان و مسیحیان هستند؟ فرمودند: پس چه کسی.

(۱)

پیش از این گذشت که رجعت در میان امتهای گذشته واقع شده است. مقتضای حدیث این است که رجعت در میان این امت نیز واقع خواهد شد.

از جمله روایات این است که وقتی خبر رحلت پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) میان مسلمانان منتشر شد، عمر بن خطاب گفت: چه کسی آن شهر را فتح می‌کند؟ پیامبر خدا نمی‌میرد تا اینکه آنها را فتح کنیم؛ و اگر بمیرد، منتظر او خواهیم ماند چنان که بنی اسرائیل منتظر موسی (علیه السلام) شدند. او همواره می‌گفت: پیامبر خدا نمرده است، و لکن به سوی پروردگارش رفت؛ چنان که موسی (علیه السلام) رفت و چهل شبانه روز از قوم خویش غایب گشت. سپس به سوی آنها بازگشت بعد از اینکه گفته شده بود که او مرده است. به خدا قسم، پیامبر خدا بر می‌گردد و کسانی که گمان کنند او مرده، دستها و پاهاى آنها باید بریده شود. (۲)

بر این اساس عمر بن خطاب اولین کسی است که اعتقاد به رجعت را مطرح کرده است؛ نه عبدالله بن سبا (شخصیت افسانه‌ای که هر

۱- صحیح بخاری کتاب الاعتصام بقول النبی، ج ۹، ص ۱۲۷.

۲- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۰۵؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۶.

گونه بدی در تاریخ اسلامی به او نسبت داده می شود.)

ابن ابی دنیا (م ۲۸۱) کتابی به نام من عاش بعد الموت (کسانی که بعد از مرگ زیسته اند) تألیف کرده است و این کتاب از سوی دار الکتب الإسلامیه در بیروت با تحقیق در سال ۱۹۸۷ م نشر یافته است.

أبو نعیم اصفهانی در کتاب دلائل النبوه و سیوطی در کتاب خصائص الکبری بابی خاص در معجزات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره زنده کردن مردگان قرار داده اند.

و نیز روایت کرده اند که زید بن حارثه و ربیع بن خراش و مردی از انصار، بعد از مرگ سخن گفته اند. (۱)

شبهاتی درباره رجعت

درباره اعتقاد به رجعت شبهاتی هست که پاسخ روشنی را می طلبد.

۱. اعتقاد به رجعت موجب تشویق به معصیت است، به جهت اینکه هنگام رجعت شخص می تواند از گناهان گذشته خود توبه کند؟

این اشکال در صورتی وارد است که رجعت، عمومی باشد و همه مردم را در بر بگیرد، و یا اینکه نام افرادی که دوباره به دنیا بر می گردند معین شده باشد؛ حال آن که چنین نیست، زیرا رجعت مخصوص سران کفر و رهبران ایمان است و کسی نمی تواند نام افراد را معین کند و امر به دست خداوند است و همین مقدار در ارتباط با تشویق نکردن به معصیت کافی است.

۲. اعتقاد به رجعت، موجب قائل شدن به تناسخ می شود که میان مسلمانان مردود است؟

باید گفت: عقیده به تناسخ، مقوله ای است و اعتقاد به رجعت مقوله دیگر که با آن تباین کلی دارد. تناسخ حلول ارواح مردگان در بدن دیگران - که حیات دنیوی دارند - می باشد؛ در حالی که مراد از رجعت بازگشت ارواح برخی از مردم به بدنهای آنان است (مانند

آنچه در قیامت واقع می شود). اگر لازمه رجعت تناسخ باشد، هر آینه تناسخ در معاد و در زنده کردن مردگان به وسیله حضرت عیسی (علیه السلام) و در مصادیق رجعت میان امتهای گذشته نیز باید باشد.

درباره باطل بودن تناسخ روایات متواتری از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است و دانشمندان امامیه در گذشته و حال بر آن تأکید کرده اند. اعتقاد به آن نیز سرانجام انسان را به کفر می کشاند. أبو الحسن اشعری در کتاب مقالات الاسلامیین بین قول به رجعت - که امامیه آن را پذیرفته اند - و قول به تناسخ که اهل غلو و زنادقه منکر قیامت آن را قبول دارند - فرق گذاشته است.

۳. طبق گفتار احمد امین اعتقاد به رجعت، موجب ظهور افکار یهودیگری میان شیعیان شده است؟

جواب این است که پذیرش بخشی از اعتقادات ادیان سابق، از جمله برنامه ها و دستورات اسلام است؛ زیرا اسلام عمل به ادیان سابق را نسخ کرده است. اما در بُعد اعتقادی، جوهره ثابت و مشترکی میان تمام ادیان وجود دارد و اسلام کامل ترین بیان و تعبیر از آن جوهره است. پس صرف اینکه عقیده ای از اعتقادات ادیان سابق جزء اسلام باشد موجب ایراد بر آن نیست. تازه این در صورتی است که فرض کنیم که رجعت از اعتقادات یهود باشد (چنان که احمد امین ادعا می کند).

بنابراین، گفتار احمد امین شگفت انگیز و باطل است. گویا او از روشن ترین و بارزترین اعتقادات اسلامی درباره پیامبران گذشته بی اطلاع است.

خود قرآن کریم، واقع شدن رجعت میان بنی اسرائیل را عنوان کرده است. تشیع نیز خطی است که از روح اعتقادات پیامبران گذشته و جوهره آن - که در تمام رسالتها ثابت است - سخن گفته است.

۴. چگونه بین اعتقاد به رجعت و بین گفتار خداوند: (و حرام علی قریه اهلکناها انهم لایرجعون) (۱) و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که [بر اثر گناه] نابودشان کردیم [که به دنیا باز گردند] آنها هرگز باز

نخواهند گشت را جمع خواهید کرد؟ این آیه بازنگشتن همه ظالمان به دنیا را بیان می کند؛ پس اگر ما قائل به رجوع برخی از آنان شویم، این اعتقاد، مخالف با آیه خواهد بود.

در جواب باید گفت که اعتقاد به رجعت مخالفتی با آیه ندارد؛ زیرا آیه شریفه درباره گروهی خاص از ستمگران است و آنها کسانی اند که در دنیا هلاک گشته و در آن به عذاب آسمانی گرفتار شده اند.

اما ستمگرانی که بدون عذاب و عقوبت از دنیا رفته اند، آیه در ارتباط با آنها ساکت است و شاید سکوت آیه شریفه نسبت به آنان، به نوعی امضای رجعت آنان و یا رجعت گروهی از آنان به انتخاب خداوند است.

نتیجه این که رجعت امر محالی نیست و نیز مخالفتی با توحید ندارند؛ بلکه تجلی قدرت مطلقه خداوند است و روایات فراوانی از اهل بیت- که عدل قرآن می باشند- بر اثبات آن نقل شده است. هم چنین آیات فراوانی از قرآن کریم بر اثبات آن وجود دارد که در بحثهای گذشته به آنها استناد شد. در واقع رجعت همانند برخی از نشانه های قیامت و نوعی از معاد است که کافران آن را بعید می شمارند.

چگونگی صلوات

بر محمد و آل محمد

نگرش شیعه و سنی به صلوات بر محمد و آل محمد

از جمله مسائل اساسی و مورد اتفاق مسلمانان، مسئله صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ اما در چگونگی و گستره آن اختلاف است.

شالوده و اساس این مسئله بر قرآن است. خداوند می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (۱)؛ خداوند و فرشتگان بر پیامبر صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او صلوات بفرستید و سلام کنید؛ سلامی نیکو.

فقهای مذهب اهل بیت (علیهم السلام) اجماع دارند که جایز نیست در نماز به صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اکتفا شود؛ بلکه واجب است خاندانش هم به دنبال آن ذکر شوند. (۲)

دلیل آنها، استناد به اخبار و روایاتی است که در منابع حدیثی شیعه و سنی آمده است، مانند این حدیث مشهور که در مصادر سنی آمده است: روزی به پیامبر خدا عرض شد: یا رسول الله، چگونگی سلام بر شما را دانستیم، ولی با چه عبارتی بر شما صلوات بفرستیم؟

فرمود: قولوا اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم إنّک حمید

۱- احزاب، ۵۶.

۲- خلاف شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۷۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۲۳۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

مجید (۱)؛ بگویید: پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست، همان گونه که بر ابراهیم درود فرستادی، به درستی که تو دارای صفاتی ستوده و بزرگواری.

مفسران نظیر این حدیث را ذیل آیه: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ...) (۲) آورده اند. در کتاب الصواعق المحرقة آمده است: که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: بر من صلوات ناقص نفرستید. سؤال کردند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: نگوید اللهم صل علی محمد و بعد ساکت شوید، بلکه بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد (۳)

با وجود این همه ادله و تأکید، آنها بر بازم به صلوات بر آل محمد اعتراف نمی کنند، لذا برخی ذکر آل محمد را واجب می دانند و بعضی آن را واجب نمی شمارند (۴) و به دلایل سست و بی اساسی استناد می نمایند که قلم از نوشتن آن شرم می کند. برای مثال:

گفته اند: عدم وجوب، اولی است؛ زیرا وقتی از حضرت درباره اهل بیت اش پرسیدند، آن گاه حضرت پاسخ آنها را داد از ابتدا درباره صلوات بر آنها چیزی به مردم نفرمود (۵)

در جواب می گوئیم که در بیان احکام الهی مربوط به مسئله ای، گاهی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به سؤال اکتفا می کردند و اگر از طرف مردم سؤال مطرح نمی شد خود به بیان حکم شرعی می پرداختند.

در قرآن آیاتی با جمله: یسئلونک از شما می پرسند، شروع می شود، مانند درباره حیض از شما می پرسند (۶)؛ از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام سؤال می کنند (۷)؛ درباره شراب و قمار از

۱- صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۱۷ ح ۲۹۱؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۵۹ ح ۳۲۲۰، این حدیث مورد اتفاق همگان است.

۲- احزاب، ۵۶.

۳- الصواعق المحرقة، ص ۲۲۵، بیروت.

۴- المجموع، امام النووی، ج ۳، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۵- مغنی، ابن قدامه، ج ۱، ص ۵۸۱، شرح کبیر، ج ۱، ص ۵۸۱.

۶- بقره، ۲۲۲.

۷- بقره، ۲۱۷.

تو سؤال می کنند (۱) و آیات دیگر.

با فرض درستی چنین ادعایی، باید بگوییم که برای چنین مسائلی، اگر از طرف مردم سؤالی مطرح نمی شد، حکمی هم از طرف خدا نازل نمی گشت! آیا این چنین ادعایی صحیح است؟!

خاندان پیغمبر

به نظر مکتب اهل بیت (علیهم السلام) خاندان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که بایستی بر آنها صلوات فرستاده شود، عبارتند از: افراد معصوم آن خاندان؛ و صلوات بر افراد دیگری غیر از آنها واجب نیست. (۲)

ده ها حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منابع روایی اهل سنت بر این مدعا دلالت می کنند، مانند روایتی که امام احمد در مسند خود آورده است: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، عبای یمنی خود را بر روی فاطمه و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) انداخت. سپس رو به آسمان کرد و فرمود: پروردگارا! اینها خاندان محمد هستند؛ پس صلوات و برکات خود را بر محمد و آل محمد فرو فرست، به درستی که تو بزرگوار و ستوده هستی.

با وجود این همه اخبار و احادیث این مسئله بی نیاز از بحث و بررسی است؛ اما با این حال عده ای می گویند: خاندان و اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) عبارتند از: پیروان او، امت او، پیروان و افراد خاص او بین ۳ تا ۷ نفر و حداکثر ۱۰ نفر، یا خاندان او شامل عشیره و فامیل می شوند، و نیز برخی گفته اند: مقصود قوم او هستند و بعضی دیگر معتقدند: مراد از اهل بیت، افرادی از خویشان حضرت هستند که صدقه بر آنها حرام شده، و عده ای دیگر آنها را به بنی هاشم تفسیر کرده اند. (۳)

بنابر مذهب حسن منظور از آل محمد، شخص محمد است و این بعیدترین و عجیب ترین رأی است!

بهرتر است این بحث را با سخن فخر رازی در تفسیر کبیر به پایان

۱- بقره، ۲۱۹.

۲- تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۲۳۴.

۳- الصواعق المحرقة، ص ۲۲۵.

برسانیم که می نویسد: من معتقدم که آل محمد (صلی الله علیه وآله) کسانی هستند که ولایت امور مردم به عهده آنهاست. بنابراین هر کس که پیوندش با پیامبر بیشتر و کامل تر است جزو خاندان حضرت است. وشکی نیست که پیوند و ارتباط حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیشتر و شدیدتر بود و این امری متواتر است. پس لازم است آنان را آل محمد بدانیم، اگر خاندان پیامبر را امت وی بدانیم، آیا شامل افراد دیگر نیز می شود؟ در این مورد تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است.

صاحب تفسیر کشاف می گوید: وقتی آیه صلوات بر حضرت نازل شد، عرض کردند: بر چه کسانی از نزدیکان شما واجب است مهر و مودت بورزیم؟ فرمود: بر علی و فاطمه و دو فرزندشان.

پس این چهار تن از نزدیکان پیامبر هستند و اگر این را ثابت نماییم، باید نام آنها را با عظمت خاص یاد کنیم:

فخر رازی در ادامه می گوید: ثنا و دعا بر آل محمد، بیانگر مقام والای آنهاست؛ به همین جهت این فرمایش حضرت رسول (صلی الله علیه وآله): اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ پایان بخش تشهد قرار گرفته و این گونه تعظیمی در حق افراد دیگر نیامده است. (۱)

فخر رازی در تفسیر خود اصرار میورزد که صیغه صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) عبارت است از: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... (۲)

نگرش فقهی به صلوات

در اصل و ریشه صلوات میان مسلمانان اختلافی نیست و همه به ثواب و فضیلت و مستحب بودنش در همه اوقات اذعان دارند؛ زیرا اخبار بسیاری از طریق شیعه و سنی در این باره آمده است. برای مثال، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده: من صلّی علیّ صلاّةً صلّی اللّٰهُ علیّ بها

۱- تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۲- همان، ج ۲۵، ص ۲۷۷.

عشراً (۱)؛ هر کس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند بر او ده صلوات می فرستد.

اختلاف تنها در دو مورد است:

اول: صیغه و شکل صلوات چگونه باید باشد؟

پیرامون این مسئله توضیح دادیم و نظر حق را ثابت کردیم و گفتیم ذکر آل محمد هنگام صلوات بر پیامبر، نزد همه مسلمانان نه تنها مشروع، بلکه عملی مطلوب است، و اگر هنگام درود فرستادن بر آن حضرت، به اهل بیت او صلوات فرستاده نشود، فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) صلوات ناقص و ناتمام است.

دوم: درود بر پیامبر و خاندانش چه موقع واجب می شود؟

تردید نیست که آیه صلوات بشکل امر آمده است؛ زیرا بعد از اینکه فرمود: اِنَّ الله و ملائکته یصلون علی النبی ... بلافاصله با امر همراه تأکید می فرماید: یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیم. علمای علم اصول می گویند که صیغه امر بر وجوب دلالت می کند. بر این اساس، زمینه سؤال بعدی پیش می آید که چه وقت صلوات واجب می شود؟

چه وقت صلوات واجب می شود؟

۱. برخی آن را هر بار که نام مبارک پیامبر برده می شود واجب دانسته و به این حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله) که می فرماید: از رحمت خدا به دور است آن کس که نام مرا بشنود و صلوات نفرستد و سزای او ورود به آتش است. استناد کرده اند.

۲. برخی گفته اند: ذکر صلوات در هر مجلس یک بار واجب است، هر چند نام حضرت چند بار تکرار شود، مانند سجده که هنگام شنیدن یا خواندن مکرر آیه سجده یک بار کفایت می کند و همچنین تکرار عطسه که یک بار ترحیم گفتن کفایت می کند و همان طوری که در اوّل و آخر دعا صلوات فرستاده می شود.

۳. بعضی دیگر مانند صاحب کشاف معتقدند که صلوات فرستادن

در تمام عمر، یک مرتبه واجب است، همان گونه که اظهار شهادتین برای مسلمان شدن یک بار واجب است.

اما مقتضای احتیاط این است که هر که نام حضرت (صلی الله علیه وآله) را می شنود، بر او صلوات بفرستد، چنان که احادیثی بر این مطلب تأکید می کنند.

زمخسری می نویسد: اگر پرسید: آیا صلوات در نماز شرط است یا خیر؟ می گویم: ابو حنیفه و اصحاب او، آن را شرط نمی دانند.

از ابراهیم نخعی نقل شده است: صحابه پیامبر در تشهد فقط به ذکر: السلام علیک ایها النبی اکتفا می کردند. اما شافعی آن را شرط می دانست. (۱) قرطبی در تفسیرش می نویسد: صلوات در طول عمر یک بار فرض و واجب است و در بقیه حالات صلوات از سنتهای مؤکد است، لذا ترک آن شایسته نیست، و کسی از آن غفلت میورزد که از خیر بی بهره است. (۲)

ابن حزم در المحلی می نویسد: صلوات در طول عمر یک مرتبه واجب و بیشتر از آن مستحب است. و در پاسخ به شافعی که آن را واجب دانسته، می گوید: این ادعا بی دلیل است، و اینکه بیش از یک بار واجب است تکرار شود، باید برای آن حد و اندازه ای در نظر بگیریم و راهی برای آن نیست؛ زیرا بر عدد معینی دلیل نداریم. (۳) و این دیدگاه جصاص نیز می باشد. (۴)

شافعی معتقد است: فقط در آخرین تشهد نماز صلوات واجب است حنبلی ها این رأی را پذیرفته اند و به چند دلیل استدلال کرده اند. (۵) نظر مذهب اهل بیت (علیهم السلام) این است که وجوب صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) در هر دو تشهد از روشن ترین واضحات است. شیخ طوسی (قدس سره) در استدلال بر این مسئله می نویسد: به دلیل اجماع فقهای شیعه و نیز موافقت نمودن با شیوه احتیاط صلوات واجب

۱- کشاف، زمخسری، ج ۳ ص ۵۵۷-۵۵۸.

۲- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۳- المحلی، ج ۳، ص ۲۷۳.

۴- أحکام القرآن، ج ۳، ص ۴۸۴.

۵- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۳۶، ۲۳۷ و همچنین به مغنی ابن قدامه مقدسی، ج ۱، ص ۵۷۹-۵۸۰ مراجعه شود.

است، زیرا خلافی نیست که اگر کسی در نمازش صلوات بفرستد نماز او صحیح و پذیرفته است و اگر صلوات را ترک کند، دلیلی بر صحت چنین نمازی نیست.

دلیل دیگر، آیه: (یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلموا تسلیما) است. خداوند در این آیه امر به صلوات نموده است که دلالت بر وجوب آن می کند؛ و هیچ موردی شایسته تر از این نیست.

سپس سه روایت را که بر وجوب صلوات دلالت می کنند، نقل می کند روایت اول را کعب بن عجره و روایت دوم را عایشه از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند و روایت سوم را ابوبصیر از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل می کند. (۱)

در نتیجه نماز واجبی که بدون ذکر خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، مانند نمازی است که در آن صلوات ذکر نشده باشد و باطل است، همان گونه که امام شافعی سروده است:

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ *** فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كفأكم من عظیم القدر انكم *** من لم یصل علیكم لا صلاة له (۲)

ای خاندان رسول خدا! از طرف خداوند در قرآن آمده است که دوستی شما آل محمد واجب است.

عظمت و بزرگواری شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد نمازی از او پذیرفته نیست.

۱- خلاف، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۱.

۲- الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۲۲۸.

تقیه یکی از مسائلی است که قرآن کریم آن را مطرح کرده و به جواز آن تصریح نموده است؛ چنان که در سوره آل عمران می فرماید: لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱)

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد] و پیوند او به کلی از خداوند گسسته می شود [مگر اینکه از آنها پرهیزد] و به سبب هدفهای مهم تری تقیه کند [خداوند شما را از] نا فرمانی [خود بر حذر می دارد؛ و بازگشت] شما [به سوی خدا است].

از آنجا که اسلام یک دین عملی و واقع گراست و همه مشکلات را برطرف می کند. طبیعی است که چگونگی برخورد با مسائل را در هر حال برای مکلفین روشن سازد؛ مثلاً اگر انسان مخیر شد بین مرگ یا شکنجه طاقت فرسا و بین دست کشیدن از برخی لوازم یا مظاهر ایمان، وظیفه او چیست؟

آیه فوق می فرماید در هیچ حال نمی توان از اعتقاد قلبی دست کشید؛ زیرا پایه و ریشه ایمان است؛ اما در مورد رکن دوم و سوم گفتنی است که اگر نجات از مرگ یا شکنجه طاقت فرسا، بستگی به این دارد که در ظاهر و به طور موقت از اظهار و عمل به اسلام دست برداشت، آیه شریفه اجازه آن را برای مؤمنان صادر کرده است. البته با این کار، اصل دین هم از بین نمی رود.

قرآن کریم در آیه ای دیگر بر این معنی تأکید نموده و فرموده است: **إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ** *مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. (۱)

تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ [آری] دروغگویان واقعی آنها هستند* کسانی که بعد از ایمان کافر شوند- به جز آنها که تحت فشار واقع شده اند، در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنان است و عذاب عظیمی در انتظارشان!

نزول این دو آیه زمانی بود که مشرکان عمار بن یاسر را مجبور کرده بودند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دشنام دهد و از بتها به نیکی یاد کند. عمار نیز از ترس شکنجه های طاقت فرسای آنان چنین کرد. وقتی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد، حضرت به او فرمود: چه شده است؟ عرض کرد: [کار] بدی انجام دادم ای رسول خدا! آنها رهایم نکردند تا به شما ناسزا گفتم و بتهای آنان را به نیکی یاد کردم! فرمود: در قلب تو چه گذشت عرض کرد: نسبت به ایمان مطمئن است. فرمود: اگر دوباره تو را مجبور کردند، همان سخنان را تکرار کن. (۲)

این عمل، آن نفاقی نیست که قرآن کریم آن را محکوم کرده و بدتر از کفر شمرده است؛ زیرا نفاق پنهان کردن کفر و کینه و اظهار

۱- نحل، ۱۰۵-۱۰۶.

۲- المستدرک، حاکم، ج ۲۰، ص ۳۵۷.

کردن ایمان و یا دوستی است؛ در حالی که تقیه پنهان کردن ایمان و آشکار نمودن کفر و شرک است. اگر تقیه از جمله مصادیق نفاق باشد، چرا خداوند سبحان در دو آیه قرآن آن را مباح شمرده است؟

هم چنین تقیه با تسلیم و سازش در مسائل دینی فرق دارد. تسلیم و سازش پذیرفتن طرف مقابل و دست کشیدن از اعتقادات است؛ در حالی که تقیه عبارت است از نگهداری دین به وسیله آشکار نکردن موقتی ایمان و اظهار خواسته های دشمن، تا موقعی که ضعف از بین برود و فرصتی برای تجدید نیرو پیدا شود. پس تقیه یک تدبیر عقلایی برای پیشگیری است و مؤمن را به تسلیم و سازش نمی کشاند؛ بلکه به جای آن، عناصر پایداری روحی و معنوی را بسیج می کند، تا در مقابل فشارهای سهمگین دشمنان متلاشی و نابود نشود و ایمان خود را در بالاترین درجه آن حفظ کند.

تقیه در نظر عامه

بسیاری از علمای عامه در کتابهایشان از صحابه و بزرگان دیگر مطالبی را نقل کرده اند که دلالت بر مشروعیت تقیه از نظر اسلام دارد و در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تقیه عمار بن یاسر، (۱)

۲. تقیه عبدالله بن مسعود، (۲)

۳. تقیه ابو درداء و ابوموسی اشعری، (۳)

۴. تقیه ابو هریره، (۴)

۵. تقیه ابن عباس از معاویه، (۵)

۶. تقیه سعید بن جبیر، (۶)

۱- تفاسیر، سیره ها.

۲- المحلی، ج ۸، ص ۳۳۶ آفاق، بیروت.

۳- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب المداراه مع الناس.

۴- همان، کتاب العلم، باب حفظ العلم.

۵- شرح معانی الآثار، طحاوی، باب الوتر.

۶- کتاب الأموال، ابی عیینه، ص ۵۶۷.

۷. تقیه رجاء بن حبوه، (۱)

۸. تقیه واصل بن عطاء، (۲)

۹. تقیه عمرو بن عبید معتزلی، (۳)

۱۰. تقیه ابو حنیفه. (۴)

تقیه، در همه نحله ها و در عرصه های مختلف وجود داشته است. برخی از جوانب تقیه از نظر عامه عبارت است از:

۱. فتوای فقهای عامه در مورد جواز تقیه در عقیده؛ (۵)

۲. فتوای فقهای عامه در مورد جواز تقیه در آداب؛ (۶)

۳. فتوای فقهای اهل سنت در مورد جواز تقیه در عبادت؛ (۷)

۴. فتوای فقهای اهل سنت در مورد جواز تقیه در معاملات. (۸)

تقیه در نظر امامیه

علمای امامیه در مورد جواز تقیه و حتی وجوب آن در بعضی اوقات، علاوه بر دو آیه یاد شده، به روایات فراوانی استناد جسته اند که به حد استفاضه می رسد به گونه ای که در کتاب وسائل الشیعه باب ویژه ای به تقیه اختصاص داده شده است و در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. ابن ابی یغفور از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است: تقیه، سپر و نگهدارنده مؤمن است. (۹)

۲. امام صادق (علیه السلام) به مفضل فرمود: اگر تقیه کنی دشمنان نمی توانند به تو آسیبی برسانند. تقیه دیواری است مستحکم بین تو و دشمنان

آزموده ها؛ ج ۴؛ ص ۵۹

۱- الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

۲- الأذکیاء، ابن جوزی، ص ۱۳۶.

۳- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۶۸ شرح حال عمرو بن عبید.

۴- همان، ج ۱۳، ص ۳۷۹ شرح حال ابوحنیفه.

- ٥- الجامع، قرطبي ح ١٠، ص ١٨٠؛ احكام القرآن، ابن عربي مالكي؛ و المبسوط، سرخسي حنفي، و بدايع الصنائع، كاشاني حنفي؛ و المغني، ابن قدامه.
- ٦- تفسير مراغي ج ٣ ص ١٣٧.
- ٧- المبسوط، سرخسي؛ ج ٢٤ ص ٤٨ و اشباه و نظائر، سيوطي، ص ٢٠٧.
- ٨- البحر المحيط، ابو حيان مالكي؛ ج ٢، ص ٢٢٤ و بدايع الصنائع؛ ج ٧، ص ١٧٥ و مجمع الانهر، أفندي حنفي؛ ج ٢، ص ٤٣١، التراث العربي، بيروت.
- ٩- اصول كافي، ج ٢، ص ٢٢١ باب تقيه.

خدا و سدی است که نمی توانند در آن نفوذ کنند. (۱)

۳. امام علی (علیه السلام) فرمود: تقیه از برترین اعمال مؤمن است تا جان خود و برادرانش را به وسیله آن از ستمکاران حفظ کند. (۲)

۴. امام باقر (علیه السلام) فرمود: تقیه، دین من و دین پدران من است. (۳)

۵. امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر دینتان بترسید و آن را با تقیه پوشانید. (۴)

چرا فقط شیعه به تقیه مشهور شده است؟

روایات لزوم تقیه، از بسیاری از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و همین امر باعث گشته است تا شیعه از دیگر مسلمانان به تقیه مشهورتر باشد. هم چنین دشمنی برخی از فرقه ها باعث شده که آن را وسیله ای برای مسخره کردن پیروان اهل بیت (علیهم السلام) قرار دهند!

گویا آنها فراموش کرده اند که تقیه، از دستورات قرآن و از ضروریات دین است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر داشته اند. و اگر در فروع آن اختلافی وجود داشته باشد مسئله جدیدی نیست؛ زیرا مسلمانان در بسیاری از فروع مسائل شرعی با هم اختلاف دارند؛ ولی در اصول باهم اتفاق نظر دارند.

چرا عده ای، وقتی به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می رسند نظرات مخالف آنان با مکاتب فقهی دیگر را می بینند و آن را دستاویزی برای تسمخر و هتاک خود قرار می دهند؟!

علمای عامه توجه نداشته اند که از جمله اهداف تقیه حمایت از وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه مسلمانان است، در این صورت شایسته نیست که فرقه شیعه به بدعت و نفاق متهم شود.

دورانهای سخت زندگی اهل بیت (علیهم السلام) در زمان حکومت امویان، عباسیان باعث شده بود که شیعیان علی (علیه السلام) مذهب خود را - حتی از همسرانشان - مخفی نگه دارند؛ زیرا در آن زمان متهم بودن به

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۳، باب ۲۴.

۲- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۲۰.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۹، باب تقیه.

۴- همان.

تشیع سخت‌ترین کیفر را داشت و حتی پسر از دست پدرش به قاضی شکایت می‌کرد که چرا پدر او را علی نامیده است!

گروهی بی‌شمار از شیعیان در قرنهای گذشته با ظلم و استضعاف رو به رو بوده‌اند. پس طبیعی است که از بین تسلیم شدن در مقابل دشمن و ریشه کن شدن و نابودی راه میانه را برگزینند؛ از جهتی ظلم و شکنجه را از خود دور سازند و از جهت دیگر در معرض از بین رفتن و نابودی و ریشه کنی قرار نگیرند، و این همان تقیه است.

این که ابن تیمیه گفته است: تقیه همان دروغ و نفاق است (۱)، مطلبی بی‌دلیل است که عقل آن را نمی‌پذیرد و کتاب و سنت آن را تأیید نمی‌کنند و برخلاف مسلمات عقلی و نقلی است.

شیعیان معتقد به تقیه هستند. آنان ایمانشان را می‌پوشانند و برای حفظ جان خود، موافقت خود را با کسانی که اشتباه و انحرافشان معلوم است آشکار می‌کنند. کجای این کار نفاق است؟! در حالی که نفاق، آشکار کردن ایمان و پنهان داشتن کفر است و این بر خلاف آن چیزی است که شیعه انجام می‌دهد؛ بلکه به کلی ضد آن است. اگر دین اسلام تقیه را مباح نکرده بود، هیچ یک از شیعیان بدان عمل نمی‌کردند.

انواع تقیه

می‌توان تقیه را بر اساس ضوابط مختلف به شکل زیر تقسیم بندی کرد:

الف) بر حسب کسی که از او تقیه می‌شود: ۱. تقیه از کافر، ۲. تقیه از مسلمان؛

ب) بر حسب عمل: ۱. تقیه در عبادت، ۲. تقیه در فتوا، ۳. تقیه در سیاست؛

ج) بر حسب احکام: ۱. تقیه جایز، ۲. تقیه واجب، ۳. تقیه حرام.

تقیه از کافر: همه مسلمانان این قسم از تقیه را قبول دارند. همان

گونه که گذشت، قرآن کریم در دو آیه به این نوع از تقیه اشاره فرموده است.

تقیه از مسلمان

در مورد جواز یا عدم جواز این نوع تقیه، در میان علمای مسلمین اختلاف وجود دارد. قائلان به عدم جواز، استدلال می کنند که قرآن کریم تنها در مورد تقیه مسلمان از مشرک تصریح کرده و به قسم دیگر اشاره ای ندارد.

ولی علمای امامیه، قائل به جواز این نوع از تقیه بوده و همان دو آیه یاد شده را دلیل آورده اند. درباره نحوه استدلال به این دلیل گفتنی است که از نظر علمای علم اصول خصوصیت مورد، موجب تخصیص نمی شود. از نظر علمای علم تفسیر نیز به عمومیت لفظ استدلال می شود، نه به خصوصیت نسبت.

در توضیح این مطلب باید پرسید: آیا قرآن کریم در این دو آیه حال مسلمان را مراعات نموده یا حال مشرکان را؟

اگر در تقیه جایز، همان تقیه در برابر مشرک است، نه تقیه از مسلمان، و اگر حال مسلمان را در نظر گرفته پس تقیه برای حفظ جان مسلمان است. از نظر ما، تقیه در مقابل هر ظالمی جایز است؛ اگر چه آن ظالم، مسلمان باشد.

ظاهر قرآن کریم، معنای دوم را می رساند؛ یعنی تقیه برای حفظ جان مسلمان در برابر خطر و نگهداری او از دشمن است، و این علت در تقیه مسلمان از مسلمان هم وجود دارد؛ همچنان که در تقیه مسلمان از مشرک هم وجود دارد.

یکی از دانشمندان اهل سنت به این مطلب اشاره کرده و نوشته است: حکم چهارم: ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه تقیه در برابر کفاری که غالب هستند حلال می باشد؛ ولی مذهب شافعی معتقد است که اگر حالت بین مسلمان، همان حالت بین مسلمان و مشرکان باشد، برای حفظ جان تقیه حلال می شود. (۱)

۱- ر. ک: تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰ و ۱۲۰.

بنابراین تقیه یک روش عقلایی همگانی است و معنی ندارد که آن را مختص به یک ظالم بدانیم. حتی برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواردی از مسلمانان تقیه کرده اند. ابوهیره می گوید: دو چیز را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یاد گرفتم که یکی از آنها را در میان مردم منتشر کردم، و اما اگر دیگری را منتشر می کردم، سرم را بر دار می دادم (۱) آیا این کار تقیه مسلمان از مسلمان نیست؟!

تقیه در عبادت: تقیه در عبادت به این معنی است که برای دفع خطر ظلم یا برای مدارا کردن با دیگر مذاهب اسلامی، عبادت را به نحوی به جا آورد که مسلمان مخالف - طبق مذهب خود - به آن معتقد است. این شکل از عبادت، از خصوصیات مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و بیشتر عبادتهایی که به صورت تقیه به جا آورده می شوند، به انگیزه ترس از ظلم نیست؛ بلکه تنها برای حفظ وحدت مسلمین است.

امام خمینی (ره) در این مورد می فرماید: تقیه گاهی برای این است که خطری حوزه اسلام را تهدید می کند، به شکلی که خوف از هم گسستگی وحدت مسلمانان در میان باشد، و ترس از این باشد که بر حوزه اسلام - به خاطر پراکندگی شان و یا چیز دیگر - ضرری وارد شود، این همان تقیه مدارایی که جهت هم صدا شدن همه مسلمانان و وحدت بین آنها و ایجاد دوستی بین مخالفان و جلب محبت آنان، بدون هیچ گونه ترسی انجام پذیر است. (۲)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که به هشام بن حکم فرمود: در میان قبیله هایشان نماز بخوانید، بیمارانشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه شان حاضر شوید ... به خدا سوگند، او به چیزی دوست داشتنی تر از خباء (پنهان کردن)، عبادت نشده است. گفتم خباء چیست؟ فرمود: تقیه. (۳)

باید توجه داشت که تقیه همیشه جایز نیست و همیشه هم واجب نیست؛ بلکه در برخی از موارد حرام است.

۱- محاسن التأویل، قاسمی ج ۴، ص ۸۲ مصر.

۲- الرسائل، ص ۱۷۴.

۳- وسائل الشیعه، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، باب ۲۶، ح ۲.

امام خمینی (ره) در مورد تقیه حرام می فرماید:

از جمله آن [تقیه در مورد] برخی از محرمات و واجباتی است که در نظر شرع و متشرعین نهایت اهمیت را دارا هستند؛ مثل ویرانی کعبه و مشاهد (زیارتگاه های) مقدس ... رد کردن اسلام و قرآن، تفسیر کردن آنچنانی که مذهب را تفسیر می نماید و با کفر تطبیق می دهد ... از همه اینها مهم تر آنجایی است که اصلی از اصول اسلام یا مذهب و یا یکی از ضروریات دین، در معرض از بین رفتن و نابودی و تغییر است. [در این صورت] تقیه جایز نیست؛ مثل اینکه منحرفان سرکش بخواهند احکام ارث، طلاق و ... را تغییر دهند. (۱)

علامه مظفر می نویسد: تقیه از نظر وجوب و عدم وجوب و بر حسب محللهایی که ترس از ضرر در آنجاست، احکامی دارد که در ابواب کتابهای علمای فقه ذکر شده است. تقیه در هر حالی واجب نیست؛ بلکه گاهی جایز است و یا در بعضی از حالات، خلاف آن واجب است؛ مثل اینکه در مقام اظهار حق و آشکار کردن آن برای یاری دین و خدمت به اسلام و جهاد در راه آن باشد. در چنین وقتی اموال نادیده گرفته می شوند و جانها ارزش نخواهند داشت. (۲)

۱- رسائل: ۱۷۷-۱۷۸.

۲- عقائد الامامیه، ص ۸۵.

مصحف امام علی

(علیه السلام)

از گفتار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به دست می آید که قرآن موجود در میان ما، همان کتابی است که خداوند بر پیامبر امین خویش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل کرده است. کتابی که خداوند، متکفل حفظ و جاودانگی آن است؛ به جهت این که قرآن دلیل بر جاودانگی رسالتی است که به سبب اثبات و تثبیت آن نازل شده است.

قرآن، متضمن هدایت خداوندی برای بشریت، و متضمن دین کاملی است که خداوند آن را برای بندگان برگزیده است و به وسیله آن بر بندگان خویش در روز قیامت احتجاج می کند. امام علی (علیه السلام) نیز در سخنان جاوید خویش، به آن تصریح فرموده و از قرآن موجود و جاوید سخن گفته است و آن همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل و در دوران آن حضرت جمع آوری شده است. نسل به نسل میان مسلمانان بوده و مورد استفاده قرار گرفته است؛ بدون اینکه از آن حرفی و یا کلمه ای کاسته شده باشد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: و بدانید این قرآن پندگویی است که فریب ندهد، و راهنمایی است که گمراه نکند، و سخنگویی است که دروغ نگوید، و کسی با قرآن نشست جز اینکه چون برخاست

افزون شد یا از وی کاست؛ افزونی در رستگاری، کاهش از کوری (گمراهی)، و بدانید کسی را که با قرآن است نیازی نباشد، و بی قرآن بی نیاز نباشد. پس رهایی از دردهایتان را از قرآن بخواهید و در سختیها از آن یاری بطلبید که قرآن موجب بهبودی یافتن بزرگ ترین دردهاست و آن کفر، دورویی، هلاک شدن و گمراهی است. پس به وسیله آن از خداوند درخواست کنید و با دوستی آن رو به سوی او آورید. (۱)

سخنانی که از آن حضرت درباره قرآن کریم نقل شده و در میان مسلمانان معاصر آن حضرت و مسلمانان امروز وجود دارد، تفسیر کننده این گفتار حضرت است که می فرماید: قرآن همراه من است. از هنگامی که با آن همراه شدم، جدا نگشتم. (۲)

این دیدگاه امام علی (علیه السلام) درباره کتاب جاوید خداوند است.

لکن دشمنان این کتاب الهی، برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان نقشه های گوناگونی را به کار بستند، و از جمله آنها تهمت به اهل بیت (علیهم السلام) است؛ همانان که حاملان و حافظان قرآن و مراقبان و مفسران آیات آن می باشند. گروهی می پندارند که اهل بیت قرآن دیگری را جز قرآن موجود در نزد خویش نگهداری می کنند و آن مصحف امام علی (علیه السلام) است، و اینها گمان می کنند که در کتابهای روایی اهل بیت، روایاتی درباره این موضوع وجود دارد.

برای روشن شدن حقیقت- که پیروان حق آن را می شناسند و دشمنان سعی در سرپوش گذاشتن بر روی آن دارند- و برای پاسخگویی به این پندار واهی با استفاده از روایات و بررسی تاریخ جمع آوری و تدوین قرآن در دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دوران امام علی (علیه السلام) این بحث را دنبال می کنیم.

مصحف (قرآن) امام علی

(علیه السلام)

بحث درباره مصحف امام علی (علیه السلام) ممکن نیست مگر بعد از آشنایی با تاریخ جمع آوری قرآن کریم؛ زیرا مصحف امام علی (علیه السلام) چیزی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- همان، خطبه ۱۲۲.

نیست جز گردآوری قرآن کریم و آنچه به آن مرتبط است. می دانیم که ترتیب قرآن و تاریخ جمع آن و تنظیم سوره ها و اعراب و نقطه گذاری آن، و نیز تقسیم آن به اجزاء (جزءها) و احزاب (حزبها) از عامل واحدی پدید نیامده، و در فاصله زمانی کوتاهی کامل نشده است؛ بلکه دورانهایی بر آن گذشته که با آغاز رسالت شروع شده و با یکی کردن قرآنها در روزگار عثمان و تا زمان خلیل بن احمد فراهیدی- که اعراب گذاری آن را به شکل امروزی کامل کرد- پایان یافته است.

مورخان، تاریخ گردآوری قرآن را سه مرحله می دانند:

مرحله اول: دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): در این زمان قرآن به لحاظ نوشتن و حفظ آن در سینه ها جمع آوری شد، و قرآن بر روی کاغذ، تخته هایی از پوست و شاخه درخت خرما، سنگ ظریف و استخوان شتر نوشته می شد. زید بن ثابت می گوید: ما در نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تألیف می کردیم؛ یعنی قرآن را بر روی پوست می نوشتیم. (۱)

مرحله دوم: دوران ابوبکر: در این دوران نسخه ای از قرآن در شاخه درخت خرما و پوست بر اساس حافظه اصحاب نوشته شد.

مرحله سوم: دوران عثمان بن عفان: در این دوران قرآن در یک جلد جمع آوری شد و عثمان مردم را به پیروی از قرائت واحدی وادار ساخت و نسخه هایی از روی آن نوشت و به شهرها فرستاد و بقیه قرآنها را سوزاند. (۲)

از دسته ای از روایات شیعه و اهل سنت استفاده می شود که امام علی (علیه السلام) بعد از وفات حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) جهت جمع آوری قرآن کریم از مردم کناره گرفت، و این موضع امام به دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است. حضرت امیر (علیه السلام) می فرمود: عبا بر دوش نمی گذارم تا قرآن را جمع کنم. روایت شده است که آن حضرت عبا بر دوش نمی گذاشت مگر برای نماز، تا اینکه قرآن را جمع

۱- مستدرک، ج ۲، ص ۶۱۱.

۲- الاتقان، ج ۱، ص ۲۱۱.

کرد. (۱)

قرآن امام علی (علیه السلام) مانند دیگر قرآنهایی است که گردآوری شده است (مثل قرآن زید، قرآن ابن مسعود، قرآن ابی بن کعب، قرآن ابوموسی اشعری و قرآن مقداد بن اسود)؛ چنان که عایشه نیز دارای قرآنی بود. قرائت اهل کوفه از روی قرآن ابن مسعود و قرائت اهل بصره از روی قرآن ابوموسی اشعری بود و اهل شام از روی قرآن ابی کعب و اهل دمشق از روی قرآن مقداد قرائت می نمودند.

لکن دوران این قرآنها و قرائت از روی آنها، در زمان عثمان سپری شد؛ زیرا او قرآنی برای آن شهرها فرستاد و دیگر قرآنها را سوزاند. (۲)

اما درباره قرآن امام علی (علیه السلام) گفتنی است که آن حضرت آن را برای خود و اهل بیتش نگهداری نمود و به جهت حفظ وحدت امت اسلامی آن را ظاهر نکرد.

اولین کسی که پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه وآله) جمع آوری قرآن را به طور مستقیم و به وصیت آن حضرت بر عهده گرفت، علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود. (۳) آن حضرت در خانه نشست و به جمع آوری قرآن و مرتب کردن آن بر طبق نزول، اقدام نمود.

ابن ندیم مستنداً نقل کرده است: حضرت علی (علیه السلام) هنگام درگذشت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، اختلاف مردم و پراکندگی آنان را مشاهده نمود و سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد تا قرآن را جمع نماید. (۴)

محمد بن سیرین از عکرمة روایت کرده است: وقتی خلافت ابوبکر آغاز گشت، علی بن ابی طالب (علیه السلام) در خانه نشست و به جمع آوری قرآن مشغول شد. ابن سیرین گوید: از عکرمة پرسیدم:

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷؛ الاتقان سیوطی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۷؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۴۷۹۲/۵۸۸.

۲- الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۵۵؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۳.

۳- تفسیر قمی، ص ۷۴۵؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸، ح ۵ و ص ۵۲، ح ۱۸.

۴- مناقب، ج ۲، ص ۴۰.

آیا تألیف دیگران نیز بر طبق نزول قرآن بود؟ گفت: اگر جن و انس گرد آیند که همانند آن را (مصحف امام علی) تألیف کنند، توانایی ندارند. ابن سیرین می گوید: من در پی به دست آوردن این کتاب بودم و به مدینه نیز نامه نوشتم ولی بدان دست نیافتم. (۱)

ویژگیهای مصحف (قرآن) امام علی

(علیه السلام)

بعد از این که ثابت شد امام علی (علیه السلام) مصحفی دارد که آن را پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جمع آوری نمود، این سؤال پیش می آید که امتیازات آن چیست؟ و آیا با مصاحف (قرآنها) دیگر - که بعد از مصحف آن حضرت جمع آوری شد - اختلاف دارد یا نه؟

در جواب باید گفت: بلی، تفاوتی میان مصحف امام و مصحفهای دیگر وجود دارد؛ چنان که خود آنها با یکدیگر اختلاف دارند. حضرت علی (علیه السلام) آن را بر طبق نزول با شرح و تفسیر برخی از آیات و بیان اسباب و مکان نزول گردآوری نموده بود.

یکی از ویژگیهای آن در برداشتن توضیحات جنبه های عمومی آیات است، به نحوی که اختصاص به زمان و مکان و شخص معینی نداشته باشد؛ (۲) زیرا آیات قرآن مانند خورشید و ماه، جاری و همیشگی است. و مقصود از تأویل در گفتار حضرت همین است: کتابی را برای شما آوردم که مشتمل بر تنزیل و تأویل است. (۳) تنزیل، همان مناسبت زمانی آیه است که موجب نزول آن بوده و تأویل، بیان مجرای عمومی آیه است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: آیه ای بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل نشد مگر اینکه آن را بر من قرائت می نمود و برای من املا می کرد و من با خط خود آن را می نوشتم. همچنین تأویل و تفسیر و نسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خداوند خواست که فهم و حفظ آن را به من یاد دهد، و از زمانی که درباره من دعا

۱- الاتقان سیوطی، ج ۱، ص ۵۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۰۱؛ الاستیعاب که در پاورقی کتاب الإصابه آمده: ۲/۲۵۳، التسهیل

لعلوم التنزیل: ۱/۴، بحار الأنوار: ۸۸/۹۲ ح ۲۷، تفسیر الاء الرحمن: ۱/۱۸

۲- التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳- تفسیر الاء الرحمن، ج ۱، ص ۲۵۷.

فرمود، آیه ای از کتاب خدا و علمی را که آن حضرت بر من املا می کرد و می نوشتم، فراموش نکردم. (۱)

همچنین مصحف امام برخی از مباحث علوم قرآنی، مانند محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و تفسیر و تأویل آیات را در برداشت. (۲)

آیا امام علی مصحف خود را بر مردم عرضه کرد؟

پس از آن که امام (ع) قرآن را جمع آوری نمود، آن را به میان مردم آورد و فرمود: من پس از رحلت پیامبر خدا و غسل و تجهیز آن حضرت به جمع آوری قرآن پرداختم تا همه آن را جمع کردم، و خداوند آیه ای از قرآن را بر پیامبرش نازل نکرده است مگر اینکه من آن را جمع آوری نموده ام. (۳)

آن حضرت مصحف خود را بر مردم عرضه کرد و امتیازات آن را برشمرد. مردی از بزرگان قوم برخاست و مقداری از قرآنی را که حضرت نوشته بود خواند، سپس گفت: ای علی! آن را بر گردان که ما را به آن نیازی نیست. (۴)

امام علی (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم، از این پس هرگز آن را نخواهید دید. بر من لازم بود پس از آنکه آن را جمع کردم، شما را آگاه کنم تا آن را قرائت کنید. (۵)

از روایات استفاده می شود که امام علی (علیه السلام) مصحف را به امامان بعد از خود تحویل داده و آن مصحف میان ایشان یکی پس از دیگری منتقل می شده و آنان آن را به کسی نشان نمی دادند. (۶)

نتیجه سخن اینکه امام علی (علیه السلام) قرآن را پس از درگذشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گرد آورد. سوره ها و آیات آن، همان سوره ها و آیات قرآن موجود بین مسلمانان است و آن متضمن ترتیب سوره ها بر اساس

۱- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۴.

۲- حقایق هامه حول القرآن الکریم، ص ۱۵۳-۱۵۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۸۹.

۳- احتجاج طبرسی، ص ۸۲.

۴- همان، ص ۸۲؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۲؛ مناقب، ج ۱ ص ۴۰ و ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۵۱، ح ۱۸.

۵- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۵.

۶- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۲، ح ۱.

نزول است و در کنار آن اسباب نزول را ذکر کرده است؛ لکن برخی از صحابه موضعگیری شان نسبت به آن، موضعگیری سیاسی بود و بدین جهت سزاوار است که آن را کتابی درباره قرآن بدانیم که دربردارنده سوره ها و آیات آن است و قرآن دیگری بجز قرآن کریم نیست.

لکن دشمنان شیعه از روی ستمگری و میل به ایجاد تفرقه میان صفوف مسلمانان می گویند که شیعه ادعا می کند که امام علی (علیه السلام) قرآنی غیر از قرآن موجود میان مسلمانان دارد.

مصونیت قرآن از تحریف

اشاره

یکی از امتیازات مهم و برجسته قرآن مصون ماندن آن از تحریف و جابه جایی و زیادی و نقصان است. آنچه که به عنوان قرآن میان ماست، بدون کمی و زیادی همان است که بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده و به همان صورت، دست نخورده باقی مانده و هیچ کس بر آن چیزی نیفزوده و چیزی از آن کم نکرده است.

این مطلبی است که مسلمین از شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند و اگر از افراد نادری از شیعه و سنی قول به تحریف نقل شده باشد به هیچ وجه اهمیت ندارد و خلاف مسلمات امت اسلامی است.

در خود قرآن آیات متعددی وجود دارد که از آنها استفاده می شود که قرآن هرگز قابل تحریف نیست و خداوند با قدرت کامله خود، قرآن را از هر گونه تحریف و تغییری حفظ می کند:

و انه لكتاب عزیز لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید (۱)

آن کتابی است عزیز که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر به آن راه پیدا نمی کند و آن فرستاده شده ای است از جانب خدای حکیم حمید.

در این آیه شریفه نخست به کسانی که در فکر الحاد در آیات قرآنی

هستند و می خواهند به قرآن صدمه ای بزنند هشدار داده می شود که کار و فعالیت‌های آنها از نظر خدا پوشیده نیست و خداوند آنها را زیر نظر دارد و سپس آنها را تهدید به آتش جهنم می کند و مجدداً هشدار می دهد که هر کاری بکنند خداوند به آن آگاه است و در آخر، قرآن را کتابی عزیز و قدرتمند معرفی می کند که هیچ باطلی از هیچ طرف به آن راه پیدا نمی کند. و این مطلب صراحت دارد بر اینکه قرآن تحریف نشده است، زیرا چه باطلی بالاتر از تحریف می تواند وجود داشته باشد. و چون طبق این آیه هیچ باطلی به قرآن راه پیدا نمی کند بنابراین تحریف و تغییر هم به آن راه نمی یابد.

أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ (۱)

ما قرآن را نازل کردیم و ما آن را نگهبان هستیم.

یکی از نامهای قرآن ذکر است و این اسم در موارد دیگری نیز بر قرآن اطلاق شده است. در این آیه خداوند به صراحت و روشنی اعلام می دارد که نگهبان قرآن است و آن را از هر خطری محفوظ و مصون خواهد داشت و بنابراین راهیابی تحریف و تغییر در قرآن کریم امری محال و ناشدنی است.

به راستی چگونه ممکن است که خداوند خود نگهبان قرآن باشد و در عین حال کسانی برای اعمال غرضهای شیطانی خود در آیات قرآنی دست ببرند و چیزی را بر آن بیفزایند و یا چیزی را از آن بکاهند؟ چنین چیزی امکان ندارد.

لَا تَحْرُكْ بِهِ لِسَانُكَ لَتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ. (۲)

زبان خود را حرکت نده تا به آن (قرآن) عجله کنی. بر ماست جمع آوری و خواندن آن، و چون آن را خواندیم تو از خواندن آن پیروی کن، سپس بر ماست بیان آن.

این آیه در مجموع دلالت دارد بر اینکه خواندن و جمع آوری و سپس بیان آن به عهده خداوند است. بنابراین کسانی نمی توانند در

۱- حجر، ۹.

۲- قیامت، ۱۶-۱۹.

مقام جمع آوری و خواندن قرآن چیزی بر آن بیفزایند و یا از آن بکاهند.

به طور کلی عنایت خاص پروردگار به قرآن کریم که از این آیات و آیات دیگر به دست می آید، خود تضمینی است بر سلامت قرآن از هر نوع تحریف و تغییری که دستهای ناپاک و غرض آلودی بخواهند در آن اعمال کنند، و همین عنایت خاص خداوند است که از آستین فرزندان قرآن به درآمد و با همتی بلند قرآن را همچون جان خود عزیز داشتند و نگذاشتند کلمه ای کم و زیاد شود. یک نمونه از این اهتمام، داستان ابوذر غفاری است که در مجلس عثمان بن عفان بر سر اثبات حرف واو در اول جمله والذین یکنزون الذهب والفضه با کعب الاحبار قاطعانه برخورد کرد.

این در حالی است که کتب آسمانی دیگر مانند تورات و انجیل تحریف شده اند و دست خیانت و سودجویی در آنها بازی کرده و آنها را از اعتبار انداخته است:

من الذین هادوا یحزفون الکلم عن مواضعه (۱)

از میان یهود کسانی سخنان (خدا) را از جایگاه خود تحریف کنند.

وقد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحزفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون (۲) و بودند گروهی از آنها (اهل کتاب) که سخنان خدا را می شنیدند سپس آن را تحریف می کردند از پس آن که آن را می فهمیدند و به آن آگاهی داشتند.

فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمنا قليلا (۳) پس وای بر کسانی که کتاب را با دستان خود می نویسند، سپس می گویند: این از جانب خداست تا آن را به بهای اندکی بفروشند.

باید توجه داشت که تورات و انجیل مانند قرآن نبودند که خداوند آنها را حفظ کند، زیرا که اولاً- این کتابها معجزه پیامبرانسان نبودند، و ثانیاً کتابی برای همه اعصار و قرون نبودند، اما قرآن، هم معجزه

۱- نساء، ۴۶.

۲- بقره، ۷۵.

۳- بقره، ۷۹.

پیامبر اسلام بود و هم کتاب آسمانی دینی بود که آخرین دینهاست و دینی پس از آن نخواهد آمد، و لذا بر خدا لازم بود که از راه لطف این کتاب را از هر گونه تحریفی حفظ کند، چون قرآن مانند تورات و انجیل نبود که به هر حال دین جدیدی می آمد و تحریف آنها را تصحیح می کرد.

از آن گذشته در عصر رسول گرامی اسلام هر چند که دوران جاهلیت بود اما بشر نسبت به نسلهای گذشته به درجه ای از بلوغ فکری رسیده بود که چون دین اسلام را پذیرفت می بایست از کتاب آسمانی آن به دقت محافظت نماید و نگذارد حتی حرف واوی در آن دچار تحریف گردد.

در مورد مصونیت قرآن از تحریف و تغییر، علاوه بر آیاتی که آوردیم، از اخبار و احادیث معصومین نیز شواهد و دلایل محکمی در دست داریم که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. روایات ارجاع به قرآن

روایات متعددی از معصومین رسیده است که مردم را به قرآن و استفاده از نور و هدایت آن با تأکید تمام دعوت کرده اند. اگر قرآن دارای تحریف بود، هرگز ائمه مردم را این چنین به سوی قرآن نمی خواندند:

قال علی علیه السلام: و اعلموا أنّ هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش و الهادی الذی لا یضلّ و المحدث الذی لا یکذب، و ما جالس هذا القرآن من احد الا قام عنه بزیاده او نقصان، زیاده فی هدی او نقصان فی عمی ... فاستشفوه من ادوائکم و استعینوا به علی لآوائکم (۱)

علی علیه السلام فرمودند: و بدانید که این قرآن همان نصیحت کننده ای است که غل و غش نمی کند و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگویی است که دروغ نمی گوید و هیچ کس با این قرآن همنشین نمی شود مگر آنکه وقتی از پیش آن برمی خیزد، یا چیزی بر او می افزاید و یا چیزی از او می کاهد؛ افزایش در

هدایت و کاستی از کوری ضلالت ... پس به وسیله قرآن دردهای خود راشفا ببخشید و در ناراحتیها از او کمک بخواهید.

عن علی بن سالم عن ابیه قال: قلت لابی عبدالله (علیه السلام): یابن رسول الله، ما تقول فی القرآن؟ فقال: هو کلام الله وقول الله و کتاب الله و وحی الله و تنزیله و هو الکتاب العزیز الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه و من خلفه تنزیل من حکیم حمید (۱)

علی بن سالم از پدرش نقل می کند که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که: درباره قرآن چه می گویی؟ فرمود: آن کلام خدا و سخن خدا و کتاب خدا و وحی و تنزیل خدا است و آن همان کتاب عزیزی است که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر در آن راه نمی یابد و نازل شده از جانب خدای حکیم و حمید است.

از این گونه روایات بسیار داریم که در آنها پیامبر و ائمه ارزش و اهمیت قرآن را گوشزد کرده اند و مردم را به سوی قرآن رهنمون شده اند. پر واضح است که اگر خللی در قرآن بود بدین گونه مردم به سوی آن دعوت نمی شدند.

۲. موضوع عرض روایات به قرآن

علاوه بر اینکه در روایات ما مردم به سوی قرآن دعوت شده اند، قرآن میزان و معیار و الگوی صحت روایات هم معرفی شده است؛ بدین گونه که در روایات متعددی از معصومین دستور رسیده است که هر روایتی از ما به شما برسد آن را به قرآن عرضه کنید، اگر مخالف قرآن باشد، آن روایت را به دیوار بزنید و بدانید که آن روایت از ما نیست و یک روایت جعلی است. البته روایات مربوط به این قسمت فراوان است و ما تنها به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

قال الصادق (علیه السلام): إنَّ علی کلِّ حقِّ حقیقه و علی کلِّ صوابٍ نوراً، فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه (۲)

هر حقی حقیقتی دارد و هر کار خوبی نوری دارد، پس هر چه موافق کتاب خدا باشد آن را اخذ کنید و هر چه مخالف کتاب خدا

۱- الامالی، ص ۵۴۵.

۲- امالی شیخ صدوق، ص ۳۶۷.

باشد آن را ترک نمایید.

عن الصادق (عليه السلام): إذا ورد عليكم حديثان مختلفان فاعرضوهما على كتاب الله فما وافق كتاب الله فخذوه و ما خالف كتاب الله فردوه (۱)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: هنگامی که دو حدیث مختلف بر شما وارد شد آنها را بر کتاب خدا عرضه کنید و آنچه موافق کتاب خدا باشد اخذ کنید و آنچه را که مخالف کتاب خدا باشد رد کنید.

۳. حدیث ثقلین

حدیث معروف و متواتر ثقلین نیز به خوبی دلالت دارد بر اینکه قرآن تحریف نشده و تا روز قیامت هم تحریف نخواهد شد و تمسک به قرآن و اهل بیت پیامبر مایه نجات خواهد بود.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى أبداً (۲)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا در میان شما دو چیز پربها می گذارم: کتاب خدا و عترت من؛ مادامی که به این دو چنگ بزنید، پس از من گمراه نخواهید شد.

احادیث موهم تحریف از عامه و خاصه

در مقابل این گونه احادیث که نمونه های اندکی از آن نقل کردیم، احادیث دیگری وارد شده که ظاهر آنها اشاره به تحریف قرآن دارد. این گروه از احادیث نیز هم از طریق شیعه (۳) و هم از طریق سنی (۴) نقل شده است، اما هم علما و محققان شیعه و هم علما و محققان اهل سنت این احادیث را طرد کرده اند و یا آنها را به نحوی توجیه و تأویل نموده اند و هرگز به مضمون آنها رأی نداده اند، مگر چند تن از افراد معدود و محدود که در مقابل اتفاق علمای اسلام اعتنایی به سخن آنها نمی شود.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۵.

۲- این حدیث به طور متواتر از طریق شیعه و سنی نقل شده است.

۳- حاجی نوری این قبیل احادیث را در کتاب فصل الخطاب آورده است.

۴- احادیث تحریف حتی در صحاح سته و از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است و ما نمونه هایی از آنها را خواهیم آورد.

هم چنین روایاتی دلالت دارد بر اینکه امیر المؤمنین علی (علیه السلام) پس از رحلت رسول اکرم مدتها در خانه نشست و مصحفی را جمع کرد و چون آن را به قوم ارائه کرد آنها مصحف را رد کردند و حضرت آن را به خانه آورد، و یا روایاتی دلالت دارد بر اینکه وقتی قائم آل محمّد (صلی الله علیه وآله) حضرت مهدی (عج) قیام و ظهور کرد، قرآنی متفاوت با قرآن فعلی ارائه خواهد نمود.

در مقابل این دو مطلب، یعنی مصحف حضرت علی و قرآن حضرت مهدی باید گفت که این مصحفها که به احتمال بسیار قوی یکی هستند، یا مشتمل بر تأویل و تفسیر آیات نیز بوده، همان گونه که شیخ مفید احتمال داده (۱) و یا از نظر ترتیب سوره ها و آیات با قرآن موجود تفاوت داشته است، همان گونه که مرحوم علامه طباطبایی احتمال داده است، (۲) اما در اصل آیات نازل شده تفاوتی نداشته است و بنابراین نباید آن را دلیل بر تحریف دانست.

هم چنین بعضی مدعی شده اند که طبق روایاتی، هر چیزی که در امتهای گذشته اتفاق افتاده در امت اسلامی نیز اتفاق خواهد افتاد و چون امتهای پیشین کتب آسمانی خود را تحریف نموده اند پس قرآن نیز تحریف شده است.

این سخن بسیار سست و بی پایه است؛ اگر هم آن روایات را بپذیریم دلیل آن نمی شود که همه حالات امم گذشته تکرار شود، بلکه ممکن است منظور روایت تکرار بعضی از آن حالات باشد، زیرا به یقین می دانیم که بر امتهای گذشته حالاتی رخ داده که بر امت اسلامی رخ نداده است، مانند مسخ شدن بعضی از آنها و یانسخ شرایع آنها و از این قبیل.

به هر حال، آنچه از آیات و روایات قطعی و اتفاق مسلمین روشن و واضح است این است که قرآن کریم به همان گونه که در میان ماست بر پیامبر نازل شده و هیچ گونه تحریف و افزایش و کاهش در آن وجود ندارد، و علمای ما به پیروی از رهنمودهای ائمه

۱- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۸۱ چاپ کنگره شیخ مفید.

۲- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۱۹.

اطهار (علیه السلام) بر این مطلب تأکید کرده اند و این یکی از مسلمات عقاید شیعه است.

با وجود این، مایه شگفتی است که برخی از نویسندگان و گویندگان اهل سنت از قدیم و جدید به شیعه تهمت می زنند که گویا شیعه قائل به تحریف قرآن است. البته این تهمت را کسانی می زنند که اهل تحقیق و بحث و نظر نیستند، بلکه می خواهند به شیعه حمله کنند و در این راه از هیچ تهمت و دروغی پرهیز ندارند. جالب اینکه این تهمتها شیعه را در عقاید خود محکم تر می کند، چون می بیند که مخالف او چیزی را به او نسبت می دهد که در او نیست و به غرضورزی و بی تقوایی مخالف پی می برد.

آنچه که این نویسندگان دستاویز خود قرار داده اند، ظواهر بعضی از روایات شیعه است، در حالی که چنان که خواهیم دید، در روایات اهل سنت هم مطالبی وجود دارد که به روشنی دلالت بر تحریف قرآن می کند ولی اهل سنت آنها را توجیه می کنند.

عالمانه نیست که در تبیین عقاید یک مذهب به کتب روایی تنقیح نشده آن مذهب استناد کرد، بلکه باید کتابهای اعتقادی و کلامی آن مذهب را در نظر گرفت.

اگر بنا باشد که با استناد به ظاهر برخی از روایات، به شیعه تهمت تحریف زد، باید گفت که اهل سنت نیز قائل به تحریف قرآن هستند، چون در روایات آنها مطالب دالّ بر تحریف به صورت شدیدتری وجود دارد و ما اکنون نمونه هایی از آن را می آوریم:

در برخی از کتاب های اهل سنت آمده که دو سوره از سوره های قرآن به نامهای سوره خلع و سوره حقد از قرآن حذف شده است! و جالب تر اینکه سیوطی متن آنها را هم آورده که هیچ شباهتی به قرآن ندارد. (۱)

از ابی بن کعب و عایشه نقل کرده اند که سوره احزاب از نظر طول به اندازه سوره بقره بود و آیه رجم هم در آن بود. (۲)

۱- سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۲۰ به بعد.

۲- متقی هندی، کنز العمال، ص ۲، ۵۶۷؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۱، ص ۱۲۶ و قرطبی، تفسیر، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

عمر بن خطاب در خطبه ای که پس از آخرین حجّ خود خواند اظهار داشت که در زمان پیامبر آیه رجم نازل شده بود و ما آن را می خواندیم ولی اکنون در قرآن نیست. (۱) و نیز همو می گوید: در زمان پیامبر در کتاب خدا می خواندیم: اُن لا ترغبوا عن آباءکم فانه کفر بکم اُن ترغبوا عن آباءکم (۲) در حالی که در مصحف کنونی چنین جمله ای وجود ندارد.

همو گمان می کرد که از قرآن آیه جهاد حذف شده است و به ابن عوف گفت: از چیزهایی که نازل شده این است: اُن جاهدوا کما جاهدتم اَوّل مرّه آیا آن را می یابی؟ ما آن را نمی یابیم. گفت: آن هم از جمله چیزهایی است که از قرآن ساقط شده است (۳)

عبدالله بن عمر می گفت: هیچ یک از شما نگوید که من همه قرآن را اخذ کردم، او چه می داند که همه قرآن چیست؟ از قرآن بخشهای زیادی از بین رفته است. بلکه باید بگوید آنچه را که از قرآن ظاهر شده است، گرفته ام (۴)

ابن شهاب گفت: به ما خبر رسیده که قرآن بیشتر از این نازل شده بود، پس روز یمامه دانایان به آن کشته شدند، همانها که آن را می دانستند و پس از آنها دانسته نشد و نوشته نشد (۵)

ابو یونس غلام عایشه می گفت: در مصحف عایشه چنین بود: اِنَّ اللّٰهَ و ملائکته یصلّون علی النبیّ یا ایّها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً، و علی الذّین یصلون الصفوف الأوّل (۶)

ابی بن کعب گفت: در زمان پیامبر در سوره بینه این جمله هم بود: لو أنّ لابن آدم وادین من مال لسأل وادياً ثالثاً و لا یملأ جوف ابن آدم الا التراب (۷)

ابو موسی اشعری به سیصد نفر از قاریان بصره گفت: ما سوره ای به اندازه برائت می خواندیم که آن را فراموش کرده ام و فقط این جمله

۱- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۰۸.

۲- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۰۸ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۷.

۳- کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۷؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴- سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۷۲؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۰۶.

۵- کنز العمال، ج ۲، ص ۵۸۴.

۶- الاتقان، ج ۳، ص ۷۳.

۷- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۳۲؛ تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۹.

یادم مانده است: لو كان لابن آدم واديان من مال لابتغى وادياً ثالثاً ولا يملأ جوف ابن آدم الا التراب و نیز سوره ديگري را مي خوانديم که مانند يکي از سوره هاي مسبحات بود و آن را فراموش کرديم و فقط اين جمله يادم مانده است: يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون فتكتب شهاده في اعناقكم فتسألون عنه يوم القيامه (۱).

زر بن حبيش گفت: ابي بن كعب به من گفت: سوره احزاب را چند آيه مي شماريد؟ گفتم: ۷۳ آيه. گفت: هرگز! من اين سوره را ديدم که به اندازه سوره بقره بود و آيه رجم هم در آن بود: الشيخ و الشيخه إذا زنيا فارجموهما البته (۲).

مالک ابن انس مي گفت: سوره براءت به اندازه سوره بقره بود که مقداري از اول آن ساقط شد که بسم الله هم جزء آن بود. (۳)

حذيفه بن يمان گفت: شما فقط يک چهارم سوره براءت را مي خوانيد و نام آن را سوره توبه گذاشته ايد در حالي که نام آن سوره عذاب بود. (۴)

ابن عباس در باره آيه: حتى تستأنسوا و تسلموا على اهله گفت: آن از خطاي کاتب است و صحيح آن چنين است: حتى تستأذنوا و تسلموا (۵).

و نیز ابن عباس آيه: أفلم يأس الذين آمنوا را افلم يتبين الذين آمنوا خواند. وقتی از او پرسیده شد، گفت: گمان مي کنم که کاتب آن را در حالي که خواب آلوده بود نوشته است. (۶)

عروه بن زبير سه آيه از قرآن به نظرش غريب مي آمد. آنها را از عايشه پرسيد، او گفت: اي پسر خواهرم، اين کار کاتبان بود و آنها در کتابت خطا کرده اند. (۷)

در کتاب هاي اهل سنت نمونه هايي از اين قبيل که نقل کرديم بسيار است و ظاهر آنها دلالت بر تغيير و تحريف قرآن دارد ولي اهل

۱- صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲- الاتقان، ج ۳، ص ۷۲.

۳- الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۴.

۴- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۳۰.

۵- تفسير طبري جامع البيان، ج ۱۸، ۸۷.

۶- همان، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

۷- الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۲.

سنت همه آنها را توجیه می کنند. آیا شایسته است که کسی به استناد این روایات به اهل سنت نسبت دهد که آنها قایل به تحریف قرآن هستند؟

روایاتی که از طریق شیعه وارد شده و ظاهر آنها دلالت بر تحریف قرآن دارد، خیلی کمتر و کم رنگ تر از آنهاست و بسیاری از آنها از نظر سند ضعیف است و علمای شیعه آنها را رد یا توجیه کرده اند.

بنابراین اگر آن گروه از اهل سنت که به شیعه تهمت تحریف می زنند، به دیده انصاف بنگرند و به راستی در صدد کشف حقیقت باشند، باید به کتابهای اعتقادی و کلامی آنها مراجعه کنند، نه روایات تنقیح نشده ای که قابل رد یا توجیه هستند، همان گونه که با روایات خود چنین کرده اند.

سجده بر خاک

و تربت امام حسین

اشاره

(علیه السلام)

در شریعت اسلامی نماز از ارکان دین است و اسلام آن را به صورت مطلوب و مرکب از ارکان و اجزا و شرایط تشریح کرده است و شرط صحیح بودنش نزد خداوند به این است که با همه اجزای تشکیل دهنده اش به جا آورده شود.

بدون شک سجده از ارکان نمازهای واجب و مستحب در اسلام می باشد، بلکه می توان آن را از با فضیلت ترین اجزای نماز به شمار آورد، زیرا سجده از بارزترین مظاهر عبودیت و اطاعت و نهایت کرنش از سوی بندگان نسبت به خالق است و مؤمنان به واسطه سجده بندگی خویش را در برابر خداوند مورد تأکید قرار می دهند و این نهایت خواری و خضوع می باشد، و بدین جهت است که خداوند آن را برای خویش قرار داده و به بندگان اجازه نداده که برای غیر از او سجده نمایند.

و این مطلب در میان مسلمانان بسیار روشن بلکه از ضروریات دین است که تنها برای خداوند باید سجده نمود و کسانی که این ضروری را منکر باشند از دایره ایمان به خدا خارج هستند.

اما درباره چیزی که سجده بر آن جایز است، همه مسلمانان با

مذاهب مختلف بر صحیح بودن سجده بر زمین و خاک اتفاق نظر دارند، بلکه سجده بر خاک براساس روایات که از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد شده است افضل است.

اساساً عبادات از لحاظ شکل و محتوا توقیفی هستند و مراد از توقیفی بودن این است که وحی الهی شکل و محتوای عبادات را بیان و معین می کند و بدین جهت در شناخت اجزاء، ارکان، شرایط و احکام عبادات از روایات پیروی می کنیم.

برای شناخت چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است و چیزهایی که سجده بر آنها صحیح نیست، باید به روایات مراجعه کنیم و آنها را از جهت سند و دلالت مورد بررسی قرار دهیم تا به قول صحیح حق که سنت ما را به آن سو راهنمایی می کند آشنا شویم.

همه مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که واجب است نماز گزار بر زمین سجده کند و روایت مرفوع جعلت لی الأرض مسجداً و طهور (۱) یعنی زمین برای من سجده گاه و پاک کننده قرار داده شده است، مورد اتفاق ائمه مذاهب اسلامی است و بر طبق این روایت سجده بر زمین و یا چیزی که از آن می روید در حال اختیار و امکان، اجتناب ناپذیر است.

ما در اینجا روایاتی را که بیان کننده سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پیرامون چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است از صحاح شش گانه اهل سنت و غیر از آنها که اصول مسانید و سنن می باشد نقل نموده و براساس آنها پیش می رویم.

این روایات بر سه بخش می باشند:

بخش اول: روایاتی که دلالت بر صحیح بودن سجده بر زمین دارد.

۱. زمین برای من سجده گاه و پاک کننده قرار داده شده است.

و در عبارت صحیح مسلم چنین آمده است: تمام زمین برای ما سجده گاه و خاک آن هنگامی که به آب دسترسی نداشته باشیم پاک کننده قرار داده شده است.

و در عبارت ترمذی که آن را از امام علی (علیه السلام) و عبدالله بن عمر و ابو

۱- صحیح بخاری کتاب التیمم ح ۳۳۵، صحیح مسلم، کتاب المساجد، ج ۵۲۱.

هریره و جابر و ابن عباس و حذیفه و انس و ابو اسامه و ابوذر از پیامبر نقل می کنند آن حضرت فرمودند: تمام زمین برای من سجده گاه و خاک آن پاک کننده قرار داده شده است.

و در نقل بیهقی عبارت چنین است: زمین برای من پاک کننده و سجده گاه قرار داده شده است. و در نقل دیگر بیهقی عبارت به شکل دیگری آمده است: زمین برای من پاک و سجده گاه قرار داده شده است، و هر جا که وقت نماز فرا می رسد پیامبر در همان جا نماز را به جای می آوردند. (۱)

۲. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به ابوذر فرمودند: زمین برای تو سجده گاه است پس هر گاه وقت نماز فرا رسد به جای آور. (۲)

۳. ابن عباس می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر سنگ سجده نمود. (۳)

۴. ابن عباس، انس و بریده با سند صحیح به صورت روایت مرفوع نقل می کنند: که سه چیز جزء ستم می باشد: نماز گزار قبل از اینکه نمازش را تمام کند پیشانی خود را پاک نماید. و در نقل واثله بن اسقع عبارت چنین است: نماز گزار خاک پیشانی خود را پاک نکند تا نماز را تمام کند. (۴)

۵. جابر بن عبدالله می گوید: همراه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نماز ظهر را به جای می آوردم. به سبب گرمای زیاد به اندازه یک مشت سنگ به دست می گرفتم تا سرد شود و سپس بر آن سجده می کردم. و عبارت در روایت احمد چنین است: نماز ظهر را با رسول خدا به جای می آوردیم. به سبب گرمای زیاد به اندازه یک مشت سنگ به دست می گرفتم سپس آن را در دست دیگرم قرار می دادم تا سرد شود، سپس بر آن سجده می کردم.

و در عبارت بیهقی روایت چنین است: نماز ظهر را با رسول خدا به جای می آوردیم. به سبب گرمای زیاد به اندازه یک مشت سنگ به

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۸۶، ۱۱۳؛ صحیح مسلم ج ۲، ص ۶۴؛ صحیح نسائی، ج ۲، ص ۳۲؛ صحیح ابی داود، ج ۱، ص ۷۹؛ صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۳۳، ۴۳۵.

۲- صحیح نسائی، ج ۲، ص ۲۷.

۳- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۶۳، ۱۹۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۲.

۴- مجمع الزوائد، ص ۸۳ و ۸۴.

دست می گرفتم تا سرد شود و هنگام سجده آن را برپیشانی خود قرار می دادم.

بیهقی می گوید: شیخ گفت: اگر سجده بر لباس متصل به بدن جایز بود هر آینه سجده کردن بر آن از سرد کردن سنگ گرم در دست و قرار دادن آن برای سجده آسان تر بود. (۱)

۶. انس بن مالک می گوید: در گرمای شدید با رسول خدا نماز را به جای می آوردیم. هر کدام از ما سنگ (گرم را) به دست می گرفت و هنگامی که سرد می شد آن را بر زمین می گذاشت و بر آن سجده می کرد. (۲)

۷. خباب بن ارت می گوید: از گرمای سوزان و اثری که بر پیشانیها و کف دستهایمان می گذاشت به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شکایت نمودیم، اما آن حضرت به شکایت ما ترتیب اثر ندادند. (۳)

۸. عمر بن خطاب می گوید: شب باران بارید، برای نماز صبح که از خانه ها خارج شدیم هر کدام که از بیابان می گذشت در پیراهن خود مقداری سنگ می گذاشت و بر آن نماز می خواند هنگامی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این را مشاهده نمودند فرمودند: چه زیرانداز (سجده گاه) خوبی است و این آغاز سجده بر زمین است. ابو داود از ابن عمر نقل می کند: شبی باران بارید و زمین خیس گشت پس هر مردی در لباس خود سنگ به همراه می آورد و آن را بر زمین پهن می نمود... (۴)

۹. عیاض بن عبدالله قرشی می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مردی را دید که بر گوشه عمامه اش سجده می کرد. پیامبر با دست اشاره کردند عمامه خود را بالا بکش، و اشاره به پیشانی او نمودند. (۵)

۱۰. امام علی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هر کدام از شما خواست نماز بخواند باید پیشانی خود را از عمامه نمایان گرداند. (۶)

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۷؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲- السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳- السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۷؛ نیل الاوطار، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴- سنن ابو داود، ج ۱، ص ۷۵؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۴.

۵- السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۵.

۶- السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۵.

روایات سجده بر غیر زمین بدون داشتن هیچگونه عذری

۱. انس بن مالک می گوید: مادر بزرگش ملیکه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را برای تناول غذایی که برای آن حضرت درست کرده بود دعوت کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از آن غذا میل نمودند و فرمودند بلند شوید تا با شما نماز را به جای آوریم. انس گوید: حصیری که متعلق به ما بود برداشتم. این حصیر بر اثر اینکه مدت زیادی استفاده شده بود سیاه گردیده بود. بر آن آب پاشیدم. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به نماز ایستادند من به همراه ضمیره پشت سر آن حضرت به صف ایستادیم و پیره زن پشت سر ما ایستاد ... (۱)

۲. ام سلیم از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) درخواست نمود که به خانه اش بیاید و نماز بگذارد تا جایگاه نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را به عنوان جایگاه نماز برای خویش برگزیند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به خانه او رفتند، قصد حصیری نمود، بر آن آب پاشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر آن نماز را به جای آوردند و دیگران نیز با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نماز خواندند. (۲)

۳. ابن عباس می گوید: پیامبر بر خمره (سجاده ای از برگ درخت خرما) نماز می خواندند. (۳)

مسلم می گوید: خمره سجاده مهر کوچکی است به اندازه ای که بر آن سجده شود. (۴)

۴. ابو سعید قدوسی می گوید: بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد شدم، آن حضرت را دیدم که بر حصیر نماز می خواند و بر آن سجده می نمایند. (۵)

۵. ام سلمه (همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)) می گوید: برای رسول خدا حصیری و خمره ای (سجاده ای کوچک از برگ درخت خرما) بود که بر آن نماز می خواندند. (۶)

۶. انس می گوید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به خمره (سجاده ای کوچک از

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ صحیح نسایی، ج ۲، ص ۵۷.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳- صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۴- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۴۵.

۵- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۲-۱۲۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۱.

۶- مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۷.

برگ درخت خرما) نماز می خواندند و بر آن سجده می نمودند. (۱)

روایات سجده بر غیر زمین به خاطر داشتن عذر

۱. انس بن مالک می گوید: هنگامی که با پیامبر نماز می خواندیم، اگر بر اثر گرمای زیاد نمی توانستیم پیشانی خود را بر زمین قرار دهیم لباس خود را بر زمین می انداختیم و بر آن سجده می کردیم.

۲. و در عبارت بخاری چنین است: با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نماز می خواندیم، هر یک از ما بر اثر گرمای زیاد گوشه لباسش را در مکان سجده قرار می داد.

۳. و عبارت مسلم چنین است: در گرمای زیاد با پیامبر نماز را به جای می آوردیم اگر یکی از ما قادر نبود پیشانی خود را بر زمین بگذارد پیراهن خود را پهن می کرد و بر آن سجده می نمود.

۴. و در عبارت دیگر آمده: هنگامی که با پیامبر نماز می خواندیم، بر اثر گرمای زیاد گوشه لباسمان را در جای سجده قرار می دادیم. (۲)

شوکانی می گوید: این روایت دلالت بر جواز سجده بر لباس به جهت ایمن ماندن از گرمای زمین دارد و از آن استفاده می شود که اصل در سجده تماس مستقیم پیشانی با زمین است، زیرا گستردن لباس مشروط و معلق بر عدم توانایی شده است. و به این روایت استدلال شده بر جواز سجده بر لباسی که نماز گزار پوشیده است. نووی می گوید: ابو حنیفه و جمهور فقهای اهل سنت قائل به این هستند. (۳)

احمد روایت مرفوعی را از محمد بن ربیع از یونس بن حرث طائفی از ابن عون، از پدرش از مغیره بن شعبه نقل می کند که می گوید: رسول خدا نماز را روی پوست دباغی شده به جای می آوردند، یا اینکه مستحب است که نماز بر پوست دباغی شده به

۱- مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۷.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۱؛ سنن ابو داود، ج ۱، ص ۱۰۶؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۳۰۸؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۰۰؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳- نیل الاوطار، ج ۲، ص ۲۶۸.

جای آورده شود. (۱)

سندهای روایت به طور کلی ضعیف است و به مانند آن در احکام استدلال نمی شود. در این سند روایت یونس بن حرث وجود دارد که احمد درباره او می گوید: روایتهای او مضطرب است. عبدالله بن احمد می گوید: یک بار دیگر از احمد درباره یونس بن حرث سوال کردم که او را ضعیف شمرد. ابن معین می گوید: او چیزی (عددی) نیست، و ابو حاتم می گوید: قوی نیست. و نسایی می گوید: ضعیف است. و بار دیگر گفت: قوی نمی باشد. ساجی درباره او می گوید: ضعیف است لکن به دروغگویی متهم نمی باشد. (۲)

و در اسناد آن ابو عون عبیدالله بن سعید ثقفی کوفی وجود دارد. ابو حاتم در کتاب جرح و تعدیل درباره او به فرزندش می گوید: مجهول است. و ابن حجر می گوید: حدیث او از مغیره مرسل است.

اشکال دیگر این است که متن روایت نسبت به سجده و حکم آن ساکت است و تلازم بین نماز خواندن بر پوست (حیوانی) و سجده بر آن منتفی می باشد.

این روایات به روشنی دلالت دارد که اصل در سجده به هنگام قدرت و امکان، زمین می باشد و آنچه از رویدنیهای آن درست می شود که در این صورت ما به روایات خمره (سجده گاه کوچک: مهر) فحل (حصیر سیاه) و حصیر تمسک می کنیم که پیروی از آنها به هنگام فقدان عذر اجتناب ناپذیر است. اما در حال عذر و عدم تمکن از زمین و آنچه از آن می روید سجده بر لباس متصل جایز است، نه لباس منفصل از بدن، زیرا ذکر از آن در سنت وجود ندارد.

اما سجده بر فرش و قالی و فرشهای بافته شده از پشم گوسفند و شتر و حریر و مانند اینها و لباس منفصل از بدن هیچ دلیلی که

۱- سنن ابو داود، ج ۱، ص ۱۰۶؛ سنن البیهقی، ج ۲، ص ۴۲۰.

۲- تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۴۳۷.

سجده بر آنها را جایز بشمارد وجود ندارد و در سنت پیامبر هیچ گونه مستندی که دال بر جواز باشد وارد نشده است و در صحاح شش گانه که متکفل بیان احکام دین و به خصوص نماز که ستون دین است می باشند یک حدیث و حتی یک کلمه که اشاره به جایز بودن سجده بر این موارد باشد وجود ندارد.

و همچنین در دیگر کتابهای تدوین و اصول حدیث از مسانید و سنن که در سه قرن اول تالیف شده اند هیچ گونه اثر و روایتی اعم از مرفوع و موقوف و مسند و مرسل که بتوان به آن در این زمینه استدلال نمود وجود ندارد.

پس قول به جایز بودن سجده بر فرش و قالی و تقیید به آن چنان که امروز مرسوم گشته است بدعت خالص و پدیده جدیدی است که مشروعیت ندارد و مخالف با سنت خدا و پیامبر است و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت. (۱)

ابو بکر ابی شیبه که ثقه می باشد به اسنادش از سعید بن مسیب و از محمد بن سیرین نقل می کند که نماز بر جامه پدیده جدید است. و از رسول خدا به سند صحیح روایت شده که فرمودند: پدیده ها بدترین امور هستند و هر پدیده ای بدعت است. (۲)

برتر بودن سجده بر خاک

در روایات، امر به خاک آلوده کردن صورت وارد شده است که اگر دلالت بر وجوب نداشته باشد، حداقل دلالت بر افضلیت و مطلوبیت دارد. ما در اینجا برخی از روایاتی را که امر به خاک آلود کردن آن در سجده می کند می آوریم. از این روایات بدون هیچ گونه شکی برتر بودن سجده بر خاک استفاده می شود.

۱. خالد جهنی گوید: پیامبر صهیب را دیدند مثل اینکه از خاک اجتناب می کند. پیامبر به او فرمودند: ای صهیب، صورت خود را خاک آلود کن. (۳)

۱- فاطر، ۴۳.

۲- المصنف، ج ۱۲ به نقل از سیرتنا و سنتنا ۱۴۶-۱۵۷.

۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵، شماره ۱۹۸۱۰.

۲. ام سلمه می گوید: پیامبر خدمتکار ما را که افلح نام داشت دید که هنگام سجده زمین را فوت می کرد. پیامبر فرمودند: ای افلح، خاک آلود کن. (۱)

۳. و در روایتی پیامبر فرمودند: ای رباع صورت خودت را خاک آلوده کن. (۲)

۴. روایت شده که ابو صالح می گوید: بر ام سلمه وارد شدم، پسر برادرش نیز بر او وارد شد و دو رکعت نماز در منزلش به جای آورد. وقتی به سجده می رفت خاک را فوت می کرد. ام سلمه گفت: ای پسر برادر، فوت نکن، زیرا من شنیدم که رسول خدا به جواین که به او یسار گفته می شد، فرمودند: صورت خود را خاک آلود کن. (۳)

سجده بر تربت حسینی

سرزمین کربلا مانند زمین مکه و مدینه به هاله ای از تقدیس و تعظیم احاطه شده است. روایت کنندگان حدیث می گویند: امام علی (علیه السلام) هنگامی که از سرزمین کربلا می گذشت، به اندازه کف دستی از خاک آن را به دست گرفت، آن را بوید و گریه کرد تا اینکه زمین از اشکهای آن حضرت خیس شد، و حضرت می فرمودند: از باطن این زمین هفتاد هزار نفر محشور می شوند و بدون حساب وارد بهشت می شوند. (۴) ام سلمه می گوید: رسول خدا در شبی برای خواب در حالی که مضطرب بود به پهلو خوابید، سپس در حالی که مضطرب بود متمایز از بار اول که دیده بودم، به پهلو خوابید سپس (بار سوم) به پهلو خوابید و در دستش خاک قرمزی بود و آن را می بوسید. به حضرت گفتم: ای رسول خدا این خاک چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل به من خبر داد که این - و اشاره کردند به (امام) حسین - در سرزمین عراق کشته می شود. به جبرئیل گفتم: خاک زمین که در آن کشته می شود به من نشان بده، و

۱- کنز العمال، ج ۷، ۴۵۹ شماره ۱۹۷۷۶.

۲- کنز العمال، ج ۷، ۴۵۹ شماره ۱۹۷۷.

۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵ شماره ۱۹۸۰۹؛ مسند احمد، ۳۰۱۶، شماره ۲۵۳۶۰.

۴- مجمع الزوائد هیشمی، ج ۹، ص ۱۹۱.

این خاک او می باشد. (۱)

ام فضل بنت حارث می گوید: حسین (علیه السلام) در دامن من بود و بر رسول خدا واردشدم و از سوی دیگر آن حضرت را دیدم که از دو چشمش اشک جاری بود، به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدای تو باد، تو را چه شده است؟ پیامبر فرمودند: جبرائیل به نزد آمد و مرا آگاه ساخت که امت من در آینده این فرزندم را می کشند. ام فضل هراسناک شد و می گفت: این کشته می شود- و به امام حسین اشاره کرد ...

پیامبر فرمودند: آری، و جبرائیل خاکی سرخ از تربت او را برایم آورد. (۲)

روایات فراوانی مانند این روایات را راویان ثقه از علمای اهل سنت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در تکریم مکان مبارکی که بر روی خاک آن نوه و گل خوشبوی پیامبر امام حسین به شهادت رسیده است روایت کرده اند؛ پس چه اشکالی دارد اگر از خاک آن مکان، مهری ساخته شود و تنها برای خداوند که شریکی ندارد بر آن سجده شود؟

اوزاعی که استاد ابوحنیفه بود، هنگامی که قصد سفر از مدینه منوره را داشت، گلی از مدینه به همراه خود می برد تا بر آن سجده نماید. از عمل او سؤال شد گفت: بهترین قطعه از زمین زمینی است که رسول خدا در آن دفن شده است و دوست دارم که سجده من برای خداوند بر روی آنها باشد. (۳)

علت اهتمام شیعیان بر سجده کردن بر مهر حسینی

اشاره

هدفی که از سجده کردن بر مهر کربلا مترتب است بر دو اصل اساسی و با ارزش مستند و متوقف است.

اصل اول:

اشاره

نیکوست که نماز گزار برای نماز خاکی را برای خویش برگزیند که

۱- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۳۹۸؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۹.

۲- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۷۶.

۳- هده هی الشیعه، باقر شریف قرشی، ص ۲۶۷- ۲۷۰.

به پاکی آن یقین داشته باشد، دیگر فرقی ندارند که از چه زمینی باشد و یا از کدام بخشی از زمینهای جهان، زیرا همه زمینها در جواز سجده مساوی می باشند و هیچ امتیازی از این جهت بر یکدیگر ندارند. در واقع سجده بر زمین پاک مانند مراعات کردن پاکی لباس و بدن و جایگاه نماز از سوی نمازگزار است. مسلمان باید برای خویش خاک پاک را برگزیند که در وطن و در سفر بر آن سجده نماید، به خصوص در سفر، زیرا اطمینان به پاکی هر زمینی که در آن فرود می آید و آن را به عنوان سجده گاه می گزیند برای او ممکن نیست.

مسروق بن اجدع که از تابعین و فقیه بزرگی بود، و ثاقت او مورد اتفاق، در سفرهایش آجر خام (گل خشک) را همراه خود می برد و بر آن سجده می کرد. چنان که این روایت را حافظ وثقه امام اهل سنت و مورد اعتماد آنان در عصر خویش، ابوبکر بن ابی شیبه با دو سند نقل کرده است که: هنگامی که مسروق به سفر می رفت به همراه خود آجر خامی را می برد که در کشتی بر آن سجده نماید. (۱)

اصل اولی در نزد شیعه همین است، و این اصل پیشینه ای در زمان صحابه و تابعین داشته است.

اصل دوم قاعده اعتبار و ارزش و برتری برخی از زمینها بر برخی دیگر است و آن اینکه مکه مکرمه به عنوان حرم امنی قرار داده شده و مردم جهت انجام حج از راههای دور به سوی آن روی می آورند و انجام مناسک در آن واجب گشته. همچنین برشمردن مدینه منوره به عنوان حرمی الهی و محترم و قرار دادن احکامی در سنت پیامبر در ارتباط با حرمت آن و اهلش و خاکش و کسی که در آن فرود می آید و کسی که در آن دفن می شود، همه اینها به جهت اضافه و انتساب آن به خداوند است و اینکه مدینه پایتخت و اقامتگاه خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) می باشد.

بنابراین سزاوار است که سؤالهای ذیل را مطرح کنیم:

چه چیزی پیامبر را واداشت که بر فرزندش امام حسین (علیه السلام) بگرید و

۱- المصنف، ص ۱۲، باب من كان يحمل في السفينة شيئاً يسجد عليه.

عزاداری برپا نماید و خاک کربلا را بر آن بوسه زند؟

چه چیزی این امر را بر فاطمه زهرا روا داشت که تربت پاک قبر پدرش را بگیرد و آن را ببوید.

چه چیزی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) را واداشت که به هنگام فرود آمدن به سرزمین کربلا به اندازه کف دستی از خاک آن را بردارد و بو کند و بگیرد تا اینکه از اشکهای آن حضرت خیس شود و بفرماید: از درون این زمین هفتاد هزار نفر محشور می شوند و بدون حساب وارد بهشت می شوند؟ هیشمی می گوید: رجال حدیث همه ثقه هستند. (۱)

و بدین شکل در نزد انسان اندیشمند و آگاه و آزاد سرّ فضیلت خاک کربلا و همچنین حدّ انتساب آن به خداوند و تقدس آن کاملاً روشن است. پس چه می پنداری نسبت به مقدس بودن خاکی که آرامگاه کشته راه خداست؟ کربلا آرامگاه دوست خداوند و فرزند دوست اوست که دعوت کننده و راهنما و قیام کننده در راه خداوند است، کسی که جان خویش و خانواده اش را قربانی راه خداوند نمود.

آیا سجده در نماز و در شب و روز بر خاکی که این همه اهمیت دارد، آن هم به جهت تقرب به خداوند، بهتر و سزاوارتر از سایر زمینها و خاکها نمی باشد؟ این کجا و سجده کردن بر قالیچه و فرش و قالیهای بافتنی که در سنت هیچ گونه مجوزی برای سجده کردن بر روی آنها وجود ندارد کجا؟

البته برگزیدن خاک کربلا به عنوان سجده گاه در نزد شیعیان امر واجبی نیست و هم چنین در شرع و دین نیز واجب نشده و از اموری نیست که مذهب آن را الزام کرده باشد و هیچ کدام از شیعیان از جهت روا بودن سجده فرقی بین خاک کربلا و دیگر زمینها نمی گذارند. و بسیاری از شیعیان در سفر، از دیگر چیزهایی که سجده کردن بر آنها جایز است مانند حصیر پاک و سجاده بافته شده از برگ خرما، در صورتی که اطمینان به پاکی آنها داشته باشند به

همراه خود می برند و در نمازهایشان بر آنها سجده می کنند.

غلو و غالبان

غلو در لغت به معنای تجاوز از حد و افراط در کار است (۱) و در قرآن کریم این لفظ دو بار استعمال شده است: یا أهل الكتاب لاتغلو فی دینکم و لا تقولوا علی الله إلا الحق إنما المسيح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته ألقاها الی مریم و روح منه فآمنوا بالله و رسله و لاتقولوا ثلاثة انتهوا خیراً لکم (۲)

و در جای دیگر خداوند می فرماید: قل یا أهل الكتاب لاتغلو فی دینکم غیر الحق و لا تتبعوا أهواء قوم قد ضلّوا. (۳)

محمد رشید رضا در تفسیر این آیه می نویسد: غلو افراط و تجاوز از حد و مرز در کارهاست. غلو در دین به معنای تجاوز از حد وحی است به آنچه که نفس می پسندد؛ مانند اینکه معتقد شویم پیامبران و صالحان به انسان سود و یا ضرر می رسانند ... بدین جهت آنها را به عنوان اله انتخاب و از آنان درخواست کنیم- نه از خدا- و یا اینکه هم از آنان درخواست کنیم، هم از خدا؛ حال ممکن است بر آنها اطلاق رب و اله شود- چنان که مسیحیان انجام دادند- یا اطلاق نشود. نمونه دیگر غلو، تشریح عباداتی است که خداوند

۱- لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۲.

۲- نساء، ۱۷۱.

۳- مائده، ۷۷.

به آنها فرمان نداده است. (۱)

بنابراین غلو زیاده روی در حد و مرز شرعی و افراط در دستورات خداوند است. بعد از اینکه معنای غلو روشن شد، باید بررسی کنیم که این تعریف بر کدام یک از دو مذهب- تشیع و تسنن- منطبق است؟

غلو از دیدگاه دو مکتب

روشن شد که غلو به معنای زیاده روی در حد و مرزی است که شرع آن را معین کرده است. مراد از این حد و مرز، گرچه معنای عامی است که اعتقادات و دستورات دینی را در برمی گیرد، لکن غلو مورد نزاع، غلو در اعتقادات است و غلو در دستورات دین (احکام) از محل بحث خارج است؛ مگر گاهی اوقات که به صورت موردی از آن بحث می شود.

گفتنی است که در طول تاریخ، آنچه که مطرح شده، غلو در اعتقادات است؛ نه غلو تشریحی. بحث ما نیز درباره همین محور است که شیعیان را متهم به غلو درباره امامان خود می کنند.

برای اینکه این موضوع از هر جهت مورد کنکاش قرار گیرد، باید بدانیم که مراد از اصول دین، سه اصل توحید، نبوت و معاد است.

اصل سوم (معاد) به جهت اینکه غلو در آن متصور نیست، از محل بحث خارج است و تنها توحید و نبوت باقی می ماند.

بایسته است در ابتدا این سؤال مطرح شود: مقصود از اتهام غلو درباره شیعیان چیست؟ آیا مراد این است که آنان اختیارات خدا و صفات او و یا منزلت و مقام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را برای امامان قائل اند، یا این که منزلت و مقام آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پایین تر و از سایر مسلمانان بالاتر است؟

روشن است که غلو با ثبوت فرض اول تحقق پیدا می کند؛ زیرا اعطای اختیارات و صفات الوهیت به هیچ انسانی ممکن نیست؛ چنان که بر طبق فرض دوم نیز غلو تحقق پیدا می کند؛ زیرا

مسلمانان اجماع دارند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اشرف مخلوقات است.

اما بنا بر فرض سوم غلو ثابت نمی گردد؛ زیرا اگر مذهبی از مذاهب اسلامی، براساس دلایل برگرفته از کتاب و سنت معتقد شود که منزلت و مقام وسطی وجود دارد که پایین تر از مقام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و بالاتر از مقام دیگر مسلمانان است و این مقام به افراد معینی داده شده این اعتقاد غلو نیست زیرا تجاوز به حد توحید و نبوت در آن وجود ندارد. به راستی اگر این اعتقاد را غلو بدانیم، باید همه مسلمانان را اهل غلو بشماریم؛ زیرا همه آنان اعتقاد به وجود این مقام دارند؛ لکن در مصداق آن اختلاف کرده اند. برخی اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را مصداق آن می دانند و برخی دیگر اهل بیت آن حضرت را.

حال به بررسی تفصیلی فرضهای سه گانه می پردازیم.

فرض اول و دوم

اشاره

شکی نیست که تاریخ اسلام در سه قرن اول، شاهد نهضت‌های فکری افراطی بوده است که این تفکرها بر سه اصل استوار بودند:

۱. اعتقاد به الوهیت برخی از اشخاص:

گروهی معتقد به الوهیت امام علی (علیه السلام)، عده ای معتقد به الوهیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)؛ برخی دیگر معتقد به الوهیت حضرت آدم و پیامبر بعد از او؛ گروهی معتقد به الوهیت برخی از ائمه؛ جمعی معتقد به الوهیت محمد بن اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام)؛ عده ای معتقد به الوهیت ابی الخطاب محمد بن زینب مولای بنی اسد و برخی معتقد به الوهیت دیگران شده اند که در کتابهای ملل و نحل بیان شده است. (۱)

۲. اعتقاد به پیامبری برخی از اشخاص:

غرایبه اعتقاد به پیامبری امام علی (علیه السلام) دارند، و می گویند جبرئیل اشتباه کرد وحی را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل نمود. برخی دیگر اعتقاد به پیامبری مغیره بن سعید مولای بجلیه در کوفه و گروهی اعتقاد به

پیامبری بیان بن سماعان تمیمی دارند. (۱)

۳. ساقط کردن بعضی از تکالیف شرعی که صوفیه به آن اعتقاد دارند:

این موارد، از مصادیق غلو است و ائمه اطهار (علیهم السلام) مبارزه خستگی ناپذیری با آن داشتند. آنان از مدعیان آن تبری جسته و آنها را لعنت کردند و دیگران را نیز دعوت به بیزاری از آنان نمودند.

در منابع روایی اهل بیت (علیهم السلام)، احادیث فراوانی در مذمت اهل غلو وجود دارد. ائمه (علیهم السلام) به این هم بسنده نکردند؛ بلکه برای وسعت بخشیدن به این مبارزه، اصول و قواعدی را مطرح کردند که به کمک آنها بتوان روایات صحیح را از غیر صحیح - که معتقدان به غلو آنها را می ساختند و به پیامبر و ائمه نسبت می دادند - تشخیص داد. هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: روایتی را از ما نپذیرید مگر آنکه موافق قرآن و سنت باشد و یا اینکه از روایات گذشته ما شاهی بر آن بیاید؛ زیرا مغیره بن سعید ملعون در کتابهای اصحاب پدرم روایاتی جعل کرد که پدرم نگفته بود. پس تقوای الهی داشته باشید و نپذیرید روایتی را که مخالف با کتاب پروردگاران و یا سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد و ما آن را نگفته باشیم. (۲)

در منابع فقه شیعی، از ابتدای شکل گیری تا زمان حاضر، بر کفر غالیان و مفوضه و نجاست آنان حکم شده است. شیخ مفید (ره) در کتاب تصحیح الاعتقاد، (۳) شهید اول و دوم در لمعه و شرح آن، (۴) سید یزدی در عروه الوثقی (۵) به کفر آنان تصریح کرده اند و آیت الله حکیم در کتاب مستمسک العروه الوثقی بعد از آنکه اجماع بر آن را نقل کرده، می نویسد: همچنین است اگر از غلو زیاده روی در صفات پیامبران و امامان اراده شود؛ مانند اینکه اعتقاد به خالقیت و رازقیت

۱- همان، ص ۱۸۳-۱۸۶.

۲- رجال کشی، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۴۰۱.

۳- تصحیح الاعتقاد، ص ۲۳۸.

۴- شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۳، ص ۱۸۰.

۵- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۸.

آنها پیدا کنیم و یا معتقد شویم که غفلت به آنها دست نمی دهد و یا کاری آنان را از کار دیگر باز نمی دارد و مانند این صفات. (۱)

اگر پژوهشگری، فهرست کتابهای شیعیان مانند الذریعه (۲) را بررسی کند، در آن دهها کتاب را می یابد که اصحاب ائمه (علیهم السلام) در سه قرن اول، در سرزنش غالیان و بیزاری از آنان و بیان حکم شرعی درباره آنها نگاشته اند.

به رغم این موضعگیری دوران‌دیشانه - که از سوی ائمه (علیهم السلام) و اصحاب آنان و فقیهان مکتبشان بر ضد غلو و غالیان گرفته شده است - لکن باز می بینیم که قلمهای مسموم سست عنصران، در گذشته و حال شیعیان را متهم به غلو می کنند. آنان برای اتهام خود تمسک به روایاتی می کنند که در کتابهای شیعیان وجود دارد. گفتنی است که این روایات دو گونه است:

الف) این روایت از عصمت ائمه (علیهم السلام) و منزلت و مقام عظیم آنان در نزد خدا، و اینکه این منزلت تالی تلو رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است بحث می کند. مکتب خلفا آنها را نمی پذیرد و آن را غلو می پندارد. البته این حکم بدون دلیل است و این مطلب در بررسی فرض سوم روشن خواهد شد.

ب) روایاتی که دلالت بر غلو می کند و در کتابهای شیعیان و اهل سنت، از سوی معتقدان به غلو وارد شده است. از این رو ضرورت دارد که پژوهشگران اهل سنت - به جهت ضعفی که در روایات فریقین در زمینه فقهی و کلامی وجود دارد (مانند اسرائیلیات موجود در کتابهای تفسیر اهل سنت) - هر روایتی را که در کتابهای حدیثی مذهب می یابند، صحیح و معتبر نپندارند؛ بلکه باید بدانند که این کتابها، هم مشتمل بر روایتهای صحیح و معتبری است که باید به آنها متعبد شد و بر طبقشان عمل نمود، و هم مشتمل بر روایات ضعیفی است که نه موجب علم است و نه عمل. این گونه روایات نه دلیل بر اصول دین است و نه دلیل بر فروع آن. با توجه به

۱- مستمسک العروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲- شیخ آقا بزرگ طهرانی.

این حالت خاص و به جهت مقابله با آثار منفی آن بر اسلام، مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ضرورت نقد و بررسی علمی میراث اسلامی را مطرح می کند تا روایات صحیح و قابل اعتماد شناسایی شود.

این که روایتی در کافی، تهذیب و بحار الانوار باشد، دلیل بر صحت آن و یا صحیح پنداشتن آن از سوی این اندیشمندان بزرگ نیست؛ زیرا مقصود آنان گردآوری حجج و ادله نبوده است، بلکه هدفشان حفظ فرهنگ شیعه از تباه شدن و نابودی بوده است. بدین جهت به راحتی می توان روایاتی که دست تزویر آنها را وارد روایات اهل بیت (علیهم السلام) کرده است، پیدا نمود از این رو منصفانه نیست که ما به سبب وجود این گونه اخبار، حکمی درباره شیعیان بکنیم؛ به خصوص که در کتابهای مذاهب چهار گانه اهل سنت نیز تعداد زیادی از اسرائیلیات و روایات موضوع و ساختگی وجود دارد.

با مقایسه بین دو مکتب در این مقوله، می بینیم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) از مصونیت بیشتری نسبت به ورود اخبار ساختگی و تحریف شده برخوردار است؛ زیرا هر کتاب و منبعی از منابع روایی در نزد آنان همه اش صحیح نمی باشد؛ بلکه همه کتابها بدون استثنا مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرند و حدیث صحیح در نزد آنان حدیثی است که مراحل سخت و دشوار نقد و بررسی را پشت سر گذاشته باشد.

در حالی که مذاهب چهار گانه اهل سنت، به صحیح بودن تمام روایات صحیح بخاری و مسلم ایمان دارند؛ اما این دو کتاب، مشتمل بر روایات سست و مطالب باطل مانند تشبیه و تجسیم خداوند می باشند و بسیاری از روایان آن به ضعف و جعل احادیث و دروغگویی مشهور می باشند. (۱)

اگر بپذیریم که بعضی از احادیث، از جهت سند و مورد اعتماد بودن راوی حجت اند، چنانچه متن آنها مخالفت قطعی با قرآن کریم داشته باشد (مانند غلو) و یا بتوان برای آن توجیه صحیحی

داشت، در این صورت براساس مقررات ثابت و قطعی مذهبمان، به این گونه اخبار نمی توانیم عمل کنیم؛ زیرا ائمه (علیهم السلام) می فرمایند: چیزی که موافق با کتاب خدا نباشد زخرف است. (۱)

فرض سوم

در مباحث پیشین روشن شد که مراد از غلو، نسبت الوهیت و پیامبری دادن به ائمه (علیهم السلام) و ساقط کردن تکالیف شرعی از آنان است؛ که همه این امور قاطعانه از سوی شیعیان رد می شود.

تنها یک فرض از غلو باقی ماند و آن اعتقاد به ثبوت مقام و منزلتی برای ائمه (علیهم السلام) است که پایین تر از منزلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و بالاتر از منزلت دیگران است. آیا این غلو است؟

در جواب این پرسش باید به مفهوم غلو توجه کرد. غلو به معنای زیاده روی در حدود شرعی است. پس باید در ابتدا حد و مرز شرعی بیان شود، تا بشناسیم که چیزی بر آن زیاد است تا آن را غلو بشماریم. اگر مرز نبوت و امتیازات و ویژگیهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روشن نشود، نمی توانیم غلو را بشناسیم. پس باید مرز مرتبه پایین تر از آن و ویژگی های آن را بشناسیم تا به آن مقید شویم و زیاده روی در آن را غلو بشماریم. و شناخت این رتبه و ویژگیهای آن تنها از طریق کتاب و سنت ممکن است.

اصل وجود منزلت وسطی که پایین تر از منزلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و بالاتر از منزلت مسلمانان باشد، مورد اتفاق مسلمانان است و در آن هیچ گونه اختلافی وجود ندارد؛ لکن اختلاف در دو جنبه است:

۱. افرادی که شایستگی این منزلت را دارند؛

۲. ویژگیها و امتیازات این منزلت.

پس غلو در اصل وجود این منزلت نیست؛ زیرا لازمه آن غالی بودن همه مسلمانان است. پس غلو را باید در همین دو جنبه جست و جو کرد.

اهل سنت اعتقاد دارند که اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در صدر اسلام از

بالاترین منزلت در میان مسلمانان برخوردار بودند و منزلت آنان پایین تر از منزلت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است. آنان مجتهدان عادل بوده اند و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در میان آنان، براساس شوری و انتخاب بوده است و به آیه و السابقون الأولون ... رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعدّ لهم جنّات و روایت: خیر القرون قرنی الذی یلیه (منسوب به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم))، استدلال کرده اند.

جمهور مسلمانان این منزلت را منحصر به اصحاب می دانند، و هر کس این منزلت را برای غیر آنان اعتقاد داشته باشد، آن را زیاده روی و غلو می شمرند؛ زیرا اعتقاد او بدون دلیل است و از مصادیق زیاده روی بر حد و مرز شرعی می باشد.

با وجود این، آنان مکتب اهل بیت را به غلو متهم می کنند؛ چون شیفتگان این مکتب اعتقاد دارند که منزلت وسط از آن ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است و آنان ارکان امامت، امتداد نبوت و ستونهای ولایت اند. همچنین اعتقاد به عصمت، نص بر امامت و وصیت درباره آنان دارند؛ مهدی (عج) از آنان است؛ آنان برترین افراد زمان خویش از جهت علم و عمل می باشند و خداوند به وسیله الهام، آنان را به صواب توفیق می دهد و آنان را از طلب علم از دیگران بی نیاز می سازد.

پژوهشگر بی طرف در این موضوع باید ادله دو گروه را بررسی کند، تا ببیند عقیده کدام یک از دو مکتب با کتاب و سنت مطابق است و آیا دلیل قانع کننده ای بر آن وجود دارد و اعتقاد کدام یک موافق با کتاب و سنت نیست و دلیلهای آن در برابر دلیل علمی و نقد سست است؟

با پژوهشی منصفانه و ژرف نگرانه در این موضوع، به مطالب زیر خواهیم رسید:

۱. دلیلهای مکتب خلفا و صحابه، ناتوان از اثبات مدعای آنان است؛ زیرا دلالت آیه و السابقون الأولون من المهاجرین و الأنصار ... رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعدّ لهم جنّات که قوی ترین دلیل آنها است، توقف بر این دارد که حرف من که پیش از کلمه المهاجرین و الانصار

آمده است بیانیه باشد؛ نه تبعیضیه. اگر توانستند این را ثابت کنند، می توانند بگویند که طبق آیه شریفه، هر کسی که با پیامبر (علیه السلام) هجرت کرد و آن حضرت را در مدینه یاری نمود، بهره مند از رضایت الهی و بهشت جاوید است.

لکن هیچ کس نمی تواند این را ادعا نماید، چه رسد که آن را اثبات کند؛ زیرا آیات دیگری از قرآن وجود دارد که می گوید: برخی از افرادی که این دو صفت (هجرت و یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر آنها صادق است) منافق (۱)، بیمار دل (۲) و فاسق می باشند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از عمل برخی از آنان بیزاری جسته است (۳) و برخی از آنان توطئه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را پایه ریزی کردند (۴) پس با وجود واقعیتهای تاریخی و قرآنی، نمی توانیم حرف من را بیانیه بدانیم و از آن هر کسی را اراده کنیم که دارای وصف هجرت و یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد. پس باید من را تبعیضیه بدانیم. بنابراین مراد از آیه چنین می شود:

کسانی از انصار و مهاجران که هجرتشان و یاریشان به پیامبر مخلصانه بوده است و در کردارشان پایداری نموده اند، خداوند از آنان رضایت دارد. (۵)

گفتنی است که این معنی بر برخی از آنان منطبق می باشد؛ نه همه آنان. و احتمال دارد که آیه شریفه به افراد معینی در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به هنگام نزول وحی ناظر باشد، لکن آنها را در ضمن سیاق عام ذکر کرده است.

اما روایت خیر القرون قرنی، دلالتی بر مدعا ندارد و می رساند که حرکت دینی و درجات ایمانی انسانها بعد از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سیر نزولی خواهد داشت، پس بر ما واجب نمی سازد که حدیث را ناظر به منزلت اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بدانیم.

با سقوط این دو دلیل از حجیت، ادعای این منزلت بزرگ برای

۱- منافقون، تمام آیات.

۲- انفال، ۴۹؛ احزاب، ۱۲ و آیه ۶۰.

۳- حجرات، ۶.

۴- دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۵۶-۲۵۹.

۵- ر. ک تفسیر المیزان، ج ۹، صص ۳۹۱ تا ۳۹۶.

صحابه در مکتب خلفا، بدون دلیل و از مصادیق غلو خواهد بود.

۲. مذهب اهل بیت (علیهم السلام) بر این اساس پایه گذاری شده است که ائمه (علیهم السلام) از سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) منصوب اند. آنان شارحان سنت نبوی و ادامه دهنده رسالت آن حضرت هستند، و این ادعا مبتنی بر حقایق ثابتی در میان مسلمانان است (مانند حدیث غدیر (۱)، حدیث منزلت (۲) و حدیث ثقلین (۳)). در این صورت باید منزلت آنان پایین تر از منزلت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و بالاتر از منزلت مسلمانان باشد و در محدوده این دو مرز چیزی وجود ندارد که بتوان آن را غلو نامید. پس بهره مندی آنان از منزلتی پایین تر از منزلت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و بالاتر از منزلت مسلمانان، از ضروریات مذهب ما می باشد. این همان مقتضای امامت آنان بر امت است. و اگر این ویژگی را نداشته باشند، امامت برای آنان قابل تصور نیست.

تاریخ بهترین گواه بر این است که هر امام از اهل بیت (علیهم السلام)، برترین اهل زمان خویش در بُعد علمی و عملی بوده است. منزلتی که در چهار چوب این دو مرز است، باید با غلو به ستیزه جویی پردازد و آن را دور بیفکند و آن را از مسیر صحیح جدا سازد.

دانشمندان آنان عصمت، نص بر امامت، وصیت، الهام الهی، ولایت و مانند آن را - که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) این ویژگیها را برای ائمه خود اعتقاد دارد - در کتابهای کلامی گذشته و حال خود با استناد به برخی از آیات قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اثبات می کنند.

درباره عصمت اهل بیت (علیهم السلام) می فرماید: اِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۴). خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

روشن است که آیه شریفه در صدد بیان ویژگی خاصی برای اهل بیت (علیهم السلام) است و نمی توان آن را همانند آیه شریفه ولکن یرید لیطهرکم

۱- مسند امام احمد، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۶۴۲.

۲- ریاض النضره، ج ۱، ص ۱۱۷ باب چهارم در مناقب امیر المؤمنین علی علیه السلام.

۳- مشکل الآثار، ج ۴، ص ۱۶۸.

۴- احزاب، ۳۳.

و لیتّم نعمته علیکم (... (۱) - که در صدد بیان صفت مشترکی برای همه مؤمنان است - تفسیر نمود؛ زیرا آیه معنای خاص خود را که با تأکید بیان شده است از دست می دهد. اهل بیت (علیهم السلام) قطعاً از مؤمنان هستند؛ از این رو آیه دوم شامل آنان نیز می شود.

سؤال: اگر مراد از آیه اول، مضمون آیه دوم است، پس چرا خداوند آنان را با خطاب خاصی که تنها ایشان را دربرمی گیرد مورد خطاب قرار داده است لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیر؟

پاسخ: ما دو نوع طهارت داریم: پاکی درجه پایین که همه امت از جمله اهل بیت (علیهم السلام) را دربرمی گیرد، و پاکی درجه عالی (عصمت و پاکی از گناهان با توانایی بر انجام آنها) که مختص اهل بیت (علیهم السلام) است. به راستی اگر فخر رازی در تفسیرش (۲) براساس همین آیه، اعتقاد به عصمت و پاکی اهل حل و عقد پیدا می کند، آیا شایسته نیست که ما به عصمت اهل بیت (علیهم السلام) - که خداوند آنان را به ویژه گوی درجه عالی پاکی اختصاص داده است - اعتقاد پیدا کنیم؟ به خصوص که روایات فریقین به صراحت دلالت دارد که مراد از اهل بیت (علیهم السلام) فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) می باشد؛ نه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم).

اما نص بر امامت و وصیت درباره آن، دلیل روشن آن حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و حدیثی است که تصریح می کند: خلفا بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دوازده نفرند و همه آنان از قریش اند. این روایت، نه بر خلفای راشدین تطبیق می کند و نه بر خلفای بنی امیه و یا بنی عباس؛ زیرا عدد دوازده بر هیچ کدام از آنان و هیچ گروه دیگری منطبق نیست.

کسی که خواهان تفصیل بیشتری درباره این موضوعات است، باید به کتابهای معتبر شیعه، به خصوص کتاب مراجعات علامه سید عبدالحسین شرف الدین مراجعه کند.

۳. در میراث مکتب خلفا و صحابه، نقلهای فراوان تاریخی و جدید

۱- مائده، ۶.

۲- تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۴.

وجود دارد که معجزه و کراماتی را برای برخی از اصحاب و اولیا و حتی برخی از مردم عادی ثابت می کند؛ مانند: سخن گفتن زید بن خارجه بعد از مرگ، (۱) و یا صحبت کردن یکی از انصار بعد از کشته شدن (۲) و مطالب فراوان دیگر.

اگر مانند این کرامات و معجزه ها ممکن است و برای برخی از انسانهای عادی هم واقع شده و اعتقاد به آنها غلو شمرده نمی شود، پس چرا اثبات همین ویژگیها برای ائمه اطهار (علیهم السلام) - که شیعیان به آن اعتقاد دارند - غلو شمرده می شود؟!

۱- استیعاب، ج ۱، ص ۱۹۲؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۱۵۶.

۲- تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۱۵۸.

توسل

اشاره

حقیقت توسل را قرآن کریم به بهترین صورت ترسیم کرده است؛ زیرا خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار می دهد، و می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

آیه، تقوا و جهاد را از وسایل مشروع شمرده است که انسان می تواند آنها را، اسباب رسیدن به خداوند قرار دهد.

آیا وسایل دیگری وجود دارد که اسلام ما را به آنها دعوت کرده باشد، یا اینکه امر به انسان واگذار شده است و او می تواند وسایل دیگری را که به وسیله آنها به خداوند تقرب جوید به وجود آورد؟

بدیهی است وسایلی که ممکن است بنده به وسیله آنها به خداوند تقرب جوید، اجتهاد بردار نیست؛ زیرا تقرب به خداوند و شیوه های تحقق آن نیازمند راهنمایی اوست و بدین جهت است که شریعت، مسئولیت بیان کردن آنها را پذیرفته و در کتاب و سنت

آنها را معین کرده است.

بنابراین هر وسیله ای که شریعت به صورت عام و یا خاص نصی بر آن ندارد نوعی بدعت و گمراهی است.

امام علی (علیه السلام) به وسایلی که موجب تقرب بنده به سوی خداوند می شود تصریح کرده می فرماید: همانا بهترین چیزی که طلب کنندگان قرب خدای سبحان بدان توسل می جویند، ایمان به خدا و پیامبر، و جهاد در راه خداست؛ زیرا آن بلندی اسلام است و کلمه اخلاص، زیرا آن فطرت انسان است، و بر پاداشتن نماز است که آن دین است، و دادن زکات است که واجب است، و روزه ماه رمضان که سپر از عذاب است، و حج خانه خدا و به جا آوردن عمره که فقر را بر طرف می نماید و گناهان را می شوید. و پیوند با خویشان که مال را افزون سازد و سبب تأخیر در مرگ است، و صدقه دادن نهانی که گناه را می پوشاند، و صدقه دادن آشکار که مرگ بد را باز دارد، و به جا آوردن کارهای نیک است که از کشته شدن های همراه با خواری نگه می دارد. (۱)

پس توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عبادت مستمری است که بعد از درگذشت آن حضرت نیز به آن عمل می شد، و مسلمانان روابودن آن را درک می کردند و بعد از وفات پیامبر پیوسته آن را انجام می دادند و برخی از مفسران نیز عدم اختصاص آیه شریفه را به حال حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پذیرفته اند.

مشروع بودن توسل نزد علمای شیعه از مسلمات است و بسیاری از علمای اهل سنت نیز به مشروع بودن توسل تصریح کرده اند، از جمله شوکانی می گوید: به خداوند، به وسیله پیامبران و نیکوکاران توسل می شود. (۲)

سمهودی شافعی می گوید: گاهی توسل به پیامبر به طلبیدن خواسته از آن حضرت است، بدین معنی که او توانایی دارد که سبب باشد، و سببیت پیامبر به درخواست و شفاعت او از

آزموده ها؛ ج ۴؛ ص ۱۰۹

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۰.

۲- تحفه الزاکرین شوکانی، ص ۳۷

پروردگار بستگی دارد. پس بازگشت توسل به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به درخواست دعای آن حضرت است. از موارد توسل گفتار شخصی است که به پیامبر می گوید: از تو درخواست می کنم که در بهشت همراه شما باشم... و از توسل اراده نمی شود که آن حضرت بدون واسطه مستقلاً سبب شفاعت کننده باشد. (۱)

ابن تیمیه از احمد بن حنبل در کتاب (مسک المروزی) نقل می کند که او توسل به پیامبر و دعا در نزد آن حضرت را روا می دانست.

هم چنین همین را از ابن ابی دنیا و بیهقی و طبرانی با نقلهای متعدد که به صحیح بودن آنها گواهی می دهد نقل می کند. (۲)

شافعی نیز از معتقدان به جواز توسل است، او می گوید: هنگامی که حاجتی برایم پیش آید، به نزد قبر ابو حنیفه می روم و دو رکعت نماز به جای می آورم و به او تبرک می جویم و حاجت خود را از خدا در نزد او می خواهم و بعید نیست که حاجتم برآورده شود. (۳)

و از دیگر کسانی که معتقد به مجاز بودن آن هستند، ابوعلی خلیل حنبلی هاست. او می گوید: هرگاه امری مرا اندوهناک سازد، به سوی قبر موسی بن جعفر (علیه السلام) می روم و به او توسل می جویم و خداوند آنچه را که مورد علاقه من است برایم آسان می کند. (۴)

مجاز بودن توسل در قرآن کریم

پیامبران و نیکوکاران به حقیقت توسل و مشروع بودن آن اعتراف دارند. و قرآن کریم موارد فراوانی را نقل می کند که مردم به پیامبران و اولیا توسل می جستند و انبیا به درخواست آنان پاسخ مثبت می دادند. برخی از مواردی که قرآن تصریح به آن دارد به شرح ذیل است:

الف: خداوند فرماید: و ابرئ الأکمه و الأبرص و احمی الموتی بإذن الله. (۵)

۱- وفاء الوفاء سمهودی، ۱۳۷۴۲.

۲- التوسل و الوسيله، ابن تیمیه، ص ۱۴۴ و ۱۴۵، نشر دار الآفاق، سال ۱۳۹۹.

۳- تاریخ بغداد، ۱/۱۲۳ باب ما ذکر فی مقابر بغداد.

۴- تاریخ بغداد، ۱/ ۱۲۰ باب ما ذکر فی مقابر بغداد.

۵- آل عمران، ۴۹

کور مادر زاد و مبتلایان به برص (پسی) را بهبودی می بخشم، و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم.

آیه فوق دلالت دارد که مردم به حضرت عیسی (علیه السلام) توسل پیدا کردند.

ب: خداوند می فرماید: قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئين). (۱)

گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

فرزندان یعقوب (علیه السلام) آمرزش را از او، جدای از قدرت الهی درخواست نکردند، بلکه یعقوب را واسطه در طلب

آمرزش قرار دادند، زیرا او مقرب درگاه الهی و آبرومند در نزد خداوند بود، و این مطلب از جواب یعقوب به فرزندانش کاملاً

روشن است. قال سوف استغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحیم (۲)

گفت بزودی برای شما از پروردگام آمرزش می طلبم.

ج: خداوند می فرماید: ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیم. (۳)

و اگر هنگامی که به خود ستم می کردند، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار

می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.

آیه دلالت بر پذیرش استغفار پیامبر برای مسلمانان توبه کننده دارد؛ زیرا پیامبر دارای منزلتی بزرگ در نزد خداوند سبحان

است و آیه بر اهمیت آمدن مسلمانان نزد رسول خدا جهت آمرزش خواهی آن حضرت برای آنان، تأکید دارد.

انواع توسلاتی که قرآن بیان می کند

خداوند در قرآن کریم بندگان مؤمن خویش را ترغیب به توسل نموده و صورتهای مختلف آن را روا دانسته است. ما در ذیل،

برخی از انواع توسل مشروع را که در قرآن کریم آمده است ذکر می کنیم:

۱- یوسف، ۹۷.

۲- یوسف، ۹۸.

۳- النساء، ۶۴.

الف: توسل به اسماء خداوند سبحان! خداوند می فرماید: وله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذروا الذین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون (۱)

و برای خدا نامهای نیک است، خدا را به آن [نامها] بخوانید و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند رها سازید؛ آنها به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند می بینند.

ب: توسل با اعمال نیک! عمل صالح از وسایل مشروعی شمرده شده است که بنده به وسیله آن به خداوند تقرب می جوید. خداوند می فرماید:

وإذ یرفع إبراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منّا انک أنت السميع العلیم*ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امه مسلمه لک و أرنا مناسکنا و تب علینا إنک أنت التواب الرحیم (۲)

و نیز [به یاد آورید] هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند [و می گفتند] پروردگارا از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی* پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند به وجود آور، و طرز عبادتیمان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و دانایی.

آیه شریفه بر ارتباط بین عمل صالح (ساختن خانه خدا) و دعا تأکید دارد؛ دعایی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) رغبت در اجابت آن داشت.

ج: توسل به دعای پیامبر! قرآن کریم از منزلت و عظمت و ارزش پیامبر در نزد خداوند و از تمایز آن حضرت با مردم سخن گفته است: لاتجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعض. (۳)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید.

و هم چنین قرآن بیان می کند که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) یکی از دو امان بر روی

۱- اعراف، ۱۸۰

۲- بقره، ۱۲۷-۱۲۸.

۳- نور، ۶۳.

زمین است:

وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون. (۱)

ای پیامبر، تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد، و (نیز) تا استغفار می کنند خدا عذابشان نمی کند.

توسل در روایات

روایاتی نقل شده که دلالت بر روا بودن توسل به پیامبر و اولیا دارد. این گونه روایات از طریق شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده و ما به نقل چند روایت از طریق اهل سنت بسنده می کنیم:

مرد نابینایی حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و گفت: از خداوند بخواه به من عافیت بخشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: اگر مایل هستی دعای تو را تأخیر بیندازم و آن برای تو بهتر است، و اگر مایل هستی دعا کنم. مرد نابینا گفت: دعا بفرمائید. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به او دستور داد که وضو بگیرد و وضوی خود را نیکو گرداند و دو رکعت نماز بگزارد و این چنین دعا کند: خدایا، من از تو درخواست می کنم و به تو متوجه می شوم به وسیله پیامبرت محمد، پیامبر رحمت ای محمد، من درباره حاجتم به وسیله تو به خدایم متوجه می شوم تا حاجتم را برآورده بفرمایی، خدایا شفاعت او را درباره من بپذیر. (۲) اشکالی در صحت حدیث وجود ندارد، حتی ابن تیمیه آن را صحیح دانسته است.

با این روایت، مشروعیت توسل مورد تأکید قرار می گیرد، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شخص نابینا را یاد دادند که به وسیله آن حضرت متوجه خدا شود و او را شفیع قرار دهد تا حاجتش برآورده شود. و مراد از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خود حضرت می باشد که به وسیله منزلت و مقام او به خدا متوجه شویم، نه دعایش.

۲. عطیه عوفی از ابی سعید خدری نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: کسی که از خانه اش برای نماز برون رود و بگوید:

۱- انفال، ۳۳.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱ حدیث ۱۳۸۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸ حدیث ۱۶۷۸۹؛ مستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۳۱۳، جامع صغیر سیوطی، ص ۵۹، منهاج الجامع، ج ۱، ص ۲۸۶.

خدایا، از تو درخواست می‌کنم به حق سؤال کنندگان از تو، و از تو درخواست می‌کنم به حق این راه رفتنم، که من از روی نافرمانی، خوشگذرانی، ریا و شهرت از خانه بیرون نیامدم، من برای پرهیز از خشم، و تحصیل خشنودی تو خارج شدم، از تو درخواست می‌کنم که مرا از آتش بازداری و گناهان مرا ببخشی، زیرا گناهان را جز تو کسی نمی‌بخشد، خداوند با ذاتش به او توجه پیدا می‌کند و هفتاد هزار فرشته برای او استغفار می‌کنند. (۱)

این روایت دلالت بر روا بودن توسل به خدا به وسیله حرمت، منزلت و مقام صالحان دارد، و این که توسل کننده آنان را واسطه و شفیع قرار می‌دهد، تا حاجتش برآورده شود و دعایش اجابت گردد.

۳. انس بن مالک می‌گوید: هنگامی که فاطمه دختر اسد درگذشت، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر او وارد شد و بر بالین او نشست و فرمود: خدا تو را رحمت کند؛ ای مادرم پس از مادرم. سپس اسامه و ابویوب و عمر بن الخطاب و غلام سیاهی را خواست که قبری بکنند. وقتی قبر او را کردند، و به لحد رسیدند، پیامبر خدا با دست خود لحد را کند، و خاک آن را با دست خود درآورد و در قبر رو به پهلو دراز کشید سپس فرمود، ای خدایی که زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده است و نمی‌میرد، مادرم فاطمه دختر اسد را بیمارز، و جایگاه او را وسیع قرار ده، به حق پیامبرت و پیامبرانی که پیش از من بوده اند. (۲)

توسل در سیره مسلمانان

سیره مسلمان بر توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام حیات و بعد از وفات آن حضرت و هم چنین بر توسل به اولیا خدا و درخواست شفاعت به منزلت آنان در نزد خدا رایج بوده است. در ذیل نمونه هایی از سیره مسلمانان را می‌آوریم:

الف: بعد از درگذشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ابوبکر گفت: ای محمد، ما

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۷۷۸، باب المشی إلى الصلاة.

۲- وفاء الوفاء و الدرر السنيه، ص ۸ به نقل از كشف الارتیاب، ص ۳۱۲.

را در نزد پروردگارت یاد کن و همواره ما را به خاطر داشته باش. (۱)

ب: حافظ ابو عبدالله محمد بن موسی بن نعمانی در کتاب مصباح الظلام می گوید: ابوسعید سمعانی از علی بن ابی طالب نقل می کند که آن حضرت فرمود: بعد از سه روز که از دفن رسول خدا گذشت، مرد بادیه نشینی بر ما وارد شد. خود را بر قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) انداخت و از خاک قبر بر سر می پاشید و می گفت: ای رسول خدا، گفتمی و ما گفتارت را شنیدیم، و نسبت به خدا و ما آگاهی دادی. به وسیله تو آگاه شدیم و از جمله آنچه نازل شد، این آیه است: ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا لله .. و من ظلم کردم و نزد تو آمدم تا برایم استغفار نمایی. از قبر ندا داده شد: خداوند (گناهان) تو را بخشید. (۲)

ج: رسول خدا به مردی یاد دادند که چگونه دعا کند و از خدا درخواست نماید و سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را مورد خطاب قرار دهد و به آن حضرت توسل جوید و از خدا بطلبد که شفاعت پیامبر را بپذیرد و بگوید: خدایا، من از تو درخواست می کنم و به تو متوجه می شوم، به وسیله پیامبرت محمد، پیامبر رحمت، ای محمد، ای رسول خدا من درباره حاجتم به وسیله تو به پروردگرم متوسل می شوم تا حاجتم را برآورده بفرمایی. خدایا، شفاعت او را درباره من بپذیر. (۳)

د: بخاری در صحیح خود نقل می کند که عمر بن خطاب در مواقع قحطی به عباس بن عبدالمطلب متوسل می گردید و می گفت: خدایا، ما در گذشته به پیامبرت متوسل می شدیم و ما را سیراب می کردی، اکنون به عموی پیامبرت متوسل می شویم، پس ما را سیراب کن، (و در این هنگام باران ریزش می کرد) و سیراب می شدند. (۴)

ه: - منصور عباسی از مالک بن انس از کیفیت زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و توسل به آن حضرت سؤال کرد ... به مالک گفت: ای ابا

۱- الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۳۶.

۲- وفاء الوفاء سمهودی، ج ۲، ص ۱۳۶۱.

۳- مجموعه الرسائل و المسائل، ابن تیمیة، ج ۱ ص ۱۸.

۴- صحیح بخاری، باب صلاة الاستسقاء، ج ۲ ص ۳۲ ح ۹۴۷.

عبدالله، آیا رو به قبله باشم و دعا کنم، یا رو به رسول خدا نمایم؟ مالک در جواب او گفت: چرا صورت خودت را از او می گردانی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم است تا روز قیامت؟ بلکه رو به سوی او کن و به وسیله او طلب شفاعت کن که خدا تو را شفاعت خواهد کرد. خداوند می فرماید: ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم (۱)

با توجه به ادله و براهین و شواهد تاریخی که در سابق گذشت. می توان گفت: پیامبران و بندگان صالح خدا از وسیله های مشروع هستند که خداوند آنان را در قرآن مورد توجه قرار داده است.

جلد ۵

اشاره

آزموده ها (۵) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

مقدمه

سفر حج سیر بندگان عاشق و خداجوی به سوی بیت الله الحرام در جهت اطاعت دستورات الهی و پالایش روح است. روحانی کاروان عهده دار این اتصال و تأثیر گذار در این تهذیب معنوی است. وظایف روحانیون کاروان در این مسیر همان وظایف پیامبران و سفرای الهی علیهم السلام است.

تلاشهای پیامبران الهی همیشه همراه با شفقت و دلسوزی و مهربانی بوده ولی با این همه بسیاری از آنان با مردمی نابخرد و مزاحم و یا پیامبرگش روبه رو بوده اند.

فرستی که خداوند به برکت وجود انور امام عصر سلام الله علیه و نائبان فداکار، ایشارگر و فرزانه اش در طول تاریخ برای روحانیون کاروانها فراهم کرده اتمام حجتی است که در آزمون خدمتگذاری جز سرفرازی و پیروزی نباید انجامی داشته باشد.

خادمین شما فرزندگان، در بعثه مقام معظم رهبری دام ظلّه مجموعه ای از تجربیات و آزموده های موفق را برای اینکه چراغ راهی در این سفر الهی باشد تهیه و تقدیم می کنند و شایسته است از همکاران در کمیته های مناسک و احکام و اسرار و معارف و عقاید و کلام تشکر کرده و از مقالات سایر کمیته ها در شماره های بعدی استفاده کنیم.

بدیهی است پیشنهاد و انتقادهای شما بزرگواران در اصلاح و پویایی این حرکت مفید خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمه الله برکاته

معاونت امور روحانیون

واحد آموزش

آزموده های اسرار و معارف حج

روش قرآن در بیان احکام نوعاً مقارن با بیان حکمت و فلسفه آنها است:

وقتی درباره نماز سخن می گوید، می فرماید: (... أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ...)؛ درباره روزه: (... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) و درباره جهاد: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ) و ...

در مورد حج و برخی مناسک آن نیز خداوند برخی اسرار و فلسفه ها را بیان فرموده است: (لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ).

در بیان عترت نیز این تقارن را مشاهده می کنیم تا آنجا که حتی به برخی از اسرار مستحبات نیز اشاره شده است، مانند فلسفه هروله که فرمود: لِأَنَّهُ يَذَلُّ فِيهِ كُلَّ جَبَّارٍ.

روشن است که مبلغ موفق کسی است که روحیه تعبد زائر را با ارائه فلسفه و اسرار عمل خرسند کند و از شیوه قرآن در این موضوع پیروی نماید.

گرچه بخشهایی از روح و سر مناسک حج حصولی است نه تحصیلی؛ یعنی با حضور حاجی در مناسک، آن اسرار خود به خود حاصل می شود، ولی توجه دادن حجاج به این نکته ها، ادای مناسک را برای آنان آسان و آثار تربیتی و سازنده آن را بیشتر آشکار خواهد کرد.

اهمیت بیان اسرار

کلامی از عارف واصل و فقیه کامل مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی (ره) در ضرورت پرداختن به فلسفه و اسرار احکام:

إن الغالب علی أهل الدین فی أمور الآخره من عباداتهم و أعمالهم، بل و إيمانهم و أخلاقهم الاکتفاء بالصوره ... مثلاً أهل الأديان یکتفون غالباً فی صلاتهم باقامه الصوره و یسعون فی تکمیل الصوره و لا یبالون بفقدان المعنی و الروح ... ترى المصلین یتعلّمون الصوره حتّی أنهم یجتهدون فی تصحیح أمر تقلیدهم و تعلّم صوره الصلاه و یحتاطون فی ذلك و یناقشون فی علم المقلدین و ورعهم، و یدأقون فی تصحیح الرسائل و یناقشون فی عباراتها، و یبالغون فی تطهیر الماء و تطهیر الأعضاء ... بما لم یأت به الشرع بل نهی عنه صریحاً و هكذا فی تطهیر المکان و اللباس و فی أداء الحروف عن المخارج فی القراءه و الأذکار بحیث یفسدون القراءه و الذکر من کثره المبالغه و أمّا تطهیر الجوارح من المعاصی و القلب عن الأخلاق الرذیله و عن النفاق و عن محبّه الدنیا و عن الشغل بغير الله فکأنه غیر مأوربه.

و هكذا یسامحون فی إتیان حقائق الأفعال و الأذکار حتّی ترى الفحول من أهل العلم لم یتعلّم المراد من بعض أفعال الصلاه مع أنّه مذکور فی الأخبار مثل رفع الید بالتکبیر و نفس القیام و هكذا الركوع و السجود و مدّ العنق فی الركوع ... لکلّ منها حقائق إن لم یتحقق المتکلم بها بهذه الحقائق لا یصدق علیه أنّه مکبر و مسبح و حامد و قاری ... و أمّا أهل الدنیا فی أمورهم الدنیویّه، فلا یقنعون بالصوره؛ بل یجدّون فی إتیان الحقائق فما رأیت أحداً من الناس أن یکتفی من الحلوا بصورتها و نقشها أو قراءه لفظها بل إذا نقص أحد أجزاءها عن حدّ الکمال ینفون الاسم، و یقولون: هذا لیس بحلوا ... و بالجمله ما رأیت أحداً یقنع فی أمور دنياه بالصوره، و لكن أغلب الناس إن لم یکن کلّهم لا یأتون فی أغلب الأمور الآخریّه إلّا بالصوره، و مع ذلك یتوقّعون من الصوره أثر الرّوح فلا یجدون. (١)

و در کلام انسان و ارسته و الهی و استاد کل عارفان به حق رسیده حضرت امام خمینی (ره) آمده است:

بُراق سیر و رفرف عروج اهل معرفت و اصحاب قلوب نماز است؛ و هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله را نماز مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن، حسب مقام خود؛ چنانچه سایر مناسک از قبیل روزه و حج نیز همین طور است، گرچه به جامعیت نماز نیستند، و دیگران که به آن مقام نرسیده اند از برای آنها حظی از نماز آنها نیست؛ بلکه صاحب هر نشئه و مقامی اگر از مرکب عصبیت و انانیت فرود نیاید، انکار سایر مراتب کند و غیر از آنکه خود به آن متحقق است مقامات دیگر را باطل و حشو شمارد؛ چنانچه مراتب و مقامات انسانیته رانیز کسی که به آن نرسیده و از حجاب انانیت خارج نشده انکار کند و معارج و مدارج اهل معرفت و اولیاء را ناچیز شمارد.

بالجمله، از برای نماز مقامات و مراتبی است که در هر مرتبه ای که مصلی است نمازش با مرتبه دیگر بسیار فرق دارد؛ چنانچه مقامش با مقامات دیگر خیلی فرق دارد. پس مادامی که انسان صورت انسان و انسان صوری است، نماز او نیز نماز صوری و صورت نماز است. و فائده آن نماز فقط صحت و اجزاء صوری فقهی است در صورتی که قیام به جمیع اجزاء و شرایط صحت آن کند؛ ولی مقبول در گاه و پسند خاطر نیست. و اگر از مرتبه ظاهر به باطن و از صورت به معنی پی برد، تا هر مرتبه که متحقق شد نماز او نیز حقیقت پیدا می کند، بلکه بنابر آنکه قبلاً اشاره به آن شد که نماز مرکب سلوک و براق سیر الی الله است، مطلب منعکس شود. پس مادامی که نماز انسان صورت نماز است و به مرتبه باطن و سرّ آن انسان متحقق نشده، انسان نیز صورت انسان است و به حقیقت آن متحقق نگردیده. پس میزان در کمال انسانیته و حقیقت آن، عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب الله با مرقات نماز است. پس بر مؤمن به حق و حقیقت و سالک الی الله به قدم معرفت، لازم است خود را برای این سفر معنوی و معراج ایمانی مهیا کند و آنچه عده و عده و مؤونه و معونه لازم است همراه بردارد و عوائق و موانع سیر و سفر را از خود دور کند و با

جنود الهی و مصاحب و موافق این راه را طی کند که از شیطان و جنود او، که قُطاع طریق راه وصولند، مصون و محفوظ ماند.

(۱)

**** توصیه ها**

۱. در بیان فلسفه و اسرار مناسک حتی الامکان استناد به قرآن و روایات مأثور باشد.
۲. آنچه از غیر قرآن و حدیث نقل می گردد، در اصول با آنها همخوانی داشته باشد.
۳. از بیان انحصار در ذکر اسرار خودداری گردد.
۴. اسرار، همراه با بیان احکام و متناسب با سطح کشش مخاطبان بیان شود (به صورت تلفیقی باشد).
۵. در صورت وجود مخاطبان مستعد، با تشکیل جلسات ویژه در طول سفر، به این مهم بیشتر توجه گردد.
- چنانچه این جلسات با پیشنهاد گروهی از زائران برگزار شود، بهتر است و پذیرش بیشتری در میان حج گزاران دارد.
۶. اسرار را باید خیلی ساده بیان کرد و از اصطلاحات عرفانی حداقل استفاده را نمود تا برای حجاج قابل فهم باشد.
۷. در بیان اسرار باید لب و اساس مطلب گفته شود و بیان و نقد اقوال برای جلسات با زائران، مناسب نیست و دور از اهداف بیان اسرار است.
۸. روحانی با تدبیر لازم و اختصاص فرصت مناسب هنگام انجام عمل نیز اسرار و معارف حج را متذکر گردد.
۹. کتابهایی در مورد اسرار و معارف حج در چند سطح (سطح عمومی، متوسط و بالا) معرفی گردد و با همکاری مدیر کاروان، تهیه و در اختیار حج گزاران گذاشته شود.
۱۰. در صورت امکان، با گذاشتن مسابقه و گرفتن امتحان در مورد

اسرار و معارف و اختصاص دادن جوایز، حج گزاران به مطالعه و اندیشه در این زمینه ترغیب کردند.

۱۱. فضای بحث و گفت و گو در مورد اسرار و معارف ایجاد گردد و به زائران فرصت داده شود تا دیدگاه های خود را مطرح کنند.

۱۲. دعاهاى مأثور در حج، مانند ادعیه اطراف کعبه و نیز ادعیه دیگر، قالب و ظرف مناسبی برای آشنایی و توجه دادن حج گزاران به اسرار و معارف حج است.

۱۳. از حکایتهای قرآنی و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و داستانهای تاریخی استفاده شود و پیوند آنها با اسرار و معارف حج بیان گردد.

تذکر: اسرار و معارف والای حج، با بیان داستانهای ضعیف و رؤیاهای سست، تحت الشعاع قرار داده نشود.

بایدهای مناسک و تازه های فتاوا

از مهم ترین وظایف روحانیون آشنا کردن زائران به احکام و مناسک عمره و حج و نظارت بر چگونگی اعمال آنهاست. بی شک عمل به این وظیفه آگاهی کامل به فتاوی مراجع بزرگوار تقلید را می طلبد تا هر چه بهتر بتوانند مقلدان آنها را بر اساس وظیفه دینی راهنمایی فرمایند، لذا برخی از تغییراتی را که در نظرات فقهی مراجع تقلید در سالهای اخیر پیش آمده یادآوری می کنیم. بی شک تعدادی از آنها بازیاب تبدل موضوع است که پی جویی حکم جدید آن نیز نیاز به دقت و توجه ویژه دارد.

موضوع فتوای قبلی فتوای جدید

احرام آیةالله زنجانی: واجبات احرام پنج امر است: الف- غسل احرام، ب- لباس احرام، ج- نماز احرام، د- نیت، ه- تلبیه

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که زنها نیز دو جامه احرام را بپوشند، گرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است پس از نیت و تلبیه آن دو جامه را بیرون آورند و با همان لباس خودشان باشند.

آیه الله مکارم: [در تلبیه] احتیاط واجب آن است که جمله *ان الحمد والنعمة لك و الملك لا- شریك لك لیك* را نیز بگویند، اما لیك پنجم را نگویند.

واجبات احرام پنج امر است: الف- غسل احرام (بنابر احتیاط واجب)، ب- لباس احرام، ج- نماز (بنابر احتیاط واجب)، د- نیت، ه- تلبیه

احتیاط مستحب آن است که زنها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

احتیاط واجب آن است که جمله دوم *ان الحمد والنعمة ...* را نیز بگویند اما لیك پنجم را نگویند، البته گفتن آن به قصد احتیاط مانعی ندارد و در هر حال ضرری به صحت لیك وارد نمی کند.

محرمات احرام

آیهالله خامنه ای: هر کسی که برای عمره تمتع محرم شد واجب است، وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه های مکه، خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد جزو مکه باشد، هر چند مکه بزرگ شود.

آیهالله خامنه ای: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه دار که طرفین آن را دوخته اند مانع ندارد.

آیهالله خامنه ای: در محلی که محرم منزل کرد، در منی باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد و با چتر و مثل آن، سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد، اگر چه در حال راه رفتن باشد، پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود، اگر چه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن مراد از خانه های مکه، بنا بر احتیاط واجب، خانه های قدیمی مکه است.

به این مسئله اضافه فرموده اند: و نیز انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش هر چند حاشیه های آن دوخته باشد، همچنین دوخته بودن حاشیه پارچه احرام اشکال ندارد و نیز نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته و لباسهای ممنوع یا به عنوان روانداز از آن استفاده کردن مانع ندارد.

رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت، برای خود سایه بان درست کند، مثل آن که چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود.

طواف

آیه‌الله فاضل: طواف باید بین خانه کعبه و مقام ابراهیم انجام داده شود، ولی در طرف حجر اسماعیل مقدار محل طواف ضیق نمی شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد، لکن رعایت احتیاط یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است.

ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

بیرون رفتن از شهر مکه پس از عمره تمتع

آیه‌الله خامنه‌ای: بعد از عمره تمتع و قبل از اعمال حج، خروج از مکه مکرمه جایز نیست مگر برای نیاز و کار ضروری و در این صورت بنا بر احتیاط، اول برای حج محرم شود و بعد خارج شود ولی اگر محرم شدن برای او مشقت داشته باشد جایز است بدون احرام خارج شود و افرادی مثل خدمه کاروانها که ناچارند چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مرتبه اول را عمره مفرده انجام دهند و آخرین مرتبه که وارد مکه می‌شوند و بعد از عمره می‌خواهند برای اعمال حج و وقوف به عرفات خارج شوند عمره تمتع را به جا آورند.

جایز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکه حج او فوت نمی‌شود بعد از انجام عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه بیرون رود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که فقط در مورد ضرورت و نیاز خارج شود.

رمی جمره

آیه‌الله مکارم: سؤم از واجبات رمی آن است که به انداختن به جمره برسد، پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست

اگر سنگی که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد.

در مورد رمی جمرات، فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستونها لازم نیست، بلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند.

قربانی

آیه‌الله مکارم: اگر قربانی در منی از بین می‌رود و به هیچ وجه قابل استفاده نیست باید پول آن را کنار گذارد و در شهر خودش قربانی کند (در ماه ذی‌الحجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ایام تشریق) [یادآوری می‌شود در سابق لاشه‌های حیوانهای ذبح شده سوزانده یا دفن می‌شد] در صورتی که گوشت‌های قربانی مصرف نشود و آن را بسوزانند یا دفن کنند ذبح آنجا مجزی نیست، بلکه باید پول آن را کنار بگذارند و در وطن خود یا محل دیگری که گوشتها مصرف می‌شود در همان ماه ذی‌حجه قربانی کنند و اگر تمام گوشتها مصرف شود باز با توجه به اینکه تمام قربانگاه‌ها خارج از منی است در آنجا قربانی کند یا در وطن خود، اگر چه بهتر است در آنجا ذبح شود.

حلق و تقصیر

آیه‌الله خامنه‌ای: کسی که سال اول حج او باشد، احتیاط مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هر چند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست.

کسی که سال اول حج او باشد، باید سر تراشد، به احتیاط واجب.

یادآوری چند مسئله فقهی

در سال گذشته، با تغییراتی که توسط دولت سعودی در مسجدالحرام داده شد، مکان ویژه‌ای برای طواف افراد ناتوان در طبقه دوم مسجدالحرام تدارک دیدند و افرادی که در سالهای گذشته با سبد (تخت روان) یا ویلچر در صحن مسجد طواف

می کردند، تنها در طبقه دوم با ویلچر طواف داده می شوند و از طواف در طبقه اول ممنوع شدند، که این امر سبب گفتوگوهایی پیرامون حکم طواف در طبقه دوم و کفایت یا عدم کفایت آن آغاز شد و این مسئله ناشی از این امر بود که آیا کف طبقه دوم مسجد بالاتر از سقف کعبه شریف است یا پایین تر یا همسطح می باشد که در پی تحقیقات و پرسشهای به عمل آمده معلوم شد، به هر حال بالای سقف کعبه از طبقه دوم پایین تر است و طواف حول کعبه صادق نیست، لذا این مسئله از محضر مبارک مراجع عظام تقلید، استفتاء شد که متن سؤال و پاسخهای آن بدین شرح است:

سؤال:

قبلاً افراد ناتوان که با صندلی چرخ دار (ویلچر) یا سبد (تخت روان) طواف داده می شدند، در سال جاری از طواف در صحن مسجد الحرام منع شده اند و حتی ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی باید در طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام طواف داده شوند، آیا چنین طوافی کفایت می کند یا نه، و وظیفه آنان چیست؟

جواب:

حضرت آیهالله بهجت دام ظلّه: در صورت عدم امکان با رعایت الأقرب فالأقرب کفایت می کند والله العالم.

حضرت آیهالله تبریزی دام ظلّه: احتیاط واجب این است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

حضرت آیهالله خامنه ای دام ظلّه: طواف باید دور کعبه معظمه ولو در فضای ما بین زمین تا محاذی پشت بام کعبه باشد و کف طبقه دوم مسجد الحرام اگر به قدر قامت طواف کننده پایین تر از نقطه محاذی پشت بام کعبه نباشد، طواف از طبقه دوم صحیح و مجزی نیست، و کسانی که نمی توانند در صحن مسجد الحرام ولو به وسیله حمل توسط شخص دیگر طواف کنند وظیفه شان نایب گرفتن در طواف

است و احوط آن است که خودش هم در همان طبقه دوم طواف نماید.

حضرت آیه‌الله سیستانی دام‌ظله: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی‌کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند، و چنانچه مطلب مشکوک باشد، باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

حضرت آیه‌الله شبیری زنجانی دام‌ظله: در مورد سؤال اگر ممکن باشد کسی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام ابراهیم و کعبه لازم است، و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنا بر احتیاط مستحب نیز خود شخص در طبقه دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد، طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت می‌کند.

حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی دام‌ظله: در فرض مذکور این افراد باید در طبقه دوم طواف داده شوند و بنا بر احتیاط واجب نایب هم گرفته تا برای آنان در صحن مسجدالحرام طواف نماید.

حضرت آیه‌الله فاضل لنکرانی دام‌ظله: در فرض سؤال چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین تر باشد احتیاط واجب آن است که علاوه بر اینکه در طبقه دوم طواف داده می‌شوند، استنابه هم بنمایند، والله العالم.

حضرت آیه‌الله نوری همدانی، دام‌ظله: طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید به وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی دام‌ظله: در این گونه موارد که راهی جز این نیست، طواف در طبقه بالا کفایت می‌کند.

حضرت آیه‌الله موسوی اردبیلی دام‌ظله: در مفروض سؤال باید طواف اشخاص مذکور به صورت نیابی در مطاف انجام شود و به احتیاط مستحب خود آنها نیز در طبقه دوم با هر وسیله ای که می‌توانند

طواف کنند.

حضرت آیه‌الله وحید خراسانی دام‌ظله: در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجدالحرام طواف نماید و در صورتی که متمکن می‌باشد و بر او حرجی نیست احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

۲. از آنجا که گاهی پروازهای زائران بیت الله الحرام- در رفت یا برگشت- مصادف با وقت نمازهای یومیه شود، و زائران به جهت عدم آگاهی به وظیفه خود دچار مشکل و سردرگمی می‌شوند و گاهی حتی نماز فوت می‌شود، و این مسئله از دیر باز مطرح بوده که زمان حیات امام خمینی (قدس سره) نسبت به این وظیفه از محضر مبارک ایشان استفتاء شده و پاسخ فرموده اند و در زمان حاضر نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی آیه‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) به آن جواب داده اند، لذا بر روحانیان گرامی کاروانها لازم است زائران را نسبت به وظیفه شرعی خود آگاه کرده و در اثنای سفر نیز چنانچه به این مسئله برخورد کردند آنان را راهنمایی کنند. لذا در این قسمت متن استفتای مذکور را آورده و چگونگی نماز در هواپیما را یادآور می‌شویم.

سؤال از حضرت امام خمینی (قدس سره):

س- با توجه به اینکه حجاج محترم در ساعات مختلف به وسیله هواپیما عازم می‌شوند و اغلب زائرین حین پرواز نیاز به گرفتن وضو و به جای آوردن نماز پیدا می‌کنند که به جهت محدودیت امکانات و فضای هواپیما اغلب به روال معمول ناممکن می‌باشد، لہذا در موقعیت مذکور شرایط به جا آوردن نماز چگونه خواهد بود و آیا خواندن نماز در محل صندلی (به طور نشسته) صحیح است یا خیر؟

ج- نماز در صورت فوق صحیح است به شرط آنکه حتی المقدور مراعات قبله را بنمایند.

سؤال از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)

س: با توجه به اینکه حجاج محترم در ساعات مختلف شبانه روز به وسیله هواپیما عازم جده شده و یا مراجعت می نمایند و در طول پرواز با وارد شدن به وقت ادای فریضه، نیاز به گرفتن وضو و به جای آوردن نماز پیدا می کنند علی الخصوص پروازهای بعد از نیمه شب که قبل از حرکت وارد وقت نماز نشده و بعد از رسیدن به مقصد خورشید طلوع می کند، در چنین شرایطی با توجه به محدودیتهای داخل هواپیما آیا حجاج محترم می توانند با داشتن وضو و یا انجام تیمم در روی صندلی خود به صورت نشسته و حتی الامکان با چرخانیدن بدن به سوی قبله فریضه خود را به جای آورند؟

بسمه تعالی

اگر وقت کافی برای ادای فریضه نماز قبل از پرواز یا بعد از پیاده شدن در مقصد ندارند، باید در صورت امکان پیش از سوار شدن طیاره تحصیل طهارت نمایند و در داخل طیاره به هر نحو که ممکن باشد با مراعات جهت قبله نماز را بخوانند، و چنانچه قبلاً تحصیل طهارت نکردند باید در همان داخل طیاره وضو بگیرند و اگر وضو میسور نباشد تیمم کنند و نماز بخوانند، و نماز در داخل طیاره در هر صورت صحیح و مجزی است.

کیفیت نماز در هواپیما

چنانچه پیش از پرواز هواپیما وقت نماز برسد و زائران به قدری فرصت دارند که می توانند نماز را بخوانند و سپس سوار هواپیما شوند، در حالی که می دانند قبل از اتمام وقت نماز به مقصد نمی رسند و به ناچار باید در هواپیما با وضعیت اضطراری نماز بخوانند، لازم است نماز را بخوانند.

اگر مطمئن هستند که نماز را در هواپیما باید بخوانند، بهتر است قبل از سوار شدن وضو گرفته تا در هواپیما برای وضو گرفتن دچار اشکال نشوند.

و اگر نتوانند در هواپیما وضو بگیرند، چنانچه ممکن است باید تیمم کرده و نماز را بخوانند و در صورتی که تیمم هم ممکن نباشد

احتیاط آن است که نماز را بخوانند و بعداً نیز باید قضای آن را به جا آورند.

اگر می توانند باید نماز را ایستاده بخوانند و گرنه ایستاده شروع کنند و ادامه آن را اگر ممکن نبود نشسته بخوانند و چنانچه آن هم ممکن نیست، از ابتدا نشسته بخوانند.

جهت قبله را باید مراعات کنند، پس اگر هواپیما به طرف دیگری بر گردد، نماز گزار نیز باید به طرف قبله بر گردد، ولی اگر نمی تواند رو به قبله نماز بخواند، به هر سمت که به قبله نزدیک تر است بخواند، اشکالی ندارد. یادآوری می شود هنگام پرواز به سمت جده یا مدینه، جهت قبله تقریباً به سمت جلوی هواپیما و هنگام بازگشت از آنجا تقریباً به سمت عقب هواپیماست.

سجده بر کاغذ نیز صحیح است و چنانچه مهر، خاک یا سنگ برای سجده ندارد، بر کاغذ سجده کند.

برای سجده، اگر سجده معمول و متعارف ممکن نیست و مثلاً در حالت نشسته بر صندلی هواپیما نماز می خواند، باید مهر یا سنگ یا کاغذ را بر چیزی (مثلاً میز صندلی هواپیما) بگذارد و بر آن سجده کند.

نسبت به سایر شرایط و واجبات نماز، مثل رکوع، سجده، نشستن در حال تشهد، هر مقدار که بتواند باید مراعات کند و چنانچه مراعات آنها ممکن نباشد، هر طور می تواند باید نماز را بخواند.

ملاک تشخیص وقت نماز جایی است که هواپیما قرار دارد، چه در فضا یا بر زمین و در صورتی که در حال پرواز بین مبدأ و مقصد باشد، نمی تواند مطابق افق مبدأ یا مقصد عمل کند، بنابراین چنانچه در هواپیما طلوع خورشید مشاهده شد، وقت نماز صبح به پایان رسیده هر چند در مکانی که هواپیما در فضای آن است طلوع آفتاب مشاهده نمی شود.

۳. در سالهای اخیر ثبت نام افراد برای تشریف به حج تفاوت یافته و افراد برای قرار گرفتن در نوبت اعزام مطابق قراردادی، پول را به

بانک می سپارند، و مطابق قرارداد سودی نیز دریافت می کنند، که در این خصوص دو سؤال مطرح است، یکی در مورد اصل قرارداد که نمونه ای از سؤال و جواب ذیلما آورده می شود، و سؤال دوم در مورد خمس وجه پرداختی و سود آن است که طبعاً به جهت تغییر موضوع، حکم آن نیز مطابق فتوای برخی از مراجع عظام تقلید تغییر یافته، از جمله به نظر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای (دامت برکاته) وجه پرداختی به بانک اگر از درآمد باشد متعلق خمس می باشد و سود معامله نیز از درآمد آن سال محسوب می شود که چنانچه پیش از فرارسیدن سال خمسی صرف در مؤونه نشود خمس دارد.

حضور محترم حضرت آیه الله العظمی آقای فاضل لنکرانی (مدظله)

با ابلاغ سلام و تحیت

بدین وسیله به اطلاع می رساند:

اخیراً طی توافقی که سازمان حج و زیارت با بانک ملی ایران به عمل آورده، متقاضیان حج تمتع با مراجعه به بانک، مبلغ یک میلیون تومان به صورت قرارداد مضاربه ای به نام خود به حسابی در بانک ملی واریز نموده، فیش آن را دریافت می دارند، این پول تا هنگام تشریف به نام واریز کننده و در حساب شخصی او باقی می ماند و طبق قرارداد مکتوب مبلغی در حدود ۱۷٪ به دارنده حساب در پایان هر سال منفعت مضاربه تعلق می گیرد.

سازمان حج و زیارت فقط برای کسانی که زودتر ثبت نام کرده اند اولویت قائل شده و پس از حدود سه سال نوبت اشخاص را اعلام و در صورت تمایل آنها را به حج اعزام می دارد.

زمان اعزام که فرا رسید واریز کننده، پولی را که در حساب مضاربه ای خود دارد از بانک اخذ و همراه با مانده هزینه ها به حساب حج و زیارت واریز می نماید و سپس به حج مشرف می شود.

حال خواهشمند است با عنایت به اینکه قرارداد مذکور به صورت کتبی بوده و شفاهاً گفتوگویی بین صاحب پول و بانک رد و بدل نمی شود بفرمایید:

مبلغ درصدی که صاحب مال به عنوان منفعت مضاربه دریافت می کند چه صورتی دارد؟

سلامتی و طول عمر حضرت تعالی را از خداوند متعال مسئلت داریم.

بسمه تعالی

چنانچه بین صاحب پول و بانک این عمل به قصد مضاربه انجام گیرد صحیح است و سود حاصله مشروع است، و در صورتی که به قصد مضاربه نباشد، چنانچه شرط زیاده و منفعت نشده باشد باز سود حاصله اشکالی ندارد و در هر صورت چون طبق فرض سؤال عمل مزبور در دو مرحله انجام می شود دیگر نسبت به پول مرتبط سودی پرداخت نشده و در حج هیچ گونه خللی را وارد نمی سازد. ۸۳/۵/۳

برخی از موارد قابل توجه در بیان احکام فقهی

۱. شایسته است روحانی افزون بر بیان و تعلیم تفصیلی مناسک، خلاصه آن را قبل از انجام هر عملی یادآوری کند، مثلاً پیش از احرام واجبات آن را یادآوری نماید.

۲. مشخص کردن مستحبات و مکروهات از واجبات و محرمات در هر عملی، نقش اساسی در مقام تعلیم و عمل دارد، مثلاً حاجی بدانند در طواف خواندن دعا واجب نیست و یا همراهی زن و شوهر حرام نیست و راحت تر می توانند اعمال را انجام دهند.

۳. خوب است روحانی در برخی از اعمال مانند طواف به هنگام شلوغی تأکید کند زائران در فکر انجام واجبات باشند و مستحبات را در دفعات بعدی رعایت کنند؛ به عبارت دیگر واجبات فدای مستحبات نشود، زیرا چه بسا اصرار بر انجام مستحبات ما را از انجام واجبات باز دارد.

۴. در بیان احکام تا حد امکان از بیان اختلاف فتاوا خودداری شود.

۵. در یک نصف جلسه برخی از فتاوی اهل سنت که مورد ابتلا و سؤال زائران است توضیح داده شود و بر این مطلب تأکید شود که آنان هم در فروع فقہی اختلاف فتوا دارند که آنان را به چهار مذهب فقہی تبدیل ساخته است.

۶. برای تصحیح نماز زائران اکتفا به قرائت حمد و سوره نشود بلکه ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام نیز کنترل شود.

۷. برای آنکه زائران غلطهای قرائت نماز خود را فراموش نکنند، می توان از قبل فرم چاپی قرائت و اذکار نماز را آماده کرد که همین طور که زائر قرائت خود را می خواند، موارد غلط او یادداشت شود و بعد کاغذ را در اختیار او بگذارند، این کار ضمن اصلاح قرائت زائر موجب جلب توجه او به اهتمام روحانی نسبت به اعمال و مناسک او می شود.

۸. در تصحیح اعمال زائران همچون وضو، غسل، نماز و غیره، نباید فکر کرد که افراد تحصیل کرده اعمالشان نیازمند تصحیح و آزمون نیست. مکرر مشاهده شده افرادی که تحصیلات عالی داشته اند نیز در انجام وظایف شرعی خود، گرفتار مشکلات جدی بوده اند.

۹. برخی زائران از اهمیت مسائل و احکام آگاه نیستند و آنها را ساده و روشن می انگارند. مناسب است روحانی کاروان هنگام سخنرانی و بیان احکام، پس از طرح مسئله ای، حکم آن را از زائران بپرسد. زائران حتماً با اختلاف پاسخ می دهند. در اینجا روحانی، هم حکم مسئله را به صورت صحیح بیان می کند و هم زائران را از اهمیت مسائل و احکام آگاه می سازد.

۱۰. احکامی که زائران با آن روبه رو هستند معمولاً زائران در سفر با احکام حساب سال و خمس، طهارت، نماز، نماز میت و غیره روبه رو هستند که لازم است روحانی کاروان مشکلات آنان را در این موضوعات حل کند.

۱۱. روحانی نقش مهمی در زدودن وسوسه و اضطراب از روحیه زائران دارد. این تبیین احکام به صورت شفاف و همراهی

روحانی

با زائران و توصیه نمودن آنان به همراه بودن با روحانی و نظارت روحانی بر انجام اعمال زائران محقق می شود.

۱۲. اگر همسفران افرادی کم سواد هستند، مناسب است پس از خطبه ای کوتاه و سخنرانی، یک بار حمد و سوره و ذکر تلبیه قرائت شود. این کار موجب آشنایی بیشتر زائران با حمد و سوره و تلبیه صحیح خواهد شد.

۱۳. وسایل کمک آموزشی امروزه ثابت شده است که آموزش به صورت سمعی - بصری، فرایند یادگیری را سریع تر و ژرف تر می کند. از این رو باید سعی شود برای آموزش از تابلو (تخته و گچ) و ماکت کعبه و امثال آن استفاده شود. می توان از یک مازیک و وایت برد سود جست و در هر جایی کلاس تشکیل داد.

۱۴. در یک جلسه کیفیت شرکت در نماز جماعت و کارهایی که در آنها متابعت لازم است و کارهایی که متابعت لازم نیست مثل تکتف و آمین گفتن، توضیح داده شود که این امر افزون بر اطلاع رسانی از سؤالات زیادی جلوگیری می کند.

۱۵. تأکید شود در تخییر میان قصر و اتمام، اگر نماز را به جماعت خواندند تمام بخوانند.

۱۶. تأکید شود مردم وجوه خود را به امام جماعت محل یا نماینده مرجع خود پردازند و حتی الامکان روحانی خود متصدی اخذ وجوه نشود.

۱۷. در موارد احتیاط واجب همه جا لازم نیست به مقلد گفته شود که مرجعش احتیاط واجب دارد، بلکه همین که مرجع فالاعلم این احتیاط را نداشته باشد طبق فتوای او عمل شود، کافی است.

۱۸. وجوب استفاده از ما یَصِحُّ السجود علیه در مواردی که زائران در هتل یا منزل نماز را به جا می آورند تذکر داده شود.

۱۹. هنگام احرام بستن و گفتن تلبیه در میقات بهتر است افرادی را که قادر به ذکر تلبیه با جمع نیستند شناسایی کرده و جداگانه تلبیه را تلقین آنها نمود.

۲۰. برای احرام از مسجد قدیم شجره، با عدم امکان از مسجد قدیم

برای بانوان، جهت رعایت احتیاط، می توان همه بانوان را پس از تلبیه در مسجد فعلی محاذی شجره قدیم آورد و تلبیه را مجدداً القا کرد بدون اینکه بخواهیم مقلدان بعض مراجع را از یکدیگر جدا کنیم.

۲۱. مشخص کردن محدوده سعی بین صفا و مروه برای زائران و اینکه نیازی به بالا رفتن از کوه صفا و مروه یا زدن پاها به کوه نیست و همین که هنگام بالا آمدن به سنگ فرشهای مسطح رسیدید، به صفا و مروه رسیده اید و آن دور شما تمام شده است، چون محل سنگ فرشهای مذکور جزء صفا و مروه است.

۲۲. توصیه مؤکد شده که اجهار به تلبیه و استلام حجر با توجه به ازدحام موجود بر زنان مستحب نیست.

۲۳. این تذکر برای زائران مفید است که محل انجام تقصیر در عمره لازم نیست حتماً در کنار مروه باشد بلکه می توانند در هر جای دیگر نیز تقصیر کنند. ولی بانوان توجه داشته باشند که هنگام تقصیر موهایشان در مقابل نامحرم آشکار نشود.

۲۴. در روز دهم برای رمی جمره عقبه دقت شود که بعد از ظهر، جمرات خلوت است و بسیاری از کسانی که صبح از رمی ناتوانند، بعد از ظهر به راحتی می تواند رمی کنند. بنابراین، به صرف اینکه در صبح نمی توانند رمی کنند نباید نایب بگیرند و باید صبر کنند و عصر رمی کنند. هر چند با توجه به تغییری که اخیراً در طول جمره عقبه داده اند احتمال می رود بیش از ظهر نیز ازدحام چندانی نباشد.

۲۵. شایسته است احکام و مناسک را به زبان ساده بیان کنند و از کلمات ناآشنای علمی و فقهی پرهیزند و توجه زائران را به انجام اعمال با نیت خالص معطوف نمایند.

۲۶. احتیاط هایی که سبب بروز مشکل و عسر و حرج نمی شود اعمال گردد و از احتیاط هایی که موجب مشقت و وسوسه می شود پرهیز شود.

مثلاً توصیه شده در تقصیر عمره تمتع و عمره مفرده، ابتدا مو را کوتاه کنند، تا به احتیاط برخی مراجع عمل شده باشد. نیز قبل از

احرام نماز بخوانند که به احتیاط بعضی دیگر عمل شده باشد.

۲۷. اهتمام خود روحانی به نوافل به ویژه نماز شب و تذکر دادن آن به زائران برای عادت کردن آنان به سحرخیزی و انجام نوافل، بسیار مفید و موجب قدردانی زائر است. ضمناً روشهای آسان خوانی نوافل را باید به آنها آموزش داد، مثلاً نشسته خواندن، در مسیر راه خواندن و نیاز به سوره و قنوت نداشتن نافله. این مطلب هم لازم است گفته شود که نمازهای نافله و مستحبی و نمازهای واجب مثل نماز طواف و آیات، اذان و اقامه ندارد در هر حال روحانی باید روشهای آسان ارتباط با خداوند را تذکر دهد و بدین وسیله شعاع پیوند مردم با معنویت را توسعه دهد و دوام بیشتر بخشد. لازم به تذکر نیست که باید احکام مربوط به نوافل در سفر و حضر برای زائران تشریح شود.

۲۸. برای آسان ساختن دسترسی به فتاوی مراجع عظام تقلید، مناسب است مسائل اختلافی هر بخش از مناسک و اعمال را روی صفحه ای مقوایی یادداشت نمایند تا در صورت نیاز در مراحل احرام، طواف، نماز طواف و غیره به آن مراجعه کنند.

نکاتی از آزموده های روحانیون

جهت هماهنگ سازی فعالیتهای فرهنگی روحانیون کاروانها و بهره بهتر زائران از خدمات ارزشمند آنان نکات کاربردی ذیل تقدیم می شود:

* قبل از جلسات لازم است مخاطب شناسی شده و افراد کاروان از جهت سطح علمی و فرهنگ توسط روحانی شناسایی شوند.

* در ابتدا لازم است روحانی با معین و معینه بر اساس تواناییها و وظایف، محترمانه تقسیم کار نمایند. (فرمهای شماره ۳۰ و ۳۱)

جلسات پیش از سفر

۱. معرفی خود با لحنی متواضعانه و بیان اجمالی و کلی از شرح وظایف روحانی و معین.

۲. دادن شماره تلفن خود همراه با نام و نام خانوادگی به افراد.

۳. سر فصل فعالیتها:

- آمادگی برای سفر

- آموزش مناسک حج و احکام و لزوم تقلید

- بیان اسرار و معارف حج

- آشناسازی با اماکن مقدس مکه و مدینه و تاریخ اسلام به ویژه تاریخ پیامبر اکرم (ص)

- راهنمایی و ارجاع به امام جماعت مسجد محل سکونت برای تصحیح قرائت نماز و رسیدگی به حساب سال.

- لازم است روحانی اصل مسئله ضرورت صحت قرائت نماز را تذکر دهد و آمادگی خود را برای تصحیح قرائت اعلام کند اما کسی را اجبار به خواندن حمد و سوره ننماید.

- همراهی با زائران و نظارت تام بر اعمال آنان

۴. مطالبی که پیش از سفر باید گفته شود:

- خیر دادن به بستگان و دوستان

- مطالعه در زمینه های آداب سفر حج، اعمال و مناسک، اسرار و معارف، تاریخ و اماکن

همراه با معرفی کتاب و نوار

- حسابرسی اموال

- وصیت

- خداحافظی و حلالیت طلبیدن

- آماده کردن وسایل سفر که برخی را مدیر توضیح داده و آنچه که جنبه فرهنگی دارد روحانی راهنمایی کند.

آمادگی برای سفر

فواید سفر، خواندن سفرنامه های حج، اطلاع از اوضاع جوی، فرهنگی اجتماعی عربستان.

آموزش مناسک

مدینه قبل - ابتدا بحث تقلید و سپس اجمالی از مناسک عمره و حج و بحث عمره با تفصیلی بیشتر نه کامل.

مدینه بعد - اجمالی از مناسک حج و بیان مناسک عمره تمتع به طور کامل تبیین گردد.

اسرار و معارف حج

۱. اسرار و فواید سفر حج و برخی از آداب زیارت

۲. اسرار و آثار تشریح حج به طور کلی

۳. اجمالی از اسرار برخی از اعمال و محرمات برای هر دو گروه و اسرار اعمال عمره به طور کامل برای زائران مدینه بعد.

حسابرسی اموال

بیان این بخش با تکیه بر ضرورت صرف مال حلال در سفر حج، ابتدا پرداخت دیوان مردم و سپس کفارات و مظالم عباد و در پایان مسئله خمس و زکات بیان شود.

ضمناً بهتر است مسائل مربوط به وجوهات را به امام جماعت مسجد محل و یا نمایندگان مراجع عظام تقلید ارجاع دهد.

وصیت

از آنجا که مردم از وصیت هراس دارند:

- اصل استحباب کلی وصیت در هر حال

- استحباب وصیت پیش از سفر به ویژه سفر حج

- مواد وصیت نامه

- شرایط وصی

خداحافظی و حلالیت طلبیدن:

رفع کدورتها و آشتی با کسانی که قهر هستند.

وسایل فرهنگی مورد نیاز در سفر:

مناسب است فهرستی تهیه و در اختیار زائران قرار داده شود و از جمله لوازم فرهنگی عبارت است از:

۱. قرآن غیر حجیم و غیر مترجم

۲. ادعیه و آداب حرمین

۳. کتاب یا کتابهایی برای مطالعه در موضوعات لازم برای این سفر که قبلاً ذکر شد.

۴. جزوه های کوچک ادعیه طواف و سعی

۵. وسایل مورد نیاز برای حلق و تقصیر (قیچی و خودتراش)

۶. سجاده

۷. قلم و دفتر یادداشت برای نوشتن خاطرات سفر

۸. تسبیح

۹. ساعت کوچک زنگ دار برای بیدار شدن

۱۰. لباس احرام و لنگ و ردای اضافی و دمپایی

در سفر

- در فرودگاه مبداء، گرم گرفتن، و احوال پرسى با زائران و دادن جزوه مختصر حج یا ادعیه به زائران خود. مناسب است داخل هواپیما و قبل از نشستن بر زمین مدینه عرض سلام مختصری بشود.

در فرودگاه مقصد

- خوش آمدگویی به آنان

- اعلان برنامه های بعدی

مدینه قبل - برنامه های مدینه

مدینه بعد - رفتن به جحفه و مسئله احرام

- پاسخ به سؤاها

- در بین راه - چنانچه ممکن است مقدار کوتاهی با استفاده از بلندگوی اتوبوسها صحبت کند.

- از جحفه تا مکه - توجه دادن به محرمات احرام و یادآوری اعمال بعدی و اعلان وقت رفتن به مسجد الحرام برای اعمال.

مدینه قبل:

- جلسات سخنرانی: بهتر است هر سخنرانی به چهار بخش تقسیم شود:

۱۰ دقیقه اماکن و تاریخ

۱۰ دقیقه مناسک

۱۰ دقیقه به بیان آداب زیارت و به مسائل اختلافی و حساسیت برانگیز توجه داده شود و در جلسات پایانی به بیان اسرار و معارف حج پردازد.

- حتی المقدر پیش از زیارت اماکن مقدس مدینه توضیحات راجع به آن اماکن ارائه شود، بعد از آن مطالب دیگر تاریخی بیان شود.

- برای آموزش بهتر از لوحه های مسجد النبی، بقیع، احد و خندق در قطع یک ورقی که توسط بعثه تهیه شده استفاده شود.

- بازدید مجدد و نماز در مسجد قبا و زیارت حضرت حمزه در احد.

همراهی زائران

- در ابتدای ورود به مدینه زائران را همراهی کند و در خدمت آنان باشد.

- در اولین فرصت آنان را به نماز مسجد النبی و زیارت قبر پیامبر (ص) و ائمه بقیع (ع) برده و توضیحات مختصری داده و آنان را راهنمایی کند و وعده تکمیل توضیحات را به جلسات سخنرانی موکول نماید.

- چون توضیحات اماکن مدینه بیشتر در جلسات سخنرانی همراه با لوحه های کروکی انجام می پذیرد، از توضیح زیاد و معطل کردن آنان در مکان پرهیز گردد و به قدر لازم اکتفا شود.

- از سخنرانی و روضه خوانی در کنار بقیع و بین الحرمین پرهیز شده و به زیارت اکتفا گردد.

- بجز اماکن مرسوم که در وقت معین به زیارت آنها می روند، در اوقاف مناسب آنان را به زیارت برخی اماکن و مساجد دیگر ببرند و برای آنکه زائران خسته نشده و بهتر به این امر پردازند این کار در سه نوبت انجام شود.

۱. یک بار به مسجد غمامه و مسجد علی بن ابی طالب و محل پیشین قبر حضرت عبدالله.

۲. یک بار به مسجد ابوذر و مسجد الاجابه

۳. در نوبت سوم به مشربه ام ابراهیم و فضیح

چنانچه بتوانند افراد علاقه مند را یک بار دیگر به قبا و احد ببرند بسیار مناسب است.

مدینه بعد:

- فعالیت فرهنگی روحانی کاروان تفاوت‌هایی با مدینه قبل خواهد داشت:

۱. نظر به اینکه بیان مناسک عمره و حج حذف خواهد شد، تنها به سؤالهای حاضران در خصوص اعمال انجام شده پاسخ داده می‌شود.
۲. اسرار و معارف اعمال نیز به طور گذرا و در حد لزوم بیان می‌شود.
۳. مسائل اخلاق و احکام مورد نیاز این سفر و عمومی برای آنان بیان گردد.
۴. زائران را جهت بازدید مسجد شجره و یک بار قبا و احد اضافی همراهی کند.

حرکت به سوی میقات مکه:

پیش از حرکت به سمت مسجد شجره به زائران یادآوری شود که چنانچه تمایل داشته باشند می‌توانند غسل احرام را در هتل انجام دهند و لباس احرام را نیز بپوشند.

خانمهایی که از ورود به مسجد شجره معذورند، آنها را نسبت به نذر احرام پیش از میقات توجیه فرموده و صیغه نذر را برای آنان بخواند و نیت احرام و لبیک را بگوید تا در مدینه محرم شوند.

و این نکات را نیز قبل از حرکت یادآوری کند:

۱. توجه دادن خانمها به لزوم اذن همسر برای صحت نذر احرام
۲. توجیه زائران نسبت به کروکی مسجد شجره و جغرافیای منطقه جهت پیشگیری از گم شدن آنان.
۳. همراه داشتن کیسه برای دمپایی‌ها.
۴. همراه نبردن ساک و هر محموله دیگری به مسجد.
۵. با طهارت بودن و وضو گرفتن برای رفتن به مسجد، چون معمولاً احرام پس از نماز انجام می‌شود.
۶. در صورت نداشتن معینه، تعیین راهنما برای بانوان و راهنمایی بیشتر او و بانوان نسبت به احرام در مسجد شجره.

۷. ذکر مصیبت و وداعی با مدینه داشته باشند.

در مسجد شجره

۱. پس از پیاده شدن از اتوبوسها دستور داده شود که کنار اتوبوس توقف کنند و توضیح و راهنماییهای لازم به آنها داده شود.
 ۲. توجیه زائران نسبت به رنگ، شماره تابلوی اتوبوس جهت جلوگیری از گم شدن آنان.
 ۳. برای جلوگیری از اشتباه رفتن به پارکینگ های اتوبوسها جای مشخص و علامت خاصی برای راهنمایی آنان تعیین کند؛ مثلاً جهت قبله یا گلدسته بزرگ و یا رنگ تابلوهای پارکینگ ها.
 ۴. محل توقف خود در مسجد شجره راتعیین کنند، مثلاً اعلام کنند: داخل مسجد شجره در حیاط وسط، یا ابتدای شبستان سمت قبله یا جلوی محراب یا روبه روی محراب و غیره.
 ۵. محلی برای افرادی که گم می شوند در داخل مسجد مشخص کنند تا در همان مکان بمانند و از آنجا حرکت نکنند تا افراد کاروان به سراغ آنان بیایند.
 ۶. شرکت در نماز جماعت مسجد شجره.
 ۷. خواندن نماز واجب یا مستحب احرام در مسجد.
 ۸. بیان نیت.
 ۹. گفتن تلبیه.
 ۱۰. کنترل احرام افراد برای آخرین مرحله پای اتوبوس یا داخل اتوبوس قبل از حرکت.
 ۱۱. تذکر به تکرار تلبیه.
 ۱۲. دعای ورود به شهر مکه و تذکر قطع تلبیه.
- تذکر: برخی از موارد فوق جهت کاروانهایی که از جحفه نیز محرم می شوند مورد استفاده است.

در مکه:

وظایف روحانی به طور مختصر و فهرستوار در اعمال عمره تمتع.

۱. جدا کردن افراد ناتوان و معذور پیش از حرکت برای اعمال و تعیین وقت مناسب برای اعمال افراد معذور و اعلام به آنها.
۲. یادآوری طهارت و وضو برای رفتن به مسجد الحرام به زائران.
۳. توجیه زائران در اولین لحظات ورود به مسجد الحرام و آغاز اعمال در کنار خانه خدا.
۴. خواندن ادعیه مختصر ورود به مسجد الحرام و دیدن کعبه و تذکر آداب دیگر.
۵. توقف دادن زائران در محل مناسبی که کعبه و حجر اسماعیل و مقام ابراهیم را مشاهده کنند بدون مزاحمت برای مردم و توضیحی درباره آنها.
۶. تذکر دوباره ترتیب اعمال و تعیین محل قرار زائران پس از هر یک از اعمال.
۷. تعیین محل قرار نهایی پس از اتمام اعمال و کسانی که از همراهان خود عقب مانده یا آنها را گم می کنند.
۸. تذکر ورود به مطاف با حال خشوع و در قسمت خلوت و مناسب.
۹. تذکر شروع طواف مقابل حجرالاسود و یادآوری نیت طواف.
۱۰. قبل از شروع سعی، صحت طواف و نماز آن را کنترل نماید.
۱۱. تذکر به نوشیدن آب زمزم از ظروف آب.
۱۲. تذکر و توضیح شروع سعی و نیت و کیفیت سعی پیش از ورود به سعی و حدود سعی بین صفا و مروه و شروع از سنگ فرش صفا.
۱۳. تذکر مستحبات سعی به زائران جهت اشتغال به ذکر و مستحبات در حال سعی.
۱۴. کنترل سعی زائران در مروه و راهنمایی آنان نسبت به تقصیر.
۱۵. کنترل نهایی اعمال آنان در هتل و اطمینان به صحت و اتمام آن.

یادآوری

معذوران را نیز در وقت مناسب با تمهیدات لازم برای اعمال خواهند برد و نکات فوق الذکر در حد لزوم برای آنان نیز انجام

خواهد شد.

برنامه سخنرانی و آموزش مناسک در مکه مکرمه

زمان و مکان:

زمان و مکان مناسب برای سخنرانی را روحانی کاروان با هماهنگی مدیر و روحانیون دیگر که در آن ساختمان مستقر هستند تعیین خواهند کرد.

محتوا:

مدت هر سخنرانی در حدود نیم ساعت خواهد بود که همانند سخنرانیهای مدینه به سه بخش تقسیم می شود:

۱. مناسک حج

۲. اماکن و تاریخ

۳. فلسفه و اسرار حج

در طول این ایام آداب و مستحبات مکه مثل تلاوت قرآن، ختم قرآن گروهی، نماز در مسجدالحرام و طواف مستحبی در صورت امکان مکرراً تذکر داده شود.

ضمناً برای افراد مدینه قبل در روزهای آخر برخی از مسائل اخلاقی و احکام مورد نیاز زندگی گفته شود.

زیارت اماکن

زائران را در وقت مناسب به بازدید مولد النبى، شعب ابوطالب، اشاره به مسجد شق القمر در ابوقییس، زیارت قبرستان حجون، مسجد جن، مسجد شجره و مسجد الرایه که این مکانها نزدیک هم هستند خواهند برد.

یکی از مراحل حساس و مهم کاری روحانیون کاروانها از هشتم تا دوازدهم ذی حجه است.

۱. در آخرین جلسه سخنرانی آمادگی لازم برای اعمال حج و زمان حرکت و مراحل اعمال توضیح داده شود.

۲. زمان حرکت کاروان با مدیر هماهنگ و سپس در وقت مناسب

اقدام به احرام حج شود.

۳. جهت جلو انداختن پنج عمل مکّه برای معذورین برنامه ریزی شود.

۴. شب عرفه در عرفات بخشی از وقت را به یادآوری اعمال حج و اهمیت عرفه و عرفات و دعا و توسل بگذرانند ولی زیاد طولانی نشود تا زائران به استراحت خود برسند.

۵. صبح روز عرفه در یک سخنرانی کوتاه این مطالب گفته شود:

۱. جغرافیای عرفات و توضیح درباره جبل الرحمه و مسجد نمره و حدود عرفات.

۲. مسائل تاریخی واقع شده در عرفات.

۳. شرکت در مراسم بعثه و رعایت دستورات و راهنماییهای بعثه.

۴. اهمیت روز عرفه و صحرای عرفات.

۵. لزوم بهره گیری از این وقت و مکان و راهنمایی آنان به دعا، نماز قضا، توبه از گناه و تصمیم به ترک گناه در بندگی خدا و طلب توفیق از خداوند و دعای عهد.

۶. یادآوری نیت وقوف در عرفات و مسائل لازم آن نزدیک ظهر.

۶. عصر روز عرفه:

۱. خواندن دعای عرفه و دعاها و اعمال مستحبی که در مناسک ذکر شده است. بهتر است از خواندن روضه های مفصل و سخنرانی طولانی پرهیز شود و مردم را به اعمال و آداب عرفه که فقها در کتب فقهی و مناسک آورده اند راهنمایی کنند.

۲. یادآوری مسئله وقوف در مشعرالحرام و مسائل و آداب مربوط به وقوف در آنجا پیش از نماز مغرب و عشا.

۳. اقامه نماز جماعت مغرب و عشا در عرفات، در صورتی که خوف آن است که دیروقت به مشعر برسند یا آب برای تطهیر و وضو در دسترس نباشد.

۴. پیاده رفتن به مشعر برای افرادی که قدرت پیاده روی دارند، با پیش بینی پرچم یا تابلوی کاروان، اسامی افراد پیاده، بلندگوی سیار جهت قرائت دعای کمیل و یا مناجات علی علیه السلام در مسجد

کوفه، موبایل جهت ارتباط با بقیه کاروان در مشعرالحرام.

۷. شب عید قربان:

۱. تقدیم رمی از اعمال معذورین و مشخص کردن همراه آنان.
۲. یادآوری مسئله وقوف و یاد و ذکر خدا در شب عید و جمع آوری ریگها.
۳. یادآوری اهمیت شب مشعر و برخی از شبهای مهم تاریخ اسلام مثل ليله المبيت، شب بیعت عقبه، شبهای خندق، شب عاشورا و غیره.

۸. روز عید:

۱. توضیح مختصری درباره اعمال روز عید و ترتیب آنها و بزرگداشت عید قربان.
۲. بردن زائران پس از صبحانه و استراحت برای رمی اعم از مباشری و نیابتی
۳. توجه دادن به مسئله نیابت برای ذبح و آموزش اجمالی نایبان برای ذبح.
۴. راهنمایی زائران به اعمال روز عید و حلق و خروج از عمده محرمات احرام.
۵. تذکر پیش نیامدن اشکالی در حج از جهت تأخیر ذبح در صورت ضرورت.

۹. شبها و روزهای یازدهم و دوازدهم

۱. یادآوری نیت بیتوته.
۲. کنترل اعمال سه گانه روز عید زائران در شب یازدهم.
۳. سخنرانی مختصر و دعا یا ذکر مصیبتی کوتاه. حتماً باید کوتاه باشد چون زائران شدیداً خسته اعمالند.
۴. آماده کردن زائران برای رمی روز یازدهم و توضیح مختصری درباره رمی و اعمال بعدی و وظایف زائران.
۵. راهنمایی زائران برای استفاده بهتر توقف در منی، مثل اشتغال به

ذکر، دعا، نماز قضا، تلاوت قرآن و رفتن به مسجد خیف.

۶. تذکر مضامین خطبه پیامبر (ص) در منی.

۷. سخنرانی اخلاقی در شب دوازدهم و ذکر نشانه های قبولی اعمال.

پیش نیاز گفتوگو با برادران

اشاره

از دیرباز پیروان فرق مختلف اسلامی و پیروان مسائل اعتقادی باهم گفتوگو داشته و خواهند داشت و این گفتوگوها گاه در جوی دوستانه و گاهی با مشاجره دنبال گردیده و در این زمان بیش از هر زمان گفتوگو و حوار مورد توجه قرار گرفته است. اکنون اشاره ای به نیازهای حوار و گفتوگو تقدیم می گردد.

الف. توصیه های ضروری

۱. در گفتوگوها و تبیین معارف، بر عنوان اهل بیت (ع) تمرکز شود.
۲. از مسائل تفرقه افکن و تشنج آفرین جداً پرهیز شود.
۳. بر وحدت مسلمین عملاً و قولاً تأکید شود.
۴. مشکلات عالم اسلام و مصیبت‌های وارده بر امت اسلام در بین حجاج، بازگو و چاره اندیشی شود.
۵. خطرات کفر و صهیونیسم تبیین شود.
۶. در دفع اتهامات و شبهات، از آیات قرآن کریم و مسلمات فریقین بهره گرفته شود.
۷. معارف بلند مکتب اهل بیت (ع) مخصوصاً توحید و دعا و ظلم ستیزی و غیره تبیین گردد.
۸. محورهای تبلیغی مشککین و تفرقه افکنان شناسایی و باجدال

احسن جواب داده شود.

۹. در زمینه جوابگویی به افتراها و شبهه ها، از منابع معروف و معتمد برادران اهل سنت استفاده شود.

۱۰. حتی الامکان از زبان عربی و مانند آن استفاده شود.

ب. محورهای مطالعاتی

۱. منشأ افسانه تحریف قرآن چیست؟

۲. ارتباط نسخ تلاوت و تحریف قرآن.

۳. ارتباط قول به رؤیه الله و شرک.

۴. شفاعت و دلایل قرآنی آن.

۵. عصمت اهل بیت (ع) در قرآن.

۶. مخاطب آیه تطهیر کیانند؟ آیا شامل زوجات النبی (ص) می شود؟

۷. آیه غار چه دلالتی بر فضیلت خلیفه اول دارد؟

۸. عشره مبشره چه کسانی هستند؟ آیا سند و برهان محکمی بر آن وجود دارد؟

۹. مشروعیت توسل به اولیای خدا همچون پیامبران و امامان از منابع معتبر اهل سنت.

۱۰. چگونگی جمع بین عدالت اصحاب و ارتکاب گناهان کبیره همچون قتل و سرقت و زنا و غیره.

۱۱. اقامه حدود الهی در حکومت نبوی مدینه بر برخی از اصحاب با اعتقاد به عدالت جمیع صحابه، چه توجیهی دارد؟

۱۲. مشروعیت گریه بر اموات در سیره پیامبر اسلام (ص) و اصحاب، از طریق منابع معروف اهل تسنن.

۱۳. دلایل مشروعیت احیای مراسم و احتفال به ولادت پیامبر اسلام و اولیاء الله.

۱۴. مشروعیت زیارت و بنای قبور اولیاء الله.

۱۵. صلوه تراویح در زمان کدام یک از خلفا پایه گذاری شد و چه دلیل بر مشروعیت آن وجود دارد.

۱۶. تکتّف در نماز چه وجهی دارد و دلیل عدم مشروعیت آن

۱۷. ما یصحّ السجود علیه در نماز و دلیل بر افضلیت سجود بر تربت سید الشهداء (ع).
۱۸. آیا دلیلی از شرع مقدس بر جمله (الصلوه خیر من النوم) در اذان وجود دارد؟
۱۹. زمان تشریح اذان و تبیین دیدگاههای مذاهب اسلامی در این زمینه.
۲۰. ادله جواز جمع بین الصلوتین در منابع اهل سنت.
۲۱. از ادله قرآنی و روایی، مسح پاها استفاده می شود یا غسل آنها؟
۲۲. اهل سنت حدیث مسلم فریقین خلفائی اثنا عشر را چگونه توجیه نموده و بر خلفا تطبیق می کنند؟
۲۳. دلایل وجود تبعیت از اهل بیت (ع) را از قرآن و سنت بیان فرمایید.
۲۴. چرا در قرآن کریم نام مقدس علی (ع) و ائمه اطهار نیامده است؟
۲۵. چه کسانی از اعظام و مشاهیر اهل سنت تصریح به ولادت حضرت مهدی (ع) کرده اند؟
۲۶. آیا صحیح بخاری از مانند حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل روایت کرده است و چرا؟
۲۷. به طور کلی، روابط اهل بیت (ع) با حکام و خلفا چگونه بوده است؟
۲۸. دلیل مشروعیت تبرک به صلحا و اولیا.
۲۹. ادله لزوم وحدت مسلمین از قرآن و سنت.
۳۰. چگونگی جمع بین حدیث حلال محمد حلال الی یوم القیامه و تحریم متعه.

نقش روحانی کاروان

سفر زیارتی حج و عمره و عتبات، سرشار از معنویت، عرفان و تقرب به خداوند است و بیشتر زائران، که سالها در انتظار چنین سفری بوده اند، آماده بهره گیری از آنند و روحانی کاروان، شمع پرفروغ و هدایتگر کاروانیان به سوی اهداف بلند این سفر و واسطه این فیض است.

در سفر حج، که به فرموده حضرت امام خمینی (قدس سره) سفر الی الله است، روحانی وظیفه راهبری و توجیه معنوی زائران و ایجاد پیوند استوار و پیوسته زائران با خدا را به عهده دارد. هنگامی که در مکه با آن دسته از زائران ایرانی روبه رو می شویم که بی کاروان و روحانی بدان مکان مقدّس مشرف شده اند و بدون احرام به حرم پای می نهند و یا احرام و اعمال را برابر با فتوای اهل سنت انجام می دهند و یا کسانی که سابقه تشرف دارند و بدون نظارت روحانی، اعمال را باطل انجام می دهند و متحیر در عمل خود باقی می مانند، به ضرورت وجود روحانی در کاروان و جایگاه او بهتر و بیشتر پی می بریم. از این رو زائران، خود، طالب حضور در کاروانی هستند که از روحانی موفق سود جوید تا آنان بتوانند اعمال و مناسک خویش را به گونه صحیح به انجام رسانند. روحانی، هم جان آدمی را صیقل می دهد و هم زمینه های صحیح ارتباط با جانان

را فراهم می سازد و راههای حفظ این ارتباط را نشان می دهد. او طیب دَوّاری است که در تمام مراحل سفر در خدمت زائر و کاروان است. همه افراد روحانی وظیفه دارند که این جایگاه بلند و نعمت بزرگ خداوندی را پاس دارند که موجب شده است همسفران بدانان ارج نهند و مصداق سخن امام علی (علیه السلام) شوند که فرمود: مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ. (۱)

انتظار زائران از روحانی کاروان

اشاره

روحانی کاروان خود را خدمتگزار زائر می داند و زائران هر یک به قدر معرفت خویش از روحانی انتظارهایی دارند، ولی باید توجه داشت که وظیفه روحانی خدمت به زائران برای انجام صحیح اعمال است و امور اجرایی کاروان به عهده او نیست. در زیر کوشیده ایم مهم ترین وظایف روحانیون کاروان را باز نماییم و به اختصار از آن سخن گوئیم.

۱. برخورد همراه با محبت

سفر، خود با مشکلات و جداییها و اشتغالات فکری روبه روست و سفر زیارتی حج یا عمره به دلیل اعمال و مناسک خاص خود، برای برخی کسان دل نگرانیهایی به همراه می آورد و زائران در این سفر به مسئولان کاروان (مدیر و روحانی) اعتماد و تکیه دارند. از این رو، چون روحانی، مربی و معلّم زائران به حساب می آید، سزاوار است با محبت و مهربانی و رأفت خویش، آنان را دلگرم کند که این، خود از اخلاق پیامبر گرامی و اهل بیت پاک او (علیهم السلام) است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ. (۲)

۲. تواضع و فروتنی

چون زائران احساس کنند که روحانی کاروان یکی از آنان است،

۱- کافی الدین علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۶۲۹.

۲- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۴۴۰۰.

راه حل مشکلات اعمال گذشته خود را از او می پرسند و خواستار راهنمایی و همراهی او برای آینده خویش می گردند. بدیهی است که با وجود روحیه خود برتر بینی در فرد روحانی، این ارتباط و همراهی پدید نمی آید. خداوند به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمان می دهد که وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

۳. عزت نفس

زائران کاروان، خواهان کسب فیض و راهنمایی از روحانی خویشند و این جز از گذر عزت نفس فرد روحانی به دست نمی آید. اگر زائران از روحانی عزت نفس نبینند، به مواعظ و راهنماییهایش با شک و تردید می نگردند. عزت نفس در وجود مقدس پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در حد کمال بود؛ چنان که خداوند از مکتون قلب آن پیامبر بزرگ آسمانی (صلی الله علیه و آله) وحی می کرد که: قُلْ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ... (۲)

۴. احترام گذاردن به افراد

برخورد همراه با محبت در جذب افراد کافی نیست، بلکه باید شخصیت افراد را نیز ارج نهاد و این هنگامی عملی می شود که روحانی زائر را میهمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خداوند بداند و با قطع نظر از دیگر ویژگیهای زائران، به آنان احترام بگذارد تا آنان، خود را دارای جایگاهی ویژه نزد روحانی بدانند و بیشتر به او تمایل یابند که: مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ. (۳)

۵. برخورد عادلانه با زائران

گاه در جمع کاروان افرادی هستند که بنابر دلایلی به فرد روحانی نزدیک ترند، ولی به هر حال، برخورد روحانی با زائران باید عادلانه باشد و در رسیدگی به امور افراد حق کسی از میان نرود. زائران باید احساس کنند که روحانی به گونه ای عادلانه به آنان

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۵.

۲- سوره فرقان، آیه ۵۷.

۳- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۵۲۹.

خدمت می کند و بدین سان، از عمق جان به او بگرایند که مَنْ عَدَلَ تَمَكَّنَ. (۱)

۶. توجه به افراد آسیب پذیر و خادمان کاروان

در هر گروهی، افراد بیمار و گرفتار و ضعیف هست. روحانی ضمن دلجویی از چنین کسانی باید در کلیه برنامه ریزیهای خود آنان را در نظر گیرد و از میان افراد داوطلب، به نوبت، کسانی را برای یاری آنان معرفی کند و گاه گاه به خادمان سرکشی و از زحماتشان قدردانی کند.

۷. حضور به موقع در جلسات

نظم و انضباط در سفر برای هماهنگ سازی زائران در مراحل مختلف سفر دارای سهمی ویژه است و رعایت نظم در زمان تشکیل جلسات و مباحث، عاملی مؤثر در سامان بخشی برنامه هاست و زائران می توانند برای دیگر اوقات خود برنامه ریزی کنند. در این میان، حضور به موقع روحانی در جلسه و تعیین وقت آغاز و انجام جلسه در زمان مقرر، نشان از احترام گذاشتن به وقت زائران اعلام شده است.

۸. سعه صدر

از ویژگیهای ضروری مربی و مدیر، سعه صدر و تحمل دیگران است. مربی شایسته به نتیجه عمل و فعالیت خود می اندیشد و مشکلات زودگذر و بی ارزش را فراموش می کند. از این رو، می کوشد با درک مشکلات افراد، همچون طبیعی دلسوز به درمان آنان بپردازد. بدیهی است که در یک گروه صد نفره یا بیشتر، تواناییها و حساسیتها و نقاط ضعف افراد مختلف است و روحانی باید نقش تربیتی خود را به خوبی و با شکیبایی انجام دهد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: آله الریاسه سعه الصدر.

(۲)

۱- همان، کلمه ۷۲۸۳.

۲- همان، کلمه ۲۵.

۹. توجیه اماکن در حرمین شریفین

بسیاری از اماکن و مشاعر و زیارتگاههای مکه و مدینه، مورد توجه زائران است، ولی بسیاری از زائران، شماری دیگر از زیارتگاهها، مانند منطقه بدر، غدیرخم و ربنده را نمی شناسند و یا زیارت نمی کنند. لازم است روحانی کاروان، زائران را از ارج و تقدس آنها آگاه سازد، هر چند حضور در آن مکانها برایشان مقدور نباشد.

۱۰. مطالب مستند

روحانیون و به ویژه کسانی که چند بار به حج تشرّف یافته اند، نباید در بیان مطالب به محفوظات خود اعتماد کنند، بلکه باید با مراجعه به منابع معتبر، مطالب را مستند نقل کنند تا در شنوندگان تأثیری ژرف بگذارد. این امر در کاروانهای دانشجویی و مشابه آن، که عموماً به منابع نیز مراجعه می کنند، اهمیتی بیشتر دارد.

۱۱. حفظ حرمت و قداست لباس

گاهی روحانی کاروان در حال احرام یا هنگام سخن گفتن، از آراستگی لباس خویش غافل می ماند و ناخواسته به کیفیت کار خویش آسیب می رساند. باید توجه داشت که حفظ وقار و آراستگی ظاهری در همه حالات، پسندیده و مطلوب است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: الشکینه عنوان العقل. (۱)

۱۲. داشتن طرح جامع

لازم است روحانی کاروان با اطلاعات کاملی که از روحیات و بینش دینی عقیدتی، آگاهیهای علمی و اخلاقیات زائران به دست آورده نسبت به تهیه طرحی برای توجیه زائران در ابعاد عقیدتی، فقهی و رفتاری برآید و با برنامه ریزی در طول سفر و بهره گیری از سوژه ها و اماکن آن طرح را عملی سازد؛ برای غیر معتقدین با استدلال، برای مسامحه کاران با تذکر، و برای علاقه مندان با

راهنمایی ایجاد انگیزه نماید.

۱۳. رسیدگی قرائت و حساب سال

برای انجام این وظیفه، روحانیون از شیوه‌هایی گوناگونی بهره می‌گیرند. از موفق‌ترین راه‌های تجربه شده، معرفی زائران به روحانیون مساجد محل به وسیله نامه روحانی کاروان، حاوی درخواست او برای بررسی قرائت و رسیدگی به حساب سال زائر است. در این شیوه، ضمن اینکه از توان روحانی مساجد استفاده می‌شود، زائران با روحانی مسجد محل مرتبط می‌گردند و بدین سان، شمار بسیار از آنان به برنامه‌های مساجد جذب می‌شوند. روحانی کاروان نیز به امر اصلاح قرائت و حساب سال زائرانی که امکان معرفی آنان نیست، می‌پردازد.

۱۴. اعلام برنامه جلسات به گونه مکتوب

هنگامی که زائران در آستانه تشرّف و تهیه نیازهای سفر خویش هستند، باید زمان تشکیل جلسات به صورت روشن به آگاهی آنان برسد و برنامه‌های مدینه و مکه و نیز زمان تشکیل جلسات مدینه و مکه و بین‌الحرمین، پیش از سفر و در ایران به صورت مکتوب در اختیارشان قرار گیرد تا با ملاحظه آن، دیگر کارهای خود را به زمانی واگذارند.

۱۵. همراهی با زائران

اگر روحانی در طول مسیر (از فرودگاه گرفته تا مدینه و مکه و زیارت‌های دوره) سوار اتوبوس‌های زائران گردد و با آنان هم‌صحبت شود، مخاطبانی بیشتر خواهد داشت و با کسانی که کمتر در جلسات شرکت می‌کنند نیز می‌تواند سخن گوید. در هواپیماهای کوچک، که تنها گنجایش یک کاروان را دارند، روحانی بیشتر می‌تواند از فرصت استفاده کند.

۱۶. بیان مطالب متنوع و جذاب

برای برگزاری جلساتی با نشاط و مفید، لازم است وقت سخنرانی در موضوعات لازم، بر اساس اهمیت آنها تقسیم شود. برخی از این موضوعات عبارتند از: تذکرات مناسک و احکام، تاریخ حرمین، اسرار و معارف و اخلاق. در پایان لازم است حدود ۱۰ دقیقه برای پاسخ به پرسشها در نظر گیرند. در بیان مطالب تاریخی، این نکته دارای اهمیت است که در یک جلسه مطلب به پایان نرسد و داستان به صورت نیمه تمام به جلسه بعد واگذار شود. مدت جلسه در حرمین برای عموم، نیم ساعت است، ولی روحانی باید اعلام کند که برای پاسخ دادن به پرسش زائران همواره و در همه حال، آماده است.

۱۷. سازماندهی کاروان

روحانی کاروان پس از شناسایی زائران، باید به سازماندهی آنان پردازد. همچنین مسئولان کاروان باید افرادی را که سابقه تشرّف دارند و از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و داوطلب کمک به دیگران هستند، به عنوان سرگروه معرفی کنند و از زائران بخواهند که به صورت دلخواه با یکی از این افراد همراه شوند. بدین سان، با تشکیل گروههای چند نفره، روحانی کاروان می تواند در برخی موارد از طریق سرگروه برای ایجاد رابطه اقدام کند. این امر، بر سرعت عمل کاروان در انجام مناسک و بازدید می افزاید.

۱۸. رفت و آمد با زائران

در سفرهایی که مردان در طبقه ای جدا از زنان استقرار می یابند، روحانی با اعلام قبلی و یا هنگام نهار و شام در اتاقهای زائران حضور می یابد و غذا را در کنار آنان میل می کند. این کار، ضمن پدید آوردن ارتباط عاطفی میان زائر و روحانی و اطلاع از وضعیت آنان، زمینه توجیه و شیوه آن را برای روحانی مشخص می کند. بجاست که روحانی از زائران نیز دعوت کند که به اتاق او بیایند.

۱۹. توجه در گروههای کوچک

برای آشنا ساختن زائران با قسمتهای مختلف مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله) و مسجدالحرام، شایسته است زائران را به گروههای ۱۰ نفره تقسیم کنند و روحانی کاروان قبل از نمازها آنان را همراهی کند و آگاهیهای لازم در این دو مسجد به آنان منتقل سازد.

۲۰. ایجاد رقابت و نشاط

برای جلوگیری از احساس خستگی و نیز حفظ نشاط زائران، شایسته است که روحانی کاروان، میان زائران رقابتی سالم پدید آورد و با برگزاری مسابقه هایی در موضوعاتی چون احکام، مناسک و غیره کاروان را به تلاش وادارد.

۲۱. سامان بخشی کار احرام

هنگام احرام برای بسیاری نگرانی و اضطراب پدید می آید. مناسب است روحانی، با آرامش تمام، در حالی که لباس مقدس روحانیت در بر دارد، زائران را از احرام آگاه سازد و برای محرم شدن به آنان یاری رساند و آن گاه خود محرم شود. این کار موجب می شود که زائران به دلیل مشخص بودن روحانی کاروان، آسان تر او را شناسایی کرده و بدو رجوع کنند.

۲۲. اصلاح رفتاری زائران

در میان افراد کاروان، بعضی از زائران رفتار ناهنجار دارند؛ ریشه یابی و انتخاب راه صحیح در اصلاح رفتاری زائران با توجه به تنوع ناهنجاریها و روحیات مختلف مخاطبان هنر روحانی است.

روان شناسی زائر

اشاره

گام نخست در انجام مأموریت به گونه مطلوب، باز شناختن مخاطبان است تا بتوان برابر نیازهای آنان برنامه ریزی کرد.

۱. شناسایی نخستین

روحانی کاروان در این مرحله، اطلاعات اولیه زائران را از مدیر کاروان می‌گیرد (مانند شمار زنان و مردان، شمار خانواده‌ها، مشغل زائران، تحصیلات، قومیتها، حساسیتها و ارتباطات به ویژه در استانهای کوچک) تا از سلامتی زائران و افراد آسیب پذیر آگاه باشد.

۲. بررسی نیازهای عقیدتی و فقهی زائران

این مرحله عبارت است از تهیه پرسشنامه‌هایی ویژه برای شناسایی مرجع تقلید، سابقه تشرّف، حساب سال، نیابت، سابقه مطالعاتی در مسائل حج و اسرار آن و کتابهای مطالعه شده. پس از آنکه زائران پرسشنامه‌ها را پر کردند، روحانی کاروان اطلاعات به دست آمده را به گونه‌ای منظم گرد می‌آورد.

۳. برنامه ریزی برای رفع نیازها

در این مرحله، روحانی با شناسایی نخستین و اطلاعات تکمیلی، برای رفع نیازهای فرهنگی زائران برنامه ریزی می‌کند و در غنی سازی اطلاعات و سامان دادن به وظایف زائران در انجام مناسک می‌کوشد. ملاک در برنامه ریزی در سطح متوسط که اکثر اقشار جامعه هستند در نظر گرفته می‌شود.

۴. جلسه‌های ویژه برای گردهمایی‌های مختلف

گاه در کاروان کسانی یافت می‌شوند که از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و یا در مقابل افرادی که بسیار ناتوانند. مناسب است روحانی کاروان برای کم سوادان، جلسه‌های ویژه‌ای برگزار کند و در جبران نیاز آنها بکوشد و نیز از افراد توانا برای راهنمایی دیگر زائران سود جوید.

۵. روحانی زائر

اگر در جمع زائران کاروان، فردی روحانی یافت شود، شایسته است ضمن ایجاد ارتباط با وی، از او خواسته شود که در جمع

زائران سخن گوید و در صورت امکان، محل سکونتش در اتاق روحانی کاروان پیش بینی شود.

۶. ارتباط با افراد منتقد

روحانی کاروان باید به سرعت افراد آسیب پذیر و معترض و منتقد کاروان را باز شناسد و ضمن برقرار ساختن ارتباطی دوستانه به مطالب آنها گوش فرا دهد و با برنامه ریزی درست، به انتقاداتشان پاسخ گوید و ضمن اصلاح اطلاعات آنان در توجیه و جذب آنان کوشش کند.

۷. ملاک برنامه ریزی

در همه برنامه ریزیها باید بر میانه روی ارج نهاده شود و از افراط و تفریط خودداری گردد.

با زائران در نخستین جلسه

اشاره

نخستین جلسه، برای روحانی کاروان و زائران بسیار مهم است، به ویژه اگر سابقه آشنایی نداشته باشند. روحانی کاروان در این جلسه همراه با اطلاعات به دست آمده و نیز با برنامه حساب شده حضور می یابد.

الف. چگونگی برخورد با زائران

۱. روحانی کاروان، نخست باید خود را معرفی کند و از اینکه خداوند توفیق همسفری با این گروه را نصیبش کرده است، او را سپاس گوید و متذکر شود که در طول سفر به صورت شبانه روزی در خدمت زائران است.

۲. در معارفه باید برخورد، صادقانه و بی پیرایه باشد و بر شخصیت زائران ارج نهاده شود و روحانی کاروان در صورت امکان، هنگام ورود با آقایان دست دهد و احوالپرسی کند.

۳. برخورد اول باید کاملاً عاطفی و همراه با تفاهم باشد. از برخورد مغرورانه باید پرهیز کرد و روحانی کاروان نباید بر خود بیبالد که چند بار به حج تشرف یافته و یا زائران بدو نیازمندند.

۴. روحانی کاروان باید قول دهد که در حدّ توان خویش به زائران خدمت می گذارد نه بیشتر، تا هنگام عمل، زائران احساس نکنند که میان گفتار و کردار او فاصله ای زیاد است.

ب. مطالب مورد بحث

۱. شایسته است از بهره های معنوی سفر و اینکه سفر الی الله است و باید در این سفر در پی تحوّل و دگرگونی باشیم سخن به میان آید.

۲. دعوت به محبت و همکاری با یکدیگر به ویژه با افراد نیازمند و ناتوان در طول سفر، بسیار پسندیده است.

۳. همچنین باید اهداف و آداب سفر زیارتی حج یا عمره بیان شود.

۴. از خاطرات افرادی که در سفرهای پیش دگرگون شده اند، می توان به گونه ای شایسته و به عنوان الگو سود جست.

۵. لازم است هر گونه تذکری که باید به اطلاع زائران برسد، در این جلسه و پس از آن به تدریج مطرح شود.

جلد ۶

اشاره

ص: ۱

آزموده ها (۶) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

پیشگفتار

اهمیت مسائل فقهی عمره و حج، بر کسی پوشیده نیست و بی شک درستی و نادرستی اعمال زائران بیت الله الحرام بستگی به انطباق و عدم انطباق آنها با احکام و مناسک عمره و حج دارد، هرچند صحت اعمال مقدمه رسیدن به روح حج و مراتب معنوی آن است ولی به تعبیر امام خمینی (قدس سره) مراتب معنوی حج جز به عمل مو به مو به مناسک حاصل نخواهد شد (۱).

از این رهگذر عنایت به فراگیری احکام و مناسک و دقت در امر آموزش آن به زائران و نظارت بر صحت اعمال آنان از وظایف اصلی و مهم روحانیون کاروان ها شمرده شده است. بی شک برای رسیدن به این هدف و عمل به این وظیفه، شناخت مسائل جدید و شیوه های درست انتقال آنها به زائران و راهنمایی آنان در اثنای اعمال امری ضروری است. لذا نوشته حاضر، که با این انگیزه آماده شده و در سه بخش سامان یافته تقدیم شما عزیزان می گردد.

بخش اول: احکام کلی عمره و حج

بخش دوم: نکات فقهی عمره و حج

بخش سوم: راهنمای فقهی اجرایی عمره و حج

امید است این جزوه برای سروران گرامی جهت هدایت بهتر زائران مفید باشد و از ارائه نظرها و پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی دریغ نفرمایند.

ارائه این شماره آزموده‌ها، در موضوع فقه و مناسک حج به معنای بی توجهی و کم اهمیت بودن سایر موضوعات مرتبط با عمره و حج نخواهد بود، بلکه به جهت حجم زیاد مطالب فقهی و ضرورت بیشتر این موضوع، این شماره به فقه حج و مسائل مرتبط با آن اختصاص یافت. امید است در آینده بتوانیم در سایر موضوعات نیز نوشته‌هایی تقدیم کنیم، در پایان از تلاش اعضای محترم کمیته فقه که زحمت تهیه این نوشته را متحمل شده اند تشکر می‌کنیم.

و السلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

معاونت امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری

بخش اول: نکات فقهی عمره و حج

۱- استطاعت با وجوه شرعی به فتوای امام خمینی (قدس سره) حاصل نمی‌شود، ولی به نظر سایر مراجع حاصل می‌شود.

(مناسک، م ۴۰ و ۴۸)

۲- برای کسی که قصد رفتن به مکه را دارد، عبور از میقات بدون احرام جایز نیست. احرام پیش از میقات نیز جایز نیست، مگر آنکه نذر کند پیش از میقات محرم شود. (۱)

(مناسک، م ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸ و ۲۲۶)

۳- مقدار واجب لباس احرام آقایان دو تکه است و کمتر از این نباید باشد، ولی بیشتر از این، در صورتی که شرایط لباس احرام را داشته باشد اشکال ندارد.

(مناسک، م ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۵ و ۳۰۱)

۱- آیت الله زنجانی برای کسی که از میقات یا نزدیک آن می گذرد احرام پیش از میقات حتی با نذر را صحیح نمی دانند.

۴- لباس احرام باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد، بنابراین، بانوان هرچند واجب نیست برای احرام لباس مخصوص بپوشند، ولی لباسی که به تن دارند باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد، افزون بر اینکه در حال احرام، پوشیدن حریر خالص برای بانوان بنا بر احتیاط، جایز نیست ولی در نماز جایز است.

(مناسک، م ۲۷۴، ۲۷۶ و ۲۷۷)

۵- استحباب کوتاه نکردن موی یک ماه پیش از عمره مفرده، و از اول ذی القعدة و اگر نشد از اول ذی الحجة برای عمره تمتع و حج، اختصاص به موی سر و محاسن دارد، نه سیبیل و موهای سایر قسمت های بدن. (مناسک، م ۳۰۲)

۶- استحباب نماز دو رکعتی یا حداقل یک نماز دو رکعتی احرام مخصوص وقتی است که نماز واجب نمی خوانند، ولی اگر نماز واجب می خوانند، مستحب است پس از همان نماز واجب محرم شود بلکه محرم شدن پس از نماز واجب افضل است. بنابراین چنانچه نماز مغرب و عشاء یا نماز واجب دیگری می خوانند، اگر پس از آن محرم شوند، به این استحباب عمل شده است، ولی در صورتی که فرصت داشته باشند و نمازهای مستحبی را پیش از نماز واجب بخوانند بهتر است.

(مناسک، م ۳۰۲، بند ۵)

۷- حرمت زن و شوهر در حال احرام اختصاص به التذاذ دارد، یعنی لذت هایی که با عقد ازدواج حلال شده بود، با احرام حرام می شود، بنابراین، لمس و نظر بدون التذاذ اشکال ندارد. به عبارت دیگر زن و شوهر پس از احرام مانند مادر و پسر و یا

خواهر و برادر هستند. (استفتاء)

۸- در محرمات مختص آقایان، بین پوشاندن سر و پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می گیرد، فرق است، چون درباره سر، پوشاندن آن حرام است با هر چیزی که باشد، حتی انداختن حوله بر سر، ولی درباره پوشیدن پا منظور پوشیدن چیزی است که روی تمام پا را می گیرد، لذا انداختن چیزی مثل حوله روی پا اشکال ندارد و بطور خلاصه فرق است بین پوشاندن و پوشیدن. به عبارت دیگر پوشیدن جوراب، کفش، چکمه و مانند آن حرام است و لا یندر. (مناسک، نهم از محرمات احرام، م ۴۱۰ و ۴۱۱)

۹- محرمی که خودش تقصیر نکرده، نمی تواند موی دیگری را بچیند، چون ازاله مو از بدن دیگران نیز در حال احرام جایز نیست، ولی می تواند ناخن دیگری را بگیرد، چون کوتاه کردن ناخن دیگران بر محرم حرام نیست.

(مناسک، شانزدهم از محرمات احرام، م ۵۲۲، ۵۲۳ و ۱۱۴۶)

۱۰- حرمت استظلال مختص به حال حرکت و سایه متحرک همراه زائر است، پس سایه سقف ثابت یا درخت یا پمپ بنزین که از زیر آن بگذرد یا نشستن زیر سقف و درخت اشکال ندارد. هرچند برخی از فقهاء نسبت به سایه ثابتی که محرم خودش اختیار می کند اشکال کرده اند، مانند راهی که از تونل عبور می کند و راهی که از تونل عبور نمی کند، اگر راه اول را انتخاب کند. ولی به هر حال عبور از زیر پل هایی که در جاده ها است و ماشین از زیر آن عبور می کند اشکال ندارد. (مناسک، م ۴۳۸ و ۴۸۸)

۱۱- خاراندن بدن در حال احرام، هرچند بدن سرخ شود، اگر خون نیاید اشکال ندارد. (مناسک، م ۴۵۰)

۱۲- حرمت کندن و بریدن درخت و گیاه حرم اختصاص به درختان و گیاهان خودرو و بی میوه دارد، بنابراین درختان میوه و درختانی که اکنون در خیابانهای مکه کاشته اند، مشمول این حکم نیستند.

(مناسک، بیست و سوم از محرمات احرام، م ۴۶۹، ۴۷۰ و ۴۷۱)

۱۳- دو تا از محرمات احرام، یعنی صید و کندن درخت و گیاه حرم دو حیث دارد- احرامی و حرمی- که پس از تقصیر یا حلق حیث احرامی آن حلال می شود، ولی حیث حرمی آن باقی می ماند. بنابراین کسی که در حرم است و محرم نیست، باز این دو کار بر او حرام است.

۱۴- مسائلی که درباره ضیق شدن وقت عمره یا طواف عمره گفته شده مربوط به عمره تمتع است نه عمره مفرده، چون عمره مفرده وقت معین ندارد، مگر عمره مفرده پس از حج افراد که برخی از فقهاء وقت آن را تا پایان ذی حجه دانسته اند که آن نیز احکام جداگانه ای دارد. (مناسک، م ۵۳۴)

۱۵- بخشی از تلبیه های مستحب که این جمله را دارد: لبیک و هذه عمره متعه الی الحج لبیک...- ظاهراً" اختصاص به عمره تمتع دارد و مربوط به عمره مفرده نیست. (مناسک، م ۲۵۹)

۱۶- کسی که برای رفتن به مسجد الحرام عذری ندارد، بدون وضو می تواند طواف مستحب بجا آورد و نماز آن را نخواند یا برای نماز طواف وضو بگیرد یا اگر پس از طواف مستحب متوجه شد وضو ندارد، طوافش صحیح است و برای نماز آن وضو

می گیرد، چون در طواف مستحب طهارت شرط نیست، هر چند مستحب است. (مناسک، م ۵۴۶)

۱۷- کسی که در عمره یا حجّی که بجا آورده شبهه ای دارد یا در یکی از اعمال آن اشکالی پیش آمده باشد، گاهی با انجام دادن مجدد عمره یا حجّ اشکالش برطرف نمی شود و تاثیری ندارد، بلکه باید همان اشکال را برطرف کند.

۱۸- فرق بین گمان در تعداد رکعات نماز و گمان در تعداد اشواط طواف آن است که در نماز حکم یقین را دارد، ولی در طواف حکم شک را دارد، اما برخی از فقهاء هر دو را به یک نحو می دانند. (مناسک، م ۶۲۹)

۱۹- گاهی برخی افراد در طواف بر اثر فشار جمعیت و هل خوردن شک می کنند که بی اختیار رفته اند یا نه؛ این شک اعتباری ندارد و طواف صحیح است. (استفتاء)

۲۰- کسی که در اثناء طواف یا سعی از ادامه آن عاجز شود می تواند برای ادامه آن به کسی نیابت دهد، یعنی بعض اشواط طواف و سعی نیز نیابت بردار است.

(مناسک، م ۶۷۵)

۲۱- وظیفه زن حائض در عمره مفرده و تمتع و حجّ متفاوت است، زیرا در عمره تمتع نمی تواند با نایب گرفتن برای طواف و نماز آن، بقیه اعمال را انجام دهد بلکه باید صبر کند تا پاک شود و چنانچه صبر کرد و پاک نشد یا می داند که پاک نمی شود، وظیفه او از تمتع به افراد تبدیل می شود. ولی در عمره مفرده و حتی اعمال پس از منی (در حجّ) گاهی وظیفه این است که برای طواف و نماز طواف نایب بگیرد و بقیه اعمال را خودش

انجام دهد. (مناسک، م ۱۹۳، ۲۹۲ و ۷۲۱)

۲۲- به فتوای بسیاری از فقهاء زن مستحاضه برای طواف و نماز طواف باید بطور جداگانه اعمال مستحاضه را انجام دهد، ولی اگر پیش از طواف، آن اعمال را انجام دهد و تا پایان نماز طواف خون قطع باشد، برای نماز لازم نیست آنها را تجدید کند.

(مناسک، م ۷۲۵ و ۷۲۷)

۲۳- پوشش زن در طواف و نماز تفاوتی دارد بدین شرح:

الف) در نماز وجه و کفین و قدمین مستثنی است، در صورتی که نامحرم او را نبیند.

ب) در طواف تنها وجه و کفین مستثنی است. (مناسک، م ۷۵۴)

۲۴- در موارد ذیل به جای آوردن طواف مستحب خلاف احتیاط است:

الف) پس از احرام عمره، پیش از طواف

ب) پس از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات

ج) پس از اعمال منی و پیش از طواف زیارت

د) بین طواف و نماز طواف. در این مورد خواندن نماز دیگر غیر از نماز طواف نیز خلاف احتیاط است. (مناسک، م ۷۶۸،

۷۷۱، ۸۰۷ و ۱۲۰۱)

۲۵- فاصله بین هر یک از اعمال عمره تمتع و نیز بین اعمال حج بدین شرح است:

- بین احرام و طواف؛ هر چه باشد منعی ندارد، ولی وقت عمره تا پیش از ظهر روز عرفه است و تا وقتی که به وقوف

عرفات برسد.

- بین طواف و نماز طواف؛ نباید فاصله شود به طوری که عرفاً بگویند پس از طواف نماز را خواند.

- بین نماز طواف و سعیر؛ تا عصر آن روز که طواف بجا آورده یا شب اشکال ندارد، ولی به فردا نگذارد مگر به طور طبیعی و بدون فاصله به فردا بیفتد.

- بین سعی و تقصیر؛ هر چه باشد اشکال ندارد تا پیش از ظهر روز عرفه که بتواند تقصیر کند و محرم شود به احرام حج و قبل از ظهر به عرفات برسد.

- بین تقصیر و احرام حج؛ حکم شماره ۴ را دارد.

- بین احرام حج و وقوف در عرفات؛ حتی اگر پس از خروج از احرام عمره تمتع محرم شود، اشکال ندارد، ولی برای ظهر روز عرفه باید در عرفات باشد.

- بین وقوف در عرفات و مشعر الحرام؛ از مغرب تا طلوع فجر، هر چند احتیاط واجب آن است که وقتی که به مشعر الحرام رسید تا طلوع فجر نیز به قصد طاعت الهی در آنجا بماند.

- بین وقوف در مشعر الحرام تا رمی جمره عقبه؛ به مقداری که بتواند رمی جمره عقبه، قربانی و حلق با تقصیر را در روز عید انجام دهد.

- بین رمی جمره تا قربانیر؛ فاصله افتادن اشکال ندارد، ولی باید تا پیش از غروب انجام دهد.

- بین قربانی و حلق یا تقصیر؛ فاصله افتادن اشکال ندارد، ولی باید تا پیش از غروب انجام دهد.

- بین حلق یا تقصیر و بیتوته؛ هر وقت از روز عید انجام داد،

از غروب تا نیمه شب باید بیتوته کند و به فتوای مراجعی که حلق در شب را جایز می دانند، حلق یا تقصیر در حال بیتوته هم اشکال ندارد و کسانی که بیتوته نیمه دوم شب را جایز می دانند، تاخیر بیتوته تا پیش از نیمه شب اشکال ندارد.

- بین بیتوته شب یازدهم و رمی جمرات روز یازدهم؛ باید بیتوته در شب و رمی در روز باشد.

- بین رمی جمرات و بیتوته؛ وقت رمی جمرات از طلوع تا غروب آفتاب ادامه دارد و بیتوته از غروب تا نیمه شب و به فتوای برخی از فقهاء می تواند از نیمه شب تا صبح باشد.

- بین بیتوته شب دوازدهم و رمی جمرات؛ حکم شماره ۱۲ را دارد.

- بین رمی جمرات روز دوازدهم و اعمال مکه؛ از روز دوازدهم تا پایان ذی حجه و برخی از فقهاء بنا بر احتیاط به جا آوردن اعمال مکه را در ایام تشریق لازم می دانند.

- از طواف زیارت تا پایان سعیر؛ همانند اعمال عمره است.

- بین سعی و طواف نساء؛ هر چه فاصله باشد اشکال ندارد، ولی پیش از اتمام ماه ذی حجه باید به جا آورد.

- بین طواف؛ باید فاصله نشود و عرفاً "مبادرت شود. نساء و نماز آن (مناسک م ۸۲۹، ۸۴۰، ۸۵۵، ۸۵۹)

۲۶- عدم مشروعیت طواف تبرّعی برای حاضر در مکه ثابت نیست، نه حجّ یا عمره تبرّعی، یعنی برای کسی که خودش در مکه حاضر است، می توان طواف تبرّعی به جا آورد، ولی عمره و حجّ

تبرّعی معلوم نیست صحیح باشد. (به جز امام عصر (علیه السلام) در حجّ) با این که طبق برخی از روایات حضرت در موسم حضور دارند، ولی فقهاء فرموده اند به جای آوردن حجّ به نیابت از ایشان اشکال ندارد. (مناسک، م ۱۶۶)

۲۷- عدم مشروعیت طواف تبرّعی برای حاضر در مکه ثابت نیست، نه حجّ یا عمره تبرّعی، یعنی برای کسی که خودش در مکه حاضر است، می توان طواف تبرّعی به جا آورد، ولی عمره و حجّ تبرّعی معلوم نیست صحیح باشد. (به جز امام عصر (علیه السلام) در حجّ) با این که طبق برخی از روایات حضرت در موسم حضور دارند، ولی فقهاء فرمودند به جای آوردن حجّ تبرّعی به نیابت از ایشان اشکال ندارد. (مناسک، م ۱۶۶)

۲۸- ترک حجّ مستحب در پنج سال متوالی و نیز قصد بازنگشتن به مکه مکروه است.

(مناسک، م ۱۶۵)

۲۹- میقات حجّ افراد حتی برای کسانی که وظیفه شان تبدیل به افراد شده است، یکی از مواقیت پنج گانه است. آری اگر پس از احرام عمره تمتع به افراد تبدیل شود باید از نیت تمتع به افراد عدول کند و با همان احرام به عرفات برود و اعمال حجّ را انجام دهد. (مناسک، م ۱۷۴)

۳۰- اگر در یکی از دورهای طواف، داخل حجر اسماعیل برود، باید آن دور را از سر بگیرد و اعاده این قسمت صحیح نیست، بر خلاف سایر اشکالها، مثلاً "اگر بی اختیار برود، یا پشت به کعبه شود، باید همان قسمت را اعاده کند.

(مناسک، م ۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۴، ۶۴۱ و ۶۵۹)

۳۱- تفاوت حج افراد با حج تمتع در سه چیز است:

الف) محل احرام: محل احرام حج تمتع مکه است و حج افراد یکی از مواقیت پنج گانه.

ب) قربانی: در حج افراد قربانی واجب نیست و در حج تمتع واجب است.

ج) وقت عمره: در حج تمتع عمره تمتع واجب است و پیش از آن انجام داده می شود و در حج افراد عمره مفرده واجب است و پس از آن انجام داده می شود.

(مناسک، م ۱۷۴، ۹۳۳، ۹۳۵ و ۹۳۶)

۳۲- تبدیل عمره تمتع به مفرده جایز نیست، ولی تبدیل عمره مفرده به تمتع در صورتی که عمره را در ماه های حج انجام داده باشد و حج استحبابی باشد جایز است. (مناسک، م ۱۸۲ و ۹۲۹)

۳۳- عدول از حج افراد واجب به حج تمتع جایز نیست، ولی عدول از تمتع به افراد در برخی موارد جایز است. (مناسک، م ۹۳۴ و ۹۲۹)

۳۴- در برخی از مناسک ها و کتاب های دعا کلمه طَلَل در دعای طواف به اشتباه ظَلَل نوشته شده است. (مناسک، م ۷۷۲)

۳۵- پس از تقصیر در عمره تمتع همه محرمات احرام حلال می شود بجز صید و کندن درخت و گیاه حرم و در عمره مفرده، همه محرمات احرام حلال می شود به جز دو مورد فوق و زن و مرد بر یکدیگر. و در حج پس از حلق یا تقصیر، همه محرمات حلال می شود، به جز بوی خوش و سه مورد فوق. (مناسک، م ۸۹۳ و ۱۱۴۱)

۳۶- تقصیر در عمره تمتع و عمره مفرده مکان معینی ندارد و هر

جا که تقصیر کنند اشکال ندارد. (مناسک، م ۸۹۸)

۳۷- در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، ولی به جای آوردن آن اشکال ندارد و به فتوای برخی از فقهاء موافق با احتیاط است. (مناسک، م ۸۹۲)

۳۸- خارج شدن از عرفات یا مشعر الحرام در وقت وقوف و مجدداً "بازگشتن به آن، هر چند بدون عذر جایز نیست، ولی ترک وقوف یا کوچ از عرفات یا مشعر محسوب نمی شود. (مناسک، م ۹۶۴، ۹۶۵ و ۹۶۶)

۳۹- محاسبه نیمه شب برای بیتوته با نیمه شب برای تعیین پایان وقت نماز عشا به فتوای برخی فقهاء تفاوت دارد و برخی از اول غروب تا طلوع آفتاب دانسته اند و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند که حدود نیم ساعت با پایان وقت نماز عشاء تفاوت پیدا می کند. (مناسک، م ۱۲۲۶)

۴۰- در شرایط قربانی نسبت به نقایص و عیوب عارضی که در اصل، حیوان آنگونه نیست، مثل اخته بودن، گر بودن، گوش یا دم بریده بودن، فحص لازم نیست، ولی نسبت به سن حیوان و لاغر نبودن آن در صورت شک، فحص لازم است.

(مناسک، م ۱۰۸۶)

۴۱- گوسفندهایی که تخم کوچک دارند، خصی یا مرضوض الخصیتین نیستند، بلکه نژاد اینها در اصل همین گونه است و ذبح چنین حیوانهایی منعی ندارد. و مطابق استفتاء جدیدی که از محضر مراجع معظم تقلید شده است، ذبح چنین حیوانهایی را کافی می دانند. (استفتاء)

۴۲- حلق یا تقصیر در حج، باید در منی باشد و از آنجا که

مسلخ های جدید خارج منی است، برخی از افرادی که برای قربانی به مسلخ می روند به اشتباه همان جا کنار مسلخ حلق یا تقصیر می کنند که صحیح نیست. و گاهی توجه ندارند و زمانی که به منی برمی گردند غروب شده است. (مناسک، م ۱۱۳۰ و ۱۱۴۹)

۴۳- کسانی که محرمند و به مسلخ می روند، باید مواظبت کنند لباس احرامشان خون آلود نشود، چون پاک بودن لباس احرام لازم است و در صورت نجس شدن باید آن را تعویض یا تطهیر کنند و این امر برای آنها دشوار است، ولی چنانچه لباس احرام نجس شد و تطهیر یا تعویض نکردند، به احرام ضرری نمی زند و موجب کفاره نیست.

۴۴- بیرون رفتن از حدود منی پیش از ظهر روز دوازدهم و گذشتن از جمره عقبه- چون عقبه نهایت منی است- به قصد بازگشتن به منی، کوچ از منی محسوب نمی شود و اشکال ندارد.

۴۵- اگر ترتیب بین اعمال منی و اعمال پس از منی به هم بخورد، یعنی پیش از حلق یا تقصیر، طواف و نماز و سعی را به جا آورد، در هر صورت باطل است، هر چند به اعتقاد صحت باشد و فرق است بین این اعمال و اعمال عمره تمتع یا عمره مفرده.

(مناسک، م ۱۱۳۵، ۱۱۳۸ و ۱۱۵۰)

۴۶- کسانی که اعمال مکه را بر وقوف مقدم می دارند، با طواف و سعی و حتی طواف نساء، هیچ کدام از محرمات احرام بر آنها حلال نمی شود و بر چنین افرادی تمام محرمات احرام، پس از

حلق یا تقصیر در منی حلال خواهد شد. (مناسک، م ۱۱۸۰)

۴۷- کسی از رمی در روز معذور است و باید رمی را در شب انجام دهد، اگر از رمی در شب ناتوان شود، نمی تواند به دیگری نیابت دهد که در شب برایش رمی کند و نیز کسی که نایب است. (مناسک، م ۱۲۹، ۱۲۹۵)

۴۸- آنچه در برخی از مناسک ها آمده است که رمی دیوار سیمانی پشت جمره صحیح نیست مربوط به حدود چهل سال پیش است که چنین دیواری وجود داشته، ولی سالهای اخیر اثری از این دیوار نبوده و این مسأله موضوعاً "منتفی است و اکنون هم جمرات تبدیل به دیوارهای چند متری شده است.

(مناسک، م ۱۲۹۴ و ۱۲۹۹)

۴۹- رمی شبانه بانوان- هر چند مقدور نباشد- اختصاص به رمی جمره عقبه در روز عید دارد و رمی جمرات روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه را مجاز نیستند در شب انجام دهند، مگر آنکه از رمی در روز معذور باشند. پس فرق مسأله در عذر و عدم عذر است که رمی روز عید را هر چند معذور نباشند می توانند شب عید انجام دهند و در روزهای بعد در صورتی که از رمی در روز معذور نباشند رمی شبانه جایز نیست.

(مناسک، م ۱۳۰۵)

۵۰- کسی در مجموع وقت- حتی بعد از ظهر عید که جمره خلوت است- قادر به رمی است نمی تواند برای رمی نایب بگیرد و اگر نایب بگیرد رمی او باطل است.

(استفتاء)

۵۱- تفاوتی بین اعمال عمره تمتع و اعمال مکه وجود دارد و آن

اینکه در عمره تمتع چنانچه پس از اعمال نماز یا طوافش باطل بوده، به فتوای برخی از فقهاء تنها اعاده همان عمل کافی است و اعمال مترتبه صحیح است ولی در اعمال مکه، اعمال مترتبه نیز باید اعاده شود.

بخش دوم: احکام کلی در حجّ

۱- به نظر همه مراجع برای میت در صورتی که حجّ بر میت مستقر شده باشد و وصیتی به حجّ بلدی نکرده باشد، حجّ میقاتی به نیابت از او کفایت می کند.

(مناسک، م ۴۵)

۲- به فتوای تمام مراجع عظام، همه افراد اعم از معذور و غیر معذور می توانند با نذر پیش از میقات محرم شوند. (۱)

۳- به جز میقات مسیر مدینه (مسجد شجره) در هیچ کدام از مواقیت وارد شدن به مسجد برای احرام خصوصیت ندارد، بلکه در منطقه ای که بنام میقات است، می توان محرم شد. و نسبت به مسجد شجره نیز برخی از فقهاء ذوالحلیفه را میقات می دانند نه تنها مسجد شجره را. (مناسک، م ۲۰۲ و ۲۳۶)

۴- هیچ کدام از محرمات احرام در صورتی که سهواً یا جهلاً یا

-۱

۱- آیت الله زنجانی برای کسی که از میقات یا نزدیک آن می گذرد احرام پیش از میقات حتی با نذر را صحیح نمی دانند.

غفلتا" انجام شود، کفاره ندارد و نیز ضرری به عمره و حجّ نمی رساند به جز صید که سهوی آن نیز کفاره دارد. (مناسک، م ۱۳۲۰ و ۳۲۳)

۵- به کمر بستن همیان دوخته برای مردان محرم به فتوای تمام مراجع معظم تقلید اشکال ندارد. (مناسک، م ۳۴۸)

۶- قسم خوردن به چیزی- به جز کلمه الله و مرادف آن و سایر اسماء الهی- جدال محسوب نمی شود، مثل قسم به قرآن یا معصومین علیهم السلام.

(مناسک، م ۳۷۴، ۳۸۵ و ۴۹۹)

۷- به فتوای تمام مراجع همه کارهایی که بر مردان مُحرم حرام است، پسر بچه نیز باید از آنها پرهیز کند، یا پرهیز داده شود، به جز زیر سایه رفتن که برای پسر بچه ها اشکال ندارد. و تمام کارهایی که بر زن محرم حرام است، دختر بچه محرم نیز باید از آنها پرهیز کند یا او را پرهیز دهند. (مناسک، م ۴۳۷)

۸- به زبان آوردن تیت هیچ کدام از اعمال عمره و حجّ لازم نیست ولی به زبان آوردن تیت احرام مستحب است. (مناسک، م ۵۳۹)

۹- تمام صورتهای شک در تعداد اشواط طواف، مبطل طواف است مگر شک بین هفت و بیش از هفت پس از اتمام شوط هفتم، بدین معنی که به حجر الاسود رسیده باشد، یا پس از اتمام طواف و انصراف از آن شک کند. (مناسک، م ۶۲۴، ۶۲۵ و ۶۲۶)

۱۰- در تمام مواردی که بانوان لکه می بینند، اگر به طور مستمر نباشد، حیض نیست، هر چند در ایام عادت باشد، یا سایر اوصاف حیض را داشته باشد، چون از شرایط حیض، استمرار

خون در سه روز اول است، ولی اگر در ایام عادت باشد و استمرار داشته باشد، حکم حیض را دارد، هر چند نشانه های حیض را نداشته باشد. ولی در مورد اخیر برخی از فقهاء امر به احتیاط؛ یعنی جمع بین تروک حیض و اعمال مستحاضه فرموده اند. (مناسک، م ۷۲۸، ۷۳۴)

۱۱- هیچ یک از اعمال واجبِ عمره و حجّ مشروط به طهارت از حدث نیست، مگر طواف و نماز طواف. (مناسک، م ۲۸۸)

۱۲- زن یائسه هر خونی ببیند، هر چند اوصاف حیض را داشته باشد، حکم حیض را ندارد، ولی برخی از فقهاء در صورت داشتن اوصاف حیض امر به احتیاط در جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه فرموده اند. (مناسک، م ۷۲۶ و ۷۳۵)

۱۳- تمام اقسام شک در تعداد اشواط سعی مبطل سعی است، مگر آنکه در مروه شک بین هفت و بیش از هفت پیش آید. (مناسک، م ۸۵۲)

۱۴- کسی که یکی از وقوفین را عمداً ترک کند، در هر صورت - چه اختیاری یکی یا اضطراری هر دو یا اضطراری یکی را درک کرده باشد یا درک نکرده باشد - حجّش باطل است. (مناسک، م ۹۸۶)

۱۵- وقت رمی جمره در هر سه روز از طلوع آفتاب تا غروب است. (مناسک، م ۱۰۰۰)

بخش سوم: راهنمای فقهی اجرائی عمره و حجّ پیش از سفر

اشاره

در جلسات پیش از سفر این نکات یادآوری شود:

۱- نماز خود را بر روحانی و عالم آشنا و محل خود عرضه کنند تا اگر اشکالی دارد برطرف شود.

۲- برای حسابرسی خمس و پرداخت وجوه شرعی خود به دفتر مرجع تقلید خود یا نماینده وی مراجعه و برای این مسأله اقدام فرمایند و تنها افرادی که باقی می مانند یا شخصاً تمایل به حسابرسی نزد شما دارند، اقدام فرمایند.

در حسابرسی خمس افراد سه دسته هستند:

۱- کسانی که تا کنون حسابرسی نداشته اند.

۲- کسانی که مدتی حسابرسی داشته اند ولی رها کرده اند.

۳- کسانی که حساب سال مرتب دارند.

نسبت به گروه اول باید تمام اموال و طلبها و بدهی آنها

محاسبه شود و پس از کسر بدهی ها، اموال باقیمانده به سه دسته تقسیم می شود:

الف) اموالی که خمس آن را باید پردازند، مثل پول نقد، مواد مصرفی، مانند برنج و روغن و چای و ... و به فتوای برخی فقهاء سرمایه کسب.

ب) اموالی که خمس ندارد، مثل ارث، دیه و به فتوای برخی از فقهاء ... هبه، جهیزیه.

ج) اموالی که باید مصالحه شود، مثل اجناس مورد نیاز زندگی که در طول سال های گذشته تهیه و مؤونه شده و وضع آن از لحاظ تعلق خمس معلوم نیست که از درآمد بوده یا نه.

و گروه دوم: باید برای مدتی که حسابرسی نکرده و خمس پرداخته اند، مانند گروه اول عمل شود.

و گروه سوم: اگر در بین سال خمسی مشرف می شوند و چیزی از سال گذشته که خمس آن را نپرداخته باشند ندارند، چیزی بابت خمس بر آنها واجب نیست ولی چنانچه پولی برای خرید سوغاتی دارند و در اثناء سفر به سال خمسی می رسد، سوغاتی خریداری شده که تحویل افراد نشده و نیز باقیمانده پول خمس دارد.

حکم خمس پول ثبت نام

س) هم اکنون کسانی که قصد تشریف به حج یا عمره را دارند، باید برای حفظ نوبت، مبلغ مقرری را به بانک بسپارند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می گیرد و زمانی که پس از حدود سه سال، نوبت تشریف آنها فرا می رسد،

اصل پول و سود آنرا دریافت می کنند و به سازمان حج و زیارت می سپارند و به عمره یا حج مشرف می شوند.

حال به توجه به اینکه سپردن پول به بانک مقدمه رفتن به حج یا عمره است و چنانچه کسی این پول را به بانک نسپارد نوبتی را برای رفتن به عمره یا حج نخواهد داشت و اکنون طریق رفتن به حج نیز همین است، آیا به اصل پول و سود آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج) آیه الله تبریزی: در فرض سؤال چنانچه بر اصل پول سال بگذرد؛ یعنی از وقت به دست آوردن پولی که به بانک سپرده اند، سال گذشته، باید خمس آن را پردازد و نسبت به مقداری که زیادتر از اصل پول به آنها می دهند، اگر در همان سال به حج یا عمره بروند چیزی بر آنها نیست. و الله العالم.

آیه الله خامنه ای: در فرض مرقوم، اگر در همان سال خمسی سپرده گزاری به حج می رود، خمس ندارد، ولی اگر نوبت حج از پس از آن سال خمسی است، مبلغ سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده خمس دارد و سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده جزو درآمد سال وصول محسوب است که اگر در همان سال به حساب هزینه سفر حج محسوب شود خمس ندارد.

آیه الله سیستانی: به اصل پول خمس تعلق می گیرد و نیز به سود آن، اگر از طریق معامله شرعیه ملک صاحب پول شده است، بلی اگر حج بر او مستقر شده و راه دیگری برای رفتن به حج در سال ثبت نام نداشته باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

آیه الله شبیری زنجانی: در حج واجب و یا عمره، اگر به وسیله ای واجب گردد، خمس پول مورد سؤال واجب نیست و

در حجّ و عمره مستحب واجب است.

آیه الله صافی گلپایگانی: در فرض سؤال، اصل پول خمس دارد ولی سود آن، اگر با آن پول معاملات شرعی، با رعایت شرایطش انجام شود و پرداخت سود، طبق قرارداد باید در موقع تحویل اصل پول پرداخت شود، سود مذکور از منافع سال وصول است که اگر در همان سال صرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر باقی بماند آن هم خمس دارد. و الله العالم.

آیه الله فاضل: در حجّ واجب به اصل پول و سود آن خمس تعلق نمی گیرد مگر اینکه قبلاً " به اصل آن پول خمس تعلق گرفته باشد و خمس آن پرداخت نشده باشد. که در این صورت باید تخمیس شود.

آیه الله مکارم شیرازی: هرگاه این پول از درآمد همان سالی باشد که نام نویسی کرده است، نه به آن خمس تعلق می گیرد و نه به سود آن.

آیه الله نوری همدانی: اگر همان سالی که مستطیع شده است، آن پول را برای انجام حجّ در نوبت خود به حساب ریخته است. آن پول جزو مؤونه و مخارج آن سال محسوب می شود و خمس ندارد ولی اگر در سال قبل یا سالهای قبل مستطیع بوده است و تأخیر انداخته و به حساب نریخته است باید خمس آنرا بدهد.

و در عمره نیز اگر به طور متعارف یک مرتبه یا در چند سال یک مرتبه باشد، پولی که به حساب ریخته است خمس ندارد اما سودی که می گیرد از ارباح آن سالی است که آن را تحویل می گیرد و اگر تا آخر سال خمسی خود آن را در مخارج

لازم زندگی خود خرج کرد، خمس ندارد و اگر بماند و سال بر آن بگذرد خمس دارد.

۳- کیفیت وصیت نامه نوشتن را به زائران یاد دهید، به ویژه در مورد شرایط وصی و وصیت مالی که بیش از ثلث نباشد و نوشتن نماز و روزه های قضا در وصیتنامه.

۴- استحباب کوتاه نکردن موی سر و صورت در عمره مفرده از یک ماه پیش از سفر و در عمره تمتع از اوّل ذی القعدة و اگر نشد از اوّل ذی الحجّه

۵- کاروان های مدینه بعد چون در آغاز ورود به جده عازم جحفه می شوند و باید لباس احرام بپوشند، به زائران خود اعم از مرد و زن یادآوری کنند که لباس های احرام خود را پیش از سفر واریسی کنند که معطر نباشد و آن را جدای از اشیاء خوشبو بگذارند، چون در میقات اگر با چنین لباسی مواجه شدند نمی توانند آن را بپوشند.

۶- در مورد لباس احرام بانوان یادآوری می شود که نازک و بدن نما نباشد، حتی به قدری ضخیم باشد که در فصل گرما که بر اثر عرق کردن لباس به بدن می چسبد، بدن نما نشود.

۷- خانم ها می توانند برای جلوگیری از عادت ماهیانه قرص استفاده کنند، به شرط آنکه برای آنها ضرری نداشته باشد.

۸- خانم هایی که ممکن است لازم شود پیش از میقات با نذر محرم شوند و شوهرهایشان همسفر آنها نیستند یادآوری شوند اجازه نذر را از شوهر بگیرند چون برخی از فقهاء اجازه را به طور مطلق شرط می دانند.

۹- شرایط نیابت به طور واضح و صریح برای زائران گفته شود و

افرادی که نایب هستند حتی المقدور شناسایی و وجود شرایط لحاظ شود تا پس از سفر و هنگام اعمال به مشکل برخورد نکنند. مخصوصاً کسانی که از نماز صحیح معذورند یا نایبند و خود مستطیع هستند چون در برخی موارد نیابتشان صحیح نیست و به فتوای برخی از فقهاء وقتی که به میقات رسیدند و استطاعت طریقی نیز حاصل شد، باید برای خودشان حجّ بجای آورند. و نیز خدمه کاروانها که ممکن است به هنگام اعمال عمره یا حجّ، مشکلی برای کاروان پیش آید که به ناچار باید اعمال معذور را انجام دهند و به فتوای برخی از فقهاء عذر طاری هم مُخَلّ به نیابت است.

۱۰- چون احتمال دارد پرواز کاروان نزدیک یا در وقت نماز صورت بگیرد، یادآوری چند نکته در این خصوص به زائران ضروری است.

الف) حتی المقدور در هنگام ورود به سالن انتظار باطهارت باشند تا اگر فرصت شد نماز را بتوانند سریع بخوانند و سوار هواپیما شوند.

ب) چنانچه نماز را باید در اثناء سفر در هواپیما بخوانند، پیش از سوار شدن تحصیل طهارت کنند تا هنگام نماز خواندن در هواپیما به راحتی بتوانند به وظیفه خود عمل کنند.

ج) کیفیت نماز در هواپیما نیز توضیح داده شود. کیفیت آن بدین گونه است که در صورت امکان باید به حالت ایستاده با مراعات قبله و سایر شرایط خوانده شود و چنانچه به حالت ایستاده ممکن نبود، به حالت نشسته و در صورت

امکان رو به قبله نماز خوانده شود و هر مقدار از شرایط نماز که ممکن بود باید مراعات کنند و چنانچه نماز در هواپیما با مراعات شرایطی که گفته شد خوانده شود نماز صحیح است.

۱۱- کیفیت نماز با اهل سنت در مکه و مدینه به زائران تعلیم داده شود، چون در بدو ورود در مدینه یا مکه در نماز جماعت شرکت می کنند و آشنا به مسائل نیستند و گاهی دچار سردرگمی می شوند و نکات قابل ذکر در این خصوص بدین شرح است.

الف) اذان صبح و ظهر آنها با اذان ما تفاوتی دارد و تنها اذان مغرب کمی زودتر گفته می شود.

ب) صبح ها پیش از اذان صبح اذانی برای نماز شب گفته می شود.

ج) در هر شبانه روز یازده اذان و اقامه گفته می شود که یک اذان برای نماز شب و پنج اذان و پنج اقامه نیز برای نمازهای واجب یومیه گفته می شود.

د) بین اذان و اقامه معمولاً چند دقیقه فاصله است که زائران می توانند نافله یا قرآن بخوانند.

ه) در قرائت سوره حمد بسم الله را آهسته می گویند.

و) پس از حمد بخشی از قرآن را می خوانند که گاه سوره کاملی است و گاهی نیست.

ز) معمولاً در نماز صبح روز جمعه، امام جماعت پس از حمد، سوره سجده دار می خواند و پس از آن همگی به سجده رفته سپس بر می خیزند و قرائت را ادامه می دهند

که در این صورت زائران سعی کنند پیش از نماز صبح، نماز خودشان را به صورت فرادی بخوانند.

ح) در برخی مواقع پس از رکوع قنوت بجا می آورند، که بجای آوردن قنوت به همراه آنان پس از رکوع مشکلی پیش نمی آورد.

ط) در حال قرائت غالب اهل سنت، دست بسته نماز می خوانند که پیروان مکتب اهل بیت نباید دست بسته نماز بخوانند.

ی) پس از اتمام حمد امام جماعت، همگی آمین می گویند که نباید گفته شود؛ می توانند الحمد لله رب العالمین بگویند.

ک) پس از رکوع توقف طولانی دارند که نماز گزاران نیز مراعات کنند و با عجله به سجده نروند، بلکه منتظر تکبیر مکبر باشند.

ل) پس از دو سجده، بدون جلسه استراحت می ایستند که باید جلسه استراحت بجای آورند شود هر چند بسیار کوتاه.

م) در تشهد برخی از اهل سنت انگشت سبابه را تکان می دهند که این کار لزومی ندارد.

ن) پس از قرائت رکعت دوم پیش از رکوع، قنوت بجای نمی آورند، که زائران نیز قنوت نخوانند، چون مستحب است و در هر حال ترک آن اشکال ندارد.

ص) برخی از مذاهب اهل سنت بعد از نماز صبح و نماز عصر، خواندن نماز مستحب را جایز نمی دانند هر چند در

فقه شیعه نیز کراهت دارد (بجز نمازهای خاص) لذا تذکر داده شود که در آن وقت نافله نخوانند و چنانچه نماز صبح نخوانده اند یا به فتوای مرجعشان باید مجدداً بخوانند، پیش از نماز جماعت بخوانند.

ع) پس از نماز جماعت مسجد النبی و مسجد الحرام کمی صبر کنند، تا اگر اعلان نماز میّت شد، نماز میّت بخوانند، و بلافاصله پس از نماز جماعت مشغول نماز دیگر نشوند و محلّ خود را ترک نکنند.

۱۲- در نماز میّت چهار تکبیر گفته می شود که تکبیر پنجم را موقعی که السلام علیکم و رحمها ... می گویند، می توان گفت. در ضمن کیفیت مختصر نماز میت را به زائران آموزش دهید.

۱۳- لزوم سجده بر مایصحّ السّجود در هتل ها، مشاعر و جاهای دیگر (بجز در نماز جماعت یا در جاهایی که امکان ندارد) یادآوری شود. چون برخی از زائران تصور می کنند در طول سفر، مهر گذاشتن جایز نیست یا مجازند بر فرش و امثال آن سجده کنند.

۱۴- هرگز زائری را به تصحیح نماز یا حسابرسی خمس یا پرداخت آن وادار نکنید که اثر نامطلوب دارد افزون بر اینکه وظیفه شرعی روحانی، بیان مسائل نماز و خمس و دعوت آنها به عمل به واجبات است نه اجبار آنان به این امور.

۱۵- چنانچه حسابرسی خمس زائری انجام شد برای پرداخت آن بهتر است او را به دفتر یا بعثه مرجعش راهنمایی کنید تا خودش بپردازد. چنانچه درخواست کرد که شما این زحمت را متقبل شوید در آن صورت قبول آن ثواب خواهد داشت.

۱۶- کسانی که مدینه قبل هستند، در جلسات ایران، تنها فهرستی از اعمال عمره بگویند و از بیان مسائل جزئی و اختلاف فتاوا پرهیز شود.

در مدینه منوره

۱- بهترین وقت برگزاری جلسات آموزشی کاروان عصرها از ساعت ۵ تا ۶ و شب‌ها بین نماز مغرب و عشا است هرچند به مقتضای زمان و مکان جلسات دیگر کاروان‌ها و نظر زائران ممکن است اوقات دیگری نیز مناسب باشد.

۲- حتی المقدور جلسات آموزشی از ۴۰ تا ۵۰ دقیقه تجاوز نکند و بهتر است مطالب هر جلسه در بردارنده سه بخش تاریخ اماکن، مناسک، اسرار و معارف باشد.

۳- در اولین جلسه مدت اقامت و کیفیت نماز (قصر یا اتمام) را یادآوری فرمایید و این نکته قابل توجه است که رفتن به اُحد و قُبا و سایر اماکن مقدس مدینه که زائران را به زیارت آنها می‌برند ضروری به قصد اقامه ده روز نمی‌زند.

۴- درباره اماکن تخییر و تمام خواندن نماز هنگام شرکت در نماز جماعت ظهر، عصر، عشاء توضیح داده شود.

۵- مجدداً کیفیت اقتدا در نماز جماعت اهل سنت و نکات آن یادآوری شود.

۶- حدود مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) یادآوری شود که تنها قسمت مسقف آن است و محوطه اطراف آن که با نرده‌های آهنی محصور شده حکم مسجد ندارد.

۷- به بانوان یادآوری شود که ورودشان به مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) و

مسجد الحرام و توقّف در سایر مساجد در ایام عادت جایز (۱) نیست.

۸- مناسب است اوقات نمازهای یومیّه و نماز شب به زائران یادآوری شود تا برنامه ریزی بهتری برای شرکت در نمازهای جماعت و رسیدن به فضیلت نماز اول وقت داشته باشند.

۹- خواندن نماز تحیت در مساجد، مستحب است ولی می توان زائران را راهنمایی کرد چنانچه نماز قضا داشته باشند می توانند نماز قضا بخوانند و این کفایت از نماز تحیت می کند و نیز اگر نماز واجب ادائی بخوانند.

۱۰- از آنجا که نماز خواندن در قبرستان به فتوای برخی از اهل سنّت حرام است. زائران را از نماز خواندن کنار بقیع و داخل آن برحذر دارید.

۱۱- برای پرکردن اوقات فراغت زائران و استفاده معنوی بهتر از آن، زائران را برای خواندن نماز قضا راهنمایی کنید و نکات ذیل را نیز یادآوری فرمایید.

الف) نماز قضا هر چه زودتر باید خوانده شود و مسامحه نشود.

ب) نماز قضا وقت معینی ندارد، بلکه در هر وقت از شبانه روز می توان نماز قضا را بجای آورد.

ج) نماز قضا را به جماعت می توان خواند، و هماهنگی بین نماز امام جماعت و مأوم در نوع نماز، تعداد رکعات و قصر و اتمام لازم نیست.

۱- به فتوای آیه الله بهجت، عبور حائض از قسمتهای توسعه یافته مسجدین جایز است.

د) مسافر می تواند نمازهای قضای غیر سفر را بجای آورد و باید تمام بخواند.

ه) نماز قضا را به همان گونه که ادای آن وظیفه بوده باید بجا آورد، یعنی اگر وظیفه قصر بوده، به صورت قصر و اگر تمام بوده به صورت تمام و پسرها و مردها باید حمد و سوره نماز قضای صبح، مغرب و عشا را نیز بلند بخوانند.

و) کسی که برای میت نماز قضا می خواند باید مطابق وظیفه خودش عمل کند، مثلاً اگر نمازگزار مرد است و برای میتی که زن است نماز می خواند، باید حمد و سوره نمازهای جهری را بلند بخواند.

۱۲- کیفیت برخی از نمازهای مستحب که از اهمیت بیشتری برخوردار است به زائران تعلیم داده شود، مثل نوافل یومیه، نماز شب، نماز غفیله، نماز حضرت جعفر، نماز زیارت، نماز حضرت ولی عصر (عج) و نماز حاجت.

۱۳- در مدینه منوره، چنانچه زائر قصد عشره داشته باشد می تواند روزه قضا بجا آورد، و چنانچه روزه قضا ندارد، می تواند سه روز روزه مستحب برای برآمدن حاجت بجای آورد و اگر روزه قضا دارد روزه مستحب او صحیح نیست ولی چنانچه مسافر است (که روزه قضا صحیح نیست)، چون مکلف به قضا نیست این سه روز روزه مستحب را می تواند بجا آورد ولی روزه دیگری صحیح نیست و این روزه از موارد استثناء عدم صحت روزه در سفر است و به نظر برخی از فقهاء احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه باشد.

۱۴- به زائران یادآوری شود که اعمال عمره و حجّ دقیق است ولی

دشوار نیست و با ذکر این مطلب و چهار نکته ای که گفته خواهد شد اضطراب و دلهره از اعمال را از آنان برطرف فرمایند که اضطراب و ترس از اعمال موجب مشکلات فراوانی خواهد شد.

نکته اول: از نظر احکام فقهی وظیفه همه افراد مشخص شده و به راحتی همه می توانند به وظیفه خود عمل کنند و هیچکس با اعمال ناقص یا باطل (به خواست خداوند) از اینجا نخواهد رفت.

نکته دوم: اگر سؤالی، شبهه ای یا مشکلی برایتان پیش آمد، می توانید پرسید و مطابق وظیفه عمل کنید.

نکته سوم: همیشه ما (روحانی گروه) در خدمت شما هستیم و اعمال را به اتفاق به جای می آوریم.

نکته چهارم: اگر در موردی خاص سؤال یا مشکلی برایتان پیش آمد و به ما دسترسی پیدا نکردید، می توانید از روحانیون دیگر پرسید که الحمدلله همیشه روحانیون کاروانها در مسجد الحرام و مشاعر مقدس، حضور دارند. یادآوری این نکات نسبت به کاروان های مدینه بعد باید در ایران صورت پذیرد.

۱۵- به کسانی که با تلاش هم نتوانستند نماز خود را تصحیح کنند گوشزد شود که به یکی از افرادی که می شناسند و همراهشان هست برای خواندن نماز طواف نیابت بدهند، ضمن اینکه خودشان نیز باید نماز را بخوانند. وحتی المقدور روزهای آخر، پیش از رفتن به میقات این امر کنترل شود که نایب هایشان مشخص شده باشد، این امر برای کاروان های مدینه بعد در

ایران صورت بپذیرد.

۱۶- خانم هایی که در ایام عادت هستند، پیش از رفتن به میقات باید وظیفه خود را برای احرام بدانند، لذا پیشنهاد می شود جلسه جداگانه ای برای خانم ها گذاشته شود و یادآوری شود که خواهران معذور، حتماً پیش از حضور در میقات اطلاع دهند تا با نذر در مدینه محرم شوند و چون این مسأله اختصاص به میقات شجره دارد، برای کاروان های مدینه بعد نیز یادآوری شود که چنانچه در زمان عادت باشند، هرچند در میقات مشکلی ندارند ولی برای بقیه اعمال باید صبر کنند تا پاک شوند.

۱۷- موارد احتیاط و جویی مراجع تقلید را شناخته و زائران را نسبت به رجوع به فتوای مساوی یا فالاعلم راهنمایی فرمایید ضمن اینکه اجباری در این مسأله نباشد، مثل:

احرام در قسمت قدیم مسجد شجره

استظلال در شب

استظلال در شهر مکه و عرفات و منی

احرام از مکه قدیم

و ...

۱۸- به زائران گوشزد شود که پیش از رفتن به میقات لباس احرام خود را واریسی کنند که معطر نباشد، حاشیه آن دوخته نباشد (به فتوای برخی از فقها لباس احرامی که حاشیه اش دوخته است اشکال دارد)، پاک و تمیز باشد، چون ممکن است در میقات به این مشکلات برخورد کنند و در آنجا فرصت تعویض آن نباشد.

۱۹- زیارت و نماز آن را می توانند به نیابت از دیگران بجای آورند.

۲۰- نمازهای مستحب را چنانچه در روضه الثبی یا سایر اماکن مقدس ازدحام بودیا امکان توقف نبود می توانند در حال ایستاده یا نشسته یا با رکوع و سجود اشاره ای و حتی در حال راه رفتن بخوانند.

۲۱- مسأله خواندن نماز قضا به نیابت از کسانی که از دنیا رفته اند و نماز مستحب برای آنها و افراد زنده و اهداء ثواب نیز یادآوری شود.

از میقات تا حرم

۱- غسل احرام و پوشیدن لباس احرام را حتی الامکان در هتل انجام دهند، به ویژه خانمها چون ممکن است امکان یا فرصت این اعمال در میقات نباشد ولی زائران ضمن اینکه راهنمایی می شوند مجبور به این کار نشوند ولی چون به فتوای برخی از فقهاء پس از غسل تا احرام در میقات نباید بخوابند یا مبطلات وضو از آنها سر بزنند، و مردان نباید لباس دوخته بپوشند لذا یادآوری این نیز مناسب است. هرچند به فتوای برخی از فقهاء، تنها خوابیدن ناقض اسست و سایر نواقض وضو ناقض این غسل نیست.

۲- در آن ایام از سال که هوا گرم است، مخصوصاً در ایام عمره که میقات خلوت است و فرصت بیشتری نیز هست، غسل در میقات برای زائران ممکن است لذا می توان آنها را راهنمایی کرد که چنانچه بخواهید می توانید در میقات غسل کنید.

۳- در برخی از موارد و برای برخی از زائران پیشنهاد یک غسل مافی الذمه مناسب است چون در برخی موارد پیش آمده که

زائر غسل واجب، مثل جنابت یا غسل مسّ میت بر عهده او بوده و از آن خبر نداشته است و پس از اعمال متوجّه شده است.

۴- قبل از رفتن به مسجد شجره، زائران را نسبت به جغرافیای مسجد، محل وضو و غسل توجیه نمایید که به راحتی بتوانند اعمال را انجام دهند و زائری گم نشود و کسی در محوطه بین وضو خانه و مسجد مُحرم نشود.

۵- در پاسخ به لبیک ها به زائران تذکر داده شود که با صدای بلند پاسخ ندهند چون ضرورتی ندارد و مزاحمت برای دیگران است.

۶- اگر وقت احرام مصادف با نماز جماعت مسجد شجره شد، لازم است زائران را به شرکت در نماز جماعت راهنمایی نمایید تا از تکرار لبیک به صورت دسته جمعی و با صدای بلند پرهیزند.

۷- مسائلی که درباره احرام در مسجد گفته شد مخصوص مسجد شجره است و در سایر مواقیت، مسجد خصوصیت ندارد، و احرام در میقات، صحیح است و بردن زائران به داخل مسجد لازم نیست، هرچند اگر افراد غیر معذور داخل مسجد محرم شوند از جهاتی بهتر است.

۸- در سفر عمره پیش از رفتن به میقات، چنانچه زائران، کودک یا کودکان خود را همراه دارند، نسبت به احرام آنها و کیفیت اعمال آنها توضیح داده شود و نسبت به احرام کودکان توصیه و تشویق نشوند، چون احرام آنها مشکلاتی به همراه دارد، گفتنی است که:

الف) کودک پسر باید ختنه شده باشد.

ب) هرچه از اعمال را می تواند باید خودش بجا آورد و بقیه را باید کمکش کنند یا از طرف او انجام دهند.

ج) لباس احرامش تا پایان اعمال باید پاک باشد.

د) در حال طواف باید با طهارت باشد.

ه) در حال طواف و سعی باید بیدار باشد.

و) در حال طواف شانه چپ کودک باید به طرف کعبه باشد.

۹- کسانی که نیاز به تلقین لبیک دارند شناسایی شوند تا در میقات جدای از جمع برای آنها لبیک ها گفته شود.

۱۰- چنانچه زائران نماز واجب را در مسجد می خوانند، مثلا نماز مغرب و عشا را و پس از آن محرم می شوند، به استحباب احرام پس از نماز عمل شده، بلکه محرم شدن پس از نماز واجب ادا یا قضا از نماز مستحب افضل است.

۱۱- چون مشهور فتوای فقهاء لزوم احرام در داخل مسجد شجره است، بجز بانوان معذور همه را به داخل مسجد ببرید تا محرم شوند و احتیاط احرام در مسجد قدیم نیز قابل ارجاع به فالاعلم است.

۱۲- هر چند به زبان آوردن نیت احرام و سایر اعمال، واجب نیست ولی برخی از فقهاء مستحب دانسته اند و نیز قصد ترک محرمات را نیز عده ای لازم دانسته اند اگر برای احرام عمره تمتع این گونه گفته شود مناسب است:

به قصد شروع اعمال عمره تمتع و انجام آنها و ترک محرمات احرام، محرم می شوم به احرام عمره تمتع ... قربه الی الله

۱۳- برای گفتن لبیک، چون برخی از فقهاء وصل به سکون و وقف به حرکت را خلاف احتیاط می دانند و بعضی نیز گفتن لبیک پنجم را لازم نمی دانند اگر لبیک به سه صورت گفته شود و زائران جواب بدهند و به همین سه بار نیز اکتفا شود، کافی است:

الف) بار اول جمله به جمله هر چند با وقف به حرکت و وصل به سکون و همراه با لبیک پنجم.

ب) بار دوم به همین شیوه بدون لبیک پنجم.

ج) بار سوم با مراعات وقف به سکون و وصل به حرکت.

۱۴- چون با توسعه اخیر مدینه منوره و نزدیک شدن شهر به مسجد شجره، خارج بودن مسجد شجره از حد ترخص مشکوک است، لذا کسانی که در مدینه منوره با قصد عشره نماز را تمام می خوانند، در آنجا نیز نمازشان تمام است و می توانند برای عمل به احتیاط به صورت جمع بخوانند. (۱) ولی کسانی که قصد عشره نداشتند، نمازشان شکسته است.

۱۵- چون به فتوا یا احتیاط برخی از فقهاء در شب سوار هر ماشین مسقف شدن جایز نیست. وجه جمع بین فتاوا به این است که مقلدان مراجعی که عدم جواز را مبنی بر احتیاط می دانند به فتوای جواز سایر مراجع عمل کنند و مقلدان مراجعی که فتوای به عدم جواز می دهند چنانچه ناچار به استفاده از ماشین مسقف هستند، کفاره بدهند.

و چنانچه مقلدی بخواهد به احتیاط مرجع خود عمل کند و چاره ای جز سوار شدن ماشین مسقف نداشته باشد، باید بنا بر

احتیاط کفاره بدهد.

۱۶- کسانی که نسبت به استطاعت خود برای حجّ به یقین نرسیده اند هر چند وظیفه آنها حجّ واجب نیست ولی می توان آنها را راهنمایی کرد که به نیت وظیفه فعلیه محرم شوند تا اگر بعداً معلوم شد مستطیع بوده اند، اعمال انجام شده کافی باشد.

۱۷- پیش از حرکت از میقات، داخل اتوبوس ها از همه زائران سؤال شود که آیا همه آنها داخل مسجد شجره به نیت احرام عمره لیبیک گفته اند یا نه و چنانچه کسی باقی مانده یا شک دارد، همانجا بتواند به مسجد برود و محرم شود. و در میقات جحفه نیز از احرام سؤال شود تا پیش از حرکت و بیرون رفتن از میقات نسبت به احرام تمام زائران اطمینان حاصل شود. و نیز برخی از محرّمات احرام را، مثل نگاه در آینه، زدودن مو از بدن و استفاده از عطر و صابون و اشیاء خوشبو و پوشاندن سر برای مردان و صورت برای بانوان و حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر تذکر داد و نیز استحباب تکرار تکبیر تلبیه تا نزدیک مکه، عدم لزوم بیدار بودن در بین راه، چون برخی از زائران تصور می کنند که نباید بخوابند.

۱۸- نسبت به نگاه در آینه در اتومبیل، گاهی یادآوری آن ضرر بیشتری دارد، چون معمولاً حرکت زائران در شب است و توجهی به آینه ندارند و اگر بی توجه نگاهشان به آینه بیافتد اشکال ندارد و یادآوری آن گاهی سبب نگاه کردن می شود ولی نسبت به محل اسکان و هتل، چون غالباً در سالن انتظار، راهروها، و دستشویی ها وجود دارد، بهتر است در بدو ورود به محل اسکان تذکر داده شود.

۱۹- در صورت امکان اگر آقایان بر صندلی های جلوی اتوبوس و خانم ها بر صندلی های عقب آن بنشینند و همسران کنار یکدیگر نباشند بهتر است.

۲۰- در میقات یا در بین راه و در بدو ورود به مکه، زمان رفتن برای اعمال را یادآوری فرمائید.

۲۱- حتی المقدور اگر نزدیک تنعیم و ابتدای حدود حرم زائران را به ورود به حرم توجه داده و دعای کوتاه ورود به حرم را بخوانید بسیار مناسب است. همچنین می توانید مسجد تنعیم و منطقه شهدای فح را نیز به آنها نشان دهید.

۲۲- از آنجا که تعداد لباس احرام آقایان حداقل دو تکه است و بیشتر از آن در صورتی که شرایط لباس احرام را داشته باشد بلا اشکال است، در فصل سرما به آنان یادآوری شود که پوشیدن بیش از دو جامه احرام بلا اشکال است.

و نیز کشیدن پتو بر روی خود برای جلوگیری از سرما اشکال ندارد ولی آقایان آن را بر سر نیندازند و خانم ها بر صورت خود. ولی چنانچه دوخته باشد آقایان نباید بر دوش خود بیندازند ولی دوخته بودن حواشی آن به فتوای برخی از فقها بلا اشکال است.

۲۲- کسی که برای عمره تمتع محرم شده، وقتی خانه های مکه را ببیند، نباید لبیک بگوید لذا این مسأله، هنگام رفتن به مکه تذکر داده شود که پس از آن تلبیه نگویند.

اعمال عمره تمتع

۱- اگر وقت ورود به مکه پس از نیمه شب است، زائران را برای انجام اعمال نبرید مگر کسانی که جوانند و سرحال و آمادگی کامل دارند، چون با حالت خستگی و خواب آلودگی اولاً ممکن است در بین طواف یا سعی خوابشان ببرد افزودن بر اینکه انجام دادن این اعمال با حالت خستگی، حلاوت آن را از بین می برد و حال توجه و دعا را نیز از آنها می گیرد و بهتر است افراد توانمند را پس از صرف صبحانه حدود ساعت شش و نیم یا هفت، (آنهم با لحاظ مسأله استظلال در شهر مکه) برای اعمال به مسجد الحرام ببرید.

۲- سعی کنید زائران را در فرصتی برای اعمال به مسجد الحرام ببرید که در اثناء عمل به نماز جماعت و شستشوی مسجد برخورد نکنند. یادآوری می شود که فرصت نماز مغرب تا عشاء و ظهر تا عصر و عصر تا مغرب کوتاه است ولی فرصت نماز صبح تا نماز ظهر و نماز عشاء تا صبح زیاد است. و شستشوی مسجد نیز بیشتر در وقت خلوت مطاف مثل ساعت یک بامداد صورت می گیرد.

۳- چنانچه در اثناء طواف یا سعی نماز جماعت برگزار شده تا آخرین فرصت امکان به طواف یا سعی خود ادامه دهند تا اگر ممکن شد طواف یا سعی را به پایان برسانند که برای پس از نماز نماند.

۴- در جلسه اول مکه نکات ذیل برای زائران گفته شود:

الف) هر کس نسبت به اعمالی که انجام داده سؤال یا شک و

شبهه ای دارد سؤال کند تا وظیفه وی مشخص و مطابق آن عمل کند.

(ب) وضع نماز قصر یا تمام در مکه و کیفیت جمع بین فتاوا همان طور که در بخش مدینه گذشت یادآوری شود.

(ج) چنانچه در عمره کمتر از ده روز در مکه می مانند مسافر هستند و در حج، چنانچه پیش از اعمال حج و رفتن به عرفات حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نمازشان تمام است و بالتبع در عرفات، مشعر الحرام و منی و پس از بازگشت به مکه نیز تمام است و چنانچه پیش از رفتن به عرفات کمتر از ده روز در مکه اقامت دارند، مسافر هستند و بالتبع در مشاعر مقدس نیز نماز شکسته است و پس از اعمال و بازگشت به مکه اگر حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نماز تمام و گرنه مسافر هستند.

(د) اعمال مستحب مکه، مثل تلاوت و ختم قرآن، طواف مستحب، نماز در مسجد الحرام. و البته تلاوت (با حکم خاص نه مطلق تلاوت) اختصاص به مکه دارد نه مشاعر.

(ه) کارهای حرام بین الاحرامین پس از تقصیر عمره تمتع تا احرام حج که عبارت است از:

تراشیدن سر (به فتوای برخی از مراجع)

بیرون رفتن از شهر مکه (به فتوای برخی از مراجع)

بجای آوردن عمره مفرده

صید در حرم

کندن و بریدن گیاه و درخت حرم

۵- استظلال در شهر مکه و نیز عرفات و منی، بجز مراجعی که

جایز می دانند و آیه الله زنجانی که جایز نمی دانند بقیه آقایان مثل حضرات آیات بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی و سیستانی احتیاط واجب دارند.

۶- چنانچه پس از طواف، اذان گفته شد یا وقت اذان نزدیک بود، سعی را شروع نکنید و اعمال مکه و عمره مفرده اگر پس از سعی اذان گفته شد، نزدیک وقت نماز بود که فرصت برای اتمام آن باقی نیست، طواف نساء را شروع نکنید و چنانچه در بین اعمال به نماز برخورد کردید، باید زائران را توجیه کرد که در نقطه ای مشخص طواف و سعی خود را قطع کنند و جای آنرا به خاطر بسپارند و از همان نقطه ای که طواف یا سعی را رها می کنند در نماز جماعت شرکت کنند و سپس ادامه دهند و آن را به اتمام برسانند و چنانچه فاصله زیاد نشود طواف و سعی صحیح است ولی با فاصله زیاد نسبت به اکتفاء به آن، تفصیل میان تمام شدن نصف طواف، نظر مرجع باید لحاظ شود.

۷- جزئیات مسائل شک در تعداد دورهای طواف و سعی کمتر گفته شود چون همین امر سبب شک بیشتر خواهد شد و به طور کلی گفته شود که اگر شک و شبهه یا سؤالی پیش آمد، با تردید ادامه ندهید و حتماً حکم مسأله را پرسید و سپس مطابق وظیفه عمل نمایید و تنها این مسأله تذکر داده شود که اگر شک در تعداد دورهای طواف یا سعی پیش آید و پای نقصیه در میان باشد، مبطل طواف و سعی است.

۸- این مسأله نیز یادآوری شود، چنانچه در عملی اشکالی به نظر تان رسید یا مشکل پیش آمد، با اعاده کل اعمال عمره

مشکل حل نخواهد شد و وظیفه تمام نخواهد شد، بلکه باید مورد اشکال مشخص و چنانچه نیاز به اصلاح، تکمیل یا اعاده بوده، عمل شود.

۹- مسجد الحرام تنها حیاط وسط که کعبه در آن قرار دارد و شبستان های اطراف است ولی مسعی و محوطه اطراف مسجد که سنگفرش شده و با دیوارهای نرده ای محصور است جزو مسجد نیست و احکام مسجد ندارد.

۱۰- هروله برای زنان مستحب نیست و چنانچه سهواً انجام دادند مبطل سعی نیست و برنگردند و نیز مردان اگر هروله را فراموش کردند برای بجا آوردن آن برنگردند.

۱۱- تقصیر مکان معینی ندارد ولی مرسوم است که بر مروه تقصیر می کنند، یاد آوری این نکته لازم است که سمت چپ مروه قسمتی افزوده شده و می توانید زائران را به آن قسمت هدایت کنید تا مزاحمتی برای دیگران نباشد و بانوان بتوانند به دور از چشم نامحرمان تقصیر کنند.

۱۲- وظیفه حائض در عمره تمتع و عمره مفرده متفاوت است.

الف) در عمره تمتع اگر تا پیش از رفتن به عرفات پاک نمی شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می شود و با همان احرام باید به عرفات برود و نمی تواند برای طواف و نماز نایب بگیرد.

ب) در عمره مفرده اگر نمی تواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش بجا آورد.

۱۳- کسانی که برای نماز طواف عمره یا طواف زیارت نایب

می گیرند، اولاً باید خودشان نماز طواف را بخوانند، ثانیاً باید پس از نماز خود و نایب به سعی برود، به لحاظ آنکه ترتیب مراعات شود ولی همزمان بودن یا تقدم و تأخر نماز او با نایب اشکالی ندارد.

۱۴- کسانی که با ویلچر در طبقه دوم طواف داده می شوند و نایب نیز باید بگیرند، نیز باید ترتیب را مراعات کنند و در صورتی که خود فرد بتواند نماز را در صحن مسجد بخواند، قابل نیابت نیست و در این صورت نماز طواف باید پس از هر دو طواف باشد.

استفتاء طواف معذورین

س) افراد ناتوان که قبلاً " با صندلی چرخدار (ویلچر) یا سید (تخت روان) طواف داده می شدند، در سال جاری از طواف در صحن مسجد الحرام منع شده اند و حتی ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی باید در طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام طواف داده شوند. آیا چنین طوافی کفایت می کند یا نه، وظیفه آنان چیست؟ آیت الله بهجت: در صورت عدم امکان با رعایت الاقرب فالاقرب، کفایت می کند.

آیت الله تبریزی: احتیاط واجب آن است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیت الله خامنه ای: طواف باید دور کعبه معظمه ولو در فضای مابین زمین تا محاذی پشت بام کعبه باشد و کف طبقه

دوم مسجد الحرام اگر به قدر قامت طواف کننده پایین تر از نقطه محاذی پشت بام کعبه نباشد، طواف از طبقه دوم صحیح و مجزی نیست، و کسانی که نمی توانند در صحن مسجد الحرام ولو بوسیله حمل توسط شخص دیگر طواف کنند وظیفه شان نایب گرفتن در طواف است و احوط آن است که خودش هم در همان طبقه دوم طواف نماید.

آیت الله سیستانی: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد باید احتیاطاً "بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیت الله شبیری زنجانی: در مورد سؤال اگر ممکن باشد کسی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام ابراهیم و کعبه لازم است، و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنابر احتیاط مستحب نیز خود شخص در طبقه دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت می کند.

آیت الله صافی گلپایگانی: در فرض مذکور این افراد باید در طبقه دوم طواف داده شوند و بنابر احتیاط واجب نایب هم گرفته تا برای آنان در صحن مسجد الحرام طواف نماید.

آیت الله فاضل: در فرض سؤال چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین تر نباشد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر اینکه در طبقه دوم طواف داده می شوند، استنباه هم بنماید؛ و الله العالم.

آیت الله مکارم شیرازی: در این گونه موارد که راهی جز این نیست طواف در طبقه بالا کفایت می کند.

آیت الله نوری همدانی: طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید بوسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

آیت الله وحید خراسانی: در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجد الحرام طواف نماید و در صورتی که متمکن می باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

۱۵- نماز جماعت استداره ای در مسجد الحرام به فتوای برخی از فقهاء اشکالی دارد باید مأمومین در جهتی بایستند که خلف امام جماعت باشد یا روبروی امام جماعت نباشد، لذا توجه داشته باشید که امام جماعت مسجد الحرام در نماز صبح، مغرب و عشاء نزدیک مقام ابراهیم یا نزدیک در کعبه به نماز می ایستد و در نماز ظهر و عصر در فصل گرما (بجز در نماز جمعه) در نقطه مقابل، روبروی مستجار، داخل شبستان کنار اتاق مؤذنان به نماز می ایستد.

۱۶- نسبت به استظلال در شب و مکه، کسانی که از مکه به مسجد تنعیم می روند برای احرام عمره مفرده پس از بازگشت از تنعیم به مسجد الحرام برای اعمال عمره چند دسته اند.

الف) مقلدان فقهای که استظلال در شب و در شهر مکه (هر دو) را جایز نمی دانند نمی توانند حتی در شب با ماشین سقف دار از تنعیم بیایند.

ب) مقلدان فقہائی که استظلال در شهر مکه را جایز می دانند می توانند شب یا روز ماشین مسقف سوار شوند و فرقی بین اینکه استظلال در شب را جایز بدانند یا ندانند نیست.

ج) مقلدان فقہائی که استظلال در شهر مکه را جایز نمی دانند ولی در استظلال در شب را قائل نیستند، می توانند در شب از تنعیم با ماشین مسقف به مسجد الحرام بروند. یادآوری می شود اکثر مراجع تقلید که استظلال در شب و در شهر مکه را جایز نمی دانند، فتوای صریح ندارد بلکه احتیاط فرموده اند.

۱۷- باید توجه داشت که به فتوای برخی از فقهاء اگر عمره در ماه قبل انجام شده باشد و در ماه جدید و لو با یک روز فاصله از حرم خارج شود، مثلاً به عرفات برود، چون عرفات خارج حرم است، باید برای آمدن به مکه مجدداً محرم شود.

۱۸- سعی بین صفا و مروه باید بین الجبلین باشد و به شهادت اهل اطلاع ستونهای گنبد صفا روی کوه است و قسمت شیب دار روی مروه، و آخرین در خروجی آن در سمت راست روی کوه است. بنابراین امروزه، مردم سعی را از کوه تا کوه انجام می دهند و زدن پاشنه پا به روی صخره ضرورتی ندارد و این مسأله مربوط به زمانی بوده که از پایین کوه حرکت می کردند، بدین معنی که در کنار صفا اگر رو به مروه می ایستادند، همین که پاشنه پایشان به صفا متصل می شد، و در نهایت همین که نوک انگشت پایشان به مروه می رسید کفایت می کرد و ضرورتی نداشت که از کوه بالا بروند، ولی امروزه به طور

طبیعی بخشی از کوه را بالا می روند.

۱۹- روبروی حجر الاسود برای پوشاندن خط تیره مقابل حجرالاسود روی زمین را چسب زده اند که این قسمت چسب خورده به عرض حدود ۴ متر تا آخر مسجد امتداد دارد که خواندن نماز بر اینها سجده بر سنگ نخواهد بود که باید زائران را توجه داد.

۲۰- با توجه به محو شدن خط تیره مقابل حجرالاسود، برای نیت آغاز طواف، اگر به زائران گفته شود که از چند متر جلوتر قصدشان این باشد که از مقابل حجرالاسود طواف را شروع و به همان جا ختم شود، اشکال ندارد و لازم نیست متوجه باشند که کدام نقطه به طور دقیق مقابل حجرالاسود است.

۲۱- برای شروع طواف هرگز زائران را از مقابل حجرالاسود یا نزدیک آن به داخل صف طواف کنندگان نبرید که موجب اذیت و مزاحمت برای طواف کنندگان است بلکه در هر نقطه ای از مطاف می توانید وارد جمعیت بشوید و بدون نیت طواف به راه خود ادامه بدهید تا به نقطه آغاز آن برسید و نیز در پایان طواف برای رفتن به محل نماز طواف (پشت مقام ابراهیم) آرام آرام بدون نیت طواف همراه جمعیت به راه خود ادامه دهید تا به راحتی بتوانید از صف طواف کنندگان خارج شوید.

۲۲- در حال سعی برخی از زائران ایرانی مخصوصاً جوان ها هنگام ازدحام جمعیت برای آنکه سریع تر مسیر را بپیمایند، از کنار جمعیت و نرده های وسط حرکت می کنند و گاهی برای عبور دادن خود از فشار جمعیت یک بر شده روی از صفا یا مروه برگردانده می شود و به صورت کج کج به راه خود ادامه

می دهند، این مقدار از سعی به نظر بسیاری از فقهاء اشکال دارد.

۲۳- ممکن است در وقت ازدحام افراد ناتوان را که با ویلچر سعی می کنند در طبقه همکف راه ندهند و آنها را به طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام راهنمایی کنند، باید توجه داشت چون طبقه دوم و پشت بام بالاتر از صفا و مروه است، سعی در آنجا کافی نیست، بلکه این افراد باید برای سعی نایب بگیرند.

۲۴- برخی از زائران تا پاسی از بامداد (پس از نصف شب) در مسجد الحرام می مانند و به جهت خستگی و دیر خوابیدن، برای نماز صبح بیدار نمی شوند تذکر این مسأله لازم است که چنانچه این امور مستحب سبب ترک واجب شود، هیچ گونه ثوابی نخواهد داشت.

۲۵- اوقات اذان های شش گانه یومیه مکه به زائران گفته شود، تا در انجام فرائض دچار مشکل و اشتباه شوند، اگر فاصله اذان تا اقامه برای هر نماز هم گفته شود مناسب است. یادآوری می شود، اذان صبح و ظهری که گفته می شود مطابق وقت شرعی است ولی اذان مغرب، هنگام غروب آفتاب است نه ذهاب حمزه مشرقیه.

و اذان اول صبح که حدود یک ساعت پیش از طلوع فجر گفته می شود برای نماز شب است.

۲۶- کیفیت بجای آوردن طواف مستحب برای خود و دیگران را به زائران تعلیم دهید و نیز بر تلاوت قرآن و عبادت در مکه به ویژه در مسجد الحرام و استفاده بهتر از اوقات فراغت تأکید فرمایید.

۲۷- هر چند تلاوت قرآن در هر حال و در هر جا مستحب است ولی تأکید بر ختم قرآن در مکه مربوط به شهر مکه است و شامل عرفات، مشعر و منی نیست که اگر شخصی مقید باشد به این استحباب عمل کند باید تمام تلاوت را در مکه- هر چند در هتل- انجام دهد.

۲۸- چون جهت قبله در شهر مکه در هر سوی آن تفاوت دارد، حتی گاهی در یک هتل، در بخش های مختلف آن نیز متفاوت است و بدین سبب تشخیص قبله برای زائران مشکل می شود، مناسب است جهت قبله یادآوری شود و چنانچه در هتل علامت مشخص وجود ندارد، علامت های جهت قبله نصب شود.

۲۹- در برخی از هتل ها سنگ توالتها رو به قبله یا پشت به آن است که با کمی انحراف در نشستن مشکل حل می شود. هر چند اگر زائران متوجه نباشند مرتکب گناهی نخواهند شد.

اعمال حج

۱- محل احرام حج شهر مکه است. اکثر از فقهاء مثل امام خمینی (قدس سره) تمام شهر مکه فعلی را برای احرام کافی می دانند و برخی دیگر می فرمایند: به احتیاط واجب احرام حج باید در مکه قدیم واقع شود در این مورد با هماهنگی مدیر کاروان مقلدان آن مراجع در صورت تمایل می توانند کمی زودتر به مسجد الحرام بروند و در آنجا محرم شوند تا مشکلی پیش نیاید، چون اگر در روز هشتم ذی حجه حتی پیش از آن هم محرم شوند اشکال ندارد. بنابراین در صورت لزوم می توان

آنها را در وقت خلوت به مسجد الحرام برد تا محرم شوند هر چند در احتیاط واجب عمل به فتوای فالاعلم نیز ممکن است.

۲- کسانی که اعمال مکه را باید پیش از وقوف بجای آورند شناسایی شوند و تا وقت تنگ نشده، اقدام کنند و چنانچه تا رفتن به عرفات فاصله ای وجود دارد حتماً" به آنان یادآوری شود که در این فاصله محرم هستید و باید از محرّمات احرام پرهیز کنید.

۳- پس از محرم شدن زائران به احرام حجّ، بجای آوردن طواف مستحب خلاف احتیاط است و چون گاهی بین احرام حجّ و حرکت به سوی عرفات- مخصوصاً" برای کسانی که اعمال را جلو می اندازند- فاصله ای وجود دارد ممکن است زائران، طواف مستحب بجای آورند، تذکر این نکته نیز مناسب است.

یادآوری می شود در موارد ذیل بجای آوردن طواف مستحب خلاف احتیاط است:

(الف) پس از احرام عمره، پیش از طواف

(ب) پس از احرام حجّ، پیش از رفتن به عرفات

(ج) پس از اعمال منی و پیش از طواف زیارت

(د) بین طواف و نماز طواف و در این مورد، خواندن نماز دیگر غیر از نماز طواف نیز خلاف احتیاط است.

۴- وقوف به عرفات از ظهر روز نهم آغاز می شود بنابراین زمان حرکت به سوی عرفات به گونه ای باید تنظیم شود که حجاج قبل از ظهر در عرفات حاضر باشند و رفتن شب عرفه و استفاده از خنکی هوا و نبود مشکل استظلال وقت مناسبی است.

۵- چون در وقت وقوف (از ظهر تا مغرب) حاجیان باید در صحرای عرفات باشند و از حدود آن خارج نشوند، بنابراین نسبت به حدود عرفات، که امروزه با تابلوهای بزرگ زردرنگ مشخص شده است توجه شوند و حتی المقدور از تردد در جاهای مختلف عرفات نیز پرهیزند که احتمال گم شدن آنها زیاد است و در صورت گم شدن ممکن است از اعمال باز بمانند.

یادآوری می شود، تابلوهای مشاعر مقدس به رنگ های ذیل است.

عرفات ر؛ زرد رنگ

مشعر الحرام (مزدلفه) ر؛ بنفش

منی ر؛ آبی

۶- هر چند مستحب است نماز مغرب و عشاء در مشعر الحرام خوانده شود ولی به جهت آنکه امروزه بر اثر ازدحام جمعیت و حرکت کُند اتوبوسها ممکن است دیر وقت به مشعر الحرام برسید، توصیه می شود نماز مغرب و عشا را در عرفات بخوانید و پس از آن حرکت کنید.

۷- یکی از لحظات حساس در مدت فعالیت روحانیون کاروان ها، از عرفات تا منی است.

در سالهای اخیر به سبب وجود راه های متعدد، نرسیدن به موقع تا مشعر الحرام بسیار بعید است ولی به جهت عدم تدبیر برخی از مدیران و روحانیون گاهی برخی از کاروان ها پس از اتمام وقت وقوف به مشعر رسیده اند.

باید دانست که فاصله عرفات تا مشعر الحرام در طرق

متعدد از ۴ تا ۶ کیلومتر است، بنابراین اگر از دورترین راه هم به سمت مشعر می روید فاصله آن بیشتر از ۶ کیلومتر نیست، پس اگر در بین راه دچار مشکلی شدید، که نتوانستید با ماشین حرکت کنید، می توانید پیاده به راه خود ادامه دهید تا از وقوف در مشعر باز نمایند، و برای رسیدن به مشعر نیز حتماً باید تابلوهای به رنگ بنفش که بر آنها جمله بدایه مزدلفه نوشته شده پشت سر بگذارید.

۸- برای نیت وقوف در مشعر الحرام لازم نیست هنگام طلوع فجر بیدار باشند، بلکه اگر از سر شب قصد این را داشته باشند که از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حج در آنجا باشند کفایت می کند، لذا بهتر است، در بدو ورود به مشعر الحرام و استقرار حجج، این نکته را به آنها توجه دهید و یادآوری کنید که از هم اکنون تصمیم داشته باشید که از طلوع فجر به نیت وقوف در اینجا باشید.

۹- از آنجا که برخی از مراجع معظم تقلید مانند پیش از طلوع فجر را در مشعر الحرام به نیت طاعت الهی واجب می دانند بهتر است در عرفات یا پیش از رسیدن به مشعر یا در بدو ورود به مشعر این نکته نیز به زائران یادآوری شود که از هم اکنون در اینجا می مانیم به قصد طاعت الهی و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب نیز به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حج در این سرزمین هستیم، ان شاء الله.

۱۰- یکی از مستحبات شب عید در مشعر الحرام جمع آوری ریگ هایی است که به جمرات زده می شود، ولی لازم نیست از مشعر باشد بلکه باید از حرم باشد و مکه و منی نیز جزو حرم

است و از آنجا که در سال های اخیر بر اثر احداث خیابان ها و توقف گاههای زیاد و حصار کشی اطرف برخی از خیابان ها در مشعر الحرام جمع آوری ریگ دشوار شده و در برخی از موارد غیر ممکن است و چون معلوم نیست در شب عید در مشعر جای مناسبی که امکان جمع آوری ریگ ها باشد توقف کنید، لذا توصیه می شود زائران ریگ ها را در شهر مکه جمع آوری کنند و چنانچه در مشعر نیز جای مناسبی بودند می توانند مجدداً جمع آوری کنند و به این استحباب عمل کنند.

۱۱- حدود مشعر الحرام اکنون با تابلوهایی که سمت داخلی آن نهاییه مزدلفه و در سمت بیرونی آن بدایه مزدلفه نوشته شده مشخص گردیده و از سوی منی تا ابتدای وادی محسّر که فاصله اش تا ابتدای منی حدود ۳۰۰ متر است ادامه دارد ولی برخی افراد به غلط تصور می کنند انتهای مزدلفه، پلی است که وسط مشعر احداث شده است و مقید هستند که از این پل نگذرند و این امر سبب تراکم جمعیت قبل از پل می شود. شما می توانید از پل بگذرید و پیش از تابلوی نهاییه مزدلفه در جای مناسبی توقف کنید و چنانچه این امکان وجود نداشت و در وسط مشعر وقوف کردید، پیش از طلوع آفتاب می توانید کاروان را حرکت دهید و پس از طلوع آفتاب بیرون روید.

۱۲- در سالهای اخیر در بخشی از مشعر الحرام، از طرف منی خیمه های ثابت- همانند خیمه های منی- نصب شده است که این ها نیز برخی افراد را به اشتباه می اندازد و تصور می کنند که این قسمت جزو مناست، در حالی که چنین نیست و برای

تشخیص حدود مشعر باید به تابلوهای نهایی مزدلفه توجه داشت.

۱۳- هرچند به فتوای برخی از فقهاء، بانوان می توانند پس از لحظه ای وقوف در مشعرالحرام حتی پیش از نصف شب از آنجا بروند ولی به فتوای همه مراجع تقلید بانوان حتی اگر عذری از ماندن نداشته باشند می توانند پس از نصف شب از مشعر کوچ کنند، لذا توصیه می شود برای سهولت کار، تمام بانوان تشویق شوند که پس از نصف شب به منی بروند و رمی جمره عقبه را شبانه انجام دهند، تا قربانی آنان نیز صبح روز عید، زودتر انجام پذیرد.

۱۴- آقایانی که محرم به احرام حج هستند و شب به همراه بانوان به منی می روند، باید پیش از طلوع فجر برای وقوف به مشعر برگردند و چنانچه نایب باشند و برنگردند به فتوای برخی از فقهاء نیابت آنان نیز اشکال دارد.

۱۵- بانوانی که شب عید برای رمی می روند اگر بر اثر ازدحام یا عذر دیگری نتوانستند رمی کنند، و باید نایب بگیرند، نایب نمی تواند رمی را در شب انجام دهد، بلکه باید در روز به نیابت از وی رمی کند.

۱۶- در سال های اخیر به جهت برچیده شدن کشتارگاه های قدیمی و احداث کشتارگاههای مکانیکی جدید، باید با تدبیر و برنامه ریزی دقیق برای ذبح اقدام کنند تا تمام قربانی های زائران بطور صحیح انجام شود و برای انجام صحیح این عمل توجه به نکات ذیل لازم است:

الف) چون همه افراد کاروان نمی توانند به مسلخ بروند باید

افراد با تجربه و توانمند به تعداد لازم از بین افراد کاروان انتخاب شوند و در صورتی که روحانی یا معین بتواند آنان را همراهی کند بسیار مناسب است.

ب) حتماً از کسانی که بناست برایشان قربانی را انجام دهند، نیابت بگیرند، و صرف اینکه راضی است و خوشحال می شود کفایت نمی کند.

ج) افرادی که به قربانگاه می روند از زائران و کالت در توکیل نیز بگیرند تا اگر خودشان موفق به ذبح نشدند بتوانند به دیگری برای ذبح و کالت بدهند.

د) هر چند شرایط گوسفندان از پیش تا حدودی کنترل شده است ولی نسبت به شرایط ظاهری مثل لاغر نبودن و ناقص نبودن آن دقت داشته باشند و چنانچه دارای شرایط نبودند آنها را برگردانند و ذبح نکنند.

در خصوص شرایط گوسفندان طرح قربانی، گزارش مدیریت برنامه ریزی و نظارت بر ذبح قابل توجه است: دامهای طرح قربانی در موسم حج، چهار مرحله معاینه و آزمایش را تا هنگام ذبح طی می کنند.

اول- آزمایشی در بندر ورودی

این آزمایش شامل معاینه ظاهری گوسفند و آزمایش نمونه های خون (آزمایش باکتری، و فیرولولوژی بیماری ها)، آزمایش تشریحی برخی از نمونه هایی که به طور نامنظم و اتفاقی گرفته می شود.

دوم- معاینه قبل از ورود به منطقه مشاعر مقدسه در مکه مکرمه که این اقدام قبل از خارج کردن

دامها از مزرعه و بارگیری به مشاعر مقدسه صورت می گیرد.

سوم- هنگام تخلیه دامها در کشتارگاه ها که توسط دامپزشکان متخصص در معاینه دام و روحانیون ارجمند و متخصص مسائل شرعی صورت می گیرد و هرگونه دام بیمار، لاغر و یا دارای نقص و عیب پزشکی یا شرعی، کنار گذاشته می شود و توسط همان خودرو عودت داده می شود و حتی اجازه نمی دهند که پای دام به زمین کشتارگاه در منطقه واقع در خارج از محدوده مشاعر مقدسه در مکه مکرمه برسد.

چهارم) معاینه قبل از ذبح: این قبیل معاینات درون آغل ها صورت می گیرد. در این معاینات کلیه گوسفندها قبل از ذبح مورد معاینه قرار می گیرند و هر موردی که نشانه ای از بیماری هنگام حضور در آغل ها در آن دیده شود و یا اینکه بخشی از شاخ آن شکسته باشد و یا از لنگی رنج ببرد و یا فاقد هر کدام از شروط شرعی باشد، شرعاً "اجازه ذبح آن داده نمی شود و این معاینات توسط دامپزشکان متخصص در امر معاینات و روحانیون آشنا به مسائل فقهی انجام می شود.

اما در خصوص بیضتین، معاینات لازم در این خصوص را در حج گذشته انجام داده ایم و مشخص گردید که برخی از نژادهای گوسفندها بنا به دلایل زیر با اضمحلال بیضتین مواجه هستند: برخی از نژادها به دلایل ژنتیکی بخاطر اضمحلال بیضتین انتخاب شده اند، زیرا این امر باعث رشد سریع دامها و افزایش وزن آنها و

همچنین بهبود طعم و مزه گوشت و کیفیت آن می شود. پژوهشگران سعی کرده اند نژادی را انتخاب کنند که از بیضه کوچکتري برخوردار باشند و از لحاظ ژنتیکی روی آنها کار کنند و این صفت را از نسلی به نسل دیگر تقویت کنند تا به نژادی رسیدند که از بیضه با حجم کوچکتري برخوردار باشند. هدف از این اقدام دستیابی به ویژگیهایی بود که در نسل های قبلی این نژادها وجود نداشت. در این خصوص لازم است به موارد زیر اشاره شود:

گوسفندهای مزبور مورد معاینه ظاهری قرار گرفتند و مشخص گردید که نه فقط کیسه بیضتین سالم بوده و هیچگونه عمل جراحی جهت اخته کردن آنها صورت نگرفته و آثار هیچگونه زخم یا برش زخم کهنه در کیسه بیضه ها مشاهده نشده، بلکه در حجم طبیعی بوده که نشان می دهد کلیه رگها و مویرگها تغذیه دهنده بیضه ها طبیعی بوده و مورد کوفتگی، پارگی، قطع و یا عمل جراحی در طول دوران رشد دام قرار نگرفته است.

همچنین معاینات و آزمایشات تشریحی دامها پس از ذبح به عمل آمده و مشخص گردید که بیضتین موجود بوده و با در نظر گرفتن نژاد اصلاح شده آنها، حالت عادی دارند و کوچکی بیضه ها ناشی از گزینش ژنتیکی بوده و نه از عمل جراحی اخته کردن بیضه ها.

وضعیت آنها به این شکل بزرگترین دلیل بر عدم دخالت عمل جراحی در این خصوص است. پس از آزمایش و معاینه مشخص گردید که کلیه

گوسفندها از سلامتی برخوردارند و طبق احکام فقه و شریعت کفایت می کنند.

ه) گزارش فوق به محضر مراجع عظام تقلید جهت اظهار نظر ارائه شد و ذبح چنین حیوان هایی را کافی دانستند.

و) در ذبح حیوان نیت و قصد نیابت و جهت قبله و گفتن بسم الله فراموش نشود.

ز) هرچند ذابحین برای خود قربانی نکرده باشند یا تقصیر نکرده باشند، ذبح حیوان اشکال ندارد.

ح) چون لباس احرام باید پاک باشد و چنانچه نجس شود تطهیر آن لازم است، حتی المقدور مراعات کنند تا لباس احرامشان نجس نشود.

ط) چون مسلخ های فعلی خارج از منی است، و حلق و تقصیر در آنجا صحیح نیست باید افرادی که به مسلخ می روند توجه داشته باشند که پس از قربانی در آنجا و حتی کنار مسلخ تقصیر نکنند بلکه به منی برگردند و نیز توجه داشته باشند که چون تقصیر نیز باید در روز عید انجام شود پیش از غروب به منی برگردند و آخرین عمل روز عید را نیز انجام دهند.

۱۷- برای بجای آوردن اعمال روز عید ترتیبی اتخاذ شود که تمام اعمال در روز عید قربان انجام داده شود، لذا پس از ورود به منی و صرف صبحانه و آماده شدن زائران آنها را برای رمی جمره عقبه روانه کنید چون اگر تاخیر شود و رمی به ظهر یا بعد از ظهر بیافتد ممکن است موفق به اتمام اعمال روز عید نشوند.

۱۸- برای رفتن به جمرات چنانچه راه های وسط منی شلوغ باشد می توانید از راه های کنار سمت راست و چپ استفاده کنید.

۱۹- چنانچه یک یا چند نفر از زائران از رمی جمره بازماندند یا مفقود شدند، اعمال بقیه به تاخیر نیافتد، و می توانید یک یا دو نفر از افرادی که بناست به مسلخ بروند، بمانند تا به نیابت از چند نفر باقیمانده، دیرتر بروند و به همکاران خود ملحق شوند.

۲۰- به کسانی که موظف به حلق هستند، نسبت به نظافت محل و طهارت بدن و لباس و محیط زندگی تذکر داده شود و نیز یادآوری گردد کسانی که خودشان حلق یا تقصیر نکرده اند نمی توانند برای دیگران حلق کنند یا برای تقصیر موی او را بچینند.

۲۱- چون به فتوای برخی فقهاء کسانی که در روز عید موفق به قربانی نشده اند باید رمی و حلق را در روز عید انجام دهند و قربانی را در روز بعد انجام دهند، لذا باید با مراجعه به مناسک مراجع، زائران را راهنمایی کرد.

۲۲- نیت بیتوته را پیش از وقت به زائران تذکر دهید و همین که قصد کنند که نصف شب را به عنوان بیتوته در منی بمانند قربه الی الله کفایت می کند و اگر در آغاز بیتوته نیز در جلسه حضور نداشته باشد یا توجه نداشته باشند اشکال ندارد.

۲۳- چون به فتوای برخی از فقهاء از جمله امام خمینی (قدس سره) بیتوته نیمه اول شب واجب است و به فتوای همه فقهاء صحیح است بهتر است برای بیتوته همه زائران نیمه اول شب انتخاب شود.

۲۴- مراحل سه گانه خروج از احرام حجّ یادآوری شود، که تصور نکنند با حلق یا تقصیر تمام محرمات حلال می شود مخصوصاً "نسبت به استفاده از صابون و شامپوی خوشبو و نیز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر تذکر داده شود.

۲۵- بیرون رفتن از منی پس از بیتوته اشکال ندارد و از آنجا که در شب یازدهم و دوازدهم پس از بیتوته برخی از زائران بخواهند از منی بیرون بروند باید توجه داد که پیش از نیمه شب از حدود منی نگذرند و چون محاسبه نیمه شب برای بیتوته و نیمه شب برای تعیین آخر وقت نماز عشاء تفاوت دارد و گاهی حدود نیم ساعت با تاخیر می باشد، لذا نباید پیش از این وقت بروند، هر چند حرکت آنها از محل کاروان اشکال ندارد ولی پیش از نیمه شب نباید از منی خارج شوند.

۲۶- به زائران توجه دهید که برای رفتن به جمرات و انجام دادن رمی عجله نکنند و کیسه سنگ اشتباهی بر ندارند که سنگ ها باید مباح باشد و در صورتی که اشتباه شود، و صاحبش راضی نباشد، رمی صحیح نیست.

۲۷- با توجه به توسعه جمرات و سهولت رمی و خلوتی اطراف آن رمی در طبقه اول نیز راحت تر شده و چنانچه برخی از زائران مقلد مراجعی هستند که رمی در طبقه دوم را بنا بر احتیاط صحیح نمی دانند، می توان تمام آنها را برای رمی در طبقه اول برد، افزون بر اینکه تعداد معذورین از رمی نیز کاسته شده اند.

استفتاء رمی جمرات توسعه یافته

س- ستون قبلی جمرات در طبقات پایین و بالا در هر جمره به صورت دیواری به طول ۲۵ متر و عرض یک متر ساخته شده است که تشخیص محل قبلی ستونها و ایستادن در آن محل پرازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن است، از این رو خواهشمند است بفرمایید تکلیف حجّاج در رمی جمرات

چیست؟ و آیا رمی تمام دیوار ۲۵ متری کفایت می کند یا خیر؟

ج- آیت الله بهجت: اگر ضرورت است، به این که ممکن نیست سؤال شود که از کجه زیاد شده، اشکال ندارد؛ و الله العالم.

آیت الله تبریزی: با فحص و سؤال از کسانی که از کیفیت بنا اطلاع دارند به دیوار جدیدی که مقابل ستونهای قبلی قرار گرفته رمی کنند و اگر تشخیص محل قبلی ستون ها و ایستادن در محل پرازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن بود (با توجه به نقشه ارسالی به این جانب از جمرات جدید) چنانچه وسط دیوار جدید را در نظر بگیرند و رمی کنند، مجزی است ان شاء الله تعالی.

آیت الله خامنه ای: اگر می تواند بدون عذر و مشقت، به آنچه در محل ستون قبلی قرار دارد رمی کند، واجب است به آن رمی نماید و اگر جستجو از محل آن و رمی به آن مستلزم عسر و مشقت است به هر نقطه آن دیوار رمی کند مجزی است ان شاء الله.

آیت الله سیستانی: اگر دیوار موجود، مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هرچند به کمک اهل خبره قبل از رمی میسور باشد، باید همان قسمت را رمی کنند و اگر میسور نباشد، به احتیاط واجب، باید رمی را تکرار کنند، مگر مقداری که مستلزم حرج با ضرر است.

آیت الله شبیری زنجانی: بلی کفایت می کند.

آیت الله صافی گلپایگانی: در مورد سؤال با وضع فعلی بعید نیست رمی در هر قسمت جمره کافی باشد. البته

مهما امکن، احوط و اولی مراعات رمی به حدود ستون قبلی است؛ و الله العالم.

آیت الله فاضل: بلی، در فرض مزبور رمی جمرات فعلی کفایت می کند.

آیت الله مکارم شیرازی: پرتاب سنگ به آن حوضچه، هرچند بزرگتر از سابق شده است کافی است، و اگر به دیوار مزبور بزنند تا در حوضچه بیفتد، آن هم کفایت می کند، و هیچ ضرورتی ندارد که جای ستون سابق را پیدا کنند و به آن بزنند.

۲۸- چون بسیاری از غیر شیعیان رمی روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه را پیش از ظهر صحیح نمی دانند لذا بعد از ظهر این دو روز جمرات شلوغ است که حتی المقدور باید در این دو روز زائران برای رمی پیش از ظهر اقدام کنند.

۲۹- باید توجه داشت کسانی که عذر آنها راه رفتن و پیمودن مسیر خیمه ها تا جمرات است ولی از رمی معذور نیستند یعنی اگر آنها را به پای جمره یا نزدیک آن ببرند می توانند خودشان رمی را انجام دهند، چنین افرادی اگر امکان اجاره ماشین یا ویلچر داشته باشد تا آنها را به جمرات ببرد، نمی توانند به دیگری نیابت دهند، و در روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه مخصوصاً در اوقات خلوت امکان استفاده از ماشین هایی که به طرف جمرات می روند (با دادن کرایه) ممکن است.

۳۰- کسانی که در روز عید، قربانی یا حلق نکرده اند روز یازدهم می توانند پیش از انجام این دو عمل، رمی جمرات را انجام دهند.

۳۱- باید توجه داشت که رمی در شب برای بانوان (به طور مطلق) اختصاص به رمی روز عید قربان دارد ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه تنها بانوانی که نمی توانند در روز رمی کنند رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتوانند در روز، خودشان انجام دهند نمی توانند شب رمی کنند.

استفتاء

س) آیا می شود زنها را در شب دهم بعد از نصف شب از مشعر به منی بیاورند و همان شب، آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند تا شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج) برای زنها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

۳۲- ترک بیتوته برای کسانی که تمام شب را در مکه به عبادت مشغول باشند مانعی ندارد و می توانند طواف و سعی و سایر اعمال پس از منی را انجام دهند ولی اگر اعمال تمام شد نمی توانند آن شب را به منی برگردند بلکه باید بمانند و بقیه شب را تا صبح عبادت کنند اما لازم نیست در مسجد الحرام باشد، بلکه در شهر مکه کفایت می کند، ناگفته نماند که ماندن در منی از عبادت در مکه افضل است.

۳۳- حجاج در روز دوازدهم بعد از ظهر می توانند از منی خارج شوند و زودتر از این وقت نباید از منی کوچ کنند، ولی توجه به دو نکته مفید است.

الف) بیرون رفتن از حدود منی پیش از ظهر به قصد بازگشت به منی یعنی اگر بیرون رود و پیش از ظهر برگردد و بعد از ظهر کوچ کند، اشکال ندارد. و نیز اگر برای رمی جمرات برود و از جمره عقبه که نهایت منی است بگذرد و باز به منی برگردد اشکال ندارد، بلکه کوچ از منی بدان معناست که به قصد برنگشتن از منی برود.

ب) اگر شب دوازدهم پس از بیتوته، زائری از منی بیرون رود، به فتوای برخی از فقهاء واجب است که به منی برگردد تا بعد از ظهر کوچ کند ولی برخی دیگر برگشتن به منی را واجب نمی دانند لذا می تواند عصر برای رمی برگردد و پس از رمی جمرات از منی خارج شود ولی چنانچه تا غروب از منی نرود باید شب سیزدهم را نیز در منی بیتوته کند و روز سیزدهم نیز جمرات را رمی کند.

۳۴- کاروانهایی که پس از ایام تشریق باید به مدینه بروند یا به ایران برگردند، به زائران خود توصیه کنند شب یازدهم یا دوازدهم نیمه اول را قصد بیتوته کنند و قسمتی از آن را استراحت کنند و پس از نیمه شب برای اعمال به مکه بروند. چون در ایام تشریق بهترین وقت از نظر خلوتی برای اعمال در این دو شب، پس از نیمه شب است.

۳۵- هرچند خانم هایی که احتمال حائض شدن آنان پس از اعمال منی وجود دارد و نمی توانند تا وقت پاک شدن در مکه بمانند،

اعمال مکه را پیش از وقوف به جای خواهند آورد. ولی چنانچه زنی اعمال مکه را به جای نیاورده بود، و حائض شد باید توجه داشت که وظیفه حائض در عمره تمتع با اعمال مکه تفاوت دارد که در عمره تمتع در صورتی که می داند تا پیش از ظهر عرفه پاک نمی شود باید به افراد عدول کند ولی در اعمال مکه باید برای طواف و نماز طواف نایب بگیرد و سعی را خودش با مراعات ترتیب به جای آورد.

۳۶- به علل زیر زائران به انجام عمره مفرده- پس از اعمال- تشویق نشوند، حتی برخی افراد را باید برحذر داشت:

الف) به فتوای برخی از فقهاء مراعات فاصله بین دو عمره شرط است.

ب) ممکن است در اعمال آنها مشکلی پیش بیاید یا همچنان در احرام بمانند.

ج) سبب ازدحام مطاف و سعی خواهد شد و این امر موجب دشوار شدن طواف و سعی واجب دیگران است.

۳۷- اگر در اعمال، مشکل فقهی برای زائری پدید آمد که فتوای مرجع تقلیدش در دسترس نیست باید او را به طریق احتیاط راهنمایی کرد و با عمل به احتیاط مشکل مرتفع خواهد شد و برخی از مسائل که عمل به آن فوری نیست مثل کفاره برخی از محرمات، باید وا گذاشته شود تا در آینده فتوای مرجع تقلیدش به دست آورده شود و راهنمایی گردد.

والحمد لله اولاً و آخراً

آزموده ها، ج ۷، ص: ۲

جلد ۷

اشاره

ص: ۱

مقدمه

حج جلوه‌های بارز از اعتلای دین حق و نمایشگر تمامیت اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. حج سفری معنوی است، که بندگان خداجوی به عشق و شوق لقای حق و در جهت تبعیت از دستورات الهی و پالایش روح خود به آن همت می‌گمارند. حج سیر متعالی است که با دل‌کندن از همه تعلقات دنیوی شروع میشود و تا دیدار یار در جهت کسب مدارج عالی بندگی ادامه می‌یابد. حج بهترین میعاد گاه ملل مسلمان است که در آن مسلمانان با یکدیگر آشنا میشوند و ضمن بررسی مشکلات، در صدد رفع آن برمی‌آیند. حج یادآور رنجها و مصائب چندین ساله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مسیر اعتلای اسلام و رستگاری بشریت است. در این رهگذر این روحانیون بزرگوار هستند که میتوانند ضمن حفظ دستاوردهای نهضت و شریعت احمدی با تأسی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان رسالت، هدایتگر خوبی برای زائران بیت الله الحرام باشند و با تبلیغ آموزه‌های دینی، زمینه‌های گرایش مردم را به دین تقویت نمایند.

بر همین اساس و به منظور ماندگار سازی و ترویج و تعمیق فرهنگ و معارف حج، کمیته تدوین معاونت امور

روحانیون، طرح " ره آورد سفر حج " را برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ برگزار کرد.

این طرح که در اولین مرحله- با توجه به محدودیتهای موجود- از روحانیون و معینهای کاروانها شروع شد، در مراحل و سالهای بعد به ثبت خاطرات و تجارب زائران بیت الله الحرام خواهد پرداخت.

سال گذشته در جلسه عمومی روحانیون حج، با تقدیم برگه ثبت ره آورد و آیین نامه نگارش آن، از روحانیون و معینهای محترم کاروانها خواسته شد ره آورد سفر خود را در سه بخش مستقل (خاطرات، شبها، توصیه ها و تجربه ها) نوشته و همراه با دفترچه کنترل اعمال به معاونت امور روحانیون ارسال نمایند.

خوشبختانه اولین دوره، با استقبال روحانیون مواجه شد و بیش از ۹۶ ظ اثر به معاونت امور روحانیون رسید. این آثار پس از جداسازی، طبقه بندی و تایپ و تصحیح به سایت معاونت وارد شد. همزمان با ورود اطلاعات، کار داوری آثار نیز آغاز شد و آثار برگزیده پس از چهار مرحله داوری انتخاب شدند تا در کنگره حج سال ۸۴ از آنها تجلیل و تقدیر به عمل آید.

در مرحله بعد، مجموعه اطلاعات جمع آوری شده برای بررسی، پردازش و بازنویسی در اختیار گروهی از نویسندگان، مؤلفان و فضیای حوزه قرار گرفت و در نتیجه مجموعههای سه جلدی با عنوان " ره آورد سفر حج " برای انتشار آماده شد.

از این مجموعه سه گانه، یکی هم " پیامهای ماندگار "

است که بر مبنای توصیه ها و تجارب ارسالی روحانیون حج ۸۳ و با قلم روان و شیوای محقق و نویسنده ارجمند حجهالاسلام و المسلمین حمید نگارش تدوین شده است. جا دارد همین جا از پیگیریها و تلاشهای خستگی ناپذیر کمیته تدوین در برگزاری مطلوب اولین دوره ره آورد سفر حج و نیز از اهتمام و نغز اندیشی نویسنده محترم تجلیل و تقدیر به عمل آید.

فرصت را مغتنم می شماریم و از همه روحانیون و معینهای محترم کاروانهای حج برای مشارکت فعال در طرح ره آورد سفر دعوت میکنیم.

منظور از مشارکت فعال، اهتمام روحانیون کاروانهای حج به نوشتن دقیق و مستند خاطرات، تجارب و توصیه هایی است که آگاهی از آنها را بویجه برای دیگر روحانیون حج مفید و ضروری میدانند. بی شک این رویکرد معلومات ارزشمند روحانیون را از حصارهای فردی و ذهنی خارج کرده و با عبور از مرزهای زمانی و جغرافیایی امکان انتقال و بهره وری را برای دیگر ملتها و فرهنگها و نسلهای آینده فراهم میآورد.

در پایان این فراز ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای کلیه عوامل و خدمتگزاران حج و حاجیان توجه روحانیون محترم را به چند نکته جلب میکنیم:

- نقطه نظرات انتقادی، اصلاحی و تکمیلی خود را پیرامون این شماره از آزمونها به نحو مقتضی برای معاونت ارسال فرمایید.

- در ثبت و نگارش ره آورد سفر حج امسال و سالهای

بعد از تکرار و بازگویی نکاتی که در این شماره یا شماره های پیشین آمده است، خودداری فرمایید و صرفاً به ذکر مطالب و نکته های بدیع بسنده کنید.

- تجارب و توصیه های جدید و کاربردی خود را در مورد انجام صحیح و کامل اعمال و مناسک حج تدوین و بعد از موسم ارسال فرمایید.

- برای اطلاعات بیشتر درباره نحوه نوشتن ره آورد سفر حج و چارچوب ها و ضوابط آن، حتماً به آیین نامه طرح که به ضمیمه حکم مأموریت به شما تقدیم میشود، مراجعه فرمایید و آن را دقیقاً مطالعه فرمایید.

معاونت امور روحانیون

بعثه مقام معظم رهبری

بخش اول: مبانی و اصول تبلیغ

تبلیغ

دین مقدس اسلام برترین پیام آسمانی را برای هدایت و سعادت انسان به ارمغان آورده است. این پیام را پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در قالب بشارت به نیکیها و انذار از بدیها به مردم جهان رسانیده است. قرآن کریم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) میفرماید: وَمَا ارْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (۱) و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا آنها را به پاداش الهی بشارت دهی و از عذاب او بترسانی.

کوششهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن گاه به بار مینشیند و پیام الهی وقتی در جان آدمی سکنی میگزیند که چند عامل، کار افتند که مهمترین آنها رسانیدن پیام به گوش انسان است یعنی تبلیغ دین.

از آنجایی که رسالت عظیم روحانیون، تبلیغ در رساندن پیام دین به مردم است، میطلبند که در این باب و اجزای آن بیشتر گفتگو نمائیم.

ضرورت و اهمیت تبلیغ

در جهان امروز که بحرانهای فرهنگی، در صدد تهی کردن انسان از معنویت میباشند، تبلیغ دین و ارزشهای نشأت گرفته از آن به جهت مقابله با این بحرانها ضرورت و بجهای پیدا میکند. این ضرورتها از منظر عقل و دین قابل بررسی است.

الف- از نظر عقل: در عصر خاتمیت اقتضاء میکند که روحانیون و مبلغان محترم، این جایگاه رفیع انبیاء الهی را حفظ کرده و از هیچ کوششی در انتشار سخنان و اهداف پیام گذاران دین دریغ نوزند و دین و هویت نشأت گرفته از آن را پاس بدارند. امام خمینی (قدس سره) در این خصوص میفرماید: مسئله تبلیغات یک امر مهمی است که میشود گفت در دنیا، در رأس مهمی امور قرار گرفته است و دنیا بر دوش تبلیغات است. بالاترین چیزی که میتواند این انقلاب را به ثمر رساند و به خارج صادر کند تبلیغات است. (۱)

بدیهی است که بهترین هنگامه برای تبلیغ روحانیون، کنگره عظیم حج است و باید از این فرصت ناب به نحو احسن استفاده نمود.

ب- از منظر دین: اگر رسالت یک مکتب محدودی خاصی را در بر گیرد، قهراً شعاع پیام رسانی و تبلیغ آن نیز محدود خواهد بود. اما از آنجا که رسالت مکتب اسلامی

جهانی و جاوید می‌باشد، گسترهی پیام رسانی آن نیز نامحدود است. از این روست که تبلیغ در دین دارای جایگاه والایی است و از اساسی‌ترین وظیفه انبیاء در قرآن شمرده شده است. مرحوم طبرسی در ذیل آیهی شریفه *ي وَ مَن أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلٍ صَالِحٍ* (۱) می‌فرماید: و فی هذه الایه علی أنَّ الدعا الی الدین مِّن اعظم الطاعات و الواجبات (۲). آیه دلالت می‌کند که دعوت به سوی دین از بزرگترین عبادات و واجبات می‌باشد. (۳)

اهداف تبلیغ دین

هر تبلیغی متضمن اهداف مشخص است و مبلّغ میکوشد که به آن اهداف، جامه عمل بپوشاند و این اهداف هر چه با ارزشتر باشد جایگاه تبلیغ، رفیعتر میشود. در این قسمت به چند هدف مهم تبلیغ در دین اشاره میشود:

۱- دعوت به توحید، بندگی خدا و اجتناب از طاغوت: قرآن کریم می‌فرماید: *وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ* (۱)

۱- فصلت / ۳۳.

۲- تفسیر مجمع البیان / ج ۲۲ / ص ۵۹.

۳- آیه مفهوم گستردهای دارد که تمام منادیان توحید را فرا می‌گیرد، هر چند برترین مصداقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و درجه بعد معصومین و بعد از آنها، تمام علما، دانشمندان و مبلغان اسلام از هر قشر و گروه می‌باشد این آیه بشارتی بزرگ و افتخاری بینظیر است برای همه آنها که میتوانند به آن دلگرم باشند.

عبداللہ و اجتنبوا الطاغوت (۱) در هر امتی رسولی برانگیختیم تا بگوید خدای یکتا را پرستید و از طاغوت پرهیزید.

حج، نماد عینی توحید و بندگی و اجتناب از طاغوت است. همه یکدست و یکرنگ دور خانه حضرت دوست میچرخند، دل از دنیا بریده، همه یک صدا، او را میخوانند و دعوت او را اجابت مینمایند و پا جای پای موحد بزرگ و کوبنده ی بتها و طاغوتیان با همه، ندای توحید و عبودیت سر میدهند و نماز میگذارند.

۲- توجه دادن به معاد: اَفَحَسِبْتُمْ اَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا و اَنْكُمْ الیْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۲) آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمیگردید؟

حج نمادی از حشر آدمیان و جمع آنان در یک نقطه از همهی عالم با همه رنگ و قیافه، ولی با یک لباس و یک شکل و شمایل.

۳- زنده کردن دلها و روحها: یا ایها الذین امنوا استجیبوا للهِ و للرسول اذا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۳) ای کسانی که ایمان آوردید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید که شما را به سوی چیزی میخواند که شما را حیات میبخشد.

۴- نوید و هشدار: یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیر (۴)

۱- نحل / ۳۶.

۲- مؤمنون / ۱۱۵.

۳- انفال / ۲۴.

۴- احزاب / ۴۵-۴۴.

ای پیامبر ما تو را گواه و هشدار دهنده و بشارتگر فرستادیم و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک.

در ایام حج زیارات دوره و جلسات و ... فرصتهای طلایی است که روحانیون محترم به اهداف عظیم دین، همچون تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، برانگیختن فطرت و عقل، توجه دادن انسان به مقام و منزلت خویش در هستی و ترغیب به شکوفایی این منزلت برای رسیدن به غایت خلقتش و ... عنایت داشته باشند و از این فرصتها در ساختن انسانها برای برپایی حج ابراهیمی استفاده نمایند. مقام معظم رهبری در این باره میفرماید: وظیفه اساسی، روحانیون هدایت مردم به سمت اهدافی است که قرآن کریم و پیامبران در طول تاریخ ترسیم کردند روحانیون باید میراث فخیم علمای دین در طول این هزار سال را حفظ کنند و هدایت مردم را استمرار دهند، باید به منقلب کردن دلها و روشن کردن ذهنها و تصحیح مسیرها و جهتگیریها و خالص کردن اعمال و تحول درونی مردم به یک مؤمن واقعی با اخلاص همت گمارند. (۱)

از آنجا که پیام، پیامگذار و پیام گیرنده مهمترین ارکان تبلیغ است مطالبی را در این خصوص متذکر میشویم.

الف- پیام و اهمیت آن

اشاره

پیام هر قدر از محتوا و جذابیت و کارایی لازم و درک فرهنگ زمان برخوردار باشد اهمیت بیشتری دارد. پیام الهی اسلام دارای همین امتیازات بود که توانست در میان توده های مردم گسترش یابد و به همین دلیل است که سران شرک در مکه شبانه و به طور مخفیانه، پشت دیوار خانه پیامبر میآمدند تا آوای دلنشین قرآن را بشنوند و هر روز تعدادی به جمع مسلمانان افزوده میشد. بدیهی است که پیامهای بزرگ و مهم است که در برابر هر مانعی ایستادگی میکند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در برابر تمام موانع مقاومت کردند و پیام حق را به گوش همه جهان رسانیدند. و به جهت همین منزلت پیام بود که انقلاب اسلامی با تاسی به پیامهای نورانی اسلام شکل گرفت و توانست دلهای مردم را به خود معطوف کند.

ویژگیهای پیام

۱- حق بودن: حق در لغت به معنی ثابت و ثابت شدن، ثابتی که انکار آن روا نباشد. و چون در پیامهای الهی مبدأ پیام، خود، حق مطلق است پیام او هم حق است. والذی انزل الیک من ربک (۱) سخن، وقتی به خدا استناد

-۱

داده شود هیچ تردیدی در محتوا و مدلول آن راه نمیابد لذا هم سند و هم متن و هم استناد کلام، مصون از شک است.

۲- عقلانی بودن: اگر پیامی با عقل و منطق سازگاری داشته باشد، انسان به سان یک مغناطیس آن را جذب میکند. استاد مطهری میفرماید: عقلانی بودن یک پیام یعنی اینکه پیام چه آورده؟ و با نیازهای انسان چه انطباقی دارد؟ و اینجاست که رسالت روحانیون عزیز، سنگین میشود که خردمندانه و مدبرانه عمل کنند و پیام دین را حکیمانه تبلیغ کنند تا هم با موازین علمی و هم با موازین عقلی هماهنگ باشد. در ایام حج تمام اعمال را با دلیلهای حکیمانه آن برای زائران توضیح دهند.

۳- محرک بودن عواطف: روحانیون باید همانند انبیاء در امر تبلیغ دین و ارائه پیام آسمانی، محرک عواطف و احساسات مخاطبان باشند، لذا باید مطالب را به صورت ساده و آسان مطرح نمود تا بتوان ارتباط نزدیک و صمیمانهتری با مخاطبان و زائران ایجاد نمود.

۴- هدایتگر بودن: از دیگر ویژگیهای پیام هدایتگری آن است. یعنی این قافله بشری که در مسیر خاص حرکت مینماید نیاز به یک رهبر خبره دارد تا از فراز و نشیبهای راه و از قوانین و تحولات مسیر آگاه باشد و بتواند بخوبی آگاه نماید.

۵- تناسب با نیاز مخاطب: پیام باید متناسب با قدرت

فراگیری، طرز تفکر، شایستگی، فرهنگ و درک پیام گیرنده باشد. توجه به این مطالب، زمینه متناسب پیام با نیاز مخاطب را فراهم میکند. اگر پیام الهی در دلها نفوذ میکند و همگان را تحت تأثیر قرار میدهد به جهت انطباق با نیازهای بشر است. لذا روحانیون محترم عنایت دارند که نیاز مخاطب با توجه به سن و تحصیلات او متغیر است. هرچه جوانتر و تحصیل کرده باشد، باید بر غنای پیام خویش بیفزاید تا او را غنا بخشد و سیراب از زلال پیام الهی گردد. و برای عزیزان مسن و کم سواد بر سهولت پیام و راحتی پذیرش آن بیفزاید تا سنگینی کلام بر سختی اعمال و کسالت و آزرده‌گی او نیفزاید.

۶- روشن و گویا بودن: پیام اگر صریح، روان و عاری از الفاظ و واجه‌های پیچیده ارائه شود، روشن و گویا خواهد بود. لذا روحانیون عزیز به نکات زیر عنایت داشته باشند:

الف- در ارایه پیام از کلمات روان، فصیح و زیبا استفاده شود.

ب- از تندگویی و شتابزدگی اجتناب و سعی کنید که کلام و پیام شما به درازا نکشد. در عین اختصار، وافی به مقصود باشد.

ج- زمان، مکان، سطح فکر، روحیات و قدرت فراگیری مخاطبان را کاملاً شناسایی کنید، آنگاه به ارایه پیام مبادرت ورزید.

سایر ویژگیهای پیام به صورت گذرا اشاره میشود:

۷- جامعیت: پیامی جامعیت دارد که پاسخگوی همه نیازهای مادی و معنوی روحی، فردی و اجتماعی انسان باشد.

۸- جاودانگی: پیامی که هماهنگ با نظر بشر، انعطاف پذیر و در عین سهولت، حاوی ادله منطقی و عقلانی باشد جاودانه و فراگیر است.

۹- کاربردی بودن: اگر پیامی با عبارت ساده، پربار، کوتاه در قالب ادبیات روز و به جهت گره گشایی پیام گیرنده منتقل شود، آن پیام کاربردی خواهد بود.

چنانچه مناسب به صورت جملات کوتاه و ساده بیان شود و مطالب دشوار با مثل، تشبیه و با استفاده از ادبیات روز عنوان شود ابهامی برای زائران باقی نمیماند. عبارت زیر یک عبارت کاربردی است.

سوز اشکهای فاطمه (علیها السلام) هنوز پای عارفان را در بیت الاحزان او سست میکند و کمر ابرار را میشکند و آتش به جان اولیاء الله میاندازد، معاذالله که رشحه هیچ قلمی بتواند با اشک سوزناک علی به هنگام شستن پیکر فاطمه (علیها السلام) برابری کند. کجاست اسماء؟ از او پرسید فرشتگانی که در اشکهای آن هنگام علی (علیه السلام) به تبرک غسل میکردند بال و پرشان نسوخت؟ آنچه بر پیشانی تاریخ تشیع چروکهایی این چنین آفریده، دردهایی از این دست است. دردهایی که گفتنی نیست، بیان کردنی نیست، (۱)

ب- پیام گزار

اشاره

تعریف: پیام گزار کسی است که پیام دین را با استفاده از روشها و ابزارهای مشروع به مردم میرساند و از کسی جز خدا واهمه ندارد و اجر و پاداش کوششهای تبلیغی خود را تنها از او میخواهد. چنانچه قرآن میفرماید: الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیب (۱) (پیامبران) کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی را میکنند و تنها از او میترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و همین بس که خداوند حسابگر و پاداش دهندهی اعمال آنهاست.

جایگاه پیام گزار: کار مبلغ دینی، هدایت انسانها به سوی قرب خداوند است. از این رو منزلت و جایگاهش نیز به تناسب کار بسیار مهم و ارزشمندی که بر عهدش است بسیار بالاست.

وَمَنْ أَحْيَاهَا كَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (۲) روایات زیادی از امامان معصوم رسیده که کلمهی احیا را زنده کردن معنوی و فکری و روحی نیز معنی کرده و آن را به مراتب مهمتر از نوع ظاهری و جسمی آن بر شمردهاند.

ویجگیهای پیامگذار: امام علی (علیه السلام) میفرمایند: کسی که خود را در مقام پیشوایی قرار میدهد، قبل از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، باید به تعلیم خویش پردازد و باید تأدیب

۱- احزاب / ۳۹.

۲- مائده / ۳۲.

کردن او به عملش، بیش از تأدیب کردن دیگران به زبانش باشد. کسی که معلم و ادب کننده خویش است، به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی مردم است. (۱)

ویژگیها

اشاره

۱- ایمان به محتوای پیام: باید محتوای پیام خود را از جان و دل باور داشته باشید.

۲- اخلاص در تبلیغ: از آنجایی که عمل تبلیغ هم عبادت است، بایستی بسان سایر عبادات با انگیزه قرب الهی به آن پرداخت، و در این صورت است که آثار خوبی را به دنبال خواهد داشت.

برخی از آثار و برکات اخلاص مبلغ عبارتند از:

- تأثیر پیام در قلب و روح مخاطب

- در نظر گرفتن مصلحت مخاطبان

- آزادگی در بیان حقایق

- بیتأثیر بودن رویکرد یا رویگردانی مردم، در نشاط تبلیغی او

- بهرهمندی از پاداش الهی در دنیا و آخرت

- منت نگذاشتن بر مردم در برابر کوششهای تبلیغی خود

۳- بصیرت و آگاهی: روشن بینی، دانایی، هوشمندی، عقل، درایت و معرفت از مهمترین ارکان شخصیت

پیامگذار دینی است و کسی که این ویژگی را ندارد نباید گام در عرصه تبلیغ نهد، چرا که خطر گمراهی او و مخاطبانش زیاد است. روحانیون عزیز توجه دارند که تفقه در دین، به معنای کسب شناخت جرف و گسترده از دین، جزء مقدمات لازم برای مبلغ دینی شمرده شده است.

۴- توکل: داشتن فضیلت اخلاقی توکل از مهمترین عوامل موفقیت در کار روحانیون است. حقیقت توکل، اعتماد و اطمینان به خدا در تمام کارهاست و هیچ منافاتی با فراهم کردن اسباب ندارد و توکل به مفهوم صحیح کلمه، امید آفرین، نیروبخش و باعث اعتماد به نفس و تقویت اراده است و به انسان شجاعت و شهامت میبخشد. اگر پیامگزار توکل بر خدا داشته باشد؛ ۱- از شر شیطان در امان میماند. (۱) ۲- از مواهب و پاداشهای الهی برخوردار میگردد. (۲) ۳- خدا را شاهد و ناظر گفتار و رفتار خود میداند. (۳) ۴- خدای متعال او را دوست دارد. (۴)

۵- صدق و راستی: صداقت کامل، با همراهی دل و زبان و عمل پدید میآید. اگر مخاطبان ما بین آنچه از زبان ما میشوند و آنچه در عمل ما میبینند دوگانگی احساس کنند، شیرازه تمام اعتقاداتشان به هم میریزد و در این

۱- انه ليس له سلطانٌ على الذين آمنوا و على ربهم يتوكلون نحل / ۹۹ .

۲- نعم اجر العالمين الذين صبروا و على ربهم يتوكلون عنكبوت / ۵۹ .

۳- والله على مانقول و كيل قصص / ۲۸ .

۴- ان الله يحب المتوكلين آل عمران / ۱۵۹

صورت هیچ کس جز ما مسئول نیست.

۶- امانتداری: روحانیون محترم توجه دارند که دو امانت بزرگ به آنان سپرده شده یکی: پیام الهی (معارف و احکام دین) و دیگری: پیام گیرندگان (مخاطبان و زائران) و باید این دو امانت را بخوبی پاس داشت. پس ضروری است که این توصیه ها به کار بسته شود:

الف- از تفسیر به رأی و تحریف لفظی و معنوی شدیداً پرهیز شود.

ب- معلومات، از منابع موثق عنوان شود.

ج- چیزی را که نمیدانید جزء دین است یا نه؟ به دین نسبت داده نشود.

د- در برابر وقت و سرمایه عمر مخاطبان و زائران، خود را مسئول بدانید.

ه-- بدون مطالعه و تحقیق، به ذکر مطلبی پرداخته نشود.

۷- نظم و انضباط: نظم و انضباط یعنی مرتب کردن، سامان دادن و آراستن در هر زمینهای از جمله اندیشه، سخن، رفتار و در برابر آشفتگی، پریشانی و هرج و مرج است. نظم و انضباط در کار روحانیون سبب بهره‌وری بیشتر از امکانات و فرصتها و پیشگیری از اتلاف وقت و سرمایه خود و دیگران میشود.

۸- شرح صدر: شرح صدر به معنی توسعه توانایی و آمادگی قلب، فکر و روح آدمی در پرتو انوار و الطاف الهی برای پذیرش معارف دینی و تحمل در برابر ناملايمات و

مشکلات تبلیغ دین است. قرآن میفرماید: فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (۱) آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده میسازد. شرح صدر آثار بسیار مثبتی را بدنبال دارد از جمله:

الف- برای از دست دادن موقعیتهای اجتماعی و مادی و سیاسی ... اندوهگین نشدن.

ب- از خشونت، بیادبی و کم حوصلگی زائران و مخاطبان، ناراحت نشدن.

ج- به اشکالات و ایرادها به منطق استدلال پاسخ دادن.

چگونه شرح صدر یابیم؟

شرح صدر عطیه ای است از جانب خدا برای کسانی که با ایمان و عمل صالح، زمینه و مقدمه دریافت این نعمت را در خود ایجاد کردهاند و عوامل زیر با توجه به رهنمودهای قرآن و عترت نقش مهمی در شکلگیری آن ایفا میکند:

- مطالعات پی گیر و گسترده.

- ارتباط مداوم با دانشمندان و علمای صالح.

- خودسازی و تهذیب نفس.

- پرهیز از گناه مخصوصاً غذای حرام.

- یاد خدا.

- پرهیز از دنیا پرستی و تجملات و هوا پرستی. (۲)

۱- انعام / ۱۲۵.

۲- تفسیر نمونه، ج ۸۹، ص ۴۲۷، با اندکی تصرف.

۹- تواضع: تواضع آن است که آدمی خود را بهتر و بالاتر از دیگران نداند. امام صادق (علیه السلام) تواضع را در چهار چیز میدانند: (۱)

- در نشستن به پایین مجلس راضی باش.

- به هر که برخورد میکنی سلام کن.

- مجادله را ترک کن اگرچه حق با تو باشد.

- دوست نداشته باشی که تو را به تقوا بستایند.

در روایات به فواید و آثار تواضع زیاد اشاره شده است از جمله:

۱- محبت و دوستی، ۲- نظم، ۳- رفعت و سربلندی، ۴- سلامتی، ۵- ابهت، ۶- خسته نشدن از طاعت خدای متعال، ۷-

خردمندی، ۸- شکوفایی حکمت و دانش ۹- گسترش خوبیها ۱ ظ- فاصله و مانعی بین انسان و شیاطین قرار گرفتن و (۲)

۱۰- رفق و مدارا: مدارا به معنی نرمی و ملاحظت، مهربانی و ملایمت در گفتار و رفتار است. (۳) از زیباییهای اخلاق پیامگزار و از عوامل مهم موفقیت در تبلیغ، محبت و مهربانی است. پس با زائران خویش مهربان باشید که کار تبلیغ بهتر انجام شود. آثار و فوائد رفق و مدارا:

۱- جلب دوستی و محبت مردم ۲- علاقه‌مند کردن

-۱

-۲

-۳

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۶.

۲- تبلیغ دین از منظر دین، ص ۶۶.

۳- همان.

مردم به دین ۳- زدودن کینه و دشمنی ۴- ارتباط آسان و صمیمی با مخاطبان ۵- برخورداری از امدادهای الهی ۶- موفقیت در تبلیغ.

۱۱- شجاعت: روحانیون در مسیر پر مخاطره تبلیغ دین، باید شجاعت داشته باشند که البته به معنای کنار نهادن دوراندیشی و احتیاط نیست.

۱۲- عفت و پاکدامنی: عفت و پاکدامنی یعنی خودداری از آنچه حلال نیست، (۱) و به ویژه در خوردنیها و آشامیدنیها و مسایل جنسی. در روایات متعدد، عفت را بهترین عبادت دانسته اند. (۲)

چگونه یک پیام گزار عقیف باشیم:

- اکتفا به مقدار ضرورت در گفتگو و معاشرت با نامحرم (با زائران خانم در حد ضرورت صحبت نمایید و مسائل خاص آنان را در صورت معینه داشتن به معینه واگذار کنید).

- خودداری از خلوت با نامحرم (با زنان در اتاق تنها ننشینید. حتماً دو سه نفری باشند و درب اتاق همیشه باز باشد).

- قناعت به مال حلال و راضی بودن به حد کفاف.

- همنشینی و ارتباط با افراد عقیف.

۱- تبلیغ دین از منظر دین، ص ۷۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۸.

- تشویق و ترویج فرهنگ حجاب در محیط کار و در هتل و مسیرهای رفت و برگشت.

- اندیشه در شرح حال اولیاء الله و پیروان آنان که در اثر عفت و مبارزه با شهوات، به چه مقامات دنیوی و اخروی رسیده‌اند.

- رعایت عفت در کلام، پوشش مناسب، ارتباط و ... در همه جا.

- توجه به شخصیت معنوی و انسانی خود و

۱۳- صبر و شکیبایی: صبر عبارت از ثبات و آرامش نفس در سختیها، بلاها و پایداری در برابر آنهاست. قرآن میفرماید: فاصبر
كما صبر اولوالعزم من الرسل (۱) پس صبر کن آنگونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

دقت داشته باشید که هیچگاه از سئوالات مکرر زائران خسته نشوید، با ملایمت پاسخگو باشید و دیر یاد گرفتن آنها باعث
ملال و عصبانیت شما نشود.

۱۴- مردمی بودن: روحانی مردمی کسی است که با زائران و سایر مردم ارتباط روحی و عاطفی داشته باشد. از مشکلات آنان
آگاه شود، و در جهت مصالح آنان گام بردارد. در برابر ناراحتیهای آنان بی تفاوت نباشد. برای خیر و سعادت و یادگیری و
پیشرفت و عزت زائران خود عشق بورزد.

چگونه یک پیامگزار مردمی باشیم:

- ارتباط آسان، دوستانه و صمیمی داشته باشید و از گوشه گیری و انزوا پرهیزید.

- به زبان مردم و با ادبیات رایج جامعه بگویید و بنویسید تا همگان بفهمند.

- نیازهای واقعی را شناسایی کنید و در حل و رفع آن تلاش نمایید.

- زندگی ساده و به دور از تجملات داشته باشید. ساده زیستی سبب تسلاهی دل عموم مردم است.

- ادب و احترام و عدالت را همیشه حتی با مخالفان خود رعایت کنید.

- سبقت در سلام و احوالپرسی، دست دادن، خوشرویی، بر عظمت کار شما میان مردم میافزاید.

- همت شما ایجاد صلح و دوستی میان مردم باشد.

- خود را خدمتگزار زائر و مردم بدانید و حتی در کارها با آنها مشارکت کنید.

۱۵- آراستگی ظاهر: از دیگر نکاتی که روحانی باید خیلی به آن توجه کند، آراستگی ظاهر خود است. خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. پاکیزگی بدن و لباس محل کار و زندگی، رعایت بهداشت دهان، پیراستن و شانه کردن موهای سر و صورت، پوشیدن لباسهای متناسب با شأن و شخصیت خودتان، به کار بردن عطر و ... اینها مواردی است که زائران و مردم را به شما متمایل میسازد.

ویجگیهای مبلغان و پیامگزاران دین زیاد است که بقیه را تیتروار عنوان مینماییم: حسن خلق، زهد و ساده زیستی، مشورت و مشارکت، انتقادپذیری، کرامت و بزرگواری، احسان به مردم، عفو و بخشش، ارج نهادن به کارهای دیگران، خوشبینی به مردم، اعتماد به نفس، وفای به عهد، مرّوت، شناخت زمان و مکان، شناخت مخاطبان، مبارزه با انحرافات و خرافات و ...

ج- پیام گیرنده

از ارکان مهم تبلیغ، پیام گیرنده میباشد. اگر پیامی با واقعینی و شناخت پیام گیرنده همراه نباشد از کارآیی لازم برخوردار نمیشد. پیام گیرنده یعنی مخاطبان شما یعنی همان زائران، که شناخت آنان از جهت سنی، تحصیلات و موقعیتهای اجتماعی و مانند آن، شما روحانیون را یاری میکند تا در برخورد با آنان و انتقال پیامهای دین، تربیتی و اخلاقی، رفتارهای صحیح و مطلوب را پیش گیرید.

شیوه های تبلیغ

بهرهگیری از شیوه های جذاب و کارآمد، نقش مهمی در تأثیر کلام شما ایفا میکند. جذب اقشار مختلف جامعه به ویژه نسل جوان جز با شیوه های نوین ممکن نیست و آنچه بر ضرورت این جذب میافزاید، تهاجم فرهنگی دشمن است. اهمیت پرداختن به شیوه های تبلیغ به قدری

است که رهبر انقلاب درباره آن میفرماید: اگر چنانچه ما به شیوه تبلیغ توجه نکنیم و به آن نپردازیم هیچ کاری نکرده‌ایم، بایستی یک آهنگ زیبا و دلنشین از زیر و بمهای شیوه تبلیغ به وجود آورد (۱)

گونه شناسی شیوه

تنوع شیوه‌هایی که در اسلام مطرح شده ناشی از مخاطبان گوناگون و شرایطی است که فرا روی شما روحانیون عزیز قرار دارد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

- ۱- حکمت: علم و عقل دو رکن حکمت هستند لذا به سلاح علم و عقل باید مجهز شد.
- ۲- موعظه حسنه: موعظه باید عقلانی و متکی به روایات و آیات باشد. پس باید مستدل موعظه کرد.
- ۳- جدال احسن: در رابطه با زائرین و مخاطبانی که استعداد پذیرش برهان را ندارند و یا از واعظ درونی محرومند و در نتیجه واعظ بیرونی بر روی آنها اثر نمیگذارد، میتوان در شرایط مناسب از این شیوه بهره جست.
- ۴- تشویق: دادن هدیه، تبریک گفتن، دعای خیر کردن.
- ۵- شیوه تدریجی و آرام حرکت کردن در آموزش: تدریج رمز موفقیت است. در رساندن پیام دین از عجله باید پرهیز نمود. انتظار نداشته باشیم که مردم با شنیدن سخنان ما

دفعتاً روی آورند.

۶- شیوه الگویی: ذکر نمونه های مثبت برای تمسک به او و نمونه های منفی و منفور برای برحذر شدن از آنها.

۷- شیوه تمثیلی: ذکر مثال برای فهم بهتر زائران و مخاطبان، و تکرار، تداعی معانی، همراهی، پرسش و پاسخ، یادآمدی، مقایسه‌های (تطبیقی)، بازسازی، تحریک عواطف از شیوه های دیگر تبلیغ می‌باشد.

تمام این روشهایی که ذکر شد متناسب با فهم و درک و سن و جنس زائران و مخاطبان به کار گرفته میشود. البته با استفاده از ابزارهای لازم این امر خطیر صورت میگیرد. (۱)

۱- برای اطلاعات بیشتر ر. ک: "تبلیغ دین از منظر دین" اثر حمید نگارش.

بخش دوم: رهنمودهای تبلیغی به مبلغان - حضرت امام (ره) - رهبر معظم انقلاب اسلامی

اشاره

به منظور آشنایی با دیدگاه‌های احیاگر حج ابراهیمی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای زید عزه در این فصل از نقطه نظرات کاربردی آنان، و نیز توصیه‌های معاونت محترم امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری در حج، بهره‌جسته تا چون مصباح‌الهدی فراسوی راه روحانیون محترم کاروانها باشد. بیشک تاسی کردن به این فرامین تداوم بخش عزت، عظمت و اقتدار زوار ایرانی در این مراسم عظیم خواهد بود.

رهنمودهای حضرت امام خمینی ره به روحانیون کاروانها

۱- مسئولیت حساس و خطیر روحانی کاروان

- روحانیون از نقش سازندهی خود غافل نشوند. همه در مقابل اسلام مسئولیت داریم.

- روحانیون محترم حج با توجه به مسئولیت خطیری که در توجیه زائرین محترم پذیرفته‌اند، تمام همت و تلاش

خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند.

- در این شرایط حساس و سرنوشت ساز، خطر سوء استفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود.

- اگر امروز روحانیونی که ارتباط با مسائل دارند قصوری یا اشتباهی بکنند، دیگر این قصور و اشتباه در محضر خدای تبارک و تعالی و در پیشگاه مردم پذیرفته نیست.

- همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و مطرح نمایند.

- امروز شما باید از عهدهی یک مسئولیت بزرگ برآید و آن حفظ حیثیت اسلام است.

۲- برخورد اندیشمندان با زائران به ویژه جوانان

- به جای پرخاش و کنار زدن جوانان، با الفت با آنان برخورد کنید.

- با روی گشاده و آغوش باز، حرفهای آنان را بشنوید.

- اگر به بیراهه میروند با بیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست را به آنان نشان دهید.

- از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان درگذرید.

- به همه شیوه ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح جوانان میشود، احاطه داشته باشید.

۳- شیوهی زندگی اهل علم

- من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در

جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان میدانم.

- هیچ آفت و خطری برای روحانیت بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.

- هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست.

- از اهم مسایلی که باید تذکر بدهم سؤالهای است که همیشه نگران آن هستم مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نمودند و بر ما منت گذاشتند به واسطه‌ی اعمال ما از ما نگران بشوند.

۴- روحانی کاروان و آموزش مناسک حج

- یکی دیگر از وظایف مهم، قضیه‌ی آشنا کردن مردم به مسائل حج است.

- باید برای زائران جلسهی درس قرار بدهید و آداب حج، واجبات و محرمات را بگویید. آداب هم نشد، نشد، اما محرمات و واجبات را به مردم تعلیم دهید.

- وسواس در برنامه‌ها و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بیتوجهی در واجبات میشود.

- زائران محترم و روحانیون معظم کاروانها، تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلّم مناسک حج کنند.

- مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمد، به زائران خود یاد دهید.

۵- روحانی کاروان و بیان معارف حج

- از تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان میگذارد، غافل نشوند.

- در آن فضا و شرایط معنوی همهی دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است.

- مردم را با توحید و معارف الهی آشنا کنید.

۶- توجه دادن زائران به قرآن

- از تمام علمای اعلام تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که "تیبان کُلّ شیء" (۱) است و صادر از مقام جمع اللّهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایید.

- از این خزینهی لایتناهی عرفان و بحر موج کشف محمدی (صلی الله علیه و آله) بهره هایی بردارید و به دیگران بدهید.

۷- شناساندن راه های وحدت

- علمای بیدار اسلام کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.

- گویندگان و نویسندگان کوشش کنند که با وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند.

- رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام وحدت کلمه بود.

- حجّی که خداوند تبارک و تعالی میخواهد، و اسلام از ما خواسته، این است که وقتی حج برویدع بلاد را بیدار و با هم متحد کنید.

۸- بُعد سیاسی اسلام و حج

- سیاست حج، سیاسی نیست که ما درست کرده

۱- اشاره به آیه ۸۹ نحل تیباناً لکّل شیء

باشیم. حج سیاست اسلامی است.

- حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است اهمیت بعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادیاش نیست و حتی جنبه سیاسی آن بیشتر از جنبه های عبادی آن است و شما آقایان باید توجه به این معنی داشته باشید.

۹- افشای توطئه های عمال استعمار

- در مراسم حج ممکن است اشخاصی از قبیل ملاهای وابستهی خود را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند. برادران و خواهران هر دو فرقه (شیعه و سنی) باید در برابر توطئه های آخوندهای درباری هشیار باشند.

۱ ظ- دفاع از انقلاب

- لازم است علما و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند.

- روحانیون محترم و گویندگان و نویسندگان متعهد لازم است که دست آوردهای اسلامی را که نصیب کشورشان شده است یادآور شده و قلبها را آگاه کنند.

- شما روحانیون برای جمهوری اسلامی ایران الگو باشید.

- بر روحانیون محترم لازم است که در فرصتهای مناسب چهره واقعی انقلاب را به جهانیان معرفی نمایند. (۱)

۱- رهنمودهای حضرت امام خمینی به روحانیون محترم کاروانها، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، بیتا.

رهنمودهای مقام معظم رهبری به روحانیون کاروانها

۱- حج آبروی اسلام

- حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید.

۲- حج، حرکت عظیم جهانی، عبادی و سیاسی

- حاجیان همه توجه داشته باشند جزیی از یک حرکت عظیم و بزرگ جهانی، اسلامی، انقلابی و سیاسی و عبادی هستند.

۳- وظیفه ی روحانیون در حج

- روحانیونی که در حج هستید اگر بتوانید آن کاری را که و تکونوا شهداء علی الناس ایجاب میکند، انجام دهید تمام دنیای اسلام را زیر پوشش گرفتار کنید.

۴- براءت، گل سرسبد حج

- مراسم براءت، مراسم بسیار مهمی است واقعاً گل سرسبد حج ما همین مراسم براءت است.

۵- الگوسازی در حج

- ما باید در حج بتوانیم فرهنگ و اخلاف و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که الگو بشوند.

۶- جایگاه معنوی حج

- هر کس از حج بر میگردد بایستی کانه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه ریزی مفصلی بشود.

۷- حج میراث متقین

- حج میراث متقین است. حج میراث این ملت و این انقلاب و متعلق به آن است.

۸- برنامه ریزی در حج

الف- در مورد حج برنامه ریزی باید اصولی، عمومی و کلان باشد.

ب- ما باید از تمام ظواهر و مظاهر و شعائر حج استفاده بکنیم مثلاً ببینیم در عرفات چه استفاده‌های میتوان کرد. در منی یا در خود مکه، یا در مدینه چه استفاده‌هایی میتوان کرد در بحبوحه اعمال چه استفاده‌هایی میتوان کرد، بعد از ایام حج که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه‌اند، چه استفاده‌هایی میتوان کرد. ما باید برنامه داشته باشیم.

۹- حج و تبلیغ دین

الف- شرف هر فتنی به شرف هدف غایی آن فن بستگی دارد. یکی از اشرف فنون، فن تبلیغ دین و گویندگی معارف دینی و اسلامی است.

ب- شرط اول موعظه اتعاض نفسی خود ماست.

ج- ما نمیتوانیم حرف حق خودمان را به همان روش گذشته بگوییم دنیا در زنده‌ترین مسایل و علوم مورد احتیاج مردم، ساعت به ساعت روشهای نو را پیش میگذارد، پس باید در این فن وعظ و تبلیغ دین نیز محتوا،

قالب، روشها و اسلوبها را مطابق پیشرفت و فنآوری تغییر داد.

د- امروز تکلیف عظیمی داریم یعنی ارایه اسلام به صورتی که بتواند ذهنها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آنها را به درستی پاسخ بدهد. ایمان آنها و حضورشان در این میدان را به صورت خالصانه حفظ کند.

و- موظفیم که بیش از همیشه جهات الهی و شرعی مثل آزاد منشی، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و مال و منال و اقتدار مادی، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهیز از محارم و توجه به علم را رعایت کنیم. (۱)

توصیه‌های معاونت امور روحانیون

۱- التزام به سیاستها و برنامه‌های بعثه

- روحانیون محترم کاروانها به سیاستهای بعثه مقام معظم رهبری و دستورالعملهای ابلاغی ملتزم باشند.

۲- همکاری با رابطین بعثه

- برادران روحانی با رابطین روحانیون همکاری لازم را داشته و پاسخ‌گویی سوالات آنها باشند.

۳- رعایت شئون روحانیت

- روحانیون بزرگوار کاروانها لازم است در کلیه مراحل سفر، رعایت شئون روحانیت را در دستور کار خود قرار دهند.

۴- شرکت در جلسات داخلی و منطقیهای بعثه

- لازم است برادران روحانی در جلسات داخلی و

۱- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۷.

منطقهای بعثه همچنین در جلسات عمومی شرکت نمایند.

۵- ایجاد فضای صمیمی در بین زائرین

- روحانیون بکوشند مشکلات کاروان و تنشهای بین زائران را کم رنگ نماید و جو محبت، دوستی و خیرخواهی بین اعضای کاروان را مضاعف نمایند.

۶- تعمیق بخشی باورهای زائران

- روحانیون بزرگوار تلاش نمایند که اعتقادات زائران را تحکیم و تعمیق بخشند.

۷- ارسال به موقع گزارشها

- برادران روحانی بکوشند گزارش عملکرد خود را به موقع ارسال نمایند.

۸- همکاری با مدیران

- همکاری با مدیران کاروانها را در جهت پیشبرد کارها در اولویت کاری خود قرار دهند.

۹- عدم پذیرش نیابت غیر تبرعی

- از پذیرفتن نیابت غیر تبرعی در نماز طواف و موارد مشابه آن اجتناب نمایند.

بخش سوم: تجربه ها و توصیه ها

اشاره

از این بخش به سراغ توصیه ها و تجارب روحانیون محترم کاروانها میرویم و ضمن دستهبندی به بیان آنها میپردازیم. سعی شده است که مواردی را که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و یا روحانیون معظم تأکید بیشتری داشتهاند آورده شود.

توصیه به مسئولین

- برای کاروانهای حج تمتع دانشجویی، به مانند عمره دانشجویی برنامه ریزی گردد.
- آخرین اخبار سیاسی، اقتصادی، شرعی و ... در عربستان هر ساله توسط سازمان حج به مدیران و روحانیون اعلام شود.
- به ایاب و ذهاب و سرویس زائران در مکه عنایت بیشتری شود. برخی اوقات ازدحام و تبعات ناشی از آن موجب تحقیر زائران ایرانی است. از تدابیر کشورهای دیگر (مثل ترکیه) استفاده شود.

- موقع اجاره هتلها توجه شود که هتل دارای سالن اجتماعات باشد، چرا که آن دسته هتل هایی که فاقد سالن اجتماعات هستند، روحانیون در بیان و تبیین مسائل و احکام دچار مشکلات زیادی میشوند.

- برای جلساتی که در بعثه در مکه و مدینه برگزار میشود، وسیله ایاب وذهاب در نظر گرفته شود.

- جدیدترین شبهات طبق مسائل روز با پاسخهایی فراخور و مناسب تدوین شود و در اختیار روحانیون و گروههای ارشاد قرار گیرد.

- مسایل کلی مناسک حج، به قطع جیبی به زبانهای مختلف (عربی، انگلیسی، ترکی و ...) ترجمه شده و در اختیار روحانیون زبان دان قرار گیرد، تا در موقع لزوم بتوانند پاسخگوی سؤالات شرعی زائران خارجی باشند.

- حتی المقدور از هتلهای نزدیک مسجدالحرام، جهت اسکان ایرانیان استفاده شود (ولو با پرداخت هزینهی بیشتر که زائران، راضی به پرداخت این وجه هستند).

- فروشگاه های شاهد مجهزتر شوند (البسه و پوشاک و لوازم منزل و ...) و شعبهای نیز در مکه و مدینه زده شود، تا حتی المقدور خرید ایرانیان از فروشگاه های ایرانی باشد و بدینوسیله جلوی بسیاری از تبعات سوء خرید از بازارهای عربستان گرفته شود و ارز مملکت به خود مملکت باز گردانده میشود.

- در دفترچه اعمال تجدیدنظر شود و مسائل اضافی آن حذف شود.

- کلاسهای مکالمه عربی و انگلیسی برای روحانیون و معین و معینه ها در نظر گرفته شود، به طوری که میزان تسلط آنان و شرکت مستمر در کلاسها در ارزیابی آنان مؤثر افتد. (انگیزه شرکت در کلاس) آگاهی روحانیون به زبان عربی و انگلیسی در صدور انقلاب و دفاع آن و حقانیت شیعه، رفع شبهات اعتقادی و ایجاد وحدت بین مسلمین جهان بسیار مؤثر است.

- از بعضی از مخارج و هزینه های اضافی کاسته شود.

- بروشورهای مصور مناسک و اماکن تاریخی جهت زائران تهیه شود.

- زمان پرواز هواپیماها طوری تنظیم شود که با وقت نماز تلاقی نداشته باشد.

- شماره صندلی زائران در هواپیما از قبل معین باشد به گونهای که هر زائری در جای خود بنشیند.

- موقع ثبت نام زائران، حفظ رعایت شئون اسلامی و رعایت حجاب کامل مورد توجه قرار گیرد.

- توجه به کارایی مدیران و همسرانشان بشود. بعضاً همسران بعضی از مدیران کاری نکرده و موجبات نارضایتی شدید زائران را فراهم میآورند چرا که غالباً به خرید سوغات و امور شخصی خود توجه دارند و همراهی مدیر هم با آنها سبب میشود که وقت مدیر هم گرفته شود

و کارایی او نیز زیر سؤال رود.

- کاروانهایی برای افراد بیمار و معذور در نظر گرفته شود با امکانات رفاهی و پزشکی لازم، و مدت زمان سفرشان هم محدود باشد تا خود این عزیزان هم با مشکلات کمتری مواجه باشند.

- تدبیری اتخاذ شود تا در کاروانها از جهت تعداد افراد جوان و مسن و نیروهای کارآمد و ناتوان هماهنگی باشد بعضی کاروانها اکثراً پیر و مسن هستند و زحمت روحانی و معین ... بسیار زیاد است و برعکس برخی از کاروانها همه جوان و نیرومند و کارآمد، این نابرابری به نوعی اصلاح شود.

- معین و معینه ها به کاروانها زودتر معرفی شوند تا از وجودشان در جلسات استفاده شود، و از همان اول با روحانی هماهنگ گردند.

- ارزیابی مدیران بعد از اعمال منا و عرفات باشد.

- برای دعای عرفه هم مانند دعای ندبه و کمیل از طرف بعثه برنامه‌ریزی شود تا از معنویت و شکوه بیشتری برخوردار گردد.

- مدت عمره کاروانهای دانشجویی ۱ ظ روزه شود.

- از نیروهای خدماتی کاروان، یک نفر به پیشنهاد روحانی باشد.

- جزوهای ساده و غنی و توانمند، در خصوص وهابیت و عقاید و تلاششان در جهت تضعیف شیعه تهیه شود و در

اختیار زائران قرار گیرد، تا از جهت سیاسی، عقیدتی هم، زائران اغنا شوند.

- در درجه بندی هتلها تمام جوانب در جهت رفاه حال زائران لحاظ گردد.

- برای روحانیون کارگاه های آموزشی شیوه های مدیریت فرهنگی و توانایی به کار بستن آنها در نظر گرفته شود.

- از آنجایی که روحانیون بایستی در سه بعد شناختی (دارا بودن مهارت های لازم، اطلاع کافی از تاریخ اسلام و امکان، اطلاع از پیام های تربیتی و اخلاقی، عرفانی) و بعد عاطفی (عشق به کار، عشق به هدایت مردم، عدم احساس خود برتر بینی) بعد رفتاری (ارتباط با کاروان و عوامل اجرایی و ...) موفق باشند و حرکت نمایند وجود کارگاه های آموزشی بسیار لازم است.

- تقویم حج که تمام وقایع تاریخی حج را ثبت نموده باشد، تهیه شود.

- از اعزام زائران مبتلا به بیماری های سخت که قادر به انجام هیچیک از اعمالشان نیستند، جلوگیری شود.

- مسئولین سازمان حج، خوهان معینه را نیز مانند روحانیون به کاروانها معرفی نمایند تا مشکل جذب آنان به کاروانها پیش نیاید، و در همان اولین فرصت با زائران و مشکلات آنان آشنا گردد و از اول برنامه ریزی نمایند.

- کارت شناسایی (قابل نصب روی چادر) برای

خواهران معینه در نظر گرفته شود تا در اماکنی مثل حرمین شریفین و ... بتوانند پاسخگوی سئوالات زائرین غیر کاروان خود نیز باشند و شناسایی آنها برای دیگران میسر باشد.

- در انتخاب مدیران و خدمه دقت بیشتری صورت گیرد.

- از روحانیون بومی و محلی برای اعزام استفاده شود.

- در روشهای انتخاب روحانی نمونه، تجدیدنظر شود.

- معینه ها حتماً محرم روحانی باشند. از معرفی معینه های نامحرم به کاروان جداً خودداری شود. این توصیه را بسیاری از روحانیون کاروانها پیشنهاد داده بودند.

- از روحانیون کارآمد جوان، جهت هدایت فرهنگی کاروانها استفاده شود.

توصیه به مدیران

توجه به نکات ذیل برای روحانیون بزرگوار کاروانها بسیار مفید است و میتوانند از مدیران کاروانهای خود، موارد ذیل را پیگیری نمایند.

- مدیران محترم از دخالت در امور شرعی پرهیز نمایند.

- مدیران محترم با روحانی، هماهنگ باشند.

ناهماهنگی آنان آثار بدی بدنبال دارد.

- مدیران محترم زائرینی را که شنوایی کمتری دارند شناسایی کرده و حتماً به تهیه سمعک توصیه نمایند تا برای درک اعمال و تکرار نیات با مشکل مواجه نشوند.

- مدیران عزیز، جهت قبله در اتاقهای هتل را بپرسند و زائران را مطلع نمایند.

- مدیران وسایل و ادوات تبلیغاتی و تراکتهای نام کاروان و ... را جهت بازدیدهای دوره‌های به همراه داشته باشند.

- مدیران محترم در ارائه سرویس دهی و خدمات یکسان و عادلانه برخورد نمایند.

- مدیران از صمیمت و ارتباط نزدیک با زائران مؤنث و جوان، شدیداً پرهیز نمایند.

- اعلان برنامه های بعثه و زیارات دوره و نصب آن و در تابلوی اعلانات توسط مدیران صورت گیرد.

- قناعت و صبر و بردباری در طول سفر و رعایت حال تمام زائران.

- اعلام ساعات زیارت بانوان در مسجدالنبی و زیارت آقایان در بقیع.

- برنامه ریزی جهت خرید دسته جمعی هم در مکه و هم در مدینه.

- تذکر به زائران در عدم استفاده از دخانیات در اماکن مقدسه مکه و مدینه (در این اماکن ممنوع است)

- تذکر به زائران که قرآنهاى مسجدالنبى و مسجدالحرام را به هتلهها نياورند.

توصیه به رابطين

- رابطين محترم غير مستقيم ارزىابى کنند.

- رابطين محترم براى شناسايى و ارزىابى روحانيون، وقت بيشترى صرف کنند و عملکرد آنان را درست و دقيق منعكس نمايند.

- ارزىابى روحانيون به پايان سفر موكل شود تا نتيجه شفافتر و واقعيتر باشد. البته از ابتداى سفر از كارهاى روحانيون اطلاع حاصل نمايند ولى فرمها در پايان سفر پر شوند.

- سبك و روش ارزىابى روحانيون، توسط رابطين مختلف است، يك روش براى همه اعمال شود.

- رابطين محترم ضمن بررسى عملکرد روحانيون، نقاط ضعف آنان را گوشزد نمايند.

عوامل موفقيت روحانى، معين و معينه

۱- تقسيم كار بين روحانى و معين از ابتدا صورت بگيرد به نحوى كه هر کدام وظيف خود را بخوبى بدانند كه در سهولت كار، هماهنگى و ايجاد صميميت بسيار مؤثر است.

- در انجام اعمال، روحانى از عجله و شتابزدگى

- اصلاح حمد و سوره خانمهای زائر، توسط معینه ها صورت گیرد.
- روحانی و معین و معینه هیچگونه انتظاری از زائران نداشته باشند.
- روحانیون با سعه صدر، تحمل، اخلاص و مهربانی با زائران برخورد نمایند.
- هر یک از روحانیون، نهار و شام را در اتاق زائران و با آنان صرف نمایند. این پیشنهاد را بسیاری از روحانیون مطرح کرده بودند.
- روحانی معین و معینه شخصاً اعمال زائران را کنترل نمایند.
- روحانی، زمینه‌ی فعالیت بیشتر معین و معینه ها را فراهم نماید.
- برخورداری از تقوی و معنویت و اصلاح خود قبل از اصلاح دیگران.
- اهتمام روحانی به صحت انجام اعمال افراد بخصوص افراد ضعیف.
- توجه روحانیون به تمام ابعاد حج (عبادی- سیاسی).
- مسلط بودن روحانی به زبان عربی و انگلیسی.
- با مطالعه سخنرانی کند و به بیان مسایل پردازد.
- گفتار خود را همراه با عمل کند (در بحثهای اخلاقی و تقوایی) تا از نفوذ کلام بیشتری برخوردار گردد.

- هر دو سه روز یک بار، جلسه هماهنگی میان روحانی، معین و مدیر و معینه برقرار گردد.

- قبل از شروع جلسات با همکاری معین و روحانی، برای هر جلسه طرح درسی تهیه شود و در هر جلسه مقصداری مطالب اخلاقی، فقهی معین شود، تا هم از تکرار مطالب توسط روحانی و معین جلوگیری شود و هم استفاده بهینه از وقت صورت گیرد.

- جهت تأثیر گذاری بیشتر بین زائران بهتر است روحانی و معین یک کاروان، از جهت سنی، هم زبان بودن و آشنا بودن از قبل و حتی خط فکری و سیاسی یکی باشند.

- برخوردهای عاقلانه و حکیمانه یک روحانی با معین و معینه در رفع مشکلات بسیار مؤثر است و میتواند از تشنجات و اختلافات جلوگیری نماید.

- نظم و وقتشناسی از دیگر عوامل موفقیت روحانی است که موجب انجام کارها طبق برنامه میشود و به کاروان انسجام خاصی میبخشد.

- روحانی و معین، حتی قبل از شروع جلسه در محل جلسه حضور یابند، تا هم وقتشناسی را عملاً آموزش دهند و هم در رفع مشکلات شخصی و مسائل فردی زائران کوشا تر باشند.

- تشکیل جلسات گروهی برای ختم قرآن و ختم صلوات.

- در کاروانهایی که معینه دارند، ترتیبی اتخاذ شود که خانمها در زمانهای اعلام شده به داخل مسجدالنبی بروند و قسمتهای مختلف روضه شریفه و منبر حرم شریف و ستونها و ... را ببینند.

- شناسایی افراد داوطلب برای مساعدت به افراد ناتوان، برای انجام دادن اعمال و تردد به اماکن مقدس.

- تقویت روحیه افراد اعم از زن و مرد به هنگام بروز مشکل.

- حفظ خونسردی خود و تدبیر برای بهترین راه حل در هنگام بروز مشکلات.

- ضمن ذکر اثرات مثبت همیاری و همکاری از نیروی خود زائران، در رتق رفتق امور کاوران، استفاده شود. (البته با دادن برنامه و هماهنگیهای لازم)

- با توجه به سطح تحصیلات زائران، توقع آنان بالا میرود، لذا توجه به این وضعیت در نحوه عملکرد روحانیون نقش زیادی دارد.

- بهترین راه نفوذ در دل زائر، تواضع و تطابق قول و عمل است و نیز داشتن حسن خلق و سعه صدر.

- از زائرینی که مسلط به زبان انگلیسی و عربی هستند حتماً در بیان مسائل اعتقادی و صدور انقلاب و دفع شبهات استفاده شود (آموزشهای لازم به خود آنها داده شود).

- روحانیون و معینهای محترم از شوخیهای بی مورد

بین خودشان و زائران جداً پرهیزند.

- روحانیون و معینهای محترم با لباس رسمی و مقدس روحانیت، بین زائران و در حرمین شریفین حاضر شوند.

- در جلسات آموزشی، ابتدا مدیران سخن گویند و بعد که همه حضور پیدا کردند، روحانی به بیان مسائل و مناسک پردازد. چرا که حرفهای مدیر پیرامون مسائل اجرایی حج است و بالتبع همه از آن مطلع خواهند شد؛ ولی غفلت از یک مسئله شرعی عواقب سویی بدنبال خواهد داشت.

- توجه به مناسبتها و ایام الله در طول سفر و بهره‌بردرای از تاریخ اسلام و مسائل سیاسی روز.

- روحانیون از حال سالمندان و بیماران غافل نباشند و تا پایان سفر از آنان دلجویی کرده و به نوبت هر روز یکی دو نفر را به حرم ببرند.

- در اختیار قرار دادن جزوه های مناسک و اماکن بین زائران و از آنها خواسته شود که در اوقات فراغت در اتاقهایشان بحث و گفتگو کنند، تا هم مسایل برای خودشان و هم برای افراد مسن و بیسواد روشن شود و هم اشکالاتشان و ابهامات را از روحانی بپرسند.

- از تراکتهای خوش خط و زیبا با مضامین عالی، جهت حفظ حجاب خانمها در سالنها و تابلوی اعلانات، استفاده شود و هر روز با متنهای زیباتر و جدید عوض شوند. (با همکاری مدیران)

- با سعه صدر و برخورد متین و منطقی، حجاب و پوشش زائرین (بخصوص خانمها) تحت کنترل درآید و عواقب سوء بدحجابی و اثرات زننده اجتماعی آن و فلسفه حجاب در جلسات تذکر داده شود.

- درب اتاق روحانی و معین و معینه همیشه به روی زائر باز باشد و در بین زائرین و در جمعشان حضور یابند.

- زائرینی که در کاروان از جهات مختلف (ختم قرآن، شرکت مستمر در جلسات، فعالیت‌های عبادی و مستحباتها، همکاری و ...) ممتاز بودند شناسایی شوند و مورد تقدیر قرار گیرند.

- در پایان هر جلسه یکی از کتابهای اعتقادی از استاد مطهری، علامه طباطبایی، دکتر بهشتی، و شهید هاشمینجاد و ... معرفی شود و در ۵ دقیقه پیرامون محتوای آن بحث شود تا هم فرهنگ کتابخوانی رواج یابد و هم زائران جوان با توجه به شبها و سئوالاتی که در ذهنشان موجود است پاسخهای خود را در کتابها جستجو نمایند.

- در جلسات آخر از زائران خواسته شود تا خلاصهای از سفر خویش را تحت عنوان "سفر در یک نگاه" در سه بعد مشاهدات و اعمال و شنیدنیها به رشتهی تحریر درآورند و رهاآورد سفرشان را مکتوب نمایند تا بدینوسیله درک خود را نسبت به فضا و محیطی که هستند و نسبت به عرفان و صفای معنوی آن بیان نمایند. مشاهدات شامل (زیارت حرمین شریفین، زیارت دوره، قبرستان ابوطالب

و ... اعمال (مناسک و واجبات حج و مستحبات آن ...) شنیدنیها شامل تاریخ ۲۳ ساله رسالت پیامبر، زندگی نامه ائمه و پیامبرانی که در مسجدالحرام طواف کردند و ... و هر آنچه در این سفر از زبان شما شنیده‌اند، تقریر شود. این عمل برای جوانان و تحصیلکرده‌ها بسیار عمل خوبی است.

- در همان دفعه اول که همهی زائران به حرم برده میشوند، ضمن اینکه کارت هتل و آدرس را همه دارند، علامتهایی در مسیر به آنها گوشزد شود تا مسیر رفت و آمد را به خوبی یاد بگیرند که نگرانی از گم شدن و تبعات آن را نداشته باشند و ورود و خروج از دربهای حرمین با شماره‌های مخصوص را به آنها بگوئید. (با همکاری مدیران)

- نسبت به اذانه‌ها و اوقات شرعی، برگزاری نمازهای جماعات، حتماً زائران را مطلع نمایید.

- معینه محترم، قبل از حرکت به میقات به بانوان زائر اعلام کند که لباس احرام خانمها نازک و بدن نما نباشد.

- معینه‌های محترم، بانوان زائر را با زندگی زنان اسوه اسلام (حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت زینب (علیها السلام)) و زنان موفق صدر اسلام (سمیه، حضرت خدیجه و ...) آشنا نمایند تا درسهایی از الگوهای موفق بیاموزند.

- هر روز یکی از ادعیه و مناجاتهایی که مردم در شهر خود کمتر به آن میپردازند خوانده شود و توضیح داده شود تا با مناجات صحیفه و ادعیه‌ها آشنا شوند.

- روحانیون و معینها و ... به امور فردی و شخصی نپردازند و همواره در خدمت زائران باشند.
- روحانیون و معینها و ... از امور تشریفاتی و تجملاتی شدیداً پرهیز نمایند.
- روحانیون و معینها و ... از زمانهای خوب و مناسب برای برگزاری جلسات استفاده کنند که هم درک جلسه برای همه امکانپذیر باشد و هم از نماز اول وقت و جماعت محروم نشوند.
- روحانیون توجه به سطح فهم مخاطبین داشته باشند.
- از تمثیلات و داستانهای کوتاه و طنزهای مفید برای بهتر جا افتادن مسائل عقیدتی و مناسک استفاده شود.
- هر روز قبل از شروع جلسه از یکی از جوانان خواسته شود تا قرآن تلاوت کند و حدیثی را بیان نماید.

توصیه های مربوط به جلسات قبل از سفر

مسائل کلی

- در اولین جلسات که تمام زائران به علت شوق و علاقه حضور دارند، ذکر و تفهیم این مطالب کلی ضروری است.
- ۱- بیان اهمیت عمره و حج از دیدگاه آیات و روایات.
 - ۲- بیان اهداف عمره و حج تمتع.
 - ۳- بیان اهمیت آموزش.
 - ۴- مسئله تقلید و تعیین مرجع تقلید برای آنها که ندارند، و چگونگی بقاء بر میت.

۵- بیان مسائل مربوط به وجوهات مثل خمس و زکات و رد مظالم.

۶- اهمیت نماز و لزوم قرائت صحیح.

۷- فراگیری احکام و نقش آن در صحت عمره و حج.

۸- توبه و زدودن گناه از دل.

- رعایت حجاب و سایر شئونات از آغاز تا پایان سفر.

- رعایت اخلاق اسلامی در سفر.

- رفع حوائج دیگران در حد امکان.

- حلالیتطلبی از دیگران و پاک کردن دل از کینه هایی که نسبت به دیگران است.

- وصیت کردن (حتماً زائر وصیت نامه خود را بنویسد و به فرد مطمئنی بدهد).

- خداحافظی و طلب حلالیت از دیگران.

- لزوم اجازه نذر از شوهر، جهت محرم شدن قبل از میقات برای بانوانی که به تنهایی سفر میکنند.

- معرفی کتابهای موردنیاز در سفر و سایر لوازم شخصی.

در بیان احکام و مناسک

- تهیه دفترچه‌های جهت آموزش مناسک و تنظیم احکام در آن به تعداد ۲۳ جلسه، ده جلسه در ایران ۶ جلسه در مدینه و ۷ جلسه در مکه، محتوای بیانات در هر جلسه متناسب با فضاهای مورد نظر و اعمال لازم در آن محیطها

لحاظ شود. (در هر جلسه تفسیر یک آیه مربوط به حج، بیان تاریخ اسلام، بیان عرفان و اسرار حج و بیان احکام حج در نظر گرفته شود.)

- مناسک همراه با اسرار حج مطرح شود که زوآر خسته نشوند و تنوع بخشی در بیان احکام رعایت گردد.

- انتخاب افراد قوی و با تجربه در هر اتاق برای تکرار و تمرین احکام.

- تهیه کاغذهایی با نام هر زائر و ذکر نحوه عمل آنها (قرائت و ...) و اشتباهات آنها در کاغذ جداگانهای نوشته شود و به خودشان تحویل داده شود تا در فرصتهای فراغت برطرف گردد، و در مراحل بعدی اعمال چنانچه اصلاح شده باشد در برگه اولیه ثبت گردد.

- تهیه بروشورهای مربوط به خلاصه اعمال و اماکن تاریخی مکه و مدینه و اعمال مستحب در هر مکان و تحویل آنها به زائران.

- از وسایل کمک آموزشی مانند نوار، فیلم، CD، پوسترهای بزرگ، ماکت جهت آموزش هر چه بهتر مناسک و احکام استفاده شود. خصوصاً موقع توضیح در مورد اماکن تاریخی و یا مکانها و ارکان مسجدالحرام و قسمتهای مسجدالنبی، فیلم و تراکت و پوستر، خیلی مفید و لازم است.

- احکام با بیانی ساده و روان توضیح داده شود و از ذکر موارد اختلافی پرهیز شود.

- مناسک بصورت عملی حتی المقدمور آموزش داده شود. (مثل وضو، نماز، نحوه احرام بستن، غسل کردن، طواف به دور کعبه و ...) البته خالی از وسواس باشد.
- آموزش احکام با پرسش و پاسخ همراه باشد.
- در بخش نماز غیر از تصحیح حمد و سوره یکبار بطور عملی واجبات نماز (تکبیره الا-حرام، قیام، موالات، ترتیب و ...) توضیح داده شود.
- زمان جلسات طولانی نشود و از اتلاف وقت و حرفهای بیهوده زدن خودداری شود.
- مسئله پرداخت خمس زائرین را به دفتر مراجع و نمایندگی آنها ارجاع دهید.
- جلسات را متنوع و شاداب نگهدارید، تا انگیزه شرکت همه وجود داشته باشد و از جهات مختلف علمی، عبادی، سیاسی پر بار نمایید.
- در هر جلسه یک شبهه اعتقادی شیعه را مطرح و پاسخ دهید.
- در شناخت چهره و هابیون و تلاشهای مذبحانیشان در هر جلسه ۵-۲ دقیقه صحبت نمایید.
- از مغلقگویی و کلی گویی و ذکر الفاظ مشکل، برای بیان احکام جلوگیری شود.
- در جلسات اول، زائرین از جهت سطح تحصیلات (با سواد و بی سواد) جدا شوند تا برای هر دسته با زبان خودشان احکام مسائل مطرح شود.

- بعد از هر جلسه، ارزیابی بعمل آید تا اطمینان به یادگیری آنان شده باشد. به باسوادها توصیه شود برای یادگیری بهتر یادداشت نمایند.

- خواهران معینه، احکام را به صورت عملی توضیح دهند، مسائلی مانند وضو، غسل، سرکردن و برداشتن مقنعه در حال احرام و ... تا مشکلات زائران برطرف شود.

- نسبت به قرائت نماز (حمد و سوره) برای کسانی که خیلی ضعیف هستند، نوار تهیه شود و در اختیارشان گذاشته شود تا در اوقات فراغت تمرین نمایند.

- تلبیه و نیت را در برگهای تایپ کرده و با خط درشت تکثیر نمایید و در اختیار زائرین قرار دهید.

- مسائل مربوط به منا و عرفات در مکه گفته شود، چرا که منا و عرفات به علت شلوغی و سروصدا و عدم امکانات، مطلوب نخواهد بود.

- جلسات زائرین خانم با معینه حتماً جدای از جلسات عمومی برگزار شود و وقت خوب و مناسبی برایش اختصاص داده شود و لزوم شرکت خانمها توسط مدیر و روحانی حتماً اعلام شود.

نماز جمعه، جماعت و تحیت

نماز مقام پاکان و نیکان است. نماز جایگاه بینایان و دانایان است. نماز طریق عاشقان و عارفان است. نماز، راهیابی به بارگاه ربوی است. عارف عاشق، محال است در

مسائل نماز و برنامه هایش از معشوق سرپیچی کند، پس به قدر وسف باید، وقت این مناجات را غنیمت شمرد و به آداب قلبی قیام کرد و به قلب باید فهماند که مایه حیات ابدی و سرچشمه فضایل انسانی و ... مؤانست با حضرت حق است. پس اشتغالات قلبی را باید موقع نماز کم، بلکه قطع کرد.

توصیه ها

- حتماً به زائران تأکید شود نماز را به جماعت بخوانند.
- آموزش نماز جمعه به زائران داده شود تا با شرکت در نماز جمعه، آشنایی کامل به برگزاری آن داشته باشند.
- به زائران گوشزد شود که نمازهای واجب را در مسجدالنبی و مسجدالحرام تمام بخوانند.
- زائران برای شرکت در نماز جماعت یک ساعت قبل از شروع نماز در مسجدالحرام و مسجدالنبی حاضر شوند تا در صفهای مرتب و متصل قرار گیرند و نیم ساعت بعد از نماز حرکت نمایند تا دچار شلوغی و ازدحام نشوند.
- موقع برگزاری نماز جماعت، نماز فرادی نخوانند.
- نمازها در مسجدالنبی و مسجدالحرام خوانده شود که فضیلت بیشتر دارد.
- نمازهای زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) در مسجدالنبی خوانده شود.
- نماز میت اهل سنت به زائران آموزش داده شود و در نماز میت آنان نیز شرکت نمایند.

- زائرین از ذکر آمین، بعد از حمد اجتناب کنند و میتوانند سکوت کرده و یا الحمد لله (یعنی شکر خدا را که ما را جزء ضالین قرار نداد) بگویند.

- خواندن نماز تحیت در مساجد مکه و مدینه به زائران توصیه شود.

- با گفتن قد قامت الصلوه در مساجد بلند شده و به نماز جماعت بایستند.

- اهل سنت اهمیت زیادی به مرتب بودن صفوف نماز جماعت میدهند، قبل از گفتن تکبیرها الاحرام، امام جماعت جملاقی مانند " استووا، سووا صفوفکم، اتموا الصف الاول فالاول، سدوا الخلل " میگوید تمام این عبارات به معنی کامل کردن و منظم شدن صفوف است، توجه نمایند.

- اهل سنت اتصال صفوف در مکان واحد مانند مسجدالنبی و مسجدالحرام را لازم میدانند لذا به زائران توصیه کنید جایی بایستند که اتصال صفوف برقرار باشد.

- در رفتن به سجود و رکوع و برخاستن از آنها، از امام جماعت تبعیت کرده و تأخیر محسوسی نداشته باشند.

- از آمین گفتن و دست به سینه نماز خواندن، جداً پرهیزند که نماز باطل است.

- اهل سنت بعد از سجده فوراً برمیخیزند تذکر به زائران که قدری تأمل کرده (نه طولانی) سپس برخیزند.

- بسیاری از مراجع تقلید، نماز جماعت با اهل سنت را

مجزی میدانند و اعاده لازم نیست.

- بعد از سلام نماز، دستها را بالا نیاورده و الله اکبرها را هم آهسته بگویند.

- در مسجدالحرام در مسیر طواف کنندگان به نماز نایستند.

- احکام نماز استادهای در مسجدالحرام، برای زائران تبیین شود.

- محل ایستادن امام جماعت در مسجدالحرام برای زائران روشن شود تا جلوتر از امام قرار نگیرند.

صبح و مغرب و عشا: نزدیک مقام ابراهیم

عصر: بین حجر اسماعیل و در کعبه

نماز جمعه: نزدیک مقام ابراهیم

ظهر: زیر بالکن مقابل حدفاصل بین رکن یمانی و رکن حجر

بخش چهارم: نگاهی گذرا به ابعاد عبادی و سیاسی حج

معارف حج

بعد عبادی

حج تنها مناسک نیست، بلکه سیر و سلوک باطنی و طی منازل روحانی است. هر یک از منازل، رازهای عرفانی، اخلاقی، تربیتی و ارشادی در بر دارد و همینهاست که به حج روح و معنی میبخشد و دگرگونی اخلاقی و معنوی در زائر ایجاد میکند. بر روحانیون معظم است که درک حقیقی حج را برای زائران کوی دوست فراهم نمایند و شاهد شیرین حج واقعی را به کام آنان بریزند. لذا اشارهای به برخی از مواردی که شما روحانی محترم به آن اشراف دارید، میشود.

احرام: کندن لباس معمولی است. غسل احرام پیرایش درون و تصفیه قلب و روان از گناهای است که قلب را تیره کرده است و احرام یعنی عدم وابستگی به دنیا و متعلقات آن. زدودن تشخصها و متیتهای و یکسان شدن همه (فقیر و غنی).

تلبیه: لبیک گفتن است، بدین معنا که خداوند بزرگ را

در دعوتی که فرموده، اجابت نمودی و با صفا و اخلاص و بدون غل و غش پاسخ می‌دهی. لبیک گفتن به خدا یعنی پیمانی زبانی با خدا، پس از عهد و تعهد قلبی است. یعنی خدا یا به هر چه حق است، زبان می‌گشایم و از هر چه باطل است دم فرو میندیم.

طواف: هفت شوط طواف بر گرد کعبه.

- همسویی با جهان هستی است بر محور توحید گردیدن.

- حیات و ممات و عبادات را برای خدا خالص کردن.

- هماهنگ شدن با فرشتگان خدا که لحظهای از اطاعت حق غافل نیستند.

- فرشته خوی شدن و رخت بر بستن صفات حیوانی، از انسان است.

نماز طواف: نماز طواف، پشت مقام ابراهیم خواندن یعنی قائم مقام ابراهیم شدن و با ابراهیم هم نوا و هم راز شدن و قائم مقام ابراهیم شدن، یعنی تأسی به ابراهیم در مبارزه با شرک و برائت از مشرکین، تسلیم حق بودن، امتثال امر خدا کردن، از دنیا و وابستگیهای آن بریدن و در جهت سیر الی الله فانی شدن.

آب زمزم: نوشیدن زمزم سبب شستشوی بدن از امراض روحی و جسمی میشود. آب زمزم بهترین آب روی زمین است.

صفا و مروه: ۷ شوط سعی صفا و مروه

- تأسی به هاجر کردن است، ناامید نشدن در طی طریق، سعی و تلاش نمودن و از حرکت نایستادن است. توقف در صفا، تصفیه کردن روح و ضمیر برای حضور در قیامت است.

- رسیدن به مروه، پیش گرفتن مروت و جوانمردی و اصلاح صفات بد خویش است.

- سعی، حیران و سرگردان بدنبال خدا بودن است. سعی کننده، دنبال رضای خدا می‌رود تا بندگی او کامل شود.

هروله: رمز هروله، گریختن از معاصی است.

- زیر پا گذاشتن غرور و قدرت که آدمی را از خدا غافل می‌کند.

- گریختن از شیطان و وسوسه های اوست.

- خواری هر سلطه گر، ستیزه جوست.

عرفات: در عرفات حضرت آدم به خطا و ترک اولی اعتراف می‌کند و خدا او را مشمول رحمت قرار می‌دهد.

- در عرفات حضرت ابراهیم به مناسک حج واقف می‌شود و عارف می‌شود و دعایش مستجاب می‌شود.

- عرفات بهترین موقعیت برای دعا و استغفار و طلب حاجات است.

- عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران و برای همه مؤمنان و روز آمرزش و اعتراف است.

- عرفه یک روز است به فضیلت شب قدر، پس باید در

اغتنام این فرصت تلاش کرد.

- عرفات مکان وزش نسیم رحمت الهی است.

- بر سر کوه عرفات (جبل الرحمه) امام حسین (ع) دعای عرفه را خواندند که محل اجابت دعاست.

مشعر: بخشی از شب عید قربان زائر در مشعر است.

- وقوف بین الطوعین در مشعر رکن حج است.

- باید در صبح عید قربان بهره های معنوی لازم را گرفت و از خدا عیدی خواست.

- عیدی انسان در آن روز، آمرزش گناهان و قضای حوائج است.

منا: منا یعنی آرزو، آرزوی چه چیزی که بدنبال آن باید از شهر و دیار حتی مکه معظمه و خانه دوست آواره شوی، ابراهیم هم، ترک همه را کرد حتی زن و فرزند و ... تا به مقام خلت و خلیل الهی رسید و امانت خلق را به او دادند.

- پس باید از همه تعلقات برید و تسلیم در برابر حق شد و امتثال فرمان او بدون چون و چرا کرد.

رمی جمره: سنگ زدن به شیطان (رمی جمره عقبه) از واجبات روز عید قربان است.

- نوعی آموزش به انسان است که چون ابراهیم و اسمعیل باید شیطانهای مرئی و نامرئی را رمی کنی.

- ابلیس سوگند یاد کرده که دمی از بندگان خدا غافل نباشد، پس تو دمی از خدا غافل نباش تا دامهای او را یکی پس از دیگری پاره کنی و به جبل الهی چنگ زنی.

- هواهای نفسانی را لگد کوب کرده که آنها از عوامل اسارت در برابر شیاطین جنی و انسی هستند.

تقصیر: (ناخن یا مو کوتاه کردن) در واقع آرزوها و خواهشهای نفسانی و حیوانی را کوتاه کردن و بریدن است و وصل به رحمت لایزال حق شدن.

حلق (سر تراشیدن): یکی دیگر از واجبات روز عید قربان حلق است.

- زائر موی سر را میتراشد و تسلیم امر الهی است و با زدودن موی سر عیوب ظاهر و باطن را از درون میزداید.

قربانی: امام صادق (علیه السلام): با قربانی کردن حلقوم هوا و طمع را ذبح کن و از خود دور گردان.

- ابراهیم در مسلخ عشق فرزند عزیزش اسماعیل را به خاک افکند تا به امر خدا قربانی کند.

- اسماعیل، پدر را در راه امتثال امر حق تشویق و ترغیب میکرد تا هر چه زودتر او را ذبح نماید.

- حقیقت قربانی، کشتن هوای نفس و آز و طمع است.

- حقیقت قربانی، از بین بردن تعلقاتی است که آدمی را از حریم دوست دور میسازد.

بعد سیاسی حج

خداوند میفرماید: جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس قیام وسیله پایدار بودن است، مسلمان اگر بخواهد پایدار باشد، باید قیام در راه خدا کند.

- حج صرفاً اعمال و مناسک نیست، درست است که حج بی احرام و بی طواف نمیشود و رمی جمره، حلق، قربانی و وقوفین هم جزء واجبات و شرایط حج است. اما فقط حج این نیست.

- حج بیداری است.

- حج براءت است. براءت از مشرکین از ازل تا ابد.

- حج وحدت و انسجام مسلمین در سایه تمسک به جبل الهی برای شکست و نابودی تمامی کفر و ظلم است.

- حج رساندن پیام ۱۴ ظظ ساله قرآن به گوش تمامی جهانیان است. اجتنبوا الطاغوت

- حج، براءت و اعلان انزجار از تفکر شرک آلود و تمدن باطل شرک زدگان است.

- حج، براءت از استعمار ظالمانه ملحدان و استثمار مادیین و استعباد بی رحمانه مستکبران است.

- حج، براءت از استعمار سامریگرانه اسرائیل و استضعاف مکارانه ابرقدرتهاست.

حج مجهز شدن به سلاح توحید، معزز شدن به عزت حق و متخلّق شدن به اخلاق الهی و مفتخر شدن به کسب فضایل مادی و معنوی است.

پس در راستای بعد سیاسی حج، روحانیون محترم باید به نکات زیر توجه داشته باشند:

- بیان خدمات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی؛

- بررسی و تبیین دیدگاه های امام و رهبری پیرامون

مسائل اساسی ایران و جهان اسلام؛

- تبیین نقش و مسؤولیت مسلمانان در دفاع از انقلاب اسلامی و مقابله با توطئه های دشمنان؛
- تأکید بر ضرورت ارتباط و تعامل دوستانه با سایر مسلمانان و تبادل دیدگاه ها پیرامون مسائل منطقه و جهان اسلام؛
- در محلهای اجابت دعا، برای نابودی اسرائیل و آمریکا و نجات تمامی مسلمانان جهان دعا کردن؛
- حمایت از مردم مظلوم فلسطین؛ عراق و افغانستان
- رویکرد سیاسی در زمان حج باعث اتحاد مسلمانان و یک دلی و یک رنگی آنان میگردد و کمک میکند که مسلمانان، تحت رایت اسلام زمینه های تفرقه را کنار زده و با تکیه بر قدرت الهی شوکت و مجد اسلام را به ارمغان آورند.

بخش پنجم: در حرمین شریفین

مسجدالحرام

- آن اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً و هدی للعالمین. (۱) مسجدالحرام، اولین خانهای که برای عبادت مردم مقرر شد. همان که در سرزمین مکه است و مایه حرکت، برکت و هدایت جهانیان است. یادآوری نکات زیر برای زائران مفید است:
- طواف عاشقانه به دور کعبه و دیدن صاحب خانه با چشم دل.
- به یاد آوردن خاطرات کعبه مانند معراج پیامبر- تولد حضرت علی (ع) - قیام امام زمان از کنار آن به هنگام ظهور
- نماز خواندن در مقام ابراهیم و الگو قرار دادن ایشان.
- نماز خواندن در مسجدالحرام و ثواب فراوان آن.
- قرائت قرآن و آثار فراوان آن.
- انجام طوافهای مستحب و هدیه کردن به انبیاء، معصومین، مؤمنین و ذوی الحقوق و ذکر ثوابهای بیشمار آن.

الف- ارکان

رکن حجر: رکن شرقی کعبه که سنگ مقدس حجرالاسود روی آن نصب شده است. این سنگ بهشتی همراه حضرت آدم به زمین آمد.

- حجر سنگ بهشتی است و تمام انبیاء و معصومین آن را استلام کرده‌اند.

- استلام نمودن حجر در صورت امکان، چرا که دست راست خداوند است.

- حجرالاسود، اول سفید بود که به جهت گناه مشرکان و گناهکاران سیاه شد.

- رکن حجرالاسود از دیگر ارکان کعبه با فضیلتتر است.

- در آداب تشریف خوب است روحانیون محترم به خانمها تذکر دهند که به جهت ازدحام جمعیت در نزدیک رکن حجر، از استلام آن جداً پرهیز نمایند.

رکن یمانی: رکن جنوبی کعبه است و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: الرکن الیمانی بأبنا الذی ندخلُ منه الجنّه.

رکن عراقی: رکن شمالی کعبه و رکن شامی که رکن غربی کعبه میباشد و این دو رکن، حجر اسماعیل را در بر گرفته‌اند.

حجر اسماعیل: محل دفن بسیاری از انبیاء الهی از جمله حضرت اسماعیل (ع).

- محل زندگی هاجر و اسماعیل

- محل دفن هاجر

مقام ابراهیم: قدمگاه حضرت ابراهیم میباشد.

- مقام ابراهیم، پله بالا بر ابراهیم، برای خواندن آیات مناسک حج است.

- خواندن نماز طواف باید پشت مقام باشد، چرا که ابراهیم، اول مبارز با شرک و مجاهد در راه توحید بود.

ناودان طلا: روایت است که امام باقر (علیه السلام)، میفرماید: موقع طواف وقتی به زیر ناودان رسیدی از خداوند طلب روزی حلال، نجات از آتش دوزخ کم شدن شر فاسقین و شیاطین انسی و جنی و دخول در بهشت را بنماید. زیر ناودان طلا، جای استغفار و محل نزول رحمت خداست.

ملترم: قسمتی از دیوار کعبه که حجرالاسود در یک سمت آن و باب کعبه در سمت دیگرش است.

- محل اجابت دعاست. هیچ بندهای نیست که در آنجا خدا را بخواند و دعایش مستجاب نشود.

حطیم: نیم دایره حدفاصل حجرالاسود و مقام ابراهیم است.

- این مکان برای استجاب دعا و نفرین سفارش شده است.

- لعن مشرکین و ظالمان و

چاه زمزم: چشمهای که در سرزمین خشک و برهوت عربستان زیرپای اسماعیل جاری گردید.

- چشمهای که سبب آبادانی سرزمین عربستان گردید.

- چشمهای که سبب جمع شدن تمامی مردم و کاروانها

در مسیر شد.

- آبی که شفا بخش امراض جسمی و روحی است.

- آبی است که مستحب است بعد از طواف و قبل از سعی از آن نوشید و به سر و صورت و سینه خود پاشید تا مرهمی بر دردها و تزکیهای بر نفس و روح انسان باشد.

- نوشیدن از زمزم، سیراب شدن از معرفت الهی است.

مسعی: محل سعی بین دو کوه صفا و مروه

- صفا در دامن کوه ابوقیس و مروه در دامن کوه قیقعان قرار دارد.

- حدفاصل صفا و مروه ۴ ظظ متر که هاجر این مسیر را ۷ مرتبه برای یافتن آب برای اسماعیل طی نمود. حد فاصل مسعی ۴ ظظ متر، فاصله بین حرم امام حسین و حرم حضرت عباس (بین الحرمین) هم حدوداً ۴ ظظ متر که عصر عاشورا حضرت زینب بین این دو مقتل سعی مینمود و بدنهای مبارک تکه تکه شده دو برادر را در هر سعی رؤیت میکرد. (تشبیه بین مسعی و بین الحرمین و وقایع عاشورا نوعی تنوع و جاذبههای خاص برای زائران خواهد داشت).

- سعی در صفا و مروه نیاز به طهارت ندارد. توضیح دادن این مسئله برای زائران دغدغه زائر را کمتر میکند.

ب- نکات دیگری که روحانیون باید مدنظر داشته باشند:

- آماده کردن زائران از جهت معنوی برای ورود به مسجدالحرام

- ابتدا زائران را به بام مسجدالحرام برده و قسمتهای مسجدالحرام را در آنجا توضیح داده و نشان دهند و با آرامش پایین آمده و اعمال را آغاز نمایند.

- درخواستهای معنوی از خداوند با رؤیت اولیه کعبه. بدیهی است زائرانی که مشرف شده‌اند، به محض ورود به مسجدالحرام از نظر روحی و معنوی در شرایط بسیار خوبی قرار دارند که میشود از این زمینه حداکثر بهره‌برداری را نمود.

ج- توصیه به پرهیز از موارد ذیل در مسجدالحرام

- فشار آوردن به دیگران به منظور استلام حجرالاسود.

- نماز خواندن در مسیر طواف کنندگان.

- توصیه شود، زائرین محترم نمازهای مستحبی را در پشت مقام نخوانند تا دیگر زائران برای خواندن نماز واجب به مشقت و رنج نیفتند.

- پشت به کعبه نشستن.

- قرآن را زمین گذاشتن.

- تردد و حرکت از روی قرآن (پا را از میان قرآن برداشتن)

- کفش و قرآن را در یک دست گرفتن.

- با کاغذ و مهر و دستمال ... نماز خواندن.

- ترک مسجدالحرام در آستانه نماز جماعت.

- نماز فرادی خواندن به هنگام اقامه نماز جماعت.

- خواندن قرآن هنگام ایراد خطبه های نماز جمعه.

- صحبت کردن هنگام اذان و خطبه های نماز جمعه.

- فرستادن صلوات با صدای بلند.

- بهم زدن صفوف نماز جماعت و تردد از بین صفوف.

- ائمه را با صدای بلند خواندن.

روحانیون بزرگوار کاروانها تا آنجایی که مقدور است با تذکرات سودمند خود زمینه عزت، اقتدار، یکدلی و اتحاد بین زائران ایرانی و کشورهای دیگر را برقرار نمایند. باید اعتراف نمود، امروز نگاه بسیاری از مسلمانان و زائران دنیا به مردم و زائران کشور ما میباشد، بکوشیم با پرهیز از زمینه های افتراق، الگوی نمونه برای دیگر زوار و حاجیان باشیم.

مسجد النبی

حرم امن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عظیمترین منبع فیض، بزرگترین سفیر الهی در میان خلق، رحمه للعالمین و مظهر اسماء الهی.

- جایگاه زیارت پیامبر و مسجدالنبی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) میفرماید: کسی که زیارت خانه خدا نماید و مرا زیارت نکند، من هم در قیامت توجهی به او نداشته و شفاعتش نمینمایم.

- به آداب زیارت شامل غسل، وضو، لباس پاکیزه و قلبی سرشار از عشق به خداوند، لبانی لبریز از ذکر خداوند و ... توجه شود.

شناساندن اماکن موجود در مسجدالنبی

- روضه شریفه: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): ما بین بتی و منبری روضه من ریاض الجنه
- این روضه با علاماتی مشخص است و دارای ستونهایی است که پایین آن سفید است.
- منبر: این منبر در محل اصلی منبری که پیامبر برای وعظ و ارشاد بر روی آن میشستند، قرار دارد.
- محراب: محراب در محلی ساخته شده که پیامبر در همانجا نماز میگذارند. محراب دیگری با نام محراب تهجد در سمت دیوار شمالی ضریح مطهر است که محل نماز شب پیامبر بوده است.
- خانه حضرت زهرا (علیها السلام): در شمال شرقی مرقد مطهر پیامبر (صلی الله علیه وآله) خانه حضرت زهراست و بنا به نقلی، مرقد آن حضرت.
- ستون توبه: ستونی که ابولبابه خود را به آن بست تا مورد عفو خدا قرار گیرد. و نسیم رحمت الهی در این مکان به او وزید و بخشیده شد.
- استوانه السریر: مسند و جایگاه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) برای رفع مشکلات و محل اعتکاف آن حضرت بوده است.
- استوانه المحرس: جایی که علی بن ابی طالب برای حراست و حفاظت از پیامبر میایستاد.
- مقام جبرئیل: جبرئیل از آنجا بر پیامبر وارد میشد و درب ورودی خانه حضرت زهرا (علیها السلام) نیز بوده است.

استوانه الوفود:- مکانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با سران قبایل ملاقات داشتند، با آنان جهت آشنایی دین و یا مذاکرات سیاسی صحبت میکردند.

استوانه الحنانه: مکانی که قبل از ساختن منبر، پیامبر آنجا میایستادند و به درخت خرمایی تکیه میکردند و خطبه میخواندند. زمانی که منبر ساخته شد و پیامبر بر روی منبر رفتند از آن تنهی درخت، نالهای برخاست. ستون حنانه، یادگار آن درخت باوفاست.

استوانه القرعه (مهاجرین) (عایشه): محلی که پیامبر فرمودند اگر مردم این زمین را میشناختند برای نماز خواندن در آنجا میان خود قرعه میانداختند.

صفه: محل اجتماع مهاجرینی که جهت یاری پیامبر و دین اسلام، خانه و شغل و کاشانه خود را رها کرده و به مدینه آمده بودند. آیه ۲۷۳ سوره مبارکه بقره شأن نزول این افراد است.

توصیه ها

موقع توضیح دادن قسمتهای مسجدالنبی، زائران گروهبندی شوند تا موجب ازدحام و اذیت و آزار زائران دیگر فراهم نشود.

- یک ساعت مانده به بستن دربهای مسجدالنبی، بهترین زمان برای تشریف به همراه روحانی و معین جهت توضیح اماکن میباشد.

- کاروانهایی که معینه ندارند، روحانیون محترم

پوستر، بروشور، فیلم و ... از داخل مسجدالنبی تهیه کرده و به توضیح کامل و واضحتر مسجد پردازند.

- مشخصات حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و درب خانه حضرت زهرا (علیها السلام) به طور کامل توضیح داده شود.

- رعایت آداب زیارت و حضور قلب کامل داشتن.

- توجه دادن به اینکه حیات و ممات پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیه السلام) یکسان است، پس خود را در محضر پیامبر ببینند و آداب واقعی حضور در مقابل نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) را داشته باشند.

- آماده کردن زائران برای انقلاب درونی، چرا که مسجدالنبی بهترین مکان برای پاک شدن و پذیرفتن توبه است.

- شناخت پیامبر و تأثیر آن در قبولی زیارت.

- امتناع از بوسیدن دربهای حرم.

- امتناع از بلند صلوات فرستادن.

- ترک نکردن مسجد موقع اقامه نماز جماعت.

- عدم استفاده از مهر و چوب و کاغذ ... موقع نماز.

- اجتناب از پشت به حرم مطهر نشستن.

از آنجایی که غالب زائران برای اولین بار به زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) مشرف میشوند فرصت خوبی است برای روحانیون محترم کاروانها که عرفان زوار را به ساحت مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) زیاد نمایند. از مهمترین موضوعاتی که در آن مکان میتوان به آن اشاره نمود شفاعت میباشد. از دید شیعه شفاعت چه معنایی دارد؟ چه کسانی شفاعت

کننده هستند، بیان آیات و روایات تأثیر خوبی برای زوار خواهد داشت. هم چنین برای زائران جوان دو یا سه شبهه از شبهات شفاعت و جواب آن بیان شود.

بقیع

توصیه ها

- حرم بودن بقیع و لزوم رعایت آداب حرم

- معرفی ائمه بقیع (حضرت امام حسن مجتبی (ع) - امام زین العابدین (ع) - امام محمد باقر (ع) - امام جعفر صادق (ع) .

خوب است روحانیون بزرگوار در کنار مباحث مربوط به شناخت ائمه بقیع در خصوص جایگاه امامت در نگاه شیعه و مسائل پیرامون آن مطالبی را ارائه نمایند. و هم چنین در خصوص صحیفه سجادیه و ادعیه آن مطالبی برای زوار بیان گردد.

- شناخت سایر افرادی که در بقیع مدفونند (فاطمه بنت اسد- عباس عموی پیامبر- فرزندان و همسران پیامبر- عمه های پیامبر و ...)

- عنایت خاص حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به آرمیدگان در بقیع.

- روحانیون محترم اعلام نمایند که زائران از دخیل بستن به پنجره های قبرستان جداً خودداری کنند. هم چنین از برداشتن خاک بقیع پرهیز نمایند چرا که موجب وهن و

تمسخر شیعه میشود.

- از خواندن نماز در جلوی درب بقیع اجتناب کنند. به زائران توضیح داده شود که میتوانند نماز زیارات خود را در مسجدالنبی به جا آورند.

- از بوسیدن درب و شبکه های بقیع خودداری نمایند.

در خصوص بقیع روحانیون محترم کاروانها، به زائران تذکر دهند از خواندن زیارات و دعای توسل با صدای بلند اجتناب نمایند. بعضاً برادران مداح دیده شده موقع توسل با صدای بلند به ذکر مصیبت میپردازند که موجب عکسالعمل مأموران سعودی شده است. خوب است دربارهی فلسفه توسل به اهل بیت و معنی توسل مطالبی برای زائران جوان کاروان بیان شود. بی تردید مدینه بهترین جا برای تشریح و توضیح این گونه موضوعات خواهد بود.

- به زائران گفته شود که تنها برای آموزش و ثواب به مدینه دعوت نشدهاند. مدینه مدرسه خداست و محمد (صلی الله علیه وآله)، فاطمه (علیها السلام) و ... معلمان و مدرسان این مدرسه. آموزش و ثواب و روا شدن حاجات، بهانههای است برای آمدن و آموختن چگونه زیستن. تأمل در زندگی آرمیدگان جاودان مدینه و بقیف به ما آموزد که برای سربلندی و سرافرازی در زندگی، فقط باید بندگی کرد.

بخش ششم: وباز هم تجربه و توصیه

زائران

توصیه های کلی

تهیه کتابی جامع و ساده شامل اعمال واجب حج، مستحبات و ... برای زائران.

- تماس چهره به چهره با زائران در اتاقهایشان و گوش کردن حرفهای زائران و درد دلهایی که دارند. به دید بسیاری از شما روحانیون از راه های تبلیغ عملی ارتباط مستقیم و چهره به چهره است باید به سراغ زائرین برویم تا بتوانیم در تبلیغ دین موفق باشیم.

- ضمن اینکه مسائل شرعی را بطور جدی آموزش داده و پیگیری میکنید از شدت اضطراب و استرس زائران بکاهید.

- تاریخ و ساعت دقیق جلسات و ریز برنامه های عنوان شده در هر جلسه در جزوهای چاپ شده و از همان ابتدا به زائران داده شود.

- ایجاد روحیه تعاون و همیاری بین زائران که نقش مهمی در پیشرفت کارها دارد، زائر باید توسط شما

روحانی محترم توجه شود که همه زائران به یکدیگر نیاز دارند و باید به یکدیگر کمک کنند.

- شناسایی و تفکیک زائران تحصیل کرده جهت کمک به سایر زوّار.

- تفکیک زائران مسن و معذور از سایر زوار. در بخش انجام اعمال، ابتدا زائران غیر معذور و جوان برده شوند و بعد از انجام اعمال آنها، معذورین و افراد بیمار و مسن به همراه کسانی که اعمالشان را انجام داده‌اند برده شوند.

- باید کوشید که مشکلات زائران برطرف شود و در مواردی که میسر نمیباشد لااقل با آنها باید اظهار همدردی نمود.

- تعیین همراه برای زائران مسن و بیمار. زائران بیمار و مسن حتماً همراه داشته باشند تا دیگران به حرج نیفتند. چه بسا یک زائر مسن که همراه ندارد مشکلات زیادی برای کاروان ایجاد میکند.

- یاد دادن برخی از کلمات و اصطلاحات مورد نیاز عربی به زوّار از قبیل: اجلس، امش، تفضّل، کم ریال و ... این اصطلاحات را مدیر میتواند با درخواست روحانی محترم کاروان در یک صفحه تایپ کرده و در اختیار زائران قرار دهد.

- استفاده از زائران توانمند (خطاط، زبان‌دان و ...)

- تهیه لیستی از خصوصیات علمی، سنی، هنری و شغلی زائران تا عنداللزوم از وجود آن استفاده مطلوب

شود.

- احترام یکسان به زائران گذاشتن و عدم تبعیض بین آنان.

- دلجویی از زائران مسن و بیمار.

- گذاشتن صندوق پیشنهادات، انتقادات. هر شب توسط روحانی و مدیر، سئوالها و نظرها کنترل شود و پاسخ لازم در جلسات داده شود و یا در صورت لزوم در تابلو اعلانات نصب شود.

- همانطور که ملاحظه گردید این قسمت از توصیه ها از یک طرف به مدیر محترم ارتباط پیدا میکند و از طرف دیگر به روحانی محترم کاروان که میطلبد هر دو با هماهنگی با یکدیگر مشکلات بوجود آمده را برطرف نمایند. تجربه ثابت نموده است که هر چقدر این هماهنگیها بیشتر باشد آثار موفقیت و رضایت زائران بیشتر خواهد بود.

زائران جوان و تحصیلکرده ها

باید اعتراف نمود که جوانان، جوانه های سبز و شکوفه های دلپذیر درخت زندگی و حیات انسانیانند. بتردید پویایی و تداوم حیات اجتماعی، سیاسی و دینی یک ملت مرهون ایثارگریها و تکاپوی فکری و عملی و تلاش نسل جوان میباشد. اهتمام نسبت به جوانان، جایگاه آنان، ویژگیهای آنان، نیازهای شخصیت آنان

موجبات توفیق بیشتر مسئولین اجرایی سازمان، بخصوص روحانیون محترم خواهد بود. اگر ما روحانیون بتوانیم با رویکردی تعاملی و فرآیندی، گرایش جوانان را در ایام حج به معارف و اسرار بیشتر نماییم، قدم بزرگ را در رشد و تعمیق باورهای دینی آنان برداشته‌ایم. باید لیستی از کتابها و جزوات اعتقادی در حوزه مسائل کلام اسلامی در دست داشته باشیم تا در صورت لزوم با معرفی کتاب، به آنان زمینه مطالعه بیشتر را در مسائل اعتقادی برای آنان فراهم نماییم. روشهای دعوت ما برای نسل جوان باید بر اساس موعظه حسنه، حکمت و جدال احسن باشد. باید شور و شعور دینی آنان را با تذکر، انگیزش، تفکر، زیاد نمود. باید هسته های دینی مخصوصی در ایام حج و حتی قبل و بعد از حج با این نسل برقرار نمود.

توصیه ها

- برقراری جلسات ویژه جوانان و تحصیل کرده ها
- طرح بحثهای اعتقادی، سیاسی و تفسیری جهت پاسخ به سؤالات جوانان.
- آموزش مستحبات و خواستن از آنها برای انجام آن، چرا که از نیروی جوانی خود وشکر این نعمت باید استفاده خوبی بکنند.
- آموزش نماز شب و اصرار بر خواندن آن.
- آموزش نوافل و ...
- برگزاری مسابقات کتابخوانی و اهداء جوایز به

برندگان.

- معرفی کتابهای عقیدتی مناسب.

- تشویق و ترغیب به ختم قرآن، ختم صلوات و ...

- ذکر مسائل اعتقادی غیر از حج، شامل فلسفه عبادات، خویشتن داری و حفظ تقوی، ترک گناه چشم، ساده زیستی، پرهیز از تجملات، پرهیز از غیبت و دروغ ... و پاسخگویی به شبهات اعتقادی آنان.

- شناساندن فرقه ضاله وهابیت و آگاه نمودن آنان از تبلیغات مسموم این گروه.

بانوان زائر

جلسات مخصوص خواهران زائر برگزار شود. اگر کارون معینه دارد بعهده ایشان و الا خود روحانی حداقل چند جلسه برای خانمها داشته باشد. در این جلسات میتوان به موارد ذیل اشاره نمود.

- توجه دادن به نقش زن در اجتماع و نقش زنان در صدر اسلام و در خصوص مقام و منزلت حضرت زهرا (علیها السلام)، مریم، هاجر، فاطمه بنت اسد و ... توضیح داده شود، مثلا میتوان این گونه مطرح نمود که:

- بخاطر وجود یک زن و دلجویی او کعبه شکافت و فاطمه بنت اسد وارد کعبه شد.

- آسیه و مریم برای پرستاری از فاطمه بنت اسد به درون کعبه راه یافتند.

- مریم اول زنی که از خردسالی مورد توجه و عنایت خدا بود و از اطعمه بهشتی ارتزاق یافت و از روح الهی باردار گشت.

- شناساندن زنان الگو و اسوه، چون حضرت زهرا (علیها السلام) پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اول مدافع ولایت، مادری نمونه در تربیت فرزند- حضرت آمنه، مادر گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) - حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر باوفای پیامبر، تنها یاور قرین تنهایی و دلتنگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) - حضرت زینب (علیها السلام) پرچمدار قیام عاشورا- اشاره به نقشهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی و عبادی هر یک از زنان الگو- زنان صدر اسلام چون سمیه.

- توجه دادن خواهران زائر به مسئله حجاب که این امر به صیانت و شخصیت آنها میافزاید و بیان این نکته که خود عامل باشند و با زبانی لطیف و مهربان زائران دیگر را نیز به پوشش صحیح دعوت نمایند.

- ذکر فلسفه حجاب بطور آشکار و مستدل در یکی دو جلسه.

- سفارش به خواهران زائر برای عدم استفاده از لوازم آرایشی در تمام طول سفر و عدم استفاده از لباسهای نازک و بدنما و لباسهای تنگ و کوتاه.

- عدم استفاده از لباس احرام در زمان غیر احرام. در این باره باید توصیه های جدی صورت گیرد، که بعد از اعمال، خانمها با همان لباس عادی خود وارد مسجدالحرام

و مسجدالنبی شوند و ضرورتی ندارد با لباس احرام در اجتماع حاضر شوند.

- حفظ سنگینی و وقار و متانت به هنگام خرید. میطلبد مدیران و روحانیون محترم تذکر اکید به زائران درباره نحوه برخورد با فروشندگان بدهند.

- حتی المقدور به تنهایی خرید نروند یا همراه محرمی باشند و یا به صورت جمعی با زائران دیگر خرید کنند.

- به تنهایی سوار ماشینهای عمومی نشوند (برای خرید و برای مشرف شدن به حرم) از سرویسهای عمومی هتل استفاده نمایند.

- از شوخی در حرمین شریفین و در راه و به هنگام خرید بپرهیزند.

- از ابراز صمیمت و شوخی با عوامل خارجی هتل بشدت بپرهیزند.

- استفاده از حجاب کامل (چادر) در تمام طول سفر، از زمان سوار شدن به هواپیما تا پایان سفر و به خصوص موقع بازگشت ضروریتز بنظر میرسد، چرا که کوله بار معنوی سفر خویش را پر نموده است.

- پشت قبرستان بقیع جزع و بیتابی نکردن، نماز نخواندن، لعنهای بلند به دشمنان دین نفرستادن. در یادگیری احکام خاص خود نهایت جدیت را داشته باشند.

- با معینه های کاروان و پزشک جهت رفع مشکلات پیش آمده حتماً هماهنگی داشته باشند.

- با جوراب نازک در سطح شهر (اماکن مقدسه و ...) تردد نکنند.

- موقع خرید از چانه زدنهای بیرویه که باعث کسر شأن و وهن شیعه و ایرانی میشوند پرهیز نمایند.

از جمله مسائلی که باید در جلسات خواهران بیان شود، مسائلی است که تحکیم جایگاه خانواده را به همراه دارد. باید به بانوان محترمه گوشزد نمود، خانواده جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و مودت و کانون اصلی تکوین شخصیت آدمی است. در اسلام خانواده، هسته اصلی و بنیادی اجتماعات و ضامن سعادت فردی و اجتماعی بشری است و نقش عظیمی را در تکمیل فرهنگ انسانی و توسعه تمدن بشری ایفا میکند. باید بیان نمود که بنای رفیع خانواده مبتنی بر تدبیر و تقدیر، احسان و اکرام، حلم و تحلم، مواظبت و محافظت است. متأسفانه در دهکده جهانی و در عصر رنسانس به بعد شاهد رشد فرهنگ اومانیستی در جهان غرب میباشیم که این امر موجب شده است که مقام و منزلت زنان تا حدی زیادی در این نوع جوامع تنزل پیدا کند. ضمن آگاهی همسران و خواهران محترمه کاروانها از شرایط جدید جهان، بیان شود که همسران شایسته، بال همدیگر در پرواز به سوی ملکوت، غمخوار یکدیگر در سفر زندگی، و یاور در طاعت پروردگارند. پس بکوشند که با استفاه از برکات معنوی سفر حج زمینه های تعالی و معنوی همسران و فرزندان

خود را بیش از پیش فراهم آورند.

اوقات فراغت زائران

باید زائران در یابند که احیای قلوب و تطهیر نفوس در موانست الهی با قرآن و مداومت به فهم آیات قرآنی میباشد و در این میان وظیفه ما روحانیون معرفی و آموزش عظمت معانی و وجوه اعجاز قرآن به زائران میباشد.

- سفارش و تأکید فراوان بر ختم قرآن و هدیه کردن به ائمه معصومین. چرا که قرآن گنجینه رازها و اسرار خداوند است، نامه و سخن معبود و معشوق با عاشق است.

- ذکر ثواب ختم قرآن در اماکن مقدسی چون مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله).

- تشکیل جلسات گروهی برای ختم قرآن چه در هتل و چه مسجدالنبی و مسجدالحرام.

- تشکیل جلسه قرآن در مسجدالحرام هم سبب جذب مسلمانان دیگر و احترام به ایرانیان میشود و هم باعث ارتباط برقرار کردن با آنها و رفع شبهاتی که در مورد ایرانیان دارند میگردد.

- تهیه کارت برگ قرآن (۶۰ برگ که روی هر کدام نیم جزء از قرآن با ذکر سوره و آیه و صفحه) و هر شب در مسجدالحرام بین زائران کاروان تقسیم گردد و ظرف کمتر از نیمساعت یک ختم قرآن جمعی صورت میگیرد. همین

کار در مسجدالنبی و در هتل هم انجام گیرد. کارتها و برگها بعد از جلسه برای مرحله بعد جمع گردد.

- حضور روحانیون بزرگوار کاروانها در جلسات ختم قرآن و در صفوف زائرین آثار بسیار خوبی در میان آنان ایجاد مینماید. باید به گونهای کارهای مربوط به کاروان را برنامه‌ریزی نمود که به شرکت روحانیون معظم در جلسات قرآنی خللی وارد نسازد.

دومین راه پر کردن فراغت زائران، ختم صلوات است. ختم صلوات برای زائران بیسواد هم که قادر به تلاوت قرآن و دعا نیستند بسیار مفید است.

- توجه دادن به ثواب صلوات که خداوند متعال میفرماید: ان الله و ملائکته، یصلون علی النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیم

باید زائران را به ختم صلوات ترغیب نمود، استفاده از روایاتی که ذیلا اشاره میشود میتواند کمک کننده باشد: - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هر کجا هستید بر من درود و صلوات بفرستید که صلوات شما به من خواهد رسید.

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): بخیلترین مردم کسی است که نام من نزد او برده شود و صلوات بر من نفرستد.

امام صادق (علیه السلام): هر کس بر محمد و آل وی ده صلوات هدیه کند خداوند و فرشتگان صد بار بر وی درود میفرستند و اگر کسی صد صلوات بفرستد، خدا و فرشتگان در گاهش هزار مرتبه بر او صلوات میفرستند.

- گوینده صلوات، با ذکر صلوات و با وقوف به مقام شامخ نبی اکرم (صلی الله علیه وآله)، پیامبر عظیم الشان را چراغ هدایت قرار داده و مسیر زندگی خویش را روشن مینماید و گناهان و اشتباهات قبل را مرتکب نشده و همواره برای راهیابی به یک زندگی صحیح از وجود پیامبر مدد میجوید. پس زائران به ختم ۲۴۰۰۰ صلوات تشویق و ترغیب شوند.

میتوان این عناوین را برای هدیه کردن صلواتها در نظر گرفت:

- هزار صلوات تقدیم به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله).

- هزار صلوات تقدیم به حضرت علی (علیه السلام).

- هزار صلوات تقدیم به صدیقه طاهره حضرت زهرا (علیها السلام).

- هزار صلوات تقدیم به امامان معصوم از امام حسن (ع) تا امام عصر (عج) هر کدام ۱۰۰۰ مرتبه.

- هزار صلوات جهت تعجیل و سلامتی در ظهور حضرت مهدی (عج).

- هزار صلوات برای شادی روح امام خمینی (ره).

- هزار صلوات تقدیم به ارواح شهدای اسلامی از صدر اسلام تا کنون، بخصوص شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی ایران.

- هزار صلوات برای سلامتی و طول عمر مقام معظم رهبری.

- هزار صلوات برای رفع مشکلات جوانان و حفظ آنان از شرور آخر الزمان و نقشه های دشمنان.
- هزار صلوات برای سلامتی خود و خانواده‌تان.
- هزار صلوات برای شفای عاجل بیماران بخصوص بیماران آشنا.
- هزار صلوات برای برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاریهای مسلمانان، بویجه کسانی که به شما التماس دعا گفته‌اند.
- هزار صلوات برای شادی روح اموات و درگذشتگان به خصوص ذوی الحقوق.
- هزار صلوات برای نابودی کفار و منافقین و پیروزی مسلمین در سراسر جهان.
- سومین بخش از مسائلی که میتواند اوقات فراغت زائران را پربار و جهتدار کند، دعاست.
- باید روحانیون، زائرین بیت الله الحرام را توجیه نمایند که ادعیه، انسان را از * لمتها بیرون میبرد.

آداب دعا

- ۱- با طهارت و رو به قبله باشد.
- ۲- دستها را بالا آورد.
- ۳- با صدایی بین جهر و اخفا باشد.
- ۴- در نهایت تضرع و خضوع و خشیت باشد.
- ۵- به اجابت دعای خود اطمینان و یقین داشته باشد.
- ۶- در دعا و درخواست خود اصرار نماید.

۷- باتمام همت و اندیشهی خود، رو به خدا آورد و از غیر او قطع امید کند، که این امر سبب اجابت دعاست.

۸- هنگام دعا گریه کند و دیگران را نیز شریک دعاهای خود کند.

- دعا سلاح مؤمن و وسیله قرب او به خداست.

- دعای همراه با اشک و توبه و انابه، بالهای صعود مؤمن به عرش الهی است.

- تشویق زائران به خواندن ادعیه روز و زیارات روز.

- تشویق زائران به خواندن ادعیه صحیفه سجادیه، مناجات خمس عشر، به خصوص مناجات تائین و مناجات علی (علیه السلام) در مسجد کوفه.

- تشویق زائران به خواندن زیارت جامعه، دعای کمیل، ندبه و ...

- تشویق زائران به توجه در معانی اذکار و ادعیه.

توصیه هایی پیرامون اعمال

آنچه را که زائران معمولاً از روحانیون بزرگوار کاروانها انتظار دارند، همراهی کردن در اعمال میباشد، به گونهای که زائر احساس کند تمام اعمال خود را انجام داده است. نکته دیگر بر حذر داشتن زائران از اضطراب و دلهره میباشد. متأسفانه دلهره و اضطراب در بعضی از زائران، چه بسا مانع انجام درست اعمال میشود که رفع این مشکل بر عهده روحانیون میباشد.

احرام

- احرام خانمهای معذور، از هتل با نذر باشد (خانمهایی که همسرانشان حضور ندارند یا دارند باید توجیه شوند)
- احرام آقایان در قسمت مرکزی و اصلی مسجد شجره باشد و لازم نیست که زائران را در مسجد بگردانند.
- بهترین زمان تأثیر گذاری معنوی در زائران، موقع احرام بستن و تلبیه گفتن است در مسجد شجره یا حجفه این فرصت را از دست ندهید و احرام را با عجله و شتاب به پایان نبرید.
- نیت موقع احرام بسیار اهمیت دارد از نیت تک تک زائران و تلبیه آنان مطمئن شوید.
- احتیاطاً ترجمه تلبیه را هنگام محرم شدن بیان کنید که زائران درک کنند که چه میخواهند انجام دهند.

طواف

- قبل از شروع طواف، از زمان شستشوی اطراف بیت مطلع شوید تا در وسط طواف با مشکل مواجه نشوید.
- طواف واجب را بعد از نماز صبح انجام دهید و از طواف در شب اجتناب کنید.
- زائران برای طواف واجب به دو دسته تقسیم میشوند کسانی که مرجعشان کل مسجدالحرام را مطاف میدانند و کسانی که فقط بین مقام و کعبه را مطاف میدانند. هر دسته

در مطاف خود حرکت کنند و دستهی اول را در شلوغی مطاف بین کعبه و مقام برای طواف نیاورید. این عمل باعث میشود که مشکلات طواف کمتر شود. ضرورتی ندارد زائری که مرجع او مطاف را کل مسجد الحرام میدانند، طواف را بین مقام و کعبه انجام دهد.

- سالمندان و بیماران را به همراه کل کاروان برای طواف نیاورید. بعد از انجام اعمال همه، به زائران بیمار و سالمند برسید.

- قبل از شروع اعمال، جایی برای تجمع و برگشتن، معین شود تا زائران بعد از اعمال و خستگی زیاد گم نشوند.

- بعد از اتمام عمل، از درستی اعمال همه یقین حاصل نمایید.

- برای جلوگیری از شک در تعداد اشواط از نام ائمه مدد خواسته در شوط اول یا علی (علیه السلام) یا علی (علیه السلام)، دوم یا حسن (علیه السلام) یا حسن (علیه السلام) و ... همینطور شوط هفتم به یا باب الحوائج یا موسی بن جعفر (علیه السلام) ختم شود.

- برای داخل شدن به مطاف به علت کمتر بودن ازدحام جمعیت، از طرف رکن حجرالاسود اقدام کنید. یعنی نیم شوط قبل از محاذات حجرالاسود و این نیم شوط به نیت طواف نمیشود.

- قبل از شروع طواف، احتمال جدا شدن از یکدیگر را به زائران کاروان دهید و از بلد بودن نحوه عمل تک تک آنها اطمینان کسب کنید و بعد از طواف، نماز را پشت مقام

خوانده و قرار دسته جمعی را بگذارید.

- به بانوان تذکر داده شود که مقنعه شان محکم باشد و آستین لباسشان کشدار باشد تا آستینها بالا نرود.

- انجام طوافهای مستحبی به صورت دسته جمعی با خواندن دعای مشمول و مناجات علی (علیه السلام) در کوفه و ابوحمره برای زائران بسیار شیرین است.

- طهارت در طواف واجب است.

- زائران باید در طواف با اراده خود گام بردارند و خود را به سیل جمعیت نسپارند.

نماز طواف

- نماز طواف، باید پشت مقام خوانده شود. اگر بواسطه زیادی جمعیت نتواند پشت مقام بخواند در یکی از دو طرف آن نزدیک مقام بجا آورد.

- نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام میتوان خواند. فضا را برای نماز واجب دیگران تنگ نکنیم.

- از صحت حمد و سوره زائر اطمینان حاصل کنید.

- در تصحیح نماز زائر، فقط به حمد و سوره اکتفا نشود. ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام نیز کنترل شود.

- در صورتی که به صحت نماز زائر شک دارید، خودش بخواند و نایب هم بگیرد. نایبها از قبل معین شوند و حتماً نایب هم نماز را بخواند، بعد وارد عمل دیگر (سعی صفا و مروه) شود.

- حتماً نماز طواف بعد از طواف خوانده شود و فاصله زمانی زیادی نیفتد بطوری که عرفاً بگویند بعد از طواف نخوانده است.
- حتماً نماز قبل از سعی باید خوانده شود.

سعی صفا و مروه

- قبل از انجام سعی از آب زمزم نوشیده و به سر و صورت و سینه خود بریزد و دعاهای لازم را بخواند.
- مشخص کردن محدوده‌ی بین صفا و مروه برای زائران - لازم نیست به بالای کوه صفا و مروه بروند و لازم نیست پای خود را به کوه بزنند. وقتی به سنگ فرشهای مسطح در مسعی رسیدید، آن شرط تمام شده است.
- سعی از صفا شروع میشود و به مروه خاتمه مییابد.
- سعی در طبقه دوم چون بالاتر از دو کوه است، کفایت نمیکند.
- نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر صفا و مروه و بین آنها جایز است. ولی باید توجه داشت اگر در بین سعی باشد، از همانجا که قطع کرده باید ادامه دهد.

تقصیر

- تقصیر مکان معینی ندارد. لذا در عمره تمتع و عمره مفرده میتوان برای جلوگیری از ازدحام، روی کوه مروه تقصیر انجام داد بلکه قدری اینطرفتر اقدام کرد.

- تذکر به خانمها که از بیرون آوردن مو در مقابل نامحرم پرهیز کنند.
- تقصیر در عمره (تمتع و مفرده) زمان ندارد و لازم نیست فوری بعد از سعی انجام شود.
- تذکر داده شود که تا تقصیر نکرده است، محرمات احرام بر او حلال نمیشود.
- کسی که خودش تقصیر نکرده، از تقصیر موی دیگری پرهیزد.
- تراشیدن سر در عمره تمتع اشکال دارد.
- زمان تقصیر در حج بعد از قربانی است.
- حلق برای زنان کفایت نمیکند و باید تقصیر کنند.
- حلق در حج برای مردانی است که سفر اولشان باشد و برای زائران در سفرهای بعدی مستحب است.
- محل تقصیر یا حلق در حج، منی است.
- زمان حلق یا تقصیر تا روز سیزدهم ذی الحجه است اگرچه احتیاط، انجام آن در همان روز عید است.

توصیه های کلی در ایام تشریق

- همراه داشتن کارت شناسایی در مشاعر مقدسه.
- عدم تردد بی جهت و عدم خروج از چادرها، به علت مشابهت چادرها که امکان گم شدن زیاد میباشد.
- در منا به صورت گروهی برای رمی جمرات حرکت کنید و به چادرها بازگردید.

- چون حرکتهای معمولاً به صورت پیاده روی است، از حمل بار اضافه (میوه و خوراکی و ..) پرهیز نمایید.
- هنگام غروب روز عرفه، وقتی همه چادرها یکباره جمع میشوند، شناخت موقعیت دشوار میشود در این موقع از محل خود دور نشوید.
- در صورت جدا افتادن از کاروان نهراسید با سایر کاروانهای ایرانی به سمت خیمه ها بیایید و بعد توسط امدادگران به خیمه خود هدایت شوید.
- از نوشیدن آب شیرهای مخصوص شست و شو و وضو خودداری شود.
- برای حلق حتماً از تیغهای شخصی استفاده کنید.
- پس از هر بار دستشویی، دست خود را با آب و صابون بشوید.
- رعایت افراد سالخورده و پیر را در مشاعر مقدسه بکنید.
- حفظ بهداشت محیط (از ریختن زباله و آشغالهای میوه و خوراکی در این اماکن جداً پرهیز نمایید) که بعضاً به این مورد توجهی نمیشود و آثار بسیار منفی و بدی در میان زوار ایجاد مینماید.
- از خوردن زیاد اجتناب کنید زیرا هم خواب آلودگی میآورد که سبب غفلت از عبادت و نماز و دعا میشود و هم به علت کمبود دستشوییها با مشکلات عدیده‌ای روبرو میشود.

- در زمان حرکت به مشعر، آب کافی به همراه داشته باشید.

- همواره برای تجدید وضو یک قوطی آب همراه داشته باشید تا در صورت چرت و خوابلودگی نیاز به طی مسافت طولانی و شلوغ را نداشته باشید.

- از کفشهای طبی و یا دمپایی برای این ایام استفاده نمایید.

- اگر باید عینکی بزنید، بند عینک را حتماً وصل نمایید تا چنانچه در اثر ازدحام، عینک شما افتاد، از بین نرود.

- حتماً چادرهای خود را علامت گذاری کنید.

عرفات

- وقوف در عرفات از ظهر روز نهم است لذا زمان حرکت طوری تنظیم شود که حجاج قبل از ظهر در عرفات باشند.

- رفتن در شب به طرف عرفات، مزایای استفاده از خنکی هوا، نبود مشکل استظلال، عدم نگرانی به موقع نرسیدن را دارد.

- توصیه به زائران جهت همراه داشتن قرآن و مهر.

- تأکید به زائران که بهترین مکان برای آموزش گناهان و توجه به حضرت حق و استغفار، عرفات است و این فرصت را مغتنم شمارند.

- در وقوف عرفات، بعلت نزدیک بودن چارها به

یکدیگر، تدابیری اتخاذ شود تا هر ۲ یا ۳ کاروان برای جلوگیری از تداخل صوت با هم دعا بخوانند.

- مطلع شدن زائران از مشکلات و سختیهای وقوف در عرفات و مشعر و منی.

- بهتر است تدابیری پیشبینی شود که بجای پتو از پتوهای خواب کم حجم و قابل حمل استفاده شود.

- تشویق زائران به شرکت در مراسم برائت از مشرکین.

- تشویق زائران به خواندن نماز عید در روز عید قربان.

- تشویق زائران به خواندن دعای عرفه.

- جمع کردن زائران هنگام ظهر برای نیت وقوف.

- برای چادرهای خانمها، حتماً حفاظ و پردهای مطمئن لحاظ شود.

- برای دستشوییها و وضوخانه ها نیز پرده نصب شود.

- از دادن دوغ و میوه سرد (خیار و ...) که باعث خواب آلودگی زائران میشود باید شدیداً پرهیز کرد.

- اتوبوسهای زائران خانم از عرفات به سمت منا باید مستقل از آقایان باشد.

مشعر

- حرکت دادن زائران از عرفات به مشعر طوری باشد که به موقع برسند.

- پیاده روی به طرف مشعر در جهت کاستن حجم ترافیک بسیار مؤثر است. (دورترین طریقها هم بین ۴-۶

کیلومتر است لذا ۶ کیلومتر پیاده روی برای جوانان و زائران سالم مشکلی نیست).

- برای بیماران و بانوان، وقوف اضطراری مشعر حتماً لحاظ شود.

- مسیر پیاده روی عرفات به مشعر را روی نقشه مشخص کرده و در اختیار کاروانها قرار دهند.

- وقوف چند دقیقه‌ای بانوان و بیماران در مشعر در شب عید، چند دقیقه آنها را از ماشین پیاده کرده توضیحات لازم پیرامون مکان را به آنها بدهید تا آنها هم نسبت به این مکان آگاهیهای لازم را درک کنند و سنگهای رمی را از آنجا جمع کنند و خاطره خوبی برایشان بماند.

- حد مشعر از سوی منا تا ابتدای وادی محسراست که فاصلهاش تا منا ۲۵ م است. آنطرف پل را هم شامل میشود. لذا برای جلوگیری از ترافیک و ازدحام میتوان آن سمت پل را برای وقوف انتخاب کرد که هم خلوتتر است و هم برای حرکت صبح مناسبتر میباشد.

- اصل وقوف در مشعر از اذان صبح تا طلوع آفتاب است.

- گفتن ذکر و جمع کردن سنگ برای رمی جمره از مستحبات مشعر است.

- بهتر است در مشعر در محلهایی توقف کند که بعد از وقوف بتواند سریعاً از محل خارج و به سمت منا رود.

- برای جمع آوری سنگ از کوه بالا نروید و از

دستکشهای نایلونی استفاده کنید- از محلهای تمیز سنگ جمع کنید.

- اندازه سنگها بزرگ نباشد تا موجب جراحت و آزار دیگران نشود.

- بانوان همان شبانه که به سرزمین منا میرسند میتوانند رمی روز عید را انجام دهند.

- بیماران و معذورین از رمی در روز عید، میتوانند شبانه رمی جمره عقبه را انجام دهند.

- اولین کار واجب در منا در روز عید، رمی جمره عقبه است.

- بیتوته کردن در منا فرصت خوبی است که روحانیون، معین و معینه ها به اتفاق زائران، مناجات و دعای گروهی و جمعی خوانده و به توبه و استغفار پردازند.

- نیت بیتوته در شبهای ۱۱ و ۱۲ ذی الحجه به صورت جمعی صورت گیرد.

- وقت بیتوته از غروب آفتاب تا نیمه شب میباشد.

- بهترین وقت برای انجام رمی جمره روز دوازدهم، از صبح تا هنگام ظهر است چرا که اهل سنت بعدازظهر رمی میکنند.

- کوچ به منا میتواند به صورت پیاده باشد چرا که هم سریعتر میرسند و هم میتوان با استفاده از بلندگو در بین راه به ذکر دعا و مناجات پرداخت که از خستگی پیاده روی هم میکاهد.

- در منا زائران تقسیم شوند، آنها که میخواهند شب دوازدهم برای انجام اعمال به مکه روند، معین و با نظارت و سرپرستی کسی فرستاده شوند و آنهایی هم که میخواهند بعد از رمی جمره روز دوازدهم بروند معین گردند.
- شب عید فقط معذورین و زنان به منا روند و ابتدا پیرها و بیماران را به چادر برده و نایب برایشان بگیرند سپس با بقیه برای رمی جمره بروید.
- بازگشت از منی در روز دوازدهم، از تونل ملک خالد به صورت پیاده روی بسیار آسان است.
- بانوان بدون عذر نمیتوانند روز ۱۱ و ۱۲ را شبانه رمی جمره کنند. فقط شب عید را میتوانند رمی شبانه انجام دهند.
- نظم و ترتیب و نظافت چادرها و محیط اطراف چادرها را به شدت رعایت کنید.
- برای ورود به چادرها حتماً از کیسه کفش استفاده کنید.
- زائران را با مسجد خیف که از مهمترین مساجد در منطقه مناست آشنا کنید. در این مسجد هفتاد پیامبر نماز خواندهاند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطبه ججهالوداع را در آن مکان خوانده است و مدفن حضرت آدم است. خواندن نماز در این مسجد بسیار فضیلت دارد.
- یکی دیگر از مسجدهای منا مسجد البیعه است. در جمره عقبه مکانی است که مسلمانان یثرب نخستین بار با

پیامبر در مکه بیعت کردند.

- توجه داشته باشند که جمره عقبه، آخرین حد منا است و قبل از ظهر روز ۱۲ از مقابل آن نگذرند.

- از صحت تمامی اعمال زائران در ایام تشریق یقین حاصل نمایید.

قربانی

۱- اعزام فردی آگاه و خبره از کاروان به مسلخ جهت شناسایی قربانی. (غیر از فردی که وکالت برای قربانی دارد).

- وکیل میتواند قربانی معدورین و بانوان را که رمی شبانه کرده‌اند جلو بیندازند تا کارها به سهولت و بموقع انجام شود.

- ناظران ثابت در قربانگاه حضور داشته باشند، نظارت جدی بر ذبح و نوع گوسفند انجام شود. پرواضح است که گوسفند لاغر و معیوب کفایت از قربانی نمیکند.

- مسئولی که برای دریافت قربانی و تحویل کوپن به قربانگاه میرود، توجه داشته باشد که به ازای هر کوپن، یک گوسفند تحویل گیرد تا مشکلی بوجود نیاید.

- به ذابحین تذکر داده شود حتماً رو به قبله ذبح نمایند.

- قسمت ذابحین از سلاخین جدا شود تا به سرعت کار افزوده شود.

- کسی که حلق یا تقصیر نکرده و برای خودش هم ذبح

نکرده میتواند برای دیگری ذبح کند.

- ذبح با چاقوی استیل کفایت از قربانی نمیکند. حتماً باید آهنی باشد.

- فرد نایی که در قربانگاه حضور دارد و خود محرم است باید دقت کند که لباسش با خون قربانی نجس نشود.

- به افراد نایب و ذابحین بعد از انجام کار کمک کنید تا پس از تطهیر کامل به چادر آیند و استراحت نمایند.

- برای قربانی حتماً نایب بگیرید. خود شخصاً به قربانگاه وارد نشوید. ضرورتی ندارد که همه زائران شخصاً به قربانگاه بروند.

اعمال مکه

پس از بازگشت از منا، اعمال مکه که به ترتیب عبارت است از: طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، طواف نساء، نماز طواف نساء است باید انجام شود.

- رعایت ترتیب اعمال مکه ضروری است.

- اعمال مکه تا آخر ذی حجه وقت دارد، بنابراین برای معذورینی که نمیتوانند در شلوغی انجام دهند صبر کنند، پس از گذشت چند روز که خلوت شده اعمال را به جا آورند.

- از صحت عمل تمام زائران و انجام تمام اعمال آنها یقین حاصل کنید.

بخش هفتم: در انتظار دیداری دوباره

وداع

الف - مسجد الحرام

ادب وداع بیت: زائران هنگام وداع حالت بسیار متفاوت نسبت به هنگام ورود به بیت الحرام داشته باشند و احساس کنند که بزرگان و اولیای دین هم چنین بودند سپس طواف وداع نمایند.

طواف وداع: در هر دور به حجرالاسود و رکن یمانی که میرسد در صورت امکان استلام نماید وقتی به مستجار میرسد مستحبات آن را انجام دهد و هر چه میخواهد دعا کند و حجر را استلام نموده و یک دست بر حجر و دست دیگر به طرف درب کعبه گذاشته و حمد و ثنای الهی را انجام دهد و صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد و دعای وداع را بخواند: اللهم صل علی محمد عبدك و رسولك و ... سپس از آب زمزم بنوشد و دعای ائبون تائبون عابدون لربنا حامدون الی ربنا متصلون راغبون الی ربنا راجعون ان شاءالله را بخواند.

ب- مسجدالنبی

زائران با غسل زیارت و حالتی خاص وارد حرم شریف شوند و زیارات مخصوصه حضرت را بخوانند و برای عاقبت بخیری خود و قبولی اعمال، دعا کرده و آرزوی سفر مجدد کند و برای پدر و مادر خویش دعا نمایند. نماز توبه نیز در کنار ستون توبه خوانده و استغفار کرده و آمرزش تمام گناهان را بخواند.

ج- بقیع

بر سر قبور ائمه اطهار (علیهم السلام) آید و بسیار دعا کند و از خداوند تبارک و تعالی بخواند که آخرین عهد و زیارت او نباشد و طبق نظر شیخ طوسی و سید بن طاوس این دعای وداع را بخواند: السلام علیک ائمه الهدی و رحمه الله و برکاته، استود عکم الله و اقرء علیکم السلام، امنا بالله و بالرسول و بما جئتم به و دللتم علیه، اللهم فاکتبننا مع الشاهدين.

قابل ذکر است که روحانیون محترم قبل از وداع با سخنانی پیرامون توبه، انابه و استغفار زمینه های بازگشت و تحول درونی زائران را فراهم آورند تا زائران در آخرین زیارت و آخرین طواف دست پر بازگردند و انبان معنوی سفرشان مملو از توشه گردد. انشاءالله

ره آورد سفر حج

رسول اکرم (ص) فرمودند: علامت قبولی حج آن است که انسان بعد از بازگشت از مکه دست از گناهان قبلی خود بردارد.

- سعی کند که اعمال خود را با گناهان از بین نبرد که حفظ عمل از انجام عمل به مراتب سختتر است.

به زائران خود بگوئیم مسؤولیتهای ما با اتمام حج، پایان نیافته بلکه شروع شده است. تولدی دیگر برای زندگی دیگر که مورد رضایت خداوند متعال باشد.

حال که سالک راه حقیقت شدید، بعد از انجام اعمال و زیارت رسول الله، حضرت زهرا (علیها السلام) و امامان بقیف وظیفه دارید برای دیگران الگو باشید و آنان را به سوی خدا دعوت کنید. بگوئیم که شما با خداوند پیمان بستید. بر وفای به عهد و پیمانی که با خدا بستید استقامت ورزیده و تا روز قیامت به آن ملتزم باشید.

اگر سفرتان این رهاورد را در پی داشت در بردارنده آثار زیاد اخروی است که ذیلا به بعضی از آنها اشاره میشود:

۱- راهیابی به بهشت: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس به قصد زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حرکت نمود و زیارتش کند بهشت از آن اوست. (۱)

۲- بهرهمندی از شفاعت پیامبر: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) خطاب

به امام حسین (علیه السلام) فرمودند: فرزندم هر کس که در حیات و یا پس از مرگ، مرا زیارت کند یا آن که پدر و برادر و تو را زیارت کند این حق را بر من خواهد یافت که روز قیامت دیدارش کنم و از گناهان رهایش سازم. (۱)

۳- همسایگی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قیامت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که مرا در حیات یا پس از مرگم زیارت کند روز قیامت در کنار من و همسایه من خواهم بود.

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷، حدیث ۳۱۵۹.

فهرست منابع

- ۱- قرآن.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- حج، محسن قرائتی، تهران، نشر مرکز فرهنگی در سرایی از قرآن، ع ۷۷.
- ۴- صهبای حج، جوادی آملی، قم، نشر اسرا.
- ۵- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، نشر مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۶.
- ۶- همراه با زائران خانه خدا، محمدتقی رهبر، تهران، نشر مشعر، ۸۱.
- ۷- رهنمودهای حضرت امام خمینی ره به روحانیون کاروانها، نشر حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج، بیتا.
- ۸- تبلیغ دین از منظر دین، حمید نگارش، قم، نشر زمزم، هدایت، ۸۳.
- ۹- تفسیر نور الثقلین، حویزی، نشر موسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۰- تفسیر مجمع البیان، علامه طبرسی، تهران، نشر ناصر خسرو، بیتا.

۱۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۷۵.

۱۲- کشتی پهلو گرفته، مهدی شجاعی، تهران، نشر مدرسه، ۷۵.

۱۳- اصول کافی، کلینی، تهران، نشر اسوه، ۷۰.

جلد ۸

اشاره

ص: ۱

آزموده ها (۸) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

مقدمه

تبلیغ دین و آموزه های وحیانی، اساسی ترین رسالت روحانیون و حوزه های علمیه است.

راهی که انبیاء و اوصیاء الهی (علیهم السلام) به اذن الله تعالی بر بندگان گشودند، بعدها به دست پر توان حوزه ها و طالبان علوم دینی سپرده شد.

بازخوانی و توجه به همین حقیقت ساده و مختصر، برای همه مبلغان و طالبان علوم دینی مباحث آمیز و در عین حال مسؤولیت آور است.

مباحث آمیز از آن جهت که خداوند متعال در ادامه راهی که انبیاء و اوصیاء بزرگ الهی، سلسله جنیان آن بوده اند، طالبان علوم دینی را برگزید و لباس فاخر و آسمانی پاسداری و تبلیغ دین خود را بر آنان پوشاند.

چگونه می توان ابتهاج و سُروری را که از تفهّم و تصور مکرر این معنا، برای طالبان و مبلغان دینی به دست می آید، کتمان کرد.

و چگونه می توان مراتب شکر و سپاس الهی را برای این توفیق بزرگ به جا آورد!

این جامه فاخر، اما مسؤولیت های سنگینی نیز به دنبال دارد.

اینجا، کارفرما خدا است که دین خود را به عنوان ارزشمندترین، گرانسنگ ترین و مقدس ترین دردانه هستی، به تو، به امانت داده است و با تو همان کند که با رسولش کرد.

نه می توان او را دور زد و نه اهل مماشات و مداهنه است و مگر می شود که اهل تسامح بود، آن هم در امری که سرنوشت و سرانجام انسانی و جوامع انسانی را رقم می زند.

در این وضعیت خوف و رجا، نخست پرسشی که مبلغ دینی را به خود مشغول می کند؟ این است که "چه باید کرد".

اگر چه پاسخ تفصیلی به این سؤال، مجال واسعی را می طلبد.

عجالتاً دو راه مطمئن را می توان توصیه کرد: نخست، آشنایی با سیره و سنت نبوی (ص) در تبلیغ دین و التزام عملی به آن؛ و دوم، آگاهی از تجارب ارزشمند تبلیغی مبلغان و عوامل موفقیت یا عدم توفیق آنان.

این شماره از آزموده ها، در همین مسیر گام بر می دارد.

در یک بخش به سیره تبلیغ حضرت رسول اعظم (ص) پرداخته و در بخش دیگر به توصیه ها و تجارب تبلیغی روحانیون اعزامی به حج ۸۴ اشاره دارد.

شایان ذکر است که کمیته تدوین معاونت امور روحانیون به منظور ماندگارسازی و ترویج و تعمیق فرهنگ و معارف حج، طرح "ره آورد سفر حج" را برای دومین سال پیاپی، در سال ۱۳۸۴ نیز برگزار کرد.

سال گذشته در جلسه عمومی روحانیون حج، با تقدیم برگه ثبت ره آورد و آیین نامه نگارش آن، از روحانیون و معین های محترم کاروان ها خواسته شد، ره آورد سفر خود را در سه بخش مستقل (خاطرات، شبهات، توصیه ها و تجربه ها) نوشته و همراه با دفترچه کنترل اعمال به معاونت امور روحانیون ارسال نمایند.

خوشبختانه دومین دوره، مانند دوره اول، با استقبال روحانیون مواجه شد و بیش از ۱۱۰۰ اثر به معاونت امور روحانیون رسید.

این آثار پس از جداسازی، طبقه بندی و تایپ و تصحیح، به پایگاه اطلاع رسانی معاونت وارد شد.

در مرحله بعد، مجموعه اطلاعات جمع آوری شده برای بررسی، پردازش و بازنویسی در اختیار گروهی از نویسندگان، مؤلفان و فضیای حوزه قرار گرفت و در نتیجه مجموعه ای سه جلدی با عنوان "ره آورد سفر حج" برای انتشار آماده شد.

از این مجموعه سه گانه، یکی هم "پیام های ماندگار" است که بر مبنای توصیه ها و تجارب ارسالی روحانیون حج ۸۴ و با قلم روان و شیوای محقق و نویسنده ارجمند، حجت الاسلام و المسلمین حمید نگارش، تدوین شده است.

جا دارد همین جا از پی گیری ها و تلاشهای خستگی ناپذیر کمیته تدوین، در برگزاری مطلوب اولین و دومین دوره ره آورد سفر حج و نیز از اهتمام و نغز اندیشی نویسنده محترم، تجلیل و تقدیر به عمل آید.

فرصت را مغتنم می شماریم و از همه روحانیون و معین های محترم کاروان های حج، برای مشارکت فعال در طرح ره آورد سفر حج در سال جاری دعوت می کنیم.

منظور از مشارکت فعال، اهتمام روحانیون کاروان های حج به نوشتن دقیق و مستند خاطرات، تجارب و توصیه هایی است که آگاهی از آنها را بویژه برای دیگر روحانیون حج، مفید و ضروری می دانند.

بی شک این رویکرد، معلومات ارزشمند روحانیون را از حصارهای فردی و ذهنی خارج کرده و با عبور از مرزهای زمانی و جغرافیایی، امکان انتقال و بهره وری را برای دیگر ملت ها و فرهنگ ها و نسل های آینده فراهم می آورد.

در پایان این فراز، ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای کلیه عوامل و خدمتگزاران حج و حاجیان، توجه روحانیون محترم را به چند نکته جلب می کنیم:

- نقطه نظرات انتقادی، اصلاحی و تکمیلی خود را پیرامون این شماره از آزمون ها، به نحو مقتضی برای معاونت ارسال فرمایید.

- در ثبت و نگارش ره آورد سفر حج امسال و سالهای بعد، از تکرار و بازگویی نکاتی که در این شماره یا شماره های پیشین آمده است، خودداری فرمایید و صرفاً به ذکر مطالب و نکته های بدیع، بسنده کنید.

- تجارب و توصیه های جدید و کاربردی خود را در مورد انجام صحیح و کامل اعمال و مناسک حج، تدوین و بعد از موسم ارسال فرمایید.

- برای اطلاعات بیشتر درباره نحوه نوشتن ره آورد سفر حج و چارچوب ها و ضوابط آن، حتماً به آیین نامه طرح که همراه با

دفتريچه آزمون غير حضورى تقديم شده است مراجعه و آن را دقيقاً مطالعه فرماييد.

معاونت امور روحانيون بعثه مقام معظم رهبرى

پاييز ۸۵

اسلام برترین پیام آسمانی را برای سعادت آدمی به ارمغان آورده است.

پیامی که توانست در مدتی کوتاه، دل‌های مشتاق راه حق و حقیقت را به سوی خود جذب نماید.

اسلام به همت نبی اکرم حضرت محمد (ص) در سرزمین حجاز ظهور یافت.

سرزمین سوخته ای که نشانی از تمدن و فرهنگ در خود نداشت.

اهل آن به تجاوز و غارت تفاخر می کردند، حق و حقوق، بر مدار قدرت بود.

اما در همین سرزمین انسان‌هایی سر بر آوردند که زمینه را برای پیدایش تمدن بزرگ فراهم کردند.

پرسش این است که چگونه پیامبر توانست در مدتی کوتاه و با کمترین امکانات از یک جامعه بدوی و جاهلی یک جامعه آرمانی، عدالت خواه و اسلامی بسازد؟ چطور مردم از منزل نفس، رهانیده شده و به سوی حق سوق پیدا کردند.

از خود رها شده و به خدا رسیدند.

فرضیه مورد آزمون نوشتار این است که نبی مکرم اسلام، در جریان حرکت دادن مردم به سوی خداوند از راهکارهای تبلیغی خاص استفاده کردند.

در این راهکارهای تبلیغی خاص، مخاطب پیامبران، قلبها و دل‌های مردم بوده، به گونه ای که پیام در دلها نفوذ کرده و قلبها را به تسخیر خود درمی آورد.

حلم و برداری، عفو و گذشت، شرح صدر، تواضع و ... نمونه های رفتاری است که در مدل تبلیغی پیامبر اکرم (ص) به چشم می خورد.

امروز هم اگر ما بتوانیم رویکرد پیامبرانه، در تبلیغ داشته باشیم، می توانیم منشاء تحولات اساسی باشیم.

هم چنانکه امام خمینی (قدس سره) با تأسی به رویکرد پیامبرانه، منشاء تحولی عظیم در احیای هویت دینی شد.

با وجود آنکه در امر تبلیغ، تحولات چشمگیر رخ داده است، ولی روش پیامبرانه همچنان پیشرو همگان است، چه اینکه در این رویکرد مخاطبان به حیات معنوی و پویایی دعوت می شوند.

در رویکرد پیامبرانه، دردشناسی و درمان گری هر دو با هم وجود دارد و نجات بشر از هلاکت و عذاب همیشگی را مورد توجه قرار می دهد.

این رویکرد می‌کوشد دانش بخشی بشر را در دستور کار خود قرار داده و با جهل و تعصبات غلط مقابله کند.

در رویکرد پیامبرانه، بارقه‌های امید در دل‌های آدمیان زنده می‌شود.

این نوشتار می‌کوشد، در بخش اول، بعضی از راهکارهای تبلیغی پیامبر را که در بردارنده رویکرد خاص می‌باشد بیان کند.

همچنین در بخش دوم، به توصیه‌هایی که برگرفته از تجارب روحانیون، معینه‌ها و معین‌های محترم در حج سال ۸۴ می‌باشد می‌پردازد.

تعریف تبلیغ

تبلیغ از ریشه بلغ به معنای: رسانیدن و رسانیدن پیام می باشد.

واژه پروپاگاندا، امروزه در زبان انگلیسی، معادل تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران می باشد.

واژه تبلیغ، گویای رساندن پیام به صورت صحیح می باشد و واژه های هم خانواده آن نیز در قرآن و کتب روایی، زیاد استعمال شده است؛ به عنوان مثال درباره پیامبران می فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ».

مفهوم تبلیغ (رساندن پیام الهی) نیز در آیات بسیاری از قرآن کریم به چشم می خورد؛ همانند: «ادع الی سبیل ربک بالحکم والموعظه الحسنه».

تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی پیام دهنده، پیام گیرنده و عنصر پیام، استوار می باشد.

در تبلیغ، تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی باشد؛ بلکه اقناع یا ترغیب او نیز مورد نظر است.

پس باید کوشید تا با شفاف سازی پیام، مخاطب را از طریق سبک ها و ابزارهای گوناگون، قانع ساخته و به هدف خود مایل کرد.

شاخص های تبلیغ دینی

تبلیغ دین، دارای شاخص های مهمی می باشد که به واسطه آن، سمت و سوی تبلیغ روشن می شود.

برخی از این شاخص ها عبارتند از:

۱- دعوت به توحید، بندگی خدا و اجتناب از طاغوت:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

۲- توجه دادن به معاد

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ أَلِنَا لَا تَرْجِعُونَ.

۳ زنده گرداندن دلها و روح ها

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ انا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا.

تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، برانگیختن فطرت و عقل، توجه دادن انسان به مقام و منزلت خویش در هستی و ترغیب به شکوفایی این منزلت، برای رسیدن به غایت خلقت او از دیگر اهداف مهم تبلیغ دین می باشد.

پیام گزار دینی (مبلغ)

پیام گزار در لغت به معنی رسول، پیغام آور و مانند آن آمده است.

از منابع دینی استفاده می شود که پیام گزار دین، کسی است که پیام دینی را با استفاده از روش ها و ابزارهای مشروع به مردم می رساند و از کسی جز خدا واهمه ندارد و اجر و پاداش کوشش های تبلیغی خود را تنها از او انتظار دارد.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا.

کار مبلغ دین، هدایت انسان ها به سوی خداوند است.

از این رو منزلت و جایگاه او بسیار مهم و ارزشمند می باشد.

قرآن می فرماید: «و من احياها فكأنما احيا الناس جميعاً».

زنده گرداندن دل‌های مرده، بر عهده پیام گزاران و مبلغان دین است.

پیام گیرنده

از ارکان مهم تبلیغ، پیام گیرنده است که با وجود او تبلیغ، معنا پیدا می کند.

توجه به علم و آگاهی، باورها، سن، جنس، جایگاه اجتماعی از موارد مهمی است که در ارائه پیام به گیرندگان آن باید توجه شود.

پیام

اعتقاد و اندیشه و یا گرایشی که پیام دهنده قصد دارد آن را به پیام گیرنده منتقل کند، ممکن است بار سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و مانند آن داشته باشد.

پیام، هر قدر از محتوا، جذابیت و کارآیی لازم و درک فرهنگ زمان برخوردار باشد، اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد.

مراد از راهکارهای تبلیغی، راه‌ها و روش‌هایی است که پیامبر اکرم (ص) برای تبلیغ حقایق دینی از آن استفاده نموده است.

از نظر اسلام، چگونگی تبلیغ دینی اهمیت فراوانی دارد.

این اهمیت از اصل نیاز دین به تبلیغ، ناشی می‌شود و بهره‌گیری از راهکارهای جذاب و کارآمد و به روز، نقش مهمی در تأثیر تبلیغ ایفا می‌کند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: امروز در دنیا، در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم که در میدان و صحنه تبادل نظر، ساعت به ساعت روش‌های نو را به کار می‌برد، چگونه می‌خواهیم حرف حق خود را به همان شیوه و روش که در صد سال پیش داشتیم امروز در میان بگذاریم ... باید ابزار را به تناسب، انتخاب کرد.

رویکرد پیامبرانه در تبلیغ

پیامبر اکرم (ص) در مدتی کوتاه توانست انقلابی بزرگ در رفتار، روش، افکار مردم زمان خود ایجاد کند.

آن بزرگوار توانست من عالی و انسانی را در وجود انسان های عصر دیار خود زنده گرداند.

این تحول عظیم در سایه رویکرد خاص آن بزرگوار بود، رویکردی که می کوشد با همه وجود، دلها و قلبها را متوجه دین گرداند.

این رویکرد مربوط به همه پیامبران است.

استاد مطهری می نویسد: پیامبر خدا (ص) به معنی عام، پیام خدا را به خلق خدا ابلاغ می کند و نیروهای آنها را بیدار می کند و سامان می بخشد و به سوی خدا و آنچه رضای خدا است؛ یعنی صلح و صفا و اصلاح طلبی و بی آزاری و آزادی از غیر خدا و راستی و درستی و محبت و عدالت و سایر اخلاق حسنه دعوت می کند و بشریت را از زنجیر اطاعتِ هوای نفس و اطاعت بت ها و طاغوت ها رهایی می بخشد

بنابراین رهبری خلق و سامان بخشیدن و به حرکت در آوردن نیروهای انسانی، در جهت رضای خدا و صلاح بشریت، لازم لاینفک پیامبری است.

امروزه در صنعت تبلیغ، تحولات عظیمی رخ داده است، ولی از آنجا که مخاطب پیامبران در تبلیغ، قلب انسان ها می باشد، تغییرات پدید آمده در تکنولوژی تبلیغ، نتوانسته است گوی سبقت را از روش انبیاء برآید.

افزون بر اینکه هیچ منافاتی بین بهره گیری از روش پیامبرانه و استفاده از فن آوری روز نمی باشد و می توان از ابزار تکنولوژی روز، برای رساندن پیام به دلهای مردم استفاده بهینه نمود.

بیان راهکارها

۱- استفاده از زمان و مکان مناسب

یکی از راهکارهای مناسب جهت تبلیغ دین، استفاده از زمان و مکان مناسب می باشد.

یکی از این مناسبت های مهم، مراسم حج؛ این کنگره بین المللی است.

پیامبر اکرم (ص) از این موقعیت به دست آمده حداکثر استفاده را جهت تبلیغ دین به کار می گرفت.

عبدالله بن کعب می گوید: پیامبر خدا (ص) سه سالِ نخستین دوران نبوت و دعوت خود را پنهانی انجام می داد و از سال

چهارم تا ده سال در مکه، دعوت خود را علنی کرد.

در موسم حج، به سراغ حجاج در منازلشان در عکاظ، مجنه و ذی المجاز می رفت و آنان را به دین اسلام دعوت می کرد.

واقعی نقل می کند: ما در منی، نزد جمره اولی نزدیک مسجد خیف منزل داشتیم.

رسول خدا (ص) در حالی که بر مرکب خود سوار بود و زید بن حارثه را بر ترک آن سوار کرده بود آمد، ما را دعوت به اسلام کرد.

ما شنیده بودیم که او در موسم حج دعوت می کند.

ربیع بن عباد گوید: من نوجوانی بودم همراه پدرم در منی، رسول خدا (ص) به منزلگاه قبایل عرب می آمد و می گفت: من پیامبر خدا هستم به سوی شما، از شما می خواهم خدا را پرستش کنید و برای او شریک قرار ندهید و آنچه شریک خدا ساخته اید به دور افکنید و به من ایمان آورید و مرا تصدیق کنید و در انجام رسالتی که از خدا دارم از من دفاع نمائید.

ابونعیم نقل می کند: هنگامی که علی (ع) از انصار و فضیلت و سوابق آنان سخن می گفت، در ضمن بیانات خود اشاره کرد که رسول خدا در اوقات حج، به دعوت قبائل می پرداخت و کسی پاسخ نمی داد.

در مجنه و عکاظ و منی به سراغ قبائل می رفت و هر سال که می گذشت، باز هم آنها را دعوت می کرد تا آنجا که آنان می گفتند: وقت آن نرسیده که از ما نومید شوی.

تا اینکه خدای عزوجل اراده نمود، انصار این دعوت را بپذیرند، چون اسلام را بر آنها عرضه کرد پذیرفتند و یاری کردند و

اینها نمونه هایی است که تبلیغ پیامبر را در عرصه حج آشکار می نماید.

موقعیت و تجمع بی نظیر مسلمانان در هیچ مناسبتی بدین گونه تحقق پذیر نمی باشد.

در این اجتماع بین المللی می توان با زبان های گوناگون، مسائل اسلام و مسلمین را مطرح و بدین وسیله به تمامی اقصی نقاط جهان رسانید.

در واقع یکی از فلسفه های حج و این کنگره بزرگ، این است که مسائل مربوط به امت اسلام مطرح و برای آن چاره اندیشی شود (لشهدوا منافع لهم).

تجمعی همراه با عشق و ایمان و آمادگی روحی برای پذیرش مسائل دینی است.

تاریخ بیان می کند که پیامبر اکرم (ص) بارها از این ظرفیت استفاده کرده و دعوت نخستین اسلام، اعلان برائت از مشرکین، فتح مکه و رویداد بسیار مهم غدیرخم در بازگشت از حجالوداع، همه نمونه هایی از این حرکت تبلیغی است.

آری، پیامبر اسلام نیک می دانست که حج، وحدت و انسجام مسلمین در سایه تمسک به حبل الهی، برای شکست و نابودی تمامی کفر و ظلم است.

می دانست که حج، مجهز شدن به سلاح توحید، مُعزّز شدن به عزت حق و متخلّق شدن به اخلاق الهی و مفتخر شدن به کسب فضایل مادی و معنوی است.

بنابراین روحانیون محترم، در ایام حج می توانند بیان کننده خدمات نظام و انقلاب باشند و دیدگاه های امام بزرگوار و رهبر انقلاب را در خصوص مسائل اساسی ایران و جهان اسلام بیان نمایند؛ همچنین می توانند آثار اتحاد مسلمانان و یک رنگی آنان را تحت رایت اسلام، برای از بین بردن تفرقه ها و نیرنگ دشمنان تبیین کنند.

یکی از عوامل مهم در امر تبلیغ و جذب دلهای افراد به سوی اسلام، حلم و بردباری رسول اکرم (ص) بود.

حلم، نوعی تسلط بر نفس است، به طوری که هنگام برخورد با صحنه های ناراحت کننده، دچار غضب نشده و عکس العمل نشان ندهد.

راغب اصفهانی، حلم را مهار نفس و طبیعت از به هیجان در آمدن به سبب غضب می داند.

از آنجا که یکی از حساس ترین فزازه های طوفان غضب، لحظه برخورد با افراد نادان است از این رو پیشوایان اسلام، تأکید کرده اند که با گشاده رویی که زیور حلم است این حالت را از خود دور کنند.

لذا پیامبر (ص) می فرماید: «گشاده رویی زیور حلم و بردباری است».

بکوشیم برای رسیدن به اهداف متعالی تبلیغی خود از این راهکار استفاده کنیم که انسان بردبار، پیروز است.

به نقل از پیامبر اعظم (ص): حلم دارای آثاری همچون موفق شدن به کارهای پسندیده، رغبت به نیکی، گذشت و مهلت دادن است.

آری، پیامبر اسلام با صبر و بردباری و تحمل مشقات فراوان از مردمی خالی از عواطف انسانی و فضایل اخلاقی، انسان هایی ساخت که واجد عالی ترین مقامات انسانی شدند.

با اینکه پیامبر (ص) بارها و بارها مورد اذیت و آزار مخالفان قرار گرفت، اما در مقابل، آنان را نفرین نکرد و همواره از خداوند، هدایت آنان را خواستار بود؛ این یک راهکار سازنده و مفید، برای پیشبرد مقاصد تبلیغی است که می بایست از آن سرمشق بگیریم.

انس بن مالک می گوید: روزی یک مرد عرب بیابان نشین، نزد پیامبر آمد، ردای ایشان را گرفت و آن را به شدت کشید، به طوری که اثر آن روی گردن پیامبر (ص) نمایان شد.

سپس آن عرب بادیه نشین گفت: ای محمد از اموالی که خدا در اختیار تو قرار داده است چیزی به من عطا کن، پیامبر (ص) به او نگاه کرد و لبخند زد و فرمود چیزی به او بدهند.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده: روزی، خدمتکار یکی از انصار به مسجد پیامبر آمد و در حالی که پیامبر (ص) ایستاده بودند، گوشه ای از لباس آن حضرت را گرفت.

پیامبر به او توجه نمود تا اگر کاری دارد برای او انجام دهد، ولی آن خدمتکار بدون آنکه سخنی بگوید، از مسجد بیرون رفت.

پیامبر (ص) به او چیزی نگفت و بر روی زمین نشست.

آن خدمتکار دوباره آمد و این عمل را تا سه مرتبه تکرار کرد و در هر مرتبه پیامبر (ص) برمی خاست و سخن نمی گفت، تا مرتبه چهارم شد و وی گوشه ای از لباس آن حضرت را قطع کرد و رفت.

مردم به او گفتند: چرا پیامبر را سه مرتبه از جای خود حرکت دادی و چیزی به او نگفتی؟ حاجت تو چه بود؟ او گفت در منزل ما مریضی هست.

مرا فرستادند تا تکه ای از پیراهن او را برای شفای مریض ببرم.

ولی من حیا کردم که از لباس آن حضرت در حالی که نگاه می کند، چیزی جدا کنم، اما در مرتبه چهارم، پشت سر پیامبر (ص) به طرف من بود و من توانستم از لباس او قطعه ای جدا کنم.

آری، پیامبر اسلام (ص) که مظهر حلم و بردباری است این گونه با رفتار خود تأثیر گذاری می کند.

برای ما مبلغان، احتمال اینکه در بعضی مواقع، عصبانی شویم وجود دارد؛ مثلاً نسبت به مراجعه مکرر مخاطبان جهت پاسخگویی به مسائل مختلف، چقدر خوب است به تاسی از پیامبر رحمت، زمینه اقبال مردم و روی آوردن آنان به اسلام ناب را بیشتر کنیم و مردم ما را امین خود بدانند.

و البته این مسئله در موسم حج بیشتر بروز کرده و مراجعات تکراری مردم نباید موجب خستگی و عصبانیت ما شود و ان شاء... با حلم و بردباری و سعه صدر پاسخگوی نیازهای مردم باشیم.

۳- جنگ روانی در سیره تبلیغی پیامبر

جنگ روانی، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آنها تأثیر گذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه های دوست است.

بنابراین، مقصود از جنگ روانی، فرایند تبلیغ در راستای تخریب روحیه دشمن و تقویت توان نیروهای خودی در عرصه های مذهبی، سیاسی و نظامی می باشد.

شایان ذکر است که با توجه به تعالیم اسلام، جنگ های روانی به مثبت و منفی تقسیم می شود.

در قسم منفی سخن از اموری همچون تهمت، شایعه، دروغ پردازی، ترور، شکنجه و ... است که این امور از دیدگاه اسلام ممنوع می باشد.

در بخش مثبت، اموری همانند افشای ماهیت و ارعاب و تحقیر دشمن و روحیه دادن به نیروهای مؤمن مطرح است که مراد ما از جنگ روانی به عنوان یک راهکار، قسمت اخیر می باشد.

خداوند در قرآن به شیوه های مثبت جنگ روانی، مانند تحقیر دشمن، ایجاد ترس در دل آنان، روحیه دادن به مسلمانان، مبارزه با شایعه و ... اشاره دارد؛ به عنوان مثال پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، بدر، مشرکان مکه، هم پیمان شدند تا در اقدامی هماهنگ مسلمانان را به کلی از میان بردارند.

اما خداوند متعال با نزول آیه «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَّيْسَ لَهُمْ شُرَكَاءُ فِي شَرِّ مَا كَفَرُوا بِآيَاتِنَا إِنَّ كُفْرَهُمْ بِآيَاتِنَا كَبْرٌ مِّنْ كُفْرِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِآيَاتِنَا إِذِ انبَايَا عَلَيْهِمْ بِالْغَيْبِ إِذْ سَأَلُوا عَنْ لُوطٍ قَوْمَئِذٍ لَّا يُعْتَدِبُونَ وَاتَّخَذَتْ لَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ عِزًّا وَكَانَ بَيْنَهُمْ سِتْرٌ مِّنْ آلِهِمْ يَأْتِيهِمْ وَإِذْ سَأَلُوا عَنْ لُوطٍ قَوْمَئِذٍ لَّا يُعْتَدِبُونَ وَاتَّخَذَتْ لَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ عِزًّا وَكَانَ بَيْنَهُمْ سِتْرٌ مِّنْ آلِهِمْ يَأْتِيهِمْ وَإِذْ سَأَلُوا عَنْ لُوطٍ قَوْمَئِذٍ لَّا يُعْتَدِبُونَ وَاتَّخَذَتْ لَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ عِزًّا وَكَانَ بَيْنَهُمْ سِتْرٌ مِّنْ آلِهِمْ يَأْتِيهِمْ

» به کافران بگو، به زودی شکست می خورند و در روز قیامت به جهنم رهسپار خواهید شد و چه بد جایگاهی است.

پس از نزول این آیه، طولی نکشید که یهودیان مدینه و بت پرستان مکه شکست خوردند.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز در رویارویی نظامی با دشمن، بارها از عملیات روانی مثبت استفاده کرده است؛ به عنوان مثال همین که متوجه شد دشمن قصد حمله به مدینه را دارد، به سوی دشمن می شتافت و با امداد از غیب، گاهی شکست دشمن و

پیروزی مسلمانان را پیشگوئی می نمود.

چند ساعتی از شکست مسلمانان در احد نگذشته بود که پیامبر اکرم (ص) متوجه شد دشمن از میان راه برگشته و با حمله به مدینه می خواهد کار را یکسره کند.

حضرت دستور آماده باش داد و مسلمانان با بدن های زخمی به سوی دشمن حرکت می کردند.

چون به حمراء الاسد رسیدند، پیامبر دستور داد افراد در طول روز هیزم جمع کنند و چون شب فرا رسید در پانصد نقطه آتش افروخت.

سرانجام خبر آمادگی سپاهیان اسلام و تصور نیروی زیاد، بر اثر آتش هایی که افروخته شد، دشمن را از تعرض بازداشت.

بنابراین از روش هایی که همواره دشمنان در مقابل پیام آوران الهی جهت ایجاد شک و دودلی و مانند آن به کار می بردند، پیامبر با روش مناسب نه تنها توطئه آنان را خنثی می نمود، بلکه توانست رعب و وحشت را به اردوگاه دشمن هدایت نماید.

اکنون به لحاظ اهمیت جنگ روانی، بایسته است شما پیام گزاران به چند نکته توجه داشته باشید.

سعی کنید اهداف دشمن را در عملیات های روانی بشناسید و با آن مقابله کنید.

۲ دشمن در عملیات های روانی معمولاً منافقانه وارد عمل و اقدام به مردم فریبی می کند.

سعی کنیم چهره او و عواملش را به مردم معرفی کنیم.

امروز آمریکا و بعضی از متحدان اروپایی از این حربه استفاده های ناروایی کرده اند، لازم است مردم را در این باره آگاه سازیم.

یکی از مهمترین شگردهای دشمن، ایجاد یأس و بدبینی در میان مردم است.

بکوشیم مردم را امیدوار کرده و به خوبی ها و کارهای مثبت انجام شده توجه دهیم.

سعی کنیم هرچه بیشتر، ایمان به خدا و امدادهای غیبی را در مردم تقویت کنیم.

۵- شگردهای جنگ روانی دشمن را برای مردم بر ملا سازیم.

در جهان امروز هر قدر آگاهی ملت‌ها بیشتر شود، زمینه خیانت‌ها و سوء استفاده‌ها و جنایت‌ها کم رنگ‌تر می‌شود.

امروزه ملت‌های دنیا پی برده‌اند که سبب بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌ها به آمریکا و هم‌پیمانان او برمی‌گردد، باید این نوع آگاهی‌ها تقویت شوند.

۴- تبلیغ الکوئی

قرآن در موارد زیادی بر تبلیغ به روش الکوئی، تأکید کرده است.

ذکر داستان‌های پیامبران و زنانی همچون مریم و آسیه، همگی در راستای ارائه الگوهای پسندیده و بیان داستان‌های قابیل، فرعون، همسران نوح و لوط، برای نشان دادن الگوهای ناپسند است.

یک مکتب تربیتی هر چند از تعالیم ممتاز و ایده‌آلی برخوردار باشد، اما مادامی که الگویی را به عنوان نمونه ارائه نکرده است، موفقیت‌چندانی نخواهد داشت.

در مکتب اسلام، ارائه الگوها همراه با دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم همدیگر ساخته است، به گونه‌ای که زمینه تأثیرپذیری مخاطب را دوچندان کرده است.

از منظر قرآن، پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) نسخه کامل بشریت و اسوه حسنه‌ای است که تمامی رفتار و کردارش، بیانگر تعالیم مکتب می‌باشد.

ویژگی‌های ایشان در خانه، اجتماع، با دوستان، برخورد با دشمنان، در جبهه و جنگ، در عبادات، در نظافت، نظم و ... زبانزد خاص و عام می‌باشد و ما پیام‌گزاران با معرفی این الگوی عملی می‌توانیم پیام خود را به مخاطب، بهتر ابلاغ کنیم.

به خاطر داشته باشیم که در الگودهی مسائلی همچون ظرفیت، مخاطب، تناسب و مانند آن باید رعایت کرد.

به یاد داشته باشیم که انسان به طور فطری میل به کمال دارد و می‌خواهد به بالاترین درجات برسد، به همین جهت سراغ نخبگان، فرهیختگان و اسوه‌های برجسته می‌گردد و چه الگویی بالاتر از پیامبرانی که در همه ابعاد زندگی می‌توانند سرمشق باشند.

بکوشیم با معرفی الگوهای بزرگ، زمینه پیشرفت تعالی انسان‌ها را مهیا سازیم.

۵- احترام به مردم

رعایت ادب و احترام به مردم از ویژگی های شخصیتی پیامبر اسلام می باشد.

آن بزرگوار حتی در مقام دعوت و تبلیغ دین خدا در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و تواضع سخن می گفت.

پیامبر با راهکارهای خاص خود، همچون احترام به مردم این زمینه را به وجود آورد؛ به عنوان مثال پیامبر (ص) احترام خاصی برای کودکان قائل بود.

انس بن مالک نقل می کند: که رسول خدا (ص) وقتی که بر کودکان می گذشت به آنان سلام می کرد، و در روایتی دیگر فرمود: یکی از پنج خصلتی که تا پایان عمر، هرگز ترک نخواهم کرد، سلام کردن به کودکان است تا پس از من به صورت سنت درآید.

احترام به طبقات مختلف در سر لوحه کار تبلیغی پیامبر بود.

در روایت می خوانیم، مردی وارد مسجد شد در حالی که پیامبر به تنهایی نشسته بود، حضرت بلند شد و جا باز کرد؛ آن شخص با کمال تعجب گفت: ای رسول خدا! جا که بسیار است.

فرمود: حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می نشیند بلند شود و برایش جا باز کند.

هرگز پیامبر اسلام، خُلق و خوی مردمی و محبت به مردم را فراموش نکرد.

همانند خود مردم زندگی می کرد.

قدرت، رفتار او را عوض نکرد.

در همه حال با مردم و از مردم بود.

عبدالله بن عمر می گوید: از او بخشنده تر، یاری کننده تر، شجاع تر و درخشان تر کسی را ندیدم.

با اینکه هیبت الهی داشت، اما با مردم خوش رفتاری می کرد.

وقتی در جمعی می نشست، شناخته نمی شد که او پیامبر خداست.

۶- تبلیغ عملی

پیامبر اکرم (ص) با ارائه الگوی رفتاری، در زندگی شخصی و عملی خویش، مبلّغ واقعی دینی و آئین خدا گردید.

این عمل بسیار تأثیرگذار بود، به گونه ای که حتی کسانی را که افکار انحرافی در سر می پروراندند به طرف خود جذب نمود.

شما روحانی بزرگوار، نیک می دانید کارآیی سخن و تبلیغ زبانی در برابر کارآیی عمل بسیار ناچیز می باشد.

به همین جهت پیشوایان دینی ما همواره به این امر، اهتمام داشتند.

در روایت می خوانیم که روزی پیامبر (ص) با جمعی نماز می گزارد و حسین (ع) در حالی که خردسال بود، نزدیک ایشان بود.

هر گاه پیامبر به سجده می رفت حسین (ع) می آمد و بر پشت ایشان سوار می شد و هر گاه رسول خدا (ص) می خواست سر از سجده بردارد، حسین (ع) را می گرفت و در کنارش می نهاد و وقتی به سجده می رفت حسین (ع) مجدداً بر پشت او سوار می شد.

او پیوسته چنین می کرد تا آنکه پیامبر (ص) از نماز فارغ شد.

در این هنگام مرد یهودی گفت: ای محمد (ص) شما با کودکان کاری انجام می دهید که ما چنین نمی کنیم.

پیامبر (ص) فرمود: اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشته باشید به کودکان، مهربانی می کنید.

مرد یهودی گفت: من به خدا و فرستاده اش ایمان آوردم.

بدین ترتیب با دیدن این بزرگواری از سوی پیامبر با آن عظمت و جایگاه، اسلام آورد.

عمل پیامبر (ص) باعث شد آن یهودی مسلمان شود.

این حرکت پیامبر (ص) یک راهکار مهم در تبلیغ دین می باشد؛ راهکاری که برگرفته از آموزه های قرآنی می باشد.

آنجا که فرمود: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون»؛ ای کسانی که ایمان آوردید؛ چرا چیزی می گوئید که در مقام عمل خلاف آن انجام می دهید.

در نظرگاه استاد مطهری، یک فرق میان مکتب انبیاء و مکتب فلاسفه و حکما، این است که حکما اهل نظریه و تعلیم و تدریس می باشند و سر و کارشان تنها از راه زبان با افکار و ادراکات بشر است، ولی پیامبران به آنچه می گویند قبل از آنکه از دیگران تقاضای عمل بکنند، خودشان عمل می کنند، و بنابراین

تا اعماق روح بشر نفوذ می کنند.

قلب و احساسات بشر را تحت تصرف خویش درمی آورند.

اولیای دین، مردم را با عمل خود تحت تأثیر قرار می دادند.

شما مبلغان دینی می دانید که عموم مردم بویژه نسل جوان، بیشتر به عمل نگاه می کنند تا محتوای پیامتان.

به همین جهت خداوند متعال در قرآن، مبلغان بدون عمل را مورد نکوهش قرار می دهد و می فرماید: آیا مردم را به نیکی

فرمان می دهید و خودتان را از یاد برده اید، در حالی که کتاب الهی را تلاوت می کنید آیا خرد نمی ورزید.

(اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب افلا تعقلون) .

در آیه دیگری از برانگیخته شدن خشم الهی نسبت به کسانی که سخن می گویند و بدان جامه عمل نمی پوشانند یاد می کند.

رسول اکرم (ص) اولین عمل کننده به سخنان خود بود.

اگر تشویق به جهاد می کرد خود پیشاپیش همه در میدان بود.

اگر بحث از انفاق و تعاون داشت، خود در این زمینه نه تنها همگام مردم، بلکه پیشرو مردم بود و اگر بحث از لغو امتیازات

طبقاتی داشت، خود به عنوان نمونه با بردگان می نشست و غذا می خورد و با اصحاب صفا به گفت و گو می پرداخت.

خود کار می کرد و آنگاه مردم را به کار و تلاش فرا می خواند.

ایشان در حفر خندق به سربازان کمک می کرد و در هیچ وضع و حالتی از همگامی با امت خودداری نمی کرد.

۷- تبلیغ تدریجی

نمی توان انتظار داشت که همه مردم به یکباره به انجام نیکی ها و ترک بدیها مبادرت ورزند.

از این رو تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی صورت می گیرد، باید به تدریج انجام شود، تا مردم طاقت تحمل آن را داشته

باشند.

پیام گزاران دینی، همچون طبیب هایی هستند که می خواهند بیماری های اخلاقی و فکری جامعه را مداوا کنند.

پس باید با حوصله، دقت و تأنی کار خود را انجام دهند و در صدد نباشند یک شبه ره صد ساله را طی کنند.

باید دانست تبلیغ تدریجی رمز موفقیت است و می توان از این طریق بسیاری از مشکلات را حل کرد.

فراموش نکنیم که موفقیت پیامبر اسلام در سایه تبلیغ تدریجی اش به دست آمد.

قرآن کریم هم در طول سالهای پس از بعثت به تدریج بر حضرت محمد (ص) نازل گردید تا آن حضرت نیز به تدریج بر مردم قرائت و ابلاغ فرماید؛ چرا که زمینه تبلیغی خیلی از امور فراهم نبود که تحریم شرب خمر و ربا از این نمونه می باشد.

آن بزرگوار در یک مرحله به صورت انفرادی و غیر علنی مردم را به دین دعوت می نمود.

امام صادق (ع) می فرماید: پس از نزول وحی، رسول خدا (ص) سیزده سال در مکه بود که سه سال آن با دعوت پنهانی گذشت تا آنکه خدا، فرمان علنی دعوت را اعلام فرمود و پیامبر دعوت خود را آشکار کرد.

در مرحله علنی دعوت خود را با انداز اقوام و خویشان خود آغاز کرد.

در تفسیر درالمنثور چگونگی علنی شدن دعوت پیامبر را این گونه نقل می کند که پیامبر (ص) بر بالای کوه صفا ایستاد و قریش را ندا داد.

چون اجتماع نمودند، چنین فرمود: اگر به شما خبر دهم که گروهی در پایین کوه بر ضد شما جمع شده اند، آیا مرا تصدیق می کنید؟ گفتند: آری تو پیش ما متهم نیستی و ما هرگز از تو دروغی نشنیده ایم.

فرمود: پس شما را به عذاب دردناک هشدار می دهم ... ابولهب برخاست و فریاد برآورد که همین امروز بمیری.

مردم از اطراف او پراکنده شدند و خدا این آیه را نازل فرمود؛ «تبت یدا ابی لهب وتب».

اگر بخواهیم بهره برداری بیشتری از فرصت ها بکنیم، باید تبلیغ خود را مرحله بندی و تدریجی پیش ببریم.

۸ عفو و گذشت

عفو، محو کردن آثار گناه و زشتی و بیرون نمودن ناراحتی و کینه از دل می باشد.

از آثار عفو، ایجاد محبت و دوستی و پیوند افراد با یکدیگر می باشد.

عفو و اغماض، باعث اصلاح نمودن افراد می گردد.

یکی از راهکارهای نبی مکرم اسلام (ص)، عفو و گذشت نسبت به افراد خطاکار بود.

در این رابطه خداوند در آیات متعددی پیامبر را به گذشت امر می کند.

در آیه ای می فرماید: از پرتو رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند، بنابراین آنها را عفو کن و برای آنان آمرزش بخواه.

(فیما رحم من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و ...) امام صادق (ع) می فرماید: بعد از فتح مکه، پیامبر اکرم (ص) بر کوه صفا بالا رفت و فریاد زد: بنی هاشم، فرزندان عبدالمطلب، من رسول و فرستاده پروردگار به سوی شما هستم و دلسوز شما می باشم.

به نقل ابن اثیر، از مردها در کوه صفا بیعت گرفت که تا توان دارند مطیع خدا باشند.

عفو در جریان فتح مکه، ما را به چند نکته مهم راهنمایی می کند:

پیامبر اکرم (ص) سعی می کرد که مکه را بدون جنگ و خونریزی فتح نماید.

پیامبر بر طبق مقررات اسلامی، می توانست مردم مکه را از بین ببرد و آنها را اسیر نماید، ولی با بزرگواری روح و عظمت فوق العاده، همه آنها را با جمله اذهبوا فانتم الطلقاء آزاد کرد.

عفو پیامبر از کفار و مشرکین سبب جذب آنان به اسلام و جلوگیری از خونریزی و فتنه های زیاد و کینه توزی های عمیق شد.

۴ اگر پیامبر (ص) اساس کار خود را بر گذشت و عفو نمی گذارد، مسلمان هایی که از مشرکان مکه صدمات فراوانی خورده بودند از چنین شرایطی که قدرت به دست آورده بودند دست به انتقام می زدند و آنچه آنچنان هرج و مرج شدیدی پدید می آمد که مانع رشد اسلام می گردید.

۹- در نظر گرفتن ظرفیت فکری مخاطبان

پیام‌گزاری که می‌خواهد پیامی را به گیرندگان منتقل کند، قبل از هر چیز باید سطح علم و آگاهی آنان را مورد توجه قرار دهد.

اصولاً اگر ارسال پیام بر اساس معرفت و آگاهی پیام‌گیرندگان صورت نگیرد، تلاش پیام‌گزار در دسترسی به اهدافش بی‌ثمر خواهد ماند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: هرگز رسول خدا (ص) با مردم به اندازه عمق عقل خود سخن نگفت (یعنی معیار گفتار آن بزرگوار، درجات آگاهی و معرفت مخاطبان بوده) این راهکار از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) در تبلیغ دین اسلام بوده است.

امام صادق (ع) در فراز دیگری می‌فرماید: تفاوت فهم سلمان با دیگران به اندازه‌ای بود که رسول اکرم (ص) و علی (ع) از اسرار علم الهی چیزهایی را به سلمان می‌گفتند که دیگران قدرت تحمل آن را نداشتند.

بنابراین، قبل از انتقال پیام، باید از سطح آگاهی مخاطبان آگاه باشید.

اجازه بدهید برای عینی‌تر شدن موضوع مثالی بزنیم.

در مجلسی حدود پانصد مسلمان علاقه‌مند حضور دارند.

معلومات اکثر آنها ابتدائی، ۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۱۵ درصد بی‌سواد هستند.

شما مبلغ بزرگوار، می‌خواهید موضوع جاودانگی انسان پس از مرگ را بیان کنید؛ در این حالت، بحث از تجرد نفس و بیان ادله فلسفی در اثبات جاودانگی انسان پس از مرگ نه تنها مناسب نمی‌باشد، گاه زیان‌آور نیز خواهد بود.

راهکار این است که ضمن بیان اهداف بحث، توضیح داده شود که اسلام مرگ را نابودی نمی‌داند؛ بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر می‌داند.

اینگونه پیام‌رسانی، همگان را بهره‌مند خواهد کرد و گرنه بیشتر افراد مجلس از شما هیچ‌گونه بهره‌ای نخواهند بود.

امام علی (ع) درباره پیامبر (ص) می‌فرماید: پیامبر (ص) طبیعی است که در میان بیماران می‌گردد تا دردشان را درمان کند.

داروها و مرهم‌های خود را مهیا کرده است و ابزار جراحی خویش را گداخته است تا هر زمان که نیاز افتد، آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا بگذارد.

استاد مطهری در شرح این حدیث می‌فرماید: پیامبر ابزار و وسایلی به کار می‌برد.

یک جا قدرت و میسم (داغ) به کار می‌برد یک جا مرهم.

یک جا با خشونت و صلابت رفتار می کرد و یک جا با نرمی؛ ولی مواردش را می شناخت.

در همه جا از این وسایل که بهره می برد، در جهت بیداری و آگاهی مردم استفاده می کرد.

شمشیر را جایی می زد که مردم بیدار شوند نه اینکه به خواب روند.

اخلاق را در جایی به کار می برد که سبب آگاهی و بیداری می شد.

لذا پیامبر (ص) می فرماید: ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.

مولوی به مضمون حدیث اشاره کرده و می گوید:

پست همی گوید به اندازه عقول

عیب نبود این بود کار رسول

شهید مطهری، در توضیح حدیث ادامه می دهد که فلاسفه همواره یک منطق و یک سطح معین، در بیان به کار می برند.

آنها یک متاع و یک جنس، بیشتر در مغازه خود ندارند.

مشتری های آنها هم فقط یک طبقه هستند و این از عجز آنهاست.

می گویند بر سر در مدرسه معروف افلاطون (که باغی بود در بیرون شهر آتن و نام آن باغ آکادimia بود و امروز هم به همین مناسبت مجامع علمی را آکادمی می گویند) شعری نوشته شده بود که مضمونش این بود: هر کس هندسه نخوانده به این مدرسه وارد نشود.

اما در مکتب و روشی که انبیاء دارند، همه گونه شاگرد می تواند استفاده کند.

همه جور متاع در آنجا هست.

هم عالی که افلاطون باید بیاید شاگردی کند.

و هم پایین که به درد یک پیر زن می خورد.

بر سر در هیچ مکتب پیامبری نوشته نشده که هر کس می خواهد از اینجا استفاده کند باید فلان قدر تحصیل کرده باشد، زیرا «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم».

۱۰- جهانشمولی تبلیغ

زمانی که اسلام و قوانین اسلامی در مدینه استقرار پیدا کرد، پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفت رسالت جهانی خود را بر همه مردم جهان عرضه بدارند.

لذا ارسال نامه به شاهان کشورهای بزرگ و مقامات مذهبی، سیاسی و رؤسای قبایل، در نواحی مختلف جزیره العرب در دستور کار پیامبر قرار گرفت و نامه هایی توسط فرستادگان خویش به پادشاهانی که در دوران آن حضرت حکومت می کردند، فرستاد که از آن جمله می توان به نامه های آن حضرت به پادشاه روم، حبشه، اسکندریه و یمامه اشاره کرد.

در تاریخ آمده است که یکی از کارهای مهم آن حضرت، تشکیل دیوان الرسائل یا دبیرخانه بوده و همیشه گروهی از کاتبان، نامه ها و فرمان های پیامبر را می نوشتند و به وسیله پیک می فرستادند و نامه های رسیده را نیز به نظر ایشان می رساندند و اگر احتیاج به ترجمه داشت ترجمه می کردند.

این حرکت پیامبر اسلام، یک راهکار مهم در تبلیغ دین به شمار می رود، اگر قوانین دینی و آموزه های آن جهان شمول می

باشد، راهکارهای تبلیغاتی آن هم، باید متناسب با آن، فرا منطقه ای باشد و پیامبر اسلام با حرکت تبلیغی خود این را اثبات کرد.

استاد جعفر سبحانی می نویسد: نامه های پیامبر مکرم اسلام، روشی بسیار نوین و ابتکاری در دیپلماسی بود که هرگز بی اثر نبود، هم چنانکه می توان آن را بهترین گواه بر قوت ایمان آن حضرت دانست؛ زیرا کسی که هنوز از زیر فشار شکنجه قوم خود نجات نیافته و چندان نیرو و ارتشی نداشت با کمال صراحت و شجاعت، امپراطور ایران و همچنین سایر زعماء و رهبران جهان را به سوی اسلام فراخواند.

در حالی که هنوز حتی در شبه جزیره عربستان، استقرار کافی نیافته بود و همین روش و دیپلماسی پیامبر بود که بعضی از زمامداران را به دین اسلام متمایل ساخت.

پروفسور محمد حمید الله، استاد دانشگاه پاریس در کتاب الوثائق السیاسیه ۲۹ نامه آن حضرت و مرحوم آیت اله میانجی در کتاب مکاتیب الرسول صورت ۱۸۶ نامه از نامه های پیامبر را ذکر کرده اند.

۱۱- مردمی بودن

قرآن درباره پیامبر (ص) می فرماید: به یقین رسولی از خود شما به سوی تان آمد که رنج های شما بر او سخت و اصرار بر هدایت شما دارد، نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است «لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم».

به تعبیر مفسرین عبارت «من أنفسکم» در جمله «لقد جاءکم رسول من أنفسکم» اشاره به شدت ارتباط پیامبر با مردم دارد.

گویی پاره ای از جان مردم و از روح جمعی در شکل پیامبر (ص) ظاهر شده است.

به همین دلیل تمام دردهای مردم را می داند، از مشکلات آنان آگاه است و در ناراحتی ها و غم ها با آنان شریک می باشد.

پس از ذکر صفت «من أنفسکم» به سه قسمت دیگر از صفات ممتاز پیامبر که در تحریک عواطف اثر دارد اشاره می کند.

اول می گوید: «عزیز علیہ ما عنتم» که هرگونه ناراحتی و زبان و ضرری به شما برسد برای پیامبر، سخت ناراحت کننده است.

دیگر اینکه او سخت به هدایت شما علاقه مند است (حریص علیکم) و آخر اینکه می فرماید: «بالمؤمنین رؤوف رحیم»؛ یعنی او نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است.

بکوشیم به تاسی از پیامبر اسلام، ارتباطی دوستانه با مردم برقرار نمائیم؛ زندگی ساده و بدون تشریفات داشته باشیم؛ هجرت و حرکت به سوی مردم داشته باشیم و منتظر نباشیم تا مردم مراجعه کنند.

به همسایگان، کودکان، نوجوانان و جوانان بیشتر توجه کنیم.

خود را خدمت گزار مردم بدانیم و دیگران را برای راحتی خود به زحمت نیندازیم.

توقع نداشته باشیم که ما بنشینیم و دیگران خدمت کنند.

بلکه از جا برخیزیم و در کارها مشارکت نماییم.

برادری را جایگزین تفرقه ها و اختلاف ها کنیم.

همت ما ایجاد صلح و دوستی در میان همه مردم باشد.

در کارها و تصمیم گیری ها با مردم مشورت کنیم و به رأی آنها احترام بگذاریم.

تمایلات فطری انسان ها را در نظر بگیریم و سرانجام اینکه سبقت در سلام و احوالپرسی، دست دادن، خوشروئی، اجازه

خواستن هنگام ورود به مکانی، نه تنها از اعتبار ما کاسته نخواهد شد، بلکه بر عظمت ما، در نزد مردم افزوده خواهد شد.

۱۲ شرح صدر

اشاره

شرح صدر به معنی توسعه، توانایی و آمادگی قلب، فکر و روح آدمی در پرتو انوار و الطاف الهی برای دریافت و پذیرش حقایق و معارف دینی و تحمل و شکیبایی در برابر ناملايمات و مشکلات تبلیغ دین است.

روایت شده است که پس از اینکه رسول گرامی اسلام، آیه شریفه «فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام» ... را تلاوت فرمود از ایشان پرسیدند: معنی شرح صدر چیست؟ فرمود، نوری است که در قلب آدمی تابانده می شود و در اثر آن، قلب وسعت (آمادگی برای قبول حق) می یابد.

در حدیث می خوانیم که پیامبر (ص)، فرمود: بیشترین دعای من و دعای پیامبران پیش از من در عرفه این دعاست: خدایا در دلم و گوشم و چشمم نور قرار بده، خدایا به من شرح صدر بده و کارم را آسان کن.

آثار و نشانه های شرح صدر

۱/۱۲- اگر فردی از موهبت شرح صدر بهره مند باشد، برای از دست دادن امکانات مادی، موقعیت سیاسی اجتماعی، پست و مقام، دلتنگ و اندوهگین نمی شود و پاداش های بی پایان الهی و سرای جاوید آخرت را فراروی خود می بیند.

از رسول خدا (ص) پرسیدند: نشانه شرح صدر چیست؟ فرمود: روی گردانی از خانه فریب (دنیا) به سرای جاودانگی (آخرت) و مهیا شدن برای مرگ، پیش از آنکه فرا رسد.

۲/۱۲- خشونت و بی ادبی مخاطبان ناآگاه، نباید مبلغ را آزرده خاطر و خشمگین سازد.

در این مورد می توان به سعه صدر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در پاسخ به پرسش های توأم با خشونت ضمان بن ثعلبه، فرستاده بنی سعد بن بکر و در نهایت، مسلمان شدن او و قبیله اش اشاره نمود.

۳/۱۲- در نفرین و مجازات مخالفان شتاب نمی ورزید.

خدای مهربان به رسول اکرم (ص) می فرماید: «فاصبر لحکم ربک و لاتکن کصاحب الحوت».

صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد.

از این رو آن حضرت هنگام مواجهه با آزار و اذیت مردم، به جای نفرین و گلاویه برای آنها دعا می کرد: «اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون».

پروردگارا ملتّم را هدایت فرما که نادانند.

چگونه شرح صدر یابیم؟ شرح صدر موهبتی است که از سوی آفریدگار حکیم و مهربان به کسانی که با ایمان و عمل صالح، مقدمه دریافت نعمت بزرگ را در خود ایجاد کرده اند عطا می شود.

از جمله عوامل شرح صدر می توان به خودسازی، پرهیز از گناه، یاد خدا و ارتباط مداوم با دانشمندان و علما صالح ذکر نمود.

۱۳- تبشیر و انذار

تشویق، به معنی برانگیختن، به شوق درآوردن و راغب نمودن و تنبیه، به معنی بیدار نمودن و آگاهی دادن است.

قرآن از واژه تبشیر و انذار استفاده می نماید و درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ما تو را مبشّر و نوید دهنده فرستادیم.

تشویق و تبشیر موجب ترویج ارزش ها و حرکت به سوی تکامل است.

با تشویق می توان، اراده و روحیه افراد را قوی نمود.

همچنان که تبّه، برای پیشگیری و درمان بسیاری از ناهنجاری ها راهگشاست.

با تشویق می توان ارزش های دین را در دلها تثبیت کرد و با تئبه دادن به افراد خطارکار، آنان را متوجه عادت های زشت و ناپسندشان نمود و به آنها فهماند که باید دست از عملشان بردارند؛ و گرنه سرنوشت شومی در انتظار آنان می باشد.

استاد مطهری می فرماید: تبشیر و انذار، هیچ کدام به تنهایی کافی نمی باشد.

تبشیر شرط لازم هست، ولی شرط کافی نمی باشد.

انذار هم شرط لازم هست، ولی شرط کافی نیست.

در دعوت به تبلیغ دین هر دو رکن باید باشد.

اشتباه است اگر مبلغ تنها تکیه اش روی انذارها باشد و بلکه جانب تبشیر باید بچربد و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می دارد.

در قرآن کریم و سیره معصومین، هم تشویق مطرح شده و هم تنبیه.

به عنوان نمونه، قرآن به رسول گرامی اسلام می فرماید: مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن و هنگامی که زکاتشان را می پردازند بر آنان درود فرست و برایشان دعا کن.

و یا به عنوان تنبیه می فرماید: از جاهلان روی بگردان و در مسجد منافقان به عبادت پرداز.

از مهمترین بشارت های پیامبر که خطاب به مشرکان برای پذیرش اسلام می باشد، شعار بزرگ «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» است که سر لوحه دعوت و تبلیغ پیامبر اکرم (ص) بود.

مژده به نعیم اخروی و بشارت به سعادت دنیوی، در دعوت پیامبر زیاد به چشم می خورد.

همچنین انذار و هشدار پیامبر به مشرکان، نسبت به عواقب کاری در دستور کار پیامبر (ص) بود.

استاد مطهری معتقد است، بعضی دعوت ها تنها سوق دادن نمی باشد، بلکه تنفیر و نفرت ایجاد کردن و فرار دادن است.

ایشان معتقد است، بسیاری از اوقات، پدر و مادرها یا بعضی از معلمان، کاری می کنند که در روح بچه حالت تنفر و گریز از مدرسه ایجاد می شود.

طبق سیره ابن هشام، پیامبر وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ مردم یمن به یمن فرستاد، به او چنین توصیه کردند: یا معاذ بشر و لاتنفر.

یسر و لاتعسر.

برای تبلیغ اسلام، روی اساس کارت تبشیر و مژده باشد، کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند.

پیامبر نفرمود و لاتنذر، چون انذار جزء برنامه است که قرآن دستور داده، بلکه فرمود: لاتنفر، کاری نکن که مردم را از اسلام فراری دهی و متنفر کنی.

مطلب را طوری تقریر نکن که عکس العمل روحی مردم، فرار از اسلام باشد.

۱۴ سازش ناپذیری در اصول

سازش ناپذیری در اصول، به معنی داشتن قاطعیت، صلابت، انعطاف ناپذیری در اصول و مبانی دین و مذهب، ارزش ها و احکام الهی و حقوق مردم است.

دشمنان خدا در طول تاریخ در پی آن بودند که از حرکت های الهی پیامبران، در جهت پیاده شدن آموزه های دین جلوگیری کنند.

در این مسیر، پیامبر (ص) نیز با مشکلات و موانع متعدد و از جمله تطمیع و تهدید روبرو بود، ولی از رسالت الهی خویش کوتاه نیامد، بلکه فعالیت خویش را بیشتر و بیشتر نمود، به گونه ای که توانست

سرود توحید را به گوش جهانیان برساند.

پیامبر اکرم (ص) می فرمود: به خدا سوگند، اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی فرمانروایی همه جهان را به من دهند) که از تبلیغ آیین و از هدفم دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد و هدف خود را تعقیب می کنم تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهائی برسم و یا در راه هدف، جان سپارم.

مهمترین موردی که لازم است به تأسی از پیامبر اسلام، پیام گزاران دینی در جهت حفظ آن استوار باشند، حفظ اصول و مبانی دین و مذهب است.

هرگز، راضی به کمترین تحریف و انحراف در باورهای دینی، ارزشها و احکام الهی نشوید.

با کسانی که ایمان و عقاید اسلامی را مورد تعرض قرار می دهند، تسامح و تساهل روا مدارید.

حفظ نظام اسلامی از مهمترین واجبات شرعی است و همه باید نسبت به آن اهتمام کامل داشته باشیم.

البته مواردی را که سزاوار است آسان بگیرید و با گذشت باشید، به عنوان نمونه در مسائل و حقوق شخصی، با خانواده، همکاران و مردم با مهربانی و مدارا برخورد کنید.

در مسائل فرعی دینی، آن مواردی که دین آسان گرفته شما نیز به خودتان و دیگران آسان بگیرید.

۱۵ تألیف قلوب و ایجاد وحدت

مبلغ، باید در انجام رسالت الهی خویش در تألیف قلوب مردم و ایجاد وحدت بین آنان کوشا باشد و این حرکت را به تأسی از پیامبر اکرم (ص) وظیفه اصلی خود بشمارد.

یکی از کارهایی که پیامبر، شاید در همان ماههای اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد اخوت بین مسلمانان بود؛ یعنی مسلمانان را با هم برادر خواند.

بدین صورت که آنان را دو به دو با هم برادر و طبقات مختلف را در یک جهت قرار داد.

اشرافی گری اشراف مدینه و قریش را رعایت نکرد و غلام سیاهی را با یک چهره برجسته و آزاد شده ای را با یک آقازاده معروف بنی هاشم یا قریش، برادر کرد که او با این کار زمینه برادری را در بین مردم ترویج داد.

بکوشیم زمینه برادری را در میان همه مردم و میان همه طوایف و فرق ترویج کنیم.

اندکی تأمل، ما را متوجه این نکته می کند که امروز ریشه بسیاری از اختلافات بین مسلمین، به دست قدرت های استکباری

می باشد که می کوشند جایگاه وحدت دینی را در بین مردم کم رنگ کنند.

باید بکوشیم با این حرکت، مقابله و وحدت را جایگزین آن گردانیم.

مقام معظم رهبری در خصوص وحدت می فرمایند: دو جهت گیری اساسی در وحدت وجود دارد، یکی عبارت از رفع اختلافات، تناقض ها، درگیری ها و تضادها که از قرن ها پیش تا امروز، بین طوائف و فرقه مسلمین وجود داشته و همیشه به ضرر آنان بوده است.

دیگر اینکه وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد و گرنه ارزشی ندارد.

علمای اسلام قبول دارند که قرآن می فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله».

پیامبر (ص) که نیامد نصیحتی بکند، حرفی بزند و مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ بلکه آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد؛ جامعه و زندگی را هدایت کند؛ نظام را تشکیل دهد و انسان ها را به سمت اهداف زندگی درست، پیش ببرد.

نتیجه گیری

با دقت در سیره عملی و تبلیغی پیامبر (ص) روشن می شود که مبلغان در کارهای بایسته و شایسته و پرهیز از بدی، پیشگام و جلودار باشند.

باید باورهای دینی و معرفتی در آنان نمونه باشد.

اخلاق معاشرتی آنان باید در حد بسیار مطلوبی باشد، به گونه ای که هر کس آنان را ببیند، گمشده خود را در آنان بنگرد.

مردم باید بی اعتنایی به دنیا، آزادگی، دلسوزی و گذشت را در وجود مبلغ ببینند.

همچنان که باید تواضع، شجاعت و شهامت را در وی مشاهده کنند.

آری پیام گزار دینی آنچه را که از دین برای مردم می گوید، مردم همان را در عمل او ببینند.

رویکرد پیامبرانه در دهکده جهانی، بهترین روش برای دعوت مردم به دین خدا می باشد و راهکارهای تبلیغی نبی اکرم (ص) ما را به آن رویکرد، نزدیک می کند.

بکوشیم در موسم حج با رفتار و روشی صحیح دلهای مردم را هر چه بیشتر به سوی خدا متوجه کنیم.

سیمای حج در قرآن

مرکز عبادت

ان اول بیت وضع للناس للذی ببکّه مبارکاً و هدیّ للعالمین (آل عمران / ۹۶)

ترجمه: (همانا اولین خانه ای که برای عبادت مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است و مایه برکت و هدایت همه مردم است).

اولین خانه ای که ساخته شد برای عبادت، همان کعبه است و از آنجا زمین گسترش یافت و همین سنگ بنای اولیه عبادت و وسیله آزمایش تمام انسان ها از آدم (ع) تا آخرین نفر می باشد و خداوند با همین سنگ های کعبه، همه را آزمایش می کند.

کعبه مرکز پایداری و قیام

جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس.

(مائده / ۹۷)

ترجمه: (خداوند، کعبه را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد).

خانه ای پاکیزه برای طواف

و اذ بوأنا لآبراهيم مكان البيت ان لا تشرك بي شيئاً و طهر بيتي للطائفين والقائمين والركع السجود (حج / ۲۶) .

به خاطر بیاور زمانی را که جای کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم تا خانه را بناء کند و به او گفتیم چیزی را همتای من قرار مده و خانه ام را برای طواف کنندگان، قیام کنندگان، رکوع کنندگان و سجود کنندگان از آلودگی های بت ها و هر آلودگی دیگر پاک ساز.

فراخوانی به حج

و اذن فی الناس بالحج یا توک رجلاً و علی کل ضامر یاتین من کل فج عمیق (حج / ۲۷)

ترجمه: و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب های چابک از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

بهره گیری از منافع حج

لیشهدوا منافع لهم و یدکروا اسم الله فی ایام معلومات

ترجمه: تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه) باشند و در ایام معینی نام خدا را ببرند.

این دعوت عمومی به حج را نیز پیامبر در مدینه در سال دهم هجرت دستور دادند و مؤذنین با بلندترین صدا، مردم را برای حج همراه پیامبر فراخواندند.

پیامبر اکرم (ص) در همان سال دهم هجرت، به محض ورود به مکه هدف اصلی از حج را اعلام می دارد و از جانشین بر حقش می خواهد تا این ندا را به گوش جهانیان برساند.

بیزاری از مشرکان

براهه من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین (توبه / ۱)

ترجمه: (این آیات) اعلام جدایی و بیزاری و برائتی است از سوی خدا و پیامبرش، نسبت به مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید.

(با وحی و نزول این آیات و اعلان آن به همه، بدین وسیله برائت از مشرکان اعلان و لغو کلیه پیمان ها گردید و نیز شرکت مشرکان در حج و ورودشان به خانه خدا از سال بعد ممنوع شد.

اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله (توبه / ۳)

ترجمه: اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر (عید قربان یا روز عرفه) که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند.

نماز طواف

و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و امنأ واتخذوا من مقام ابراهيم مصلى و عهد الى ابراهيم و اسماعيل ان طهرا بيتى للطائفين و العاكفين و الركع السجود.

(بقره / ۱۲۵)

ترجمه: و به یاد آور هنگامی که خانه کعبه را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم و گفتیم از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان پاک و پاکیزه کنند.

قربانی

یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما زرقهم من بهیمه الانعام فکلوا منها و اطعموا البائس الفقیر.

(حج / ۲۹)

ترجمه: و نام خدا را ببرند در روزهای معلوم (ایام تشریق) بر آنچه روزیشان داده است از دامهای چهار پا، پس بخورید از آن و به فقیران و نیازمندان نیز بدهید.

و نیز می فرماید:

و البدن جعلناها لکم من شعائر الله لکم فیها خیر فاذکروا اسم الله علیها صواف.

(حج / ۳۶)

ترجمه: قربانی کردن شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم.

در آنها برای شما خیر است و هنگام قربانی نام خدا را بر شتران وقتی ایستاده اند ببرید.

وقوف

و چه زیباست آنگاه که از عرفات و مشعر و جایگاه آن سخن می گوید.

فاذا افضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعر الحرام و اذکروه کما هداکم (بقره / ۱۹۸)

ترجمه: چون از عرفات کوچ کردید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید و او را یاد کنید که شما را هدایت کرد.

یاد خداوند در عرفات برای پاک گردانیدن بندگانش.

چنانچه در روایت آمده: خداوند، غروب عرفه، تمام گناهان زائران خانه خود را می بخشد.

آیه بعد می افزاید:

ثم افيضوا من حيث افاض الناس واستغفروا الله، ان الله غفور رحيم (بقره / ۱۹۹).

ترجمه: سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، کوچ کنید و از خداوند طلب آمرزش نمائید که خداوند آمرزنده مهربان است.

در این آیه ضمن اینکه استغفار و آمرزش طلبیدن را بهترین اعمال عرفات و مشعر می داند اشاره به وحدت و حرکت جمعی دارد و اتحاد و یک دست بودن مسلمانان در این اعمال که کنگره جهانی است مد نظر می باشد.

پس از بازگشت از منی، اعمال مکه است که با طواف آغاز می شود.

قرآن در این زمینه می فرماید:

ثم ليقضوا تفتهم وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق (حج / ۲۹)

ترجمه: سپس بعد از فراغت از قربانی باید آلودگی خود را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه کهن و آزار کعبه طواف نمایند.

تقصیر

«ليقضوا تفتهم» در واقع به تقصیر اشاره دارد که زدودن مو، ناخن و شارب است و بعد از اینکار است که دور خانه خدا طواف می کند.

محرمات

درباره محرمات نیز به چند آیه اشاره می شود:

الحج اشهر معلومات فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج (بقره / ۱۹۷)

ترجمه: حج در ماههای معینی است (شوال، ذی قعدة، ذی حجه) و هر کس در این ماه، فریضه حج را ادا کند، بداند که آمیزش جنسی و دروغ و ناسزاگویی، گناه و جدال در حج روا نیست.

در آیه مذکور سه تا از محرمات آمیزش فسوق و جدال مطرح گردید.

و در آیه ذیل اشاره به یکی دیگر از محرمات دارد، چنانچه می فرماید:

حرم عليكم صيد البرما دتم حرمات واتقوا الله الذي اليه تحشرون (مائده / ۹۶)

تا زمانی که محرم هستید صید صحرائی برای شما حرام است و از خداوندی که به سوی او محشور می شوید پروا کنید.

یکی دیگر از اعمال مکه، سعی صفا و مروه است.

قرآن کریم آن را یکی از شعائر دینی و مذهبی می خواند و می فرماید:

ان الصفا و المروه من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما و من تطوع خيرا فان الله شاكر عليم (بقره/ ۱۵۸)

همانا صفا و مروه از شعائر خداست.

پس هر که حج خانه خدا و یا عمره به جای آورد، مانعی ندارد که بین صفا و مروه طواف کند و افزون بر واجبات، هر کس داوطلبانه کار خیری انجام دهد، همانا خداوند سپاسگزار و داناست.

یکی دیگر از اعمال سعی صفا و مروه است، مکانی که هاجر در پی یافتن آب برای فرزندش هفت بار این مسیر را طی کرد.

امام صادق (ع) می فرماید: در روی زمین، مکانی بهتر از میان این دو کوه وجود ندارد؛ زیرا هر متکبری در آنجا سر برهنه و پا برهنه و کفن پوشیده بدون هیچ امتیاز و نشانه ای باید مسافت بین دو کوه را طی کند.

گاهی با دویدن و گاهی با رفتن.

کوه صفا علاوه بر اینها، خاطره هایی از دعوت پیامبر اسلام دارد که چگونه کفار مکه را به توحید فرا می خواند و آنها گوش نمی دادند.

تمامیت حج

قال الباقر (ع) : تمام الحج لقاء الامام.

امام باقر (ع) می فرماید: تمامیت حج، به ملاقات کردن با امام است.

قال الصادق (ع) فی قوله تعالى (ليقضوا تفثهم) : لقاء الامام.

امام صادق (ع) درباره آیه "ليقضوا تفثهم" می فرماید: منظور ملاقات امام است.

حج و نیت صادقہ

من حج هذا البيت بيته صادقہ و نفقه طيبه اجعله في الرفيق الاعلى مع النبيين والصديقين و الشهداء و الصالحين: کسی که با نیت صادق و مال حلال به حج رود، در قیامت کنار انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحان خواهد بود.

حج و عمرہ، بازار آخرت

امام صادق (ع) می فرماید: الحج و العمره سوقان من اسواق الآخرة

حج و عمرہ دو بازار آخرت است که همه اش سود است، اگر زنده بماند بیمه خداوند است و اگر در مسیر راه از دنیا برود اهل بهشت.

تأثیرات حج

در روایت دیگری از تأثیرات حج می فرماید: ان الله ليدفع بمن يحج من شيعتنا عن لا يحج. خداوند به خاطر حج رفتن گروهی از شیعه، قهر خود را از دیگران باز می دارد.

خرج در راه حج

امام صادق (ع) فرمود: درهماً فی الحج افضل من الفی الف درهم فی ما سواه فی سبیل الله: مصرف یک درهم در راه حج از دو میلیون درهم در غیر حج بهتر است، اگر چه مصرف های دیگر هم در راه خدا باشد.

حج، آرامش بخش دلها

امام باقر (ع) می فرماید: الحج تسکین القلوب: حج آرامش بخش دلهاست.

توجه به زیارت خانه

امام صادق (ع): عليكم بحج هذا البيت فادمنوه فان في ادمانكم الحج دفع مكاره الدنيا عنكم و احوال يوم القيامة: این خانه را پیوسته زیارت کنید که زیارتهای پیوسته شما از آن، ناخوشیهای دنیا و سختیها و هراسهای روز رستاخیز را از شما دور می کند.

زائر حج، مهمان خدا

امام علی (ع) می فرماید: الحاج والمعتمر وفد الله و حق على الله تعالى ان يكرم وفده و يحبوه بالمغفرة: زائر حج و عمره، میهمان خداست و خداوند به او آمرزش هدیه می کند.

محرومیت از حج

امام صادق (ع) می فرماید: من اراد الحج فتهيأ له فحرمه، فبذن حرمه.

هر گاه کسی بخواهد حج رود، خود را برای این کار آماده سازد، اما موفق به زیارت حج نشود، بداند که به سبب گناهی از این ثواب محروم شده است.

حج، برطرف کننده فقر

امام علی (ع) می فرماید: و حج البيت والعمرة فانهما ينفيان الفقر و يكفران الذنب و يوجبان الجنة: به جا آوردن حج و عمره ناداری را از بین می برند، گناهان را پاک می کنند و موجب رفتن به بهشت می شوند.

حج و زیارت معصومین

امام صادق (ع) می فرماید: اذا حج احدكم فليختم حجه بزيارتنا.

لان ذلك من تمام الحج.

هر گاه یکی از شما حج گزارد باید حج خود را به دیدار از ما پایان دهد، زیرا زیارت ما جزئی از حج است.

حج و دوستی اهل بیت

امام باقر (ع) می فرماید: انما امر الناس: ان يأتوا هذه الاحجار فيتطوفوا بها، ثم يأتونا فيخبرونا بولائهم و يعرضوا علينا نصرتهم: مردم فرمان دادند که بیایید و بر گرد این سنگ (کعبه) طواف کنند و پس از آن نزد ما بیایند و نسبت به ما اظهار ولایت و دوستی کنند و هواداریشان را از ما اعلام نمایند.

مسعی، محل خضوع متکبران

امام صادق (ع) می فرماید: ما من بقعه احب الى الله تعالى من المسعی لانه يذل فيه كل جبار: هیچ جایی نزد خدای تعالی محبوبتر از مسعی نیست، زیرا هر گردنکش و متکبری در آنجا خوار و ذلیل می شود.

حج و خصلتهای نیکو

امام باقر (ع) می فرماید: ما يعبأ بمن يوم هذا البيت اذا لم يكن فيه ثلاث خصال: ورع يحجزه عن معاصي الله تعالى، و حلم يملك به غضبه و حسن الصحابه لمن صحبه.

ترجمه: هر کس که این خانه را زیارت کند، اگر سه خصلت در او نباشد ارزش ندارد: ورعی که او را از معاصی خدای تعالی بازدارد، حلمی که با آن خشمش را مهار کند و خوشرفتاری با کسی که با وی همنشین و مصاحبیت دارد.

حق حج بر گردن حاجی

امام سجاد (ع) می فرماید: حق الحج ان تعلم انه وفاده الى ربك و فرار اليه من ذنوبك و به قبول توبتك و قضاء الفرض الذي اوجبه الله عليك.

امام سجاد می فرماید: حق حج بر تو این است که بدانی به این وسیله بر پروردگارت وارد می شوی و از گناهانت به سوی آن می گریزی و به وسیله آن توبه ات پذیرفته می شود و فریضه و تکلیفی را که خدا بر تو واجب کرده است ادا می کنی.

علت حج

امام رضا (ع) می فرماید: عله الحج الوفاده الى الله تعالى، و طلب الزيادة والخروج من كل ما اقتترف و ليكون تائباً مما مضى

مستأنفاً لما يستقبل.

علت حج، وارد شدن بر خدای تعالی است و طلب کردن ثواب بسیار و بیرون آمدن از همه گناهان گذشته و شروع کردن زندگی آینده از نو.

قبولی حج

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

علامت قبولی حج، آن است که انسان بعد از بازگشت از مکه دست از گناهان قبلی خود بردارد.

حج در نگاه امام صادق (ع)

قال الصادق (ع): إذا اردت الحج فجرد قلبك لله تعالى من كل شاغل وحجاب كل حاجب وفوض امورك كلها الى خالقك وتوكل عليه في جميع ما يظهر من حرکاتك وسکناتک وسلم لقضائه وحكمه وقدره، ودع الدنيا والراحه والخلق واخرج من حقوق تلزمك من جهة المخلوقين ولا تعتمد على زادك وراحتك واصحابك وقوتك وشبابك ومالك، مخافه ان يصيروا لك عدوا ووبالاً فان من ادعى رضا الله واعتمد على شىء صيره عليه عدوا ووبالاً ليعلم انه ليس له قوه ولا حيله ولا لاحد الا بعصمه الله وتوفيقه واستعد استعداد من لا- يرجو الرجوع وأحسن الصحبه، وراع اوقات فرائض الله وسنن نبيه (ص) وما يجب عليك من الادب والاحتمال والصبر والشكر والشفقه والسخاء وايتار الزاد على دوام الاوقات.

ثم اغسل بماء التوبه الخالصه ذنوبك والبس كسوه الصدق والصفاء والخضوع والخشوع

واحرم من كل شىء يمنعك عن ذكر الله ويحجبك عن طاعته، ولبّ بمعنى اجابه فيه زاكيه لله عزوجل فى دعوتك له متمسكا بعروته الوثقى، وطف بقلبك مع الملائكه حول العرش كطوافك مع المسلمين بنفسك حول البيت.

وهرول هروله من هواك، وتبرياً من جميع حولك وقوتك.

فاخرج من غفلتك وزلاتك بخروجك الى منى ولا تمنّ ما لا يحل لك ولا تستحقه.

واعترف بالخطايا بعرفات، وجدد عهدك عند الله بوحدانيته.

وتقرب الى الله، ثقه بمزدلفه.

واصعد بروحك الى الملاء الاعلى بصعودك الى الجبل.

واذبح حنجرتى الهوى والطمع عند الذبيحه.

وارم الشهوات والخساسة والدناءه والذميمه عند رمى الجمرات.

واحلق العيوب الظاهره والباطنه بحلق رأسك.

وادخل فى امان الله وكنفه وستره وكلاءته من متابعه مرادك بدخولك الحرم.

و زر البيت متحققا لتعظيم صاحبه ومعرفه جلاله وسلطانه.

واستلم الحجر رضا بقسمته وخضوعا لعزته.

وَدَّعَ ما سواه بطواف الوداع.

وصفَّ روحك و سرَّك للقاء الله يوم تلقاه بوقوفك على الصفاء.

وكن ذامروه من الله، تقيا اوصافك عند المروه.

استقم على شروط حجك هذ و وفاء عهدك الذي عاهدت به مع ربك واوجبه الي يوم القيامة.

امام صادق (ع) در آداب مراقبين از ابتدای حرکت برای حج تا پایان اعمال و توشه راه در حج می فرماید:

چون خواستی حج کنی، پیش از آنکه عزم رفتن کنی، دلت را از هر دلبستگی و مشغله ای و از هر حجابی برای خدا خالی کن همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار در تمام حرکات و سکناات به او توکل کن و سرسپرده قضا و قدر و حکم او شو با دنیا و آسایش و مردمان بدرود گوی حقوقی را که از مردم به گردن داری پرداز بر توشه راه و مرکب و همسفران و نیرو و جوانی و مال و دارایی خود تکیه مکن که بیم آن می رود این همه دشمن و مایه وبال تو شوند؛ چرا که هر که مدعی خشنودی خدا باشد و با این حال به چیز دیگری پشت گرم شود، خداوند همان چیز را دشمن و مایه وبال و زحمت او می گرداند تا به او بفهماند که اگر خدا نگهدار نباشد و توفیق ندهد نه او و نه هیچ کس دیگر را توان و چاره ای نیست.

چنان آماده شو که گویی امید برگشت نداری همسفر و همنشین خوش و نیکو باش اوقات فرایض خداوند و سنتهای پیامبرش و چیزهای دیگری را که رعایت آنها بر تو لازم است؛ مانند ادب، بردباری شکیبایی، سپاسگزاری، مهربانی، بخشش و ایثار، ره توشه خود به همسفران را در تمام اوقات پاس بدار.

آنگاه با آب توبه ای که گناهان را پاک می کند خود را شستشو ده و جامه صدق و صفا و خضوع و خشوع بر تن کن خویشتن را از هر آنچه تو را از یاد خدا و طاعت او باز می دارد مُحرم ساز، آنگاه خدای عزوجل را می خوانی او را لبیک گوی، لبیکی خالص و پاکیزه و ناب و به دستگیره استوار او چنگ زن همان گونه که با مسلمانان بر گرد خانه خدا طواف می کنی، دلت را همراه فرشتگان بر گرد عرش به طواف آر در هنگام هروله از هوای نفس خویش بگریز و از همه نیرو و توانت دست بشوی آنگاه که به سوی منا خارج می شوی از بی خبری و لغزشهای خود نیز به درآی و آنچه را بر تو روا نیست و سزاوارش نیستی تمنا مکن در عرفات به خطاها و گناهان خود اعتراف کن و با خداوند بر وحدانیت و یگانگی او تجدید پیمان کن در مزدلفه با اطمینان به خدا نزدیک شو آنگاه که بر کوه مشعر بالا می روی روح را نیز به سوی ملاً اعلی بفرست آنگاه که قربانی می کنی گلوی هوی و طمع را نیز بیر در هنگام رمی جمرات نیز به خواهش ها و پستی و دنائت و کردارهای زشت و نکوهیده سنگ بینداز در هنگام تراشیدن سر، عیبهای آشکار و پنهانت را نیز بزدای آنگاه که به حرم قدم می گذاری خود را از اینکه دنبال خواهشت روی، در امان و پناه و کنف حمایت خدا درآور.

با یقین به عظمت صاحب خانه و شناخت شکوه و شوکت و قدرت او خانه را زیارت کن.

از سر خشنودی به حشمت خداوند و خضوع در برابر عزت و قدرت او حجر الاسود را استلام کن با طواف وداع با هرچه جز اوست بدرود گوی آنگاه که بر صفا می ایستی جان و درون خود را برای آن روزی که به دیدار خدا می روی پاک گردان در مروه، مروّت داشته باش و با فانی کردن اوصاف تقوای خدا را در پیش گیر بر شرایطی که در این حج خود نهاده ای و پیمانی که با خدایت بسته ای و تا روز رستاخیز آن را بر گردن گرفته ای استوار و پا برجا باش.

تجربه ها و توصیه ها

توصیه به مسؤلان

روحانیون کاروان های حج در " ره آورد سفر سال ۸۴"، مخاطب بخشی از توصیه ها و تجارب خود را مسئولان و سیاستگذاران حج و زیارت قرار داده اند.

مکتوب سازی این نکات، افزون بر سودمندی طبیعی آن برای مسئولان، این نتیجه را نیز به همراه دارد که روحانیون اعزامی به حج در سال جاری، با آگاهی از محتوای توصیه ها و پیشنهادات ارائه شده، از تکرار آنها در آثار ارسالی خود پرهیز کرده، نکات و توصیه های جدید ارائه نمایند.

الف- در داخل کشور

برای عمره ها نیز معینه در نظر گرفته شود.

کتاب آداب الحرمین با ترجمه روان در اختیار زائران گذاشته شود تا به معنای آن توجه بیشتری پیدا کنند.

از اعزام زائرانی که دارای مشکلات روحی هستند جلوگیری بعمل آید.

فتاوی جدید مراجع در اختیار روحانی و معین و معینه قرار داده شود.

در فرم های کنترل اعمال، " بقاء یا عدم بقاء تقلید از مراجع " اضافه شود تا تعداد زائرانی که مقلد مراجعی هستند که قائل به مکه قدیم هستند متمایز شوند و برای انجام اعمال در صبح از اتوبوس های مسقف برای رفتن به مسجدالحرام استفاده نشود.

از جانمازهایی که بالای آن حصیر دوخته شده به کلیه زائران در ایران هدیه شود.

هرچه تعداد زائران کمتر باشد و کاروان ها کوچکتر باشد بهتر است؛ چرا که تجربه نشان داده هر چه افراد کاروان بیشتر باشند، مشکلاتشان هم بیشتر است.

روحانی و معین و معینه برای کاروان ها، بومی انتخاب شود تا مشکل زبان و عدم درک زائران پیش نیاید.

روحانی بومی به سبب آشنا بودن با اصطلاحات و ضرب المثل ها و آداب و رسوم و فرهنگ آنان در تفهیم مطالب و مناسک موفق تر است.

بحث های تخصصی و کلامی و رفع شبهات را به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه شده و در اختیار روحانیون و معین و معینه قرار گیرد تا در مواقع لزوم از آن استفاده کنند.

زمان پرواز هواپیماها طوری تنظیم شود که با وقت نماز تلاقی نداشته باشد.

کتاب ادعیه ای تنظیم شود که حاوی مناجات ها و ادعیه های خاص؛ باشد مثل خمسه عشر، حضرت امیر (ع)، دعای جوشن کبیر و ... و در اختیار زوار قرار گیرد.

از اعزام زائرانی که استطاعت بدنی ندارند و اکثر اعمال را نایب می‌گیرند، جلوگیری شود؛ چرا که مشکلات فراوانی برای روحانی و عوامل کاروان و حتی سایر زائران بوجود می‌آورد.

کاروان‌هایی با تعداد ۱۸۰ به بالا- برای روحانی و معین و سایر عوامل کاروان بسیار پر زحمت و پردردسر است و آن لذات معنوی حج، برای زائران میسر نمی‌شود، لذا سعی شود حداکثر تعداد، همین ۱۸۰ نفر باشد و حتی کمتر.

کلاس‌های مکالمه عربی برای روحانی، معین و معینه حتماً برگزار شود.

کلیه عزیزان اهل سنت در یک کاروان مجزا ثبت نام و اعزام شوند و از پراکندگی آنان در کاروان‌های مختلف جلوگیری بعمل آید.

برای سالمندان (۶۰ به بالا-) و یا بیماران، کاروان‌های مستقلی با تعداد خدمه بیشتر تشکیل شود با اخذ وجه بیشتر و دادن سرویس و امکانات بهتر، چرا که مایه رضایت همگان است.

ترتیبی اتخاذ شود، استفاده از مداحانی که به عنوان زائر به حج مشرف می‌شوند در کاروان‌ها یکسان باشد و در هر کاروان حداقل یک مداح وجود داشته باشد.

درخواست مصرانه کلیه زائران اضافه شدن و تجهیز سرویس های بهداشتی در منا و عرفات است.

(بسیاری از بیماری های زائران از همان جا شروع می شود)

ترتیبی اتخاذ شود که برای جلوگیری از بدحجابی بانوان زائر، همان گونه که ساک و برخی لوازم یکسان به زائران داده می شود، چادرهای یک رنگ و سنگین هم به خانم ها داده شود و بانوان ایرانی لباس متحدالشکلی، همچون سایر کشورها داشته باشند.

ترتیبی اندیشیده شود که با همکاری نهضت سوادآموزی، کلاس های فشرده ای سه الی چهار ماه قبل از اعزام به حج، برای زائران بی سواد در هر منطقه ای گذاشته شود و زائر بی سواد و کم سواد توسط مدیر به آن کلاس ها هدایت شوند و به زائرانی که همت و تلاش خوبی کرده اند و با سواد شده اند، جوایزی اهدا شود.

توصیه می شود همان گونه که زائران در جهت سلامت جسمی مورد ارزیابی و معاینه پزشکی قرار می گیرند از جهت روحی و روانی نیز کنترل شوند؛ چراکه در بعضی موارد، این گونه زائران مشکلات حادّ و عدیده ای بوجود آورده اند.

به مدیران محترم و عوامل کاروان و خدمه حتماً توصیه شود در اعمال و مناسک و احکام دخالت نداشته باشند و به طور صد در صد با روحانی و معین هماهنگ و همراه شوند.

توصیه می شود با مسئولان هواپیمایی و پرواز، هماهنگی لازم انجام شود که در طول پرواز از زندگانی پیامبر (ص) و حضرت ابراهیم (ع) و ادعیه های جمعی و اماکن مکه، فیلم پخش شود تا حال و هوای معنوی زائر حفظ شود.

حیطه و وظایف خواهران معینه برای مدیران کاروان تبیین شود تا انتظارات تعدیل شده و مشکلات نیز کمتر شود.

توصیه می شود درایام حج از پزشکان متخصص گوش و حلق و بینی و ریوی و تنفسی بیشتر استفاده شود؛ چرا که عمده مشکل و بیماری در آنجا همین است.

یکی از شرایط حج تمتع، استطاعت بدنی است.

چرا این دقت در مورد ۲۰ درصد از زائران انجام نمی گیرد.

افراد سالمند بیمار، هم خود و هم دیگران را به زحمت می اندازند.

شرح وظایف مدیر گروه ارشاد و ... و روحانیون (روحانی، معین و معینه) به طور کامل تعیین و در دسترس عوامل قرار گیرد.

تقویت سایت های اینترنتی و پربار کردن آنها برای اثبات حقانیت شیعه و پاسخ های محکم برای شبهات وهابیت و خنثی

نمودن فعالیت های موهوم و مذموم و هابیت.

مقتضی است همه ساله آزمون هایی برای مدیران محترم، همچون آزمونی که از روحانیون گرفته می شود برگزار گردد و در حیطه اطلاعاتی که باید داشته باشند، نسبت به زمان اعمال و مکان های اعمال، تا مجبور شوند اطلاعاتی را که لازمه کار و سفرشان است به دست آورند.

به پزشکان کاروان ها توصیه مؤکد شود که سابقه پزشکی بیماران را به طور دقیق داشته باشند و مسائل ایمنی برای حفظ جان آنان را بکار گیرند و به مدیر و معاون و روحانی و معین نیز وضعیت آنها را اطلاع دهند تا دیگر در حج شاهد فوت زائران که دچار بیماری ریوی و قلبی هستند نباشیم.

ب- خارج از کشور

در حج هم، همانند عمره در صورت امکان برای هتل ها مدیر ثابتی لحاظ شود تا کارها از نظم بیشتری بهره مند گردد.

تدابیری اتخاذ شود که حتماً ساک و وسایل زائران همراه خودشان به ایران آید و تأخیری نداشته باشد.

برنامه ریزی شود که به هر زائر یک قرآن هدیه شود تا از صف های طویل برای گرفتن قرآن (آنهم وقفی) که بسیار موهن است جلوگیری شود.

ترتیبی داده شود تا دعای عرفه، از سوی بعثه برگزار شود تا حظّ معنوی آن بهتر حاصل شود و همچنین در بین چادرهای همجوار با هم انجام شود، چرا که برخورد و تراحم صداها و بلندگوهای اطراف، اثر منفی دارد.

نقشه منی و عرفات و مشعر و راه های منتهی به قربانگاه به طور دقیق و واضح در اختیار روحانیون و مدیران قرار داده شود و نزدیکترین، خلوت ترین و مناسب ترین راه ها نیز مشخص گردد.

در مکه و مدینه حتماً فروشگاه های ایرانی دایر شود تا هم از خروج ارز به طور سرسام آور جلوگیری شود و هم از سرگردان شدن زائران در بازارها و خیابان ها ممانعت بعمل آید.

سعی شود از رانندگان ایرانی در سرویس های ایاب و ذهاب مکه استفاده شود، بخصوص در عزیزیه که تمرکز اکثر زائران ایرانی آنجاست و یا حداقل رسیدگی و نظارت بعثه بر این سرویس ها باشد.

اماکن امداد رسانی عربستان را دقیق نوشته و در اختیار مدیران قرار داده شود تا در صورت بروز مشکل برای زائر و یا گم شدن او سریع اقدام شود.

در اجاره هتل ها دقت شود که سالن اجتماعات دارد یا نه که عدم وجود سالن، معضل بزرگی برای روحانی و معین و ... خواهد بود.

در صورت امکان هماهنگی با عوامل مدیریت مسجدالحرام، بتوان ساعتی خاص را برای طواف ویلچرپها در پایین اختصاص دهند تا مشکلات طواف در بالا پیش نیاید.

ترتیبی اتخاذ شود که در برنامه غذایی و دستر و میوه کمتر اسراف شود و از حجم غذاها کاسته شود؛ چرا که اکثر افراد، بخصوص بانوان در رژیم غذایی هستند و این اسراف می شود و بعضاً پرخوری، معنویت حج را کم می کند.

در برخی از هتل ها جهت دستشویی ها بر خلاف موازین شرعی است.

قبل از ورود زائران، شناسایی و نوشته ای مبنی بر عدم استفاده، درون آنها نصب شود.

چند مرکز تجاری در جده و مکه و مدینه از سوی ایران احداث شود و محصولات ایرانی و صنایع دستی و ... برای زوَّار خارجی ارائه شود و نیز کالاهای خارجی، اعم از لوازم منزل و پوشاک ارائه تا زوار ایرانی از آنجا خرید نمایند.

در اختیار قرار دادن و یا توصیه به خرید یک خط موبایل با خط عربستان به روحانیون و معین و معینه برای هماهنگی اعمال بخصوص برای روحانیون که معینه هایشان نامحرمند، بسیار ضروری است.

به دولت عربستان پیشنهاد خط مترو از مکه به منا بدهید؛ چنانچه خودشان قادر به ساخت نیستند از کشورهای اسلامی بخصوص ایران کمک بگیرند.

تا تردد از مکه به منا و بالعکس کمتر شود.

در منا که معمولاً زائران چادرهای خود را گم می کنند، ستاد گمشدگان تقویت گردد.

در اتوبوس های ایرانیان قسمت بانوان و آقایان، مانند داخل ایران جدا شود.

با برچسبی این دو محدوده تفکیک شود.

تأسیس یک موج رادیویی FM در ایام حج، توسط سازمان حج جهت ارتباط با زائران و ارائه برنامه های فرهنگی و تذکرات اخبار ایران، بسیار موثر است.

در غذای سرد ایام تشریق بیشتر دقت شود.

در صورت امکان مسیر بازگشت از منا به مکه را با علائمی مشخص کنید؛ مثلاً با نصب تابلو عزیزیه ۵، عزیزیه ۶ و ... تا از سردرگمی بیش از حد زائران جلوگیری شود و در صورت عدم امکان، نقشه های واضحی در اختیار زائران قرار دهید تا در صورت گم شدن، مسیر را شناسایی کرده و خود برگردند.

برای بازگشت زائران از منا به مکه برنامه ریزی گردد تا این همه مشکلات و تبعات سوء بدنبال نداشته باشد.

پیشنهاد می شود مکان روحانیون در منا با علامت و جای خاصی معلوم باشد که دسترسی زائران به آنها به سهولت امکان پذیر باشد.

در منی چادرها و فضای بیشتری به ایرانیان داده شود؛ چرا که به علت فضای تنگ داخل چادرها، زائران مجبور بودند شب را در کنار آشغال ها و فضای بسیار کثیف بیرون از چادر، به صبح برسانند.

برای ارزیابی روحانیون و مدیران محترم، دقت بیشتری بعمل آید.

راننده های سرویس هایی که برای زیارات دوره در مکه در نظر گرفته می شود به راهها و مسیرها آگاهی داشته باشند و زائران را از مکه خارج نکند تا مشکلات شرعی بوجود نیاید.

به مشکل ایاب و ذهاب و سرویس های ایرانیان در مکه مکرمه با جدیت رسیدگی شود.

جهت جلوگیری از فعالیت و جاذبه های وهابیت، جزوه هایی که به شبهات و معرفی وهابیت با زبان ساده بیان شده چاپ و در اختیار زائران قرار گیرد تا مبادا مجذوب سخنان فریبنده وهابیت قرار گیرند.

از مسؤولان سعودی خواسته شود که نسبت به زائرانی که در مسیر راه چادرهای منی تا جمرات اطراق می کنند، مخالفت بعمل آورند.

نصب علائم و تذکرات لفظی کارساز نیست و اطراق اینها راه را تنگ و گاهی مسدود می کند و رمی جمرات به تأخیر می

افتد.

نسبت به قطع سرویس از ششم تا نهم ذی حجه تجدیدنظر شود و کماکان سرویس ها تا نهم برقرار باشد.

ترتیبی اتخاذ شود که قرآن هایی به صورت امانی در اختیار مدیران هتل قرار گیرد تا به زائرانی که قرآن ندارند داده شود و با تلاوت آن، از اوقات فراغت در هتل استفاده نمایند.

الف- در داخل کشور

به زائران توصیه شود در طول سفر یک قرآن همراه داشته باشند.

از اهمیت عمره و حج و قبولی آن در صورت صحت اعمال توضیح داده شود تا زائران نسبت به یادگیری اعمال، اهمال نکنند.

کلیه زائران مرد شناسایی شوند تا از پتانسیل های آنان در ابعاد مختلف استفاده گردد.

از جمله زبان، آموزش قرائت به بی سوادها، سرگروهی، کمک دادن به زائران ناتوان در انجام اعمال.

جهت آموزش احکام و مناسک از سیستم های جدید (CD و فیلم و پوسترها برجسته و اسلاید همراه با صدا) استفاده شود.

جلسات آموزشی به صورت پرسش و پاسخ و با برگزاری مسابقه باشد تا توجه و ترغیب بیشتری را برانگیزد.

داشتن ارتباط منطقی با زوار همراه با احترام و ارج نهادن به حرفه و مشاغل آنان.

در جلسات آموزشی حتماً ماکت کعبه را داشته باشند و عملاً زائران را آموزش دهند و بعد از توضیح از آنان بخواهند تا عملاً کیفیت طواف را نشان دهند.

روحانیون از بدقولی و عدم حضور در جلسات چه در داخل و چه خارج از کشور بپرهیزند.

از سخنرانی طولانی و تکرار سخنانی که فهم آن برای زائران آسان است پرهیز شود تا جلسات ملال آور نشود و از عدم شرکت زائران بدین وسیله جلوگیری شود.

در آخرین جلسات در داخل کشور از مناسک آموزش داده شده، آزمون بعمل آید تا توجه زائران در فراگیری مسائل بیشتر معطوف شده و در جهت رفع اشکالات سعی نمایند و به برندگان نیز جوایزی داده شود.

روحانیون محترم قبل از شروع جلسات آموزشی با زائران، جلسه ای با معین و معینه خود داشته باشند و در آن مطالب هر جلسه بررسی و تقسیم کار صورت گیرد تا جلسات آموزشی، دچار بی هماهنگی و بی نظمی و یا دلخوری و بیکاری معین و معینه نشود.

از افراط و تفریط در بیان مسائل و احکام جلوگیری شود.

(نه آنقدر سنگین بیان شود که زائران دچار استرس و اضطراب شوند و نه آنقدر آسان و جزئی مطرح شود که نسبت به یادگیری سهل انگاری صورت گیرد.

(چنانچه افراد تحصیلکرده در کاروان زیاد باشد، حتماً جلسات آنان با سایرین جدا بوده و جلسات این عزیزان از غنای بیشتر که در سطح علمی آنان باشد برخوردار گردد.

حتماً راجع به نحوه برخورد با اهل سنت و شیوه نماز آنان و اذان و اقامه شان و نماز میت آنان توضیح داده شود و وظیفه ما در

برابر هر یک از آنها تشریح گردد.

در جلسه ای که اکثر زائران حضور دارند، مسائل اختلافی فقهی که در قالب احتیاط واجب طرح شده اند و قابل ارجاع هستند مطرح شود.

در همان جلسات اول روحانیون محترم، لیستی از دفاتر مراجع و شماره تلفن های آنان داشته باشند که در اختیار زائران، جهت پرداخت وجوهات بگذرانند.

سؤالاتی که زیاد مطرح می شود یادداشت کرده و در سفرهای بعدی روی آنان بیشتر تأکید نمایند.

تقسیم کار با معین و معینه به نحوی باشد که هر دو نسبت به تبیین احکام و تشریح اسرار و عرفان حج و ذکر تاریخ و سرگذشت ها هم سهیم باشند و این تقسیم کار از قبل باید معین باشد تا با غنای علمی کامل وارد صحنه شود.

در جلسات آخر در داخل کشور سعی شود که عملاً یک روز همه کاروان، اعم از زن و مرد مُحرم شده و اعمال را انجام دهند تا هم عملاً شنیده های خود را تجربه کنند و هم ترس و اضطرابشان موقع اعمال واقعی ریخته و هم لباسهایشان چک شود.

کاروان هایی که تعداد بانوان زائر آنها زیاد است، چنانچه یک گروه ارشاد هم از بانوان انتخاب شود بسیار پسندیده است که در گروه بانوان هم، فعالیت چشمگیر فرهنگی وجود داشته باشد.

روحانیون محترم، دائماً در جهت کارهای زائران با مدیر هماهنگ عمل کنند و چنانچه مدیری بدون مشورت، مطلبی را اعلام کرد سعی شود در جلوی زائر مطلبی دال بر این عدم هماهنگی و عمل خودسرانه گفته نشود، بلکه به طور دوستانه به ایشان تذکر دهید.

تذکرات مسائل اورژانسی، مثل نماز در هواپیما، در فرودگاه جده، در هتل و ... در آخرین جلسه در ایران داده شود.

ظاهر آراسته و مرتب روحانیون و پرهیز از کلام اضافی و رفتار مناسب، سبب تأثیر گذاری بیشتر سخنان آن عزیزان می باشد.

سختگیری بیش از اندازه در تصحیح قرائت ها موجب یأس زائران می شود.

باید به زائر امید و توان اصلاح داد تا پیشرفت کند و مأیوس نشود؛ چرا که یأس، زمینه بی خیالی و بی تفاوتی است.

احادیث و آیات زیادی در قرآن و سیره، راجع به اخلاق مناسب در سفر وجود دارد، مقتضی است که حتماً طی یک جلسه به آنها پرداخته شود تا صمیمیت و انس بیشتر اهل کاروان فراهم آید.

حتماً روحانیون معزز هماهنگی با معین و معینه در پاسخگویی مسائل و مناسک داشته باشند تا از دو گانه گویی و تکرار جلوگیری شود.

مطالب جلسات به صورت طرح درس تهیه شود و در اختیار کاروان قرار گیرد تا زائران نسبت به مطالب مطروحه در جلسات از قبل آگاهی داشته و سؤالات خود را آماده کنند و این امر توجه و حضور آنها را بالا می برد.

سعی شود جلسات در ایران در محلی غیر از مساجد تشکیل شود تا این امر (تشکیل در مسجد) مانع از شرکت تمام خانم ها نشود.

شناسایی زائرانی که مشکل زبان دارند (با زبان روحانی آشنایی ندارند) و توجیه نمودن آنها از طریق دیگران.

شناسایی زائرانی که مشکل شنوایی و گویایی دارند.

جهت ایجاد آمادگی لازم و درک سفر معنوی حج، زائران را قبل از آن به تزکیه و تهذیب نفس دعوت نمایند و در هر جلسه

ای که در داخل کشور است، قدری از تهذیب نفس سخن بگویند.

و خوب تقلید از یک مرجع ذی صلاح تبیین گردد؛ آنگاه مراجع تقلید همه زائران ثبت شود و چنانچه کسی هنوز مرجع تقلیدی ندارد با راهنمایی، این مسئله رفع گردد.

وضو، غسل، تیمم و حتی نماز جماعت به طور عملی و کامل آموزش داده شود.

همه‌هنگی صد در صد معین با روحانی، هم در تسریع کار و هم صحت اعمال و هم روحیه زائران، تأثیر بسزایی دارد.

در جلسات، حضور و غیاب زائران حتماً انجام گیرد تا نسبت به زائری که غایب بوده، توضیحات احکام، صورت بگیرد و این حضور و غیاب ها در شرکت و توجه زائران، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

توجه به ظاهر (پوشش لباس و کفش و ...) آراستگی و تمیز بودن و توجه داشتن در کلام و سخن در جذب زائران جوان بیشترین تأثیر را دارد.

یک جلسه را به توضیحاتی راجع به آداب سفر و اخلاق و مراعات هم سفران و ... توضیح دهید تا با جلوگیری از دعوای و نزاع های زائران، زمینه معنویت بیشتری فراهم آید.

به زائران در هر جلسه یادآوری شود که یک زائر ایرانی باید پیام آور وحدت، الفت و دوستی، ادب و اخلاق برای زائران سایر کشورها باشد.

در آخر جلسات با ذکر مصیبت می توان فضای معنوی ایجاد کرده و مقدمات سفر را بهتر فراهم کرد.

ب- در خارج از کشور

برای حفظ دستاوردهای معنوی سفر در مکه با هماهنگی و تقسیم کار بین معین و معینه، هر شب جلسه ای در مسجدالحرام برای تمام اعضاء کاروان جهت خواندن ادعیه و ختم قرآن و صلوات و ... برگزار گردد.

به زائران تذکر داده شود که از انجام طواف مستحب و یا عمره مفرده (بعد از انجام اعمال واجب خود) در ایام تشریق و دو روز بعد از آنکه هنوز زائران موفق به انجام اعمال واجب خود نشده اند به شدت پرهیز نمایند.

جهت برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری ها در محل اسکان به علت عدم تداخل صدا و استفاده از سالن اجتماعات می توان با هماهنگی با کاروان دیگر موجود در محل اسکان، مراسم را به صورت جمعی برگزار نمود و در کلیه برنامه ها از جمله خرید هدایا یا تدارکات و تزئین ... تقسیم کار صورت گیرد.

در آخرین روز سفر در جلسه وداع، کسب رضایت و حلالیت از زائران و زائران از یکدیگر، خیلی مهم است؛ چرا که اگر کدورتی بین آنها در طول سفر بوجود آمده از میان برداشته شود و پاک به میهن بازگردند.

در مسجدالحرام و مسجدالنبی برای ساعاتی، روحانی و معین و معینه جای معینی داشته باشند تا زائران برای رفع سؤالاتشان به آنجا مراجعه کنند.

روحانیون محترم در کلیه جلساتی که بعثه برای بازدید از اماکن می گذارد شرکت نمایند تا با کلیه راهها و توضیحات بهتر آشنا شوند.

از دحام روز ۱۱ و ۱۲ ذی حجه در بیت الله الحرام فرقی ندارد، لذا اصراری بر آوردن زائران در روز ۱۱ برای انجام اعمال مکه نداشته باشید؛ چرا که با خستگی فراوان در برگشت، درک وقوف شب ۱۲ را از دست می دهند.

چه بسا بعد از ایام تشریق مطاف و سعی خلوت تر باشد.

توجه به اینکه از عنایات غیبی و لطف و عنایت حضرت حق غافل نشده و در انجام اعمال از حضرتش استمداد بطلبند.

علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین.

برگزاری جشن شکرانه در هتل بعد از اطمینان از صحت عمل تمام زائران و اصلاح عمل آن دسته که اشتباه داشتند و پخش نقل و شیرینی صورت گیرد.

روحانیون معزز با هماهنگی معین و معینه تدابیری اتخاذ کنند تا جلسات جاذبه و تنوع بیشتری داشته باشد و شرکت برای همگان مفید و شور و شعف به همراه داشته باشد.

جلسات به صورت پرسش و پاسخ، برگزاری آزمون، انتخاب زائران نمونه و برتر، استفاده از خود زائران برای کنترل و ارائه مطالب در جلسه، استفاده از تجارب علمی، عبادی و معنوی زائران برای هر کدام که از قبل شناسایی شده اند باشد و در وقتی معین، از قبل هم در برنامه ها اعلام شود که بحث های تاریخی در مورد اماکن به عهده زائران گذاشته می شود که با مطالعه و تحقیق بازگو نمایند.

در هر جلسه یک نکته اخلاقی تذکر داده شود.

به طوری که در تغییر رویه و زندگی زوار تأثیرگذار باشد.

(توشه معنوی حج همین هاست)

در تعمیق نمودن باورهای دینی جوانان و مشارکت آنان در بحث ها و ایجاد فضاهای معنوی برای آنان باید تلاش نمود.

در جلسات، دقایقی هم به وظایف منتظران در عصر غیبت اختصاص داده شود.

به انتظارات امام زمان (عج) از شیعیان در خصوص مسئله ولایت و ... پرداخته شود.

روحانیون محترم توجه داشته باشند، کاروان هایی که معینه ندارند با حفظ شئونات (باز بودن درب اتاق و حضور جمعی بانوان) زائران خانم را پذیرش نمایند و یا با دادن شماره تلفن اتاق به خانم، سؤالات آنان را تلفنی جواب دهند و یا به صورت مکاتبه ای پاسخگوی اشکالات آنان باشند.

به زائران در بدو ورود و در جلسه اول اعلام شود که پیشنهادات و انتقادات خود را در زمینه برگزاری جلسات و مطالب مطروحه و مسائل دیگر کتباً به روحانی بدهند که همین اعلام، سبب ایجاد آرامش در بین زائران می گردد.

از ثواب نیکی کردن در این ایام زیاد گفته شود تا زائران تهیج و تشویق به همکاری و کمک به یکدیگر شوند.

برای طواف و سعی هر زائر مسن و بیمار، دو نفر از زائران آگاه انتخاب شوند.

این افراد هم نسبت به اعمال، خوب توجه شوند.

در جلسات از افراد فرهیخته و سخنران کاروان با دادن موضوع جهت سخنرانی دعوت شود.

اگر آزاده، جانباز در کاروان باشد از آنها یاد کرده و از خاطراتشان استفاده و احترام ویژه ای قائل باشید.

برنامه های منی و عرفات و مشعر را با معین و مدیر، برنامه ریزی کرده و ساعات آن را یادداشت و به اطلاع زائران برسانید؛ مثلاً ساعات سخنرانی و ادعیه ها و پذیرایی به طور دقیق معین شود تا زائران وقت آزاد خود را جهت استراحت و ... بدانند.

قبل از قربانی جلسه ای با مدیر و معاون و هر یک از عوامل که قرار است به مسلخ بروند گذاشته شود و شرایط قربانی و نیز زمان، که در شب اختلاف است، مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

زائران مُسن و معذور، حتماً موقع اعمال سایرین در هتل بمانند و بعد از اتمام مناسک بقیه و مراجعت به هتل، عزیزان بیمار و معذور برده شوند.

سعی شود فزاینده‌ای از ادعیه و مناجات‌ها که خوانده می‌شود ترجمه شود تا زائران حال بهتری پیدا کنند.

قبل از اعزام زائران به منی، در جلسه‌ای اعلام شود که نگران اعمال و انجام آن نباشند.

سعی شود در تمام طول سفر، غیر از احرام، روحانیون معزز با لباس کامل روحانیت باشند تا شناسایی آنان توسط زائر راحت‌تر و مسائلشان سریع‌تر حل شود.

با بیان روایت «کونوا دعاه الناس بغیر السننکم» از زائران بخواهیم که با رفتاری آگاهانه و پسندیده با زائران خارجی برخورد نمایند و در برنامه‌های اعیاد و ادعیه که در بعثه و مکان‌های دیگر برگزار می‌شود در صورت تمایل زائران خارجی با گشاده رویی آنان را بپذیریم که خود این رفتار، بهترین وسیله برای اثبات حقانیت ایران، شیعه و خنثی نمودن تبلیغات وهابیت است.

روحانیون معزز با توجه به اینکه درب اتاقشان همیشه باز است و با مراجعه زائران روبرو هستند با لباس روحانیت باشند و از پوشیدن لباس‌های راحت اجتناب کنند.

به عزیزان روحانی توصیه می‌شود که وقتی تمام کاروان را به مسجدالاجابه می‌برید از فرصت استفاده کرده و پشت قبرستان بقیع درباره بقیع توضیحات اجمالی بدهید تا بانوان نیز با بقیع آشنا شوند.

سفارش و تأکید برادران روحانی بر ختم قرآن و هدیه کردن به ائمه معصومین (ع).

تشکیل جلسات گروهی برای ختم قرآن چه در مسجدالنبی و چه در مکه.

تهیه کارت برگ قرآن با همکاری مدیر کاروان (۶۰ برگ که روی هر کدام نیم جزء از قرآن با ذکر سوره و آیه و صفحه) و هر شب در مسجدالحرام بین زائران کاروان تقسیم گردد و ظرف کمتر از نیم ساعت، یک ختم قرآن جمعی صورت می‌گیرد.

حضور برادران روحانی در این جلسات، آثار بسیار خوبی برای زائران دارد.

سفارش مبنی بر ختم صلوات برای زائران بیسواد که قادر به تلاوت قرآن نمی‌باشند، بسیار مفید است.

همچنین سفارش شود که صلوات‌ها را هدیه کنند به ارواح طیبه معصومین.

ذکر مستحبات حج در اماکن مختلف برای زائران

کنترل اعمال بعد از هر عملی.

بدین صورت که بعد از هر عمل، همه را جمع کرده و از صحت عمل، مطلع شوند.

(با هماهنگی روحانی کاروان)

داشتن برنامه های عبادی جمعی برای اوقات فراغت در منا و عرفات و سایر اماکن.

با داشتن سعه صدر کافی، ایجاد ارتباط صمیمی و محترمانه با زائران و تسلط کافی

در مدینه برای بردن جمعی زائران به مسجدالنبی و توضیح قسمت های مختلف حرم شریف، بهترین ساعت ۹-۸ شب می باشد و در آن ساعت، مسجد قدیم و نزدیک ضریح مقدس خلوت است.

غذا را همراه با زائران در اتاق هایشان میل نماید تا از زمان برای رفع سؤالات استفاده نماید و هم صفا و صمیمیت را بیشتر کند.

در ورود و خروج ها و کارهای عمومی زائر را بر خود مقدم دارد.

نسبت به بلد بودن اعمال تک تک زائران قبل از شروع عمل اطمینان حاصل نمائید؛ چرا که اگر زائری از جمع جدا افتد بتواند به خوبی و بدون استرس اعمالش را انجام دهد.

توصیه به زائران جهت نوشتن خاطرات و درج معنویت حج (در آخرین جلسات نیز به بهترین نوشته ها جوایزی اهدا شود).

سرکشی و عیادت مستمر و دلجویی از زائران سالمند و بیمار.

آموزش نمازهای مستحبی و نمازهای حاجات (ائمه اطهار علیهم السلام) جهت پر بار نمودن اوقات فراغت زائران بسیار مفید و مؤثر است و باید آنان را تشویق و ترغیب به خواندن آنها نمود.

غنا علمی و معنوی معین، توجه زائران را به جلسات و آموزش ها بیشتر جلب می نماید.

در معرفی چهره های صحابه با وفای پیامبر و مسلمانان صدر اسلام، در هر جلسه حداقل دو سه نفر از آنان معرفی شوند و مختصری از زندگی و شرح فداکاری آنان توضیح داده شود.

برای پر کردن اوقات فراغت زائران و جهت معنوی دادن به آنها، می توان مسابقاتی با این عناوین برگزار کرد: اگر در منا و عرفات خدمت حضرت ولی عصر (ع) رسیدید چه می گوئید؟ چنانچه در مدینه، حضرت رسول (ص) و یا حضرت زهرا (س) و یا یکی از ائمه بقیع را موفق به درک حضوری و یا در خواب شدید به آنها چه می گوئید؟ درددل ها و حرفهایتان را مکتوب کنید و به بهترین آنها جایزه بدهید.

سعی کنید در مراجعات زائران به اتاق خود، ضمن داشتن روحیه باز و دلجویی و پاسخگویی به آنان حداقل پذیرایی با آب و چای و شکلات را نیز داشته باشید.

تواضع، فروتنی، گشاده رویی و عدم انجام کارهای خلاف مروّت در طول سفر و چه در ایران، موجبات عزت و شخصیت آنان را فراهم می آورد.

با توجه به اینکه در حج تمع زنان با همسرانشان حضور دارند از مباحث اخلاقی و روابط خانوادگی اسلامی گفته شود که در حفظ کانون های خانوادگی مؤثر خواهد بود.

در توجیه استوانه ها و مکان های مسجدالنبی به صورت گروه های ده نفره زائران را ببرید تا استفاده، امکان پذیر باشد و دسته جمعی هیچ نتیجه ای ندارد.

بالا- بردن فهم دینی زائر، توجه به شئون مذہبی، تقیّد به واجبات و ترک محرمات (پرهیز از غیبت، دروغ، نگاه به نامحرم، تهمت، سخن چینی، و ملزم شدن به خوشرویی، خوش خلقی، انجام برخی از مستحبات، احترام به بزرگترها و رعایت حال کوچک ترها و ...) از تحفه های معنوی حج است که به عهده روحانیون و معین و معینه های معزز است.

اگر سؤالی پیش آمد که جوابش را نمی دانید از روش های صحیح برخورد با زائر استفاده شود، مثل نمی دانم یا حضور ذهن

ندارم، باید به فلان کتاب یا روحانی کاروان مراجعه کنم.

از اخذ وجه جهت نماز طواف و مانند آن خودداری شود که این کار موجب خدشه دار شدن عزت روحانی می شود.

در حد توان، در رسیدگی به امور زائران کمال توجه و دقت را داشته و با پوششی شایسته و رفتاری متین زائران را هر چه بیشتر به خود جذب کنید تا تأثیرات معنوی لازم را از روحانیت محترم ببرند.

به زائران حتماً توصیه شود برای ایام تشریق، در منا و عرفات هنگام انجام اعمال، پول به همراه نیاورند.

صندوق انتقادات و پیشنهادات در مراکز اسکان نصب گردد و هر روز توسط مدیر و روحانی بررسی تا نسبت به خواسته های مثبت زائران، اقدام فوری به عمل آید.

سفارش و تأکید به زائران و تبیین مسئله پاکی و نجاست و فرق آنها با تمیزی و کثیفی و ملزم بودن به رعایت هم پاکی و هم تمیزی.

توصیه به معینه های کاروان

الف- در داخل کشور

هماهنگی کامل با روحانیون کاروان ها.

مشخصات کامل زائران خانم (از جمله: سن، میزان تحصیلات، شغل و ...) را در جلسه اول در اختیار بگیرید.

در جلسه اول به شناسایی بانوان زائر پردازد از حیث تسلط بر زبان، مسائل شرعی و میزان بلد بودن قرآن (از حیث قرائت و تجوید) .

لباس های احرام بانوان زائر و تطبیق آن با احکام شرعی را کنترل نمایید.

ضمن بیان احادیث پیرامون حج به تبیین آثار معنوی و سیاسی حج پرداخته شود.

بحث صله رحم و حلالیت طلبیدن از اقوام و همسایگان و دوستان حتماً مطرح شود و همچنین زدودن کدورت های احتمالی که لازمه این سفر معنوی است.

مسئله دادن خمس و وجوهات و مسائل آن با هماهنگی روحانی، روشن گردد.

ضمن هماهنگی با مدیر و روحانی کاروان از یک پزشک خانم در جلسات اولیه داخل کشور دعوت بعمل آید تا نسبت به مسائل خاص بانوان، توصیه های علمی و بهداشتی و فنی داده شود تا از اقدامات خودسرانه زائران برای مصرف قرص ها و به بار نشستن مشکلات عدیده، جلوگیری شود.

غناى علمی و معنوی معینه های محترم و ذکر مسائل مهم و بهره بیشتر از کتب مطروحه، سبب جذب بیشتر زائران به جلسات و توجه بیشتر آنان به توصیه های معینه می شود.

زائران را از عواملی که سبب عدم درک معنویت حج و سلب توفیقات می شود، آگاه نماید.

از جمله آن عوامل (گناهان کوچک و بزرگ، پُرخوری با توجه بر تنوع و فراوانی غذا در طول سفر که منتهی به بروز بیماری نیز می گردد، بازارگردی بیش از حد که هم انرژی زائر را می گیرد و هم دقت او را و ...)

در جلسات اولیه بر آداب سفر (سعه صدر داشتن، متواضع و فروتن بودن، تک روی نکردن، رعایت ضعفا، احترام به بزرگترها، همکاری در کارهای جمعی، صبور بودن و ...) تأکید بشود.

حضور و غیاب زائران خانم، در جلسات انجام شود تا نسبت به توجیه احکام برای زائری که غیبت داشته اقدام گردد.

به زائران تذکر داده شود که حتماً یک قرآن در طول سفر همراهشان باشد تا در اوقات فراغت حتی در مسیرها و هتل به تلاوت پردازند.

در خصوص خواندن نماز در هواپیما، فرودگاه جده و در هتل و ... در آخرین جلسه در ایران تذکر داده شود.

داشتن نظم و برخوردی شایسته و به دور از عجله و شتاب در جذب زائران جوان بسیار مؤثر است.

غسل و وضو و تیمم، عملاً در قبل از سفر آموزش داده شود و از تک تک بانوان خواسته شود تا انجام دهند.

برای جلوگیری از واکنش‌ها و اختلافات زائران در اتاق‌ها در هنگام اسکان در هتل در مکه و مدینه در بین راه می‌توانید از اخلاق و آداب سفر سخنی بگویید.

شناسایی خانم‌هایی که مشکل شنوایی و گویایی داشته و یا زبان معینه را متوجه نمی‌شوند.

شناسایی افرادی که برای رمی و طواف و نماز نیاز به نایب دارند و قرار دادن نایب برای آنان.

سفارش به بانوان زائر، جهت عدم استفاده از جوراب و لباس‌های نازک و بدن‌نما.

دقت در اعمال، رفتار و سخنان تا هر چه بیشتر زائران به روحانیت معینه دلگرم‌تر شوند.

به بانوان زائر حتماً سفارش شود، در منا از سرویس‌های بهداشتی آقایان استفاده نکنند.

به زائران خانم سفارش شود که در حفظ پوشش خود در چادرهای منی کوشا باشند، چراکه پرده‌های چادرها از امنیت لازم برخوردار نیست.

همچنین جهت حفظ سلامتی خود تا می‌توانند بهداشت فردی را رعایت نمایند.

معینه‌های محترم از ذکر احادیث و روایاتی که مستند نیستند خودداری فرمایند و حتی المقدور سند احادیث را ذکر نمایند.

در کلیه جلسات به خواهران زائر تذکر دهید که مصرف همزمان آنتی‌بیوتیک با قرص‌های LD و HD اثر قرص‌ها را از بین برده و برای اعمال دچار مشکل می‌شوند لذا از خوردن آنتی‌بیوتیک‌ها در زمان مصرف این قرص‌ها صرف نظر کنند.

ب- در خارج از کشور

توصیه به خانم‌ها جهت کوتاه نمودن ناخن‌هایشان قبل از احرام.

برنامه ریزی جهت ختم قرآن و ختم صلوات جمعی.

ذکر مستحبات حج در اماکن مختلف.

کنترل بلافاصله اعمال بعد از هر عملی.

داشتن برنامه‌های عبادی جمعی و نیز ذکر احادیثی در جهت شناساندن عمق و معنای اعمال.

با داشتن سعه صدر کافی، ایجاد ارتباط صمیمی و محترمانه با زائران خانم و تسلط کافی بر مسائل و احکام، می توان آرامشی بر زائران حاکم کرد که نتیجه اش صحت و درستی اعمال باشد.

به خواهران زائر جهت حفظ حجاب در اماکن مختلف اعم از حرمین شریفین و خیابان و بازار و ...) با ذکر فلسفه حجاب بسیار تذکر دهید.

غذا را همراه با زائران در اتاق هایشان میل نمایند تا هم همدلی و یک رنگی بیشتر حاصل شود و هم فرصتی برای رفع اشکالات باشد.

در ورود و خروج ها و سوار و پیاده شدن ها و کارهای عمومی، زائران را بر خود مقدم دارد.

رعایت مسائل بهداشتی را در طول سفر به خواهران زائر گوشزد نماید.

نسبت به بلد بودن اعمال تک تک زائران، اطمینان حاصل نماید؛ چرا که اگر زائری از جمع جدا شد بتواند به خوبی و بدون اضطراب اعمال خویش را انجام دهد.

هماهنگی صد در صد با معین و روحانی در پیشبرد اهداف حج و رضایتمندی زائران بسیار مؤثر است، از این هماهنگی غافل نشوید.

تشویق و ترغیب خواهران زائر به نوشتن خاطرات معنوی حج و اهداء جوایز به بهترین آنان.

سرکشی و عیادت مستمر از پیران و بیماران کاروان.

برای زائرانی که مشکل جدی در قرائت حمد و سوره دارند، حتماً نایبانی برای خواندن نماز طواف معین شوند.

جهت پُر بار نمودن اوقات فراغت زائران در ایام حج، ضمن آموزش های لازم، آنان را باید تشویق و ترغیب به خواندن نمازهای ائمه اطهار (ع) و نماز حاجت و ... نمود.

خواهران معینه در طول سفر همه زائران خانم را مدنظر داشته باشند و با همه آنان دیدار داشته باشند.

لیست زنان فداکار و مؤثر صدر اسلام و تاریخ زندگی و فداکاری آنان را تهیه و در هر جلسه به معرفی یکی از آنان پرداخته شود.

در روز عرفه بحث برائت از مشرکین و حج ابراهیمی توضیح و تبیین شود و سیاست های اصلی اسلام و ایران از برگزاری حج واقعی روشن گردد (توصیه می شود آیه ۳۰ سوره توبه تفسیر شود).

به هنگام مراجعه زائران به اتاق شما، غیر از روحیه گرم و پاسخگویی دقیق و دلجویی از آنان با حداقل پذیرایی، مثل آب و چای و شکلات یکدلی خود را به آنان نشان دهید.

به هنگام خواندن ادعیه و مناجات ها فرازهایی که خیلی تأثیر گذار است ترجمه کنید.

بهترین زمان برای بردن زائران خانم به روضه شریفه (مسجدالنبی) ساعت ۸ صبح است.

دو ساعت قبل از اذان صبح، برای رفتن جمعی به بین الحرمین و خواندن ادعیه و برگزاری نماز شب و نماز صبح، اوقات بسیار معنوی را برای زائران پدید می آورد.

قبل از اعزام به منا به بانوان زائر گفته شود که لباس اضافه با خود همراه داشته باشند که آنجا مجبور به شستشوی لباس و ... نشوند.

احساس دوستی و صمیمیت با زائران در ایجاد ارتباط با آنها و رفع مسائل و مشکلاتشان، بسیار راه گشا می باشد.

به بانوان زائر اطمینان دهید، خیلی نگران عذرشرعی ماهانه نباشند و هر وقت و هر کجای اعمال که این مسئله پیش آمد، چاره

جویی دارد و اعمال آنها ناقص و یا باطل نخواهد شد.

توصیه به زائران جهت مأنوس بودن با اذکار و ادعیه و زیارات روزانه.

استحمام روزانه به زائران توصیه شود برای آمادگی بیشتر کارها و رعایت بهداشت و نیز انجام غسلهای مستحبی.

به زائران حتماً توصیه شود در حرمین شریفین حتی الامکان جایی را برای نماز انتخاب کنند که سنگفرش باشد و سجده بر سنگ کنند و در سایر مساجد نیز همین طور باشد.

الف- در داخل کشور

تهیه پلاکاردها و علائم مخصوص جهت اعمال دسته جمعی و زیارات دوره.

زائران را از جهت علم و دانش کاملاً شناسایی کرده و با هماهنگی روحانی در هر جلسه از وجود یک زائر به مدت ۵ الی ۱۰ دقیقه در جهت انتقال تجربیات و دانش خود و بالا بردن سطح علمی، سیاسی، عبادی و بهداشتی زائران اقدام شود.

کتاب ها و تمام جزوات در جلسات اول، در اختیار زائران قرار دهید تا فرصت مطالعه و رفع اشکالات فراهم باشد.

مدیران محترم، قبل از شروع جلسات آموزشی با زائران، جلسه ای با روحانی و معینه داشته باشند تا رؤس کارها و تقسیم بندی زمان در جلسات بنا به نیاز صورت گیرد.

مدیران محترم از پذیرش زائرانی که توانایی انجام عمل ندارند و دارای سن بالایی هستند و در اعمال نایب می گیرند، مخالفت کنند و یا حداقل یک همراه جوان با خود بیاورند.

مهارت زائران شناسایی شود و در مواقع لازم از آنها استفاده شود.

افراد لایق و کاری در کاروان در کارها دخالت داده شوند تا در مواقع بحرانی به کمک آمده و پشتیبان مدیر و روحانی باشند.

زائران توجیه شوند که نمایندگان کشور جمهوری اسلامی ایران، بلکه نماینده شیعیان هستند؛ بنابراین در تمامی اماکن خارج از کشور، اعم از اماکن مقدس و فرودگاه و کوچه و خیابان ها، رعایت آداب اجتماعی (حفظ حریم های زن و مرد، رعایت حقوق دیگران، رعایت نوبت در سوار شدن به ماشین ها و سرویس ها، پرهیز از چانه زدن های سخیف موقع خرید و ...) و مقررات حضور در اماکن عمومی را داشته باشند تا باعث سربلندی هرچه بیشتر ایران و ایرانی گردند.

به مدیران محترم توصیه شود، یکی از خدمه هایشان آشنا به مداحی و اصول آن و دارای صدای خوب و آگاه به ترتیل و تجوید قرآن باشد تا موقع لزوم از وجودشان استفاده شود.

توصیه ها و سفارش های مؤکد به زائران در جهت حفظ رعایت مسائل بهداشتی و عدم استفاده از وسایل دیگران؛ مانند حوله، لیوان و ... برای جلوگیری از بیماری های واگیردار.

ب- در خارج از کشور

رعایت احترام و حفظ شئون همه زائران، بخصوص بانوان.

مدیران محترم با هماهنگی روحانی، برنامه های سفر را چه در مکه و چه در مدینه (اعم از ساعات جلسات، ساعات و تاریخ بازدیدها و زیارات دوره، زمان های حرکت جمعی کاروان بسوی حرمین شریفین و مناجات های شبانه و ...) به طور دقیق از قبل، معین نموده و در تابلوهای بزرگ نوشته و در معرض دید همه زائران قرار دهند تا زائران عزیز برای تنظیم وقت خود با کارهای جمعی اقدام لازم را بنمایند.

برای هر اتاقی، سرگروه از بین زائران انتخاب شود که در صورت بروز مشکل و عدم صحت اعمال و ... بلافاصله با مدیر و روحانی در ارتباط باشد.

در تقسیم زائران و تعیین اتاق برای آنان، طوری برنامه ریزی شود که یک زائر با سواد، در هر اتاق وجود داشته باشد تا در صورت لزوم از وجودشان استفاده شود.

مدیران محترم، تا آخرین لحظه سفر با روحانی و معین و معینه همراه و همگام و هماهنگ باشند.

مدیران محترم، زائران را توجیه کنند که به هنگام نماز جماعت در حرمین شریفین، حتماً تلفن همراه خود را خاموش کنند.

مشکلات ایام تشریق، سختی ها، کمبودها و مسئله غذا گوشزد شود تا آمادگی لازم را داشته باشند و بعداً موجبات گلایه و ناراحتی بوجود نیاید.

به مدیران محترم توصیه می شود که ساک های زائران را شمارش کرده و تحویل راننده کامیون دهند و از او رسید دریافت نمایند تا در حمل بار حس مسؤولیت بیشتری داشته باشد.

از پذیرایی زائران کاروان های دیگر و یا زائران خارجی در اتوبوس ها جلوگیری شود؛ چرا که بعضاً مشکلات و معطلی هایی در پی دارد.

بعد از ایام منا، چون ممکن است برخی از زائران هنوز اعمال مکه را کامل انجام نداده باشند، به آشپزها تذکر داده شود که از ریختن زعفران و ادویه جات به درون غذاها خودداری کنند.

گروه ارشاد چه آقایان و چه خانم ها، اتاق مجزایی از سایر زائران داشته باشند تا امکان دسترسی به آنان آسان و پیگیری برنامه ها راحت تر باشد.

در بعضی از هتل ها، دستشویی ها رو به قبله تعبیه شده است قبل از هر گونه استفاده ای شناسایی و نوشته ای بر درب آن نصب شود تا استفاده نشود.

در کلیه اتاقها جهت و سمت قبله، نصب گردد.

مدیران محترم در ایام تشریق در منا و عرفات برای پارک اتوبوس ها نهایت دقت را داشته باشند تا بتوانند هر چه سریع تر زائران را جابجا کنند و در ترافیک نمانند.

بسیار شایسته است که نیابت گرفتن عوامل کاروان زیر نظر روحانی محترم باشد تا خللی به اعمال وارد نشود.

ساعت خوردن صبحانه و ناهار در مدینه با ساعت باز بودن درب حرم نبوی برای خواهران تقارن نداشته باشد.

مدیران محترم، همیشه صندلی جلو اتوبوس را برای عوامل، نگهدارند و تذکر دهند زائران روی آنان ننشینند.

در زیارات دوره توجه شود که در فاصله عمره و حج، حجاج نباید از مکه خارج شوند، پس مقتضی است بازدید از اماکن دوره و خارج از مکه به بعد از خروج از احرام تمتع و اتمام اعمال موکول شود.

توصیه های موضوعی

میقات و احرام

بهتر است بعد از احرام و رسیدن به هتل، زائران استراحت کرده و بعد از صرف صبحانه، برای انجام اعمال بروند.

کاروان هایی که روز به مسجد جحفه می رسند، برای رعایت مسئله عدم استظلال تا نماز مغرب آنجا می مانند و در آن فاصله معمولاً نماز ظهر و عصر برگزار می گردد؛ بنابراین باید به زائران توصیه کرد که اگر هم نماز ظهر و عصر را خوانده اند برای حفظ وحدت و بی اعتنا نشدن به نماز جماعت آنان، در نماز جماعت آنها شرکت کرده و نماز قضا و ... نیت نمایند.

بهترین زمان برای انجام اعمال عمره تمتع، یک ساعت بعد از نماز صبح است.

بعد از محرم شدن و سوار شدن بر اتوبوس ها قبل از حرکت، معین و روحانی محترم تک تک اتوبوس ها را سرکشی کرده و یک بار دیگر نیت ها را بررسی نمایند.

قبل از احرام بستن افراد شناسایی شده و کسانی که نایب هستند از کسانی که حجشان، حج الاسلام است همه به تفکیک احرام بسته و نیت کنند و لبیک گویند.

در تعیین قبله در مسجد جحفه دقت شود.

لذا روحانیون محترم و معینه ها، حتماً جهت صحیح قبله را برای زائران معین نمایند.

بعد از احرام و ذکر تلبیه در میقات، احتیاطاً به محض آمدن در اتوبوس ها، تلبیه و نیت مجدداً تکرار شود تا اگر اشکالی در نیت و تلبیه زائری وجود داشته است مرتفع شود.

طواف

بهترین وقت طواف در موقع ازدحام، ساعت ۱۲ شب و یا ۱۰ صبح است.

معدورینی که با ویلچر طواف داده می شوند، همراهانی داشته باشند که تعداد اشواط را به خاطر بسپارند.

بعضی وقتها مشاهده شده که ویلچررانان بعد از دور پنجم، زائر را رها کرده و رفته اند.

روحانی، معین و معینه به هنگام طواف، خود نیت طواف نکنند تا ضمن همراهی با زائران توجه و اشراف بیشتری به صحت اعمال آنان داشته باشند.

با وضو بودن زائران، هنگام طواف، همواره و مکرر تذکر داده شود تا اشکالی پیش نیاید.

برای طواف واجب چه عمره و چه حج، زائران را به دسته های کوچک حداکثر ۱۵ نفر تقسیم کرده و هر دسته را با یک نفر (روحانی، معین، مدیر، معاون، عوامل کاروان، گروه ارشاد) همراه نمود.

در ایام حج که مطاف شلوغ می باشد، مقلدینی را که مرجع شان طواف را از پشت مقام ابراهیم نیز جایز می دانند، توجیه نمایید تا با خیال آسوده طواف خود را انجام دهند.

نماز طواف

برای زائران عزیزی که مشکل جدی در قرائت دارند، حتماً نایبانی برای خواندن نمازشان معین شود.

از زائران محترم خواسته شود برای نماز طواف مستحبی در ایام شلوغ از پشت مقام استفاده نکنند و حق را از سایر زائران جهت

انجام نماز واجیشان سلب ننمایند.

از ابتدا به زائران گفته شود که نماز طواف، نیابتی هم می شود و البته نهایت سعی شان را در رفع اشکالات نماز خود بنمایند، اما چنانچه در نهایت، مشکل حل نشد، در صورت مثبت بودن نظر مرجع تقلیدشان برای آنها نایب هم بگیریید.

به زائران محترم گوشزد شود که لازم نمی باشد کاملاً نزدیک مقام ابراهیم نماز بخوانند، مخصوصاً در مورد خواهران که بارها به خاطر همین مسئله مشکلاتی را ایجاد نموده است.

سعی

روحانیون محترم به زائران گوشزد نمایند که وسواس به خرج نداده و تا بالای کوه صفا و مروه نروند که در برگشت دچار زحمت بیشتری می شوند.

سعی صفا و مروه از طبقه دوم، باطل است.

این مطلب به طور مکرر به زائران گفته شود.

تقصیر

زائران، حتماً لوازم شخصی (مانند تیغ و قیچی و ...) به همراه داشته باشند.

عرفات

جهت انجام مراسم دعا، برای جلوگیری از تداخل صدا با چادرهای مجاور، می توان از قبل با چند چادر هماهنگ کرد و کارها به صورت جمعی و هماهنگ انجام شود.

برای رفتن به مشعر از عرفات، افراد توانا شناسایی شوند که در صورت تمایل به طور پیاده از طریق مشاه یا از طریق ۸ به مشعر بروند، و همراهی جمع با اذکار و دعاها که توسط سرپرست گروه خوانده می شود هم بر معنویت کار می افزاید و هم جلوی خستگی را می گیرد.

قبل از حرکت به عرفات به زائران توصیه می شود یک پتوی سبک، همراه داشته باشند.

حتماً مسئله براءت از مشرکین در روز عرفه، توسط روحانی و معین توضیح داده شود و آیه سوم سوره توبه خوانده و ترجمه و تفسیر شود.

مشعر

در وقوف اضطراری شبانه بانوان و معذورین، باید وقت ورود به مشعر، همه را بیدار نمود و نیت وقوف داد.

به محض ورود به مشعر بعد از خواندن نماز مغرب و عشاء، به آخرین حد مشعر رفته تا به شلوغی و ازدحام برخورد نکنید.

برای وقوف در مشعر، بعد از پُل مزدلفه، هم خلوت تر است و هم برای رفتن به منی، مسیر کوتاهتر می باشد.

برای خانم ها که وقوف اضطراری در مشعر دارند و معمولاً هم در اتوبوس نیت می کنند در هر اتوبوس یک نفر مأمور باشد که اگر هم خانمی خواب است اول بیدار کنند و همه در کمال هشیاری نیت را بگویند و چند بار این نیت تکرار شود تا مطمئن شوند همه نیت کرده اند.

روحانیون محترمی که قبل از نهم ذی الحجه، زائران را برای بازدید از جمره و سنگ جمع کردن به منی می برند، عنایت داشته باشند که محدوده ای از منی خارج از مکه محسوب می شود، از آن محدوده خارج نشوند.

توجه شود، نایبان برای معذورین از رمی، بایستی در روز رمی کنند و رمی شبانه مجزی نمی باشد.

بهترین وقت رمی در روز دهم، نزدیک ظهر و یازدهم و دوازدهم، صبح زود است.

زائرانی که مرجع تقلیدشان اجازه رمی از طبقه دوم را می دهند تفکیک شوند و از بالا رمی کنند تا دچار مشکل و ازدحام در طبقه پایین نشوند.

در اتمام رمی اگر به سرپرست گروه در قربانگاه تلفنی اطلاع داده شود و قربانی زائرانی که رمی کرده اند؛ زودتر انجام پذیرد، کار سرعت می گیرد.

(پیشنهاد می شود، یکی از خدمه ها با تلفن همراه از اول وقت در قربانگاه حضور داشته باشد و مدیر و روحانی نیز از اتمام رمی زائران، ایشان را مطلع نمایند.

(بایستی بعد از رمی هر جمره، زائران را گوشه ای جمع نموده و از صحت عمل آگاهی پیدا کرد، آنگاه برای رمی جمره بعدی اقدام نمود.

اگر مدیران و روحانیون عنایت و آشنایی کامل به محدوده منی دارند که تا کجای آن جزء مکه و کجای آن خارج از مکه می شود، جهت آشنایی زائران با منطقه منی و جمرات، بد نیست آنان را به آنجا برده تا مکان و کیفیت کار را عملاً یاد گرفته و آشنا شوند و سنگ های روز دهم را نیز جمع آوری کنند.

رمی جمرات در گروه های ۱۰ نفره و با یک سرگروه تنظیم شود و پس از رمی، این سرگروه از صحت عمل مطلع شود.

در ایام تشریق، بخصوص برای رمی جمرات به علت ازدحام بیش از حد، از اطراف مسجد خیف عبور نکنند.

کسانی که برای رفتن به منی از تونل عزیزیه به منی استفاده می کنند، بعد از تونل از روی پُل هوایی، خود را به دور برگردان سمت چپ که به زیر سایبان منتهی می شود برسانند و از آنجا به جمرات بروند تا با ازدحام کمتری مواجه شوند.

حتماً زنان و معذورین در شب دهم، رمی نمایند.

به هنگام رمی به زائران خواهر تذکر داده شود، به علت ازدحام زیاد از کفشی استفاده کنند که به راحتی از پا درنیاید تا مجبور نشوند پای برهنه به چادرها و یا احیاناً تا خود مکه برگردند.

به کسانی که همراه معذورین جهت رمی شب به منا رفته اند، بایستی تذکر داد که خودشان رمی شان را روز انجام دهند.

منی

ترتیبی اتخاذ شود تا پرده بر سرویس های دستشویی خواهران نصب شود.

دائماً باید متذکر شد که روزه ایام تشریق، جایز نمی باشد.

آیات ۲۰۳-۱۹۶ بقره، در منی در جهت ایجاد توجه و روحیه استغفار، بسیار نافذ است.

در بازگشت از منی، اگر زائران در هتل استراحت کنند، نماز صبح را بخوانند و استحمام کنند و صبحانه بخورند و خستگی شان درآید و بعد برای اعمال به مسجدالحرام بروند.

هم در سرعت عمل و هم صحت عمل بازدهی بسیار مطلوبی دارد.

برگزاری نماز عید قربان در چادرها هم برای خانم ها و هم آقایان به معنویت بیشتر منی می افزاید.

در منی، روحانی و مدیر و عوامل کاروان آخرین نفرهایی باشند که از احرام خارج می شوند، حتی اگر قربانی و تقصیرشان انجام شده بود، لباس احرام را درنیاورند تا موجب ناخرسندی زائرانی که کارشان تمام نشده نشود.

به علت شلوغی بیش از حد در مسجد خیف در ایام تشریق، روزهای سیزدهم، چهاردهم را برای دیدن مسجد خیف و عبادت در آن، انتخاب نکنید.

قبل از رفتن به عرفات، مشعر و منی به زائران توصیه شود که غذا کم بخورند، تا هم حال دعا از آنان سلب نشود و هم به علت کمبودهای سرویس های بهداشتی مشکلات آنان کمتر شود.

قربانی

قربانی زنان و معذورین و سالمندان که وقوف شبانه داشته اند و رمی شان نیز انجام شده، اول وقت صبح انجام گیرد.

به این ترتیب که لیست اسامی و نیابت آنها، سریع به نماینده ای که در مسلخ نوبت گرفته، اعلام شود تا اول قربانی آنها انجام شود و بعد هم به ترتیب قربانی افرادی که رمی می نمایند.

زائرانی که مرجع شان قربانی و حلق را در شب جایز می دانند تفکیک شوند و قربانی سایرینی که شب را جایز نمی دانند مقدم شود.

معذورین از اعمال

مرجع تقلید معذوران، حتماً معین شده باشد که اینها دسته بندی شوند، زیرا نظر مراجع بزرگوار در مطاف و مسعی و رمی، نسبت به معذورین متفاوت است.

معذورینی که با ویلچر از طبقه دوم طواف داده می شوند، باید همراه داشته باشند تا در بعضی مواقع که ویلچررانان جهت فرار از ازدحام و سرعت گرفتن کار، ستونها را رد می کنند و یا ... شانه چپ زائر از سمت کعبه منحرف نگردد، به آنها تذکر دهند و یا حداقل به خود زائران گفته شود تا همواره شانه چپش را به سمت کعبه نگه دارد.

به معذورین توصیه شود که تا اتمام اعمال حج، پول خود را خرج نکنند، زیرا در بعضی مواقع هزینه در صفا و مروه و طواف با ویلچر زیاد است و امکان اعمال بدون پول، میسر نیست.

توصیه به زائران «ویژه ایام تشریق»

دستبند و کارت شناسایی خود را در مشاعر مقدسه به همراه داشته باشند.

در مشاعر مقدسه به صورت متفرق از چادرها خارج نشوند و بی جهت تردد نکنند.

در منی به صورت گروهی به سوی جمرات حرکت کرده و به چادر باز گردند.

هنگام انتقال از مشعر به منا در صبح روز عید، به علائم نصب شده نشانگر سمت چادرهای ایرانی توجه کنند و از برداشتن بار اضافه پرهیز نمایند.

هنگام غروب روز عرفه، وقتی به یکباره همه چادرها برچیده شد، امکان شناخت موقعیت، فوق العاده دشوار خواهد شد، در این موقع باید مراقب باشند و از محل دور نشوند.

در صورت جدا افتادن از کاروان، هراس نداشته باشند، با دیگر کاروان های ایرانی به طرف خیمه ها حرکت کنند تا برادران امدادگر آنان را به خیمه ها برسانند.

(ضمناً در منا، اطراف منطقه ایرانیان با پرچم کشورمان مشخص شده است.

) از نوشیدن آب از شیرهای مخصوص شستشو و وضو خودداری گردد.

هنگام حلق از تیغ های یکدیگر استفاده نکرده و کلیه شرایط بهداشتی را مراعات کنند.

پس از هر بار استفاده از دستشویی، دست خود را با صابون شخصی بشویند.

هنگام استفاده از دستشویی، رعایت تقدم افراد سالخورده لازم است.

همراه داشتن پول، با توجه به اینکه قبلاً پول قربانی را پرداخته اید، ضرورت ندارد.

حفظ بهداشت محیط عرفات، مشعر و منا وظیفه اخلاقی و مذهبی ماست، مضافاً بر اینکه تبعات ناشی از رعایت آن نیز به نفع سلامت خود ما است.

کمتر بخورید و بیاشامید، چرا که با معضل سرویس های بهداشتی و کمبود آن مواجه نشوید.

برای عزیمت از عرفات به سوی مشعر ۲ الی ۳ بطری آب به همراه داشته باشید.

اگر در مکه مکرمه سنگ های خود را جمع نکرده اید، در مشعر از مکان هایی تمیز جمع آوری نمایید و موقع جمع آوری سنگ ها از دستکش نایلونی و یکبار مصرف استفاده نمایید.

برای جمع آوری سنگ از کوه بالا نروید.

هر زائر مرد برای حلق، اضافه بر تیغ و لوازم شخصی یک متر سفره یک بار مصرف داشته باشد و موقع حلق بر روی زمین پهن کرده، پس از انجام حلق کلیه مواد زائد و تیغ های مصرف شده، موها و ... را با همان سفره جمع کرده و به درون سطل های زباله بریزد.

به شدت از استفاده کردن وسائل شخصی دیگران (تیغ و ناخن گیر ...) پرهیز شود و با خون افرادی که ضمن حلق ... بیرون می آید، نیز تماس نداشته باشید (موجب سرایت بیماری های واگیری است)

از شستن لباس های احرام و پهن کردن آنان بین چادرها که سبب اتلاف وقت و سد معبر می شود خودداری گردد.

در منا نظم و ترتیب و نظافت چادرها بسیار مهم است.

برای ورود به چادرها حتماً از کیسه کفش استفاده کنید.

کاروان هایی که بعد از ظهر (عصر) ، در مدینه به زیارت دوره می روند، اختتام آن را نماز در مسجد قبا قرار می دهند و بعضاً مشاهده شده که در حیاط مسجد شش و هفت نماز جماعت به امامت روحانی های کاروان ها برگزار می شود که صورت ناخوشایندی دارد.

بنابراین پیشنهاد می شود که مدیران کاروان ها توجه شوند که در چنین مواقعی، یک نماز جماعت برگزار شود و چنانچه به هنگام مغرب رسیدند، به امام جماعت مسجد اقتدا نمایند و از تفرقه پرهیزند.

مسجد غمامه نزدیک مغرب، باز می شود و می توان توضیحات آن را قبلاً داد و بلافاصله با باز شدن درب آن دو رکعت نماز تحیت خوانده و زائران، خود را برای نماز مغرب به مسجدالنبی برسانند.

برای رفتن به مسجد مباحله بعد از نماز مغرب، فرصت خوبی است که زائران نماز عشا را نیز آنجا بخوانند.

شروع زیارت دوره از مسجد ذوقبلتین و بعد مساجد احزاب و شهدای احد و در آخر، مسجد قبا باشد.

برای جلوگیری از برخورد با ازدحام و شلوغی بهتر است کمی از توضیحات هر مکان را در جلسه عمومی شب قبل، در هتل بیان شود و ارجاع بقیه توضیحات به خود هر مکانی داده شود تا مؤثر واقع گردد.

بهترین ساعت برای دیدار از مساجد تاریخی بعد از نماز مغرب تا قبل از نماز عشاء است که عموماً در این ساعت باز هستند.

به روحانیون محترم توصیه می شود، قبل از اینکه کار زائران را برای حرم شریف و توضیح اماکن آن ببرند، گروه ارشاد را برده و به آنها توضیحات لازم را بدهند و از آنان برای بردن تمامی زائران کمک بگیرند.

زائران را با "مدینه منوره" شهر خاطره های پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و اصحاب پیامبر (ص) به خوبی آشنا کنند.

زندگی پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) به خوبی بیان شود.

از مظلومیت امام حسن (ع) و سایر ائمه بقیع گفته شود، زیرا بهترین مکان برای امام شناسی و شناساندن چهره های پلید دشمنان دین و دیانت می باشد.

ساعت ۱/۵ تا ۳ بعد از ظهر و یک ساعت بعد از نماز عشا، بهترین فرصت برای نشان دادن موقعیت های داخل مسجد، ستون ها و محراب و منبر و ضریح مطهر می باشد.

بخصوص اگر از درب باب السلام وارد شده و موقعی که موازی ستون های مسجد قرار گرفتند، ستون ها را می توان به خوبی تشریح نمود.

طبقه دوم مسجدالنبی که روزهای جمعه باز می شود، دیدنی است.

زائران را نیز برای دیدار ببرید.

مکه

یکی از لحظات معنوی و روحانی زائر، وقتی است که برای اولین بار، چشمش به خانه خدا و پرده کعبه می افتد.

پیشنهاد می شود روحانیون محترم، این لحظه نورانی را به سادگی از دست ندهند و به بهانه اینکه وقت اعمال تنگ است با عجله نگذرنند و به زائر فرصت دهند تا لحظه ای با خدای خود راز و نیاز کند و با خواندن دعا و مناجات به این لحظات

عرفانی، حال و هوای بیشتری دهید و دعاهای آداب دخول حرم مسجدالحرام را خوانده و ترجمه فارسی کنید تا همه بهتر درک نمایند.

بردن زائران از طریق آسانسور به طبقه دوم و سوم مسجدالحرام و تشکیل جلسات در آنجا.

دو آسانسور در کنار کوه ابوقییس وجود دارد که حدود صد نفر گنجایش دارد و مناسب است حداقل دو سه دفعه پس از اعمال عمره تمتع، تمام زائران را همراه با سالخوردگان به آنجا برده و در آنجا در ابتدای کوه صفا حوادث خانه ارقم بن ابی ارقم و خانه ام هانی و شعب ابی طالب و کوه ابوقییس را توضیح داد.

کنار باب مروه کنار باب المدعی، حوادث تاریخی آنجا را؛ مانند: خانه حضرت خدیجه (س) و تولد حضرت زهرا (س) و حکایت لیلالمبیت را توضیح دهید.

نماز استداره ای مسجدالحرام برای زائران تبیین شود.

محل ایستادن امام جماعت در مسجدالحرام، برای زائران روشن شود تا جلوتر از امام قرار نگیرند.

صبح و مغرب و عشا: نزدیک مقام ابراهیم

عصر: بین حجر اسماعیل و در کعبه

نماز جمعه: نزدیک مقام ابراهیم

ظهر: زیر بالکن، مقابل حد فاصل بین رکن یمانی و رکن حجر.

بهتر است توضیحات مسجدالحرام (برای اولین بار) در طبقه دوم گفته شود (نه در بیرون از مسجد) تا با مشاهده آن جلال و جبروت و معنویت، توضیحات دلنشین تر و ملموس تر باشد.

به زائران توصیه شود برای نمازهای جماعت داخل مسجدالحرام حداقل یک ساعت قبل حضور داشته باشند و تا نیم ساعت بعد از نماز مسجدالحرام را ترک نکنند.

به زائران توصیه شود که قرآن های داخل حرم را به هتل نیاورده و نیز تلاش برای گرفتن قرآن های وقفی نکنند که صورت بسیار زشت و زننده دارد.

به زائران توضیح داده شود که وضو با آب کلمن های مسجدالحرام و مسجدالنبی، جایز نمی باشد.

روحانیون محترم هر شب در مسجدالحرام جلسه مناجات داشته باشند.

بقیع

شبهای یکی دو ساعت قبل از اذان صبح، رفتن به بین الحرمین بسیار مطلوب است، زیرا نه مزاحمت پلیس در کار است و نه ازدحام جمعیت و به خوبی می توان به ذکر دعا و روضه پرداخت و نیم ساعت قبل از اذان، خاتمه داد و برای نماز شب و سپس نماز صبح، به داخل مسجدالنبی رفت.

در صورتی که رفتن به پشت نرده ها به علت ازدحام و اختلاط زن و مرد، برای زائران خانم میسر نیست، مکانی از دور و

مسلط و مشرف به قبرستان بقیع (مثل اتاق های هتل مشرف به قبرستان بقیع هستند) انتخاب شود و قبور ائمه اطهار و صحابه و ... را برای زوار خانم، توضیح داده شود.

در قبرستان بقیع توصیه می شود، روضه ها و توسّلات بر سر قبور مطهر ائمه (ع) خوانده نشود و در جاهای خلوت قبرستان بقیع که مزاحمتی هم نیست، روضه و توسّلات انجام شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

المیزان، علامه طباطبایی، چاپ دوم، مؤسسه دارالعلم.

بحارالانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه.

میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۷۷.

با قرآن در سرزمین وحی، محسن قرائتی، نشر مشعر، ۱۳۸۳.

حج، محسن قرائتی، مهر، پاییز ۱۳۷۷.

حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، نشر مشعر، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲.

مبانی حکومت اسلامی، جعفر سبحانی، نشر امیرالمؤمنین (ع)، ۶۲.

تبلیغ دین از منظر دین، حمید نگارش، زمزم هدایت، ۸۳.

پژوهش در تبلیغ، محمدتقی رهبر، سازمان تبلیغ، ۸۱.

جنگ روانی و تبلیغات، محمد شیرازی، همایش علمی بررسی نقش جنگ.

تبلیغ در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، دارالحدیث، ۱۳۸۰.

سیری در سیره نبوی، مرتضی مطهری، صدرا، ۶۶.

خورشید اسلام چگونه شکل گرفت، علم الهدی.

روش دعوت محمد (ص)، علی قائمی، شفق، ۱۳۷۵.

دائرةالمعارف علوم اجتماعی، دکتر ساروخانی، کیهان، ۷.

لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، ۷۳.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي، ۷۵.

مقدمه ای بر جهان بینی، مرتضی مطهری، صدرا، بی تا.

مفردات راغب، (معجم مفردات الفاظ قرآن) راغب اصفهانی المکتب المرتضویه.

حکمت ها و اندرزها، مرتضی مطهری، صدرا.

الکامل، ابن اثیر، بیروت، ۸۵

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتاب الاسلامیه، ۶۸.

الدرالمنثور، سیوطی، دارالمعرف.

اقرب الموارد، سعید الخوری، دارالاسو، ۷۴.

فروع ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامي، ۶۶.

مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صدرا، ۱۳۷۲.

جلد ۹

اشاره

ص: ۱

آزموده ها (۹) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

مقدمه

از میان همه عبادات، "حج" ویژگی ها و مزایای متمایزی دارد. توگویی خداوند راز و رمز تهذیب نفس، سیر و سلوک و بالا رفتن از نردبان کمال و معرفت، بلکه گذری بر فلسفه خلقت و گذشته تاریخ از ابتدای هبوط آدم تا بعثت پیامبر خاتم و یادآوری ظهور حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، را یک جا در حج و مناسک و مشاعرش به یادگار گذاشته است.

اگر سالک این راه با مناسک ظاهری و باطنی حج آشنا شود و آن را با شعور و آگاهی انجام دهد، به سوی دریای بی کران معارف رهنمون می شود و لحظه به لحظه پرده ای از گنجینه اسرار و شگفتی ها به کنار رفته تا از خود بی خود شده و در آسمان معارف توحیدی به پرواز درآید و جذبه یار، او را به ملاقات پروردگار برساند.

چه کسی غیر از روحانی کاروان، در این سیر روحانی به یاری زائر خدا شتافته و دستش را گرفته و به دیدار یار میرساند؟

شان و منزلت روحانیون

روحانیون و کسانی که وظیفه سنگین راهنمایی میهمانان خدا را به عهده دارند، در ادبیات دینی و آموزه های وحیانی از شان و جایگاه والا و ممتازی برخوردارند:

الْإِمَامُ الْهُمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسِيكِرِيُّ (ع) قَالَ: «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: أَشَدُّ مِنْ يُتَمُّ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يُتَمُّ يَتِيمِ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُضُوعِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي حُكْمَهُ فِيمَا يُتَبَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهِدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حَجْرِهِ أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أُرْشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى.»

(۱)

امام حسن عسکری از پدران بزرگوارشان نقل میکنند که فرمودند: «سختتر از یتیمی که پدرش را از دست داده یتیمی است که از امامش جدا شده و راهی به سوی او ندارد و وظیفه اش را در اعمال دینش نمیداند. آگاه باشید هر یک از شیعیان ما که به علوم ما آگاه باشد پس این جاهل به شریعت و احکام دین که دسترسی به ما ندارد یتیمی است در دامان او، آگاه باشید هر کسی که او را هدایت و ارشاد کند و علم دین و شریعت ما را به او بیاموزد با ما در رفیق اعلی خواهد بود.»

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسِيكِرِيُّ (ع): «حَضَرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصُّدَيْقِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (ع)، فَقَالَتْ: إِنَّ لِي وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَ قَدْ لُبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صِلَاتِهَا شَيْءٌ وَ قَدْ بَعَثْتَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ، فَأَجَابَتْهَا فَاطِمَةُ (ع) عَنْ ذَلِكَ فَتَنَّتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ تَلَّتْ إِلَيَّ أَنْ عَشَرَتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ حَجَلَتْ مِنَ الْكَثْرَةِ، فَقَالَتْ: لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ.»

قَالَتْ فَاطِمَةُ (ع) هَاتِي وَ سِيْلِي عَمَّا يَدَا لَكَ. أَرَأَيْتِ مَنْ أَكْثَرِي يَوْمًا يَضِيْعُدُ إِلَى سِيْطِحِ بَحْمَلٍ ثَقِيْلٍ وَ كِرَاهٍ مَائَةٌ أَلْفٍ دِينَارٍ يُنْقَلُ

عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: لِمَا. فَقَالَتْ: أَكْثَرِيَتْ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرٍ مِنْ مِلِّءِ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْ لُوًّا، فَأَحْرَى أَنْ لَا يَثْقَلَ عَلَيَّ. سَمِعْتُ أَبِي (ص) يَقُولُ: إِنَّ عُلَمَاءَ شَيْعَتِنَا يُحْشِرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكَرَامَاتِ عَلَى كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِّهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفٍ حُلَّةٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادِي رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ أَيُّهَا الْكَافِلُونَ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) النَّاعِسُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمُ الَّذِينَ هُمْ أَيْمَتُهُمْ هَؤُلَاءِ تَلَامِدَتُكُمْ وَالْأَيْتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَنَعَشْتُمُوهُمْ فَاخْلَعُوا عَلَيْهِمْ خَلَعِ الْعُلُومِ فِي الدُّنْيَا فَيَخْلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلِيَّكَ الْأَيْتَامِ عَلَى قَدْرِ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنَ الْعُلُومِ. (۲)

امام حسن عسکری (ع) فرمود: زنی نزد فاطمه زهرا (ع) آمد و گفت: مادر ناتوانی دارم که مسئله‌های از مسائل نماز برایش مشتبه شده مرا به نزد شما فرستاده تا پاسخ آن را برایش ببرم. صدیقه کبری سؤالش را پاسخ دادند اما او نفهمید بار دوم بار سوم تا ده بار برایش توضیح دادند اما باز متوجه نشد و خجالت کشید بار دیگر سؤال کند، گفت: ای دختر رسول خدا (ع) شما را زحمت نمیدهم.

بانوی دو سرا فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس. آیا اگر کسی را اجیر کنی تا بار سنگینی را به پشت بام برساند و در ازای آن صد هزار دینار مزد بگیرد برای او این کار سنگین است؟
گفت: نه.

حضرت صدیقه فرمود: «من در برابر هر پاسخی که به تو میدهم به اجرتی اجاره شده‌ام که بیشتر از این است که ما بین زمین تا عرش خداوند را از مروارید پُر کنند، پس سزاوار است پاسخ دادن به تو بر من سنگین نباشد.

از پدرم رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: علمای شیعیان محشور میشوند پس به اندازه علم و کثرت کوششان در ارشاد و راهنمایی مردم بر آنان خلعت‌های کرامت پوشانیده میشود تا آنجا که بر یکی از آنان هزار هزار حله نور پوشیده میشود. آنگاه منادی پروردگار عزوجل ندا میدهد: ای سرپرستان ایتام آل محمد و برطرف کنندگان نیاز آنان! در آن زمانی که دستشان از پدران روحانی آنان یعنی امامان کوتاه بود، اینان شاگردان شما و ایتامی هستند که آنان را سر پرستی کردید پس از خلعت‌های علوم در دنیا را بر آنان ببوشانید، آنگاه علما بر هر کدام از ایتام به اندازه علمی که از او فرا گرفته خلعت می‌پوشانند.»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (ع): يُقَالُ لِلْعَابِدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: نِعْمَ الرَّجُلُ كُنْتَ، هِمَّتُكَ ذَاتُ نَفْسِكَ وَ كَفَيْتَ مُتُونَتَكَ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ.

امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: روز قیامت به عابد گفته میشود: خوب مردی بودی، همه هم و غم تو نجات دادن خودت بود و زندگیت را مردم تأمین میکردند، اکنون به بهشت در آی

أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ أَفَاضَ عَلَى النَّاسِ خَيْرَهُ وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ وَفَّرَ عَلَيْهِمْ نِعَمَ جَنَّاتِ اللَّهِ وَ حَصَلَ لَهُمْ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى.

آگاه باشید فقیه کسی است که خیرش را بر مردم سرازیر می کند و آنان را از چنگال دشمنانشان نجات میدهد و نعمت‌های بهشت خداوندی را بر آنان به وفور عطا میکند و رضایت پروردگار را برایشان تحصیل مینماید.

وَ يُقَالُ لِلْفَقِيهِ: يَا أَيُّهَا الْكَافِلُ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي لِمَنْ أَخَذَ عَنْكَ أَوْ تَعَلَّمَ مِنْكَ

فَيَقِفُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَعَهُ فَنَامًا وَ فَنَامًا وَ فَنَامًا حَتَّى قَالَ عَشْرًا وَ هُمُ الَّذِينَ أَخَذُوا عَنْهُ عُلُومَهُ وَ أَخَذُوا عَنْهُ وَأَخَذَ عَنْهُ وَ عَمَّنْ أَخَذَ عَنْهُ أَخَذَ عَنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَانظُرُوا كَمْ فَرْقٍ بَيْنَ الْمَنْزِلَتَيْنِ.» (۳)

روز قیامت به فقیه گفته میشود: ای سرپرست ایام آل محمد (ع) هدایتگر برای دوستان ناتوان و همپیمانان نشان بایست تا شفاعت کنی برای کسانی که از تو معارف را گرفته یا آموخته‌اند. پس به همراه عالم گروه گروه- تا ده گروه امام شمرد- به بهشت وارد میشوند. آنان کسانی هستند که از او و از شاگردانش تا روز قیامت علم آموخته‌اند. پس تفاوت بین منزلت و مقام فقیه و عابد را ببینید.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْيَمَنِ وَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ لَا تُفَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ وَ إِئِمَّ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ عَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوهُ يَا عَلِيُّ.» (۴)

«با کسی جنگ مکن تا این که او را به اسلام دعوت کنی. به خداوند سوگند هدایت کردن خدا مردی را بر دست تو بهتر است برای تو از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب میکند و تو مولای او میشوی»

تجربه های تبلیغی و ضرورت تبادل و انتقال آنها

بی شک، در مسیر تبلیغ و آموزش آموزه های دینی افرادی موفق ترند که از تجربه دیگران استفاده کنند و نخواهند تمام راهها را یکی پس از دیگری بیازمایند. از این زاویه، همنشینی با صاحبان تجربه امری سودمند و ضروری است چرا که آنها با گرانترین قیمت، تجربه ها را به دست آورده و ما، با ارزانترین قیمت آنها را فرا می گیریم. حضرت امیر (ع) در همین باره می فرماید:

«تَسْتَقْبِلُ بِيَدٍ رَأِيكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعِيَّتَهُ وَ تَجَرِبَتُهُ فَتَكُونُ قَدْ كُفِيَتْ مَثْوَنَهُ الطَّلَبِ وَ عُوْفِيَّتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجَرِبَةِ فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مِنْهَا مَا رُبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا فِيهِ يَا بُنَيَّ إِنَّ لِمَنْ أَمَرَ قَدْ عَمُرَتْ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْيَارِهِمْ وَ سِرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَخِيهِمْ يَلُ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عَمُرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ.» (۵)

با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه، زحمت آزمون آنها کشیده اند و تو را از تلاش بیشتر بی نیاز ساخته اند، بنا بر این آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شده نصیب تو هم خواهد شد بلکه شاید پاره ای از آنچه بر ما مخفی مانده (با گذشت زمان) بر تو روشن گردد.

پسرم درست است که من باندازه همه کسانی که پیش از من می زیسته اند عمر نکرده ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آنها به سیر و سیاحت پرداختم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان بمن رسیده با همه آنها از اول تا آخر بوده ام. من قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک باز شناختم و سود و زیانش را دانستم»

عليك بمجالسه أصحاب التجارب، فإنها تقوم عليهم بأغلى الغلاء، و تأخذها منهم بأرخص الرخص.

بر تو باد به همنشینی با صاحبان تجربه، چرا که آنها با گرانترین قیمت تجربه ها را به دست آورده و تو، به ارزانترین قیمت از آنها فرامی گیری.

به همین منظور " معاونت روحانیون بعثه مقام معظم رهبری " در سال های اخیر از روحانیون حج درخواست کرد تا تجربیات و اندوخته های خود را که در طول سالیان گذشته به دست آورده اند، در قالب " ره آورد سفر معنوی حج " به رشته تحریر در آورند. این آثار و نوشته ها پس از وصول و دسته بندی موضوعی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن به صورت " آزموده ها " منتشر شده و در اختیار روحانیون محترم کاروان ها قرار می گیرد. آنچه در این نوشتار آمده، برگرفته از کلیه رهاورد هایی است که روحانیون در سه سال گذشته به معاونت امور روحانیون ارسال کرده اند و توسط فاضل ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین ترابی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و به رشته تحریر در آمده است. جا دارد از اهتمام و پیگیری و زحمات بی دریغ مؤلف ارجمند تقدیر و تشکر به عمل آید.

فرصت را مغتنم شمرده و از همه روحانیون و معین های محترم کاروان های حج برای مشارکت فعال در طرح " ره آورد سفر حج " و ثبت و نگارش خاطرات و تجارب خود دعوت به عمل می آوریم. منظور از مشارکت فعال، اهتمام روحانیون کاروان های حج به نوشتن دقیق و مستند خاطرات، تجارب و توصیه هایی است که آگاهی از آنها را بویژه برای دیگر روحانیون حج مفید و ضروری می دانند. بی شک این رویکرد معلومات و تجارب ارزشمند روحانیون را از حصارهای فردی و ذهنی خارج کرده و با عبور از مرزهای زمانی و جغرافیایی، امکان انتقال و بهره وری را برای جمع بیشماری فراهم می آورد.

در پایان این فراز، ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای کلیه عوامل و خدمتگزاران حج و حاجیان، توجه روحانیون محترم را به چند نکته جلب میکنیم:

-نقطه نظرات انتقادی، اصلاحی و تکمیلی خود را پیرامون این شماره از آزمودهها، برای کمیته تدوین متون آموزشی مستقر در معاونت امور روحانیون ارسال فرمایید.-

در ثبت و نگارش رهاورد سفر حج امسال و سالهای بعد، از تکرار و بازگویی نکاتی که در این شماره یا شمارههای پیش آمده است خودداری نمایید و صرفاً به ذکر مطالب و نکتههای بدیع بسنده کنید.-

تجارب و توصیههای جدید و کاربردی خود را در مورد انجام صحیح و کامل اعمال و مناسک حج، تدوین و بعد از موسم ارسال فرمایید. برای آگاهی از نحوه نوشتن ره آورد سفر حج و چارچوبها و ضوابط آن، حتماً به آیین نامه طرح که همراه با دفترچه آزمون غیر حضوری تقدیم شده است، مراجعه و آن را دقیقاً مطالعه فرمایید.

حوزه نمایندگی ولیفقیه در امور حج و زیارت

معاونت امور روحانیون

-
- ١- مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣١٧، ح ٢٠
 - ٢- همان، ص ٣١٨، ح ٢٢
 - ٣- بحار الأنوار، ج ٢، ص ٥، ح ١٠
 - ٤- الكافي، ج ٥، ص ٢٨، ح ٤
 - ٥- بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٣.

ص: ٧

فصل اول کلیات

اشاره

عوامل موفقیت روحانیون از نگاه روحانیون

- مأنوس شدن با زائران سبب تسهیل در پذیرش آنان می شود.

- از تذکر معایب و نقائص عوامل کاروان در جلسات عمومی خودداری شود زیرا سبب موضع گیری و مقاومت آنان شده و عکس العمل منفی آنان را به دنبال دارد. در برخی موارد نیز امور کاروان مختل و چه بسا کنترل آن از دست روحانی و عوامل خارج شده و در کیفیت اعمال زائران اثر خواهد گذاشت.

- بی اعتنائی تعدادی از زائران به روحانی کاروان، در اثر تبلیغات مخرب موجب شرکت نکردن آنان در جلسات و گرم نگرفتن آنان با روحانی می شود. برخوردهای عاطفی و صمیمی روحانی در این گونه موارد مانند سراغ گرفتن، پیشی گرفتن در سلام و احوال پرسی - موجب رنگ باختن ذهنیت های منفی می شود.

- کیفیت زندگی روحانی در طول سفر تأثیر به سزایی در جذب زائران دارد. تواضع و فروتنی، ساده زیستی، خود را برتر از دیگران ندیدن، عمل کردن به آنچه میگویند، موجب جلب قلوب زائران می شود و بهره گیری معنوی آنان از روحانی را افزایش می دهد.

رسول خدا (ص) در همین باره ضمن توصیه به عبد الله بن مسعود می فرماید:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُهُم بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَافِلٌ عَنْهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ إِلَى أَنْ قَال (ص) يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلَا تَكُنْ مِمَّنْ يُشَدُّ عَلَى النَّاسِ وَيُخَفِّفُ عَلَى نَفْسِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ.» (۱)

- آرامش و وقار روحانی، ادب و عفت کلام و سخن زیبا، سعه صدر و بررسی امور زائران و عوامل و خدمه، کاروان را همچون یک کشتی آرام به پیش می برد.

- روحانی در مواجهه با زائران سبقت در سلام، لبخند، دلجوئیز آنان و استفاده از تعابیری همچون "خسته نباشید، خوش آمدید، قبول باشد، مهمان خدا و رسول خدا (ص)" توأم با تواضع را پیشه خود کند.

- احترام متقابل روحانی، معین و معینه و ارج نهادن به زحمات یکدیگر در انظار عمومی زائران از ضروریاتی است که هیچگاه نباید از آن غفلت کرد. امام راحل میفرمود: اگر تمام انبیا و پیامبران در یک جا جمع شوند با هم توافق نظر دارند و اختلافی بین آنان پیش نیاید زیرا هدف همه آنان آشنا کردن مردم با خداوند و بیان معارف است.

- باید از احتیاطهای بی موردی که سبب میشود زائر به حالت وسواس و تردید بیفتد و از لذت عبادت و طواف محروم شود، جداً پرهیز کرد. این نکته اصولی را نباید فراموش کرد که در بیان احکام و تکالیف باید از سخت گیری مفرط پرهیز کرد.

- موفقیت روحانی در گرو خدمت خالصانه و ایثار و از خودگذشتگی او است. حضرت رسول (ص) و سیره او نماد مجسم از خودگذشتگی در تبلیغ دین است. از سوی دیگر مردم به کسی که به آنان اهمیت دهد، برایشان دلسوزی کند و دست آنان را بگیرد، عشق میورزند. ولی افرادی که خود را در حد وظیفه تعیین شده محصور می کنند و حاضر به فداکاری و از خودگذشتگی نیستند، از حکومت بر قلبها محرومند.

- همکاری صمیمانه در خلوت و جلوت با عوامل کاروان به ویژه مدیر در راستای خدمت رسانی به کاروان سبب پیشرفت و موفقیت مطلوب کاروان در دستیابی به اهداف معنوی و فرهنگی است.

- اگر چه روحانی باید به میان زائران رفته و با آنان خودمانی شود اما اینبه معنای بذله گویی و کارهای سخیف و دور از شأن طلبگی نیست.

- روحانی کاروان باید مظهر تواضع و فروتنی باشد. اگر خود را برتر و بالاتر و تافتهای جدا بافته از دیگران بداند، مردم ارتباط پیدا نکرده و طبعاً او را همراهی نمی کنند.

- روحانی آینه‌ای است که مردم در او، رسول خدا (ص) را نظاره می کنند. حضرت امیر (ع) در مورد خلق و خوی رسول اکرم (ص) در تعامل با مردم می فرماید:

«فَتَيَّأَسُّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَيْنَّ بِسُنَّتِهِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأَسَّى، وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى. وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ، ... فَلَقَدْ كَانَ نَبِينَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ، وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ، وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَ يُرْدِفُ خَلْفَهُ.» (۲)

«از پیامبر پاک و پاکیزه ات- صلی الله علیه و آله- پیروی کن زیرا راه و رسمش سرمشقی است برای آن کس که به خواهد تأسی جوید و انتسابی است (عالی) برای کسی که بخواهد منتسب گردد، و محبوبترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سر مشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد پیامبر (ص) روی زمین (بدون فرش) می نشست و غذا می خورد، و با تواضع همچون بردگان جلوس میکرد با دست خویش کفش و لباسش را وصله میکرد، بر مرکب برهنه سوار می شد و حتی کسی را پشت سر خویش سوار می نمود.»

ابن عباس نیز در همین زمینه می گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَعْتَقِلُ الشَّاهَ وَ يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْزِ الشَّعِيرِ» (۳)

«رسول خدا همیشه بر زمین مینشست و روی زمین غذا می خورد و خود گوسفندان را میبست و دعوت بردگان را بر نان جوین میپذیرفت.»

- یکی از عواملی که بعضاً گلاویه زائران را به همراه دارد، عدم توجه به نظم و انضباط و قول و قرارها است. نظم و انضباط روحانی در وعدهها و انجام کارها و تشکیل جلسات، باید برای مردم الگو باشد و از تأخیر و معطل کردن زائران جداً

خودداری نماید.

- حضور روحانی در ابتدای جلسه و ترک جلسه به عنوان آخرین نفر، بیانگر نظم و اهمیت دادن به جلسات است.
 - صبر و تحمل و سعه صدر روحانی در مواجهه با بحران ها و مشکلات پیش بینی نشده، موجب آرامش کاروان است.
-

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۳

۲- ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۴

۳- مستدرک الوسائل ج ۱۶، ص ۲۲۷.

ص: ۹

فصل دوم در ایران

اشاره

بنابر تجارب و توصیه های روحانیون موفق کاروان های حج در جلساتی که پیش از سفر در ایران تشکیل می شود، امور زیر مورد توجه قرار گیرد:

شناسایی زائران

توزیع فرمهایی در اولین جلسه ایران برای شناختن زائر، تحصیلات، مذهب، مرجع تقلید، سابقه تشریف، نیابت و اطلاعات مورد نیاز دیگر. مانند این نمونه:

نمایش تصویر

توزیع و جمعآوری این فرمها سبب میشود اطلاعات زائران به طور کامل در اختیار روحانی قرار گیرد و بتواند بر طبق آن برنامه ریزی کند. برای مثال با اطلاع از نام مراجع تقلید زائران، فتوای مراجعی که در کاروان مقلد ندارند، بیان نمیشود. افرادی که نایب هستند شناسایی شده و به وجود شرایط نیابت در آنان مورد بررسی دقیق قرار گرفته و به حصول یا عدم حصول اطمینان پیدا کنند.

۲. در همان جلسات اولیه از وجود یا عدم زائران سنی مذهب، در کاروان اطمینان پیدا کنید تا در سخنرانیها ملاحظه حال آنان بشود.

۳. بیشتر مدیران کاروان دفتری دارند که نام و خصوصیات زائر همراه با عکس او در آن ثبت شده است. با مطالعه این دفتر میتوان خیلی زود با زائران آشنا شد که در ایجاد ارتباط و صمیمیت بسیار مؤثر است.

۴. از مدیر خواسته شود که در صورت امکان با تهیه لیست زائران، و حضور و غیاب در هر جلسه، نام کسانی که در جلسات حاضر نمیشوند، مشخص شود تا ضمن تماس تلفنی از علت غیبت آنان پرسیده شود و به شرکت در جلسات ترغیب شوند. این گونه تماسها سبب ایجاد رابطه بین روحانی و زائر می شود. ناگفته پیداست که به سراغ زائر رفتن، وظیفه روحانی است.

همکاری و همکاری زائران و کمک به ضعفا

یکی از اموری که نشاط و شادابی کاروان را به دنبال دارد، ایجاد حس تعاون و نوع دوستی در زائران و ترغیب آنان به هم یاری و کمک کردن به زائران ناتوان و ضعیف است.

روحانی کاروان افزون بر این که با روی گشاده در کمک به زائران بیمار و ناتوان پیشقدم است، در دیگران نیز این حس را بوجود آورد. برای رسیدن به این مقصود، گوشزد کردن کلام معصومین (علیهم صلوات الله) بهترین وسیله است. به برخی از روایاتی که در همین باره رسیده، اشاره می شود:

عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَا قَضَى مُشْرِيْمٌ لِمُشْرِيْمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى تَوَابِكُمْ وَ لَا أَرْضَى لَكُمْ بِدُونِ الْجَنَّةِ.»

عن إسماعيل بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال: «قال من طاف بهذا البيت طوافاً واحداً كتب الله عز وجل له سبعمائة ألف حسنة و محاً عنه سبعمائة ألف سيئة و رفع الله له سبعمائة ألف درجة حتى إذا كان عند الملتزم فتح الله له سبعمائة أبواب من أبواب الجنة». قلت له: «جعلت فداك هذا الفضل كله في الطواف؟»

قال: «نعم و أخبرك بأفضل من ذلك قضاء حاجه المسلم أفضل من طواف و طواف و طواف حتى بلغ عشرين». (۲)

إبراهيم الخارقي قال: «سئمت أبا عبد الله (ع) يقول: من مشى في حاجه أخيه المؤمن يطلب بذلك ما عند الله حتى تقضى له كتب الله عز وجل له بذلك مثل أجر حجّه و عمره مبرورتين و صوم شهرين من أشهر الحرم و اعتكافيهما في المسجد الحرام و من مشى فيها بيته و لم تقض كتب الله له بذلك مثل حجّه مبروره فارغبوا في الخير». (۳)

عن أبي بصير قال: «قال أبو عبد الله (ع) تنافسوا في المعروف إخوانكم و كونوا من أهله فإن للجنة باباً يقال له المعروف لا يدخله إلا من اضطلع المعروف في الحياه الدنيا فإن العبد ليمشي في حاجه أخيه المؤمن فيؤكل الله عز وجل به ملكين واحداً عن يمينه و آخر عن شماله يسئ تغفران له ربه و يدعوان بقضاء حاجته. ثم قال: و الله لرسول الله (ص) أسير بقضاء حاجه المؤمن إذا وصلت إليه من صاحب الحاجه». (۴)

اجرای طرح احسان

تجربه نشان داده با بیان روایات فوق و روایات دیگری که در این موضوع رسیده فضای کاروان و روح جمعی آماده پذیرش مسؤولیت دیگران و طرح احسان است. لذا به زائران اعلام شود کسانی که در طول سفر دوست دارند، پیامبر اسلام (ص) را خوشنود و با خدا معامله کنند و ثواب ده طواف و حج و عمره را ببرند، در پایان جلسه مراجعه کنند تا نام آنان نوشته شود.

ازمدیر کاروان خواسته میشود به گونه‌های برنامه ریزی کنند که افراد ضعیف در طول سفر با کسانی که برای طرح احسان ثبت نام کرده‌اند، هم اطاقی شوند تا از آنها مواظبت کرده و به آنان کمک کنند. در صورتی که تعداد داوطلب بیشتر از خد نیاز باشد، برای هر فرد ضعیف و ناتوان، افرادی را تعیین کنند تا به نوبت این مهم را به عهده گیرند.

کیفیت اداره جلسات

- در بیان تاریخ اسلام، بیشتر بر مطالب و نکاتی تأکید شود که از تجربه های تلخ و شیرین تاریخی است و در روحیه زائران تأثیر عملی دارد.

- برای تنوع سخنرانی و جلوگیری از خستگی و کسالت مخاطبان، بهتر است هر از گاهی - لطیفه - ضرب المثل - قصص کوتاه عرفانی - اشعار مناسب بحث که با اصل موضوع متناسب باشد استفاده شود.

- در بیان احکام و مسائل حج، از اسرار و رموز اثر گذار و آموزنده آن غفلت نشود.

- از پذیرایی در زمان برگزاری کلاس ها که سبب برهم خوردن حواس و تمرکز مخاطب میشود پرهیز شود و اگر لازم باشد در پایان جلسه پذیرایی صورت پذیرد.

- در بیان مسائل و معارف حج، گاهی اوقات از روش پرسش و پاسخ استفاده شود. تجربه نشان داده که کاربرد این روش موجب مشارکت زائران در بحث و تمرکز و ارتقای یادگیری آنان می شود.

مقدمات فقهی حج در ایران

۱. تصحیح نماز

- از زائران خواسته شود در نماز جماعت مساجد شهر خود شرکت کنند و نماز خود را به روحانی محل و عالم آشنا و مورد وثوق عرضه کنند تا اشتباهات احتمالی، اصلاح و برطرف شود.

- در صورتی که زائران، نماز خود را نزد روحانی کاروان تصحیح می کنند باید فرمی تهیه شود و در آن تکبیر و حمد و سوره و تشهد و سلام و ذکرهای نماز واجب و مستحب با خط درشت و اعراب صحیح نوشته شود و در هنگام مراجعه زائران برای قرائت نماز، زیر کلماتی که غلطمیخوانند خطی کشیده تا به تصحیح آن بپردازند. این کار موجب می شود در صورتی که غلط داشته باشند در مراجعه بعدی معلوم شود آیا به تصحیح آن پرداختهاند یا نه؟

- در صورت نیاز به جای خطبه سخنرانی، سوره حمد و اخلاص با ترتیل و صدای رسا خوانده شود و زائران را به آن توجه دهید.

- نشان دادن عملی وضو و تیمم و خواندن یک نماز دو رکعتی در مقابل جمع و آگاهی دادن زائر به مواضعی که سبب بطلان نماز و وضو می شود.

- ترغیب زائران به گوش دادن به قرائت امام مسجد النبی و مسجد الحرام برای تصحیح قرائتشان.

۲. یادآوری حساب سال

- روحانی در تخمیس مال زائران هادی باشد یعنی فقط مسئله را مطرح کند و اصراری بر تخمیس نداشته باشد. هرگز نباید زائری را به تصحیح نماز یا حسابرسی اموالش یا پرداخت آن وادار کرد. وظیفه شرعی روحانی، بیان مسائل نماز و خمس و دعوت آنها به عمل به واجبات است نه اجبار آنان به این امور.

- از زائران خواسته شود که برای حسابرسی خمس و پرداخت وجوه شرعی خود به دفتر مرجع تقلید خود یا نماینده وی مراجعه و برای این مسأله اقدام نمایند.

۳. بیان کیفیت وصیتنامه

کیفیت وصیت نامه نوشتن، به زائران آموزش داده شود، به ویژه در مورد شرایط وصی و وصیت مالی که بیش از ثلث نباشد و نوشتن نماز و روزه های قضا در وصیتنامه.

با بیان فضائل دفن در حرمین شریفین، زائران به وصیت به دفن در آن مکانهای مقدس ترغیب شوند، زیرا در صورتی که زائری در حرمین فوت کند آوردن جنازه او به ایران بسیار مشکل است و عوامل کاروان و ستاد حج را درگیر میکند. از اینرو باید به گونه‌های تبلیغ شود که زائران تمایل خود را به دفن در حرمین در صورت فوت نشان دهند و به خانواده‌هایشان اعلام کنند. برای توجیه آنان روایات زیر بویژه روایت سوم میتواند مورد استفاده واقع شود.

قال أبو عبد الله (ع): «مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِيًا أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (٥)

قال أبو عبد الله (ع): «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَ لَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَسُوتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ أَتَانِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحَاسَبْ وَ مَنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُسْرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ.» (٦)

قال أبو جعفر (ع): «وَ مَنْ مَيَاتَ مُحْرِمًا بَعَثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبِّيًا بِالْحَجِّ مَغْفُورًا لَهُ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَمِينِينَ وَ مَنْ مَاتَ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُنْسَرْ لَهُ دِيوَانٌ وَ مَنْ دُفِنَ فِي الْحَرَمِ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَ فَاجِرِهِمْ.» (٧)

٤. استحباب کوتاه نکردن موی سر و صورت

کوتاه نکردن موی سر و صورت در عمره مفرده از یک ماه پیش از سفر مستحب است و در عمره تمتع این استحباب از اول ذی القعدة است و اگر نشد از اول ذی الحجة

قال أبو عبد الله (ع): «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ فَمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَفَرَ شَعْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى هَلَالِ ذِي الْقَعْدَةِ وَ مَنْ أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَفَرَ شَعْرَهُ شَهْرًا.» (٨)

٥. پیش نیازهای احرام

– از آنجا که کاروان های مدینه بعد، باید در جحفه محرم شوند باید به زائران اعم از مرد و زن مؤکداً یادآور شوند که لباس های احرام خود را پیش از سفر واریسی کنند که معطر نباشد و آن را جدای از اشیاء خوشبو در دسترس بگذارند تا هنگام محرم شدن، لباس های احرام آنان با بار اصلی به مکه نرفته باشد.

– در مورد لباس احرام به ویژه لباس بانوان تذکر داده شود که نازک و بدن نما نباشد، و به قدری ضخیم باشد که در فصل گرما که بر اثر عرق کردن لباس به بدن می چسبد، بدن نما نشود.

– خانم ها به شرط این که با پزشک متخصص بانوان مشورت کرده باشند و ضرری متوجه آنان نباشد میتوانند برای جلوگیری از عادت ماهیانه، دارو استفاده کنند. در ضمن، تذکر این نکته به بانوان که اگر در هنگام احرام مبتلا به عذری شوند، مشکلی

برای اعمالشان پیش نمی‌آید، سبب رفع اضطراب و نگرانی آنان میشود.

- به طور کلی خانمهای غیر یائسه از شوهرانشان اجازه نذر کردن بگیرند زیرا ممکن است لازم شود پیش از میقات با نذر محرم شوند و در آنجا دسترسی به همسرانشان ممکن نباشد.

۶. تذکر نکاتی درباره نیابت

- اولاً شرایط نیابت به طور واضح و صریح برای زائران گفته شود و ثانیاً افرادی که در کاروان نایب هستند، شناسایی شده و حتماً نسبت به وجود شرایط در آنان دقت لازم به عمل آید تا پس از سفر و هنگام اعمال به مشکل برخورد نکنند. مخصوصاً کسانی که از نماز صحیح معذور هستند یا خودشان مستطیع هستند که در این موارد نیابتشان اشکال دارد و به فتوای برخی از مراجع مانند امام راحل اصلاً احرامشان صحیح نیست و چون به میقات آمده و استطاعت طریقی نیز حاصل شده، باید برای خودشان حج بجای آورند.

- خدمه کاروانها نیز نسبت به نیابت توجیه شوند، زیرا ممکن است به هنگام اعمال حج، مشکلی برای کاروان پیش آید که به ناچار باید اعمال معذور را انجام دهند و به فتوای برخی از فقهاء عذر طاری مُخَلَّ به نیابت است. لازم است در این خصوص یک جلسه توجیهی برای عوامل در ایران گذاشته شود و مسائل مربوطه توسط روحانی کاروان تبیین شود.

۷. کیفیت نماز در فرودگاه و هواپیما

از آنجایی که احتمال دارد پرواز کاروان در رفت یا برگشت، نزدیک یا در وقت نماز صورت بگیرد، یادآوری چند نکته در این خصوص به زائران ضروری است:

- اگر در اول وقت نماز، در سالن انتظار فرودگاه هستند، سعی کنند باطهارت باشند تا اگر فرصت شد نماز را بتوانند سریع بخوانند و سوار هواپیما شوند.

- اگر فرودگاه در خارج از شهر و بعد از حدّ ترخص واقع شده باشد ولو مسافتش تا شهر کمتر از چهار فرسخ باشد، باید به زائر توجه داد که نماز را شکسته بخواند. حدّ ترخص یعنی به مقداری از شهر دور شوند که صدای اذان شهر شنیده نشود و دیوارهای شهر را نتوان به خوبی تشخیص داد. لازم نیست چهار فرسخ از شهر دور شده باشند تا نماز شکسته شود.

- اگر زائران می دانند که پس از سوار شدن به هواپیما، وقت نماز داخل می شود به گونهای که امکان خواندن نماز پس از پیاده شدن از هواپیما نباشد و نماز قضا میشود، باید پیش از سوار شدن وضو بگیرند تا هنگام نماز خواندن در هواپیما به راحتی بتوانند به وظیفه خود عمل کنند.

- نماز در هواپیما در صورت امکان باید به حالت ایستاده ولو در راهروهای هواپیما با مراعات قبله و سایر شرایط خوانده شود و چنانچه در حالت ایستاده ممکن نباشد و مسؤلان اجازه ندهند، به حالت نشسته و در صورت امکان رو به قبله نماز خوانده

شود. بهر حال هر مقدار از شرایط نماز که ممکن بود باید مراعات کنند و اگر امکان رکوع و سجود نبود برای آنها اشاره کند و چنانچه نماز در هواپیما با مراعات شرایطی که گفته شد خوانده شود نماز صحیح است.

۸. بیان کیفیت نماز در مکه و مدینه

کیفیت خواندن نماز در مکه و مدینه و مسجدالنبی و مسجدالحرام، در ایران برای زائران توضیح داده شود بویژه کیفیت نماز در عرفات و منا که برای گروهی از زائران که ده روز در مکه بوده اند، در مشاعر هم تمام است و برای آنان که کمتر از ده روز در مکه بوده اند، نماز در عرفات و منا شکسته است.

۹. بیان ثواب نماز در مسجدین شریفین

بیان عنایت الهی به نمازگزاران در مسجدالنبی (ص) و مسجدالحرام، موجب اهتمام آنان به شرکت در نمازهای جماعت است:

جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا بَيْنَ مِثْبَرِي وَ مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِثْبَرِي عَلَى تَرْعِهِ مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ وَ صِلْمَاءُ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صِلْمَاءٍ فِيَمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ.» قَالَ جَمِيلٌ: قُلْتُ لَهُ: «بِئْسَ النَّبِيُّ (ص) وَ بَيْتٌ عَلَيَّ مِنْهَا؟» قَالَ: «نَعَمْ وَ أَفْضَلُ.» (۹)

أَبُو الصَّامِتِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (ص) تَعْدِلُ بِعَشْرَةِ آلَافِ صَلَاةٍ» (۱۰)

ابو صامت از امام صادق (ع) نقل کرد که فرمود: «نماز در مسجد النبوی (ص) برابر با ده هزار نماز است.»

قَالَ الصَّادِقِ (ع): «مَكَّةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ رَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صِلْمَاءٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمَدِينَةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ رَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ صِلْمَاءٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ الْكُوفَةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ رَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صِلْمَاءٍ وَ سَكَتَ عَنِ الدَّرْهَمِ.» (۱۱)

رَوَى أَبُو حَمَزَةَ الثُّمَالِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةً مَكْتُوبَةً قَبِلَ اللَّهُ بِهَا مِنْهُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّاهَا مِنْذُ يَوْمٍ وَجِبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ كُلَّ صَلَاةٍ يُصَلِّيهَا إِلَى أَنْ يَمُوتَ.» (۱۲)

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي كَأَلْفِ صِلْمَاءٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي.» (۱۳)

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) لِأَبِي حَمَزَةَ الثُّمَالِيِّ الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَةُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ (ص) وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ يَا أَبَا حَمَزَةَ الْفَرِيضَةُ فِيهَا تَعْدِلُ حَجَّةً وَ النَّافِلَةُ تَعْدِلُ عُمْرَةً.» (۱۴)

۱۰. بیان فضیلت شرکت در نماز جماعت اهل سنت

روایات زیادی در فضیلت و استحباب نماز جماعت با اهل سنت از معصومین (علیهم السلام) رسیده که اختصاص به مسجد النبی هم ندارد بلکه در مساجد دیگر مکه و مدینه نیز این حکم جاری است. به گوشه‌های از این روایات اشاره میشود:

قال أبو عبد الله (ع): «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.» (۱۵)

إِسِيْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «يَا إِسِيْحَاقُ أَتُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟» قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: «صَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (۱۶)

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «صَلَّى حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَنَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ.» (۱۷)

سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُنَاكَحَتِهِمْ وَالصَّلَاةِ خَلْفَهُمْ؟ فَقَالَ: «هَذَا أَمْرٌ شَدِيدٌ لَنْ تَشِيَتْطِيعُوا ذَاكَ. قَدْ أَنْكَحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَصَلَّى عَلَيَّ (ع) وَرَاءَهُمْ.» (۱۸)

۱۱. بیان کیفیت نماز خواندن اهل سنت

بیان کیفیت نماز اهل سنت در مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام و دیگر مساجد مکه و مدینه، به زائران ایرانی در همراهی دقیق با جماعت کمک می‌کند:

امام جماعت مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام معمولاً این گونه نماز می‌خوانند:

- امام جماعت، پس از گفتن تکبیره الاحرام دعای افتتاح را می‌خواند که مختصر آن این است:

سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جدک و لا اله غیرک.

بعد از آن، استعاذه را می‌گوید و "بسمله" را در تمام نمازها آهسته گفته و سوره حمد را می‌خواند و پس از آن مقداری از قرآن را تلاوت میکند.

- معمولاً در نماز صبح اگر سوره کاملی بخواند یکی از سوره‌های از "ق" تا "عم" را و در نماز مغرب یکی از سوره‌های از ضحی تا آخر قرآن را و در بقیه نمازها از سوره "عم" تا "الضحی" را انتخاب میکند. گاهی هم مقداری از قرآن را که به اندازه یکی از این سوره‌ها باشد می‌خواند.

- در رکوع یک یا سه یا بیشتر

سبحان ربی العظیم

میگوید و در هنگام سر برداشتن

سمع الله لمن حمده

گفته و مؤذن میگوید:

ربنا و لك الحمد

اما امام جماعت چون پس از رکوع بایستد میگوید:

ربنا و لك الحمد حمدا كثيرا طيبا مباركا ملء السموات و ملء الارض و ملء ما شئت من شئ بعد

و با گفتن

الله اكبر

به سجده میرود.

- در سجده سه مرتبه

سبحان ربی الاعلی

گفته و گاهی دعاهایی نیز میخواند. بین دو سجده دو بار میگوید:

رب اغفر لی

و بعد از آن میگوید:

وارحمنی و اجبرنی و ارفعنی و ارزقنی و انصرنی و اهدنی و عافنی و اعف عنی.

پس از آن به سجده دوم رفته و مانند سجده اول عمل میکند و سر از سجده که برداشت، بدون جلسه استراحت، بلند میشود و رکعت دوم را میخواند ولی قنوت نمیگیرد.

- در تشهد انگشت سبابه را حرکت میدهد و میگوید:

التحيات لله و الصلوات و الطيبات السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته السلام علينا و على عباد الله الصالحين اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

سپس به رکعت سوم میپردازد و در آن فقط سوره فاتحه را میخواند.

- در تشهد آخر نماز میگوید:

التحيات لله و الصلوات و الطيبات السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته السلام علينا و على عباد الله الصالحين اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على محمد و على آل محمد كما باركت على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اعوذ بالله من عذاب النار و عذاب القبر و فتنة المحيا و الممات و فتنة المسيح الدجال السلام عليكم و رحمه الله السلام عليكم و رحمه الله.

يك سلام به طرف راست و يك سلام به طرف چپ ميدهد.

- در بيشتر روزها پس از نماز واجب صدای مؤذن به گوش ميآيد كه الصلوه على الاموات يا على الرجل يا على المرأة

يرحمكم الله

با اين صدا مردم را به نماز ميت دعوت ميكند كه در آن چهار تكبير ميگويد. پس از تكبير اول سوره فاتحه را ميخواند پس از تكبير دوم بر پيامبر صلوات فرستاده و پس از تكبير سوم به مرده دعا ميكند و تكبير چهارم را گفته كمى مكث ميكند بعد يك سلام ميدهد

السلام عليكم و رحمه الله

۱۲. نکات قابل ذکر در مورد نماز با اهل سنت

- اذان صبح (۱۹) را هنگام طلوع فجر و اذان ظهر را پس از زوال شمس ميگويند لذا بعد از اين دو اذان وقت نماز صبح يا ظهر داخل شده است. اذان مغرب را هنگام غروب خورشيد ميگويند كه به فتواى بعضى از مراجع وقت داخل شده ولى به فتواى كسانى كه مغرب را به زوال حمره مشرقيه ميدانند وقت داخل نشده است.

- يك ساعت پيش از اذان صبح، اذاني براي نماز شب گفته ميشود. بايد به زائر تذكر داده شود با اين اذان نميتوان نماز صبح را خواند. اما بعد از اذان دوم و پيش از اقامه نماز جماعت، مي توانند نماز صبح خود را بخوانند.

- معمولا فاصله بين اذان صبح (اذان دوم) و اقامه آن بيست دقيقه و بين اذان ظهر اقامه آن ۱۵ دقيقه و بين اذان و اقامه مغرب ۱۰ دقيقه و بين اذان و اقامه عشا ۲۵ دقيقه فاصله مياندازند و گاهى ممكن است كم و زياد نيز بشود.

- در بين اذان و اقامه زائران مي توانند نماز يا قرآن بخوانند.

- معمولا- در نماز صبح روزهاى جمعه، امام جماعت پس از حمد، سوره "الم تنزيل" را كه سجده واجب دارد، مي خواند. وقتى آيه سجده را تلاوت كرد، به سجده مي رود و سپس بلند شده و دنباله نماز را مي خواند. به زائران تذكر داده شود در اين گونه موارد، با آنان همراهى كنند. مناسب است صبحهاى جمعه پس از اذان صبح نماز صبح را فرادى بخوانند و آنگاه در جماعت شركت كنند.

- در مکه و مدینه معمولاً در نمازها قنوت نمیگیرند مگر در مواقعی که پیشآمد سختی برای اهل سنت رخ بدهد. در این صورت پس از رکوع قنوت بجای می آورند. در اینگونه موارد قنوت گرفتن با آنان (پس از رکوع) مشکلی پیش نمی آورد. همچنین از آنجایی که قنوت در بین ما مستحب است، در صورتی که به آنان اقتدا کرده و در نمازها قنوت نگیرد، ترک آن اشکال ندارد.

- در حال نماز، غالب اهل سنت، دست بسته نماز میخوانند. باید به زائران تذکر داده شود که نباید دست بسته نماز بخوانند در غیر اینصورت کار حرامی مرتکب شده و نمازشان اشکال پیدا میکند.

- اهل سنت در نماز صبح و مغرب و عشا، پس از اتمام حمد، " آمین " می گویند ولی گفتن " آمین " برای شیعه حرام و بدعت است پس نباید گفته شود؛ و به جای آن الحمد لله رب العالمین بگویند.

- اهل سنت، پس از رکوع توقف طولانی دارند که در آن دعاهایی خوانده میشود، زائران نیز مراعات کنند و با عجله به سجده نروند، بلکه منتظر تکبیر مکبر باشند.

- امام جماعت در رکعاتی که تشهد ندارد، وقتی از سجده سر بر میدارد، بلافاصله و بدون جلسه استراحت، بر می خیزد. باید برای زائران توضیح داد که جلسه استراحت را هرچند بسیار کوتاه بجای آورند و سپس برای ادامه نماز بایستند.

- برخی از اهل سنت در هنگام خواندن تشهد انگشت سبابه را تکان می دهند که این کار لزومی ندارد.

- بعضی از مذاهب اهل سنت بعد از نماز صبح و نماز عصر، خواندن نماز مستحب را جایز نمی دانند هرچند در فقه شیعه نیز کراهت دارد (بجز نمازهای خاص) لذا تذکر داده شود که در آن وقت نافله نخوانند و چنانچه نماز صبح نخواندهاند یا به فتوای مرجعشان باید مجدداً بخوانند، پیش از نماز جماعت بخوانند.

۱۳. حکم سجده در مکه و مدینه

- اهل سنت سجده بر هر چیزی را جایز میدانند. از این رو بر فرش و سجاده و پلاستیک و ... سجده میکنند ولی در فقه در اهل البیت (ع) سجده بر زمین و سنگ و شن و خاک و هر چیزی که از زمین بروید و خوردنی و پوشیدنی نباشد، جایز است لذا در مواردی که زائران در جایی هستند که تقیه معنا ندارد (مانند داخل هتل یا در عرفات و مشعر و منا ...) باید سجده بر مایضیح السجود علیه باشد.

۱۴. نحوه بیان مناسک و احکام حج در جلسات ایران

- تعدادی از زائران تحت تأثیر گفته های کسانی که در سالهای قبل به حج مشرف شدهاند، اضطراب و دلهره و ترس از باطل شدن اعمال یا ناتوانی در انجام آن را دارند. روحانیون باید به گونهای مناسک و احکام حج را بیان کنند که نه تنها در آنان اضطراب و نگرانی ایجاد نشود بلکه ترس القائی نیز برطرف شود، زیرا اضطراب و ترس از مواردی است که می تواند

مشکلات زیادی را برای زائران و کاروان بوجود آورد.

- در جلسات اول در ایران به زائران یادآوری شود که اعمال عمره و حجّ دقیق است ولی دشوار نیست، و در صورتی که به طور منظم و مرتب در جلسات آموزشی شرکت کنند و مطالب را کاملاً یاد بگیرند و به کار ببندند هیچکس اعمالش ناقص یا باطل نخواهد شد.

- این نکته به زائران اعلام شود که در طول سفر روحانیون در کنار شما هستند و در هر لحظه از شب یا روز میتوانند به او دسترسی داشته باشند. پس اگر سؤالی، شبهه ای یا مشکلی پیش آمد، می توانند در اسرع وقت سؤال کنند و مطابق وظیفه خود عمل نمایند.

- به زائران توصیه مؤکد شود که پیروی از روحانیون و همراه بودن با آنان در انجام دادن اعمال و مناسک سبب میشود که بتوانند اعمال را درست و بدون اشکال انجام دهند. اما اگر با کسانی که در سالهای قبل به حج یا عمره مشرف شدهاند همراه شوند و در اعمال به مشکلی برخورد کنند، چه بسا سبب باطل شدن اعمال یا کفاره میشود.

- زائر را به این نکته آگاه کنید که روحانیون حج برای این که به عنوان روحانی در خدمت زائران خانه خدا قرار گیرند باید از مراحل متعددی بگذرند، امتحانات متعددی از آنان گرفته میشود و اگر در این آزمونها موفق نشوند به عنوان روحانی حج اعزام نمیشوند. بنابر این اگر در مسجد الحرام یا مشاعر از کاروان جدا افتادید و سؤال یا مشکلی برایتان پیش آمد، می توانید از روحانیون دیگر پرسید و به آنچه میگویند، اعتماد نمایید.

- از زائرانی که در نمازشان مشکلی دارند خواسته شود برای تصحیح نمازشان در ایران، اقدام کنند؛ اما اگر به هر دلیل از عهده این کار برنیامدند، تدبیری اتخاذ شود که افزون بر خواندن نماز، به کسی هم که نمازش صحیح است، برای خواندن نماز طواف نیابت دهند.

- بیان مسائل بانوان حتماً مکان به عهده معینه کاروان باشد و از دخالت کردن در این امور خودداری شود زیرا معینهها بیشتر از آقایان با این مسائل آشنا هستند و زنان نیز به راحتی و بدون رودرباستی مشکلاتشان را با آنان در میان میگذارند، اما در صورتی که در کاروان معینه وجود ندارد، باید در همان ابتدای جلسات در ایران جلسه جداگانه‌ای برای خانمها گذاشته شود و مسائل و احکام به طور صریح و شفاف گفته شود. به آنان یادآوری شود که اگر در حین احرام عذری پیش آمد، حتماً برای آشنایی به وظیفه خود برای احرام عمره تمتع یا حج افراد و ورود به مسجد، به روحانی کاروان مراجعه کنند.

- در کاروانهای مدینه قبل، پیش از رفتن به مسجد شجره خانمهای معذور شناسایی شوند تا در مدینه به نذر محرم گردند و نیازی به ورود به مسجد نداشته باشند.

- تذکر این نکته ضروری است که زنان معذور پس از محرم شدن باید محرمات احرام را تا روزی که پاک میشوند و اعمال را انجام میدهند مراعات کنند و روایاتی که در مورد زنان در حال حیض رسیده و باقی ماندن در احرام و فضیلت آن ذکر شود و به آنان دلداری داده شود. برخی از این روایات عبارتند از:

قال رسول الله (ص): «حَيْضُ يَوْمٍ لَكَنَّ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِنِيهِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلِهَا» وَقَالَ (ص): «مَنْ مَاتَتْ فِي حَيْضِهَا مَاتَتْ شَهِيدَةً» (٢٠)

- برای بانوان کاروان های مدینه بعد نیز یادآوری شود که چنانچه در زمان احرام عادت باشند، هرچند در میقات مشکلی ندارند ولی برای بقیه اعمال باید صبر کنند تا پاک شوند. در مورد تبدیل نوع حج از تمتع به افراد نیز به آنها تذکر داده شود.

- به زائران گوشزد شود که پیش از رفتن به میقات لباس احرام خود را واریسی کنند که معطر نباشد، حاشیه آن دوخته نباشد (به فتوای برخی از فقها لباس احرامی که حاشیه اش دوخته است اشکال دارد)، پاک و تمیز باشد، چون ممکن است در میقات به این مشکلات برخورد کنند و در آنجا فرصت تعویض آن نباشد.

١٥. ارجاع احتیاط واجب به فالاعلم

در مواردی که در مناسک یا توضیح المسائل فارسی یا عربی مراجع تقلید حکم مسئله را به صورت احتیاط واجب یا اشکال یا محل تأمل و تردد و مانند آن فرموده‌اند، مقلد میتواند در آن مسائل به فالاعلم یا مساوی با مرجعش رجوع کند. برای آسان شدن کار مقلدین بدون این که اجباری در این کار باشد آنان را به این کار راهنمایی کنید یا فتوای فالاعلم را برای آنان بیان نمایید. بعضی از مواردی که رجوع در آنها کار گشا می‌باشد عبارتند از:

نماز در قسمت قدیمی مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)؛

احرام در قسمت قدیم مسجد شجره؛

استظلال در شب، و در شهر مکه و عرفات و منا؛

احرام از مکه قدیم؛

استفاده از کمر بند دوخته و همیان و کیف و دمپایی دوخته و ...

١- کافی، ج ٢، ص ١٩٤، ح ٧

٢- کافی، ج ٢، ص ١٩٤، ح ٨

٣- کافی، ج ٢، ص ١٩٤، ح ٩

٤- کافی، ج ٢، ص ١٩٥، ح ١٠

٥- الکافی، ج ٤، ص ٢٦٣، ح ٤٥

٦- الکافی، ج ٤، ص ٥٤٩، ح ٥

٧- من لایحضره الفقیه، ج ٢، ص ٢٢٩

٨- الکافی، ج ٤، ص ٣٠٧، ح ١

- ۹- کافی، ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۰
- ۱۰- کافی، ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۲
- ۱۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۰
- ۱۲- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۱
- ۱۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۲
- ۱۴- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۶۸۴
- ۱۵- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹، ح ۱۰۷۱۷
- ۱۶- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۰، ح ۱۰۷۲۳
- ۱۷- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱، ح ۱۰۷۲۵
- ۱۸- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱، ح ۱۰۷۲۶
- ۱۹- منظور اذان دومی است که صبحها گفته میشود و بعد از اذان نماز شب است
- ۲۰- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱.

- سرکشی به اطاق زائران و یادگیری نام آنان در ایجاد ارتباط با آنان بسیار مفید است. سؤالات و پیشنهادهای خوبی معمولاً در اطاقها مطرح میگردد که برای اداره کاروان مفید است.

- بهترین وقت برای برگزاری جلسات آموزشی کاروان انتخاب شود، به گونهای که با نمازها و رفتن به بقیع برخورد نداشته باشد و با جلسات کاروانهای دیگری که در هتل هستند تلاقی نکنند و در عین حال زائر سرزنده وشاداب باشد نه در حالت چرت و خواب آلودگی.

- موفقترین جلسه آموزشی جلسهای است که از ۴۰ تا ۵۰ دقیقه تجاوز نکند. سعی شود با همکاری عوامل کاروان، جلسه، در موعد مقرر شروع گردد. در ابتدای جلسه به بحثی تاریخی یا روایی شده و بحث مناسک و احکام را در قسمت دوم جلسه قرار گیرد. پس از پایان وقت، ختم جلسه اعلام شده ولی از زائران خواسته شود سؤالاتشان را مطرح کنند تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد. با این گونه اداره کردن، جلسه از حالت رسمی خارج میشود و زائران با اشتیاق به مطالبی که مطرح میشود گوش میدهند.

- برای این که جلسه یکنواخت نباشد، بهتر است مطالب هر جلسه در بردارنده سه بخش "تاریخ و اماکن"، "مناسک" و "اسرار و معارف" باشد.

- در اولین جلسه، مدت اقامت و کیفیت نماز (قصر یا اتمام) و نماز خواندن با اهل سنت یادآوری شود. ثوابهایی که برای نماز در مسجد پیامبر گفته شده مربوط به قسمتی که مسقف است البته دو حیاط داخل مسجد نیز همین حکم را دارد ولی محوطه باز اطراف مسجد که با نرده های آهنی محصور شده حکم مسجد ندارد.

- به بانوان یادآوری شود که زمان و نحوه ورودشان به مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام چگونه است و فرق آنها با سایر مساجد چیست؟

- برای کاروان به گونهای برنامه ریزی شود که بتوانند برای نمازهای یومیّه و نماز شب به مسجد النبی (ص) بروند. در ضمن وقت های نماز برای زائران گفته شود تا برنامه ریزی بهتری برای شرکت در نمازهای جماعت و رسیدن به فضیلت نماز اول وقت داشته باشند.

- خواندن نماز تحیت در مساجد، مستحب است ولی به زائران گوشزد شود در صورت خواندن هر نماز واجب یا نماز قضا، این نمازها کفایت از نماز تحیت می کند.

- برخی از زائران گمان میکنند که اگر در "حمامات" بخواهند وضو بگیرند باید به روش اهل سنت وضو بگیرند. به آنان تذکر داده شود که وضو به روش آنان باطل است و همین طور دست بسته نماز خواندن یا آمین گفتن در نماز.

- از آنجا که نماز خواندن در قبرستان به فتوای برخی از اهل سنت حرام است. زائران را از نماز خواندن کنار بقیع و داخل آن

برحذر دارید.

- برای پرکردن اوقات فراغت زائران و استفاده معنوی بهتر از آن، زائران را برای خواندن نماز قضا راهنمایی کنید و نکات ذیل را به آنان یادآوری فرمایید.

نماز قضا هر چه زودتر باید خوانده شود و مسامحه نشود. نماز قضا وقت معینی ندارد، بلکه در هر وقت از شبانه روز می توان نماز قضا را بجای آورد. نماز قضا را به جماعت می توان خواند، و هماهنگی بین نماز امام جماعت و مأوموم در نوع نماز، تعداد رکعات و قصر و اتمام لازم نیست.

مسافر می تواند نمازهای قضای غیر سفر را بجای آورد و باید تمام بخواند. نماز قضا را به همان گونه که ادای آن وظیفه بوده باید بجا آورد، یعنی اگر نماز ادائی که قضا شده و قصر بوده، به صورت قصر و اگر تمام بوده به صورت تمام و پسرها و مردها باید حمد و سوره نماز قضای صبح، مغرب و عشا را نیز بلند بخوانند.

کسی که برای میت نماز قضا می خواند باید مطابق وظیفه خودش عمل کند، مثلاً اگر نماز گزار مرد است و برای میتی که زن است نماز می خواند، باید حمد و سوره نمازهای جهری را بلند بخواند.

- کیفیت برخی از نمازهای مستحب که از اهمیت بیشتری برخوردار است به زائران تعلیم داده شود، مثل نوافل یومیه، نماز شب، نماز غفیله، نماز حضرت جعفر، نماز زیارت، نماز حضرت ولی عصر (عج) و نماز حاجت.

- در مدینه منوره، چنانچه زائر بداند که ده روز در مدینه می ماند، میتواند روزه قضا بجا آورد، و چنانچه روزه قضا ندارد، می تواند روزه مستحبی بگیرد. ولی چنانچه مسافر است نمیتواند روزه قضا بگیرد ولی میتواند سه روز روزه مستحب برای برآورده شدن حاجاتش بگیرد و روزه دیگری صحیح نیست. این سه روز، روزه از موارد استثناء روزه در سفر است. به نظر برخی از فقهاء احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه باشد.

- نمازهای مستحب را چنانچه در روضه النبی یا سایر اماکن مقدس ازدحام بود یا امکان توقف نبود، می توانند در حال ایستاده یا نشسته یا با رکوع و سجود اشارهای و حتی در حال راه رفتن بخوانند.

- به زائر گفته شود که برای امواتشان میتوانند نماز قضا بخوانند و برای زندگان میتوانند نمازی خوانده و ثوابش را به آنان هدیه کنند. در کیفیت زیارت به نیابت از خویشان و ملتسمین دعا میتوان این روایت را برای زائران خواند:

عَلِيَّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَال: «رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ فَلَقِيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (ع) فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِئْبَرِ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي إِذَا خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ رَبُّمَا قَالَ لِي الرَّجُلُ طُفُّ عَنِّي أُسْبُوعًا وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَأَسْتَعِلُ عَنْ ذَلِكَ. فَإِذَا رَجَعْتُ لَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ لَهُ.

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ مَكَّةَ فَفَضَّ يَتِ نُسُكَكَ فَطُفُّ أُسْبُوعًا وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ قُل: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوَّافَ وَ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ عَنْ زَوْجَتِي وَ عَنْ وُلْدِي وَ عَنْ حَامَّتِي وَ عَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ وَ أَيْبُضِهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ. فَلَا تَشَاءُ أَنْ قُلْتُ لِلرَّجُلِ:

إِنِّي قَدْ طُفْتُ عَنْكَ وَصَلَّيْتُ عَنْكَ رَكَعَتَيْنِ إِلَّا كُنْتُ صَادِقًا. فَإِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ النَّبِيِّ (ص) فَقَضَيْتَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ قِفْ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ حَامَّتِي وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَأَبِيضَتِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ. فَلَا تَشَاءُ أَنْ تَقُولَ لِلرَّجُلِ: إِنِّي أَقْرَأْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنْكَ السَّلَامَ إِلَّا كُنْتُ صَادِقًا» (۱)

ابراهیم حصرمی گفت: از مکه برگشتم به مدینه آمدم امام موسی بن جعفر (ع) را در مسجد النبی (ص) در روضه شریف بین قبر و منبر نشسته یافتم. به آن حضرت گفتم: ای پسر رسول خدا زمانی که به سوی مکه میآیم افرادی به من میگویند: برای ما طوافی و دو رکعت نماز انجام بده و من فراموش میکنم وقتی برمیگردم نمیدانم به او چه بگویم.

امام موسی بن جعفر فرمود: وقتی به مکه آمدی و اعمال را انجام دادی پس طوافی با دو رکعت نماز انجام بده و بگو: خدایا این طواف و نماز از پدر و مادر و همسر و فرزندان و خویشان و همشهریان من بنده و آزاد و سفید و سیاه باشد. پس هر کسی که به دیدن تو آمد و به او گفתי: برایت طواف و نمازی انجام دادم راستگو خواهی بود.

زمانی که به مدینه رسیدی و به زیارت قبر پیامبر رفتی و آنچه وظیفه تو میباشد انجام دادی دو رکعت نماز بخوان و بالاسر پیامبر بایست و بگو: سلام بر تو ای پیامبر خدا از طرف پدر و مادر و همسر و فرزندان و خویشان و همشهریان من بنده و آزاد و سفید و سیاه آنان. پس هر کسی که به دیدن تو آمد و به او بگویی: سلامت را به رسول خدا رساندم، راستگو خواهی بود»

إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فَيَجْعَلُ حَجَّتَهُ وَعُمْرَتَهُ أَوْ بَعْضَ طَوَافِهِ لِبَعْضِ أَهْلِهِ وَهُوَ عَنْهُ غَائِبٌ بِلَدِّ آخَرَ. قَالَ: قُلْتُ: فَيَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِ؟ قَالَ: لَا. هِيَ لَهُ وَ لِصَاحِبِهِ وَ لَهُ أَجْرٌ سِوَى ذَلِكَ بِمَا وَصَلَ.

قُلْتُ: وَ هُوَ مَيِّتٌ، هَلْ يَدْخُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: نَعَمْ حَتَّى يَكُونَ مَسْخُوطًا عَلَيْهِ فَيَغْفِرُ لَهُ أَوْ يَكُونَ مُضَيَّقًا عَلَيْهِ فَيُوسِّعَ عَلَيْهِ. قُلْتُ: فَيَعْلَمُ هُوَ فِي مَكَانِهِ أَنْ عَمَلَ ذَلِكَ لِحَقِّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: وَ إِنْ كَانَ نَاصِبًا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يُخَفِّفُ عَنْهُ. (۲)

اسحاق بن عمار از امام هفتم موسی بن جعفر پرسید: مردی به حج میآید پس حج یا عمره یا بعضی از طوافها را برای برخی از خویشانش که به مکه نیامدهاند قرار میدهد، آیا از اجر و ثوابش کم میشود؟

امام فرمود: نه. ثواب آن عمل برای او و کسی که نیت کرده نوشته میشود و افزون بر آن، ثواب دیگری به او داده میشود به سبب صله رحمی که انجام داد.

به امام گفت: اگر آن فردی که برایش طواف یا عمره انجام میدهم مرده باشد، آیا ثوابی به او میرسد؟

امام فرمود: آری تا جایی که ممکن است میت مورد غضب خداوند واقع شده باشد و به سبب این عمل آمرزیده شود یا در جایگاه تنگی باشد بر او گشایش دهند.

به امام گفت: آیا میت در آنجایی که دفن است میفهمد من برای او اعمال عمره و طواف انجام دادم و ثواب آن عمل به او میرسد؟ امام فرمود: آری.

به امام گفت: اگر میت از دشمنان اهل بیت باشد، آیا طواف و عمره برای او انجام دهیم به او سودی میبخشد؟

امام فرمود: آری سبب تخفیف در عذاب او میشود.

- اگر در کاروان کودکی باشد که میخواهند او را محرم کنند، باید پیش از رفتن به میقات، نسبت به احرام و کیفیت اعمال آنها توضیح لازم داده شود. در ضمن، والدین نسبت به احرام کودکان توصیه و تشویق نشوند، چون احرام آنها مشکلاتی به همراه دارد، گفتنی است که به امور زیر باید توجه داشت:

کودک پسر باید ختنه شده باشد.

هرمقدار از اعمال را که میتواند باید خودش بجا آورد و بقیه را باید کمکش کنند یا از طرف او انجام دهند.

لباس احرامش تا پایان اعمال باید پاک باشد.

در حال طواف باید با طهارت باشد.

در حال طواف و سعی باید بیدار باشد.

در حال طواف شانه چپ کودک باید به طرف کعبه باشد.

- نماز طواف را اگر میتواند خودش بخواند و کسی هم به نیابت از او بجا آورد.

۱- الکافی، ج ۴، ص ۳۱۶، ح ۸.

۲- الکافی، ج ۴، ص ۳۱۵، ح ۴..

- با توجه به سرد بودن هوا، کاروانهای مدینه قبل حتی الامکان غسل و پوشیدن لباس احرام را در هتل انجام دهند، زیرا دوره سرماخوردگی در آنجا بسیار طولانی و سخت است و موجب اختلال در انجام مطلوب اعمال می شود.
- برای کاروانهای مدینه بعد که در جحفه محرم میشوند، غسل احرام توصیه و تأکید نشود زیرا با توجه به این که زنان در ماشینهای کولردار و مردان در ماشین های مکشوف مینشینند احتمال سرماخوردگی زائران بسیار زیاد است.
- بهتر است زائران به نیت غسل ما فی الذمه غسلی انجام بدهند، چون در برخی موارد پیش آمده که زائر غسل واجب، مثل جنابت یا غسل مسّ میّت بر عهده اش بوده و از آن خبر نداشته و پس از اعمال متوجّه شده است. البته زائران مدینه قبل این غسل را در مدینه انجام دهند و زائران مدینه بعد در ایران. در ضمن به زائران تذکر داده شود با این غسل نمی توان نماز خواند و برای نماز باید وضو گرفت.
- قبل از رفتن به داخل مسجد شجره، زائران نسبت به جغرافیای مسجد، محل وضو و غسل توجه شوند و محلی را برای جمع شدن پس از احرام مشخص نمایند تا زائران به راحتی بتوانند اعمال را انجام دهند و کسی گم نشود. هم چنین تذکر داده شود که کسی در محوطه بین وضو خانه و مسجد مُحرم نشود.
- در هنگام محرم کردن زائران سعی شود برای زائران کاروانهای دیگر مزاحمت ایجاد نشود. لازم نیست برای احرام و تلبیه، زائران به دور مسجد چرخانیده شوند تا با سرو صدا و شلوغ کردن، حال دعا از دیگران سلب شود. در پاسخ به لیبیک ها به زائران تذکر داده شود که با صدای بلند پاسخ ندهند چون ضرورتی ندارد و مزاحمت برای دیگران است.
- اگر وقت احرام مصادف با نماز جماعت مسجد شجره شد، لازم است زائران را به شرکت در نماز جماعت راهنمایی نمایید و از تکرار لیبیک به صورت دسته جمعی و با صدای بلند پرهیزند.
- به خلاف احرام در مسجد شجره، در بقیه میقاتها مسجد خصوصیت ندارد، و احرام در بیرون مسجد نیز صحیح است لذا بردن زائران به ویژه افراد معذور داخل مسجد لازم نیست.
- کسانی که نیاز به تلقین لیبیک دارند قبلاً شناسایی شوند تا در میقات جدای از جمع برای آنها لیبیک ها گفته شود.
- اگر زائران پس از خواندن نماز واجب محرم می شوند، به استحباب احرام پس از نماز عمل شده و نیازی به خواندن نمازهای مستحب احرام نیست، بلکه محرم شدن پس از نماز واجب (ادا یا قضا) از نماز مستحب افضل است.
- چون فتوای مشهور فقهاء لزوم احرام در داخل مسجد شجره است - بجز بانوان معذور - همه زائران را باید به داخل مسجد برد تا محرم شوند و احتیاط احرام در مسجد قدیم نیز قابل ارجاع به فالاعلم است.
- هر چند به زبان آوردن نیت احرام و سایر اعمال، واجب نیست ولی برخی از فقهاء مستحب دانسته‌اند و نیز قصد ترک

محرمات را نیز عده ای لازم دانسته‌اند اگر برای احرام عمره تمتع این گونه گفته شود مناسب است:

" به قصد شروع اعمال عمره تمتع و انجام آنها و ترک محرمات احرام، محرم می شوم به احرام عمره تمتع ... قر به الی الله."

- برای گفتن لبیک، چون برخی از فقهاء وصل به سکون و وقف به حرکت را خلاف احتیاط می دانند و بعضی نیز گفتن لبیک پنجم را لازم نمی دانند اگر لبیک به سه صورت گفته شود و زائران جواب بدهند و به همین سه بار نیز اکتفا شود، کافی است:

بار اول جمله به جمله. هر چند با وقف به حرکت و وصل به سکون و همراه با لبیک پنجم باشد.

بار دوم به همین شیوه بدون لبیک پنجم.

بار سوم با مراعات وقف به سکون و وصل به حرکت.

- اگر کاروان کمتر از ده روز در مدینه اقامت دارند، در مسجد شجره نمازشان شکسته است.

- کسانی که شک در استطاعت خود برای حج دارند و به یقین نرسیده‌اند، هر چند وظیفه آنها حج واجب نیست ولی می‌توانند به نیت وظیفه فعلیه محرم شوند تا اگر بعداً معلوم شد مستطیع بوده‌اند، اعمال انجام شده کافی باشد.

- پیش از حرکت از میقات، داخل اتوبوس‌ها از همه زائران سؤال شود که آیا همه آنها داخل مسجد شجره به نیت احرام عمره لبیک گفته‌اند یا نه تا چنانچه کسی باقی مانده یا شک دارد، همانجا بتواند به مسجد برود و محرم شود.

- در میقات جحفه نیز از احرام سؤال شود تا پیش از حرکت و بیرون رفتن از میقات نسبت به احرام تمام زائران اطمینان حاصل شود.

- برخی از محرمات احرام، مثل نگاه در آینه، زدودن مو از بدن و استفاده از عطر و صابون و اشیاء خوشبو و پوشاندن سر برای مردان و صورت برای بانوان و حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر و نیز استحباب تکرار تکبیر تلبیه تا نزدیک مکه، عدم لزوم بیدار بودن در بین راه- چون برخی از زائران تصور می کنند که نباید بخوابند- تذکر داده شود.

- نسبت به نگاه در آینه اتومبیل، گاهی یادآوری آن ضرر بیشتری دارد، چون معمولاً حرکت زائران در شب است و توجهی به آینه ندارند و اگر بی توجه نگاهشان به آینه بیافتد اشکال ندارد و یادآوری آن گاهی سبب نگاه کردن میشود. نسبت به محل اسکان و هتل، چون غالباً در سالن انتظار، راهروها، و دستشوییها آینه وجود دارد، بهتر است در بدو ورود به هتل، این تذکر داده شود.

- در صورت امکان اگر آقایان در جلوی اتوبوس و خانم‌ها عقب آن بنشینند و همسران کنار یکدیگر نباشند، بهتر است.

- در میقات یا در بین راه و در بدو ورود به مکه، زمان رفتن برای اعمال را یادآوری فرمائید.

ص: ۱۵

فصل پنجم در حرم

اشاره

- از آنجا که مسجد تنعیم ابتدای حدود حرم است، زائران را به ورود به حرم توجه داده و دعای کوتاه ورود به حرم را بخوانید بسیار مناسب است. همچنین می توانید مسجد تنعیم و منطقه شهدای فخر را نیز به آنها نشان دهید.

- از آنجا که تعداد لباس احرام آقایان حداقل دو تکه است و بیشتر از آن در صورتی که شرایط لباس احرام را داشته باشد بلا اشکال است، در فصل سرما به آنان یادآوری شود که پوشیدن بیش از دو جامه احرام بلا اشکال است. کشیدن پتو بر روی خود برای جلوگیری از سرما اشکال ندارد ولی آقایان آن را بر سر نیندازند و خانم ها بر صورت خود. چنانچه این پتو دوخته باشد آقایان نباید بر دوش خود بیندازند ولی دوخته بودن حواشی آن به فتوای برخی از فقها بلا اشکال است.

- کسی که برای عمره تمتع محرم شده، وقتی خانه های مکه را ببیند، نباید لبیک بگوید لذا این مسأله، هنگام رفتن به مکه تذکر داده شود.

- کسانی که بعد از تمام شدن اعمال تمتع، برای انجام عمره مفرده از مکه به مسجد تنعیم می روند، چند دستبند:

مقلدان فقهای که استظلال در شب و در شهر مکه، هر دو را جایز نمیدانند. این گروه نمی توانند حتی در شب با ماشین سقف دار از تنعیم بیایند و باید در ماشین مکشوف سوار شوند.

مقلدان فقهای (۱) که استظلال در شهر مکه را جایز میدانند میتوانند، شب یا روز در ماشین مسقف سوار شوند.

مقلدان فقهای که استظلال در شهر مکه را جایز نمیدانند ولی استظلال در شب را حرام نمیدانند، میتوانند در شب از تنعیم با ماشین مسقف به مسجد الحرام بروند.

یادآوری می شود اکثر مراجع تقلید که استظلال در شب و در شهر مکه را جایز نمی دانند، فتوای صریح ندارند بلکه احتیاط فرموده اند که در این موارد با مراجع به فالاعلم می توانند مسئله سوار شدن در ماشین مسقف را حل کنند.

- میان وقت ورود به مکه و وقت حرکت زائران به سوی مسجدالحرام برای انجام اعمال، حتماً فاصله باشد تا زائران پس از تحویل اتاق ها و استقرار و استراحت و تجدید قوا برای اعمال آماده شوند. تجارب سالهای گذشته نشان می دهد بهترین و خلوت ترین وقت برای انجام اعمال، یک ساعت و نیم پس از نماز صبح است. لذا بهتر است زائران پس از صرف صبحانه حدود ساعت شش و نیم یا هفت، (آنها را لحاظ مسأله استظلال در شهر مکه) برای اعمال به مسجد الحرام برده شوند.

- بهتر است که زائران را به دو دسته توانمند و افراد بیمار و ناتوان تقسیم کرد و در مرحله اول، گروه اول اعمال را انجام دهند و در مرحله دوم با همکاری زائران داوطلب، گروه دوم را در وقت مناسب برای انجام اعمال به حرم برد. با این رویه، هم حرکت کنند زائران ناتوان در حرکت گروهی اخلاص ایجاد نمی کند و هم زائران ناتوان و بیمار با مراقبت و همراهان بیش تر، اعمال خود را به راحتی انجام می دهند.

- استظلال در شهر مکه و نیز عرفات و منا، بجز آیه الله زنجانی - که جایز نمی دانند - بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی و سیستانی - احتیاط واجب دارند - مابقی مراجع استظلال را مجاز می شمردند. در مورد مراجعی که احتیاط واجب دارند نیز می توان با رجوع به فالاعلم یا مرجع مساوی، استظلال را تجویز کرد.

- زائران در زمانی برای انجام اعمال به مسجد الحرام برده شوند که در اثناء آن به نماز جماعت و شستشوی مسجد برخورد نکنند. یادآوری می شود که فرصت نماز مغرب تا عشاء و ظهر تا عصر و عصر تا مغرب کوتاه است ولی فرصت نماز صبح تا نماز ظهر و نماز عشاء تا صبح زیاد است و شستشوی مسجد نیز بیشتر در وقت خلوت مطاف مثل ساعت یک بامداد صورت می گیرد.

- چنانچه در اثناء طواف یا سعی نماز جماعت برگزار شد، تا آخرین فرصت امکان به طواف یا سعی ادامه داده شود تا اگر ممکن شد طواف یا سعی را به پایان برسانند.

- چنانچه پس از طواف، اذان گفته شد یا وقت اذان نزدیک بود، سعی را شروع نکنند.

- چنانچه زائران در بین اعمال به نماز برخورد کردند، باید در نقطه‌های مشخص طواف و سعی خود را قطع کنند و جای آنرا به خاطر بسپارند و پس از نماز، از همان نقطه‌های که طواف یا سعی را رها کرده اند، اعمال را ادامه دهند و آن را به اتمام برسانند. اما در مورد کفایت این ادامه دادن، چنانچه فاصله بین نماز و ادامه اعمال زیاد نباشد، طواف و سعی صحیح است ولی با فاصله زیاد، باید به نظر مرجع تقلید رجوع کرد.

- با توجه به محو شدن خط تیره مقابل حجرالاسود، برای نیت آغاز طواف، اگر به زائران گفته شود که از چند متر جلوتر قصدشان این باشد که از مقابل حجرالاسود طواف را شروع و به همان جا ختم میکنند، اشکال ندارد و لازم نیست متوجه باشند که کدام نقطه به طور دقیق مقابل حجرالاسود است.

- برای شروع طواف هرگز نباید زائران را از مقابل حجرالاسود یا نزدیک آن به داخل صف طواف کنندگان برد زیرا موجب اذیت و مزاحمت برای طواف کنندگان است. به همین جهت بهتر است نقطه‌های دورتر از حجرالاسود بدون نیت وارد مطاف شد و به تدریج وارد مطاف و نزدیک به کعبه شد تا به نقطه آغاز طواف (حجرالاسود) رسید. در پایان طواف نیز برای رفتن به محل نماز طواف (پشت مقام ابراهیم) آرام آرام بدون نیت طواف همراه جمعیت به راه خود ادامه داده تا به راحتی بتوان از صف طواف کنندگان خارج شد.

- جزئیات مسائل شک در تعداد دورهای طواف و سعی نباید گفته شود چون همین امر سبب شک و وسواس زائران می شود. بلکه باید به طول کلی گفته شود که اگر شک و شبهه یا سؤالی پیش آمد، با تردید اعمال را ادامه ندهند و حتماً با مراجعه به روحانی کاروان حکم مسأله را پرسند و سپس مطابق وظیفه عمل نمایند.

- این مسأله به زائران یادآوری شود که چنانچه در عملی اشکالی به نظر تان رسید یا مشکل پیش آمد، با اعاده کل اعمال عمره مشکل حل نخواهد شد، بلکه باید ضمن مراجعه به روحانی کاروان مورد اشکال مشخص و چنانچه نیاز به اصلاح، تکمیل یا

اعاده بود، عمل شود.

- مسجد الحرام به "حیاط وسط" که کعبه در آن قرار دارد و شبستان های اطراف آن اطلاق می شود ولی مسعی و محوطه اطراف مسجد که سنگفرش شده و با دیوارهای نردهای محصور است جزو مسجد نیست و احکام مسجد را ندارد.

- کسانی که برای نماز طواف عمره یا طواف زیارت نایب می گیرند، باید خودشان هم نماز طواف را بخوانند.

- کسانی که با ویلچر در طبقه دوم طواف داده می شوند، باید نایب بگیرند و ترتیب را نیز باید مراعات کنند. باید دقت کرد که به جای طبقه دوم، طواف در پشت بام مسجد الحرام واقع نشود. چنین اتفاقی از عربهایی که ویلچر دارند به طور مکرر واقع شده است.

- سعی بین صفا و مروه باید بین الجبلین باشد. به شهادت اهل اطلاع، ستونهای گنبد صفا روی کوه است. قسمت شیب دار نیز جزء مروه است و آخرین در خروجی آن در سمت راست، روی کوه است. بنابراین زدن پاشنه پا به روی صخره ضرورتی ندارد.

- هروله برای زنان مستحب نیست و چنانچه سهواً انجام دادند مبطل سعی نیست و برنگردند. مردان نیز اگر هروله را فراموش کردند برای بجا آوردن آن برنگردند.

- ممکن است در وقت ازدحام افراد ناتوان را که با ویلچر سعی میکنند در طبقه همکف راه ندهند و آنها را به طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام راهنمایی کنند، باید توجه داشت چون طبقه دوم و پشت بام بالاتر از صفا و مروه است، سعی در آنجا کافی نیست، بلکه این افراد باید برای سعی نایب بگیرند.

- تقصیر مکان معینی ندارد ولی مرسوم است که بر مروه تقصیر می کنند، یاد آوری این نکته لازم است که سمت چپ مروه قسمتی افزوده شده و میتوان زائران را به آن قسمت هدایت کرد تا مزاحمتی برای دیگران نباشد و بانوان بتوانند به دور از چشم نامحرمان تقصیر کنند.

بیان نکاتی در اولین جلسه مکه

- در این جلسه اعلام می شود که هر کس نسبت به اعمالی که انجام داده سؤال یا شک و شبهه‌های دارد سؤال کند تا وظیفه وی مشخص و مطابق آن عمل کند.

- وضع نماز قصر یا تمام در مکه و کیفیت جمع بین فتاوا همان طور که در بخش مدینه گذشت یادآوری شود.

- چنانچه در عمره کمتر از ده روز در مکه می مانند مسافر هستند و در حج، چنانچه پیش از اعمال حج و رفتن به عرفات حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نمازشان تمام است و بالتبع در عرفات، مشعر الحرام و منا و پس از بازگشت به مکه نیز تمام است. چنانچه پیش از رفتن به عرفات کمتر از ده روز در مکه اقامت دارند، مسافر هستند و بالتبع در مشاعر مقدس نیز

نماز شکسته است و پس از اعمال و بازگشت به مکه اگر حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نماز تمام و گرنه مسافر هستند.

- اعمال مستحب مکه، مثل تلاوت و ختم قرآن، طواف مستحب، نماز در مسجد الحرام و نگاه کردن به کعبه تذکر داده شود.

- نماز جماعت استداره ای در مسجد الحرام به فتوای برخی از فقهاء اشکال دارد. لذا باید مأمومین در جهتی بایستند که روبروی امام جماعت یا جلوتر از او نباشد، باید توجه داشت که امام جماعت مسجد الحرام در نماز صبح، مغرب و عشاء نزدیک مقام ابراهیم یا نزدیک در کعبه به نماز میایستد و در نماز ظهر و عصر در فصل گرما (بجز در نماز جمعه) در نقطه مقابل، روبروی مستجار، داخل شبستان کنار اتاق مؤذنان به نماز میایستد.

- برخی از زائران تا پاسی از بامداد (پس از نصف شب) در مسجد الحرام میمانند و به جهت خستگی و دیر خوابیدن، برای نماز صبح بیدار نمیشوند. تذکر این مسأله لازم است که چنانچه این امور مستحب سبب ترک واجب شود، هیچ گونه ثوابی نخواهد داشت.

- کیفیت بجای آوردن طواف مستحب برای خود و دیگران به زائران آموزش داده شود و نیز بر تلاوت قرآن و عبادت در مکه به ویژه در مسجد الحرام و استفاده بهتر از اوقات فراغت تأکید شود.

- چون جهت قبله در شهر مکه در هر سوی آن تفاوت دارد، حتی گاهی در یک هتل، در بخش های مختلف آن نیز متفاوت است و بدین سبب تشخیص قبله برای زائران مشکل می شود، مناسب است جهت قبله یادآوری شود و چنانچه در هتل علامت مشخص وجود ندارد، علامت های جهت قبله نصب شود.

- در برخی از هتلها سنگ توالتها رو به قبله یا پشت به آن است که با کمی انحراف در نشستن مشکل حل میشود. هرچند اگر زائران متوجه نباشند مرتکب گناهی نخواهند شد.

کارهای حرام بین احرام عمره تمتع و احرام حج تمتع:

- تراشیدن سر (به فتوای برخی از مراجع)؛

- بجا آوردن عمره مفرده به فتوای بعضی از مراجع سبب بطلان عمره میشود. (۲) - صید در حرم؛

- کندن و بریدن گیاه و درخت حرم؛

- بیرون رفتن از شهر مکه به فتوای برخی از مراجع جایز نیست، لذا اگر در ماه ذیقعدہ عمره تمتع را انجام دادند و در ماه ذیحجه از مکه بیرون روند به فتوای بعضی از مراجع، عمره تمتع آنان باطل میشود و باید برای ورود به مکه مجدداً محرم شوند.

در موارد ذیل بجای آوردن طواف مستحب خلاف احتیاط است:

- پس از احرام عمره، پیش از طواف

- پس از احرام حج، پیش از رفتن به عرفات

- پس از اعمال منا و پیش از طواف زیارت

- بین طواف و نماز طواف، نه تنها طواف انجام دادن خلاف احتیاط است بلکه خواندن نماز دیگر غیر از نماز طواف نیز خلاف احتیاط است.

۱- مانند حضرت امام، اراکی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، صافی، نوری و وحید خراسانی

۲- مراجعه شود به م ۹۰۹ مناسک محشی.

ص: ١٧

فصل ششم اعمال حج

اشاره

- محل احرام حج شهر مکه است. بعضی از فقهاء تمام شهر مکه فعلی را برای احرام کافی می دانند و برخی دیگر به احتیاط واجب احرام حج را در مکه قدیم گفته اند. در این مورد میتوان با ارجاع دادن احتیاط واجب زائران را در مکه فعلی محرم کرد.

- کسانی که اعمال مکه را باید پیش از وقوف بجای آورند، باید شناسایی شوند و در وقت مناسب اعمال خود را انجام دهند و چنانچه تا رفتن به عرفات فاصلهای وجود دارد حتماً به آنان یادآوری شود که در این فاصله محرم هستید و باید از محرمات احرام پرهیز کنید.

- حتماً قبل از محرم شدن به احرام حج، محرمات احرام را برای زائران تکرار کرده و به او گفته شود تا تقصیر واقع نشده تمام محرمات احرام را باید ترک کند.

- کسانی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم میدارند حتماً باید محرم به احرام حج شوند و پس از آن اعمال را انجام بدهند و به آنان گوشزد شود که تا تقصیر در روز عید را پس از رمی جمره و قربانی انجام ندهانند باید محرمات احرام را مراعات کنند.

- قبل از ورود به عرفات به اعمال خرافی بعضی از زائران اشاره شود تا زائران از انجام آن خودداری کنند.

- با توجه به کمبود امکانات در عرفات و منا به زائران زن توصیه شود لباس به مقدار کافی به دنبال خود داشته باشند تا به لباس شستن در این دو مکان مقدس نیاز پیدا نکنند و به زائران مرد نیز توصیه شود لباسهای دوخته را برای پس از قربانی و تقصیر همراه خود بیاورند.

- مشکلات و سختیهای عرفات تا منا؛ باید برای زائران در جلسات مکه گفته شود زیرا بیشتر آنان با زندگی راحت و مرفه انس گرفته‌اند. وقتی با جامه احرام به بیابان عرفات و مشعر و منا پای نهند و زندگی چادر نشینی را تجربه میکنند و به سختی و زحمت می‌افتند ممکن است زبان به اعتراض گشایند. پس باید قبلاً آنان را توجیه کرد. و به گفته شاعر:

در بیابان گر به عشق کعبه خواهی زد قدم

سرزنشها گر کند خوار مغیلان غم مخور

- باید حاجیان برای تحمل برخی سختیها آمادگی پیدا کنند بخصوص به هنگام حرکت به عرفات و وقوف در عرفات و سپس کوچ به مشعر و منا و از منا تا مکه و ایام وقوفشان در منا. آنها باید آمادگی پذیرش مشکلات ایام تشریق را داشته باشند. چه بسا در حرکتشان از عرفات به سوی مشعر با ترافیک و راه بن‌دان مواجه شوند و مجبور باشند مسافتی را پیاده طی کنند و یا در وقوفشان در مشعر باید پذیرای سرما و باد و باران باشند. اگر این آمادگی روحی و روانی در زائران ایجاد شده باشد، روحانی بسیار آسانتر میتواند تصمیم گیری کند و زائران با نشاطی بیشتر در جهت حرکت به سوی مشعر الحرام برای انجام تکلیف گام بر خواهند داشت و از انجام تکلیف لذت خواهند برد. البته باید توجه داشت که خبر از مشکلات اعمال برای آماده سازی

روحي زائران نبايد با ايجاد نگراني و دلهره خلط شود.

- در اين جا به تناسب موضوع، فرازي از خطبه قاصعه را مرور مي كنيم. اين خطبه نكات زيبايي براي انسان سازي دارد، خطبه قاصعه را بايد قبل از رفتن به عرفات براي زائران خواند تا از زبان مولي با ارزش حقيقي حج و مناسك آشنا شوند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأُولِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ ص إِلَى الْأَخْرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْنَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَ أَقْلَ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَ أَضْيَقِ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قَطْرًا بَيْنَ جِبَالٍ حَشِيَّتِهِ وَ رِمَالٍ دَمْتِهِ وَ عُيُونٍ وَ شِدْلِهِ وَ قَرَى مُنْقَطِعِهِ لَمَّا يَزُكُّو بِهَا حُفًّا وَ لَا حَافِرًا وَ لَا ظَلْفًا ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ ع وَ وَلَدَهُ أَنْ يَشْتُوا أَعْطَاهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَهُ لِمُنْتَجِعِ أَشْفَارِهِمْ وَ غَايَهُ لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوَى إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْتِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ فِقَارٍ سَيِّحِقِهِ وَ مَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقِهِ وَ جَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعِهِ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يُهْلَلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَ يَزُومُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْثًا غُبْرًا لَهُ قَدْ نَبَذُوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ طُهْرِهِمْ وَ شَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ ائْتِلَاءً عَظِيمًا وَ امْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اخْتِبَارًا مُبِينًا وَ تَمَحِيصًا بَلِيغًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وُضِيئَةً إِلَى جَنَّتِهِ وَ لَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْنَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سِيَهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الْأَشْجَارِ دَانِي الثَّمَارِ مُلْتَفِّ الْبُنَى مُتَّصِلِ الْقَرَى بَيْنَ بَرِّهِ سَمَرَاءَ وَ رَوْضِهِ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافِ مُخْدِقِهِ وَ عِرَاصِ مُغْدِقِهِ وَ رِيَاضِ نَاصِرِهِ وَ طُرُقِ عَامِرِهِ لَكَانَ قَدْ صَيَّرَ قَدْرَ الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ وَ لَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَدِهِ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَحَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَمِجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَانًا لِلتَّدَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ» (1)

مگر كعبه، خانه پاڪ خدا را نمي بينيد؟ خداوند انسانها را از زمان آدم تا انسان هاي آخرين اين جهان، با سنگهائي كه نه زيان مي رسانند و نه نفع مي بخشند، نه مي بينند و نه مي شنوند آزمايش نموده اين سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده، و آن را موجب پايداري و پا بر جائي مردم گردانيده است. سپس آن را در پر سنگلاخ ترين مكان ها و بي گياه ترين نقاط زمين، و كم فاصله ترين دره ها قرار داد.

در ميان كوههاي خشن، رملهاي فراوان، چشمه هاي كم آب، و آبادي هاي از هم جدا و پر فاصله، كه نه شتر، و نه اسب و گاو و گوسفند هيچكدام در آن به راحتی زندگي نمي كند و سپس آدم و فرزندان او را فرمان داد كه به آن سو توجه كنند و آن را مركز تجمع و سر منزل مقصود و باراندازشان گردانيد، تا افراد از اعماق قلب به سرعت از ميان فلات و دشت هاي دور، و از درون واديه ها و دره هاي عميق، و جزائر از هم پراكنده ي درياها، به آن جا روي آوردند، تا به هنگام سعي شانه ها را حركت دهند و لا اله الا الله گويان اطراف خانه طواف كنند، و با موهاي آشفته و بدن هاي پر گرد و غبار به سرعت حركت كنند، لباسهائي كه نشانه شخصيت ها است كنار انداخته و با اصلاح نكردن موها قيافه خود را تغيير دهند.

اين آزموني بزرگ، امتحاني شديد و آزمايشي آشكار و پاكسازي و خالص گردانيدي موثر است كه خداوند آنرا سبب رحمت و رسيدن به بهشتش قرار داده است.

اگر خداوند خانه محترمش و محلهاي انجام وظائف حج را در ميان باغها و نهرا و سرزمينهاي هموار و پر درخت و پر ثمر،

مناطق آباد و دارای خانه و کاخهای بسیار و آبادی های به هم پیوسته، در میان گندم زارها و باغهای خرم و پر گل و گیاه، در میان بستان های زیبا و پر طراوت و پر آب، در وسط باغستانی بهجتزا و جاده های آباد قرار می داد به همان نسبت که آزمایش و امتحان ساده تر بود پاداش و جزاء نیز کمتر بود.

و اگر پی و بنیان خانه «کعبه» و سنگ هائی که در بنای آن بکار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنائی بود، شک و تردید دیرتر در سینه های (ظاهر بینان) رخنه می کرد و کوشش ابلیس بر قلبها کمتر اثر می گذاشت و وسوسه های پنهانی از مردم منتفی می گشت. اما خداوند بندگانش را با انواع شدائد می آزماید و با انواع مشکلات دعوت به عبادت می کند و به اقسام گرفتاریها مبتلا می نماید تا تکبر را از قلبهایشان خارج سازد، و خضوع و آرامش را در آنها جایگزین نماید.

بابهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسائل عفو خویش را به آسانی در اختیارشان قرار دهد. (۲)

- وقوف به عرفات از ظهر روز نهم آغاز می شود. بنابراین زمان حرکت به سوی عرفات به گونه ای باید تنظیم شود که حجاج قبل از ظهر در عرفات حاضر باشند. پس لازم نیست کاروان بعد از ظهر روز هشتم به عرفات حرکت کند. بلکه میتوان با گذشتن پاسی از شب به عرفه رفت و با فرض حل مشکل استظلال، از ماشین مسقف استفاده کرد.

- وقت وقوف از ظهر تا مغرب است و واجب است حجاجان در این مدت در صحرای عرفات باشند و از حدود آن خارج نشوند، بنابراین نسبت به حدود عرفات، که امروزه با تابلوهای بزرگ زرد رنگ مشخص شده است توجیه شوند و حتی المقدور از تردد در جاهای مختلف عرفات نیز بپرهیزند که احتمال گم شدن آنها زیاد است و در صورت گم شدن ممکن است از اعمال باز بمانند.

- تابلوهای مشاعر مقدس به رنگ های ذیل است: "عرفات: زرد رنگ"، "مشعرالحرام: بنفش"، "منا: آبی"

- اگر شب زنده داری شب نهم در عرفات، موجب خستگی و خواب آلودگی زائران برای مراسم ظهر عرفه می شود، بهتر است زائران را به خوابیدن در شب نهم توصیه کرد.

- سنگهای رمی را میتوان از کوههای مکه و از مکان های مباح جمع کرد، اما از آنجا که عرفات خارج از حرم است و سنگ رمی باید از حرم باشد، نمی توان سنگ رمی را از عرفات جمع کرد.

- قبل از رفتن به عرفات در مکه با عوامل کاروان نسبت به انتقال زائران از عرفات به مشعر و منا هماهنگی شود و برنامه های برای انتقال ضعفا از عرفات به مشعر الحرام و منا چیده شود به گونه ای که وقوف مشعر را درک کنند و به منا برسند.

- با توجه به اینکه اکثر زائران تلفن همراه دارند، شماره تلفن های همراه آنان نوشته شود و در اختیار مسئول هر اتوبوس گذاشته شود تا در مواقع اضطراری بویژه شب دهم امکان ارتباط اتوبوس ها با یکدیگر فراهم شود.

- معمولاً در هر اتوبوسی یک یا چند نفر از عوامل کاروان میباشند که به دنبال زائران از عرفات به مشعر و منا میروند باید دو مطلب مهم را به آنان تذکر داد یکی این که حتماً وقتی به مشعر رسیدند اگر همراه با معذورین میباشند در مشعر نیت وقوف

داده و کسی خواب نباشد و بدون نیت از مشعر رد نشود. نکته دوم این که اگر در راه به ترافیک برخورد کنند به گونه‌ای که اگر بخواهند با ماشین به مشعر برسند وقوف اختیاری آن را درک نمیکنند به هر نحوی شده زائران را پیاده به مشعر بیاورند تا حج آنان به اشکال برخورد نکند. به عوامل گفته شود شما ضامن حج مردم هستید.

- عوامل کاروان اگر نایب باشند و به همراه زائران به منا رفتند باید قبل از طلوع فجر خود را به مشعر برای درک وقوف اختیاری برسانند و الا حج نیابی آنان اشکال پیدا میکند.

- به زائران تذکر داده شود که اگر در عرفات یا مشعر از کاروان جدا افتادند بدون هیچ ترس و واهمهای و دور خود چرخیدن، با هر کدام از کاروانهای ایران که مسیر را طی میکنند و با معرفی خود به روحانی آن کاروان، وقوف در عرفات و مشعر را انجام بدهند و به منا بیایند. در آنجا توسط ستاد گمشدگان به کاروان خود ملحق خواهند شد. اگر چنین تذکری داده نشود ممکن است زائر در اثر هول و هراس راه مکه را پیش گرفته و به محل اسکان برگردد و از وقوفین و مناسک منا بازماند و در نتیجه حجش فاسد شود.

- برای نیت وقوف در مشعر الحرام لازم نیست هنگام طلوع فجر بیدار باشند، بلکه اگر از سر شب قصد این را داشته باشند که از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حج در آنجا باشند کفایت می کند، لذا بهتر است، در بدو ورود به مشعر الحرام و استقرار حجاج، این نکته به زائران اعلام شود که از هم اکنون تصمیم داشته باشند که از طلوع فجر به نیت وقوف در اینجا باشند.

- از آنجا که برخی از مراجع معظم تقلید مانند پیش از طلوع فجر را در مشعر الحرام به نیت طاعت الهی واجب میدانند بهتر است در عرفات یا پیش از رسیدن به مشعر یا در بدو ورود به مشعر این نکته نیز به زائران یادآوری شود که از هم اکنون در اینجا می مانیم به قصد طاعت الهی و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب نیز به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حج در این سرزمین توقف می کنیم.

- بانوانی که شب عید به منا میروند اگر به رمی نرسیدند یا در اثر ازدحام یا عذر دیگری نتوانستند رمی کنند، باید در روز رمی کنند.

- اگر زائری ناچار به گرفتن نایب شود، نایب نمیتواند رمی را در شب انجام دهد، بلکه باید در روز نیابت را به جا آورد.

- با توجه به وضع کنونی جمرات و امکان رمی اکثر زائران، باید توجه داشت که حتی الامکان رمی توسط خود زائران انجام شود و از نیابت خودداری کنند.

- در سال های اخیر به جهت برچیده شدن کشتارگاه های قدیمی و احداث کشتارگاه های مکانیکی جدید، باید با تدبیر و برنامه ریزی دقیق برای ذبح اقدام شود تا قربانی زائران بطور صحیح انجام شود و لذا توجه امور زیر لازم است:

۲- ترجمه گویا و شرح فشرده ای ب ر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۰۴.

- چون مسلخهای فعلی خارج از منا است، و حلق و تقصیر در آنجا صحیح نیست باید افرادی که به مسلخ میروند توجه داشته باشند که پس از قربانی در آنجا و حتی کنار مسلخ تقصیر نکنند بلکه به منا برگردند و نیز توجه داشته باشند که چون تقصیر نیز باید در روز عید انجام شود پیش از غروب به منا برگردند. آخرین عمل روز عید را نیز انجام دهند.

- افرادی که به قربانگاه میروند از زائران و کالت در توکیل نیز بگیرند تا اگر خودشان موفق به ذبح نشدند بتوانند به دیگری برای ذبح و کالت بدهند.

- هر چند شرایط گوسفندان از پیش تا حدودی کنترل شده ولی نسبت به شرایط ظاهری مثل لاغر نبودن و ناقص نبودن آن دقت داشته باشند و چنانچه دارای شرایط نبودند آنها را برگردانند و ذبح نکنند.

- برای بجای آوردن اعمال روز عید ترتیبی اتخاذ شود که تمام اعمال در روز عید قربان انجام داده شود، لذا پس از ورود به منا و صرف صبحانه و آماده شدن زائران، آنها طبق زمانمندی اعلام شده برای رمی جمره عقبه حرکت داده شوند چون اگر تاخیر شود و رمی به ظهر یا بعد از ظهر بیافتد ممکن است موفق به اتمام اعمال روز عید نشوند.

- کسانی که خودشان حلق یا تقصیر نکرده‌اند، نمی‌توانند برای دیگران حلق کنند یا برای تقصیر موی او را بچینند.

رمی جمرات و بیتوته در منا

- چون به فتوای برخی فقهاء کسانی که در روز عید موفق به قربانی نشده‌اند باید رمی و حلق را در روز عید انجام دهند و قربانی را در روز بعد انجام دهند، لذا باید با مراجعه به مناسک، زائران را راهنمایی کرد.

- نیت بیتوته در منا را باید پیش از غروب آفتاب به زائران تذکر داد و همین که قصد کنند " نصف شب را به عنوان بیتوته در منا می‌مانند قربه الی الله کفایت می‌کند و اگر در آغاز بیتوته نیز در جلسه حضور نداشته باشد یا توجه نداشته باشند اشکال ندارد.

- چون به فتوای برخی از فقهاء- از جمله امام خمینی (ره)- بیتوته نیمه اول شب واجب است و به فتوای برخی دیگر بین نصف اول شب و نصف دوم آن مخیر هستند، بهتر است برای همه زائران نیمه اول شب را برای بیتوته انتخاب کنند و اگر کسی نیمه اول شب را در منا نبود نیمه دوم را بیتوته کند.

- مراحل سه گانه خروج از احرام حج یادآوری شود، که تصور نکنند با حلق یا تقصیر تمام محرمات حلال می‌شود مخصوصاً نسبت به استفاده از صابون و شامپوی خوشبو و نیز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر تذکر داده شود.

- بیرون رفتن از منا پس از بیتوته اشکال ندارد ولی نباید پیش از نیمه شب از حدود منا بگذرند و برای محاسبه نیمه شب، از مغرب شرعی یا از غروب تا طلوع آفتاب را محاسبه کرده و نصف آن به ساعت مغرب اضافه شود تا نیمه شب که در منا لازم

است بدست آید. به فتوای بعضی از مراجع از غروب تا طلوع فجر و به فتوای برخی دیگر از مغرب تا طلوع فجر حساب شده نصف آن به مغرب اضافه شود، نصف شب بدست می‌آید. بنابر این نیمه شب در بحث بیتوته با نیمه شب در وقت نماز مغرب و عشاء تفاوت دارد.

- به زائران توجه دهید که برای رفتن به جمرات و انجام دادن رمی عجله نکنند و کیسه سنگ دیگران را اشتباهی بر ندارند زیرا سنگها باید مباح باشد و در صورتی که اشتباه شود، و صاحبش راضی نباشد، رمی صحیح نیست.

- با توجه به توسعه جمرات و سهولت رمی بهتر است همه زائران را برای رمی به طبقه اول برد. مخصوصاً با توجه به این نکته که بعضی مراجع رمی در طبقه دوم را بنابر احتیاط صحیح نمی دانند.

- زائران از قبل نسبت به احتمال عدم امکان قربانی در روز عید و باقی ماندن در احرام توجیه شوند. در این گونه موارد خوب است روحانی در لباس احرام ولو قربانی برای او انجام شده باشد و تقصیر کرده باشد، باقی بماند تا سبب دلگرمی محرمان باشد.

- چون بسیاری از غیر شیعیان رمی روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه را پیش از ظهر صحیح نمی دانند لذا بعد از ظهر این دو روز جمرات شلوغ است که حتی المقدور باید در این دو روز زائران برای رمی پیش از ظهر اقدام کنند.

- باید توجه داشت کسانی که عذر آنها راه رفتن و پیمودن مسیر خیمهها تا جمرات است از رمی معذور نیستند یعنی اگر آنها را به پای جمره یا نزدیک آن ببرند می توانند خودشان رمی را انجام دهند، چنین افرادی اگر امکان اجاره ماشین یا ویلچر داشته باشد تا آنها را به جمرات ببرد، نمی توانند به دیگری نیابت دهند.

- کسانی که در روز عید، قربانی یا حلق نکرده‌اند روز یازدهم میتوانند پیش از انجام این دو عمل، رمی جمرات را انجام دهند.

- باید توجه داشت که رمی در شب برای بانوان به طور مطلق، اختصاص به رمی روز عید قربان دارد ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه تنها بانوانی که نمی توانند در روز رمی کنند رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتوانند در روز، خودشان انجام دهند نمی توانند شب رمی کنند.

- برای زنان رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منا در همان شب عید قربان مانع ندارد ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی در روز معذور باشند.

- ترک بیتوته برای کسانی که تمام شب را در مکه به عبادت مشغول باشند مانعی ندارد و میتوانند طواف و سعی و سایر اعمال پس از منا را انجام دهند ولی اگر اعمال تمام شد نمی توانند آن شب را به منا برگردند بلکه باید بمانند و بقیه شب را تا صبح عبادت کنند و لازم نیست در مسجد الحرام باشد، بلکه در شهر مکه کفایت میکند، ناگفته نماند که ماندن در منا از عبادت در مکه افضل است.

- کاروان هایی که پس از ایام تشریق باید بلافاصله به مدینه بروند یا به ایران برگردند، به زائران خود توصیه کنند شب یازدهم یا دوازدهم نیمه اول را قصد بیتوته کنند و قسمتی از آن را استراحت کنند و پس از نیمه شب برای اعمال به مکه بروند. چون در ایام تشریق بهترین وقت از نظر خلوتی برای اعمال در این دو شب، پس از نیمه شب است.

- هرچند خانم هایی که احتمال حائض شدن آنان پس از اعمال منا وجود دارد و نمی توانند تا وقت پاک شدن در مکه بمانند، اعمال مکه را پیش از وقوف به جای خواهند آورد. ولی چنانچه زنی اعمال مکه را به جای نیاورده بود، و حائض شد باید برای طواف و نماز طواف نایب بگیرد و سعی را خودش با مراعات ترتیب به جای آورد.

- به علل زیر زائران به انجام عمره مفرده پس از اعمال حج تشویق نشوند، حتی برخی افراد را باید برحذر داشت:

به فتوای برخی از فقهاء مراعات فاصله بین دو عمره شرط است.

ممکن است در اعمال آنها مشکلی پیش بیاید یا همچنان در احرام بمانند.

سبب ازدحام مطاف و سعی خواهد شد و این امر موجب دشوار شدن طواف و سعی واجب دیگران است.

- اگر در اعمال، مشکل فقهی برای زائری پدید آمد که فتوای مرجع تقلیدش در دسترس نیست باید او را به طریق احتیاط راهنمایی کرد و با عمل به احتیاط مشکل مرتفع خواهد شد و برخی از مسائل که عمل به آن فوری نیست مثل کفاره برخی از محرمات، باید واگذاشته شود تا در آینده فتوای مرجع تقلیدش به دست آورده شود و راهنمایی گردد.

ص: ۲۰

فصل هفتم دیگر موارد

اشاره

- در هر مرحله، پس از انجام عمل، کنترل اعمال صورت گیرد.

- اعلام عمومی برنامه های کاروان و نصب آن در مکان های مناسب.

- تهیه نوارهای مداحی برای طول راه.

- توجه داشتن به مناسبت های ایام و سخن گفتن پیرامون آنها تأثیر بسزایی برای زائر دارد.

- پرهیز دادن زائران از مباحثه با وهابیون. به زائران گوشزد شود وقتی با اهل سنت بحث میشود، آنها به علمای خود ارجاع میدهند و از بحث کردن گریزانند. به همین روش شما نیز از وارد شدن در بحث با آنان خود داری کنید.

- آگاهی دادن به زائر نسبت به تبلیغات مسموم وهابیون و آمادگی دادن به آنها در برخورد شایسته با اینگونه افراد. در هر جلسهای، به تناسب، یک یا چند شبهه مطرح و پاسخ داده شود.

- اگر در برخی از شبها زائران را برای قرائت قرآن یا نیایش به طبقه دوم مسجد الحرام می برید لازم نیست حتماً روبروی ناودان باشد بلکه اگر در اضلاع دیگر مسجد الحرام مستقر شوند گذشته از این که خلوتر است از مزاحمت سعودی ها نیز در امان خواهند بود.

- در ازدحام ایام تشریق روحانی باید با زیرکی خاصی جو کاروان را بدست گیرد و با یک سخنرانی و ذکر خاطره های تلخ و شیرین از التهاب کاروان بکاهد.

- روحانی به هیچ وجه در مسائل مالی مانند ماشین گرفتن و جمع صدقات و غیره دخالت نکند.

- زدن ماسک در هنگام احرام با توجه فتوای مراجع توجیه شود.

- زائرانی را که از پوشش مناسبی برخوردار نیستند می توان با برخوردهای صحیح آنان را به احکام دین پایبند کرد.

- برگزاری مسابقات در طول سفر از بی حوصلگی و خمودی و خستگی کاروان میکاهد و آنان را به امور مفید سرگرم میکند. این کار باید توسط روحانی با حمایت مسئولین کاروان انجام شود.

- در جلسه وداع، وظایف حاجی پس از بازگشت از سفر گوشزد شود و به لزوم حلالیت طلبی زائران از یکدیگر از آنچه در طول سفر گذشته است، تأکید شود.

- تهیه و توزیع منشور و میثاق نامه ای که ناظر بر تعهدات اخلاقی زائر پس از بازگشت از حج است و اهدای آن در جلسه وداعیه.

- زائران از ایران قرآنی برای خود بیاورند تا در مکان هایی که دسترسی به قرآن کمتر است، از آن استفاده کنند.
- اختصاص هر یک از روزهای اقامت در مکه و مدینه به نام یکی از معصومین (ع) به ویژه امامان خفته در بقیع و چند دقیقه پیرامون حیات پربار آنان سخن گفتن.
- اجتناب از اختلاط زن و مرد؛ باید به زائران مرد توجه داد فقط در هنگام طواف اختلاط مرد و زن اشکال ندارد ولی در غیر آن باید اجتناب کرد حتی در نماز.
- ایجاد یک کتابخانه کوچک از کتابهایی که بعثه مقام رهبری اهدا میکند. هم چنین با تشویق زائران به واگذاری کتاب هایی که از ایران آورده اند، می توان کتابخانه ای کوچک تشکیل داد تا زائران در هنگام فراغت در مکه و مدینه به مطالعه آنها بپردازند.
- ترغیب زائران به برخورد صمیمی با زائران کشورهای دیگر و ایجاد ارتباط با آنان همراه با اهدای هدیه معنوی، جود و سخای ایرانی را نشان میدهد.
- برقراری مجالس ترحیم و بزرگداشت برای زائران به حق پیوسته.
- آداب و اعمال دهه ذی حجه تهیه شود و در زمان مناسب در اختیار زائران قرار گیرد تا از آن بهره مند شوند.
- تشویق به نمازهای مستحبی در مسجدین و در عرفات و منا از به هدر رفتن وقت زائران جلوگیری میکند.
- آگاهی روحانی از مسائل تجهیز و تدفین میت لازم است زیرا ممکن است در طول سفر لازم شود.
- توجه دادن زائران نسبت به کیفیت و کمیت خدمات رفاهی و مقایسه کردن وضع زائران ایرانی با زائران کشورهای دیگر.
- همراه داشتن ویلچر در عرفات برای سالخوردگان، سبب میشود اگر به پیاده روی برای رسیدن به مشعر الحرام نیاز شد به مشکلی برخورد نکنند.
- اذکاری مانند تهلیل، حوقله، صلوات، تسبیح، تسیحات اربعه در زدودن شک و تردید، وسواس و دلهره مؤثر است.
- با ثبت نام قبلی میتوان کاروان را به زیارت دوره برد و مکانهای تاریخی مدینه و مکه را به خرج خود کاروان به آنها نشان داد.
- از تراکتهای خوش خط و زیبا با مضامین عالی، جهت حفظ حجاب خانمها در سالنها و تابلوی اعلانات، استفاده شود و هر روز با متنهای زیباتر و جدید عوض شوند.
- با سعه صدر و برخورد متین و منطقی، حجاب و پوشش زائرین (بخصوص خانمها) تحت کنترل درآید و عواقب سوء

بدحجابی و اثرات زننده اجتماعی آن و فلسفه حجاب در جلسات تذکر داده شود.

- درب اتاق روحانی و معین و معینه همیشه به روی زائر باز باشد و در بین زائرین و در جمعشان حضور یابند.

- زائرینی که در کاروان از جهات مختلف (ختم قرآن، شرکت مستمر در جلسات، فعالیتهای عبادی و مستحبات، همکاری و ...) ممتاز هستند، شناسایی شده و مورد تقدیر قرار گیرند.

- در پایان هر جلسه یکی از کتابهای اعتقادی از استاد مطهری، علامه طباطبایی و دکتر بهشتی و ... معرفی شود و در ۵ دقیقه پیرامون محتوای آن بحث شود تا هم فرهنگ کتابخوانی رواج یابد و هم زائران جوان با توجه به شبهات و سئوالاتی که در ذهنشان موجود است پاسخهای خود را در کتابها جستجو نمایند.

- در جلسات از زائران خواسته شود تا خلاصهای از سفر خویش را تحت عنوان «سفر در یک نگاه» به رشته تحریر درآورده و رهاورد سفرشان را مکتوب کنند تا بدینوسیله درک خود را نسبت به فضا و محیطی که در آن بوده اند و نسبت به عرفان و صفای معنوی آن ثبت و ضبط کنند و در اختیار دیگران قرار دهند.

- در همان دفعه اول که زائران به حرم برده میشوند، ضمن اینکه کارت هتل و آدرس را به همراه دارند، علامتهایی در مسیر به آنها گوشزد شود تا مسیر رفت و آمد را به خوبی یاد بگیرند و نگرانی از گم شدن و تبعات آن را نداشته باشند. در ضمن به شماره های مخصوص درهای حرم اشاره شود تا در موقع لزوم از آنها برای پیدا کردن منزل و هتل استفاده کنند.

نمازی پرفضیلت در ماه ذی قعدة

برای روزهای یکشنبه در ماه ذی قعدة، نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است. در فضیلت این نماز آمده است که هر که آن را بجا آورد توبه اش مقبول و گنااهش آمرزیده می شود. شاکیان او در روز قیامت از او راضی می شوند. با ایمان بمیرد و دینش گرفته نشود و قبرش گشاده و نورانی گردد. والدینش از او راضی شوند و مغفرت شامل حال والدین او و ذریه او شود. توسعه رزق پیدا می کند و ملک الموت با او در وقت مردن مدارا کند و به آسانی جان او بیرون شود. برای خواندن این نماز باید در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز به دو تشهد و دو سلام بخواند. در هر رکعت حمد یک مرتبه و

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

سه مرتبه و معوذتین (ناس و فلق) یک مرتبه پس هفتاد مرتبه استغفار کند و ختم کند استغفار را به

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پس بگوید

يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

(۱).

نماز اول هر ماه

در روز اول هر ماه دو رکعت نماز مستحب است:

در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه

قُلْ هُوَ اللَّهُ

و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

بخواند و بعد از نماز تصدقی کند چون چنین کند سلامتی خود را در آن ماه از حق تعالی بخرد و از بعضی روایات نقل است که بعد از نماز بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا - عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِن يَمَسَّ شَكَّ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِن يُرْدِّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ - إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ.

نماز ده شب اول ذی حجه

- دو رکعت نماز مابین نماز مغرب و عشا بخواند و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه توحید و آیه

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود.

حریم و حرمت خانواده حج

- برای بقاء و ادامه حیات خانواده معنوی حج که به لطف و عنایت الهی تشکیل شده، با همکاری و همفکری مدیر کاروان و

اعضای شورای فرهنگی و گروه ارشاد تدبیری اتخاذ شود که جمع حاجیان در ایران نیز به مناسبت‌های مختلف تشکیل شود.

۱- الاقبال. جلد ۲. صفحه ۲۰

جلد ۱۰

مقدمه

ص: ۱

آزموده ها (۱۰) - نگاهی به تجربیات و نیازهای روحانیون در حج و عمره

از میان همه عبادات، "حج" ویژگی ها و مزایای متمایزی دارد. توگویی خداوند راز و رمز تهذیب نفس، سیر و سلوک و بالا رفتن از نردبان کمال و معرفت، بلکه گذری بر فلسفه خلقت و گذشته تاریخ از ابتدای هبوط آدم تا بعثت پیامبر خاتم و یادآوری ظهور حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، را یک جا در حج و مناسک و مشاعرش به یادگار گذاشته است.

اگر سالک این راه با مناسک ظاهری و باطنی حج آشنا شود و آن را با شعور و آگاهی انجام دهد، به سوی دریای بی کران معارف رهنمون می شود و لحظه به لحظه پرده ای از گنجینه اسرار و شگفتی ها به کنار رفته تا از خود بی خود شده و در آسمان معارف توحیدی به پرواز درآید و جذبه یار، او را به ملاقات پروردگار برساند.

چه کسی غیر از روحانی کاروان، در این سیر روحانی به یاری زائر خدا شتافته و دستش را گرفته و به دیدار یار میرساند؟

شان و منزلت روحانیون

روحانیون و کسانی که وظیفه سنگین راهنمایی میهمانان خدا را به عهده دارند، در ادبیات دینی و آموزه های وحیانی از شان و جایگاه والا و ممتازی برخوردارند:

الْإِمَامُ الْهُمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسِيكَرِيُّ (ع) قَالَ: «خِدَّتْنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يَتِيمٌ يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي حُكْمَهُ فِيمَا يُبْتَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهِدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حَجْرِهِ أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرْشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى.»

(۱)

امام حسن عسکری از پدران بزرگوارشان نقل میکنند که فرمودند: «سختتر از یتیمی که پدرش را از دست داده یتیمی است که از امامش جدا شده و راهی به سوی او ندارد و وظیفه اش را در اعمال دینش نمیداند. آگاه باشید هر یک از شیعیان ما که به علوم ما آگاه باشد پس این جاهل به شریعت و احکام دین که دسترسی به ما ندارد یتیمی است در دامان او، آگاه باشید هر کسی که او را هدایت و ارشاد کند و علم دین و شریعت ما را به او بیاموزد با ما در رفیق اعلی خواهد بود.»

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسِي كَرِي (ع): «حَضَرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصَّدِيقِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (ع)، فَقَالَتْ: إِنَّ لِي وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَقَدْ لَبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صِلَاتِهَا شَيْءٌ وَقَدْ بَعَثَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ، فَأَجَابَتْهَا فَاطِمَةُ (ع) عَنْ ذَلِكَ فَتَنَّتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ تَلَّتْ إِلَيَّ أَنْ عَشَرْتُ فَأَجَابَتْ ثُمَّ حَجَلْتُ مِنَ الْكَثْرَةِ، فَقَالَتْ: لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ.»

قَالَتْ فَاطِمَةُ (ع) هَاتِي وَ سِيلِي عَمَّا يَدَا لَكَ. أَرَأَيْتِ مَنْ أَكْثَرِي يَوْمًا يَضِيْعُدُ إِلَى سَيْطَحٍ بِحَمْلِ ثَقِيلٍ وَ كِرَاهٍ مَائَةِ أَلْفِ دِينَارٍ يَنْقُلُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: لِمَا. فَقَالَتْ: أَكْثَرِيْتُ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرِ مِنْ مِلِّ مَاءٍ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا، فَأَخْرَجِي أَنْ لَا يَنْقُلَ عَلَيَّ. سَجَعْتُ أَبِي (ص) يَقُولُ: إِنَّ عُلَمَاءَ شَيْعَتِنَا يُحْشِرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلْعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَ جِدِّهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حَلَّةٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يُبَادِي مُبَادِي رَبَّنَا عَزَّ وَ جَلَّ أَيُّهَا الْكَافِلُونَ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) النَّاعِشُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمُ الَّذِينَ هُمْ أَيْمَتُهُمْ هَؤُلَاءِ تَلَامِذُكُمْ وَ الْأَيْتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَ نَعَشْتُمُوهُمْ فَأَخْلَعُوا عَلَيْهِمْ خِلْعَ الْعُلُومِ فِي الدُّنْيَا فَيُخْلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلِيَّكَ الْأَيْتَامِ عَلَى قَدْرِ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنَ الْعُلُومِ.» (۱)

امام حسن عسکری (ع) فرمود: زنی نزد فاطمه زهرا (ع) آمد و گفت: مادر ناتوانی دارم که مسئله‌های از مسائل نماز برایش مشتبه شده مرا به نزد شما فرستاده تا پاسخ آن را برایش ببرم.

صدیقه کبری سؤالش را پاسخ دادند اما او نفهمید بار دوم بار سوم تا ده بار برایش توضیح دادند اما باز متوجه نشد و خجالت کشید بار دیگر سؤال کند، گفت: ای دختر رسول خدا (ع) شما را زحمت نمیدهم.

بانوی دو سرا فرمود: هرچه میخواهی بپرس. آیا اگر کسی را اجیر کنی تا بار سنگینی را به پشت بام برساند و در ازای آن صد هزار دینار مزد بگیرد برای او این کار سنگین است؟
گفت: نه.

حضرت صدیقه فرمود: «من در برابر هر پاسخی که به تو میدهم به اجرتی اجاره شده‌ام که بیشتر از این است که ما بین زمین تا عرش خداوند را از مروراید پُر کنند، پس سزاوار است پاسخ دادن به تو بر من سنگین نباشد.

از پدرم رسول خدا (ص) شنیدم که میفرمود: علمای شیعیان محشور میشوند پس به اندازه علم و کثرت کوششان در ارشاد و راهنمایی مردم بر آنان خلعت‌های کرامت پوشانیده میشود تا آنجا که بر یکی از آنان هزار هزار حله نور پوشیده میشود. آنگاه منادی پروردگار عزوجل ندا میدهد: ای سرپرستان ایتم آل محمد و برطرف کنندگان نیاز آنان! در آن زمانی که دستشان از پدران روحانی آنان یعنی امامان کوتاه بود، اینان شاگردان شما و ایتمی هستند که آنان را سر پرستی کردید پس از خلعت‌های علوم در دنیا را بر آنان بپوشانید، آنگاه علما بر هر کدام از ایتم به اندازه علمی که از او فرا گرفته خلعت میپوشانند.»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (ع): يُقَالُ لِلْعَابِدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: نِعْمَ الرَّجُلُ كُنْتَ، هِمَّتْكَ ذَاتُ نَفْسِكَ وَ كُفَيْتَ مُؤْنَتَكَ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ.

امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: روز قیامت به عابد گفته میشود: خوب مردی بودی، همه هم و غم تو نجات دادن خودت بود و زندگیاات را مردم تأمین میکردند، اکنون به بهشت در آی

أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ أَفَاضَ عَلَى النَّاسِ خَيْرَهُ وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ وَفَّرَ عَلَيْهِمْ نِعَمَ جَنَّاتِ اللَّهِ وَ حَصَّلَ لَهُمْ رِضْوَانَ اللَّهِ تَعَالَى.

آگاه باشید فقیه کسی است که خیرش را بر مردم سرازیر می کند و آنان را از چنگال دشمنانشان نجات میدهد و نعمتهای بهشت خداوندی را بر آنان به وفور عطا میکند و رضایت پرودگار را برایشان تحصیل مینماید.

وَ يُقَالُ لِلْفَقِيهِ: يَا أَيُّهَا الْكَافِلُ لِأَيَّتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي لِبُغْيَاءِ مُجْبِيهِمْ وَ مَوَالِيهِمْ قِفْ حَتَّى تَشْفَعَ لِمَنْ أَخَذَ عَنْكَ أَوْ تَعَلَّمَ مِنْكَ فَيَقِفُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَعَهُ فِيمَا وَ فِيمَا حَتَّى قَالَ عَشْرًا وَ هُمْ الَّذِينَ أَخَذُوا عَنْهُ عُلُومَهُ وَ أَخَذُوا عَمَّنْ

أَخَذَ عَنْهُ وَ عَمَّنْ أَخَذَ عَمَّنْ أَخَذَ عَنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَانظُرُوا كَمْ فَوْقَ بَيْنِ الْمَنْزِلَيْنِ. [\(۱\)](#)

روز قیامت به فقیه گفته میشود: ای سرپرست ایتم آل محمد (ع) هدایتگر برای دوستان ناتوان و همپیمانانشان بایست تا شفاعت کنی برای کسانی که از تو معارف را گرفته یا آموخته‌اند. پس به همراه عالم گروه گروه- تا ده گروه امام شمرد- به بهشت وارد میشوند. آنان کسانی هستند که از او و از شاگردانش تا روز قیامت علم آموخته‌اند. پس تفاوت بین منزلت و مقام فقیه و عابد را ببینید.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْيَمَنِ وَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ وَ ائِمَّ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوهُ يَا عَلِيُّ.» [\(۲\)](#)

«با کسی جنگ مکن تا این که او را به اسلام دعوت کنی. به خداوند سوگند هدایت کردن خدا مردی را بر دست تو بهتر است برای تو از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب میکند و تو مولای او میشوی»

۱- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵، ح ۱۰

۲- الکافی، ج ۵، ص ۲۸، ح ۴.

تجربه های تبلیغی و ضرورت تبادل و انتقال آنها

بی شک، در مسیر تبلیغ و آموزش آموزه های دینی افرادی موفق ترند که از تجربه دیگران استفاده کنند و نخواهند تمام راهها را یکی پس از دیگری بیازمایند. از این زاویه، همنشینی با صاحبان تجربه امری سودمند و ضروری است چرا که آنها با گرانترین قیمت، تجربه ها را به دست آورده و ما، با ارزانترین قیمت آنها را فرا می گیریم. حضرت امیر (ع) در همین باره می فرماید:

«تَسْبِقُ تَقْبِيلَ بَجْدٍ رَأَيْكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُغْيَتَهُ وَ تَجْرِبَتُهُ فَتُكُونَ قَدْ كُفَيْتَ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ وَ عُوفِيَتْ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مِنْهَا مَا رُبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا فِيهِ يَا بُنَيَّ إِنَّ لِمَ أَكُنْ قَدْ عُمِرْتُ عُمْرًا مَن كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْيَارِهِمْ وَ سَتَرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَيْثِي عُدْتُ كَأَيِّدِهِمْ يَلُ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِرْتُ مَعَ أَوْلَاهِمُ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ» (۱)

با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه، زحمت آزمون آنها کشیده اند و تو را از تلاش بیشتر بی نیاز ساخته اند، بنا بر این آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شده نصیب تو هم خواهد شد بلکه شاید پاره ای از آنچه بر ما مخفی مانده (با گذشت زمان) بر تو روشن گردد.

پسرم درست است که من باندازه همه کسانی که پیش از من می زیسته اند عمر نکرده ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آنها به سیر و سیاحت پرداختم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان بمن رسیده با همه آنها از اول تا آخر بوده ام. من قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک باز شناختم و سود و زیانش را دانستم»

عليك بمجالسه أصحاب التجارب، فإنها تقوم عليهم بأغلى الغلاء، و تأخذها منهم بأرخص الرخص.

بر تو باد به همنشینی با صاحبان تجربه، چرا که آنها با گرانترین قیمت تجربه ها را به دست آورده و تو، به ارزانترین قیمت از آنها فرا می گیری.

به همین منظور "معاونت روحانیون بعثه مقام معظم رهبری" در سال های اخیر از روحانیون حج درخواست کرد تا تجربیات و اندوخته های خود را که در طول سالیان گذشته به دست آورده اند، در قالب "ره آورد سفر معنوی حج" به رشته تحریر در آوردند. این آثار و نوشته ها پس از وصول و دسته بندی موضوعی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن به صورت "آزموده ها" منتشر شده و در اختیار روحانیون محترم کاروان ها قرار می گیرد. آنچه در این نوشتار آمده، برگرفته از کلیه رهآوردهایی است که روحانیون در سال ۸۶ به معاونت امور روحانیون ارسال کرده اند و توسط فاضل ارجمند جناب

حججهالاسلام و المسلمین ترابی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و به رشته تحریر در آمده است. جا دارد از اهتمام و پیگیری و زحمات بی دریغ مؤلف ارجمند تقدیر و تشکر به عمل آید.

فرصت را مغتنم شمرده و از همه روحانیون و معین های محترم کاروان های حج برای مشارکت فعال در طرح " ره آورد سفر حج " و ثبت و نگارش خاطرات و تجارب خود دعوت به عمل می آوریم. منظور از مشارکت فعال، اهتمام روحانیون کاروان های حج به نوشتن دقیق و مستند خاطرات، تجارب و توصیه هایی است که آگاهی از آنها را به ویژه برای دیگر روحانیون حج مفید و ضروری می دانند. بی شک این رویکرد معلومات و تجارب ارزشمند روحانیون را از حصارهای فردی و ذهنی خارج کرده و با عبور از مرزهای زمانی و جغرافیایی، امکان انتقال و بهره وری را برای جمع بیشماری فراهم می آورد.

در پایان این فراز، ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای کلیه عوامل و خدمتگزاران حج و حاجیان، توجه روحانیون محترم را به چند نکته جلب میکنیم:

-نقطه نظرات انتقادی، اصلاحی و تکمیلی خود را پیرامون این شماره از آزمودهها، برای کمیته تدوین متون آموزشی مستقر در معاونت امور روحانیون ارسال فرمایید.-

در ثبت و نگارش رهاورد سفر حج امسال و سالهای بعد، از تکرار و بازگویی نکاتی که در این شماره یا شماره های-

پیش آمده است خودداری ننماید و صرفاً به ذکر مطالب و نکتههای بدیع بسنده کنید.

-تجارب و توصیههای جدید و کاربردی خود را در مورد انجام صحیح و کامل اعمال و مناسک حج، تدوین و بعد از موسم ارسال فرمایید.

حوزه نمایندگی ولیفقیه در امور حج و زیارت

معاونت امور روحانیون

کمیته تدوین

پایز ۸۷

فصل اول مروری بر توصیه ها و دستورالعمل های مصوب

اشاره

کلیات

- التزام به سیاست های بعثه مقام معظم رهبری و دستورالعمل های ابلاغی.
- رعایت شئون روحانیت در کلیه مراحل سفر.
- حضور با لباس روحانیت در مسجدالنبی و مسجدالحرام.
- اجتناب از پذیرفتن نیابت غیر تبرعی در نماز طواف و موارد مشابه آن.
- خودداری از واسطه شدن در گرفتن امضا و تأییدیه برای مدیران و خدمه کاروان.
- پرهیز از مواضع تهمت.
- حفظ و تقویت نشاط جسمی و روحی در طول سفر.
- انعکاس پیشنهادهای تأثیرگذار در جهت رشد و بهینه سازی برنامه ها.
- شرکت به موقع در جلسات داخلی و منطقه ای بعثه و همراه با زائران در جلسات عمومی و دعای کمیل و غیره.
- گزارش به موقع عملکرد و تکمیل فرم های لازم هنگام ورود به کشور عربستان.
- همکاری با رابطین و پاسخ به سؤالات آنان.
- همکاری با مدیر و مطلع ساختن او در جهت پیش بینی نیازهای فرهنگی.
- پرهیز از اعمال نظر شخصی و تک روی و التزام به مشارکت و مشورت با دیگران.
- تلاش در کاهش مشکلات کاروان و تنش های زائران.

- ایجاد جو محبت، دوستی و خیرخواهی در بین اعضای کاروان زائران.

توصیه های آموزشی

- تشکیل حداقل ده جلسه توجیهی و آموزشی برای زائران قبل از سفر.

- برنامه ریزی قبلی برای تقسیم وقت جلسه به بیان: احکام، اسرار و معارف، تاریخ، مسائل اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی.

- رعایت اختصار و گویابودن مطالب و متناسب بودن آن با حال زائران.

- طبقه بندی زائران و انتخاب بهترین شیوه آموزشی مناسب برای آنان.

- رعایت زمان بندی و حضور به موقع در جلسات آموزشی.

- شرکت در جلسات آموزشی توجیهی بعثه مقام معظم رهبری.

- اصلاح قرائت و تلبیه زائران.

- پاسخ صحیح به سؤالات دینی و رسیدگی به امور معنوی زائران.

- نظارت، کنترل و حصول اطمینان از انجام اعمال زائران.

- معرفی کتاب های مناسب به زائران جهت بالابردن سطح علمی آنان.

- آموزش ساده احکامی که در صحت مناسک لازم و مؤثر است.

- بیان مسائل شرعی مطابق فتوای مرحوم امام خمینی و پاسخ به سؤالات زائران برابر فتوای مرجع تقلید خودشان.
- پرهیز از بیان مسایلی که موجب نگرانی و تشویش زائران می شود.
- تشکیل جلسات اختصاصی برای بانوان و توجیه آنان نسبت به احرام از مسجد شجره، مشکلات معذورین، مسئله نذر و موارد دیگر. (در صورتی که کاروان از حضور معینه بهره مند است، این مأموریت از طریق وی پیگیری شود)
- پرهیز از نقل موارد اختلافی و اقوال غیر مشهور.
- نظارت و کسب اطمینان از احرام زائران و همراهی و راهنمایی آنان در طول انجام اعمال واجب.
- همراهی زائران و راهنمایی و نظارت در انجام عمره مفرده تکراری در صورت امکان و درخواست زائران.
- نظارت بر انجام مناسک سالمندان و معذورین و انتخاب آسان ترین راه برای انجام اعمال.
- برای معرفی بهتر و بهره برداری

صحیح تر زائران از این سفر معنوی بهتر است که روحانی کاروان در موقع مناسب به بیان و تبیین اسرار و معارف حج پردازد.

- روحانیون محترم کاروان تلاش کنند پیش از سفر حداقل یک کتاب تاریخی را در موضوع تاریخ اسلام مورد مطالعه قرار داده و در صورت امکان از جاهای لازم آن یادداشتی همراه خود داشته باشند، تا هنگام زیارت اماکن مورد بهره برداری قرار دهند و در مورد سؤالات احتمالی زائران از قبل جواب داشته

باشند. به خصوص در مواردی که کمتر مورد توجه قرار می گیرد، مانند شهدای فخر، بدر، ربنده، خیبر، غدیر و امثال آنها.

- مهم ترین محورهایی که در مورد تاریخ و اماکن توصیه می شود:

- معرفی اجمالی شبه جزیره عربستان از نظر جغرافیایی و اطلاعاتی کلی در مورد آثار و اماکن اسلامی مکه و مدینه.

- توضیح کامل پیرامون اماکن زیارتی پیش از موعد مقرر زیارت محل های مزبور.

- شرکت در آموزش های تاریخی معاونت امور روحانیون در مدینه (ویژه روحانیون)
- انتخاب وقت مناسب با توجه به شرایط زائران برای زیارت و دیدار از اماکن تاریخی.
- توصیه به نوشتن خاطرات و یادداشت مطالب مهم در طول سفر.
- حتی الامکان توجیه و توضیح برای زائران پیرامون اماکن مکه و مدینه از روی نقشه.
- معرفی و زیارت قبور بزرگان و اولیای خدا در قبرستان بقیع برای بانوان از راهروهای شمالی بقیع و روبه قبله.
- در منطقه احد به خاطر جلوگیری از ازدحام و استفاده همگان از فضاهای جلوی قبور شهدا، ابتدا در کنار اتوبوس ها توضیح لازم درباره شهدای احد برای زائران داده شود، و سپس برای خواندن زیارت نامه به سمت قبرستان حرکت کرد.

- ذکر شهدای فخر و اشاره به بدر، ربنده، خبیر و غدیر در حد امکان و در اوقات مناسب.
- توجه بانوان نسبت به اماکن داخل مسجدالنبی (ص) جهت استفاده هنگام تشریف.
- تشریف دسته جمعی همراه با زائران در هفته اول جهت زیارت و آشنایی با آثار اسلامی به جای مانده از صدر اسلام.

توصیه های اخلاقی و تربیتی

در سفر حج، بر خلاف عمره، به خاطر کثرت جمعیت، زمان کوتاه انجام اعمال و ناتوان بودن گروهی از زائران از یک سو و از سوی دیگر اعمال طاقت فرسای عرفات، مشعر و منا گاهی شرایطی پدیدار می شود که به تنش و درگیری در کاروان می انجامد و بعضاً شاهد آن هستیم. این مسئله در بین افراد مُسِن و ناتوان و عصبی بیشتر ملاحظه می شود. روحانی موفق در این موارد با آمادگی قبلی می تواند در برقراری آرامش و رفع مشکلات نقش تعیین کننده ای ایفا کند. در این جا به مهم ترین نکاتی که رعایت آنها از آغاز سفر می تواند فضای معنوی کاروان را تلطیف کند، اشاره می شود:

- حسن معاشرت با زائران در طول سفر.

- احترام قائل شدن برای کلیه زائران و عدم تبعیض میان آنان در روابط و برخوردها.

- بردباری کردن در برخورد با مشکلات به خصوص هنگام تندی کردن افراد ناتوان و عصبی.

- رعایت نظم و انضباط در انجام وظایف.
- حضور مرتب در جلسات.
- برخورد عاطفی و متواضعانه با زائران.
- همراهی با زائران هنگام صرف غذا.
- سرکشی به زائران و پاسخگویی به سؤالات ایشان.
- ایجاد آرامش در همسفران و رفع نگرانی از آنان.
- رعایت آداب معاشرت به ویژه هنگام صرف غذا.
- پرهیز از برخورد تحقیرآمیز با زائران.

- چشم پوشی از خطاهای زائران و تذکر پنهانی به آنان.

- سعی در اصلاح ناهنجاری های اخلاقی زائران.

توصیه های سیاسی

- معرفی کشور عربستان از نظر سیاسی و حکومت.

- اشاره به پیشینه تاریخی عربستان، موقعیت روحانیون و علما و کیفیت اداره مملکت.

- تبیین روابط کشور ایران و عربستان و موقعیت کلی کشور عربستان در بین کشورهای اسلامی.

- معرفی کوتاهی از مذاهب موجود در عربستان.

- پرهیز از بیان مسائل اختلاف برانگیز.

- تبیین دیدگاه های امام راحل (ره) پیرامون حج ابراهیمی و حرمین شریفین.

- تبیین نظرات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری درباره وحدت مسلمین جهان.

پیشینه‌های لازم

- تشکیل جلسات توجیهی کاروان در ایران و ارایه توصیه های لازم به زائران. بدیهی است غفلت از بیان تذکرات مربوط به این مقطع برای زائران به ویژه افرادی که اولین سفر تشریف آنهاست، افزون بر دلهره و اضطراب آنان، موجب رفتارهای ناهمگون و ناهماهنگ زائران در روزهای اول ورود به عربستان می شود.
- شناسایی روحی و روانی زائران و پیش بینی نیازهای آنان در جهت حسن انجام اعمال و ارتقای معنوی و بهره مندی از اعمال.
- سازماندهی زائران در گروه های پانزده نفره و استفاده از افراد تحصیل کرده.
- به بانوان توصیه شود از پارچه های نازک جهت لباس احرام و چادر استفاده نکنند و لباس ها گشاد دوخته شود.
- بانوان نسبت به دوره عادت ماهانه توجه داشته باشند و پیش بینی لازم را به عمل آورند.
- در فرودگاه و هنگام پرواز وضعیت نماز زائران در هواپیما و فرودگاه عربستان مطرح شود.
- شناسایی وضعیت تقلیدی زائران و بیان احکام و مناسک به نحوی که با فتوای عموم مراجع سازگار باشد و موارد خاص، جداگانه به زائران مربوط تذکر داده شود. این امر در مسجد شجره و سایر موارد به نحوی که به حالت معنوی احرام لطمه نزنند، به زائران تذکر داده شود.

- اگر صبح ها بین الحرمین در مدینه تراکم جمعیت باشد با هماهنگی زائران می توان از فاصله بین نماز مغرب و عشا و پس از شام استفاده کرد.

مدیریت در بحران

مسافرت همیشه با مشکلاتی روبه رو است، به ویژه مسافرت جمعی در کشور بیگانه. حال اگر در طول سفر حج مشکلی برای کاروان و یا یکی از زائران پیش آید، این روحانی و مدیر است که باید با هماهنگی و تدبیر لازم کاروان را هدایت و از نگرانی و دلهره نجات دهند. روحانی کاروان باید از قبل خود را برای بروز مشکلات و حوادث احتمالی آماده کرده باشد. برای مثال:

- پیش بینی آن که در کاروان فردی گم شود و جستجو برای پیدا کردن او نیز به نتیجه نرسد.

- اگر در کاروان برخورد فیزیکی بین اعضای کاروان و یا اتباع سایر کشورها به وجود آمد.

- اگر در مسیرهای بین شهری اتوبوس ها دچار حادثه ای شوند.

- اگر اتوبوس ها به موقع نیامدند و یا به موقع به مقصد نرسیدند و یا هتل مطلوب زائران نباشد.

- اگر برای اعضای کاروان حادثه ای ناگوار رخ داد.

- اگر مدیر توانایی اداره کاروان را به هر دلیل از دست داد.

- اگر در بین زائران، افراد ناتوان حضور دارند و هیچ کمک و همراهی ندارند.

و ده ها مورد دیگر که می تواند روحانی را با بحران روبه رو کند. در این گونه موارد اگر روحانی آمادگی قبلی داشته باشد و راه کار آن را در نظر گرفته باشد، در صورت بروز، سریع تصمیم گیری کرده و همه زائران به راحتی از این سختی ها خواهند گذشت.

شرح وظایف معینهای کاروان حج

پیش از سفر

- شرکت در جلسات آموزشی پیش از سفر حج، افزون بر آموزش، زمینه آشنایی مسئولان کاروان و زائران را با معینه فراهم می سازد. از این رو شرکت فعال در جلسات آموزشی اهمیت زیادی داشته و الزامی است. توضیح اینکه خواهران معینه باید از جلسه اول حضور داشته باشند و خود را به زائران معرفی کرده و با هماهنگی مدیر و روحانی کاروان در مکان ثابت و مشخصی مستقر شوند تا زائران برای ارتباط و آشنا شدن با آنها دچار مشکل نشوند.

- در جلسات خواهران لازم است معینه ها به سه مورد توجه خاص داشته باشند: "نوع مخاطب و سطح آگاهی آنها"، "تناسب مطالب با مخاطبان"، "مکان و موقعیت زمانی جلسه".

- شناسایی و برنامه ریزی برای سالخوردگان و افرادی که مشکلات خاص دارند و نیازمند توجه ویژه و برنامه ریزی معینه ها بالاخص در هنگام انجام اعمال و مناسک هستند.

- شناسایی افراد آسیب پذیر، معترض و منتقد و ایجاد ارتباط دوستانه و عاطفی با آنان و شنیدن نظرات و پیشنهادهای آنها جهت برنامه ریزی و حل مشکلات آنان.
- شناسایی مراجع تقلید بانوان زائر و آگاهی از فتاوی فقهی اختلافی جهت هدایت و راهنمایی بانوان. در صورتی که برخی از بانوان زائر، مرجع مشخصی نداشته باشند، آنان را به لزوم تقلید از فقیه اعلم و کیفیت انتخاب مرجع راهنمایی کنند.
- آشنایی و ارتباط نزدیک با بانوی دستیار (همسر مدیر کاروان) و سعی در ایجاد تفاهم جهت تعاملات لازم در سفر. بدیهی است که اولین ارتباط معینه با دستیار و نوع ارتباط با وی، تأثیر مستقیمی بر قضاوت دستیار و نحوه تعامل او دارد. از این رو حفظ شئون اسلامی و توجه به اخلاق و اصول روان شناسی ارتباط، در ملاقات اول، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.
- احترام به تصمیمات مدیر و روحانی و سعی در حفظ هماهنگی در جلسات و حضور فعال در بخش خواهران و انجام حداقل چند جلسه سخنرانی اختصاصی برای بانوان.
- برنامه ریزی صحیح و هوشمندانه جهت تذکر به جایگاه و شأن زائر خانه خدا و جذب زائرانی که نسبت به مسائل اعتقادی بی تفاوت یا بی توجه بوده و بدون دین ستیزی و بر اساس تربیت و عادت غلط، بی مبالا هستند.
- آماده سازی روحی بانوان زائر (با توجه به تعلقات و دلبستگی های خانوادگی) برای تحمل سختی ها و جدایی از

خانواده و آرامش بخشیدن به آنها با بهره گیری از ابزارهای معنوی و عاطفی و زدودن اضطراب از وجود آنان.

- تسهیل و فراهم سازی زمینه های لازم برای استفاده بیش تر بانوان زائر از فضای معنوی مکه و مدینه. برای مثال در مورد ممنوعیت حضور بانوان حائض در مسجد النبی، می توان ضمن هماهنگی های لازم با روحانی و مدیر کاروان، جایی خاص را در نزدیک ترین مکان ممکن برای بانوان معذور در نظر گرفت تا از برنامه های معنوی و ارتباط و نیایش محروم نمانند.

- دخالت نکردن در اموری که مربوط به روحانی کاروان است و ارجاع زائران در اینگونه مسائل به روحانی محترم؛ برای مثال کیفیت و چگونگی انجام مناسک به طور عام.

- پرهیز از دخالت در حیطه وظایف دستیار (همسر مدیر کاروان) مانند تنظیم برنامه اتاق ها و امکانات رفاهی و

- ایجاد زمینه های ارتباط مستمر با بانوان زائر. چنین ارتباطی با ارائه شماره تلفن (به ویژه تلفن همراه) یا آدرس الکترونیکی برای بانوان زائری که از فناوری روز بهره می برند یا حضور زود هنگام در مکان جلسه آموزشی (نیم ساعت قبل از شروع یا نیم ساعت بعد از اتمام جلسه) فراهم می شود.

- تذکر به بانوان زائر در مورد دوری از خرافات و اعمالی که موجب وهن شیعه می شود مانند دخیل بستن، قفل زدن به نردهها، انداختن عریضه در حرم یا بقیع. همچنین استفاده از مهر و دستمال کاغذی یا کاغذ و ... جهت سجده در اماکن زیارتی مکه و مدینه.

- کسب آگاهی های لازم و تنظیم و طبقه بندی مطالب مورد استفاده در طول سفر که موجب انسجام بخشیدن به یافته ها و اطلاعات معینه ها می شود. اطلاعات لازم برای این سفر معنوی را می توان به اختصار در موارد زیر ذکر نمود:
- آگاهی های فقهی در مورد احکام مبتلا به، به صورت عام (تقلید، طهارت، نماز، خمس و ...) و فقه زنان به طور خاص و فقه زنان در حج به طور اخص و دسته بندی مطالب و دقت در مورد اختلاف فتاوا، به ویژه درباره حیض و استحاضه.
- آگاهی از مناسک و احکام ویژه بانوان و معارف و اسرار حج و فلسفه اعمال.
- آشنایی با مذاهب اسلامی و اختلاف عقاید اهل سنت و شیعه.
- اطلاعات مستند و مستدل در مورد اسلام و زندگانی پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و جایگاه ولایت در زندگانی بشر و به طور کلی برخورداری مطلوب از اطلاعات دینی.
- آشنایی با ادعیه، به ویژه دعاهاى مأثوره ذی الحجه و سرزمین مقدس مکه و مدینه.
- آگاهی های جغرافیایی و تاریخی مکه و مدینه به ویژه اماکن حساس و مهم در تاریخ اسلام.
- آگاهی از زندگانی زنان نقش آفرین تاریخ اسلام و ادیان ابراهیمی مانند هاجر، آسیه، مریم، خدیجه، فاطمه بنت اسد، ام البنین و حضرت فاطمه (علیهن صلوات الله).

- آگاهی از محدوده حرم و اختلاف فتاوا در مورد مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام جهت تبیین شکسته شدن نماز و ورود حائض به قسمت های مجاز.

- معینه های کاروان هایی که «مدینه بعد» هستند، در جلسات پیش از سفر باید کلیه جزئیات احرام و عمره تمتع را بیان کنند؛ به ویژه در مورد کسانی که به عللی هنگام ورود به میقات و یا کمی قبل از آن عذر شرعی پیدا می کنند. زیرا این گروه ها بلافاصله هنگام ورود به عربستان، محرم شده و وارد مکه می شوند و به همین دلیل، فرصتی جهت بیان احکام و مسائل در سفر ندارند.

- راهنمایی های ویژه به بانوان زائر و ارجاع به متخصص در اموری که مربوط به معینه نمی شود و تخصصی است؛ مثل ارجاع بانوان زائر به پزشک زنان و مشاوره تخصصی در مورد وضعیت عادت ماهانه و تنظیم آن. معینه ها نباید در این موارد خاص دخالت کنند. زیرا ویژگی های هورمونی افراد متفاوت است و نیاز به معاینات تخصصی دارند. از این رو معینه ها در کیفیت استفاده از دارو برای هیچ کس اظهار نظر نکرده و حتی از تجربیات گذشته خویش استفاده نکنند. زیرا این داروها ممکن است در سفر به دلایل مختلف تأثیرات منفی داشته باشند و حتی منجر به بروز مشکلات جسمی در بانوان زائر شوند.

- معینه ها باید ارتباط خود را در دو محور به طور گسترده و مداوم قبل از سفر و در طول سفر حفظ کنند: ارتباط با بعثه مقام معظم رهبری جهت آگاهی از آخرین اطلاعات مربوط به

معینه ها و ارتباط با روحانی کاروان جهت هماهنگی و تقسیم کار در حیطه مسائل شرعی و فقهی زائران و استفاده از تجربیات وی.

- توصیه به نوشتن خاطرات سفر: معینه ها پیش از سفر به بانوان زائر تحصیل کرده و یا حتی زائرانی که در حد خواندن و نوشتن سواد دارند، توصیه کنند که خاطرات خود را بنویسند و اگر پیش از حرکت، این عمل را آغاز کنند، بهتر است. همچنین از آنها بخواهند تجربیات خود را در سفر، پیشنهادها و انتقادات از کاروان و مجموعه کارکنان، به ویژه نظر خود را درباره معینه بنویسند. بهتر است تأکید کنند این نوشته ها بدون نام نویسنده باشد.

- معینه ها در هر استان باید از تجربیات معینه های سایر استان ها و کاروان ها استفاده کنند؛ برای شناسایی این افراد می توانند از امور روحانیون همان استان یا واحد خواهران معاونت یاری جویند.

حین سفر

- در اولین فرصت مناسب پس از ورود به مکه یا مدینه، خود را به واحد خواهران بعثه معرفی کرده و از برنامه های واحد خواهران آگاهی یابند.

- در مدینه یا پیش از اعمال حج در مکه، کاروان ها جلساتی دارند که ادامه جلسات ایران خواهد بود و به مطالب خاص مربوط به اعمال حج خواهند پرداخت. معینه ها نیز باید در این

جلسه ها حضور فعال داشته باشند و با هماهنگی مدیر و روحانی محترم کاروان، زمانی را برای سخنرانی در اختیار بگیرند. همچنین با مشخص شدن شماره اتاق خود و یا اتاقی که اختصاص به پاسخگویی مسائل فقهی دارد، پاسخگوی بانوان زائر باشند. بهتر است هفته ای دو یا سه جلسه ویژه خواهران تنظیم شود که البته همکاری همسر مدیر را جهت فراهم ساختن مقدمات و امکانات می طلبد.

- جلسات مکه و مدینه در ساعات مشخص و با مشورت روحانی کاروان برگزار شود.

- جلسات باید محدود، مفید و پر بار باشد و از بیان مطالب غیر ضروری و یا غیر مفید پرهیز شود.

- مراسم ادعیه، قرائت قرآن و مباحث اخلاقی ویژه خواهران برگزار شود.

- جهت گفتن مسائل شرعی و مناسک با روحانی همفکری نموده و تقسیم کار صورت گیرد تا از تکرار ملال آور مطالب پرهیز شود.

- در انتخاب زمان برگزاری جلسات، ضمن مشورت با روحانی، بهترین زمان گزینش شود؛ به ویژه در مدینه که ساعات خاصی جهت زیارت بانوان اختصاص داده شده، سعی شود در آن ساعات، جلسه برگزار نشود. معینه ها که متولی امور خاص بانوان زائر هستند باید بر این مسئله تأکید داشته باشند.

- معینه ها باید با تهیه نشریه های بعثه در جریان برنامه های تنظیم شده از طرف بعثه مقام معظم رهبری قرار گیرند.

- معینه‌ها همیشه باید در دسترس باشند و در صورت خروج از هتل و عزیمت به حرم مطهر، با هماهنگی قبلی و همراه با عده‌ای از زائران خارج شوند.
- معمولاً از طرف واحد خواهران بعثه معظم رهبری در برخی هتل‌ها جلسات سخنرانی برگزار می‌شود. لازم است معینه‌های حاضر در هتل‌ها برای جمع کردن بانوان زائر و برگزاری این جلسات، کمال همکاری را داشته باشند.
- در ساعاتی که اکثر زائران در هتل حضور دارند، معینه‌ها نیز باید سعی کنند در هتل باشند؛ مانند ساعات بعد از هر نماز، زمان صرف غذا، قبل از رفتن به عرفات و قبل از احرام که معمولاً نیاز بیشتری به معینه‌ها احساس می‌شود. هنگام خروج از مکه و مدینه نیز از جمله زمان‌هایی است که حضور معینه‌ها در بین زائران ضروری است.
- معینه‌ها در زیارت دوره و بازدیدها و برنامه‌هایی که از سوی مدیر یا روحانی تدارک دیده می‌شود حتماً حضور مؤثر داشته باشند و مطالب را با دقت به ذهن بسپارند تا در صورت نیاز زائر، موارد را برای او توضیح دهند.
- معینه‌ها باید در اعیاد و مراسم و مناسبت‌های ویژه، در اجرای برنامه‌ها نقش فعال داشته باشند و از بانوان انگیزه مند و توانا جهت اجرای بهتر برنامه‌ها بهره‌گیرند.
- توجه و دقت معینه‌ها در امور عبادی و استفاده از فرصت‌ها مانند نماز اول وقت و تلاوت قرآن در هر فرصتی که به دست آمد و نیز دائم الذکر بودن و استفاده از تسبیح در راه حرم و

اتوبوس برای شمارش اذکار که نوعی تهییج و تحریک برای دیگران خواهد بود، یکی از بهترین شیوه های تبلیغ است که به «تبلیغ عملی» مشهور است. چه نیکوست که معینه ها به این نحوه تبلیغی توجه داشته باشند و با انواع اذکار و ختم های مستند و مأثوره آشنا باشند و در ضمن از موارد غیر معتبر پرهیز کنند.

- همراه داشتن کتاب هایی غیر از کتاب مناسک و مطالعه آنها که توصیه عملی به مطالعه است و موجب جذب زائران با سواد به سوی معینه ها می شود، امری ضروری است.

در مدینه

- معینه ها در اولین زیارت مسجد النبی (ص)، پس از هماهنگی با روحانی کاروان، خواهران را جمع کرده و به همراه یکی از خدمه کاروان به حرم مشرف شوند. در صورتی که پیاده حرکت می کنند، با نشان دادن علامت هایی که در مسیر قرار دارد، زائران را نسبت به نشانی هتل آشنا کنند.

- افراد جوان، توانا و انگیزه مند را جهت کمک به زائران شناسایی کرده و پس از گروه بندی آنها، هر یک از افراد توانمند را مسئول یک گروه قرار دهند تا مشکلی مانند گم شدن زائران و اتلاف وقت آنها پیش نیاید.

- جهت رفع خستگی خواهران، مسیر داخل مسجد را می توان از قسمت های جدید التأسيس و فضای درونی مسجد به سوی قبر مطهر انتخاب کرد.

- بدون شتابزدگی و در مکانی خلوت، پس از باز شدن درب مسجد برای خواهران، در صورت امکان توضیحات لازم در مورد اماکن مسجد داده شود و از هجوم به سمت جاهای پر ازدحام خودداری شود.

- از آنجا که مرشدات (زنان راهنمای حرم) در مسجد حضور دارند، توضیح با صدای بلند ممنوع است. از این رو توضیحات لازم قبلاً در جلسات داده شود و در حرم، فقط به مکان آن اشاره شود. معینه‌ها باید تلاش کنند با مرشدات درگیر نشوند.

در میقات و حرم

- معینه‌ها باید در میقات و هنگام تلبیه و اعمال ویژه پیش از ورود به مکه، با بردباری و رویی گشاده که برخاسته از سعه صدر آنهاست، به زائران توجه کنند و با آرامش خویش، اضطراب آنها را برطرف نمایند.

- چنانچه که تعداد بانوان زائر، بیش از یک اتوبوس باشد، در بین راه با هماهنگی مدیر کاروان، قسمتی از راه را در یک اتوبوس و قسمت دیگر را در اتوبوسی دیگر باشند تا پاسخگوی پرسش‌های مسافران و موجب آرامش آنها باشند.

- با دقت در نوع پوشش و کیفیت برخورد زائران در حال احرام با نامحرمان، آنان را نسبت به محرمات تذکر دهند.

- هنگام ورود به حرم، ضمن مراقبت از سالخوردگان در رفتن و آمدن، با دستیار کاروان همکاری نموده و به جمع کردن زائران

کمک کنند و محل مناسبی را که توسط روحانی مشخص شده است، برای بازگشت زائران مشخص کنند.

- معینه ها پس از انجام اعمال عمره به یک یک اتاق ها سرزده و اعمال بانوان زائر را کنترل کنند تا اگر مشکلی در اعمال دیده شود، با اطلاع و هماهنگی روحانی کاروان به جبران نقص پردازد.

معینه ها از وسواس و سخت گیری های سلیقه ای در کنترل اعمال پرهیزند و مطابق با فتاوی مراجع عمل کنند.

- در برخی از کاروان ها فاصله بین ورود به مکه و انجام اعمال عمره تمتع تا «ایام تشریق» زیاد می شود و معینه ها باید برای این فاصله زمانی که فرصت خوبی جهت ارتباط بیشتر با بانوان زائر است، برنامه ریزی کنند. برای نمونه: توجیه بانوان زائر نسبت به استفاده مناسب و بهینه از اوقات حضور در مکه و انجام مستحبات، به ویژه حضور در مسجدالحرام و استفاده از فضای معنوی و مقدس آن و خواندن نمازهای قضا و مستحبی.

وظایف معینه ها پس از اعمال حج در مکه

معینه های کاروان ها که با برگزاری جلسات آموزشی و هم‌مدلی و همراهی با زائران در طول سفر، زمینه انجام مطلوب اعمال حج را برای زائران فراهم نموده اند، پس از اعمال نیز وظایف دیگری جهت تکمیل مسئولیت خویش دارند:

- کنترل دقیق اعمال؛ به این معنا که با یکایک بانوان زائر ارتباط برقرار کرده و گزارشی از کنترل اعمال جهت ارایه به روحانی کاروان تهیه شود.

- از فرصت های باقیمانده جهت تبلیغ دین حداکثر استفاده به عمل آید و جلسات قطع نشود. بهتر است موضوع مباحث به جای مناسک و معارف حج، به مباحثی چون نشانه های قبولی طاعات و اعمال، کیفیت و شرایط استجابت دعا، کیفیت حفظ حالات معنوی کسب شده در سفر حج، مباحث خانواده و تربیت و مواردی از این قبیل تغییر یابد. می توان با این گونه جلسات به کارهای مربوط به زائران جهت بخشید و حتی نوع تهیه سوغاتی آنها را متناسب با تفکرات معنوی تغییر داد.

- پس از اعمال حج نیز معینه ها باید جهت پاسخگویی به سؤالات زائران و رفع مشکلات شرعی و فقهی آنان حاضر باشند و در اتاق خود را باز بگذارند.

- در صورتی که کاروان «مدینه بعد» است، معینه ها باید در فرصت بین پایان اعمال و سفر به مدینه منوره با برپایی جلساتی آنها را برای ورود به پایگاه اصلی حکومت اسلامی مهیا سازند؛ داشتن مطالعات تاریخی و آگاهی از سیره رسول خدا (ص) و تاریخ اسلام و برداشت های اخلاقی برای زائران در این مقطع، ضروری است.

وظایف شخصی معینه ها در سفر

- از وسواس و حساسیت های افراطی در طهارت و نجاست پرهیز شود.

- در اتاق ها و شقه های مخصوص خواهران (گر چه ورود برادران ممنوع باشد) لباس های مناسب با شأن مبلّغ و معینه بپوشند و ساعات نزدیک به صرف غذا که احتمال ورود برادران افزایش می یابد، خود و دیگران متذکر حجاب باشند.

- ظاهری آراسته، نظیف و متین داشته باشند و به اخلاق اسلامی متخلق باشند؛ برای مثال، هر روز از زائران خبر بگیرند و به اتاق ها، به ویژه اتاق افراد آسیب پذیر، سالخورده و بیمار سر بزنند و سراغ همراهان را از افراد بگیرند و از حال آنان جويا شوند.

- حتماً در کنار مسائل فقهی ویژه بانوان، به مباحث اخلاقی و معرفتی مورد نیاز آنان پردازند.

- حتی المقدور در فضاهای عمومی هتل از چادر رنگی استفاده نشود.

- گاهی ذکر و انجام مستحبات، افراد را از انجام صحیح واجبات غافل می کند. معینه ها باید حداقل برای اولین بار، کاملاً متوجه واجبات و کیفیت طواف خود و اطرافیان باشند و در طواف های مستحبی بعدی مستحبات را مراعات کنند.

- معینه ها نه تنها باید از بحث های اختلاف انگیز با زائران پرهیزند، بلکه برای حلّ اختلافات میان زائران و ایجاد رابطه صمیمی و صادقانه بین آنان کوشش کنند.

- رابطه عاطفی و کاری بین معینه و دستیار (همسر مدیر) در طول سفر باید در سطح بالایی باشد. انتظارات بی جا، برخوردهای آمرانه و انتقاد از دستیاران در برابر زائران، به این رابطه آسیب می رساند.

- باید امور شخصی مربوط به خود را به دیگران واگذار نکنند و در مواردی که بتوانند و منعی وجود نداشته باشد، به دیگران هم کمک کنند.

- کوشش در نظافت اتاق و به ویژه اطراف تخت شخصی معینه ها و نیز سرویس بهداشتی مشترک و ایجاد نظم در وسایل شخصی (کتاب، لباس، حوله و ...) از وظایف مهم معینه ها در سفر به شمار می رود.

پس از سفر حج

- پس از اتمام اعمال و سفر حج، معینه ها باید به تحلیل عملکرد خویش و ارزیابی از فعالیت ها پرداخته و نقاط ضعف و قوت خود را یافته و بررسی کنند. این مرحله را «خود تحلیلی» می گویند که در صورت صرف وقت و انصاف، می توان در این مرحله برای سفرهای بعدی برنامه ریزی صحیح و کاملی انجام داد. زیرا پس از تحلیل عملکرد، می توان به اصلاح نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت پرداخت.

- چنانچه بانوان زائر مایل به ادامه ارتباط با معینه ها در ایران باشند، اگر با این ارتباط جنبه تبلیغی معینه ها همچنان حفظ

شود، بسیار خوب است. سفر حج می تواند اساس و شروع يك ارتباط عمیق معنوی و صمیمانه بین معینه و بانوان زائر باشد.

- معینه ها پس از سفر نیز باید با واحد خواهران بعثه و پایگاه اطلاع رسانی معاونت امور روحانیون در تماس باشند و از اطلاعات جدید و برنامه های مربوط به معینه ها آگاهی یابند و مطالعات خود را گسترش دهند. بدیهی است با این ارتباط مستمر از محصولات جدید فرهنگی اعم از کتاب، لوح فشرده یا

CD

، بروشور، نشانی سایت ها و ..) در رابطه با حج اطلاع یافته و خود را برای سفرهای بعدی، مجهز تر و مطلع تر خواهند نمود.

فصل دوم روحانی موفق، از نگاه روحانیون

اشاره

عوامل موفقیت روحانیون از نگاه روحانیون

- مأنوس شدن با زائران سبب تسهیل در پذیرش آنان می شود.

- از تذکر معایب و نقائص عوامل کاروان در جلسات عمومی خودداری شود زیرا سبب موضع گیری و مقاومت آنان شده و عکس العمل منفی آنان را به دنبال دارد. در برخی موارد نیز امور کاروان مختل و چه بسا کنترل آن از دست روحانی و عوامل خارج شده و در کیفیت اعمال زائران اثر خواهد گذاشت.

- بی اعتنایی تعدادی از زائران به روحانی کاروان، در اثر تبلیغات مخرب موجب شرکت نکردن آنان در جلسات و گرم نگرفتن آنان با روحانی می شود. برخوردهای عاطفی و صمیمی روحانی در این گونه موارد مانند سراغ گرفتن، پیشی گرفتن در سلام و احوال پرسی - موجب رنگ باختن ذهنیت های منفی می شود.

- کیفیت زندگی روحانی در طول سفر تأثیر به سزایی در جذب زائران دارد. تواضع و فروتنی، ساده زیستی، خود را برتر از دیگران ندیدن، عمل کردن به آنچه میگوید، موجب جلب قلوب زائران می شود و بهره گیری معنوی آنان از روحانی را افزایش می دهد.

رسول خدا (ص) در همین باره ضمن توصیه به عبد الله بن مسعود می فرماید:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُهُمْ بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَافِلٌ عَنْهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ

و تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ إِلَىٰ أَنْ قَالِ (ص) يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلَا تَكُنْ مِمَّنْ يُشَدُّ عَلَى النَّاسِ وَيُخَفِّفُ عَلَىٰ نَفْسِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. (۱)

- آرامش و وقار روحانی، ادب و عفت کلام و سخن زیبا، سعه صدر و بررسی امور زائران و عوامل و خدمه، کاروان را همچون یک کشتی آرام به پیش می برد.

- روحانی در مواجهه با زائران سبقت در سلام، لبخند، دلجوئیز آنان و استفاده از تعابیری همچون "خسته نباشید، خوش آمدید، قبول باشد، مهمان خدا و رسول خدا (ص)" توأم با تواضع را پیشه خود کند.

- احترام متقابل روحانی، معین و معینه و ارج نهادن به زحمات یکدیگر در انظار عمومی زائران از ضروریاتی است که هیچگاه نباید از آن غفلت کرد. امام راحل میفرمود: اگر تمام انبیا و پیامبران در یک جا جمع شوند با هم توافق نظر دارند و اختلافی بین آنان پیش نیاید زیرا هدف همه آنان آشنا کردن مردم با خداوند و بیان معارف است.

- باید از احتیاطهای بی موردی که سبب میشود زائر به حالت وسواس و تردید بیفتد و از لذت عبادت و طواف محروم شود، جداً پرهیز کرد. این نکته اصولی را نباید فراموش کرد که در بیان احکام و تکالیف باید از سخت گیری مفرط پرهیز کرد. زیرا خداوند فرمود:

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ بِالْحَفِيفَةِ السَّمْحَةِ»

« (۱) و مردم دوستدار کسی هستند که در عین عمل به وظیفه از سختگیری و وسواس بدور باشد و تکالیف الهی را به نحو احسن انجام بدهد. پس نباید با مشکل جلوه دادن اعمال و ترساندن زائران خانهی خدا، راه توجه به خدا را بر روی آنان بست و باب مفتوح راز و نیاز را قفل کرد و لذت مناجات و عبادت را از آنان گرفت.

- خونسردی، تأنی و حوصله و پرهیز از عجله و شتابزدگی در بیان مناسک و پاسخ به پرسشها سبب موفقیت روحانی و دوری از اشتباه است.

- گرفتن اطلاعاتی مربوط به وضعیت جسمانی زائران از جهت قدرت شنوایی، گویایی، توانایی بدنی و معلولیت، تا در هنگام اعمال مشکلی پیش نیاید.

- موفقیت روحانی در گرو خدمت خالصانه و ایثار و از خودگذشتگی او است. حضرت رسول (ص) و سیره او نماد مجسم از خودگذشتگی در تبلیغ دین است. از سوی دیگر مردم به کسی که به آنان اهمیت دهد، برایشان دلسوزی کند و دست آنان را بگیرد، عشق میورزند. ولی افرادی که خود را در حد وظیفه تعیین شده محصور می کنند و حاضر به فداکاری و از خودگذشتگی نیستند، از حکومت بر قلبها محرومند.

- همکاری صمیمانه در خلوت و جلوت با عوامل کاروان به ویژه مدیر در راستای خدمت رسانی به کاروان سبب پیشرفت و

موفقیت مطلوب کاروان در دستیابی به اهداف معنوی و فرهنگی است.

- اگر چه روحانی باید به میان زائران رفته و با آنان خودمانی شود اما اینبه معنای بذله گویی و کارهای سخیف و دور از شأن طلبگی نیست.

- روحانی باید به میان زائران رفته و با آنان خودمانی شود، اما این به معنای بذله گویی و انجام کارهای سخیف و دور از شأن طلبگی نیست که از منزلت او بکاهد، همانند پیامبر خدا (ص) و اولیای دین (صلوات الله علیهم اجمعین) که در میان جامعه و با مردم بودند ولی هیچگاه گرد و غبار و ظلمت جامعه در آنان تأثیری نداشت بلکه آنان در جامعه تأثیر گذار بودند و آن را متحول میکردند.

- روحانی کاروان باید مظهر تواضع و فروتنی باشد. اگر خود را برتر و بالاتر و تافتهای جدا بافته از دیگران بدانند، مردم ارتباط پیدا نکرده و طبعاً او را همراهی نمی کنند. این نقض غرض است، زیرا فلسفه وجود روحانی و اعزام او با کاروان، بیان احکام و مناسک و عرفان و فلسفه حج است.

قرآن بندگان ویژه خدای متعال را افراد متواضع و فروتن می داند:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (۱)

. خدای متعال به پیامبرش (ص) فرمان میدهد:

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

۱- فرقان، آیه ۶۳

۲- شعراء، آیه ۲۱۵.

روحانی آینه‌های است که مردم در او، رسول خدا (ص) را نظاره می‌کنند. حضرت امیر (ع) در مورد خلق و خوی رسول اکرم (ص) در تعامل با مردم می‌فرماید:

«فَتَيَأَسُّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَيْنَّ بِسُنَّتِهِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى، وَعَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى. وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْمُقْتَضُ لِأَثَرِهِ، ... فَلَقَدْ كَانَ نَبِينَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ، وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ، وَ يَزُكُّ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَ يُرْدِفُ خَلْفَهُ.» (۱)

«از پیامبر پاک و پاکیزه ات - صلی الله علیه و آله - پیروی کن زیرا راه و رسمش سرمشقی است برای آن کس که به خواهد تأسی جوید و انتسابی است (عالی) برای کسی که بخوهد منتسب گردد، و محبوبترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سر مشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد پیامبر (ص) روی زمین (بدون فرش) می نشست و غذا می خورد، و با تواضع همچون بردگان جلوس میکرد با دست خویش کفش و لباسش را وصله میکرد، بر مرکب برهنه سوار می شد و حتی کسی را پشت سر خویش سوار می نمود.»

ابن عباس نیز در همین زمینه می‌گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَعْتَقِلُ الشَّاهَ وَ يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْزِ الشَّعِيرِ» (۲)

۱- ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۴

۲- مستدرک الوسائل ج ۱۶، ص ۲۲۷.

«رسول خدا همیشه بر زمین مینشست و روی زمین غذا می خورد و خود گوسفندان را میبست و دعوت بردگان را بر نان جوین میپذیرفت».

- یکی از عواملی که بعضاً گلایه زائران را به همراه دارد، عدم توجه به نظم و انضباط و قول و قرارها است. نظم و انضباط روحانی در وعدهها و انجام کارها و تشکیل جلسات، باید برای مردم الگو باشد و از تأخیر و معطل کردن زائران جداً خودداری نماید.

- حضور روحانی در ابتدای جلسه و ترک جلسه به عنوان آخرین نفر، بیانگر نظم و اهمیت دادن به جلسات است.

- صبر و تحمل و سعه صدر روحانی در مواجهه با بحران ها و مشکلات پیش بینی نشده، موجب آرامش کاروان است.

- توجه به این نکته، تأثیر به سزایی در خدمت رسانی به زائران خدا دارد: "روحانی اجیر است تا در خدمت زائران باشد. پس باید به هر نحو ممکن در خدمت آنان بود تا مدیون خلق خدا و خدا نشود. دل را خدایی کند و به افراد کاروان که مهمان خدایند عشق بورزد، زائران را دست کم نگیرد، تحقیر نکند؛ چه بسا از بندگان صالح و خوب خدا باشند. احترام به شخصیت دیگران رمز موفقیت روحانی است.

- معنویت و خود ساختگی عوامل کاروان مخصوصاً روحانیون اثر تربیتی بیشتری بر روی زائران دارد. اگر خدای نکرده نقطه ضعفی در عوامل و روحانیون دیده شود کلیه برنامه های عبادی و تربیتی و اخلاقی زیر سؤال می رود.

ص: ۵۶

فصل سوم در ایران

اشاره

بنابر تجارب و توصیه های روحانیون موفق کاروان های حج در جلساتی که پیش از سفر در ایران تشکیل می شود، امور زیر مورد توجه قرار گیرد:

شناسایی زائران

۱. توزیع فرمهایی در اولین جلسه ایران برای شناختن زائر، تحصیلات، مذهب، مرجع تقلید، سابقه تشریف، نیابت و اطلاعات موردنیاز دیگر. مانند این نمونه:

زائر گرامی لطفا به پرسشهای زیر به طور کامل پاسخ داده و پس از تکمیل، آن را به روحانی کاروان تحویل دهید.

نمایش تصویر

توزیع و جمع‌آوری این فرمها سبب میشود اطلاعات زائران به طور کامل در اختیار روحانی قرار گیرد و بتواند بر طبق آن برنامه ریزی کند. برای مثال با اطلاع از نام مراجع تقلید زائران، فتوای مراجعی که در کاروان مقلد ندارند، بیان نمیشود. افرادی که نایب هستند شناسایی شده و به وجود شرایط نیابت در آنان مورد بررسی دقیق قرار گرفته و به حصول یا عدم حصول اطمینان پیدا کنند.

۲. در همان جلسات اولیه از وجود یا عدم زائران سنی مذهب، در کاروان اطمینان پیدا کنید تا در سخنرانیها ملاحظه حال آنان بشود.

۳. بیشتر مدیران کاروان دفتری دارند که نام و خصوصیات زائر همراه با عکس او در آن ثبت شده است. با مطالعه این دفتر میتوان خیلی زود با زائران آشنا شد که در ایجاد ارتباط و صمیمیت بسیار مؤثر است.

۴. از مدیر خواسته شود که در صورت امکان با تهیه لیست زائران، و حضور و غیاب در هر جلسه، نام کسانی که در جلسات حاضر نمیشوند، مشخص شود تا ضمن تماس تلفنی از علت غیبت آنان پرسیده شود و به شرکت در جلسات ترغیب شوند. این گونه تماسها سبب ایجاد رابطه بین روحانی و زائر می شود. ناگفته پیداست که به سراغ زائر رفتن، وظیفه روحانی است.

همکاری و همکاری زائران و کمک به ضعفا

یکی از اموری که نشاط و شادابی کاروان را به دنبال دارد، ایجاد حس تعاون و نوع دوستی در زائران و ترغیب آنان به هم یاری و کمک کردن به زائران ناتوان و ضعیف است.

روحانی کاروان افزون بر این که با روی گشاده در کمک به زائران بیمار و ناتوان پیشقدم است، در دیگران نیز این حس را بوجود آورد. برای رسیدن به این مقصود، گوشزد کردن کلام معصومین (علیهم صلوات الله) بهترین وسیله است. به برخی از روایاتی که در همین باره رسیده، اشاره می شود:

عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ ثَوَابِكَ وَ لَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ.» (۱)

عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتِّتَهُ آلَافٍ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سِتِّتَهُ آلَافٍ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ اللَّهُ لَهُ سِتِّتَهُ آلَافٍ دَرَجَةٍ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الْمُلتَزِمِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ.» قُلْتُ لَهُ: «جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا الْفَضْلُ كُلُّهُ فِي الطَّوَافِ؟»

قَالَ: «نَعَمْ وَ أُخْبِرُكَ بِأَفْضَلِ مِنْ ذَلِكَ قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُسْلِمِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا.» (۲)

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۷

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۸..

إِبْرَاهِيمَ الْخَارِقِيُّ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تُقْضَى لَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حَجَّهِ وَ عُمَرِهِ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَنْ مَشَى فِيهَا بَيْتِهِ وَ لَمْ تُقْضَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ حَجَّهِ مَبْرُورَهُ فَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ.» (۱)

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) تَنَافَسُوا فِي الْمَعْرُوفِ إِخْوَانِكُمْ وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الْمَعْرُوفُ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ اضْطَنَعَ الْمَعْرُوفَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَمُشِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَيُوكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكَيْنِ وَاحِدًا عَنْ يَمِينِهِ وَ آخَرَ عَنْ شِمَالِهِ يَسْتَعْفِرَانِ لَهُ رَبَّهُ وَ يَدْعَوَانِ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ. ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ لَرَسُولُ اللَّهِ (ص) أَسْرُؤُ بِقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الْحَاجَةِ.» (۲)

اجرای طرح احسان

تجربه نشان داده با بیان روایات فوق و روایات دیگری که در این موضوع رسیده فضای کاروان و روح جمعی آماده پذیرش مسؤولیت دیگران و طرح احسان است. لذا به زائران اعلام شود کسانی که در طول سفر دوست دارند، پیامبر اسلام (ص) را خوشنود و با خدا معامله کنند و ثواب ده طواف و حج و عمره را ببرند، در پایان جلسه مراجعه کنند تا نام آنان نوشته شود.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۹

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۰.

ازمدیر کاروان خواسته میشود به گونه‌های برنامه ریزی کنند که افراد ضعیف در طول سفر با کسانی که برای طرح احسان ثبت نام کرده‌اند، هم اطاقی شوند تا از آنها مواظبت کرده و به آنان کمک کنند. در صورتی که تعداد داوطلب بیشتر از حد نیاز باشد، برای هر فرد ضعیف و ناتوان، افرادی را تعیین کنند تا به نوبت این مهم را به عهده گیرند.

کیفیت اداره جلسات

- در بیان تاریخ اسلام، بیشتر بر مطالب و نکاتی تأکید شود که از تجربه های تلخ و شیرین تاریخی است و در روحیه زائران تأثیر عملی دارد.

- برای تنوع سخنرانی و جلوگیری از خستگی و کسالت مخاطبان، بهتر است هر از گاهی - لطیفه - ضرب المثل - قصص کوتاه عرفانی - اشعار مناسب بحث که با اصل موضوع متناسب باشد استفاده شود.

- در بیان احکام و مسائل حج، از اسرار و رموز اثر گذار و آموزنده آن غفلت نشود.

- از پذیرایی در زمان برگزاری کلاس ها که سبب بر هم خوردن حواس و تمرکز مخاطب میشود پرهیز شود و اگر لازم باشد در پایان جلسه پذیرائی صورت پذیرد.

- در بیان مسائل و معارف حج، گاهی اوقات از روش پرسش و پاسخ استفاده شود. تجربه نشان داده که کاربرد این روش موجب مشارکت زائران در بحث و تمرکز و ارتقای یادگیری آنان می شود.

۱. تصحیح نماز

- از زائران خواسته شود در نماز جماعت مساجد شهر خود شرکت کنند و نماز خود را به روحانی محل و عالم آشنا و مورد وثوق عرضه کنند تا اشتباهات احتمالی، اصلاح و برطرف شود.

- برای تصحیح نماز زائران اکتفا به قرائت حمد و سوره نشود بلکه ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام نیز کنترل شود.

- در صورتی که زائران، نماز خود را نزد روحانی کاروان تصحیح می کنند باید فرمی تهیه شود و در آن تکبیر و حمد و سوره و تشهد و سلام و ذکرهای نماز واجب و مستحب با خط درشت و اعراب صحیح نوشته شود و در هنگام مراجعه زائران برای قرائت نماز، زیر کلماتی که غلطمیخوانند خطی کشیده تا به تصحیح آن پردازند. این کار موجب می شود در صورتی که غلط داشته باشند در مراجعه بعدی معلوم شود آیا به تصحیح آن پرداخته‌اند یا نه؟ این کار ضمن اصلاح قرائت زائر موجب جلب توجه او به اهتمام روحانی نسبت به اعمال و مناسک او می شود.

- در صورت نیاز به جای خطبه سخنرانی، سوره حمد و اخلاص با ترتیل و صدای رسا خوانده شود و زائران را به آن توجه دهید.

- نشان دادن عملی وضو و تیمم و خواندن یک نماز دو رکعتی در مقابل جمع و آگاهی دادن زائر به مواضعی که سبب بطلان نماز و وضو می شود.

- ترغیب زائران به گوش دادن به قرائت امام مسجد النبی و مسجد الحرام برای تصحیح قرائتشان.

۲. یادآوری حساب سال

- روحانی در تخمیس مال زائران هادی باشد یعنی فقط مسئله را مطرح کند و اصراری بر تخمیس نداشته باشد. هرگز نباید زائری را به تصحیح نماز یا حسابرسی اموالش یا پرداخت آن وادار کرد. وظیفه شرعی روحانی، بیان مسائل نماز و خمس و دعوت آنها به عمل به واجبات است نه اجبار آنان به این امور.

- از زائران خواسته شود که برای حسابرسی خمس و پرداخت وجوه شرعی خود به دفتر مرجع تقلید خود یا نماینده وی مراجعه و برای این مسأله اقدام نمایند.

۳. بیان کیفیت وصیتنامه

کیفیت وصیت نامه نوشتن، به زائران آموزش داده شود، به ویژه در مورد شرایط وصی و وصیت مالی که بیش از ثلث نباشد و نوشتن نماز و روزه های قضا در وصیتنامه.

با بیان فضائل دفن در حرمین شریفین، زائران به وصیت به دفن در آن مکانهای مقدس ترغیب شوند، زیرا در صورتی که زائری در حرمین فوت کند آوردن جنازه او به ایران بسیار مشکل است و عوامل کاروان و ستاد حج را درگیر میکند. از اینرو باید به گونهای تبلیغ شود که زائران تمایل خود را به دفن در حرمین در صورت فوت نشان دهند و به خانوادههایشان

اعلام کنند. برای توجیه آنان روایات زیر بویژه روایت سوم میتواند مورد استفاده واقع شود.

قال أبو عبد الله (ع): «مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِباً أَوْ جَائِئاً أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۱)

قال أبو عبد الله (ع): «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجِياً وَ لَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ أَتَانِي زَائِراً وَجَبْتُ لَهُ شَفَاعَتِي وَ مَنْ وَجَبْتُ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبْتُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحَاسَبْ وَ مَنْ مَاتَ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ.» (۲)

قال أبو جعفر (ع): «وَ مَنْ مَاتَ مُحَرِّماً بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّياً بِالْحَجِّ مَغْفُوراً لَهُ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَمِينِينَ وَ مَنْ مَاتَ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُنْسَرْ لَهُ دِيوَانٌ وَ مَنْ دُفِنَ فِي الْحَرَمِ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَ فَاجِرِهِمْ.» (۳)

۴. استحباب کوتاه نکردن موی سر و صورت

کوتاه نکردن موی سر و صورت در عمره مفرده از یک ماه پیش از سفر مستحب است و در عمره تمتع این استحباب از اول ذی القعدة است و اگر نشد از اول ذی الحجه

۱- الكافي، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۴۵

۲- الكافي، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۵

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۹.

قال أبو عبد الله (ع): «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ فَمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَفَرَ شَعْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى هَلَالِ ذِي الْقَعْدَةِ وَ مَنْ أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَفَرَ شَعْرَهُ شَهْرًا» (۱)

۵. پیش نیازهای احرام

- از آنجا که کاروان های مدینه بعد، باید در جحفه محرم شوند باید به زائران اعم از مرد و زن مؤکداً یادآور شوند که لباس های احرام خود را پیش از سفر واریسی کنند که معطر نباشد و آن را جدای از اشیاء خوشبو در دسترس بگذارند تا هنگام محرم شدن، لباس های احرام آنان با بار اصلی به مکه نرفته باشد.
- به زائران چنین کاروانهایی اعلام شود لباسهای احرام را در ساکهای دستی بگذارند تا در جحفه معطل باز کردن بارها نشوند.
- در مورد لباس احرام به ویژه لباس بانوان تذکر داده شود که نازک و بدن نما نباشد، و به قدری ضخیم باشد که در فصل گرما که بر اثر عرق کردن لباس به بدن می چسبد، بدن نما نشود.
- بانوان از لباسهای احرام با دوخت ساده استفاده کنند، زیرا اگر کیفیت دوختن لباس به گونهای باشد که زینت به حساب آید، احرام در آن جایز نیست.
- خانم ها به شرط این که با پزشک متخصص بانوان مشورت کرده باشند و ضرری متوجه آنان نباشد میتوانند برای

جلوگیری از عادت ماهیانه، دارو استفاده کنند. در ضمن، تذکر این نکته به بانوان که اگر در هنگام احرام مبتلا به عذری شوند، مشکلی برای اعمالشان پیش نمیآید، سبب رفع اضطراب و نگرانی آنان میشود.

- به طور کلی خانمهای غیر یائسه از شوهرانشان اجازه نذر کردن بگیرند زیرا ممکن است لازم شود پیش از میقات با نذر محرم شوند و در آنجا دسترسی به همسرانشان ممکن نباشد.

۶. تذکر نکاتی درباره نیابت

- اولاً شرایط نیابت به طور واضح و صریح برای زائران گفته شود و ثانیاً افرادی که در کاروان نایب هستند، شناسایی شده و حتماً نسبت به وجود شرایط در آنان دقت لازم به عمل آید تا پس از سفر و هنگام اعمال به مشکل برخورد نکنند. مخصوصاً کسانی که از نماز صحیح معذور هستند یا خودشان مستطیع هستند که در این موارد نیابتشان اشکال دارد و به فتوای برخی از مراجع مانند امام راحل اصلاً احرامشان صحیح نیست و چون به میقات آمده و استطاعت طریقی نیز حاصل شده، باید برای خودشان حجّ بجای آورند.

- خدمه کاروانها نیز نسبت به نیابت توجیه شوند، زیرا ممکن است به هنگام اعمال حجّ، مشکلی برای کاروان پیش آید که به ناچار باید اعمال معذور را انجام دهند و به فتوای برخی از فقهاء عذر طاری مُخَلّ به نیابت است. لازم است در این

خصوص یک جلسه توجیهی برای عوامل در ایران گذاشته شود و مسائل مربوطه توسط روحانی کاروان تبیین شود.

- کسانی که نایب هستند باید نسبت به وقوف اختیاری مشعر و لزوم پیادهروی از مشعر تا منا و رمی جمرات توجیه شوند تا اگر قدرت بر این امور را ندارند، نیت نیابت نکنند. البته وقوف مقداری از شب در مشعر برای زنان نایب کافی است.

۷. کیفیت نماز در فرودگاه و هواپیما

از آنجایی که احتمال دارد پرواز کاروان در رفت یا برگشت، نزدیک یا در وقت نماز صورت بگیرد، یادآوری چند نکته در این خصوص به زائران ضروری است:

- اگر در اول وقت نماز، در سالن انتظار فرودگاه هستند، سعی کنند باطهارت باشند تا اگر فرصت شد نماز را بتوانند سریع بخوانند و سوار هواپیما شوند.

- اگر فرودگاه در خارج از شهر و بعد از حدّ ترخص واقع شده باشد ولو مسافتش تا شهر کمتر از چهار فرسخ باشد، باید به زائر توجه داد که نماز را شکسته بخواند. حدّ ترخص یعنی به مقداری از شهر دور شوند که صدای اذان شهر شنیده نشود و دیوارهای شهر را نتوان به خوبی تشخیص داد. لازم نیست چهار فرسخ از شهر دور شده باشند تا نماز شکسته شود.

- اگر زائران می دانند که پس از سوار شدن به هواپیما، وقت نماز داخل می شود به گونهای که امکان خواندن نماز پس از پیاده شدن از هواپیما نباشد و نماز قضا میشود، باید پیش از

سوار شدن وضو بگیرند تا هنگام نماز خواندن در هواپیما به راحتی بتوانند به وظیفه خود عمل کنند.

- نماز در هواپیما در صورت امکان باید به حالت ایستاده ولو در راهروهای هواپیما با مراعات قبله و سایر شرایط خوانده شود و چنانچه در حالت ایستاده ممکن نباشد و مسؤلان اجازه ندهند، به حالت نشسته و در صورت امکان رو به قبله نماز خوانده شود. بهر حال هر مقدار از شرایط نماز که ممکن بود باید مراعات کنند و اگر امکان رکوع و سجود نبود برای آنها اشاره کند و چنانچه نماز در هواپیما با مراعات شرایطی که گفته شد خوانده شود نماز صحیح است.

۸. بیان کیفیت نماز در مکه و مدینه

کیفیت خواندن نماز در مکه و مدینه و مسجدالنبی و مسجدالحرام، در ایران برای زائران توضیح داده شود بویژه کیفیت نماز در عرفات و منا که برای گروهی از زائران که ده روز در مکه بوده اند، در مشاعر هم تمام است و برای آنان که کمتر از ده روز در مکه بوده اند، نماز در عرفات و منا شکسته است.

۹. بیان ثواب نماز در مسجدین شریفین

بیان عنایت الهی به نماز گزاران در مسجدالنبی (ص) و مسجدالحرام، موجب اهتمام آنان به شرکت در نمازهای جماعت است:

جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا بَيْنَ مِثْبَرِي وَ مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِثْبَرِي عَلَى تَرْعٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ صِيْلَمَاءُ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صِيْلَمَاءَ فِيْمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ.» قَالَ جَمِيلٌ: قُلْتُ لَهُ: «بُيُوتُ النَّبِيِّ (ص) وَ بَيْتُ عَلِيِّ مِنْهَا؟» قَالَ: «نَعَمْ وَ أَفْضَلُ.» (۱)

أَبُو الصَّامِتِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (ص) تَعْدِلُ بِعَشْرَةِ آلَافِ صَلَاةٍ» (۲)

ابو صامت از امام صادق (ع) نقل کرد که فرمود: «نماز در مسجد النبي (ص) برابر با ده هزار نماز است.»

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «مَكَّةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ لِرَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صِيْلَمَاءَ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمَدِينَةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ لِرَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ صِيْلَمَاءَ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ الْكُوفَةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ لِرَسُولِهِ (ص) وَ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صِيْلَمَاءَ وَ سَكَتَ عَنِ الدَّرْهَمِ.» (۳)

رَوَى أَبُو حَمَزَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةً مَكْتُوبَةً قَبِلَ اللَّهُ بِهَا مِنْهُ كُلَّ

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۰

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۲

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۰.

صَلَّاهُ صَلَّاهَا مُنْذُ يَوْمٍ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَكُلَّ صَلَّاهُ يُصَلِّيَهَا إِلَى أَنْ يَمُوتَ.» (۱)

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي كَأَلْفِ صِيْلَاءٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَّاهٍ فِي مَسْجِدِي.» (۲)

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) لِأَبِي حَمْرَةَ التُّمَالِيِّ الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَةُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ (ص) وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ يَا أَبَا حَمْرَةَ الْفَرِيضَةُ فِيهَا تَعْدِلُ حَجَّةً وَ النَّافِلَةُ تَعْدِلُ عُمْرَةً.» (۳)

۱۰. بیان فضیلت شرکت در نماز جماعت اهل سنت

روایات زیادی در فضیلت و استحباب نماز جماعت با اهل سنت از معصومین (علیهم السلام) رسیده که اختصاص به مسجد النبی هم ندارد بلکه در مساجد دیگر مکه و مدینه نیز این حکم جاری است. به گوشه‌های از این روایات اشاره میشود:

قال أبو عبد الله (ع): «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.» (۴)

إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «يَا إِسْحَاقُ أَتُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟» قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: «صَلِّ

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۱

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۶۸۲

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۶۸۴

۴- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹، ح ۱۰۷۱۷.

مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّيَّ مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۱)

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «صَلَّى حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَنَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ.» (۲)

سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُنَاكَحَتِهِمْ وَالصَّلَاةِ خَلْفَهُمْ؟ فَقَالَ: «هَذَا أَمْرٌ شَدِيدٌ لَنْ تَسْتَطِيعُوا ذَاكَ. قَدْ أَنْكَحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَصِيَّيَّ عَلِيٌّ (ع) وَرَأَاهُمْ» (۳)

۱۱. بیان کیفیت نماز خواندن اهل سنت

بیان کیفیت نماز اهل سنت در مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام و دیگر مساجد مکه و مدینه، به زائران ایرانی در همراهی دقیق با جماعت کمک می کند:

امام جماعت مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام معمولاً این گونه نماز میخوانند:

- امام جماعت، پس از گفتن تکبیره الاحرام دعای استفتاح را میخواند که مختصر آن این است:

سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جدک و لا اله غیرک.

بعد از آن، استعاذه را می گوید و "بسمله" را در تمام نمازها آهسته گفته و سوره حمد را میخواند و پس از آن مقداری از قرآن را تلاوت میکند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۰، ح ۱۰۷۲۳

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱، ح ۱۰۷۲۵

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱، ح ۱۰۷۲۶.

- معمولا- در نماز صبح اگر سوره کاملی بخواند یکی از سوره‌های از "ق" تا "عم" را و در نماز مغرب یکی از سوره‌های از ضحی تا آخر قرآن را و در بقیه نمازها از سوره "عم" تا "الضحی" را انتخاب میکند. گاهی هم مقداری از قرآن را که به اندازه یکی از این سوره‌ها باشد میخواند.

- در رکوع یک یا سه یا بیشتر

سبحان ربی العظیم

میگوید و در هنگام سر برداشتن

سمع الله لمن حمده

گفته و مؤذن میگوید:

ربنا و لك الحمد

اما امام جماعت چون پس از رکوع بایستد میگوید:

ربنا و لك الحمد حمدا كثيرا طيبا مباركا ملء السموات و ملء الارض و ملء ما شئت من شئ بعد

و با گفتن

الله اكبر

به سجده می‌رود.

- در سجده سه مرتبه

سبحان ربی الاعلی

گفته و گاهی دعاهایی نیز میخواند. بین دو سجده دو بار میگوید:

رب اغفر لی

و بعد از آن میگوید:

وارحمنی و اجرنی و ارفعنی و ارزقنی و انصرنی و اهدنی و عافنی و اعف عنی.

پس از آن به سجده دوم رفته و مانند سجده اول عمل میکند و سر از سجده که برداشت، بدون جلسه استراحت، بلند میشود و رکعت دوم را میخواند ولی قنوت نمیگیرد.

- در تشهد انگشت سبابه را حرکت میدهد و میگوید:

التحيات لله و الصلوات و الطيبات السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته السلام علينا و على عباد الله الصالحين اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و

سپس به رکعت سوم میپردازد و در آن فقط سوره فاتحه را میخواند.

- در تشهد آخر نماز میگوید:

التحيات لله و الصلوات و الطيبات السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و بركاته السلام علينا و على عباد الله الصالحين اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على محمد و على آل محمد كما باركت على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اعوذ بالله من عذاب النار و عذاب القبر و فتنه المحيا و الممات و فتنه المسيح الدجال السلام عليكم و رحمه الله السلام عليكم و رحمه الله.

يك سلام به طرف راست و يك سلام به طرف چپ ميدهد.

- در بیشتر روزها پس از نماز واجب صدای مؤذن به گوش میآید که

الصلوة على الاموات يا على الرجل يا على المرأة يرحمكم الله

با این صدا مردم را به نماز میت دعوت میکند که در آن چهار تکبیر میگوید. پس از تکبیر اول سوره فاتحه را میخواند پس از تکبیر دوم بر پیامبر صلوات فرستاده و پس از تکبیر سوم به مرده دعا میکند و تکبیر چهارم را گفته کمی مکث میکند بعد یک سلام میدهد السلام عليكم و رحمه الله.

۱۲. نکات قابل ذکر در مورد نماز با اهل سنت

- اذان صبح (۱) را هنگام طلوع فجر و اذان ظهر را پس از زوال شمس میگویند لذا بعد از این دو اذان وقت نماز صبح یا ظهر داخل شده است. اذان مغرب را هنگام غروب خورشید میگویند که به فتوای بعضی از مراجع وقت داخل شده ولی به فتوای کسانی که مغرب را به زوال حمزه مشرقیه میدانند وقت داخل نشده است.

- یک ساعت پیش از اذان صبح، اذانی برای نماز شب گفته میشود. باید به زائر تذکر داده شود با این اذان نمیتوان نماز صبح را خواند. اما بعد از اذان دوم و پیش از اقامه نماز جماعت، می توانند نماز صبح خود را بخوانند.

- معمولاً فاصله بین اذان صبح (اذان دوم) و اقامه آن بیست دقیقه و بین اذان ظهر اقامه آن ۱۵ دقیقه و بین اذان و اقامه مغرب ۱۰ دقیقه و بین اذان و اقامه عشا ۲۵ دقیقه فاصله میاندازند و گاهی ممکن است کم و زیاد نیز بشود.

- در بین اذان و اقامه زائران می توانند نماز یا قرآن بخوانند.

- معمولاً- در نماز صبح روزهای جمعه، امام جماعت پس از حمد، سوره "الم تنزیل" را که سجده واجب دارد، می خواند. وقتی آیه سجده را تلاوت کرد، به سجده می رود و سپس بلند شده و دنباله نماز را می خواند. به زائران تذکر داده شود در این گونه موارد، با آنان همراهی کنند. مناسبت است صبحهای جمعه پس از اذان صبح نماز صبح را فرادی بخوانند و آنگاه در جماعت شرکت کنند.

۱- منظور اذان دومی است که صبحها گفته میشود و بعد از اذان نماز شب است.

- در مکه و مدینه معمولاً در نمازها قنوت نمیگیرند مگر در مواقعی که پیشآمد سختی برای اهل سنت رخ بدهد. در این صورت پس از رکوع قنوت بجای می آورند. در اینگونه موارد قنوت گرفتن با آنان (پس از رکوع) مشکلی پیش نمی آورد. همچنین از آنجایی که قنوت در بین ما مستحب است، در صورتی که به آنان اقتدا کرده و در نمازها قنوت نگیرد، ترک آن اشکال ندارد.

- در حال نماز، غالب اهل سنت، دست بسته نماز میخوانند. باید به زائران تذکر داده شود که نباید دست بسته نماز بخوانند در غیر اینصورت کار حرامی مرتکب شده و نمازشان اشکال پیدا میکند.

- اهل سنت در نماز صبح و مغرب و عشا، پس از اتمام حمد، " آمین " می گویند ولی گفتن " آمین " برای شیعه حرام و بدعت است پس نباید گفته شود؛ و به جای آن الحمد لله رب العالمین بگویند.

- اهل سنت، پس از رکوع توقّف طولانی دارند که در آن دعاهایی خوانده میشود، زائران نیز مراعات کنند و با عجله به سجده نروند، بلکه منتظر تکبیر مکبر باشند.

- امام جماعت در رکعاتی که تشهد ندارد، وقتی از سجده سر بر میدارد، بلافاصله و بدون جلسه استراحت، بر می خیزد. باید برای زائران توضیح داد که جلسه استراحت را هرچند بسیار کوتاه بجای آورند و سپس برای ادامه نماز بایستند.

- برخی از اهل سنت در هنگام خواندن تشهد انگشت سبابه را تکان می دهند که این کار لزومی ندارد.

- بعضی از مذاهب اهل سنت بعد از نماز صبح و نماز عصر، خواندن نماز مستحب را جایز نمی دانند هرچند در فقه شیعه نیز کراهت دارد (بجز نمازهای خاص) لذا تذکر داده شود که در آن وقت نافله نخوانند و چنانچه نماز صبح نخوانده‌اند یا به فتوای مرجعشان باید مجدداً بخوانند، پیش از نماز جماعت بخوانند.

۱۳. حکم سجده در مکه و مدینه

- اهل سنت سجده بر هر چیزی را جایز میدانند. از این رو بر فرش و سجاده و پلاستیک و ... سجده میکنند ولی در فقه در اهل البیت (ع) سجده بر زمین و سنگ و شن و خاک و هر چیزی که از زمین بروید و خوردنی و پوشیدنی نباشد، جایز است لذا در مواردی که زائران در جایی هستند که تقیه معنا ندارد (مانند داخل هتل یا در عرفات و مشعر و منا ...) باید سجده بر مایضیح السجود علیه باشد. در غیر این صورت نمازشان باطل است. و سجده بر پشت دست یا ناخن نیز جایز نیست.

در صورت شرکت در نماز جماعت اهل سنت، سجده‌ی بر فرش به فتوای برخی از مراجع مانند امام خمینی و آیت الله نوری اشکالی ندارد. به فتوای آیت الله گلپایگانی و صافی در صورت تقیه مانعی ندارد و به فتوای آیت الله خوئی و سیستانی اگر در همانجا متمکن از سجده بر مایضیح السجود نیست، مانعی ندارد. به فتوای آیت الله تبریزی و فاضل اگر در مسجد متمکن از مایضیح السجود نیست مانعی ندارد و به فتوای آیت الله زنجانی و وحید خراسانی سجده بر فرش کفایت نمیکند باید نمازش را دو باره بخواند. به فتوای آیت الله خامنه‌ای اگر ورود در نماز جماعت با

آنان یا نماز خواندن در آنجا ولو فرادی ایجاب نماید که سجده بر فرش کند، مانع ندارد.

۱۴. نحوه بیان مناسک و احکام حج در جلسات ایران

- تعدادی از زائران تحت تأثیر گفته های کسانی که در سالهای قبل به حج مشرف شده‌اند، اضطراب و دلهره و ترس از باطل شدن اعمال یا ناتوانی در انجام آن را دارند. روحانیون باید به گونه‌های مناسک و احکام حج را بیان کنند که نه تنها در آنان اضطراب و نگرانی ایجاد نشود بلکه ترس القائی نیز برطرف شود، زیرا اضطراب و ترس از مواردی است که می‌تواند مشکلات زیادی را برای زائران و کاروان بوجود آورد.

- در جلسات اول در ایران به زائران یادآوری شود که اعمال عمره و حجّ دقیق است ولی دشوار نیست، و در صورتی که به طور منظم و مرتب در جلسات آموزشی شرکت کنند و مطالب را کاملاً یاد بگیرند و به کار ببندند هیچکس اعمالش ناقص یا باطل نخواهد شد.

- این نکته به زائران اعلام شود که در طول سفر روحانیون در کنار شما هستند و در هر لحظه از شب یا روز میتوانند به او دسترسی داشته باشند. پس اگر سؤالی، شبهه ای یا مشکلی پیش آمد، می‌توانند در اسرع وقت سؤال کنند و مطابق وظیفه خود عمل نمایند.

- به زائران توصیه مؤکد شود که پیروی از روحانیون و همراه بودن با آنان در انجام دادن اعمال و مناسک سبب میشود که بتوانند اعمال را درست و بدون اشکال انجام دهند. اما اگر با

کسانی که در سالهای قبل به حج یا عمره مشرف شده‌اند همراه شوند و در اعمال به مشکلی برخورد کنند، چه بسا سبب باطل شدن اعمال یا کفاره میشود.

- زائر را به این نکته آگاه کنید که روحانیون حج برای این که به عنوان روحانی در خدمت زائران خانه خدا قرار گیرند باید از مراحل متعددی بگذرند، امتحانات متعددی از آنان گرفته میشود و اگر در این آزمونها موفق نشوند به عنوان روحانی حج اعزام نمیشوند. بنابر این اگر در مسجد الحرام یا مشاعر از کاروان جدا افتادید و سؤال یا مشکلی برایتان پیش آمد، می‌توانید از روحانیون دیگر پرسید و به آنچه میگویند، اعتماد نمایید.

- از زائرانی که در نمازشان مشکلی دارند خواسته شود برای تصحیح نمازشان در ایران، اقدام کنند؛ اما اگر به هر دلیل از عهده این کار برنیامدند، تدبیری اتخاذ شود که افزون بر خواندن نماز، به کسی هم که نمازش صحیح است، برای خواندن نماز طواف نیابت دهند.

- بیان مسائل بانوان حتی‌الامکان به عهده معینه کاروان باشد و از دخالت کردن در این امور خودداری شود زیرا معینهها بیشتر از آقایان با این مسائل آشنا هستند و زنان نیز به راحتی و بدون رودرباستی مشکلاتشان را با آنان در میان میگذارند، اما در صورتی که در کاروان معینه وجود ندارد، باید در همان ابتدای جلسات در ایران جلسه جداگانه‌ای برای خانمها گذاشته شود و مسائل و احکام به طور صریح و شفاف گفته شود. به آنان یادآوری شود که اگر در حین احرام عذری پیش آمد، حتماً برای

آشنایی به وظیفه خود برای احرام عمره تمتع یا حج افراد و ورود به مسجد، به روحانی کاروان مراجعه کنند.

- در کاروانهای مدینه قبل، پیش از رفتن به مسجد شجره خانمهای معذور شناسایی شوند تا در مدینه به نذر محرم گردند و نیازی به ورود به مسجد نداشته باشند.

- تذکر این نکته ضروری است که زنان معذور پس از محرم شدن باید محرمات احرام را تا روزی که پاک میشوند و اعمال را انجام میدهند مراعات کنند و روایاتی که در مورد زنان در حال حیض رسیده و باقی ماندن در احرام و فضیلت آن ذکر شود و به آنان دلداری داده شود. برخی از این روایات عبارتند از:

قال رسول الله (ص): «حَيْضُ يَوْمٍ لَكِنَّ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَ قِيَامٍ لَيْلُهَا» وَقَالَ (ص): «مَنْ مَاتَتْ فِي حَيْضَةٍ هَا مَاتَتْ شَهِيدَةً» (۱)

- برای بانوان کاروان های مدینه بعد نیز یادآوری شود که چنانچه در زمان احرام عادت باشند، هرچند در میقات مشکلی ندارند ولی برای بقیه اعمال باید صبر کنند تا پاک شوند. در مورد تبدیل نوع حج از تمتع به افراد نیز به آنها تذکر داده شود.

- به زائران گوشزد شود که پیش از رفتن به میقات لباس احرام خود را واریسی کنند که معطر نباشد، حاشیه آن دوخته نباشد (به فتوای برخی از فقها لباس احرامی که حاشیه اش دوخته است اشکال دارد)، پاک و تمیز باشد، چون ممکن است در میقات به این مشکلات برخورد کنند و در آنجا فرصت تعویض آن نباشد.

- شایسته است روحانی افزون بر بیان و تعلیم تفصیلی مناسک، خلاصه آن را قبل از انجام هر عملی یادآوری کند، مثلاً پیش از احرام واجبات آن را یادآوری نماید.

- مشخص کردن مستحبات و مکروهات از واجبات و محرمات در هر عملی، نقش اساسی در مقام تعلیم و عمل دارد، مثلاً حاجی بدانند در طواف، خواندن دعا واجب نیست و یا همراهی زن و شوهر حرام نیست و راحت تر می توانند اعمال را انجام دهند.

- خوب است روحانی در برخی از اعمال مانند طواف به هنگام شلوغی تأکید کند زائران در فکر انجام واجبات باشند و مستحبات را در دفعات بعدی رعایت کنند؛ به عبارت دیگر واجبات فدای مستحبات نشود، زیرا چه بسا اصرار بر انجام مستحبات ما را از انجام واجبات باز دارد.

- در بیان احکام تا حد امکان از بیان اختلاف فتاوا خودداری شود.

- در يك نصف جلسه برخى از فتاواى اهل سنت كه مورد ابتلا و سؤال زائران است توضيح داده شود و بر اين مطلب تأكيد شود كه آنان هم در فروع فقهي اختلاف فتوا دارند كه آنان را به چهار مذهب فقهي تبديل كرده است.

- در تصحيح اعمال زائران همچون وضو، غسل، نماز و غيره، نبايد فكر كرد كه افراد تحصيل كرده اعمالشان نيازمند تصحيح و آزمون نيست. مكرر مشاهده شده افراى كه تحصيلات عالى

داشته اند نیز در انجام وظایف شرعی خود، گرفتار مشکلات جدی بوده اند.

- برخی زائران از اهمیت مسائل و احکام آگاه نیستند و آنها را ساده و روشن می‌انگارند. مناسب است روحانی کاروان هنگام سخنرانی و بیان احکام، پس از طرح مسئله‌ای، حکم آن را از زائران بپرسد. زائران حتماً با اختلاف پاسخ می‌دهند. در اینجا روحانی، هم حکم مسئله را به صورت صحیح بیان می‌کند و هم زائران را از اهمیت مسائل و احکام آگاه می‌سازد.

- روحانی نقش مهمی در زدودن وسوسه و اضطراب از روحیه زائران دارد. این تبیین احکام به صورت شفاف و همراهی روحانی

با زائران و توصیه نمودن آنان به همراه بودن با روحانی و نظارت روحانی بر انجام اعمال زائران محقق می شود.

- وسایل کمک آموزشی امروزه ثابت شده است که آموزش به صورت سمعی - بصری، فرایند یادگیری را سریع تر و ماندگارتر می کند. از این رو باید سعی شود برای آموزش از تابلو (تخته و گچ) و ماکت کعبه و امثال آن استفاده شود. می توان از یک ماژیک و وایت برد نیز سود جست.

- در یک جلسه کیفیت شرکت در نماز جماعت و کارهایی که در آنها متابعت لازم است و کارهایی که متابعت لازم نیست مثل تکتف و آمین گفتن، توضیح داده شود که این امر افزون بر اطلاع رسانی از سؤالات زیادی جلوگیری می کند.

۱۵. ارجاع احتیاط واجب به فالاعلم

در مواردی که در مناسک یا توضیح المسائل فارسی یا عربی مراجع تقلید حکم مسئله را به صورت احتیاط واجب یا اشکال یا محل تأمل و تردد و مانند آن فرموده‌اند، مقلد می‌تواند در آن مسائل به فالاعلم یا مساوی با مرجعش رجوع کند. برای آسان شدن کار مقلدین بدون این که اجباری در این کار باشد آنان را به این کار راهنمایی کنید یا فتوای فالاعلم را برای آنان بیان نمایید. بعضی از مواردی که رجوع در آنها کار گشا می‌باشد عبارتند از:

نماز در قسمت قدیمی مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)؛

احرام در قسمت قدیم مسجد شجره؛

استظلال در شب، و در شهر مکه و عرفات و منا؛

احرام از مکه قدیم؛

استفاده از کمر بند دوخته و همیان و کیف و دمپایی دوخته و ...

- سرکشی به اطاق زائران و یادگیری نام آنان در ایجاد ارتباط با آنان بسیار مفید است. سؤالات و پیشنهادهای خوبی معمولاً در اطاقها مطرح میگردد که برای اداره کاروان مفید است.

- بهترین وقت برای برگزاری جلسات آموزشی کاروان انتخاب شود، به گونهای که با نمازها و رفتن به بقیع برخورد نداشته باشد و با جلسات کاروانهای دیگری که در هتل هستند تلاقی نکنند و در عین حال زائر سرزنده و شاداب باشد نه در حالت چرت و خواب آلودگی.

- موفقترین جلسه آموزشی جلسهای است که از ۴۰ تا ۵۰ دقیقه تجاوز نکند. سعی شود با همکاری عوامل کاروان، جلسه، در موعد مقرر شروع گردد. در ابتدای جلسه به بحثی تاریخی یا روایی شده و بحث مناسک و احکام را در قسمت دوم جلسه قرار گیرد. پس از پایان وقت، ختم جلسه اعلام شده ولی از زائران خواسته شود سؤالاتشان را مطرح کنند تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد. با این گونه اداره کردن، جلسه از حالت رسمی خارج میشود و زائران با اشتیاق به مطالبی که مطرح میشود گوش میدهند.

- برای این که جلسه یکنواخت نباشد، بهتر است مطالب هر جلسه در بردارنده سه بخش "تاریخ و اماکن"، "مناسک" و "اسرار و معارف" باشد.

- در اولین جلسه، مدت اقامت و کیفیت نماز (قصر یا اتمام) و نماز خواندن با اهل سنت یادآوری شود. ثوابهایی که برای نماز در مسجد پیامبر گفته شده مربوط به قسمتی که مسقف است البته دو حیاط داخل مسجد نیز همین حکم را دارد ولی محوطه باز اطراف مسجد که با نرده های آهنی محصور شده حکم مسجد ندارد.

- به بانوان یادآوری شود که زمان و نحوه ورودشان به مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام چگونه است و فرق آنها با سایر مساجد چیست؟

- به بانوان یادآوری شود که ورود شان به مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام و توقف در سایر مساجد در ایام عادت جایز نیست.

- برای کاروان به گونهای برنامه ریزی شود که بتوانند برای نمازهای یومیّه و نماز شب به مسجد النبی (ص) بروند. در ضمن وقت های نماز برای زائران گفته شود تا برنامه ریزی بهتری برای شرکت در نمازهای جماعت و رسیدن به فضیلت نماز اول وقت داشته باشند.

- خواندن نماز تحیت در مساجد، مستحب است ولی به زائران گوشزد شود در صورت خواندن هر نماز واجب یا نماز قضا، این نمازها کفایت از نماز تحیت می کند.

- برخی از زائران گمان میکنند که اگر در "حمامات" بخواهند وضو بگیرند باید به روش اهل سنت وضو بگیرند. به آنان تذکر

داده شود که وضو به روش آنان باطل است و همین طور دست بسته نماز خواندن یا آمین گفتن در نماز.

- از آنجا که نماز خواندن در قبرستان به فتوای برخی از اهل سنت حرام است. زائران را از نماز خواندن کنار بقیع و داخل آن برحذر دارید.

- برای پرکردن اوقات فراغت زائران و استفاده معنوی بهتر از آن، زائران را برای خواندن نماز قضا راهنمایی کنید و نکات ذیل را به آنان یادآوری فرمایید.

نماز قضا هر چه زودتر باید خوانده شود و مسامحه نشود. نماز قضا وقت معینی ندارد، بلکه در هر وقت از شبانه روز می توان نماز قضا را بجای آورد. نماز قضا را به جماعت می توان خواند، و هماهنگی بین نماز امام جماعت و مأوم در نوع نماز، تعداد رکعات و قصر و اتمام لازم نیست.

مسافر می تواند نمازهای قضای غیر سفر را بجای آورد و باید تمام بخواند. نماز قضا را به همان گونه که ادای آن وظیفه بوده باید بجا آورد، یعنی اگر نماز ادائی که قضا شده و قصر بوده، به صورت قصر و اگر تمام بوده به صورت تمام و پسرها و مردها باید حمد و سوره نماز قضای صبح، مغرب و عشا را نیز بلند بخوانند.

کسی که برای میت نماز قضا می خواند باید مطابق وظیفه خودش عمل کند، مثلاً اگر نماز گزار مرد است و برای میتی که زن است نماز می خواند، باید حمد و سوره نمازهای جهری را بلند بخواند.

- کیفیت برخی از نمازهای مستحب که از اهمیت بیشتری برخوردار است به زائران تعلیم داده شود، مثل نوافل یومیه، نماز شب، نماز غفیله، نماز حضرت جعفر، نماز زیارت، نماز حضرت ولی عصر (عج) و نماز حاجت.

- در مدینه منوره، چنانچه زائر بداند که ده روز در مدینه می ماند، میتواند روزه قضا بجا آورد، و چنانچه روزه قضا ندارد، می تواند روزه مستحبی بگیرد. ولی چنانچه مسافر است نمیتواند روزه قضا بگیرد ولی میتواند سه روز روزه مستحب برای برآورده شدن حاجاتش بگیرد و روزه دیگری صحیح نیست. این سه روز، روزه از موارد استثناء روزه در سفر است. به نظر برخی از فقهاء احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه باشد.

- نمازهای مستحب را چنانچه در روضه النبی یا سایر اماکن مقدس ازدحام بود یا امکان توقف نبود، می توانند در حال ایستاده یا نشسته یا با رکوع و سجود اشارهای و حتی در حال راه رفتن بخوانند.

- به زائر گفته شود که برای امواتشان میتوانند نماز قضا بخوانند و برای زندگان میتوانند نمازی خوانده و ثوابش را به آنان هدیه کنند. در کیفیت زیارت به نیابت از خویشان و ملتسمین دعا میتوان این روایت را برای زائران خواند:

عَلَىٰ بَنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ أَبِيهِ قَالَ: «رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ فَلَقِيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (ع) فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِئْبَرِ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي إِذَا خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ رُبَّمَا قَالَ لِي الرَّجُلُ طُفْ عَنِّي أُسْبُوعًا وَصَلَّ رُكْعَتَيْنِ فَأَشْتَعِلُ عَنْ ذَلِكَ. فَإِذَا رَجَعْتُ لَمْ أَذْرِ مَا أَقُولُ لَهُ.

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ مَكَّةَ فَقَضَيْتَ نُسُكَكَ فَطُفْ أُسْبُوعًا وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوْفَ وَ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ عَنْ زَوْجَتِي وَ عَنْ وُلْدِي وَ عَنْ حَامَّتِي وَ عَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَ عِبْدِهِمْ وَ أَبْيَضِهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ. فَلَا تَشَاءُ أَنْ قُلْتَ لِلرَّجُلِ: إِنِّي قَدْ طُفْتُ عَنْكَ وَ صَيَّلْتُ عَنْكَ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا كُنْتُ صَادِقًا. فَإِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ النَّبِيِّ (ص) فَقَضَيْتَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قِفْ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ زَوْجَتِي وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ حَامَّتِي وَ مِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَ عِبْدِهِمْ وَ أَبْيَضِهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ. فَلَا تَشَاءُ أَنْ تَقُولَ لِلرَّجُلِ: إِنِّي أَقْرَأْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنْكَ السَّلَامَ إِلَّا كُنْتُ صَادِقًا»

(۱)

ابراهیم حضرمی گفت: از مکه برگشتم به مدینه آمدم امام موسی بن جعفر (ع) را در مسجد النبی (ص) در روضه شریف بین قبر و منبر نشسته یافتم. به آن حضرت گفتم: ای پسر رسول خدا زمانی که به سوی مکه میآیم افرادی به من میگویند: برای ما طوافی و دو رکعت نماز انجام بده و من فراموش میکنم وقتی برمیگردم نمیدانم به او چه بگویم.

امام موسی بن جعفر فرمود: وقتی به مکه آمدی و اعمال را انجام دادی پس طوافی با دو رکعت نماز انجام بده و بگو: خدایا این طواف و نماز از پدر و مادر و همسر و فرزندان و خویشان و همشهریان من بنده و آزاد و سفید و سیاه باشد. پس هر کسی که به دیدن تو آمد و به او گفتم: برایت طواف و نمازی انجام دادم راستگو خواهی بود.

زمانی که به مدینه رسیدی و به زیارت قبر پیامبر رفتی و آنچه وظیفه تو میباشد انجام دادی دو رکعت نماز بخوان و بالاسر پیامبر بایست و بگو: سلام بر تو ای پیامبر خدا از طرف پدر و مادر و همسر و فرزندان و خویشان و همشهریان من بنده و آزاد و سفید و سیاه آنان. پس هر کسی که به دیدن تو آمد و به او بگویی: سلامت را به رسول خدا رساندم، راستگو خواهی بود»

إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فَيَجْعَلُ حَجَّتَهُ وَ عُمْرَتَهُ أَوْ بَعْضَ طَوَافِهِ لِبَعْضِ أَهْلِهِ وَ هُوَ عَنْهُ غَائِبٌ بَبَلَدٍ آخَرَ. قَالَ: قُلْتُ: فَيَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِ؟ قَالَ: لَا. هِيَ لَهُ وَ لِصَاحِبِهِ وَ لَهُ أَجْرٌ سِوَى ذَلِكَ بِمَا وَصَلَ.

قُلْتُ: وَ هُوَ مَيِّتٌ، هَلْ يَدْخُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: نَعَمْ حَيْتَى يُكُونَ مَسْخُوطاً عَلَيْهِ فَيُغْفَرُ لَهُ أَوْ يُكُونُ مُضَيِّقاً عَلَيْهِ فَيُوسَعُ عَلَيْهِ. قُلْتُ: فَيَعْلَمُ هُوَ فِي مَكَانِهِ أَنَّ عَمَلَ ذَلِكَ لِحَقِّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: وَ إِنْ كَانَ نَاصِباً يَنْفَعُهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يُخَفِّفُ عَنْهُ. (۱)

اسحاق بن عمار از امام هفتم موسی بن جعفر پرسید: مردی به حج میآید پس حج یا عمره یا بعضی از طوافها را برای برخی از خویشانش که به مکه نیامدهاند قرار میدهد، آیا از اجر و ثوابش کم میشود؟

امام فرمود: نه. ثواب آن عمل برای او و کسی که نیت کرده نوشته میشود و افزون بر آن، ثواب دیگری به او داده میشود به سبب صله رحمی که انجام داد.

به امام گفت: اگر آن فردی که برایش طواف یا عمره انجام می‌دهیم مرده باشد، آیا ثوابی به او میرسد؟

امام فرمود: آری تا جایی که ممکن است میت مورد غضب خداوند واقع شده باشد و به سبب این عمل آمرزیده شود یا در جایگاه تنگی باشد بر او گشایش دهند.

به امام گفت: آیا میت در آنجایی که دفن است می‌فهمد من برای او اعمال عمره و طواف انجام داده‌ام و ثواب آن عمل به او میرسد؟ امام فرمود: آری.

به امام گفت: اگر میت از دشمنان اهل بیت باشد، آیا طواف و عمره برای او انجام دهیم به او سودی میبخشد؟

امام فرمود: آری سبب تخفیف در عذاب او میشود.

- اگر در کاروان کودکی باشد که میخواهند او را محرم کنند، باید پیش از رفتن به میقات، نسبت به احرام و کیفیت اعمال آنها توضیح لازم داده شود. در ضمن، والدین نسبت به احرام کودکان توصیه و تشویق نشوند، چون احرام آنها مشکلاتی به همراه دارد، گفتنی است که به امور زیر باید توجه داشت:

کودک پسر باید ختنه شده باشد.

هرمقدار از اعمال را که میتواند باید خودش بجا آورد و بقیه را باید کمکش کنند یا از طرف او انجام دهند.

لباس احرامش تا پایان اعمال باید پاک باشد.

در حال طواف باید با طهارت باشد.

در حال طواف و سعی باید بیدار باشد.

در حال طواف شانه چپ کودک باید به طرف کعبه باشد.

- نماز طواف را اگر میتواند خودش بخواند و کسی هم به نیابت از او بجا آورد.

- با توجه به سرد بودن هوا، کاروانهای مدینه قبل حتی الامکان غسل و پوشیدن لباس احرام را در هتل انجام دهند، زیرا دوره سرماخوردگی در آنجا بسیار طولانی و سخت است و موجب اختلال در انجام مطلوب اعمال می شود.

- برای کاروانهای مدینه بعد که در جحفه محرم میشوند، غسل احرام توصیه و تأکید نشود زیرا با توجه به این که زنان در ماشینهای کولردار و مردان در ماشین های مکشوف می نشینند احتمال سرماخوردگی زائران بسیار زیاد است.

- بهتر است زائران به نیت غسل ما فی الذمه غسلی انجام بدهند، چون در برخی موارد پیش آمده که زائر غسل واجب، مثل جنابت یا غسل مسّ میّت بر عهده اش بوده و از آن خبر نداشته و پس از اعمال متوجّه شده است. البته زائران مدینه قبل این غسل را در مدینه انجام دهند و زائران مدینه بعد در ایران. در ضمن به زائران تذکر داده شود با این غسل نمی توان نماز خواند و برای نماز باید وضو گرفت.

- قبل از رفتن به داخل مسجد شجره، زائران نسبت به جغرافیای مسجد، محل وضو و غسل توجیه شوند و محلی را برای جمع شدن پس از احرام مشخص نمایند تا زائران به راحتی بتوانند اعمال را انجام دهند و کسی گم نشود. هم چنین تذکر داده شود که کسی در محوطه بین وضو خانه و مسجد مُحرم نشود.

- در هنگام محرم کردن زائران سعی شود برای زائران کاروانهای دیگر مزاحمت ایجاد نشود. لازم نیست برای احرام و تلبیه، زائران به دور مسجد چرخانیده شوند تا با سرو صدا و شلوغ کردن، حال دعا از دیگران سلب شود. در پاسخ به لبیک ها به زائران تذکر داده شود که با صدای بلند پاسخ ندهند چون ضرورتی ندارد و مزاحمت برای دیگران است.

- اگر وقت احرام مصادف با نماز جماعت مسجد شجره شد، لازم است زائران را به شرکت در نماز جماعت راهنمایی نمایید و از تکرار لبیک به صورت دسته جمعی و با صدای بلند پرهیزند.

- به خلاف احرام در مسجد شجره، در بقیه میقاتها مسجد خصوصیت ندارد، و احرام در بیرون مسجد نیز صحیح است لذا بردن زائران به ویژه افراد معذور داخل مسجد لازم نیست.

- کسانی که نیاز به تلقین لبیک دارند قبلاً شناسایی شوند تا در میقات جدای از جمع برای آنها لبیک ها گفته شود.

- اگر زائران پس از خواندن نماز واجب محرم می شوند، به استحباب احرام پس از نماز عمل شده و نیازی به خواندن نمازهای مستحب احرام نیست، بلکه محرم شدن پس از نماز واجب (ادا یا قضا) از نماز مستحب افضل است.

- چون فتوای مشهور فقهاء لزوم احرام در داخل مسجد شجره است - بجز بانوان معذور - همه زائران را باید به داخل مسجد برد تا محرم شوند و احتیاط احرام در مسجد قدیم نیز قابل ارجاع به فالاعلم است.

- هر چند به زبان آوردن نیت احرام و سایر اعمال، واجب نیست ولی برخی از فقهاء مستحب دانسته‌اند و نیز قصد ترک محرمات را نیز عده ای لازم دانسته‌اند اگر برای احرام عمره تمتع این گونه گفته شود مناسب است:

" به قصد شروع اعمال عمره تمتع و انجام آنها و ترک محرمات احرام، محرم می شوم به احرام عمره تمتع ... قربه الی الله. "

- برای گفتن لبیک، چون برخی از فقهاء وصل به سکون و وقف به حرکت را خلاف احتیاط می دانند و بعضی نیز گفتن لبیک پنجم را لازم نمی دانند اگر لبیک به سه صورت گفته شود و زائران جواب بدهند و به همین سه بار نیز اکتفا شود، کافی است:

بار اول جمله به جمله. هر چند با وقف به حرکت و وصل به سکون و همراه با لبیک پنجم باشد.

بار دوم به همین شیوه بدون لبیک پنجم.

بار سوم با مراعات وقف به سکون و وصل به حرکت.

- اگر کاروان کمتر از ده روز در مدینه اقامت دارند، در مسجد شجره نمازشان شکسته است.

- کسانی که شک در استطاعت خود برای حج دارند و به یقین نرسیده‌اند، هر چند وظیفه آنها حج واجب نیست ولی می‌توانند به نیت وظیفه فعلیه محرم شوند تا اگر بعداً معلوم شد مستطیع بوده‌اند، اعمال انجام شده کافی باشد.

- زنانی که در میقات یا پیش از آمدن به میقات، دچار عادت ماهانه شده باشند، در صورتی که برای عمره مفرده محرم شده باشد اگر یقین دارد یا احتمال می‌دهد که تا قبل از خروج از مکه پاک می‌شود باید صبر کند تا پاک شود و خودش اعمال عمره مفرده را انجام بدهد. و اگر یقین دارد که تا زمان خروج از مکه پاک نمی‌شود، باید برای طواف و نماز آن، نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش بجا آورد و پس از آن برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد.

- اگر زنی در میقات حائض بود و نمداند آیا تا قبل از خروج از مکه و رفتن به عرفات پاک می‌شود یا نه، بهتر آن است که به نیت آنچه وظیفه‌ی فعلی اوست یعنی نیت مافی الذمه و اعم از عمره تمتع و حج افراد محرم گردد تا اگر پیش از رفتن به عرفات پاک شد بتواند با همان احرام، اعمال عمره تمتع را انجام بدهد و اگر پاک نشد با همان احرام به عرفات برود. (۱)

- پیش از حرکت از میقات، داخل اتوبوس‌ها از همه زائران سؤال شود که آیا همه آنها داخل مسجد شجره به نیت احرام عمره لبیک گفته‌اند یا نه تا چنانچه کسی باقی مانده یا شک دارد، همانجا بتواند به مسجد برود و محرم شود.

- در میقات جحفه نیز از احرام سؤال شود تا پیش از حرکت و بیرون رفتن از میقات نسبت به احرام تمام زائران اطمینان حاصل شود.

۱- برای ملاحظه فتاوی‌ای مراجع به مسئله ۲۲۱ و ۹۲۱ و ۹۲۲ مناسک محشی چاپ سال ۱۳۸۲ و آراء المراجع ص ۱۷۰ مراجعه شود.

- برخی از محرمات احرام، مثل نگاه در آینه، زدودن مو از بدن و استفاده از عطر و صابون و اشیاء خوشبو و پوشاندن سر برای مردان و صورت برای بانوان و حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر و نیز استحباب تکرار تکبیر تلبیه تا نزدیک مکه، عدم لزوم بیدار بودن در بین راه- چون برخی از زائران تصور می کنند که نباید بخوابند- تذکر داده شود.

- نسبت به نگاه در آینه اتومبیل، گاهی یادآوری آن ضرر بیشتری دارد، چون معمولاً حرکت زائران در شب است و توجهی به آینه ندارند و اگر بی توجه نگاهشان به آینه بیافتد اشکال ندارد و یادآوری آن گاهی سبب نگاه کردن میشود. نسبت به محل اسکان و هتل، چون غالباً در سالن انتظار، راهروها، و دستشوییها آینه وجود دارد، بهتر است در بدو ورود به هتل، این تذکر داده شود.

- در صورت امکان اگر آقایان در جلوی اتوبوس و خانم ها عقب آن بنشینند و همسران کنار یکدیگر نباشند، بهتر است.

- در میقات یا در بین راه و در بدو ورود به مکه، زمان رفتن برای اعمال را یادآوری فرمائید.

ص: ۱۰۰

فصل ششم در حرم

اشاره

- از آنجا که مسجد تنعیم ابتدای حدود حرم است، زائران را به ورود به حرم توجه داده و دعای کوتاه ورود به حرم را بخوانید بسیار مناسب است. همچنین می توانید مسجد تنعیم و منطقه شهدای فخر را نیز به آنها نشان دهید.

- از آنجا که تعداد لباس احرام آقایان حداقل دو تکه است و بیشتر از آن در صورتی که شرایط لباس احرام را داشته باشد بلا اشکال است، در فصل سرما به آنان یادآوری شود که پوشیدن بیش از دو جامه احرام بلا اشکال است. کشیدن پتو بر روی خود برای جلوگیری از سرما اشکال ندارد ولی آقایان آن را بر سر نیندازند و خانم ها بر صورت خود. چنانچه این پتو دوخته باشد آقایان نباید بر دوش خود بیندازند ولی دوخته بودن حواشی آن به فتوای برخی از فقها بلا اشکال است.

- کسی که برای عمره تمتع محرم شده، وقتی خانه های مکه را ببیند، نباید لبیک بگوید لذا این مسأله، هنگام رفتن به مکه تذکر داده شود.

- کسانی که بعد از تمام شدن اعمال تمتع، برای انجام عمره مفرده از مکه به مسجد تنعیم می روند، چند دستبند:

مقلدان فقہائی که استظلال در شب و در شهر مکه، هر دو را جایز نمیدانند. این گروه نمی توانند حتی در شب با ماشین سقف دار از تنعیم بیابند و باید در ماشین مکشوف سوار شوند.

مقلدان فقہائی (۱) که استظلال در شهر مکه را جایز میدانند میتوانند، شب یا روز در ماشین مسقف سوار شوند.

مقلدان فقہائی که استظلال در شهر مکه را جایز نمیدانند ولی استظلال در شب را حرام نمیدانند، میتوانند در شب از تنعیم با ماشین مسقف به مسجد الحرام بروند.

یادآوری می شود اکثر مراجع تقلید که استظلال در شب و در شهر مکه را جایز نمی دانند، فتوای صریح ندارند بلکه احتیاط فرموده‌اند که در این موارد با مراجع به فالاعلم می توانند مسئله سوار شدن در ماشین مسقف را حل کنند.

- میان وقت ورود به مکه و وقت حرکت زائران به سوی مسجدالحرام برای انجام اعمال، حتماً فاصله باشد تا زائران پس از تحویل اتاق ها و استقرار و استراحت و تجدید قوا برای اعمال آماده شوند. تجارب سالهای گذشته نشان می دهد بهترین و خلوت ترین وقت برای انجام اعمال، یک ساعت و نیم پس از نماز صبح است. لذا بهتر است زائران پس از صرف صبحانه حدود ساعت شش و نیم یا هفت، (آنهم با لحاظ مسأله استظلال در شهر مکه) برای اعمال به مسجد الحرام برده شوند.

- بهتر است که زائران را به دو دسته توانمند و افراد بیمار و ناتوان تقسیم کرد و در مرحله اول، گروه اول اعمال را انجام دهند و در مرحله دوم با همکاری زائران داوطلب، گروه دوم را در وقت مناسب برای انجام اعمال به حرم برد. با این رویه، هم حرکت کند زائران ناتوان در حرکت گروهی اخلاص ایجاد نمی کند و هم زائران ناتوان و بیمار با مراقبت و همراهان بیش تر، اعمال خود را به راحتی انجام می دهند.

- استظلال در شهر مکه و نیز عرفات و منا، بجز آیه الله زنجانی - که جایز نمی دانند - بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی و سیستانی - احتیاط واجب دارند - مابقی مراجع استظلال را مجاز می شمرند. در مورد مراجعی که احتیاط واجب دارند نیز می توان با رجوع به فالاعلم یا مرجع مساوی، استظلال را تجویز کرد.

- زائران در زمانی برای انجام اعمال به مسجد الحرام برده شوند که در اثناء آن به نماز جماعت و شستشوی مسجد برخورد نکنند. یادآوری می شود که فرصت نماز مغرب تا عشاء و ظهر تا عصر و عصر تا مغرب کوتاه است ولی فرصت نماز صبح تا نماز ظهر و نماز عشاء تا صبح زیاد است و شستشوی مسجد نیز بیشتر در وقت خلوت مطاف مثل ساعت یک بامداد صورت می گیرد.

در موارد زیر باید زائر قبل از ورود به اعمال عمره یا حج توجیه شود تا در اعمالش اشکالی پیش نیاید:

چنانچه در اثناء طواف یا سعی نماز جماعت برگزار شد، تا آخرین فرصت امکان به طواف یا سعی ادامه داده شود تا اگر ممکن شد طواف یا سعی را به پایان برسانند.

چنانچه پس از طواف، اذان گفته شد یا وقت اذان نزدیک بود، سعی را شروع نکنند.

چنانچه زائران در بین اعمال به نماز برخورد کردند، باید در نقطه‌های مشخص طواف و سعی خود را قطع کنند و جای آنرا به خاطر بسپارند و پس از نماز، از همان نقطه‌های که طواف یا سعی را رها کرده‌اند، اعمال را ادامه دهند و آن را به اتمام برسانند. اما در مورد کفایت این ادامه دادن، چنانچه فاصله بین نماز و ادامه اعمال زیاد نباشد، طواف و سعی صحیح است ولی با فاصله زیاد، باید به نظر مرجع تقلید رجوع کرد.

با توجه به محو شدن خط تیره مقابل حجرالاسود، برای نیت آغاز طواف، اگر به زائران گفته شود که از چند متر جلوتر قصدشان این باشد که از مقابل حجرالاسود طواف را شروع و به همان جا ختم میکنند، اشکال ندارد و لازم نیست متوجه باشند که کدام نقطه به طور دقیق مقابل حجرالاسود است.

برای شروع طواف هرگز نباید زائران را از مقابل حجرالاسود یا نزدیک آن به داخل صف طواف کنندگان برد زیرا موجب اذیت و مزاحمت برای طواف کنندگان است. به همین جهت بهتر است نقطه‌های دورتر از حجرالاسود بدون نیت وارد مطاف شد و به تدریج وارد مطاف و نزدیک به کعبه شد تا به نقطه آغاز طواف (حجرالاسود) رسید. در پایان طواف نیز برای رفتن

به محل نماز طواف (پشت مقام ابراهیم) آرام آرام بدون نیت طواف همراه جمعیت به راه خود ادامه داده تا به راحتی بتوان از صف طواف کنندگان خارج شد.

- از زائران خواسته شود در هنگام طواف رو به کعبه یا پشت به آن نشوند و کعبه یا حجر اسماعیل را لمس نکنند، این گونه اعمال را پس از طواف یا اعمال عمره انجام بدهند، زیرا به فتوای بعضی از مراجع این اعمال به طواف ضرر میزند. (۱) - از زائرانی که در عدد اشواط طواف یا سعی شک میکنند، خواسته شود با گرداندن انگشتر در دست یا اعتماد به دیگران عدد اشواط را حفظ کنند تا مشکلی در اعمالشان پیش نیاید.

- قبل از ورود به اعمال، نقطه‌های را در مسجد الحرام تعیین کنند تا زائران پس از نماز طواف به آنجا بیایند و پس از اطمینان از صحت اعمالشان به سعی صفا و مروه پردازند. بهترین نقطه نزدیک چراغ سبز است تا زائر به راحتی به سعی برود. و نقطه‌های را نیز در مروه معین کنند که پس از سعی زائران در آنجا جمع شده و اگر اشکالی در اعمالشان هست بر طرف گردد.

- جزئیات مسائل شک در تعداد دورهای طواف و سعی نباید گفته شود چون همین امر سبب شک و وسواس زائران می شود. بلکه باید به طول کلی گفته شود که اگر شک و شبهه یا سوالی پیش آمد، با تردید اعمال را ادامه ندهند و حتماً با

مراجعه به روحانی کاروان حکم مسأله را بپرسند و سپس مطابق وظیفه عمل نمایند.

- از زائران خواسته شود که نماز طوافشان را پشت مقام ابراهیم بخوانند، البته در مکانی که برای طواف دیگران مزاحمت نداشته باشد. بانوان زائر نیز تلاش کنند نماز خود را پشت سر مردان به جا آورند.

- به سبب اهمیت داشتن نماز طواف در اعمال حج و عمره، به زائر گوشزد شود که این نماز را با آرامش و بدون هیچ عجله انجام بدهد تا خللی در اعمالش پیش نیاید.

- این مسأله به زائران یادآوری شود که چنانچه در عملی اشکالی به نظر تان رسید یا مشکل پیش آمد، با اعاده کل اعمال عمره مشکل حل نخواهد شد، بلکه باید ضمن مراجعه به روحانی کاروان مورد اشکال مشخص و چنانچه نیاز به اصلاح، تکمیل یا اعاده بود، عمل شود.

- مسجد الحرام به "حیاط وسط" که کعبه در آن قرار دارد و شبستان های اطراف آن اطلاق می شود ولی مسعی و محوطه اطراف مسجد که سنگفرش شده و با دیوارهای نردهای محصور است جزو مسجد نیست و احکام مسجد را ندارد، بنابراین اگر زنان حائض در مسعی بنشینند و کعبه را تماشا کنند اشکالی ندارد. البته برای ورود به مسعی نباید داخل مسجد شوند.

- کسانی که برای نماز طواف عمره یا طواف زیارت نایب می گیرند، باید خودشان هم نماز طواف را بخوانند.

- افراد ناتوان که قبلاً با ویلچر یا تخت روان، در صحن مسجد الحرام طواف داده می شدند، در چند سال اخیر از طواف در صحن مسجد الحرام منع شده‌اند و باید در طبقه دوم طواف کنند، حکم شان چیست؟

آیت الله بهجت

: در صورت عدم امکان با رعایت الاقرب فالاقرب، کفایت می کند.

آیت الله تبریزی

: احتیاط واجب آن است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیت الله خامنه ای:

طواف باید دور کعبه معظمه ولو در فضای مابین زمین تا محاذی پشت بام کعبه باشد و کف طبقه دوم مسجد الحرام اگر به قدر قامت طواف کننده پایین تر از نقطه محاذی پشت بام کعبه نباشد، طواف از طبقه دوم صحیح و مجزی نیست، و کسانی که نمی توانند در صحن مسجد الحرام ولو به وسیله حمل توسط شخص دیگر طواف کنند، وظیفه آنها نایب گرفتن در طواف است و احوط آن است که خودش هم در همان طبقه دوم طواف نماید.

آیت الله سیستانی

: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیت الله شبیری زنجانی: در مورد سؤال اگر ممکن باشد کسی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام

ابراهیم و کعبه لازم است، و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنابر احتیاط مستحب نیز خود شخص در طبقه دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت می کند.

آیت الله صافی گلپایگانی

: در فرض مذکور این افراد باید در طبقه دوم طواف داده شوند و بنابر احتیاط واجب نایب هم گرفته تا برای آنان در صحن مسجد الحرام طواف نماید.

آیت الله فاضل

: در فرض سؤال چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین تر نباشد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر اینکه در طبقه دوم طواف داده می شوند، استنابه هم بنمایند؛ و الله العالم.

آیت الله مکارم شیرازی

: در این گونه موارد که راهی جز این نیست طواف در طبقه بالا کفایت می کند.

آیت الله نوری همدانی

: طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید بوسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

آیت الله وحید خراسانی

: در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجد الحرام طواف نماید و در صورتی که متمکن باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

- کسانی که با ویلچر در طبقه دوم طواف داده می شوند، باید دقت کرد که به جای طبقه دوم، طواف در پشت بام مسجد

الحرام واقع نشود. چنین اتفاقی از عربهایی که ویلچر دارند به طور مکرر واقع شده است.

- سعی بین صفا و مروه باید بین الجبلین باشد. به شهادت اهل اطلاع، ستونهای گنبد صفا روی کوه است. قسمت شیب دار نیز جزء مروه است و آخرین در خروجی آن در سمت راست، روی کوه است. بنابراین زدن پاشنه پا به روی صخره ضرورتی ندارد.

- هروله برای زنان مستحب نیست و چنانچه سهواً انجام دادند مبطل سعی نیست و برنگردند. مردان نیز اگر هروله را فراموش کردند برای بجا آوردن آن برنگردند.

- ممکن است در وقت ازدحام افراد ناتوان را که با ویلچر سعی میکنند در طبقه همکف راه ندهند و آنها را به طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام راهنمایی کنند، باید توجه داشت چون طبقه دوم و پشت بام بالاتر از صفا و مروه است، سعی در آنجا کافی نیست، بلکه این افراد باید برای سعی نایب بگیرند.

- تقصیر مکان معینی ندارد ولی مرسوم است که بر مروه تقصیر می کنند، یاد آوری این نکته لازم است که سمت چپ مروه قسمتی افزوده شده و میتوان زائران را به آن قسمت هدایت کرد تا مزاحمتی برای دیگران نباشد و بانوان بتوانند به دور از چشم نامحرمان تقصیر کنند.

بیان نکاتی در اولین جلسه مکه

- در این جلسه اعلام می شود که هر کس نسبت به اعمالی که انجام داده سؤال یا شک و شبهه‌های دارد سؤال کند تا وظیفه وی مشخص و مطابق آن عمل کند.

- نماز قصر یا تمام در مکه و کیفیت جمع بین فتاوا همان طور که در بخش مدینه گذشت یادآوری شود.

- چنانچه در عمره کمتر از ده روز در مکه می مانند مسافر هستند و در حج، چنانچه پیش از اعمال حج و رفتن به عرفات حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نمازشان تمام است و بالتبع در عرفات، مشعر الحرام و منا و پس از بازگشت به مکه نیز تمام است. چنانچه پیش از رفتن به عرفات کمتر از ده روز در مکه اقامت دارند، مسافر هستند و بالتبع در مشاعر مقدس نیز نماز شکسته است و پس از اعمال و بازگشت به مکه اگر حداقل ده روز در مکه اقامت دارند نماز تمام و گرنه مسافر هستند.

- اعمال مستحب مکه، مثل تلاوت و ختم قرآن، طواف مستحب، نماز در مسجد الحرام و نگاه کردن به کعبه تذکر داده شود.

- نماز جماعت استداره ای در مسجد الحرام به فتوای برخی از فقهاء اشکال دارد. لذا باید مأمومین در جهتی بایستند که روبروی امام جماعت یا جلوتر از او نباشد، باید توجه داشت که امام جماعت مسجد الحرام در نماز صبح، مغرب و عشاء نزدیک مقام ابراهیم یا نزدیک در کعبه به نماز میایستند و در نماز ظهر

و عصر در فصل گرما (بجز در نماز جمعه) در نقطه مقابل، روبروی مستجار، داخل شبستان کنار اتاق مؤذنان به نماز میایستد.

- برخی از زائران تا پاسی از بامداد (پس از نصف شب) در مسجد الحرام میمانند و به جهت خستگی و دیر خوابیدن، برای نماز صبح بیدار نمیشوند. تذکر این مسأله لازم است که چنانچه این امور مستحب سبب ترک واجب شود، هیچ گونه ثوابی نخواهد داشت.

- کیفیت بجای آوردن طواف مستحب برای خود و دیگران به زائران آموزش داده شود و نیز بر تلاوت قرآن و عبادت در مکه به ویژه در مسجد الحرام و استفاده بهتر از اوقات فراغت تأکید شود.

- چون جهت قبله در شهر مکه در هر سوی آن تفاوت دارد، حتی گاهی در یک هتل، در بخش های مختلف آن نیز متفاوت است و بدین سبب تشخیص قبله برای زائران مشکل می شود، مناسب است جهت قبله یادآوری شود و چنانچه در هتل علامت مشخص وجود ندارد، علامت های جهت قبله نصب شود.

- در برخی از هتلها سنگ توالتها رو به قبله یا پشت به آن است که با کمی انحراف در نشستن مشکل حل میشود. هر چند اگر زائران متوجه نباشند مرتکب گناهی نخواهند شد.

کارهای حرام بین احرام عمره تمتع و احرام حج تمتع:

- تراشیدن سر (به فتوای برخی از مراجع)؛

- بجا آوردن عمره مفرده به فتوای بعضی از مراجع سبب بطلان عمره میشود. (۱) - صید در حرم؛

- کندن و بریدن گیاه و درخت حرم؛

- بیرون رفتن از شهر مکه به فتوای برخی از مراجع جایز نیست، لذا اگر در ماه ذیقعدۀ عمره تمتع را انجام دادند و در ماه ذیحجه از مکه بیرون روند به فتوای بعضی از مراجع، عمره تمتع آنان باطل میشود و باید برای ورود به مکه مجدداً محرم شوند.

در موارد ذیل بجای آوردن طواف مستحب خلاف احتیاط است:

- پس از احرام عمره، پیش از طواف

- پس از احرام حج، پیش از رفتن به عرفات

- پس از اعمال منا و پیش از طواف زیارت

- بین طواف و نماز طواف، نه تنها طواف انجام دادن خلاف احتیاط است بلکه خواندن نماز دیگر غیر از نماز طواف نیز خلاف احتیاط است.

۱- مراجعه شود به م ۹۰۹ مناسک محشی.

ص: ۱۱۴

فصل هفتم اعمال حج

اشاره

- محل احرام حج شهر مکه است. بعضی از فقهاء تمام شهر مکه فعلی را برای احرام کافی می دانند و برخی دیگر به احتیاط واجب احرام حج را در مکه قدیم گفته اند. در این مورد میتوان با ارجاع دادن احتیاط واجب زائران را در مکه فعلی محرم کرد.

- کسانی که اعمال مکه را باید پیش از وقوف بجای آورند، باید شناسایی شوند و در وقت مناسب اعمال خود را انجام دهند و چنانچه تا رفتن به عرفات فاصلهای وجود دارد حتماً به آنان یادآوری شود که در این فاصله محرم هستید و باید از محرّمات احرام پرهیز کنید.

- حتماً قبل از محرم شدن به احرام حج، محرّمات احرام را برای زائران تکرار کرده و به او گفته شود تا تقصیر واقع نشده تمام محرّمات احرام را باید ترک کند.

- کسانی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم میدارند حتماً باید محرم به احرام حج شوند و پس از آن اعمال را انجام بدهند و

به آنان گوشزد شود که تا تقصیر در روز عید را پس از رمی جمره و قربانی انجام نداده‌اند باید محرمات احرام را مراعات کنند.

- توجه به این نکته لازم است که اگر طواف و سعی افراد ضعیف را با ویلچر انجام می‌دهند، تقدیم اعمال بر عرفات و جهی بویژه با توجه به این که برخی از مراجع احتیاط کرده و توصیه می‌کنند که پس از بازگشت از مشاعر، نیز سعی و طواف را انجام بدهد. لذا باید دقت کرد نسبت به چه افرادی میتوان اعمال را مقدم داشت (رجوع شود به مسأله ۱۱۷۶ تا ۱۱۷۸ از مناسک محشی در بحث واجبات بعد از اعمال منا).

- قبل از ورود به عرفات به اعمال خرافی بعضی از زائران اشاره شود تا زائران از انجام آن خودداری کنند.

- با توجه به کمبود امکانات در عرفات و منا به زائران زن توصیه شود لباس به مقدار کافی به دنبال خود داشته باشند تا به لباس شستن در این دو مکان مقدس نیاز پیدا نکنند و به زائران مرد نیز توصیه شود لباسهای دوخته را برای پس از قربانی و تقصیر همراه خود بیاورند.

- مشکلات و سختیهای عرفات تا منا؛ باید برای زائران در جلسات مکه گفته شود زیرا بیشتر آنان با زندگی راحت و مرفه انس گرفته‌اند. وقتی با جامه احرام به بیابان عرفات و مشعر و منا پای نهند و زندگی چادر نشینی را تجربه میکنند و به سختی و زحمت می‌افتند ممکن است زبان به اعتراض گشایند. پس باید قبلاً آنان را توجیه کرد. و به گفته شاعر:

در بیابان گر به عشق کعبه خواهی زد قدم

سرزنشها گر کند خوار مغیلان غم مخور

- باید حاجیان برای تحمّل برخی سختیها آمادگی پیدا کنند بخصوص به هنگام حرکت به عرفات و وقوف در عرفات و سپس کوچ به مشعر و منا و از منا تا مکه و ایام وقوفشان در منا. آنها باید آمادگی پذیرش مشکلات ایام تشریق را داشته باشند. چه بسا در حرکتشان از عرفات به سوی مشعر با ترافیک و راه بندها مواجه شوند و مجبور باشند مسافتی را پیاده طی کنند و یا در وقوفشان در مشعر باید پذیرای سرما و باد و باران باشند. اگر این آمادگی روحی و روانی در زائران ایجاد شده باشد، روحانی بسیار آسانتر میتواند تصمیم گیری کند و زائران با نشاطی بیشتر در جهت حرکت به سوی مشعر الحرام برای انجام تکلیف گام بر خواهند داشت و از انجام تکلیف لذت خواهند برد. البته باید توجه داشت که خبر از مشکلات اعمال برای آماده سازی روحی زائران نباید با ایجاد نگرانی و دلهره خلط شود.

- در این جا به تناسب موضوع، فرازی از خطبه قاصعه را مرور می کنیم. این خطبه نکات زیبایی برای انسان سازی دارد، خطبه قاصعه را باید قبل از رفتن به عرفات برای زائران خواند تا از زبان مولی با ارزش حقیقی حج و مناسک آشنا شوند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ ص إِلَى الْأَخْرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا

ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَأَقْلَبَ نَتَائِقَ الدُّنْيَا مَدْرًا وَأَضْيَقَ بُطُونَ الْأُودِيَةِ قَطْرًا بَيْنَ جِبَالٍ حَشِينَةٍ وَرِمَالٍ دَمْتَةٍ وَغُيُونٍ وَشِلَهٍ
وَقَرَى مُنْقَطِعَهُ لَا يَزُكُّو بِهَا حُفًّا وَلَا حَافِرًا وَلَا ظِلْفًا ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَنَوَّأَ أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَتَابَعًا لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَ
غَايَةِ لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوَى إِلَيْهِ تِمَارُ الْأَفْتِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قَفَارٍ سَيِّحِقِهِ وَمَهَاوِي فِحَاجِ عَمِيقِهِ وَجَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعِهِ حَتَّى يَهْزُوا
مَنَاجِبَهُمْ ذُلًّا يُهَلِّلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَيَزْمُلُونَ عَلَى أَفْعَامِهِمْ شُعْنًا غُخْرًا لَهُ قَدْ تَبَدُّوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَشَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ
مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَاخْتِبَارًا مُبِينًا وَتَمَحِيصًا بَلِيغًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرُحْمَتِهِ وَوَصِيْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ وَ لَوْ أَرَادَ
سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سِهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الْأَشْجَارِ دَانِيِ الشَّمَارِ مُلْتَفِّ الْبُنَى مُتَّصِلِ الْقُرَى
بَيْنَ بَرْهِ سَمَرَاءَ وَ رَوْضِهِ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافِ مُخْدِقِهِ وَ عِرَاصِ مُعْدِقِهِ وَ رِيَاضِ نَاضِرِهِ وَ طُرُقِ عَامِرِهِ لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى
حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ وَ لَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَدِهِ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ
لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْ ضَعَّ مُجَاهِدَهُ إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَمِجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ
عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَانًا لِلتَّدَلُّلِ فِي

تُفَوِّسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَٰلِكَ أَبْوَابًا مُّفْتَحًا إِلَىٰ فَضْلِهِ وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِّعَفْوِهِ» (۱)

مگر کعبه، خانه پاک خدا را نمی بینید؟ خداوند انسانها را از زمان آدم تا انسان های آخرین این جهان، با سنگهایی که نه زیان می رسانند و نه نفع می بخشند، نه می بینند و نه می شنوند آزمایش نموده این سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده، و آن را موجب پایداری و پا بر جایی مردم گردانیده است. سپس آن را در پر سنگلاخ ترین مکان ها و بی گیاه ترین نقاط زمین، و کم فاصله ترین دره ها قرار داد.

در میان کوههای خشن، رملهای فراوان، چشمه های کم آب، و آبادی های از هم جدا و پر فاصله، که نه شتر، و نه اسب و گاو و گوسفند هیچکدام در آن به راحتی زندگی نمی کند و سپس آدم و فرزندانش را فرمان داد که به آن سو توجه کنند و آن را مرکز تجمع و سر منزل مقصود و باراندازشان گردانید، تا افراد از اعماق قلب به سرعت از میان فلات و دشت های دور، و از درون وادیها و دره های عمیق، و جزائر از هم پراکنده ی دریاها، به آن جا روی آوردند، تا به هنگام سعی شانه ها را حرکت دهند و لا اله الا الله گویان اطراف خانه طواف کنند، و با موهای آشفته و بدن های پر گرد و غبار به سرعت حرکت کنند، لباسهایی که نشانه شخصیت ها است کنار انداخته و با اصلاح نکردن موها قیافه خود را تغییر دهند.

این آزمونی بزرگ، امتحانی شدید و آزمایشی آشکار و پاکسازی و خالص گردانیدنی موثر است که خداوند آنرا سبب رحمت و رسیدن به بهشتش قرار داده است.

اگر خداوند خانه محترمش و محل‌های انجام وظائف حج را در میان باغها و نه‌رها و سرزمینهای هموار و پر درخت و پر ثمر، مناطقی آباد و دارای خانه و کاخهای بسیار و آبادی‌های به هم پیوسته، در میان گندم زارها و باغهای خرم و پر گل و گیاه، در میان بستان‌های زیبا و پر طراوت و پر آب، در وسط باغستانی بهجتزا و جاده‌های آباد قرار می‌داد به همان نسبت که آزمایش و امتحان ساده تر بود پاداش و جزاء نیز کمتر بود.

و اگر پی و بنیان خانه «کعبه» و سنگ‌هایی که در بنای آن بکار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنایی بود، شک و تردید دیرتر در سینه‌های (ظاهر بینان) رخنه می‌کرد و کوشش ابلیس بر قلبها کمتر اثر می‌گذاشت و وسوسه‌های پنهانی از مردم منتفی می‌گشت. اما خداوند بندگانش را با انواع شدائد می‌آزماید و با انواع مشکلات دعوت به عبادت می‌کند و به اقسام گرفتاریها مبتلا می‌نماید تا تکبر را از قلبهایشان خارج سازد، و خضوع و آرامش را در آنها جایگزین نماید.

بابهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسائل عفو خویش را به آسانی در اختیارشان قرار دهد.» (۱)

- وقوف به عرفات از ظهر روز نهم آغاز می‌شود. بنابراین زمان حرکت به سوی عرفات به گونه‌ای باید تنظیم شود که حجاج

۱- ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۰۴.

قبل از ظهر در عرفات حاضر باشند. پس لازم نیست کاروان بعد از ظهر روز هشتم به عرفات حرکت کند. بلکه میتوان با گذشتن پاسی از شب به عرفه رفت و با فرض حل مشکل استظلال، از ماشین مسقف استفاده کرد.

- وقت وقوف از ظهر تا مغرب است و واجب است حاجیان در این مدت در صحرای عرفات باشند و از حدود آن خارج نشوند، بنابراین نسبت به حدود عرفات، که امروزه با تابلوهای بزرگ زرد رنگ مشخص شده است توجه شوند و حتی المقدور از تردد در جاهای مختلف عرفات نیز بپرهیزند که احتمال گم شدن آنها زیاد است و در صورت گم شدن ممکن است از اعمال باز بمانند.

- تابلوهای مشاعر مقدس به رنگ های ذیل است: " عرفات: زرد رنگ"، " مشعرالحرام: بنفش"، " منا: آبی"

- اگر شب زنده داری شب نهم در عرفات، موجب خستگی و خواب آلودگی زائران برای مراسم ظهر عرفه می شود، بهتر است زائران را به خوابیدن در شب نهم توصیه کرد.

- سنگهای رمی را میتوان از کوههای مکه و از مکان های مباح جمع کرد، اما از آنجا که عرفات خارج از حرم است و سنگ رمی باید از حرم باشد، نمی توان سنگ رمی را از عرفات جمع کرد.

- قبل از رفتن به عرفات در مکه با عوامل کاروان نسبت به انتقال زائران از عرفات به مشعر و منا هماهنگی شود و برنامه

ای برای انتقال ضعفا از عرفات به مشعر الحرام و منا چیده شود به گونه‌ای که وقوف مشعر را درک کنند و به منا برسند.

- با توجه به اینکه اکثر زائران تلفن همراه دارند، شماره تلفن های همراه آنان نوشته شود و در اختیار مسؤول هر اتوبوس گذاشته شود تا در مواقع اضطراری بویژه شب دهم امکان ارتباط اتوبوس ها با یکدیگر فراهم شود.

- معمولاً در هر اتوبوسی یک یا چند نفر از عوامل کاروان میباشند که به دنبال زائران از عرفات به مشعر و منا میروند باید دو مطلب مهم را به آنان تذکر داد یکی این که حتماً وقتی به مشعر رسیدند اگر همراه با معذورین میباشند در مشعر نیت وقوف داده و کسی خواب نباشد و بدون نیت از مشعر رد نشود. نکته دوم این که اگر در راه به ترافیک برخورد کنند به گونه‌ای که اگر بخواهند با ماشین به مشعر برسند وقوف اختیاری آن را درک نمیکنند به هر نحوی شده زائران را پیاده به مشعر بیاورند تا حج آنان به اشکال برخورد نکند. به عوامل گفته شود شما ضامن حج مردم هستید.

- عوامل کاروان اگر نایب باشند و به همراه زائران به منا رفتند باید قبل از طلوع فجر خود را به مشعر برای درک وقوف اختیاری برسانند و الا حج نیابی آنان اشکال پیدا میکند.

- به زائران تذکر داده شود که اگر در عرفات یا مشعر از کاروان جدا افتادند بدون هیچ ترس و واهمهای و دور خود چرخیدن، با هر کدام از کاروانهای ایران که مسیر را طی میکنند و با معرفی خود به روحانی آن کاروان، وقوف در عرفات و مشعر را

انجام بدهند و به منا بیایند. در آنجا توسط ستاد گمشدگان به کاروان خود ملحق خواهند شد. اگر چنین تذکری داده نشود ممکن است زائر در اثر هول و هراس راه مکه را پیش گرفته و به محل اسکان برگردد و از وقوفین و مناسک منا بازماند و در نتیجه حش فاسد شود.

- هر چند در سالهای اخیر به سبب وجود راههای متعدد، به موقع نرسیدن به مشعرالحرام بسیار بعید است ولی گاهی در اثر ترافیک سنگین و سوء مدیریت، برخی از کاروان ها پس از اتمام وقت وقوف، به مشعر رسیده‌اند و حج زائران را با مشکل مواجه کرده‌اند. لذا با توجه به این که فاصله‌ی جبل‌الرحمه تا مشعر الحرام در حدود ۷۲۰۰ متر است، در صورت بروز هرگونه مشکل برای ادامه طریق توسط اتوبوس می‌توان پیاده به راه ادامه داد تا از وقوف در مشعر باز نماند. گفتنی است برای رسیدن به مشعر حتماً باید تابلوهای به رنگ بنفش که بر آنها جمله بدایه مزدلفه نوشته شده پشت سر گذاشت.

- افراد توانمند کاروان می‌توانند تحت نظارت روحانی یا معین کاروان به پیاده روی از عرفات تا مشعرالحرام اقدام کنند و در طول مسیر با خواندن ادعیه‌های مانند جوشن کبیر و مجیر و مشلول، به مناجات با خدا پردازند تا خاطره شیرینی را از این سفر معنوی به یادگار برده و نیز گرفتار دود و ترافیک نشده و به موقع به مشعر رسیده و شب را در آنجا استراحت کنند

- برای نیت وقوف در مشعر الحرام لازم نیست هنگام طلوع فجر بیدار باشند، بلکه اگر از سر شب قصد این را داشته باشند

که از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حجّ در آنجا باشند کفایت می کند، لذا بهتر است، در بدو ورود به مشعر الحرام و استقرار حجّاج، این نکته به زائران اعلام شود که از هم اکنون تصمیم داشته باشند که از طلوع فجر به نیت وقوف در اینجا باشند.

- از آنجا که برخی از مراجع معظم تقلید مانند پیش از طلوع فجر را در مشعر الحرام به نیت طاعت الهی واجب میدانند بهتر است در عرفات یا پیش از رسیدن به مشعر یا در بدو ورود به مشعر این نکته نیز به زائران یادآوری شود که از هم اکنون در اینجا می مانیم به قصد طاعت الهی و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب نیز به قصد وقوف و به عنوان یکی از اعمال حجّ در این سرزمین توقف می کنیم.

- بانوانی که شب عید به منا میروند اگر به رمی نرسیدند یا در اثر ازدحام یا عذر دیگری نتوانستند رمی کنند، باید در روز رمی کنند.

- اگر زائری ناچار به گرفتن نایب شود، نایب نمیتواند رمی را در شب انجام دهد، بلکه باید در روز نیابت را به جا آورد.

- با توجه به وضع کنونی جمرات و امکان رمی اکثر زائران، باید توجه داشت که حتی الامکان رمی توسط خود زائران انجام شود و از نیابت خودداری کنند.

- اگر برخی از عوامل کاروان یا همراهان زائر بر نایب گرفتن زنان اصرار بورزند با خواندن این مسئله از مناسک، آنان را توجیه کرد: مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر

بشود مریض را حمل کنند و نزد جمره ببرند و در حضور او سنگ بیندازند. (م ۱۰۱۶)

- باید توجه داشت کسانی که عذر آنها راه رفتن و پیمودن مسیر خیمهها تا جمرات است ولی از رمی معذور نیستند یعنی اگر آنها را به پای جمره یا نزدیک آن ببرند، می توانند خودشان رمی را انجام دهند، چنین افرادی اگر امکان دارد ولو با اجاره کردن ویلچر یا آهسته آمدن به جمرات بیایند، نمی توانند به دیگری نیابت دهند. اگر در توجیه مسأله فوق کوتاهی شود با توجه به این که بسیاری از مراجع ترتیب بین مناسک منا را شرط میدانند حج زائر با اشکال روبرو میشود.

- به زائران توجه دهید که برای رفتن به جمرات و انجام دادن رمی عجله نکنند و کیسه سنگ دیگران را اشتباهی بر ندارند زیرا سنگها باید مباح باشد و در صورتی که اشتباه شود، و صاحبش راضی نباشد، رمی صحیح نیست.

- با توجه به توسعه جمرات و سهولت رمی و خلوتی اطراف آن، رمی در طبقه اول نیز راحت تر شده و چنانچه برخی از زائران مقلد مراجعی هستند که رمی در طبقه دوم را بنا بر احتیاط صحیح نمیدانند، می توان همهی زائران را برای رمی به طبقه اول برد.

- ممکن است مسیر زائران، به طبقهی دوم جمرات منتهی شود و رفتن به طبقه همکف نیز مشکل باشد. در این وضع می توان با احاطه بر فتوای مراجع مشکل را برطرف کرد:

آیات عظام: امام، زنجانی، خامنه‌ای، بهجت و فاضل رمی از طبقه دوم را جایز دانسته و آیت الله مکارم در صورت ازدحام جایز میدانند و آیات عظام: خویی، گلپایگانی، صافی، تبریزی، سیستانی و وحید، احتیاط واجب را در عدم اکتفا به رمی طبقه دوم دانسته اند که می توان آنها را به فتوی ارجاع داد.

- بردن زائران برای رمی جمرات و برگرداندن آنها اگر همراه با ذکر و دعا و پاسخ دادن زائران باشد، افزون بر ثواب ذکر و پرهیز از سخنان بیهوده و جلب نظر زائران غیر ایرانی و کوتاه شدن مسیر، خسته نشدن زائر و نشاط او را به همراه دارد.

- در برخی از کشتارگاهها ذابحین غیر مؤمن هستند. باید روحانی یا عوامل کاروان به این نکته توجه داشته باشند که به فتوای برخی از مراجع همانند حضرت امام (قدس سره) چنین ذبحی کفایت نمیکند.

- در سال های اخیر به جهت برچیده شدن کشتارگاه های قدیمی و احداث کشتارگاههای مکانیکی جدید، باید با تدبیر و برنامه ریزی دقیق برای ذبح اقدام شود تا قربانی زائران بطور صحیح انجام شود و لذا توجه امور زیر لازم است:

- چون مسلخهای فعلی خارج از منا است، و حلق و تقصیر در آنجا صحیح نیست باید افرادی که به مسلخ میروند توجه داشته باشند که پس از قربانی در آنجا و حتی کنار مسلخ تقصیر نکنند بلکه به منا برگردند و نیز توجه داشته باشند که چون تقصیر نیز باید در روز عید انجام شود پیش از غروب به منا برگردند. آخرین عمل روز عید را نیز انجام دهند.

- حتماً از زائرنی که به قربانگاه نمیآیند برای انجام قربانی از طرف آنان نیابت بگیرند، صرف این که راضی است و خوشحال می شود کفایت نمیکند.
- افرادی که به قربانگاه میروند از زائران و کالت در توکیل نیز بگیرند تا اگر خودشان موفق به ذبح نشدند بتوانند به دیگری برای ذبح و کالت بدهند.
- هر چند شرایط گوسفندان از پیش تا حدودی کنترل شده است ولی نسبت به شرایط ظاهری مثل لاغر نبودن و ناقص نبودن آن دقت داشته باشند و چنانچه دارای شرایط نبودند آنها را برگردانند و ذبح نکنند.
- در ذبح حیوان نیت و قصد نیابت و جهت قبله و گفتن بسم الله فراموش نشود.
- هر چند ذابحین برای خود قربانی یا تقصیر نکرده باشند، ذبح حیوان به نیابت از دیگران اشکال ندارد.
- چون لباس احرام باید پاک باشد و چنانچه نجس شود تطهیر آن لازم است، ذابحین حتی المقدور مراعات کنند تا لباس احرامشان نجس نشود.
- برای بجای آوردن اعمال روز عید ترتیبی اتخاذ شود که تمام اعمال در روز عید قربان انجام داده شود، لذا پس از ورود به منا و صرف صبحانه و آماده شدن زائران، آنها طبق زمانمندی اعلام شده برای رمی جمره عقبه حرکت داده شوند چون اگر تاخیر شود و رمی به ظهر یا بعد از ظهر بیافتد ممکن است موفق به اتمام اعمال روز عید نشوند.

- کسانی که خودشان حلق یا تقصیر نکرده‌اند، نمی‌توانند برای دیگران حلق کنند یا برای تقصیر موی او را بچینند.
- به کسانی که موظف به حلق هستند، نسبت به نظافت محل و طهارت بدن و لباس و محیط زندگی تذکر داده شود.
- مراحل سه گانه خروج از احرام حج یادآوری شود، که تصور نکنند با حلق یا تقصیر تمام محرمات حلال می‌شود مخصوصاً نسبت به استفاده از صابون و شامپوی خوشبو و نیز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر تذکر داده شود.

رمی جمرات و بیتوته در منا

- چون به فتوای برخی فقهاء کسانی که در روز عید موفق به قربانی نشده‌اند باید رمی و حلق را در روز عید انجام دهند و قربانی را در روز بعد انجام دهند، لذا باید با مراجعه به مناسک، زائران را راهنمایی کرد.
- نیت بیتوته در منا را باید پیش از غروب آفتاب به زائران تذکر داد و همین که قصد کنند " نصف شب را به عنوان بیتوته در منا می‌مانند قربه الی الله کفایت می‌کند و اگر در آغاز بیتوته نیز در جلسه حضور نداشته باشد یا توجه نداشته باشند اشکال ندارد.
- چون به فتوای برخی از فقهاء - از جمله امام خمینی (ره) - بیتوته نیمه اول شب واجب است و به فتوای برخی دیگر بین نصف اول شب و نصف دوم آن مخیر هستند، بهتر است برای

همه زائران نیمه اول شب را برای بیتوته انتخاب کنند و اگر کسی نیمه اول شب را در منا نبود نیمه دوم را بیتوته کند.

- مراحل سه گانه خروج از احرام حج یادآوری شود، که تصور نکنند با حلق یا تقصیر تمام محرمات حلال می شود مخصوصاً نسبت به استفاده از صابون و شامپوی خوشبو و نیز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر تذکر داده شود.

- بیرون رفتن از منا پس از بیتوته اشکال ندارد ولی نباید پیش از نیمه شب از حدود منا بگذرند و برای محاسبه نیمه شب، از مغرب شرعی یا از غروب تا طلوع آفتاب را محاسبه کرده و نصف آن به ساعت مغرب اضافه شود تا نیمه شب که در منا لازم است بدست آید. به فتوای بعضی از مراجع از غروب تا طلوع فجر و به فتوای برخی دیگر از مغرب تا طلوع فجر حساب شده نصف آن به مغرب اضافه شود، نصف شب بدست می آید. بنابر این نیمه شب در بحث بیتوته با نیمه شب در وقت نماز مغرب و عشاء تفاوت دارد.

- زائران از قبل نسبت به احتمال عدم امکان قربانی در روز عید و باقی ماندن در احرام توجیه شوند. در این گونه موارد خوب است روحانی در لباس احرام ولو قربانی برای او انجام شده باشد و تقصیر کرده باشد، باقی بماند تا سبب دلگرمی محرمان باشد.

- چون بسیاری از غیر شیعیان رمی روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه را پیش از ظهر صحیح نمی دانند لذا بعد از ظهر این دو روز جمرات شلوغ است که حتی المقدور باید در این دو روز زائران برای رمی پیش از ظهر اقدام کنند.

- کسانی که در روز عید، قربانی یا حلق نکرده‌اند روز یازدهم می‌توانند پیش از انجام این دو عمل، رمی جمرات را انجام دهند.

- باید توجه داشت که رمی در شب برای بانوان به طور مطلق، اختصاص به رمی روز عید قربان دارد ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه تنها بانوانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتوانند در روز، خودشان انجام دهند نمی‌توانند شب رمی کنند.

- برای زنان رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منا در همان شب عید قربان مانع ندارد ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی در روز معذور باشند.

- نبردن زائران به مکه در ابتدای شب از منا، زیرا بیدار نگاه داشتن آنان در طول شب در شبهای طولانی زمستان و به عبادت و ادا کردن آنها امکان ندارد و چه بسا مبتلا به کفاره گوسفند شوند. لذا اگر لازم است که در شبهای یازدهم یا دوازدهم اعمال مکه انجام شود، زائران بعد از نصف شب از منا بیرون روند.

- ترک بیتوته برای کسانی که تمام شب را در مکه به عبادت مشغول باشند مانعی ندارد و می‌توانند طواف و سعی و سایر اعمال پس از منا را انجام دهند ولی اگر اعمال تمام شد نمی‌توانند آن شب را به منا برگردند بلکه باید بمانند و بقیه شب را تا صبح عبادت کنند و لازم نیست در مسجد الحرام

باشد، بلکه در شهر مکه کفایت میکند، ناگفته نماند که ماندن در منا از عبادت در مکه افضل است.

- کاروان هایی که پس از ایام تشریق باید بلافاصله به مدینه بروند یا به ایران برگردند، به زائران خود توصیه کنند شب یازدهم یا دوازدهم نیمه اول را قصد بیتوته کنند و قسمتی از آن را استراحت کنند و پس از نیمه شب برای اعمال به مکه بروند. چون در ایام تشریق بهترین وقت از نظر خلوتی برای اعمال در این دو شب، پس از نیمه شب است.

- هرچند خانم هایی که احتمال حائض شدن آنان پس از اعمال منا وجود دارد و نمی توانند تا وقت پاک شدن در مکه بمانند، اعمال مکه را پیش از وقوف به جای خواهند آورد. ولی چنانچه زنی اعمال مکه را به جای نیاورده بود، و حائض شد باید برای طواف و نماز طواف نایب بگیرد و سعی را خودش با مراعات ترتیب به جای آورد.

- به علل زیر زائران به انجام عمره مفرده پس از اعمال حج تشویق نشوند، حتی برخی افراد را باید برحذر داشت:

به فتوای برخی از فقهاء مراعات فاصله بین دو عمره شرط است.

ممکن است در اعمال آنها مشکلی پیش بیاید یا همچنان در احرام بمانند.

سبب ازدحام مطاف و سعی خواهد شد و این امر موجب دشوار شدن طواف و سعی واجب دیگران است.

- اگر در اعمال، مشکل فقهی برای زائری پدید آمد که فتوای مرجع تقلیدش در دسترس نیست باید او را به طریق احتیاط راهنمایی کرد و با عمل به احتیاط مشکل مرتفع خواهد شد و برخی از مسائل که عمل به آن فوری نیست مثل کفاره برخی از محرمات، باید وا گذاشته شود تا در آینده فتوای مرجع تقلیدش به دست آورده شود و راهنمایی گردد.

ص: ۱۳۴

فصل هشتم دیگر موارد

اشاره

- در هر مرحله، پس از انجام عمل، کنترل اعمال صورت گیرد، به ویژه پس از محرم شدن و طواف و سعی و رمی جمرات، تا در صورت نقصان یا اشکال، در همانجا به رفع نقص یا اشکال پرداخته شود.
- اعلام عمومی برنامه های کاروان و نصب آن در مکان های مناسب.
- تهیه نوارهای مداحی برای طول راه.
- توجه داشتن به مناسبت های ایام و سخن گفتن پیرامون آنها تأثیر بسزایی برای زائر دارد.
- پرهیز دادن زائران از مباحثه با وهابیون. به زائران گوشزد شود وقتی با اهل سنت بحث میشود، آنها به علمای خود ارجاع میدهند و از بحث کردن گریزانند. به همین روش شما نیز از وارد شدن در بحث با آنان خود داری کنید.

- آگاهی دادن به زائر نسبت به تبلیغات مسموم و هابیون و آمادگی دادن به آنها در برخورد شایسته با اینگونه افراد. در هر جلسهای، به تناسب، یک یا چند شبهه مطرح و پاسخ داده شود.
- اگر در برخی از شبها زائران را برای قرائت قرآن یا نیایش به طبقه دوم مسجد الحرام می برید لازم نیست حتماً روبروی ناودان باشد بلکه اگر در اضلاع دیگر مسجد الحرام مستقر شوند گذشته از این که خلوتتر است از مزاحمت سعودی ها نیز در امان خواهند بود.
- در ازدحام ایام تشریق روحانی باید با زیرکی خاصی جو کاروان را بدست گیرد و با یک سخنرانی و ذکر خاطره های تلخ و شیرین از التهاب کاروان بکاهد.
- روحانی به هیچ وجه در مسائل مالی مانند ماشین گرفتن و جمع صدقات و غیره دخالت نکنند.
- زدن ماسک در هنگام احرام با توجه فتوای مراجع توجیه شود.
- زائرانی را که از پوشش مناسبی برخوردار نیستند می توان با برخوردهای صحیح آنان را به احکام دین پایبند کرد.
- برگزاری مسابقات در طول سفر از بی حوصلگی و خمودی و خستگی کاروان میکاهد و آنان را به امور مفید سرگرم میکند. این کار باید توسط روحانی با حمایت مسئولین کاروان انجام شود.

- در جلسه وداع، وظایف حاجی پس از بازگشت از سفر گوشزد شود و به لزوم حلالیت طلبی زائران از یکدیگر از آنچه در طول سفر گذشته است، تأکید شود.
- تهیه و توزیع منشور و میثاق نامه ای که ناظر بر تعهدات اخلاقی زائر پس از بازگشت از حج است و اهدای آن در جلسه وداعیه.
- زائران از ایران قرآنی برای خود بیاورند تا در مکان هایی که دسترسی به قرآن کمتر است، از آن استفاده کنند.
- اختصاص هر یک از روزهای اقامت در مکه و مدینه به نام یکی از معصومین (ع) به ویژه امامان خفته در بقیع و چند دقیقه پیرامون حیات پربار آنان سخن گفتن.
- اجتناب از اختلاط زن و مرد؛ باید به زائران مرد توجه داد فقط در هنگام طواف اختلاط مرد و زن اشکال ندارد ولی در غیر آن باید اجتناب کرد حتی در نماز.
- ایجاد یک کتابخانه کوچک از کتابهایی که بعثه مقام معظم رهبری اهدا میکند. هم چنین با تشویق زائران به واگذاری کتاب هایی که از ایران آورده اند، می توان کتابخانه ای کوچک تشکیل داد تا زائران در هنگام فراغت در مکه و مدینه به مطالعه آنها پردازند.
- ترغیب زائران به برخورد صمیمی با زائران کشورهای دیگر و ایجاد ارتباط با آنان همراه با اهدای هدیه معنوی، جود و سخای ایرانی را نشان میدهد.

- برقراری مجالس ترحیم و بزرگداشت برای زائران به حق پیوسته.

- آداب و اعمال دهه ذی حجه تهیه شود و در زمان مناسب در اختیار زائران قرار گیرد تا از آن بهره مند شوند.

- تشویق به نمازهای مستحبی در مسجدین و در عرفات و منا از به هدر رفتن وقت زائران جلوگیری میکند.

- آگاهی روحانی از مسائل تجهیز و تدفین میت لازم است زیرا ممکن است در طول سفر لازم شود.

- توجه دادن زائران نسبت به کیفیت و کمیت خدمات رفاهی و مقایسه کردن وضع زائران ایرانی با زائران کشورهای دیگر.

- کمک دادن به عوامل کاروان در هنگام سرو غذا و تشویق زائران به این کار، تأثیر به سزایی در روحیه زائران دارد.

- همراه داشتن ویلچر در عرفات برای سالخوردگان، سبب می شود اگر به پیاده روی برای رسیدن به مشعر الحرام نیاز شد به مشکلی برخورد نکنند.

- در بالا- و پایین پلههای برقی کلیدی برای خاموش کردن در دسترس است، در صورت بروز مشکل برای زائران از این کلید استفاده شود.

- اذکاری مانند تهلیل، حوقله، صلوات، تسبیح، تسیحات اربعه در زدودن شک و تردید، وسواس و دلهره مؤثر است.

- با ثبت نام قبلی میتوان کاروان را به زیارت دوره برد و مکانهای تاریخی مدینه و مکه بویژه عرفات، مشعر و منا را به خرج خود کاروان به آنها نشان داد.
- از تراکتهای خوش خط و زیبا با مضامین عالی، جهت حفظ حجاب خانمها در سالنها و تابلوی اعلانات، استفاده شود و هر روز با متنهای زیباتر و جدید عوض شوند.
- اجرای عقد اخوت در عید غدیر با بیان وظایف اخوت و فضایل امیر مؤمنان (ع).
- بردن زائر به زیارت مسجد مباحله و غمامه و مشربه ام ابراهیم و غیر آن در مدینه و بیان وقایع تاریخی آن، در روزهای اول ورود.
- آماده کردن مطالب مورد نیاز دربار اماکن و تاریخ و یادداشت برداری در ایران؛ زیرا بردن کتاب امکان ندارد و در آنجا فرصت مطالعه نیز دست نمیدهد.
- اختصاص دادن روزهای جمعه به ذکر فضایل امام زمان، بیان موانع ظهور، وظایف منتظران.
- با سعه صدر و برخورد متین و منطقی، حجاب و پوشش زائرین (بخصوص خانمها) تحت کنترل درآید و عواقب سوء بدحجابی و اثرات زننده اجتماعی آن و فلسفه حجاب در جلسات تذکر داده شود.
- درب اتاق روحانی و معین و معینه همیشه به روی زائر باز باشد و در بین زائرین و در جمعشان حضور یابند.

- زائرینی که در کاروان از جهات مختلف (ختم قرآن، شرکت مستمر در جلسات، فعالیتهای عبادی و مستحبات، همکاری و ...) ممتاز هستند، شناسایی شده و مورد تقدیر قرار گیرند.

- در پایان هر جلسه یکی از کتابهای اعتقادی از استاد مطهری، علامه طباطبایی و دکتر بهشتی و ... معرفی شود و در ۵ دقیقه پیرامون محتوای آن بحث شود تا هم فرهنگ کتابخوانی رواج یابد و هم زائران جوان با توجه به شبها و سئوالاتی که در ذهنشان موجود است پاسخهای خود را در کتابها جستجو نمایند.

- در روزهای آخر سفر جلسهای با موضوع "چه کنیم تا حاجی بمانیم" برقرار شود و از حاجیان خواسته شود نقطه نظرات خود را در این موضوع بیان کنند و چکیده‌ی مطالب مکتوب و در اختیار آنان گذاشته شود.

- در جلسات از زائران خواسته شود تا خلاصهای از سفر خویش را تحت عنوان «سفر در یک نگاه» به رشته تحریر درآورده و رهاورد سفرشان را مکتوب کنند تا بدینوسیله درک خود را نسبت به فضا و محیطی که در آن بوده اند و نسبت به عرفان و صفای معنوی آن ثبت و ضبط کنند و در اختیار دیگران قرار دهند.

- در همان دفعه اول که زائران به حرم برده میشوند، ضمن اینکه کارت هتل و آدرس را به همراه دارند، علامتهایی در

مسیر به آنها گوشزد شود تا مسیر رفت و آمد را به خوبی یاد بگیرند و نگرانی از گم شدن و تبعات آن را نداشته باشند. در ضمن به شماره های مخصوص درهای حرم اشاره شود تا در موقع لزوم از آنها برای پیدا کردن منزل و هتل استفاده کنند.

نمازی پرفضیلت در ماه ذی قعدة

برای روزهای یکشنبه در ماه ذی قعدة، نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است. در فضیلت این نماز آمده است که هر که آن را بجا آورد توبه اش مقبول و گناهش آمرزیده می شود. شاکیان او در روز قیامت از او راضی می شوند. با ایمان بمیرد و دینش گرفته نشود و قبرش گشاده و نورانی گردد. والدینش از او راضی شوند و مغفرت شامل حال والدین او و ذریه او شود. توسعه رزق پیدا می کند و ملک الموت با او در وقت مردن مدارا کند و به آسانی جان او بیرون شود. برای خواندن این نماز باید در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز به دو تشهد و دو سلام بخواند. در هر رکعت حمد یک مرتبه و

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

سه مرتبه و معوذتین (ناس و فلق) یک مرتبه پس هفتاد مرتبه استغفار کند و ختم کند استغفار را به

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پس بگوید

يَا عَزِيزُ يَا عَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ (۱).

نماز اول هر ماه

در روز اول هر ماه دو رکعت نماز مستحب است:

در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه

قُلْ هُوَ اللَّهُ

و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

بخواند و بعد از نماز تصدقی کند چون چنین کند سلامتی خود را در آن ماه از حق تعالی بخرد و از بعضی روایات نقل است که بعد از نماز بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا - عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِنْ يَمَسَّ سَكَّ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يُرْذَكَّ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعِيدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ - إِيَّاكَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ.

نماز ده شب اول ذی حجه

- دو رکعت نماز مابین نماز مغرب و عشا بخواند و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه توحید و آیه

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاَهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَىٰ لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود.

نماز جعفر طیار

پیامبر به پسر عموی خود فرمودند: ای جعفر چهار رکعت نماز با دو سلام انجام بده و در هر رکعتی پس از حمد و سوره ۱۵ مرتبه »

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

« بگو و در رکوع نیز ۱۰ مرتبه این تسیحات را بگو و چون از رکوع بلند شوی در حال قیام، ۱۰ مرتبه آن را بگو و در سجده اول و دوم در حال سجده، ۱۰ مرتبه آن را بگو و بعد از سر برداشتن از سجده اول و دوم، نیز ۱۰ مرتبه تسیحات اربعه را بگو که جمعاً در هر رکعت ۷۵ مرتبه و در چهار رکعت ۳۰۰ مرتبه می شود.

در نماز جعفر طیار بعد از حمد، هر سوره ای بخواند کفایت می کند، ولی بهتر آن است که: در رکعت اول بعد از حمد سوره مبارکه «زلزال» و در رکعت دوم بعد از حمد سوره مبارکه «والعادیات» و در رکعت سوم بعد از حمد سوره مبارکه «اذا جاء نصرالله» و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره مبارکه «قل هو الله احد» را بخواند.

حریم و حرمت خانواده حج

- برای بقاء و ادامه حیات خانواده معنوی حج که به لطف و عنایت الهی تشکیل شده، با همکاری و همفکری مدیر کاروان و اعضای شورای فرهنگی و گروه ارشاد تدبیری اتخاذ شود که جمع حاجیان در ایران نیز به مناسبت‌های مختلف تشکیل شود.

جلد ۱۱

اشاره

ص: ۱

پیش درآمد

همه ساله در آستانه سفر معنوی حج و متناسب با شرایط و نیازهای تبلیغی روحانیون کاروان‌ها، نوشتاری با عنوان «آزموده‌ها» تهیه و منتشر می‌شود. شماره‌های پیشین آزموده‌ها به ویژه در سال‌های اخیر، برآیندی از توصیه‌ها و تجارب ارزشمندی بود که روحانیون کاروان‌های حج در قالب طرح «ره آورد معنوی حج» به رشته تحریر درآورده و برای معاونت امور روحانیون ارسال می‌کردند. در طول تقریباً نیم دهه که از نگارش و ارسال ره آورده‌های سفر می‌گذرد، بیش از ۶۰۰۰ صفحه ره آورد سفر در سه عنوان خاطرات، شبهات و تجارب و توصیه‌ها تهیه و تنظیم و در سایت معاونت و صفحات شخصی روحانیون بارگذاری شده است.

افزون بر این، ره آورده‌های مربوط به هر سال، در همان سال جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده و برای جمع‌بندی و تألیف یک شماره از آزموده‌ها، در اختیار یکی از روحانیون مؤلف و موفق حج قرار گرفت. نتیجه این رویکرد، تدوین و انتشار ده شماره آزموده‌ها در سال‌های قبل است که در حقیقت تجلی آرا و نقطه نظرات روحانیون می‌باشد.

امروز و پس از سال‌ها تجربه اندوزی، معاونت امور روحانیون برای استفاده حداکثری از گنجینه ارزشمند تجارب و توصیه‌های ارسالی روحانیون دو برنامه را پیش رو دارد:

۱- بازنگری در ۱۰ شماره پیشین آزموده ها و تبدیل و جمع بندی همه نقطه نظرات در یک اثر جامع به همراه تکمیل و اصلاحات احتمالی.

۲- داده پردازی به معنای بازبینی و تحلیل اطلاعات موجود و طراحی و پیشنهاد ایده های نو و راهگشا.

فرصت را مغتنم شمرده و از روحانیون اندیشمند و فرهیخته کاروان های حج که در زمینه داده پردازی اطلاعات دارای تجربه، پژوهش یا تالیفی هستند برای همکاری و مشارکت فعال در آغاز و پایه ریزی این حرکت نوین دعوت به عمل می آورد. در این خصوص می توانید با دبیرخانه گروه های علمی و تخصصی معاونت تماس حاصل فرمایید. (۱)

نوشتار حاضر اما به خلاف سال های قبل به ثبت و ارایه ره آورد سفر حج اختصاص نیافته است. محتوای این شماره در دو فصل به روحانیون محترم کاروان ها ارایه شده است:

در فصل اول به اقتراح و پرسش و پاسخ با اساتید حوزه علمیه قم در خصوص اسرار و معارف حج و عبادت پرداخته شده است. گفت و شنود این فصل توسط جناب حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر طراحی و اجرا شد و به قلم آقای محمد جعفر شفقت به رشته تحریر درآمد. جا دارد در همین فرصت از عنایت اساتید محترم حوزه علمیه قم در اجابت دعوت معاونت امور روحانیون برای شرکت در گفت و گو و نیز از کارشناس مجری طرح و مؤلف متن تقدیر و سپاس به عمل آید.

فصل دوم اما به بحث «آسان ترین شیوه محاسبه خمس» اختصاص دارد. این بحث که ابتدا توسط مؤلف فاضل و محقق جناب حجت الاسلام و المسلمین عباس ظهیری در همایش منطقه ای روحانیون مطرح و تدریس شده بود، پس از استقبال شرکت کنندگان در همایش و پیشنهاد مؤکد به پیاده سازی و انتشار آن، در دستور کار گروه تدوین متون آموزشی معاونت قرار گرفت. تأکید بر این نکته ضروری و بایسته است که رویکرد بعثه مقام معظم رهبری در موضوع خمس به ویژه در سال های اخیر، ارجاع زائران به دفاتر مراجع عظام برای حساب مالی است و طرح مسئله خمس در این نوشتار، صرفاً برای آشنایی روحانیون با روش های محاسبه برای استفاده در مواقع ضروری و اجتناب ناپذیر است.

در پایان، آمادگی معاونت امور روحانیون را برای استفاده از نقطه نظرات ارزشمند و راهگشای روحانیون محترم کاروان ها در اصلاح و تکمیل این نوشتار و دیگر منشورات معاونت اعلام می دارد.

معاونت امور روحانیون

گروه تدوین متون آموزشی

شهریور ۸۸

فصل اول

فصل اول: اقتراح: اسرار حج و عبادات

اشاره

حج و عمره از جمله عبادات مهم در فرهنگ اسلامی به شمار می آید و همانند دیگر عبادات دارای فلسفه و اسرار است. پی بردن به اسرار و فلسفه هر عبادتی، انسان را در رسیدن به سر منزل مقصود و بهره مندی بیشتر و مؤثرتر از ابعاد گوناگون آن یاری می کند.

حضرت امیر علیه السلام در خصوص فلسفه عبادات اسلامی می فرماید:

«خداوند بندگانش را با نماز و زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است تا اعضاء و جوارح شان آرام و دیدگان شان خاشع و جان و روان شان فروتن و دل هایشان متواضع باشد. کبر و خودپسندی از آنان رخت بندد، چرا که در سجده، بهترین جای صورت را به خاک مالیدن، فروتنی آورد و گذاردن اعضاء پرارزش بدن بر زمین، اظهار کوچکی کردن است. و روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت، عامل فروتنی است؛ و پرداخت زکات، برای مصرف شدن میوه جات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندی های فقرا و مستمندان است. به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه های درخت تکبر را درهم می شکنند و از رویدن کبر و خودپرستی جلوگیری می کند!»

امیر بیان علی علیه السلام مسلمانان را به فلسفه و ره آورد حج رهنمون می کند و می فرماید:

«خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه ای که آن را قبله گاه انسان ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن

روی می آورند و همانند کبوتران به آن پناه می برند. خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد و در میان انسان ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای حج، اجابت کنند و سخن او را تصدیق نمایند و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند. همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند و سود های فراوان در این عبادتگاه و محل تجارت زائران به دست آورند و به سوی وعده گاه آمرزش الهی بشتابند. خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا و برای پناهندگان، خانه امن و امان قرار داد. ادای حق آن را واجب کرد و حج بیت الله را واجب شمرد و بر همه شما انسان ها مقرر داشت که به زیارت آن بروید، و فرمود: آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

امام علی علیه السلام در ادامه به موقعیت جغرافیایی خاص مکه مکرمه اشاره می کند و خصوصیات منحصر به فرد سرزمین وحی را که دارای نشانه ها و حکمت های خاص است بر می شمارد و می فرماید:

«آیا مشاهده نمی کنید که همانا خداوند سبحان، انسان های پیشین از آدم علیه السلام تا آیندگان این جهان را با سنگ هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می رسانند و نه نفعی دارند، نه می بینند و نه می شنوند؟ این سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری مردم گردانید. سپس کعبه را در سنگلاخ ترین مکان ها، بی گیاه ترین زمین ها و کم فاصله ترین درّه ها در میان کوه های خشن، سنگریزه های فراوان و چشمه های کم آب و

آبادی های از هم دور قرار داد که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ کدام در آن سرزمین آسایش ندارند. سپس آدم علیه السلام و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند و آن را مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و باراندازشان گردانند تا مردم با عشق قلب ها به سرعت از میان فلات و دشت های دور، و از درون شهرها، روستاها، درّه های عمیق و جزایر از هم پراکنده دریا ها به مکه روی آورند. شانه های خود را بجنبانند و گرداگرد کعبه لاله الا الله بر زبان جاری سازند، و در اطراف خانه طواف کنند و با موهای آشفته و بدن های پر گرد و غبار در حرکت باشند. لباس های خود را که نشانه شخصیت هر فرد است در آورند و با اصلاح نکردن موهای سر، قیافه خود را تغییر دهند، که آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن، که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد. اگر خداوند خانه محترمش و مکان های انجام مراسم حج را در میان باغ ها و نهرا و سرزمین های سبز و هموار و پر درخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه ها و کاخ های بسیار و آبادی های به هم پیوسته، در میان گندم زار ها و باغ های خرّم و پر از گل و گیاه دارای مناظری زیبا و پر آب در وسط باغستانی شادی آفرین و جاده های آباد قرار می داد، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک تر می شد. اگر پایه ها و بنیان کعبه و سنگ هایی که در ساختمان آن به کار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دل ها دیرتر به شک و تردید می رسیدند و تلاش شیطان بر قلب ها کمتر اثر می گذاشت و وسوسه های پنهانی او در مردم کارگر نبود. در صورتی

که خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد تا کبر و خودپسندی را از دل‌هایشان خارج کند و به جای آن فروتنی و درهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد».

اشارات ظریف حضرت امیر علیه السلام در خصوص حج و کعبه چنان است که دل هر مسلمانی را به جوش و خروش می‌آورد. سخنانی که از جان و دل معصوم + برخیزد، دل دریایی سالکان طریق اهل بیت+ را آن چنان به وجد و سرور در آورده است که در هنگامه ورود به سرزمین وحی، عاشقانه، جسم و روح را به آن آستانه می‌سایند.

بدیهی است که تداوم و استواری این کنگره عظیم انسانی در گرو پیروی از ولایت و امامت است. ولایتی آن چنان والا و بالا، که ائمه+ همواره به آن اشاره فرموده‌اند.

اهمیت این شکوه مندرتین عبادت سالانه مسلمانان جهان، چنان است که به فرموده ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلام حضرت زهرا علیها السلام: حج، بنیان‌های دین را استوارتر می‌کند و آن چنان که ایمان برای تطهیر از شرک است، حج نیز برای رهایی از سستی و تفرقه است؛ جعل الله الایمان تطهیرا لکم من الشرک ... والحج تشییدا للدين. «پس خداوند ایمان را برای تطهیر شما از شرک نهاد و... حج را برای استواری دین».

در این راستا پرداختن به فلسفه و اسرار این عبادت بزرگ، موجب ارتقای روحیه اطاعت و بندگی شده و راه را هموارتر خواهد

کرد. هم چنین دوری از فلسفه حج به نوبه خود عواقب ناخوشایندی می تواند در پی داشته باشد؛ آن چنان که رهبر فرزانه انقلاب می فرماید: «اگر ما دیدیم که حج، جنبه مادی و ظاهر سازی و دوری از معنویت پیدا کرد، باید بدانیم که از فلسفه حج دور افتاده ایم».

از این رو به فراخور اهمیت موضوع و به منظور بهره مندی از دیدگاه های ارزشمند علمای اندیشمند حوزه علمیه قم، در خصوص فلسفه و اسرار حج، در گفت و گوهایی صمیمانه با حضرات آیات افتخاری و عراقچی و حجج اسلام آقایان: بهشتی، عابدی، غرویان، ممدوحی، نکونام و هادوی به این موضوع پرداخته ایم.

سؤال اول: اسرار و فلسفه عبادات

با توجه به این که عبادات دارای اسرار و فلسفه هستند، چگونه می توان به اسرار و فلسفه حج و عبادات دست یافت و آیا اهداف خاصی مورد نظر است؟

افتخاری: حج، علاوه بر اعمال ظاهری همچون احرام، طواف، نماز، سعی، تقصیر و ...، اسرار خاصی دارد که در هر کدام از این اعمال نهفته است. مثلاً احرام که یکی از واجبات حج و عمره است، زائر را آماده انجام مناسک می کند. باید حالت خاصی در وی به وجود آید تا اموری را که خداوند فرموده است، بر خود تحریم کرده و انجام آنها را حرام بداند. کسی که در حال مُحرم شدن برای انجام مناسک می باشد و آماده شده تا لباس های خود را که سمبل مادیات است، عوض کند و نیت نماید و تلبیه بگوید، باید بداند که در آن لحظه، اجابت کننده دعوت حضرت حق است. چنان که فرموده اند: «فلیتذکر المُلَبَّی عند تلبیته اجابه نداء الله تبارک و تعالی عند نفخ فی الصور و یحشر الخلائق الی العرصات». یعنی ای کسی که تلبیه می گویی، آگاه باش که در حین گفتن تلبیه، اجابت کننده دعوت خداوند تبارک و تعالی هستی و در حقیقت وارد عالم دیگری شده ای و همانند وقتی است که در صور دمیده می شود و تمام خلائق محشور می شوند. بنابراین هنگامی که زائر تلبیه می گوید و به دعوت خداوند می گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

باید به یاد لحظه ای باشد که همه خلایق در قیامت برای محشور شدن آماده می شوند.

در حقیقت این لباس ها، نماد تجملات و زیبایی های دنیوی و علائق مادی انسان است. هنگامی که زائر لباس ها را از تن جدا می کند، چه خوب است که تمام وابستگی های مادی و دنیوی را نیز از وجود خود بزداید تا آماده ایجاد تحول در خویشتن خویش شود تا صفا و صمیمیت و اخلاص و پاکی را جایگزین ویژگی های ناپسند وجودش نماید؛ زیرا «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ وَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ، خداوند طیب و پاک است و کسی را نمی پذیرد، مگر این که به تمام معنا طیب و پاک باشد» و حتی انتخاب رنگ سفید برای لباس احرام علاوه بر این که سمبل بی رنگی است، یادآور لباس آخرت نیز می باشد و انسان باید از لحظه لحظه سفر حج، درسی برای سفر آخرتش بگیرد و به آنچه که تا آن روز شنیده است، ایمان بیاورد و باور داشته باشد که آخرتی هم در کار هست.

اگر زائر به این نکته توجه داشته باشد که در این سفر به سوی خدا می رود تا به وی تقرب جوید و امثال امر او نماید و نیز یقین داشته باشد که هیچ چیز غیر از خدا و یاد او پسندیده نیست، به مفهوم واقعی حج پی می برد.

غزالی و هم چنین فیض کاشانی در مَحَجَّة البیضاء به این اسرار اشاراتی دارند، ولی آن چه که مؤثرتر و ماندنی تر می باشد، سخنانی است که اهل بیت + فرموده اند؛ زیرا تنها آنان با مبدأ فیض و برکات الهی در ارتباط هستند و به یقین آن چه می گویند متضمن سعادت دنیا و آخرت انسان هاست. به عنوان مثال طواف که به

ظاهر، چرخیدن به دور یک خانه سنگی است، فلسفه خاصی دارد؛ زیرا خداوند، خانه کعبه را محل امن و امان برای تمام انسان ها قرار داده است؛ چه گناهکار چه غیر گناهکار. پس طواف باید معنای عمیق تری داشته باشد و آن به زمانی برمی گردد که وقتی ملائکه با مخلوقی چون آدم مواجه شدند به درگاه خداوند عرض کردند که: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ، آیا می خواهی کسی را در زمین قرار دهی که فساد و خونریزی می کند در حالی که ما ملائکه مقرب درگاه تو هستیم؟» [بقره: ۳۰] و خداوند فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ، من چیزی را می دانم که شما نمی دانید» [بقره: ۳۰] و پس از این ماجرا ملائکه دچار حالت ندامت و پشیمانی شدند و به عرش الهی پناه بردند و خداوند با دیدن چنین حالتی از گناه آنان چشم پوشی نمود. پس از این اتفاق طبق برخی از روایات، خداوند دستور داد در مقابل بیت المعمور، این خانه را بنا کنند تا پناهگاهی باشد برای بندگانی که خطا و لغزش کرده و بعد دچار ندامت و شرمساری شده اند و راه به جایی جز درگاه خداوند ندارند و بهترین حالت برای بنده، حالت تضرع و تذلل است. خداوند در قرآن می فرماید: «فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأُسْدُنَا تَضَرَّعُوا، چرا وقتی ما آنان را امتحان می کنیم حالت تضرع و زاری پیدا نمی کنند تا مشمول رحمت و مغفرت واقع شوند؟» [انعام: ۴۳]

قسمت های مختلف خانه کعبه، دعاهای مخصوص به خود را دارد؛ مثلاً امام سجاد علیه السلام در مقام اسماعیل، حالت تضرع و تذلل پیدا می کرد و به درگاه خداوند استغاثه می نمود: «اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ

برحمتك و اجرني من النار بعفوك و عافني من السيِّم و اوسع علي من حلال رزقك و كفني شرِّ فسقه الانس و الجن من العرب و العجم.» هم چنین امام صادق علیه السلام در مورد رکن یمان می فرماید: «الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابُنَا الَّذِي نَدْخُلُ فِيهِ الْجَنَّةَ» و سفارش کرده اند که وقتی به رکن یمان رسیدید هر چه می توانید دعا کنید؛ زیرا خداوند فرشته ای را موکل آن رکن نموده است و کار آن فرشته فقط آمین گفتن بر دعای شیعیان است. «و لیس له حجیرا الا تأمین علی دعاء شیعتنا»، وجود مبارک امام صادق علیه السلام وقتی به نزدیک رکن یمان می رسید، می فرمود: «امیتوا عنی، مرا به حال خود رها کنید» سپس به دعا و نیایش و راز و نیاز با خداوند می پرداخت.

بهشتی: شکی نیست که آن چه شرع مقدس فرموده، غایت مند است. در عالم تکوین هیچ چیز بدون هدف و غرض نیست. صرف نظر از بحث های کلامی و فلسفی، در قسمت های مختلف قرآن مجید به مسأله غایت مندی توجه شده است. هر جا که «لام» آورده شده، لام غایت است. مانند: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» [بقره: ۲۹] ... همان طور که در عالم کون و تکوین هیچ چیزی بدون غایت و هدف و غرض نیست، آن چه که در عالم تشریح هست، نیز باید هدف مند و غایت مند باشد. موارد ذکر شده را می توان تعبیر به حکمت یا اسرار کرد. البته بین حکمت و اسرار تفاوت هایی هم وجود دارد. اسرار، رفتن به عمق قضیه است. حکمت ممکن است آن قدر عمقی نباشد، مثلاً در عبارت «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» [طه: ۱۴] حکمت نماز این است که از اوّل تا

آخرش به ذکر و یاد خدا بپردازیم و یا در عبارت «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [بقره: ۱۸۳] حکمت روزه این است که انسان با امساک که در ساعات معینی انجام می دهد، در حال تمرین برای تقوی است که بتواند نفس خود را مهار و حفظ کند. ضمن این که دارد عبادت هم انجام می دهد. این عبادت در حقیقت تقوای ما را تقویت می کند.

شاید بتوانیم حکمت بعضی از اعمال را در یابیم، ولی ممکن است حتی نتوانیم به حکمت بعضی از اعمال دیگر پی ببریم. مثلاً این که چرا باید نماز صبح را دو رکعت بخوانیم ... شاید حکمتش همین باشد که تعبد داشته باشیم. شاید هم مواردی باشد که ما متوجه نشویم. پس حکمت همان غایت مندی تشریعات الهی است. این موارد تا حدودی برای انسان یا با کمک عقلش یا با کمک کتاب و سنت تا حدودی به دست می آید. باید بگوییم که می خواهند روح تعبد را در ما تقویت کنند و هر جا که چیزی را نفهمیدیم، نباید چون و چرا کنیم و باید در برابر مولا تعبد داشته و متعبد باشیم. به ابراهیم علیه السلام گفته شد فرزندان را سر ببر. او اطاعت کرد. چون و چرا نکرد. بنا نبود که فرزندش را سر ببرد، بنا بر این بود که مشخص شود که او تعبد دارد یا نه؟ هم چنین اسماعیل که طرف دیگر قضیه است، آیا اهل تعبد هست یا نه؟

اما سرّ، همان طور که از خود این کلمه و واژه هم پیداست، قدری عمیق است. حتی از سرّ عمیق تر هم داریم. خداوند در قرآن مجید فرق می گذارد می فرماید: «يَعْلَمُ السِّرَّ وَ الْأَخْفَى» [طه: ۷] خداوند، هم عالم به سرّ است و هم عالم به اخفی. طبق یک طبقه

بندی، اول حکمت است که تا حدودی معلوم است بعد سرّ که عمیق تر است و باید به بطن قضیه برویم و جزو بطون است و بطن آخر، همان اخفی است. این ها را فقط خدا و معصومین + می دانند؛ زیرا آن ها علم لدنی دارند. علمشان ذاتی نیست، به آن ها افاضه شده است. مثلاً در آیه شریفه ای داریم که «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِيًّا» [رعد: ۴۳] می گویند شما مرسل نیستید «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» [رعد: ۴۳] در روایات تفسیر شده «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام .

پس اسراری وجود دارد که برخی به آن می رسند و چه بسا ممکن است بعضی از انبیا هم به آن نرسیده باشند. در سوره کهف آن جا که قضیه حضرت موسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام آمده است، ذکر می شود که خضر سر بچه ای را برید. موسی اعتراض کرد. خضر کشتی آن مساکین را سوراخ کرد موسی اعتراض کرد خضر دیواری را که در حال فرو ریختن بود، تعمیر کرد. موسی اعتراض کرد و از اول خضر گفته بود که تو در مورد کارهایی که من انجام می دهم صبر نداری. تو صبور نیستی که تحمل داشته باشی با این که حضرت موسی قول داده بود نمی توانست تحمل کند و کاسه صبرش لبریز می شود در آن موقع بود که حضرت خضر اسرار را برایش گفت که این بچه اگر زنده می ماند فاسد می شد و چون پدر و مادر خوبی داشت خداوند می خواست فرزند بهتری به آن ها بدهد بنابراین مأمور شدم این یکی را سر ببرم یا اگر کشتی مساکین را سوراخ نمی کردم غاصبی این کشتی را از آن ها می گرفت و... این ها اسرار است و نمی توانیم بگوییم تشریحات اسرار ندارد. اسرار، ویژه

عده ای است، فقط بعضی می توانند به اسرار پی ببرند و برای همین آن ها در اعمال حجّ شان هم یک حالت دیگری دارند. مثلاً در موقع احرام، حضرت امام صادق علیه السلام نمی توانست لبیک را بگوید. راوی می گوید: عرض کردم آقا قافله رفت و همه مُحرم شدند، لبیک ها را گفتند و رفتند، شما هم لبیک را بگویید. حضرت فرمود: اگر من بگویم لبیک و خدا بگوید لا لبیک آن وقت چه می شود؟ از این جا معلوم می شود که امام صادق علیه السلام به عمق قضیه و به سرّ اخفای قضیه توجه دارد و می داند که با چه کسی دارد تکلم می کند و به چه کسی می گوید لبیک. این حالتی است که به همه دست نمی دهد. آن هایی که به سرّ قضیه و به عمق آن رسیده اند دارای چنین حالاتی هستند.

انسان نباید به عقل یا به سیر و سلوکش مغرور باشد؛ زیرا ممکن است همان سیر و سلوک تخیلاتی برای او ایجاد کند که باعث گرفتاری اش شود و برای همین است که هر فردی احتیاج به راهنما دارد تا او را به مقصد برساند. آن هایی که اهل سیر و سلوک هستند باید در پرتو نور راهنما حرکت کنند.

این سیر و سلوک باید تحت تأثیر وحی و نبوت و ولایت باشد. پس راهنمایی می خواهد تا دستش را بگیرد و ائمه علیهم السلام باید هدایت به امر را بر عهده بگیرند و این هدایت به امر، دستگیری است؛ یعنی دست انسان را باید بگیرند و به مقصد برسانند. ما باید از آمادگی روحی زائران و از رهنمودهای ائمه اطهار+ بهره بگیریم و استفاده کنیم. اگر می خواهیم به اسرار وارد شویم ناچاریم از بیانات معصومین+ بهره بگیریم و از حرف های صوفیانه پرهیز کنیم.

مثلاً- راجع به طواف به زائران بگوییم که تو یک شخصیت ظاهری داری که دارد دور بیت الله می چرخد و یک شخصیت باطنی داری که باید طواف قلبی انجام دهد همراه با ملائکه حول العرش. بعضی از کسانی که اهل دل هستند گفته اند که شخصی رفت نزد مرشد و مرادش و گفت که من می خواهم به حج بروم. من را سفارش و توصیه ای کنید. او در پاسخ گفت: وقتی که طواف می کنی به عشق امام حسین علیه السلام طواف کن. نه این که نعوذ بالله خدا را کنار بگذاری و برای امام حسین طواف کنی که این کار، کفر و شرک است. بلکه امام حسین علیه السلام را واسطه قرار بده بین خود و خدای خودت و این شعر را خواند:

من ار به قبله رو کنم به عشق روی او کنم

اقامه ی صلوه را به گفت و گوی او کنم

گر از وطن سفر کنم سفر به سوی او کنم

ز حج بیت بگذرم طواف کوی او کنم

اگر کسی همان موقع که با بدنش طواف بیت می کند با قلبش هم در آن جایی طواف کند که امام حسین علیه السلام طواف کرد، ممکن است حال خوشی به او دست دهد که خیلی ارزش دارد و الّا «ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج» موج جمعیت و ضجه و سر و صدا و ناله و لیبیک اللهم لیبیک خیلی زیاد است ولی حجيج یعنی آن هایی که حاجی واقعی هستند، خیلی کم است. آن هایی که این اسرار را لمس می کنند کم هستند.

غرویان: مردم اگر با درک و عقل و شعورشان اسرار عبادات را بفهمند و لمس کنند، شوق و علاقه شان به انجام عبادات بیشتر

می شود و این مسأله منافاتی با تعبد ندارد. انسان می تواند هم متعبد باشد و هم شمه ای از آن اسرار را هم بداند و چه خوب است که انسان علاوه بر تعبد، تعقل هم در مورد اسرار عبادات داشته باشد. پرداختن به اسرار چیزی از تعبد نمی کاهد. البته هیچ کس نمی تواند ادعا کند که به همه اسرار عبادات پی برده است؛ زیرا این علم مخصوص خداوند است و فقط به پیغمبران و امامان و اولیای خود و هر کس دیگر که بخواهد، عطا می کند. ولی به بعضی از مراتب و درجات اسرار می توان رسید و اشکالی ندارد و حداقل ادله ای هم در استحباب این کار ذکر شده و دلیلی بر کراهت آن نیامده است. همچنین آیاتی در قرآن آمده است که انسان ها را به تفکر و تعقل دعوت می کند.

در مورد اسرار حج همه بزرگان فرموده اند که فلسفه اصلی و اصیل حج، روحیه عبادت و بندگی است و در این شکی نیست که این مراسم و مناسک می خواهد روحیه بندگی را در انسان مسلمان ایجاد کند و هر کدام رمز و رازی مخصوص به خود دارند. چون شخصیت حقیقی ما به روح و اندیشه های ما وابسته است و روح انسان با بدن او _ از نظر روان شناختی _ مرتبط است و هیچ یک از دیگری جدا نیست، لذا برای رسیدن به بسیاری از اغراض و اهداف روحی باید از جسم کمک گرفت.

در تمام عبادات مثل نماز و روزه و حج و... یک سری رفتارهای جسمی و بدنی وجود دارد. مثل رکوع و سجود در نماز که اعمال جسمی و بدنی هستند و برای رسیدن به غرض و روح باید یک سری حرکات بدنی انجام دهیم. مثلا روزه، پرهیز از خوردن و

آشامیدن است که دو عمل جسمانی است، ولی روح روزه یعنی نیت و تقوا که یک امر باطنی است که مورد توجه و نظر ماست و ما باید به جسم روزه پردازیم (پرهیز از خوردن و آشامیدن) تا به روح آن که تقواست، برسیم. پس باید جسم خود را کنترل کنیم تا به یک امر روحی نائل شویم.

حج هم یک جسم و یک روح دارد. جسم حج مربوط به جسم ما می شود مثل احرام بستن، وقوف در عرفات و مشعر و منی، رمی جمرات، حلق و تقصیر و طواف و نماز طواف و... که ما باید آن ها را به جسم خود تحمیل کنیم تا به روح حج که بندگی خداست برسیم.

بعضی می پرسند فلسفه وقوف در عرفات چیست؟ که باید از ظهر روز نهم تا غروب روز نهم در عرفات وقوف کرد و یا چرا باید شب در مشعر وقوف کنیم و سنگ جمع کنیم و روز بعد برای رمی جمرات برویم؟ در پاسخ باید گفت که این ها جسم و بدن حج است که برای رسیدن به روح حج باید از آن ها عبور کرد. در ابتدا وقتی که انسان با دو پارچه تمیز دوخته نشده احرام می بندد، می تواند با ذوق الهی و بینش خاص خود به اسرار متعددی پی ببرد. در واقع بستگی به ذوق انسان دارد. بعضی از بزرگان گفته اند که این حالت می خواهد به انسان بگوید که فردای قیامت (محشر) به این گونه محشور خواهی شد و در حج هم وقتی انسان لباس احرام می پوشد و بدون هیچ تعلقی در صحنه حج حاضر می شود، خود را واقعاً در قیامت مجسم می کند و این یادآوری ها و ذکر موت برای انسان کافی است تا او را موعظه کند و در این حالت است که انسان مرگ ارادی را تجربه می کند.

در مورد کعبه و طواف، بزرگان گفته اند که کعبه سمبلی از عرش خداوند است که فرشتگان به دور آن در حال طواف هستند و وقتی زائر دور خانه خدا طواف می کند، در حقیقت دارد هم سو و هم جهت فرشتگان مقرب در گاه الهی حرکت می کند و در او احساس پاکی و طهارتی ایجاد می شود. اگر در حج و طواف دور کعبه این حس در ما ایجاد شود که همانند فرشتگان در حال طواف هستیم انسان را زنده می کند و هم چنین این که این احساس را در خود حفظ کنیم و از دست نرود، مصداق این روایت است کسی که حج می گزارد مانند کسی است که تازه متولد شده است. یا در مورد وقوف در عرفات می گویند در آن وقوف، انسان باید به جایگاه عرفانی خودش در هستی واقف شود و این وقوف برای آگاهی و واقف شدن است تا انسان جایگاه خود را نسبت به آفریدگان و آفریدگار دریابد.

وقوف به معنای توقف و ایستادن نیست بلکه به معنای آگاهی و معرفت است. مشعر نیز به معنی شعور است و باید مشاعر انسان در مشعر از حالت بالقوه به فعلیت درآید و بالاترین شعوری که انسان پیدا می کند شعور نسبت به خود و خالق خود است. خداوند می فرماید همه موجودات تسبیح خداوند را می گویند ولی شما شعور لازم برای درک تسبیح آن ها را ندارید و اگر انسان به آن شعور (شهود، علم حضوری و مکاشفه) نائل شود که تمام موجودات تسبیح خدا می گویند، در حقیقت به سرّ وقوف در مشعر رسیده است.

سرّ این که عرفات دورتر از حرم امن الهی است و مشعر نزدیک تر، دلیلش این است که انسان باید قدم به قدم در این راه پیش رود

و کم کم آمادگی لازم را کسب کند و این که وقوف در مشعر در شب انجام می شود به این دلیل است که شب حال و هوای معنوی خاصی دارد و برخی از علما می گویند از آسمان پرستاره در بالای سر ما و روحی که در درون ماست در شگفت هستیم و این آسمان پرستاره مشعر دارای اسراری است که اگر کسی دارای شعور باشد آن ها را درک می کند پس انسان در مشعر کم کم آماده می شود تا فردا به منی (قربانگاه) برود. همه نفسانیات خود را با عمل قربانی، قربانی کند، تأسی به اولین عبد مخلص (حضرت ابراهیم علیه السلام) پیدا بکند. و فنای سالک و عارف فانی شدن در خداوند است و منا در حقیقت محل قربانی کردن تمام هواهای نفسانی است که همه در قربانی تجمیع می شود و مقام فنا مقامی است که هیچ حجابی بین بنده و خداوند وجود ندارد. و این سرّ عمل قربانی است.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

اگر حج گزار این موارد را از پیش مطالعه کند، حج برای او شیرین تر می شود و البته مهم این است که انسان بتواند حس و حالی را که در حج برای او ایجاد می شود در خود حفظ کند و همه این ها به درجه معرفت و شعور و حضور و تأمل انسان برمی گردد. انسان باید در حج با خود خلوت کند و درون نگری داشته باشد تا به اسرار حج تا حدودی آشنا شود و سعه وجودی اش افزایش یابد و در این صورت است که رمز و رازها را بهتر درک می کند و در حقیقت، حج، جایگاهی برای علم حضوری است نه علم حصولی، آن جا جایگاه دل است نه عقل نظری، آن جا جایگاه حکمت عملی

است نسبت به جایگاه حکمت نظری. و اگر انسان به این موارد توجه داشته باشد خیلی از اسرار برای او مکشوف می شود.

به کاربردن ترکیب روح حج یک نوع تشبیه است و همان طور که انسان یک جسم و یک روح دارد، برای حج نیز جسم و روح در نظر می گیریم اما حج یک شیء متعین خارجی نیست و تشبیه معقول به محسوس است. خداوند در مورد روزه می فرماید اعمال مربوط به روزه را انجام دهید شاید به تقوا نائل شوید زیرا کاربرد «لعل» در آیه به این نکته اشاره می کند که شاید بعضی به مقصد می رسند و بعضی نمی رسند. هیچ حکمی از احکام تشریحی الهی بدون حکمت نیست. هم چنین وضع احکام، حکمت و فایده ای برای خداوند ندارد، اما حکمتی و فایده ای برای بندگان دارد. پس منظور از سرّ همان فایده ای است که خداوند برای بندگان در نظر گرفته است و هر کسی بسته به مقدار آگاهی اش از احکام و عبادات فایده می برد و هر قدر معرفت انسان بالاتر برود به درجه بالاتری از درک اسرار می رسد و اسرار حج مانند بطون قرآن در طول هم قرار دارند و هر چه معرفت انسان زیادتر شود بیشتر به کنه و عمق اسرار پی می برد.

این کار پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام است و این که حاجی از مال خود می گذرد و گوسفندی می خرد و ذبح می کند گذشته است برای رسیدن به اخلاص است و همان طور که حاجی انجام وظیفه می کند و قربانی می دهد، مسؤولین نیز باید با یک برنامه ریزی از آن قربانی ها به بهترین نحو استفاده کنند و تا وقتی که این همه گرسنه در جهان وجود دارد، بهتر است به نحوی از گوشت این

قربانی‌ها استفاده شود. البته بعضی از فقها هم فتوا داده‌اند که حاجی می‌تواند در شهر خود نیز قربانی بدهد تا گوشت آن به مصرف برسد.

همان‌طور که آیات قرآن را تأویل می‌کنیم پس می‌توانیم حج را هم تأویل کنیم و هر چند خدا نیازی به قربانی و اعمال ما ندارد، اما می‌توان گفت که این مناسک و اعمال دارای اسراری است. پس ما باید مقداری از این اسرار را برای مردم بیان کنیم و خودمان نیز با مطالعه سعی کنیم به آن‌ها پی ببریم. بیشتر از این هم توقع نمی‌رود. هم چنین نباید مردم را از تفکر در اسرار حج منع کرد، فقط باید مواظب باشیم که دچار این ادعا نشویم که ما به تمام اسرار واقف هستیم و آن‌ها را درک کرده‌ایم، زیرا هرکس بسته به معرفت و آگاهی‌اش می‌تواند به قطره‌ای از دریای اسرار الهی پی ببرد.

منظور از این که حج گزار شب در مشعر وقوف می‌کند امتیازی است که مشعر نسبت به عرفات دارد؛ زیرا شب، زمان آرامش و سکون است و آن‌هایی که در مشعر جسمشان در خواب است ولی روحشان بیدار است، می‌توانند به آسمان نگاه کنند و به کوچکی و حقارت خود در نظام وجود پی ببرند و اگر انسان بفهمد که در این عالم چقدر کوچک است، به شعور بزرگی دست یافته است، این حقارت یابی، عین شعور است. و ارتباطی که انسان در تاریکی و ظلمت با خدای خود پیدا می‌کند، بسیار ارزشمند است؛ زیرا چراغ‌ها و نورهای مصنوعی رهن انسان است و انسان راحت نمی‌تواند با خدای خود ارتباط برقرار کند. انسان اگر بخواهد می‌تواند در مشعر به شعور و آگاهی برسد.

عراقچی: انسان وقتی متولد می شود استعدادهای بالقوه ای دارد که اگر در مسیر تکامل قرار گیرد شاخ و برگ پیدا می کند و میوه های ارزشمندی می دهد. پس آن چه به صورت بالقوه در انسان وجود دارد، باید در این دنیا آن را به صورت بالفعل درآورد. تمام دستورات الهی در مورد این است که انسان، استعدادهای بالقوه خود را به شکل بالفعل درآورد و این راه خاصی دارد. تمامی دستورات عبادی برای باز کردن انسان است تا شکفته شود.

انسان از همان ابتدا برای گذران زندگی خود از حیوانات و جمادات و... استفاده می کرد تا امروز که ماشین و هواپیما و... را هم درست کرده است، اما این موارد، پیشرفت خود انسان نیست بلکه پیشرفت جمادات و... به وسیله انسان است. حال باید ببینیم خود انسان چه پیشرفتی کرده است؟ و در خود انسان چه چیزی وجود دارد که باید فعلیت پیدا کند. فقط انبیای الهی توسط وحی، انسان را راهنمایی می کنند تا استعدادهای بالقوه خود را به شکل بالفعل درآورد. وقتی درونیات حضرت آدم برای فرشتگان جلوه گر شد و آن ها دیدند که خداوند تمام اسماء الهی را به حضرت آدم عرضه کرده است و او را جمیع اسماء الهی قرار داده و حضرت آدم دارای مقامی است که هیچ کدام از آن ها ندارند، بلا فاصله او را تعظیم و سجده کردند و شناخت این امور تنها از طریق وحی انجام می شود. فقط انبیا می توانند توسط وحی الهی، انسان ها را پرورش دهند. پس اگر انسان بخواهد درونیاتش را بروز دهد باید تسلیم انبیا و وحی الهی باشد.

در خصوص حج معارف زیادی وجود دارد. اول به انسان می گویند احرام ببند و مُحرم شو. احرام یعنی لبیک اللهم لبیک که انسان جواب خداوند را می دهد؛ زیرا خداوند او را دعوت کرده پس انسان هم لبیک می گوید و دعوت خداوند را اجابت می کند. انّ الحمد یعنی این که همه چیز از توست و همه چیزهایی که انسان را سرگرم می کند تا از خدا غافل می شود، از او گرفته می شود تا به حسب ظاهر مجرد شود. حتی لباس انسان هم نباید دوخت داشته باشد، وقتی مجرد شد و لباس احرام پوشید، باید لبیک بگوید زیرا حقیقت احرام این است که انسان لبیک بگوید و دعوت حق را اجابت کند. طواف که یکی دیگر از اعمال حج است، به دور خانه ای انجام می شود که از آن خداوند است و محور طواف ها باید خداوند باشد و اگر انسان یک قدم برخلاف دستورات خداوند بردارد باید طواف را اعاده کند و همه این دستورات و اسراری که در حج وجود دارد در واقع برای این است که خود انسان ساخته شود. عمل به دستورات خداوند خارج شدن از منجلاب است.

مثلاً برای زنده کردن سنت حضرت ابراهیم علیه السلام که به شیطان سنگ می زد، باید به شیطان سنگ بزیم و او را از خودمان دور کنیم و این کاری بود که حضرت ابراهیم علیه السلام انجام داد تا از مزاحمت شیطان جلوگیری کند؛ زیرا شیطان از انسان نمی ترسد و در همه جا مانعی برای انسان است و قسم خورده که از عبادت انسان جلوگیری کند. وقتی شیطان این حرف ها را می گوید، خداوند _ طبق نظر علامه طباطبایی که وقتی کسی چیزی را نفی نمی کند علامت این است که آن را قبول کرده است _ حرف شیطان را نفی

نمی کند یعنی آن را قبول می کند اما به او می گوید که تو نمی توانی به بندگان واقعی من کاری داشته باشی.

انسان به کمک وسیله ای اوج گرفته و به طرف بالا می رود ولی جاذبه زمین باعث می شود که سقوط کند اما انسان باید آن قدر اوج بگیرد تا جاذبه زمین بر او اثر نکند. شیطان هم انسان را جذب می کند مگر این که انسان از منطقه جاذبه شیطان بالاتر رود. انسان از طریق روح می تواند اوج بگیرد. شیطان هم با روح انسان کار دارد، ولی وقتی روح انسان اوج بگیرد دیگر شیطان به او کاری ندارد، اما برای اوج گرفتن روح باید مراحل زیادی را طی کرد و پشت سر گذاشت. تا انسان این جاست گرفتار شیطان است. انسان با انجام اعمال عبادی می تواند بالا رود و از تیررس شیطان دور شود.

از جمله اعمالی که خیلی سریع انسان را به مقام والایی می رساند و شیطان دیگر نمی تواند به او دسترسی داشته باشد، حج است. حج آن قدر انسان را بالا می برد تا انسان خدایی و عبدالله می شود و شیطان با همه عظمتش، ذلیل می شود. خداوند می فرماید اگر تو بزرگ شوی، شیطان در برابر تو کوچک می شود. شیاطین چه جنی، چه انسی با عبدالله کاری ندارند ولی اکثریت آدم های روی زمین تحت تأثیر شیاطین هستند و توسط آن ها اسیر شده اند. حتی حج هم تغییر حالی در آن ها ایجاد نمی کند و این به این جهت است که آگاهی کاملی از اعمال و مناسک حج ندارند. زیرا از سر طواف و سنگ زدن و... آگاه نیستند. پس باید به عمق قضایا برویم. انسان باید ساعی و خستگی ناپذیر باشد. ابراهیم که هاجر و فرزندش را در آن بیابان می گذارد، آن ها با سعی و تلاش به آب حیات می رسند

هاجر در این مسیر می رفته و می آمده، سعی می کرده است. تا آنگاه که از زیر پای اسماعیل آب می جوشد. اگر می خواهیم آب حیات نصیبمان شود باید مثل هاجر باشیم باید کوشش کنیم.

خداوند وعده داده است که اگر انسان سعی کند، او را به هدف می رساند و خیلی ها به هدف رسیده اند و دستورات الهی را آن گونه که خداوند فرموده، انجام داده اند.

انبیاء می خواهند به انسان بفهمانند که برای آن دنیا اعضا و جوارحی لازم است و باید این اعضا را با تعبد و از جمله انجام اعمال و مناسک حج که البته مهمتر هستند به دست آورد.

ممدوحی: به طور کلی چون آیین الهی اسلام از مبدأ هستی سر چشمه گرفته، لذا هیچ نوع محدودیتی در نظام ویژگی ها، فلسفه و آثار مثبت آن وجود ندارد، پس هر حقیقت مثبتی را می توان به آن نسبت داد چون انشا کننده اش خداوند است. با توجه به این که خداوند، خدایی کامل و در حقیقت کُلُّ الْکَمَالِ و مبدأ همه کمالات عالم است، هیچ یک از احکام الهی محدود نیست. مانند نماز، روزه و... و این گونه نیست که بر هر کدام از احکام، خواص ویژه ای مترتب باشد. ما طبق سعه وجودی و علمی خود از این احکام برداشت هایی می کنیم و اگر در این برداشت ها تنگنایی وجود دارد دلیلش وجود تنگنا در سعه وجودی و علمی ماست. به عنوان مثال در یک کشور اسلامی، نباید تمام مسائل حول محور سیاست بچرخد و تنها نظام سیاسی مد نظر باشد یا این که فقط مسائل فرهنگی یا اقتصادی مورد توجه باشد و چون قانون اجرایی مدون

در کشور، بر پایه نظام اسلامی و وحی استوار است، باید بدانیم که در نظام اسلامی و وحیانی هیچ وقت مسائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عبادی از هم جدا نیست.

گاهی سؤال می شود که سرمایه داری در اسلام محدود است یا نامحدود؟ و اگر نامحدود است پس با نظام های سرمایه داری غلط چه تفاوتی دارد؟ اسلام می گوید: میزان سرمایه داری آزاد است اما چهارچوب خاصی دارد. سرمایه ای که از راه ربا خوردن، ربا دادن، احتکار، سود جویی، در مضیقه قرار دادن مردم، گران فروشی، غش در معامله، تقلب، دروغ و حيله گری نباشد و ادای دیون الهی صد در صد در آن مترتب باشد، در نتیجه یک نظام سرمایه داری ایجاد می شود که هم شامل مسائل فرهنگی و ادبی است که امت خود را تأدیب می کند و هم شامل مسائل سیاسی و مدیریتی است که در برگیرنده و آموزش دهنده اقتصاد سالم می باشد تا مردم را به سوی یک سرمایه گذاری درست هدایت کند. پس می توان ادب و فرهنگ و نزاکت اجتماعی و حتی مسائل سیاسی و جنگ را هم در پرتو آن اداره کرد و مردم به گونه ای تربیت می شوند که حتی در میدان جنگ هم ادب را فراموش نمی کنند. حضرت علی علیه السلام در وسط میدان در حال جنگ بودند. یک دفعه سروصدایی بلند شد و یک نفر آمد و گفت: من خدا را چگونه بشناسم؟ حضرت دست از جنگ کشید. حاضرین گفتند چرا جنگ را رها کردید؟ حضرت فرمود: ما به خاطر نظام فرهنگی جنگ می کنیم و می خواهیم همه خدا را بشناسند. در نتیجه اسلام می گوید: اگر جایی را فتح کردید حق ندارید درختی را قطع کنید، زن و بچه ای را اسیر کنید، جایی را

ویران و چیزی را غارت کنید. هم چنین می گوید حتی اگر اسیری به دست شما افتاد و تشنه بود، حق کشتن او را ندارید و باید او را به آب بدهید. در نتیجه جنگ یک نظام فرهنگی دارد. نمی توان احکام اسلام را از یک بعد و یک دیدگاه بررسی کرد و این بررسی ها و برداشت ها وابسته به وسعت اطلاعات و قدرت علمی ماست که تا چه اندازه تحلیل گر هستیم و میزان فهم و درک ما چقدر است.

باید طبق یک سیستم دقیق وارد مسأله احکام الهی شد، چون مبدأ احکام، خداوند است و خداوند با آن همه عظمت، احکامی را بیان فرموده که هر کدام دارای اسرار فراوانی است و حج، شاکله احکام الهی و در حقیقت تابلو اسلام است.

همه نوع انسان با شکل ها، رنگ ها، لباس ها و زبان های متفاوت دیده می شوند، در حقیقت جاذبه الهی است که همه را به طرف خود می کشد و با وجود این که خانه خدا در منطقه ای قرار گرفته که از نظر جغرافیایی و آب و هوایی شرایط نامناسبی دارد، اما همه مسلمانان بدون استثنا آرزو دارند این سفر را تجربه کنند. پس در این جا نفوذ و اقتدار نظام و حیاتی مشخص می شود.

حج دارای چند خصیصه است. یک مورد، استفاده شخصی و گروهی از حج است و مسأله دیگر این که شاکله حج در مدیریت امت اسلامی و نظام سیاسی اسلام چه نقشی دارد؟ با توجه به این که خانه خدا در نقطه ای خارج از مرزهای مسلمین قرار گرفته و حج یک مسأله فرا جهانی است، خداوند از همه دعوت نموده تا در مکانی بیرون از سرزمین های خودشان با بدترین شرایط آب و

هوایی و جغرافیایی حضور یابند و در بین کوه ها و سنگلاخ های داغ و دره های عمیق، حج را به جا آورند. اما همه این سختی ها برای این است که مردم در آن جا حالات طبیعی و عادت های روزمره خود را ترک کنند و راحت طلبی را کنار گذاشته اند کی سختی و ریاضت بکشند.

حج تابلویی است که شارع مقدس برای بیدار باش مردم از خواب غفلت درست کرده است. همه در آن جا با هم یکسان و برابر و در یک قول مشترک هستند که: «اشهدان لا اله الا الله». با توجه به تمام سختی های این سفر، به دلیل جاذبه الهی، هر کس به این سفر مشرف شود، لحظاتی را تجربه می کند که در طول عمرش تجربه نکرده است و خاطرات این سفر تا همیشه برایش به یادگار می ماند.

همه چیز غیر از خدا بر ایشان حرام می شود. با این محرمات انسان تعلقاتش را ترک می کند و وارد وادی الهی می شود. نقطه ای که همه دارای یک ذکر و یک مبدأ مشترک هستند و دور یک مکان مشترک می گردند. در این لحظه است که تمام تفاوت ها از بین رفته و همه یک پیکر واحد شده و در حالی که در هم ادغام شده اند، به یک وحدت و هماهنگی نیز رسیده اند.

و اگر برای هر کدام از برادران ایمانی اش که با او هم ذکر، هم افق و هم قبله هستند، در هر جای دنیا اتفاق ناگواری بیفتد، قلبش به درد آمده، به فکر یاری کردن اوست، چرا که آن ها یک مقصد و یک هدف دارند. این از اسرار فوق العاده سیاسی حج است.

حج یک سلسله فوائد خاصی دارد که ما مقداری از آن را درک می کنیم مانند فوائد فرهنگی، سیاسی و عبادی حج که در رشد روحی و تعالی معنوی و رسیدن به مقامات معنوی مؤثر است، اما این مسائل محدود به برداشت های ما از حج و فوائد آن نیست و مسائلی را شامل می شود که ما از درک آن عاجزیم.

به طور کلی ما هیچ وقت نمی توانیم راز و رمز دقیق مسائل عبادی را بشناسیم مگر یک سلسله احکام ظاهری. مثلاً این سنگی که پرتاب می شود گفته اند شیطان را رمی کنید، با انجام این کار ما باید هم شیطان را از خود دور کنیم و هم خودمان را از شیطان دور شویم و اجازه ندهیم که او بر ما غالب و پیروز شود. این یک حالت سمبلیک دارد. ولی سرّ و علت واقعی این که باید با وجود این همه ازدحام به آن جا رفت و به شیطان سنگ پرتاب کرد، مشخص نیست. این اعمال تعبدی است و نمی توانیم سرّ و علتی برای آن بیان کنیم. بنابراین آن چه را که نمی دانیم و از اسرار عبادات است، قابل بحث و گفت و گو نیست. عابدی: سرّ به معنی امور پنهان و غیب است و چیزی است که آشکار نیست و معمولاً بین دو طرف واقع می شود. پس سرّ دو قسم است:

۱_ سرّی که شرع به آن تصریح کرده است.

۲_ آن چه را که ما از شرع و متون وحیانی به عنوان سرّ، استنباط می کنیم.

ما در خصوص اسرار عبادات می خواهیم هدف و غرض شرع از عبادات را بشناسیم. طبق آیه ای از قرآن که می فرماید «اگر خدا کاری انجام داد نمی توان گفت چرا این کار را انجام داد؟ و چه هدفی داشت؟» اما اگر ما کاری را انجام دهیم می توان پرسید که چرا این کار را انجام دادی؟ و هدف چه بود؟ در ارتباط با فلسفه و اسرار عبادات، مراد این است که غایت چیست؟ مثلاً هدف از قیام و قعود و.... چیست؟ که منظور، همان علت غایی و هدف نهایی است. در افعال خداوند غایت معنا ندارد.

به قول سقراط بدترین توهین به خداوند این است که بگوییم هدف خدا از این کار چه بود؟ زیرا در این صورت خدا را ممکن الوجود دانسته ایم نه واجب الوجود. پس غایت و هدف مربوط به ممکن الوجود است و در افعال واجب الوجود غایت معنا ندارد. ممکن الوجود چون ضعیف است نمی تواند به آن غایت برسد، مگر با واسطه های مختلف، اما نمی توان گفت که نعوذ بالله چون کارهای خداوند غایت ندارد پس همه چیز لغو است. در آیاتی از قرآن لام هایی (لیکون) به کار رفته که به معنای عاقبت است. مثلاً در مورد فرعون آمده است که وقتی او حضرت موسی علیه السلام را از آب گرفت، هدفش این نبود که موسی علیه السلام دشمنش شود، بلکه سرانجام کار این گونه بود که حضرت موسی علیه السلام دشمن فرعون شد.

ممکن الوجود یعنی هر کاری که انجام می دهد باید غایت داشته باشد چون حکیم نیست. اما واجب الوجود کاری که انجام می دهد غایت ندارد، اما چون حکیم است اثر و فایده ای بر آن مترتب می شود. مثلاً ابوعلی سینا می گوید سوراخ های بینی انسان سرازیر

است. این غایت کار خداوند نیست، اما این حالت بینی باعث می شود که دیگر گرد و خاک و باران به داخل بینی انسان نرود.

حکیم بودن خداوند به این معناست که او کارهایش به خاطر رسیدن به فایده ای نیست، اما کارهای خداوند به فایده ای ختم می شود؛ یعنی غایتی بر او و فایده ای بر کار او بار می شود، نه این که به خاطر این فایده این کار را انجام بدهد. در ارتباط با فلسفه عبادات یک بحث این است که چه فایده ای بر کار خداوند مترتب است و بحث دیگر این است که انجام این کار بر ما چه اثری دارد.

گاهی گفته می شود کسی که به حج می رود در این سفر چه چیزی برای او حاصل می شود و گاهی گفته می شود که او چه چیزی را تحصیل کرده است؟ و البته تمامی این موارد از جنبه فلسفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نکونام: قبل از این که به اسرار و مناسک حج پردازیم، باید خود حج را بشناسیم که اصلاً حج چیست و برداشت ما از آن چگونه است؟ با توجه به حوزه های فعالیت حج متأسفانه نسبت به حج و مناسک آن در طول تاریخ اسلام کمترین کار انجام شده است و آن چنان شکوفایی معنوی، فکری، فرهنگی و علمی نیافته است و تنها یک زیارت و سیاحت و مناسک با کمترین توشه معنوی است و در واقع به جهت حکمت نظری و عملی و زمینه ها و گزینه های حج، بیش از ظرف احساس و شعائر صوری موفقیتی نداشته ایم.

باید حج را به زبان معنا شناسایی کنیم. در اسلام، هیچ عبادتی در ظرف حج نیست. اعمال دیگر هر کدام زاویه دید خاصی دارند.

هر چه در عالم وجود دارد، در حج هم هست. حج، یک مهندسی علمی دارد. در آن، توجه، امساک، عبادت، حرکت، کوشش، خون ریزی، تکاپو، تلاش، حلق و... وجود دارد. هیچ عبادتی این موقعیت را ندارد. هیچ دینی مثل اسلام حج را نمی شناسد و به آن اهمیت نمی دهد. به لسان قرآن، حج، در واقع به معنای قصد است اما نه قصد تنها. لذا معنای لغوی حج، در اصل القصد الی الحركة الی عملٍ مخصوص می باشد؛ یعنی هدفمند است. و یک حرکت هدفمند احتیاج به نیت، حرکت، عمل و... دارد و به طور کلی هر چه در ۵۰ باب فقه وجود دارد، در حج عینیت می یابد و هیچ عملی در اسلام به اندازه حج، گسترده، پیچیده، پرزایه و... نیست. حتی صلاه با آن عظمت، اصلاً در موقعیت حج نیست. چون صلاه یک بخش از حج است. پس صلاه، روزه، عبادت، جهاد و... فقط بخش هایی از حج است و حج بر تمامی ابواب فقه سیطره دارد.

توجه به معنای لغوی حج کافی نیست. حج، همان محاجه (حجت و استدلال) است. باید ببینیم حجت ما در حج چیست؟ حج در واقع یک مراوده ایمانی _ انسانی است. یک اجتماع از انسان های مختلف است. چون همه آن جا جمع می شوند و به تبادل افکار می پردازند. مشکلات و نارسایی ها همه در حج باید مطرح شود. مسلمانان باید از گوشه و کنار دنیا همدیگر را بشناسند. با هم ارتباط داشته باشند، اخوت پیدا کنند و مأنوس شوند. در حج، زائر علاوه بر این که معصومین + را زیارت می کند، تمام مسلمین جهان را هم زیارت می کند و فقط ماه رمضان، ضیافت و مهمانی خدا نیست بلکه حج هم یک ضیافت عمومی است.

در حج، باید با طوایف مسلمین ارتباط برقرار کرد و با استدلال صحیح به بحث و گفت و گو پرداخت. باید به یک وحدت رسید. اما نباید دعوا کرد. پس حج یعنی تفاهم، کنار آمدن، عصبانی نشدن، خشن نبودن، به حرف همدیگر گوش کردن. باید محاجه کرد و حجت آورد اما نباید دعوا کرد. لا فُسُوقَ وَ لا جِدَالَ [بقره: ۱۹۷]. اگر کسی دعوا کند، اصلاً حاجی نیست و باید کفاره بدهد و تنبیه و مجازات شود چون حرمت خانه خدا باید حفظ شود. حتی امام حسین علیه السلام به خاطر عظمت بیت الله، آن جا را ترک کرد تا بی حرمتی به این خانه نشود. وقتی یک معصوم حرمت بیت الله را حفظ می کند، از عظمت آن آگاه است. پس از علم تا عمل، قصد تا اندیشه، کارهای فردی تا جمعی، کارهای دنیوی، عبادی همه و همه در حج هست.

اگر قصد، هدف، نیت، فکر، فرهنگ، ولایت، عصمت و امامت در حج نباشد، همه مثل بهائم دور می زنند. لذا امیرالمؤمنین می فرماید: «یردون کورود البهائم». دو نوع حج وجود دارد، یکی حج ابراهیمی است و دیگری که همانند حیوانات است. مثل آن هایی که به بهانه غذاهای خوب، میوه های خوشمزه و خوش گذرانی به حج می روند و اگر اندکی باب میلشان نباشد زبان به اعتراض می گشایند و از همه چیز ایراد می گیرند.

من گمان می کنم هزینه هایی که صرف حج می شود، مقرون به صرفه نیست و فقط یک خیری به دولت سعودی می رسد. اما یک وقت ما واقعا قصد حج داریم و با فکر، فرهنگ و هدف می خواهیم

این انقلاب، ولایت، شیعه، امامت، عصمت و اندیشه را به سراسر جهان گسترش دهیم. و این امکان در حج و عمره فراهم است.

باید در سازمان حج و بعثه عده ای از متخصصین فقط تفکرات حج را دنبال و اسرار و معارف حج را از قرآن و روایات شناسایی و استخراج کنند. باید مغز متفکری از اندیشمندان ایجاد کنیم که طرح و برنامه بدهند.

البته شناختن اسرار هم کافی نیست؛ زیرا باید با عمل همراه باشد و شناخت سرّ در عمل، تجسم پیدا کند، چون حج، یک فکر است که باید در آن عمل وجود داشته باشد. فقط ذکر اسرار کافی نیست، چون این اسرار باید حرکت و تکاپو داشته باشد و در جریان قرار گیرد و باید با هدف و به خواست خدا به جایی منتهی شود که ما از پیش ترسیم کرده ایم.

تمام اسرار حج در گرو یک سرّ است. همان طور که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام می فرماید: «من می خواهم مکارم اخلاق را تمام کنم». انبیای دیگر هم مکارم اخلاق داشتند اما نگفتند ما می خواهیم آن را تمام کنیم. بلکه فقط پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام این مطلب را می فرماید. تمام اسرار حج در گرو همین امر است که انسان کامل را طلب می کند و می خواهد انسان را به مقام جمعی برساند. این انسان هایی که دور هم جمع می شوند باید انسان های کاملی شوند.

تمام اسرار حج در نهایت شامل این است که انسان ها در حج، یک آموزش عملی جمعی پیدا کنند که در مسجد و کشورهای خودشان ممکن نیست و فقط باید به این دانشگاه (حج) بروند و دوره ببینند. آن هم با خصوصیات خودش و در یک زمان محدود.

وقوف و حرکت همگانی در عرفات و منا و حمله همگانی به جمرات و حتی نماز هم همگانی است و طواف و سعی، مقام جمعی است. حج می خواهد انسان را معنی کند که یک موجود جمعی، سیستماتیک و کامل است. باید برای حج مثل اداره یک کشور، سیاست گذاری کنیم. مردم نباید ساده به حج بروند و برگردند.

مشکلات اسلام باید در مکه حل شود. از مکه شروع شده در مکه هم باید حل شود. مشکلات اسلام در ایران حل نمی شود باید در مکه حل شود. ما باید مشکلات را در مکه حل کنیم. یعنی در یک زمانی باید اداره و کنترل حج در مکه به دست یک سیستم جهانی از مسلمین اداره شود.

موفقیت اسلام آن زمانی است که حج به دست مسلمین جهان اداره شود، حج مربوط به کشور خاصی نیست. وقتی می گوئیم حج ابراهیمی، باید متصدی اش هم ابراهیم باشد نه این که بگوئیم حج ابراهیمی و متصدی اش کس دیگری باشد. ما باید به معنای واقعی حج که «القصود الی الحرکه الی جهت الخاص» است، برسیم و تمام مشکلاتمان را در مکه حل کنیم، در ایران حل نمی شود ما باید مسلمانان را آن جا تربیت کنیم و در آن جا بسازیم.

باید روی سفیرانی که به این کشور می روند حساب باز کنیم. نه آدم ناشی به درد حج می خورد نه آدم حرفه ای. کسی باید به حج برود که تشنگی، دلش را آتش بزند. به آن دیار که می رسد از عشق زیارت خدا غش کند. لذا باید در حج یک زمینه علمی، فکری و فرهنگی ایجاد کرد و در سیاست گذاری هایش تجدید نظر نمود. ما که مردم را به آن جا می بریم، آن ها را با دنیا بر نگردانیم. ما باید در

مکه تمام مشکلاتمان در جهان را روشن و حل کنیم. جای دیگر نمی شود.

برای این که مشکلاتمان را در حج بر طرف کنیم، باید خیلی برنامه ریزی کنیم. نه این که ۱۰ روز قبل از حج دفتر کارها را باز کنیم و ۱۰ روز بعد از حج جمع کنیم. باید در طول سال برای این یک ماه زحمت بکشیم که امسال چه سیاست گذاری شود؟ سال دیگر چه سیاست گذاری شود و مشکلات را چگونه بر طرف کنیم؟ انسان ها را چگونه راه بیندازیم؟ چگونه ارتباط برقرار کنیم؟ دولت ها خیلی از کارها را نمی توانند بکنند. مردم خودشان می توانند. ملت ها می توانند. فرض کنید ۱۰ جلسه، ۲۰ جلسه آموزش می گذاریم که فقط آموزش حج است. این کافی نیست. هر یک از زائران باید به عنوان یک سفیر باشند. و باید چنان آنان را آماده کنیم که وقتی به آن جا می روند بر روی دیگران تأثیر بگذارند. دولت نمی تواند این کارها را بکند چون محدودیت دارد، ولی انسان ها هیچ محدودیتی ندارند. می توانند با هم حرف بزنند و معاشرت کنند. لازم نیست از طریق سفارت خانه این کار انجام شود. باید از طریق زائران به آن چه می خواهیم برسیم. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله گلپایگانی، می گفتند شما باید یک حجی ترسیم کنید که بتوانید آن را انجام بدهید.

حج، باید عامل سقوط استکبار در جهان بشود. حج باید عامل ارتباط مسلمین در جهان باشد. حج باید با سیاست گذاری، فکر، فرهنگ، روانشناسی، جامعه شناسی، فلسفه و... همراه باشد. هزینه های سفر حج خیلی زیاد است و ممکن است فقرا بگویند ما

گرسنه و فقیریم و حج شما درست نیست. باید به گونه ای روی معنویات سفر حج سرمایه گذاری کنیم که بتوانیم بگوییم درست است که تو فقیر و گرسنه هستی ولی آن کار لازم تر است چون ما داریم کار می کنیم که برای پیشرفت معنوی است. اما اگر کاری انجام نشود واقعاً حق با این افراد است.

حج، اسرار زیادی دارد. یکی زدودن تجمل و سرافکنندگی در محضر خداست. اما این گفتارها باید به یک نحوی در عمل ظاهر شود. حتی می توان به صورت مکتوب و به هر نوعی این مفاهیم را انتقال داد تا هر فرد آن بُعد عملی را کاملاً در خودش پیاده کند. معمولاً عرفا به بُعد عملی توجه خاصی دارند مثلاً می گویند من می خواهم مقام حیوانی خودم را ذبح کنم. ما باید هدفمند کار کنیم و نباید فقط به یک بُعد اکتفا کرد.

تمام قسمت های حج از احرام گرفته تا آخر، باطنی دارد که انسان باید آن ها را کشف کند. در جلسات نباید همه اش به اعمال حج بسنده کرد و باید سرّ و اسرار را هم بگوییم. در جلسات مربوط به حج علاوه بر این که به زائران می گوئیم سوره ات را درست کن، شالت را این طوری ببند، این را هم بگوییم که شما با حاجی های دیگر فرق دارید. شما از ایران که می روید باید این کار انجام بدهید چون هر کدام از شما در حقیقت یک سفیر، نماینده و کارگزار اسلامی هستید.

ما باید برادران گمشده مان را که در نقاط مختلف دنیا زندگی می کنند، پیدا کنیم و این کار از طریق حج انجام می شود. باید به آن ها بگوییم سرّ، معنایش این است که سرت را که می تراشی برای

این است که خودنمایی و استکبار و خودخواهی و خود بزرگ بینی ات کم شود و ساده و آرامت کند.

باید اسرار حج را تقسیم بندی کنیم از آن هایی که قابل اجراست دنبال و همراه حاجی کنیم و بگوییم آن جا که می روی باید این کار را بکنی، آن کار را بکنی و او را توجیه کرد تا آن کار را بکند و جنبه دینی و شریعتی پیدا کند. باید آن قدر سیاست داشته باشیم که سال به سال سیاست جهان تغییر کند یعنی اصلاً دشمن نتواند بازی ما را بخواند. ما باید طوری سیاست گذاری کنیم که حج، یک علم بشود. یعنی مغزهای متفکر در حال طراحی حج باشند و بگویند طبق طراحی، امسال سیاست این گونه است و در آینده هم به آن شکل است. اگر نتوانیم تاکتیک ها را سال به سال نو کنیم، تکراری می شود.

و نکته آخر این که نهایت حج، حق تعالی است ولی تا به آن جا رسیدن آسان نیست. باید مرزهای کفر و ایمان، بت پرستی و خداپرستی را مشخص کنیم. باید در حج سرمایه گذاری علمی و فرهنگی داشته باشیم. با این مقدار علم هایی که در حوزه هست، نمی شود. یک چیزی بالاتر از این ها لازم است.

حج فقط آوردن سوغاتی نیست. عیبی ندارد که دنیا هم در آن باشد (مَنَافِعُ لِلنَّاسِ [بقره: ۲۱۹])، کاسبی هم بکنند، هیچ عیبی ندارد، ولی سیاست گذاری ها باید دقیق باشد. به امید خدا، با این امکانات و با وسعت نظری که در افکار مقام معظم رهبری وجود دارد، ان شاءالله روز به روز مشکلات، کمتر و زمینه ها مساعدتر خواهد شد.

هادوی: در اتباط با فلسفه و اسرار و حکمت در همه عبادات باید به این نکته توجه داشت که احکام الهی برخاسته از منافع و ملاک‌هایی در عالم واقع است و مصالحی وجود داشته که خداوند احکام را در ارتباط با آن صادر کرده است و شکل‌های خاصی بر عبادات مترتب شده که به مصالح و منافی وابسته است. در واقع با فلسفه یا حکمت یک عبادت آن مصالح و آثار تکوینی و واقعی است که بر انجام آن عبادت به شکل خاص مترتب می‌شود. به لحاظ فقهی در مقام تعیین تکلیف، با مصالح، حکمت، فلسفه و سرّ آن چنان کاری نداریم. وظیفه فقیه این است که هم شکل عبادت و هم حکم عبادت را استنباط کند، اما این که مصلحت حکم چیست؟ در محدوده وظایف فقیه نیست و در التزام به حکم هم نقشی ندارد. اگر مصلحت یک حکم را ندانیم موظف هستیم آن را انجام دهیم؛ زیرا معتقدیم که یک مصلحت، الزامی داشته که آن حکم واجب شده است، اگر چه مصلحت را ندانیم؛ مثلاً به شکل خاصی نماز می‌خوانیم، هر چند مصلحت و ملاک آن را نتوانیم تشخیص دهیم و یا مصلحت تعداد رکعت‌های نماز را نمی‌دانیم، ولی به همان شکل خاص آن‌ها را به جا می‌آوریم.

در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان به مسئله اسرار و حکمت و فلسفه عبادات پرداخت یا خیر؟ می‌توان گفت، پرداختن به فلسفه و سرّ عبادات اشکالی ندارد و کشف نکردن مصلحت یک عبادت مانع از انجام و عمل به وظیفه نمی‌شود و ما در هر صورت باید عبادات را انجام دهیم. فلسفه و اسرار و حکمت عبادات را می‌توانیم از طریق تعبّد، تعقل و یا کشف و شهود به دست آوریم. از طریق

تعبد با مراجعه به آیات و روایات و آثاری که در مورد عبادات ذکر شده است صورت می گیرد؛ مثلاً نماز از فحشا و منکر جلوگیری می کند و چنین اثری بر آن مترتب می شود. و یا از طریق تعقل و تحلیل عقلی و یا تجزیه و تحلیل عقلی می توانیم به اسرار پی ببریم؛ مثلاً بدون این که به تجربه کاری داشته باشیم، می گوییم چون نماز نیازمند رعایت یک سری احکام مانند طهارت و عدم غضب است، خود نماز باعث می شود که شخص با وظایف دینی آشنا شود. التزام او به نماز باعث می شود که از اموری دوری کند تا بتواند شرط نماز را رعایت کند که این یک تحلیل عقلی است. ولی در مورد تجزیه و تحلیل عقلی می توان این گونه استنباط کرد که در یک جامعه که افراد آن نماز می خوانند، ارتکاب به جرائم کمتر است که این مورد از طریق تجزیه و تحلیل عقلی به دست می آید. راه دیگر پی بردن به اسرار و حکمت عبادات، کشف و شهود است که بعضی افراد با چشم دل اثر این عبادات را می بینند؛ مثلاً نورانیتی که در وضو وجود دارد و کسی که دارای کشف و شهود است با چشم دل می بیند که اعضا و جوارح در اثر وضو گرفتن نورانی می شوند.

و اما در خصوص حج، مجموعه ای از اعمال وجود دارد که هم آثار اجتماعی دارد و هم فردی؛ مانند این که خداوند در یک زمان و مکان خاصی همه مسلمانان را دعوت می کند تا در همایش حج شرکت کنند که آثار خاص بر آن مترتب است و اگر درست از آن استفاده شود بسیاری از مشکلات جهان اسلام حل می شود.

هم چنین درباره آثار فردی که در حقیقت حج یک نوع سیروسلوک معنوی است که در یک مدت کوتاه انجام می شود و اگر اعمال و مناسک حج با توجه به معانی آن ها درست انجام شود، آثار ماندگاری بر انسان می گذارد. اولین عملی که برای حج انجام می دهیم احرام است که نوعی اراده و قصد را از سوی شخص می طلبد. حج در اصل یک نوع قصد است و با احرام در یک محدوده زمانی، حلال ها بر انسان حرام می شود. بعضی از فقها فرموده اند باید قصد کرد تا از یک سری محرمات اجتناب کنیم. این مسئله (عزم و اراده بر ترک برخی امور) عاملی است که در تقویت اراده انسان نقش اساسی دارد. اراده لازمه هرگونه تحول در انسان است تا از یک وضعیت به وضعیت دیگری منتقل شود. برخی گفته اند در سیروسلوک معنوی، اولین شرط سالک، عزم است. به طور کلی برای هر تحولی انسان نیازمند عزم است.

یکی از مراحل احرام برای آقایان حج گزار اجتناب از مخیط (لباس دوخته) است به این معنی که انسان فقط خودش باشد با تمام ویژگی های شخصی اش؛ مانند زمان مرگ که انسان همه ویژگی هایش را از دست می دهد و آن چه که با خود دارد تنها اعمال اوست. در حج هم شخص فقط باید با منش و رفتار خود حج را انجام دهد و حج باعث می شود شخص یک مرگ اختیاری و ارادی و مرتبه ای از دل کندن را تجربه کند؛ تجربه حج نوعی تجربه مرگ است. در پایان حج، انسان دوباره متولد می شود با این تفاوت که انسان نسبت به اولین تولدش دارای پشتوانه ای از تجربه

هاست که باید آن‌ها را در زندگی به کار گیرد. و توقع این است که بعد از حج زندگی بهتری داشته باشیم.

یکی از اسرار حج، لبیک است که با گفتن آن دعوت خداوند را اجابت می‌کنیم. وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام ساختن کعبه را تمام کرد، خداوند به او فرمود که مردم را برای حج دعوت کن. ابراهیم علیه السلام پاسخ داد که کسی نیست تا او را دعوت کنم و خداوند فرمود تو این کار را انجام بده. در آینده همه برای حج خواهند آمد و ما در حقیقت با لبیک گفتن دعوت الهی را که حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی خداوند مأمور دعوت بود، اجابت می‌کنیم.

اگر حج با دقت و توجه انجام شود در موقعیت جدیدی باید خود را احساس کنیم که باعث ایجاد تحولات جدیدی در انسان می‌شود.

حج آثار قهری خاصی دارد و غیر از بخشودن گناهان انسان و تولد دوباره اش، مجموعه توانایی‌های انسان را افزایش می‌دهد به شرطی که حج گزاران بتوانند نورانیتی را که در حج کسب کرده‌اند، حفظ کنند. هر کدام از اعمال حج اسرار فراوانی دارد و برای این که انسان بتواند آن‌ها را درک کند، می‌تواند با مفاهیم و اسرار آشنا شود و از آثار و برکات بهره‌بردار.

فلسفه علم اصول یا فلسفه علم فقه با فلسفه احکام کاملاً متفاوت است. فلسفه علم یعنی این که از بیرون به آن دانش نگاه کنیم و رابطه آن را با دانش‌های دیگر مورد بررسی قرار دهیم. اما وقتی از فلسفه عبادات صحبت می‌کنیم، منظور اسرار و حکمت‌هایی است که به خاطر آن این عبادات شکل گرفته و یا احکامی بر آن مترتب شده است و ما باید متعبد به حکم باشیم، هر

چند فلسفه آن را ندانیم، ولی دانستن فلسفه به ما کمک می کند که ما علاوه بر آثار قهری از آثار ویژه ای برخوردار شویم و پرداختن به فلسفه حکم مجال دارد، اما این که به دانش مستقلی تبدیل شود به نظر من امکان پذیر نیست. به صورت جزئی ممکن است به فلسفه احکام پی ببریم، اما خیلی چیزها امکان دارد در پرده ابهام بماند؛ مثلاً در مورد حج، شاید بتوانیم از طریق عقل و تجربه و کشف و شهود به بعضی از اسرار پی ببریم، اما این که بفهمیم چرا طواف هفت دور است و برای ما قابل درک نیست.

بحث سرّ، فلسفه و... در مورد حج با هم تفاوت های جزئی دارند و بخشی از نکاتی که در مورد عبادات می گوییم مصالح و آثار تکوینی و واقعی عبادات است و بخشی از آن، علل شکل گیری احکام است؛ مثلاً چرا در هنگام احرام، لبیک می گوییم؟ پاسخ این است که ما در حقیقت، دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام را که از طرف خداوند مأمور دعوت مردم به حج بود، اجابت می کنیم و لبیک می گوییم و این که به جای لبیک، الله اکبر و لا اله الا الله را که در نماز هست، نمی گوییم، یک نکته قابل تأمل است و دانستن این اسرار می تواند آثار عینی و واقعی در ما ایجاد کند.

سؤال دوم: حج و توجه به ولایت

یکی از ابعاد حج، توجه به ولایت است؛ آیا می توان گفت ولایت مداری روح و سرّ حج است؟

بهشتی: اگر کسی حج برود باید خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلام هم مشرف شود. باید به مدینه برویم که در حقیقت بُعد ولایتی حج است. یعنی اگر کسی حج انجام دهد و به مدینه نرود و خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلام نرسد، حش تمام نمی شود. همان طور که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلام در قید حیات بودند خدمت ایشان می رسید و عرض ادب می کرد و بهره می گرفت، اکنون هم که از دنیا رفته اند، فرقی نمی کند، باید برای عرض ادب به مدینه رفت و بعد از آن باید به زیارت ائمه اطهار+ رفت که همه این ها بُعد ولایتی حج است؛ یعنی اگر حج ولایت نداشته باشد و امام دستگیر ما نباشد به جایی نمی رسیم. نمونه هایی در روایات داریم که بعضی در حج مورد توجه ولایت قرار گرفته اند، یعنی این قابلیت را داشته اند که مورد توجه ولایت قرار بگیرند و البته فیض آن ها محدود نیست، ولی بعضی ها قابلیت ندارند.

نقل است که یکی از شیعیان می گوید: ما از کوفه برای حج رفته بودیم و یک جوان با ما بود که به من گفت: یک وقت خصوصی از امام باقر علیه السلام بگیر که من خدمت ایشان برسم. من هم اجازه گرفتم و حضرت اجازه دادند و با این جوان به خدمت ایشان رفتیم. جوان عرض کرد که من در دیوان بنی امیه خدمت کرده ام و ثروت کلانی هم اندوخته ام، ولی می دانم که این ثروت ها حلال نیست.

حالا آمده ام خدمت شما تا من را راهنمایی کنید که باید چه کار کنم؟ حضرت فرمود: باید تمام اموالی را که صاحبشان را می شناسی به آن ها برگردانی و اموالی را که صاحبانش را نمی شناسی به فقرا بدهی. همه را باید بدهی. این جوان سرش را پایین انداخت و به فکر فرو رفت؛ زیرا کار دشواری بود. قدری که فکر کرد، سرش را بلند کرد و گفت: چشم همین کار را می کنم. امام فرمود: اگر تو این کار را بکنی من تو را به بهشت می برم. آن جلسه تمام شد و ما به کوفه آمدیم. به محض ورود، جوان مشغول شد به رد کردن اموال تا یک وقت متوجه شدیم که هیچ چیز برایش نمانده حتی نان شبش را هم ندارد. از دوستان مبلغی را جمع کردیم و به او دادیم. چند روزی گذشت و شنیدیم که او مریض است. به عیادتش رفتیم. دیدیم در حال احتضار است. آن لحظه آخر که روحش داشت پرواز می کرد، چشم باز کرد و گفت: امام باقر علیه السلام به وعده اش وفا کرد و از دنیا رفت. ما او را دفن کردیم تصمیم گرفتیم سال دیگر که به حج می روم و خدمت امام مشرف می شوم، این موضوع را خدمتشان عرض کنم. سال بعد که به حج مشرف شدم، وقتی که به مدینه رفتم و خدمت امام رسیدم، قبل از این که من بگویم، حضرت فرمود: ما به وعده خودمان وفا کردیم. این بُعد ولایت حج است و اگر واقعاً انسان تحت تأثیر ولایت باشد، حج او را دگرگون می کند و به روز اولی بر می گردد که متولد شده و هیچ گناهی نداشته است و اگر این گونه باشد، این حج، حج کاملی است و معلوم می شود که مورد نظر مقام ولایت بوده است. انسان باید توجه داشته باشد که

حج او، حج حسینی باشد، حج علوی باشد، حج فاطمی باشد و پا جای پای آن ها بگذارد و همیشه دنباله رو آن ها باشد.

وقتی انسان تصمیم به حج می گیرد، باید قصدش مهاجرت الی الله باشد. حضرت فرمود: قلب را مجرد کن؛ یعنی به کلی قلب را از ما سوی الله منقطع و دور کن. در مرحله احرام می فرماید: «احرم من کل شیء یمنعک ان ذکر الله». احرام یکی از ۲۴ تروک ظاهری است. اما ترک واقعی این است که انسان از هر چیزی که او را از خدا باز می دارد مُحرَم شود. مثل روزه که بخشی مربوط به شکم است و دیگر مربوط به چشم و گوش و زبان و از همه بالاتر روزه دل که اگر این روزه باشد، خداوند می فرماید: «من خودم جزای این روزه هستم» نه این که جزای این روزه را می دهم، بلکه خودم جزای این روزه هستم و این روزه، روزه دل است. وقتی شخص مُحرَم می شود، ظاهراً همان لباس احرام را می پوشد و بعد از آن هم جنبه های ظاهری را که تروک احرام است، رعایت می کند اما احرام، دل بریدن از ما سوی الله است. این محرم شدن نه تنها عمق و سَرّ احرام، بلکه اخفای از سَرّ است. وقتی که انسان به خدا توجه می کند و از ما سوی الله محرم می شود، ممکن است به امید ثواب و نجات از عقوبت باشد که مشخص است احرامش خیلی عمیق نشده و هنوز به درجه اخفی نرسیده است. بلکه وقتی به درجه اخفی می رسد که حتی مسأله ثواب و عقاب هم برای او مطرح نباشد و فقط خود خدا را بخواهد.

خاطرم وقتی هوس کردی که ببند چیزها

تا تو را دیدم نکردم جز به دیدارت هوس

اگر کسی به این مرحله برسد، باید بگوییم به مخفی تر از سرّ در امر احرام رسیده است. حافظ می گوید:

از در خویش خدا را به بهشتم مفرست

که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس

حضرت امیر علیه السلام فرمود: «الهی ما عبدتک خوفا من نارک و لاطمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعباده فعبدتک، نه به خاطر بهشت تو را عبادت می کنم و نه به خاطر ترس از جهنم. من خودت را می خواهم هیچ چیز دیگر نمی خواهم». اگر کسی به این مرحله رسید، به عمق واقعی احرام رسیده است. «احرم من کل شی یمنعک عن ذکر الله». پس نباید هیچ چیزی تو را از توجه به خدا باز دارد. راجع به تلبیه همان طور که گفتیم برای خود حضرت هم سخت بود که لبیک را بگوید. می فرماید: «لب بمعنا اجابه صادقه خالصه زاکیه لله فی دعوتک» یعنی این اجابت، اجابت صادقانه و مخلصانه باشد. بعد از صدق، خلوص است. اوّل باید صدق وجود داشته باشد.

حضرت علیه السلام، اوّل صدق را ذکر می کند یعنی صادقانه لبیک را بر زبان جاری کردن. اما ممکن است صادقانه باشد، ولی هنوز خالصانه نباشد زیرا هنوز به درجه خلوص نرسیده که «خالصا لوجه الله» این کلمه را بگوید، بدون این که هیچ چیزی جز خداوند را مد نظر نداشته باشد. «اجابه صادقه خالصه زاکیه» که بعد از صدق و خلوص، زاکیه بودن و پاک بودن را مطرح می فرماید. زاکیه بودن از خالص بودن یک درجه بالاتر است و اگر شخص در حال تلبیه

چنین حالتی پیدا کرد خیلی مهم است و اگر پیدا نکرد مثل آن هایی است که اکثر الضجیج هستند.

عراقچی: بله، تمامیت حج به رهبریت وابسته است و هیچ وقت زمین بدون حجت نیست. و امام زمان (عج) همواره حضور دارد. هیچ وقت انسان بدون هادی نمی ماند و اگر کسی واقعاً تصمیم داشته باشد به مقصد برسد حتماً به مقصد می رسد حتی خود بزرگان به دنبال او می آیند و او را نجات می دهند. در حج هم این اتفاق می افتد و گاهی بعضی افراد مورد عنایت امام (عج) قرار می گیرند. انسان باید موانع را از سر راه بردارد تا بتواند متصل به او شود.

سؤال سوم: حرکت، شعور و شهود در عرفات و مشعر

چگونه زائر از وقوف عرفات به حرکت و از وقوف مشعر به شعور و شهود می رسد؟

غریبان: به عقیده من و با توجه به آیات و روایات این وقوف به معنای وقوف جسم انسان است، ولی وقتی روح انسان را در نظر می گیریم، معرفت است و معرفت حرکت است. باید حرکت عرفانی در عرفات داشته باشیم. انسان در آن جا به معرفت می رسد و معرفت یک انبساط وجودی است و ماهیت نیست و فوق مقوله است و ذکر حرکت به اعتبار معرفت بودنش است و اگر کسی در غیر عرفات به این معرفت نرسیده باید در عرفات به معرفت لازم برسد و در آن جا انسان باید به یک تغییر دست یابد. پس باید حرکت معرفتی در عرفه ایجاد شود و حرکت چیزی نیست غیر از تغییر یک شیء از حالت بالقوه به بالفعل و وقوف که به معنای توقف و ایستادن به کار می رود در مورد توقف در یک محدوده جغرافیایی است نه توقف در وجود خود؛ روح مرزی ندارد و می تواند تا عرش الهی بالا برود. دعای عرفه امام حسین علیه السلام که در آن جا خوانده می شود عین حرکت و عروج است و تعبیر بنده از وقوف به حرکت به استناد آگاهی و معرفتی است که برای انسان حاصل می شود. و گرنه جسم انسان باید در محدوده عرفات باشد و خارج نشود.

این گونه برداشت ها از طریق مطالعات عرفانی، فلسفی و بیانات مفسرین ایجاد می شود و این کار را می توان از طریق جزواتی که

تهیه می شود و در اختیار حج گزاران قبل از سفر حج و هم چنین در موسم حج قرار می گیرد، این زمینه را ایجاد کرد که نسبت به این مسائل آگاهی پیدا کنند. حتی می توان در این خصوص از آن ها آزمون هم گرفت. البته معرفت حقیقی از طریق آزمون و.... حاصل نمی شود و چون حج گزاران در موسم حج فراغت داشته و زندگی را رها کرده اند، به دنبال شنیدن حقیقت و معرفت هستند، و روحانیون در جلسات کاروان حتی اگر یک نکته از این اسرار را ذکر کنند حج گزاران تحت تأثیر قرار می گیرند، چون خودشان به دنبال این نکات هستند و آمادگی پذیرش و درک اسرار را دارند.

سؤال چهارم: اسرار و فلسفه حج یا تعبد و تسلیم

برخی از اهل علم و تدریس، با بحث درباره فلسفه و اسرار حج مخالفند و فقط به تعبد و تسلیم اهمیت می دهند، در این باره چه باید گفت؟

بهشتی: افراط و تفریط در هیچ جا خوب نیست. وقتی که بزرگان دین و ائمه+ ما نکاتی راجع به فلسفه و اسرار حج بیان کرده اند، چه اشکالی دارد ما هم با الهام از رهنمودها و بیاناتی که بزرگواران فرموده اند، وارد این بحث ها شویم؟ همیشه باید جنبه اعتدال را حفظ و رعایت کرد.

عابدی: حج به عنوان یک عبادت است. در کتاب های فقهی و اصولی می گویند حج واجب مشروط است؛ یعنی مشروط به استطاعت است. اما به نظر من حج واجب، مشروط نیست. حج جزء احکام وضعی است نه احکام تکلیفی و مانند یک بدهکاری است که باید پرداخت شود. و گفته شده (لله) و لام، لام ملکیت است. مال خداست و بدهکاری به خدا و مدیون هستید و یک حج بر گردن شماست. امر به حج نداریم. و هیچ کجا کلمه ای مثل «حجوا» که امر به حج باشد نه در قرآن آمده است و نه در روایات. در اصل، بدهکاری (حج) قصد قربت نمی خواهد. ولی اعمال مربوط به حج یک نوع عبادت است. و اصل حج یک نوع حکم توسلی است نه تعبدی.

عبادت چند معنا دارد یا به معنای اطاعت انجام فرمان است یا به معنای انجام هر کاری است که در آن مصلحتی باشد. در ذات هر عبادتی هدف باید انجام فرمان کسی باشد که او را ربّ می دانیم و الّا عبادت، عبادت نیست. مثلاً چرخیدن دور خانه خدا و حرم امام رضا علیه السلام هر دو چرخیدن است، ولی با هم فرق دارد و چرخیدن دور حرم امام رضا علیه السلام طواف نیست چون دور خانه خدا که می چرخیم دور خانه رب و آفریدگارمان می چرخیم که حیات و سلامت و مرگ و همه چیز ما به دست اوست. اما دور حرم امام رضا علیه السلام که می چرخیم چون آفریدگار ما نیست طواف محسوب نمی شود. مثل این که کسی را در خیابان ببینیم و به او احترام بگذاریم و تعظیم کنیم. این مورد با هنگامی که در برابر آفریدگارمان تعظیم می کنیم تفاوت دارد چون ما بنده خداوند هستیم و سجده در برابر خداوند عبادت است، اما در برابر دیگران تواضع و فروتنی است. و اگر تصور کنیم که همه چیز ما دست آن شخص است و به او احترام بگذاریم، دچار شرک شده ایم. وهابی ها ایراد می گیرند و می گویند ما می گوئیم یاالله ولی شیعیان می گویند یاعلی. جواب آن ها این است که شیعیان، علی را رب نمی دانند به همین دلیل دچار شرک نیستند.

در خصوص اسرار عبادات حج یا اسرار مناسک حج، این مناسک وقتی عبادت هستند که اعتقاد به ربوبیت در همه آن ها نهفته باشد. اصل عبادت، اعتقاد به ربوبیت است و در دل هر ذره از مناسک باید ببینیم که همه چیز ما در دست خداوند است. باید خود را وابسته به یک نیروی برتر (خداوند) بدانیم. این مسئله تأثیر تربیتی بسیار مهمی در زندگی انسان دارد.

پس تک تک اعمال، عبادت است و در انجام تمام اعمال باید جنبه ربوبیت خداوند را در نظر بگیریم و آگاهانه عمل کنیم.

هادوی: یکی از مراحل این کار دانستن احکام است، ولی اصرار روحانیون بر رعایت احکام باعث می شود که زائران بیشتر به ظاهر احکام توجه کنند و از باطن آن غفلت کنند. یکی از موارد بحث، نیت است. روحانیون به زائران القا می کنند که نیت را به اشکال مختلف به زبان جاری کنند و مثلاً بگویند که: من مُحرم می شوم به احرام حجه الاسلام از طرف خودم و.... این باعث می شود که زائر از حقیقت حج غافل شود و به این نکته توجه نکند که او با اراده خود دارد بعضی چیزها را بر خود حرام می کند تا فقط خودش بماند با منش ها و ابعاد درونی اش. اما اصرار روحانیون برای توجه به ظاهر احکام باعث می شود که زائران با پوسته ظاهری احکام درگیر شوند و گاهی دغدغه زائران برای توجه به ظاهر تا حدی پیش می رود که از باطن غافل می شوند و می خواهند هر چه زودتر اعمال حج و عمره تمام شود و هیچ لذتی از آن اعمال نمی برند.

پیچیده کردن اعمال حج خوب نیست و موجب غفلت از حقیقت اعمال می شود. باید آرامش را در زائران ایجاد کرد.

برای کاربردی کردن این مسائل باید از سخت گیری در احکام و نیت و.... پرهیز کرد؛ وقتی حج گزار از شهر خودش حرکت می کند، در واقع نیت به جا آوردن حج را داشته است و همین کافی است، ولی گاهی سخت گیری ها به حدی است که حج گزاران در اعمال عبادی روزانه خود نیز دچار وسواس می شوند و بعد از حج ممکن است علاقه آن ها به عبادات کاهش پیدا کند و یکی از موانع

پرداختن به باطن عبادات، پیچاندن ظاهر عبادات است و با وجودی که باید به ظاهر احکام پرداخت و آن را جدی گرفت، ولی نباید آن‌ها را به اندازه‌ای بزرگ جلوه داد که حج گزار از باطن غفلت کند. باید به روحانیون آموزش و دستورالعمل داده شود که به گونه‌ای احکام را آموزش دهند که جنبه باطنی عبادات نادیده گرفته نشود. حتی شیوه‌های گوناگون گزارش خواستن از روحانیون می‌تواند آن‌ها را راهنمایی کند تا چه راهکارهایی را برای اجرای احکام عبادی و آموزش آن در پیش گیرند. روحانیون جنبه‌های معنوی را هم در فرم‌های گزارش نیز منعکس کنند تا مشخص شود تا چه میزان مؤثر بوده است.

سؤال پنجم: روحانیون و اسرار حج

اشاره

توصیه و راه کار برای روحانیون در راستای انجام مسؤولیت های معنوی و فرهنگی در کاروان ها چیست و روحانیون چه تدابیری اتخاذ کنند تا از اسرار و فلسفه مناسک حج و عمره، بیشترین بهره را ببرند؟

افتخاری: بنا بر سفارش آیت الله بروجردی که می فرمود: «بهترین تصدقات، ارشاد بندگان خدا و وسیله شدن برای ارتباط بندگان با خداوند است» همچنین ایشان به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ، چه قولی بهتر و چه سخنی بالاتر است از سخنی که دعوت به سوی خداوند باشد؟» [فصلت: ۳۳] تمسک جسته و فرموده اند: «روحانیونی که به سفر حج می روند، باید بدانند که راه، راه خداست و عمل، برای خداست. پس باید نسبت به کسانی که پس از سپری کردن سال ها انتظار، سفر حج نصیبشان شده است احساس مسؤولیت کرده و آنان را یاری کنند؛ زیرا آنان برای انجام یک امر واجب آمده اند و می بایست توسط روحانیون کاروان ها با وظایف شرعی شان بیشتر آشنا شوند و این بهترین خدمت است به ویژه اگر توأم با قصد قربت و اخلاص در راه خدا باشد.

بهترین شیوه آن است که انسان متوجه باشد راه، راه خداست و برای او و به سوی او حرکت کرده است، پس باید از تمام علائق و وابستگی هایی که انسان را از توجه به خدا باز می دارد، دوری کند و موحیدانه در این راه قدم بر دارد، حال چه خودش انجام دهنده اعمال حج باشد، چه در مقام راهنمایی و ارشاد دیگران برای انجام

آن اعمال قرار گرفته باشد. پس باید یقین کند که اگر خالصانه در این راه پیش برود، حتماً مورد قبول خداوند واقع می شود، چرا که گفته اند: «کیف یقل مع التقوی».

اگر انسان این اصل را که می فرماید: «و اخلص العمل لله فإن الناقد بصیر» مدّ نظر قرار دهد و در مفاهیم آن تفکر نماید، می فهمد که فقط و فقط باید عمل خویش را برای خدا خالص کند؛ زیرا کسی که نگهبان کار اوست، به این اعمال رسیدگی می نماید و خداوند بصیر و بیناست. پس وقتی انسان، خداوند را ناظر بر اعمال خود بداند، خلوص و تقوای بیشتری پیدا می کند. در نتیجه هر فردی باید این آیه را سرلوحه زندگی و اعمال خویش قرار دهد که: «و ما تكون فی شأن و ما تتلوا منه من قرآن و لا تعملون من عمل الا کنا علیکم شهودا استفیضون فیه و ما یعضب عن ربک من مثقال ذره» تا هم در طول حیاتش خالصانه و با تقوا زندگی کند و هم خداوند و اهل بیت + از وی راضی و خشنود باشند و در قیامت نیز سربلند و افتخار آمیز محشور شوند..

بهشتی: در گذشته اصلاً روحانی مطرح نبود، ولی الحمدلله با زحماتی که بعثه مقام معظم رهبری در این سال ها کشیده این مشکل رفع شده است. بعد از انقلاب این مسأله مورد توجه قرار گرفته و در انتخاب روحانیون دقت می شود. هم در آموزش شان و هم در تهذیب شان. انسان باید از کبر و غرور دوری کند و اگر نکته ای نمی دانست، سؤال کند. خوب است روحانیون عزیز این مورد را رعایت کنند؛ زیرا هیچ اشکالی ندارد که اهل سؤال باشند و

با هم در مورد مسائل حج بحث کنند. سؤال و جواب موجب پختگی می شود مخصوصاً در جلسات مدینه که آقایان دقیقاً مسائل را بررسی می کنند. توصیه دیگر این است که هر چه می توانند با زائران، اخلاقی برخورد کنند و حُسن معاشرت داشته باشند در این صورت بیشتر می توانند روی آن ها تأثیر بگذارند و نفوذ کنند. چه بسا کسانی که ممکن است انحرافات یا مشکلاتی داشته باشند، ولی حالشان دگرگون و منقلب شود و به راه درست باز گردند.

عراقچی: حج گزاران باید بندگی خداوند را خالصانه انجام بدهند. روحانیون حج هم باید به حج گزاران مسائل را یاد بدهند و به آن ها بگویند که شما به این جا آمده اید که با خدا و پیغمبر بیعت کنید. حتی اگر دست کسی به حجرالاسود برسد، آن سنگ به منزله دست خداست و باید با آن بیعت کند و هر چه خدا برای انسان رقم بزند، به نفع اوست و خدا صلاح بندگانش را می خواهد پس باید با خدا باشند و هر جا که شیطان ظاهر شد، او را بزنند و این رمی، همیشگی باشد. هر وقت شیطان به سراغش آمد او را بزند و از خود دور کند. شیطان به هر عنوانی که با انسان حرف بزند خیر انسان را نمی خواهد.

خداوند در قرآن به حضرت آدم و حوا نصیحت کرد که از این درخت نخورید زیرا اگر به این حرف گوش کنید در بهشت جاوید خواهید شد. شیطان همه جا دنبال انسان می آید و خود را به هر شکلی در می آورد تا انسان را از راه خدا منحرف کند. در روایات آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام مشغول تجهیز بدن رسول خدا بودند که صدایی از بین زمین و آسمان

شنیدند که گفت بدن رسول خدا طیب و طاهر است و احتیاج به غسل ندارد. ظاهراً حرف درستی است و اما شیطان این گونه وارد می شود. همه می دانند که بدن رسول خدا پاک است اما وقتی حضرت امیر صلی الله علیه و آله و سلام این صدا را شنید فرمود که این صدا از جانب شیطان است؛ زیرا خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام به من وصیت کرده که بدن مرا غسل بده پس هر صدایی غیر از صدای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام باشد، صدای شیطان است. مثل صداهایی که از غرب و شرق می آید و همچون سم مهلک است. و این روایت درس بزرگی به ما می دهد و می فهمیم که شیطان گاهی به اشکال مقدسی بر انسان ظاهر می شود. ما باید از معصومین متابعت کنیم. تمام حرکات انسان باید به عصمت نزدیک شود. انسان سازی به دست معصومین + است نه به دست کسی دیگر. و به طور کلی عقل انسان ساز نیست وحی انسان ساز است. همه انبیا آمدند آنچه انسان ساز است را به انسان یاد بدهند. فقط باید از معصوم پیروی کرد که از سهو و خطا و نسیان و.... معصوم هستند. انسان باید خودش را به آن ها بسپارد. در روایت آمده است که: عالم ما هستیم _ خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلام به اصحاب فرمود _ و بقیه متعلم هستند حتی شیعیانی مانند سلمان و ابوذر و.... معلم فقط معصوم است زیرا معلم باید کل انسان را بشناسد و این تنها از معصوم برمی خیزد. خداوند ضمانت کرده که پیروی از آنان موجب رستگاری است.

هادوی: به عقیده من حج گزار باید قبل از رفتن به حج، خود را آماده کند و در زمینه حج و اسرار آن مطالعه کند تا در هنگام سفر از

آن استفاده کند و ایجاد این آمادگی به مقدماتی مانند دانستن احکام حج و اسرار و حکم حج و تطهیر و تغییر حال روحی خودمان وابسته است و اگر ما با یک توشه علمی و نظری و یک آمادگی عملی و فکری به حج برویم، بیشتر می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم. ظرف حج، ظرف ظهور این آمادگی هاست، نه ظرف تحقق آمادگی‌ها. روحانیون هم به طور ویژه باید خود را آماده کنند. چون خیلی از حج گزاران ممکن است فقط همین یک بار (در سفر حج) ارتباط نزدیک و رو در رو با روحانی داشته باشند و هر اتفاقی برای آن‌ها ماندگار خواهد بود و روحانی اگر به این نکته توجه داشته باشد که در حج در مقام انبیا و امامان قرار گرفته و مواظب گفتار و رفتار خود باشد، به گونه‌ای عمل خواهد کرد که در حج گزاران اثر جاودانی داشته باشد و روحانیونی که بیشتر به حج مشرف می‌شوند، بیشتر به جنبه معنوی و باطنی اعمال توجه داشته و در هنگام انجام اعمال حج، ارتباط معنوی خود را با خدا تقویت کنند تا از این فرصت‌ها بهره‌های معنوی بیشتری ببرند.

فصل دوم: آسان ترین شیوه محاسبه خمس

اشاره

مطابق با فتاوی آیات عظام:

امام خمینی (قدس سره)، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه ای،

خوئی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی،

مکارم شیرازی، نوری همدانی و وحید خراسانی

اهمیت وجوب تخمیس اموال

تخمیس اموال، در فقه شیعه از فرائض و واجبات مالی است و در اهمیت آن همین مقدار بس که در فرهنگ غنی دین شناسان راستین، عترت نبوی (ص)، به عنوان وسیله تطهیر اموال و پالایش نفس و جان مطرح شده است. چنانکه مرحوم صدوق در علل الشرایع و نیز من لایحضره الفقیه و نیز مرحوم کلینی در کافی به سند معتبر (موثقه ابن بکیر) در این باره از امام صادق (ع) نقل کرده اند که فرمود: انی لآخذ من احدکم الدرهم و انی لمن اکثر اهل المدینه مالا ما ارید بذلک الا ان تطهروا (۱)؛ به راستی من با این که خود غنی ترین مردم مدینه هستم، از برخی از شما درهمی را (به عنوان خمس) دریافت می کنم و غرضم جز پاک شدن شما نیست.

در اهمیت وجوب تخمیس اموال از نگاه فقهی این دو مسئله قبل از هر چیز جلب توجه می کند.

۱- به اتفاق فقها و مراجع عظام، تصرف در مالی که متعلق خمس است، هر چند قصد دادن خمس آن را داشته باشد، جایز نیست مگر با اذن حاکم شرع. (۲) البته به فتوای آیه الله زنجانی، تصرف در مالی که متعلق خمس است، تا زمانی که مقدار خمس و یک پنجم آن باقی است، اشکال ندارد. (۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۳۳۷: ۶، ابواب ما یجب فیہ الخمس، باب ۱، حدیث ۳

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۱۷۹۰؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۳۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۹۸، نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۱۷۸۶

۳- المسائل الشرعیه، م ۱۷۹۸.

۲- به اتفاق مراجع عظام مکلف، شرعاً نمی تواند، بدون مراجعه به مرجع خود، خمس را به ذمه بگیرد و خود را بدهکار اهل خمس بداند و در آن تصرف کند. (۱) نوشته ای که پیش روی دارید بر آن است تا آسان ترین شیوه محاسبه خمس اموال را در راستای مسایل مورد ابتلا با رعایت دقائق و ظرائف فتوایی بر اساس فتوای مشهور مراجع عظام ارایه دهد. و قبل از آن بایسته است با ضابطه تعیین مبدأ سال خمسی آشنا شویم.

مبدأ سال خمسی، قهری است، نه انتخابی

اولین مسئله در محاسبه خمس اموال که جلب توجه می کند و رعایت آن ضرور و لازم است، این است که:

تعیین مبدأ سال خمسی که بر اساس آن محاسبه انجام می شود و مکلف شرعاً مجاز است تا پایان سال، درآمد خود را صرف در مؤونه زندگی کند، و اگر صرف نکرد، واجب است خمس آن را بپردازد. یک امری انتخابی نیست، به گونه ای که به دلخواه خود در هر زمان بتواند سر سال قرار دهد؛ بلکه قهری و واقعی و دارای ضابطه خاصی است که با وجود آن ضابطه، مبدأ سال خمسی شروع می شود. هر چند او قصد نکند و نخواهد آن را مبدأ سال خود قرار دهد.

در ضابطه مبدأ سال خمسی سه نظر بین مراجع عظام وجود دارد:

۱- آیات عظام امام خمینی (قدس سره)، بهجت، خامنه ای،

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۹۱ و ۱۷۹۲؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۸۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۱۷۸۷ و ۱۷۸۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۹۹.

صافی و فاضل: مبدأ سال خمسی کسانی که درآمد تدریجی روزانه دارند؛ مانند تاجر، کاسب و صنعت گر؛ اولین روزی است که شروع به کسب و کار کرده اند و کسانی که حقوق بگیر هستند به این معنا که درآمد کارشان در زمانی معین (مثل آخر برج) به دست می آید، مبدأ سالشان، اولین روزی است که حقوق و درآمد در اختیارشان قرار می گیرد و تمکن از دریافت دارند (ولو دریافت نکنند). (۱) مثلاً اگر کارمندی بیست سال قبل اولین حقوق خود را در روز ۲۰ آبان دریافت کرد و یا می توانست دریافت کند، برای همیشه مبدأ سال خمسی او روز ۲۰ آبان است.

۲- آیات عظام خوئی، تبریزی، زنجانی، مکارم، نوری، وحید خراسانی: مبدأ سال خمسی برای هر کس اعم از کارمند، حقوق بگیر، کاسب و کشاورز، اولین روزی است که درآمد برای او حاصل شده است. (۲) ۳- آیه الله سیستانی: مبدأ سال خمسی برای کسی که شغلی

- ۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶، از چاپ جامعه مدرسین، استفتائات، ج ۱، س ۱۳۵؛ خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۹۹۴؛ بهجت، وسیله النجاه، م ۱۳۸۲، توضیح المسائل، م ۱۳۸۴؛ صافی، توضیح المسائل، م ۱۷۷۴ و جامع الاحکام، ج ۱، س ۶۰۸؛ فاضل، توضیح المسائل، م ۱۷۶۵ و جامع المسائل، ج ۱، س ۸۰۵ و ۸۱۰
- ۲- خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ص ۳۳۵، م ۱۲۱۸؛ و التعلیق علی منهاج الصالحین، م ۱۲۱۸؛ زنجانی، المسائل الشرعیه، م ۱۷۷۳؛ تبریزی، توضیح المسائل، م ۱۷۷۴، مکارم، توضیح المسائل، م ۱۴۸۶؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۳۱۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۸۲ و حاشیه منهاج الصالحین، م ۱۲۱۸، ج ۱، ص ۳۷۳.

دارد، اولین روزی است که شروع به کار کرده است. (۱)

چند مسئله

۱- سیستانی، المسائل المتخبه، م ۵۹۳.

مسئله اول: کسی که کاسب نیست بلکه کارمند، حقوق بگیر، یا کشاورز است، اگر به طور اتفاقی معامله ای کند و سودی ببرد، به اتفاق همه مراجع عظام، مبدأ سال خمس او در خصوص این سود از زمانی است که به دست آمده و چنان چه از آن زمان تا یک سال بعد در مخارج زندگی صرف نکند، باید خمس آن را بدهد. (۱)

مسئله دوم: شخصی که دارای چند شغل است و چند منبع درآمد دارد، مانند کارمند و حقوق بگیر که کشاورزی هم می کند یا این که کاسب است و منزل و مغازه خود را نیز اجاره می دهد. آیا می تواند برای هر یک از آن ها سال خمس مستقل قرار دهد؟

۱- به نظر همه مراجع (به جز آیه الله وحید خراسانی و آیه الله مکارم) می تواند برای هر کدام سال جداگانه ای قرار دهد، ولی چنان چه در یکی از شغل ها زیان دید نمی تواند از سود دیگری جبران کند. (۲)

۲- آیه الله وحید خراسانی: واجب است برای تمام درآمدها

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۶۵؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۷۳ و حاشیه منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۳، م ۱۲۱۸.

۲- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس الخامس، م ۱۲ و استفتائات، ج ۱، ص ۳۵۰، س ۱۷؛ بهجت، وسیله النجاه، م ۱۳۸۴، تبریزی، صراط النجاه، ج ۲، س ۵۵۹، خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۳۵، م ۱۲۱۸؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۶۴، زنجانی، المسائل الشرعیه، م ۱۷۷۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۷۰؛ س ۵۹۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۱۰؛ گلپایگانی، مجمع المسائل، س ۱۰۱۳؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۳۱۹.

یک سال خمسی قرار دهد. (۱)

۳- آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، باید درآمد هر دو شغل را آخر سال یک جا حساب کند. (۲)

لیست اموال

اشاره

به طور کلی اموال هر مکلفی نوعاً از اقلام ذیل خارج نیست:

۱- ارث

۲- هدیه و بخشش

۳- سرمایه

۴- درآمد کسب و کار مصرف شده

۵- درآمد کسب و کار پس انداز شده

۶- قرض و وام مصرف شده

۷- قرض و وام پس انداز شده

۸- قرض و طلب

۹- مهریه

۱۰- دیه

۱۱- صدقات و وجوه شرعیه

۱۲- حقوق بازنشستگی

۱۳- حق بیمه

۱۴- مال حلال مخلوط به حرام

۱- حاشیه منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۳، م ۱۲۱۸ و توضیح المسائل، م ۱۷۹۰.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۷۳.

خمس است، ولی چون مورد ابتلاء غالب مکلفین نیست، بحث از آن‌ها درین مختصر، ضرورتی ندارد.

اینک بررسی حکم فقهی خمس اقلام مذکور را از منظر مراجع عظام پی می‌گیریم.

۱. ارث

در مورد تعلق خمس به ارث سه نظر وجود دارد:

۱.۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، صافی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، وحید خراسانی: ارث خمس ندارد، مگر این که وارث بداند هنگامی که در دست مورث بوده، متعلق خمس شده و خمس آن را نداده یا این که بداند بر ذمه او بدهی خمس بوده و نپرداخته است. در این دو صورت پرداخت خمس بر وارث واجب است.

چنانکه در عروه الوثقی در فصل «ما یجب فیه الخمس» در این باره چنین آمده است: «مسأله ۵۰: اذا علم ان مورثه لم یؤد خمس ما ترکه وجب اخراجه سواء کانت العین التي تعلق بها الخمس موجوده فیها او کان الموجود عوضها بل لو علم باشتغال ذمته بالخمس وجب اخراجه من ترکته مثل سائر الدیون.» (۱)

متن مذکور مورد قبول مراجع مزبور است.

در توضیح المسائل مراجع نیز آمده است: «اگر مالی به ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده باید خمس آن را بدهد و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد، ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد. (مسئله ۱۷۵۵)» (۲)

متن فوق مورد قبول همه مراجع مذکور است. البته عبارت

آیه الله بهجت نسبت به صورتی که مورث بابت خمس بدهکار است، ساکت می باشد.

۱- العروه الوثقی ۴: ۲۷۷.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۵، م ۱۷۵۵؛ خامنه‌ای، اجوبه، س ۸۵۹؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۶۲.

۱.۲. آیات عظام خوئی و تبریزی: «ارث خمس ندارد مگر این که وارث بداند قبلاً به آن خمس تعلق گرفته و مورث آن را پرداخته که در این صورت به احتیاط واجب باید (ورثه کبیر تبریزی) خمس آن را پردازند ولی اگر وارث بداند که مورث خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او پردازد.» (۱)

ناگفته نماند که آنچه در توضیح المسائل مراجع درباره نظر

آیه الله تبریزی ذکر شده که در صورت یقین وارث به تعلق خمس به عین مال موروث اظهر عدم وجوب خمس است، نظر سابق ایشان بوده و نظر اخیر ایشان همان است که ملاحظه شد.

۱.۳. آیه الله سیستانی: ارث مطلقاً خمس ندارد.

از مطالعه منهاج الصالحین، المسائل المنتخبه و توضیح المسائل ایشان (۲) به دست می آید که مسئله سه صورت دارد:

صورت اول: میت اعتقادی به پرداخت خمس نداشته است.

صورت دوم: میت اعتقاد به دادن خمس داشته، ولی عملاً خمس نمی داده است.

در این دو صورت هر چند پرداخت خمس بر او واجب بوده، ولی پرداخت خمس بر ورثه واجب نیست، چه نسبت به صورتی که خمس متعلق به عین ارث موجود بوده و نداده و چه به ذمه او تعلق گرفته و نداده است. در هر دو حال چیزی بر ورثه نیست.

صورت سوم: میت معتقد به دادن خمس بوده و خمس هم

۱- تبریزی، توضیح المسائل، چاپ ۱۳۸۲، ص ۲۵۸.

۲- منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۵۴ و المسائل المنتخبه، م ۶۱۷ و توضیح المسائل، م ۱۷۶۴.

می داده، ولی نسبت به برخی از اموال، موفق به پرداخت خمس نشده است، در این صورت بر وراثت واجب است قبل از تقسیم ارث، خمس را پردازند؛ هم خمسی که به عین اموال موجود تعلق گرفته و هم خمسی که بر ذمه میت بوده است.

دو مسئله

مسئله اول: در خصوص خمس ارث، میتی که انسان با او خویشاوندی دوری داشته و توقع و گمان ارث بردن از او را نداشته است، چند نظر است:

۱. آیه الله وحید خراسانی: واجب است در صورتی که از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را بدهد. (۱)

۲. آیات عظام اراکی، بهجت، خوئی، تبریزی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، به احتیاط واجب خمس آن را پردازد. (۲)

۳. آیات عظام امام خمینی (ره)، خامنه ای و نوری همدانی: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، احتیاط مستحب آن است که خمس آن را بدهد. (۳)

مسئله دوم: در خصوص شخصی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، اراکی، خوئی، خامنه ای، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم،

۱- توضیح المسائل، ۵۱۸، م ۱۷۷۱.

۲- توضیح المسائل مراجع، ۲: م ۱۷۵۴. زنجانی، المسائل الشرعیه، م ۱۷۶۲.

۳- همان

و حید خراسانی، نوری همدانی: باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهند. (۱)

آیه الله زنجانی در این باره افزوده است: البته مخارج ضروری کفن و دفن و مراسم ترحیم که اگر از مال میت صرف آن ها نشود آبروی میت در خطر است، از مخارج میت به شمار می آید و خمس به آن ها تعلق نمی گیرد. (۲)

۲. آیه الله تبریزی: بر ورثه لازم نیست مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهند. (۳)

۲. هدیه و بخشش

درباره خمس هدیه دو مسئله مطرح است:

مسئله اول: این که آیا بر واهب (هدیه دهنده و بخشش کننده) در صورتی که هدیه از درآمد کسب و کار او باشد، خمس واجب است یا نه؟

پاسخ: در صورتی که هدیه و بخشش از درآمد بین سال باشد و زائد بر شأن هدیه دهنده نباشد، به اتفاق همه مراجع عظام از مؤونه او محسوب می شود و خمس ندارد. (۴) و البته این مسئله از فروع و جزئیاتی برخوردار است که چون مجال واسعی می طلبد و از حوصله این مختصر بدور است، به همین مقدار بسنده می شود.

مسئله دوم: که بیشتر مورد ابتلاء و پرسش است و محور بحث ماست، این است که آیا بر موهوب له (کسی که به او بخشش شده)

۱- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۶۷.

۲- همان.

۳- همان

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۷۶.

خمس واجب است یا نه؟

در پاسخ این مسئله باید گفت که در اینجا دو صورت قابل تصویر است:

صورت اول: مجموع هدیه و بخشش در بین سال خمسی، صرف در مؤونه زندگی شود که به فتوای همه مراجع عظام، خمس ندارد.

صورت دوم: هدیه و بخشش تا وصول سر سال خمسی صرف در مؤونه زندگی نشود، که در این صورت پنج نظر وجود دارد:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، خامنه ای و نوری همدانی: خمس آن واجب نیست، گرچه احتیاط مستحب است. (۱)

۲. آیات عظام اراکی، خوئی، گلپایگانی، سیستانی و صافی: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد. (۲)

۳. آیات عظام بهجت، فاضل و مکارم: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. (۳)

۴. آیه الله تبریزی و آیه الله وحید خراسانی: چنان چه از مخارج سالش زیاد بیاید و عرفاً چیز کوچکی شمرده نشود، بلکه قیمت

۱- امام خمینی ره، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس الخامس و توضیح المسائل، م ۱۷۵۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۸۵۱ و ۸۵۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۳.

۳- همان

معتابھی داشته باشد، خمس آن را باید بدهد. (۱)

۵. آیه الله زنجانی: چنان چه از مخارج سالش زیاد بیاید اگر مالی که به دست آورده ارزشمند باشد، لازم است خمس آن را بدهد بلکه بنابر احتیاط اگر مال ارزشمندی هم نباشد، خمس آن را بدهد. (۲)

مصادیقی از هبه و بخشش

گرچه مصادیق هبه و بخشش بسیار است، ولی از میان آنها، بر مواردی که بیشتر مورد ابتلاء و سؤال است اشاره می شود.

۱. مطلق جوایز و از آن جمله جایزه های بانکی ۲. کادو ۳. انعام ۴. کمک هزینه تحصیلی که دولت به دانشجویان پرداخت می کند

۵. عیدی ۶. پول تو جیبی که پدران به فرزندان می دهند ۷. هدیه

۸. تشویقی ۹. وجوهی که بنیاد شهید به خانواده شهدا پرداخت می نماید ۱۰. پاداش.

۳. سرمایه

سرمایه در صورتی که متشکل از اموالی است که متعلق خمس نیست، از قبیل ارث، مهریه، دیه و مانند آن، بی شک خمس به آن تعلق نمی گیرد. ولی در صورتی که از درآمد کسب و کار و حقوق تهیه شده باشد، درباره خمس آن چند نظر بین مراجع عظام وجود دارد:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، خامنه ای: سرمایه خمس دارد، مگر این که مقصداری باشد که با پرداخت خمس آن، درآمد کسب با بقیه وافی به هزینه زندگی او نیست و یا این که کسب با بقیه مناسب با شأن عرفی او نباشد، در این دو صورت

۱- تبریزی، توضیح المسائل، م ۱۷۶۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۷۰.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۶۲

خمس ندارد. (۱)

۲. آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: سرمایه خمس دارد مگر آن را از چیزی تهیه کرده باشد که متعلق خمس نیست. (۲)

بنابراین سرمایه ای که از درآمد کسب و کار و حقوق تهیه شده است، مطلقاً خمس دارد. حتی اگر مقداری باشد که درآمد کسب با آن وافى به هزینه زندگی او نباشد یا مجبور است کسبی اختیار کند که مناسب با شأن عرفی او نیست باز هم خمس دارد.

۳. آیه الله خوئی و آیه الله تبریزی: سرمایه اگر از درآمدهای سال قبل تهیه شده باشد، مطلقاً خمس دارد، ولی اگر از درآمد بین سال جاری است، فقط به مقداری که مؤونه سال اوست، خمس ندارد و بقیه خمس دارد. (۳)

۴. آیات عظام بهجت، فاضل (نظر اخیر ایشان) و زنجانی: آن مقداری از سرمایه که برای تأمین معاش (مطابق با شأن) خود و عائله اش به آن نیاز دارد، خمس ندارد و بقیه آن خمس دارد. (۴) قهراً اگر تمام سرمایه برای تأمین معاش خود و عائله اش مورد نیاز است، تمام آن خمس ندارد.

۵. آیه الله سیستانی و آیه الله مکارم (نظر اخیر ایشان): سرمایه خمس دارد مگر این که ادای خمس سبب شود که نتواند با بقیه،

۱- امام خمینی ره، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس الخامس، م ۱۳؛ استفتائات امام خمینی ره ۱: ۳۵۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۵۲، نوری.

۲- گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۲۸۹؛ صافی، جامع الاحکام ۱، ۱۶۸، س ۵۹۰.

۳- منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۳، م ۱۲۱۹.

۴- بهجت، توضیح المسائل، م ۱۴۰۱؛ فاضل، استفتاء؛ زنجانی، استفتاء

زندگی خود را اداره کند، ولی در صورتی که با دست گردان نمودن بتواند تدریجاً آن را بپردازد، ساقط نمی شود. (۱)

۶. آیه الله وحید خراسانی: پرداخت خمس سرمایه واجب است، ولی در صورتی که سرمایه مقداری باشد که برای تهیه معاش خود و عائله اش به آن نیاز دارد، به احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. (۲)

۴. درآمد پس انداز شده

درآمد کسب و کار و تجارت و کشاورزی از دو حال خارج نیست:

۱. درآمد پس انداز شده

۲. درآمد مصرف شده

اما درآمد پس انداز شده که سال بر آن گذشته و صرف در مؤونه زندگی نشده است، درباره خمس آن چند نظر است:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، اراکی، خوئی، تبریزی، سیستانی، وحید خراسانی: خمس دارد. (۳)

۲. آیه الله خامنه ای (نظر اخیر ایشان): پس انداز درآمد سال برای صرف در مؤونه در سال بعد اگر در آستانه صرف در مؤونه تا چند روز آینده باشد و یا خود داشتن مبلغی پس انداز جزو مؤونه او محسوب باشد، خمس ندارد و گر نه باید خمس آن را بپردازد. (۴)

ضمناً نظر قبلی معظم له این بود که با رسیدن سر سال خمسی واجب است خمس درآمد پرداخت شود، مگر در مورد پس انداز درآمد برای تهیه منزل و لوازم ضروری زندگی که اگر در آینده نزدیک

۱- سیستانی، المسائل المتتخبه، ج ۱، ص ۲۷۴، م ۵۸۷؛ مکارم، استفتاء کتبی.

۲- منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۳، م ۱۲۱۹، تعلیقه، ۶۹۵.

۳- توضیح المسائل مراجع ۲: م ۱۷۵۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس الخامس؛ خوئی و تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۱۷؛ سیستانی، توضیح المسائل، م ۱۷۶۱؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۶۹ و ۱۷۹۴.

۴- استفتاء کتبی.

مثلاً دو سه ماه پس از سال خمسی در این موارد مصرف شود، خمس ندارد.

۳. آیات عظام بهجت، زنجانی و فاضل: خمس دارد مگر این که پس انداز کردن درآمد برای تهیه چیزهایی باشد که در زندگی عرفاً به آن احتیاج دارد، مانند منزل، اثاثیه، جهیزیه دختر، وسیله نقلیه مورد نیاز و مانند آن ها و نمی تواند یک دفعه آن ها را تهیه نماید. در این صورت پس انداز درآمد اگر چه چندین سال هم بر آن بگذرد، خمس ندارد. (۱)

با توجه به فتوای مذکور این نتیجه را می گیریم که از نظر مراجع عظام مذکور، مؤونه زندگی که در باب خمس، استثناء شده مقید به مؤونه بین سال نیست، بلکه شامل هر نوع مؤونه ای که عرفاً مورد نیاز است و تهیه آن به طور دفعی در بین سال میسر نیست، می شود.

۴. آیه الله گلپایگانی (نظر اخیر ایشان) و آیت الله صافی: خمس دارد مگر این که پس انداز کردن برای تهیه خانه مسکونی مورد نیاز فعلی و در حد شأن باشد و راهی برای خرید خانه به جز ذخیره و پس انداز کردن پول نداشته باشد که در این صورت به آن خمس

۱- بهجت، توضیح المسائل، م ۱۳۹۱؛ فاضل، جامع المسائل، س ۶۷۸ و استفتاء؛ زنجانی، استفتاء.

تعلق نمی گیرد. (۱)

۵. درآمد مصرف شده

درآمد کسب و کار و حقوق که مصرف شده، از چند صورت برخوردار است.

صورت اول: قبل از وصول سال خمس می صرف در مؤونه زندگی نشده بلکه در بین سال یا پس از وصول آن مبدل به سرمایه شده است، در این صورت حکم سرمایه را دارد که به تفصیل فتاوی مراجع عظام درباره خمس آن ملاحظه شد.

صورت دوم: در بین سال، صرف در مؤونه زندگی متناسب با شأن عرفی شده است. در این صورت به اتفاق همه مراجع عظام، خمس به آن تعلق نمی گیرد. (۲)

صورت سوم: پس از وصول سال خمس صرف در مؤونه زندگی شده است. در این صورت به نظر همه مراجع عظام خمس دارد. به جز آیات عظام بهجت، زنجانی و فاضل که به نظر مبارک آن ها چنان که قبلاً گذشت در صورتی که به قصد صرف در ضروریات زندگی پس انداز شده و بعدها صرف در همان می شود خمس ندارد.

همچنین آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی، چنان که قبلاً ملاحظه شد، می فرمایند: در خصوص موردی که درآمد به منظور تهیه منزل مسکونی پس انداز شده و راهی برای خرید منزل جز با

۱- گلپایگانی، استفتاء؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۷۰۵ و ۷۰۹.

۲- توضیح المسائل مراجع ۲: م ۱۷۷۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۲۱؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۹۲.

پس انداز کردن پول نداشته باشد و پس از وصول سال خمسی یا سال های بعد صرف در تهیه منزل می شود، خمس ندارد و در بقیه موارد خمس دارد.

صورت چهارم: درآمد کسب و کار صرف در مؤونه زندگی شده، مثلاً با آن منزل ساخته یا وسیله نقلیه و یا وسایل مورد نیاز در منزل خریده، ولی برای او مشکوک است که آیا در بین سال خمسی، درآمد را صرف مؤونه کرده یا پس از وصول آن. در این صورت چند نظر است:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، اراکی، تبریزی، خوئی، خامنه ای، سیستانی، مکارم، وحید خراسانی: بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند.

چنان که در توضیح المسائل مراجع آمده است: مسئله ۱۷۹۷ کسی که از اول تکلیف، خمس ندارد اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد خرید و یک سال از خرید آن گذشت باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آن احتیاج دارد، مطابق شأن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده، آن ها را خریده، لازم نیست خمس آن ها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند. (۱)

۲. آیات عظام گلپایگانی، و صافی: بنابر احتیاط مستحب باید با

۱- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۹۷؛ خامنه ای، اجوبه، س ۹۲۷ و ۹۳۴؛ زنجانی، توضیح المسائل، ج ۲، م ۱۰۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۲۵؛ م ۱۸۱۵.

حاکم شرع مصالحه کند. (۱)

۳. آیه الله زنجانی: اگر درآمد را پس از سال خمسی، صرف در چیزهایی کرده که به آن ها احتیاج دارد به طوری که برای تهیه آن ها لازم بوده درآمد را کنار بگذارد باز هم خمس ندارد و اگر وضعیت مالی وی مشخص نباشد بنا بر احتیاط واجب، باید با حاکم شرع مصالحه کند. (۲)

۶. قرض و وام مصرف شده

۱- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۹۷؛ آیه الله گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۱۸۰۶.

۲- آیه الله زنجانی، توضیح المسائل، م ۱۸۰۶.

مبالغی که شخص به عنوان قرض یا وام دریافت می کند، به صورت های ذیل می باشد:

صورت اول: این که سال خمسی فرا رسیده و هیچ مقدار از قرض و اقساط وام پرداخت نشده است. در این صورت به نظر همه مراجع عظام، خمس تعلق نمی گیرد. چه این که اصل مبلغی که قرض یا وام گرفته شده، به هنگام وصول سال خمسی موجود باشد یا صرف در مؤونه زندگی شده یا تبدیل به سرمایه شده است.

صورت دوم: این که تمام قرض و اقساط وام یا بخشی از آن با درآمد بین سال پرداخت شده ولی اصل قرض و وام در بین سال خمسی، صرف در مؤونه زندگی شده است.

در این صورت به فتوای همه مراجع عظام، خمس واجب نیست؛ زیرا چنانکه قبلاً ملاحظه شد، درآمدی که در بین سال صرف در مؤونه زندگی شود به نظر همه مراجع مستثنا است.

صورت سوم: این که تمام قرض و اقساط وام یا بخشی از آن از درآمد بین سال پرداخت شده، ولی پس از وصول سال خمسی در مؤونه زندگی از قبیل خرید منزل یا وسیله نقلیه مورد نیاز و یا لوازم زندگی صرف شده است. در این صورت چند نظر است:

۱. آیات عظام بهجت، زنجانی و فاضل: مؤونه مستثنای از وجوب خمس، مقید به سال نیست و خمس ندارد.

۲. آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: در خصوص موردی که قرض و وام صرف در خرید منزل شده است، خمس ندارد.

۳. به نظر بقیه مراجع عظام (امام خمینی (ره)، اراکی، خوئی، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، مکارم، وحید، نوری) آن

مقدار از قرض و وام که پرداخته شده، خمس دارد.

صورت چهارم: تمام قرض و اقساط وام یا بخشی از آن، از درآمد بین سال پرداخت شده، ولی اصل قرض و وام مبدل به سرمایه کسب یا ابزار کار شده است. در این صورت حکم سرمایه را دارد که در مبحث خمس سرمایه، شش نظر درباره آن ذکر شد. برای آشنایی با حکم خمس آن، به مبحث مذکور مراجعه شود.

۷. قرض و وام پس انداز شده

قسم دیگر از اقسام قرض و وام این است که تمام قرض و اقساط وام یا بخشی از آن پرداخت شده ولی اصل قرض، وام موجود است و مصرف نشده، بلکه پس انداز شده است که از چند صورت برخوردار است:

صورت اول: این که برای مؤونه زندگی به آن نیازی ندارد.

همه مراجع عظام: به آن مقداری از قرض و اقساط آن که پرداخت شده، خمس تعلق می گیرد.

صورت دوم: این که جهت تأمین مؤونه متناسب با شأن عرفی زندگی خود به آن نیاز دارد.

۱. آیات عظام بهجت، زنجانی، فاضل که قائلند مؤونه مستثنای از وجوب خمس، مقید به سال نیست مطلقاً خمس ندارد. چه این که مورد نیاز، تهیه منزل باشد یا وسیله نقلیه و یا غیر آنها.

۲. آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: در خصوص موردی که نیاز او به مبالغ مذکور جهت تهیه منزل باشد و راه دیگری برای خرید آن ندارد، خمس ندارد.

۳. بقیه مراجع عظام: آن مقدار از قرض و اقساط آن که پرداخت شده، خمس دارد.

۸. قرض و طلب

حکم خمس پولی که از درآمد به عنوان قرض به دیگری می دهد با حکم خمس پولی که از کسی به عنوان مزد کار و یا حقوق طلبکار است فرق می کند که به تفصیل حکم هر دو به قرار ذیل تشریح می شود.

اما قرض: پولی که از درآمد خود به دیگری قرض می دهد، دو صورت دارد:

صورت اول: این که پس از گذشت سال، آن را قرض داده است که به فتوای همه مراجع عظام واجب است خمس آن پرداخت شود؛ زیرا قبل از آن که آن را قرض دهد، با رسیدن سر سال خمسی متعلق خمس شده بود.

صورت دوم: این که از درآمد بین سال قرض داده است. در این صورت اگر دریافت قرض برای او در پایان سال خمسی ممکن باشد، باید خمس آن را در پایان سال بدهد و اگر دریافت آن ممکن نباشد، تا آن را دریافت نکرده، پرداخت خمس آن واجب نیست. (۱)

و اما طلب: مبالغی که مکلف از دیگران بابت اجرت کار و حقوق، طلب دارد از دو صورت برخوردار است:

صورت اول: این که طلب او به هنگام رسیدن سر سال خمسی، قابل دریافت است در این صورت به نظر همه مراجع عظام خمس دارد.

۱- امام خمینی (ره)، استفتائات، ج ۱، س ۹۶؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۳۷۹؛ تبریزی، استفتائات، س ۹۴۶؛ خامنه ای، اجوبه، س ۸۷۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۵۱؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۶۲۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۳۳؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۳۱۹؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۳۷۲؛ وحید، استفتاء شفاهی.

صورت دوم: این که طلب او به هنگام رسیدن سر سال خمسی قابل دریافت نباشد. مانند حقوق معوقه کارمندان. در این صورت:

۱. همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، سیستانی و وحید خراسانی): جزء درآمد سال دریافت محسوب می شود که اگر تا پایان سال خمسی، در مؤونه زندگی مصرف شود، خمس ندارد و اگر بماند خمس دارد. (۱)

۲. آیه الله تبریزی: اگر برای شخص خاصی یا شرکت خصوصی کار کرده است باید در همان سال که کار کرده، خمس آن را بدهد و اگر برای دولت اجیر شده جزء درآمد سال دریافت محسوب می شود و چنان چه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد. (۲)

۳. آیه الله سیستانی: به مجرد دریافت، فوراً باید خمس آن پرداخت شود. (۳)

۴. آیه الله وحید: بنابر احتیاط واجب به مجرد دریافت، فوراً خمس آن پرداخت شود. [۴۷]

۹. مهریه

۱. همه مراجع عظام (به جز آیه الله بهجت): خمس ندارد. (۴)

۲. آیه الله بهجت: بنابر احتیاط واجب اگر از مخارج سالش اضافه

۱- امام خمینی (ره)، استفتائات، ج ۱، س ۱۴۱؛ خامنه ای، اجوبه، س ۸۹۸؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۶۲۲؛ فاضل،

جامع المسائل، ج ۱، س ۸۳۹؛ بهجت و مکارم، استفتاء

۲- تبریزی، استفتائات، س ۸۶۷.

۳- و ۳. استفتاء کتبی.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۴.

آمد، باید خمس آن را بدهد. (۱)

۱۰. دیه

دیه سه قسم است:

۱. دیه نفس

۲. دیه اعضاء، مانند دیه دست، پا، چشم و مانند آن

۳. دیه منافع اعضاء، مانند دیه قوه سامعه، باصره، ذائقه، لامسه و شامه

اما دیه اعضاء و منافع آن:

۱. همه مراجع عظام (به جز آیه الله بهجت): خمس ندارد. (۲)

۲. آیه الله بهجت: اگر در بین سال صرف در مؤونه زندگی نشود، به احتیاط واجب، خمس دارد. (۳)

اما دیه نفس:

۱. همه مراجع عظام (به جز آیه الله وحید): خمس ندارد. (۴)

۲. آیه الله وحید: دیه نفس، چون ارث غیر مترقب است، خمس آن واجب است.

۱۱. وجوه شرعیہ (خمس، زکات، صدقات)

۱- همان

۲- ۲ و ۳. استفتاء.

۳- -

۴- -

در تعلق خمس به وجوه شرعیه (خمس، زکات و صدقات) چهار نظر است:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، بهجت، خامنه‌ای، مکارم و نوری: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید واجب نیست خمس آن را بدهد. (۱)

۲. آیات عظام گلپایگانی، صافی و فاضل: در مالی که فقیر بابت خمس و زکات گرفته، خمس واجب نیست، اما احتیاط واجب آن است که خمس مالی را که بابت صدقه مستحبی به او داده اند اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، بدهد. (۲)

آیه الله سیستانی: اگر مالی را که فقیر بابت صدقه واجب مانند کفارات و ردّ مظالم یا مستحبی گرفته است، از مخارج سالش زیاد بیاید ... بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. ولی اگر مالی را از بابت خمس یا زکات از روی استحقاق به او داده باشند، لازم نیست خمس خود آن را بدهد. (۳)

۱. آیه الله زنجانی: مالی را که فقیر بابت خمس می‌گیرد، خمس ندارد. هر چند از مخارج سالش زیاد بیاید. ولی مالی را که فقیر بابت زکات یا صدقه مستحبی می‌گیرد اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (۴)

۲. آیه الله وحید: اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکات گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب خمس آن را بدهد و مالی را که به عنوان صدقه به کسی داده اند، اگر

۱- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۵۹.

۲- همان

۳- همان

۴- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۵۹ و المسائل الشرعیه، م ۱۷۶۷.

از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (۱)

۳. آیات عظام خوئی و تبریزی: اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (۲)

نکته: هر گاه از مالی که به عنوان زکات یا خمس یا صدقه واجب و یا مستحب دریافت کرده، منفعتی به دست آورد چه از طریق تجارت یا مضاربه با آن. یا از طریق دیگری مانند این که از درختی که بابت یکی از این عناوین به او داده اند، میوه ای به دست آورد، و درخت را برای منفعت بردن و کسب نگه داشته باشد، به فتوای همه مراجع، اگر آن منفعت از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس دارد. (۳) البته بر مبنای آیات عظام بهجت، زنجانی و فاضل که مؤونه مستثنی از وجوب خمس مقید به سالی که سود و درآمد را در آن به دست آورده نیست. بلکه اگر نیاز به اشیائی دارد از قبیل منزل و وسایل نقلیه که برای خرید آن ناگزیر است سال ها پول پس انداز کند، خمس ندارد. قهراً بر این مبنا در فرض مذکور واجب نیست خمس منافع زکات و خمس و صدقات را بپردازد.

۱۲. حقوق بازنشستگی

در اصل تعلق خمس به حقوق بازنشستگی کارمندان بین مراجع عظام اختلافی نیست، ولی در این که آیا پس از دریافت آن باید

۱- وحید خراسانی، توضیح المسائل، ۵۱۹، م ۱۷۷۶.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۶۸.

۳- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۷۵۹.

فوراً خمس آن را پرداخت یا این که جزء درآمد سال دریافت محسوب می شود و اگر تا آخر سال آن را صرف در مؤونه زندگی کند، پرداخت خمس آن واجب نیست، اختلاف است و دو نظر در مسئله وجود دارد:

۱. همه مراجع عظام (به جز امام خمینی (ره)، سیستانی، وحید): حقوق بازنشستگی جزء درآمد سال دریافت محسوب می شود و اگر تا آخر سال صرف در مؤونه زندگی نشود، خمس دارد. (۱)

۲. آیات عظام امام خمینی (ره)، سیستانی و وحید: چنان چه طبق قرارداد باید پس از بازنشستگی حقوق را دریافت دارد، جزء درآمد سال و پس از کسر مؤونه سال اگر از مخارج سال زیاد آمد، خمس دارد. ولی اگر در دوران خدمت مقداری از حقوق او کسر می شده و بعد از زمان خدمت به او می دهد، فوراً باید پس از دریافت خمس آن پرداخت شود. (۲)

۱۳. حق بیمه

اقسام بیمه:

۱. بیمه خسارت های مختلف (خسارت ناشی از تصادف ها و آتش سوزی ها) حق بیمه ای که از این نوع باشد به نظر همه مراجع عظام از آنجا که در مورد آن، صدق ربح و فایده نمی کند، خمس ندارد.

۲. بیمه عمر:

۱- تبریزی، استفتائات، س ۸۹۹؛ خامنه ای اجوبه، س ۸۷۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۶۴؛ بهجت، صافی و نوری، استفتاء؛ مکارم، توضیح المسائل، م ۱۵۲۴.

۲- امام خمینی ره، استفتائات، ج ۱، س ۱۳۰ و ۱۳۴؛ سیستانی و وحید، استفتاء.

درباره خمس بیمه عمر چند نظر است:

(۱) آیات عظام خامنه ای، فاضل: خمس ندارد. (۱)

(۲) آیات عظام سیستانی، صافی، مکارم، نوری: اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد. (۲)

(۳) آیه الله بهجت: بیمه عمر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (۳)

۱۴. مال حلال مخلوط به حرام

مال حرامی که مخلوط به حلال شده از چند صورت برخوردار است:

صورت اول: هم مقدار حرام برای شخص معلوم است و هم صاحب آن. در این صورت به اتفاق فقها، بر او واجب است، همان مقدار معلوم را به صاحبش بدهد.

صورت دوم: مقدار مال حرام را می دانند، ولی صاحب آن را نمی شناسد. در این صورت به نظر همه مراجع (جز آیه الله زنجانی) حکم مجهول المالک را دارد که باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد. (۴)

البته برخی از مراجع همچون آیه الله مکارم نسبت به مصرف آن، گفته اند: باید آن مقدار را بنا بر احتیاط واجب به مصرفی برساند که هم مصرف خمس باشد و هم صدقه (مانند سادات فقیر). (۵)

صورت سوم: مقدار حرام را نمی دانند، ولی صاحبش را می شناسد. مانند این که از شخصی به طور مکرر ربا گرفته، اکنون

۱- و ۳ و ۴. استفتاء کتبی

۲-

۳-

۴- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۸۱۴؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۸۳۲

۵- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۸۱۴

خود شخص را می شناسد، ولی مقدار ربایی را که از او گرفته دقیقاً نمی داند. در این صورت چند نظر است:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، اراکی، صافی، گلپایگانی، نوری: باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال اوست، به او بدهد و احتیاط مستحب آن است که آن مقدار بیشتر را که احتمال می دهد مال اوست، به او بدهد. (۱)

۲. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: باید مقداری را که یقین دارد مال اوست به او بدهد و بهتر آن است که مقدار بیشتری را که احتمال می دهد مال او است نیز به او بدهد. (۲)

نکته: فرق این نظر با نظر اول این است که بر اساس نظر اول، در مرحله اول تراضی (راضی کردن همدیگر) بر طرفین واجب بود، ولی بر اساس نظر دوم، تراضی بر آن ها واجب نیست.

۳. آیه الله سیستانی: چنان چه نتواند یکدیگر را راضی نمایند، باید مقداری را که یقین دارد مال آن شخص است به او بدهد، بلکه اگر در مخلوط شدن دو مال _ حلال و حرام _ با یکدیگر خودش مقصر باشد، باید بنابر احتیاط مقدار بیشتری را که احتمال می دهد

۱- توضیح المسائل مراجع ۲، م ۱۸۱۵

۲- همان

مال اوست نیز به او بدهد. (۱)

۴. آیه الله مکارم: باید مقداری را که یقین دارد به او بدهد و مقدار بیشتر را که احتمال می دهد مال اوست، با او نصف کند.

(۲)

۵. آیه الله بهجت: احتیاط در این است که با او در مقداری که احتمال می دهد مال او باشد، مصالحه نماید. در صورتی که مصالحه ممکن باشد و اگر مصالحه ممکن نشد، بنا بر اظهر، دادن زیادتر از مقداری که یقین دارد مال اوست، بر این شخص واجب نیست. (۳)

۶. آیه الله وحید: در صورتی که اختلاط موجب شرکت شود، مانند آن که روغن حلال با حرام مخلوط شود، اگر با یکدیگر توافق و سازش نمایند، آن چه را که توافق کردند معین می شود و چنان چه توافق و سازش نشود، آن اندازه که یقین دارد مال غیر است، باید به او داده شود و در صورتی که اختلاط موجب شرکت نشود، مانند مواردی که اجزای آن اموال از یکدیگر ممتازند باید از جهت مقدار آن اندازه که یقین دارد به او بدهد و از جهت خصوصیت به قرعه معین شود و در هر دو صورت احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتر را که احتمال می دهد مال اوست به او بدهد. (۴)

صورت چهارم: نه مقدار حرام را می داند و نه مالک آن را می شناسد. مانند این که می داند از افراد زیادی ربا یا رشوه گرفته است، ولی اکنون نه آن افراد را می شناسد و نه مقدار ربا را می داند.

۱- همان

۲- همان

۳- همان

۴- توضیح المسائل، م ۱۸۳۳

در این صورت به نظر همه مراجع عظام، واجب است خمس تمام آن مال را بدهد. (۱)

قابل ذکر است در کیفیت پرداخت این خمس که آیا به قصد خمس اصطلاحی پردازد یا به قصد ردّ مظالم و صدقه، جمعی از مراجع عظام (خوئی، تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی) فرمودند: به احتیاط واجب این خمس را به قصد ما فی الذمه (اعم از خمس اصطلاحی و ردّ مظالم و صدقه) پردازد. (۲)

نکته: در پایان این مبحث توجه به این نکته ضروری است که به نظر همه مراجع عظام به احتیاط واجب باید خمس مال حلال مخلوط به حرام را از عین همان مال بدهد، ولی خمس های دیگر را می تواند از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است پول بدهد. (۳)

خمس سپرده های حج و عمره

-
- ۱- توضیح المسائل مراجع، ۲، م ۱۸۱۳؛ خامنه ای، اجوبه استفتائات، س ۸۹۳؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۸۳۱
 - ۲- توضیح المسائل مراجع، ۲، م ۱۸۱۳
 - ۳- توضیح المسائل مراجع، ۲، م ۱۷۸۹.

سپرده های بانکی حج و عمره از چند صورت برخوردار است:

صورت اول: پولی که بابت ثبت نام حج و عمره پرداخت شده از درآمد سال قبل از سال ثبت نام بوده است. در این صورت نظر همه مراجع: اصل آن خمس دارد و اما سود آن چنانچه امکان دریافت آن نباشد (که ظاهراً در شرایط فعلی قابل دریافت از بانکها نیست) خمس ندارد.

صورت دوم: پولی که بابت ثبت نام حج و عمره پرداخت شده، از درآمد همان سال ثبت نام است و در همان سال موفق به سفر حج یا عمره می شود. در این صورت اگر چه به ندرت اتفاق می افتد، به فتوای همه مراجع، خمس ندارد.

صورت سوم: که مورد ابتلائی غالب زوآر است این است که پولی که با آن جهت حج یا عمره ثبت نام کرده از درآمد همان سالی است که ثبت نام کرده ولی در سال های بعد موفق به سفر حج یا عمره می شود. در این صورت در مسئله چند نظر است:

۱. آیات عظام امام خمینی (ره)، خوئی، خامنه ای، تبریزی، وحید: اصل پول خمس دارد ولی سود آن چنانچه قابل دریافت نیست، خمس ندارد. (۱)

۲. آیات عظام صافی، مکارم، نوری: اصل پول و سود آن خمس ندارد. (۲)

۳. آیات عظام سیستانی، فاضل: اصل آن خمس دارد مگر برای کسانی که حج بر آن ها مستقر شده و راه دیگر برای رفتن به حج

در سال ثبت نام نداشته باشد که در این صورت خمس ندارد. (۱)

۴. آیه الله بهجت: در صورتی که از درآمد بین سال باشد، خمس ندارد و در صورتی که سال ندارد، اگر حقوق بگیر است و از حقوق همان سال ثبت نام، خمس ندارد و در غیر این صورت باید با او مصالحه شود. (۲)

بنابراین فتوای آیه الله بهجت حاوی چند صورت است:

صورت اول: مکلف حساب سال دارد و از درآمد بین سال،

ثبت نام کرده است. در این صورت هر چند در سال های بعد موفق به حج و عمره شود خمس ندارد.

صورت دوم: مکلف حساب سال ندارد و حقوق بگیر است. در این صورت اگر با پولی ثبت نام کند که سال بر آن نگذشته، خمس ندارد.

صورت سوم: مکلف حساب سال ندارد و حقوق بگیر هم نیست، بلکه کاسب یا کشاورز است و یا حقوق بگیر است ولی با پول حقوقی ثبت نام کرده که بر آن سال گذشته، در این صورت باید با او مصالحه شود.

موارد لزوم مصالحه با حاکم شرع

در برخی موارد جهت اصلاح امر خمس به خاطر پاره ای از مشکلات، واجب است با حاکم شرع (فقیه جامع الشرائط) مصالحه شود.

مورد اول: با نظر داشت این نکته که اساساً خمس به عین تعلق می گیرد، بی شک تصرف در مالی که متعلق خمس شده است، قبل

۱- همان

۲- استفتاء کتبی

از پرداخت خمس آن، جایز نیست و مکلف نمی تواند خمس آن را به ذمه گرفته و سپس در مال تصرف کند مگر این که به حاکم شرع رجوع کرده و با او مصالحه کند. به این معنا که با دست گردان کردن بدهی خمس که بر ذمه او است، خمس از عین مال خارج شده و به ذمه او منتقل می شود. هم چنان که امام راحل (ره) در تحریر الوسیله فرموده است:

«الخمس متعلق بالعین ... و لیس له ان ینقل الخمس الی ذمته ثم التصرف فی المال المتعلق للخمس نعم یجوز للحاکم الشرعی و وکیله المأذون ان یصالح معه و نقل الخمس الی ذمته فیجوز حیثنذ، التصرف فیہ کما ان للحاکم المصالحه فی المال المختلط بالحرام ایضاً» (۱)

این مطلب در مسأله ۱۷۹۱ و ۱۷۹۲ از توضیح المسائل مراجع نیز مطرح شده است و مورد اتفاق مراجع عظام می باشد.

مورد دوم: اموالی که اصل تعلق خمس به آنها قطعی است ولی مکلف شک دارد در اینکه آیا در بین سال خمسی، آنها را صرف در مؤونه زندگی کرده است تا چیزی بر ذمه او نباشد یا پس از آن صرف کرده تا پرداخت خمس بر او واجب باشد، در این مورد به احتیاط واجب لازم است با حاکم شرع مصالحه کند. چنان که در توضیح المسائل مراجع آمده است.

«مسأله ۱۷۹۷: کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باشد باید خمس آن را بدهد و اگر ااث خانه و چیزهای دیگر که به آنها احتیاج مطابق شأن خود خریده پس اگر بدانند در

بین سالی که در آن سال فایده برده، آن ها را خریده، لازم نیست خمس آن ها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند.» (۱)

مسأله مذکور مورد اتفاق مراجع عظام است به جز مرحوم

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی که مصالحه با حاکم شرع را در مورد مذکور «بنابر احتیاط مستحب» می دانند.

مورد سوم: مال حلالی که مخلوط به حرام شده در صورتی که مقدار حرام مشخص نیست و صاحب آن هم معلوم نیست گر چه پرداخت خمس آن واجب و مجزی است ولی نسبت به صورتی که مکلف علم اجمالی دارد مقدار حرام بیشتر از مقدار خمس است برخی از فقها، به احتیاط واجب و جمعی به احتیاط مستحب، قائلند با حاکم شرع مصالحه شود. بلکه در مواردی هم که پس از اخراج خمس، احتمال زائدبودن مقدار حرام از مقدار خمس وجود دارد، به نظر همه فقهای عظام احتیاط مستحب است که با حاکم شرع به گونه ای مصالحه کند که یقین نماید مقدار حرام زائد بر آن نبوده است. چنانکه صاحب عروه (قدس سره) در مسأله ۲۹ از مسائل «ما یجب فیہ الخمس» فرموده است:

«... ففی صورہ العلم الاجمالی بزیادته عن الخمس ایضاً یکفی اخراج الخمس فانه مطہر تعیداً و ان کان الاحوط مع اخراج الخمس المصالحه مع الحاکم الشرعی ایضاً بما یرتفع به یقین الشغل و اجراء حکم مجهول المالک علیہ و کذا فی صورہ العلم الاجمالی بکونه

انقص من الخمس و احوط من ذلك المصالحة معه بعد اخراج الخمس بما يحصل معه اليقين بعدم الزيادة» (۱)

امام راحل^f نیز در ذیل مسأله ۲۳ از کتاب الخمس تحریرالوسیله به مصالحه با حاکم شرع در همین مورد تصریح فرموده است: «فما ان للحاکم المصالحة فی المال المختلط بالحرام ایضاً» (۲)

مظالم و حکم آن

اشاره

یکی از حقوق مالی که در فقه به عنوان یکی از مصادیق حق الناس مطرح شده، مظالم است. واژه مظالم جمع مظلومه است و همچون بسیاری از واژگان از معنای لغوی و نیز اصطلاحی برخوردار است.

مظالم در لغت

از نگاه واژه شناسان مظلومه دو معنا دارد:

۱. ما تطلبه عند الظالم: یعنی آنچه در نزد ظالم می طلبی.

۲. اسم ما اخذ منك ظلماً: یعنی مالی که از انسان از روی ظلم و به ناحق گرفته شده است. (۳) آنچه از این دو معنا مناسب با معنای اصطلاحی فقهی آن است که در ذیل، مطرح می شود، همین معناست.

مظالم در اصطلاح فقها

۱- عروه، ج ۴، ص ۲۵۹، فصل ما يجب فيه الخمس، مسأله ۲۹

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۰، مسأله ۲۳ از کتاب خمس

۳- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۵، ماده ظلم؛ اقرب الموارد، ماده ظلم

مظلّمه در اصطلاح فقها عبارت است از اموالی که انسان از دیگران به ناحق و از روی ظلم گرفته است یا تلف نموده و ذمه اش بدان مشغول شده است.

بنابر تعریفی که ارایه شد، اموالی که از دیگران سرقت و یا غصب می کند و یا به گونه ای اتلاف می نماید و یا خسارتی که در حال رانندگی به وسیله نقلیه دیگری وارد می سازد و فرار می کند و حتی اموالی که در ایام کودکی از کسی از روی عمد یا خطا از بین برده است و یا مصرف نموده، و حق صاحب مال را نپرداختند، تمام اینها مصداق مظلّم است.

حکم فقهی مظلّم

حکم فقهی مظلّم که از دو صورت برخوردار است، از این قرار است:

صورت اول: صاحب حق و مظلّمه را می شناسد در این صورت واجب است با مراجعه به او یا حق او را بپردازد و یا از او رضایت بگیرد به این معنا که صاحب حق، او را بریء الذمه کند و حق خود را ببخشد. البته اگر پرداخت حق به طور مستقیم به او محذوری دارد مانند اینکه موجب آبروریزی می شود می تواند به هر کیفیتی حق او را به او برساند و لو به اینکه به عنوان بدهی بابت قرض به او پرداخت کند یا به حساب بانکی او واریز کند.

صورت دوم: صاحب حق را نمی شناسد در این صورت واجب است آن را از طرف صاحبش به فقیر صدقه دهد و به احتیاط واجب به اذن حاکم شرع باشد. و نسبت به مقدار آن، اگر اطمینان ندارد، پرداخت مقدار متیقّن کافی است و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه ای ندارد.

و لله الحمد علی کل حال

مشخصات کتاب

نام کتاب: آزموده ها جلد ۱۲

نویسنده: معاونت امور روحانیون

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

ناشر: نشر مشعر

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

آسیب شناسی برنامه های زیارتی عتبات عالیات و ارائه راهکارهای کاربردی برای روحانیون و مداحان گرامی وظیفه ای است که در معاونت امور روحانیون دنبال می شود.

فرایند بررسی های انجام شده اعم از تحقیقات میدانی و پژوهش های کتابخانه ای به تهیه پیشنهادهایی انجامید که یکی از آنها تشکیل جلسه ای توجیهی در نجف اشرف و ارائه راه کارهای عملی به مبلغان عزیز بود.

مطالب تنظیم شده در جمع مبلغان کاروان ها مورد بررسی و اصلاح واقع شد و راهنمایی های برخی اساتید بزرگوار حاضر در جلسات مطالب را کامل تر کرد. آنچه اینک پیش روی شماست محتوای جلسات کارشناسی نجف اشرف و مطالب مورد نیاز است که مبلغان عزیز کاروان ها، روحانیان و مداحان محترم جهت شکل دهی به فعالیت های تبلیغی و ارشادی خویش به آن نیازمند هستند.

شایسته است از تلاش های نمایندگان این معاونت در عتبات عالیات حجج اسلام آقایان رحمانی الفت، جاوری، به ویژه حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد مقدس نیان که در پدید آمدن این اثر سهم ویژه داشته و تلاش فراوان کرده اند، تشکر کنیم.

معاونت امور روحانیون

گروه تدوین متون آموزشی

تابستان ۱۳۸۸

پیش درآمد

خفقان و اختناق ناشی از حاکمیت صدام و تفکرات حزب بعث و تبلیغات دین زدایانه ای که در طول بیش از سی سال در کشور عراق صورت پذیرفت، موجب شد، نسل فعلی شیعه عراق از نظر آگاهی دینی و فهم معارف اسلامی در محرومیت شدیدی واقع شود و در نتیجه زمینه برای پیدایش و گسترش روزافزون «خرافات» در این سرزمین فراهم شود. اهم این عوامل عبارتند از:

۱. محرومیت های اجتماعی: به جز حوزه علمیه نجف و معدودی از شیعیان متصل و مرتبط با این حوزه، توده مردم عراق از ابتدایی ترین مسائل دینی و شرعی و معرفت های اسلامی رایج، ناآگاه یا کم آگاه باقی ماندند و پس از سقوط صدام و حزب بعث و اشغال نظامی این کشور نیز چنان مردم مورد بمباران شدید تبلیغاتی و شیخون فرهنگی چند صد کانال ماهواره قرار گرفتند که دیگر فرصت و مجال بازگشت و جبران مافات را پیدا نکرده و نمی کنند. تبلیغات بی امان فرهنگی با سه هدف اساسی اسلام زدایی، تشیع زدایی و تخریب سیمای ایران و انقلاب اسلامی آن، از یک سو و اشاعه فحشا و ترویج مفاسد اخلاقی و انهدام بنیان اخلاق و خانواده در میان مردم مظلوم عراق از سوی دیگر مردم منطقه را هدف قرار داده اند. با این همه از حق نمی توان و نباید گذشت که با این سیل بنیانکن هجوم فرهنگی، ارادت و اعتقاد مردم به خاندان پیامبر و عشق سرشاری که به امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان معصومش سراسر وجودشان را فرا گرفته، همچنان دست نخورده باقی مانده است. به عنوان نمونه جمعیت ده میلیون نفری که در اربعین امسال (۱۴۳۰) با پای پیاده صدها کیلومتر راه را پیمودند تا از فیض زیارت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بهره مند شوند، هر بیننده ای را دچار اعجاب و احساس حقارت و غبن می کرد. گو این که این حرکت نه یک بار، که هر سال چندین بار صورت می گیرد و این جمعیت ها در عرفه و عاشورا و اربعین و اول رجب و نیمه شعبان به سوی کربلا و در مناسبت های دیگری همچون مبعث پیامبر و غدیر خم به سوی نجف راه می پیمایند.

۲. عشق متراکم: عامل دیگر، عشق و علاقه و عواطف شدید زائرانی است که از بیرون مرزهای عراق و غالباً از ایران به عراق می روند. همانان که چند دهه از زیارت تربت پاک امامان خویش محروم بوده اند و در طول این سالیان دراز با دل هایی سرشار از عشق و امید برای زیارت قبور موالی خود لحظه شماری کرده اند. آنان به خوبی می دانند که بسیاری از درگذشتگان، عمری در آتش این عشق سوختند و عاقبت به وصال محبوب خویش نرسیدند. چه بسیار رزمندگان دلباخته ای که آرزوی کربلا را در دل داشتند، لیکن کربلا را ندیده پر کشیدند و سرنوشتشان به شهادت ختم شد.

راه زیارت عتبات عالیات، بدون برنامه ریزی قبلی و آماده سازی فرهنگی لازم باز شد. دو جمعیت میزبان و میهمان که یکی کم آگاه و دیگری پر احساس و عاطفی بودند، به هم رسیدند و می دانیم که وقتی عواطف و احساسات شدت می یابد، چراغ تعقل و اندیشه کم فروغ می گردد. هر چه را آن میزبانان کم آگاه به عنوان مقدّسات معرفی کردند، این میهمانان پر عاطفه پذیرفتند و گرامی داشتند. در نتیجه زمینه برای ترویج و گسترش بافته های عوامانه فراهم شد، پاره ای از مزارات با ارزش و مستند مغفول ماند و بازدید از اماکنی کم اعتبار و بی ریشه و سند جای آنها را گرفت و اکنون که چند سالی بیش از این رخداد نمی گذرد، چنان که می بینید روز به روز همان بافته های مبتنی بر جهل و عوامانه شاخ و برگ بیش تری پیدا کرده و گستره افزون تری را دربر گرفته است. اگر هر چه زودتر اقدام سنجیده ای صورت نگیرد، معلوم نیست این حرکت تا کجا گسترش یابد و چه لطمه ای به بنیان مرصوص و مستحکم اعتقادات شیعی وارد کند. البته نقشی که روحانیان و مبلغان آگاه و دلسوز بر اساس آموزه های دینی مبارزه با خرافات تاکنون در مهار امواج رو به گسترش خرافات در همه زمینه ها از جمله در سفر عتبات ایفا کرده اند، جداً ستودنی است. اینان هر از چند گاه به همراه زائران عتبات به کشور عراق سفر می کنند و با صداقت و صمیمیت می کوشند تا مشعل های فروزان هدایت در جمع زائران همراه خود باشند. برنامه های فشرده این سفر، دو روز کربلا، دو روز نجف، یک روز کاظمین، یکی دو ساعت سامراست. این فرصت اندک و رنج های ایاب و ذهاب چنان این عزیزان را به خود مشغول می سازد، که به طور معمول فرصت انجام یک نگرش علمی محققانه و ارائه تحلیل درست بسیاری از پدیده ها را از آنان می گیرد و تا چشم برهم بزنند، دوره کوتاه سفر به پایان رسیده و ناگزیر باید زندگی روز مژه را در شهر و دیار خویش از سر گیرند و خاطرات تلخ و شیرین سفر را اندک اندک از یاد ببرند.

مستند، صحبت کردن

قرآن کریم راه پیروی از هر گونه پدیده های خرافی و بافته های ذهنی عوامانه را بر روی ما می بندد و حجت را بر همه تمام می کند.

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (۱)

از چیزی که بدان آگاهی نداری، پیروی مکن؛ همانا هر یک از نعمت های شنوایی بینایی و ادراک قلبی مورد بازخواست واقع خواهد شد.

هیچ کس به مقتضای تعالیم قرآن کریم و سیره روشن اولیای معصوم دین حق ندارد به آنچه که پشتوانه محکم علمی و عقلی ندارد و از سوی راهبران الهی مورد تأیید قرار نگرفته است، تکیه کند یا تدوام و بقای آن را به خیال و تصور حفظ دین و مقدسات دینی توجیه نماید؛ زیرا قرآن کریم بنیان پوشالی موهومات و ساخته ها و پرداخته های جاهلانه را مورد یورش جدی قرار می دهد، با نگاهی گذرا به آیات کریمه قرآن فرازهای فراوانی از این نمونه را می توان یافت. آنچه در مذمت سازندگان قصه گوساله سامری در قرآن می خوانیم نیز نمونه دیگری از این قبیل است. معارف دین مقدس اسلام چنان بر پایه های محکم و مستدل حقایق و دقایق عقلانی استوار است که هرگز برای حفظ باورهای مردم و تحکیم ایمان و اعتقاد آنان نیازی به

تشبّث به ریشه های سست و متزلزل خرافات وجود ندارد.

در تاریخ حیات پیامبر اعظم (ص) آمده است که روزی فرزند ایشان از دنیا رفت و اتفاقاً در همان روز خورشید گرفت. برخی با مصلحت اندیشی کوشیدند تا بین دو حادثه رابطه ای تعریف کنند و شایع کردند که خورشید گرفتگی معلول مرگ فرزند پیامبر بوده است. شاید چنین اقدامی برای آنها قابل توجیه هم بود که بالاخره این تعریف موجب تقویت

اعتقاد مسلمانان یا گرایش تعدادی غیر مسلمان به اسلام می شود. خبر به گوش پیامبر رسید. ایشان بی درنگ به مسجد آمد و بر آشفته بر منبر شد و در جمع مسلمانان با صراحت و صداقت اعلام فرمود که هیچ پیوندی بین مرگ فرزند و گرفتن خورشید وجود ندارد؛ آن یک حادثه طبیعی و این یک پدیده عادی است.

در سیره سایر معصومان (علیهم السلام) نیز برخوردهایی چنین قاطع در جهت منکوب ساختن جنبه خرافات و مبارزه با باورهای نادرست جاهلانه فراوان می توان یافت. از مهم ترین اقدامات حضرت بقیه الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) «

احیاء السنن و اماته البدع

« است و این حقیقت، نشانگر آن است که پیش از ظهور آن سرور سنت هایی مرده و نابود شده و بدعت هایی جان گرفته اند که ایشان آن احیاء و اماته را انجام می دهد. به فرازهایی از دعای ندبه توجه کنید:

أَيْنَ الْمُتَنَطَّرُ لِإِقَامَةِ الْمَأْمُوتِ وَالْعُوجِ؟ أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ أَيْنَ هَادِمِ أُيُتِيهِ الشُّرُكِ وَالنَّفَاقِ؟ أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْنِجِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْأَفْتِرَاءِ؟ ...

چنان که ملاحظه می کنید بخش مهمی از اقدامات آن امام والامقام، پاکسازی بنای معمور دین و معارف حقه از لوث وجود همین پدیده های نامیمون و ساخته های بی ریشه است. ما هم که سرباز آن حضرت و داعیه دار خدمت به آن وجود نورانی هستیم، در افقی پایین و محدود و در گستره توان و استعداد خودمان به یقین چنین تکلیفی را بر عهده داریم.

ما هرگز نباید گمان کنیم که اگر زنگار آموزه های باطل و خرافات بی پایه و اساس را از سیمای دین پاک کنیم، مبانی باورهای دینی تضعیف می شود و اعتقاد مردم به اصل دین سست می گردد بلکه به عکس، حذف این پیرایه های زشت و زاید و زدودن غبار انگاره های باطل از سیمای نورانی اسلام عزیز بر جذابیت معارف دینی می افزاید و چراغ هدایت دین را پرفروغ تر می سازد.

پیش از پرداختن به معرفی تک تک اماکن زیارتی معتبر یادآور می شود که در اطراف حرم های هر یک از امامان معصوم (علیهم السلام) انبوهی از چهره های سرشناس و اسوه مدفونند که تحت الشعاع عظمت شخصیت امامان واقع شده اند و کمتر به آن ها توجه می شود. اینان ستارگانی را می مانند که شب هنگام تمام فضای آسمان را پر می کنند، ولی با پیدایش نخستین اشعه های خورشید در افق خاور همگی ناپدید شده و دیده نمی شوند. نه این که نباشند، هستند، ولی پرتو تابش خورشید چنان نیرومند است که اجازه عرض اندام به آن ها نمی دهد.

جمع کثیری از علما و دانشمندان بزرگ در اطراف خورشید عالمتاب وجود امیرالمؤمنین (علیه السلام) مدفونند که هر یک از آن ها سند مستند حقایق و اعتبار تشیع و افتخاری عظیم برای جهان اسلام به حساب می آیند.

در دو سوی ایوان امیرمؤمنان (ع) دو فحل بی نظیر آرمیده اند؛ یکی علّامه حلّی و دیگری شیخ احمد مقدس اردبیلی. در اطراف صحن نیز چهره های برجسته ای همچون شیخ مرتضی انصاری، صاحب رسائل و مکاسب، آخوند خراسانی، صاحب کفایه الاصول، سید کاظم یزدی، صاحب العروه الوثقی و فاضلین ملامهدی و ملااحمد نراقی، سید عبدالحسین شرف الدین، صاحب المراجعات، حاج میرزا حسین نوری طبرسی، صاحب المستدرک الوسائل و شاگرد فرزانه اش حاج شیخ عباس قمی و در فاصله های کوتاه اطراف حرم نیز چهره های بارزی نظیر شیخ طوسی، سید مهدی بحرالعلوم، شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر، شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء، صاحب کشف الغطاء، میرزای شیرازی، علامه امینی، صاحب الغدیر، حاج سید علی آقا قاضی و ده ها مرزبان مقتدر مرزهای عقیده سر بر آستان شاه ولایت سوده اند. در کنار حرم کاظمین (علیهما السلام) نیز تربت کیمیا اثر نخبگانی همچون شیخ مفید، ابن قولویه، سید مرتضی و سید رضی قرار دارد. حضور کاروان ها در کنار مراقد این بزرگان و تقدیم فاتحه به روان آنان، اظهار ادب و ادای مراتب حق شناسی زائر نسبت به ایشان است. زائر اهل بیت چرا نباید بداند، که اگر امروز مسلمان و شیعه است و فرهنگ و تفکر شیعی را در دنیا ترویج می کند و به معارف غنی خویش می بالدد، به برکت زحمات طاقت فرسایی است که این رادمردان در طول تاریخ یکهزار و چند صد ساله اسلام و تشیع متحمّل شده اند.

به همین سان ستارگان پر فروغ آسمان شهادت علاوه بر تنی چند از علمای بزرگ نیز مجلس آرای حرم و بارگاه امام حسین بن علی سیدالشهداء (علیه السلام) هستند. همانان که در یک نیمروز خونین عاشورا پروانه وار گرد شمع وجود مولاشان چرخیدند و در آتش عشق سوختند و فنا شدند ولی در این فنا راه بقا یافتند و جاودانه شدند. باید اذعان کرد با همه جمعیت و ازدحامی که همواره در اطراف مرقد این فرزندگان در آمد و شد هستند، اینان نیز در حجابی از مهجوریت و ناشناختگی به سر می برند و در سفرهای زیارتی کمتر کسی در صدد معرفی حتی مختصری از شخصیت

ایشان برمی آید. از شهدای بنی هاشم و آل ابی طالب گرفته تا حبیب بن مظاهر، بریر بن خضیر، زهیر بن قین، مسلم بن عوسجه، ابو ثمامه صائدی، سعید بن عبدالله حنفی، عابس بن ابی شیب شاکری، جون غلام سیاه چهره ابی ذر غفاری و دیگران ای کاش اندکی از آن همه سرمایه گذاری که برای اماکن بی ریشه و اعتبار صورت می گیرد، صرف معرفی این افتخارات بزرگ بشریت و این اسوه های آزادگی، ایثار، وفاداری و صبر صورت می پذیرفت.

چه به جاست مبلغان باسلیقه کاروان ها پیش از مبادرت به سفر دو محور عمده را بر محورهای مطالعاتی خود بیافزایند: یکی زندگی نامه علما به ویژه دانشمندان فرزانه ای که در اطراف مرقد حضرت علی (ع) و نیز در مسیر حرکت زائران در کربلا و کاظمین آرمیده اند و دیگری بیوگرافی مختصر و نحوه شهادت شهدای کربلا. (۱) شما می توانید با ثبت جستارهایی از تاریخ زندگی این دو مجموعه فخیم، در دفترچه یادداشت خود بخش قابل توجهی از نیاز به حق زائران همراهتان را به معارف پوشش دهید و با این اقدام مثبت و سازنده خود به خود زمینه گرایش به باورهای عوامانه و نماد های بی ریشه و سند را از بین ببرید.

اینک معرفی زیارتگاه ها که بعضاً از بازدید برخی آن ها غفلت می شود، می پردازیم:

۱. مقام امام امیرالمؤمنین (ع) و صافی صفا

از آثار تاریخی مشهور نجف که اهل معرفت به آن معتقدند مقام حضرت علی (ع) است که به صافی صفا مشهور است و در کنار آن نیز قبر اثیب یمانی قرار دارد. ایشان از شیعیان سرشناس یمن و تربیت شدگان او پس قرنیه بوده و در زمانی که امام علی (ع) در کوفه عهده دار خلافت بود، در یمن از دنیا رفت و وصیت کرد تا فرزندانش جنازه او را از یمن به کوفه ببرند.

از سویی عادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز این بود که هر گاه جویای مکان خلوتی برای عبادت می شد از کوفه به غری (۲) می آمد. روزی امام در آن جا سرگرم عبادت بود. در آن حال مردی را دید که از بیابان می آمد، برشتری سوار بود و جنازه ای به همراه داشت. پرسید: از کجا می آیی؟ این جنازه از کیست؟ چرا او را در سرزمین خودتان دفن نکردید؟ پاسخ داد؟ از یمن می آیم و این هم جنازه پدرم است. او از رسول خدا (ص) شنیده بود، که در این جا شخصیتی دفن خواهد شد که به عدد نقوس دو قبیله مضر و ربیع شفاعت می کند. از این رو به من وصیت کرد تا جنازه اش را به کوفه بیاورم و این جا دفن کنم. امام (ع) ضمن تصدیق مضمون حدیث مزبور، سه بار می فرماید: «

انا والله ذلک الرجل

«یعنی به خدا سوگند آن شفاعت کننده من هستم. سپس دستور دفن جنازه اثیب را به فرزندانش می دهد (۳). بسیاری از فقهای شیعه در متون و منابع فقهی به روایت حمل جنازه اثیب یمانی به کوفه اشاره و برای فتوای جواز حمل جنازه مردگان از شهری به شهر دیگر به آن استناد نموده اند. (۴) و از همین رو اهل معرفت محرابی قدیمی را که کنار مدفن اثیب یمانی است، مقام امیرالمؤمنین دانسته اند.

۱- خوشبختانه در سال های اخیر کتابی محققانه و جامع به نام پژوهشی پیرامون شهدای کربلا از سوی پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این زمینه منتشر شده که مطالعه آن این ضرورت را برطرف ساخته است.

۲- نامی تاریخی برای نقطه ای از زمین نجف.

۳- فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین، سید عبدالکریم بن طاووس، ص ۸۶.

۴- ر. ک: الحدائق، شیخ یوسف بحرانی، ج ۴، ص ۱۴۹.

۲. وادی السلام

وادی السلام سرزمینی فخیم و مبارک است. در روایات فراوان آمده است که ارواح مؤمنان، پس از مرگ به این سرزمین منتقل می شود و عالم برزخ آنان در این مکان سپری می شود. چنان که ارواح فسّاق و فجرة نیز به وادی برهوت می رود که در یمن است. در این باره قصّه های زیادی از ارتباط برخی از اولیای خدا با ارواح نیکان و بدان در عالم برزخ به ما رسیده که انکار آنها به یکباره آسان نیست یا بهتر بگوییم ممکن نیست. دو پیامبر بزرگ به نام هود و صالح (علیهما السلام) در اینجا مدفون اند که بارها از آنان در قرآن به نیکی یاد شده است. همچنین مقام امام صادق و امام زمان (علیهما السلام) در این قبرستان است. شیخ طوسی (ره) و دیگران روایتی دارند که امام صادق (علیه السلام) به این مکان آمده و نماز گزارده و چون از ایشان پرسیدند این جا کجاست؟ فرمود: محل منبر قائم ما در آخر الزمان است. این مکان به اعتبار نماز امام صادق (علیه السلام)، مقام امام صادق (علیه السلام) و به اعتبار منبر امام زمان (علیه السلام) مقام امام زمان (علیه السلام) خوانده می شود. (۱) همچنین قبور بسیاری از علما از گذشته های دور و نزدیک در این جا قرار دارد. این سرزمین بارانداز روحی بسیاری از اهل معرفت، نظیر ملا مهدی نراقی و سید علی قاضی و شیخ عباس قمی و مردان بزرگی از این قبیل است که ساعت ها در این فضا غنوده و غرق دریای تفکر بوده اند و مراتب عالی سیر و سلوک خود را سپری کرده اند.

از برکات این وادی، گفتنی ها بسیار است. لیکن در عین حال خاستگاه افکار منحرف و نیت های نادرست دنیا طلبانه و خرافه آمیز نیز هست. شیادانی در این گورستان هستند، که نام های زیادی را بر سنگ کنده و بر دیوار چسبانده اند که فلاّنی از شیراز، فلاّنی از تهران و ... هنگامی که علت این کار را جویا می شوی، می گویند، اگر بخواهی پس از مرگ روح به این سرزمین بیاید باید، ده هزار دینار بدهی تا نامت را بر سنگ حک کنم و این جا نصب کنم و اگر مایل باشی که روح جسمت هر دو بیاید، باید که شصت هزار دینار پردازی! متأسفانه زائران ساده لوحی را می بینی که همین پول ها را به این امید واهی می پردازند و نام هایشان که بر سنگ ها حک شده و بر دیوار چسبانده شده است، گواهی روشن بر این پدیده نادرست است. همچنین برخی از زائران موی خود را می تراشند یا ناخن خود را می گیرند و در این گورستان دفن می کنند؛ زیرا می خواهند، بخشی از وجودشان حتماً در وادی السلام مدفون شده باشد. کسانی نیز روی زمین نشانه می گذارند یا بر زمین می خوابند و دور خود خطی می کشند. علتش را که جویا می شوی می گویند، می خواهیم پس از مرگ وقتی ما را به این سرزمین آوردند، قبرمان همین ابتدای ودای و بر خیابان اصلی و در این زمین دو نبش باشد و ما را در انتهای وای دفن نکنند که نه کسی به زیارتمان بیاید و نه برایمان فاتحه ای بخوانند! گاهی بدین سان چند نفر را می بینی که روی زمین خوابیده و دور هم خط می کشند. امان از جهالت که بشر را به چه کارهایی وامی دارد! امان!

۳. مقام منبر امام زمان (ع)

در وادی السلام، نقطه ای است که از دیرباز به نام مقام امام زمان (علیه السلام) شناخته می شود. در این محل کراماتی در طول سالیان متممادی مشاهده شده و مردم به زیارت این محل می آیند و در آن جا نماز می خوانند. در باره اعتبار این محل چند روایت معتبر هست که به نقل یکی از آنها بسنده می کنیم.

سید بن طاووس (متوفای ۶۹۳ ه. ق) از ابی الفرج سندی (که از اصحاب امام صادق (ع) بوده) نقل کرده است که در

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴.

سفری که امام صادق (ع) به حیره آمده بود، من نیز همراه ایشان بودم. شبی فرمود تا برایش قاطری را زین کردیم. پس سوار شد و به نقطه ای در پشت کوفه رفت. من نیز همراه ایشان بودم. در سه نقطه پیاده شد و هر بار دو رکعت نماز گزارد. گفتم فدایت شوم. در سه موضع نماز گزاردی! فرمود: اما اولی قبر امیر المؤمنین، دومی موضع رأس الحسین و سومی موضع منبر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (۱) بود این مکان را به اعتبار این که امام صادق (ع) در آن نماز گزارده، مقام امام صادق (ع) نیز می نامند.

۴. مقام امام زین العابدین (ع)

نزدیک صافی صفا مقام با عظمتی وجود دارد که از آن به نام مقام امام زین العابدین (علیه السلام) یاد می شود. شیخ محمد حرز الدین از محققین قرن سیزدهم هجری می نویسد: «علمای بزرگ، از مشایخ قدیم نجف و آنها نیز از مشایخ خود نقل کرده اند که وقتی امام علی بن الحسین (علیه السلام) برای زیارت جدش امیر المؤمنین (علیه السلام) از حجاز به عراق می آمد در این محل سکنی می گزید تا اگر کسی ایشان را ببیند، گمان کند، مسافری است که از سفر حج باز گشته و از این طریق عازم بیابان های عراق است و در این جا فرود آمده تا از چاه آب قدیمی که در نزدیکی آن قرار دارد، وضو بگیرد. آن گاه در فرصت مناسب و به دور از چشم ناظران و جاسوسان، مرکب خود را نزدیک چاه آبی که در آن نزدیکی بود، می خواباند و خود پیاده مسافت بین مقام تا قبر شریف امیر مؤمنان (ع) را می پیمود و آن را زیارت می کرد. سپس بازمی گشت و شب را در این مقام بیتوته می فرمود و بامدادان راهی حجاز می شد.»

خلاصه اخبار فراوانی حاکی از آمدن امام سجاد (ع) برای زیارت قبر جدش امیر المؤمنین (علیه السلام) و ماندن ایشان در نزدیکی قبر مطهر وارد شده است اما چیزی که ثابت کند، مقام فعلی محل ماندن ایشان در شب هنگام بوده است، در دست ما نیست به جز شهرت زیادی که بین اهل نجف و دانشوران و راویان وجود دارد و به این شهرت توجه زیادی می شود. اهالی نجف آن را به نام مقام امام زین العابدین (علیه السلام) می شناسند و خلف از سلف و کوچک از بزرگ نقل کرده اند. (۲)

۵. مسجد حنانه

بین کوفه و نجف در منطقه ای که آن را «ثَوْبَه» می نامند، مسجدی به نام «حَنَانَه» وجود دارد. این مکان دیواری داشته که هنگام عبور جنازه امام علی (ع) از نزدیکی آن به احترام (۳) عبور پیکر آن ولی الله الاعظم خم شده و یک بار دیگر وجود حیات و شعور را در جمادات به نمایش گذاشته است. واقعیتی که قرآن کریم با صراحت بر صحت و درستی آن تأکید دارد. آن جا که می فرماید:

«ان من شیء الا یُسَبِّح بِحَمْدِهِ؛ هیچ موجودی نیست مگر این که به حمد و ستایش الهی مشغول است.» (۴)

به یقین حمد و ستایش، فرع بر وجود شعور و ادراک و حتی اراده است. بنا بر این جمادات هم می توانند، در برابر عظمت انسان کامل و ولی خدا سر تعظیم فرود آورند و کرنش کنند و اگر چنین احترام کنند، خود جاودانه محترم

- ١- فرحه الغرى فى تعيين قبر امير المؤمنين، سيد عبدالكريم بن طاووس، ص ٨٦.
- ٢- تاريخ النجف الاشرف، ج ١، ص ٣٤٣.
- ٣- الامالى، شيخ طوسى، ص ٣٢.
- ٤- سوره اسراء آيه ٤٤.

می شوند و دیوار مسجد حنّانه که آن را قائم مایل نیز نامیده اند، از این قبیل است.

همچنین امام جعفر صادق (علیه السلام) در این محل فرود آمده و نماز خوانده اند. هنگامی که عُلّت را پرسیدند، فرمودند: «وقتی سرهای شهیدان کربلا را به کوفه می آوردند تا به حضور عبید الله بن زیاد ببرند، سر مقدّس حضرت سید الشهداء (ع) را در این محل بر زمین نهاده اند.»^(۱) و نیز در روایت مرسلی آورده اند که حاملان سرها در این نقطه با سر مقدّس سیدالشهدا (علیه السلام) بازی و بی احترامی کردند، به گونه ای که اسرا صدای ناله شان بلند شد و زمین نیز از این رفتار ناشایست نالید. از این رو این مکان به حنّانه معروف شد.^(۲)

۶. نبی یونس (مقام یونس پیامبر (ع))

کم تر از دو کیلو متر بعد از مسجد کوفه به سوی آب فرات زیارتگاهی است که ساکنان محلی آن را «نبی یونس» می خوانند. برخی گمان کرده اند، آنجا قبر حضرت یونس (ع) است. لیکن بررسی ها نشان می دهد که قبر آن حضرت در منطقه نینوا از استان موصل است. مرحوم سید مهدی قزوینی که از علمای صاحب نام منطقه بوده است، در اثری به نام «فلک النجاه» ضمن بیان مطالب فوق الذکر می افزاید: آنچه در نزدیکی مسجد بزرگ کوفه به نام آن حضرت وجود دارد، در واقع محلی است که به امر خداوند ماهی او را به خشکی انداخته و همان جایی است که قرآن می فرماید:

«فَبَدَّلْنَا بِالْعُرَاءِ وَهُوَ سَيَقِيمُ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقِطِينَ؛ پس او را به صحرای خشکی افکندیم در حالی که رنجور و ناتوان بود و گیاهی از کدو بر او رویانیدیم.»^(۳)

۷. قبور سبعة (مشهد بنی الحسن علیهم السلام)

عبدالله بن حسن المثنی بن حسن المجتبی علیه السلام را بدان سبب عبدالله محض یعنی خالص نامیده اند، که پدرش فرزند امام مجتبی (علیه السلام) و مادرش فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) بوده است. او و دو برادرش حسن و ابراهیم و چهار برادرزاده اش که هر هفت نفر از اولاد امام مجتبی (ع) و امام حسین (ع) بوده اند، در روز عید قربان سال ۱۴۵ هـ. ق در زندان منصور دوانیقی به شهادت رسیدند. گفته می شود، آنان زنده به گور شده اند^(۴) و نیز وارد شده که زندان را بر سرشان فرو ریخته اند و ایشان را به شهادت رسانده اند.^(۵)

قبور مطهر این بزرگواران اکنون در محلی به نام هاشمیه آن سوی پل کوفه و کنار جاده قدیم کوفه به قاسم است.

آورده اند که عبدالله محض شباهت زیادی به رسول خدا (ص) داشته و خوش چهره و سخاوتمند بوده و تولیت صدقات امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بعد از پدرش برعهده داشته است.

«... و کان شجاعاً خطیباً شاعراً لسنّاً مهاباً وقوراً کریماً

؛ او شجاع، سخور، شاعر، زباندار، با اّبهت و با وقار و بزرگوار بوده است.»

- ۱- المزار، شهید اول محمد بن مکی عاملی، ص ۳۲.
- ۲- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۲۲۱.
- ۳- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۲۲۱.
- ۴- عمده المطالب، چاپ بمبئی، ص ۸۰، مقاتل الطالبیین، چاپ نجف، ص ۱۵۸.
- ۵- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۱۵، به نقل از تذکره الخواص.

هنگامی که منصور در سال ۱۴۴ هـ. ق حج گزارد، به ریاح بن عثمان، استاندارش در مدینه فرمان داد تا بنی الحسن را به ربه تبعید کنند. او نیز آنان را با شانه های بسته و گردن و پا در زنجیر، سوار بر مرکب های خشن و بدون جهاز به تبعیدگاه روانه ساخت. هنگام خروج ایشان از مدینه، امام صادق (ع) از موضعی پوشیده که مردم و جاسوسان، او را نبینند، با اندوه فراوان بدیشان می نگریست و در حالی که از شدت گریه، اشک بر محاسن شریفش جاری بود، خدا را می خواند و می فرمود:

«وَاللَّهِ لَا تُحْفَظُ لِلَّهِ حُرْمَةٌ بَعْدَ هَؤُلَاءِ؛ به خدا سوگند پس از اینان حرمتی برای خدا ننگه داشته نخواهد شد.»

برخورد کینه توزانه منصور به همین اندازه خاتمه نیافت. بار دیگر آنان را به عراق تبعید کرد و دستور داد تا در زندان هاشمیه (نزدیک کوفه) در یک زیرزمین نمناک که تشخیص شب و روز در آن امکان نداشت، به مدت دو ماه محبوس کردند. آنگاه فرمان قتل ایشان را صادر کرد (۱)

۸. قاسم بن موسی الکاظم علیهما السلام

قاسم فرزند امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) و برادر تنی امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) که پس از شهادت پدر بزرگوارش از سلطه عباسیان گریخت و در روستایی به نام «سوراء» در نزدیکی شهر حله مخفیانه زندگی می کرد تا وفات یافت. در واپسین روزهای زندگی و در بستر بیماری، خود را به اطرافیان معرفی کرد و از ایشان خواست، دخترش را به مدینه برده و به مادرش تحویل دهند.

در باره عظمت شخصیت ایشان شخصی به نام ابی عماره می گوید: ما عازم عمره بودیم. در راهی به موسی بن جعفر (علیه السلام) و همراهانش برخوردیم. امام (علیه السلام) فرمود: آری! ای ابا عماره! اینان فرزندان من هستند و این یکی (اشاره به امام علی بن موسی (ع)) آقای ایشان است. سپس فرمود: ای ابا عماره! من نیز از منزل بیرون آمده ام! و فرزندم علی (حضرت رضا (ع)) را وصی خود قرار داده ام و در ظاهر دیگر فرزندانم را با او در جانشینی خود شریک ساخته ام تا جانش حفظ شود، ولی در باطن به او وصیت کرده ام. اگر کار به دست من بود، قاسم را جانشین می ساختم؛ چون او را نیز دوست می دارم و دلسوزیم براو بیشتر است لیکن این امر خدا است و هر جا بخواهد آن را قرار می دهد. (۲) همچنین سید علی بن طاووس در کتاب مصباح الزائرین زیارت ایشان را مستحب و فضیلت آن را در حدّ زیارت ابو الفضل و علی اکبر (علیهما السلام) دانسته است.

۹. زید بن علی بن الحسین علیهما السلام

ایشان نیز جایگاه رفیعی در نزد امامین باقر و صادق (علیهما السلام) داشته و در پی خونخواهی امام حسین (ع) از بنی امیه با مظلومیت به شهادت رسیده است. وی در نزدیکی حله دارای حرم و بارگاه با عظمتی است و معجزات و کرامات فراوان از آن مشاهده شده است.

١- مقاتل الطالبين، ص ٢٣٠. الكامل، ابن اثير، ج ٤، ص ٣٧٤.

٢- اعلام الوري ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ص ١٨٤.

۱۰ و ۱۱. نبی ایوب و ذی الکفل

قبر این دو پیامبر نیز در اطراف حله واقع شده است و هر کدام دارای حرم و زیارتگاه مهمی هستند.

۱۲. مدائن

مدائن شهری در نزدیکی بغداد است که سلمان فارسی و حذیفه بن یمان دو تن از اصحاب رسول خدا و امیر مؤمنان (علیهما السلام) در آن مدفون اند.

۱۳. نواب اربعه امام زمان (عج)

شصت و نه سال آغازین دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) را دوران غیبت صغری آن حضرت نامیده اند. در این دوران چهار نفر پی در پی نیابت ایشان را بر عهده داشته اند. آنان به ترتیب ابو عمرو عثمان بن سعید زینات، ابو جعفر محمد بن عثمان زینات، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری بودند و پس از وفات چهارمین نفر، دوران غیبت کبری حضرت آغاز شده است. قبور مطهر این نایبان چهارگانه در شهر بغداد است.

اماکن زیارتی غیرمستند

اشاره

چنان که گفته شد، زائران عتبات عالیات در سفر زیارتی خود علاوه بر حرم های مطهر امامان معصوم (علیهم السلام) از اماکنی بازدید و آنها را زیارت می کنند که برخی از آنها فاقد ریشه و سند معتبر بوده و برخی در عین مثبت و مستند بودن در هاله ای از عقاید خرافی و باورهای نامعقول گرفتار شده اند و این پیرایه های خرافه آمیز، سیمای زیبای این آثار و پدیده ها را نیز زشت و مشوه جلوه می دهد. در این بخش این اماکن را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. خانه امام علی (ع)

در این که امام علی (علیه السلام) در اواخر عمر شریفشان به مدّت چهار سال و چند ماه عهده دار خلافت ظاهری بوده اند و مرکز حکومت ایشان در کوفه بوده و به یقین در خانه ای سکونت داشته اند، تردیدی نیست ولی این که محل سکونت ایشان در کجای کوفه بوده، بیرون یا درون دار الاماره، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ چون به هر حال این احتمال وجود دارد، که محلّ فعلی در مجاورت کاخ دار الاماره کوفه، خانه آن حضرت باشد و نیز با توجه به شهرت این محل به عنوان خانه امام، ما نیز آن را رد نمی کنیم. ولی تقسیمات درون این خانه قطعاً با روایات ایشان سازگاری ندارد و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که در سال های آخر حکومت صدام آن را بازسازی کرده اند؛ به عنوان مثال اختصاص مکانی به عنوان مکتب الحسنین (علیهما السلام) در این خانه، فاقد هرگونه توجیه عقلایی است. اعتقاد متقن شیعی ما این است که آن دو بزرگوار امام بوده اند و علم لدنی داشته اند و نیازی به تعلّم و فراگیری نداشته اند. علاوه بر این در زمان حاکمیت پدرشان در کوفه یعنی بین پنجاه و هشت سالگی تا شصت و سه سالگی از عمر آن حضرت، این دو بزرگوار نیز مردانی سی، چهل ساله و دارای شخصیت و زندگی مستقل بوده اند و داشتن چنین مکتبی در خانه پدرشان برای آن دو بزرگوار قابل توجیه نیست. برخی کوشیده اند، با ترجمه کلمه مکتب به معنی محلّ تدریس یا دفتر کار، مشکل را حل کنند اما قابل پذیرش نیست؛ زیرا چگونه اتاقی به این کوچکی آن هم درون خانه مسکونی امام و در کنار خانواده آن حضرت می توانسته است، محلّ تدریس یا دفتر کار اداری آن هم برای دو نفر باشد. در این صورت تردّد شاگردان یا ارباب رجوع به درون خانه شخصی امام چگونه قابل توجیه است؟ گرفتن مکتب به معنای مکتبه یعنی کتابخانه هم درست نیست؛ چون امام مستغنی از داشتن کتابخانه و مراجعه به کتاب است.

از این ها گذشته، نمازهایی که برای قسمت های مختلف این خانه تشریح و ابداع کرده اند، مثل نماز مکتب الحسنین یا نماز چاه امیرالمؤمنین یا نماز مغتسل امیرالمؤمنین یا نماز اتاق حضرت زینب و ام البنین فاقد وجاهت و ریشه درست و مستند بوده و موجب وهن شیعه است؛ مگر آن که به زائران تفهیم شود، در این فرصت ها، نمازهای مأثوری از قبیل نماز

هدیه به امام علیه السلام یا نماز حاجت یا نمازهای اداء و قضای یومیه به جا آورند.

از نمازهای ساختگی هم که بگذریم روزانه (در زمان تدوین این سطور) حدود هشت هزار نفر زائر وارد عراق می شوند و جمع زیادی از مردم عراق هم هر روز به این محل می آیند و همگی مقیدند از این خانه بازدید کنند یعنی از راهروهای تنگ آن عبور و در هر یک از اتاق ها و زوایای این خانه نماز بگذارند و طبعاً زن و مرد نامحرم به یکدیگر برخورد می کنند که این تلاقی نامحرمان به یکدیگر، خلاف شرع آشکار بوده و به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

۲. میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی (ع))

درون صحن امام علی (ع) و در سمت قبله حرم مطهر ناودان طلایی وجود دارد که در سال های اخیر شهرت فراوان یافته است. ایرانی ها در وقت مشایعت به هم سفارش می کنند که هنگام تشرّف به نجف زیر ناودان طلای حضرت علی (ع) برایم نماز بخوان یا برایم دعا کن! گاهی هم اطراف حرم، زائران سرگردانی را می بینید، که از شما سراغ ناودان طلا را می گیرند. عرب ها به این ناودان میزاب رحمت می گویند. این ناودان که کم کم شهرتش فزونی یافته و شانه به شانه ناودان طلای کعبه می زند، از هدایای نادرشاه افشار به حرم امام علی (ع) است که در سال ۱۱۵۶ هـ. ق به زیارت حضرت مشرف شده و گنبد و گلدسته ها و ایوان حرم را طلاکاری کرده است. این طلاها اکنون متعلق به حرم مطهر و از اموال آستان مقدّس علوی است، ولی چنان که می دانید، امام علی (ع) ارادتی به طلا نداشته و عبارت تکان دهنده »

یا صَفراء یا بِيضاء غُزى غَيْرى (۱)

« یعنی ای زرد و ای سفید! غیر مرا فریب دهید! از بیانات امیر مؤمنان (ع) است بنا بر این تأکید بر نماز یا دعا در زیر این ناودان هم از همان بافته های عوامانه است که اصل و ریشه قابل توجیهی ندارد.

۳. عتبه حرم ها

عتبه به معنای آستانه یا قسمت پایین چارچوب در ورودی است. در سیره بزرگان و علما دیده شده که برخی به هنگام ورود به حرم ها زانو بر زمین نهاده و عتبه حرم را بوسیده اند. چنان که برخی نیز دیگران را از این کار منع کرده اند. نگارنده در حدّ خود نمی بیند که بگوید، عتبه حرم ها را تأدّباً ببوسید یا نبوسید. از فرزانه ای پرسیدند در شعر حافظ (ره) عبارت کشتی شکستگانیم درست است یا عبارت کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز؛ باشد که باز بینیم دیدار آشنا را؟ فرمود:

بعضی نشسته خوانند، برخی شکسته داند چون نیست خواجه حافظ، معذور دار ما را

لیکن اگر بنا دارید، هنگام تشرّف عتبه حرم را از روی ادب ببوسید، شایسته است، پیش از آن، زائران همراه را توجیه کنید تا به گمان آن که شما به سجده افتاده اید، امام را سجده نکنند، که این کار علاوه بر این که ممکن است، آنان را تا سر حدّ شرک و کفر و سجده بر غیر خدا پایین بیاورد، ابزار مساعدی نیز برای هتک حیثیت شیعیان در گستره جهان فراهم سازد.

بدخواهانی که شیعه را به شرک و کفر متهم می کنند، به این قبیل صحنه ها استناد خواهند کرد و می گویند، اینان مشرک اند. بنگرید که چگونه دسته جمعی، امامان خود را سجده می کنند!

۱- بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۱، جلد ۳۹، ص ۶۹

۴. باغ امام صادق (ع)

در کربلا باغی موسوم به باغ امام صادق (علیه السلام) است که مالک فعلی در آن بنایی احداث کرده و ضریحی تعبیه کرده است. مالک این باغ مکرر از بلندگو اعلام می کند که اینجا باغ امام صادق (علیه السلام) است و من هم خادم این باغ هستم. دو رکعت نماز بخوانید و وجوه خود را در این ضریح بریزید. گاه و بیگاه خرمایی هم به بعضی تعارف می کند که این خرمای متبرک باغ امام صادق (ع) است و

اگر همه پیشینه و تاریخ آن را که بررسی کنید به این نتیجه می رسید که شنیده ها می گویند هر وقت امام صادق (ع) به کربلا می آمده اند، در این باغ استراحت می کرده اند یا سکنی می گزیده اند. اولاً عبارت شنیده ها می گویند چه قدر می تواند اطمینان بخش باشد؟ ثانیاً آن ضریح و آن نماز و آن خرمای متبرک مستندشان کجاست؟ ثالثاً مگر نه این است که امام صادق (ع) برای زیارت جدشان به کربلا آمده اند و گرنه مدینه کجا و کربلا کجا؟! اگر بپذیریم که هدف آن حضرت زیارت امام حسین (علیه السلام) بوده، چگونه ما زائری را که فقط دو روز در کربلاست؛ آن هم بعد از سی سال انتظار و آرزو و این همه سرمایه گذاری و این همه خطرات و مشکلات و ... از کنار حرم امام حسین (علیه السلام) با پای پیاده به این باغ می آوریم و برمی گردانیم و او هم در بین راه کلی اجناس بی کیفیت چینی از قبیل پتو و اسباب بازی و غیره می خرد و خسته و رنجور وقتی کنار حرم می رسد و به او پیشنهاد زیارت حرم را می دهی، سرش را پایین می اندازد و اظهار می دارد، خسته شده ام و این اجناس همراه را هم باید به هتل ببرم. و بدین گونه توفیق زیارت از آنان سلب می شود.

نتیجه این که متأسفانه این آدرس های غلط و این شاخه های فرعی در اطراف حرم امام حسین (ع) و حضرت ابالفضل (ع) کار زائران ما را به جایی رسانده است که در مدت اقامت زائران در کربلا یکی دو بار به حرم امام حسین (ع) و یک بار نیز به حرم ابالفضل (ع) می روند و باقی وقتشان صرف همین شاخه های فرعی می شود. مرتب از بیرون حرم به این دو بزرگوار تعظیمی می کنند، به یکی از کوچه و خیابان های اطراف می روند تا فلان جا را زیارت کند.

۵. مقام شیر فضّه

از جاهای دیگری که در این چند سال وقت زائران صرف بازدید از آنها می شده است، بازدید از مقام شیر فضّه است و خلاصه قصّه آن چنین است که جناب فضّه کنیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) - که اصل حضور او در حادثه عاشورا محل تردید است - در عصر عاشورا اعجازی فرموده و شیری را که نزدیک کربلا می زیسته به کربلا آورده است. نخستین پرسشی که فوراً به ذهن انسان خطور می کند، این است که علت احضار این شیر در کربلا چه بوده است؟ و جوابی که می شنود، این است که یا برای حفاظت از پیکر بر خاک افتاده شهدا و یا برای حراست از اسرای عظیم القدر که بعد از شهادت امام حسین (ع) گرفتار دشمن شدند، این شیر به اعجاز فضّه خاتون در کربلا حضور یافته و جالب این است که این شیر بی هنر هیچ یک از این دو کار مهم را انجام نداده است؛ یعنی نه اجساد شهدا را حفاظت کرده (چون همه می دانیم که آن پیکرهای مطهر را زیر سم اسبان لگد کوب کردند) و نه اسرا را حراست نموده است؛ زیرا در تاریخ مسلم شده است که خیمه ها را آتش زدند و اموال

بانوان حرم را غارت کردند؛ حتی خلخال از پاها کشیدند و برای رسیدن به گوشواره گوش های دخترکان یتیم را دریدند و زن و بچه های اسیر را در بیابان آواره و پراکنده ساختند و بهترین دلیل بر کذب این روایت این است که به عنوان مثال، هیچ کس از آن سی هزار نفری که در کربلا جمع شده بودند، نگفتند و حتی یک مورد در تاریخ نیامده است، که وقتی خواستم به فلان خیمه یورش ببرم، ناگهان شیری به من حمله کرد و ما

را از این کار باز داشت. ممکن است کسی بگوید که در فلان کتاب معتبر به قصه شیر فضه اشاره شده است. پاسخ روشن است. همان که گفتیم اگر بود یک نفر او را می دید. لیکن از این گذشته همه می دانیم که روایات ما ظنی الصدور هستند. به فرض این که چنین مطلبی در کتابی آمده باشد. چه ضرورتی دارد که ما هر چه را در کتابی دیدیم آن را برای زائر عوامی که فقط دو روز می خواهد مولایش امام حسین (ع) را با خیالی آسوده زیارت کند و باز گردد، تعریف کنیم و وقت گرانبهای او را صرف بازدید از چنین اماکنی کنیم و با افزودن کلی شبهه به ذهن و فکرش او را روانه وطن سازیم؟ آیا این کار منصفانه است؟ آیا موضوع امام حسین (ع) و حقانیت قصه کربلا آن اندازه سست و بی پایه است که این جناب شیر آن هم نه با اراده خود آن حضرت یا امام سجاد (ع) یا حضرت زینب کبری (س) که به برکت جناب فضه خادمه، بخواهد آن را به اثبات برساند؟

۶. مقام احتجاج

مقام احتجاج نقطه ای است که می گویند امام حسین (ع) با عمر سعد در آن جا جلسه ای داشته اند. صرف نظر از این که معلوم نیست محل آن جلسه دقیقاً همین جا باشد؛ باز هم سخن این است، که آنچه مربوط به امام حسین (ع) است که با وجود قبر مطهر آن حضرت و ضریح و حرم بارگاه و گنبد و صحن و ... بحمدالله حاصل است. باقی می ماند عمر سعد و محل نشستن او. آیا این پلید و محل نشستنش آن اندازه اهمیت دارد که زائر، زیارت امام حسین (ع) را ترک کند و به زیارت یا بازدید از آن برود؟

۷. نهر علقمه

در کربلای کنونی محل دقیق نهر علقمه مشخص نیست و کسی هم مدعی آن نیست. در این یک هزار و چند صد سال به اندازه ای ساخت و ساز و تخریب و جا به جایی در کربلا صورت گرفته است که هیچ نمی توان معین کرد، حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور دقیق برای آوردن آب به کجا رفته است و از کجا آب آورده است؟ آبی که اکنون در بین راه باغ امام صادق (ع) و در کنار مقام امام زمان (ع) جاری است، نهر الحسینی نام دارد و از محله ای به نام الحسینی در حدود پانزده کیلومتری کربلا از فرات اصلی منشعب شده است، تا زمین های زراعی بین راه خود را سیراب سازد و اکنون به خاطر ازدیاد جمعیت و افزایش مصرف آب در کربلا و بالا آمدن سطح آب های زیرزمینی، فاضلاب هتل ها و خانه های اطراف این نهر بر آن مسلط شده و در آن می ریزد تا با عبور از کنار کربلا یا صرف زراعت شود و یا پسمانده آن دو باره به فرات اصلی ملحق گردد. اگر در تابستان سابقه تشرّف داشته باشید، بوی تعفنی را که از این آب در فضا متصاعد می شود، استشمام کرده اید. با این وجود پلکان سیمانی وسیعی که بر حاشیه این نهر ساخته اند، مورد استفاده اکثر کاروان هاست. مبلغان به جای آنکه زائر را به صحن مطهر حضرت ابوالفضل ببرند و مرثیه شهادت آن بزرگوار را برای ایشان بخوانند، آنها را برای ذکر مصیبت کنار این آب آورده و روی این پلکان سیمانی می نشانند و اگر هیچ اشاره ای هم نکنند، خود به خود در ذهن زائران چنین تداعی می شود، که حضرت ابوالفضل العباس (ع) برای آوردن آب به این محل آمده است و

لازم به یادآوری است که اگر در مفاتیح الجنان دیده اید، که مرحوم شیخ عباس قمی اصرار می ورزد که برای غسل زیارت از آب فرات استفاده کنند یا شنیده اید، که جابر بن عبدالله انصاری وقتی برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در اربعین اول آن حضرت به کربلا آمد، در آب فرات غسل کرد و آن گاه به زیارت آن حضرت نایل شد؛ باید توجه کنید که

در زمان جابر آب مثل امروز آلوده نبود و در زمان شیخ عباس نیز در کربلا آب لوله کشی وجود نداشت و مردم از آب چاه استفاده می کردند. شیخ عباس به استناد روایتی که در بیان شرافت آب فرات رسیده، اصرار می کند، که زائر در آب فرات غسل کند. لیکن امروز آن چاه های قدیم بسته شده و آب مصرفی عموم مردم کربلا و حتی نجف و آبادی های اطراف آن ها از آب فرات است و مردم آبی جز آب فرات برای مصارف روزمره خود ندارند. همین آب فرات را تصفیه می کنند و از طریق لوله در هتل ها در اختیار شما هم قرار می دهند. بنا بر این اگر زائر نذر هم کرده باشد که در آب فرات غسل کند وقتی در حمام هتل غسل کرد، به نذرش عمل کرده و ذمه اش بری شده است.

۸. خیمه حضرت قاسم

خیمه گاه فضای مثبتی است. بازسازی شده، مفروش و مزین با فضای روباز و سر پوشیده و برای برگزاری مراسم دعا، توسل، سخنرانی و مدّاحی آماده است. لیکن در گوشه ای از این فضا، خیمه حضرت قاسم بنا شده که این امر موجب شده است، برخی داستان عروسی حضرت قاسم را که ریشه معتبری ندارد، مطرح کنند و اظهار دارند که شب عاشورا اگر امام حسین (ع) از دشمن مهلت خواست و جنگ را یک شب به عقب انداخت، برای اجرای مراسم عروسی قاسم بوده است. ما در تاریخ خوانده و در منابع گفته و شنیده ایم که عصر تاسوعا وقتی عمر سعد خواست جنگ را شروع کند، امام حسین (ع) به برادرش ابوالفضل (ع) فرمود: برادرم! من از مرگ و جنگ واهمه ای ندارم ولی به نماز و تلاوت قرآن علاقه مندم. با اینان سخن بگو و اگر می توانی یک امشب را برایم مهلت بگیر تا به نماز و تلاوت پردازم. نیمه شب هم وقتی جاسوس عمر سعد از اطراف خیمه ها بازدید کرد به وی چنین گزارش داد که: »

لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ

« یعنی خیمه های اینان به سان لانه های زنبور است، همگی سرگرم دعا و تضرع و مناجات و تلاوت و نماز هستند. اکنون شما داوری کنید که اگر کسی بنشیند و بگوید که خیر! اینان آن شب عروسی داشته اند، اولاً: چه بیراهه رفته است و ثانیاً: چه بهانه ای به دست برخی بانوان عوام منتظر چنین فرصت هایی داده تا به سرعت بساط عروسی و حنابندان به پا کنند و نهضت مقدس حسینی را که درس زندگی و حماسه برای همه بشریت در پهنه زمین و درازای زمان است به افسانه ای سمبلیک و عاشقانه بدل سازند؟! »

۹. مقام مشک! مقام کشتی!

در سمت قبله حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ماکت مشکی در وسط میدان ساخته شده که بنای آن مربوط به همین سنوات اخیر است و نمادی از عطش و آب و تشنه کامی است و سابقه ای در تاریخ گذشته این سرزمین ندارد. گرچه برادری این جا را هم به عنوان مقام مشک حضرت ابوالفضل (ع) معرفی کرده بود! و نیز کشتی بزرگی هم در سمت حرم امام حسین (ع) ساخته شده است، که گویا برداشتی سمبلیک از حدیث معروف »

أَنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ

« است و اگر به هوش نباشیم شاید تا چند روز دیگر مقام کشتی نیز به مقامات قبلی افزوده شود.

۱۰، ۱۱ و ۱۲. مقام علی اکبر (ع)، مقام علی اصغر (ع)، کف العباس (ع)

هیچ از خود پرسیده اید در آن گیر و دار روز عاشورا واقعاً چه کسی می توانست زمین کربلا را نشانه گذاری کند و حوادثی جزئی از این قبیل را معین سازد که حضرت علی اکبر (ع) کجا از اسب فرو غلتیده و حضرت علی اصغر (ع) کجا

هدف تیر واقع شده و دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل (ع) هر کدام کجا روی زمین افتاده اند و اگر هم چنین نشانه گذاری صورت می گرفت، چگونه می توانست این نشانه های جزئی تا قرن ها باقی بماند و به ما منتقل شود، بدون آن که در هیچ متن تاریخی یا روایی به آن اشاره شده باشد و توسط کارشناسان و محققان معتبر و مطمئن مورد تصدیق واقع شده باشد؟ کدام یک از ما با چه دلیلی و با استناد به کدام مدرک اطمینان بخشی می توانیم مدعی شویم، اماکنی که امروز برای وقایع یاد شده معرفی می شوند، واقعاً محل دقیق وقوع آنها بوده است؟

البته این جا به دو نکته اساسی باید توجه داشت: یکی این که تصور نشود چنانچه امروز ما این موارد را با این وضوح نفی کنیم، فردا ممکن است مردم در اصل ماجرای عاشورا و کربلا؛ امام حسین (ع)؛ ابوالفضل (ع)؛ علی اکبر (ع) و ... تردید کنند و همه چیز زیر سؤال برود. خیر، اولاً حادثه کربلا- ریشه دار تر از آن است که با نفی چنین پدیده هایی متزلزل شود؛ ثانیاً این نوشته هرگز در صدد نیست که در اصل شهادت علی اکبر یا علی اصغر یا قطع دستان مبارک قمر بنی هاشم (علیهم السلام) تردید کند؛ حاشا و کلاً!! چنان که تردیدی نیز وجود ندارد، در این که واقعاً این جنایات بزرگ در همین فضا و سرزمین تحقق یافته است. مدعیای ما فقط این است که تعیین مکان خاصی برای وقوع هر یک از این جنایات نیازمند دلیلی متقن و عقلانی است و چنین دلیلی مسلماً وجود ندارد.

گزارش وقایع محرم سال ۶۱ هجری در کربلا با همه جزئیاتش هم در متون تاریخی و هم در متون حدیثی و روایی شیعه آمده است. قدیم ترین گزارش تاریخی حوادث یاد شده مقتل ابی مخنف است که یک مؤرخ شیعی بوده و همین مقتل منبع گزارش حوادث کربلا در تاریخ معروف طبری است و دیگر مورّخین تقریباً هرچه دارند، از طبری گزارش کرده اند. همچنین محدّثین بزرگوار در طول تاریخ هزار و چند صد ساله گذشته جزئیات همین حوادث را در معتبر ترین آثار روایی خود بیان کرده اند، از قدیمی ها می توان ابن قولویه را نام برد و پس از وی به ترتیب شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، و بعد از آنها سید بن طاووس صاحب اثر ماندگار لهوف و به دنبال او مرحوم مجلسی که با دقت و وسعت در بحارالانوار (عربی) و حیوه القلوب و جلاء العیون (فارسی) و غیر آنها رخداده کربلا را آورده اند. این اواخر هم محدّث بزرگ حاج میرزا حسین نوری طبرسی و شاگردش محدّث قمی صاحب نفس الهموم همین راه را طی کرده اند. اگر همه این آثار فخیم و گران سنگ را زیر و رو کنید، در هیچ یک از آنها اشاره ای به مقام علی اکبر و علی اصغر نشده و نامی از محل قطع دست ها به میان نیامده است که اگر بود به یقین آن ها هم از آوردن گزارش آن دریغ نمی کردند.

این مقام ها یقیناً مربوط به همین چند دهه اخیر است که با نگاهی خوشبینانه باید گفت کسی که از صفای باطن برخوردار بوده اینها را معرفی کرده و اگر قدری واقع بینانه قضاوت شود، باید گفت که این گونه پنداشت ها ریشه در جهل جاهلان یا غرض ورزی مغرضان دارد.

آثار و پیامدهای ترویج و تبلیغ اماکن غیر مستند

از آثار منفی و وجود تالی فاسد بقای این سه چهار مقام غیر مستند، جلب توجه مردم به سوی آن ها و سلب توفیق زیارت و

محرومیت از درك محضر امام حسین و ابوالفضل و علی اکبر (علیهم السلام) و دیگر شهدای والا مقام کربلاست و زمانی را که زائر صرف تردد بین این اماکن و تماشای آنها می کند، به همان اندازه از تشرّف در صحن و حرم آن بزرگواران و زیارت قبور مطهر آنان محروم می شود. به طوری که پیامدهای منفی و زیانبار ترویج چنین اماکنی را می توان بدین شرح برشمرد:

(۱) رسمیت دادن به اماکن جعلی در حالی که آموزه های دینی بر خلاف آن است؛

(۲) از بین بردن فرصت های ارزشمند زائر؛

محروم شدن زائر از زیارت امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا که هدف سفر است؛

(۴) مزاحمت برای ساکنان اطراف این اماکن جعلی؛

(۵) تراحم و تصادم با نامحرم در گذرگاه های تنگ این اماکن؛

گویا سخن امام امیرالمؤمنین (ع) را از یاد برده ایم که تازیانه در دست در بازار کوفه قدم می زد و به مردم می فرمود: شنیده ام در بازار شانه های زنانان به شانه مردان نامحرم برخورد می کنند! خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد! (۱) (۶) سوء استفاده سودجویان از اعتقادات مردم.

یکی از دوستان تعریف کرد که خانمی از همراهان ما وقتی چشمش به گهواره موجود در مقام جعلی علی اصغر (ع) افتاد، چند دقیقه بر مظلومیت آن حضرت گریست و ناگهان گردنبد و انگوها و گوشواره ها و همه جواهر آلات همراه خود را یک جا در گهواره انداخت و رفت. به راستی دست این سودجویان را چه کسی باز کرده است؟ آیا ما اگر این زائران عاشق را به این اماکن نمی بردیم چنین اتفاقی می افتاد؟ آیا عمل ما مورد تأیید سالار شهیدان است؟

شایسته است به عنوان یک تکلیف شرعی به جای بردن زائران ائمه معصوم (علیهم السلام) به این کوچه پس کوچه های انحرافی از آنان بخواهیم تا با حضور در حرم های مطهر از خدای بزرگ کمال و معنویت را در حضور ارواح بلند آنان طلب کنند.

۱۳. اعمال خرافی در بین الحرمین

حدّ فاصل حرم امام حسین (ع) تا حرم حضرت ابوالفضل (ع) در گذشته بازاری به نام بین الحرمین بوده است. صدّام در اواسط دوران حاکمیت خود این بازار و خانه های پشت آن را ویران کرد و به جای آنها خیابانی عریض با چند ردیف درختان نخل احداث نمود. این فضا که اکنون نیز بین الحرمین نامیده می شود، با توجه به چشم اندازهای زیبایی که در دو سوی خود دارد (گنبد و بارگاه امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)) و نیز فضای سبز و درختان و آب نماها بسیار قابل بهره برداری است، زائران می توانند در این محیط برنامه های مفید مذهبی از قبیل دعا و توسل و زیارت، مدّاحی و حتی سخنرانی داشته باشند. ولی باید هوشیار بود که عناصری جاهل یا مغرض در تلاش اند تا همین محیط خوب و مثبت را به خاستگاهی برای افکار خرافی و اعتقادات باطل تبدیل کنند. چنان که در ایام حج سال گذشته (۱۴۲۹) در کربلا افرادی مغرض یا نادان مردم را وادار می کردند تا هفت شوط (به عدد اشواط سعی بین صفا و مروه در حج) بین حرم امام حسین (ع) تا حرم حضرت ابوالفضل (ع) رفت و آمد کنند و احرام بپوشند و هروله کنند و بگویند:

اللَّهُمَّ لَيْتِكَ؛ لَيْتِكَ يا حُسَيْن!

... نیک بیانیدشید که

اللَّهُمَّ لَيْبِكَ

را از حج گرفته اند و مخاطب آن خداست و

لَيْبِكَ يَا حُسَيْنَ

را از پاسخ به ندای

هَلْ مِنْ نَاصِرٍ

امام حسین (ع) برداشته اند و مخاطب امام حسین (ع) است و اگر این دو شعار با هم آمیخته شود، چه آبرویی از شیعه می برد چه بسیاری از دل های بیماری که آرزوی دست یافتن به چنین فرصتی دارند تا شیعه را متهم کنند و چه سرمایه ای باید هزینه شود تا آثار سوء این تهمت خنثی گردد؟!

جوانانی ناآگاه در این محیط به بهانه تأسیی به چهره خاک آلود و خونین امام حسین (ع) در ظهر عاشورا خود را به زمین انداخته و صورت های خود را به خاک می ساییدند تا خونین شود! چهار دست و پا بر زمین راه می رفتند و عوعو می کردند، با این توجیه غلط که ما سگ حسین و ابالفضلیم!! و معتقدند که اهل بیت از اصحاب کهف که کمتر نیستند. آنها سگشان را هم با خود بردند و عاقبت به خیرش کردند، چرا این ها نکنند!

۱۴. سنگ قرمز بالای سر مبارک امام حسین (ع)

در سمت سر مقدس امام حسین (ع) و در کنار ضریح مطهر سنگ قرمزی بر زمین نصب شده که جمعیت بر آن ازدحام می کنند و نوبت می گیرند تا روی آن بایستند و نماز بخوانند. در باره تاریخ و ماهیت این سنگ، متولیان حرم امام حسین (علیه السلام) می گویند، زمانی که هنوز حائل میان زنان و مردان در این مکان نصب نشده بود و خیل زائران، مشتاق بودند که در سمت بالای سر مبارک امام (ع) نماز بخوانند، گاهی به خاطر ازدیاد جمعیت و عدم توجه، زائران به تدریج جلو می رفتند به حدی که جلو تر از قبر مطهر به نماز می ایستادند و مراجع عظام تقلید برای نماز در حرم امامان معصوم (علیهم السلام) حدی قائل اند و نماز مقدم بر امام را برخی صحیح نمی دانند، لذا این سنگ قرمز به عنوان نشانه محاذات، نصب شد؛ یعنی این که این جا برابر بدن مبارک امام (ع) است و از این قدری عقب تر بایستند. به زودی تمام سنگفرش حرم مطهر تعویض می شود و این سنگ نیز برداشته خواهد شد.

داستان هایی که برای این سنگ و قرمزی آن و فضیلت نماز بر روی آن ساخته شده و چه بسا از این پس نیز ساخته شود، کاملاً بی اساس است!!

اعمال مسجدین سهله و کوفه

اشاره

در گذشته های نه چندان دور مدیریت اعمال مسجدین را مرشدها به عهده داشتند و این امر دو اشکال عمده داشت: یکی این که برداشت عمومی این بود که مبلغان اعزامی همراه کاروان ها قادر به انجام این اعمال و خواندن این دعاها نیستند و این یک اهانت آشکار به همه روحانیان و مداحان عزیزی بود که در طول حدود ده روز، خود را از کار و درس و خانواده و فعالیت های روزمره زندگی منفک کرده و تنها به عشق اهل بیت عصمت (ع) و خدمت به زوار آنان رنج سفر را بر خود هموار و همه مشکلات طول مسیر و خطرات گوناگون را به جان می خریدند اما آن گاه که به مسجدین کوفه یا سهله می رسیدند، بدون دلیل کنار گذاشته می شدند در حالی که یکی از اعمال عبادی این سفر همین اعمال مسجدین بود.

دوم این که در حین اعمال یا در پایان آن مرشد به زائران پیشنهاد می کرد که همین اعمال را به نیابت پدر، مادر و دیگر گذشتگان آنها انجام دهد و از این بابت مبلغ هنگفتی از هر کاروان اخذ می نمود در حالی که اولاً معلوم نبود، او به این همه نیابت عمل کند؛ ثانیاً چنان که خواهیم گفت، نیازی به پرداخت این همه هزینه نبود و زائر می توانست خود با یک نیت ساده همه بستگان و دوستان زنده و مرده اش را در ثواب اعمال خود شریک سازد. به منظور حفظ حیثیت مبلغان عزیز کاروان ها و پیشگیری از هزینه هنگفت نیابت ها لازم است، انجام اعمال مسجدین را مبلغان کاروان ها شخصاً بر عهده گیرند و مدیران نیز موظف هستند ضمن پرهیز از به کارگیری مرشد، کمال مساعدت را در این جهت با مبلغان کاروان خود انجام دهند.

نکات لازم در اجرای مراسم مسجدین

۱. پیش از رفتن به مسجد، در هتل زائران را نسبت به اعمال مسجدین توجیه کنید که اعمال مسجدین کوفه و سهله مستحبی است و در مستحبات انسان می تواند ضمن این که عملی را برای خودش انجام می دهد، نیت کند که همان عمل به نیابت جمع کثیری که خودش تعیین می کند محسوب شود. همان گونه که وقتی به زیارت هریک از امامان معصوم (علیهم السلام) می روند، چنین نیت می کنند که زیارت می کنیم این امام بزرگوار را برای خودمان و به نیابت پدران، مادران، اقوام، سفارش کنندگان، امام راحل و شهدا، اموات و ... قریه الی الله. بدیهی است در این صورت این عمل مستحبی در نزد پرورگار تعالی هم برای انجام دهنده منظور می شود و هم خدای مهربان بدون آن که چیزی از ثواب او بکاهد، عین همین ثواب را به همه کسانی که برای آنها قصد نیابت شده، عطا و عنایت می فرماید و حتی چه بسا ثوابی هم به خاطر قصد نیابت به خود این شخص عطا می فرماید. بنا براین زائران محترم بدون آن که پولی در این

جهت به کسی پردازند می توانند اعمال مسجدین را خودشان انجام دهند و برای هر کسی هم که مایلند، قصد نیابت کنند البته همین جا فرصت خوبی است تا بر فضل و عنایت بی حساب الهی تأکید شود و این که خدای مهربان چه قدر بخشنده است و به هر بهانه ای بندگانش را از عطای سرشار خود بهره مند می فرماید.

۲. به زائران اعلام کنید که برای مدیریت اعمال عبادی و برنامه های معنوی کاروان در خدمت شما هستیم و راهنمایی برنامه های مسجدین سهله و کوفه را خودم شخصاً انجام خواهم داد و نیازی به استخدام مرشد و واگذاری کار به غیر نیست.

۳. اگر مدتی است به عتبات نیامده اید و محلّ دقیق مقام ها را به خاطر ندارید، از نقشه مسجدین که ضمیمه این نوشته است، استفاده کنید و یا در ابتدای ورود به عنوان معرفی کلی مقام ها، به اتفاق زائران همراه گشتی در مسجد بزنید. به این صورت در جریان مقام های مسجد قرار می گیرید. البته نام هر یک از مقام ها با خط درشت و خوانا روی سنگ هایی حکاکی و در معرض دید همگان نصب شده است.

۴. اعمال مربوط به هر مقام مستقل از مقام های دیگر است و ترتیبی ندارد. بنا بر این در هر مقامی که ازدحام کمتری دیدید می توانید عمل مربوط به آن را انجام دهید.

۵. اگر درون مقامی به خاطر ازدحام جمعیت، جا نبود، می توانید قدری دورتر از آن، کنار جمعیت متصل به آن مقام بنشینید و صرف اتّصال به جمعیت برای شما کافی است. (همانگونه که در حج، برای خواندن نماز طواف پشت مقام ابراهیم با این که آن نماز عبادتی واجب است، فقها همین اتّصال به جمعیت نمازگزار را کافی می دانند؛ چه رسد به عتبات که نمازها و عباداتش مستحب است.)

۶. می دانید که در انجام مستحبات انسان باید به ظرفیت روحی خود توجه کند و اگر نشاط لازم همراه با اقبال قلبی و روحی در خود نمی بیند، بهتر است، عمل مستحبی را کوتاه و مختصر یا حتی آن را ترک کند. (۱) متأسفانه اکنون در بین زائرانی که سابقه تشرف به عتبات دارند، نوعی کراهت و انزجار نسبت به اعمال مسجدین کوفه و سهله دیده می شود و وقتی برنامه رفتن به آن جا مطرح می شود، بعضی تمایلی نشان نمی دهند و توجه داشته باشید که چنین خاطره تلخی نسبت به مکان فخیم و مبارکی مثل مسجد کوفه و مسجد سهله زاییده سخت گیری ها و یا درک نکردن لذت و شیرینی عبادت است. بنابراین در جمع زائران به صراحت به استحباب اعمال این دو مسجد تأکید شود و از آنان درخواست شود، در هر قسمت که خسته شدند، می توانند از همان جا جدا شوند و در گوشه ای به استراحت پردازند یا از بخش های مختلف مسجد بازدید کنند. بدیهی است در این صورت دیگر نسبت به اعمال مسجد احساس زدگی و ناراحتی نخواهند داشت. همراهان باقیمانده با عشق و علاقه برنامه ها را دنبال می کنند و ادامه کار برای شما آسان می شود.

۷. بخشی از دعاها را که بر آن تسلط بیشتر دارید و دارای نکات سازنده و مورد نیاز زائر است، برای زائران ترجمه کنید تا زائران درک کنند در این مناجات ها به خدای خود چه می گویند.

۸. برخی از مناسبت های مسجد کوفه را برای زائران شرح دهید. مقاماتی از قبیل دکه القضاء، بیت الطشت، دکه المعراج، محل کشتی نوح، محل قبول توبه آدم و ... تاریخ های مستند و جالب توجهی دارند که اگر در لابلای اعمال مسجد به آنها نیز اشاره کنید، موجبات رفع خستگی و انبساط خاطر و درعین حال رشد و ارتقای فکری و معنوی همراهان خود را فراهم ساخته اید.

۹. هدایت انجام اعمال مسجدهای کوفه و سهله یک فرصت تبلیغی مناسب برای روحانی و مداح کاروان است و از جمله شروط لازم برای کسی که مدیریت معنوی و مذهبی کاروان را به عهده می گیرد، این است که بتواند این اعمال

۱- ر. ک: الکافی جلد ۳ ص ۴۵۴، وسائل جلد ۴ ص ۶۹.

را به شایستگی انجام دهد. لیکن درعین حال چنانچه به هر دلیل قادر به خواندن همه دعاها نیستند، می توانید دویا سه کاروان را درهم ادغام کنید و دعاها را نیز مبلغان کاروان ها بین هم تقسیم کنند تا برنامه ها هماهنگ تر اجرا شود.

تجربیات سفر و راهکارهای عملی

دانش و تخصص روحانیون کاروان های زیارتی اگر با تجربیات پیشین آمیخته شود، نتایج ارزنده تری به همراه دارد. از این رو شایسته است به برخی از تجربیات و راهکارها که در موفقیت روحانیون کاروان ها مؤثر بوده، توجه کرد و از آنها بهره گرفت.

الف) هماهنگی با مدیر کاروان

توصیه می شود قبل از شروع سفر یک جلسه هماهنگی نیم ساعته با مدیر کاروان داشته باشید و در این جلسه اگر خصوصیات اخلاقی، توقعات و انتظارات خاص و یا حتی سبک و سلیقه ویژه ای دارید، به مدیر پیشنهاد کنید و متقابلاً اگر او نیز پیشنهادی دارد، بشنوید. اگر در زمینه برنامه ها به توافق و تفاهم رسیدید، مسئولیت تبلیغی سفر را تقبل نمایید. ولی اگر بدون شناخت و هماهنگی قبلی به سفر زیارتی رفتید و در اثنای سفر متوجه شدید، که نمی توانید با هم کار کنید، ضروری است از ناهماهنگی پرهیزید و یکدیگر را تحمل کنید تا زائران بتوانند سفر آسوده و به یاد ماندنی داشته باشند.

در طول مسیر هم هر روز ده دقیقه با مدیر جلسه داشته باشید و برنامه های بیست و چهار ساعت آینده کاروان را با هم مرور کنید. در هر قسمت هر کدام می توانید به دیگری کمک کنید و آن را معین کنید.

ب) حفظ حرمت مدیر

مدیر باید مدیریت کند و برای اعمال مدیریت باید وجاهت و حیثیتش محفوظ بماند و هرگز شخصیتش تحقیر نشود لذا یا در جمع از او انتقاد و یا بدگویی نکنید و با وجود اختلاف سلیقه احتمالی حرمت او را حفظ کنید.

در غیر این صورت تبعیت زائران از وی کمتر می شود و رشته نظم و انسجام کاروان از هم گسیخته خواهد شد.

هنر روحانی و مداح مدیریت معنوی کاروان است. سعی کنید اگر هم مشکلی با او پیدا کردید در خفا، برادرانه، به او تذکر بدهید، مهربانانه او را نصیحت کنید و چنانچه مؤثر واقع نشد، در شهرهای زیارتی به نمایندگان بعثه یا حج و زیارت مراجعه و مشکل را مطرح کنید. معمولاً در این مراکز کسانی هستند که به فرد خاطی یا سهل انگار تذکر لازم را بدهند یا با او برخورد کنند.

ج) برنامه ریزی برای طول سفر

مجموعه معارفی را که می بایست در طول سفر به زائر منتقل کنید یا حد اقل خلاصه ای از آن را در یک دفترچه همراه خود داشته باشید. و مقاطع و فرصت های مناسب برای انتقال این معارف به زائران را شناسایی کنید و سعی کنید در هر فرصت، بخشی از آن معارف را در این ظروف زمانی و مکانی بریزید. در این سفرها اتوبوس یکی از مناسب ترین فضاها است؛ مثلاً در مرز، در توقف های اضطراری، در ایست و بازرسی ها و ... که معمولاً مدیر و راننده سرگرم رتق و فتق امور و حل مشکل هستند، فرصت را غنیمت شمرده و بخشی از همان مطالب را که از پیش آماده شده است، بیان کنید؛ مثلاً چند مسأله شرعی بگویید. یا یک حدیث و روایت بخوانید یا یک مناسبت تاریخی را تعریف کنید یا تاریخ مرتبط به مکانی را که باید به بازدید آن بروید، بیان کنید یا اگر فرصت مقتضی است، نوحه ای یا روضه ای بخوانید یا دعای توسل یا زیارت امین الله یا عاشورا یا حتی اگر فرصت بیش تر دارید، جامعه کبیره و اگر زمان مقتضی است، دعای کمیل یا ندبه و ... را قرائت کنید در این صورت وقتی به شهرهای زیارتی رسیدید، احساس سبکی خواهید کرد.

د) استفاده از اوقات فراغت زائر

بکوشید علاوه بر برنامه های جمعی و کلی که برای زائران دارید، برنامه هایی هم برای جمع های کوچک تر زائران داشته باشید؛ مثلاً بخشی از تاریخ زندگی ائمه یا تاریخ نجف و کربلا و یا قبور و زیارتگاه هایی را که در این سرزمین هست، ولی در برنامه زیارتی کاروان ها نیست، برای آنان بیان و توصیف کنید. همچنین می توانید برخی مسائل شرعی را که معمولاً عموم مردم به آنها نیازمندند ولی از آن بی اطلاع هستند، به صورت سؤال مطرح کنید و اگر کسی جواب درست داد به او جایزه کوچکی بدهید؛ زیرا معمولاً مدیران منابعی برای تأمین هزینه جوایز در اختیار دارند.

ه) تأکید بر وضوی دائم

گاه برای زیارت در نقطه ای پیاده می شوید و کنار شما ده تا اتوبوس دیگر هم زائر پیاده می کنند. به زائران توصیه کنید قبل از حرکت از هتل وضو بگیرند تا در طی مسیر یا توقفگاه ها که معمولاً ازدحام جمعیت برای طهارت و تجدید وضو بسیار زیاد است، دچار مشکل نشوند در این صورت شما می توانید از فرصت های طول مسیر یا توقفگاه ها برای اجرای برنامه های خود به خوبی استفاده کنید.

و) در دسترس بودن

روحانی و یا مداح در این سفر باید در دسترس زائر باشد تا زائر بتواند به سهولت مطالب و نیاز خود را مطرح نماید. بنابراین حضور در کنج حرم ها و اشتغال به عبادت های طولانی و یا رفتن به دیدار علما و مراجع و امور دیگری از این قبیل در سفر تبلیغی، کار صحیحی نیست؛ زیرا زائران پیوسته در طول سفر زیارتی خود با پدیده های جدیدی رو به رو می شوند و مایلند وظیفه شرعی خود را در قبال این پدیده ها از شما پیرسند و تأیید شما را برای ریز و درشت کارهای خود داشته باشند. گاهی

هم درباره مسائل گوناگون بین آنان اختلاف نظر پیدا می شود و سخن عالمانه شما فصل الخطاب و تعیین کننده است. اگر در چنین مواقعی شما را پیدا نکنند، از شما دلگیر و ناراحت خواهند شد و حضور شما در کنار آنان، به آن ها آرامش روحی خواهد بخشید. بنا بر این سخاوتمندانه در همه اوقات، خود را در دسترس زائران

قرار دهید و هرگز از پاسخگویی به پرسش های اظهار خستگی نکنید.

(ز) حضور نمازهای جماعت

زائران ایرانی شرکت در نماز جماعت را دوست دارند و به آن اهمیت می دهند. نمونه این اهتمام را در مشهد یا مکه و مدینه مشاهده می شود. گاهی یک ساعت قبل از اذان در صفوف جماعت حاضر می شوند و منتظر رسیدن وقت نماز و شنیدن صدای اذان می مانند. شایسته است، به این خواسته عمومی احترام بگذارید و شما نیز در جمع آنان حضور پیدا کنید در این صورت هم به پرسش های آنان پاسخ می گوئید و هم چنانچه به هر دلیل در اقامه جماعت خللی پیدا شد، خودتان اگر روحانی هستید، امامت را به عهده خواهید گرفت و کمبود ها را پوشش خواهید داد. درباره اقامه جماعت به چند نکته مهم توجه کنید:

۱- هرگز به بهانه این که امام جماعت را نمی شناسید و عدالت او را احراز نکرده اید، از شرکت در نماز جماعت خودداری نکنید؛ زیرا عموم امامان جماعت مورد تأیید حوزه هستند.

۲- اگر در جایی امام جماعت منصوب و راتبی ندارد. از برپایی چند نماز جماعت در مکان و زمان واحد اجتناب کنید. حتی المقدور جمعیت ها را در هم ادغام و ضمن احوال پرسی از روحانیون همسفر یک نفر را که وجاهت و مقبولیت بیشتر دارد، مقدم سازید و همگی به او اقتدا کنید این همدلی و اعتماد شما به یکدیگر برای زائران بسیار زیبا و آموزنده خواهد بود.

۳- اگر معمم نیستید هرگز حتی در صورت اصرار همراهان امامت جماعت را به عهده نگیرید؛ زیرا توجه دارید که این امر خلاف فتوا فقهاست و بزرگانی چون امام (ره)، رهبری معظم انقلاب (مد ظله العالی) و برخی دیگر از مراجع از امامت جماعت افراد غیر معمم در فضاهایی که دسترسی به معممین وجود دارد، نهی کرده اند.

۴- نمازهای جماعت را کوتاه و مختصر اقامه کنید و از طولانی کردن نماز و افزودن ادعیه و اذکار مستحبی به آن پرهیز کنید. توجه داشته باشید که نماز مسافر را خداوند از هفده رکعت به یازده رکعت تقلیل داده، شما با طولانی کردن نماز این تخفیف را جبران نکنید!

(ح) پرهیز از برپایی دو مجلس در یک فضا

پس از اقامه جماعت فرصت خوبی برای سخنرانی، مدّاحی یا خواندن دعا و زیارت فراهم است ولی باید توجه داشته باشید که هرگز در یک فضا دو نفر به سخنرانی یا مدّاحی نپردازند؛ زیرا هر دو می کوشند تا برای تحت الشعاع قرار دادن دیگری صدای خود را بلند تر کنند و زائر شنونده در این میان نمی داند به صدای کدام گوینده یا مداح گوش بدهد. بنا بر این وقتی می بینید مبلغ دیگری مشغول افاضه است، یا جای مناسبی دورتر از او برای برپایی مجلس خود انتخاب کنید یا همراه با زائران همراه خود از مطالب او استفاده کنید.

حتی می توانید به همراهان توضیح بدهید که برای جلوگیری از تداخل برنامه ها با کاروان های دیگر، بهتر است فعلاً از ایشان استفاده کنیم. همچنین می توانید با اشاره یا فرستادن یادداشتی به خواننده یا گوینده یادآور شوید که بنا دارید، بعد از او شما هم انجام وظیفه کنید و نیز اگر خودتان مشغول اداره مجلس هستید، توجه داشته باشید که بنا نیست تمام فرصت را شما به تنهایی در اختیار بگیرید و دیگران هم که از راه های دور به این فضاها مشرف شده اند، مایلند در

جمع همراهان خود برنامه ای داشته باشند و فیضی ببرند. پس برنامه خود را مختصرتر کنید و صدای خود را چنان پایین بیاورید که فقط همسفران خودتان آن را بشنوند تا مزاحمتی برای سایر مبلغان فراهم نشود.

(ط) حد اکثر استفاده از انعطاف پذیری زائر

سفر به اعتاب مقدسه عراق با سفرهای توریستی که مردم مثلاً برای بازدید از آثار تاریخی پیشینان به کشورهای مختلف می روند، یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که در سفرهای زیارتی به ویژه در سفر به عراق، زائران از نوعی انعطاف پذیری ویژه برخوردار می شوند؛ به گونه ای که مطالب حاوی امر به معروف و نهی از منکر را به راحتی می پذیرند و این حالت به برکت ذوات مقدسه ای است که زائر به زیارت آنها آمده است؛ به عنوان مثال در سفر عتبات وقتی مطلبی را از یک مبلغ عادی بشنوند می پذیرند و عمل می کنند. در حالی که همین مطلب را بارها در شهر و دیار خودشان از گویندگان مشهور و مطرح، شنیده اند و به آن ترتیب اثر نداده اند. پیدایش چنین حالتی در زائران مسؤلیت و رسالت مبلغ کاروان را سنگین تر می کند. این شما هستید که باید از این فرصت گرانبها استفاده کنید و با بیان شیرین خود ارزش های والای اعتقادی و اخلاقی را در جان و روان همراهان نهادینه سازید. بسیاری از کسانی که در ایران نماز شب می خوانند یا به حضور در مسجد و نماز جماعت اهتمام می ورزند یا نگاه خود را از حرام برمی گیرند یا دست و زبان خود را کنترل می کنند یا بانوانی که به حجاب سخت پایبند هستند، این ارزش ها را از این سفرها به یادگار دارند. در سفری که با یک روحانی یا مداح با سلیقه به این سامان آمده اند، لذت درک حضور در محضر ائمه را چشیده اند و آن مبلغ با استفاده از این آمادگی روحی ارزش های یاد شده را برای ایشان تبیین کرده و از آنها خواسته است تا در این چند روزی که در کنار معصومان و اولیای الهی هستند، ادب حضور را رعایت کنند و گونه ای باشند که آنان می پسندند. در واپسین روزهای سفر نیز با یادآوری این که حیف است این تقرب و اتصالی که برقرار شده است از بین برود و گوهرهای معنوی را که حاصل شده از کف بدهند؛ به زائر پیشنهاد کرده اند که از خدا و ائمه کمک بخواهند و خود نیز تصمیم بگیرند تا این ارزش ها را به عنوان ارزنده ترین سوغات این سفر برای همیشه عمر خود به یادگار نگه دارند. ناگفته پیداست که اگر شما بتوانید در این فرصت چند روزه چنین تحوُّلی را در دل و جان همسفران پدید آورید، چه اندوخته عظیمی از ایمان و عمل صالح را برای خودتان و در پرونده عملتان ذخیره کرده اید که:

«وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا، کسی که یک نفر را با هدایت خود حیات معنوی بخشد، چنان است که همه مردم را زندگی بخشیده است.» (۱)

(ی) اصلاح حمد و سوره ها

اگر در لابی هتل نشسته اید و منتظر آماده شدن زائران برای عزیمت به نقطه ای هستید، از افراد حاضر دعوت کنید تا برای اصلاح قرائت حضور یابند و اشکالات احتمالی را رفع کنید. این کار برکات فراوان دارد. هم قرائت افراد اصلاح می شود و هم کسانی که نظاره گر و شنونده گفت و شنود شما هستند و به اهمیت موضوع پی می برند و هم خودتان با دقت و حساس شدن روی لغزش ها و غلط های رایج دیگران نسبت به صحت قرائت خودتان دقیق می شوید و

١- ر. ك: الكافي جلد ٣ ص ٤٥٤، وسائل جلد ٤ ص ٦٩.

مصوئیت پیدا می کنید. چون بعضی غلط ها تدریجی و ناخواسته روی زبان انسان می نشینند و یک وقت آدم متوجه می شود، که مدّت ها عبارتی را غلط یا نارسا تلفظ می کرده و خودش متوجه نبوده است.

ک) دقت در مرثیه خوانی

شایسته است با مطالعه و مراجعه به متون و منابع معتبر و موثق، اشعار و مرثیاتی وزین و صحیح را انتخاب کرده و همراه داشته باشید و به جا و به موقع از آنها بهره گیرید و هرگز مطالبی را که از صحت آنها اطمینان حاصل نکرده اید، به صرف شنیدن از دیگری بازگو نکنید. در این خصوص نیز شایسته است به چند نکته توجه شود:

۱. از ذکر مصیبت و مرثیه در حدّ چاشنی برای غذا استفاده کنید و به ویژه در ایام عادی هرگز تمام وقت مجلس خود را با ذکر مصیبت پر نکنید. شخصیت هایی که شما به زیارت آنها آمده اید، مثلاً امیرمؤمنان یا امام حسین (علیهما السلام) و ... فضایل و مناقب فراوان دارند، معجزات دارند، در ابعاد مختلفی از ارزش های والا سرآمد بشریتند، در مقاطع گوناگون تاریخ زندگی خود افتخارات بی نظیر آفریده اند، این منصفانه نیست که فکر و ذهن زائران آنها را فقط به تلخی ها و مصیبت های آنان معطوف کنیم. اگر باور داریم که آنان همواره ما را می بینند و سخن ما را می شنوند؛ با چه توجیهی راضی می شویم که همه روزه از صبح تا غروب شنونده تلخ ترین خاطرات زندگی خود باشند؛ که ما مرثیه خوانان و مدّاحان پی در پی به بهانه گریاندن زائران در گوش آن ها نیز زمزمه می کنیم. درود و رحمت خدا به روان آن منبری معروف تهرانی (۱) باد که وقتی در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) از او خواستند روضه حضرت علی اکبر (ع) را بخواند، از میان جمعیت برخاست و گفت من به شرطی در این مجلس، ذکر مصیبت خواهم کرد، که ابتدا پیرمردان مجلس برخیزند و زیر بغل امام حسین (ع) را بگیرند و از این جا بیرون ببرند. بعد من روضه فرزندش را بخوانم. آخر در حضور پدر که نمی شود، مصیبت فرزند جوانش را خواند و با همین اشاره لطیف و نمکین چنان مجلس را منقلب کرد که همگان به شدّت گریستند و مجلس اشباع شد.

۲. از به کار بردن الفاظ و عباراتی که با ادب حضور در محضر معصومین (علیهم السلام) منافات دارد پرهیز کنید.

۳. اشعاری که حاوی اهانت به خاندان پیامبر است را با توجیه این که دل شنونده را بسوزانید و بگریانید، نخوانید؛ به عنوان مثال هرگز حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) قهرمان خروشنده در مقابل یزید و آن عارف کامل که فرمود «

ما رأیت الا جمیلاً

» را با عبارتی همچون ستمدیده، آواره، بیچاره، کتک خورده و بلاکش توصیف نکنید.

۴. هرگز نگران گریه کردن زائر نباشید. آن ها در این سفر چنان عواطف سرشاری دارند، که غالباً با شنیدن فضایل اهل بیت هم می گریند. حتی نگاه به در و دیوار حرم ها و گنبد و ضریح اولیای دین هم اشکشان را جاری می کند، از این گذشته بنا بر این نیست که همه آنها با هر قیمتی که شده، حتماً گریه کنند. آن روز که امام صادق علیه السلام از تباک (تشبه به گریستن)

در کنار بکاء (گریستن) و ابکاء (گریاندن) نام برد، دقیقاً به این معنا توجه داشت که همه مردم در همه شرایط به گریه نمی افتند. از این رو فرمود:

«وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ»

کسی که خود را شبیه گریه کننده در آورد، بهشت برای او است.» (۲)

۱- مرحوم حاج آقا رضای سراج ره

۲- مرحوم حاج آقا رضای سراج ره

ل) دقت در صحیح خواندن متون دعاها و زیارات

معمولاً همه ما تصوّر می‌کنیم که متن دعاها و زیارات را صحیح می‌خوانیم. لیکن اگر گاهی موقع خواندن دیگران گوش بدهیم، به سادگی در خواهیم یافت، که عبارتی را اشتباه می‌خوانده ایم. یا دست کم محل های وقف و ابتدا را رعایت نمی‌کرده ایم. چه مانعی دارد که در این موارد احتیاط کنیم تا از قرائت صحیح عبارت ها مطمئن شویم. ساکنان این سرزمین ها عرب زبان هستند و خیلی زود متوجه خطای ما می‌شوند و بدون رودربایستی و در حضور دیگران خطای ما را به ما گوشزد می‌کنند. پس بهتر است بیشتر دقت کنیم، تا شرمندگی به بار نیاوریم.

م) پرهیز از اجرای برنامه درون حرم ها

بعضی به گمان این که برای زائران همراه خود سنگ تمام بگذارند، آن ها را با خود به درون حرم برده و برای ایشان زیارت یا دعا می‌خوانند. این کار پسندیده ای نیست؛ زیرا اجرای مراسم درون حرم با صدای بلند، مخلّ آسایش دیگران و موجب در هم ریختن حال توجه و حضور قلب آنان است. پس بهتر است همه مراسم گروهی و برنامه های دسته جمعی خود را در صحن ها اجرا و تمام کنیم، سپس به صورت انفرادی برای زیارت به حرم وارد شویم.

بد نیست همین جا یادآور شوم، که اعلام صلوات های پی در پی توسط برخی زائران در درون حرم ها نیز کار سنجیده ای نیست و توجیه درستی ندارد. درون حرم ها معمولاً همه متذکّر هستند و هرکس برای خود سرگرم دعا و زیارت است. وقتی کسی با صدای بلند همگان را دعوت به فرستادن صلوات می‌کند، دیگران یا باید صلوات را بفرستند که در این صورت از ذکر خود منقطع خواهند شد و یا صلوات را نفرستند که در این صورت از بیم آن که مبادا حدیث مذمت تارک صلوات (۱) شامل آن ها شود، مبتلا به تشویش و اضطراب می‌گردند.

یادآوری چند نکته

اشاره

کار روحانیون به این اعتبار که عهده دار هدایت همراهان هستند، شبیه کار انبیا است. از این رو باید کوشید تا در حد توان، ویژگی های انبیای الهی را در خود ایجاد و تقویت کرد؛ زیرا موفقیت مبلغان دینی در گرو برخورداری از همان خصوصیات است. اهمّ این خصوصیات را می‌توان بدین شرح برشمرد:

الف) اخلاص

مبلغ اگر مخلص نباشد نه در هدایت همراهان توفیق می‌یابد و نه برای خودش در نزد خدا پاداشی ذخیره می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«تَمَرَةُ الْعِلْمِ اخْلَاصُ الْعَمَلِ؛

میوه دانایی (به مبدأ و معاد) اخلاص عمل است.»^(۲) بدیهی است حضور در کنار مرقد امیرمؤمنان (علیه السلام) که خود مظهر اخلاص است، فرصت گرانبهایی است که اگر در این جهت احساس کمبود و نیاز می کنیم، به ذیل عنایت ایشان متوسل شویم تا با عنایت کریمانه خود، مس وجود ما را طلا کنند و گوهر گرانبه اخلاص در نیت و عمل و گفتار و کردار را به ما نیز مرحمت فرمایند.

۱- در حدیثی آمده است که رسول خدا ص چند نفر را لعنت فرموده اند یکی از آنها کسی است که نام مبارک ایشان را بشنود و برایشان درود نفرستد. ر. ک: بحارالانوار جلد ۹۱، ص ۸۵.

۲- غرر الحکم، ۴۶۴۲.

(ب) سعه صدر

امروز کشور عراق، مشکلات فراوانی دارد و زائرانی که از سطوح مختلف جامعه در قالب کاروان های زیارتی به کشور عراق اعزام می شوند، جامعه ای ناهمگون و ناهماهنگ هستند و سلیقه ها و ظرفیت های مختلف دارند لذا هدایت معنوی آن ها کار دشواری است. عهده دار خدمت معنوی به زائران در این سرزمین می بایست از ظرفیت بالای روحی برخوردار باشد و با آرامش و تدبیر و درایت همچون پدری مهربان و برادری دلسوز و آگاه، گره کور تنش ها و ناهنجاری های پیش آمده را با سرانگشت تدبیر و حکمت بگشاید. در این کشور بیگانگان حاکمیت دارند. دولت مرکزی چندان بر همه امور مسلط نیست. کارها گاهی تقسیمات منطقی و عادلانه ای ندارد. بسیاری از شهروندان عراقی به خاطر مشکلات، تعادل روانی مناسبی ندارند. بنا بر این شما هستید، که باید با برخورداری از سعه صدر به گونه ای روابط همراهان را روان و تسهیل کنید که زمینه ای برای کشمکش و ناراحتی به وجود نیاید.

(ج) تواضع

تواضع و فروتنی از اخلاق عمومی انبیای الهی است و چه کسی از شما برای اتّصاف به این صفت ارزشمند سزاوارتر است؟ مگر نه این است که زائران همراه شما مهمانان اهل بیت (ع) هستند و ما هم خادم اهل بیت؟ لذا خادم بودن اقتضا می کند که ما با قطع نظر از این که خودمان کی هستیم و در ایران چه سمتی داریم، به مهمانان موالی خود خدمت کنیم. آن هم با قطع نظر از این که این مهمانان چه کسانی هستند و چه منزلت اجتماعی دارند. خادم باید مهمان اربابش را تکریم کند و گرنه حقّ مولایش را ادا نکرده است.

(د) نرمخوبی و مهربانی

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَمَأْنَفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ به موجب رحمت ویژه الهی است که با اینان نرمخو هستی و اگر خشن و سنگدل بودی از گردت پراکنده می شدند.» (۱) دقت کنید اگر پیامبر اکرم (ص) با آن همه محاسن و فضایل بی شمار تنها در صورت تندخویی جاذبه اش را از دست می دهد و به قول قرآن، مردم از گرد او پراکنده می شوند، حساب من و شما روشن است. بنا بر این مراقب باشید که در این سفر با زائر تندی نکنید، سرشان داد نزنید، آن ها را تویخ نکنید، که اگر چنین کردید، در دل آنان نسبت به شما کدورتی ایجاد خواهد شد و این کدورت مانع تأثیر سخن شما در دل او خواهد گشت.

(ه) خوش رویی و شادابی

زائرانی که همراه شما آمده اند، از نظر اخلاق و تربیت یکسان نیستند، ظرفیت های روحی متفاوتی دارند، آداب و رسوم آنان گوناگون است، حساسیت های آن ها هم نسبت به پدیده ها مختلف است. دوران آشنایی شما هم با آن ها کوتاه است با این

ویژگی‌ها شوخی با آنها اصلاً زمینه ندارد. چون گاهی ممکن است، از مزاح بی‌غرض شما برداشت منفی کنند. هنر یک مبلغ موفق این است که بتواند خوش رویی و شادابی را چنان با متانت، تواضع و وقار عجین کند که خاطرات شیرین و در عین حال مثبت و سازنده‌ای را از این سفر در ذهن و ضمیر زائران به یادگار بگذارد.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

(و) حفظ شأن و جایگاه مبلغ دینی

روحانی یا مدّاح، شأن والایی دارند. به همان اندازه که دین و مقدّسات دینی احترام دارند، مبلغان آن هم محترم اند و باید حافظ این شأن و مدافع آن باشید.

انجام برخی کارها ممکن است برای افراد عادی مشکلی نداشته باشد ولی همان اعمال، چه بسا برای شما مکروه یا حرام باشد؛ چون مردم از شما انتظار ویژه ای دارند؛ انتظاری که از افراد دیگر ندارند؛ مثلاً کشیدن سیگار در عراق رواج دارد ولی شما از کشوری آمده اید که سی سال است؛ در آن، ضدّ دخانیات تبلیغ می شود؛ به صرف این که مردم عراق غالباً سیگار می کشند، شما نباید به این کار مبادرت کنید. چون اگر زائران، شما را در این حال ببینند، نسبت به شما احساس ناخوشایندی پیدا می کنند و شخصیت و وجاهت شما در نظر آنان مخدوش و بی اعتبار می شود.

همچنین راهنمایی زائران برای خرید از فروشنده خاصّی که جنس بهتر یا ارزان تر می فروشد به خودی خود کار ناپسندی نیست ولی شما هرگز نباید به این قبیل کارها مبادرت کنید؛ زیرا به خاطر چند تومان صرفه مادی برای زائران حیثیت شما زیر سؤال می رود و متهم می شوید.

از دیگر اموری که باید رعایت شود آراستگی ظاهر و پوشیدن لباس کامل و معمولی است. گاهی یک مدّاح با صورت تراشیده یا لباس های جلف و سبک و تنگ مثلاً با شلوار لی یا کاپشن کوتاه در ملاء عام ظاهر می شود یا یک روحانی به بهانه این که هوا گرم است، بدون عمامه یا عبا و قبا به خیابان و حرم و ... می رود چنین اموری از جاذبه شما در دل آنها می کاهد.

امام صادق علیه السلام به یکی از بستگانش فرمود:

«إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَأَنَّ مِنْكَ أَحْسَنَ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَهُوَ مِنْكَ أَقْبَحَ لِمَكَانِكَ مِنَّا؛

کار خوب از هر کس سر بزند خوب است؛ ولی از تو خوب تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی و کار بد هم از هر کس صادر شود بد است و از تو بد تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی.» (۱)

نوع نگاه به زائر

نگاه به زائر باید نگاه خادم به مخدوم خویش باشد و بکوشد تا به بهترین و ماندگارترین روش معارف اسلامی را برای ایشان تبیین و خاطرات معنوی سفر را پایدار سازد.

بدیهی است اجر و پاداش چنین خادمانی از دست موالیان بزرگوار و خدای مهربان بسیار کریمانه و جاودانه خواهد بود.

کروکی اماکن زیارتی

نقشه حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع) و آثار آن

- ۱- مرقد و مزار علی اکبر (ع)
- ۲- محل دفن شهدای بنی هاشم
- ۳- سایر شهدای کربلا
- ۴- گودال قتلگاه
- ۵- مزار حبیب بن مظاهر
- ۶- مزار ابراهیم مجاب
- ۷- مزار شریف مرتضی و سید رضی و پدرشان ابواحمد حسین
- ۸- محل قبلی تکیه بکناشیه
- ۹- محل دفن شیخ محمدباقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، آل عصفور، سید کاظم رشتی، آل کمونه حسینی، کلیددار
- ۱۰- محل دفن پادشاهان قاجار، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه و محمد حسن میرزا، ظل السلطان و نیز سلطان حمزه میرزا از سلاطین صفوی
- ۱۱- محل دفن میرزا تقی خان امیرکبیر
- ۱۲- باب ابراهیم مجاب
- ۱۳- باب الکرامه
- ۱۴- باب علی اکبر (ع)
- ۱۵- باب حبیب بن مظاهر
- ۱۶- قبر میرزا محمدتقی شیرازی

۱۷- قبر ابن فهد حلی

۱۸- مکان قبر فضولی بغدادی

۱۹- مقبره خاندان مجتهد قزوینی

۲۰- محل دفن خاندان بحرانی و زینی حسنی

۲۱- محل دفن خاندان برغانی

۲۲- محل دفن پادشاهان آل بویه

نقشه حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع)

۱- باب المراد

۲- باب الرواق

۳- مناره طلا (شرقی)

۴- مناره طلا (غربی)

۵- باب العلقمی (باب الرضا)

۶- مقام دست چپ حضرت عباس (ع) (بازارچه عباس (ع))

۷- مقام دست راست حضرت عباس (ع)

راهنمای حرم مطهر

مراقده علماء در صحن شریف

اتاق شماره ۱: آرامگاه شیخ ضیاءالدین بن محمد عراقی (متوفی ۱۳۶۱ هـ. ق) از اساطین مجتهدین نجف

اتاق شماره ۲: آرامگاه سید حسین بن علی همدانی، سید نصر بن صدر علماء بنی صدر و شیخ اسماعیل بن محمد علی محلاتی

اتاق شماره ۳: آرامگاه شیخ محمد حسین بن محمد باقر اصفهانی، شیخ عبد علی بن امیر علی الرشتی

اتاق شماره ۴: آرامگاه سید موسی بن مهدی مازندرانی

اتاق شماره ۶: آرامگاه سید محمد جواد تبریزی (متوفی ۱۳۸۸ هـ. ق)، شیخ فتح علی بن حسن سلطان آبادی و شیخ محمد رضا بن علی نایینی

اتاق شماره ۱۱: آرامگاه شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری معروف به خاتم المجتهدین صاحب مکاسب (متوفی ۱۲۸۱ هـ. ق) و شیخ آقا رضا بن محمد باقر تبریزی

اتاق شماره ۱۳: آرامگاه سید علی بن محمد خلخالی، سید آقا بن محمد خلخالی، شیخ کمال الدین بن محمد تقی شریعتمدار،

سید عبدالصمد بن احمد جزائری شوشتری (متوفی ۱۳۳۷ هـ. ق)

اتاق شماره ۱۵: در ایوان اطاق آرامگاه شیخ حسین بن محمد تقی نوری (متوفی ۱۳۲۰ هـ. ق)، شیخ عباس بن محمد رضا قمی (متوفی ۱۳۵۹ هـ. ق) مؤلف مفاتیح الجنان و چهار اثر حدیثی دیگر

اتاق شماره ۱۸: آرامگاه سید عباس بن اسدالله بن عباس اشکوری، سید حسین بن عباس اشکوری، شیخ محمد علی بن محمد نصیر چهاردهی و سید جعفر بن محمد مرعشی (متوفی ۱۴۰۷ هـ. ق)

اتاق شماره ۱۹: آرامگاه سید علی مدد قائینی (متوفی سال ۱۳۸۴ هـ. ق)

اتاق شماره ۲۰: آرامگاه سید علی بن محمد نوری

اتاق شماره ۲۱: آرامگاه شیخ حسین بن عبدالرحیم نایینی (متوفی ۱۳۵۵ هـ. ق) و سید محمد بن میرقاسم فشارکی (متوفی ۱۳۱۳ هـ. ق)، سید اسماعیل بن رضی شیرازی، شیخ محمد غلام بن غلام علی تستری و شیخ موسی بن محمد خوانساری

در ایوان اتاق، آرامگاه سید علی اصغر بن محمد تقی شهرستانی

اتاق شماره ۲۲: آرامگاه سید حسین بن محمود قمی (متوفی ۱۳۶۶ هـ. ق)، شیخ فتح الله اصفهانی (شیخ شریعه) (متوفی ۱۳۳۹ هـ. ق)، شیخ باقر بن محمد مهدی زنجانی (متوفی ۱۳۹۴ هـ. ق)، سید علی بن محمد تقی تبریزی، شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی اوردبادی و در ایوان اطاق آرامگاه شیخ علی اکبر بن هاشم خوئی

اتاق شماره ۲۳: آرامگاه شیخ محمد علی بن ابی القاسم اوردبادی (متوفی ۱۳۰۸ هـ. ق)، سید احمد بن رضی مستنبط (متوفی ۱۴۰۰ هـ. ق)

اتاق شماره ۲۴: آرامگاه سید حسن بن عبدالله طالقانی (متوفی ۱۳۰۷ هـ. ق)، سید عباس بن حسین طالقانی (متوفی ۱۳۰۸ هـ. ق)، سید احمد بن حسین (طالقانی) (متوفی ۱۳۳۷ هـ. ق) و سید عبدالرسول بن مشکور طالقانی (متوفی ۱۳۹۴ هـ. ق)

اتاق شماره ۲۶: آرامگاه سید ابوالحسن بن محمد اصفهانی (متوفی ۱۳۵۶ هـ. ق)، سید میرباد کوبی (متوفی ۱۳۵۹ هـ. ق)، سید حسن بن آقا بزرگ بجنوردی (متوفی ۱۴۰۵ هـ. ق)، شیخ حبیب الله بن محمد علی رشتی و شیخ محمد کاظم بن حسین خراسانی معروف به آخوند خراسانی صاحب کفایت الاصول

اتاق شماره ۲۹: آرامگاه سید ابوالقاسم بن محمدرضا تبریزی، شیخ محمد علی بن محمد حسن خونساری و سید عزیزالله بن حسین درکنی

اتاق شماره ۳۱: آرامگاه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم بن علی اکبر خوئی (متوفی ۱۴۱۳ هـ. ق) همراه با فرزندان و سید نصرالله بن رضی مستنبط (متوفی ۱۴۰۰ هـ. ق) داماد آیت الله خوئی

اتاق شماره ۴۶: آرامگاه سید محمد بن محمد باقر فیروزآبادی و سید هادی بن ابی الحسن نقوی

اتاق شماره ۴۷: آرامگاه سید محمد کاظم بن عبدالعظیم یزدی (متوفی ۱۳۳۷ هـ. ق) صاحب عروه الوثقی

اتاق شماره ۴۸: آرامگاه سید عبدالحسین بن یوسف شرف الدین صاحب المراجعات (متوفی ۱۳۷۷ هـ. ق)

اتاق شماره ۴۹: آرامگاه سید عبدالغفار بن یوسف مازندرانی

اتاق شماره ۵۲: آرامگاه سید حسین بن اسماعیل شاهرودی و سید عزیز الله بن اسدالله تهرانی

اتاق شماره ۵۳: آرامگاه شیخ عبدالکریم بن محمد رضا زنجانی (متوفی ۱۳۸۸ هـ. ق)

گلدسته سمت درب باب طوسی: سمت راست گلدسته آرامگاه شیخ محمد حسین بن محمد حسن اصفهانی کمپانی (متوفی ۱۳۶۱ هـ. ق) استاد برجسته حوزه نجف، شهید آیت الله سید مصطفی بن روح الله خمینی (متوفی ۱۳۷۹ هـ. ق) و در سمت چپ گلدسته آرامگاه علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر (متوفی ۷۲۶ هـ. ق)

گلدسته سمت درب باب قبله: سمت راست گلدسته آرامگاه مقدس اردبیلی احمد بن محمد (متوفی ۹۹۲ هـ. ق)

ایوان علما: آرامگاه شیخ محمد مهدی بن ابی ذر نراقی صاحب جامع السعادات (متوفی ۱۲۰۹ هـ. ق) و شیخ احمد بن محمد مهدی نراقی، صاحب مستند الشیعه فی علم الشریعه، سید عبدالباقی بن محمد حسین خاتون آبادی و شیخ محمدباقر بن محمد باقر هزار جریبی

ورود خواهران به حرم از سمت باب طوسی: راهرو تا حرم سمت راست ایوان علما آرامگاه شیخ محمد بن فضل علی فاضل شریانی (متوفی ۱۳۲۲ هـ. ق)

آرامگاه خانواده مجدد شیرازی: آرامگاه سید محمد حسن بن محمود مجدد شیرازی (میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو)

غیر از این بزرگان افراد دیگری نیز در حرم و یا صحن دفن شده اند، از جمله: عضدالدوله و اشرف الدوله و بهاءالدوله از سلاطین آل بویه در ورودی شرقی حرم و برخی از سلاطین قاجار در شمال حرم مدفون هستند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

